قرآن کریم
وترجمهٔ معانی آن
بزبان فارسی
وقف خادم حرمین شریفین
ملك فهد بن عبدالعزیز آل سعود
خاص برای رضا خدای تعالی
فروختنش ناجائزاست
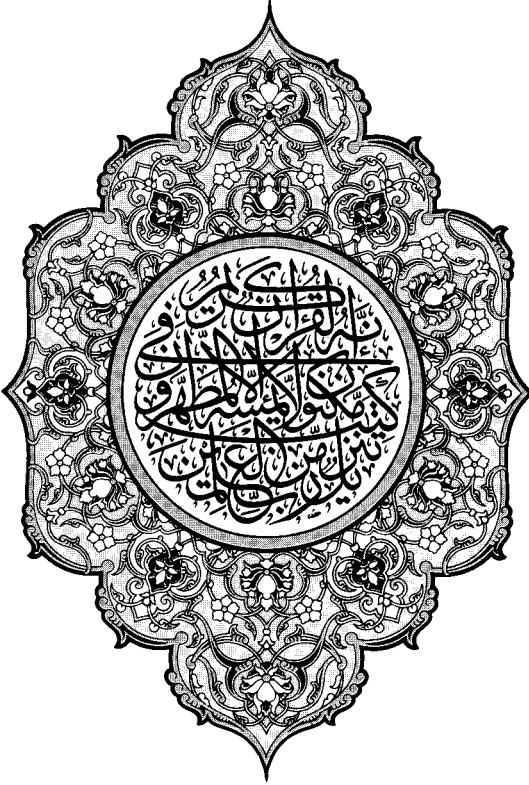
افتخار دستور چاب این قرآن کریم وترجمه معانی آن
توسط خادم حرمین شریفین ملك فهد بن عبد العزیز آل سعود
پادشاه عربستان سعودی به انجام رسید

تشرف بالأمر بطباعة هذا المصحف الشريف وترجمة معانيه
خادم الحرمين الشريفين الملك فهد بن عبد العزيز آل سعود
ملك المملكة العربية السعودية

وقفٌ لله تعالى من خادم الحرمين الشّريفين
الملك فهد بن عبد العزيز آل سعُود
ولا يجوز بيعُه

تُوزّع مجّانًا

مجمّع الملك فهد لطباعة المصحف الشّريف

وقف خادم حرمين شريفين
ملك فهد بن عبدالعزيز آل سعود
خاص براى رضا خداى تعالى، فروختنش ناجائزاست

«مُفت تقسيم ميشود»

چاپخانه قرآن كرِيم مجمّعِ ملك فهْد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

مقدمة

بقلم: معالي الشيخ
صالح بن عبد العزيز بن محمد آل الشيخ
وزير الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد
المشرف العام على المجمع

الحمد لله رب العالمين، القائل في كتابه الكريم:
﴿... قَدْ جَآءَكُم مِّنَ ٱللَّهِ نُورٌ وَكِتَٰبٌ مُّبِينٌ﴾.

والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين، نبينا محمد، القائل:
«خيركم من تعلم القرآن وعلَّمه».

أما بعد:

فإنفاذاً لتوجيهات خادم الحرمين الشريفين، الملك فهد بن عبد العزيز آل سعود، حفظه الله، بالعناية بكتاب الله، والعمل على تيسير نشره، وتوزيعه بين المسلمين، في مشارق الأرض ومغاربها، وتفسيره، وترجمة معانيه إلى مختلف لغات العالم.

وإيماناً من وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد بالمملكة العربية السعودية، بأهمية ترجمة معاني القرآن الكريم، إلى جميع لغات العالم المهمة، تسهيلاً لفهمه على المسلمين الناطقين بغير العربية، وتحقيقاً للبلاغ، المأمور به في قوله ﷺ: «بلِّغوا عنّي ولو آية».

وخدمة لإخواننا الناطقين باللغة الفارسية، يطيب لمجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف بالمدينة المنورة، أن يقدم للقارئ الكريم هذه الترجمة الفارسية، التي قام بها الشيخ الشاه ولي الله الدهلوي. وراجعها من قبل المجمع فضيلة الشيخين د./ عبد الغفور بن عبد الحق البلوشي، ومحمد علي داري، مع العلم أنه تم تحديث لغتها من قبل المجمع.

ونحمد الله سبحانه وتعالى، أن وفق لإنجاز هذا العمل العظيم، الذي نرجو أن يكون خالصاً لوجهه الكريم، وأن ينفع به النّاس.

إننا لندرك أن ترجمة معاني القرآن الكريم، مهما بلغت دقتها، فإنها ستكون قاصرة عن أداء المعاني العظيمة التي يدل عليها النص القرآني المعجز، وأن المعاني التي تؤديها الترجمة إنما هي حصيلة ما بلغه علم المترجم في فهم كتاب الله الكريم، وأنه يعتريها ما يعتري عمل البشر كلّه من خطأ ونقص.

ومن ثم نرجو من كل قارئ لهذه الترجمة أن يوافي مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف بالمدينة النبوية، بما قد يجده فيها من خطأ أو نقص أو زيادة، للإفادة من الاستدراكات في الطبعات القادمة إن شاء الله.

والله الموفق، وهو الهادي إلى سواء السبيل، اللّهم تقبّل منا إنّك أنت السميع العليم.

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

پیش گفتار،

نوشته: عالیمقام الشیخ
صالح بن عبد العزیز بن محمد آل الشیخ
وزیر امور اسلامی واوقاف ودعوت وارشاد
سرپرست عمومی مجمع

حمدو ستایش خدای راکه پروردگار جهانیان است که در کتاب خود فرموده است،
﴿... قَدۡ جَآءَكُم مِّنَ ٱللَّهِ نُورٞ وَكِتَٰبٞ مُّبِينٞ﴾
به تحقیق که آمد شمارا ازطرف خداوند نوری وکتاب روشن بیان ودرود وسلام بر أشرف انبیاء پیامبر مان محمد (ﷺ) که فرمودند:
«خیرکم من تعلّم القرآن وعلّمه»
بهترین شماکسی است که قرآن را بیآموزد وبه دیگران آموزش دهد،
أما بعد:
برای تحقق رهنمودهای خادم حرمین شریفین شاه فهد بن عبد العزیز آل سعود ـ حفظه الله.
دراهتمام راجع بقرآن کریم وچاپ ونشرآن وتقسیمش بین مسلمانان دراقصی نقاط جهان و همچنین ترجمه وتفسیر معانی آن به زبانهای مختلف جهان.
وبنابر اعتقاد وزارت أمور اسلامی واوقاف و دعوت و ارشاد مملکت عربستان سعودی دراهمیت ترجمه معانی قرآن کریم به تمامی زبانهای مهم جهان وتسهیل فهم آن برای مسلمان غیر عرب زبان و تحقق مصداق رهنمودپیامبرگرامی اسلام ـ ﷺ ـ که فرمودند (بلغوا عني ولو آية) ابلاغ کنیدازمن حتی یك آیه.
و برای خدمت برادران فارسی زبانمان باعث مسرّت است که این ترجمه فارسی را تقدیم خوانند گان فارسی زبان کنیم که بوسیلهٔ شیخ شاه ولی الله دهلوی ترجمه، وباز بیني وبررسی مجدد ازجهت مجمع توسط د/عبد الغفور عبد الحق بلوچ وشیخ محمد علی داری شده است.
باآگاهی به آنکه لغة ترجمه به تجدید ازجهت مجمع به انجام رسید، بارگاه إلها ازما قبول فرما به یقین توئی شنوا ودانا.
شکر وسپاس خدارا داریم که توفیق این کار بزرگ را عطا فرمود، وامیدواریم که خالص برای رضای خداباشد وباعث منفعت مردمان قرارگیرد.
والبته ماخوب درک می کنیم که ترجمه معانی قرآن کریم هر چند که دقیق باشد فراگیرندهٔ مفهوم اصلی معانی وسیع نصوص پراعجاز قرآن نخواهد بود، وأما معانی ایکه ترجمه دربر دارد خلاصه ای ازرسائی علم مترجم درفهم قرآن کریم است.
ودر برگیرندهٔ نقص واشتباهاتی خواهد بودکه عموم بشر ازآن مصون نیست.
پس بنابراین ازتمامی خوانند گان محترم این ترجمه خواهشمندیم درصورت مشاهدهٔ هرگونه اشتباهاتی از قبیل کمی وبیشی وغیره لطفا آنرا به مجمع ملك فهد برای چاپ قرآن کریم در مدینه منوره ارسال نموده تاکه درچاپهای آینده از ملاحظات شما استفاده گردد إن شاء الله تعالی.
والله الموفق والهادی إلی سواء السبیل،
خدااست توفیق دهنده واوست راهنمابه راه راست، أللّهم تقبّل منا إنك أنت السمیع العلیم.

سُورَةُ الفَاتِحَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ١

ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢

ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ٣ مَٰلِكِ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ٤

إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ ٥ ٱهۡدِنَا

ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ ٦ صِرَٰطَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمۡتَ

عَلَيۡهِمۡ غَيۡرِ ٱلۡمَغۡضُوبِ عَلَيۡهِمۡ

وَلَا ٱلضَّآلِّينَ ٧

بنام خدای بخشاینده مهربان (۱)

ستایش برای خدای است، پروردگار عالمها[*][۱] (۲).

بخشاینده مهربان (۳).

خداوند روزِجزا (٤).

(تنها) ترا می پرستیم و(تنها) ازتو یاری می جوییم (٥).

بنما مارا راه راست (٦).

راه آنانکه اکرام کرده ای برایشان.

نه راه آنانکه خشم گرفته شد برآنها ونه راه گمراهان[۲] (۷).

(*) توضیح: ستایش خداوندی راسزاست که پروردگار جهانیان است.

(۱) مترجم گوید یعنی عالم انس و عالم جن وعالم ملائکه و علیٰ هذا القیاس فتح الرحمٰن.

(۲) مترجم گوید مراد از آنانکه اکرام کرده شد برآنها چهار فرقه اند نبیین و صدیقین و شهدا وصالحین ومراد ازآنانکه خشم گرفته شد برآنها یهود اندوازگمراهان نصاری، آمین قبول کن دعای مارا فتح الرحمٰن.

سُورَةُ البَقَرَةِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓمٓ ﴿١﴾ ذَٰلِكَ ٱلْكِتَٰبُ لَا رَيْبَ ۛ فِيهِ ۛ هُدًى
لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٢﴾ ٱلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِٱلْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ
وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣﴾ وَٱلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ
إِلَيْكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِٱلْءَاخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٤﴾
أُو۟لَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ ۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ
هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ﴿٥﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

الّم (۱).

این کتاب هیچ شبهه ای درآن نیست، پرهیز گاران را رهنماست (۲).

آنانکه به نادیده ایمان می آورند و نمازرا برپامی دارند وازآنچه ایشان را روزی داده ایم خرج می کنند (۳).

وآنانکه به آنچه فرودآورده شده به سوی تو وآنچه فرود آورده شده پیش ازتو ایمان می آورند وایشان به آخرت یقین دارند (٤).

ایشان ازجانب پروردگار خویش برهدایت اند وایشان رستگارانند (٥).

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ ءَأَنذَرۡتَهُمۡ أَمۡ لَمۡ تُنذِرۡهُمۡ
لَا يُؤۡمِنُونَ ﴿٦﴾ خَتَمَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَعَلَىٰ سَمۡعِهِمۡۖ وَعَلَىٰٓ
أَبۡصَٰرِهِمۡ غِشَٰوَةٞۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ﴿٧﴾ وَمِنَ ٱلنَّاسِ
مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَمَا هُم بِمُؤۡمِنِينَ ﴿٨﴾
يُخَٰدِعُونَ ٱللَّهَ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَمَا يَخۡدَعُونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمۡ
وَمَا يَشۡعُرُونَ ﴿٩﴾ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ فَزَادَهُمُ ٱللَّهُ مَرَضٗاۖ
وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمُۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡذِبُونَ ﴿١٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ
لَا تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ قَالُوٓاْ إِنَّمَا نَحۡنُ مُصۡلِحُونَ ﴿١١﴾ أَلَآ إِنَّهُمۡ
هُمُ ٱلۡمُفۡسِدُونَ وَلَٰكِن لَّا يَشۡعُرُونَ ﴿١٢﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ
ءَامِنُواْ كَمَآ ءَامَنَ ٱلنَّاسُ قَالُوٓاْ أَنُؤۡمِنُ كَمَآ ءَامَنَ ٱلسُّفَهَآءُۗ
أَلَآ إِنَّهُمۡ هُمُ ٱلسُّفَهَآءُ وَلَٰكِن لَّا يَعۡلَمُونَ ﴿١٣﴾ وَإِذَا لَقُواْ
ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوۡاْ إِلَىٰ شَيَٰطِينِهِمۡ قَالُوٓاْ إِنَّا
مَعَكُمۡ إِنَّمَا نَحۡنُ مُسۡتَهۡزِءُونَ ﴿١٤﴾ ٱللَّهُ يَسۡتَهۡزِئُ بِهِمۡ وَيَمُدُّهُمۡ
فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ ﴿١٥﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشۡتَرَوُاْ ٱلضَّلَٰلَةَ
بِٱلۡهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَٰرَتُهُمۡ وَمَا كَانُواْ مُهۡتَدِينَ ﴿١٦﴾

هرآئینه آنانکه کافرشدند برابراست برایشان که بترسانی ایشان را یانترسانی ایشان را، ایمان نیارند (٦). خدا بر دلهای ایشان مهرنهاد وبرشنوائی ایشان ـ وبرچشمهای ایشان پرده ایست و برای ایشان عذاب بزرگ است (٧). وازمردمان کسی هست که می گوید به خدا ایمان آوردیم وبه روز بازپسین وایشان مومنان نیستند (٨). خدا و مومنان را فریب می دهند و بحقیقت نمی فریبند مگر خودرا و نمی فهمند (٩). در دلهای ایشان بیماری ست پس خدا به ایشان بیماری را افزون داد وبرای ایشان عذاب درد دهنده است بسبب آنکه دروغ می گفتند (١٠). وچون به ایشان گفته شود درزمین تباه کاری مکنید گویند جزاین نیست که مااصلاح کاریم (١١). آگاه شو به تحقیق ایشان تباه کاران اند ولیکن آگاه نمی‌شوند (١٢). وچون به ایشان گفته شود که ایمان آورید چنانکه ایمان آوردند مردمان، گویند آیا ایمان آوریم چنانچه ایمان آوردند بیخردان؟ آگاه شو به تحقیق ایشانند بی خردان ولیکن نمی دانند (١٣). ووقتیکه ملاقات می کنند بااهلِ ایمان گویند ایمان آورده ایم و چون باشیاطین خود[1] تنها شوند گویند هرآئینه ماباشماییم جزاین نیست که ماتمسخر می کنیم (١٤). خدا به ایشان تمسخرمی کند وایشان را مهلت میدهد شرگشته درگمراهیشان (١٥). ایشان آنکسانند که گمراهی را عوضِ هدایت خریدند پس تجارت ایشان سود نیافت و راهیاب نشدند (١٦).

(١) یعنی رئیسانِ خود.

مَثَلُهُمۡ كَمَثَلِ ٱلَّذِى ٱسۡتَوۡقَدَ نَارًا فَلَمَّآ أَضَآءَتۡ مَا حَوۡلَهُۥ
ذَهَبَ ٱللَّهُ بِنُورِهِمۡ وَتَرَكَهُمۡ فِى ظُلُمَٰتٍ لَّا يُبۡصِرُونَ ﴿١٧﴾ صُمٌّۢ
بُكۡمٌ عُمۡىٌ فَهُمۡ لَا يَرۡجِعُونَ ﴿١٨﴾ أَوۡ كَصَيِّبٍ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فِيهِ
ظُلُمَٰتٌ وَرَعۡدٌ وَبَرۡقٌ يَجۡعَلُونَ أَصَٰبِعَهُمۡ فِىٓ ءَاذَانِهِم مِّنَ
ٱلصَّوَٰعِقِ حَذَرَ ٱلۡمَوۡتِۚ وَٱللَّهُ مُحِيطُۢ بِٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿١٩﴾ يَكَادُ ٱلۡبَرۡقُ
يَخۡطَفُ أَبۡصَٰرَهُمۡۖ كُلَّمَآ أَضَآءَ لَهُم مَّشَوۡاْ فِيهِ وَإِذَآ أَظۡلَمَ عَلَيۡهِمۡ
قَامُواْۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمۡعِهِمۡ وَأَبۡصَٰرِهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ
كُلِّ شَىۡءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِى
خَلَقَكُمۡ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ﴿٢١﴾ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ
ٱلۡأَرۡضَ فِرَٰشًا وَٱلسَّمَآءَ بِنَآءً وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَخۡرَجَ
بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ رِزۡقًا لَّكُمۡۖ فَلَا تَجۡعَلُواْ لِلَّهِ أَندَادًا وَأَنتُمۡ
تَعۡلَمُونَ ﴿٢٢﴾ وَإِن كُنتُمۡ فِى رَيۡبٍ مِّمَّا نَزَّلۡنَا عَلَىٰ عَبۡدِنَا فَأۡتُواْ
بِسُورَةٍ مِّن مِّثۡلِهِۦ وَٱدۡعُواْ شُهَدَآءَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن
كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿٢٣﴾ فَإِن لَّمۡ تَفۡعَلُواْ وَلَن تَفۡعَلُواْ فَٱتَّقُواْ ٱلنَّارَ
ٱلَّتِى وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُۖ أُعِدَّتۡ لِلۡكَٰفِرِينَ ﴿٢٤﴾

داستانِ ایشان مانند داستانِ کسی است که آتش را افروخت پس چون آتش دوروبر اورا روشن کرد خدا نور ایشان را ازبین برد وایشان را درتاریکی‌ها یی که هیچ نبینند بگذاشت (۱۷). کرانند، گنگانند، کورانند پس ایشان بازنمی گردند[۲] (۱۸). یا (داستان ایشان) مانند باران تنداست که از آسمان آمده باشد که دروی تاریکی ها ورعد وبرق است، انگشتانِ خودرا در گوشهای خود درمی آرند بسبب آواز های پُرهول از ترس مرگ، وخدا کافران را احاطه کننده است (۱۹). نزدیك است که برق چشمهای ایشان را بُرباید هرگاه روشنی دهد برق ایشان را راه روند درآن روشنی و چون برایشان تاریکی دهد بایستند واگر خدامی خواست البته شنوائی ایشان را ودیده های ایشان را می برد هرآئینه خدا برهمه چیز تواناست[۳] (۲۰). ای مردمان پروردگار خویش را بپرستید آنکه شمارا وکسانی را که پیش ازشمابوده اند آفرید تادرپناه شوید[٤] (۲۱). آنکه برای شما زمین را بساطی و آسمان را سقفی ساخت وازآسمان آبي فرود آورد سپس به آن ازانواع میوه ها روزی برای شما بیرون آورد پس برای خدا همتایان مقرر مکنید درحالیکه شمامیدانید (۲۲). واگر هستید درشبهه ازآنچه بربندهٔ خود فرود آوردیم (یعنی ازقرآن) پس یك سوره ای مانندآن بیارید ومددگاران خودرا غیر از خدا بخوانید اگر راستگو هستید (۲۳). پس اگرنکردید والبته نتوانید کردن پس حذر کنید ازآن آتشی که آتش انگیز آن[٥]مردمان وسنگهاباشند، برای کافران آماده کرده شده است (٢٤).

---

(۲) مترجم گوید که حاصل مثل آنست که اعمال منافقان همه نابود شود چنانکه روشنی آن جماعت دورشد.

(۳) مترجم گوید که حاصل مثل آناست که منافقان در ظلمات نفسانی افتاده اند وچون مواعظه بلیغه شنوند في الجمله ایشان را تنبیهی می شودوآن فائده نکند مانند مسافران که درشبِ تاریك و ابرحیران باشند ودربرق دوسه قدم بروند وبازایستند والله اعلم.

(٤) تاپرهیزگارشوید (واز خشم خدا ایمن باشید مصحح).

(٥) یعنی هیزمهای وی.

وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ ۖ كُلَّمَا رُزِقُواْ مِنْهَا مِن ثَمَرَةٍ رِّزْقًا ۙ قَالُواْ هَٰذَا ٱلَّذِى رُزِقْنَا مِن قَبْلُ ۖ وَأُتُواْ بِهِۦ مُتَشَٰبِهًا ۖ وَلَهُمْ فِيهَآ أَزْوَٰجٌ مُّطَهَّرَةٌ ۖ وَهُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٢٥﴾ ۞ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَسْتَحْىِۦٓ أَن يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا ۚ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ ۖ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَيَقُولُونَ مَاذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلًا ۘ يُضِلُّ بِهِۦ كَثِيرًا وَيَهْدِى بِهِۦ كَثِيرًا ۚ وَمَا يُضِلُّ بِهِۦٓ إِلَّا ٱلْفَٰسِقِينَ ﴿٢٦﴾ ٱلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعْدِ مِيثَٰقِهِۦ وَيَقْطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِى ٱلْأَرْضِ ۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ ﴿٢٧﴾ كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِٱللَّهِ وَكُنتُمْ أَمْوَٰتًا فَأَحْيَٰكُمْ ۖ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٨﴾ هُوَ ٱلَّذِى خَلَقَ لَكُم مَّا فِى ٱلْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ ٱسْتَوَىٰٓ إِلَى ٱلسَّمَآءِ فَسَوَّىٰهُنَّ سَبْعَ سَمَٰوَٰتٍ ۚ وَهُوَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٩﴾

وآنکسان را که ایمان آورده اند وکارهای شایسته کرده اند بشارت ده بآنکه ایشان راست بوستانهایي که میرود زیرِآنها جویهاهرگاه داده شوند ازآنجا روزی ازقسم میوه، گویند این هما نست که پیش ازین داده شده بودیم وبه ایشان آن روزی مانند یکدیگر آورده شود[٦] وبرایشان درآنجا زنان پاك کرده شده است وایشان درآنجاجاویدند (۲۵). هرآئینه خدا ازآنکه بزند مثال پشه ای وبالاترازآن را شرم نمیکند، اماآنانکه ایمان آورده اند میدانند که این مثال از پروردگار ایشان راست است واماآنانکه کافرند می گویند چه چیز خواسته است خدا به (آوردن) این مثال خدا بسبب آن بسیاری را گمراه میکند وبه آن بسیاری را هدایت میکند و گمراه نمی کند به آن مگربدکاران را (۲٦). آنان (فاسقان)[۷] که پیمان خدارا بعد بستن آن می شکنند وآنچه راکه خدا امر فرموده است به پیوستن آن می بُرند در زمین فساد می کنند ایشان زیان کاران اند (۲۷). چگونه به خدا کافر می شوید وحال آنکه مردگان بودید پس شمارا زنده گردانید، بعدازآن شمارا بمیراند باز شمارا زنده گرداند بازبسوی وی بازگردانیده شوید (۲۸). وی آنست که برای شما هر چه در زمین است همه را بیافرید باز به سوی آسمان متوجه شد پس آن راهفت آسمان ساخت واو به همه چیز دانااست (۲۹).

(٦) یعنی غبارِ فقد انِ مرغوب هیچ ساعت بخاطرایشان نه نشیند والله اعلم.

(۷) کافران چون ذکر پشّه وعنکبوت در قرآن شنیدند طعن کردند و گفتند که خدای تعالی بذکراین چیزهای خسیس چه اراده کرده است پس این آیت نازل شد والله اعلم.

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّى جَاعِلٌ فِى ٱلْأَرْضِ خَلِيفَةً ۖ قَالُوٓا۟ أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ ٱلدِّمَآءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۖ قَالَ إِنِّىٓ أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾ وَعَلَّمَ ءَادَمَ ٱلْأَسْمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى ٱلْمَلَٰٓئِكَةِ فَقَالَ أَنۢبِـُٔونِى بِأَسْمَآءِ هَٰٓؤُلَآءِ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٣١﴾ قَالُوا۟ سُبْحَٰنَكَ لَا عِلْمَ لَنَآ إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَآ ۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلْعَلِيمُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٣٢﴾ قَالَ يَٰٓـَٔادَمُ أَنۢبِئْهُم بِأَسْمَآئِهِمْ ۖ فَلَمَّآ أَنۢبَأَهُم بِأَسْمَآئِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ إِنِّىٓ أَعْلَمُ غَيْبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٣٣﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَٰٓئِكَةِ ٱسْجُدُوا۟ لِءَادَمَ فَسَجَدُوٓا۟ إِلَّآ إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَٱسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٣٤﴾ وَقُلْنَا يَٰٓـَٔادَمُ ٱسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ ٱلْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٣٥﴾ فَأَزَلَّهُمَا ٱلشَّيْطَٰنُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ ۖ وَقُلْنَا ٱهْبِطُوا۟ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۖ وَلَكُمْ فِى ٱلْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٣٦﴾ فَتَلَقَّىٰٓ ءَادَمُ مِن رَّبِّهِۦ كَلِمَٰتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ ۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٣٧﴾

ویادکن چون گفت پرورد گارتوبه فرشتگان که من درزمین جانشینی را آفریننده ام گفتندآیا می آفرینی درزمین کسی را که درآن فساد کند وخونریزی کند وما بحمدتو تسبیح می گوییم وبه پاکی برای تو - اقرارمی کنیم - فرمود هرآئینه من میدانم آنچه شما نمی دانید (۳۰). وخدا آدم را نامهای همه مخلوقات بیاموخت باز آن چیزهارا برفرشتگان عرضه کرد پس گفت مرا بنام های این چیزها خبردهید اگرشماراست گوهستید (۳۱). گفتند ترا به پاکی یاد می کنیم هیچ دانش نیست مارا مگر آنچه تو آموختی بما هرآئینه تویی دانای باحکمت (۳۲). فرمود ای آدم فرشتگان را بنام های آنها خبرده، پس چون ایشان را به نام های آنها خبرداد فرمود آیانگفته بودم شمارا که هرآئینه من پنهان آسمان ها وزمین را میدانم ومیدانم آنچه را که آشکار می کنید وآنچه را که پوشیده می داشتید (۳۳). وچون به فرشتگان گفتیم آدم را سجده کنید، پس سجده کردند مگرابلیس قبول نکرد وسرکشی نمود وازکافران گشت (۳٤). وگفتیم ای آدم سُکنا گزینید تو و همسرت دربهشت وبخورید از (میوه های) بهشت هرجاکه خواهید خوردن بسیار ونزدیك مشوید باین درخت که ازستمگاران خواهیدشد (۳٥). پس هردورا شیطان ازآنجا بلغزانید پس ایشان را ازآن نعمتهایی که بودنددرآن برآورد وفرمودیم فرودآیید (به زمین) درحالیکه بعضِ شمادشمن بعضی باشد وشما در زمین تامدتی آرام گاه وبهره مندی دارید (۳٦). پس آدم ازپروردگار خود سخنی چند را فرا گرفت پس خداوند توبه اورا بمهربانی خود قبول کرد، بیشك اوتوبه قبول کنندهٔ مهربانست[۸] (۳۷).

(۸) وآن کلمات این است: ﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلْخَٰسِرِينَ﴾ والله اعلم.

قُلْنَا ٱهْبِطُوا۟ مِنْهَا جَمِيعًا ۖ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّى هُدًى فَمَن تَبِعَ هُدَاىَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣٨﴾ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَكَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَآ أُو۟لَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٣٩﴾ يَٰبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱذْكُرُوا۟ نِعْمَتِىَ ٱلَّتِىٓ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا۟ بِعَهْدِىٓ أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّٰىَ فَٱرْهَبُونِ ﴿٤٠﴾ وَءَامِنُوا۟ بِمَآ أَنزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوٓا۟ أَوَّلَ كَافِرٍۭ بِهِۦ ۖ وَلَا تَشْتَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِى ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّٰىَ فَٱتَّقُونِ ﴿٤١﴾ وَلَا تَلْبِسُوا۟ ٱلْحَقَّ بِٱلْبَٰطِلِ وَتَكْتُمُوا۟ ٱلْحَقَّ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤٢﴾ وَأَقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُوا۟ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱرْكَعُوا۟ مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ ﴿٤٣﴾ ۞ أَتَأْمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلْبِرِّ وَتَنسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَأَنتُمْ تَتْلُونَ ٱلْكِتَٰبَ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٤٤﴾ وَٱسْتَعِينُوا۟ بِٱلصَّبْرِ وَٱلصَّلَوٰةِ ۚ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى ٱلْخَٰشِعِينَ ﴿٤٥﴾ ٱلَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَٰقُوا۟ رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَٰجِعُونَ ﴿٤٦﴾ يَٰبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱذْكُرُوا۟ نِعْمَتِىَ ٱلَّتِىٓ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّى فَضَّلْتُكُمْ عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٤٧﴾ وَٱتَّقُوا۟ يَوْمًا لَّا تَجْزِى نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْـًٔا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَٰعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤٨﴾

نصف الحزب ١

فرمودیم همه شما از آنجا فرودآیید پس اگر بیاید به شما ازمن هدایتی پس هرکه هدایتِ مرا پیروی کرد هیچ ترس نیست برآنان ونه ایشان اندوه خورند (۳۸). وکسانیکه کفرورزیدند وآیات مارا تکذیب کردند ایشان باشند گانِ دوزخ اند، ایشان در آنجاجاویدند (۳۹). ای[۹] فرزندان یعقوب یادکنید آن نعمت مراکه ارزانی داشتم برشما وبه پیمان من وفاکنید تا به پیمان شما وفاکنم وتنها ازمن بترسید (٤٠). وایمان آرید بآنچه فرود آورده ام درحالیکه تصدیق کننده است آنچه راکه باشماست ومباشید نخستین منکراو وعوض آیتهای من بهای اندك را مستانید وتنهاازمن بترسید (٤١). وراست را باناراست آمیخته مکنید وراست را پنهان مکنید درحالیکه شمامیدانید، (٤٢). ونمازرا برپادارید وزکوٰة را بدهید ونماز گزارید بانماز گزارند گان (٤٣). آیا مردمان را به نیکوکاری می فرمایید وخویشتن را فراموش میکنید حال آنکه شما کتاب (یعني تورات) را می خوانید آیا نمی فهمید (٤٤). ومدد طلبید[۱۰] به شکیبایی ونماز ـ وهرآئینه نماز دشوار است مگربرفروتنان (٤٥). آنانکه میدانند که ایشان باپروردگار خویش ملاقات خواهند کرد وآنکه ایشان بسوی وی بازخواهند گشت (٤٦). ای فرزندان یعقوب آن نعمت مرا که ارزانی داشته ام برشما یادکنید وآنکه شمارا برهمه عالم ها[۱۱] فضل دادم (٤٧). بترسید ازآن روزی که کفایت نکند هیچکسی ازکسی چیزی را و پذیرفته نشود ازهیچ کس شفاعت وگرفته نشود ازهیچ کسی عوضی ونه ایشان یاری داده شوند (٤٨).

---

(۹) مترجم گوید خدای تعالی نعمتهای خود را بر بنی اسرائیل یاد آوری می کند ومعجزه هائی که درین قوم ظاهر شده بودذکر فرمود آنگاه شبهات وهفوات ایشان را ردکرد بدلائل واین قصه ممتداست تاقوله تعالی: ﴿وَإِذِ ٱبْتَلَىٰٓ إِبْرَٰهِـۧمَ رَبُّهُۥ﴾.

(۱۰) یعنی در جمیع حاجات و مصایب والله اعلم.

(۱۱) یعنی عالمیان آن زمان.

وَإِذْ نَجَّيْنَٰكُم مِّنْ ءَالِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوٓءَ ٱلْعَذَابِ
يُذَبِّحُونَ أَبْنَآءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَآءَكُمْ ۚ وَفِى ذَٰلِكُم بَلَآءٌ
مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٤٩﴾ وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ ٱلْبَحْرَ فَأَنجَيْنَٰكُمْ
وَأَغْرَقْنَآ ءَالَ فِرْعَوْنَ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ ﴿٥٠﴾ وَإِذْ وَٰعَدْنَا مُوسَىٰٓ
أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ ٱتَّخَذْتُمُ ٱلْعِجْلَ مِنۢ بَعْدِهِۦ وَأَنتُمْ ظَٰلِمُونَ
﴿٥١﴾ ثُمَّ عَفَوْنَا عَنكُم مِّنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٢﴾
وَإِذْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿٥٣﴾
وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِۦ يَٰقَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُم بِٱتِّخَاذِكُمُ
ٱلْعِجْلَ فَتُوبُوٓا۟ إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَٱقْتُلُوٓا۟ أَنفُسَكُمْ ذَٰلِكُمْ
خَيْرٌ لَّكُمْ عِندَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ ۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلتَّوَّابُ
ٱلرَّحِيمُ ﴿٥٤﴾ وَإِذْ قُلْتُمْ يَٰمُوسَىٰ لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى ٱللَّهَ
جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ ﴿٥٥﴾ ثُمَّ بَعَثْنَٰكُم
مِّنۢ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٦﴾ وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ
ٱلْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْكُمُ ٱلْمَنَّ وَٱلسَّلْوَىٰ ۖ كُلُوا۟ مِن طَيِّبَٰتِ
مَا رَزَقْنَٰكُمْ ۚ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٥٧﴾

(یاد کنید نعمت مرا) آنوقت که شمارا از آلِ فرعون رهانیدیم به شما سخت ترین عذاب را میرسانیدند پسرانِ شمارا ذبح میکردند ودختران شمارا زنده میگذاشتند ودرین کار آزمایشی بزرگ از جانب پروردگار شما[۱۲] بود (٤۹). وآنوقت که برای شما دریارا شگافتیم پس شمارا خلاص کردیم و غرق ساختیم کسانِ فرعون را درحالیکه شما میدیدید (٥۰). وآن[۱۳] وقت که باموسیٰ میعاد مقرر کردیم چهل شب پس گوساله[۱٤] را پس ازرفتن موسی به پرستش گرفتید وشماستمگار بودید (٥۱). پس ازشما بعدازین درگذشتیم تابُوَدکه شما سپاسگزاری کنید (٥۲). وآنوقت که موسیٰ را کتاب وحجت دادیم تابُوَدکه شماراه یابید (٥۳). وآن وقت که موسی قوم خود را گفت ای قوم من هرآئینه شما برخویشتن ستم کرده اید بفرا گرفتن گوساله پس بسوی آفریدگارخود باز آیید پس خویشتن را بکشید این بهتر است شمارا نزد آفرید گارِ شما پس خداوند توبه شمارا بمهربانی خود پذیرفت هرآئینه اوتوبه پذیر مهربان است (٥٤). و[۱٥] آن وقت که گفتید ای موسیٰ هرگز به تو ایمان نمی آوریم تاآنکه ببینیم خدارا آشکار پس شمارا صاعقه درگرفت درحالیکه شما میدیدید (٥٥). باز شمارا پس ازمردنِتان، زنده گردانیدیم تاشماشکرگزاری کنید[۱٦] (٥٦). وبرشما ابررا سایبان ساختیم وبرشما ترنجبین وگزنگبین وپرنده بلدرچین را فرود آوردیم گفتیم ازپاکیزه های آنچه شمارا دادیم بخورید وایشان برما ستم نکردند ولیکن بر خویش ستم میکردند (٥۷).

---

(۱۲) مترجم گوید سبب کشتن پسران آن بودکه کاهنان فرعون راخبر داده بودند که در بنی اسرائیل پسری پیدا شود که باعث برافتادن پادشاهی اوگردد.

(۱۳) مترجم گوید که خداموسیٰ علیه السلام راوعده دادکه چهل شب درطور معتکف شودتاتورات عطا فرمائیم درین مدت بنی اسرائیل بفریب سامری گوساله پرستی اختیار کردند خدای تعالی بعد برگشت موسیٰ حکم فرمود که بعض ایشان بعض رابکشند واین توبه ایشان است.

(۱٤) یعنی معبود ساختید.

(۱٥) مترجم گوید موسیٰ علیه السلام هفتاد کس راازبنی اسرائیل با خود بُرد تاباوی کلام الهی را استماع نمایند ایشان بعد ازشنیدن خواهانِ رویت شدند ودر طلب آن پاازحدِ ادب بیرون نهادند خدای تعالی آن همه رابصاعقه بسوخت وبازبدعای موسیٰ زنده ساخت اشارت باین قصه است این آیت.

(۱٦) بنی اسرائیل مامورشدند به جهاد عمالقه وایشان درآن باب تغافل کردند پس (در مقابل آن) معاقب شدند بافتادن دربیابان چهل سال وآنجاچون آب و طعام وخیمه ها گم شد خدای تعالی به دعای موسیٰ علیه السلام مَنّ وسلویٰ نازل ساخت وازسنگی دوازده چشمه روان کردوابرراسایبان گردانید قدراین نعمتها را نشناختندو کفرانِ نعمت کردند اشارت بدین قصه است این آیت.

وَإِذْ قُلْنَا ٱدْخُلُوا۟ هَٰذِهِ ٱلْقَرْيَةَ فَكُلُوا۟ مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ
رَغَدًا وَٱدْخُلُوا۟ ٱلْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا۟ حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ
خَطَٰيَٰكُمْ ۚ وَسَنَزِيدُ ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾ فَبَدَّلَ ٱلَّذِينَ
ظَلَمُوا۟ قَوْلًا غَيْرَ ٱلَّذِى قِيلَ لَهُمْ فَأَنزَلْنَا عَلَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟
رِجْزًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ بِمَا كَانُوا۟ يَفْسُقُونَ ﴿٥٩﴾ ۞ وَإِذِ ٱسْتَسْقَىٰ
مُوسَىٰ لِقَوْمِهِۦ فَقُلْنَا ٱضْرِب بِّعَصَاكَ ٱلْحَجَرَ ۖ فَٱنفَجَرَتْ
مِنْهُ ٱثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا ۖ قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ ۖ كُلُوا۟
وَٱشْرَبُوا۟ مِن رِّزْقِ ٱللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا۟ فِى ٱلْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٦٠﴾
وَإِذْ قُلْتُمْ يَٰمُوسَىٰ لَن نَّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَٰحِدٍ فَٱدْعُ لَنَا
رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنۢبِتُ ٱلْأَرْضُ مِنۢ بَقْلِهَا وَقِثَّآئِهَا
وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا ۖ قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ ٱلَّذِى هُوَ
أَدْنَىٰ بِٱلَّذِى هُوَ خَيْرٌ ۚ ٱهْبِطُوا۟ مِصْرًا فَإِنَّ لَكُم مَّا سَأَلْتُمْ ۗ
وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ ٱلذِّلَّةُ وَٱلْمَسْكَنَةُ وَبَآءُو بِغَضَبٍ مِّنَ
ٱللَّهِ ۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا۟ يَكْفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقْتُلُونَ
ٱلنَّبِيِّۦنَ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ ۗ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا۟ وَّكَانُوا۟ يَعْتَدُونَ ﴿٦١﴾

ثلاثة أرباع الحزب ١

وآن وقت که گفتیم درآیید درین ده[۱۷] پس ازآنجا بافزونی هرجاکه خواهید بخورید خوردنی گوارا وبه دروازه سجده کنان درآیید وبگوييد سوالِ ماآمرزش است تا گناهتان رابرای شما بیامرزیم وبه نیکوکاران افزون خواهیم داد (۵۸). پس کسانیکه ستمگار بودند بدل کردند سخنی غیر آنچه فرموده شدایشان را[۱۸] پس برآن ستمگاران عذابی را از آسمان بسبب بدکاربودن ایشان فرودآوردیم(۵۹). وآنوقت که موسی برای قوم خود آب خواست پس گفتیم بعصای خود سنگ را بزن پس ازسنگ دوازده چشمه روان شد هر قوم آب خوردِ خودرا بدانست[۱۹] گفتیم بخورید وبنوشید ازروزی خدا ودرزمین تباهی کنان فساد مکنید(۶۰). وآن وقت که گفتید ای موسی هرگز بریك طعام شکیبایی نکنیم برای مااز پروردگارخود بطلب تابیرون آردبرای ماز آنچه میرویاندش زمین ازتره وبادرنگ وگندم وعدس وپیازش ـ گفت موسی آیا بدل می کنید آنچه راکه آن فروترست به آنچه آن بهترست ـ فرودآیید به شهری پس هرآئینه باشدشمارا آنچه خواستید، وزده شد[۲۰] برایشان (مُهر) خواری وبی نوایی وبازگشتند بخشمی ازخدا این بسبب آنست که باورنمی داشتند آیت های خدارا وپیامبران را به ناحق می کشتند، این بسبب گناه کردن ایشان است وآنکه ازحد در می گذشتند (۶۱).

(۱۷) یعنی دهی که درزمان حضرت موسیٰ فتح شده بود.

(۱۸) یعنی بجای حِطة حِنطة گفتند.

(۱۹) یعنی بنی اسرائیل دوازده قبیله بودند برای هر قبیله یك چشمه معین شد والله اعلم.

(۲۰) یعنی فرود آورده شد.

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلنَّصَٰرَىٰ وَٱلصَّٰبِـِٔينَ مَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْأٓخِرِ وَعَمِلَ صَٰلِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَٰقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ ٱلطُّورَ خُذُواْ مَآ ءَاتَيْنَٰكُم بِقُوَّةٍ وَٱذْكُرُواْ مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ ثُمَّ تَوَلَّيْتُم مِّنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ ۖ فَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُۥ لَكُنتُم مِّنَ ٱلْخَٰسِرِينَ ﴿٦٤﴾ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ ٱلَّذِينَ ٱعْتَدَوْاْ مِنكُمْ فِى ٱلسَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُواْ قِرَدَةً خَٰسِـِٔينَ ﴿٦٥﴾ فَجَعَلْنَٰهَا نَكَٰلًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٦٦﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِۦٓ إِنَّ ٱللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تَذْبَحُواْ بَقَرَةً ۖ قَالُوٓاْ أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا ۖ قَالَ أَعُوذُ بِٱللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ ٱلْجَٰهِلِينَ ﴿٦٧﴾ قَالُواْ ٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِىَ ۚ قَالَ إِنَّهُۥ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌۢ بَيْنَ ذَٰلِكَ ۖ فَٱفْعَلُواْ مَا تُؤْمَرُونَ ﴿٦٨﴾ قَالُواْ ٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا لَوْنُهَا ۚ قَالَ إِنَّهُۥ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَآءُ فَاقِعٌ لَّوْنُهَا تَسُرُّ ٱلنَّٰظِرِينَ ﴿٦٩﴾

هرآئینه آنانکه مسلمان شدند وآنانکه یهود شدند ونصاریٰ وصابئین (بی دینان) هرکه ازایشان ایمان آورد بخدا وروزبازپسین وکارِشایسته کرده باشد پس ایشان راست مزد ایشان نزد پروردگار ایشان ونه ترس بُوَد برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند[۲۱] (٦۲). وآن وقت که پیمان شمارا گرفتیم وبالای شما (کوه) طوررا برداشتیم گفتیم آنچه داده ایم شمارا باستواری (وجدّیت)[۲۲] بگیرید وآنچه درآنست یاد کنید تابُوَد که درپناه شوید (٦۳). باز روگردانیدید بعد ازین پس اگر نمی بود بخشایش خدا برشماومهربانی او هرآئینه از زیان کاران می شدید (٦٤). وبه راستی آن کسانرا که ازحد درگذشتند ازشما درشنبه[۲۳] دانسته‌اید پس گفتیم ایشان را بوزینگانی خوارشده شوید (٦٥). پس این قصه را برای آن قوم که در آن دِه بودند[۲٤] وآن قوم که پس ازایشان آیند عبرتی ساختیم وپندی برای پرهیز گاران (٦٦). و[۲٥] آنوقت که گفت موسی بقوم خود هرآئینه خدا شمارا به کشتن گاوی دستور می فرماید، گفتند آیامارا مسخره می کنی؛ گفت پناه می برم بخدا ازآنکه ازنادانان باشم (٦۷). گفتند سوال کن برای ماازپروردگار خود تابرای مابیان کند چیست آن گاو گفت هرآئینه خدا می فرمایدکه بدرستیکه آن گاوی است نه پیرونه‌جوان میانه است درمیان این وآن پس به آنچه فرموده شدید عمل کنید (٦۸). گفتند سوال کن برای ماازپروردگار خود تا برای ما بیان کند رنگ آن گاو چیست، گفت هرآئینه خدا میفرماید که آن گاویست زرد، پُر رنگ آن قدر که بینندگان را خوش میکند (٦۹).

---

(۲۱) حاصل معنی آیت آنکه آدمی دراصل ازهر فرقه که باشد چون ایمان آورد ازاهل نجات بود خصوصیتِ فرقه معتبر نیست.

(۲۲) یعنی احکام تورات.

(۲۳) یعنی شکار کردند وشکار کردن در روزشنبه دردین بنی اسرائیل حرام بود.

(۲٤) یعنی درآن زمانه حاضر بودند.

(۲٥) مترجم گویدشخصی راازبنی اسرائیل کشته یافتند وکشنده آن معلوم نبود خدای تعالی حکم فرمودکه گاوی را ذبح کنند وبعض وی رابرآن مقتول بزنند تازنده شود وازقاتلان خود خبر دهد القصه گاورابه مبلغ خطیر خرید کردند وبزدند، مقتول زنده شدوپسران عم خود رانام بردکه ایشان کشتند پس قاتلان رابقصاص رسانیدند ازآن بازقاتل را ازمیراث محروم ساختند والله اعلم.

قَالُوا۟ ٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِىَ إِنَّ ٱلْبَقَرَ تَشَٰبَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّآ
إِن شَآءَ ٱللَّهُ لَمُهْتَدُونَ ﴿٧٠﴾ قَالَ إِنَّهُۥ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا ذَلُولٌ
تُثِيرُ ٱلْأَرْضَ وَلَا تَسْقِى ٱلْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَّا شِيَةَ فِيهَا ۚ قَالُوا۟
ٱلْـَٰٔنَ جِئْتَ بِٱلْحَقِّ ۚ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا۟ يَفْعَلُونَ ﴿٧١﴾ وَإِذْ
قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَٱدَّٰرَْٰٔتُمْ فِيهَا ۖ وَٱللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنتُمْ تَكْتُمُونَ
﴿٧٢﴾ فَقُلْنَا ٱضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا ۚ كَذَٰلِكَ يُحْىِ ٱللَّهُ ٱلْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ
ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٧٣﴾ ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُم مِّنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ
فَهِىَ كَٱلْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً ۚ وَإِنَّ مِنَ ٱلْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ
مِنْهُ ٱلْأَنْهَٰرُ ۚ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ ٱلْمَآءُ ۚ وَإِنَّ
مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ ٱللَّهِ ۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ
﴿٧٤﴾ ۞ أَفَتَطْمَعُونَ أَن يُؤْمِنُوا۟ لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ
يَسْمَعُونَ كَلَٰمَ ٱللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُۥ مِنۢ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ
يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾ وَإِذَا لَقُوا۟ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ قَالُوٓا۟ ءَامَنَّا وَإِذَا
خَلَا بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوٓا۟ أَتُحَدِّثُونَهُم بِمَا فَتَحَ ٱللَّهُ
عَلَيْكُمْ لِيُحَآجُّوكُم بِهِۦ عِندَ رَبِّكُمْ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٧٦﴾

گفتند سوال کن برای ما ازپروردگار خود تا برای ما بیان کند چگونه است آن گاو هرآئینه گاوان مشتبه شدند برما وهرآئینه ما اگر خدا خواسته باشد البته راه یافتگانیم (۷۰). گفت هرآئینه خدا میفرماید که آن گاویست نه محنت کشنده که زمین را شخم زند ونه زراعت را آب می دهد سلامت است دروی هیچ خال نیست، گفتند حالا سخنی درست آوردی[*] پس آن را ذبح کردند ونزدیك بودکه این کار را نکنند (۷۱). و آنوقت که شخصی را کشتید پس دروی نزاع کردید وخدا بیرون آرنده است چیزی را که پنهان میکردید (۷۲). پس فرمودیم بزنیداین شخص را به پاره ای ازگاو این طور خدا مُردگان را زنده میکند وشمارا نشانه های خود می نماید تابُوَدکه دریابید (۷۳). باز دلهای شما بعد ازین (واقعه) سخت شد پس آنها مانند سنگ اند بلکه سختر (ازسنگ)، وهرآئینه از سنگ هاآنست که ازآن جویها روان می شود وهرآئینه از سنگها آنست که می شگافدپس ازآن آب، بیرون می آید وهرآئینه ازسنگها آنست که از ترس خدا فرومی افتد و خدا بیخبر نیست ازآنچه می کنید (۷٤). (ای مومنان) آیا امید می‌دارید که (یهود) به دین شما درآیند حال آنکه گروهی ازایشان کلام خدا را (یعنی تورات را) می شنیدند سپس آن را دانسته تحریف میکردند بعدازآنکه آن را فهمیده بودند (۷۵). وچون بامومنان ملاقات کنند گویندایمان آوردیم وچون باهمدیگر تنهاشوند[۲٦] گویند آیا ایشان را به آنچه گشاده است خدا برشما خبر میدهید[۲۷] تا باشما بآن دلیل نزد پروردگار شما مناظره کنند آیا درنمی یابید (۷٦).

(*) توضیح: آن گاویست که پرورده نگشته تا زمین را شخم کند و نه کشت را آبیاری کند وازهر عیبی پاك و نباشد درآن رنگ دیگری (مصحح).

(۲٦) یعنی بارئیسان خویش.

(۲۷) یعنی نعمت پیامبرآخرالزمان.

أَوَلَا يَعۡلَمُونَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعۡلِنُونَ ٧٧ وَمِنۡهُمۡ أُمِّيُّونَ لَا يَعۡلَمُونَ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّآ أَمَانِيَّ وَإِنۡ هُمۡ إِلَّا يَظُنُّونَ ٧٨ فَوَيۡلٞ لِّلَّذِينَ يَكۡتُبُونَ ٱلۡكِتَٰبَ بِأَيۡدِيهِمۡ ثُمَّ يَقُولُونَ هَٰذَا مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ لِيَشۡتَرُواْ بِهِۦ ثَمَنٗا قَلِيلٗاۖ فَوَيۡلٞ لَّهُم مِّمَّا كَتَبَتۡ أَيۡدِيهِمۡ وَوَيۡلٞ لَّهُم مِّمَّا يَكۡسِبُونَ ٧٩ وَقَالُواْ لَن تَمَسَّنَا ٱلنَّارُ إِلَّآ أَيَّامٗا مَّعۡدُودَةٗۚ قُلۡ أَتَّخَذۡتُمۡ عِندَ ٱللَّهِ عَهۡدٗا فَلَن يُخۡلِفَ ٱللَّهُ عَهۡدَهُۥٓۖ أَمۡ تَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٨٠ بَلَىٰۚ مَن كَسَبَ سَيِّئَةٗ وَأَحَٰطَتۡ بِهِۦ خَطِيٓـَٔتُهُۥ فَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٨١ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٨٢ وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِيثَٰقَ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ لَا تَعۡبُدُونَ إِلَّا ٱللَّهَ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَانٗا وَذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَقُولُواْ لِلنَّاسِ حُسۡنٗا وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ ثُمَّ تَوَلَّيۡتُمۡ إِلَّا قَلِيلٗا مِّنكُمۡ وَأَنتُم مُّعۡرِضُونَ ٨٣

آیا (این جهولان) نمیدانندکه خدا آنچه راکه پنهان می کنند و آنچه آشکار می نمایند میداند (۷۷). وبعضی ازایشان ناخوانند گان اند (یعنی بیسواداند) کتاب (تورات) راجز آرزوهای باطل نمی پندارند ونیستند مگر گمان کننده (۷۸). پس وای آنکسان را که کتاب را بدست های خود می نویسند بازمی گویند این ازنزد خداست تا عوض وی بهای اندك را بگیرند پس وای برحالشان بسبب نوشتن دست های ایشان و وای بر ایشان از آنچه که بدست می آوردند (۷۹). وگفتند آتش دوزخ به ما نرسد مگر چندروز شمرده شده بگو آیا ازپیش خدا پیمانی گرفتید تاهرگز خدا پیمان خودرا خلاف نکند یااینکه می گویید برخدا آنچه راکه نمی دانید[۲۸] (۸۰). آری هرکه کاربد را انجام داد واورا گناه او به احاطه گرفت پس ایشان باشندگان دوزخ اند، ایشان درآنجا جاویدند (۸۱). وکسانیکه ایمان آورده اند وکارهای شایسته کرده اند ایشان باشند گان بهشت اند، ایشان درآنجا جاویدند (۸۲). وآنگاه که پیمانِ بنی اسرائیل را گرفتیم که نپرستید مگرخدارا وبه والدین نیکی کنید وبه اهل قرابت و یتیمان وبی نوایان وبامردمان سخن نیك بگویید ونمازرا برپادارید وزکوة را بدهید پس رویگردان شده برگشتید مگر اندکی ازشما (۸۳).

(۲۸) مترجم گویدیکی از عقائد باطله یهود آن بود که می گفتند یهود در دوزخ نبا شند مگرچندروزی واین خطااست زیراکه دخولِ جنت موقوف برایمان بخدا وروزقیامت و پیامبرآخرزمان است جنس یهود وغیرآن اعتبار ندارد واشاره بهمین معنی است درین آیه والله اعلم.

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَٰقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَآءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ
أَنفُسَكُم مِّن دِيَٰرِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٨٤﴾
ثُمَّ أَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ تَقْتُلُونَ أَنفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا
مِّنكُم مِّن دِيَٰرِهِمْ تَظَٰهَرُونَ عَلَيْهِم بِٱلْإِثْمِ وَٱلْعُدْوَٰنِ
وَإِن يَأْتُوكُمْ أُسَٰرَىٰ تُفَٰدُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ
إِخْرَاجُهُمْ ۚ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ ٱلْكِتَٰبِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ ۚ
فَمَا جَزَآءُ مَن يَفْعَلُ ذَٰلِكَ مِنكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِى ٱلْحَيَوٰةِ
ٱلدُّنْيَا ۖ وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰٓ أَشَدِّ ٱلْعَذَابِ ۗ وَمَا ٱللَّهُ
بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٨٥﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشْتَرَوُا۟ ٱلْحَيَوٰةَ
ٱلدُّنْيَا بِٱلْءَاخِرَةِ ۖ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ ٱلْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ
﴿٨٦﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ وَقَفَّيْنَا مِنۢ بَعْدِهِۦ
بِٱلرُّسُلِ ۖ وَءَاتَيْنَا عِيسَى ٱبْنَ مَرْيَمَ ٱلْبَيِّنَٰتِ وَأَيَّدْنَٰهُ بِرُوحِ
ٱلْقُدُسِ ۗ أَفَكُلَّمَا جَآءَكُمْ رَسُولٌۢ بِمَا لَا تَهْوَىٰٓ أَنفُسُكُمُ
ٱسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ ﴿٨٧﴾ وَقَالُوا۟ قُلُوبُنَا
غُلْفٌۢ ۚ بَل لَّعَنَهُمُ ٱللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾

وآنگاه که پیمان شمارا گرفتیم که خون یکدیگررا مریزید وقوم خویش را ازخانه هایتان بیرون مکنید پس قبول کردید درحالیکه خود شماگواهی میدهید (۸٤). بازشما آن گروهید که قوم خویش را می کُشید وگروهی را ازقوم خود ازخانه های ایشان بیرون می کنید برعلیه آنان به گناه وستمکاری باهمدیگر همکاری میکنید واگراسیرشده بشمامی آیند فدا میدهید عوض (آزادکردن) ایشان حال آنکه بیرون کردن ایشان برشما حرام است آیا به بخشی ازکتاب ایمان می آورید وبه بخش دیگر کافرمی شوید؟ پس چیست جزای آنکه چنین کند ازشما مگرخواری در زندگانی دنیا وروز قیامت به سوی سخت ترین عذاب گردانیده شوند ونیست خدا بی خبر ازآنچه میکنید[۲۹] (۸۵). ایشان آنکسانندکه زندگانی دنیارا به عوض آخرت خریدند پس ازایشان عذاب سبك کرده نشود ونه ایشان یاری داده شوند (۸٦). وبه درستیکه موسی را کتاب دادیم وبعد ازاو پیامبران را درپی درآوردیم، عیسیٰ پسر مریم رانشانه های روشن دادیم اورا بروح القدس - یعنی جبرئیل - قوّت دادیم آیاهرگاه آورد پیامبری نزدشماآنچه دوست ندارد نفسهای شما سرکشی کردید؟ پس گروهی را دروغگوداشتید وگروهی راکشتید (۸۷). وگفتند[۳۰] دلهای مادرپرده است، بلکه خدا ایشان را بسبب کفر ایشان نفرین کرده است پس اندکی ایمان می آورند (۸۸).

(۲۹) یعنی منع کرده شدند از کشتن وجلاوطن کردن ودرظلم مدد گاری نمودن وفرموده شدند بفدای اسیران وایشان ازین همه احکام بفدای اسیران عمل کردند وبس زیراکه موافق نفس ایشان افتاد واین طاعت نفس است طاعت خدا نیست.

(۳۰) مترجم گوید ودیگراز قبائح یهود آن بود که میگفتند قلوبنا غلف یعنی دردین خود آنقدر استحکام داریم که هیچ شبهه بدان راه نمی یابدواین خطااست که سبب قبول نکردن دین اسلام حسد وجهل بود نه تقوی زیراکه آثارِ تقویٰ هیچگاه ازایشان ظاهر نمی شدواشارت بهمین معنی است درین آیات.

وَلَمَّا جَآءَهُمْ كِتَٰبٌ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ
وَكَانُواْ مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَلَمَّا
جَآءَهُم مَّا عَرَفُواْ كَفَرُواْ بِهِۦ فَلَعْنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ
﴿٨٩﴾ بِئْسَمَا ٱشْتَرَوْاْ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمْ أَن يَكْفُرُواْ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ
بَغْيًا أَن يُنَزِّلَ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ
فَبَآءُو بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٍ وَلِلْكَٰفِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ
﴿٩٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُواْ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُواْ نُؤْمِنُ بِمَآ أُنزِلَ
عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَآءَهُۥ وَهُوَ ٱلْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا
مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنۢبِيَآءَ ٱللَّهِ مِن قَبْلُ إِن كُنتُم
مُّؤْمِنِينَ ﴿٩١﴾ ۞ وَلَقَدْ جَآءَكُم مُّوسَىٰ بِٱلْبَيِّنَٰتِ ثُمَّ
ٱتَّخَذْتُمُ ٱلْعِجْلَ مِنۢ بَعْدِهِۦ وَأَنتُمْ ظَٰلِمُونَ ﴿٩٢﴾ وَإِذْ
أَخَذْنَا مِيثَٰقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ ٱلطُّورَ خُذُواْ
مَآ ءَاتَيْنَٰكُم بِقُوَّةٍ وَٱسْمَعُواْ قَالُواْ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا
وَأُشْرِبُواْ فِى قُلُوبِهِمُ ٱلْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا
يَأْمُرُكُم بِهِۦٓ إِيمَٰنُكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٩٣﴾

وآنگاه که آمدبایشان کتابي[۳۱] ازنزد خدا باور کنندهٔ آنچه با ایشان است و پیش ازین طلب فتح می کردند برمشرکان پس چون آمد به ایشان آنچه میدانستند منکر آن شدند پس لعنت خدا بر کافران باد[۳۲] (۸۹). بدچیز است آنچه به عوض وی خویشتن را فروختند که کافرشوند به آنچه خدا فرودآورده است بسبب حسد برآنکه فرودآورد خدا از فضل خویش برهرکه خواهد ازبند گان خود پس بخشمی بالای خشمی بازگشتند وبرای کافران عذاب خوار کننده است (۹۰). وچون به ایشان گفته شود ایمان آورید به آنچه خدا فرود آورده است گویند ایمان می آوریم به آنچه برما فرود آورده شد وایشان کافرمی شوند به آنچه غیراز آن است حال آنکه او راست است تصدیق کننده آنچه با ایشان است بگو پس پیش ازین پیامبران خدارا چرامی کشتید اگر شمامؤمن بودید (۹۱). وهرآئینه موسیٰ به نشانه های روشن به شما آمد پس گوساله را پس ازوی (به پرستش) گرفتید وشما ستمگار بودید (۹۲). وآنگاه که پیمان شمارا گرفتیم وبالای شما (کوه) طور را برداشتیم گفتیم بقوت بگیرید آنچه راکه به شمادادیم و بشنوید ـ گفتند[۳۳] شنیدیم ونافرمانی کردیم ودردلهای ایشان دوستی گوساله ـ بسبب کافر بودن ایشان ـ آمیخته کرده شد بگو بد چیزی است آنچه شمارااایمان شما به آن امر میفرماید اگرازاهل ایمان هستید (۹۳).

(۳۱) یعنی قرآن.
(۳۲) تعریض است بآن قصه که یهود خیبر باغطفان جنگ میکردند و هزیمت می یافتند آخردعا کردند که به بعثت نبی آخرالزمان مارانصرت بده.
(۳۳) یعنی بزبان حال.

قُلْ إِن كَانَتْ لَكُمُ ٱلدَّارُ ٱلْـَٔاخِرَةُ عِندَ ٱللَّهِ خَالِصَةً مِّن دُونِ ٱلنَّاسِ فَتَمَنَّوُا۟ ٱلْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صَـٰدِقِينَ ﴿٩٤﴾ وَلَن يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًۢا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌۢ بِٱلظَّـٰلِمِينَ ﴿٩٥﴾ وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ ٱلنَّاسِ عَلَىٰ حَيَوٰةٍ وَمِنَ ٱلَّذِينَ أَشْرَكُوا۟ ۚ يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحِهِۦ مِنَ ٱلْعَذَابِ أَن يُعَمَّرَ ۗ وَٱللَّهُ بَصِيرٌۢ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ قُلْ مَن كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ فَإِنَّهُۥ نَزَّلَهُۥ عَلَىٰ قَلْبِكَ بِإِذْنِ ٱللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٩٧﴾ مَن كَانَ عَدُوًّا لِّلَّهِ وَمَلَـٰٓئِكَتِهِۦ وَرُسُلِهِۦ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَىٰلَ فَإِنَّ ٱللَّهَ عَدُوٌّ لِّلْكَـٰفِرِينَ ﴿٩٨﴾ وَلَقَدْ أَنزَلْنَآ إِلَيْكَ ءَايَـٰتٍۭ بَيِّنَـٰتٍ ۖ وَمَا يَكْفُرُ بِهَآ إِلَّا ٱلْفَـٰسِقُونَ ﴿٩٩﴾ أَوَكُلَّمَا عَـٰهَدُوا۟ عَهْدًا نَّبَذَهُۥ فَرِيقٌ مِّنْهُم ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠٠﴾ وَلَمَّا جَآءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَـٰبَ كِتَـٰبَ ٱللَّهِ وَرَآءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٠١﴾

بگو[۳٤] اگر سرای بازپسین نزد خدا مخصوص شما است غیر ازمردمان دیگر پس مرگ را آرزو کنید اگر راست گو هستید (۹٤). وهرگزآرزونکنند آن را هیچگاه بسبب آنچه دستهای ایشان پیش فرستاده است وخدا به ستمگاران داناست (۹۵). والبته ایشان را حریص ترین مردم بر زندگانی بیابی وحریص تر ازآنانکه مشرك اند، دوست میداردیکی ازایشان که کاش ـ عمر هزارسال داده شود ونیست رهاننده ٔ وی ازعذاب آنکه عمر داده شود وخدا بیناست به آنچه می کنند[۳۵] (۹٦). بگو[۳٦] هر کس که دشمن جبرئیل باشد (چه زیان می کند) پس به تحقیق جبرئیل فرود آورده است قرآن رابردل تو بحکم خدا، تصدیق کننده آنچه پیش ازآن است ورهنما ومژده دهنده ٔ به اهل ایمان است (۹۷). هرکس که دشمن خدا وفرشتگانش و پیامبران او و جبرئیل ومیکائیل باشد پس هرآئینه خدا دشمن کافران است (۹۸). وبه راستی برای تو نشانه های روشن فرودآوردیم وکافر نمی شوند بآنهامگر بدکاران (۹۹). آیاهرگاه که پیمانی را بستند برانداخت آن را گروهی ازایشان بلکه اکثر ایشان باورنمی دارند (۱۰۰). وهرگاه که به ایشان پیامبری ازنزدخدا، تصدیق کننده آنچه با ایشان است آمد، گروهی ازآن قوم که کتاب داده شده اند کتاب خدارا پس پشت خویش انداختند، گویا آنان نمی دانند (۱۰۱).

(۳٤) دیگراز تحریفات یهود آن بود که میگفتند که داخل نخواهد شددر بهشت هیچکس مگر یهودو این خطاست زیراکه علامت بهشتیان مشتاق شدن بملاقاتِ خداست وایشان ازمرگ هراسان بودند واشارت بهمین معنی است درین آیت.

(۳۵) دیگراز جمله هفوه یهود کلام بیهوده وهرچه ازدهن برآید، گفتن است.

(۳٦) دیگر ازهفوات یهود آن بود که جبرئیل را دشمن میداشتند که عذاب برامم سابقه فرود آورده این خطاست که جبرئیل مامور است ازبارگاه حق عزوجل ویراچه اختیار.

وَٱتَّبَعُوا۟ مَا تَتْلُوا۟ ٱلشَّيَٰطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَٰنَ ۖ وَمَا كَفَرَ
سُلَيْمَٰنُ وَلَٰكِنَّ ٱلشَّيَٰطِينَ كَفَرُوا۟ يُعَلِّمُونَ ٱلنَّاسَ
ٱلسِّحْرَ وَمَآ أُنزِلَ عَلَى ٱلْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَٰرُوتَ وَمَٰرُوتَ ۚ
وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَآ إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا
تَكْفُرْ ۖ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِۦ بَيْنَ ٱلْمَرْءِ
وَزَوْجِهِۦ ۚ وَمَا هُم بِضَآرِّينَ بِهِۦ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۚ
وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنفَعُهُمْ ۚ وَلَقَدْ عَلِمُوا۟ لَمَنِ
ٱشْتَرَىٰهُ مَا لَهُۥ فِى ٱلْءَاخِرَةِ مِنْ خَلَٰقٍ ۚ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا۟ بِهِۦٓ
أَنفُسَهُمْ ۚ لَوْ كَانُوا۟ يَعْلَمُونَ ﴿١٠٢﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا۟ وَٱتَّقَوْا۟
لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ خَيْرٌ ۖ لَّوْ كَانُوا۟ يَعْلَمُونَ ﴿١٠٣﴾
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَقُولُوا۟ رَٰعِنَا وَقُولُوا۟ ٱنظُرْنَا
وَٱسْمَعُوا۟ ۗ وَلِلْكَٰفِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠٤﴾ مَّا يَوَدُّ
ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ وَلَا ٱلْمُشْرِكِينَ
أَن يُنَزَّلَ عَلَيْكُم مِّنْ خَيْرٍ مِّن رَّبِّكُمْ ۗ وَٱللَّهُ يَخْتَصُّ
بِرَحْمَتِهِۦ مَن يَشَآءُ ۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلْفَضْلِ ٱلْعَظِيمِ ﴿١٠٥﴾

آنچه راکه شیطانان درسلطنت سلیمان می خواندند پیروی کردند[۳۷] ـ وسلیمان کافرنشد ولیکن شیطانان کافر شدند مردمان را جادو می آموختند وپیروی کردند از آنچه فرود آورده شد بردوفرشته دربابل هاروت وماروت و (آنان) نمی آموزند هیچ کس را تاآنکه گویند جزاین نیست که مابلاییم پس کافرمشو، پس از آن دو افسونی یادمی گیرند که جدایی می افگنند بسبب آن درمیان مرد و زن او وایشان زیان رسانند نیستند به سحر هیچکس را مگر باراده ٔخدا وایشان آنچه زیان میرساند ایشانرا می آموختند وایشان را سود ندهد وهرآئینه دانسته اند هرکه بستاند جادو اورا درآخرت هیچ بهره ای نیست وهرآئینه بد چیزست آنچه به عوض آن خویشتن را فروختند، کاش می دانستند (۱۰۲). وا گرایشان ایمان می آوردند و تقوی اختیار می کردند به یقین ثوابی که ازنزد خدا (به آنان می رسد) بهتر بودی اگر می دانستند (۱۰۳). ای مومنان مگویید راعنا و بگویید انظرنا ونیك بشنوید و کافران را عذاب دردناك است[۳۸] (۱۰٤). نه آنانکه کافرشدند از اهل کتاب ونه مشرکان دوست نمیدارند که برشما هیچ نیکی از پروردگارشما فرود آورده شود وخدا مخصوص می کند به بخشایش خود هرکه راخواهد وخدا صاحب فضل بزرگ است (۱۰۵).

(۳۷) دیگراز هفوات یهود آن بود که سحر میکر دند وسلیمان علیه السلام راساحر می دانستند این افترابود بر سلیمان علیه السلام و اشارت بهمین معنی است درین آیت.

(۳۸) دیگر از هفوات یهود آن بود که در مجلس پیامبر آمده لفظ راعنامی گفتند واین لفظ را دو معنی است یکی آنکه رعایتکن مارا وشفقت کن برما دیگر رعونت دارنده یعنی ابله ـ وقصد ایشان سبٍّ بود حق سبحانه مسلمانان را ازین کلمه نهی کرد برای سدّباب فساد واشارت بهمین معنی است درین آیت.

نصف الحزب ٢

۞ مَا نَنسَخۡ مِنۡ ءَايَةٍ أَوۡ نُنسِهَا نَأۡتِ بِخَيۡرٖ مِّنۡهَآ أَوۡ مِثۡلِهَآۗ
أَلَمۡ تَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ١٠٦ أَلَمۡ تَعۡلَمۡ أَنَّ
ٱللَّهَ لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ
ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٍ ١٠٧ أَمۡ تُرِيدُونَ أَن تَسۡـَٔلُواْ رَسُولَكُمۡ
كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِن قَبۡلُۗ وَمَن يَتَبَدَّلِ ٱلۡكُفۡرَ بِٱلۡإِيمَٰنِ
فَقَدۡ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ ١٠٨ وَدَّ كَثِيرٞ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ
لَوۡ يَرُدُّونَكُم مِّنۢ بَعۡدِ إِيمَٰنِكُمۡ كُفَّارًا حَسَدٗا
مِّنۡ عِندِ أَنفُسِهِم مِّنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلۡحَقُّۖ فَٱعۡفُواْ
وَٱصۡفَحُواْ حَتَّىٰ يَأۡتِيَ ٱللَّهُ بِأَمۡرِهِۦٓۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ
قَدِيرٞ ١٠٩ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَۚ وَمَا تُقَدِّمُواْ
لِأَنفُسِكُم مِّنۡ خَيۡرٖ تَجِدُوهُ عِندَ ٱللَّهِۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ
بَصِيرٞ ١١٠ وَقَالُواْ لَن يَدۡخُلَ ٱلۡجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا
أَوۡ نَصَٰرَىٰۗ تِلۡكَ أَمَانِيُّهُمۡۗ قُلۡ هَاتُواْ بُرۡهَٰنَكُمۡ إِن كُنتُمۡ
صَٰدِقِينَ ١١١ بَلَىٰۚ مَنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ فَلَهُۥٓ
أَجۡرُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ١١٢

هرچه نسخ می کنیم ازآیه ای یا فراموش می گردانیم آنرامی آوریم بهتر ازآن یا مانند آن آیا ندانستهای که خدا برهمه چیز تواناست[۳۹] (۱۰٦). آیاندانسته ای که پادشاهی آسمانها وزمین برای خدااست وشمارا غیرازاو هیچ دوستی نیست ونه یاوری (۱۰۷). آیامی خواهید که پیامبر خودرا سوال کنید چنانکه موسی پیش ازین سوال کرده شد وهرکه بستاند کفررا به عوض ایمان پس هرآئینه راه راست را گم کرد (۱۰۸). بسیاری ازاهل کتاب دوست داشتند که شمارا بعد ازایمانتان کافر گردانند ـ ازروی حسدی که در نفسهایشان بود ـ بعد ازآنکه حق برایشان واضح شد پس عفو کنید ودرگذرید تاآنکه خدا فرمان خودرا بیاورد[٤۰] هرآئینه خدا برهمه چیز تواناست (۱۰۹). ونمازرا برپا دارید وزکوٰة را بدهید وآنچه پیش می فرستید برای خویشتن ازنیکوکاری آنرا نزد خدا خواهیدیافت هرآئینه خدا به آنچه می کنید بیناست (۱۱۰). وگفتند هرگز به بهشت درنیاید مگرآنکه یهود باشد یا ترسا باشد این آرزوهای باطله ایشانست بگو دلیل خودرا بیاورید اگر راست‌گو هستید (۱۱۱). بلی هرکه روی خودرا برای خدا تسلیم کند ووی نیکوکار باشد پس اوراست پاداش او نزد پروردگارش، ونیست ترسي برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (۱۱۲).

---

(۳۹) مترجم گوید درین آیت تعریض است بجواب یهود که انکار نسخ می کردند والله اعلم.

(٤۰) یعنی امرکند بجهاد ایشان والله اعلم.

وَقَالَتِ ٱلْيَهُودُ لَيْسَتِ ٱلنَّصَٰرَىٰ عَلَىٰ شَىْءٍ وَقَالَتِ ٱلنَّصَٰرَىٰ
لَيْسَتِ ٱلْيَهُودُ عَلَىٰ شَىْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ ٱلْكِتَٰبَ ۗ كَذَٰلِكَ
قَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ ۚ فَٱللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ
يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُوا۟ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١١٣﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن
مَّنَعَ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ أَن يُذْكَرَ فِيهَا ٱسْمُهُۥ وَسَعَىٰ فِى خَرَابِهَآ ۚ
أُو۟لَٰٓئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَن يَدْخُلُوهَآ إِلَّا خَآئِفِينَ ۚ لَهُمْ فِى
ٱلدُّنْيَا خِزْىٌ وَلَهُمْ فِى ٱلْءَاخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١٤﴾ وَلِلَّهِ ٱلْمَشْرِقُ
وَٱلْمَغْرِبُ ۚ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا۟ فَثَمَّ وَجْهُ ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ ﴿١١٥﴾
وَقَالُوا۟ ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ وَلَدًا ۗ سُبْحَٰنَهُۥ ۖ بَل لَّهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلْأَرْضِ ۖ كُلٌّ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ ﴿١١٦﴾ بَدِيعُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ
وَإِذَا قَضَىٰٓ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ﴿١١٧﴾ وَقَالَ
ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا ٱللَّهُ أَوْ تَأْتِينَآ ءَايَةٌ ۗ
كَذَٰلِكَ قَالَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَٰبَهَتْ
قُلُوبُهُمْ ۗ قَدْ بَيَّنَّا ٱلْءَايَٰتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿١١٨﴾ إِنَّآ أَرْسَلْنَٰكَ
بِٱلْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا ۖ وَلَا تُسْـَٔلُ عَنْ أَصْحَٰبِ ٱلْجَحِيمِ ﴿١١٩﴾

وگفتند[41] یهود ترسایان برهیچ چیزی نیستند، وگفتند ترسایان یهود برهیچ چیزی نیستند حال آنکه همه ایشان کتاب را می خوانند هم چنین گفتند آنانکه نمی دانند[42] مانند قول ایشان، پس خدا میان ایشان روزقیامت درآنچه اختلاف می کردند درآن حکم می کند (۱۱۳). وکیست ستمکارتر ازآنکه منع کرد مسجد های خدارا ازآن که یاد کرده شود نام خدا درآنها ودر ویرانی آنها کوشش کرد، این گروه را نمی سزد که درآیند به مسجدها مگر هراسان، برای ایشان دردنیا خواری است وبرای ایشان در آخرت عذاب بزرگ است[43] (۱۱٤). ومشرق و مغرب ازآنِ خدا است هرسوکه روآورید همانجاست روی خدا هرآئینه خدا فراخ نعمت داناast[44] (۱۱٥). وگفتند خدا فرزندی گرفت، پاکی او راست بلکه آنچه درآسمانها وزمین است برای اواست، همه فرمانبردار اوهستند[45] (۱۱٦). آفرینندهٔ آسمان ها وزمین است، وچون خواهد کاری را انجام دهد پس جزاین نیست که می گویداورابِشَوْ پس می شود (۱۱۷). وگفتند آنانکه هیچ نمیدانند (یعنی مشرکان) چرابااما خدا سخن نمی گوید یا به ما نشانه ای نمی آید؟ هم چنین گفتند کسانیکه پیش ازایشان بودند مانند قول ایشان دلهای ایشان بیکدیگر مشابهت دارند، به راستیکه نشانه هارا برای گروهی که یقین می کنند بیان کردیم (۱۱۸). البته ما تورا به راستی مژده دهنده وبیم کننده فرستادیم، وتو از اهل دوزخ پُرسیده نخواهی شد (۱۱۹).

(٤١) دیگر از هفوات اهل کتاب آن بود که هر فرقه ای از یهود و نصاریٰ دیگری را انکارمی کردو اشارت به همین معنی است درین آیه.

(٤٢) یعنی مشرکان گفتند.

(٤٣) درین آیه تعریض آست بکفارمکه و بشارت است به مغلوب شدن ایشان والله اعلم.

(٤٤) دیگر ازهفوات یهود آن بود که چون استقبال بیت المقدس منسوخ شد استهزاء میکردند اشاره بهمین معنی است درین آیه.

(٤٥) دیگر ازهفوات اهل کتاب آن بود که یهود عزیر راو نصاریٰ عیسیٰ را پسر خدامی گفتند دررِدّ ایشان خدای تعالی این آیه نازل کرد.

وَلَن تَرْضَىٰ عَنكَ ٱلْيَهُودُ وَلَا ٱلنَّصَٰرَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ۗ قُلْ إِنَّ هُدَى ٱللَّهِ هُوَ ٱلْهُدَىٰ ۗ وَلَئِنِ ٱتَّبَعْتَ أَهْوَآءَهُم بَعْدَ ٱلَّذِى جَآءَكَ مِنَ ٱلْعِلْمِ ۙ مَا لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن وَلِىٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٢٠﴾ ٱلَّذِينَ ءَاتَيْنَٰهُمُ ٱلْكِتَٰبَ يَتْلُونَهُۥ حَقَّ تِلَاوَتِهِۦٓ أُو۟لَٰٓئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِۦ ۗ وَمَن يَكْفُرْ بِهِۦ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ ﴿١٢١﴾ يَٰبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱذْكُرُوا۟ نِعْمَتِىَ ٱلَّتِىٓ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّى فَضَّلْتُكُمْ عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٢٢﴾ وَٱتَّقُوا۟ يَوْمًا لَّا تَجْزِى نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْـًٔا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنفَعُهَا شَفَٰعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿١٢٣﴾ ۞ وَإِذِ ٱبْتَلَىٰٓ إِبْرَٰهِۦمَ رَبُّهُۥ بِكَلِمَٰتٍ فَأَتَمَّهُنَّ ۖ قَالَ إِنِّى جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ۖ قَالَ وَمِن ذُرِّيَّتِى ۖ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِى ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٢٤﴾ وَإِذْ جَعَلْنَا ٱلْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَٱتَّخِذُوا۟ مِن مَّقَامِ إِبْرَٰهِۦمَ مُصَلًّى ۖ وَعَهِدْنَآ إِلَىٰٓ إِبْرَٰهِۦمَ وَإِسْمَٰعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِىَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلْعَٰكِفِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ ﴿١٢٥﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَٰهِۦمُ رَبِّ ٱجْعَلْ هَٰذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَٱرْزُقْ أَهْلَهُۥ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ مَنْ ءَامَنَ مِنْهُم بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ ۖ قَالَ وَمَن كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُۥ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُۥٓ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلنَّارِ ۖ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ ﴿١٢٦﴾

ثلاثة أرباع الحزب ٢

وهرگز یهودیان ازتو خوشنود نمی شوند ونه ترسایان، تاآنکه دین ایشان را پیروی کنی بگو یقینا هدایت خدا همانست هدایت واگر آرزوهای باطلهٔ ایشان را پس ازآنچه که آمده است بتو ازدانش پیروی کردی، تورا برای خلاصی ازعذاب خدا هیچ دوستی نباشد ونه یاری دهنده ای (۱۲۰). آنانکه ایشان را کتاب دادیم (یعنی تورات) آنرا حق خواندن آن میخوانند، ایشان آنرا (هدایت خدارا) باور میدارند وهرکه منکر وی باشد پس ایشانند زیان کاران[٤٦] (۱۲۱). ای بنی اسرائیل آن نعمت مرا که انعام کرده ام برشما یادکنید وآنکه شمارا بر همه عالمها فضل دادم (۱۲۲). وبترسید ازآن روزی که کسی ازکسی چیزیرا کفایت نکند ازکسی تاوانی پذیرفته نشود اورا شفاعت سود ندهد ونه ایشان یاری داده شوند[٤٧] (۱۲۳). ویادکن چون پروردگار ابراهیم او را بسخنی چند بیازمود، پس ابراهیم آنهارا به انجام رسانید، خدا گفت هرآئینه من تورا پیشوای مردمان می گردانم گفت ابراهیم واز فرزندان من نیز (پیشوایان پیداکن ـ) فرمود عهد (وحی) من بظالمان نمی رسد (۱۲٤). وآنگاه که کعبه را مرجع مردمان ومحل امن قرار دادیم وازجای قدم (ایستگاه) ابراهیم نمازگاه بگیرید وبه سوی ابراهیم و اسمعیل وحی فرستادیم که خانه مرا برای طواف کنندگان واعتکاف کنند گان ورکوع کنند گانِ سجده کننده پاك سازید (۱۲٥). وآنگاه که ابراهیم گفت ای پروردگار من این مکان را شهر باامن بساز وساکنان آن راازمیوه ها روزی ده کسانی را که بخدا وروز بازپسین ایمان آورد ازایشان، خدا فرمود و کسیکه کافر شود اندکی بهره مند گردانمش سپس اورا به سوی عذاب آتش به بیچارگی برانم وآن بدجای بازگشتی است (۱۲٦).

---

(٤٦) یعنی آنانکه تورات رامی فهمند تصدیق شریعت محمدیه را میکنند وآنانکه تصدیق نمی کنند تورات را نمی فهمند.

(٤٧) مترجم گوید ازین جا تاسیقول السفهاء خدای تعالی اثبات می فرماید نبوت پیامبرمارا صلی الله علیه وسلم ازقصه دعاء حضرت ابراهیم که در تورات مذکوراست و ترجیح میدهد ملت حنیفیه را که حضرت پیامبر برای آن مبعوث اندوردّ میکند قول یهود را که حضرت یعقوب مارابه یهودیت وصیت کرده است واز تفریق دربین انبیاء نهی میفرمایدیعنی معتقد بعضی باشد ومنکر بعضی.

وَإِذۡ يَرۡفَعُ إِبۡرَٰهِـۧمُ ٱلۡقَوَاعِدَ مِنَ ٱلۡبَيۡتِ وَإِسۡمَٰعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلۡ
مِنَّآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿١٢٧﴾ رَبَّنَا وَٱجۡعَلۡنَا مُسۡلِمَيۡنِ
لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَآ أُمَّةٗ مُّسۡلِمَةٗ لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبۡ عَلَيۡنَآۖ
إِنَّكَ أَنتَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٢٨﴾ رَبَّنَا وَٱبۡعَثۡ فِيهِمۡ رَسُولٗا مِّنۡهُمۡ
يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ
وَيُزَكِّيهِمۡۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿١٢٩﴾ وَمَن يَرۡغَبُ عَن مِّلَّةِ
إِبۡرَٰهِـۧمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفۡسَهُۥۚ وَلَقَدِ ٱصۡطَفَيۡنَٰهُ فِي ٱلدُّنۡيَاۖ
وَإِنَّهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ لَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١٣٠﴾ إِذۡ قَالَ لَهُۥ رَبُّهُۥٓ أَسۡلِمۡۖ
قَالَ أَسۡلَمۡتُ لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٣١﴾ وَوَصَّىٰ بِهَآ إِبۡرَٰهِـۧمُ بَنِيهِ
وَيَعۡقُوبُ يَٰبَنِيَّ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰ لَكُمُ ٱلدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ
إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ﴿١٣٢﴾ أَمۡ كُنتُمۡ شُهَدَآءَ إِذۡ حَضَرَ يَعۡقُوبَ
ٱلۡمَوۡتُ إِذۡ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعۡبُدُونَ مِنۢ بَعۡدِيۖ قَالُواْ نَعۡبُدُ
إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ ءَابَآئِكَ إِبۡرَٰهِـۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ إِلَٰهٗا
وَٰحِدٗا وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ ﴿١٣٣﴾ تِلۡكَ أُمَّةٞ قَدۡ خَلَتۡۖ لَهَا مَا كَسَبَتۡ
وَلَكُم مَّا كَسَبۡتُمۡۖ وَلَا تُسۡـَٔلُونَ عَمَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿١٣٤﴾

آنگاه که ابراهیم واسمعیل بنیادهای خانه را بلندمی کردند گفتند ای پروردگار ماازما قبول کن هرآئینه تویی شنوا دانا (۱۲۷). ای پروردگارما مارا فرمان بردارخودت بگردان و از فرزندان ما (نیز) امتی را فرمانبردار خود (قرارده) وراههای عبادت مارا به ما نشان بده و توبه مارا بپذیر بدرستیکه تویی توبه پذیر مهربان (۱۲۸). ای پروردگار ما از میان ایشان پیامبری ازایشان بفرست که بخواند برایشان آیتهای تورا وایشان را کتاب و علم بیاموزد وایشان را پاك کند هرآئینه تویی توانا دانا (۱۲۹). وکیست که از کیش ابراهیم روی بگرداند مگرآنکه نفس خودرا در احمقی ا فگند به راستی که اورا درین سرای برگزیدیم و البته او درسرای دیگر ازشایستگان است (۱۳۰). آنگاه که پروردگارش اورا گفت که تسلیم شو گفت برای پروردگار عالمها تسلیم شدم (۱۳۱). ابراهیم پسران خودرا به آن (فرمانبر داری خدا) سفارش کرد و یعقوب نیز فرزندانش را، ای فرزندان من هرآئینه خدا این دین را برای شما برگزیده است پس (ازین جهان) مگر مسلمان شده نمیرید (۱۳۲). آیا حاضر بودید هنگامی که یعقوب را موت پیش آمد آنگاه که گفت فرزندان خودرا چه چیزی را عبادت خواهید کرد بعدازمن گفتند معبودتورا و معبود پدران تورا که ابراهیم و اسمعیل واسحق اند عبادت کنیم آن معبود یگانه را عبادت کنیم وما تسلیم اوهستیم (۱۳۳). این امّتی است که درگذشت وی راست آنچه کسب کردند وشمارا است آنچه کسب کردید وشماپرسیده نخواهید شد ازآنچه (آنان) می کردند (۱۳٤).

وقالوا كونوا هودا أو نصرى تهتدوا قل بل ملة إبرهم
حنيفا وما كان من المشركين ﴿١٣٥﴾ قولوا ءامنا بالله وما
أنزل إلينا وما أنزل إلى إبرهم وإسمعيل وإسحق ويعقوب
والأسباط وما أوتي موسى وعيسى وما أوتي النبيون من
ربهم لا نفرق بين أحد منهم ونحن له مسلمون ﴿١٣٦﴾
فإن ءامنوا بمثل ما ءامنتم به فقد اهتدوا وإن تولوا
فإنما هم في شقاق فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم
﴿١٣٧﴾ صبغة الله ومن أحسن من الله صبغة ونحن له
عبدون ﴿١٣٨﴾ قل أتحاجوننا في الله وهو ربنا وربكم
ولنا أعملنا ولكم أعملكم ونحن له مخلصون ﴿١٣٩﴾
أم تقولون إن إبرهم وإسمعيل وإسحق ويعقوب
والأسباط كانوا هودا أو نصرى قل ءأنتم أعلم أم
الله ومن أظلم ممن كتم شهدة عنده من الله وما الله
بغفل عما تعملون ﴿١٤٠﴾ تلك أمة قد خلت لها ما كسبت
ولكم ما كسبتم ولا تسـلون عما كانوا يعملون ﴿١٤١﴾

وگفتند یهودی شویدیا نصرانی تا هدایت شوید، بگو بلکه ملت ابراهیم را که حنیف بود ونبود ازاهل شرك پیروی می کنیم (۱۳۵). بگویید ایمان آوردیم به خدا وبه آنچه فرود آورده شده به سوی ماو آنچه فرود آورده شده به سوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نوادگانِ یعقوب وبه آنچه موسیٰ و عیسیٰ داده شد وآنچه پیامبران از پروردگارشان داده شدند درمیان هیچ کس ازایشان تفریق نمی کنیم وما برای حق عز وجل فرمان برداریم (۱۳٦). پس اگر اهل کتاب به آنچه شما به آن ایمان داریدایمان آورند پس راه یافتند واگر برگشتند پس جزاین نیست که ایشان در مخالفت اند پس زود باشد که تورا خدا به گرفتن انتقام از ایشان کفایت کند واو شنوای دانا است (۱۳۷). قبول کردیم رنگ خدارا[٤٨] وکیست ازخدا بهتر باعتبار رنگ (دین فطرت) وما اورا عبادت کنند گانیم (۱۳۸). بگو آیا با ما دربارهٔ خدا مکابره می کنید حال آنکه او پروردگار ماوشماست وماراست کردارهای ما وشما راست کردارهای شما وما برای او (درعبادت) اخلاص می ورزیم (۱۳۹). آیامی گویید که هرآئینه ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب ونوادگان او یهود بودند یا ترسا بودند بگو شما داناترید یا خدا وکیست ستمگارتراز آنکه آن گواهی را که نزدیك اوست ازجانب خدا بپوشد وخدا از آنچه می کنید بی خبر نیست (١٤٠). این امّتی است که درگذشت، ویراست آنچه کسب کردند وشماراست آنچه شماکسب کردید وپرسیده نخواهید شد ازآنچه ایشان می کردند (١٤١).

---

(٤٨) یعنی دین اورا.

۞ سَيَقُولُ ٱلسُّفَهَآءُ مِنَ ٱلنَّاسِ مَا وَلَّىٰهُمۡ عَن قِبۡلَتِهِمُ ٱلَّتِي كَانُواْ
عَلَيۡهَاۚ قُل لِّلَّهِ ٱلۡمَشۡرِقُ وَٱلۡمَغۡرِبُۚ يَهۡدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ
مُّسۡتَقِيمٖ ١٤٢ وَكَذَٰلِكَ جَعَلۡنَٰكُمۡ أُمَّةٗ وَسَطٗا لِّتَكُونُواْ
شُهَدَآءَ عَلَى ٱلنَّاسِ وَيَكُونَ ٱلرَّسُولُ عَلَيۡكُمۡ شَهِيدٗاۗ وَمَا
جَعَلۡنَا ٱلۡقِبۡلَةَ ٱلَّتِي كُنتَ عَلَيۡهَآ إِلَّا لِنَعۡلَمَ مَن يَتَّبِعُ ٱلرَّسُولَ
مِمَّن يَنقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيۡهِۚ وَإِن كَانَتۡ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى ٱلَّذِينَ
هَدَى ٱللَّهُۗ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَٰنَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ
بِٱلنَّاسِ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ ١٤٣ قَدۡ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجۡهِكَ فِي ٱلسَّمَآءِۖ
فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبۡلَةٗ تَرۡضَىٰهَاۚ فَوَلِّ وَجۡهَكَ شَطۡرَ ٱلۡمَسۡجِدِ
ٱلۡحَرَامِۚ وَحَيۡثُ مَا كُنتُمۡ فَوَلُّواْ وُجُوهَكُمۡ شَطۡرَهُۥۗ وَإِنَّ
ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ لَيَعۡلَمُونَ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّهِمۡۗ وَمَا ٱللَّهُ
بِغَٰفِلٍ عَمَّا يَعۡمَلُونَ ١٤٤ وَلَئِنۡ أَتَيۡتَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ
بِكُلِّ ءَايَةٖ مَّا تَبِعُواْ قِبۡلَتَكَۚ وَمَآ أَنتَ بِتَابِعٖ قِبۡلَتَهُمۡۚ
وَمَا بَعۡضُهُم بِتَابِعٖ قِبۡلَةَ بَعۡضٖۚ وَلَئِنِ ٱتَّبَعۡتَ أَهۡوَآءَهُم مِّنۢ
بَعۡدِ مَا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡعِلۡمِ إِنَّكَ إِذٗا لَّمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٤٥

[49]بیخردان ازمردم خواهند گفت چه چیز ایشان را ازآن قبله ای که ایشان برآن بودند برگردانید (یعنی از بیت المقدس) بگو مشرق ومغرب برای خدا است هرکه را خو اهد به سوی راه راست راه می نماید (۱٤۲). وهم چنین گردانیدیم شمارا امّتی (مختار) میانه تا برمردمان گواه باشید وتا رسول برشما گواه باشد ومقرر نکردیم آن قبله راکه بودی برآن (یعنی بیت المقدس را) مگر برای آنکه معلوم بداریم کسی را که پیروی پیامبر کند جداازآن کس که برهردوپاشنه خود بازگردد (یعنی پیروی نکند) وهرآئینه این خصلت دشوار است مگر برآنانکه ایشانرا خدا راه نموده است وخدا ایمان تان را ضائع نمی سازد بی گمان خدا به مردمان بخشاینده ٔ مهربان است (۱٤۳). به تحقیق مامی بینیم گشتن روی تورا درجانب آسمان (گاه به گاه)[50] پس البته تورا بآن قبله ای که خوشنود شوی به آن متوجه گردانیم پس متوجه گردان روی خودرا بطرف مسجد حرام وهرجاکه باشید پس روهای خویش را به سوی آن متوجه گردانید وهرآئینه أهل کتاب میدانند که این ازپروردگار ایشان راست است وخدا ازآنچه می کنند بی خبر نیست (۱٤٤). البته اگر پیش اهل کتاب هرنشانه ای بیاری هرگز پیروی نکنند قبله تورا وتو قبله ٔ ایشان را پیروی کننده نیستی ونیستند بعضی ایشان قبله بعض دیگررا پیروی کننده واگر تو خواهش‌های نفسانی ایشان را بعد از آنچه که بتو آمده است ازدانش پیروی کنی هرآئینه آنگاه تو ازستمگاران باشی (۱٤۵).

---

(٤۹) چون آنحضرت صلی الله علیه وسلم بمدینه هجرت فرمود شانزده ماه یاهفده ماه بطرف بیت المقدس نمازمی گزارد آرزو میکردکه خدای تعالی کعبه را قبله وی سازد خدای تعالی نازل کرد ﴿قَدْ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجْهِكَ﴾ الآية بعد ازآن جواب شبهه سفهادرین مسئله نازل کرد سیقول السفهاء وبعد ازآن امر فرمود به صبر بر مشاق جهاد ودر بسیاری ازاحکام توحید وقصاص و حج و صوم وصدقه ونکاح و طلاق که اهل جاهلیت تحریف کرده بودند یا رعایت انصاف نمی کردند بیان حقیقت حال فرمود و ردّ وابطال شبهات مخالفین را کرد و سوال های ایشانراجواب داد واین سیاق ممتد است تا ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا﴾.

(٥۰) یعنی آنچه در سابق علم الهی مقرر شد آنست که قبله امت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم کعبه باشد وتوجه به بیت المقدس چند مدتی بنابر حکمت امتحان است.

ٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يَعۡرِفُونَهُۥ كَمَا يَعۡرِفُونَ أَبۡنَآءَهُمۡۖ
وَإِنَّ فَرِيقٗا مِّنۡهُمۡ لَيَكۡتُمُونَ ٱلۡحَقَّ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ١٤٦ ٱلۡحَقُّ
مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُمۡتَرِينَ ١٤٧ وَلِكُلّٖ وِجۡهَةٌ
هُوَ مُوَلِّيهَاۖ فَٱسۡتَبِقُواْ ٱلۡخَيۡرَٰتِۚ أَيۡنَ مَا تَكُونُواْ يَأۡتِ بِكُمُ ٱللَّهُ
جَمِيعًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٤٨ وَمِنۡ حَيۡثُ خَرَجۡتَ
فَوَلِّ وَجۡهَكَ شَطۡرَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۖ وَإِنَّهُۥ لَلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَۗ
وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ١٤٩ وَمِنۡ حَيۡثُ خَرَجۡتَ فَوَلِّ
وَجۡهَكَ شَطۡرَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۚ وَحَيۡثُ مَا كُنتُمۡ فَوَلُّواْ
وُجُوهَكُمۡ شَطۡرَهُۥ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيۡكُمۡ حُجَّةٌ إِلَّا ٱلَّذِينَ
ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡ فَلَا تَخۡشَوۡهُمۡ وَٱخۡشَوۡنِي وَلِأُتِمَّ نِعۡمَتِي عَلَيۡكُمۡ
وَلَعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ ١٥٠ كَمَآ أَرۡسَلۡنَا فِيكُمۡ رَسُولٗا مِّنكُمۡ يَتۡلُواْ
عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِنَا وَيُزَكِّيكُمۡ وَيُعَلِّمُكُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ
وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمۡ تَكُونُواْ تَعۡلَمُونَ ١٥١ فَٱذۡكُرُونِيٓ أَذۡكُرۡكُمۡ
وَٱشۡكُرُواْ لِي وَلَا تَكۡفُرُونِ ١٥٢ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
ٱسۡتَعِينُواْ بِٱلصَّبۡرِ وَٱلصَّلَوٰةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ ١٥٣

کسانیکه ایشان را کتاب داده ایم ویرامی شناسند(*) چنانکه فرزندان خویش را می شناسند البته گروهی ازایشان حق را دانسته می پوشند(٥١) (١٤٦). این ازپروردگار تو درست است پس ازشك آورند گان مباش (١٤٧). وهر کسی را جهتی هست که به آن رو می آورد پس شتاب کنید به سوی نیکی‌ها هر کجا باشید همه شمارا خدا خواهد آورد یقینا خدا برهمه چیز تواناست (١٤٨). واز هرجا که برآیی پس روی خودرا به سوی مسجد حرام بگردان وهرآئینه وی ازپروردگار تو راست است ونیست خدا بی خبر ازآنچه می کنید (١٤٩). واز هرجاکه برآیی پس متوجه کن روی خودرا به سوی مسجد حرام وهرجاکه باشید پس بگردانید روی های خویش را به سوی آن تانباشد مردمان را الزام برشما مگر آنانکه ستم کردندازین جماعت پس از ایشان مترسید وازمن بترسید وتا نعمت خودرا برشما تمام کنم وتا باشد که راه یابید(٥٢) (١٥٠). چنانکه پیامبری را درمیان شماازقوم شما فرستادیم آیه های مارا برشما میخواند شمارا پاك می سازد وشمارا کتاب وحکمت می آموزد وشمارا آنچه که نمی دانستید می آموزد (١٥١). پس مرا یادکنید تا که شمارا یادکنم وسپاس من گویید وناسپاسی من مکنید (١٥٢). ای مسلمانان در تحصیل ثواب آخرت به صبر ونماز مددجویید وهرآئینه خدا باصابران است (١٥٣).

(*) بعض علماء از ضمیر «یَعرِفُونَهٗ» پیامبر را مراد گرفته اند والله اعلم (مصحح).

(٥١) یعنی حقیقت استقبال کعبه را.

(٥٢) مترجم گوید در تورات مذکور است که امتی از بنی اسرائیل پیدا خواهد شد که تعظیم کعبه کند پس توجه آنحضرت صلی الله علیه وسلم به کعبه حجت باهره است برصدق نبوت آنحضرت صلی الله علیه وسلم نزد احبار یهود اگرچه سفهاء یهود طعن کنند که قبله انبیاء را گذاشت والله اعلم فتح الرحمٰن.

وَلَا تَقُولُوا۟ لِمَن يُقْتَلُ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمْوَٰتٌۢ ۚ بَلْ أَحْيَآءٌ وَلَٰكِن
لَّا تَشْعُرُونَ ﴿١٥٤﴾ وَلَنَبْلُوَنَّكُم بِشَىْءٍ مِّنَ ٱلْخَوْفِ وَٱلْجُوعِ
وَنَقْصٍ مِّنَ ٱلْأَمْوَٰلِ وَٱلْأَنفُسِ وَٱلثَّمَرَٰتِ ۗ وَبَشِّرِ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿١٥٥﴾
ٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَٰبَتْهُم مُّصِيبَةٌ قَالُوٓا۟ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيْهِ رَٰجِعُونَ
﴿١٥٦﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَٰتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ ۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ
هُمُ ٱلْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾ ۞ إِنَّ ٱلصَّفَا وَٱلْمَرْوَةَ مِن شَعَآئِرِ ٱللَّهِ ۖ

فَمَنْ حَجَّ ٱلْبَيْتَ أَوِ ٱعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَا ۚ
وَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ ٱللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٥٨﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ
يَكْتُمُونَ مَآ أَنزَلْنَا مِنَ ٱلْبَيِّنَٰتِ وَٱلْهُدَىٰ مِنۢ بَعْدِ مَا بَيَّنَّٰهُ
لِلنَّاسِ فِى ٱلْكِتَٰبِ ۙ أُو۟لَٰٓئِكَ يَلْعَنُهُمُ ٱللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ ٱللَّٰعِنُونَ
﴿١٥٩﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُوا۟ وَأَصْلَحُوا۟ وَبَيَّنُوا۟ فَأُو۟لَٰٓئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ ۚ
وَأَنَا ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٦٠﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَمَاتُوا۟ وَهُمْ
كُفَّارٌ أُو۟لَٰٓئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ ٱللَّهِ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلنَّاسِ أَجْمَعِينَ
﴿١٦١﴾ خَٰلِدِينَ فِيهَا ۖ لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ ٱلْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿١٦٢﴾
وَإِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ ۖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلرَّحْمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٦٣﴾

وکسانی را که درراه خدا کشته می شوند مگویید که ایشان مرده اند بلکه ایشان زنده‌اند ولیکن شما درك نمی کنید (١٥٤). والبته شمارا به چیزی ازترس وگرسنگی ونقصانِ مال ها وجان‌ها ومیوه‌ها بیازماییم وصابران را بشارت ده (١٥٥). آنانکه چون برسد بدیشان سختی گویند هرآئینه ما ازآنِ خداییم وهرآئینه ما به سوی وی بازخواهیم گردید (١٥٦). اینانندکه برایشان است درودها از پروردگار ایشان وبخشایش وایشانند راه یافتگان (١٥٧). هرآئینه صفا ومروه از شعائر (نشانه های) خدا است پس هرکس که حج خانه (خدا) کند یا عمره بجاآرد پس گناهی بروی نیست درآنکه طواف (سعی) کند درمیان این هر دو[٥٣] وهرکه نیکی بجا آورد پس خدا قدردان دانا است (١٥٨). هرآئینه آنانکه می پوشند آنچه راکه فرود آورده ایم ازسخنان روشن وهدایت بعد ازآنکه بیان کردیم آنرا برای مردمان درکتاب اینانندکه لعنت می کند ایشان را خدا ولعنت میکنند ایشانرا لعنت کنند گان (١٥٩). مگر کسانیکه توبه کردند ونیکوکاری پیش گرفتند وبیان کردند پس اینانندکه (بمهربانی) توبه ایشان را می پذیرم ومنم توبه پذیر مهربان (١٦٠). هرآئینه آنانکه کافرشدند ومردند درحالیکه کافربودند اینانندکه لعنت خدا وفرشتگان ومردمان ـ همگی ـ برایشان است (١٦١). درآن لعنت همیشه باشند ازایشان عذاب سبك کرده نشود ونه ایشان مهلت داده شوند (١٦٢). ومعبود شما خدا یگانه است هیچ معبود برحقی جز او نیست، بخشاینده مهربان است (١٦٣).

---

(٥٣) بعضی از اهل اسلام صفاومروه را ازشعائر جاهلیت گمان کرده ازآن دست بازداشتند ـ زیراکه درجاهلیت بالای صفا ومروه دوبت عبادت می شد ـ پس این آیه نازل شد.

إِنَّ فِي خَلْقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَٱخْتِلَٰفِ ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ
وَٱلْفُلْكِ ٱلَّتِي تَجْرِي فِي ٱلْبَحْرِ بِمَا يَنفَعُ ٱلنَّاسَ وَمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ
مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن مَّآءٍ فَأَحْيَا بِهِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا
مِن كُلِّ دَآبَّةٍ وَتَصْرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ وَٱلسَّحَابِ ٱلْمُسَخَّرِ بَيْنَ
ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ لَأٓيَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٦٤﴾ وَمِنَ ٱلنَّاسِ
مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ ٱللَّهِ ۖ وَٱلَّذِينَ
ءَامَنُوٓا۟ أَشَدُّ حُبًّا لِّلَّهِ ۗ وَلَوْ يَرَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓا۟ إِذْ يَرَوْنَ
ٱلْعَذَابَ أَنَّ ٱلْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعَذَابِ ﴿١٦٥﴾
إِذْ تَبَرَّأَ ٱلَّذِينَ ٱتُّبِعُوا۟ مِنَ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوا۟ وَرَأَوُا۟ ٱلْعَذَابَ
وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ ٱلْأَسْبَابُ ﴿١٦٦﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوا۟ لَوْ أَنَّ
لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا۟ مِنَّا ۗ كَذَٰلِكَ يُرِيهِمُ ٱللَّهُ
أَعْمَٰلَهُمْ حَسَرَٰتٍ عَلَيْهِمْ ۖ وَمَا هُم بِخَٰرِجِينَ مِنَ ٱلنَّارِ ﴿١٦٧﴾
يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ كُلُوا۟ مِمَّا فِي ٱلْأَرْضِ حَلَٰلًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا۟
خُطُوَٰتِ ٱلشَّيْطَٰنِ ۚ إِنَّهُۥ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿١٦٨﴾ إِنَّمَا يَأْمُرُكُم
بِٱلسُّوٓءِ وَٱلْفَحْشَآءِ وَأَن تَقُولُوا۟ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٦٩﴾

به راستیکه در آفرینش آسمانها و زمین وآمدورفت شب و روز و آن کشتی ای که میرود در دریا به آنچه سود میدهد مردم را (یعنی بتجارت) ودرآنکه فرود آورد خدا ازآسمان آب پس زنده ساخت به آن زمین را پس ازمردن آن و پراکنده ساخت در زمین از هر نوع جنبنده ای و درگردانیدنِ بادها ودر ابر رام کرده شده میانِ آسمان و زمین البته نشانه ها است برای قومی که درمی یابند (١٦٤). وازمردمان کسی هست که غیراز خدا همتایان را مي گیرد، ایشان را دوست میدارند مانند دوستی خدا وکسانیکه ایمان آورده اند در دوستی خدا قوی تراند واگر ببینند ستمگاران هنگامیکه مشاهده کنند عذاب را (می فهمند) اینکه قدرت وتوانایی همه برای خدا است واینکه خدا صاحب سخت عقوبت است (١٦٥). هنگامی که پیشوایانِ کفر ازتابعان بیزار شوند وعذاب را بینند ونسبت به ایشان همه پیوندها (یعنی وسیلها) بریده شود (١٦٦). وگویند پیروی کنندگان کاش مارا باز گشتی باشد تا ازآن پیشوایان بیزاری کنیم چنانکه ایشان ازما بیزار شدند، هم چنین خدا در نظر ایشان کردارهای ایشانرا پشیمانی ها برایشان بنماید وایشان از دوزخ بیرون آیند گان نیستند (١٦٧). ای مردمان حلال پاکیزه را از آنچه در زمین است بخورید وگام های شیطان را پیروی مکنید هرآئینه او دشمن آشکار شما است[٥٤] (١٦٨). جزاین نیست که (شیطان) شمارا به بدکاری وبی حیایی وبه آنکه افترا کنید برخدا آنچه راکه نمی دانید میفرماید (١٦٩).

(٥٤) مترجم گوید اهل جاهلیّت چیزهارا ازنزد خویش حرام ساخته بودند بحائر وسوائب خدای تعالی درردّایشان نازل کرد (فتح الرحمٰن).

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّبِعُوا۟ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُوا۟ بَلْ نَتَّبِعُ مَآ أَلْفَيْنَا
عَلَيْهِ ءَابَآءَنَآ ۗ أَوَلَوْ كَانَ ءَابَآؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْـًٔا وَلَا
يَهْتَدُونَ ﴿١٧٠﴾ وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ كَمَثَلِ ٱلَّذِى يَنْعِقُ
بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَآءً وَنِدَآءً ۚ صُمٌّۢ بُكْمٌ عُمْىٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ
﴿١٧١﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ كُلُوا۟ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقْنَٰكُمْ
وَٱشْكُرُوا۟ لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿١٧٢﴾ إِنَّمَا حَرَّمَ
عَلَيْكُمُ ٱلْمَيْتَةَ وَٱلدَّمَ وَلَحْمَ ٱلْخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ بِهِۦ لِغَيْرِ
ٱللَّهِ ۖ فَمَنِ ٱضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَآ إِثْمَ عَلَيْهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ
غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٧٣﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ
ٱلْكِتَٰبِ وَيَشْتَرُونَ بِهِۦ ثَمَنًا قَلِيلًا ۙ أُو۟لَٰٓئِكَ مَا يَأْكُلُونَ
فِى بُطُونِهِمْ إِلَّا ٱلنَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ ٱللَّهُ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ
وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٤﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ
ٱشْتَرَوُا۟ ٱلضَّلَٰلَةَ بِٱلْهُدَىٰ وَٱلْعَذَابَ بِٱلْمَغْفِرَةِ ۚ فَمَآ
أَصْبَرَهُمْ عَلَى ٱلنَّارِ ﴿١٧٥﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ نَزَّلَ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ ۗ
وَإِنَّ ٱلَّذِينَ ٱخْتَلَفُوا۟ فِى ٱلْكِتَٰبِ لَفِى شِقَاقٍۭ بَعِيدٍ ﴿١٧٦﴾

وچون ایشان را گفته شود پیروی کنید آنراکه خدا فرود آورد گویند بلکه پیروی می کنیم چیزیرا که یافته ایم برآن پدران خویش را آیا تقلید می کنند اگرچه پدران ایشان نمی فهمیدند چیزی را وراه نیافته باشند (۱۷۰). ومثال کافران درنشنیدن پند پیامبر ودرك نکردن آن مانند حال کسی است که او آوازکند آنچه را که او (یعنی حیوانی که درك نکند) از آن آواز جزصدا و خواندان را نشنود ایشان کران وگنگان وکورانند پس ایشان هیچ نمی فهمند (۱۷۱). ای مسلمانان ازپاکیزه‌های آنچه روزی دادیم شمارا بخورید وخدارا سپاس گویید اگر هستید اورامی پرستید (۱۷۲). جزاین نیست که برشما مردار وخون وگوشت خوك را وآنچه راکه نام غیر خدا براوبرده شده است حرام کرده است پس هرکه مجبور شود نه تعدی کننده ونه ازحد درگذرنده پس بروی گناه نیست[۵۵] هرآئینه خدا آمرزنده مهربان است[۵٦] (۱۷۳). به راستیکه کسانیکه می پوشند آنچه راکه خدا از کتاب فرود آورده است و به عوض آن بهای اندك را، می ستانند آن جماعت در شکم های خود مگر آتش را نمی خورند وخدا به ایشان روز قیامت سخن نگوید ونه ایشان را پاك کند وبرای ایشان عذاب دردناك است (۱۷٤). ایشانند آنانکه گمراهی را به عوض هدایت وعذاب را به عوض آمرزش خرید کردند پس ایشان بردوزخ چقدر شکیبایند (۱۷۵). این همه بسبب آنست که خدا کتاب را براستی فرود آورد وهرآئینه آنانکه در کتاب اختلاف کردند البته در مخالفت از صواب دوراند (۱۷٦).

---

(۵۵) یعنی درخوردن آن چیزها.

(۵٦) مترجم گوید که اگرگوئی که درین آیت تحریم را حصر کرده شد در اشیاء مذکوره حالانکه درحدیث سباع وحمار و مانند آن را نیز حرام شمرده است پس وجه تطبیق چه باشد گویم حصر اضافی است به نسبت بحائرو سوائب که حرام می دانستند پس دربهیمة الانعام هیچ چیز حرام نیست غیر از اشیاء مذکوره ودر خبائث وسباع ومانند آن سخن نه داشتند والله اعلم.

۞ لَّيْسَ ٱلْبِرَّ أَن تُوَلُّوا۟ وُجُوهَكُمْ قِبَلَ ٱلْمَشْرِقِ وَٱلْمَغْرِبِ
وَلَٰكِنَّ ٱلْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْـَٔاخِرِ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةِ
وَٱلْكِتَٰبِ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ وَءَاتَى ٱلْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ ذَوِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَٰمَىٰ
وَٱلْمَسَٰكِينَ وَٱبْنَ ٱلسَّبِيلِ وَٱلسَّآئِلِينَ وَفِى ٱلرِّقَابِ وَأَقَامَ
ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَى ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَٰهَدُوا۟ ۖ
وَٱلصَّٰبِرِينَ فِى ٱلْبَأْسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَحِينَ ٱلْبَأْسِ ۗ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ
صَدَقُوا۟ ۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ كُتِبَ
عَلَيْكُمُ ٱلْقِصَاصُ فِى ٱلْقَتْلَى ۖ ٱلْحُرُّ بِٱلْحُرِّ وَٱلْعَبْدُ بِٱلْعَبْدِ وَٱلْأُنثَىٰ
بِٱلْأُنثَىٰ ۚ فَمَنْ عُفِىَ لَهُۥ مِنْ أَخِيهِ شَىْءٌ فَٱتِّبَاعٌۢ بِٱلْمَعْرُوفِ وَأَدَآءٌ
إِلَيْهِ بِإِحْسَٰنٍ ۗ ذَٰلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ ۗ فَمَنِ ٱعْتَدَىٰ
بَعْدَ ذَٰلِكَ فَلَهُۥ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٨﴾ وَلَكُمْ فِى ٱلْقِصَاصِ حَيَوٰةٌ يَٰٓأُو۟لِى
ٱلْأَلْبَٰبِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٧٩﴾ كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ
أَحَدَكُمُ ٱلْمَوْتُ إِن تَرَكَ خَيْرًا ٱلْوَصِيَّةُ لِلْوَٰلِدَيْنِ وَٱلْأَقْرَبِينَ
بِٱلْمَعْرُوفِ ۖ حَقًّا عَلَى ٱلْمُتَّقِينَ ﴿١٨٠﴾ فَمَنۢ بَدَّلَهُۥ بَعْدَ مَا سَمِعَهُۥ
فَإِنَّمَآ إِثْمُهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُۥٓ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٨١﴾

نیست نیکوکاری آنکه روی خودرا به طرف مشرق ومغرب[٥٧] بگردانید ولیکن صاحب نیکوکاری آنست[٥٨] که به خدا وروز قیامت وفرشتگان وکتاب وپیامبران ایمان آورد ومال را باوجود دوست داشتن آن (مال) به خویشاوندان ویتیمان وفقیران ومسافران وسوال کنند گان را بدهد وخرج کند در (آزاد کردن) برده ها[٥٩] ونمازرا برپادارد وزکوٰة را بدهد ووفا کنندگان بر عهد خویش چون عهد کنند وصبر کنند گان درتنگ دستی وسختی وبه وقت کارزار ایشانند راست گو وایشانند پرهیز گاران (۱۷۷). ای مسلمانان برشما قصاص درکشتگان لازم کرده شد[٦٠] آزاد درمقابله آزاد[٦١] وبنده در مقابلهٔ بنده وزن در مقابلهٔ زن است پس کسی که از او چیزی را ازخون برادرش درگذاشته شد[٦٢] پس حکم او به نیکویی پیروی کردن است[٦٣] ورسانیدن خون بهاست بوی به خوش خوئی[٦٤] این حکم تخفیف ومهربانی ازپروردگار تان است پس هرکه ازحد بعد ازاین تجاوزکند برای او عذاب دردناك است (۱۷۸). وبرایتان قصاص (مایهٔ) زندگانی است ای صاحبان خرد تاباشیدکه پرهیزگاری کنید[٦٥] (۱۷۹). لازم کرده شد برشما وقتیکه پیش آید کسی را ازشماموت اگر مال بگذارد وصیت کردن برای پدرومادر ونزدیکان به نیکویی این کار برمتقیان لازم شد (۱۸۰). پس هرکه تغییر داد وصیت را بعدازآنکه شنیدش پس جزاین نیست که گناهِ تبدیل برآنکسان است که تغییر می دهند آن وصیت را هرآئینه خدا شنوای داناست (۱۸۱).

---

(٥٧) یعنی توجه به جهت مشرق ومغرب چنانکه یهود ونصاریٰ گمان می کنند نیکوکاری نیست بلکه منسوخ شده است.

(٥٨) یعنی صاحب آن نیکوکاری که ملتهادرآن اختلاف ندارند فتح.

(٥٩) یعنی درآزادی یا خلاصی بندگان مکاتب.

(٦٠) یعنی اعتبار مماثلت درکشتگان.

(٦١) یعنی مثل اوست درحکم.

(٦٢) یعنی چیزی ازخون مسلمان مقتول.

(٦٣) یعنی ولي دم به حسن معامله مطالبه کند نه به درشتی.

(٦٤) یعنی قاتل به خوش‌خوئی ادانماید نه به صعوبت.

(٦٥) اهل جاهلیت شریف را در مقابله وضیع نمیکشتند ودر مقابله شریف چند کس ازوضیع میکشتند خدای تعالی نازل فرمودکه حکم الهی باعتبار مماثلت است دراجناس کشتگان باین معنی که احراررا حکم جداست که هرحرمثل حر دیگر است درآن حکم وعبید را حکم جداست که هر عبد مثل عبد دیگر است درآن حکم و زنانرا حکم جداست که هرزن مثل زن دیگرست درآن حکم وامتیاز زنان است حکم درباب دیات نه در باب قود یعنی قصاص پس هر فردی ازین اجناس مساوی است بافرد دیگر هرچند بعضی شریف باشد و بعضی وضیع و بعضی جمیل وبعضی ذمیم بعضی مالدار و بعضی فقیر وسنت زیاده کرده است دوجنس دیگر مسلمان در مقابله مسلمان است و کافر در مقابله کافر پس اگر بعض ورثه عفوکنند یا ازکشتن گذشته خون بها قبول نمایند ولی دم را باید که بحسن معامله مطالبه کند نه بدرشتی و قاتل را باید که بخوشخوئی اداکند نه به بدخوئی.

فَمَنْ خَافَ مِن مُّوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَآ إِثْمَ عَلَيْهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٨٢﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ كُتِبَ عَلَيْكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٨٣﴾ أَيَّامًا مَّعْدُودَٰتٍ ۚ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۚ وَعَلَى ٱلَّذِينَ يُطِيقُونَهُۥ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ ۖ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُۥ ۚ وَأَن تَصُومُوا۟ خَيْرٌ لَّكُمْ ۖ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٨٤﴾ شَهْرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِىٓ أُنزِلَ فِيهِ ٱلْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَـٰتٍ مِّنَ ٱلْهُدَىٰ وَٱلْفُرْقَانِ ۚ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ ٱلشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ۖ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۗ يُرِيدُ ٱللَّهُ بِكُمُ ٱلْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ ٱلْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا۟ ٱلْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا۟ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٨٥﴾ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِى عَنِّى فَإِنِّى قَرِيبٌ ۖ أُجِيبُ دَعْوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ۖ فَلْيَسْتَجِيبُوا۟ لِى وَلْيُؤْمِنُوا۟ بِى لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿١٨٦﴾

پس هرکه ازوصیت کننده ظلمی یا گناهی را ترسید پس درمیان ایشان صلاح آورد پس بروی هیچ گناه نیست هرآئینه خدا آمرزنده مهربان است[٦٦] (١٨٢). ای کسانیکه ایمان آورده‌اید برشما روزه داشتن لازم کرده شد چنانچه برکسانیکه پیش ازشمابودند لازم کرده شد تاباشدکه پرهیزگاری کنید (١٨٣). روزه داشتن چند روز شمرده شده پس هرکه ازشما بیمار یا مسافر باشد پس شمار آن ازروزهای دیگر لازم است وبرآنانکه میتوانند روزه داشتن (یعنی ونمی دارند) فدیه[٦٧] که عبارت ازخوراك يك درویش است لازم است پس هرکه نیکی را بجا آورد نیکی را پس اورا آن بهتر است وآنکه روزه دارید برای شما بهتر است اگر شمامی‌دانید[٦٨] (١٨٤). ماه رمضان آن [ماهی] است که فرود آورده شد درآن قرآن رهنمائی برای مردمان وسخنان روشن ازهدایت وتشخیص حق از باطل پس هرکه دریابد ازشما آن ماه را پس البته آن را روزه دارد وهرکه بیمار یا مسافر باشد پس بروی شمار آنچه فوت شد از روزهای دیگر لازم است خدا برای شما آسانی میخواهد وبرای شما دشواری نمی خواهد ومیخواهد که شمار را تمام کنید وبه بزرگی خدا را یاد کنید به شکر آنکه شمارا راه نمود وتاباشدکه شما شکرگزار شوید (١٨٥). وچون بندگانم از تو دربارهٔ من بپرسند (بگو) پس هرآئینه من نزدیکم دعای دعا کننده را وقتیکه دعا کندمرا قبول می کنم پس باید که فرمانبرداری من کنند وباید که بمن بگروند تاباشد که راه یابند (١٨٦).

(٦٦) حکم وصیت منسوخ است بآیت مواریث.

(٦٧) مضمون این آیت تخییر است درصوم و فدیه این معنی منسوخ شد به آیتی که متصل می آید مترجم گوید شاید که معنی آیت چنین باشد که واجب است برآنانکه میتوانند داد فدیه را دادن فدیه که عبارت ازطعام يك درویش است مراد صدقه الفطراست و سنت آنرا مقدر کرد به يك صاع از خرما یانیم صاع از گندم [«مثلیکه مترجم قائل فرق است بین خرما وگندم بنا بر قول معاویة رضی الله عنه ولی در حدیث أبي سعید خدری که در صحیح بخاری است بخلاف این آمده چنانچه میگویدکه زمان پیغمر ـ صلی الله علیه وسلم ـ صدقه فطر را يك صاع از طعام ـ گندم ـ ويك صاع از خرما ويك صاع ازجو ويك صاع از کشمش أداء می کردیم صحیح بخاری (٣/ ٣٧١ ـ ٣٧٢ مع الفتح ك: الزکاة، باب: صاع من زبیب ح ٥٠٥ و٥٠٨)]، پس آیت محکم باشدنه منسوخ و شاید که معنی آیت چنین باشد واجب است برآنانکه میتوانند قضا کردن یعنی وقضانکردند تاآنکه رمضان دیگر درآمد والله اعلم.

(٦٨) فدیه دادن که عبارت ازطعام يك مسكين است وآن مقدر است بيك مد واین حکم منقول است از قاسم وسعید بن جبیر وهمین است مذهب شافعی ودراین صورت نیز محکم است غیر منسوخ.

أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ ٱلصِّيَامِ ٱلرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَآئِكُمْۚ هُنَّ
لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّۗ عَلِمَ ٱللَّهُ أَنَّكُمْ كُنتُمْ
تَخْتَانُونَ أَنفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنكُمْۖ فَٱلْـَٰٔنَ
بَٰشِرُوهُنَّ وَٱبْتَغُواْ مَا كَتَبَ ٱللَّهُ لَكُمْۚ وَكُلُواْ وَٱشْرَبُواْ
حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ ٱلْخَيْطُ ٱلْأَبْيَضُ مِنَ ٱلْخَيْطِ ٱلْأَسْوَدِ مِنَ
ٱلْفَجْرِۖ ثُمَّ أَتِمُّواْ ٱلصِّيَامَ إِلَى ٱلَّيْلِۚ وَلَا تُبَٰشِرُوهُنَّ وَأَنتُمْ
عَٰكِفُونَ فِي ٱلْمَسَٰجِدِۗ تِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَاۗ كَذَٰلِكَ
يُبَيِّنُ ٱللَّهُ ءَايَٰتِهِۦ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿١٨٧﴾ وَلَا تَأْكُلُوٓاْ
أَمْوَٰلَكُم بَيْنَكُم بِٱلْبَٰطِلِ وَتُدْلُواْ بِهَآ إِلَى ٱلْحُكَّامِ
لِتَأْكُلُواْ فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَٰلِ ٱلنَّاسِ بِٱلْإِثْمِ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ
﴿١٨٨﴾ ۞ يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْأَهِلَّةِۖ قُلْ هِيَ مَوَٰقِيتُ لِلنَّاسِ وَٱلْحَجِّۗ
وَلَيْسَ ٱلْبِرُّ بِأَن تَأْتُواْ ٱلْبُيُوتَ مِن ظُهُورِهَا وَلَٰكِنَّ ٱلْبِرَّ
مَنِ ٱتَّقَىٰۗ وَأْتُواْ ٱلْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَٰبِهَاۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٨٩﴾ وَقَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ
يُقَٰتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْمُعْتَدِينَ ﴿١٩٠﴾

برای شما درشبِ روزه مخالطت کردن بازنان خود حلال کرده شد ایشان بمنزلهٔ پوشش اند برای شما وشما بجای پوشش اید برای ایشان خدا می دانست که شما درحق خویشتن خیانت می کردید پس به مهربانی برشما باز گشت ودرگذشت ازشما پس الآن مخالطت کنید بازنان وطلب کنید آنچه خدا برای شما مقدر کرده است (یعنی اولاد) و بخورید وبنوشید تاآنکه روشن شود برای شما رشتهٔ سفید ازرشتهٔ سیاه (مراد از رشتهٔ سفید فجراست) پس ازآن روزه راتاشب تمام کنید وزنان را درحالیکه شما معتکف باشید درمسجدها مباشرت نکنید این‌ها حدود (منهیات) خدا است پس بآنها نزدیك نشوید همچنین خدا آیه های خود را برای مردمان بیان می‌کند تاپرهیزگاری کنند (۱۸۷). واموال خویش را درمیانتان به ناحق مخورید ومرسانید اموال خود را به حاکمان (یعنی به رشوه دادن) تاپاره ای را از اموال مردم به گناه (به ستم) بخورید درحالیکه شما میدانید (۱۸۸). تورا[٦٩] ازماه ها می پرسند بگو این ها برای مردمان وبرای حج میعاداند[۷۰] ونیست نیکوکاری آنکه درآیید درخانه ها (در حالت احرام) ازپس پشت آنها ولیکن صاحب نیکوکاری آنست که پرهیزگاری کند ودرخانه ها ازراه دروازه ها درآیید وازخدا بترسید تا باشد که شما رستگار شوید (۱۸۹). وجنگ کنید درراه خدا باآن کسانیکه جنگ می کنندباشما وازحد مگذرید هرآئینه خدا ازحد گذشتگان را دوست نمی دارد (۱۹۰).

---

(٦٩) مترجم گوید ظاهر نزدیك این بنده آن است که سوال کردند ازشهر حج که شوال وذی قعده ونه روز از ذی الحجه باشد که آیا حج موقت است بآنهایانه ویکی از تحریفات جاهلیت آن بود که درحالت احرام ازبالای دیوار جسته ویا از سوراخ دیوارگذشته بخانه می آمدند واز راه دروازه نمی آمدند پس این آیت نازل شد.

(۷۰) یعنی تامردمان احرام حج بندند در آنها فتح الرحمن.

وَٱقۡتُلُوهُمۡ حَيۡثُ ثَقِفۡتُمُوهُمۡ وَأَخۡرِجُوهُم مِّنۡ حَيۡثُ أَخۡرَجُوكُمۡۚ وَٱلۡفِتۡنَةُ
أَشَدُّ مِنَ ٱلۡقَتۡلِۚ وَلَا تُقَٰتِلُوهُمۡ عِندَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَٰتِلُوكُمۡ
فِيهِۖ فَإِن قَٰتَلُوكُمۡ فَٱقۡتُلُوهُمۡۗ كَذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلۡكَٰفِرِينَ ١٩١ فَإِنِ ٱنتَهَوۡاْ
فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١٩٢ وَقَٰتِلُوهُمۡ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتۡنَةٞ وَيَكُونَ
ٱلدِّينُ لِلَّهِۖ فَإِنِ ٱنتَهَوۡاْ فَلَا عُدۡوَٰنَ إِلَّا عَلَى ٱلظَّٰلِمِينَ ١٩٣ ٱلشَّهۡرُ ٱلۡحَرَامُ
بِٱلشَّهۡرِ ٱلۡحَرَامِ وَٱلۡحُرُمَٰتُ قِصَاصٞۚ فَمَنِ ٱعۡتَدَىٰ عَلَيۡكُمۡ فَٱعۡتَدُواْ
عَلَيۡهِ بِمِثۡلِ مَا ٱعۡتَدَىٰ عَلَيۡكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ
ٱلۡمُتَّقِينَ ١٩٤ وَأَنفِقُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا تُلۡقُواْ بِأَيۡدِيكُمۡ إِلَى ٱلتَّهۡلُكَةِ
وَأَحۡسِنُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٩٥ وَأَتِمُّواْ ٱلۡحَجَّ وَٱلۡعُمۡرَةَ لِلَّهِۚ
فَإِنۡ أُحۡصِرۡتُمۡ فَمَا ٱسۡتَيۡسَرَ مِنَ ٱلۡهَدۡيِۖ وَلَا تَحۡلِقُواْ رُءُوسَكُمۡ حَتَّىٰ يَبۡلُغَ
ٱلۡهَدۡيُ مَحِلَّهُۥۚ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوۡ بِهِۦٓ أَذٗى مِّن رَّأۡسِهِۦ فَفِدۡيَةٞ
مِّن صِيَامٍ أَوۡ صَدَقَةٍ أَوۡ نُسُكٖۚ فَإِذَآ أَمِنتُمۡ فَمَن تَمَتَّعَ بِٱلۡعُمۡرَةِ إِلَى ٱلۡحَجِّ
فَمَا ٱسۡتَيۡسَرَ مِنَ ٱلۡهَدۡيِۚ فَمَن لَّمۡ يَجِدۡ فَصِيَامُ ثَلَٰثَةِ أَيَّامٖ فِي ٱلۡحَجِّ
وَسَبۡعَةٍ إِذَا رَجَعۡتُمۡۗ تِلۡكَ عَشَرَةٞ كَامِلَةٞۗ ذَٰلِكَ لِمَن لَّمۡ يَكُنۡ أَهۡلُهُۥ حَاضِرِي
ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ١٩٦

ومشركان را هرجاكه بيابيد ايشان را بكشيد وايشان را ازآنجا كه بيرون كردند شمارا (يعنى ازمكه) بيرون كنيد وغلبه شرك سخت تر است ازقتل[۷۱] وكارزار مكنيد باايشان نزديك مسجدحرام تاآنكه درآن جا باشما كارزار كنند پس اگر بجنگند باشما پس ایشان را بكشيد هم چنين سزاى كافران است (۱۹۱). پس اگر بازماندند پس هرآئينه خدا آمرزندهٔ مهربان است (۱۹۲). وبجنگيد باايشان تاآنكه نابود شود شرك و دين محض تنها براى خدا شود پس اگر باز ماندند[۷۲] پس روا نيست دست درازى مگر برستمگاران (۱۹۳). ماه حرام به عوض ماه حرام است وحرمت شكنيهادارای قصاص است پس هركه تجاوز كند برشما پس بروى تجاوز كنيد مانند تجاوز او برشما وازخدا بترسيد و بدانيد كه خدا باپرهيزكاران است[۷۳] (۱۹٤). ودرراه خدا خرج كنيد وخويشتن را به سوى هلاكت ميفكنيد ونيكوكارى كنيد هرآئينه خدا نيكوكاران را دوست مى دارد (۱۹٥). وحج و عمره را براى خدا تمام كنيد پس اگر بازداشته شويد پس آنچه سهل باشد ازقربانى لازم است و سرهاى خودرا تاآنكه قربانى بجايش برسد متراشيد[۷٤] پس هركه ازشما بيمار باشد يا اورا درسراو[۷٥] رنجى باشد پس لازم است عوض آن از روزه يا صدقه يا قربانى پس چون ايمن شديد پس هركه بهره‌ورشد به اداء عمره[۷٦] سپس به اداء حج (يعنى تمتع كرد يا قران) پس آنچه سهل باشد از قربانى لازم است پس هركه نيابد پس روزه داشتن سه روز دروقت حج لازم است وهفت روز وقتيكه بازگرديد ازسفر اين ده (روز) كامل است اين حكم آن راست كه خانواده وى باشندهٔ مسجد حرام نباشد وازخدا بترسيد وبدانيد به يقين كه خدا سخت عقوبت است[۷۷] (۱۹٦).

---

(۷۱) يعنى در مقابلهٔ او قتل جائز است.

(۷۲) يعنى از شرك.

(۷۳) حاصل اين آيات آنست كه درمسجد حرام ودر شهر حرام ابتداء به قتال نبايد كرد وچون كافران ابتدا كنند در مقابله ايشان بايد جنگ كردن كه اين معنى باحرمت مسجد وشهر نزاع ندارد چنانكه در ابتداء كشتن مسلمان درست نيست و اگر خون ناحق ريخته باشد به قصاص ميتوان كشت و فقهاء بآن سبب تصريح نكرده اند كه اقامت حربيان به مكه بعد فتح مكه بودنى نيست والله اعلم.

(۷٤) يعنى در حج رمى جمرة العقبه كنند بمنى و در عمره از سعى بين الصفا والمروة فارغ شوند به مكه والله اعلم.

(۷٥) يعنى شپش بسيار داشته باشد و باين سبب حلق كند پيش ازحلال شدن والله اعلم.

(۷٦) يعنى بامور ممنوعه احرام بهره‌ورشد.

(۷۷) درين آيت چند حكم مذكور شده است (وجوب) تمام حج و عمره بعد از شروع وحكم احصار وكفاره ارتكاب امور ممنوعه احرام به عذر مرض و ماهيت تمتع ووجوب قربانى برمتمتع والله اعلم.

ٱلۡحَجُّ أَشۡهُرٞ مَّعۡلُومَٰتٞۚ فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ ٱلۡحَجَّ فَلَا
رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي ٱلۡحَجِّۗ وَمَا تَفۡعَلُواْ مِنۡ
خَيۡرٖ يَعۡلَمۡهُ ٱللَّهُۗ وَتَزَوَّدُواْ فَإِنَّ خَيۡرَ ٱلزَّادِ ٱلتَّقۡوَىٰۖ
وَٱتَّقُونِ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ﴿١٩٧﴾ لَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ
أَن تَبۡتَغُواْ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّكُمۡۚ فَإِذَآ أَفَضۡتُم مِّنۡ
عَرَفَٰتٖ فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ عِندَ ٱلۡمَشۡعَرِ ٱلۡحَرَامِۖ
وَٱذۡكُرُوهُ كَمَا هَدَىٰكُمۡ وَإِن كُنتُم مِّن قَبۡلِهِۦ
لَمِنَ ٱلضَّآلِّينَ ﴿١٩٨﴾ ثُمَّ أَفِيضُواْ مِنۡ حَيۡثُ أَفَاضَ
ٱلنَّاسُ وَٱسۡتَغۡفِرُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿١٩٩﴾
فَإِذَا قَضَيۡتُم مَّنَٰسِكَكُمۡ فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَذِكۡرِكُمۡ
ءَابَآءَكُمۡ أَوۡ أَشَدَّ ذِكۡرٗاۗ فَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ
رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا وَمَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنۡ خَلَٰقٖ
﴿٢٠٠﴾ وَمِنۡهُم مَّن يَقُولُ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ
وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ﴿٢٠١﴾ أُوْلَٰٓئِكَ
لَهُمۡ نَصِيبٞ مِّمَّا كَسَبُواْۚ وَٱللَّهُ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ﴿٢٠٢﴾

حج بماه های دانسته شده محدوداست[۷۸] پس هر که برخود درین ماه‌هاحج را لازم کرد (یعنی احرام بست) پس مخالطت زنان جائز نیست ونه بدکاری ونه درحج باهم مشاجره کردن وهرچه می کنید ازنیکی آن را میداند ورَه‌توشه (باخود) همراه گیرید هرآئینه بهترین فوائد رَه‌توشه پرهیز گاری است (یعنی ازسوال و دزدی) وازمن بترسید ای صاحبان خرد (۱۹۷). نیست بر شمار گناهی درآنکه درموسم حج روزی ازپروردگار خویش طلب کنید پس چون ازعرفات باز گردید پس خدارا به نزد مشعر الحرام (یعنی بمزدلفه) یادکنید وخدارا به شکر آنکه راه نموده است شمارا یاد کنید وهرآئینه پیش ازین از گمراهان بودید (۱۹۸). پس بازگردیدازآنجا که (عموم) مردمان[۷۹] باز میگردند وازخدا آمرزش طلب کنید هرآئینه خدا آمرزنده مهربانست (۱۹۹). پس چون ارکان حج خویش را به جا آوردید پس خدا را یاد کنید (یعنی درمنیٰ) مانند یاد کردن شما پدرانِ خویش را بلکه بیشتر یاد کردن پس ازمردمان کسی هست که می گوید ای پروردگارما مارا دردنیا نعمت بده ونیست اورا در آخرت هیچ نصیبی (۲۰۰). وازمردمان کسی هست که می گوید ای پروردگارما بده مارا دردنیا نعمت ودرآخرت نعمت ومارا ازعذاب دوزخ محفوظ دار (۲۰۱). اینانندکه برایشان از ثواب آنچه بعمل آوردند بهره ای است (یعنی از ثواب آخرت) وخدا زود کنندهٔ حساب است (۲۰۲).

---

(۷۸) یعنی شوال و ذیقعده و دَهِ ذی الحجه.

(۷۹) مترجم گوید یعنی از عرفات نه ازمزدلفه چناکه قریش تحریف کرده بودند والله اعلم.

۞ وَٱذْكُرُوا۟ ٱللَّهَ فِىٓ أَيَّامٍ مَّعْدُودَٰتٍ ۚ فَمَن تَعَجَّلَ فِى يَوْمَيْنِ فَلَآ إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَن تَأَخَّرَ فَلَآ إِثْمَ عَلَيْهِ ۚ لِمَنِ ٱتَّقَىٰ ۗ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٠٣﴾ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُۥ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَيُشْهِدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا فِى قَلْبِهِۦ وَهُوَ أَلَدُّ ٱلْخِصَامِ ﴿٢٠٤﴾ وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِى ٱلْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ ٱلْحَرْثَ وَٱلنَّسْلَ ۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلْفَسَادَ ﴿٢٠٥﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُ ٱتَّقِ ٱللَّهَ أَخَذَتْهُ ٱلْعِزَّةُ بِٱلْإِثْمِ ۚ فَحَسْبُهُۥ جَهَنَّمُ ۚ وَلَبِئْسَ ٱلْمِهَادُ ﴿٢٠٦﴾ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشْرِى نَفْسَهُ ٱبْتِغَآءَ مَرْضَاتِ ٱللَّهِ ۗ وَٱللَّهُ رَءُوفٌۢ بِٱلْعِبَادِ ﴿٢٠٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱدْخُلُوا۟ فِى ٱلسِّلْمِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا۟ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيْطَٰنِ ۚ إِنَّهُۥ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٢٠٨﴾ فَإِن زَلَلْتُم مِّنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْكُمُ ٱلْبَيِّنَٰتُ فَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٠٩﴾ هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن يَأْتِيَهُمُ ٱللَّهُ فِى ظُلَلٍ مِّنَ ٱلْغَمَامِ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ وَقُضِىَ ٱلْأَمْرُ ۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرْجَعُ ٱلْأُمُورُ ﴿٢١٠﴾

وخدارا درچند روز شمرده شده (یعنی ایام منیٰ) یاد کنید پس کسی که دردو روز (یعنی ازمنیٰ) شتاب کوچ کند پس گناه نیست بروی وآنکه دیرماند، پس بروی گناه نیست برای آنکس که پرهیزگاری کند و از خدا بترسید و بدانید یقینا که شما به سوی وی جمع آورده خواهیدشد[۸۰] (۲۰۳). و ازمردمان کسی هست که تورا سخن او بشگفت می آورد دربارهٔ زندگانی دنیا وخدا را برآنچه دردل ویست گواه می آورد حال آنکه او سخت ترین ستیزه جویان است (۲۰٤). وچون درزمین ریاست پیداکند بشتابد تا درآن تباهی کند وزراعت ومواشی را نابود سازد وخدا تباه کاری را دوست نمی دارد (۲۰۵). وچون اورا گفته شود ازخدا بترس تکبر حمل کندش برگناه پس کفایت کنندهٔ وی دوزخ است وهرآئینه وی بدجاییست (۲۰٦). وازمردمان کسی هست که جان خویش را برای طلب رضامندی خدا میفروشد وخدا بر بند گان مهربان است (۲۰۷). ای کسانیکه ایمان آورده اید همگی در اسلام درآیید وگامهای شیطان را پیروی مکنید هرآئینه او برای شما دشمن آشکار است (۲۰۸). پس اگر لغزیدید بعد ازآنکه به شما سخنان روشن آمد پس بدانید که خدا غالب داناست (۲۰۹). انتظار نمی کنند اهل عصیان مگر آن راکه خدا به ایشان در سایه بانهایی از ابر بیاید وفرشتگان بیایند وکار به انجام رسانیده شود و کارها به سوی خدا بازگردانیده میشوند (۲۱۰).

(۸۰) مترجم می گوید بعد ازین خدای تعالی توضیح می‌فرماید حال کافران ومومنان را والله اعلم.

سَلۡ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ كَمۡ ءَاتَيۡنَٰهُم مِّنۡ ءَايَةِۭ بَيِّنَةٖۗ وَمَن يُبَدِّلۡ نِعۡمَةَ
ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ٢١١ زُيِّنَ
لِلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا وَيَسۡخَرُونَ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۘ وَٱلَّذِينَ
ٱتَّقَوۡاْ فَوۡقَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ وَٱللَّهُ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيۡرِ حِسَابٖ
٢١٢ كَانَ ٱلنَّاسُ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ فَبَعَثَ ٱللَّهُ ٱلنَّبِيِّـۧنَ مُبَشِّرِينَ
وَمُنذِرِينَ وَأَنزَلَ مَعَهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَ ٱلنَّاسِ
فِيمَا ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِۚ وَمَا ٱخۡتَلَفَ فِيهِ إِلَّا ٱلَّذِينَ أُوتُوهُ مِنۢ بَعۡدِ
مَا جَآءَتۡهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۖ فَهَدَى ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
لِمَا ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِ مِنَ ٱلۡحَقِّ بِإِذۡنِهِۦۗ وَٱللَّهُ يَهۡدِي مَن يَشَآءُ
إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٍ ٢١٣ أَمۡ حَسِبۡتُمۡ أَن تَدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ وَلَمَّا
يَأۡتِكُم مَّثَلُ ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ مِن قَبۡلِكُمۖ مَّسَّتۡهُمُ ٱلۡبَأۡسَآءُ وَٱلضَّرَّآءُ
وَزُلۡزِلُواْ حَتَّىٰ يَقُولَ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ مَتَىٰ نَصۡرُ
ٱللَّهِۗ أَلَآ إِنَّ نَصۡرَ ٱللَّهِ قَرِيبٞ ٢١٤ يَسۡـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَۖ قُلۡ
مَآ أَنفَقۡتُم مِّنۡ خَيۡرٖ فَلِلۡوَٰلِدَيۡنِ وَٱلۡأَقۡرَبِينَ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ
وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِۗ وَمَا تَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٞ ٢١٥

از بنی اسرائیل بپرس ایشان را از نشانه های روشن چه قدر دادیم وهرکه نعمت خدارا تغییر دهد پس ازآنکه به سوی او بیاید (یعنی کفر پیش گیرد تانعمت مفقود گردد) پس هرآئینه خدا سخت عقوبت است (۲۱۱). برای کافران زندگانی این جهان آراسته کرده شده است ومسخره می کنند به اهلِ ایمان وکسانیکه تقوی دارند بالایٰ ایشان باشند روزقیامت وخدا هرکه را می‌خواهد بی شمار (یعنی بسیار روزی) میدهد (۲۱۲). مردمان یك امت[۸۱] بودند پس فرستاد خدای تعالی پیامبران را بشارت دهنده وبیم کننده وفرود آورد به ایشان کتاب به راستی تاحکم کند آن کتاب میان مردمان درآنچه اختلاف کردند درآن[۸۲] واختلاف نکردند درآن مگر کسانیکه داده شده به ایشان کتاب (یعنی امت دعوت) بعد ازآنکه به ایشان نشانه ها آمد ازجهت حسد درمیان خویش پس خدا مومنان را به آن حق که دروی باراده‌ٔ خود اختلاف کردند راه نمود وخدا کسی را که می خواهد به سوی راه راست[۸۳] راه می نماید (۲۱۳). آیا پنداشتید ای مردمان که درآیید به بهشت حال آنکه هنوز پیش نیامده است شمارا حالت آنانکه پیش ازشما گذشتند رسید به ایشان سختی و محنت و جنبانیده شدند تاآنکه می گفت پیامبر وکسانیکه به او ایمان آوردند یاری دادن خدا کی باشد آگاه شوید که هرآئینه یاری دادن خدا نزدیك است (۲۱٤). تورا سوال می کنند که چه چیزرا خرج کنند بگو آنچه ازمال خرج کردید پس مادر و پدر و خویشاوندان و یتیمان و درویشان ومسافران را باید است وآنچه ازنیکی کنید پس هرآئینه خدا بآن داناست (۲۱۵).

(۸۱) یعنی پیش از آمدن هرپیامبر متفق بودند بایك دیگر دردینِ او اختلاف نداشتند.

(۸۲) یعنی دراصول مختلف می شوند.

(۸۳) حاصل آنست که سُنة الله جاری شده است بآنکه بعد بعثت هر پیامبر درامت دعوت اختلاف واقع می شود پس ازآن تنگدل نبایدشد والله اعلم.

كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡقِتَالُ وَهُوَ كُرۡهٞ لَّكُمۡۖ وَعَسَىٰٓ أَن تَكۡرَهُواْ
شَيۡـٔٗا وَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۖ وَعَسَىٰٓ أَن تُحِبُّواْ شَيۡـٔٗا وَهُوَ شَرّٞ
لَّكُمۡۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ٢١٦ يَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلشَّهۡرِ
ٱلۡحَرَامِ قِتَالٖ فِيهِۖ قُلۡ قِتَالٞ فِيهِ كَبِيرٞۚ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ
ٱللَّهِ وَكُفۡرُۢ بِهِۦ وَٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ وَإِخۡرَاجُ أَهۡلِهِۦ مِنۡهُ
أَكۡبَرُ عِندَ ٱللَّهِۚ وَٱلۡفِتۡنَةُ أَكۡبَرُ مِنَ ٱلۡقَتۡلِۗ وَلَا يَزَالُونَ
يُقَٰتِلُونَكُمۡ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمۡ عَن دِينِكُمۡ إِنِ ٱسۡتَطَٰعُواْۚ وَمَن
يَرۡتَدِدۡ مِنكُمۡ عَن دِينِهِۦ فَيَمُتۡ وَهُوَ كَافِرٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ
حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ
ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢١٧ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ
هَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ يَرۡجُونَ رَحۡمَتَ
ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٢١٨ ۞ يَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡخَمۡرِ وَٱلۡمَيۡسِرِۖ
قُلۡ فِيهِمَآ إِثۡمٞ كَبِيرٞ وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ وَإِثۡمُهُمَآ أَكۡبَرُ
مِن نَّفۡعِهِمَاۗ وَيَسۡـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَۖ قُلِ ٱلۡعَفۡوَۗ كَذَٰلِكَ
يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّكُمۡ تَتَفَكَّرُونَ ٢١٩

برشما جنگ لازم کرده شد وآن برای شما دشواراست وشاید که شما چیزی را ناخوش دارید حال آنکه وی برای شما بهتر باشد وشاید که چیزی را دوست دارید حال آنکه وی برای شمار بدباشد وخدا میداند وشمانمی دانید (۲۱٦). تورا از جنگ کردن درماه حرام می پرسند[۸٤] بگو جنگ کردن درآن سخت کاری است و باز داشتن ازراه خدا وناگرویدن به خدا وباز داشتن از مسجد حرام وبیرون کردن اهل آن مسجد ازوی نزد خدا سخت تر است وفتنه انگیختن[۸۵] ازکشتن سختراست[۸٦] وهمیشه باشما جنگ می کنند تاآنکه شمارا ازدین شما (یعنی از اسلام) اگر توانند بازگردانند وهرکس که ازشما ازدین خود برگردد پس کافر بمیرد آن گروه کارهای ایشان دردنیا وآخرت نابود شد وایشانند باشندگان دوزخ ایشان درآنجا جاویدند (۲۱۷). هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وآنانکه هجرت کردند ودر راه خدا جهاد نمودند آن گروه بخشایش خدا را امیدوارند وخدا آمرزندهٔ مهربان است (۲۱۸). سوال می کنند تورا ازشراب و قمار بگو درین هردوگناه بزرگ است ومردمان را نفع ها است (یعنی دردنیا) وگناه این هر دو از نفع آنها[۸۷] بزرگ تر است و سوال می کنند تورا چه چیز خرج بکنند بگو زیاده را (ازنیاز)[۸۸] خرج کنید هم چنین خدا برای شما آیت ها را بیان می کند تاباشدکه شما تأمل کنید (۲۱۹).

(۸٤) یعنی رجب، ذی القعده وذی الحجه ومحرم که در شریعت حضرت ابراهیم جنگ کردن درین ماه ها حرام بود پس سوال کردند در شریعت محمدیه حکم تحریم باقی مانده یانه؟ والله اعلم.

(۸۵) یعنی ترویج شرك.

(۸٦) حاصل جواب آنست که قتال کفار جائز است وتحریم قتالِ مسلمین مغلظه میشود والله اعلم.

(۸۷) یعنی حرام اندو به منافع التفات نبایدکرد والله اعلم.

(۸۸) یعنی ازحاجت ضروری.

فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۗ وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡيَتَٰمَىٰۖ قُلۡ إِصۡلَاحٞ لَّهُمۡ
خَيۡرٞۖ وَإِن تُخَالِطُوهُمۡ فَإِخۡوَٰنُكُمۡۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ ٱلۡمُفۡسِدَ مِنَ
ٱلۡمُصۡلِحِۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَأَعۡنَتَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ
٢٢٠ وَلَا تَنكِحُواْ ٱلۡمُشۡرِكَٰتِ حَتَّىٰ يُؤۡمِنَّۚ وَلَأَمَةٞ مُّؤۡمِنَةٌ
خَيۡرٞ مِّن مُّشۡرِكَةٖ وَلَوۡ أَعۡجَبَتۡكُمۡۗ وَلَا تُنكِحُواْ ٱلۡمُشۡرِكِينَ
حَتَّىٰ يُؤۡمِنُواْۚ وَلَعَبۡدٞ مُّؤۡمِنٌ خَيۡرٞ مِّن مُّشۡرِكٖ وَلَوۡ أَعۡجَبَكُمۡۗ
أُوْلَٰٓئِكَ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلنَّارِۖ وَٱللَّهُ يَدۡعُوٓاْ إِلَى ٱلۡجَنَّةِ وَٱلۡمَغۡفِرَةِ
بِإِذۡنِهِۦۖ وَيُبَيِّنُ ءَايَٰتِهِۦ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ ٢٢١
وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡمَحِيضِۖ قُلۡ هُوَ أَذٗى فَٱعۡتَزِلُواْ ٱلنِّسَآءَ فِي
ٱلۡمَحِيضِ وَلَا تَقۡرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطۡهُرۡنَۖ فَإِذَا تَطَهَّرۡنَ فَأۡتُوهُنَّ
مِنۡ حَيۡثُ أَمَرَكُمُ ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلتَّوَّٰبِينَ وَيُحِبُّ ٱلۡمُتَطَهِّرِينَ
٢٢٢ نِسَآؤُكُمۡ حَرۡثٞ لَّكُمۡ فَأۡتُواْ حَرۡثَكُمۡ أَنَّىٰ شِئۡتُمۡۖ وَقَدِّمُواْ
لِأَنفُسِكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّكُم مُّلَٰقُوهُۗ وَبَشِّرِ
ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٢٢٣ وَلَا تَجۡعَلُواْ ٱللَّهَ عُرۡضَةٗ لِّأَيۡمَٰنِكُمۡ أَن تَبَرُّواْ
وَتَتَّقُواْ وَتُصۡلِحُواْ بَيۡنَ ٱلنَّاسِۚ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ٢٢٤

در (مصلحتِ) دنیا و آخرت وتورا از یتیمان سوال می کنند بگو بصلاح آوردن کار ایشان بهتر است[۸۹] واگر مشارکت کنید با ایشان پس ایشان برادران شمایند و خدا تباه کاررا از صلاح کار میداند و اگر خدا می خواست شمارا سخت می گرفت هرآئینه خدا غالب استوار کاراست (۲۲۰). وزنان مشرك را همسر مگیرید تاآنکه ایمان آورند و هرآئینه کنیز مسلمان اززن مشرك بهتر است اگر چه شمارا به شگفت آورده باشد وبه همسری مشرکان درنیاورید تاآنکه ایمان آورند (یعنی زنانِ مومنه را) و هرآئینه غلام مسلمان از مشرك بهتر است اگرچه شمارا[۹۰] به شگفت آورده باشد گروه مشرکان به سوی دوزخ می خوانند وخدا به سوی بهشت و به سوی آمرزش بقدرت خود می خواند وآیه های خودرا برای مردمان بیان می کند تاباشدکه آنان پند پذیر شوند (۲۲۱). و تورا از حیض می پرسند بگو که آن نجاست است پس یکسو شوید اززنان درحال حیض وبه ایشان نزدیکی مکنید تاآنکه پاك شوند پس چون نیك پاك شدند[۹۱] پس نزدیکی کنید به ایشان ازآن راه که مباح کرده است خدا برای شما (یعنی در قُبُلْ) هرآئینه خدا توبه کنند گان را دوست میدارد وپاك شوند گان را دوست میدارد (۲۲۲). زنانِ شما کشت زارِ شمایند پس بیایید به کشتِ زار تان هر روش که خواهید[۹۲] وپیش فرستید (یعنی اعمال صالحه را) برای خویشتن وازخدا بترسید و بدانید که شما باوی ملاقات خواهیدکرد ومسلمانان را بشارت ده (۲۲۳). ومکنید نام خدا را آماج برای سوگندان خویش بنا براینکه نیکوکاری کنید و پرهیز گاری نمایید ودرمیانِ مردمان صلاح آرید خدا شنوای داناست[۹۳] (۲۲٤).

---

(۸۹) یعنی بغیر شرکت.

(۹۰) یعنی هربنده از بندگان خداکه مومن باشد وهرکنیز از کنیز های خدا که مومنه باشد بهتر است ازمشرك ومشركه والله اعلم.

(۹۱) یعنی غسل بجاآرند.

(۹۲) یعنی بهرگونه که بخواهید می توانید جماع کردن (نزدیکی باهمسران خود) یعنی غلطانده وازپس پشت وغیرآن به شرط آنکه در قُبُل باشد (یعنی در مکان معروف).

(۹۳) یعنی سوگند برای موقوف کردن کارنیك جایرنیست.

لَّا يُؤَاخِذُكُمُ ٱللَّهُ بِٱللَّغۡوِ فِيٓ أَيۡمَٰنِكُمۡ وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبَتۡ
قُلُوبُكُمۡۗ وَٱللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٞ ﴿٢٢٥﴾ لِّلَّذِينَ يُؤۡلُونَ مِن نِّسَآئِهِمۡ تَرَبُّصُ
أَرۡبَعَةِ أَشۡهُرٖۖ فَإِن فَآءُو فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿٢٢٦﴾ وَإِنۡ عَزَمُواْ
ٱلطَّلَٰقَ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ﴿٢٢٧﴾ وَٱلۡمُطَلَّقَٰتُ يَتَرَبَّصۡنَ بِأَنفُسِهِنَّ
ثَلَٰثَةَ قُرُوٓءٖۚ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَن يَكۡتُمۡنَ مَا خَلَقَ ٱللَّهُ فِيٓ أَرۡحَامِهِنَّ
إِن كُنَّ يُؤۡمِنَّ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي
ذَٰلِكَ إِنۡ أَرَادُوٓاْ إِصۡلَٰحٗاۚ وَلَهُنَّ مِثۡلُ ٱلَّذِي عَلَيۡهِنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ
وَلِلرِّجَالِ عَلَيۡهِنَّ دَرَجَةٞۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٢٨﴾ ٱلطَّلَٰقُ مَرَّتَانِۖ
فَإِمۡسَاكُۢ بِمَعۡرُوفٍ أَوۡ تَسۡرِيحُۢ بِإِحۡسَٰنٖۗ وَلَا يَحِلُّ لَكُمۡ أَن تَأۡخُذُواْ
مِمَّآ ءَاتَيۡتُمُوهُنَّ شَيۡـًٔا إِلَّآ أَن يَخَافَآ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِۖ
فَإِنۡ خِفۡتُمۡ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَا فِيمَا ٱفۡتَدَتۡ
بِهِۦۗ تِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِ فَلَا تَعۡتَدُوهَاۚ وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ ٱللَّهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ
هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٢٢٩﴾ فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُۥ مِنۢ بَعۡدُ حَتَّىٰ تَنكِحَ زَوۡجًا
غَيۡرَهُۥۗ فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَآ أَن يَتَرَاجَعَآ إِن ظَنَّآ أَن
يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِۗ وَتِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ﴿٢٣٠﴾

خدا شمارا به بیهوده گویی درسوگندهای شما مواخذه نمی کند[۹۴] ولیکن شمارا به آنچه که قصد کرده است دل های شما مواخذه می کند وخداآمرزندهٔ بردباراست (۲۲۵). برای آنکسان که اززنان خویش[۹۵] ایلامی کنند انتظار کردن چهار ماه است پس اگر بازگشتند (یعنی ازین سوگند) پس هرآئینه خدا آمرزندهٔ مهربانست (۲۲۶). و اگر جدایی را قصد کردند پس هرآئینه خدا شنوای داناست (۲۲۷). وآن زنان که ایشان را طلاق داده شد انتظار سه حیض یاسه طهر کُنانند خویشتن را وایشان را جایز نیست اینکه پنهان کنندآنچه راکه خدا در رحمهای ایشان (یعنی بچه وحیض) آفریده است اگر ایمان آورده‌اند به خدا وروز بازپسین وشوهران ایشان حقدار تراند به بازآوردن ایشان در حباله خود درین مدت اگر نیکوکاری خواهند وزنان را هست (حق) مانند آنچه (مردان را) برزنان است بوجه پسندیده[۹۶] ومردان راهست برایشان بلندی (یعنی فرمانروایی) وخدا غالب استوار کاراست (۲۲۸). طلاق (رجعی) دوباراست پس ازآن یانگاه داشتن است بخوش خویی یارها کردن به نکویی وحلال نیست شمارا که چیزی رااز آنچه که داده‌اید زنان را بگیرید[۹۷] مگرآنگاه که بترسند مرد وزن که احکام خدارا[۹۸] برپا نتوانند داشت پس اگر بترسید اي مسلمانان ازآنکه این هر دو احکام خدارا برپاندارند پس برایشان درآنچه زن عوض خود داد گناه نیست، این حدها مقرر کرده خداست پس ازآنها بیرون مروید وهرکه ازحدود خدا بیرون رود پس آن گروه ایشانند ستمگاران (۲۲۹). پس اگرطلاق داد (یعنی بارسوم) پس هرگز این زن آن مرد را حلال نمی شود تا آنکه به نکاح شوهر دیگر درآید (یعنی به اودخول کند) پس اگر طلاق دادش این شوهر دیگر پس گناه نیست برآن هر دو در آنکه بنکاح باهم بازگردند اگر بدانند که احکام خدارا برپامی توانند داشت واین حدودِ خداست بیان میکندآن حدود را برای قومی که میداند(۲۳۰).

(۹۴) یعنی لاوالله وبلی والله بغیر قصد گوید غلط دانسته سوگند خورد علی اختلاف المذهبین والله اعلم.
(۹۵) یعنی قسم می خورند که جماع نکنند.
(۹۶) یعنی زنان را برمردان حق است چنانچه مردان را برزنان حق است.
(۹۷) یعنی حلال نیست که بدل طلاق از مهر بگیرد.
(۹۸) یعنی در معاشرت.

وَإِذَا طَلَّقۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَبَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمۡسِكُوهُنَّ بِمَعۡرُوفٍ
أَوۡ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعۡرُوفٖۚ وَلَا تُمۡسِكُوهُنَّ ضِرَارٗا لِّتَعۡتَدُواْۚ وَمَن
يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ فَقَدۡ ظَلَمَ نَفۡسَهُۥۚ وَلَا تَتَّخِذُوٓاْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ هُزُوٗاۚ
وَٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَمَآ أَنزَلَ عَلَيۡكُم مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَٱلۡحِكۡمَةِ
يَعِظُكُم بِهِۦۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ﴿٢٣١﴾ وَإِذَا
طَلَّقۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَبَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعۡضُلُوهُنَّ أَن يَنكِحۡنَ
أَزۡوَٰجَهُنَّ إِذَا تَرَٰضَوۡاْ بَيۡنَهُم بِٱلۡمَعۡرُوفِۗ ذَٰلِكَ يُوعَظُ بِهِۦ مَن كَانَ
مِنكُمۡ يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۗ ذَٰلِكُمۡ أَزۡكَىٰ لَكُمۡ وَأَطۡهَرُۚ وَٱللَّهُ
يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٢٣٢﴾ ۞ وَٱلۡوَٰلِدَٰتُ يُرۡضِعۡنَ أَوۡلَٰدَهُنَّ حَوۡلَيۡنِ
كَامِلَيۡنِۖ لِمَنۡ أَرَادَ أَن يُتِمَّ ٱلرَّضَاعَةَۚ وَعَلَى ٱلۡمَوۡلُودِ لَهُۥ رِزۡقُهُنَّ
وَكِسۡوَتُهُنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ لَا تُكَلَّفُ نَفۡسٌ إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَا تُضَآرَّ
وَٰلِدَةُۢ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوۡلُودٞ لَّهُۥ بِوَلَدِهِۦۚ وَعَلَى ٱلۡوَارِثِ مِثۡلُ ذَٰلِكَۗ فَإِنۡ
أَرَادَا فِصَالًا عَن تَرَاضٖ مِّنۡهُمَا وَتَشَاوُرٖ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَاۗ وَإِنۡ
أَرَدتُّمۡ أَن تَسۡتَرۡضِعُوٓاْ أَوۡلَٰدَكُمۡ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ إِذَا سَلَّمۡتُم مَّآ
ءَاتَيۡتُم بِٱلۡمَعۡرُوفِۗ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ﴿٢٣٣﴾

وچون زنان را طلاق دادید پس به میعاد خود[۹۹] رسیدند پس ایشان را نگاه دارید به نکویی یارها کنید ایشان را به نکویی وایشان را برای ضرررسانیدن نگاه مدارید تا ستم کنید وهر که این کار کند پس هرآئینه برخود ستم کرد وآیه های خدارا به تمسخر مگیرید ونعمت خدارا برخویش یادکنید وآنچه برشما ازکتاب وعلم فرود آورد که پندمیدهد شمارا به آن و از خدا بترسید وبدانید که خدا بهر چیز داناست (۲۳۱). وچون زنان را طلاق دادید پس به میعاد خود[۱۰۰] رسیدند پس ایشان را ازآنکه نکاح کنند باشوهران خویش منع مکنید[۱۰۱] وقتیکه بایك دیگر درمیان خویش به روش پسندیده راضی شدند این حکم پندداده میشود به آن هر کسی را که ازشما به خدا وروز قیامت مومن باشد واین کارخوشتراست وپاکیزه تر وخدا می داند وشمانمی‌دانید (۲۳۲). ومادران باید که فرزندان خویش رادوسال کامل شیردهند این حکم برای آن کس است، که مدت شیر را تمام کردن خواهد وبر پدر بوجه پسندیده نفقه وپوشاك این زنان شیرده است، تکلیف داده نمی شود هیچ کس الاقدرتوانایی او، رنج نبایدداد مادر را بسبب فرزند وی ونه پدررا بسبب فرزندش وبروصی مانندااین لازم است پس اگر مادر وپدر بخواهند ازشیر بازگرفتن (فرزندرا) (یعنی پیش ازدوسال) بعد از رضامندی میان ایشان و مشورت کردن بایکدیگر پس برایشان هیچ گناه نیست واگر خواهید که برای فرزندان خویش دایه گیرید پس برشما هیچ گناه نیست چون آنچه دادنش را مقررکردید بخوش خویی تمام تسلیم نمودید وازخدا بترسید وبدانید که خدا به آنچه می کنید بیناست (۲۳۳).

(۹۹) یعنی نزدیك رسیدند به انقضاء عدّت.

(۱۰۰) یعنی عدتّ منقضی شد.

(۱۰۱) یعنی باشوهران سابق خود یاشوهران دیگرکه بایشان رغبت پیدا کردند.

وَٱلَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَٰجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ
أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا ۖ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ
فِيمَا فَعَلْنَ فِىٓ أَنفُسِهِنَّ بِٱلْمَعْرُوفِ ۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ
﴿٢٣٤﴾ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُم بِهِۦ مِنْ خِطْبَةِ ٱلنِّسَآءِ
أَوْ أَكْنَنتُمْ فِىٓ أَنفُسِكُمْ ۚ عَلِمَ ٱللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ
وَلَٰكِن لَّا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّآ أَن تَقُولُوا۟ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ۚ
وَلَا تَعْزِمُوا۟ عُقْدَةَ ٱلنِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ ٱلْكِتَٰبُ أَجَلَهُۥ ۚ
وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِىٓ أَنفُسِكُمْ فَٱحْذَرُوهُ ۚ وَٱعْلَمُوٓا۟
أَنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٢٣٥﴾ لَّا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِن طَلَّقْتُمُ ٱلنِّسَآءَ
مَا لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا۟ لَهُنَّ فَرِيضَةً ۚ وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَى
ٱلْمُوسِعِ قَدَرُهُۥ وَعَلَى ٱلْمُقْتِرِ قَدَرُهُۥ مَتَٰعًۢا بِٱلْمَعْرُوفِ ۖ حَقًّا عَلَى
ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٢٣٦﴾ وَإِن طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِن قَبْلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ وَقَدْ
فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّآ أَن يَعْفُونَ
أَوْ يَعْفُوَا۟ ٱلَّذِى بِيَدِهِۦ عُقْدَةُ ٱلنِّكَاحِ ۚ وَأَن تَعْفُوٓا۟ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ ۚ
وَلَا تَنسَوُا۟ ٱلْفَضْلَ بَيْنَكُمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٣٧﴾

وکسانی که ازشما بمیرند زنان را ترك کنند بایدکه انتظار کُنانندااین زنان خویشتن را چهارماه وده روز پس چون به میعاد[۱۰۲] خویش رسیدند پس برشما درآنچه کردند درحق خویشتن بوجه پسندیده (یعنی نکاح بطور شرع) گناه نیست وخدا به آنچه می کنید آ گاه است (۲۳٤). وبرشما درسخنی که کنایت کردید بوی ازخواستگاری زنان (یعنی درمیان عدّت) گناهی نیست یا پنهان داشتید دردلهای خود خدا دانست که شما این زنان را یاد خواهید کرد یعنی آشکارا بعد از عدّت ولیکن به ایشان نکاح را به پنهانی وعده ندهید مگر آنکه سخنی پسندیده را گویید (یعنی بکنایت) وعقد نکاح را قصد مکنید تاآنکه میعاد مقرر به نهایتِ خود رسد وبدانید که خدامی‌داند آنچه راکه دردلهای شماست پس ازوی بترسید وبدانید که خدا آمرزنده بُردباراست (۲۳۵). برشما هیچ گناه نیست اگر زنان را طلاق دادید درآن وقت که هنوزدست نرسانیده‌اید به ایشان یا معین نکرده‌اید برای ایشان مقداری[۱۰۳] وبهره دهید این چنین مطلقات را[۱۰٤]لازم است برتوانگر مقدار حال او بهره دادن وبرتنگدست مقدارحال اوبهره دادن بخوشخویی لازم شده برنیکوکاران (۲۳٦). واگر طلاق داده‌اید زنان را پیش ازآنکه دست رسانید بایشان ومعین کرده باشید برای ایشان مقداری پس لازم است نیمه آنچه معین کردید مگر آنکه زنان ببخشند یادرگذرد کسیکه بدست اوست عقد نکاح (یعنی زوج حق خود گذاشته تمام دهد) وآنکه درگذرید نزدیك تراست به پرهیزگاری واحسان کردن را درمیان خویش فراموش مکنید هرآئینه خدا به آنچه می کنید بیناست (۲۳۷).

(۱۰۲) یعنی به انقضاء عدّت.

(۱۰۳) یعنی مهر را.

(۱۰٤) یعنی پوشاك بدهید.

حَٰفِظُواْ عَلَى ٱلصَّلَوَٰتِ وَٱلصَّلَوٰةِ ٱلۡوُسۡطَىٰ وَقُومُواْ لِلَّهِ
قَٰنِتِينَ ﴿٢٣٨﴾ فَإِنۡ خِفۡتُمۡ فَرِجَالًا أَوۡ رُكۡبَانٗاۖ فَإِذَآ أَمِنتُمۡ
فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمۡ تَكُونُواْ تَعۡلَمُونَ
﴿٢٣٩﴾ وَٱلَّذِينَ يُتَوَفَّوۡنَ مِنكُمۡ وَيَذَرُونَ أَزۡوَٰجٗا
وَصِيَّةٗ لِّأَزۡوَٰجِهِم مَّتَٰعًا إِلَى ٱلۡحَوۡلِ غَيۡرَ إِخۡرَاجٖۚ فَإِنۡ
خَرَجۡنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ فِي مَا فَعَلۡنَ فِيٓ أَنفُسِهِنَّ
مِن مَّعۡرُوفٖۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ﴿٢٤٠﴾ وَلِلۡمُطَلَّقَٰتِ مَتَٰعُۢ
بِٱلۡمَعۡرُوفِۖ حَقًّا عَلَى ٱلۡمُتَّقِينَ ﴿٢٤١﴾ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ
ٱللَّهُ لَكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ﴿٢٤٢﴾ ۞ أَلَمۡ تَرَ
إِلَى ٱلَّذِينَ خَرَجُواْ مِن دِيَٰرِهِمۡ وَهُمۡ أُلُوفٌ حَذَرَ ٱلۡمَوۡتِ
فَقَالَ لَهُمُ ٱللَّهُ مُوتُواْ ثُمَّ أَحۡيَٰهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضۡلٍ
عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَشۡكُرُونَ ﴿٢٤٣﴾
وَقَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ﴿٢٤٤﴾ مَّن
ذَا ٱلَّذِي يُقۡرِضُ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا فَيُضَٰعِفَهُۥ لَهُۥٓ أَضۡعَافٗا
كَثِيرَةٗۚ وَٱللَّهُ يَقۡبِضُ وَيَبۡصُۜطُ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ﴿٢٤٥﴾

برهمه نمازها پایبندی کنید وبرنماز میانه (یعنی خصوصًا برنماز عصر) بایستید برای خدا فرمان بردارند گان (۲۳۸). پس اگر ترسیدید (یعنی از دشمن ومانند آن) پس روان برپاهای خود نماز گزاریدیا سواره پس چون ایمن شوید پس یاد کنید خدارا چنانکه آموخته است شمارا آنچه نمی دانستید (۲۳۹). وآنانکه ازشما قبض روح ایشان کرده شود وزنان را بگذارند برایشان وصیت کردن برای زنان خویش لازم کرده شد به آنکه ایشان را تایکسال بدون بیرون کردن بهره دهند پس اگر بیرون روند پس برشما درآنچه کردند درحق خویشتن ازکار پسندیده گناه نیست (یعنی نکاح بطور شرع) وخدا غالب استوار کاراست[۱۰۵] (۲٤۰). طلاق داده شدگانرا بهره مند ساختن بخوشخویی لازم است یعنی نفقه وسکنی بر پرهیزگاران لازم کرده شد (۲٤۱). خدا برای شمااحکامِ خودرا همچنین بیان میکند تاباشد که شما بفهمید (۲٤۲). آیا ندیدی ای بیننده به سوی کسا نیکه ازخانه های خویش ازبیم مرگ بیرون آمدند وایشان هزاران بودند پس خدا ایشان را گفت بمیرید باز ایشان را زنده گردانید هرآئینه خدا برمردمان صاحب بخشایش است ولیکن اکثر ایشان سپاس نمی کنند (۲٤۳). ودرراه خدا جنگ کنید وبدانید که خدا شنوای داناست (۲٤٤). کیست آنکه خدارا وام دهد وام دادن نیك پس خدا آن مال را برای اوچندبرابر به مراتب بسیار سازد وخدا روزی را تنگ می سازد وکشاده می کند وبه سوی اوبازگردانیده شوید (۲٤٥).

(۱۰۵) مترجم گوید این آیت نزدیك جمهور منسوخ است بآیت ﴿أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا﴾ والله اعلم.

أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلْمَلَإِ مِنۢ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ مِنۢ بَعْدِ مُوسَىٰٓ إِذْ قَالُوا۟ لِنَبِىٍّ لَّهُمُ ٱبْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُّقَٰتِلْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ ۖ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِن كُتِبَ عَلَيْكُمُ ٱلْقِتَالُ أَلَّا تُقَٰتِلُوا۟ ۖ قَالُوا۟ وَمَا لَنَآ أَلَّا نُقَٰتِلَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِن دِيَٰرِنَا وَأَبْنَآئِنَا ۖ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ ٱلْقِتَالُ تَوَلَّوْا۟ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ ۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢٤٦﴾ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ ٱللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا ۚ قَالُوٓا۟ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ ٱلْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِٱلْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ ٱلْمَالِ ۚ قَالَ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصْطَفَىٰهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُۥ بَسْطَةً فِى ٱلْعِلْمِ وَٱلْجِسْمِ ۖ وَٱللَّهُ يُؤْتِى مُلْكَهُۥ مَن يَشَآءُ ۚ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٧﴾ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ ءَايَةَ مُلْكِهِۦٓ أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلتَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ ءَالُ مُوسَىٰ وَءَالُ هَٰرُونَ تَحْمِلُهُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٢٤٨﴾

آیا بجمعی ازبنی اسرائیل بعد از موسیٰ نگاه نکردی چون گفتند به پیامبر خویش که برانگیز برای ما پادشاهی تا درراه خدا جنگ کنیم گفت پیامبر آیا اگر واجب کرده شود جنگ بر شما انتظار این میرودازشما که جنگ نکنید گفتند ومارا چه شده است که درراه خدا جنگ نکنیم حال آنکه به تحقیق که ازخانه های خویش بیرون کرده شدیم و ازفرزندان خویش جدا کرده شدیم پس آنگاه که واجب کرده شد برایشان جنگ رویگردانیدند مگراندکی از ایشان و خدا به ستمگاران داناast (۲٤٦). وپیامبرایشان به ایشان گفت هرآئینه خدا طالوت را برای شما پادشاه مقرر کرده است گفتند چگونه اورا پادشاهی برما باشد حال آنکه ما به پادشاهی ازوی سزاوارتریم واو رافراخی درمال داده نشده است گفت هرآئینه خدا اورابرشما برگزیده است واورا فراخی دردانش و افزونی دربدن داده است وخدا پادشاهی خودرا بهر کس که خواهد می بخشد وخدا گشایشگر (جواد) دانا است (۲٤٧). وپیامبرشان ایشان را گفت هرآئینه نشانهٔ پادشاهی اوآنست که بیاید به شماصندوقی که درآن آرامش دلست از پروردگار شما وباقیمانده ازآنچه که آل موسیٰ وآل هارون برجای گذاشته اند اورا فرشتگان برمیدارند هرآئینه درین صورت برای شما اگر باوردارنده‌اید نشانه ای است (۲٤٨).

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِٱلۡجُنُودِ قَالَ إِنَّ ٱللَّهَ مُبۡتَلِيكُم
بِنَهَرٖ فَمَن شَرِبَ مِنۡهُ فَلَيۡسَ مِنِّي وَمَن لَّمۡ يَطۡعَمۡهُ
فَإِنَّهُۥ مِنِّيٓ إِلَّا مَنِ ٱغۡتَرَفَ غُرۡفَةَۢ بِيَدِهِۦۚ فَشَرِبُواْ مِنۡهُ
إِلَّا قَلِيلٗا مِّنۡهُمۡۚ فَلَمَّا جَاوَزَهُۥ هُوَ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
مَعَهُۥ قَالُواْ لَا طَاقَةَ لَنَا ٱلۡيَوۡمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِۦۚ
قَالَ ٱلَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَٰقُواْ ٱللَّهِ كَم مِّن فِئَةٖ
قَلِيلَةٍ غَلَبَتۡ فِئَةٗ كَثِيرَةَۢ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ مَعَ
ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿٢٤٩﴾ وَلَمَّا بَرَزُواْ لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِۦ قَالُواْ
رَبَّنَآ أَفۡرِغۡ عَلَيۡنَا صَبۡرٗا وَثَبِّتۡ أَقۡدَامَنَا وَٱنصُرۡنَا
عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٢٥٠﴾ فَهَزَمُوهُم بِإِذۡنِ ٱللَّهِ
وَقَتَلَ دَاوُۥدُ جَالُوتَ وَءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ ٱلۡمُلۡكَ
وَٱلۡحِكۡمَةَ وَعَلَّمَهُۥ مِمَّا يَشَآءُۗ وَلَوۡلَا دَفۡعُ ٱللَّهِ ٱلنَّاسَ
بَعۡضَهُم بِبَعۡضٖ لَّفَسَدَتِ ٱلۡأَرۡضُ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ ذُو
فَضۡلٍ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٢٥١﴾ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتۡلُوهَا
عَلَيۡكَ بِٱلۡحَقِّۚ وَإِنَّكَ لَمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿٢٥٢﴾

پس چون طالوت بالشکرها رهسپارشد گفت هرآئینه خدا شمارا بجویی آزمایش کننده است پس هرکه ازآن جوی بنوشد پس ازمن نیست وهرکه نچشد آنرا پس او از من است الّاآنکه بردارد یك کف آب بدست خود، پس ازآن جوی آشامیدند مگراندکی ازایشان پس آنگاه که طالوت ومومنان همراه او ازجوی گذشتند، گفتند نوشندگان مارا امروز به مقابله جالوت ولشکرهایش توانایی نیست گفتند آنانکه می‌دانستند که ایشان باخدا ملاقات خواهند کرد بسا گروهِ اندك برگروه بسیار باراده ٔ خدا غالب شد وخدابا شکیبایانست (۲٤۹). وآنگاه که برای جنگ جالوت ولشکرهایش به میدان آمدند این صالحان گفتند ای پروردگار مابریزبرما شکیبایی وقدم های مارا محکم کن ومارا برگروه ناگرویدگان غلبه ده(۲۵۰). پس آن کفار را بتوفیق خدا شکست دادند وداود جالوت را کشت وخدای تعالی داود را پادشاهی وعلم داد واورا ازآنچه میخواست بیاموخت و اگر خدا مردمان را گروهی را بدست گروهی دیگر دفع نمی کرد هرآئینه تباه می شد زمین ولیکن خدا صاحب بخشایش بر جهانیان است (۲۵۱). این‌هاآیات خداست آنرا برتو (ای محمد) به راستی میخوانیم وهرآئینه تواز پیامبرانی (۲۵۲).

۞ تِلْكَ ٱلرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ۘ مِّنْهُم مَّن كَلَّمَ ٱللَّهُ ۖ
وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَٰتٍ ۚ وَءَاتَيْنَا عِيسَى ٱبْنَ مَرْيَمَ ٱلْبَيِّنَٰتِ
وَأَيَّدْنَٰهُ بِرُوحِ ٱلْقُدُسِ ۗ وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَا ٱقْتَتَلَ ٱلَّذِينَ مِنۢ
بَعْدِهِم مِّنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ ٱلْبَيِّنَٰتُ وَلَٰكِنِ ٱخْتَلَفُوا۟
فَمِنْهُم مَّنْ ءَامَنَ وَمِنْهُم مَّن كَفَرَ ۚ وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَا ٱقْتَتَلُوا۟
وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿٢٥٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَنفِقُوا۟
مِمَّا رَزَقْنَٰكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِىَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا
شَفَٰعَةٌ ۗ وَٱلْكَٰفِرُونَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٢٥٤﴾ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ
ٱلْحَىُّ ٱلْقَيُّومُ ۚ لَا تَأْخُذُهُۥ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ ۚ لَّهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۗ مَن ذَا ٱلَّذِى يَشْفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذْنِهِۦ ۚ يَعْلَمُ
مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَىْءٍ مِّنْ عِلْمِهِۦٓ إِلَّا
بِمَا شَآءَ ۚ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ ۖ وَلَا يَـُٔودُهُۥ حِفْظُهُمَا ۚ
وَهُوَ ٱلْعَلِىُّ ٱلْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾ لَآ إِكْرَاهَ فِى ٱلدِّينِ ۖ قَد تَّبَيَّنَ ٱلرُّشْدُ مِنَ
ٱلْغَىِّ ۚ فَمَن يَكْفُرْ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤْمِنۢ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱسْتَمْسَكَ
بِٱلْعُرْوَةِ ٱلْوُثْقَىٰ لَا ٱنفِصَامَ لَهَا ۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥٦﴾

اینان پیامبران هستندکه بعضی را ازایشان بر بعضی فضل دادیم ، ازایشان کسی هست که بااوخدا سخن گفت وبلند کرد بعضی را درمرتبه‌ها وعیسیٰ پسر مریم را معجزه ها دادیم واورا بروح القدس قوت دادیم واگرخدا می خواست بایکدیگر قتال نمی کردند آنانکه پس ازایشان بودند پس ازآنکه به ایشان حجت ها آمد ولیکن اختلاف کردند پس ازایشان کسی هست که ایمان آوَرْد وازایشان کسی هست که کفرورزید واگر خدا می خواست بایکدیگر نمی جنگیدند ولیکن خدا آنچه می خواهد میکند (۲۵۳). ای مسلمانان ازآنچه شمارا روزی دادیم خرج کنید پیش ازآنکه روزی بیاید که خرید و فروش درآن روز نیست ونه دوستی ونه سفارش و کافران همیشانند ظالمان (۲٥٤). خدا آنست که هیچ معبود برحقی غیرازاو نیست زندهٔ تدبیر کنندهٔ جهان نمی گیرد او را (پینکی) چرت (یعنی خواب سبك) ونه خواب اوراست آنچه درآسمانها است وآنچه در زمین است کیست آنکه نزد او شفاعت کند الا بحکم او میداند آنچه راکه پیش دست ایشان است وآنچه راکه پس پشت ایشان است ومردمان از معلومات حق چیزی را فرانمیگیرند مگر به آنچه وی خواسته است، کرسی اوآسمان ها و زمین را فرا گرفته است و نگهبانی این هردو بروی سنگین نمی شود واو بلند مرتبهٔ بزرگ قدراست (۲٥٥). نیست اجباری در (کار) دین[۱۰٦] به راستیکه ظاهر شده است راه یابی ازگمراهی پس هرکه منکر طاغوت شود (یعنی معبودان باطل) وایمان آورد به خدا پس هرآئینه چنگ زده است بدست آویزی محکم که آنرا گُسَستن نیست وخدا شنوای داناست (۲٥٦).

---

(۱۰٦) یعنی حجت اسلام ظاهر شدپس گویاجبر کردن نیست اگر چه في الجملة به صبر باشد والله اعلم.

ٱللَّهُ وَلِىُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ يُخْرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ ۖ
وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ أَوْلِيَآؤُهُمُ ٱلطَّٰغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ
ٱلنُّورِ إِلَى ٱلظُّلُمَٰتِ ۗ أُو۟لَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا
خَٰلِدُونَ ﴿٢٥٧﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِى حَآجَّ إِبْرَٰهِۦمَ فِى رَبِّهِۦٓ
أَنْ ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ ٱلْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَٰهِۦمُ رَبِّىَ ٱلَّذِى يُحْىِۦ
وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا۠ أُحْىِۦ وَأُمِيتُ ۖ قَالَ إِبْرَٰهِۦمُ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَأْتِى
بِٱلشَّمْسِ مِنَ ٱلْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ ٱلْمَغْرِبِ فَبُهِتَ ٱلَّذِى
كَفَرَ ۗ وَٱللَّهُ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢٥٨﴾ أَوْ كَٱلَّذِى
مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِىَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحْىِۦ
هَٰذِهِ ٱللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا ۖ فَأَمَاتَهُ ٱللَّهُ مِا۟ئَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُۥ ۖ
قَالَ كَمْ لَبِثْتَ ۖ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ ۖ قَالَ بَل
لَّبِثْتَ مِا۟ئَةَ عَامٍ فَٱنظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ ۖ
وَٱنظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ ءَايَةً لِّلنَّاسِ ۖ وَٱنظُرْ إِلَى
ٱلْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا ۚ فَلَمَّا
تَبَيَّنَ لَهُۥ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٥٩﴾

خداکارسازِ مومنان است ایشانرا ازتاریکی‌ها به سوی روشنی بیرون می آورد وآنانکه کافراند کارسازانِ ایشان طاغوت است (یعنی شیطان و معبودان باطل) ایشان را از روشنی به سوی تاریکی‌ها بیرون می آورند این جماعت ایشان باشندگان دوزخند درآنجا جاویدند (۲۵۷). آیا به سوی کسی که مکابره کرد باابراهیم دربارهٔ پروردگار او بخاطر آنکه خدا او را پادشاهی داد، ندیدی، (یعنی نمرود) چون ابراهیم گفت پروردگار من آنست که زنده میکندومی میراند آن کافر گفت من زنده می کنم ومی میرانم[۱۰۷] گفت ابراهیم پس هرآئینه خدا خورشید را از مشرق می آورد پس تو آن را ازطرف مغرب بیاور پس مغلوب شدکافر وخدا گروه ستمگاران را راه نمی نماید (۲۵۸). یامانند آن شخصی که گذشت بردهی درحالیکه آن افتاده بود برسقفهای خود[۱۰۸] گفت چگونه این را خدا بعد از مردن آن زنده می کند پس اورا خدای تعالی صدسال میراند بعد ازآن برانگیختش (یعنی زنده اش کرد) گفت چه قدر درنگ کردی گفت درنگ کردم یك روز یا پاره ای ازروز گفت بلکه صدسال درنگ کردی پس نگاه کُن به سوی طعام خود وآشامیدنی خود که متغیر نشده ونگاه کُن به سوی الاغ خود ومی خواهیم که تورا برای مردمان نشانه ای گردانیم ونگاه کُن به سوی استخوانها چگونه آنهارا برداشته به هم پیوند می دهیم بعد ازآن برآن گوشت را می پوشانیم پس چون این حال برایش واضح شد گفت به یقین می دانم که خدا برهمه چیز تواناست (۲۵۹).

(۱۰۷) یعنی به ستم مستحق کشتن رامی گذارم و کسی را که مستحق کشتن نیست می کشم والله اعلم.
(۱۰۸) مترجم گوید آن شخص عزیربود.

وَإِذْ قَالَ إِبْرَٰهِـۧمُ رَبِّ أَرِنِى كَيْفَ تُحْىِ ٱلْمَوْتَىٰ ۖ قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِن ۖ قَالَ بَلَىٰ وَلَـٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِى ۖ قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ ٱلطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ ٱجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ٱدْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا ۚ وَٱعْلَمْ أَنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦٠﴾ مَّثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُمْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنۢبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِى كُلِّ سُنۢبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ ۗ وَٱللَّهُ يُضَـٰعِفُ لِمَن يَشَآءُ ۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦١﴾ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُمْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَآ أَنفَقُوا۟ مَنًّا وَلَآ أَذًى ۙ لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٦٢﴾ ۞ قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّن صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَآ أَذًى ۗ وَٱللَّهُ غَنِىٌّ حَلِيمٌ ﴿٢٦٣﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تُبْطِلُوا۟ صَدَقَـٰتِكُم بِٱلْمَنِّ وَٱلْأَذَىٰ كَٱلَّذِى يُنفِقُ مَالَهُۥ رِئَآءَ ٱلنَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْـَٔاخِرِ ۖ فَمَثَلُهُۥ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُۥ وَابِلٌ فَتَرَكَهُۥ صَلْدًا ۖ لَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَىْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا۟ ۗ وَٱللَّهُ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلْكَـٰفِرِينَ ﴿٢٦٤﴾

ربع الحزب ٥

وآنگاه که ابراهیم گفت ای پروردگار من بنما مرا چگونه مردگان را زنده می کنی؟ گفت خدا آیا باور نداری؟ گفت آری باور داشته ام لیکن می خواهم که دِلم آرام گیرد[۱۰۹] گفت خدا پس بگیر چهار عدد از پرند گان پس همه را نزدیك خود قطعه قطعه بهم آور بعد ازآن بگذار برهر کوهی پاره ای ازیشان سپس ازآن ندا کن ایشان را البته پیش‌توشتابان بیایند وبدان که خدا غالب استوار کار است (۲٦۰). صفت آنانکه مالهای خودرا درراه خدا خرج می کنند مانند صفت یك دانه ای است که هفت خوشه را برویاند هرخوشه ای صد دانه است وخدا هرکرا خواهد چندبرابرمی‌دهد وخدا گشایشگر (جواد) داناست (۲٦۱). آنانکه اموال خودرا درراه خدا خرج می کنند بازازپی آن انفاق منت نمی نهند وآزارنمی رسانند ایشانرا پاداش ایشان نزد پروردگار ایشان است و نیست ترسی برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (۲٦۲). سخن ملایم گفتن ودرگذشتن[۱۱۰] بهتر است ازآن خیرات که ازپی آن آزرد گی باشد وخدا بی نیازِ بُردباراست (۲٦۳). ای مومنان خیرات خودرا به منت نهادن وآزرده کردن تباه مکنید همچوکسیکه مال خود رابرای نمودن مردمان خرج می کند وبه خدا وروزقیامت ایمان ندارد پس صفت او مانند صفت سنگ صاف است که بروی باشداندك خاکی پس به آن بارانی عظیم رسید پس گذاشت اوراسخت وصاف مانده، توانایی ندارند اهل ریا برچیزی ازآنچه عمل کردند وخدا گروه کافران را راه نمی نماید[۱۱۱] (۲٦٤).

---

(۱۰۹) یعنی عین الیقین میخواهم والله اعلم.

(۱۱۰) ازبی ادبی باسائل.

(۱۱۱) مترجم گوید حاصل این مثل آنست که عمل منان ومرائی دردنیا می نماید که عمل است و در آخرت نابود میشود و هیچ فائده نمی دهد چنانکه برسنگی خاك افتاده باشدو بظاهر چنان می نماید که قابل زراعت است وچون باران بارد محوشود والله اعلم.

وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمُ ٱبۡتِغَآءَ مَرۡضَاتِ ٱللَّهِ
وَتَثۡبِيتٗا مِّنۡ أَنفُسِهِمۡ كَمَثَلِ جَنَّةِۭ بِرَبۡوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٞ
فَـَٔاتَتۡ أُكُلَهَا ضِعۡفَيۡنِ فَإِن لَّمۡ يُصِبۡهَا وَابِلٞ فَطَلّٞۗ
وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٌ ٢٦٥ أَيَوَدُّ أَحَدُكُمۡ أَن تَكُونَ لَهُۥ
جَنَّةٞ مِّن نَّخِيلٖ وَأَعۡنَابٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ لَهُۥ
فِيهَا مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ وَأَصَابَهُ ٱلۡكِبَرُ وَلَهُۥ ذُرِّيَّةٞ
ضُعَفَآءُ فَأَصَابَهَآ إِعۡصَارٞ فِيهِ نَارٞ فَٱحۡتَرَقَتۡۗ كَذَٰلِكَ
يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّكُمۡ تَتَفَكَّرُونَ ٢٦٦ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنفِقُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا كَسَبۡتُمۡ وَمِمَّآ أَخۡرَجۡنَا
لَكُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِۖ وَلَا تَيَمَّمُواْ ٱلۡخَبِيثَ مِنۡهُ تُنفِقُونَ
وَلَسۡتُم بِـَٔاخِذِيهِ إِلَّآ أَن تُغۡمِضُواْ فِيهِۚ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ
حَمِيدٌ ٢٦٧ ٱلشَّيۡطَٰنُ يَعِدُكُمُ ٱلۡفَقۡرَ وَيَأۡمُرُكُم بِٱلۡفَحۡشَآءِۖ
وَٱللَّهُ يَعِدُكُم مَّغۡفِرَةٗ مِّنۡهُ وَفَضۡلٗاۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ
٢٦٨ يُؤۡتِي ٱلۡحِكۡمَةَ مَن يَشَآءُۚ وَمَن يُؤۡتَ ٱلۡحِكۡمَةَ فَقَدۡ
أُوتِيَ خَيۡرٗا كَثِيرٗاۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّآ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٢٦٩

وصفت آنانکه مالهای خویش راازجهت طلب رضامندی خدا وبسبب اعتقاد ناشی ازدلِ خویش خرج می کنند مانند صفت باغی است به مکان بلند که بوی بارانی عظیم رسید پس میوهای خودرا دوچندان آورد واگر اورا باران عظیمی نمی رسید پس شبنم کفایت میکرد وخدا به آنچه می کنید بیناست(۱۱۲) (۲٦٥). آیا دوست میدارد یکی ازشماکه اورا باغی ازدرختانِ خرماوانگور باشد که می رود زیرآن جویها اورا درآن باغ از هر جنس میوها هست واورا سالخوردگی رسیده باشد وفرزندانی ناتوان داشته باشد پس درین حالت آن باغ راگردبادی که درآن آتش است رسید پس کاملاً بسوخت همچنین خدا برای شما آیه ها را واضح می سازد تاباشد که تأمل کنید(۱۱۳) (۲٦٦). ای مومنان خرج کنید ازپاکیزه های آنچه شما کسب کردهاید واز پاکیزه های آنچه برای شما اززمین بیرون آوردیم وناپاك را ازآن قصد مکنید آن را خرج میکنید وگیرنده آن نیستید مگر وقتیکه در گرفتن آن چشم پوشی کنید وبدانید که خدا بی نیاز ستوده است (۲٦۷). شیطان به شما تنگدستی را وعده میدهد وبه بی حیایی شمارا می فرماید وخدا به شما آمرزش را ازجانب خود ونعمت دادن را وعده می کند وخدا گشایشگر (جواد) دانا است (۲٦۸). حکمت را میدهد هرکه را خواهد وهرکه اورا حکمت داده شد پس به راستیکه داده شدنیکویی بسیار وپند پذیر نمی شوند جز صاحبان خرد (۲٦۹).

---

(۱۱۲) مترجم گوید حاصل این مثل آن است که عمل اهل اخلاص فائدهها میدهد از سابقین باشد یا ازاصحاب یمین.

(۱۱۳) حاصل این مثل آن است که عمل منان و مرائی دروقت شدت احتیاج نابود شود چنانکه بوستان این شخص دروقت شدت احتیاج بسوخت.

وَمَآ أَنفَقۡتُم مِّن نَّفَقَةٍ أَوۡ نَذَرۡتُم مِّن نَّذۡرٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ
يَعۡلَمُهُۥۗ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٍ ٢٧٠ إِن تُبۡدُواْ
ٱلصَّدَقَٰتِ فَنِعِمَّا هِيَۖ وَإِن تُخۡفُوهَا وَتُؤۡتُوهَا
ٱلۡفُقَرَآءَ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۚ وَيُكَفِّرُ عَنكُم مِّن
سَيِّـَٔاتِكُمۡۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ٢٧١ ۞لَّيۡسَ
عَلَيۡكَ هُدَىٰهُمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَهۡدِي مَن يَشَآءُۗ وَمَا
تُنفِقُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَلِأَنفُسِكُمۡۚ وَمَا تُنفِقُونَ إِلَّا
ٱبۡتِغَآءَ وَجۡهِ ٱللَّهِۚ وَمَا تُنفِقُواْ مِنۡ خَيۡرٖ يُوَفَّ إِلَيۡكُمۡ
وَأَنتُمۡ لَا تُظۡلَمُونَ ٢٧٢ لِلۡفُقَرَآءِ ٱلَّذِينَ أُحۡصِرُواْ
فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ لَا يَسۡتَطِيعُونَ ضَرۡبٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ
يَحۡسَبُهُمُ ٱلۡجَاهِلُ أَغۡنِيَآءَ مِنَ ٱلتَّعَفُّفِ تَعۡرِفُهُم
بِسِيمَٰهُمۡ لَا يَسۡـَٔلُونَ ٱلنَّاسَ إِلۡحَافٗاۗ وَمَا تُنفِقُواْ مِنۡ
خَيۡرٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٌ ٢٧٣ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُم
بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ سِرّٗا وَعَلَانِيَةٗ فَلَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ
رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٢٧٤

وآنچه ازخیرات خرج کردید ویالازم کردید برخود از نذری پس هرآئینه خدا آنرا میداند وستمکاران را هیچ یاری دهنده ای نیست(۲۷۰). اگر خیرات را آشکار کنید پس آن چیز نیکوي است واگر آنرا پنهان کنید وبدهید آن را به فقیران پس این برای شما بهتراست وازشما بعض گناهان شمارا دور سازد وخدا به آنچه می کنید آگاه است (۲۷۱). برتو (ای محمد) هدایت ایشان لازم نیست[۱۱٤] لیکن خدا هدایت می کند هرکه رامی‌خواهد وآنچه ازمال خرج می کنید پس برای نفع ذات شماست ولایق نیست که خرج کنید مگر برای طلب رضای خدا وآنچه از مال خرج می کنید تمام آن به شما (یعنی ثواب) رسانیده شود، وبرشماستم نخواهید کرده شد (۲۷۲). خیرات برای آن فقیرانست که در راهِ خدا[۱۱۵] بندکرده شدند سفر کردن در زمین نمی توانند ایشان راناداان توانگر می پندارد بسبب طمع نکردن می شناسی تو ایشان را به قیافه ایشان سوال نمی کنند ازمردمان به الحاح ولجاجت وآنچه خرج می کنید ازمال پس هرآئینه خدا به آن دانا است (۲۷۳). کسانیکه اموال خویش را شب وروز پنهان وآشکار خرج می کنند پس ایشان را پاداش ایشان نزد پروردگارشان است و برایشان ترسی نیست ونه ایشان اندوهگین شوند (۲۷٤).

(۱۱٤) یعنی ایصال مطلوب الی الله.

(۱۱۵) یعنی بسبب مشغول شدن ومصروفیت به جهاد کسب کردن نمی توانند والله اعلم.

ٱلَّذِينَ يَأْكُلُونَ ٱلرِّبَوٰاْ لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ ٱلَّذِى
يَتَخَبَّطُهُ ٱلشَّيْطَٰنُ مِنَ ٱلْمَسِّ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوٓاْ إِنَّمَا ٱلْبَيْعُ
مِثْلُ ٱلرِّبَوٰاْ ۗ وَأَحَلَّ ٱللَّهُ ٱلْبَيْعَ وَحَرَّمَ ٱلرِّبَوٰاْ ۚ فَمَن جَآءَهُۥ
مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِۦ فَٱنتَهَىٰ فَلَهُۥ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِ ۖ وَمَنْ
عَادَ فَأُوْلَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٢٧٥﴾ يَمْحَقُ
ٱللَّهُ ٱلرِّبَوٰاْ وَيُرْبِى ٱلصَّدَقَٰتِ ۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ
﴿٢٧٦﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ
وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ
وَذَرُواْ مَا بَقِىَ مِنَ ٱلرِّبَوٰٓاْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٢٧٨﴾ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُواْ
فَأْذَنُواْ بِحَرْبٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ۖ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ
أَمْوَٰلِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿٢٧٩﴾ وَإِن كَانَ
ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ ۚ وَأَن تَصَدَّقُواْ خَيْرٌ لَّكُمْ ۖ
إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٨٠﴾ وَٱتَّقُواْ يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى
ٱللَّهِ ۖ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٨١﴾

کسانیکه سودرا میخورند برنخیزند (یعنی از گور) مگر چنانکه برمی خیزد کسی که اورا شیطان به سبب آسیب رسانیدن دیوانه ساخته است، این بسبب آنست که سود خوران گفتندجزاین نیست که سودا گری مانند سود است وحال آنکه خدا سودا گری را حلال کرده است و سود را حرام ساخته است پس کسی که بوی پندی ازجانب پروردگارش آمد پس بازآمد ازین کار (یعنی ویلش کرد) پس اوراست آنچه گذشت و کار او به خدا مفوض است[۱۱٦] وهر که بازگشت به سود خوری[۱۱۷]، پس آن گروه باشند گان دوزخ اند ایشان درآنجاجاویدند (۲۷۵). خدا برکت سود را نابودمی سازد وبرکت خیرات را افزون می سازد وخدا هرناسپاس گنهگاررا دوست ندارد (۲۷٦). هرآئینه کسانیکه ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته کرده‌اند ونمازرا برپاداشتند وزکوٰة را دادند برای ایشان است پاداش ایشان نزدِ پرورد گار ایشان ونیست ترسی بر ایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (۲۷۷). ای کسانیکه ایمان آورده‌اید ازخدا بترسید وترك کنید آنچه ازسود مانده است اگر ازاهل ایمان هستید (۲۷۸). پس اگر نکردید پس خبردار باشید به جنگی ازطرف خدا ورسول او واگر توبه کردید پس هست شما را اصل مال های شما نه شما ستم کنید ونه برشماستم کرده شود (۲۷۹). واگر مفلسی باشد پس مهلت دادن تاتوانگری لازم است وآنکه خیرات کنید شمارا بهتر است اگر می دانستید (۲۸۰). وازآن روزکه باز گردانیده شوید درآن به سوی خدا بترسید پس تمام داده شود هر شخصی را آنچه عمل کرده است وبر ایشان ستم کرده نشود (۲۸۱).

---

(۱۱٦) یعنی سودی که قبل آیت تحریم گرفته بازگردانیدنش لازم نیست والله اعلم.

(۱۱۷) یعنی بعد ازتحریم.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيۡنٍ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى فَٱكۡتُبُوهُۚ وَلۡيَكۡتُب بَّيۡنَكُمۡ كَاتِبُۢ بِٱلۡعَدۡلِۚ وَلَا يَأۡبَ كَاتِبٌ أَن يَكۡتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ ٱللَّهُۚ فَلۡيَكۡتُبۡ وَلۡيُمۡلِلِ ٱلَّذِي عَلَيۡهِ ٱلۡحَقُّ وَلۡيَتَّقِ ٱللَّهَ رَبَّهُۥ وَلَا يَبۡخَسۡ مِنۡهُ شَيۡـٔٗاۚ فَإِن كَانَ ٱلَّذِي عَلَيۡهِ ٱلۡحَقُّ سَفِيهًا أَوۡ ضَعِيفًا أَوۡ لَا يَسۡتَطِيعُ أَن يُمِلَّ هُوَ فَلۡيُمۡلِلۡ وَلِيُّهُۥ بِٱلۡعَدۡلِۚ وَٱسۡتَشۡهِدُواْ شَهِيدَيۡنِ مِن رِّجَالِكُمۡۖ فَإِن لَّمۡ يَكُونَا رَجُلَيۡنِ فَرَجُلٞ وَٱمۡرَأَتَانِ مِمَّن تَرۡضَوۡنَ مِنَ ٱلشُّهَدَآءِ أَن تَضِلَّ إِحۡدَىٰهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحۡدَىٰهُمَا ٱلۡأُخۡرَىٰۚ وَلَا يَأۡبَ ٱلشُّهَدَآءُ إِذَا مَا دُعُواْۚ وَلَا تَسۡـَٔمُوٓاْ أَن تَكۡتُبُوهُ صَغِيرًا أَوۡ كَبِيرًا إِلَىٰٓ أَجَلِهِۦۚ ذَٰلِكُمۡ أَقۡسَطُ عِندَ ٱللَّهِ وَأَقۡوَمُ لِلشَّهَٰدَةِ وَأَدۡنَىٰٓ أَلَّا تَرۡتَابُوٓاْ إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَٰرَةً حَاضِرَةٗ تُدِيرُونَهَا بَيۡنَكُمۡ فَلَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَلَّا تَكۡتُبُوهَاۗ وَأَشۡهِدُوٓاْ إِذَا تَبَايَعۡتُمۡۚ وَلَا يُضَآرَّ كَاتِبٞ وَلَا شَهِيدٞۚ وَإِن تَفۡعَلُواْ فَإِنَّهُۥ فُسُوقُۢ بِكُمۡۗ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۖ وَيُعَلِّمُكُمُ ٱللَّهُۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ٢٨٢

ای مومنان اگر بایکدیگر به وام دادن تامیعاد مقرر معامله کنید پس آن را بنویسید وباید که نویسنده میان شما به انصاف بنویسد وسربازنزند نویسنده ازآنکه نویسد چنانچه خدا اورا آموخته است پس بایدکه وی بنویسد واملاء کندآنکه وام بذمهٔ وی است وبایدکه ازخدا پروردگارش بترسد وازآن وام چیزی را کم نکند پس اگر کسیکه وام بذمهٔ وی است بی خرد یا ناتوان باشد یا نمی تواند املاء کردن پس باید که املاء کند کارگزار او به انصاف و دوشاهد را ازمردان خویش(۱۱۸) گواه گیرید پس اگر (حاضر) نباشند دومرد پس یك مرد ودو زن کفایت است ازکسانیکه راضی باشید ازگواهان(۱۱۹) تا اگر کسی ازآنان فراموش کند یکی ازآنان به دیگری یاد آوری کند وباید که سرباز نزنند گواهان آنگاه که طلبیده شوند وملنده مشوید ازآنکه بنویسید حق را اندك باشد یابسیارتا میعاد وی این به نزدِ خدا باانصاف تر است ودرست تر برای گواهی وبه آنکه درشك نیفتید مگر وقتیکه باشد آن معامله سوداگری دست بدست که آن رامیان خویش دستگردان می کنید پس برشما گناهی درآنکه ننویسید آن را نیست وگواه گیرید هر گاه که خرید وفروخت کنید وباید که رنج داده نشود نویسنده ونه گواه واگر این کار را بکنید پس هرآئینه این برای شما گناه است واز خدا بترسید وخدا شمارا می آموزد وخدا بهر چیز دانااست (۲۸۲).

(۱۱۸) یعنی ازمسلمانان.

(۱۱۹) یعنی ازمسلمانان امین متقی.

ثلاثة أرباع الحزب ٥

۞ وَإِن كُنتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا۟ كَاتِبًا فَرِهَٰنٌ مَّقْبُوضَةٌ
فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ ٱلَّذِى ٱؤْتُمِنَ أَمَٰنَتَهُۥ وَلْيَتَّقِ
ٱللَّهَ رَبَّهُۥ ۗ وَلَا تَكْتُمُوا۟ ٱلشَّهَٰدَةَ ۚ وَمَن يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُۥٓ
ءَاثِمٌ قَلْبُهُۥ ۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨٣﴾ لِّلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۗ وَإِن تُبْدُوا۟ مَا فِىٓ أَنفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ
يُحَاسِبْكُم بِهِ ٱللَّهُ ۖ فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ ۗ
وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٨٤﴾ ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيْهِ
مِن رَّبِّهِۦ وَٱلْمُؤْمِنُونَ ۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ
وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِۦ ۚ وَقَالُوا۟
سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۖ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ ٱلْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾ لَا يُكَلِّفُ
ٱللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا ٱكْتَسَبَتْ ۗ
رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَآ إِن نَّسِينَآ أَوْ أَخْطَأْنَا ۚ رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ
عَلَيْنَآ إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِنَا ۚ رَبَّنَا
وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦ ۖ وَٱعْفُ عَنَّا وَٱغْفِرْ لَنَا
وَٱرْحَمْنَآ ۚ أَنتَ مَوْلَىٰنَا فَٱنصُرْنَا عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٢٨٦﴾

واگر مسافر باشید و نویسنده ای را نیابید پس لازم است گروبدست آورده شده باشد پس اگر امین داند برخی از شما برخی دیگر را پس باید که آن کس که امین دانسته شد امانت خود را اداکند وباید که از خدا پروردگار خود بترسد وگواهی را پنهان نکنید وهر که آن را پنهان کند پس هرآئینه دل او گناهگار است خدا به آنچه می کنید آگاه است (۲۸۳). آنچه در آسمان ها وآنچه در زمین است برای خدا است واگر آشکار کنید آنچه دردل های شما است[۱۲۰] یاآنرا پنهان دارید البته خدا حساب آن را ازشما بگیرد پس بیامرزد کسی را که خواهد وعذاب کند کسی را که خواهد وخدا برهمه چیز تواناست (۲۸٤). پیامبر آنچه راکه به سوی اواز پروردگارش فرودآورده شد باور داشت ومومنان نیز همه ایمان آورده اند به خدا وفرشتگان او وکتاب های او و پیامبران او (وگفتند) فرق نمی گذاریم میان هیچ کسی ازپیامبران او[۱۲۱] وگفتند شنیدیم و فرمانبرداری کردیم میخواهیم آمرزش توای پروردگارما و به سوی تواست بازگشت (۲۸۵). خدا هیچ کس را مُکلَّف نمی کند مگر به اندازهٔ توانش برای او است آنچه عمل کرد و بروی باشد آنچه گناه کرد گفتند ای پروردگارما به عقوبت مگیر مارا اگر فراموش کنیم یا خطاکنیم ای پروردگارماومَنه برسرما بار گران آنچنان که آنرا برکسانیکه پیش ازمابودند نهادی پروردگارماومَنه برسرماآنچه مارا توانایی آن نیست ودر گذرازما وبیامرزمارا وبه بخشای مارا تویی خداوند ماپس مارابر گروه کافران غلبه ده (۲۸٦).

(۱۲۰) یعنی ازقسم نفاق و اخلاق وحسدو نصیحت ومثل آن نه از قسم حدیث نفس والله اعلم.

(۱۲۱) یعنی بعض را معتقد وبعض رامنکر نمی باشیم.

سُورَةُ آلِ عِمۡرَانَ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓمٓ ﴿١﴾ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُ ﴿٢﴾ نَزَّلَ عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ وَأَنزَلَ ٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ ﴿٣﴾ مِن قَبۡلُ هُدٗى لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ ٱلۡفُرۡقَانَۗ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ لَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٞۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٞ ذُو ٱنتِقَامٍ ﴿٤﴾ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَخۡفَىٰ عَلَيۡهِ شَيۡءٞ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِ ﴿٥﴾ هُوَ ٱلَّذِي يُصَوِّرُكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡحَامِ كَيۡفَ يَشَآءُۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿٦﴾ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ مِنۡهُ ءَايَٰتٞ مُّحۡكَمَٰتٌ هُنَّ أُمُّ ٱلۡكِتَٰبِ وَأُخَرُ مُتَشَٰبِهَٰتٞۖ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمۡ زَيۡغٞ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَٰبَهَ مِنۡهُ ٱبۡتِغَآءَ ٱلۡفِتۡنَةِ وَٱبۡتِغَآءَ تَأۡوِيلِهِۦۖ وَمَا يَعۡلَمُ تَأۡوِيلَهُۥٓ إِلَّا ٱللَّهُۗ وَٱلرَّٰسِخُونَ فِي ٱلۡعِلۡمِ يَقُولُونَ ءَامَنَّا بِهِۦ كُلّٞ مِّنۡ عِندِ رَبِّنَاۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّآ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ﴿٧﴾ رَبَّنَا لَا تُزِغۡ قُلُوبَنَا بَعۡدَ إِذۡ هَدَيۡتَنَا وَهَبۡ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةًۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡوَهَّابُ ﴿٨﴾ رَبَّنَآ إِنَّكَ جَامِعُ ٱلنَّاسِ لِيَوۡمٖ لَّا رَيۡبَ فِيهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ ﴿٩﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

الّم (۱). خدا آن ذات است که نیست هیچ معبود برحقی مگراو زندهٔ تدبیرکنندهٔ عالَم است (۲). فرود آورد برتو کتاب را بهراستی باور دارندهٔ آنچه پیش دست وی است وتورات وانجیل را فرود آورد (۳). پیش ازین برای مردمان رهنما و قرآن را فرود آورد هرآئینه کسانیکه کافر شدند به آیات خدا ایشانراست عذابِ سخت وخدا غالب صاحب انتقام است (٤). هرآئینه بر خدا چیزی در زمین ونه در آسمان نهان نمی ماند (٥). او آنست که صورت می بندد شمارا در رحمها چنانچه خواهد نیست هیچ معبود برحقی غیراز اوغالب استوار کاراست (٦). او آنست که برتو کتاب را فرود آورد که بعضی ازآن آیه ها واضح است آنها اصل کتاب است وبرخي ديگر محتمل معانی باهم مشتبه اند پس اماکسانیکه دردل های ایشان کجی است آنرا که متشابه است ازآن کتاب پیروی می کنند برای طلب فتنه وطلب تاویل آن ومراد آن را مگر خدا نمیداند و ثابت قدمان در علم می گویند به آن ایمان آوردیم این همه از نزدِ پروردگار ماست وپند پذیر نمی شوند مگر خداوندان خرد (۷). (می گویند) ای پروردگارما دلها یمان را بعد ازآنکه هدایت نمودی مارا کج مگردان و به ماازنزد خود رحمت عطا کن هرآئینه تویی عطا کننده (۸). ای پروردگارما هرآئینه توجمع کنندهٔ مردمانی درآن روز که هیچ شکی نیست در (وقوع) آن هرآئینه خدا وعده را خلاف نمیکند (۹).

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَن تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَٰلُهُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُهُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔاۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمْ وَقُودُ ٱلنَّارِ ﴿١٠﴾ كَدَأْبِ ءَالِ فِرْعَوْنَ وَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْۚ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ بِذُنُوبِهِمْۗ وَٱللَّهُ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ ﴿١١﴾ قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَۖ وَبِئْسَ ٱلْمِهَادُ ﴿١٢﴾ قَدْ كَانَ لَكُمْ ءَايَةٌ فِي فِئَتَيْنِ ٱلْتَقَتَاۖ فِئَةٌ تُقَٰتِلُ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُم مِّثْلَيْهِمْ رَأْيَ ٱلْعَيْنِۚ وَٱللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِۦ مَن يَشَآءُۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُوْلِي ٱلْأَبْصَٰرِ ﴿١٣﴾ زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ ٱلشَّهَوَٰتِ مِنَ ٱلنِّسَآءِ وَٱلْبَنِينَ وَٱلْقَنَٰطِيرِ ٱلْمُقَنطَرَةِ مِنَ ٱلذَّهَبِ وَٱلْفِضَّةِ وَٱلْخَيْلِ ٱلْمُسَوَّمَةِ وَٱلْأَنْعَٰمِ وَٱلْحَرْثِۗ ذَٰلِكَ مَتَٰعُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَاۖ وَٱللَّهُ عِندَهُۥ حُسْنُ ٱلْمَـَٔابِ ﴿١٤﴾ ۞ قُلْ أَؤُنَبِّئُكُم بِخَيْرٍ مِّن ذَٰلِكُمْۖ لِلَّذِينَ ٱتَّقَوْاْ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّٰتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَٰجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَٰنٌ مِّنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِٱلْعِبَادِ ﴿١٥﴾

الحِزْبُ ٦

هرآئينه آنانكه كافر شدند اموال ايشان ونه فرزندان ايشان از (عذاب) خداى تعالى چيزى را ازايشان دفع نكند وايشان آتش انگيز دوزخ اند (۱۰). حال ايشان مانند شيوهٔ آل فرعون وكسانى است كه پيش ازايشان بودند، آياتِ مارا تكذيب كردند پس خدا ايشانرا بسبب گناهان ايشان گرفت وخدا سخت عقوبت است (۱۱). به كافران بگو كه مغلوب خواهيد شد و به سوى دوزخ جمع آورى خواهيد شد واو بدجايگاه است (۱۲). بتحقيق هست شمارا نشانه درآن دو قوم كه بهم آمدند[1] يك گروه جنگ ميكرد در راه خدا وگروهِ ديگر كافر بودند مسلمانان آن كافران را دو برابر خويش بديدهٔ چشم مى ديدند وخدا به نصرت خود هركه را خواهد قوت ميدهد هرآئينه درين واقعه پندى براى خداوندانِ بصيرت هست (۱۳). آراسته كرده شده است براى مردمان دوستى آرزوهاى نفس اززنان وفرزندان و خزانه هاى انبوه (جمع ساخته) اززر وسيم واسبانِ نشانمند ساخته وچهار پايان وزراعت، اين بهرهٔ زندگانى دنيا است و نزدِخداست بازگشتِ نيك (۱٤). بگو (اى محمد) آيا خبردهم شمارا به آنچه بهتر است ازين براى متقيان نزد پروردگار ايشان بوستان ها باشد كه مى رود از زيرآنها جويها، جاويدان باشند درآن وباشند (نيزبرايشان) زنانِ پاكيزه وازخوشنودى خدا برخوردارند و خدا به بندگان بيناست (۱٥).

---

(۱) يعنى روزبدر والله اعلم.

ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ إِنَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا
وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ﴿١٦﴾ ٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلۡقَٰنِتِينَ
وَٱلۡمُنفِقِينَ وَٱلۡمُسۡتَغۡفِرِينَ بِٱلۡأَسۡحَارِ ﴿١٧﴾ شَهِدَ ٱللَّهُ
أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا
بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿١٨﴾ إِنَّ ٱلدِّينَ
عِندَ ٱللَّهِ ٱلۡإِسۡلَٰمُۗ وَمَا ٱخۡتَلَفَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ
إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۗ وَمَن يَكۡفُرۡ
بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ﴿١٩﴾ فَإِنۡ حَآجُّوكَ
فَقُلۡ أَسۡلَمۡتُ وَجۡهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ ٱتَّبَعَنِۗ وَقُل لِّلَّذِينَ أُوتُواْ
ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡأُمِّيِّـۧنَ ءَأَسۡلَمۡتُمۡۚ فَإِنۡ أَسۡلَمُواْ فَقَدِ ٱهۡتَدَواْۖ
وَّإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا عَلَيۡكَ ٱلۡبَلَٰغُۗ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ ﴿٢٠﴾
إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقۡتُلُونَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ
بِغَيۡرِ حَقّٖ وَيَقۡتُلُونَ ٱلَّذِينَ يَأۡمُرُونَ بِٱلۡقِسۡطِ مِنَ
ٱلنَّاسِ فَبَشِّرۡهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢١﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ حَبِطَتۡ
أَعۡمَٰلُهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ﴿٢٢﴾

آنانکه می گویند ای پروردگارما هرآئینه ماایمان آوردیم پس گناهان مارا برایمان بیامرز و مارااز عذاب آتش نگاهدار(۱٦). شکیبایان وراست گویان وفرمانبرداران وخرج کنندگان وآمرزش خواهان دراوقات سحر (۱۷). خدا گواهی[۲] داد[۳] آنکه هیچ معبود برحقی مگراو نیست و گواهی دادند فرشتگان و خداوندانِ دانش درآن حال که خدا تدبیر کننده عالَم است بعدل، نیست هیچ معبود برحقی مگر او غالب استوار کار است (۱۸). هرآئینه دین (معتبر) نزد خدا اسلام است و اختلاف نکردند (یعنی درقبول اسلام) اهل کتاب مگر بعد ازآنکه به ایشان دانش آمد[٤] ازروی حسد درمیان خویش وهرکه کافر باشد به آیات خدا پس هرآئینه خدا زود گیرنده حساب است (۱۹). پس اگر مکابره کنند باتو (یا محمد) پس (ازدل وجان) بگو من خودرا فرمانبردار خدا ساخته ام خودرا ونیزهر کسی که پیروی من کرد (چنین بود) وبگو به اهل کتاب وبه خوانندگان آیا اسلام آوردید پس اگر اسلام آوردند به تحقیق که راه یافتند واگر روی گردانیدند پس جزاین نیست که برتوست پیغام رسانیدن وخدا به بند گان بیناست (۲۰). هرآئینه کسانیکه به آیه های خدا کافر می شوند و پیامبران را به نا حق می کشند وآنان را که بعدل می فرمایند ازمرد مان می کشند پس ایشانرا بعذاب درد دهنده خبرده (۲۱). این گروه آنانند که عمل های ایشان در دنیا و آخرت نابود شد وایشان را یاری دهنده نیست (۲۲).

---

(۲) مترجم گوید ازینجا خدای تعالی شروع می فرماید درمناظره اهل کتابین وردِّ شبهات ایشان و تعداد تحریفات ایشان واین قصه ممتداست تاقوله ﴿وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ﴾.

(۳) یعنی آشکار ساخت.

(٤) یعنی حقیقت حال دانستند.

أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ نَصِيبًا مِّنَ ٱلْكِتَٰبِ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ كِتَٰبِ
ٱللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ وَهُم مُّعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾
ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا۟ لَن تَمَسَّنَا ٱلنَّارُ إِلَّآ أَيَّامًا مَّعْدُودَٰتٍ ۖ
وَغَرَّهُمْ فِى دِينِهِم مَّا كَانُوا۟ يَفْتَرُونَ ﴿٢٤﴾ فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَٰهُمْ
لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ
لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٥﴾ قُلِ ٱللَّهُمَّ مَٰلِكَ ٱلْمُلْكِ تُؤْتِى ٱلْمُلْكَ مَن
تَشَآءُ وَتَنزِعُ ٱلْمُلْكَ مِمَّن تَشَآءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَآءُ وَتُذِلُّ مَن
تَشَآءُ ۖ بِيَدِكَ ٱلْخَيْرُ ۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٦﴾ تُولِجُ ٱلَّيْلَ
فِى ٱلنَّهَارِ وَتُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِى ٱلَّيْلِ ۖ وَتُخْرِجُ ٱلْحَىَّ مِنَ ٱلْمَيِّتِ
وَتُخْرِجُ ٱلْمَيِّتَ مِنَ ٱلْحَىِّ ۖ وَتَرْزُقُ مَن تَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢٧﴾
لَّا يَتَّخِذِ ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلْكَٰفِرِينَ أَوْلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلْمُؤْمِنِينَ ۖ
وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَلَيْسَ مِنَ ٱللَّهِ فِى شَىْءٍ إِلَّآ أَن تَتَّقُوا۟ مِنْهُمْ
تُقَىٰةً ۗ وَيُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ نَفْسَهُۥ ۗ وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلْمَصِيرُ ﴿٢٨﴾ قُلْ
إِن تُخْفُوا۟ مَا فِى صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمْهُ ٱللَّهُ ۗ وَيَعْلَمُ
مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾

آیاندیدی بسوی آنانکه داده شدند پاره ای ازعلم کتاب خوانده می شوند بسوی کتاب خدا تاحکم کند میان ایشان پس گروهی از ایشان اعراض کنان روی می گرداند (۲۳). این بسبب آنست که ایشان گفتند هرگز بما آتش دوزخ نرسد مگر چند روزی شمرده شده و ایشان را در دین ایشان آنچه افترا میکردند فریفت (۲٤). پس چگونه بُوَد حال وقتیکه جمع کنیم ایشان را در روزی که درآن هیچ شکی نیست و تمام داده شود هر شخصی را جزاء آنچه عمل کرده و بر ایشان ستم کرده نشود (۲۵). بگوبار الٰها ای‌خداوند پادشاهی، میدهی پادشاهی هرکه را خواهی و بازمی گیری پادشاهی ازهر که خواهی و ارجمند می سازی هرکه را خواهی و خوار می‌سازی هرکه را خواهی نیکی بدست تست هرآئینه توبرهمه چیز توانایی[٥] (۲٦). درمی‌آری شب را در روز ودرمی‌آری روزرا در شب و بیرون می آری زنده را از مرده وبیرون می‌آری مرده را از زنده و روزی بی شمار میدهی هرکه را خواهی (۲۷). نبایدکه دوست گیرند مسلمانان کافران را به جای مؤمنان وهرکه این کند پس نیست ازخدا درچیزی[٦] مگر آنکه دفع شرایشان کنید بنوعی ازحذر کردن وشمارا خدا از خود برحذر می دارد و بسوی خدا بازگشت است (۲۸). بگو اگر پنهان کنید آنچه درسینه‌های شماست یا آشکار کنیدش آن را خدا می داند وآنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است میداند و خدا برهمه چیز تواناست (۲۹).

(٥) مترجم گوید که درامراین دعا بشارت است به مغلوب شدن کافران.

(٦) یعنی در عهد خدا نیست.

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ
مِن سُوٓءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُۥٓ أَمَدًۢا بَعِيدًا ۗ وَيُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ
نَفْسَهُۥ ۗ وَٱللَّهُ رَءُوفٌۢ بِٱلْعِبَادِ ﴿٣٠﴾ قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ
فَٱتَّبِعُونِى يُحْبِبْكُمُ ٱللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَٱللَّهُ غَفُورٌ
رَّحِيمٌ ﴿٣١﴾ قُلْ أَطِيعُوا۟ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ ۖ فَإِن تَوَلَّوْا۟ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ
ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٣٢﴾ ۞ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصْطَفَىٰٓ ءَادَمَ وَنُوحًا وَءَالَ إِبْرَٰهِيمَ
وَءَالَ عِمْرَٰنَ عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٣٣﴾ ذُرِّيَّةًۢ بَعْضُهَا مِنۢ بَعْضٍ ۗ وَٱللَّهُ
سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٣٤﴾ إِذْ قَالَتِ ٱمْرَأَتُ عِمْرَٰنَ رَبِّ إِنِّى نَذَرْتُ لَكَ
مَا فِى بَطْنِى مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّىٓ ۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٣٥﴾
فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّى وَضَعْتُهَآ أُنثَىٰ وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ
وَلَيْسَ ٱلذَّكَرُ كَٱلْأُنثَىٰ ۖ وَإِنِّى سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّىٓ أُعِيذُهَا بِكَ
وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ ٱلشَّيْطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ ﴿٣٦﴾ فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ
حَسَنٍ وَأَنۢبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا ۖ كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا
زَكَرِيَّا ٱلْمِحْرَابَ وَجَدَ عِندَهَا رِزْقًا ۖ قَالَ يَٰمَرْيَمُ أَنَّىٰ لَكِ هَٰذَا ۖ
قَالَتْ هُوَ مِنْ عِندِ ٱللَّهِ ۖ إِنَّ ٱللَّهَ يَرْزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٧﴾

ربع الحزب ٦

آن روزیکه حاضر یابد هرکس آنچه راکه از نیکی عمل کرده است وآنچه ازبدی کرده است دوست می داردکه کاش درمیان او ودرمیان آن بدی فاصله ای دور بود و خدا شمارا ازخود برحذرمی دارد و خدا بسیار بربندگان مهربان است (۳۰). (ای محمد) بگو اگر خدارا دوست می دارید پس پیروی من کنید تا خدا شمارا دوست دارد و گناهان شمارا برای شما بیامرزد و خدا آمرزندهٔ مهربان است (۳۱). بگو خدا و پیامبر را فرمان برید پس اگر روگردانند پس هرآئینه خدا کافران را دوست ندارد[۷] (۳۲). هرآئینه خدا آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید (۳۳). درحالیکه این جماعت یك نسل بودند بعضی از ایشان پیدا شده از بعض دیگر بودند و خدا شنوای دانا است (۳٤). آنگاه که گفت زن عمران ای پروردگار من هرآئینه من نذر تو کردهام آنچه راکه درشکم من است آزاد کرده[۸] پس قبول کن ازمن هرآئینه تویی شنوای دانا (۳۵). پس چون دختررا بزاد گفت ای پروردگار من هرآئینه این را دختر زادهام وخدا داناست بآنچه وی بزاد گفت آن زن ونیست پسر مانند دختر[۹] وهرآئینه اورا مریم نامیدم وهرآئینه من او را و نسل اورا ازشیطان ملعون درپناه تو می گذارم (٣٦). پس او (مریم) را پروردگار اوبه پذیرشی نیك پذیرفت وبه پرورشي نیك اوراپروراند وبروی زکریا را خبر گیر ساخت هرگاه زکریا برمریم در مسجد داخل می شد نزد اوروزی را[۱۰] می یافت گفت ای مریم ازکجاست تورااین روزی، گفت اواز نزدِ خداست هرآئینه خدا روزی بی شمار می دهد هرکه را می خواهد (۳۷).

(۷) مترجم گوید که نصاریٰ باحضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم دربارهٔ عیسیٰ علیه السلام گفتگو کردند حق سبحانه این آیات نازل فرمود بعد از نزول این آیتها نصاریٰ را بمباهله دعوت کردند همه عاجز شده جزیه قبول نمودند.

(۸) یعنی ازخدمت والدین معاف داشته.

(۹) یعنی دختر را خدمت بیت المقدس نمی شاید.

(۱۰) یعنی میوهٔ زمستان درتابستان ومیوهٔ تابستان در زمستان.

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُۥۖ قَالَ رَبِّ هَبۡ لِى مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةٗ
طَيِّبَةًۖ إِنَّكَ سَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ ٣٨ فَنَادَتۡهُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَهُوَ قَآئِمٞ
يُصَلِّى فِى ٱلۡمِحۡرَابِ أَنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحۡيَىٰ مُصَدِّقَۢا بِكَلِمَةٖ
مِّنَ ٱللَّهِ وَسَيِّدٗا وَحَصُورٗا وَنَبِيّٗا مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ٣٩ قَالَ رَبِّ
أَنَّىٰ يَكُونُ لِى غُلَٰمٞ وَقَدۡ بَلَغَنِىَ ٱلۡكِبَرُ وَٱمۡرَأَتِى عَاقِرٞۖ قَالَ
كَذَٰلِكَ ٱللَّهُ يَفۡعَلُ مَا يَشَآءُ ٤٠ قَالَ رَبِّ ٱجۡعَل لِّىٓ ءَايَةٗۖ
قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمۡزٗاۗ وَٱذۡكُر
رَّبَّكَ كَثِيرٗا وَسَبِّحۡ بِٱلۡعَشِىِّ وَٱلۡإِبۡكَٰرِ ٤١ وَإِذۡ قَالَتِ
ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَٰمَرۡيَمُ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰكِ وَطَهَّرَكِ وَٱصۡطَفَىٰكِ
عَلَىٰ نِسَآءِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٤٢ يَٰمَرۡيَمُ ٱقۡنُتِى لِرَبِّكِ وَٱسۡجُدِى
وَٱرۡكَعِى مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ ٤٣ ذَٰلِكَ مِنۡ أَنۢبَآءِ ٱلۡغَيۡبِ نُوحِيهِ إِلَيۡكَۚ
وَمَا كُنتَ لَدَيۡهِمۡ إِذۡ يُلۡقُونَ أَقۡلَٰمَهُمۡ أَيُّهُمۡ يَكۡفُلُ مَرۡيَمَ
وَمَا كُنتَ لَدَيۡهِمۡ إِذۡ يَخۡتَصِمُونَ ٤٤ إِذۡ قَالَتِ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ
يَٰمَرۡيَمُ إِنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٖ مِّنۡهُ ٱسۡمُهُ ٱلۡمَسِيحُ عِيسَى
ٱبۡنُ مَرۡيَمَ وَجِيهٗا فِى ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَمِنَ ٱلۡمُقَرَّبِينَ ٤٥

آن وقت زکریا ازپررودگارخود طلب کرد گفت ای پروردگار من مرا ازنزدِ خودنسل پاك عطاکن هرآئینه تو شنوای دعایی (۳۸). پس ندا کردند اورا فرشتگان درحالی که در عبادت‌گاه ایستاده بود نمازمی گزارد، که خدا ترا به یحیی که باوردارندهٔ کلمه ازجانب خدا[۱۱] وسردار وپارسا و پیامبری ازنیکوکاران باشد بشارت می دهد (۳۹). گفت ای پروردگار من چگونه پیدا می شود برای من فرزندی و مرا سالخوردگی رسیده است وزن من نازاهست، گفت خدا همچنین میکند آنچه راکه می خواهد (٤٠). گفت ای پروردگار من برای من نشانه ای[۱۲] معّین کن فرمودکه نشانهٔ تو آنست که سه روز بامردمان سخن نمی توانی گفت مگر به اشاره و پروردگارخودرابسیار یادکن وبه شام وصبح تسبیح بگو (٤١). وآنگاه که گفتند فرشتگان ای مریم هرآئینه خدا برگزیدتورا وپاك ساخت تورا وتورا برزنان جهانیان برگزید (٤٢). ای مریم پروردگار خودرا فرمانبرداری کن وسجده کن ونمازگزار بانماز گزاران (٤٣). (ای محمد) این ازخبرهای غیب است آنرا بسوی تو وحی مي کنیم وتو نزد آن قوم نبودی چون می انداختند قلمهای (قرعه) خویش را[۱۳] تاکدام يك از ایشان سرپرست مریم باشد ونبودی نزد ایشان آنگاه که باهم منازعه می کردند (٤٤). آنگاه که گفتند فرشتگان، ای مریم هرآئینه خدا تورابه کلمه ای از جانب خود که نام اومسیح عیسیٰ پسر مریم است بشارت می دهد، باآبرو دردنیا و آخرت واز مقرّبان بارگاه حضرت عزت است (٤٥).

---

(۱۱) یعنی عیسیٰ راباور دارد.

(۱۲) یعنی نشان حمل آن فرزند.

(۱۳) یعنی قرعه می انداختند.

وَيُكَلِّمُ ٱلنَّاسَ فِى ٱلْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٤٦﴾
قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِى وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِى بَشَرٌ ۖ قَالَ كَذَٰلِكِ
ٱللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۚ إِذَا قَضَىٰٓ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ
﴿٤٧﴾ وَيُعَلِّمُهُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَٱلتَّوْرَىٰةَ وَٱلْإِنجِيلَ
﴿٤٨﴾ وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ أَنِّى قَدْ جِئْتُكُم بِـَٔايَةٍ مِّن
رَّبِّكُمْ ۖ أَنِّىٓ أَخْلُقُ لَكُم مِّنَ ٱلطِّينِ كَهَيْـَٔةِ ٱلطَّيْرِ فَأَنفُخُ
فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًۢا بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۖ وَأُبْرِئُ ٱلْأَكْمَهَ وَٱلْأَبْرَصَ
وَأُحْىِ ٱلْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۖ وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ
فِى بُيُوتِكُمْ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٤٩﴾
وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَىَّ مِنَ ٱلتَّوْرَىٰةِ وَلِأُحِلَّ لَكُم
بَعْضَ ٱلَّذِى حُرِّمَ عَلَيْكُمْ ۚ وَجِئْتُكُم بِـَٔايَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ
فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿٥٠﴾ إِنَّ ٱللَّهَ رَبِّى وَرَبُّكُمْ فَٱعْبُدُوهُ ۗ
هَٰذَا صِرَٰطٌ مُّسْتَقِيمٌ ﴿٥١﴾ ۞ فَلَمَّآ أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ
ٱلْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنصَارِىٓ إِلَى ٱللَّهِ ۖ قَالَ ٱلْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ
أَنصَارُ ٱللَّهِ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَٱشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٥٢﴾

نصف الحزب ٦

وبه مردمان در گهواره سخن گوید ووقت کهن سالی واز شایستگان باشد (٤٦). گفت ای پروردگار من چگونه مرا فرزند شود ودست نرسانیده است بمن هیچ آدمی فرمود همچنین خدا هرچه می خواهد پیدا میکند چون کاری را سرانجام میکند پس جزاین نیست که میگوید اورا که بشوپس میشود (٤٧). و(بشارت دادکه) اورا خدا کتاب ودانش وتورات وانجیل را می آموزد (٤٨). واورا پیامبری بسوی بنی اسرائیل گرداند باین دعوی که آورده‌ام پیش شمانشانه‌ای ازپروردگارتان (آن) اینکه هرآئینه من می‌سازم برای شما از گِل مانندِ شکل پرنده پس می دَمَم درآن پس می شود پرنده‌ای به حکم خدا وکور مادرزاد را وبرص داررا بهبود می کنم (یعنی پیسی را) ومُرد گان رابه حکم خدا زنده می سازم وخبر می دهم شمارا بآنچه میخورید وآنچه درخانه های خود ذخیره می کنید هرآئینه دراین کار شمارا نشانه است اگر باور دارنده اید (٤٩). وآمده‌ام باور دارندهٔ آنچه پیش دست من است از تورات وآمده‌ام تاحلال گردانم برای شما بعض آنچه راکه برشما حرام شده بود و به نزد شما نشانه ای از پروردگارتان آوردم پس بتر سید ازخدا و فرمان من برید (٥٠). هرآئینه خدا پروردگار من و پروردگار شماست پس اورا پرستش کنید این است راه راست[١٤] (٥١). پس آنگاه که عیسیٰ ازقوم خود کفررا دریافت گفت کیستند یاری دهندگان من بسوی خدا گفتند حواریان ماییم یاری دهندگان خدا ایمان آوردیم به خدا وگواه باش که ما فرمانبرداریم (٥٢).

(١٤) القصه: این بشارت درحق عیسیٰ علیه السلام متحقق شد و یهود را بدین خوددعوت نمود.

رَبَّنَآ ءَامَنَّا بِمَآ أَنزَلْتَ وَٱتَّبَعْنَا ٱلرَّسُولَ فَٱكْتُبْنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ ﴿٥٣﴾ وَمَكَرُوا۟ وَمَكَرَ ٱللَّهُ ۖ وَٱللَّهُ خَيْرُ ٱلْمَٰكِرِينَ ﴿٥٤﴾ إِذْ قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَىٰٓ إِنِّى مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَىَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَجَاعِلُ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوكَ فَوْقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ ۖ ثُمَّ إِلَىَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٥٥﴾ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ فَأُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ﴿٥٦﴾ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ ۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٥٧﴾ ذَٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ ٱلْءَايَٰتِ وَٱلذِّكْرِ ٱلْحَكِيمِ ﴿٥٨﴾ إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِندَ ٱللَّهِ كَمَثَلِ ءَادَمَ ۖ خَلَقَهُۥ مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ﴿٥٩﴾ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ ٱلْمُمْتَرِينَ ﴿٦٠﴾ فَمَنْ حَآجَّكَ فِيهِ مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَكَ مِنَ ٱلْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا۟ نَدْعُ أَبْنَآءَنَا وَأَبْنَآءَكُمْ وَنِسَآءَنَا وَنِسَآءَكُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ ٱللَّهِ عَلَى ٱلْكَٰذِبِينَ ﴿٦١﴾

ای پروردگار ما بآنچه فرود آوردی ایمان آوردیم و پیامبررا پیروی کردیم پس بنویس ماراباشاهدان[۱۵] (۵۳). نقشه کشیدند وخداوند چاره جویی کرد و خداوند[۱۶] بهترین چاره جویان است (٥٤). آنگاه که گفت خدا ای عیسیٰ هرآئینه من برگیرنده توام[۱۷] وبردارنده توام بسوی خود وپاك كننده‌ٔ توام از صحبت کسانیکه کافرشدند وگرداننده‌ٔ تابعان توام بالای کافران[۱۸] تاروزقیامت باز باز گشت شما بسوی من است پس میان شما درآنچه اختلاف می کردید درآن داوری می کنم (٥٥). اما کسانی که کفرورزیدند پس ایشان را به عذاب سخت دردنیا وآخرت عذاب کنم وایشان را یاری دهنده ای نیست (٥٦). واماکسانیکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند پس خدا ایشانرا مزدشان تمام دهد وخدا ظالمان را دوست نمی دارد (٥٧). این را (یا محمد) برتو می خوانیم که از آیه ها و کتاب حکیم است (٥٨). هرآئینه حال عیسیٰ نزدِ خدا مانند حال آدم است اوراازخاك آفرید باز گفت اورا، بِشَوْ پس شد[۱۹] (٥٩). این سخن ازپروردگار تو راست است پس ازشك آرندگان مباش (٦٠). پس هرکه باتودرباره‌ٔ عیسیٰ بعد ازآنچه آمد به سوی تو از دانش مکابره کند پس بگوبیایید تابخوانیم فرزندانِ خودرا و فرزندانِ شمارا وزنانِ خودرا و زنانِ شمارا و ذات های خودرا وذات های شمارا پس مباهله (همه بزاری دعا) کنیم پس لعنت خدا را بردروغگویان قراردهیم (٦١).

---

(۱۵) یعنی درزمره‌ٔ شهداء که اکمل امت اند والله اعلم.
(۱٦) یعنی بآن کافران.
(۱۷) یعنی ازین جهان.
(۱۸) یعنی غالب بر ایشان.
(۱۹) یعنی انسان شد.

إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلْقَصَصُ ٱلْحَقُّ ۚ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا ٱللَّهُ ۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ
ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٦٢﴾ فَإِن تَوَلَّوْا۟ فَإِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌۢ بِٱلْمُفْسِدِينَ
﴿٦٣﴾ قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ تَعَالَوْا۟ إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَآءٍۭ بَيْنَنَا
وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا ٱللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِۦ شَيْـًٔا وَلَا يَتَّخِذَ
بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ ٱللَّهِ ۚ فَإِن تَوَلَّوْا۟ فَقُولُوا۟ ٱشْهَدُوا۟
بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٦٤﴾ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ لِمَ تُحَآجُّونَ فِىٓ إِبْرَٰهِيمَ
وَمَآ أُنزِلَتِ ٱلتَّوْرَىٰةُ وَٱلْإِنجِيلُ إِلَّا مِنۢ بَعْدِهِۦٓ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ
﴿٦٥﴾ هَٰٓأَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ حَٰجَجْتُمْ فِيمَا لَكُم بِهِۦ عِلْمٌ فَلِمَ
تُحَآجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُم بِهِۦ عِلْمٌ ۚ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ
لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾ مَا كَانَ إِبْرَٰهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا
وَلَٰكِن كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿٦٧﴾
إِنَّ أَوْلَى ٱلنَّاسِ بِإِبْرَٰهِيمَ لَلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ وَهَٰذَا ٱلنَّبِىُّ وَٱلَّذِينَ
ءَامَنُوا۟ ۗ وَٱللَّهُ وَلِىُّ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٨﴾ وَدَّت طَّآئِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ
لَوْ يُضِلُّونَكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٩﴾ يَٰٓأَهْلَ
ٱلْكِتَٰبِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَأَنتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٧٠﴾

هرآئینه این است خبرراست و هیچ معبود برحقی غیراز خدا نیست وهرآئینه خدا غالب استوار کاراست (٦٢). پس اگر روگردانیدند پس خدا به تباه کاران داناست (٦٣). بگوای اهل کتاب بسوی سخنی برابر (مسلّم) میان ما وشما بیایید که جز خدا را نپرستیم و باوی چیزی دیگررا شریك نسازیم وبعضی ازما بعضی دیگررا به جای خدا پروردگار نگیرد پس اگر روی گردانیدند پس بگویید که گواه باشید به آنکه ما مسلمانیم (٦٤). ای اهل کتاب چرا دربارهٔ ابراهیم مکابره می کنید[٢٠] وفرود آورده نشده است تورات و انجیل مگر بعد از ابراهیم آیا نمی فهمید (٦٥). آگاه شوید شما ای قوم مکابرهکردید درآنچه شمارا بوی دانش است پس چرامکابره می کنید در آنچه شمارا بوی دانش نیست و خدامی داند وشما نمی دانید[٢١] (٦٦). ابراهیم یهودی نبود ونه نصرانی ولیکن حنیف مسلمان بود و ازشرك آورندگان[٢٢] نبود (٦٧). هرآئینه نزدیك ترین مردم به ابراهیم آن کسان بودند که پیروی أو کردند یعنی درزمان اووابن پیامبرو مومنان وخدا کارساز مومنان است (٦٨). آرزو کردند طائفهای ازاهل کتاب که شمارا گمراه سازند وگمراه نمی سازند مگر خویشتن را و درنمی یابند (٦٩). ای اهل کتاب چراکافرمی شوید به آیات خدا حال آنکه خود شما گواهی میدهید (٧٠).

(٢٠) یعنی بعضي گفتند یهودی بود وبعضي گفتند نصرانی بود.

(٢١) یعنی درمسائل منصوصه درتورات اختلاف کردید تاچه رسد بغیر منصوصه.

(٢٢) مترجم گوید حنیف آنرامی گفتند که استقبال کعبه کند وحج گزارد وختنه نمایدواز جنابت غسل کند حاصل آنکه نام کسی بُوَد که بشریعت ابراهیمی متدین باشد.

يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تَلۡبِسُونَ ٱلۡحَقَّ بِٱلۡبَٰطِلِ وَتَكۡتُمُونَ ٱلۡحَقَّ
وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ﴿٧١﴾ وَقَالَت طَّآئِفَةٞ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ ءَامِنُواْ
بِٱلَّذِيٓ أُنزِلَ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَجۡهَ ٱلنَّهَارِ وَٱكۡفُرُوٓاْ ءَاخِرَهُۥ
لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ﴿٧٢﴾ وَلَا تُؤۡمِنُوٓاْ إِلَّا لِمَن تَبِعَ دِينَكُمۡ قُلۡ إِنَّ
ٱلۡهُدَىٰ هُدَى ٱللَّهِ أَن يُؤۡتَىٰٓ أَحَدٞ مِّثۡلَ مَآ أُوتِيتُمۡ أَوۡ يُحَآجُّوكُمۡ
عِندَ رَبِّكُمۡۗ قُلۡ إِنَّ ٱلۡفَضۡلَ بِيَدِ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ
وَٰسِعٌ عَلِيمٞ ﴿٧٣﴾ يَخۡتَصُّ بِرَحۡمَتِهِۦ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ
ٱلۡعَظِيمِ ﴿٧٤﴾ ۞ وَمِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ مَنۡ إِن تَأۡمَنۡهُ بِقِنطَارٖ
يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيۡكَ وَمِنۡهُم مَّنۡ إِن تَأۡمَنۡهُ بِدِينَارٖ لَّا يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيۡكَ
إِلَّا مَا دُمۡتَ عَلَيۡهِ قَآئِمٗاۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لَيۡسَ عَلَيۡنَا فِي
ٱلۡأُمِّيِّـۧنَ سَبِيلٞ وَيَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ
﴿٧٥﴾ بَلَىٰۚ مَنۡ أَوۡفَىٰ بِعَهۡدِهِۦ وَٱتَّقَىٰ فَإِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُتَّقِينَ
﴿٧٦﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَشۡتَرُونَ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ وَأَيۡمَٰنِهِمۡ ثَمَنٗا قَلِيلًا
أُوْلَٰٓئِكَ لَا خَلَٰقَ لَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ ٱللَّهُ وَلَا يَنظُرُ
إِلَيۡهِمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿٧٧﴾

ای اهل کتاب چرا حق را به باطل خلط می کنید وچرا حق را می پوشید و حال آنکه شما میدانید (۷۱). وگفتند گروهی ازاهل کتاب[۲۳] ایمان آریدبآنچه فرود آورده شده است بر مسلمانان اول روز و آخرآن روز انکار کنید تاشاید که مسلمانان بر گردند[۲٤] (۷۲). ومنقاد مشوید مگر کسی را که پیروی دین شمارا کند بگو (یا محمد) هرآئینه هدایت، هدایت خدا است گفتند باور مکنید آنکه داده شود کسی مانند آنچه شما داده شده اید، یا گروهی شمارا نزد پروردگار شما الزام دهند بگو نعمت بدست خدا ست آن را به هرکه خواهد می دهد وخدا فراخ نعمتِ داناست (۷۳). مختص می گرداند به بخشایش خود هرکراخواهد وخدا صاحبِ فضلِ عظیم است (۷٤). وازاهل کتاب کسی هست که اگر اورا بخزانه امین داری او را به تو بازدهد وازایشان کسی هست که اگر اورا به یك دینار امین داری بازندهد آنرابه تو مگر تاوقتیکه برسراوایستاده باشی واین خیانت بسبب آنست که گفتند درحق ناخواندگان برما هیچ راهی نیست[۲٥] وبرخدا دروغ می گویند حال آنکه ایشان (این را) میدانند (۷٥). آری هرکه وفاکند بعهدخود وپرهیزگاری کند پس هرآئینه خدا پرهیز گاران را دوست میدارد (۷٦). هرآئینه کسانیکه به عوض پیمانی که باخدا بستند وبه عوض سوگندان خویش بهای اندك را می ستانند آن گروه است که هیچ بهره‌ای ایشان را درآخرت نیست وخدا سخن نگویدباایشان ونگاه نکند بسوی ایشان روزقیامت وایشان را پاك نسازد وایشان را عذاب درد ناك است (۷۷).

---

(۲۳) یعنی بایکدیگر.

(۲٤) یعنی درشك افتند.

(۲٥) یعنی مارابرمال عرب که هم دین مانیستند مؤاخذه نخواهد شد.

وَإِنَّ مِنۡهُمۡ لَفَرِيقٗا يَلۡوُۥنَ أَلۡسِنَتَهُم بِٱلۡكِتَٰبِ لِتَحۡسَبُوهُ
مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَمَا هُوَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنۡ
عِندِ ٱللَّهِ وَمَا هُوَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ
وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ﴿٧٨﴾ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُؤۡتِيَهُ ٱللَّهُ ٱلۡكِتَٰبَ
وَٱلۡحُكۡمَ وَٱلنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُواْ عِبَادٗا لِّي مِن
دُونِ ٱللَّهِ وَلَٰكِن كُونُواْ رَبَّٰنِيِّـۧنَ بِمَا كُنتُمۡ تُعَلِّمُونَ
ٱلۡكِتَٰبَ وَبِمَا كُنتُمۡ تَدۡرُسُونَ ﴿٧٩﴾ وَلَا يَأۡمُرَكُمۡ أَن
تَتَّخِذُواْ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ أَرۡبَابًاۗ أَيَأۡمُرُكُم بِٱلۡكُفۡرِ بَعۡدَ
إِذۡ أَنتُم مُّسۡلِمُونَ ﴿٨٠﴾ وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ لَمَآ ءَاتَيۡتُكُم
مِّن كِتَٰبٖ وَحِكۡمَةٖ ثُمَّ جَآءَكُمۡ رَسُولٞ مُّصَدِّقٞ لِّمَا
مَعَكُمۡ لَتُؤۡمِنُنَّ بِهِۦ وَلَتَنصُرُنَّهُۥۚ قَالَ ءَأَقۡرَرۡتُمۡ وَأَخَذۡتُمۡ
عَلَىٰ ذَٰلِكُمۡ إِصۡرِيۖ قَالُوٓاْ أَقۡرَرۡنَاۚ قَالَ فَٱشۡهَدُواْ وَأَنَا۠ مَعَكُم
مِّنَ ٱلشَّٰهِدِينَ ﴿٨١﴾ فَمَن تَوَلَّىٰ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ
ٱلۡفَٰسِقُونَ ﴿٨٢﴾ أَفَغَيۡرَ دِينِ ٱللَّهِ يَبۡغُونَ وَلَهُۥٓ أَسۡلَمَ مَن فِي
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ طَوۡعٗا وَكَرۡهٗا وَإِلَيۡهِ يُرۡجَعُونَ ﴿٨٣﴾

وهرآئینه ازاهل کتاب گروهی هستند که زبان خویش را به (خواندن) کتاب می پیچند تا گمان کنید که آن ازکتابست وآن ازکتاب نیست[۲٦] ومی گویند که این ازنزد خدا است و آن ازنزد خدا نیست دروغ می گویند برخدا حال آنکه ایشان (این را) میدانند (۷۸). سزاوار نیست هیچ آدمی را که عطا کند اوراخدا کتاب وعلم ونبوت باز بگوید به مردمان به جای خدا بند گان مَن شوید ولیکن مثلِ این شخص می گوید که ربانی باشید[۲۷] بسبب آموزاندن کتاب وخواندن آن (۷۹). وسزاوار نیست که فرمایدشمارا که پروردگار گیرید فرشتگان وپیامبران را آیا بکفر می فرماید شمارا بعد ازآنکه مسلمان شده باشید (۸۰). وآنگاه که خدای تعالی پیمان پیامبران را گرفت که آنچه دادم شمارا ازکتاب وعلم بازبیاید به شما پیامبری باور کننده ٔ آنچه باشماست البته به او ایمان آرید والبته اورا یاری دهید، خدا فرمود آیا اقرار کردید و براین کار عهد مرا[۲۸] گرفتید گفتند اقرار کردیم فرمود پس گواه باشید[۲۹] ومن باشما ازگواهانم (۸۱). پس هرکه بعد ازین بر گردد پس آن گروه ایشانند بدکاران (۸۲). آیااین کافران غیر دین خدا می طلبند و آنانکه درآسمان ها و زمین‌اند بخوشی یا ناخوشی فرمان بردارخدا شده اند وبسوی اوگردانیده شوند (۸۳).

(۲٦) یعنی به تکلف ازخودچیزی نوشته درکتاب خلط ساخته می خوانند.

(۲۷) یعنی مرشد خلق شوید.

(۲۸) یعنی قبول کردید.

(۲۹) یعنی بریکدیگر.

قُلۡ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ عَلَيۡنَا وَمَآ أُنزِلَ عَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ
وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَمَآ أُوتِيَ مُوسَىٰ
وَعِيسَىٰ وَٱلنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمۡ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّنۡهُمۡ
وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ ﴿٨٤﴾ وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن
يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ﴿٨٥﴾ كَيۡفَ
يَهۡدِي ٱللَّهُ قَوۡمٗا كَفَرُواْ بَعۡدَ إِيمَٰنِهِمۡ وَشَهِدُوٓاْ أَنَّ
ٱلرَّسُولَ حَقّٞ وَجَآءَهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُۚ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ
ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٨٦﴾ أُوْلَٰٓئِكَ جَزَآؤُهُمۡ أَنَّ عَلَيۡهِمۡ لَعۡنَةَ ٱللَّهِ
وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلنَّاسِ أَجۡمَعِينَ ﴿٨٧﴾ خَٰلِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ
عَنۡهُمُ ٱلۡعَذَابُ وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ مِنۢ
بَعۡدِ ذَٰلِكَ وَأَصۡلَحُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ﴿٨٩﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ بَعۡدَ إِيمَٰنِهِمۡ ثُمَّ ٱزۡدَادُواْ كُفۡرٗا لَّن تُقۡبَلَ تَوۡبَتُهُمۡ
وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلضَّآلُّونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَمَاتُواْ وَهُمۡ
كُفَّارٞ فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡ أَحَدِهِم مِّلۡءُ ٱلۡأَرۡضِ ذَهَبٗا وَلَوِ
ٱفۡتَدَىٰ بِهِۦٓۗ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ﴿٩١﴾

بگو به خدا وبه آنچه فرودآورده شده است برماو به آنچه فرود آورده شده بود برابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب ونوادگان وی و آنچه داده شد به موسیٰ و عیسیٰ وپیامبران از پروردگار ایشان، ایمان آوردیم، فرق نمی گذاریم میان هیچ یك از ایشان وما فرمان بردار اوییم (٨٤). وهرکس که غیر اسلام دینی دیگررا طلب کند پس هرگزقبول کرده نخواهد شدازاو واودر آخرت از زیان کاران است (٨٥). چگونه خدا گروهی را راه نماید که کافرشدند بعد از اسلام خود و بعد از اینکه گواهی دادند که پیامبر برحق است وبعد ازآنکه آمد به ایشان حجت، وخدا گروه ستم گاران را راه نمی نماید (٨٦). این گروه سزای ایشان آنست که نفرین خدا وفرشتگان ومردمان همگی برآنان است (٨٧). جاویدان درآن لعنت، سبك کرده نشود ازایشان عذاب ونه ایشان مهلت داده شوند (٨٨). الّاآنانکه توبه کردند بعد ازین ونیکوکاری نمودند پس هرآئینه خدا آمرزندهٔ مهربان است (٨٩). هرآئینه کسانیکه بعد از اسلام خویش کافر شدند باز درکفر زیادتی کردند هرگز توبه ایشان قبول کرده نشود و آن گروه ایشانند گمراهان (٩٠). هرآئینه آنانکه کافر شدند وکافر مردند هرگز ازهیچ یك ایشان مقدار پُری زمین از زر قبول کرده نخواهد شد واگر چه آن را به عوض خود دهد آن گروه ایشانراست عذاب درددهنده و ایشان را هیچ یاری دهنده نیست(٩١).

لَن تَنَالُواْ ٱلۡبِرَّ حَتَّىٰ تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَۚ وَمَا تُنفِقُواْ مِن شَيۡءٖ
فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٞ ﴿٩٢﴾ ۞كُلُّ ٱلطَّعَامِ كَانَ حِلّٗا لِّبَنِيٓ
إِسۡرَٰٓءِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسۡرَٰٓءِيلُ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦ مِن قَبۡلِ أَن تُنَزَّلَ
ٱلتَّوۡرَىٰةُۚ قُلۡ فَأۡتُواْ بِٱلتَّوۡرَىٰةِ فَٱتۡلُوهَآ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ
﴿٩٣﴾ فَمَنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ
هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٩٤﴾ قُلۡ صَدَقَ ٱللَّهُۗ فَٱتَّبِعُواْ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗاۖ
وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ﴿٩٥﴾ إِنَّ أَوَّلَ بَيۡتٖ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي
بِبَكَّةَ مُبَارَكٗا وَهُدٗى لِّلۡعَٰلَمِينَ ﴿٩٦﴾ فِيهِ ءَايَٰتُۢ بَيِّنَٰتٞ مَّقَامُ
إِبۡرَٰهِيمَۖ وَمَن دَخَلَهُۥ كَانَ ءَامِنٗاۗ وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلۡبَيۡتِ
مَنِ ٱسۡتَطَاعَ إِلَيۡهِ سَبِيلٗاۚ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ
﴿٩٧﴾ قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَٱللَّهُ شَهِيدٌ
عَلَىٰ مَا تَعۡمَلُونَ ﴿٩٨﴾ قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن
سَبِيلِ ٱللَّهِ مَنۡ ءَامَنَ تَبۡغُونَهَا عِوَجٗا وَأَنتُمۡ شُهَدَآءُۗ وَمَا ٱللَّهُ
بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ﴿٩٩﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تُطِيعُواْ فَرِيقٗا
مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ يَرُدُّوكُم بَعۡدَ إِيمَٰنِكُمۡ كَٰفِرِينَ ﴿١٠٠﴾

هرگز نیکوکاری را نیابید تاآنکه خرج کنید ازآنچه که دوست می دارید وهرچیز که خرج کنید پس بدرستیکه خدا بوی داناست (۹۲). همه طعام (خوردنیها) بر بنی اسرائیل حلال بود مگر آنچه یعقوب برخویشتن پیش ازآنکه تورات نازل کرده شود حرام کرده بود بگو تورات را بیارید پس آن را بخوانید اگر راست گوی هستید[۳۰] (۹۳). پس هرکه بر خدا بعد ازین دروغ بندد پس آن گروه ایشانند ستم گاران (۹٤). بگوراست گفت خدا پس آیین ابراهیم را که پاك دین وحنیفي کیش بود پیروی کنید و ازمشرکان نبود (۹۵). هرآئینه اول خانه ای که برای مردمان مقرر کرده شد آن است که درمکه است برکت داده شده وهدایت برای جهانیان است (۹٦). درآن خانه نشانه های روشن است ازآن جمله جای ایستادن ابراهیم[۳۱] وهر که درآید آنجاایمن بود وحج خانه کعبه حق خدا است برمردمان هرکه توانایی رفتن بسوی آن را ـ ازجهت اسباب راه ـ دارد وهرکه کافر شود پس هرآئینه خدا از جهانیان بی نیاز است (۹۷). بگوای اهل کتاب چرا بآیاتِ خدا کافر می شوید وخدا حاضر وگواه است برآنچه می کنید (۹۸). بگوای اهل کتاب چرا از راه خدا کسی را که ایمان آورد بازمی دارید برای آن راه کجی[۳۲] را می طلبید درحالی که شماباخبرید و خدا بی خبر نیست ازآنچه می کنید (۹۹). ای مسلمانان اگر گروهی را از اهل کتاب فرمان برید شمارا بعد ازاسلام شما کافر گردانند (۱۰۰).

(۳۰) مترجم گوید یهود برحضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم طعن می کردند که شما دعوی ملت ابراهیم می کنید وآنچه درخاندان ابراهیم نمی‌خوردندمانند گوشت شتر وشیر آن راشما میخورید حق تعالی جواب دادکه همه چیز حلال بود پیش ازنزول تورات الاگوشت و شیرشتر و تحریم گوشت و شیر شتر در ملتِ ابراهیم نبود این خاصه بنی اسرائیل بود بسبب تحریم جدّ ایشان والله اعلم.

(۳۱) یعنی نقشی که درسنگك ظاهر شده.

(۳۲) یعنی شبهات می آرید تا نزد مردمان ظاهر شود که کج است.

وَكَيۡفَ تَكۡفُرُونَ وَأَنتُمۡ تُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ وَفِيكُمۡ
رَسُولُهُۥۗ وَمَن يَعۡتَصِم بِٱللَّهِ فَقَدۡ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ﴿١٠١﴾
يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم
مُّسۡلِمُونَ ﴿١٠٢﴾ وَٱعۡتَصِمُواْ بِحَبۡلِ ٱللَّهِ جَمِيعٗا وَلَا تَفَرَّقُواْۚ وَٱذۡكُرُواْ
نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ كُنتُمۡ أَعۡدَآءٗ فَأَلَّفَ بَيۡنَ قُلُوبِكُمۡ
فَأَصۡبَحۡتُم بِنِعۡمَتِهِۦٓ إِخۡوَٰنٗا وَكُنتُمۡ عَلَىٰ شَفَا حُفۡرَةٖ مِّنَ
ٱلنَّارِ فَأَنقَذَكُم مِّنۡهَاۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمۡ
تَهۡتَدُونَ ﴿١٠٣﴾ وَلۡتَكُن مِّنكُمۡ أُمَّةٞ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلۡخَيۡرِ وَيَأۡمُرُونَ
بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِۚ وَأُوْلَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ﴿١٠٤﴾
وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ تَفَرَّقُواْ وَٱخۡتَلَفُواْ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُۚ
وَأُوْلَـٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ﴿١٠٥﴾ يَوۡمَ تَبۡيَضُّ وُجُوهٞ وَتَسۡوَدُّ
وُجُوهٞۚ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ٱسۡوَدَّتۡ وُجُوهُهُمۡ أَكَفَرۡتُم بَعۡدَ إِيمَٰنِكُمۡ
فَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ ﴿١٠٦﴾ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ ٱبۡيَضَّتۡ
وُجُوهُهُمۡ فَفِي رَحۡمَةِ ٱللَّهِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿١٠٧﴾ تِلۡكَ ءَايَٰتُ
ٱللَّهِ نَتۡلُوهَا عَلَيۡكَ بِٱلۡحَقِّۗ وَمَا ٱللَّهُ يُرِيدُ ظُلۡمٗا لِّلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٠٨﴾

وچگونه کافر شوید حال آنکه برشما آیات خدا خوانده می شود ودرمیان شما پیامبر خدا هست وهر که به خدا چنگ استوار کرد پس هرآئینه بسوی راه راست راه نموده شد (۱۰۱). ای مسلمانان ازخداحق ترسیدن ازوی بترسید ونمیرید مگر درحالیکه شما مسلمان باشید (۱۰۲). وهمگی به ریسمان خدا چنگ زنید[۳۳] وپراگنده مشوید و نعمت خدارا که برشماست یادکنید چون دشمن یکدیگر بودید[۳٤] پس میان دلهای شما الفت انداخت پس شُدید به نعمت خدا برادر بایکدیگر وبودید برکناره چاله ای ازآتش پس شمارااازآن رهانید همچنین خدا برای شما نشانه های خودرا بیان می کند تاباشد که راه یابید[۳٥] (۱۰۳). وبایدکه ازشما گروهی باشد که بخوانند بسوی نیکی وبه کارپسندیده فرمان دهند ومنع کنند از ناپسندیده و آن گروه ایشانند رستگاران[۳٦] (۱۰٤). ومباشید مانند کسانیکه پراگنده شدند و بایکدیگر اختلاف کردند بعد ازآنکه به ایشان حجت ها آمد وآن گروه بَر یشان عذاب بزرگ است[۳۷] (۱۰٥). روزی که چهره هایی سفید گردد وسیاه گردد چهره هایی پس اماآنانکه سیاه گشت روی های ایشان بدیشان گفته شود آیا کافر شدیدبعداز اسلام خویش پس عذاب را بسبب کافرشدنتان بچشید (۱۰٦). واماآنانکه سفید شد روی های ایشان پس ایشان دررحمت خدا باشند درآنجا جاویدند (۱۰۷). این آیاتِ خداست آن رابرتوبراستی می‌خوانیم وخدا برجهانیان ستمی را نمی خواهد (۱۰۸).

(۳۳) به دین خدا.
(۳٤) یعنی اوس و خزرج و عرب معدیه و یمنیه و عرب وعجم بایك دیگر دشمنی داشتند.
(۳٥) یعنی تفرق در اصول دین حرام است که جمعی معتزلی باشد وجمعی شیعه و علی هذاالقیاس.
(۳٦) یعنی واجب بالکفایة است که جمعی به امر معروف ونهی از منکر قیام نمایند.
(۳۷) یعنی مانند یهود و نصارئ مشوید که هفتاد وچند فرقه گشتند.

وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ
﴿١٠٩﴾ كُنتُمۡ خَيۡرَ أُمَّةٍ أُخۡرِجَتۡ لِلنَّاسِ تَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ
وَتَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَتُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِۗ وَلَوۡ ءَامَنَ أَهۡلُ
ٱلۡكِتَٰبِ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۚ مِّنۡهُمُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَأَكۡثَرُهُمُ
ٱلۡفَٰسِقُونَ ﴿١١٠﴾ لَن يَضُرُّوكُمۡ إِلَّآ أَذٗىۖ وَإِن يُقَٰتِلُوكُمۡ
يُوَلُّوكُمُ ٱلۡأَدۡبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ ﴿١١١﴾ ضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ
ٱلذِّلَّةُ أَيۡنَ مَا ثُقِفُوٓاْ إِلَّا بِحَبۡلٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَحَبۡلٖ مِّنَ ٱلنَّاسِ
وَبَآءُو بِغَضَبٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلۡمَسۡكَنَةُۚ ذَٰلِكَ
بِأَنَّهُمۡ كَانُواْ يَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقۡتُلُونَ ٱلۡأَنۢبِيَآءَ
بِغَيۡرِ حَقّٖۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ يَعۡتَدُونَ ﴿١١٢﴾ ۞ لَيۡسُواْ
سَوَآءٗۗ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ أُمَّةٞ قَآئِمَةٞ يَتۡلُونَ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ
ءَانَآءَ ٱلَّيۡلِ وَهُمۡ يَسۡجُدُونَ ﴿١١٣﴾ يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ
ٱلۡأٓخِرِ وَيَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ
وَيُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١١٤﴾ وَمَا
يَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَلَن يُكۡفَرُوهُۗ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلۡمُتَّقِينَ ﴿١١٥﴾

ربع الحزب ٧

وخدا راست آنچه درآسمان هاست و آنچه در زمین است وبه سوی خدا همهٔ کارها باز گردانیده می شود (۱۰۹). شما بهترین امتی هستید که برای مردمان بیرون آورده شده است[۳۸] به کار پسندیده می فرمایید و از ناپسندیده منع می کنید و خدارا باور میدارید و اگر ایمان می آوردند اهل کتاب هر آئیه ایشان را بهتر می بود بعضی از ایشان مسلمانند وبیشتر ایشان بدکاراند (۱۱۰). هرگز به شما زیان نر سانند مگر رنجی اندك[۳۹] واگر باشما کارزار کنند پشت بسوی شماکنند[٤٠] بازنصرت داده نشوند (۱۱۱). برایشان هرکجاکه یافته شوند خواري زده شد مگر بدست آویزی ازخدا ودست آویزی ازمردمان[٤١] و به خشمی ازخدا بازگشتند وبرایشان ناداری زده شد، این بسبب آنست که کافرمی بودند و پیامبران رابه ناحق می‌کشتند این بسبب گناه کردن ایشان است وبسبب آنکه ازحدمی گذشتند (۱۱۲). همه برابر نیستند، ازاهل کتاب گروهی هست ایستاده (راستکردار) آیاتِ خدارا دراوقات شب می خوانند وایشان سجده می کنند[٤٢] (۱۱۳). به خدا وروز قیامت ایمان می آورند و بکار پسندیده می فرمایند و ازناپسندیده منع می کنند و درنیکی ها سبقت می کنند وایشان از شایسته کارانند (١١٤). وآنچه ازنیکی می کنند پس به ایشان راجع به آن عمل کفران نخواهد شد وخدا به پرهیزگاران داناست (١١٥).

---

(۳۸) یعنی مقرر کرده شد.
(۳۹) یعنی بسبب زبان درازی.
(٤٠) یعنی بگریزند.
(٤١) یعنی مگربعهدو ذمه.
(٤٢) یعنی آنانکه از ایشان مسلمان شده اند مانند عبدالله بن سلام.

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَن تُغۡنِيَ عَنۡهُمۡ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُهُم مِّنَ
ٱللَّهِ شَيۡـٔٗاۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿١١٦﴾
مَثَلُ مَا يُنفِقُونَ فِي هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا كَمَثَلِ رِيحٖ فِيهَا
صِرٌّ أَصَابَتۡ حَرۡثَ قَوۡمٖ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ فَأَهۡلَكَتۡهُۚ وَمَا
ظَلَمَهُمُ ٱللَّهُ وَلَٰكِنۡ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ﴿١١٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ بِطَانَةٗ مِّن دُونِكُمۡ لَا يَأۡلُونَكُمۡ خَبَالٗا
وَدُّواْ مَا عَنِتُّمۡ قَدۡ بَدَتِ ٱلۡبَغۡضَآءُ مِنۡ أَفۡوَٰهِهِمۡ وَمَا تُخۡفِي
صُدُورُهُمۡ أَكۡبَرُۚ قَدۡ بَيَّنَّا لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِۖ إِن كُنتُمۡ تَعۡقِلُونَ
﴿١١٨﴾ هَٰٓأَنتُمۡ أُوْلَآءِ تُحِبُّونَهُمۡ وَلَا يُحِبُّونَكُمۡ وَتُؤۡمِنُونَ بِٱلۡكِتَٰبِ
كُلِّهِۦ وَإِذَا لَقُوكُمۡ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوۡاْ عَضُّواْ عَلَيۡكُمُ
ٱلۡأَنَامِلَ مِنَ ٱلۡغَيۡظِۚ قُلۡ مُوتُواْ بِغَيۡظِكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِذَاتِ
ٱلصُّدُورِ ﴿١١٩﴾ إِن تَمۡسَسۡكُمۡ حَسَنَةٞ تَسُؤۡهُمۡ وَإِن تُصِبۡكُمۡ
سَيِّئَةٞ يَفۡرَحُواْ بِهَاۖ وَإِن تَصۡبِرُواْ وَتَتَّقُواْ لَا يَضُرُّكُمۡ كَيۡدُهُمۡ
شَيۡـًٔاۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا يَعۡمَلُونَ مُحِيطٞ ﴿١٢٠﴾ وَإِذۡ غَدَوۡتَ مِنۡ أَهۡلِكَ
تُبَوِّئُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ مَقَٰعِدَ لِلۡقِتَالِۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٢١﴾

هرآئینه کسانیکه کافرشدند ازایشان، مالهای ایشان ونه فرزندانِ ایشان ازعذاب خداچیزی را دفع نکند وایشان دوزخیان اند ایشان درآنجا جاویدند (١١٦). مثالِ آنچه درین زندگانی دنیا خرج می کنند مانند مثالِ بادیست که درآن سرمایی سخت است که زراعت گروهی راکه ستم کردند برخویشتن برسید پس آن را نابود ساخت وخدا برایشان ستم نکرد ولیکن برخویشتن ستم می کردند[٤٣] (١١٧). ای مسلمانان غیراز خویش همراز مگیرید[٤٤] درفتنه انگیزی میان شما کوتاهی نمی کنند دوست داشتند رنج شمارا هرآئینه دشمنی ازدهان ایشان ظاهر شد وآنچه پنهان میدارد سینه های ایشان بزرگتر است هرآئینه برای شما نشانه ها بیان کردیم اگر دانا هستید (١١٨). آگاه شوید شمایید که ایشان را دوست میدارید وایشان شمارا دوست نمی دارند و بهمه کتاب الهی ایمان می‌آورید وایشان چون ملاقات کنند باشما گویند ایمان آوردیم و چون تنها شوند برشما انگشتان خودرا ازخشم به دندان می گزنذ بگو بسبب خشم خویش بمیرید هرآئینه خدا داناست بآنچه درسینه هاست (١١٩). اگر به شمانعمتی برسد ایشان را اندوهگین کند واگر به شما سختی ای برسد ازآن خوشحال شوند واگر شکیبایی کنید وپرهیزگاری نمایید مکر ایشان هیچ زیان به شما نرساند هرآئینه خدا به آنچه می کنند در برگیرنده است[٤٥] (١٢٠). ویادکن آنگاه که پگاه بیرون آمدی ازمیان اهل خانه خود می نشاندی مسلمانان رادر جایگاهها برای جنگ وخداشنوا دانا است[٤٦] (١٢١).

(٤٣) حاصل آنست که صدقات ایشان نابود می شود.

(٤٤) یعنی ازغیر مسلمانان.

(٤٥) درغزوهٔ احد اهل نفاق میل کردند به آنکه در شهر متحصن شوند و اصحاب خواستند که بیرون آمده جنگ کنند بعد ازآنکه هزیمت واقع شدمنا فقان این را محل طعن گرفتند ووقت جنگ حضرت پیامبر بربالای کوهی جماعتی را مقید ساختندکه ازین جانجنبند چون آثار فتح ظاهر شد آن جماعت درپی غنیمت افتادند وعصیان پیامبر کردند بشومی این عصیان هزیمت برمسلمانان افتادوهمه فرار کردند الّا ما شاء الله خبر شهادت حضرت پیامبر شائع شد منافقان قصد ارتداد کردند پس در جواب طعن منافقان وعتاب خلاف امر پیامبر کنند گان وتشنیع بیوفایان حق سبحانه این آیات را نازل کرد.

(٤٦) ویاد کن زمانی را که بامداد ازمیان خانوادهٔ خود بیرون رفتی و پایگا ههای جنگ را برای مسلمانان مهیا میکردی (مصحح).

إِذْ هَمَّت طَّآئِفَتَانِ مِنكُمْ أَن تَفْشَلَا وَٱللَّهُ وَلِيُّهُمَا ۗ وَعَلَى ٱللَّهِ
فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُؤْمِنُونَ ﴿١٢٢﴾ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ ٱللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنتُمْ أَذِلَّةٌ ۖ
فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٢٣﴾ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ
أَلَن يَكْفِيَكُمْ أَن يُمِدَّكُمْ رَبُّكُم بِثَلَٰثَةِ ءَالَٰفٍ مِّنَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةِ
مُنزَلِينَ ﴿١٢٤﴾ بَلَىٰٓ ۚ إِن تَصْبِرُوا۟ وَتَتَّقُوا۟ وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ
هَٰذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُم بِخَمْسَةِ ءَالَٰفٍ مِّنَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةِ مُسَوِّمِينَ
﴿١٢٥﴾ وَمَا جَعَلَهُ ٱللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِۦ ۗ
وَمَا ٱلنَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَكِيمِ ﴿١٢٦﴾ لِيَقْطَعَ طَرَفًا
مِّنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنقَلِبُوا۟ خَآئِبِينَ ﴿١٢٧﴾
لَيْسَ لَكَ مِنَ ٱلْأَمْرِ شَىْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ
ظَٰلِمُونَ ﴿١٢٨﴾ وَلِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۚ يَغْفِرُ لِمَن
يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ ۚ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢٩﴾ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَأْكُلُوا۟ ٱلرِّبَوٰٓا۟ أَضْعَٰفًا مُّضَٰعَفَةً ۖ
وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٣٠﴾ وَٱتَّقُوا۟ ٱلنَّارَ ٱلَّتِىٓ أُعِدَّتْ
لِلْكَٰفِرِينَ ﴿١٣١﴾ وَأَطِيعُوا۟ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٣٢﴾

آنگاه که خواستند دوفرقه ازشماکه بزدلی کنند وخدا کارساز ایشان بود ومسلمانان باید که برخدا توکل کنند[٤٧] (١٢٢). وهرآئینه خدا شمارا روز بدر فتح داد ودر حالی که شما خواربودید پس ازخدا بترسید تابُوَد که شکر گزاری کنید (١٢٣). چون می گفتی به مسلمانان آیا برایتان بس نیست که شمارا پروردگار تان به سه هزار کَس از فرشتگان فرو فرستاده شده امداد کند (١٢٤). بلی اگر صبر کنید وپرهیزگاری نماییدوکافران به سویتان به این جوش (وخروش) خود بیایند شمارا پروردگار شما به پنج هزار کَس ازفرشتگان نشانگذار امداد کند (١٢٥). وخدای تعالی این مدد را مگر مژده ای برای شما نساخت وتا آنکه دلهای شما به آن آرام گیرد ونیست فتح مگر ازنزد خدا غالب استوارکار (١٢٦). چنین کردتاهلاك کند طائفه ای را از کافران یا ایشان را مغلوب سازد پس به مراد نارسیده باز گردند (١٢٧). تورا در این کاراختیاری نیست (خداوند) یا بمهربانی توبه ایشان را می پذیرد یا ایشان را عذاب کند زیرا که ایشان ستمگارند (١٢٨). و خدا راست آنچه درآسمان هاست و آنچه درزمین است می آمرزد هرکه را خواهدو عذاب می دهد هرکه راخواهد وخداآمرزندهٔ مهربان است (١٢٩). ای مومنان مخوریدسودرا چندین چندبرابر (توبرتو) وبترسید ازخداتاباشدکه رستگار شوید (١٣٠). وازآن آتش که آماده کرده شده است برای کافران پناه گیرید (١٣١). و خدا وپیامبر را فرمان برید تاباشد که برشما مهربانی کرده شود (١٣٢).

(٤٧) یعنی بنی سلمه وبنی حارثه که خیال فرار بخاطر ایشان گذشته بود باز خدای تعالی ایشان راااز جبن محفوظ داشت.

۞ وَسَارِعُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ وَجَنَّةٍ عَرۡضُهَا
ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ أُعِدَّتۡ لِلۡمُتَّقِينَ ١٣٣ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ
فِي ٱلسَّرَّآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَٱلۡكَٰظِمِينَ ٱلۡغَيۡظَ وَٱلۡعَافِينَ
عَنِ ٱلنَّاسِۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٣٤ وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ
فَٰحِشَةً أَوۡ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ ذَكَرُواْ ٱللَّهَ فَٱسۡتَغۡفَرُواْ
لِذُنُوبِهِمۡ وَمَن يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ إِلَّا ٱللَّهُ وَلَمۡ يُصِرُّواْ عَلَىٰ مَا
فَعَلُواْ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ١٣٥ أُوْلَٰٓئِكَ جَزَآؤُهُم مَّغۡفِرَةٞ مِّن
رَّبِّهِمۡ وَجَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ وَنِعۡمَ
أَجۡرُ ٱلۡعَٰمِلِينَ ١٣٦ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِكُمۡ سُنَنٞ فَسِيرُواْ
فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ
١٣٧ هَٰذَا بَيَانٞ لِّلنَّاسِ وَهُدٗى وَمَوۡعِظَةٞ لِّلۡمُتَّقِينَ ١٣٨
وَلَا تَهِنُواْ وَلَا تَحۡزَنُواْ وَأَنتُمُ ٱلۡأَعۡلَوۡنَ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ
١٣٩ إِن يَمۡسَسۡكُمۡ قَرۡحٞ فَقَدۡ مَسَّ ٱلۡقَوۡمَ قَرۡحٞ مِّثۡلُهُۥۚ وَتِلۡكَ
ٱلۡأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيۡنَ ٱلنَّاسِ وَلِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
وَيَتَّخِذَ مِنكُمۡ شُهَدَآءَۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٤٠

وبه سوی آمرزشی ازپروردگار خویش شتاب کنید وبه سوی بهشتی که پهنایی آن مانند آسمان ها وزمین است که برای پرهیزگاران آماده کرده شده است (١٣٣). آنانکه درآسایش و سختی خرج می کنند وفروخورند گان خشم وعفوکنند گان تقصیر ازمردمان وخدا نیکوکاران را دوست می دارد (١٣٤). وآنانکه چون کارزشت کنند یا برخود ستم کنند خدارا یادکنند پس آمرزش خواهند برای گناهان خود وکیست غیر ازخدا که گناهان را بیامرزد وبه آنچه کردند دانسته اصرار نورزیدند (١٣٥). آن گروه پاداش ایشان ازپروردگار شان آمرزش است وبوستانهایی که می رود زیر آنها جویها درآن جا جاویدند چه خوب است پاداش اطاعت کنندگان (١٣٦) هرآئینه گذشته است پیش ازشما واقعه های آنانی که پیش از شمابودند، پس سیر کنید درزمین وبنگرید که چگونه بودآخر کار تکذیب کنندگان (١٣٧). این پیامی است برای مردمان و هدایتی وپندی برای پرهیزگاران (١٣٨). وسست مشوید واندوهناك مباشید وشمایید غالب اگر مسلمان هستید (١٣٩). اگر به شما زخمی رسد پس جماعت کافران را زخمی مانند آن[٤٨] رسیده است واین حادثه ها که می گردانیم آن را درمیان مردمان برای فوائد بسیاروتا خدامومنان را متمیز سازد وبعضی را ازشما شهید گرداند وخدا ستمگاران را دوست نمی دارد (١٤٠).

---

(٤٨) یعنی دربدر.

وَلِيُمَحِّصَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَيَمۡحَقَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ١٤١ أَمۡ
حَسِبۡتُمۡ أَن تَدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ وَلَمَّا يَعۡلَمِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ
مِنكُمۡ وَيَعۡلَمَ ٱلصَّٰبِرِينَ ١٤٢ وَلَقَدۡ كُنتُمۡ تَمَنَّوۡنَ ٱلۡمَوۡتَ مِن
قَبۡلِ أَن تَلۡقَوۡهُ فَقَدۡ رَأَيۡتُمُوهُ وَأَنتُمۡ تَنظُرُونَ ١٤٣ وَمَا مُحَمَّدٌ
إِلَّا رَسُولٞ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِهِ ٱلرُّسُلُۚ أَفَإِيْن مَّاتَ أَوۡ قُتِلَ
ٱنقَلَبۡتُمۡ عَلَىٰٓ أَعۡقَٰبِكُمۡۚ وَمَن يَنقَلِبۡ عَلَىٰ عَقِبَيۡهِ فَلَن يَضُرَّ
ٱللَّهَ شَيۡـٔٗاۗ وَسَيَجۡزِي ٱللَّهُ ٱلشَّٰكِرِينَ ١٤٤ وَمَا كَانَ
لِنَفۡسٍ أَن تَمُوتَ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِ كِتَٰبٗا مُّؤَجَّلٗاۗ وَمَن يُرِدۡ
ثَوَابَ ٱلدُّنۡيَا نُؤۡتِهِۦ مِنۡهَا وَمَن يُرِدۡ ثَوَابَ ٱلۡأٓخِرَةِ نُؤۡتِهِۦ مِنۡهَاۚ
وَسَنَجۡزِي ٱلشَّٰكِرِينَ ١٤٥ وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيّٖ قَٰتَلَ مَعَهُۥ
رِبِّيُّونَ كَثِيرٞ فَمَا وَهَنُواْ لِمَآ أَصَابَهُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَمَا ضَعُفُواْ
وَمَا ٱسۡتَكَانُواْۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلصَّٰبِرِينَ ١٤٦ وَمَا كَانَ قَوۡلَهُمۡ إِلَّآ أَن
قَالُواْ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسۡرَافَنَا فِيٓ أَمۡرِنَا وَثَبِّتۡ أَقۡدَامَنَا
وَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ١٤٧ فَـَٔاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ ثَوَابَ
ٱلدُّنۡيَا وَحُسۡنَ ثَوَابِ ٱلۡأٓخِرَةِۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٤٨

وتاكه خدا مسلمانان را سره و خالص کند[٤٩] و کافران را نابودسازد (١٤١). آیا گمان کردید که به بهشت درآیید وهنوز خدا مجاهدان را ازشما متمیز نساخته است وپیش ازآنکه صابران را متمیز سازد (١٤٢). وهرآئینه شما مرگ را آرزومی کردید[٥٠] پیش ازآنکه ملاقات آن کنید پس آن را دیدید درحالیکه شمامی‌نگریستید (١٤٣). ونیست محمد مگر پیامبر (خدا) هرآئینه پیش ازوی پیامبران گذشته اند آیااگر بمیرد یاکشته شود برمی‌گردید برپاشنه های خود[٥١]؟ وهرکه برپاشنه های خود برگردد پس خدارا هیچ زیان نرساند وخدا شکر گزاران را ثواب خواهد داد (١٤٤). و هیچ شخصی را نیست که بمیرد مگر باراده خدا به سرنوشتی معین مقرّر نموده است وهرکس که خواهد جزای دنیا بدهیمش ازثواب دنیا وهرکس که خواهد جزای آخرت بدهیمش ازثواب آخرت وبزودی سپاسگزاران را جزای نیك خواهیم داد (١٤٥). وبساپیامبری که خدا پرستان بسیار همراه او باکفار قتال کردند، پس سستی نکردند بسبب مصیبتی که ایشانرا درراه خدا رسید و ناتوانی نکردند وبیچارگی نه نمودند وخدا صابران را دوست می دارد (١٤٦). ونبود سخن این خدا پرستان بجز آنکه گفتند ای پروردگارما برایمان گناهانِ مارا وازحد گذشتن ما درکار خود را بیامرز واستوار بدار پاهای مارا و مارا برقوم کافران نصرت ده (١٤٧). پس عطاکرد خداایشان را جزای نیك دردنیا وجزای نیك در آخرت وخدا نیکوکاران را دوست می‌دارد (١٤٨).

---

(٤٩) یعنی گناهان ایشان رامحوکند.

(٥٠) یعنی شهادت را.

(٥١) یعنی مرتد شوید.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تُطِيعُواْ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰٓ أَعْقَٰبِكُمْ فَتَنقَلِبُواْ خَٰسِرِينَ ﴿١٤٩﴾ بَلِ ٱللَّهُ مَوْلَىٰكُمْۖ وَهُوَ خَيْرُ ٱلنَّٰصِرِينَ ﴿١٥٠﴾ سَنُلْقِى فِى قُلُوبِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلرُّعْبَ بِمَآ أَشْرَكُواْ بِٱللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِۦ سُلْطَٰنًاۖ وَمَأْوَىٰهُمُ ٱلنَّارُۚ وَبِئْسَ مَثْوَى ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٥١﴾ وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ ٱللَّهُ وَعْدَهُۥٓ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِۦۖ حَتَّىٰٓ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَٰزَعْتُمْ فِى ٱلْأَمْرِ وَعَصَيْتُم مِّنۢ بَعْدِ مَآ أَرَىٰكُم مَّا تُحِبُّونَۚ مِنكُم مَّن يُرِيدُ ٱلدُّنْيَا وَمِنكُم مَّن يُرِيدُ ٱلْءَاخِرَةَۚ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْۖ وَلَقَدْ عَفَا عَنكُمْۗ وَٱللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥٢﴾ ۞ إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُۥنَ عَلَىٰٓ أَحَدٍ وَٱلرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِىٓ أُخْرَىٰكُمْ فَأَثَٰبَكُمْ غَمًّۢا بِغَمٍّ لِّكَيْلَا تَحْزَنُواْ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَآ أَصَٰبَكُمْۗ وَٱللَّهُ خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٥٣﴾

ای مومنان اگرفرمان برداری کافران کنید شمارا (ازآیینتان) برپاشنه های شما باز گردانند پس آنگاه زیان دیده بازگردید (١٤٩). بلکه خدا یاری دهندهٔ شماست واو بهترین یاری دهندگان است (١٥٠). دردل کافران ترس ورعبي را خواهیم انداخت بسبب آنکه شریك مقرر ساختند باخداچیزی را که خدا بر او هیچ حجتی فرود نیا آورده است وجای ایشان دوزخ است و آن برای ستمگاران بد اقامت گاه است (١٥١). وهرآئينه راست کردخدا درحق شما وعده خودرا چون کافران را به حکم خدا می کشتید تاوقتیکه بزدلی کردید و نزاع کردید درکارخویش ونافرمانی کردید بعدازآنکه عطا نمود به شما آنچه می خواستید ازشماکسی بود که دنیارا می خواست وازشما کسی بودکه آخرت را می خواست آنگاه شمارا از ایشان بازگردانید[٥٢] تا شمارا امتحان کند وبدرستیکه در گذشت ازشما وخدا برمومنان صاحب رحمت است (١٥٢). آنگاه که درگریختن دور می رفتید وبرهیچ کس متوجه نمی شدید وپیامبر شمارا از پشت سرتان فرا می خواند پس شمارابا اندوهی بالای اندوهی سزا داد این پنددادن برای آنست تااندوهناك نشوید برآنچه ازدست شمارفت ونه برآنچه که به شما رسید و خدا باخبراست به آنچه می کنید (١٥٣).

(٥٢) یعنی فرار کردید.

ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيْكُم مِّنۢ بَعْدِ ٱلْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَىٰ طَآئِفَةً
مِّنكُمْ ۖ وَطَآئِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِٱللَّهِ غَيْرَ
ٱلْحَقِّ ظَنَّ ٱلْجَٰهِلِيَّةِ ۖ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ ٱلْأَمْرِ مِن شَىْءٍ ۗ
قُلْ إِنَّ ٱلْأَمْرَ كُلَّهُۥ لِلَّهِ ۗ يُخْفُونَ فِىٓ أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبْدُونَ لَكَ ۖ
يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ ٱلْأَمْرِ شَىْءٌ مَّا قُتِلْنَا هَٰهُنَا ۗ قُل لَّوْ كُنتُمْ
فِى بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ ٱلَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ ٱلْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ ۖ
وَلِيَبْتَلِىَ ٱللَّهُ مَا فِى صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِى قُلُوبِكُمْ ۗ
وَٱللَّهُ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿١٥٤﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ تَوَلَّوْا۟ مِنكُمْ
يَوْمَ ٱلْتَقَى ٱلْجَمْعَانِ إِنَّمَا ٱسْتَزَلَّهُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ بِبَعْضِ
مَا كَسَبُوا۟ ۖ وَلَقَدْ عَفَا ٱللَّهُ عَنْهُمْ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٥٥﴾ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَكُونُوا۟ كَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَقَالُوا۟ لِإِخْوَٰنِهِمْ إِذَا
ضَرَبُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ أَوْ كَانُوا۟ غُزًّى لَّوْ كَانُوا۟ عِندَنَا مَا مَاتُوا۟
وَمَا قُتِلُوا۟ لِيَجْعَلَ ٱللَّهُ ذَٰلِكَ حَسْرَةً فِى قُلُوبِهِمْ ۗ وَٱللَّهُ يُحْىِۦ
وَيُمِيتُ ۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١٥٦﴾ وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِى سَبِيلِ
ٱللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿١٥٧﴾

باز برشما پس ازاندوه ایمنی فرودآورد که پینکی بود که گروهی ازشما را می پوشید وگروهی دیگر بودند که ایشان را فکر خویشتن اندوهناك ساخته بود گمان می کردند به خدا گمان باطل مانند گمان اهل جاهلیت (یعنی اهل کفر) می گفتند آیا مارا ازاین کارهیچ چیزی هست[٥٣] بگوبدرستیکه همه کار خداراست در دل های خویشتن پنهان می دارند آنچه راکه برای تو آشکار نمی کنند می گویند اگر ماراازین کار چیزی بودی کشته نمی شدیم درین جا بگو اگر می بودید درخانه های خویش هرآئینه کسانیکه مقدرشده است برایشان کشته شدن به سوی کشتن گاه خویش بیرون می آمدند[٥٤] وتا بیا زماید خداآنچه درسینه های شما است وتاکه سره وخالص کند آنچه دردلهای شماست وخدا داناست بآنچه درسینه هاست (١٥٤). هرآئینه کسانیکه رو یگردانیدند ازشما روزی که دوجماعت بهم آمدند[٥٥] جزاین نیست که ایشان را شیطان به شومی بعض آنچه کردند لغزانید به یقین خدا ازایشان عفو کرد هرآئینه خدا آمرزنده ٔ بُردباراست (١٥٥). ای مومنان مباشید مانند آنانکه کافر شدند و گفتند درحق برادران خویش وقتیکه سفر کنند درزمین یابه جهاد بیرون آمده باشند[٥٦] اگر ایشان نزد ما می بودند نمی مردند وکشته نمی شدند تا خدا این سخن را حسرتي دردل های ایشان گرداند وخدازنده می کندو می میراندوخدا به آنچه می کنید بیناست (١٥٦). و اگر کشته شدید درراه خدا یامُردید البته آمرزشی ازخدا وبخشایشی بهتراست ازآنچه جمع می کنند (١٥٧).

---

(٥٣) یعنی درین کارما را اختیار نیست وبه تدبیر ماکارنمی کنند.
(٥٤) واین کاربرای آن کرده شدکه در علم الهی مقدربود.
(٥٥) یعنی کافران ومسلمانان.
(٥٦) یعنی چون بمیرند درین حالت.

وَلَئِن مُّتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى ٱللَّهِ تُحْشَرُونَ ﴿١٥٨﴾ فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ
لِنتَ لَهُمْ ۖ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ ٱلْقَلْبِ لَٱنفَضُّوا۟ مِنْ حَوْلِكَ ۖ
فَٱعْفُ عَنْهُمْ وَٱسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِى ٱلْأَمْرِ ۖ فَإِذَا عَزَمْتَ
فَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾ إِن يَنصُرْكُمُ ٱللَّهُ
فَلَا غَالِبَ لَكُمْ ۖ وَإِن يَخْذُلْكُمْ فَمَن ذَا ٱلَّذِى يَنصُرُكُم مِّنۢ
بَعْدِهِۦ ۗ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُؤْمِنُونَ ﴿١٦٠﴾ وَمَا كَانَ لِنَبِىٍّ أَن
يَغُلَّ ۚ وَمَن يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ ٱلْقِيَـٰمَةِ ۚ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ
نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦١﴾ أَفَمَنِ ٱتَّبَعَ رِضْوَٰنَ
ٱللَّهِ كَمَنۢ بَآءَ بِسَخَطٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَمَأْوَىٰهُ جَهَنَّمُ ۚ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ
﴿١٦٢﴾ هُمْ دَرَجَـٰتٌ عِندَ ٱللَّهِ ۗ وَٱللَّهُ بَصِيرٌۢ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٣﴾ لَقَدْ
مَنَّ ٱللَّهُ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ
يَتْلُوا۟ عَلَيْهِمْ ءَايَـٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلْكِتَـٰبَ
وَٱلْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا۟ مِن قَبْلُ لَفِى ضَلَـٰلٍ مُّبِينٍ ﴿١٦٤﴾ أَوَلَمَّآ
أَصَـٰبَتْكُم مُّصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُم مِّثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّىٰ هَـٰذَا ۖ
قُلْ هُوَ مِنْ عِندِ أَنفُسِكُمْ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٦٥﴾

و اگرمُردید یاکشته شدید البته به سوی خدا برانگیخته خواهید شد (١٥٨). پس به سبب مهربانی از خدا برای ایشان نرم شدی و اگر درشت خوي سخت دل می بودی ازدوروبر تو پراگنده می شدند پس در گذرازایشان و برای ایشان آمرزش خواه و با ایشان درین کار مشورت کن پس آنگاه که قصد محکم کردی پس برخدا اعتماد کن هرآئینه خدا توکل کنند گان را دوست می دارد (١٥٩). ا گر خدا شمارا نصرت دهد هیچکس برشما غالب نیست وا گر شمارا بغیر نصرت واگذارد پس کیست که شمارا بعدازوی نصرت دهد ومسلمانان برخدا باید توکل کنند (١٦٠). و هر گز نبی را خیانت نشاید وهرکه خیانت کند آن چیزرا که خیانت کرده است به روز قیامت خواهد آورد[٥٧] پس تمام داده شود هر شخصی راجزای آنچه کرده است وایشان ستم کرده نشوند[٥٨] (١٦١). آیاکسیکه درپی خوشنودی خدا است، مانند کسی است که به خشم خدا بازگشت وجای اودوزخ است وبدجایی است (١٦٢). ایشان نزد خدا دارای مراتب‌اند وخدا بیناست به آنچه می کنند (١٦٣). هرآئینه خدا برمومنان منّت‌نهاد آنگاه که درمیان ایشان پیامبری ازقوم ایشان فرستاد آیات خدا را برایشان می خواند و ایشان را پاك می سازد و ایشان را کتاب و علم می آموزد وهرآئینه پیش ازین درگمراهی آشکار بودند (١٦٤). آیاچون رسید به شمامصیبتی که بدست آورده بودید دوچند ازآن گفتید ازکجا آمداین مصیبت بگوکه آن ازنزد نفسهایتان است هرآئینه خدا برهمه چیز تواناست (١٦٥).

(٥٧) یعنی برسر برداشته.

(٥٨) مترجم گوید چون حضرت صلی الله علیه وسلم متصرف بودند در غنیمت این آیت نازل شدتا کسی گمان خیانت نکند.

وَمَآ أَصَٰبَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡتَقَى ٱلۡجَمۡعَانِ فَبِإِذۡنِ ٱللَّهِ وَلِيَعۡلَمَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ
﴿١٦٦﴾ وَلِيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ نَافَقُواْۚ وَقِيلَ لَهُمۡ تَعَالَوۡاْ قَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ
أَوِ ٱدۡفَعُواْۖ قَالُواْ لَوۡ نَعۡلَمُ قِتَالٗا لَّٱتَّبَعۡنَٰكُمۡۗ هُمۡ لِلۡكُفۡرِ يَوۡمَئِذٍ
أَقۡرَبُ مِنۡهُمۡ لِلۡإِيمَٰنِۚ يَقُولُونَ بِأَفۡوَٰهِهِم مَّا لَيۡسَ فِي قُلُوبِهِمۡۚ
وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا يَكۡتُمُونَ ﴿١٦٧﴾ ٱلَّذِينَ قَالُواْ لِإِخۡوَٰنِهِمۡ وَقَعَدُواْ
لَوۡ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُواْۗ قُلۡ فَٱدۡرَءُواْ عَنۡ أَنفُسِكُمُ ٱلۡمَوۡتَ إِن
كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿١٦٨﴾ وَلَا تَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ
أَمۡوَٰتَۢاۚ بَلۡ أَحۡيَآءٌ عِندَ رَبِّهِمۡ يُرۡزَقُونَ ﴿١٦٩﴾ فَرِحِينَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ
ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ وَيَسۡتَبۡشِرُونَ بِٱلَّذِينَ لَمۡ يَلۡحَقُواْ بِهِم
مِّنۡ خَلۡفِهِمۡ أَلَّا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ﴿١٧٠﴾ ۞ يَسۡتَبۡشِرُونَ
بِنِعۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَضۡلٖ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجۡرَ
ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١٧١﴾ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَجَابُواْ لِلَّهِ وَٱلرَّسُولِ مِنۢ بَعۡدِ مَآ أَصَابَهُمُ
ٱلۡقَرۡحُۚ لِلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ مِنۡهُمۡ وَٱتَّقَوۡاْ أَجۡرٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٢﴾
ٱلَّذِينَ قَالَ لَهُمُ ٱلنَّاسُ إِنَّ ٱلنَّاسَ قَدۡ جَمَعُواْ لَكُمۡ فَٱخۡشَوۡهُمۡ
فَزَادَهُمۡ إِيمَٰنٗا وَقَالُواْ حَسۡبُنَا ٱللَّهُ وَنِعۡمَ ٱلۡوَكِيلُ ﴿١٧٣﴾

و آنچه به شما رسید روزیکه بهم آمدنددو گروه پس به اراده خدا بود تا مومنان را متمیزسازد (١٦٦). وتا آنان را که منافق شدند متمیز سازد و گفته شدایشان را بیایید در راه خدا بجنگید یا کافران را دفع کنید[٥٩] گفتند ا گر جنگ کردن را می دانستیم[٦٠] البته پیروی شما می کردیم این گروه آن روز به سوی کفر نزدیك تر بودند تاایمان نسبت به ایشان، می گویند بدهان های خویش آنچه دردل های ایشان نیست وخدا به آنچه می پوشند داناتراست (١٦٧). آنانکه خود ازجنگ بازنشسته گفتند درحق برادران خویش که اگر فرمان مامی‌بردند کشته نمی شدند بگو ازخویشتن مرگ را دفع کنید ا گر راست گو هستید (١٦٨). و کسانی را که درراه خدا کشته شدند مرده گمان مکن بلکه نزد پروردگار خویش زنده اند روزی داده می شوند (١٦٩). شادان به آنچه خدا ایشان را از فضل خود عطا کرده است و خوش وقت می شوند به آنانکه به ایشان نپیوسته اند ازپس ایشان به سبب آنکه برایشان هیچ ترس نیست ونه ایشان اندوهناك شوند (١٧٠). به نعمت خدا وفضل او خوش وقت می شوند وبه آنکه خدا مزد مومنان را ضائع نمی کند[٦١] (١٧١). کسانیکه حکم خدا ورسول را بعد ازآنکه به ایشان زخم رسیده بود قبول کردند، برای کسانی ازین جماعت که نیکوکاری وتقوی ورزیدند پاداش بزرگ است (١٧٢). آنانکه گفتند به ایشان مردمان (که کافران) برای شما لشکر جمع کرده اند پس بترسید ازآن لشکرهاپس این سخن ایمان ایشان را زیاده کرد و گفتند مارا خدا بس است وچه خوب کارسازی است (١٧٣).

(٥٩) یعنی ازبلادخویش.

(٦٠) یعنی مصلحت می دانستیم.

(٦١) مترجم گوید در احد مسلمانان و کفار باهم عهد بستند که وعده گاه قتال میان ایشان سال آینده سوق بدرباشد چون موسم سوق بدررسید کفار شخصی را فرستادند تا جمعیت ایشان را بیان کرده مسلمانان را درحیزتوقف اندازد باوجود آن جماعتی از مسلمانان همراه آنحضرت بر آمدند وبه بدر رسیدند ودر تجارت سودها یافتند وهیچ یك ازکفار مزاحم ایشان نشد و این غزوه را بدر صغری میگویند خدا درمدح ایشان می فرماید.

فَٱنقَلَبُواْ بِنِعۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَضۡلٖ لَّمۡ يَمۡسَسۡهُمۡ سُوٓءٞ وَٱتَّبَعُواْ
رِضۡوَٰنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ ذُو فَضۡلٍ عَظِيمٍ ١٧٤ إِنَّمَا ذَٰلِكُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ
يُخَوِّفُ أَوۡلِيَآءَهُۥ فَلَا تَخَافُوهُمۡ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ١٧٥
وَلَا يَحۡزُنكَ ٱلَّذِينَ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡكُفۡرِۚ إِنَّهُمۡ لَن يَضُرُّواْ ٱللَّهَ
شَيۡـٔٗاۗ يُرِيدُ ٱللَّهُ أَلَّا يَجۡعَلَ لَهُمۡ حَظّٗا فِي ٱلۡأٓخِرَةِۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ
عَظِيمٌ ١٧٦ إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱشۡتَرَوُاْ ٱلۡكُفۡرَ بِٱلۡإِيمَٰنِ لَن يَضُرُّواْ ٱللَّهَ
شَيۡـٔٗا وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ١٧٧ وَلَا يَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَنَّمَا
نُمۡلِي لَهُمۡ خَيۡرٞ لِّأَنفُسِهِمۡۚ إِنَّمَا نُمۡلِي لَهُمۡ لِيَزۡدَادُوٓاْ إِثۡمٗاۚ وَلَهُمۡ
عَذَابٞ مُّهِينٞ ١٧٨ مَّا كَانَ ٱللَّهُ لِيَذَرَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ عَلَىٰ مَآ أَنتُمۡ
عَلَيۡهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ ٱلۡخَبِيثَ مِنَ ٱلطَّيِّبِۗ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُطۡلِعَكُمۡ
عَلَى ٱلۡغَيۡبِ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَجۡتَبِي مِن رُّسُلِهِۦ مَن يَشَآءُۖ فَـَٔامِنُواْ بِٱللَّهِ
وَرُسُلِهِۦۚ وَإِن تُؤۡمِنُواْ وَتَتَّقُواْ فَلَكُمۡ أَجۡرٌ عَظِيمٞ ١٧٩ وَلَا يَحۡسَبَنَّ
ٱلَّذِينَ يَبۡخَلُونَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ هُوَ خَيۡرٗا لَّهُمۖ
بَلۡ هُوَ شَرّٞ لَّهُمۡۖ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُواْ بِهِۦ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ وَلِلَّهِ
مِيرَٰثُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ١٨٠

پس این مسلمانان به نعمتی از خداو فضل او باز گشتند به ایشان هیچ آسیبی نرسید وپیروی خوشنودی خدا کردند وخدا صاحبِ فضلِ بزرگ است (١٧٤). جزاین نیست که این خبردهنده شیطانست دوستان خودرا می ترساند[٦٢] پس شما ازکافران مترسید وازمن بترسید ا گر مومن هستید (١٧٥). واندوهگین نکنند تورا (یامحمد) آنانکه در نصرت کفر می شتابند هرآئینه ایشان خدارا هیچ زیان نرسانند[٦٣] خدا می خواهد که ایشان راهیچ بهره ای در آخرت ندهد وایشان را عذاب بزرگ است (١٧٦). هرآئینه آنانکه[٦٤] کفررا به عوض ایمان خریدند خدارا هیچ زیان نرسانند وبرای ایشان عذاب درد دهنده است (١٧٧). وگمان نکنند کافران که مهلت دادنِ ماایشان را بهتر است درحق ایشان جزاین نیست که ایشان را مهلت می دهیم تاگناهگارتر شوند وبرای ایشان عذاب خوار کننده است (١٧٨). هرگز رها نگذاردخدا مسلمانان را برآن وضعی که شما برآن هستید تاآنکه ناپاك را ازپاك جداکند وهرگز خداشمارا برغیب مطلع نکند ولیکن خدا ازپیامبران خود هرکه را خواهد برمی گزیند پس به خدا و پیامبران او ایمان آورید واگر ایمان آورید و پرهیزگاری کنید شمارا پاداش بزرگ باشد (١٧٩). وبایدکه گمان نکنند آنانکه بخل می کنند بآنچه خدا ایشان را ازفضل خود عطاکرده است این بخل را بهتر برای خویش بلکه اوبَدَست برای ایشان به زودی آنچه راکه در آن بخل می ورزیده اند (به مانند) طوق در روزقیامت به گردنشان افکنده می شود[٦٥] وخداراست میراث اهلِ آسمانها و زمین وخدا بآنچه می کنید داناست (١٨٠).

---

(٦٢) یعنی اشخاص ضعیف الإیمان را.

(٦٣) یعنی دین اورا.

(٦٤) یعنی اختیار کردند.

(٦٥) یعنی آن مال را بصورت مارکرده درگردن ایشان اندازند.

لَّقَدۡ سَمِعَ ٱللَّهُ قَوۡلَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ فَقِيرٞ وَنَحۡنُ أَغۡنِيَآءُۘ سَنَكۡتُبُ مَا قَالُواْ وَقَتۡلَهُمُ ٱلۡأَنۢبِيَآءَ بِغَيۡرِ حَقّٖ وَنَقُولُ ذُوقُواْ عَذَابَ ٱلۡحَرِيقِ ﴿١٨١﴾ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيكُمۡ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَيۡسَ بِظَلَّامٖ لِّلۡعَبِيدِ ﴿١٨٢﴾ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ عَهِدَ إِلَيۡنَآ أَلَّا نُؤۡمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأۡتِيَنَا بِقُرۡبَانٖ تَأۡكُلُهُ ٱلنَّارُۗ قُلۡ قَدۡ جَآءَكُمۡ رُسُلٞ مِّن قَبۡلِي بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَبِٱلَّذِي قُلۡتُمۡ فَلِمَ قَتَلۡتُمُوهُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿١٨٣﴾ فَإِن كَذَّبُوكَ فَقَدۡ كُذِّبَ رُسُلٞ مِّن قَبۡلِكَ جَآءُو بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلزُّبُرِ وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُنِيرِ ﴿١٨٤﴾ كُلُّ نَفۡسٖ ذَآئِقَةُ ٱلۡمَوۡتِۗ وَإِنَّمَا تُوَفَّوۡنَ أُجُورَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۖ فَمَن زُحۡزِحَ عَنِ ٱلنَّارِ وَأُدۡخِلَ ٱلۡجَنَّةَ فَقَدۡ فَازَۗ وَمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلۡغُرُورِ ﴿١٨٥﴾ ۞ لَتُبۡلَوُنَّ فِيٓ أَمۡوَٰلِكُمۡ وَأَنفُسِكُمۡ وَلَتَسۡمَعُنَّ مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلِكُمۡ وَمِنَ ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُوٓاْ أَذٗى كَثِيرٗاۚ وَإِن تَصۡبِرُواْ وَتَتَّقُواْ فَإِنَّ ذَٰلِكَ مِنۡ عَزۡمِ ٱلۡأُمُورِ ﴿١٨٦﴾

به یقین خدا سخن آنان راکه گفتند خدا فقیراست وما توانگریم شنید[٦٦] خواهیم نوشت آنچه گفتند و کشتن ایشان پیامبران را به ناحق بنویسیم وبگوییم عذاب سوزنده را بچشید (١٨١). این عذاب بسبب عملی است که دست های شما پیش فرستاده است وبسبب آنست که خدا بر بندگان ستم کننده نیست (١٨٢). آنانکه گفتند که خدا حکم فرستاده است به سوی ماکه به هیچ پیامبر ایمان نیاریم تاآنکه برایمان قرباني بیارد که اورا آتش[٦٧] بخورد بگو پیامبران پیش ازمن نزدِ شما معجزه ها وآن رانیز که شما گفتید آوردند پس چرا ایشان را کشتید اگر راست گو هستید (١٨٣). پس اگر تورا تکذیب کردند پس پیامبران پیش ازتو که حجت ها وصحیفه ها وکتاب روشنگر آوردند تکذیب کرده شدند (١٨٤). هر نفسی چشندهٔ موت است وجزاین نیست که مزدتان را روز قیامت تمام داده خواهید شد پس هرکه دورداشته شد ازدوزخ و درآورده شدبه بهشت پس به یقین به مراد رسید و زندگانی دنیا مگر بهرهٔ فریبنده ای نیست (١٨٥). البته شما درمالهایتان وجانهایتان آزمایش کرده خواهید شد و از آنانکه کتاب داده شده اند پیش ازشما و(نیز) از مشرکان سرزنش بسیار خواهید شنید واگر صبرکنید وپرهیزگاری نمایید پس هرآئینه این خصلت ازکارهای مقصود است (١٨٦).

(٦٦) یعنی چون یهود شنیدنداقرضوا الله گفتند ماغنی ایم وخدا فقیر است والله اعلم.
(٦٧) یعنی گوسفندی که ازغیب آتش اورا بردارد.

وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ لَتُبَيِّنُنَّهُۥ لِلنَّاسِ وَلَا تَكۡتُمُونَهُۥ فَنَبَذُوهُ وَرَآءَ ظُهُورِهِمۡ وَٱشۡتَرَوۡاْ بِهِۦ ثَمَنٗا قَلِيلٗاۖ فَبِئۡسَ مَا يَشۡتَرُونَ ﴿١٨٧﴾ لَا تَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ يَفۡرَحُونَ بِمَآ أَتَواْ وَّيُحِبُّونَ أَن يُحۡمَدُواْ بِمَا لَمۡ يَفۡعَلُواْ فَلَا تَحۡسَبَنَّهُم بِمَفَازَةٖ مِّنَ ٱلۡعَذَابِۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿١٨٨﴾ وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ﴿١٨٩﴾ إِنَّ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ لَأٓيَٰتٖ لِّأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ﴿١٩٠﴾ ٱلَّذِينَ يَذۡكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَٰمٗا وَقُعُودٗا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمۡ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ رَبَّنَا مَا خَلَقۡتَ هَٰذَا بَٰطِلٗا سُبۡحَٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ﴿١٩١﴾ رَبَّنَآ إِنَّكَ مَن تُدۡخِلِ ٱلنَّارَ فَقَدۡ أَخۡزَيۡتَهُۥۖ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٖ ﴿١٩٢﴾ رَّبَّنَآ إِنَّنَا سَمِعۡنَا مُنَادِيٗا يُنَادِي لِلۡإِيمَٰنِ أَنۡ ءَامِنُواْ بِرَبِّكُمۡ فَـَٔامَنَّاۚ رَبَّنَا فَٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرۡ عَنَّا سَيِّـَٔاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ ٱلۡأَبۡرَارِ ﴿١٩٣﴾ رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخۡزِنَا يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۖ إِنَّكَ لَا تُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ ﴿١٩٤﴾

ویادکن چون خدا عهد اهل کتاب را گرفت که البته کتاب را برای مردمان بیان کنید وآن را نپوشید پس آن عهد را پس پشت خویش بینداختند و به عوض وی بهای اندك را گرفتند پس بدچیزی است که می ستانند (۱۸۷). هرگز مپندار کسانی را که شادمان می شوند به آنچه کردندو دوست میدارند که ستوده شوند به آنچه نکرده‌اند هرگز ایشان را نجات یافته ازعذاب مپندار وبرای ایشان عذاب درد ناك است (۱۸۸). وپادشاهی آسمان ها و زمین از آنِ خدا است وخدا برهمه چیز تواناست (۱۸۹). هرآئینه درآفرینش آسمان هاو زمین و آمدورفت شب و روز خداوندانِ خرد را نشانه هاست (۱۹۰). آنانکه خدارا ایستاده ونشسته و بر پهلوی خویش خفته یادمی کنند و درآفرینش آسمان ها و زمین تأمل می کنند می گویند ای پروردگارِ ما این را باطل نیافریده ای[۶۸] پاکیست تورا پس مارا از عذاب آتش نگاه‌دار (۱۹۱). ای پروردگارماهرآئینه توهرکرا در آری به دوزخ به تحقیق رسوا کردی اورا و ستم گاران را هیچ یاری دهنده نیست (۱۹۲). ای پروردگارماهرآئینه شنیدیم ندا کننده ای را بآواز بلند میخواند به سوی ایمان که به پروردگار خویش ایمان آرید پس ایمان آوردیم ای پروردگارماپس گناهان مارا بیامرز و ازما بدیهای مارا دورکن و مارا بانیکوکاران بمیران (۱۹۳). ای پروردگارما آنچه وعده کرده ای به ما بزبان رسولان خود مارابده و مارا روز قیامت رسوا مکن هرآئینه توخلاف وعده نمی کنی (۱۹٤).

---

(٦٨) یعنی بغیر تدبیر بلیغ والله اعلم.

فَٱسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَآ أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنكُم مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰۖ بَعْضُكُم مِّنۢ بَعْضٍۖ فَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ وَأُخْرِجُواْ مِن دِيَٰرِهِمْ وَأُوذُواْ فِي سَبِيلِي وَقَٰتَلُواْ وَقُتِلُواْ لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّـَٔاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ ثَوَابًا مِّنْ عِندِ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ عِندَهُۥ حُسْنُ ٱلثَّوَابِ ﴿١٩٥﴾ لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي ٱلْبِلَٰدِ ﴿١٩٦﴾ مَتَٰعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَىٰهُمْ جَهَنَّمُۖ وَبِئْسَ ٱلْمِهَادُ ﴿١٩٧﴾ لَٰكِنِ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوْاْ رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّٰتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِندِ ٱللَّهِۗ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيْرٌ لِّلْأَبْرَارِ ﴿١٩٨﴾ وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ لَمَن يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَٰشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًاۗ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْۗ إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلْحِسَابِ ﴿١٩٩﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱصْبِرُواْ وَصَابِرُواْ وَرَابِطُواْ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٢٠٠﴾

سُورَةُ النِّسَاءِ

پس پروردگار ایشان دعای ایشان را قبول کرد به آنکه من عمل هیچ عمل کننده را ازشماازمرد یا زن ضائع نمی کنم بعض شما ازجنس بعضی است پس آنانکه هجرت کردند و ازخانه هایشان بیرون کرده شدند ودر راه من رنجانیده شدند وجنگ کردند وکشته شدند البته ازایشان گناهانِ ایشان را دورکنم والبته ایشان را درباغ هایی که میرود زیر آنها جوی ها درآرم پاداشی ازنزد خدا وخدا به نزداو پاداش نیك ست (۱۹۵). بایدکه تورا آمدورفت کافران درشهر ها نفریبد (۱۹٦). این بهره مندی اندك است بعد ازآن جای ایشان دوزخ باشد وآن بدجایی است (۱۹۷). لیکن آنانکه از پروردگار خود ترسیدند ایشان راست بوستان ها ایکه میرود زیر آنها جوی ها جاویدان درآنجا مهمانی از نزد خدا است و آنچه نزد خدا ست نیکوکاران را بهتر است (۱۹۸). وهرآئینه ازاهل کتاب کسانیاندکه ایمان می آورند به خدا وبه آنچه به سوی شما فرودآورده شد وبه آنچه فرود آورده شد به سوی ایشان فروتنی کنندگان برای خدا به عوض آیه های خدابهای اندك را نمی ستانند آن گروه ایشان راست پاداش ایشان نزد پروردگارشان هرآئینه خدا زود حساب گیرنده است (۱۹۹). ای مومنان صبر کنید ومحنت کشید وبرای جهاد آماده باشید و از خدا بترسید باشد که رستگار شوید (۲۰۰).

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا
زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ
بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١ وَءَاتُواْ ٱلۡيَتَٰمَىٰٓ أَمۡوَٰلَهُمۡۖ
وَلَا تَتَبَدَّلُواْ ٱلۡخَبِيثَ بِٱلطَّيِّبِۖ وَلَا تَأۡكُلُوٓاْ أَمۡوَٰلَهُمۡ إِلَىٰٓ أَمۡوَٰلِكُمۡۚ إِنَّهُۥ
كَانَ حُوبٗا كَبِيرٗا ٢ وَإِنۡ خِفۡتُمۡ أَلَّا تُقۡسِطُواْ فِي ٱلۡيَتَٰمَىٰ فَٱنكِحُواْ
مَا طَابَ لَكُم مِّنَ ٱلنِّسَآءِ مَثۡنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَۖ فَإِنۡ خِفۡتُمۡ أَلَّا تَعۡدِلُواْ
فَوَٰحِدَةً أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡۚ ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَلَّا تَعُولُواْ ٣ وَءَاتُواْ
ٱلنِّسَآءَ صَدُقَٰتِهِنَّ نِحۡلَةٗۚ فَإِن طِبۡنَ لَكُمۡ عَن شَيۡءٖ مِّنۡهُ نَفۡسٗا فَكُلُوهُ
هَنِيٓـٔٗا مَّرِيٓـٔٗا ٤ وَلَا تُؤۡتُواْ ٱلسُّفَهَآءَ أَمۡوَٰلَكُمُ ٱلَّتِي جَعَلَ ٱللَّهُ لَكُمۡ
قِيَٰمٗا وَٱرۡزُقُوهُمۡ فِيهَا وَٱكۡسُوهُمۡ وَقُولُواْ لَهُمۡ قَوۡلٗا مَّعۡرُوفٗا ٥ وَٱبۡتَلُواْ
ٱلۡيَتَٰمَىٰ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغُواْ ٱلنِّكَاحَ فَإِنۡ ءَانَسۡتُم مِّنۡهُمۡ رُشۡدٗا فَٱدۡفَعُوٓاْ
إِلَيۡهِمۡ أَمۡوَٰلَهُمۡۖ وَلَا تَأۡكُلُوهَآ إِسۡرَافٗا وَبِدَارًا أَن يَكۡبَرُواْۚ وَمَن كَانَ
غَنِيّٗا فَلۡيَسۡتَعۡفِفۡۖ وَمَن كَانَ فَقِيرٗا فَلۡيَأۡكُلۡ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ فَإِذَا
دَفَعۡتُمۡ إِلَيۡهِمۡ أَمۡوَٰلَهُمۡ فَأَشۡهِدُواْ عَلَيۡهِمۡۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ حَسِيبٗا ٦
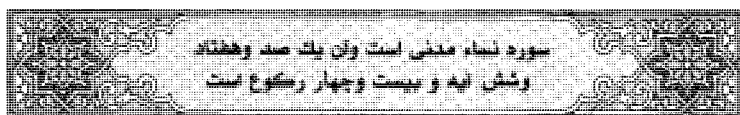
بنام خدای بخشاینده مهربان

ای مردمان از پروردگار خویش بترسید آن که شمارا ازیك ذات بیافرید وازآن ذات زن اورا آفرید و ازین دوکس مردمانِ بسیار وزنان بیشمار منتشر ساخت و ازآن خدا بترسید که به نام او ازیکدیگر سوال می کنید و ازقطع صله رحمی خویشاوندان بترسید هرآئینه خدا برشما نگاهبان هست (۱). و به یتیمان اموال ایشان را بدهید و ناپاك را به پاکیزه بدل نکنید و اموال ایشان را بهم آورده به اموال خویش مخورید هرآئینه این گناهی بزرگ است[۱] (۲). و اگر ترسیدید که درحق دخترانِ یتیمه نمی توانید به عدل وانصاف رفتارکنید پس نکاح کنید ازسایر زنان آنچه را که شمارا خوش آید دوزن (یا) سه زن، ویاچهار زن، پس اگر دانیدکه درین صورت نیز عدل نتوانید کرد پس یك زن را نکاح کنید یاسُریه گیرید آنراکه دستهای شما مالك اوشد این نزدیك تراست به آنکه ظلم وجورنکنید (۳). وبدهید زنان را مهرایشان به خوشدلی و اگر زنان به خوشدلی برای شما از بعضی از آن مهر در گذرند پس آن راسازگار وخوشگوار بخورید (٤). و اموالتان را که خدا آن را سبب استقامت معیشت برای شما کرده است به کم خردان مدهید و ایشان را ازآن اموال بخورانید وبپوشانید و به ایشان سخن نیکو بگویید[۲] (٥). وامتحان کنید یتیمان را[۳] تاآنگاه که به حدنکاح رسند[٤] پس اگر ازایشان حسن تدبیر دریافتید پس به ایشان اموال ایشان را برسانید وآن اموال را[٥] به اسراف وشتاب ازترس آنکه بزرگ شوند مخورید وهرکه توانگر باشد پس بایدکه پرهیز گاری کند[٦] وهر که فقیر باشد پس بایدکه بوجه پسندیده بخورد پس چون به ایشان اموال ایشان را دادید برایشان گواه گیرید و خدا (بحقیقت) حساب گیرنده بس است (٦).

(۱) درجاهلیت اولیای دختران یتیمان مانند (پسران عمو) ایشان را بنکاح خود درمی آوردند وایفای حقوق نکاح نمی کردند خدای تعالی آیت فرستاد.

(۲) یعنی برسفها حِجر (یعنی از تصرف درمال جلو گیری) باید کردواموال ایشان را که بحقیقت همه مسلمانان بآن منتفع‌اند بی واسطه یا بواسطه بدست ایشان داده ضائع نباید ساخت والله اعلم.

(۳) یعنی درایام کودکی.

(٤) یعنی بالغ شوند.

(٥) یعنی درخردسالي ایشان.

(٦) یعنی وصی یتیم اگر توانگر باشداز اموال یتیم چیزی نگیرد.

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ ٱلْوَٰلِدَانِ وَٱلْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَآءِ نَصِيبٌ
مِّمَّا تَرَكَ ٱلْوَٰلِدَانِ وَٱلْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ ۚ نَصِيبًا
مَّفْرُوضًا ﴿٧﴾ وَإِذَا حَضَرَ ٱلْقِسْمَةَ أُو۟لُوا۟ ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَٰمَىٰ
وَٱلْمَسَٰكِينُ فَٱرْزُقُوهُم مِّنْهُ وَقُولُوا۟ لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا
﴿٨﴾ وَلْيَخْشَ ٱلَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا۟ مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَٰفًا
خَافُوا۟ عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَلْيَقُولُوا۟ قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٩﴾ إِنَّ
ٱلَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَٰلَ ٱلْيَتَٰمَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِى
بُطُونِهِمْ نَارًا ۖ وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا ﴿١٠﴾ يُوصِيكُمُ ٱللَّهُ فِىٓ
أَوْلَٰدِكُمْ ۖ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ ٱلْأُنثَيَيْنِ ۚ فَإِن كُنَّ نِسَآءً
فَوْقَ ٱثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ ۖ وَإِن كَانَتْ وَٰحِدَةً فَلَهَا
ٱلنِّصْفُ ۚ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَٰحِدٍ مِّنْهُمَا ٱلسُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِن
كَانَ لَهُۥ وَلَدٌ ۚ فَإِن لَّمْ يَكُن لَّهُۥ وَلَدٌ وَوَرِثَهُۥٓ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ ٱلثُّلُثُ ۚ فَإِن
كَانَ لَهُۥٓ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ ٱلسُّدُسُ ۚ مِنۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِى بِهَآ
أَوْ دَيْنٍ ۗ ءَابَآؤُكُمْ وَأَبْنَآؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ
نَفْعًا ۚ فَرِيضَةً مِّنَ ٱللَّهِ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١١﴾

مردان را حصه ای هست ازآنچه پدرومادر وخویشان بگذارند وزنان را نیز حصه ای هست ازآنچه پدرو مادروخویشان بگذارند ازآنچه کم باشدازمال یابسیار حصه مقرر کرده شده است(٧) (٧). وچون هنگام قسمت میراث خویشان(٨) ویتیمان و گدایان حاضر شوند پس ایشانرا چیزی ازآن بدهید(٩) و به ایشان سخن نیکو بگویید (٨). وبایدکه ازخدا بترسند آنانکه اگر بگذارند بعد از خود فرزندان ناتوان را ترس داشته باشند برایشان که ضائع شوند پس بایدکه ازخدا بترسند وبایدکه سخن استوار را بگویند (١٠) (٩). هرآئینه آنانکه اموال یتیمان را به ظلم میخورند جزاین نیست که درشکم خویش آتش را میخورند وبه زودی به دوزخ درآیند (١٠). خدا شمارا درحق فرزندانتان که مرد راهست مانند حصه دوزن حکم می کند، اگر اولاد میت همه دختر بیشتر ازدو نفر باشند پس ایشان راست دوسوم آنچه میت گذاشته است(١١) واگر (ذریتش) یك دخترباشد پس برای او نیم ترکه است و پدرومادر میت راهریکی راازایشان یك ششم آنچه بگذاشته است هست اگر میت را فرزندی باشد، پس اگر اورافرزندی نباشد ووارث اوپدرو مادراوشوند پس مادرش رایك سوم ترکه هست(١٢) پس اگر میت رابرادران باشند مادرش رایك ششم ترکه هست(١٣) واین تقسیم بعد از ادای وصیتی که میت به آن فرموده یابعد از ادای دَین است(١٤) نمیدانید که کدام یك از پدران شماو پسران شما نزدیك تراست برایتان درنفع رسانیدن، ازجانب خدا حصه معین کرده شد هرآئینه خدا دانای استوارکار هست (١١).

(٧) یعنی مردان وزنان هر دو حصه دارندازهر مال که باشد کم بودیابسیار درین آیه ردّ است براهل جاهلیت که زنان راحصه نمی دادند.

(٨) یعنی خویشان غیر وارث.

(٩) یعنی بطریق استحباب.

(١٠) یعنی آنانکه اولاد داشته باشند بوجهی وصیت کنند که اولاد راضرر نرسدواین درشرع بمقدار یك سوم مال (درحدّ اکثرو) یاکمتر ازآن است والله اعلم.

(١١) مترجم گوید حکم دو دخترنیز ثلثان است والله اعلم.

(١٢) یعنی ما بقی برای پدراست.

(١٣) یعنی برادران و خواهران حصه مادر را ناقص می سازند اگر چه خود چیزی نیابندویك برادر ویك خواهر نیز ناقص می سازد والله اعلم.

(١٤) یعنی اگر وصیت باشد ویا اگر وام باشد نخست به ادای وصیت ویا دین به پردازند.

۞ وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَٰجُكُمْ إِن لَّمْ يَكُن
لَّهُنَّ وَلَدٌ ۚ فَإِن كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ ٱلرُّبُعُ مِمَّا
تَرَكْنَ ۚ مِنۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ بِهَآ أَوْ دَيْنٍ ۚ
وَلَهُنَّ ٱلرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّكُمْ وَلَدٌ ۚ
فَإِن كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ ٱلثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُم ۚ
مِّنۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَآ أَوْ دَيْنٍ ۗ وَإِن كَانَ
رَجُلٌ يُورَثُ كَلَٰلَةً أَوِ ٱمْرَأَةٌ وَلَهُۥٓ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ
وَٰحِدٍ مِّنْهُمَا ٱلسُّدُسُ ۚ فَإِن كَانُوٓا۟ أَكْثَرَ مِن ذَٰلِكَ
فَهُمْ شُرَكَآءُ فِى ٱلثُّلُثِ ۚ مِنۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَىٰ
بِهَآ أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَآرٍّ ۚ وَصِيَّةً مِّنَ ٱللَّهِ ۗ وَٱللَّهُ
عَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿١٢﴾ تِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ ۚ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ
وَرَسُولَهُۥ يُدْخِلْهُ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا
ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا ۚ وَذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ
﴿١٣﴾ وَمَن يَعْصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُۥ
يُدْخِلْهُ نَارًا خَٰلِدًا فِيهَا وَلَهُۥ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٤﴾

وشمارا نیمه آنچه بگذاشته اند زنان شما اگرنباشدایشان را فرزندی هست پس اگر ایشان را فرزندی باشدشمارا یك چهارم آنچه بگذاشته اند هست بعد از ادای وصیتی که به آن فرموده باشند یا بعد از ادای دَین وزنان را یك چهارم آنچه شمابگذاشتید اگر شمارا فرزندی نباشد هست پس اگر شمارا فرزندی باشد پس زنان را یك هشتم آنچه بگذاشته اید بعد از ادای وصیتی که بآن فرموده باشید یا ادای دَین هست واگر مرد مرده که ازوی میراث می خواهندیا زن مرده کلاله باشد[١٥] واورا برادری هست یاخواهری[١٦] پس برای هریك ازایشان یك ششم ترکه است پس اگراخیافیان بیشتر ازین باشند پس ایشان باهم در یك سوم ترکه بعد ازادای وصیتی که بآن فرموده شده یابعد از ادای دَین شریك اند بغیرآنکه ضرررسانننده باشد[١٧] ازجانب خدا حکم کرده شده است وخدا دانا بُردباراست (١٢). این همه حدهامقرر کردهٔ خداست وهر که خدا ورسول او را فرمانبرداری کند اورا به بهشت هایی که میرود زیرآنها جوی ها داخل می کند درآن جاویدان و این پیروزی بزرگ است (١٣). وهرکه نافرمانی خدا و رسول اورا کند واز حدهای مقرر کردهٔ او تجاوز کند اورا به آتش درآورد درآن جاویدان و برای او عذاب رسواکننده است(١٤).

(١٥) ومعنی کلاله آن است که پدروفرزند وبرادروخواهرتنی (یعنی عینی) ندارد.
(١٦) یعنی اخیافی.
(١٧) یعنی وصیتی که زیادة ازثلث بود (ما زاد عن الثلث) اعتبار ندارد والله اعلم.

وَٱلَّٰتِي يَأۡتِينَ ٱلۡفَٰحِشَةَ مِن نِّسَآئِكُمۡ فَٱسۡتَشۡهِدُواْ عَلَيۡهِنَّ
أَرۡبَعَةٗ مِّنكُمۡۖ فَإِن شَهِدُواْ فَأَمۡسِكُوهُنَّ فِي ٱلۡبُيُوتِ
حَتَّىٰ يَتَوَفَّىٰهُنَّ ٱلۡمَوۡتُ أَوۡ يَجۡعَلَ ٱللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلٗا ١٥
وَٱلَّذَانِ يَأۡتِيَٰنِهَا مِنكُمۡ فَـَٔاذُوهُمَاۖ فَإِن تَابَا وَأَصۡلَحَا
فَأَعۡرِضُواْ عَنۡهُمَآۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ تَوَّابٗا رَّحِيمًا ١٦
إِنَّمَا ٱلتَّوۡبَةُ عَلَى ٱللَّهِ لِلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلسُّوٓءَ بِجَهَٰلَةٖ
ثُمَّ يَتُوبُونَ مِن قَرِيبٖ فَأُوْلَٰٓئِكَ يَتُوبُ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡۗ
وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا ١٧ وَلَيۡسَتِ ٱلتَّوۡبَةُ لِلَّذِينَ
يَعۡمَلُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ حَتَّىٰٓ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ ٱلۡمَوۡتُ
قَالَ إِنِّي تُبۡتُ ٱلۡـَٰٔنَ وَلَا ٱلَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمۡ كُفَّارٌۚ
أُوْلَٰٓئِكَ أَعۡتَدۡنَا لَهُمۡ عَذَابًا أَلِيمٗا ١٨ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ لَا يَحِلُّ لَكُمۡ أَن تَرِثُواْ ٱلنِّسَآءَ كَرۡهٗاۖ وَلَا تَعۡضُلُوهُنَّ
لِتَذۡهَبُواْ بِبَعۡضِ مَآ ءَاتَيۡتُمُوهُنَّ إِلَّآ أَن يَأۡتِينَ بِفَٰحِشَةٖ
مُّبَيِّنَةٖۚ وَعَاشِرُوهُنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ فَإِن كَرِهۡتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰٓ
أَن تَكۡرَهُواْ شَيۡـٔٗا وَيَجۡعَلَ ٱللَّهُ فِيهِ خَيۡرٗا كَثِيرٗا ١٩

آنانیکه زنامی‌کننداززنان شما پس برایشان چهارمرد ازجنس خویش[۱۸] گواه طلبید پس اگر گواهی دادند ایشان را درخانه ها محبوس کنید تاآنکه مرگ عمر ایشان را تمام کند یا خدای تعالی برای ایشان راهی[۱۹] مقرر کند (١٥). وآن دوکس که ازشما زنا می کنند پس ایشان را آزار دهید پس اگر توبه کردند ونیکوکاری پیش گرفتند، پس ازتعذیب ایشان اعراض کنید هرآئینه خدا توبه پذیر مهربان[۲۰] هست (١٦). جزاین نیست که وعده قبول توبه برخدالازم است برای آن کسان که معصیت را به نادانی میکنند بعد ازآن بزودی[۲۱] توبه می کنند پس آن گروه است که خداوند توبه وباز گشت آنان رامی پذیرد وخدا دانای استوارکار هست (١٧). ونیست (وعده قبول) توبه آن کسان را که معاصی را می کنند تاآنگاه که کسی را ازایشان مرگ پیش آید، گفت هرآئینه الآن من توبه کردم ونه آن کسان راست که کافر بمیرند این گروه برای ایشان عذاب درد ناك آماده ساختیم (١٨). ای مومنان برای شما حلال نیست اینکه زنان را میراث گیرید وایشان ناخوش باشند[۲۲] ومنع مکنید ایشان را[۲۳] تابدست آرید بعض آنچه ایشان را داده اید مگراینکه آنان دچار گناه آشکاری شوند (میتوان ایذا داد) و بازنان بوجه پسندیده زندگانی کنید زیرا که اگر ناپسندکنید ایشان را پس شاید که چیزی را ناپسند کنید و خدای تعالی درآن چیز خیربسیار پیدا کند (١٩).

(١٨) یعنی از مسلمانان.

(١٩) بعد از این آیة خدای تعالی راهی مقررکرد و آن رجم ثیب وجلد بکر است پس اکنون حکم حبس نیست والله اعلم.

(٢٠) این آیت مجمل است ودراحادیث آمده است که بِکر آزاد را صدتازیانه بایدزد وثیّب آزاد را سنگسار باید کرد وغلام راپنجاه تازیانه باید زد والله اعلم.

(٢١) یعنی پیش ازحضور مرگ.

(٢٢) اهل جاهلیت زنان را نیزازجملهٔ میراث می دانستند ولی میّت ا گر می خواست بجبردر (نکاح خود) در می آورد واگر می‌خواست منع میکرد که بااجنبی نکاح کند تاآنکه مهر به او رد نماید حق تعالی این آیت فرستاد.

(٢٣) یعنی ازنکاح بهرکه خواهند.

وَإِنْ أَرَدتُّمُ ٱسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَءَاتَيْتُمْ
إِحْدَىٰهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُواْ مِنْهُ شَيْـًٔاۚ أَتَأْخُذُونَهُۥ
بُهْتَٰنًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿٢٠﴾ وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُۥ وَقَدْ أَفْضَىٰ
بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنكُم مِّيثَٰقًا غَلِيظًا
﴿٢١﴾ وَلَا تَنكِحُواْ مَا نَكَحَ ءَابَآؤُكُم مِّنَ ٱلنِّسَآءِ
إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَۚ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةً وَمَقْتًا وَسَآءَ
سَبِيلًا ﴿٢٢﴾ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَٰتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ
وَأَخَوَٰتُكُمْ وَعَمَّٰتُكُمْ وَخَٰلَٰتُكُمْ وَبَنَاتُ
ٱلْأَخِ وَبَنَاتُ ٱلْأُخْتِ وَأُمَّهَٰتُكُمُ ٱلَّٰتِيٓ أَرْضَعْنَكُمْ
وَأَخَوَٰتُكُم مِّنَ ٱلرَّضَٰعَةِ وَأُمَّهَٰتُ نِسَآئِكُمْ
وَرَبَٰٓئِبُكُمُ ٱلَّٰتِي فِي حُجُورِكُم مِّن نِّسَآئِكُمُ
ٱلَّٰتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمْ تَكُونُواْ دَخَلْتُم بِهِنَّ فَلَا
جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَٰٓئِلُ أَبْنَآئِكُمُ ٱلَّذِينَ مِنْ
أَصْلَٰبِكُمْ وَأَن تَجْمَعُواْ بَيْنَ ٱلْأُخْتَيْنِ إِلَّا
مَا قَدْ سَلَفَۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٢٣﴾

و اگر زنی را به جای زنی تبدیل کردن بخواهید و یکی راازایشان قنطاری[٢٤] داده باشید پس ازآن مال چیزی را برمگیرید آیا آن را به بهتان وگناه آشکار می گیرید (٢٠). وچگونه می گیردآن را حال آنکه بعض شما به بعضی رسیده است[٢٥] و زنان ازشما عهد محکم را گرفتند[٢٦] (٢١). وازدواج مکنید کسی را که با او پدران شما اززنان ازدواج کرده باشند مگر آنچه گذشت (عفواست) هرآئینه این هست کاربد و مبغوض واین بدراهی است (٢٢). مادران شما ودختران شماوخواهران شما و خواهران پدران شما وخواهران مادران شما ودختران برادر ودختران خواهر برشما حرام کرده شدند وآن مادران شماکه شمارا شیر داده اند[٢٧] وخواهران شما ازجهت شیرخوارگی ومادران زنان شما ودختران زنان شما که درکنار شما پرورش می یابند ازشکم آن زنان که شما به ایشان وطیٔ کردید پس اگروطیٔ نکرده باشید به ایشان پس هیچ گناه نیست برشما وزنان پسران شماکه ازپشت شماباشند[٢٨] وآنکه جمع کنید میان دوخواهر حرام کرده شد مگر آنچه گذشت (عفواست) هرآئینه خدا هست آمرزندهٔ مهربان (٢٣).

---

(٢٤) یعنی مال بسیار درمهرداده باشید.
(٢٥) یعنی مباشرت کردید.
(٢٦) یعنی ایجاب وقبول بحضور شهود درمیان آمد.
(٢٧) یعنی دایه ها.
(٢٨) یعنی پسر خوانده نباشد.

۞ وَٱلْمُحْصَنَٰتُ مِنَ ٱلنِّسَآءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُمْ ۖ كِتَٰبَ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ ۚ وَأُحِلَّ لَكُم مَّا وَرَآءَ ذَٰلِكُمْ أَن تَبْتَغُوا۟ بِأَمْوَٰلِكُم مُّحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَٰفِحِينَ ۚ فَمَا ٱسْتَمْتَعْتُم بِهِۦ مِنْهُنَّ فَـَٔاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً ۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَٰضَيْتُم بِهِۦ مِنۢ بَعْدِ ٱلْفَرِيضَةِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٢٤﴾ وَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنكُمْ طَوْلًا أَن يَنكِحَ ٱلْمُحْصَنَٰتِ ٱلْمُؤْمِنَٰتِ فَمِن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُم مِّن فَتَيَٰتِكُمُ ٱلْمُؤْمِنَٰتِ ۚ وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَٰنِكُم ۚ بَعْضُكُم مِّنۢ بَعْضٍ ۚ فَٱنكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَءَاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِٱلْمَعْرُوفِ مُحْصَنَٰتٍ غَيْرَ مُسَٰفِحَٰتٍ وَلَا مُتَّخِذَٰتِ أَخْدَانٍ ۚ فَإِذَآ أُحْصِنَّ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَٰحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى ٱلْمُحْصَنَٰتِ مِنَ ٱلْعَذَابِ ۚ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِىَ ٱلْعَنَتَ مِنكُمْ ۚ وَأَن تَصْبِرُوا۟ خَيْرٌ لَّكُمْ ۗ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٥﴾ يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ ۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦﴾

و زنان شوهردار حرام کرده شدند مگر آنچه دست های شما[٢٩] مالك اوشده است خدا برشما (این حکم) را مقرر داشته است و حلال کرده شد برای شما غیر از این همه محرمات (حلال کرده شد) که به اموال خویش عفت طلب کنان نه به شهوت رانی[٣٠] نکاح طلب کنید پس کسی که اززنان به او استمتاع کردید مهر مقرر کرده شده ایشان را به ایشان بپردازید[٣١] و برشما گناهی نیست بعداز مهر مقرر در آنچه که بایکدیگر رضامند شدید (درکمی وبیشی مهر)[٣٢] هرآئینه خدا دانای استوارکار هست (٢٤). وهر که ازشما ازجهت نا توانگری نتواند که زنانِ آزاد مسلمان را ازدواج کند پس بایدکه نکاح کند ازآنچه دست های شما مالك اوشده است (مراد کنیزکان شما اندکه مسلمان باشند) و خدا به ایمان شما داناتراست بعض شماازجنس بعض است[٣٣] پس کنیزکان را به اجازهٔ اهل ایشان ازدواج کنید و ایشان را مهر ایشان بخوش خویی بدهید درحالیکه عفیفه باشند نه زناکننده ونه دوست پنهانی گیرنده[٣٤] پس چون درحبالهٔ زوج آمدند ا گر زناکنند پس برایشان است ازعقوبت نیم مقدار آنچه برزنان آزاداست[٣٥] ازدواج کنیزکان برای کسی است ازشما که ازگناه بترسد وآنکه صبر کنید برای شما بهتر است خدا آمرزندهٔ مهربان است (٢٥). خدا می خواهد که (احکام خودرا) برای شما بیان کند و شمارا راه های کسانیکه پیش ازشمابودند بنماید و برشما به رحمت بازگردد وخدا دانای استوار کاراست (٢٦).

---

(٢٩) یعنی اگرزنی رااز دار الحرب اسیر کرده اند نکاح وتَسرّی اوصحیح بُوَد ولواینکه آنجاشوهر داشته باشد والله اعلم.

(٣٠) یعنی نکاح صحیح آن ست که مهرباشدو مؤبدباشدبحسب ظاهر زیراکه چون حاجت جماع همیشه است واحصان بدون عقد مؤبّد حاصل نشود والله اعلم.

(٣١) یعنی به جماع تمام مهر لازم میشود والله اعلم.

(٣٢) یعنی بعداز مقرر کردن مهر ا گر بتراضی زیاده یاکم کنید باك نیست والله اعلم.

(٣٣) یعنی کنیزکان نیزبنات آدم اند والله اعلم.

(٣٤) فارق درنکاح واتخاذ اخدان شرط شهوداست ودراحصان وسفاح مؤبد بودن عقد بحسب ظاهر والله اعلم.

(٣٥) یعنی پنجاه تازیانه وا گردر حباله زوج نباشدنیز عقوبت اوپنجاه تازیانه است زیراکه ذکر این قید بجهت نفی احتمال زیاده است واین معنی درحدیث مبین شده والله اعلم.

وَٱللَّهُ يُرِيدُ أَن يَتُوبَ عَلَيۡكُمۡ وَيُرِيدُ ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ ٱلشَّهَوَٰتِ أَن تَمِيلُواْ مَيۡلًا عَظِيمٗا ﴿٢٧﴾ يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُخَفِّفَ عَنكُمۡۚ وَخُلِقَ ٱلۡإِنسَٰنُ ضَعِيفٗا ﴿٢٨﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَأۡكُلُوٓاْ أَمۡوَٰلَكُم بَيۡنَكُم بِٱلۡبَٰطِلِ إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَٰرَةً عَن تَرَاضٖ مِّنكُمۡۚ وَلَا تَقۡتُلُوٓاْ أَنفُسَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُمۡ رَحِيمٗا ﴿٢٩﴾ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ عُدۡوَٰنٗا وَظُلۡمٗا فَسَوۡفَ نُصۡلِيهِ نَارٗاۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرًا ﴿٣٠﴾ إِن تَجۡتَنِبُواْ كَبَآئِرَ مَا تُنۡهَوۡنَ عَنۡهُ نُكَفِّرۡ عَنكُمۡ سَيِّـَٔاتِكُمۡ وَنُدۡخِلۡكُم مُّدۡخَلٗا كَرِيمٗا ﴿٣١﴾ وَلَا تَتَمَنَّوۡاْ مَا فَضَّلَ ٱللَّهُ بِهِۦ بَعۡضَكُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۚ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٞ مِّمَّا ٱكۡتَسَبُواْۖ وَلِلنِّسَآءِ نَصِيبٞ مِّمَّا ٱكۡتَسَبۡنَۚ وَسۡـَٔلُواْ ٱللَّهَ مِن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٗا ﴿٣٢﴾ وَلِكُلّٖ جَعَلۡنَا مَوَٰلِيَ مِمَّا تَرَكَ ٱلۡوَٰلِدَانِ وَٱلۡأَقۡرَبُونَۚ وَٱلَّذِينَ عَقَدَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡ فَـَٔاتُوهُمۡ نَصِيبَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدًا ﴿٣٣﴾

وخدا می خواهد که برشما به رحمت بازگردد و آنانکه پیروی شهوات را می کنند می خواهند که کجروی کنید کجروی بزرگ (٢٧). خدا می خواهد که ازشما سبك کند وانسان ناتوان آفریده شده است (٢٨). ای مؤمنان اموال خودرا درمیان خویش به ناحق مخورید[٣٦] مگر اینکه آن (دادوستد) تجارت بین شما بعداز رضامندی یکدیگر باشد و مَکُشید خویشتن را هرآئینه خدا به شمامهربان هست (٢٩). وهرکه به (غرض) تعدی وستم چنین کند پس بزودی به دوزخ درآریمش واین برخدا آسان است (٣٠). ا گر ازکبایر منهیات اجتناب کنید ازشما گناهان صغیره شمارا نابود سازیم و شمارا بمحل گرامی درآوریم[٣٧] (٣١). و مرتبه ای را که خداوند به آن بعضی را از شمابربعضی برتری داده آرزو مکنید، برای مردان هست بهره ای ازآنچه دریافت کرده اند وزنان راهست بهره ای ازآنچه دریافت کرده اند و ازدرگاه خدا ازبخشایش او به طلبید هرآئینه خدا بهمه چیزدانا است (٣٢). و برای هر چیزی ازآنچه گذا شته اند پدرومادروخویشان وارثان مقرر کردیم وکسانیکه ایشان را عهدهای شما (با آنان) مربوط ساخته است پس ایشان را بهرهٔ ایشان بدهید هرآئینه خدا برهمه چیز حاضر[٣٨] هست (٣٣).

---

(٣٦) یعنی مال یك دیگر را بناحق نباید خورد.

(٣٧) گناه کبیره آنست که برآن حدمشروع شده باشد یا وعید دوزخ آمده یابکفر مُسمّی شده در قرآن یا سنت صحیحه وهرکه از کبایر اجتناب کند صغایر اورا نمازوروزه وصدقه نابودمی سازد والله اعلم.

(٣٨) یعنی حلیف را رعایت کردن یا وصیت کردن میتواند وایشانرا درمیراث دخل نیست ومیراث برای اقربا مقرر کرده شده است والله اعلم.

ٱلرِّجَالُ قَوَّٰمُونَ عَلَى ٱلنِّسَآءِ بِمَا فَضَّلَ ٱللَّهُ بَعۡضَهُمۡ عَلَىٰ
بَعۡضٖ وَبِمَآ أَنفَقُواْ مِنۡ أَمۡوَٰلِهِمۡۚ فَٱلصَّٰلِحَٰتُ قَٰنِتَٰتٌ
حَٰفِظَٰتٞ لِّلۡغَيۡبِ بِمَا حَفِظَ ٱللَّهُۚ وَٱلَّٰتِي تَخَافُونَ
نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَٱهۡجُرُوهُنَّ فِي ٱلۡمَضَاجِعِ
وَٱضۡرِبُوهُنَّۖ فَإِنۡ أَطَعۡنَكُمۡ فَلَا تَبۡغُواْ عَلَيۡهِنَّ سَبِيلًاۗ
إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيّٗا كَبِيرٗا ﴿٣٤﴾ وَإِنۡ خِفۡتُمۡ شِقَاقَ بَيۡنِهِمَا
فَٱبۡعَثُواْ حَكَمٗا مِّنۡ أَهۡلِهِۦ وَحَكَمٗا مِّنۡ أَهۡلِهَآ إِن
يُرِيدَآ إِصۡلَٰحٗا يُوَفِّقِ ٱللَّهُ بَيۡنَهُمَآۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا
خَبِيرٗا ﴿٣٥﴾ ۞ وَٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُشۡرِكُواْ بِهِۦ شَيۡـٔٗاۖ
وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنٗا وَبِذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ
وَٱلۡجَارِ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡجَارِ ٱلۡجُنُبِ وَٱلصَّاحِبِ بِٱلۡجَنۢبِ
وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ
لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخۡتَالٗا فَخُورًا ﴿٣٦﴾ ٱلَّذِينَ يَبۡخَلُونَ
وَيَأۡمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلۡبُخۡلِ وَيَكۡتُمُونَ مَآ ءَاتَىٰهُمُ
ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦۗ وَأَعۡتَدۡنَا لِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٗا مُّهِينٗا ﴿٣٧﴾

مردانِ (تدبیر کارکننده) برزنان تسلط دارند به سبب آنکه خدا بعض آدمیان را بر بعضی[٣٩] فضل نهاده است وبسبب آنکه ازاموال خویش خرج کردند پس زنان نیکوکار فرمانبردارند، درغیبت زوج به نگاه[٤٠] داشت خدا نگاهدارنده اند[٤١] وآن زنان که ازنافرمانی ایشان میترسید پس ایشان را پند دهید و ایشانرا درخوابگاه ترك کنید[٤٢] وبزنید ایشان را پس ا گر فرمانبرداری شماکردند پس برایشان راهی را جستجو مکنید[٤٣] هرآئینه خدا بلند مرتبهٔ بزرگ قدر هست (٣٤). و اگر (ای حاکمان) اختلاف میان زن و شوهررا ترسیدید پس صلاح کاری ازخویشان مرد وصلاح کاری ازخویشان زن بر گزینید ا گر این صلاح کاران صلح را بخواهند البته خدا درمیان ایشان موافقت آرد هرآئینه خدا دانای آگاه هست (٣٥). و خدارا بپرستید وچیزی را شریك او مقررمکنید وبه پدرو مادر نیکوکاری کنید وبه خویشان ویتیمان و گدایان و همسایهٔ خویشاوند وهمسایه بیگانه وبه هم نشین برپهلو نشسته (یعنی باهم نشته) وبه مسافر وبه آنچه دست شما مالك اوشد[٤٤] هرآئینه خدادوست نمیدارد کسی راکه متکبر خود ستاینده باشد (٣٦). کسانیکه آنان بخل می کنند و مردمان را به بخل وادار می کنند و آنچه راکه خدا داده است ایشان را ازفضل خود می پوشند و برای کافران عذاب رسواکننده ای آماده ساخته ایم (٣٧).

---

(٣٩) یعنی بسبب آنکه مردان دراصل جبلت برتر وقوی ترانداززنان.

(٤٠) یعنی مال و آبرورا.

(٤١) درین آیه بیان فرمودکه مردفرمان روا است بسبب فضل جبلی و بسبب انفاق وزن صالحه کسی است که فرمانبرداری کند وحفظ مال ـ وآبرو ـ نماید والله اعلم.

(٤٢) یعنی مباشرت مکنید (یا درخو ابگاه ترك کنید وبا اونخوابید).

(٤٣) یعنی به حیله ایذادادن تجسس مکنید والله اعلم.

(٤٤) یعنی غلامان و کنیزکان.

وَٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُمْ رِئَآءَ ٱلنَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ
وَلَا بِٱلْيَوْمِ ٱلْـَٔاخِرِ ۗ وَمَن يَكُنِ ٱلشَّيْطَـٰنُ لَهُۥ قَرِينًا فَسَآءَ
قَرِينًا ﴿٣٨﴾ وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ ءَامَنُوا۟ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْـَٔاخِرِ وَأَنفَقُوا۟
مِمَّا رَزَقَهُمُ ٱللَّهُ ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا ﴿٣٩﴾ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَظْلِمُ
مِثْقَالَ ذَرَّةٍ ۖ وَإِن تَكُ حَسَنَةً يُضَـٰعِفْهَا وَيُؤْتِ مِن لَّدُنْهُ
أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٤٠﴾ فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍۭ بِشَهِيدٍ
وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَـٰٓؤُلَآءِ شَهِيدًا ﴿٤١﴾ يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ ٱلَّذِينَ
كَفَرُوا۟ وَعَصَوُا۟ ٱلرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ ٱلْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ
ٱللَّهَ حَدِيثًا ﴿٤٢﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَقْرَبُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنتُمْ
سُكَـٰرَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا۟ مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِى
سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا۟ ۚ وَإِن كُنتُم مَّرْضَىٰٓ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَآءَ
أَحَدٌ مِّنكُم مِّنَ ٱلْغَآئِطِ أَوْ لَـٰمَسْتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَلَمْ تَجِدُوا۟ مَآءً
فَتَيَمَّمُوا۟ صَعِيدًا طَيِّبًا فَٱمْسَحُوا۟ بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ ۗ
إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا ﴿٤٣﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ نَصِيبًا مِّنَ
ٱلْكِتَـٰبِ يَشْتَرُونَ ٱلضَّلَـٰلَةَ وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّوا۟ ٱلسَّبِيلَ ﴿٤٤﴾

وآنان که اموال خودرا برای نمایاندن مردمان خرج می کنند ومعتقدنیستند به خدا ونه به روزقیامت وهرکه شیطان یار اوباشد پس وی بدیاری است (٣٨). وبرایشان چه زیان بود اگر به خدا و روز آخر ایمان می آوردند و ازآنچه خداداده است ایشان را خرج می کردند وخدا به ایشان دانا است (٣٩). وهرآئینه خدا وزنِ ذرّه ای ستم نمی کند و اگر آن عمل نیکی باشد چندبرابر کُنَدَش و ازنزد خود پاداش بزرگ بدهد(٤٠). پس چه حال باشد آنگاه که ازهر قومی گواهی را بیاوریم وتورا براین امت گواه بیاوریم (٤١). آنروز آرزو کنند آنانکه کافر شدند ونافرمانی پیامبر کردند که کاش برایشان زمین هموار کرده شود[٤٥] وازخداهیچ سخنی را پنهان نکنند (٤٢). اي مومنان به نماز نزديك مشويد درحالی که شما مست باشید تاآنکه بدانید آنچه به زبان می گویید[٤٦] وبه نماز نزديك مشويد درحال جنابت تاآنکه غسل کنید مگر آنکه مسافر باشید واگر بیمارباشید یا مسافر یا کسی ازشما ازجای قضاء حاجت بیاید یا مباشرت زنان کنید و آبی را نیابید پس به زمین پاك تیمم کنید پس به رویهای خویش ودست های خویش مسح کنید هرآئینه خداعفو کنندهٔ بخشاینده است (٤٣). آیاندیدی[٤٧] کسانی راکه داده شده اند بهره ای ازکتاب (یعنی یهود) می ستانند گمراهی را ومی خواهند که شما (نیز) راه را گم کنید (٤٤).

(٤٥) یعنی ازایشان نامی ونشانی نماند.

(٤٦) این حکم قبل ازتحریم خمر بود بعد ازان مستی کاملا حرام شد والله اعلم.

(٤٧) مترجم گوید که خدای عز وجل در ردّیهود وتعداد قبایح ایشان این آیات فرستاد.

وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِأَعۡدَآئِكُمۡۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَلِيّٗا وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ نَصِيرٗا ﴿٤٥﴾
مِّنَ ٱلَّذِينَ هَادُواْ يُحَرِّفُونَ ٱلۡكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِۦ وَيَقُولُونَ
سَمِعۡنَا وَعَصَيۡنَا وَٱسۡمَعۡ غَيۡرَ مُسۡمَعٖ وَرَٰعِنَا لَيَّۢا بِأَلۡسِنَتِهِمۡ
وَطَعۡنٗا فِي ٱلدِّينِۚ وَلَوۡ أَنَّهُمۡ قَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَا وَٱسۡمَعۡ وَٱنظُرۡنَا
لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡ وَأَقۡوَمَ وَلَٰكِن لَّعَنَهُمُ ٱللَّهُ بِكُفۡرِهِمۡ فَلَا يُؤۡمِنُونَ
إِلَّا قَلِيلٗا ﴿٤٦﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ ءَامِنُواْ بِمَا نَزَّلۡنَا
مُصَدِّقٗا لِّمَا مَعَكُم مِّن قَبۡلِ أَن نَّطۡمِسَ وُجُوهٗا فَنَرُدَّهَا
عَلَىٰٓ أَدۡبَارِهَآ أَوۡ نَلۡعَنَهُمۡ كَمَا لَعَنَّآ أَصۡحَٰبَ ٱلسَّبۡتِۚ وَكَانَ أَمۡرُ
ٱللَّهِ مَفۡعُولًا ﴿٤٧﴾ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَغۡفِرُ أَن يُشۡرَكَ بِهِۦ وَيَغۡفِرُ مَا دُونَ
ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُۚ وَمَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱفۡتَرَىٰٓ إِثۡمًا عَظِيمًا
﴿٤٨﴾ أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنفُسَهُمۚ بَلِ ٱللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَآءُ
وَلَا يُظۡلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٤٩﴾ ٱنظُرۡ كَيۡفَ يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَۖ
وَكَفَىٰ بِهِۦٓ إِثۡمٗا مُّبِينًا ﴿٥٠﴾ أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ نَصِيبٗا
مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡجِبۡتِ وَٱلطَّٰغُوتِ وَيَقُولُونَ
لِلَّذِينَ كَفَرُواْ هَٰٓؤُلَآءِ أَهۡدَىٰ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ سَبِيلًا ﴿٥١﴾

وخدا به دشمنان شما داناتراست وخدا دوست بس است وخدایاری دهنده کافی است (٤٥). از یهود گروهی هستند که کلمه هارا از جایگاهشان تغییر می دهند ومی گویند[٤٨] شنیدیم ونافرمانی کردیم ومی گویند «اسمع غیر مسمع وراعنا» سخن را بزبان خویش می‌پیچانند وطعنه می زنندردین واگر ایشان می گفتند شنیدیم و فرمانبرداری کردیم وبجای ﴿اسمع غیر مسمع﴾ اسمع می گفتند وبجای «راعنا» انظرنا هر آئینه ایشان را بهتر ودرست تر می‌بود ولیکن خدا ایشان را بسبب کفر ایشان لعنت کرده است پس مگراندکی ایمان نمی آرند[٤٩] (٤٦). ای اهل کتاب به آنچه فرودآوردیم، باور کنندهٔ آنچه باشمااست ایمان آرید پیش ازآنکه محوکنیم صورت هایی را پس بگردانیمش بر پشت سرَ یا ایشان را لعنت کنیم چنانکه اهل شنبه را لعنت کردیم ارادهٔ خدا شدنی است (٤٧). هر آئینه خدا نمی آمرزد اینکه به او شرك آورده شود وغیر از آن را برای هرکس که خواهد می آمرزد وهر که به خدا شرك ورزد هر آئینه گناهی برزگ را افترابسته است (٤٨). آیا بسوی کسانیکه ستایش می کنند خودرا ندیدی بلکه خدا ستایش می کند هرکه راخواهد و مقدار رشته ای ستم کرده نخواهند شد (٤٩). ببین چگونه دروغ را برخدا می بندند واین گناه آشکار او را بس است[٥٠] (٥٠). آیاندیدی به سوی کسانیکه بهره ای ازکتاب داده شدند به بت و معبود باطل ایمان می آورند ومی گویند درحق مشرکان که ایشان از مسلمانان راه یابنده تراند[٥١] (٥١).

---

(٤٨) یعنی به زبان حال.

(٤٩) مترجم گوید پیچانیدن سخن آنست که سَب وفحش راچنان درکلام خلط می کنند که کسی نشناسد ﴿وَٱسۡمَعۡ غَيۡرَ مُسۡمَعٖ﴾ دومعنی دارد یکی آنکه بشنو در حالتیکه معظم ومحترمی وکسی باتوخلاف رضای تونتواند گفت دیگرآنکه بشنودر حالتی که محقری وکسی بتوسخن نمی گوید وراعنا نیزدو معنی دارد یکی آنکه رعایت کن ما رادیگر احمق رعونت دارنده غرض ایشان سَب بود کلمهٔ محتمل معنیین می گفتند والله اعلم.

(٥٠) یعنی می گویند که بنی اسرائیل برگزیدگان خدایند ایشان را عذاب نخواهد شد مگر چند روزی.

(٥١) درین آیت تعریض است به آن که یهود روزاحزاب مددگار مشرکان شدند.

أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُۖ وَمَن يَلۡعَنِ ٱللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ نَصِيرًا ﴿٥٢﴾ أَمۡ لَهُمۡ نَصِيبٞ مِّنَ ٱلۡمُلۡكِ فَإِذٗا لَّا يُؤۡتُونَ ٱلنَّاسَ نَقِيرًا ﴿٥٣﴾ أَمۡ يَحۡسُدُونَ ٱلنَّاسَ عَلَىٰ مَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦۖ فَقَدۡ ءَاتَيۡنَآ ءَالَ إِبۡرَٰهِيمَ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَءَاتَيۡنَٰهُم مُّلۡكًا عَظِيمٗا ﴿٥٤﴾ فَمِنۡهُم مَّنۡ ءَامَنَ بِهِۦ وَمِنۡهُم مَّن صَدَّ عَنۡهُۚ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ﴿٥٥﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِنَا سَوۡفَ نُصۡلِيهِمۡ نَارٗا كُلَّمَا نَضِجَتۡ جُلُودُهُم بَدَّلۡنَٰهُمۡ جُلُودًا غَيۡرَهَا لِيَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمٗا ﴿٥٦﴾ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَنُدۡخِلُهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ لَّهُمۡ فِيهَآ أَزۡوَٰجٞ مُّطَهَّرَةٞۖ وَنُدۡخِلُهُمۡ ظِلّٗا ظَلِيلًا ﴿٥٧﴾ ۞ إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُكُمۡ أَن تُؤَدُّواْ ٱلۡأَمَٰنَٰتِ إِلَىٰٓ أَهۡلِهَا وَإِذَا حَكَمۡتُم بَيۡنَ ٱلنَّاسِ أَن تَحۡكُمُواْ بِٱلۡعَدۡلِۚ إِنَّ ٱللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُم بِهِۦٓۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ سَمِيعَۢا بَصِيرٗا ﴿٥٨﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَأُوْلِي ٱلۡأَمۡرِ مِنكُمۡۖ فَإِن تَنَٰزَعۡتُمۡ فِي شَيۡءٖ فَرُدُّوهُ إِلَى ٱللَّهِ وَٱلرَّسُولِ إِن كُنتُمۡ تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ وَأَحۡسَنُ تَأۡوِيلًا ﴿٥٩﴾

نصف الحزب ٩

ایشان آن گروه اند که خدا ایشان را لعنت کرد وهرکه خدا لعنت کندش پس برای او یاری دهنده نخواهی یافت (٥٢). آیا ایشان راهست بهره ای ازپادشاهی پس آن هنگام بمردمان مقدار نقیری[٥٢] ندهند (٥٣). آیا برمردمان بر آنچه ایشان را خدای تعالی ازفضل خودداده‌است حسدمی کنند پس هر آئینه ما آل ابراهیم را کتاب ودانش دادیم و ایشان را پادشاهی بزرگ دادیم (٥٤). پس ازکفار کسی هست که ایمان آورد به آن کتاب و ازایشان کسی هست که ازآن باز داشت شد ودوزخ آتش افروخته (برای آنان) بس است (٥٥). هر آئینه کسانی که بآیاتِ ما کافر شدند زود ایشان را به آتش درآوریم هرگاه که پخته گرددپوستهای ایشان به عوض برای ایشان پوستهای دیگر غیرازآن پیداکنیم تابچشند عذاب را هر آئینه خدا غالب استوارکار است (٥٦). وکسانیکه ایمان آورده اند وکارهای شایسته کرده اند زود ایشان را به بوستانهایی که میرود زیرآنها جوی ها درآوریم جاویدان آنجاهمیشه، برای ایشان در آن جا زنانِ پاك کرده شده هست و ایشان را بسایه نیك (یعنی راحت تمام) درآوریم (٥٧). هر آئینه خدا می فرماید شمارا که امانت هارا به اهل آن اداکنید ومیفرماید که براستی حکم کنید میان مردمان چون حاکم شوید هر آئینه نیکو چیز یست آنچه خدا شمارا به آن پندمیدهد هر آئینه خدا شنوای بینا هست[٥٣] (٥٨). ای مومنان خدارا فرمانبرداری کنید و پیامبررا فرمانبرداری کنید وفرمان روایان راازجنس خویش پس اگر در چیزی اختلاف کنید پس اورا به سوی خداو پیامبر اگر اعتقاد دارید به خدا وروز آخرت برگردانید این به اعتبار عاقبت بهتر ونیکوتر[٥٤] است (٥٩).

(٥٢) نقیر گودِی کوچکی است که برپشت خسته خرما می باشد، [یعنی به مردم هم و زن کمترین ذره ای نمیدهند].

(٥٣) درین آیه اشاره است بقصه عثمان حجبی که مفتاح کعبه ازدست وی گرفتند ومردمان آن رااز حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم طلب کردند آنحضرت قبول ننمود وبه عثمان تحویل داد.

(٥٤) مردم ضعیف الایمان درخلاف هوای نفس به حکم شرع راضی نمی شدند و گاهی به کاهنان و رئیسان کفر رجوع می کردند چون آنحضرت ایشان را براي معنی تعزیر یاتهدید فرمود سوگند خوردند که مخالفت آن حضرت مقصود ما نبود خدای تعالی درین باره آیات فرستاد.

أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا۟ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ
وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَن يَتَحَاكَمُوٓا۟ إِلَى ٱلطَّٰغُوتِ
وَقَدْ أُمِرُوٓا۟ أَن يَكْفُرُوا۟ بِهِۦ ۖ وَيُرِيدُ ٱلشَّيْطَٰنُ أَن يُضِلَّهُمْ
ضَلَٰلًۢا بَعِيدًا ﴿٦٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا۟ إِلَىٰ مَآ أَنزَلَ
ٱللَّهُ وَإِلَى ٱلرَّسُولِ رَأَيْتَ ٱلْمُنَٰفِقِينَ يَصُدُّونَ عَنكَ
صُدُودًا ﴿٦١﴾ فَكَيْفَ إِذَآ أَصَٰبَتْهُم مُّصِيبَةٌۢ بِمَا
قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَآءُوكَ يَحْلِفُونَ بِٱللَّهِ إِنْ أَرَدْنَآ إِلَّآ
إِحْسَٰنًا وَتَوْفِيقًا ﴿٦٢﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يَعْلَمُ ٱللَّهُ مَا
فِى قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُل لَّهُمْ فِىٓ
أَنفُسِهِمْ قَوْلًۢا بَلِيغًا ﴿٦٣﴾ وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا
لِيُطَاعَ بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۚ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ
جَآءُوكَ فَٱسْتَغْفَرُوا۟ ٱللَّهَ وَٱسْتَغْفَرَ لَهُمُ ٱلرَّسُولُ
لَوَجَدُوا۟ ٱللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا ﴿٦٤﴾ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ
حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا۟ فِىٓ
أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا۟ تَسْلِيمًا ﴿٦٥﴾

آیاندیدی به سوی کسانیکه گمان می کنند که به آنچه به سوی تونازل کرده شده است وبه آنچه پیش ازتونازل کرده شد ایمان آوردند، می خواهند که قضایای خویش را به طاغوت برند حال آنکه فرموده شد ایشان را که منکر او شوند و شیطان می خواهد که گمراه سازد ایشان راگمراهی‌دور (٦٠). وچون گفته شود به ایشان به سوی آنچه نازل کرده است خدا وبه سوی پیامبر بیایید می بینی منافقان را که ازتو سخت روی بر می تابند (٦١). پس چه حال است آنگاه که به ایشان مصیبتی برسد بسبب آنچه دستهای ایشان پیش فرستاده است پس بیایندنزد تو درحالیکه بخدا قسم می خورند که مگر نیکوکاری وموافقت کردن را[٥٥] نخواسته بودیم (٦٢). این گروه آنانندکه خدا می داند آنچه دردل های ایشان است پس ازایشان اعراض کن[٥٦] و ایشان را پنده و به ایشان سخنی مؤثر در دلهای ایشان بگو (٦٣). ونفرستادیم هیچ پیامبری را مگر برای آنکه به حکم خدا اطاعت کرده شود واگر این جماعت نزد تو می آمد ند وقتیکه برخویشتن ستم کردند پس ازخدا آمرزش طلب می کردند وبرای ایشان پیامبر آمرزش طلب می کرد هر آئینه خدارا توبه پذیر مهربان می یافتند (٦٤). پس قسم به پروردگار توکه ایشان مسلمان نباشند تاآنکه داور کنند تورا دراختلافی که میان ایشان واقع شد باز در دلهای خویش تنگی ازآنچه حکم فرمودی نیابند وکاملا گردن نهند (٦٥).

(٥٥) یعنی مردمان خصوم.

(٥٦) یعنی ازقتل ایشان.

وَلَوۡ أَنَّا كَتَبۡنَا عَلَيۡهِمۡ أَنِ ٱقۡتُلُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ أَوِ ٱخۡرُجُواْ مِن دِيَٰرِكُم مَّا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٞ مِّنۡهُمۡۖ وَلَوۡ أَنَّهُمۡ فَعَلُواْ مَا يُوعَظُونَ بِهِۦ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡ وَأَشَدَّ تَثۡبِيتٗا ﴿٦٦﴾ وَإِذٗا لَّأٓتَيۡنَٰهُم مِّن لَّدُنَّآ أَجۡرًا عَظِيمٗا ﴿٦٧﴾ وَلَهَدَيۡنَٰهُمۡ صِرَٰطٗا مُّسۡتَقِيمٗا ﴿٦٨﴾ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَعَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ وَٱلصِّدِّيقِينَ وَٱلشُّهَدَآءِ وَٱلصَّٰلِحِينَۚ وَحَسُنَ أُوْلَٰٓئِكَ رَفِيقٗا ﴿٦٩﴾ ذَٰلِكَ ٱلۡفَضۡلُ مِنَ ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ عَلِيمٗا ﴿٧٠﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ خُذُواْ حِذۡرَكُمۡ فَٱنفِرُواْ ثُبَاتٍ أَوِ ٱنفِرُواْ جَمِيعٗا ﴿٧١﴾ وَإِنَّ مِنكُمۡ لَمَن لَّيُبَطِّئَنَّ فَإِنۡ أَصَٰبَتۡكُم مُّصِيبَةٞ قَالَ قَدۡ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيَّ إِذۡ لَمۡ أَكُن مَّعَهُمۡ شَهِيدٗا ﴿٧٢﴾ وَلَئِنۡ أَصَٰبَكُمۡ فَضۡلٞ مِّنَ ٱللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمۡ تَكُنۢ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُۥ مَوَدَّةٞ يَٰلَيۡتَنِي كُنتُ مَعَهُمۡ فَأَفُوزَ فَوۡزًا عَظِيمٗا ﴿٧٣﴾ ۞ فَلۡيُقَٰتِلۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ يَشۡرُونَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا بِٱلۡأٓخِرَةِۚ وَمَن يُقَٰتِلۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَيُقۡتَلۡ أَوۡ يَغۡلِبۡ فَسَوۡفَ نُؤۡتِيهِ أَجۡرًا عَظِيمٗا ﴿٧٤﴾

واگرما برایشان می‌نوشتیم[٥٧] که بکشیدخویشتن رایا بیرون شوید ازخانه های خویش این کار را ازایشان مگر اندکی نمی کردند واگر می کردند آنچه به آن پندداده می شدند هر آئینه ایشان را بهتر بودی ومحکم تردر استواری دین (٦٦). وآنگاه البته ایشان را ازنزد خویش پاداش بزرگ می دادیم (٦٧). و ایشان را براه راست هدایت می کردیم (٦٨). وهرکه خدا و رسول را فرمان برد پس این جماعت همراه آن کسانند که خدابرایشان انعام کرده است ازپیامبران وصدّیقان وشهیدان وصالحان و آنهاازجهت رفاقت چه خوبند (٦٩). این بخشایش ازخدااست و خدا دانا[٥٨] بس است (٧٠). ای مسلمانان سلاح خود را برگیرید پس بیرون روید گروه گروه یا همگی باهم بیرون روید (٧١). وهر آئینه بعضی از شما آنست که درنگ می کند پس اگر به شمامصیبتی برسد گوید خدا برمن انعام کرد چون باآنان حاضر نبودم (٧٢). واگر به شمانعمتی از خدا برسد البته گوید گویاهرگز میان شما ومیان او دوستی ای نبوده است کاش می بودم باایشان پس مطلب بزرگ را می یافتم (٧٣). پس باید که درراه خدا آن مومنان که می فروشند زندگانی دنیارا به آخرت جنگ کنند وهرکه جنگ کند درراه خدا پس کشته شودیاغالب آید به زودی پاداش بزرگ را به اومیدهیم (٧٤).

---

(٥٧) یعنی واجب میکردیم.

(٥٨) مترجم گوید مردم ضعیف الاسلام دراول اسلام که جهاد فرض نشده بود دعوت اسلام قبول نمودندو چون جهاد فرض شد ازآن عقب نشینی کردند وازبعضی کلمات منافقانه سربر می زدو بعضی بامخالفین همزبان شده خلاف رضای آنحضرت رای مي دادند خدای تعالی درین باره آیات فرستاد.

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ ٱلرِّجَالِ
وَٱلنِّسَآءِ وَٱلْوِلْدَٰنِ ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ أَخْرِجْنَا مِنْ هَٰذِهِ ٱلْقَرْيَةِ
ٱلظَّالِمِ أَهْلُهَا وَٱجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَٱجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا
﴿٧٥﴾ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ يُقَٰتِلُونَ فِي
سَبِيلِ ٱلطَّٰغُوتِ فَقَٰتِلُوٓا۟ أَوْلِيَآءَ ٱلشَّيْطَٰنِ ۖ إِنَّ كَيْدَ ٱلشَّيْطَٰنِ
كَانَ ضَعِيفًا ﴿٧٦﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوٓا۟ أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا۟
ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُوا۟ ٱلزَّكَوٰةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ ٱلْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ
يَخْشَوْنَ ٱلنَّاسَ كَخَشْيَةِ ٱللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً ۚ وَقَالُوا۟ رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ
عَلَيْنَا ٱلْقِتَالَ لَوْلَآ أَخَّرْتَنَآ إِلَىٰٓ أَجَلٍ قَرِيبٍ ۗ قُلْ مَتَٰعُ ٱلدُّنْيَا قَلِيلٌ
وَٱلْءَاخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ ٱتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٧٧﴾ أَيْنَمَا تَكُونُوا۟
يُدْرِككُّمُ ٱلْمَوْتُ وَلَوْ كُنتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشَيَّدَةٍ ۗ وَإِن تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ
يَقُولُوا۟ هَٰذِهِۦ مِنْ عِندِ ٱللَّهِ ۖ وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا۟ هَٰذِهِۦ مِنْ
عِندِكَ ۚ قُلْ كُلٌّ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ ۖ فَمَالِ هَٰٓؤُلَآءِ ٱلْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ
حَدِيثًا ﴿٧٨﴾ مَّآ أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ ٱللَّهِ ۖ وَمَآ أَصَابَكَ مِن سَيِّئَةٍ
فَمِن نَّفْسِكَ ۚ وَأَرْسَلْنَٰكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا ۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدًا ﴿٧٩﴾

وچیست شمارا که جنگ نمی کنید درراه خدا و(برای رهایی) بیچارگان از مردان وزنان وکودکان(٥٩) آنانکه می گویند ای پروردگار مابیرون آورمارا ازین دِه که اهل آن ستمگاراند و برای ما از نزد خود کارسازی مقرر کن و برای ما از نزد خودیاری دهنده ای مقرر کن (٧٥). مومنان درراه خدا می جنگند وکافران درراه معبود باطل می جنگند پس جنگ کنید بادوستانِ شیطان هر آئینه حیلهٔ شیطان سست است (٧٦). آیاندیدی به سوی کسانیکه ایشان را گفته شد دستهای خود را بازدارید(٦٠) ونماز را برپاکنید و زکوٰة را بدهید(٦١) پس چون جنگ نوشته شد برایشان ناگاه گروهی ازایشان ازمردمان می ترسند مانند ترسیدن از خدا یابیشتر وگفتند ای پروردگارماچرا برماکارزاررا نوشتی چرا تازمانی نزدیك به ما مهلت ندادی؟ بگوبهره مندی دنیا اندك است وآخرت بهتر است کسی را که پرهیز گاری کند و مقدارِ رشته ای ستم کرده نخواهید شد (٧٧). هر جاکه باشید مرگ شمارا درمی یابد واگرچه درمحل های محکم باشید واگر به ایشان نعمتی برسد گویند این از نزد خداست واگر به ایشان شدّتی برسد (یعنی سختی) گویند یا محمد این ازنزد تست بگوهمه ازنزد خدا است پس چه حال است این قوم را نزدیك نیستند که سخنی را بفهمند (٧٨). آنچه به تو ازنعمت رسید پس ازخداست وآنچه به تو از گزند رسید پس ازنزد نفس تست و تورا برای مردمان پیامبر فرستادیم وخدا حاضر وگواه بس است (٧٩).

---

(٥٩) یعنی گرفتاران بدست کفار.
(٦٠) یعنی جنگ مکنید.
(٦١) یعنی پس قبول کردند.

مَّن يُطِعِ ٱلرَّسُولَ فَقَدۡ أَطَاعَ ٱللَّهَۖ وَمَن تَوَلَّىٰ فَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ
عَلَيۡهِمۡ حَفِيظٗا ﴿٨٠﴾ وَيَقُولُونَ طَاعَةٞ فَإِذَا بَرَزُواْ مِنۡ عِندِكَ
بَيَّتَ طَآئِفَةٞ مِّنۡهُمۡ غَيۡرَ ٱلَّذِي تَقُولُۖ وَٱللَّهُ يَكۡتُبُ مَا يُبَيِّتُونَۖ
فَأَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا
﴿٨١﴾ أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلۡقُرۡءَانَۚ وَلَوۡ كَانَ مِنۡ عِندِ غَيۡرِ ٱللَّهِ
لَوَجَدُواْ فِيهِ ٱخۡتِلَٰفٗا كَثِيرٗا ﴿٨٢﴾ وَإِذَا جَآءَهُمۡ أَمۡرٞ مِّنَ ٱلۡأَمۡنِ
أَوِ ٱلۡخَوۡفِ أَذَاعُواْ بِهِۦۖ وَلَوۡ رَدُّوهُ إِلَى ٱلرَّسُولِ وَإِلَىٰٓ أُوْلِي ٱلۡأَمۡرِ
مِنۡهُمۡ لَعَلِمَهُ ٱلَّذِينَ يَسۡتَنۢبِطُونَهُۥ مِنۡهُمۡۗ وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ
عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ لَٱتَّبَعۡتُمُ ٱلشَّيۡطَٰنَ إِلَّا قَلِيلٗا ﴿٨٣﴾
فَقَٰتِلۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفۡسَكَۚ وَحَرِّضِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ
عَسَى ٱللَّهُ أَن يَكُفَّ بَأۡسَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۚ وَٱللَّهُ أَشَدُّ بَأۡسٗا
وَأَشَدُّ تَنكِيلٗا ﴿٨٤﴾ مَّن يَشۡفَعۡ شَفَٰعَةً حَسَنَةٗ يَكُن لَّهُۥ
نَصِيبٞ مِّنۡهَاۖ وَمَن يَشۡفَعۡ شَفَٰعَةٗ سَيِّئَةٗ يَكُن لَّهُۥ كِفۡلٞ مِّنۡهَاۗ
وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ مُّقِيتٗا ﴿٨٥﴾ وَإِذَا حُيِّيتُم بِتَحِيَّةٖ فَحَيُّواْ
بِأَحۡسَنَ مِنۡهَآ أَوۡ رُدُّوهَآۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٍ حَسِيبًا ﴿٨٦﴾

هرکه پیامبر را فرمانبرداری کند پس هر آئینه فرمانبرداری خدا کرد وهر که اعراض کرد پس تورا برایشان نگهبان نفرستادیم[٦٢] (٨٠). ومی گویند فرمانبرداری (دردل مان داریم) پس چون گروهی از ایشان ازنزد تو به وقت شب بیرون روند رای زنند غیر آنچه تومی فرمایی وخدامی نویسد یعنی درنامهٔ اعمال آنچه شب می گویند پس ازایشان اعراض کن و بر خدا توکل نما وخدا کارسازنده بس است (٨١). آیا قرآن را تدّبر نمی کنند و اگر ازنزد غیر خدا می بود البته دراواختلافی بسیار می یافتند (٨٢). ووقتیکه بیاید نزد ایشان خبری ازایمنی یاترس آن را مشهور سازند واگر آن را به سوی پیامبر وبه سوی فرمان روایان ازاهل اسلام برمیگردانیدند هر آئینه می یافتند مصلحت آن خبررا ازایشان آنانکه میتوانند بر آوردن مصلحت را واگر نمی بود برشما بخشایش خدا ورحمت اوالبته شما شیطان را پیروی می کردید مگر اندکی (٨٣). پس جنگ کن (یا محمد) درراه خدا برتو مؤاخذه نیست مگراز ذات توو مسلمانان را رغبت دِه[٦٣] نزدیك است که خدا جنگ کافران را موقوف سازد وخدا باعتبار جنگ سخت تراست و باعتبار عقوبت سخت تراست (٨٤). هرکه شفاعت کند شفاعتی نیك اورابهره ای ازثواب آن باشد وهر که شفاعت کند شفاعتی بد اورا حصه ای از عذاب آن باشد و خدا برهمه چیز توانا هست[٦٤] (٨٥). وچون به سلامی تعظیم کرده شوید پس تعظیم کنید بکلمه ای بهترازآن یا مانند همان کلمه جواب دهید هر آئینه خدابرهمه چیز حساب گیرنده هست (٨٦).

---

(٦٢) یعنی این کلمه حق است که خیرازجانب خدا است وشراز جانب بنده لیکن مقصود این مردم ازین کلمه درست نیست وآن اینست که جهاد باجمیع قبائل عرب معقول نیست پس اگر فتح باشد بسی نعمتی غیر مترقب است واگر هزیمت باشد موافق حال این تدبیراست وچون جهاد بامرالهی است همه خیراست عقل را درآن دخل دادن صحیح نباشد والله اعلم.

(٦٣) یعنی برتو رغبت دادنست وبس اگر همراهی نکنند برتو مؤاخذه نیست والله اعلم.

(٦٤) یعنی مثلاً سفارش گدای را به تَوَانگری تا اورا چیزی بدهدنیك است وسفارش برای سارق تادست اونه بُرند درست نیست.

ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ لَيَجۡمَعَنَّكُمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا رَيۡبَ فِيهِۗ
وَمَنۡ أَصۡدَقُ مِنَ ٱللَّهِ حَدِيثٗا ﴿٨٧﴾ ۞ فَمَا لَكُمۡ فِي ٱلۡمُنَٰفِقِينَ
فِئَتَيۡنِ وَٱللَّهُ أَرۡكَسَهُم بِمَا كَسَبُوٓاْۚ أَتُرِيدُونَ أَن تَهۡدُواْ مَنۡ
أَضَلَّ ٱللَّهُۖ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ سَبِيلٗا ﴿٨٨﴾ وَدُّواْ لَوۡ تَكۡفُرُونَ
كَمَا كَفَرُواْ فَتَكُونُونَ سَوَآءٗۖ فَلَا تَتَّخِذُواْ مِنۡهُمۡ أَوۡلِيَآءَ حَتَّىٰ
يُهَاجِرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۚ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَخُذُوهُمۡ وَٱقۡتُلُوهُمۡ حَيۡثُ
وَجَدتُّمُوهُمۡۖ وَلَا تَتَّخِذُواْ مِنۡهُمۡ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرًا ﴿٨٩﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ
يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوۡمِۭ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُم مِّيثَٰقٌ أَوۡ جَآءُوكُمۡ حَصِرَتۡ
صُدُورُهُمۡ أَن يُقَٰتِلُوكُمۡ أَوۡ يُقَٰتِلُواْ قَوۡمَهُمۡۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ
لَسَلَّطَهُمۡ عَلَيۡكُمۡ فَلَقَٰتَلُوكُمۡۚ فَإِنِ ٱعۡتَزَلُوكُمۡ فَلَمۡ يُقَٰتِلُوكُمۡ
وَأَلۡقَوۡاْ إِلَيۡكُمُ ٱلسَّلَمَ فَمَا جَعَلَ ٱللَّهُ لَكُمۡ عَلَيۡهِمۡ سَبِيلٗا ﴿٩٠﴾
سَتَجِدُونَ ءَاخَرِينَ يُرِيدُونَ أَن يَأۡمَنُوكُمۡ وَيَأۡمَنُواْ قَوۡمَهُمۡ كُلَّ
مَا رُدُّوٓاْ إِلَى ٱلۡفِتۡنَةِ أُرۡكِسُواْ فِيهَاۚ فَإِن لَّمۡ يَعۡتَزِلُوكُمۡ وَيُلۡقُوٓاْ
إِلَيۡكُمُ ٱلسَّلَمَ وَيَكُفُّوٓاْ أَيۡدِيَهُمۡ فَخُذُوهُمۡ وَٱقۡتُلُوهُمۡ حَيۡثُ
ثَقِفۡتُمُوهُمۡۚ وَأُوْلَٰٓئِكُمۡ جَعَلۡنَا لَكُمۡ عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٗا مُّبِينٗا ﴿٩١﴾

بجز خدا هیچ معبود برحقی نیست البته شمارا به روزقیامت که هیچ شکی نیست درآن گرد خواهم آورد وکیست ازخدادرسخن راست گوتر[٦٥] (٨٧). پس چیست شمارا ای مسلمانان درباره تملق کنندگان دو گروه شدید[٦٦] وخدا ایشان را به شومی آنچه کردند نگونسارساخت آیا می خواهید که راه نمایید (یعنی ازجمله راه یابان شمارید) کسی راکه خدا اورا گمراه ساخت وهرکه را خداگمراه کند برای اوهیچ راهی نیابی (٨٨). این تملق کنند گان آرزو کردند که شما نیز کافر شوید چنانچه ایشان کافر شدند پس برابر باشید پس هیچکس را ازیشان دوست مگیرید تاآنکه در راه خدا هجرت کنند[٦٧] پس اگر اعراض کردند (یعنی ازاسلام وهجرت) پس ایشان را اسیر گیرید وهرجا که یابید ایشان را بکشید و کسی راАз ایشان دوست ویار مگیرید (٨٩). (اسیر گیریدوبکشید) مگر آنان را که پیوند دارند باگروهی که میان شما ومیان ایشان عهد است یابیایند نزد شما حال آنکه تنگ آمده است سینه های ایشان ازآنکه بجنگند باشمایا باقوم خویش بجنگند[٦٨] واگرخدامی‌خواست هر آئینه ایشان را برشما مسلط می ساخت پس باشما می‌جنگیدند پس اگراین فریق یکسوشوند ازجانب شماو نجنگند باشماو بیفگنند به سوی شماپیغام صلح را پس خداوند برضدایشان راهی را دراختیار شما نگذاشته است[٦٩] (٩٠). خواهید یافت قومی را که ازشما می خواهند ایمن شوند وایمن شوندازقوم خود هر گاه بازگردانیده می شوند به سوی فتنه انگیزی نگونسارانداخته شونددرآن[٧٠] پس اگر یکسونشوندازجنگ شماونیفگنند به سوی شما پیغام صلح را و دستهای خویش را بازندارند پس ایشان را اسیر گیرید وبکشید هرجاکه ایشان را یابید واین جماعت شمارا برایشان حجت ظاهر داده‌ایم (٩١).

---

(٦٥) مترجم گویدخدای تعالی بیان می فرماید که به تملقِ کفار اعتمادنبایدکرد.

(٦٦) یعنی بعضی به تملق فریفته شدند وبعضی نشدند ومی بایست که همه به اتفاق فریفته نمی شدند والله اعلم.

(٦٧) یعنی مسلمان شوند وهجرت کنند.

(٦٨) مترجم گوید و کسی که ایمان آوردوهجرت نکندحکم اوبطریق اولی فهمیده شد والله اعلم.

(٦٩) یعنی اگراسلام آورند وهجرت کنندایشان را دوست باید گرفت واگر اسلام نیاورندمی باید کشت مگرآنکه پیمان داشته باشند وثابتانرا برعهدوحلفای معاهدان رابه هیچ وجه نتوان ایذاداد والله اعلم.

(٧٠) صلح می کنند وباز نقض عهد می نمایند والله اعلم.

وَمَا كَانَ لِمُؤۡمِنٍ أَن يَقۡتُلَ مُؤۡمِنًا إِلَّا خَطَـٔٗاۚ وَمَن قَتَلَ
مُؤۡمِنًا خَطَـٔٗا فَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مُّؤۡمِنَةٖ وَدِيَةٞ مُّسَلَّمَةٌ
إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦٓ إِلَّآ أَن يَصَّدَّقُواْۚ فَإِن كَانَ مِن قَوۡمٍ عَدُوّٖ
لَّكُمۡ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مُّؤۡمِنَةٖۖ وَإِن كَانَ
مِن قَوۡمِۭ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُم مِّيثَٰقٞ فَدِيَةٞ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰٓ
أَهۡلِهِۦ وَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مُّؤۡمِنَةٖۖ فَمَن لَّمۡ يَجِدۡ فَصِيَامُ
شَهۡرَيۡنِ مُتَتَابِعَيۡنِ تَوۡبَةٗ مِّنَ ٱللَّهِۗ وَكَانَ ٱللَّهُ
عَلِيمًا حَكِيمٗا ﴿٩٢﴾ وَمَن يَقۡتُلۡ مُؤۡمِنٗا مُّتَعَمِّدٗا
فَجَزَآؤُهُۥ جَهَنَّمُ خَٰلِدٗا فِيهَا وَغَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ
وَلَعَنَهُۥ وَأَعَدَّ لَهُۥ عَذَابًا عَظِيمٗا ﴿٩٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ
ءَامَنُوٓاْ إِذَا ضَرَبۡتُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَتَبَيَّنُواْ وَلَا تَقُولُواْ
لِمَنۡ أَلۡقَىٰٓ إِلَيۡكُمُ ٱلسَّلَٰمَ لَسۡتَ مُؤۡمِنٗا تَبۡتَغُونَ
عَرَضَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا فَعِندَ ٱللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٞۚ
كَذَٰلِكَ كُنتُم مِّن قَبۡلُ فَمَنَّ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمۡ
فَتَبَيَّنُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٗا ﴿٩٤﴾

و[٧١] نسِزَدمسلمانی را که مسلمانی را بکشد مگر آنکه قتل به خطأ واقع شود (یعنی بغیر قصد) وهرکه مسلمانی را به خطأ بِکُشَد پس لازم است آزادکردن برده مسلمان وخون بها به خانواده مقتول سپرده شود مگر آنکه ازآن درگذرند پس اگر مقتول از گروه دشمنانِ شما باشد واومسلمانست پس لازم است آزادکردن بردهٔ مسلمان[٧٢] واگر باشد مقتول ازقومی که میان شماوایشان عهداست[٧٣] پس لازم است خون بها به خانواده او سپرده شود وآزاد کردن بردهٔ مسلمان پس هرکه برده ای را نیابد پس لازم است روزه داشتن دوماه پی درپی (قانونگذاری در کفاره) بجهت قبول توبه ازجانب خدا است و خداداناى استوارکار هست[٧٤] (٩٢). وهرکه مسلمانی را بقصد بِکُشَد پس جزای او دوزخ است جاویدباشدآنجا وبراوخدا خشم گرفته است و اورا لعنت کرد و برای اوعذابی بزرگ آماده ساخته است (٩٣). ای مسلمانان چون درراه خدا سفر کنید (یعنی برای جهاد) پس به خوبی بررسی کنید ومگویید کسی را که به سوی شماسلام انداخته است مسلمان نیستی متاع زندگانی دنیا را می طلبید پس نزد خداغنیمت های بسیاراست پیش ازین هم چنین بودید پس خدا برشما انعام کرد پس درست برسی کنید هر آئینه خدا به آنچه می کنیداگاه هست (٩٤).

---

(٧١) مترجم گوید خدای تعالی احکام قتل خطأ بیان می فرماید وآنکه امتناع از قتل کسیکه به کلمهٔ اسلام متکلم شدواجب است وفضل مجاهدان ووجوب هجرت ازدارکفر به داراسلام و کیفیت نمازسفر ونمازخوف بیان می کُند والله اعلم.

(٧٢) یعنی مقتول مسلمان اگر ازساکنان دارالحرب باشد دیت لازم نیست والله اعلم.

(٧٣) یعنی و او مومن باشد.

(٧٤) جمهور مفسرین تفسیر ﴿وَإِن كَانَ مِن قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ﴾ درمقتول کافر کردندبه ملاحظة آنکه توارث درمیان مومن وکافر منقطع است وسبیل دیت سبیل میراث است واین بندهٔ ضعیف می گوید تمهید مسئله به ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَن يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَئًا﴾ وتقید به «وهو مؤمن» درنظیر ما نحن فیه ظاهر است درآنکه اینجاقید ایمان معتبر است ولزوم دیت بجهت وفابعهدست نه برسبیل میراث ونظیرش وجوب مهرست درمسئله مؤمنه ازقوم متعاهدین درسوره ممتحنه والله اعلم.

لَّا يَسْتَوِي ٱلْقَٰعِدُونَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُوْلِي ٱلضَّرَرِ وَٱلْمُجَٰهِدُونَ
فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْۚ فَضَّلَ ٱللَّهُ ٱلْمُجَٰهِدِينَ بِأَمْوَٰلِهِمْ
وَأَنفُسِهِمْ عَلَى ٱلْقَٰعِدِينَ دَرَجَةًۚ وَكُلًّا وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلْحُسْنَىٰۚ وَفَضَّلَ ٱللَّهُ
ٱلْمُجَٰهِدِينَ عَلَى ٱلْقَٰعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٩٥﴾ دَرَجَٰتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً
وَرَحْمَةًۚ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٩٦﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ تَوَفَّىٰهُمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ
ظَالِمِيٓ أَنفُسِهِمْ قَالُواْ فِيمَ كُنتُمْۖ قَالُواْ كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي ٱلْأَرْضِۚ
قَالُوٓاْ أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ ٱللَّهِ وَٰسِعَةً فَتُهَاجِرُواْ فِيهَاۚ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَأْوَىٰهُمْ
جَهَنَّمُۖ وَسَآءَتْ مَصِيرًا ﴿٩٧﴾ إِلَّا ٱلْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ ٱلرِّجَالِ
وَٱلنِّسَآءِ وَٱلْوِلْدَٰنِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ﴿٩٨﴾
فَأُوْلَٰٓئِكَ عَسَى ٱللَّهُ أَن يَعْفُوَ عَنْهُمْۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا ﴿٩٩﴾ ۞ وَمَن
يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ يَجِدْ فِي ٱلْأَرْضِ مُرَٰغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةًۚ وَمَن
يَخْرُجْ مِنۢ بَيْتِهِۦ مُهَاجِرًا إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ يُدْرِكْهُ ٱلْمَوْتُ فَقَدْ
وَقَعَ أَجْرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿١٠٠﴾ وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي
ٱلْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَقْصُرُواْ مِنَ ٱلصَّلَوٰةِ إِنْ خِفْتُمْ
أَن يَفْتِنَكُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْۚ إِنَّ ٱلْكَٰفِرِينَ كَانُواْ لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿١٠١﴾

برابرنیستند نشینندگان غیر معذور ازمسلمانان و درراه خدای تعالی به مالهای خویش وجانهای خویش جهاد کنندگان، خدا مجاهدان را به مالهای وجانهای خویش برنشینندگان درمرتبه برتری داده است وهریکی را خدا وعده بهشت را داده است وافزون داده است خدا مجاهدان را به نسبت نشینندگان پاداش بزرگ[٧٥] (٩٥). (آنان رابه) مرتبه هاازجانب خویش وآمرزش وبخشایش افزون داده است و خدا آمرزندهٔ مهربان هست (٩٦). هر آئینه آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان کردند درحالتیکه آنان نسبت به خویشتن[٧٦] ستمگار بودند فرشتگان به ایشان گفتند شما درچه حال بودید گفتند درزمین مستضعف بودیم گفتند آیا زمین خدا فراخ نبود تا درآن هجرت می کردید درآن پس آن جماعت جای ایشان دوزخ است وآن بدجایی است (٩٧). مگر آنانکه به حقیقت بیچاره اند ازمردان وزنان وکودکان هیچ چاره نمی توانند وهیچ راه نمی یابند (٩٨). پس آن جماعت نزدیك است که خدا ازایشان عفو کند و خدا عفو کنندهٔ آمرزنده است (٩٩). وهرکه ترك وطن کند درراه خدا بیابد درزمین اقامت گاه بسیارو فراخی معیشت وهرکه بیرون رود ازخانهٔ خود هجرت کنان به سوی خدا و پیامبراو وسپس دریابد اورا موت[٧٧] پس به تحقیق که مزد اوبر خدا ثابت شد و خدا آمرزندهٔ مهربان است (١٠٠). وچون درزمین سفرکنید پس برشما گناهی نیست درآنکه قدری ازنمازرا قصر کنید اگر بترسید ازآنکه شما را کافران دربلاافگند هر آئینه کافران دشمن آشکار شما هستند[٧٨] (١٠١).

(٧٥) فائده قید غیراولی الضرر آنست که دراولی الضرراین حکم مطرد نیست بلکه جمعی باشند ازاولی الضرر که نیت صحیحه دارند ثواب عمل کامل یابند والله اعلم.

(٧٦) یعنی بترك هجرت از دار الحرب به دار السلام وبه تکثیر سواد کفار والله اعلم.

(٧٧) یعنی درراه قبل از وصول به مقصد.

(٧٨) مترجم گوید مشهور آن است که این آیت درصلوٰة مسافر نازل شده است وخوف قید اتفاقی است و آنچه نزدیك این بنده رجحان یافته است آنست که این آیت درصلوٰة خوف نازل شده است وسفرقیداتفاقیست ومراد از قصر درکیفیت رکوع وسجود است که بایمای ادا میتوان کرد نه درکمیت رکعات والله اعلم.

وَإِذَا كُنتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ ٱلصَّلَوٰةَ فَلْتَقُمْ طَآئِفَةٌ مِّنْهُم مَّعَكَ وَلْيَأْخُذُوٓاْ أَسْلِحَتَهُمْۖ فَإِذَا سَجَدُواْ فَلْيَكُونُواْ مِن وَرَآئِكُمْ وَلْتَأْتِ طَآئِفَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ يُصَلُّواْ فَلْيُصَلُّواْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُواْ حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْۗ وَدَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُم مَّيْلَةً وَٰحِدَةًۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِن كَانَ بِكُمْ أَذًى مِّن مَّطَرٍ أَوْ كُنتُم مَّرْضَىٰٓ أَن تَضَعُوٓاْ أَسْلِحَتَكُمْۖ وَخُذُواْ حِذْرَكُمْۗ إِنَّ ٱللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَٰفِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿١٠٢﴾ فَإِذَا قَضَيْتُمُ ٱلصَّلَوٰةَ فَٱذْكُرُواْ ٱللَّهَ قِيَٰمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْۚ فَإِذَا ٱطْمَأْنَنتُمْ فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَۚ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ كَانَتْ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ كِتَٰبًا مَّوْقُوتًا ﴿١٠٣﴾ وَلَا تَهِنُواْ فِى ٱبْتِغَآءِ ٱلْقَوْمِۖ إِن تَكُونُواْ تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَۖ وَتَرْجُونَ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٠٤﴾ إِنَّآ أَنزَلْنَآ إِلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ ٱلنَّاسِ بِمَآ أَرَىٰكَ ٱللَّهُۚ وَلَا تَكُن لِّلْخَآئِنِينَ خَصِيمًا ﴿١٠٥﴾

وچون درمیان مؤمنان باشی[٧٩] پس برای ایشان نمازرا برپاکردی پس باید گروهی ازایشان باتو بایستد وبایدکه سلاح های خویش را برگیرند پس چون آنان سجده کردند پس بایدکه پشت سرشما باشند[٨٠] وبایدکه آن گروه دیگرکه هنوز نمازنخوانده اند بیاید پس با تو نماز گذارند وبایدکه حذر[٨١] وسلاح خود را بگیرند آرزو کردندکافران که ای کاش غافل شوید ازسلاح های خویش و متاع های خویش پس برشما یك باره حمله کنند و برشما هیچ گناه نیست اگر شما را رنجی باشد ازباران یا بیمارباشید درآن که سلاح های خویش را به نهید والبته حذر خود را بگیرید هر آئینه خدا برای کافران عذاب رسواکننده آماده کرده است[٨٢] (١٠٢). پس چون نماز تمام کردید پس خدا را ایستاده ونشسته وبرپهلوهای خویش یاد کنید پس چون (آسوده خاطر) مطمئن شدید نمازرا برپا کنید[٨٣] هر آئینه نمازبرمومنان فرضی به وقت معین کرده شده هست (١٠٣). وسستی مکنید درجستجوی کفار اگر شمادردمند می شوید پس ایشان نیزدردمند می شوند چنانکه شما دردمند می شوید و شما از خدا امید دارید آنچه ایشان را امید نیست و خدا دانای استوارکار هست (١٠٤). هر آئینه[٨٤] ما به سوی توکتاب را به راستی فرود آوردیم تاحکم کنی میان مردمان به آنچه توراخدا شناسانده است ومباش برای حمایت خیانت کنند گان خصومت کننده (١٠٥).

(٧٩) یعنی وقت خوف.

(٨٠) یعنی در مقابل عدو.

(٨١) وحذر خود وزره وسپرراگویند.

(٨٢) مترجم گوید این را صورتها است یکی آنکه امام دوبارنماز گذارد یك بار به این جماعت ودیگربار بآن جماعت دیگر آنکه امام بایك جماعت یك رکعت گذارد ودرقیام توقف کند تا آنکه رکعت دیگر خوانده مقابل عدو روند آنجماعت دیگرآمده اقتدا به امام کنند و رکعت دیگر بآنجماعت خواند درتشهد چندان توقف کند که ازرکعت دوم فارغ شوند آنگه بایشان سلام دهد این هردوباصورتهای دیگرهمه صحیح وثابت است وهمه محتمل آنست والله اعلم.

(٨٣) یعنی بطریق نمازامن والله اعلم.

(٨٤) مترجم گوید مردم ضعیف الاسلام اگر کسی ازایشان مرتکب گناهی می شد برای وی حیله ها بافته پیش آنحضرت بوجهی اظهار میکردند که براءت اوبخاطر مبارك می رسید وبایکدیگر خلوت کرده رازها بخلاف رضای شریف درمیان می آوردند خدای تعالی آیات فرستاد.

وَٱسۡتَغۡفِرِ ٱللَّهَۖ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ١٠٦ وَلَا تُجَٰدِلۡ
عَنِ ٱلَّذِينَ يَخۡتَانُونَ أَنفُسَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ
خَوَّانًا أَثِيمٗا ١٠٧ يَسۡتَخۡفُونَ مِنَ ٱلنَّاسِ وَلَا يَسۡتَخۡفُونَ
مِنَ ٱللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمۡ إِذۡ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرۡضَىٰ مِنَ ٱلۡقَوۡلِۚ
وَكَانَ ٱللَّهُ بِمَا يَعۡمَلُونَ مُحِيطًا ١٠٨ هَٰٓأَنتُمۡ هَٰٓؤُلَآءِ
جَٰدَلۡتُمۡ عَنۡهُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا فَمَن يُجَٰدِلُ ٱللَّهَ عَنۡهُمۡ
يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ أَم مَّن يَكُونُ عَلَيۡهِمۡ وَكِيلٗا ١٠٩ وَمَن يَعۡمَلۡ
سُوٓءًا أَوۡ يَظۡلِمۡ نَفۡسَهُۥ ثُمَّ يَسۡتَغۡفِرِ ٱللَّهَ يَجِدِ ٱللَّهَ غَفُورٗا
رَّحِيمٗا ١١٠ وَمَن يَكۡسِبۡ إِثۡمٗا فَإِنَّمَا يَكۡسِبُهُۥ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦۚ
وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا ١١١ وَمَن يَكۡسِبۡ خَطِيٓـَٔةً
أَوۡ إِثۡمٗا ثُمَّ يَرۡمِ بِهِۦ بَرِيٓـٔٗا فَقَدِ ٱحۡتَمَلَ بُهۡتَٰنٗا وَإِثۡمٗا مُّبِينٗا
١١٢ وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكَ وَرَحۡمَتُهُۥ لَهَمَّت طَّآئِفَةٞ مِّنۡهُمۡ
أَن يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمۡۖ وَمَا يَضُرُّونَكَ
مِن شَيۡءٖۚ وَأَنزَلَ ٱللَّهُ عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَعَلَّمَكَ
مَا لَمۡ تَكُن تَعۡلَمُۚ وَكَانَ فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكَ عَظِيمٗا ١١٣

و ازخدا آمرزش خواه هر آئینه خدا آمرزندهٔ مهربان هست (١٠٦). واز کسانیکه به خود خیانت می کنند خصومت مکن هر آئینه خدا کسی را که خیانت کنندهٔ گنهگار باشد دوست نمی دارد (١٠٧). (گناهانشان را) ازمردمان پنهان می کنند حال آنکه ازخدا نتوانند پنهان دارند واوبا ایشان است آنگاه که به شب مشورت میکنند آنچه خدا ازتدبیر نمی پسندد و خدا به آنچه میکنند در بر گیرنده هست (١٠٨). آگاه باشید شمااى قوم که دفاع می کردید از خیانت کنندگان درزندگانی دنیا پس کیستکه از ایشان نزد خدا روزقیامت دفاع کند یاکیست که برایشان کارسازنده باشد (١٠٩). وهرکه کاربد انجام دهد یا بر خویش ستم کند باز ازخدا آمرزش طلبد خدا را آمرزندهٔ مهربان بیابد (١١٠). وهرکه گناهی بکند پس جزاین نیست که آن را برجان خویش می کند و خدا دانای استواکار هست (١١١). وهرکه خطایی بکند یا گناهی باز به آن بیگناهی را تهمت زند پس برخود افتراو گناه ظاهررا برداشت (١١٢). وا گر فضل خدا وبخشایش او برتو نمی بود قصد کرده بودند گروهی ازایشان که ترا گمراه کنند و گمراه نمی کنند مگر خویشتن را وهیچ ضرری به تو نرسانند و خدا برتو کتاب ودانش نازل کرد و تورا آنچه نمی دانستی آموخت و فضل خدا برتو بس بزرگ است (١١٣).

۞ لَّا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ
أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ ۚ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ
ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١١٤﴾ وَمَن
يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ
سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ ۖ وَسَاءَتْ
مَصِيرًا ﴿١١٥﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ
ذَٰلِكَ لِمَن يَشَاءُ ۚ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا
بَعِيدًا ﴿١١٦﴾ إِن يَدْعُونَ مِن دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَإِن يَدْعُونَ
إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا ﴿١١٧﴾ لَّعَنَهُ اللَّهُ ۘ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ
عِبَادِكَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ﴿١١٨﴾ وَلَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ
وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَآمُرَنَّهُمْ
فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ ۚ وَمَن يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّن
دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا ﴿١١٩﴾ يَعِدُهُمْ
وَيُمَنِّيهِمْ ۖ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿١٢٠﴾ أُولَٰئِكَ
مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا ﴿١٢١﴾

نیست خوبی دربسیاری ازمشورت پنهانی ایشان لیکن خوبی درمشورت کسی است که به صدقه یا به کار پسندیده یا به صلاح کاری میان مردمان می فرماید وهرکه به طلب خوشنودی خدا این کند پس بزودی پاداش بزرگ بدهیمش (١١٤). وهرکه مخالفت پیامبر کند بعد ازآنکه اورا هدایت معلوم شد و غیر راه مسلمانان را پیروی کند متوجه بکنیمش به آنچه روی کرده[٨٥] وبه دوزخ درآریمش واوبدجایی است (١١٥). هر[٨٦] آئینه خدا نمی آمرزد آنکه شریك به اومقرر کرده شود و غیر شرك را برای هرکس که خواهد می آمرزد وهرکه باخدا شریك مقرر کند پس به یقین گمراه شد گمراهی دور (١١٦). مشرکان بجز خدا مگربتانی راکه بنام دختران مسمی کرده اند نمی پرستند و مگر شیطان دوررفته ازحد را نمی پرستند (١١٧). خدا اورا لعنت کرد و شیطان گفت ازبندگان توحصه ای که در علم ازلی معین شده بگیرم (١١٨). والبته ایشان را گمراه کنم والبته ایشان را درآرزوی باطل افکنم والبته ایشان را بفرمایم تا گوش چهارپایان را بشگافند والبته بفرمایم ایشان را تا آفرینش خدا را تغییر دهند[٨٧] وهرکه شیطان را به جای خدا دوست گیرد پس زیان کارشد زیان ظاهر (١١٩). ایشان را وعده می‌دهد وایشان را درآرزو می افکند و ایشان را شیطان وعده نمی دهد مگر به فریب (١٢٠). آن جماعت جای ایشان دوزخ است و ازآن راه نجاتی نیابند (١٢١).

---

(٨٥) مترجم گوید یعنی قوت دل بیفزایم.

(٨٦) مترجم گوید ازینجا تغلیظ تحریم شرك می فرماید.

(٨٧) مترجم گوید یعنی مانند خصی کردن و سوزن زدن بربدن تاسرخ یاکبود گردانند والله اعلم.

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّٰتٍ
تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا ۖ وَعْدَ ٱللَّهِ
حَقًّا ۚ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ ٱللَّهِ قِيلًا ﴿١٢٢﴾ لَّيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ
وَلَآ أَمَانِىِّ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ ۗ مَن يَعْمَلْ سُوٓءًا يُجْزَ بِهِۦ
وَلَا يَجِدْ لَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٢٣﴾ وَمَن
يَعْمَلْ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ
فَأُوْلَٰٓئِكَ يَدْخُلُونَ ٱلْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ﴿١٢٤﴾ وَمَنْ
أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَٱتَّبَعَ
مِلَّةَ إِبْرَٰهِيمَ حَنِيفًا ۗ وَٱتَّخَذَ ٱللَّهُ إِبْرَٰهِيمَ خَلِيلًا ﴿١٢٥﴾ وَلِلَّهِ
مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ شَىْءٍ
مُّحِيطًا ﴿١٢٦﴾ وَيَسْتَفْتُونَكَ فِى ٱلنِّسَآءِ ۖ قُلِ ٱللَّهُ يُفْتِيكُمْ
فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِى ٱلْكِتَٰبِ فِى يَتَٰمَى ٱلنِّسَآءِ
ٱلَّٰتِى لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَن تَنكِحُوهُنَّ
وَٱلْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ ٱلْوِلْدَٰنِ وَأَن تَقُومُواْ لِلْيَتَٰمَىٰ بِٱلْقِسْطِ ۚ
وَمَا تَفْعَلُواْ مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِهِۦ عَلِيمًا ﴿١٢٧﴾

وآنانكه ايمان آوردند وكارهاى شايسته كردند ايشان را به بوستانهايى كه مى رود زيرآنها جويها درآوريم جاويدان آنجا هميشه خدا براستى وعده كرده است وكيست راست گوتراز خدا درسخن (١٢٢). كاربوفق آرزو هاى شما ونه بوفق آرزو هاى اهل كتاب نيست هركه كاربدبكند به او جزا داده خواهد شد و براى خود غيراز خدا هيچ دوستى ونه يارى دهنده‌اى نيابد (١٢٣). وهركه ازكار هاى شايسته بكند مرد باشد يا زن درحاليكه اومسلمان باشد پس آن جماعت به بهشت درآيند و مقدار نقيرى[٨٨] ستم كرده نشوند (١٢٤). وكيست نيكوتر باعتبار دين ازكسى كه روى خودرا براى خدا تسلم ساخت و اونيكو كاراست وپيروى كرد ملت ابراهيم رادر حالتى كه حنيف بود وخدا ابراهيم را دوست گرفت (١٢٥). وخدا راست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمين است و خدا به همه چيزدر برگيرنده است (١٢٦). و ازتودرباره زنان طلب فتوى مى كنند[٨٩] بگو خدا شما را درباره زنان فتوىٰ ميدهد وآنچه خوانده مى شود برشما در كتاب نازل شده است درحق آن زنان يتيمه كه نمى دهيدايشان را آنچه براى ايشان فرض كرده شده است ورغبت مى كنيد كه ايشان را به نكاح در آوريد[٩٠] ونازل شده است درباره بيچاره گان ازكودكان وحكم است به آنكه به انصاف تعهدحال يتيمان كنيد وهرآنچه مى كنيدازنيكويى خدا به آن دانا هست[٩١] (١٢٧).

(٨٨) يعنى كمترين ذره اى ستم نبينند، نقير گودى كوچكى است برپشت هسته خرما، مصحح.

(٨٩) يعنى چه نوع با ايشان معامله بايدكرد والله اعلم.

(٩٠) درنكاح زنان يتيمه رغبت مى كردند بسبب براعت جمال وحداثت سن در اداى نفقه ومهر كوتاهى مى نمودند والله اعلم.

(٩١) جواب اين استفتاء تفصيلى داشت پس خداى تعالى بعضى مسائل را حواله فرمودبه آيات سابقه وآن مسئله تحريم ظلم بر يتامى النساء است وبعضى را اينجا جواب داد وآن مسئله نشوزوتحريم ميل كلّى بيك زن واعراض اززن ديگر واباحه طلاق درصورت ضرورت والله اعلم.

وَإِنِ ٱمۡرَأَةٌ خَافَتۡ مِنۢ بَعۡلِهَا نُشُوزًا أَوۡ إِعۡرَاضٗا فَلَا جُنَاحَ
عَلَيۡهِمَآ أَن يُصۡلِحَا بَيۡنَهُمَا صُلۡحٗاۚ وَٱلصُّلۡحُ خَيۡرٞۗ
وَأُحۡضِرَتِ ٱلۡأَنفُسُ ٱلشُّحَّۚ وَإِن تُحۡسِنُواْ وَتَتَّقُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ
كَانَ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٗا ١٢٨ وَلَن تَسۡتَطِيعُوٓاْ أَن تَعۡدِلُواْ
بَيۡنَ ٱلنِّسَآءِ وَلَوۡ حَرَصۡتُمۡۖ فَلَا تَمِيلُواْ كُلَّ ٱلۡمَيۡلِ فَتَذَرُوهَا
كَٱلۡمُعَلَّقَةِۚ وَإِن تُصۡلِحُواْ وَتَتَّقُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ
غَفُورٗا رَّحِيمٗا ١٢٩ وَإِن يَتَفَرَّقَا يُغۡنِ ٱللَّهُ كُلّٗا مِّن سَعَتِهِۦۚ
وَكَانَ ٱللَّهُ وَٰسِعًا حَكِيمٗا ١٣٠ وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَلَقَدۡ وَصَّيۡنَا ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِن
قَبۡلِكُمۡ وَإِيَّاكُمۡ أَنِ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ وَإِن تَكۡفُرُواْ فَإِنَّ لِلَّهِ
مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدٗا
١٣١ وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا
١٣٢ إِن يَشَأۡ يُذۡهِبۡكُمۡ أَيُّهَا ٱلنَّاسُ وَيَأۡتِ بِـَٔاخَرِينَۚ وَكَانَ
ٱللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرٗا ١٣٣ مَّن كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ ٱلدُّنۡيَا فَعِندَ ٱللَّهِ
ثَوَابُ ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ سَمِيعَۢا بَصِيرٗا ١٣٤

اگرزنی ازشوهرش سرکشی یا روگردانی را بترسد پس برایشان گناهی نیست درآنکه به خوبی صلح (وآشتی) درمیان خویش برقرارسازند وصلح کاری بهتراست، ونفسها به نزدیك بخل حاضر کرده شده اند[٩٢] واگر نیکوکاری وپرهیزگاری کنید پس هر آئینه خدا به آنچه می کنید دانا هست (١٢٨). و نتوانید هرگز عدل کردن میان زنان اگرچه نهایت رغبت کنید پس باری کجی مکنید تمام کجی تا آنکه بگذارید آن زنان را مانند معلقه[٩٣] واگر صلاح کنید وپرهیزگاری نمایید پس هر آئینه خدا آمرزندهٔ مهربان هست (١٢٩). و اگر مرد وزن ازیکدیگر جدا شوند خدای تعالی هریکی را ازتوانگری خود کفایت کند خدا جواد استوارکار است (١٣٠). وخدای راست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین است وهر آئینه آنانرا که داده شدند کتاب پیش ازشما وشما را نیز حکم فرمودیم که ازخدا بترسید و اگر کافر شوید پس هرآئینه خدا راست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین است و خدا توانگر ستوده شده هست (١٣١). وخدا راست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین است وخدا کارسازبس است (١٣٢). اگر خواهد ای مردمان شما را دورکند و دیگران را به وجود آورد و خدا براین کار توانا هست (١٣٣). هرکه طالب جزای دنیا باشد (یعنی جزای عمل دردنیا طلب کند) پس نزد خدا ثواب دنیا وآخرت است وخدا شنوا و بیناست[٩٤] (١٣٤).

---

(٩٢) یعنی ازبخل غایب نمی شوند وآن را نمی گذارند (وهمواره در معرض بخل قرار دارند) والله اعلم.

(٩٣) مترجم گوید معلقه زنیست که نه بیوه باشدونه باو شوهر موافقت کند.

(٩٤) یعنی پس چرا طالب هر دونباشید والله اعلم.

۞ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُواْ قَوَّٰمِينَ بِٱلْقِسْطِ شُهَدَآءَ لِلَّهِ وَلَوْ
عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمْ أَوِ ٱلْوَٰلِدَيْنِ وَٱلْأَقْرَبِينَ ۚ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا
فَٱللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا ۖ فَلَا تَتَّبِعُواْ ٱلْهَوَىٰٓ أَن تَعْدِلُواْ ۚ وَإِن تَلْوُۥٓاْ
أَوْ تُعْرِضُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٣٥﴾ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ ءَامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَٱلْكِتَٰبِ ٱلَّذِى نَزَّلَ
عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَٱلْكِتَٰبِ ٱلَّذِىٓ أَنزَلَ مِن قَبْلُ ۚ وَمَن يَكْفُرْ
بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ فَقَدْ ضَلَّ
ضَلَٰلًۢا بَعِيدًا ﴿١٣٦﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ثُمَّ كَفَرُواْ ثُمَّ ءَامَنُواْ ثُمَّ
كَفَرُواْ ثُمَّ ٱزْدَادُواْ كُفْرًا لَّمْ يَكُنِ ٱللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ
سَبِيلًۢا ﴿١٣٧﴾ بَشِّرِ ٱلْمُنَٰفِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٣٨﴾ ٱلَّذِينَ
يَتَّخِذُونَ ٱلْكَٰفِرِينَ أَوْلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلْمُؤْمِنِينَ ۚ أَيَبْتَغُونَ
عِندَهُمُ ٱلْعِزَّةَ فَإِنَّ ٱلْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ﴿١٣٩﴾ وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِى
ٱلْكِتَٰبِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا
تَقْعُدُواْ مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُواْ فِى حَدِيثٍ غَيْرِهِۦٓ ۚ إِنَّكُمْ إِذًا مِّثْلُهُمْ ۗ
إِنَّ ٱللَّهَ جَامِعُ ٱلْمُنَٰفِقِينَ وَٱلْكَٰفِرِينَ فِى جَهَنَّمَ جَمِيعًا ﴿١٤٠﴾

ای مسلمانان برپادارندهٔ عدالت، اظهار کننده حق برای خدا باشید واگرچه برضرر خویشتن یا پدرومادر وخویشاوندان باشد اگرآنکه حق بروی ثابت میشود توانگر باشد یا فقیر بهرحال خدا برایشان مهربان تراست پس پیروی خواهش نفس مکنید ازعدل اعراض کنان واگر سخن را به پیچانید یا رویگردانید پس هر آئینه خدا به آنچه می کنید آگاه هست (١٣٥). ای مسلمانان به خدا وپیامبر او وآن کتاب که فروفرستاده است برپیامبر خود وآن کتاب که فرو فرستاده است پیش ازین ایمان آرید وهرکه به خدا وبه فرشتگان او وکتاب های او وپیامبران او وروز آخرت کافر شود پس به یقین که گمراه شد گمراهی دور[٩٥] (١٣٦). بیگمان آنانکه ایمان آوردند بازکافرشدند بازایمان آوردند بازکافر شدند باز در کفر زیاده روی کردند[٩٦] هرگز خدای تعالی ایشان را نیامرزد وهرگز ایشان را راهی نه‌نماید (١٣٧). منافقان را به آنکه ایشان را عذاب درد دهنده باشد خبر[٩٧] ده (١٣٨). آن منافقان که کافران را به جای مؤمنان دوست میگیرند آیانزد ایشان ارجمندی می طلبند پس هرآئینه ارجمندی به کلّی خدا را است (١٣٩). وهرآئینه خدا برشما در قرآن فروفرستاده است که چون آیات خد ارا بشنوید که به آنها کفر ورزیده میشود وبه آنها تمسخر کرده میشود پس منشینید باایشان تاآنکه درسخنی غیراز آن شروع کنند هرآئینه اگر شما چنین نکنید مانند کافران باشید هرآئینه خدا منافقان وکافران را دست جمعی دردوزخ بهم آرنده است (١٤٠).

---

(٩٥) مترجم گوید مرادآنست که هرکه درملت اسلامیه داخل شداورابه تفصیل تصدیق این چیزها لازم است.

(٩٦) یعنی اصرار کردند والله اعلم.

(٩٧) مترجم گوید ازاینجاوعید منافقان بیان می فرماید.

ٱلَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِن كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِّنَ ٱللَّهِ قَالُوٓاْ
أَلَمْ نَكُن مَّعَكُمْ وَإِن كَانَ لِلْكَٰفِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوٓاْ
أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُم مِّنَ ٱلْمُؤْمِنِينَۚ فَٱللَّهُ يَحْكُمُ
بَيْنَكُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِۗ وَلَن يَجْعَلَ ٱللَّهُ لِلْكَٰفِرِينَ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ
سَبِيلًا ﴿١٤١﴾ إِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ يُخَٰدِعُونَ ٱللَّهَ وَهُوَ خَٰدِعُهُمْ وَإِذَا
قَامُوٓاْ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ قَامُواْ كُسَالَىٰ يُرَآءُونَ ٱلنَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ
ٱللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٤٢﴾ مُّذَبْذَبِينَ بَيْنَ ذَٰلِكَ لَآ إِلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ وَلَآ إِلَىٰ
هَٰٓؤُلَآءِۚ وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ سَبِيلًا ﴿١٤٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ ٱلْكَٰفِرِينَ أَوْلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلْمُؤْمِنِينَۚ
أَتُرِيدُونَ أَن تَجْعَلُواْ لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَٰنًا مُّبِينًا ﴿١٤٤﴾ إِنَّ
ٱلْمُنَٰفِقِينَ فِى ٱلدَّرْكِ ٱلْأَسْفَلِ مِنَ ٱلنَّارِ وَلَن تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا
﴿١٤٥﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ وَأَصْلَحُواْ وَٱعْتَصَمُواْ بِٱللَّهِ وَأَخْلَصُواْ
دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَعَ ٱلْمُؤْمِنِينَۖ وَسَوْفَ يُؤْتِ ٱللَّهُ
ٱلْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٤٦﴾ مَّا يَفْعَلُ ٱللَّهُ بِعَذَابِكُمْ
إِن شَكَرْتُمْ وَءَامَنتُمْۚ وَكَانَ ٱللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا ﴿١٤٧﴾

آن منافقان که انتظار شما می کشند پس اگر شما را فتحی ازجانب خدا باشد گویندآیا باشما نبودیم[۹۸] واگر کافران را نصیبی باشد گویند یعنی به کافران آیا غالب نشدیم برشما[۹۹] وآیا شما را ازضرر مسلمانان باز نداشتیم[۱۰۰] پس خدا حکم خواهد کرد میان شما روزقیامت وهرگز نگشایدخدا برای کافران راهی را بر (زیان) مومنان[۱۰۱] (۱٤۱). هرآئینه منافقان (بگمان خود) خدا را فریب می دهند وخدانیز ایشانرا فریب می دهد وچون منافقان به سوی نماز برخیزند کاهلی کنان برخیزند به مردمان می نمایند و خدا را یاد نمی کنند مگراندکی (۱٤۲). مترددند درمیان این وآن نه به سوی اینانند ونه به سوی آنان وخداهرکه را گمراه کند پس هرگز برای او هیچ راهی را نیابی (۱٤۳). ای مسلمانان کافران را به جای مومنان دوست مگیرید آیا می خواهید که برای خدا برخویشتن دلیلی ظاهر را ثابت کنید (۱٤٤). هرآئینه منافقان درطبقهٔ زیرترین ازآتش اند و هر گز برای ایشان هیچ یاری دهنده ای را نیابی (۱٤٥). مگرآنانکه توبه کردند واصلاح پیش گرفتند و به (ریسمان) خدا چنگ زدند و دین خود را برای خدا خالص گردانیدند پس آنجماعت همراه مومنانند و خدا مومنان را زود پاداش بزرگ بدهد (۱٤٦). خدا به عذاب شما چه کار کند اگر شکرگذاری کنید وایمان آورید و خدا قدرشناس دانا هست (۱٤۷).

(۹۸) یعنی اززمره شمایم والله اعلم.

(۹۹) یعنی خواه مخواه شمارا مصلحت دادیم که بامسلمانان بجنگید و نگذاشتیم که بمصلحت دیگر عمل کنید والله اعلم.

(۱۰۰) یعنی سعی کردیم که ضرر مسلمانان بشمانرسد والله اعلم.

(۱۰۱) یعنی نشودکه اسلام رامستاصل گردانند والله اعلم.

۞ لَّا يُحِبُّ ٱللَّهُ ٱلْجَهْرَ بِٱلسُّوٓءِ مِنَ ٱلْقَوْلِ إِلَّا مَن ظُلِمَ ۚ وَكَانَ
ٱللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا ﴿١٤٨﴾ إِن تُبْدُوا۟ خَيْرًا أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُوا۟ عَن
سُوٓءٍ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا ﴿١٤٩﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكْفُرُونَ
بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ وَيُرِيدُونَ أَن يُفَرِّقُوا۟ بَيْنَ ٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ وَيَقُولُونَ
نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَن يَتَّخِذُوا۟
بَيْنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا ﴿١٥٠﴾ أُو۟لَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلْكَـٰفِرُونَ حَقًّا ۚ وَأَعْتَدْنَا
لِلْكَـٰفِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿١٥١﴾ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ
وَلَمْ يُفَرِّقُوا۟ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ أُو۟لَـٰٓئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ
أُجُورَهُمْ ۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿١٥٢﴾ يَسْـَٔلُكَ أَهْلُ ٱلْكِتَـٰبِ
أَن تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتَـٰبًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ ۚ فَقَدْ سَأَلُوا۟ مُوسَىٰٓ أَكْبَرَ
مِن ذَٰلِكَ فَقَالُوٓا۟ أَرِنَا ٱللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ ٱلصَّـٰعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ۚ
ثُمَّ ٱتَّخَذُوا۟ ٱلْعِجْلَ مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ ٱلْبَيِّنَـٰتُ فَعَفَوْنَا
عَن ذَٰلِكَ ۚ وَءَاتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَـٰنًا مُّبِينًا ﴿١٥٣﴾ وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ
ٱلطُّورَ بِمِيثَـٰقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمُ ٱدْخُلُوا۟ ٱلْبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا
لَهُمْ لَا تَعْدُوا۟ فِى ٱلسَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَـٰقًا غَلِيظًا ﴿١٥٤﴾

خدا بلند گفتنِ سخنِ بد را دوست نمی دارد مگر از کسی که ستم دیده باشد و خدا شنوا دانا است (١٤٨). ا گر کارنیك را آشکار کنید یاپنهان کنید آن را یا عفو کنیدازظلمی پس هرآئینه خداعفو کننده توانا است (١٤٩). هرآئینه کسانی که به خدا وپیامبران او کافرمی شوند ومی‌خواهند که درمیان خدا وپیامبران او تفرقه کنند[١٠٢] ومی گویندایمان می آریم به بعضی از پیامبران ونامعتقد می شویم به بعضی ومیخواهندکه درمیان این وآن راهی گیرند (١٥٠). آن جماعت ایشانندکافران به حقیقت وآماده ساخته ایم برای کافران عذاب رسوا کننده (١٥١). وکسانیکه به خدا وپیامبران او ایمان آوردند و درمیان هیچ یکی ازایشان تفرقه نکردند آنجماعت خداایشان را مزد ایشان خواهد داد و خدا آمرزنده مهربان است (١٥٢). می طلبند ازتو اهل کتاب که فرود آوری برایشان کتابی ازآسمان (یعنی یکدفعه) پس ازموسیٰ سخت تر ازین سوال کرده بودند، گفتند خدا را به ما آشکارا بنما پس ایشان راصاعقه گرفت بسبب ظلم وستم ایشان بازگوساله را بعدازآنکه آمد به ایشان معجزه ها معبود گرفتند پس در گذشتیم ازین جریمه و موسی را حجتی ظاهر دادیم[١٠٣] (١٥٣). و بالای ایشان طوررا برای گرفتن عهدایشان برداشتیم وگفتیم ایشان را درآیید به دروازه سجده کنان وگفتیم ایشان را تجاوز مکنید در روزشنبه و ازایشان عهدمحکم را گرفتیم (١٥٤).

---

(١٠٢) یعنی به خداایمان آرند وبه پیامبران ایمان نیارند والله اعلم.

(١٠٣) مترجم گوید ازین جا خدای تعالی ردّشبه یهودمیکند که قرآن چرایکدفعه مثل الواح موسیٰ نازل نشدواین سخن ممتداست تا یااهل الکتاب لا تغلوا، الآیة.

فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَٰقَهُمْ وَكُفْرِهِم بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَقَتْلِهِمُ ٱلْأَنۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌۢ ۚ بَلْ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٥٥﴾ وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَٰنًا عَظِيمًا ﴿١٥٦﴾ وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا ٱلْمَسِيحَ عِيسَى ٱبْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ ٱللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ ۚ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ ٱخْتَلَفُوا۟ فِيهِ لَفِى شَكٍّ مِّنْهُ ۚ مَا لَهُم بِهِۦ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا ٱتِّبَاعَ ٱلظَّنِّ ۚ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًۢا ﴿١٥٧﴾ بَل رَّفَعَهُ ٱللَّهُ إِلَيْهِ ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٥٨﴾ وَإِن مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِۦ قَبْلَ مَوْتِهِۦ ۖ وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا ﴿١٥٩﴾ فَبِظُلْمٍ مِّنَ ٱلَّذِينَ هَادُوا۟ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَٰتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ كَثِيرًا ﴿١٦٠﴾ وَأَخْذِهِمُ ٱلرِّبَوٰا۟ وَقَدْ نُهُوا۟ عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَٰلَ ٱلنَّاسِ بِٱلْبَٰطِلِ ۚ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَٰفِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٦١﴾ لَّٰكِنِ ٱلرَّٰسِخُونَ فِى ٱلْعِلْمِ مِنْهُمْ وَٱلْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ ۚ وَٱلْمُقِيمِينَ ٱلصَّلَوٰةَ ۚ وَٱلْمُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلْمُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ أُو۟لَٰٓئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٦٢﴾

پس بسبب شکستنِ ایشان عهدخود را وبسبب کفرایشان به آیاتِ خداوکشتن ایشان انبیا را به ناحق وگفتنِ ایشان که دلهای ما درپرده است نه بلکه خدای تعالی بردل های ایشان بسبب کفرایشان مُهرنهاده است پس ایمان نیارند مگراندکی (١٥٥). وبسبب کفرایشان وگفتن ایشان برمریم بهتانی بزرگ[١٠٤] (١٥٦). وبسبب گفتن ایشان که هرآئینه ما مسیح عیسیٰ پسرمریم راکه في الواقع پیامبر خدابود کشتیم واورا نکشته اند واورا بردار نکشیده‌اند ولیکن (حقیقت أمر) برایشان مشتبه شد وهرآئینه کسانیکه اختلاف کردند دربارهٔ عیسیٰ ازحال او درشك اند ایشان رابآن یقینی نیست لیکن پیروی ظن میکنندو اورا به یقین نکشته اند (١٥٧). بلکه اوراخدای تعالیٰ به سوی خود برداشت و خدا غالب استوارکار هست (١٥٨). ونباشدهیچ کس ازاهل کتاب الّا پیش ازمردنش به عیسی[١٠٥] البته ایمان آورد وروزقیامت عیسیٰ برایشان گواه باشد (١٥٩). پس به سبب ظلمی‌که ازیهود به ظهورآمد برایشان چیزهای پاکیزه را که حلال بودند برای ایشان حرام ساختیم و (نیز) به (سزای) بازداشتن ایشان مردمان بسیاری را ازراه خدا (١٦٠). و (نیز) به سزای ربا گرفتنِ ایشان حال آنکه ازآن منع کرده شده اند و(نیز) به سزای خوردن ایشان اموالِ مردمان را به ناحق و برای کافران ازایشان (یعنی مصرّان برکفر) عذاب درد ناك مهیا کردیم[١٠٦] (١٦١). لیکن ثابت قدمان درعلم ازاهل کتاب ومومنان به آنچه فروفرستاده شده است به سوی توواآنچه فروفرستاده شده است پیش ازتو ایمان می آرند و (مدح می کنیم) برپادارندگانِ نماز را وهم چنین دهندگان زکوٰة را وایمان آرندگان به خدا وروزآخر این جماعت زود ایشانرا مُزد بزرگ بدهیم (١٦٢).

(١٠٤) یعنی قذف به زنا.

(١٠٥) مترجم گوید یعنی یهودی که حاضر شوند نزول عیسیٰ را البته ایمان آرند والله اعلم.

(١٠٦) مترجم گویداگرگوئی انکار عیسیٰ بعدنزول تورات کرده بودند وتحریم لحوم ابل وتحریم ذي ظفردر تورات مذکور بودپس چگونه جزای انکار عیسیٰ باشد گویم نزدیك این بنده ظاهر آنست مراد ازتحریم طیّبات موقوف داشتن نعمت هاست که سابقًا ایشانرا داده بودند ازپادشاهی ونبوت ونصرت وغیرآن واین مشابه آن آیتیست ﴿وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ ٱلذِّلَّةُ وَٱلْمَسْكَنَةُ﴾ الآیه واین آیت ﴿وَحَرَٰمٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَٰهَآ﴾ وبه این صورت جمیع کلام باهم مربوط باشد والله اعلم.

۞ إِنَّآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ كَمَآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ نُوحٖ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ مِنۢ بَعۡدِهِۦۚ
وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ
وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَٰرُونَ وَسُلَيۡمَٰنَۚ
وَءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ زَبُورٗا ١٦٣ وَرُسُلٗا قَدۡ قَصَصۡنَٰهُمۡ عَلَيۡكَ
مِن قَبۡلُ وَرُسُلٗا لَّمۡ نَقۡصُصۡهُمۡ عَلَيۡكَۚ وَكَلَّمَ ٱللَّهُ مُوسَىٰ
تَكۡلِيمٗا ١٦٤ رُّسُلٗا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ
لِلنَّاسِ عَلَى ٱللَّهِ حُجَّةُۢ بَعۡدَ ٱلرُّسُلِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمٗا
١٦٥ لَّٰكِنِ ٱللَّهُ يَشۡهَدُ بِمَآ أَنزَلَ إِلَيۡكَۖ أَنزَلَهُۥ بِعِلۡمِهِۦۖ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ
يَشۡهَدُونَۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدًا ١٦٦ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ قَدۡ ضَلُّواْ ضَلَٰلَۢا بَعِيدًا ١٦٧ إِنَّ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ وَظَلَمُواْ لَمۡ يَكُنِ ٱللَّهُ لِيَغۡفِرَ لَهُمۡ وَلَا لِيَهۡدِيَهُمۡ
طَرِيقًا ١٦٨ إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۚ وَكَانَ
ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٗا ١٦٩ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَكُمُ ٱلرَّسُولُ بِٱلۡحَقِّ
مِن رَّبِّكُمۡ فَـَٔامِنُواْ خَيۡرٗا لَّكُمۡۚ وَإِن تَكۡفُرُواْ فَإِنَّ لِلَّهِ
مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا ١٧٠

هرآئینه ما به سوی تو وحی فرستادیم چنانکه به سوی نوح وپیامبران پس ازوی وحی فرستادیم وچنانکه به سوی ابراهیم واسمعیل واسحق ویعقوب ونبیرگان وعیسیٰ وایوب ویونس وهارون وسلیمان وحی فرستادیم وچنانکه داود را زبور دادیم (١٦٣). وچنانکه فرستادیم پیامبرانی که داستان ایشان را پیش (ازاین برتوباز) گفته ایم وپیامبرانی که قصهٔ ایشان رابه تو نگفته ایم خدا با موسیٰ سخن گفت (١٦٤). پیامبرانِ مژده دهندگان وبیم کنندگان را فرستادیم تا مردمان را برخدا الزامی بعد ازفرستادن پیامبران نباشد[١٠٧] و خداغالب استوارکار است (١٦٥). لیکن خدا گواهی میدهد به آنچه به سوی تو فروفرستاده است که آن رابه علم خود فرو فرستاد وفرشتگان نیز گواهی می دهند وخدا گواه بس است (١٦٦). هرآئینه کسانیکه کافرشدند و مردمان را ازراه خدا بازداشتند به تحقیق گمراه شدند گمراهی دور (١٦٧). هرآئینه کسانیکه کافرشدند وستم کردند خدا هرگز ایشان را نیامرزد و ایشان را راهی نه نماید (١٦٨). مگرراه دوزخ جاویدان آنجا همیشه و این برخدا آسان هست (١٦٩). ای مردمان هرآئینه به شما پیامبر به راستی ازجانب پروردگار شما آمد پس ایمان آرید تا ایمان آوردن برای شما بهتر باشد و اگر کافرشوید پس هرآئینه ازآنِ خدا است آنچه درآسمانها وزمین است و خدا دانا استوارکار است (١٧٠).

(١٠٧) یعنی تا نگویند که تقصیرِ مانیست هیچ پیامبر نزد مانیامده والله اعلم.

يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لَا تَغۡلُواْ فِي دِينِكُمۡ وَلَا تَقُولُواْ عَلَى
ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡحَقَّۚ إِنَّمَا ٱلۡمَسِيحُ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ رَسُولُ ٱللَّهِ
وَكَلِمَتُهُۥٓ أَلۡقَىٰهَآ إِلَىٰ مَرۡيَمَ وَرُوحٞ مِّنۡهُۖ فَـَٔامِنُواْ بِٱللَّهِ
وَرُسُلِهِۦۖ وَلَا تَقُولُواْ ثَلَٰثَةٌۚ ٱنتَهُواْ خَيۡرٗا لَّكُمۡۚ إِنَّمَا ٱللَّهُ
إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ سُبۡحَٰنَهُۥٓ أَن يَكُونَ لَهُۥ وَلَدٞۘ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلٗا ﴿١٧١﴾ لَّن يَسۡتَنكِفَ
ٱلۡمَسِيحُ أَن يَكُونَ عَبۡدٗا لِّلَّهِ وَلَا ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ ٱلۡمُقَرَّبُونَۚ
وَمَن يَسۡتَنكِفۡ عَنۡ عِبَادَتِهِۦ وَيَسۡتَكۡبِرۡ فَسَيَحۡشُرُهُمۡ
إِلَيۡهِ جَمِيعٗا ﴿١٧٢﴾ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ
فَيُوَفِّيهِمۡ أُجُورَهُمۡ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضۡلِهِۦۖ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ
ٱسۡتَنكَفُواْ وَٱسۡتَكۡبَرُواْ فَيُعَذِّبُهُمۡ عَذَابًا أَلِيمٗا وَلَا
يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا ﴿١٧٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ
قَدۡ جَآءَكُم بُرۡهَٰنٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ نُورٗا مُّبِينٗا
﴿١٧٤﴾ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَٱعۡتَصَمُواْ بِهِۦ فَسَيُدۡخِلُهُمۡ فِي
رَحۡمَةٖ مِّنۡهُ وَفَضۡلٖ وَيَهۡدِيهِمۡ إِلَيۡهِ صِرَٰطٗا مُّسۡتَقِيمٗا ﴿١٧٥﴾

ای[۱۰۸] اهل کتاب دردین خود ازحد مگذرید ومگویید برخدا مگرسخنِ راست جزاین نیست که مسیح عیسیٰ پسر مریم پیامبرِ خداست وکلمهٔ اوست او را به سوی مریم انداخت وروحی است ازجانب خدا پس به خدا وپیامبران او ایمان آورید ومگویید خدایان سه اند بازآیید ازین قسمِ گفتار تااین بازماندن شما را بهتر باشد جزاین نیست که خدا معبود یگانه است خدا را ازآن که اورا فرزندی باشد پاکیست برای او است آنچه درآسمان ها وآنچه درزمین است وخداکار سازنده بس است (۱۷۱). هرگز عیسیٰ ازآنکه بندهٔ خدا باشد ننگ ندارد ونه فرشتگان مقرب ننگ دارند وهرکه ننگ کند ازبندگی او وسرکشی کند پس همگی ایشانرا به سوی خویش خواهد برانگیخت (۱۷۲). پس اماکسانیکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند پس ایشان را مزدهایشان تمام دهد و ایشان را ازفضل خود زیاده دهد واماکسانی که ننگ داشتند وسرکشی کردند پس عذاب کندایشان راعذاب درد دهنده و برای خویش بجز خداهیچ دوستی ونه هیچ یاری دهنده‌ای نیابند (۱۷۳). ای مردمان به تحقیق نزدیك شما دلیلی ازپروردگار شما آمد و به سوی شما روشنی آشکار نازل کردیم (۱۷٤). اماکسانی که به خدا ایمان آوردند و به او چنگ زدند پس زود ایشان را دررحمتی وفضلی (ازنزدیك) خود درآرد و ایشان را به سوی خودراه راست بنماید (۱۷۵).

---

(۱۰۸) مترجم گوید ازینجاشروع می فرماید در ردّ شبه نصاریٰ والله اعلم.

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ ٱللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِى ٱلْكَلَٰلَةِ ۚ إِنِ ٱمْرُؤٌا۟ هَلَكَ
لَيْسَ لَهُۥ وَلَدٌ وَلَهُۥٓ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ ۚ وَهُوَ يَرِثُهَآ إِن
لَّمْ يَكُن لَّهَا وَلَدٌ ۚ فَإِن كَانَتَا ٱثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا ٱلثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ ۚ
وَإِن كَانُوٓا۟ إِخْوَةً رِّجَالًا وَنِسَآءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ ٱلْأُنثَيَيْنِ ۗ
يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمْ أَن تَضِلُّوا۟ ۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌۢ ﴿١٧٦﴾

سُورَةُ المَائِدَةِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَوْفُوا۟ بِٱلْعُقُودِ ۚ أُحِلَّتْ لَكُم بَهِيمَةُ ٱلْأَنْعَٰمِ
إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّى ٱلصَّيْدِ وَأَنتُمْ حُرُمٌ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ
يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ ﴿١﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تُحِلُّوا۟ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ
وَلَا ٱلشَّهْرَ ٱلْحَرَامَ وَلَا ٱلْهَدْىَ وَلَا ٱلْقَلَٰٓئِدَ وَلَآ ءَآمِّينَ ٱلْبَيْتَ
ٱلْحَرَامَ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَٰنًا ۚ وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَٱصْطَادُوا۟ ۚ
وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَـَٔانُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ عَنِ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ أَن
تَعْتَدُوا۟ ۘ وَتَعَاوَنُوا۟ عَلَى ٱلْبِرِّ وَٱلتَّقْوَىٰ ۖ وَلَا تَعَاوَنُوا۟ عَلَى ٱلْإِثْمِ
وَٱلْعُدْوَٰنِ ۚ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ۖ إِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ ﴿٢﴾

ازتو طلب فتویٰ میکنند بگوخدای تعالی شمارا درباره ٔ میراث کلاله فتویٰ میدهد کسیکه پدروفرزند ندارد اگر مردی بمیردکه فرزندش نیست (یعنی ونه پدر ومادر) واوراخواهری باشد[١٠٩] پس خواهرش را است نیمه آنچه گذاشته است واگر این خواهر بمیرد آن برادروارثِ اوشود اگرنباشد آنرا فرزندی پس اگرخواهران دوباشند پس ایشان را است دوسوم حصه آنچه بگذاشته است و اگرایشان جماعت باشندمردان و زنان پس مردراست مانندِ حصه دوزن بیان می کندخدای برای شما تا گمراه نشوید وخدا بهمه چیز داناست (١٧٦).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

اي مومنان وفاکنید بعهد ها (یعنی عهدی که باخدابسته ایددر التزام احکام اوتعالی) برای شما چهار پایان ازقسم انعام حلال کرده شده مگر آنچه (حکمش) برشما خوانده میشود[١] نه حلال دارندِه شکار درحالتی که محرم باشید هرآئینه خدا حکم میکند آنچه می خواهد (١). ای مسلمانان حرمت شکنی نشانهای خدا ونه ماه حرام را[٢] ونه قربانی (بی نشان) را ونه آنچه راکه درگردن اوقلاده می اندازند (یعنی نشانه دار) مکنید ونه قصد کنندگان بیت الحرام راکه فضلی ازپروردگار خویش وخوشنودی ازوی[٣] می‌طلبند وچون احرام کشادید پس شکار بکنید ـ و شما را دشمنی گروهی بسبب آنکه بازداشتند شما را ازمسجد الحرام[٤] برتجاوزکردن ازحد حمل نکند وبایکدیگر برنیکوکاری و پرهیزگاری مدد کنید وبرگناه وستم بایکدیگر همکاری مَکُنید وازخدا بترسید هرآئینه خدا عقوبت او سخت است[٥] (٢).

---

(١٠٩) مترجم گوید یعنی اعیانی وا گر نباشدعلاتی قایم مقام اعیانی بود.

(١) یعنی شتر و گاو و گوسفند واین سه قسم راأنعام گویند حلال است مگرمیته، موقوذة وآنچه ذکرش بیاید والله اعلم.

(٢) یعنی قتال دررجب وذیقعده وذی الحجه ومحرم نباید والله اعلم.

(٣) یعنی تعرض حاجیان ومعتمران مسلمانان نبایدکرد ولقطه ٔ ایشان را نباید گرفت والله اعلم.

(٤) یعنی پیش ازفتح مکه و پیش ازآنکه مسلمان شوند والله اعلم.

(٥) مترجم گوید حکم تغلیظ تحریم قتال دراشهر حرم مخصوص است به مسلمین بدلیل آیت سوره بقره و تحریم تعرض حاجیان نیز به مسلمین آیت سوره ٔ براءت واین آیات از آخر مانزل است منسوخ داشتن آنهاچنانکه عامه مفسرین می گویند درست نمی آید والله اعلم.

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ ٱلْمَيْتَةُ وَٱلدَّمُ وَلَحْمُ ٱلْخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ لِغَيْرِ ٱللَّهِ بِهِۦ
وَٱلْمُنْخَنِقَةُ وَٱلْمَوْقُوذَةُ وَٱلْمُتَرَدِّيَةُ وَٱلنَّطِيحَةُ وَمَآ أَكَلَ
ٱلسَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى ٱلنُّصُبِ وَأَن تَسْتَقْسِمُوا۟
بِٱلْأَزْلَٰمِ ذَٰلِكُمْ فِسْقٌ ۗ ٱلْيَوْمَ يَئِسَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِن دِينِكُمْ فَلَا
تَخْشَوْهُمْ وَٱخْشَوْنِ ۚ ٱلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ
نِعْمَتِى وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلْإِسْلَٰمَ دِينًا ۚ فَمَنِ ٱضْطُرَّ فِى مَخْمَصَةٍ
غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِّإِثْمٍ ۙ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٣﴾ يَسْـَٔلُونَكَ مَاذَآ
أُحِلَّ لَهُمْ ۖ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ ٱلطَّيِّبَٰتُ ۙ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ ٱلْجَوَارِحِ
مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ ٱللَّهُ ۖ فَكُلُوا۟ مِمَّآ أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ
وَٱذْكُرُوا۟ ٱسْمَ ٱللَّهِ عَلَيْهِ ۖ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلْحِسَابِ ﴿٤﴾
ٱلْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ ٱلطَّيِّبَٰتُ ۖ وَطَعَامُ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ حِلٌّ لَّكُمْ
وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَّهُمْ ۖ وَٱلْمُحْصَنَٰتُ مِنَ ٱلْمُؤْمِنَٰتِ وَٱلْمُحْصَنَٰتُ
مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ مِن قَبْلِكُمْ إِذَآ ءَاتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ
مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَٰفِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِىٓ أَخْدَانٍ ۗ وَمَن يَكْفُرْ
بِٱلْإِيمَٰنِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُۥ وَهُوَ فِى ٱلْءَاخِرَةِ مِنَ ٱلْخَٰسِرِينَ ﴿٥﴾

حرام کرده شد برشما مردار وخون (یعنی خون مسفوح) و گوشتِ خوك و آنچه نام غیر خدا به وقت ذبح بَر او یاد کرده شود وآنچه به خفه کردن مرده باشد وآنچه بسنگ یا بعصا مرده باشد وآنچه ازجای بلند افتاده، بمیرد و آنچه به شاخ زدن مرده باشد و آنچه درنده خورده باشد مگر آنچه بعد از آفتهاذبح کرده باشید، حرام است آنچه ذبح کرده شود به نام بتها[٦] وحرام کرده شد آنکه طلب کنید معرفت قسمت خود به تیرهای فال این همه فسق است ـ امروز کافران ازدین شما ناامید شدند پس مترسید ازایشان وازمن بترسید امروز برای شما دین شمارا کامل‌کردم و برشما نعمت خود را تمام کردم واسلام را برای شما دین اختیار کردم پس هرکه ناچار شود در گرسنگی غیر مایل به گناه پس هرآئینه خدا آمرزنده مهربان است[٧] (٣). سوال می کنندتوراچه حلال کرده شد برای ایشان بگوحلال کرده شد برای شماپاکیزه ها[٨] وآنچه آموخته باشید اورا ازجانوران شکاری درحالتیکه شکار تعلیم کنندگانید می آموزیداین هارا بعض آنچه خدای تعالی شمارا آموخته است پس بخورید ازآنچه برای شما نگاهداشتند[٩] و نام خدا را برآن یاد کنید[١٠] وبترسیدازخدا هرآئینه خدا زود حساب کننده است (٤). امروز حلال کرده شدبرای شماپاکیزه ها وطعام اهل کتاب برای شما حلال است وطعام شما برای ایشان حلال است[١١] وحلال کرده شدبرای شما محصنان اززنانِ مسلمانان ومحصنات اززنانِ کسانیکه پیش ازشما کتاب داده شدند چون ایشان را مهرایشان بدهید عفت طلب کنان نه شهوت رانندگان ونه دوست پنهان گیرندگان وهرکه نامعتقدِاسلام باشد پس عمل او نابودشد واودر آخرت اززیان کاران است[١٢] (٥).

---

(٦) مترجم گویدیعنی برصورت قبر والله اعلم.

(٧) مترجم گوید یعنی درمخمصه خوردن مردار جایزاست ونزدیك ابی حنیفه فائده لفظ غیر مایل بگناه آنست که زیاده ازضرورت نخورد ونزدیك مالك وشافعی آنست که قاطع طریق و سارق را رخصت نیست واین آیت آخر قرآنست بعد ازین هیچ آیت نازل نشد والله اعلم.

(٨) آنچه عرب پاکیزه دانند والله اعلم.

(٩) مترجم گوید یعنی نخورده وندریده باشند برای خوردن خود والله اعلم.

(١٠) مترجم گوید یعنی وقت ارسال جانوران شکاری والله اعلم.

(١١) مترجم گویدیعنی آنچه براهل کتاب حلال بود برشماحلال است مثل گوسفندو گاو وآنچه برشما حلال کرده شد بر کسیکه ازایشان مسلمان شود حلالست مثل شترو ذی ظفروقبیله های یهود ونصاری را درین باب اعتبارنیست والله اعلم.

(١٢) مترجم گوید محصنات اینجا نزدیك امام ابی حنیفه بمعنی پارساست ونزدیك شافعی بمعنی آزاد واز ﴿غَيْرَ مُسَٰفِحِينَ﴾ مفهوم شدکه نکاح متعه درست نیست واز ﴿وَلَا مُتَّخِذَٰتِ أَخْدَانٍ﴾ مفهوم شدکه نکاحِ سرّ وپوشیده درست نیست والله اعلم.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا قُمْتُمْ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ فَٱغْسِلُواْ
وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى ٱلْمَرَافِقِ وَٱمْسَحُواْ بِرُءُوسِكُمْ
وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى ٱلْكَعْبَيْنِ ۚ وَإِن كُنتُمْ جُنُبًا فَٱطَّهَّرُواْ ۚ
وَإِن كُنتُم مَّرْضَىٰٓ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَآءَ أَحَدٌ مِّنكُم مِّنَ
ٱلْغَآئِطِ أَوْ لَٰمَسْتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَلَمْ تَجِدُواْ مَآءً فَتَيَمَّمُواْ صَعِيدًا
طَيِّبًا فَٱمْسَحُواْ بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُم مِّنْهُ ۚ مَا يُرِيدُ ٱللَّهُ
لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِّنْ حَرَجٍ وَلَٰكِن يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ
وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُۥ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٦﴾
وَٱذْكُرُواْ نِعْمَةَ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَٰقَهُ ٱلَّذِى وَاثَقَكُم
بِهِۦٓ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ
بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُواْ قَوَّٰمِينَ
لِلَّهِ شُهَدَآءَ بِٱلْقِسْطِ ۖ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَـَٔانُ قَوْمٍ عَلَىٰٓ
أَلَّا تَعْدِلُواْ ۚ ٱعْدِلُواْ هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ ۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ۚ إِنَّ
ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾ وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ ۙ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٩﴾

ای مسلمانان چون به سوی نماز برخیزید پس رویهای خود را ودست های خود را تا آرنج ها بشویید ومسح کنید سرهای خود را و پایهای خود را تاشتالنگ بشویید و اگر جنب باشید پس غسل کنید و اگر بیمار یا مسافر باشید یا یکی ازشما (از جای قضاء حاجت) ازخلاجای بیاید یا با زنان آمیزش کرده باشید[١٣] پس آب را نیابید پس خاك پاك را قصد کنید پس ازآن خاك به رویهای خودودست های خود مسح کنید نمی خواهد خدا که برشما مشقتی مشروع کند ولیکن می خواهد که شما را پاك سازد وتمام کند نعمت خود رابرشما تاشود که شکر گزاری کنید (٦). و نعمت خدارا برخویش یادکنید و (نیز) پیمان خدا را که باشما به آن پیمان عهد بسته است آنگاه که گفتید شنیدیم وفرمان برداری کردیم[١٤] وبترسید ازخدا هرآئینه خدا داناست به آنچه درسینه ها باشد (٧). ای مسلمانان مُتعهّدِ حقِ خدا باشید براستی گواهی دهند گان وحمل نکند شما را دشمنی قومی برترك انصاف عدل کنید عدل به پرهیز گاری نزدیك تراست و ازخدا بترسید هرآئینه خدا آگاه است به آنچه می کنید (٨). وعده کرده است خدا به کسانیکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند باین مضمون که برای ایشان آمرزش ومزدِ بزرگ است (٩).

(١٣) مترجم گوید یعنی جماع کرده باشید ونزدیك شافعی دست رسانیدن بهزنان ناقض وضواست والله اعلم.

(١٤) یعنی عهدیکه وقت بیعت بستید والله اعلم.

وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَكَذَّبُوا۟ بِـَٔايَـٰتِنَآ أُو۟لَـٰٓئِكَ أَصْحَـٰبُ
ٱلْجَحِيمِ ﴿١٠﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱذْكُرُوا۟ نِعْمَتَ
ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَن يَبْسُطُوٓا۟ إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ
فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنكُمْ ۖ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
ٱلْمُؤْمِنُونَ ﴿١١﴾ ۞ وَلَقَدْ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَـٰقَ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ
وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ ٱثْنَىْ عَشَرَ نَقِيبًا ۖ وَقَالَ ٱللَّهُ إِنِّى
مَعَكُمْ ۖ لَئِنْ أَقَمْتُمُ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَيْتُمُ ٱلزَّكَوٰةَ
وَءَامَنتُم بِرُسُلِى وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ ٱللَّهَ قَرْضًا
حَسَنًا لَّأُكَفِّرَنَّ عَنكُمْ سَيِّـَٔاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ
جَنَّـٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَـٰرُ ۚ فَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَٰلِكَ
مِنكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ ﴿١٢﴾ فَبِمَا نَقْضِهِم
مِّيثَـٰقَهُمْ لَعَنَّـٰهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَـٰسِيَةً ۖ يُحَرِّفُونَ
ٱلْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِۦ ۙ وَنَسُوا۟ حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا۟
بِهِۦ ۚ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَىٰ خَآئِنَةٍ مِّنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ ۖ
فَٱعْفُ عَنْهُمْ وَٱصْفَحْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿١٣﴾

ثلاثة أرباع الحزب ١١

وکسانی که کافر شدند و آیات مارا تکذیب کردند ایشان اهل دوزخ اند (۱۰). ای مومنان نعمت خدا را برخویشتن یادکنید آنگاه که قصد کردند قومی که دستهای خود را به سوی شما درازکنند[۱۵] پس دست های ایشان را ازشما باز داشت و از خدا بترسید وبرخدا باید که مومنان توکل کنند[۱۶] (۱۱). وهرآئینه خدای تعالی پیمان بنی اسرائیل را گرفت ومعیّن ساختیم ازایشان دوازده سردار وگفت خدا هر آئینه من باشماام مضمون پیمان آنکه اگر نمازرا برپاداشتید وزکوٰة را دادید ومعتقد شدید به پیامبران من وایشان را تقویت کردید و خدارا قرض نیك قرض دادید[۱۷] البته ازشما گناهانِ شمارا نابود سازم والبته شمارا به بوستانها ای که میرود زیرآنها جویها درآورم پس هرکه ازشما بعدازین کافرشود پس راه راست را گم کرد (۱۲). پس ایشان را به سبب شکستن ایشان پیمان خویش را لعنت کردیم ودلهای ایشان را سخت گردانیدیم که تغییر میدهند کلمات را از مواضع آن ها وفراموش کردند قسمتی ازآنچه به آن پندداده شدند وپیوسته تو برخیانتی ازایشان آگاه میشوی مگراندکی ازایشان پس درگذرکن ازایشان واعراض کن هرآئینه خدا نیکوکاران را دوست میدارد (۱۳).

---

(۱۵) یعنی قتال کنند والله اعلم.

(۱٦) این معجزه چند نوبت متحقق شدازآن جمله آنست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم به [مصالحت و] تقریبی بمحلهٔ یهود رفته بودند شخصی ازایشان خواست که سنگی بالای آنحضرت بافگند خدای تعالی دست آن شخص را بندکرد وازآن جمله آن است که کفار قریش درحدیبیه ازجنگ بازایستادند بعد ازآنکه داعیه جنگ داشتند وازآن جمله آنست که یکی از یاران مسیلمه کذاب دست درازی خواست خدای تعالی دست اورا کرخت ساخت.

(۱۷) یعنی درجهاد صرف کردید بتوقع ثواب آخرت والله اعلم.

وَمِنَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّا نَصَٰرَىٰٓ أَخَذۡنَا مِيثَٰقَهُمۡ فَنَسُواْ
حَظّٗا مِّمَّا ذُكِّرُواْ بِهِۦ فَأَغۡرَيۡنَا بَيۡنَهُمُ ٱلۡعَدَاوَةَ
وَٱلۡبَغۡضَآءَ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ وَسَوۡفَ يُنَبِّئُهُمُ ٱللَّهُ
بِمَا كَانُواْ يَصۡنَعُونَ ١٤ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ قَدۡ
جَآءَكُمۡ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمۡ كَثِيرٗا مِّمَّا
كُنتُمۡ تُخۡفُونَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَيَعۡفُواْ عَن كَثِيرٖۚ
قَدۡ جَآءَكُم مِّنَ ٱللَّهِ نُورٞ وَكِتَٰبٞ مُّبِينٞ ١٥
يَهۡدِي بِهِ ٱللَّهُ مَنِ ٱتَّبَعَ رِضۡوَٰنَهُۥ سُبُلَ ٱلسَّلَٰمِ
وَيُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ بِإِذۡنِهِۦ
وَيَهۡدِيهِمۡ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ١٦ لَّقَدۡ كَفَرَ
ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡمَسِيحُ ٱبۡنُ مَرۡيَمَۚ
قُلۡ فَمَن يَمۡلِكُ مِنَ ٱللَّهِ شَيۡـًٔا إِنۡ أَرَادَ أَن يُهۡلِكَ
ٱلۡمَسِيحَ ٱبۡنَ مَرۡيَمَ وَأُمَّهُۥ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ
جَمِيعٗاۗ وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَاۚ
يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٧

و ازکسانیکه گفتند مانصاریٰ هستیم پیمان ایشان را گرفتیم پس فراموش کردند قسمتی را ازآنچه به آن پندداده شدند پس درمیان فرقه های نصاریٰ دشمنی وکینه را تا روزقیامت برانگیختیم وزود خدا خبر خواهد داد ایشان را به آنچه می کردند (١٤). ای اهل کتاب هرآئینه به شما پیامبرما آمد بیان می کند برای شما بسیاری ازآنچه ازکتاب پنهان می داشتید (یعنی ازکتاب الهی) واودرگذر میکند ازتقصیرات بسیاری (ای اهل کتاب) هرآئینه به شماازجانب خدا نوری وکتابی روشن (یعنی قرآن) آمد (١٥). به آن خدا کسی را که طلب رضای اوکرد به سوی راه های نجات دلالت می نماید و ایشان را ازتاریکی ها به سوی روشنی باراده ٔ خود بیرون می‌آرد و ایشان را به سوی راه راست دلالت می کند (١٦). هرآئینه کافر شدند کسانیکه گفتند که خدا همون مسیح پسر مریم است[١٨] بگو کِه می تواند از خدا چیزی را (ازانتقام) اگر بخواهد که عیسیٰ پسر مریم را ومادرش را که مریم است هلاك کند و (نیز) همه آنان را که درزمین اند وبرای خدا است پادشاهی آسمان ها وزمین وآنچه درمیان این هردواست می آفریند هرچه راکه میخواهد وخدا برهمه چیز تواناست (١٧).

(١٨) یعنی حلول کرده است دروی.

وَقَالَتِ ٱلۡيَهُودُ وَٱلنَّصَٰرَىٰ نَحۡنُ أَبۡنَٰٓؤُاْ ٱللَّهِ وَأَحِبَّٰٓؤُهُۥۚ قُلۡ
فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُمۖ بَلۡ أَنتُم بَشَرٞ مِّمَّنۡ خَلَقَۚ يَغۡفِرُ لِمَن
يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُۚ وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ
وَمَا بَيۡنَهُمَاۖ وَإِلَيۡهِ ٱلۡمَصِيرُ ١٨ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ قَدۡ جَآءَكُمۡ
رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمۡ عَلَىٰ فَتۡرَةٖ مِّنَ ٱلرُّسُلِ أَن تَقُولُواْ مَا جَآءَنَا
مِنۢ بَشِيرٖ وَلَا نَذِيرٖۖ فَقَدۡ جَآءَكُم بَشِيرٞ وَنَذِيرٞۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ
شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٩ وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِۦ يَٰقَوۡمِ ٱذۡكُرُواْ
نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ جَعَلَ فِيكُمۡ أَنۢبِيَآءَ وَجَعَلَكُم مُّلُوكٗا
وَءَاتَىٰكُم مَّا لَمۡ يُؤۡتِ أَحَدٗا مِّنَ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢٠ يَٰقَوۡمِ ٱدۡخُلُواْ
ٱلۡأَرۡضَ ٱلۡمُقَدَّسَةَ ٱلَّتِي كَتَبَ ٱللَّهُ لَكُمۡ وَلَا تَرۡتَدُّواْ
عَلَىٰٓ أَدۡبَارِكُمۡ فَتَنقَلِبُواْ خَٰسِرِينَ ٢١ قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّ
فِيهَا قَوۡمٗا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَّدۡخُلَهَا حَتَّىٰ يَخۡرُجُواْ مِنۡهَا فَإِن
يَخۡرُجُواْ مِنۡهَا فَإِنَّا دَٰخِلُونَ ٢٢ قَالَ رَجُلَانِ مِنَ ٱلَّذِينَ يَخَافُونَ
أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمَا ٱدۡخُلُواْ عَلَيۡهِمُ ٱلۡبَابَ فَإِذَا دَخَلۡتُمُوهُ فَإِنَّكُمۡ
غَٰلِبُونَۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَتَوَكَّلُوٓاْ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ٢٣

و گفتند یهود وترسایان ماپسران خداییم ودوستان اوییم[19] بگوپس چرا شما را بر گناهان شما عذاب می کند بلکه شما آدمیانید از جنس آنچه پیداکرده است هرکه راخواهد می آمرزد و هر که را خواهد عذاب می کند پادشاهی آسمان ها وزمین وآنچه درمیان این هر دوباشد ازآنِ خدا است وبه سوی اوست بازگشت (۱۸). ای اهل کتاب هرآئینه بشما پیامبرما آمده است برای شما درحالت انقطاع آمدنِ پیامبران بیان می کند[20] تانگویید که نزدیك ما هیچ مژده دهنده وبیم دهنده نیامد آری هرآئینه آمده است بشما مژده دهنده وبیم دهنده وخدا برهمه چیز تواناست (۱۹). ویاد کن چون موسیٰ گفت قوم خود را ای قوم من نعمت خدا را برخویش چون پیدا کرد درمیان شما پیامبران را وپادشاه ساخت شمارا یاد کنید وداد به شما آنچه نداد به هیچ کس ازجهانیان[21] (۲۰). ای قوم من درآیید به زمین پاك که آن را خدا برای شما مقرر ساخته است ورویگردان مشوید برپشتهای خود آنگاه زیان کار گردید (یعنی فرار مکنید) (۲۱). گفتند ای موسی هرآئینه آنجا گروهی هستند زورآور وهرگز ما داخل نشویم آنجا تا آنکه ایشان ازآنجا بیرون آیند پس اگر ایشان ازآن جا بیرون شوند هرآئینه ما درآییم (۲۲). گفتند دومرد ازاهل تقویٰ که خدا برایشان انعام کرده بود[22] درآیید ای قوم براین جماعت ازراهِ دروازه چون درآمدید به دروازه پس هرآئینه شماغالب باشید وبرخدا توکل کنید اگر مسلمان هستید (۲۳).

(۱۹) مترجم گوید یعنی خدا را پدر خودمی‌گفتند والله اعلم.

(۲۰) یعنی بعد عیسیٰ بجز پیامبرماهیچ پیامبری مبعوث نشده بود ومدت میانِ ایشان پانصد شصت سال بود والله اعلم.

(۲۱) یعنی معجزات عظیمه ازفلقِ بحر (یعنی شگاف دریا) ورفع طور والله اعلم.

(۲۲) یعنی یوشع وکالب.

قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّا لَن نَّدۡخُلَهَآ أَبَدٗا مَّا دَامُواْ فِيهَا فَٱذۡهَبۡ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَٰتِلَآ إِنَّا هَٰهُنَا قَٰعِدُونَ ﴿٢٤﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي لَآ أَمۡلِكُ إِلَّا نَفۡسِي وَأَخِيۖ فَٱفۡرُقۡ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡفَٰسِقِينَ ﴿٢٥﴾ قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيۡهِمۡۛ أَرۡبَعِينَ سَنَةٗۛ يَتِيهُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ فَلَا تَأۡسَ عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡفَٰسِقِينَ ﴿٢٦﴾ ۞ وَٱتۡلُ عَلَيۡهِمۡ نَبَأَ ٱبۡنَيۡ ءَادَمَ بِٱلۡحَقِّ إِذۡ قَرَّبَا قُرۡبَانٗا فَتُقُبِّلَ مِنۡ أَحَدِهِمَا وَلَمۡ يُتَقَبَّلۡ مِنَ ٱلۡأٓخَرِ قَالَ لَأَقۡتُلَنَّكَۖ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ ٱللَّهُ مِنَ ٱلۡمُتَّقِينَ ﴿٢٧﴾ لَئِنۢ بَسَطتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقۡتُلَنِي مَآ أَنَا۠ بِبَاسِطٖ يَدِيَ إِلَيۡكَ لِأَقۡتُلَكَۖ إِنِّيٓ أَخَافُ ٱللَّهَ رَبَّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٢٨﴾ إِنِّيٓ أُرِيدُ أَن تَبُوٓأَ بِإِثۡمِي وَإِثۡمِكَ فَتَكُونَ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلنَّارِۚ وَذَٰلِكَ جَزَٰٓؤُاْ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢٩﴾ فَطَوَّعَتۡ لَهُۥ نَفۡسُهُۥ قَتۡلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُۥ فَأَصۡبَحَ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ﴿٣٠﴾ فَبَعَثَ ٱللَّهُ غُرَابٗا يَبۡحَثُ فِي ٱلۡأَرۡضِ لِيُرِيَهُۥ كَيۡفَ يُوَٰرِي سَوۡءَةَ أَخِيهِۚ قَالَ يَٰوَيۡلَتَىٰٓ أَعَجَزۡتُ أَنۡ أَكُونَ مِثۡلَ هَٰذَا ٱلۡغُرَابِ فَأُوَٰرِيَ سَوۡءَةَ أَخِيۖ فَأَصۡبَحَ مِنَ ٱلنَّٰدِمِينَ ﴿٣١﴾

گفتند ای موسیٰ ما هرگز در نیاییم درین زمین هیچ وقت مادامی که ایشان درآنجااند پس تووپرودرگار توبروید وجنگ کنید هرآئینه مااین جانشتسه گانیم (٢٤). گفت (موسیٰ) ای پروردگار من قادر نیستم الّابرخود وبرادر خود (یعنی هارون) پس فیصله کن میانِ ما ومیانِ گروه گناهگاران (٢٥). گفت خدا پس آن زمین برایشان حرام کرده شده است چهل سال درزمین سرگردان می شوند پس بر گروه ستمگاران اندوهناك مباش[٢٣] (٢٦). و برقوم خود خبرِ دو پسر آدم را براستی بخوان چون قربانی را نیازحق کردند پس ازیکی قبول کرده شد وازدیگری قبول کرده نشد[٢٤] گفت (قابیل) البته بکشم تورا (هابیل) گفت جزاین نیست که خدا از متقیان قبول می کند (٢٧). اگردراز کنی به سوی من دستِ خود را تامرا بکشی من هرگز به سوی تودست خود را درازنکنم تا تورا بکشم هر آئینه من ازخدا پروردگار جهانیان می ترسم (٢٨). هرآئینه من می خواهم که گناه مرا وگناه خود را ببری پس ازاهل دوزخ باشی واین جزای ستمگاران است (٢٩). پس نفسِ او درنظر اوکشتن برادرش را سهل ساخت پس‌اورا بکشت پس اززیان کاران شد[٢٥] (٣٠). پس خدا زاغی را که درزمین میشگافت فرستاد تابنمایدش چگونه جثه برادر خود را بپوشد گفت ای وای برمن! آیا عاجز شدم ازآنکه مانند این زاغ باشم پس جثه برادر خود را می پوشیدم، پس ازپشیمان شدگان شد (٣١).

---

(٢٣) یعنی حکم کردیم که بآن زمین منتفع نشوند چهل سال.
(٢٤) یعنی هابیل نیکوترین گوسفندی به نیازبُرد از غیب آتشی ظاهر شدوبخورد وقابیل بدترین گندم پیش آورد و آتش نیازش را نگرفت واین سبب حسد شد والله اعلم.
(٢٥) بعد از کشتن اوندانست که چگونه اورا دفن کند لذا جثهٔ اورا بر پشت نهاده میگشت والله اعلم.

مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ أَنَّهُۥ مَن قَتَلَ
نَفْسًۢا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِى ٱلْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ
ٱلنَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَآ أَحْيَا ٱلنَّاسَ
جَمِيعًاۚ وَلَقَدْ جَآءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِٱلْبَيِّنَٰتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا
مِّنْهُم بَعْدَ ذَٰلِكَ فِى ٱلْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ ﴿٣٢﴾ إِنَّمَا
جَزَٰٓؤُا۟ ٱلَّذِينَ يُحَارِبُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَسْعَوْنَ فِى
ٱلْأَرْضِ فَسَادًا أَن يُقَتَّلُوٓا۟ أَوْ يُصَلَّبُوٓا۟ أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ
وَأَرْجُلُهُم مِّنْ خِلَٰفٍ أَوْ يُنفَوْا۟ مِنَ ٱلْأَرْضِۚ ذَٰلِكَ
لَهُمْ خِزْىٌ فِى ٱلدُّنْيَاۖ وَلَهُمْ فِى ٱلْءَاخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ
﴿٣٣﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُوا۟ مِن قَبْلِ أَن تَقْدِرُوا۟ عَلَيْهِمْۖ فَٱعْلَمُوٓا۟
أَنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٣٤﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱتَّقُوا۟
ٱللَّهَ وَٱبْتَغُوٓا۟ إِلَيْهِ ٱلْوَسِيلَةَ وَجَٰهِدُوا۟ فِى سَبِيلِهِۦ
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٣٥﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَوْ أَنَّ لَهُم
مَّا فِى ٱلْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُۥ مَعَهُۥ لِيَفْتَدُوا۟ بِهِۦ مِنْ
عَذَابِ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ مَا تُقُبِّلَ مِنْهُمْۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٣٦﴾

بسبب این حادثه بربنی اسرائیل حکم کردیم که هرکه بکشد کسی را بغیر عوض کسی وبغیر فساد درزمین (یعنی قطع طریق وارتداد) پس چنانستی که مردمان را همگی کشته است وهر که سبب زندگانی کسی شدپس چنانستی که مردمان را همگی زنده ساخت وهرآئینه به بنی اسرائیل پیامبران ما به نشانه های روشن آمدند بازبسیاری ازایشان بعد ازین درزمین تجاوز کنندگانند[٢٦] (٣٢). جزاین نیست که جزای کسانیکه باخدا ورسول او جنگ می کنند و می شتابند درزمین بقصد فساد (یعنی‌رهزنی می کنند) آنست که کشته شوند یا بردار کشیده شوند یا دست ها وپایهای ایشان ازجانب مخالف بریده شود[٢٧] یا ازوطن دور رانده شوند این رسوایی ایشان را دردنیا است وایشان را درآخرت عذابِ عظیم است (٣٣). مگر کسانیکه پیش ازآنکه دست یابید برایشان توبه کردند پس بدانیدکه خدا آمرزنده مهربان است[٢٨] (٣٤). ای مسلمانان ازخدا بترسید و وسیله قرب به سوی او بطلبید و درراه او جهاد کنید تا رستگار شوید (٣٥). هرآئینه کسانیکه کفرورزیدند ا گر بدست ایشان همگی آنچه درزمین است وهمراه او مانند آن باشد تا آنکه به عوض خود دهند آن راازعذاب روزقیامت هرگز ازایشان قبول کرده نشود وایشان را عذاب درد ناك است (٣٦).

---

(٢٦) یعنی چون از قابیل رسم قتل پیداشد هر قتلی که در جهان واقع شود او را بدان مواخذه کنند همچنین در هر زمانه کسی که رسم کشتن نو می‌کند بحکم من سَنَّ سنة سیئة کان لهُ کفلٌ منها ـ در قتلی که بعد ازوی آید شرکتی درآن پیدا می نمایدپس این جا من اجل ذلك بجای علی قیاس ذلك واقع شده است والله اعلم.

(٢٧) یعنی دست راست وپای چپ والله اعلم.

(٢٨) یعنی حد ساقط است وحقوق آدمیان ساقط نیست والله اعلم.

يُرِيدُونَ أَن يَخْرُجُوا۟ مِنَ ٱلنَّارِ وَمَا هُم بِخَٰرِجِينَ مِنْهَا ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٣٧﴾ وَٱلسَّارِقُ وَٱلسَّارِقَةُ فَٱقْطَعُوٓا۟ أَيْدِيَهُمَا جَزَآءًۢ بِمَا كَسَبَا نَكَٰلًا مِّنَ ٱللَّهِ ۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٣٨﴾ فَمَن تَابَ مِنۢ بَعْدِ ظُلْمِهِۦ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٣٩﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ ٱللَّهَ لَهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ وَيَغْفِرُ لِمَن يَشَآءُ ۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤٠﴾ ۞ يَٰٓأَيُّهَا ٱلرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ ٱلَّذِينَ يُسَٰرِعُونَ فِى ٱلْكُفْرِ مِنَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓا۟ ءَامَنَّا بِأَفْوَٰهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ ۛ وَمِنَ ٱلَّذِينَ هَادُوا۟ ۛ سَمَّٰعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّٰعُونَ لِقَوْمٍ ءَاخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ ۖ يُحَرِّفُونَ ٱلْكَلِمَ مِنۢ بَعْدِ مَوَاضِعِهِۦ ۖ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَٰذَا فَخُذُوهُ وَإِن لَّمْ تُؤْتَوْهُ فَٱحْذَرُوا۟ ۚ وَمَن يُرِدِ ٱللَّهُ فِتْنَتَهُۥ فَلَن تَمْلِكَ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔا ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَمْ يُرِدِ ٱللَّهُ أَن يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ ۚ لَهُمْ فِى ٱلدُّنْيَا خِزْىٌ ۖ وَلَهُمْ فِى ٱلْءَاخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٤١﴾

بخواهند که ازدوزخ بیرون روند وازدوزخ نیستند بیرون رفتگان وایشان را عذاب دایم است (٣٧). ومرد دزد وزن دزد دستهای ایشان را ببرید جزای آنچه به عمل آورده اند از طرف خدا عبرتی است وخدا غالب داناست (٣٨). پس هر آن کس که پس ازستمش توبه کند وکارشایسته بعمل آورد پس هرآئینه خدا به رحمت بروی بازمیگردد هرآئینه خداآمرزنده مهربانست (٣٩). آیا ندانسته‌ای که برای خود خدا است پادشاهی آسمان ها وزمین، عذاب می کند هرکه راخواهد ومی آمرزد هرکه را خواهد وخدا بر همه چیز تواناست[٢٩] (٤٠). ای پیامبر اندوهگین نکند تورا کسانیکه درکفر سعی می کنند ازآنانکه گفتند به دهان خویش ایمان آوردیم ودلهای ایشان ایمان نیاورده است وازقوم یهود نیز ایشان شنوندگانند سخن دروغ را[٣٠] شنوندگانند برای گروه دیگران که هنوز پیش تونیامده اند[٣١] کلمات را (بعد ازثبوت آنها) درموضع خویش تغییر میدهند گویند اگرداده شوید این حکم مُحرّف قبول کنید واگرآنرا داده نشوید پس احترازنمایید وهرکه خدا ضلالت اورا اراده کرده است پس هرگز برای اوازخدا چیزی ازهدایت ایشان نتوانی آنانند که نخواسته است خدا که دلهای ایشان را پاك کند ایشان راست دردنیا رسوایی وایشان را درآخرت عذابِ بزرگ است (٤١).

(٢٩) مترجم گوید درتورات رجم زانی نازل شده بود و یهود تحریف کرده روی زانی را سیاه می کردند وچند تازیانه می زدند ودر زمان آنحضرت درمیان ایشان زنا واقع شد زانی را پیش آنحضرت بدست منافقان وذمیان فرستادندبقرارآن که اگر جلد فرمایند بکنیم واگر رجم فرمایند نکنیم آن حضرت صلی الله علیه وسلم حقیقت رجم را اظهار فرمودند ورجم کردند درین آیات اشاره است بآن قصه.

(٣٠) یعنی معتقد آن شده‌اند.

(٣١) یعنی جاسُوسان حربیان‌اند والله اعلم.

سَمَّٰعُونَ لِلۡكَذِبِ أَكَّٰلُونَ لِلسُّحۡتِۚ فَإِن جَآءُوكَ
فَٱحۡكُم بَيۡنَهُمۡ أَوۡ أَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡۖ وَإِن تُعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ فَلَن
يَضُرُّوكَ شَيۡـٔٗاۖ وَإِنۡ حَكَمۡتَ فَٱحۡكُم بَيۡنَهُم بِٱلۡقِسۡطِۚ
إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ ﴿٤٢﴾ وَكَيۡفَ يُحَكِّمُونَكَ
وَعِندَهُمُ ٱلتَّوۡرَىٰةُ فِيهَا حُكۡمُ ٱللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوۡنَ مِنۢ بَعۡدِ
ذَٰلِكَۚ وَمَآ أُوْلَٰٓئِكَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٤٣﴾ إِنَّآ أَنزَلۡنَا ٱلتَّوۡرَىٰةَ
فِيهَا هُدٗى وَنُورٞۚ يَحۡكُمُ بِهَا ٱلنَّبِيُّونَ ٱلَّذِينَ أَسۡلَمُواْ
لِلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلرَّبَّٰنِيُّونَ وَٱلۡأَحۡبَارُ بِمَا ٱسۡتُحۡفِظُواْ مِن
كِتَٰبِ ٱللَّهِ وَكَانُواْ عَلَيۡهِ شُهَدَآءَۚ فَلَا تَخۡشَوُاْ ٱلنَّاسَ
وَٱخۡشَوۡنِ وَلَا تَشۡتَرُواْ بِـَٔايَٰتِي ثَمَنٗا قَلِيلٗاۚ وَمَن لَّمۡ يَحۡكُم
بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ﴿٤٤﴾ وَكَتَبۡنَا
عَلَيۡهِمۡ فِيهَآ أَنَّ ٱلنَّفۡسَ بِٱلنَّفۡسِ وَٱلۡعَيۡنَ بِٱلۡعَيۡنِ وَٱلۡأَنفَ
بِٱلۡأَنفِ وَٱلۡأُذُنَ بِٱلۡأُذُنِ وَٱلسِّنَّ بِٱلسِّنِّ وَٱلۡجُرُوحَ
قِصَاصٞۚ فَمَن تَصَدَّقَ بِهِۦ فَهُوَ كَفَّارَةٞ لَّهُۥۚ وَمَن
لَّمۡ يَحۡكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٤٥﴾

ایشان سخن دروغ را شنوندگانند حرام را (یعنی رشوت را) خورندگانند پس ا گر پیش تو بیایند حکم کن میان ایشان یا ازایشان اعراض کن وا گر ازایشان اعراض کنی هیچ زیانی نرسانند به تو واگر حکم کنی پس حکم کن میان ایشان به انصاف هرآئینه خدا عدل کنندگان را دوست میدارد[٣٢] (٤٢). وچگونه حَکَم می کنند تورا ونزدیك ایشان تورات است که درآن حکم خداست بازاعراض می‌کنند بعد ازین ونیستند ایشان معتقدان[٣٣] (٤٣). هرآئینه ما تورات را که در وی هدایت وروشنی است فرودآوردیم حکم می کنند به آن برای یهود پیامبران که منقاد حُکمِ الهی اند وحکم می کنند داپرستان واحبار ایشان همه حکم میکردند به آنچه حافظ آن گردانیده شده‌اند ازکتاب خدا وبرآن گواه بودند[٣٤] پس گفتیم ازمردمان مترسید وازمن بترسید و به آیت های من بهای اندك خریدمکنید وهرکه حکم نکند به آنچه خدا فروفرستاده است پس ایشانند نامعتقدان (٤٤). ولازم ساختیم بریهود درتورات که شخص به عوض شخص است یعنی به عوض اوباید کشت وچشم عوض چشم است وبینی عوض بینی است و گوش عوض گوش است ودندان عوض دندان وحکم زخم ها به اعتبار مماثلت است پس هرکه عفوکند ازآن زخم پس این عفو ویرا کفارت است و هرکه حکم نکند به آنچه خدا فروفرستاده است پس ایشانند که ستمگارند (٤٥).

---

(٣٢) مترجم گوید یعنی اهل ذمه اگر قضیه خویش به امام رفع کنند ا گر خواهد حکم کند و ا گر خواهد بزعمای ایشان مفوّض نماید والله اعلم.

(٣٣) یعنی ا گر غرض ایشان طلب رضای خدای تعالی می بود بر تورات عمل میکردند لیکن غرض فاسدداشتند.

(٣٤) یعنی به یقین معلوم کرده بودند که حکم الهی است والله اعلم.

وَقَفَّيۡنَا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم بِعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ
مِنَ ٱلتَّوۡرَىٰةِۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ ٱلۡإِنجِيلَ فِيهِ هُدٗى وَنُورٞ وَمُصَدِّقٗا
لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ مِنَ ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَهُدٗى وَمَوۡعِظَةٗ لِّلۡمُتَّقِينَ ﴿٤٦﴾
وَلۡيَحۡكُمۡ أَهۡلُ ٱلۡإِنجِيلِ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فِيهِۚ وَمَن لَّمۡ يَحۡكُم
بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ﴿٤٧﴾ وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ
ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ
وَمُهَيۡمِنًا عَلَيۡهِۖ فَٱحۡكُم بَيۡنَهُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُۖ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَهُمۡ
عَمَّا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡحَقِّۚ لِكُلّٖ جَعَلۡنَا مِنكُمۡ شِرۡعَةٗ وَمِنۡهَاجٗاۚ
وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَلَٰكِن لِّيَبۡلُوَكُمۡ
فِي مَآ ءَاتَىٰكُمۡۖ فَٱسۡتَبِقُواْ ٱلۡخَيۡرَٰتِۚ إِلَى ٱللَّهِ مَرۡجِعُكُمۡ جَمِيعٗا
فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ ﴿٤٨﴾ وَأَنِ ٱحۡكُم بَيۡنَهُم
بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَهُمۡ وَٱحۡذَرۡهُمۡ أَن يَفۡتِنُوكَ عَنۢ
بَعۡضِ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ إِلَيۡكَۖ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَٱعۡلَمۡ أَنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُصِيبَهُم
بِبَعۡضِ ذُنُوبِهِمۡۗ وَإِنَّ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلنَّاسِ لَفَٰسِقُونَ ﴿٤٩﴾ أَفَحُكۡمَ
ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ يَبۡغُونَۚ وَمَنۡ أَحۡسَنُ مِنَ ٱللَّهِ حُكۡمٗا لِّقَوۡمٖ يُوقِنُونَ ﴿٥٠﴾

و در پی این پیامبران عیسیٰ پسر مریم را باوردارنده آنچه پیش از اوبودکه تورات است فرستادیم ودادیمش انجیل دروی هدایت وروشنی است وباوردارنده آنچه پیش وی بود که تورات باشد و برای متقیان هدایت وپند است (٤٦). وفرموديم بايدكه حكم كنند اهل انجيل به آنچه خداى تعالى دروی فروفرستاده است وهرکه حکم نکند به آنچه خدا فروفرستاده است پس ایشانند بدکاران (٤٧). و به سوی توکتاب را براستی فروفرستادیم باوردارنده آنچه پیش وی است ازکتاب ونگهبان بروی[٣٥] پس حکم کن درمیان ایشان به آنچه خدا فروآورده است و خواهش های ایشان را اعراض کنان ازآنچه آمد بتواز حکم الهی پیروی مکن برای هر گروهی ازشما شریعتی وراهی مقرر ساخته ایم واگر خدا میخواست شما را يك امت میگردانید ولیکن خواست که شما را درآنچه به شما داده است بیازماید پس شتاب کنید به سوی نیکوکاری[٣٦] به سوی خدا بازگشت همگی شماست پس شما را به آنچه درآن اختلاف می کردید خبردهد (٤٨). وفرمودیم که حکم کن میان ایشان به آنچه خدا فرودآورده است وپیروی مکن خواهش های ایشانرا و ازایشان بترس ازآنکه گمراه کنند تورا ازبعض آنچه خدا به سوی تو فروفرستاده است پس اگر اعراض کنند پس بدان که می خواهد خداکه ایشان را به سبب بعض گناهان ایشان عذاب کند وهر آئینه بسیاری ازمردمان البته بدکارانند (٤٩). آیاحکم جاهلیت می خواهند؟ وکیست خوب ترازخدا باعتبار حکم برای قومی که یقین دارند[٣٧] (٥٠).

(٣٥) يعنى تحريف راازغير تحريف جدا مى سازد والله اعلم.

(٣٦) يعنى اتباع فرمان الهى درشريعت پيامبرزمان والله اعلم.

(٣٧) مترجم گوید حاصل این آیات الزام است براهل کتاب که با وجود التزامِ کتاب برحسب آن عمل نمی کنند و درین آیات بیان آن است که هر قرنِ را شریعتی دادهاندو بعد از نزول قرآن بجز از متابعت آن متابعت دیگر جایز نیست والله اعلم.

نصف الحزب ١٢

۞ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ ٱلۡيَهُودَ وَٱلنَّصَٰرَىٰٓ أَوۡلِيَآءَۘ بَعۡضُهُمۡ
أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۚ وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمۡ فَإِنَّهُۥ مِنۡهُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ
ٱلظَّٰلِمِينَ ٥١ فَتَرَى ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ يُسَٰرِعُونَ فِيهِمۡ يَقُولُونَ
نَخۡشَىٰٓ أَن تُصِيبَنَا دَآئِرَةٞۚ فَعَسَى ٱللَّهُ أَن يَأۡتِيَ بِٱلۡفَتۡحِ أَوۡ أَمۡرٖ مِّنۡ عِندِهِۦ
فَيُصۡبِحُواْ عَلَىٰ مَآ أَسَرُّواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ نَٰدِمِينَ ٥٢ وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ
أَهَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ أَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ إِنَّهُمۡ لَمَعَكُمۡۚ حَبِطَتۡ
أَعۡمَٰلُهُمۡ فَأَصۡبَحُواْ خَٰسِرِينَ ٥٣ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَن يَرۡتَدَّ
مِنكُمۡ عَن دِينِهِۦ فَسَوۡفَ يَأۡتِي ٱللَّهُ بِقَوۡمٖ يُحِبُّهُمۡ وَيُحِبُّونَهُۥٓ أَذِلَّةٍ
عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ يُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا
يَخَافُونَ لَوۡمَةَ لَآئِمٖۚ ذَٰلِكَ فَضۡلُ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ
عَلِيمٌ ٥٤ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ
ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُمۡ رَٰكِعُونَ ٥٥ وَمَن يَتَوَلَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ
وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فَإِنَّ حِزۡبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلۡغَٰلِبُونَ ٥٦ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
لَا تَتَّخِذُواْ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ دِينَكُمۡ هُزُوٗا وَلَعِبٗا مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ
ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلِكُمۡ وَٱلۡكُفَّارَ أَوۡلِيَآءَۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ٥٧

ای مومنان یهود ونصاریٰ را دوست مگیرید بعض ایشان دوست بعض اند وهرکه ازشما ایشان را دوست دارد پس هرآئینه اوازجمله ایشانست هرآئینه خدا گروه ستمگاران را راه نمی نماید (٥١). پس می بینی کسانی را که دردلهای ایشان بیماری است (یعنی نفاق است) سعی می کنند دردوستی یهود ونصاریٰ می گویند می ترسیم ازآنکه مایان را مصیبتی برسد[٣٨] پس نزدیك است که خدا فتح را یا چیزی دیگررا از نزد خود بیارد پس پشیمان شوند برآنچه دردل های خویش پنهان داشتند (٥٢). وبگویند مومنان (یعنی بعدازفتح وپیروزی) آیاایشانند آنانکه قسم خوردند بخدا سخت ترین سوگند های خویش را که البته ایشان همراه شمااند امروزنابود شدعملهای ایشان پس زیان کار گشتند (٥٣). ای مومنان هرکه ازشما ازدین خود برگردد پس خواهد آورد خدا گروهی را که ایشان را دوست می دارد وایشان اورا دوست می دارند بر مومنان متواضع اند برکافران درشت طبع‌اند درراه خدا جهاد می کنند وازملامتِ ملامت کننده نمی ترسند این بخشایش خدا است میدهد آن را بهرکه خواهد وخدا گشایشگر داناست[٣٩] (٥٤). جزاین نیست که دوست شماخدا ورسول اوومومنانی که برپا می دارند نمازرا ومی دهند زکات را است وایشان پیوسته نمازگزارند (٥٥). وهرکه باخدا وبا رسول او وبا مومنان دوستی کند پس هرآئینه گروه خدا همونست غالب (٥٦). ای مسلمانان کسانی را که تمسخرو بازی گرفته اند دینِ شما را ازکسانی که داده شده ایشان را کتاب پیش ازشما دوست مگیرید ونه سایر کافران را وبترسید ازخدا اگر مسلمان هستید (٥٧).

(٣٨) مترجم گوید یعنی احتمال دارد که هزیمت بر اهل اسلام افتدپس موافقت باحربیان مصلحت است.

(٣٩) مترجم گوید این وعده درزمان حضرت ابو بکر صدیق متحقق شد ومهاجران وانصار وتابعان ایشان با مرتدان جهادکردند والله اعلم.

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ ٱتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُونَ ﴿٥٨﴾ قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ هَلْ تَنقِمُونَ مِنَّآ إِلَّآ أَنْ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَٰسِقُونَ ﴿٥٩﴾ قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِّن ذَٰلِكَ مَثُوبَةً عِندَ ٱللَّهِ مَن لَّعَنَهُ ٱللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمُ ٱلْقِرَدَةَ وَٱلْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ ٱلطَّٰغُوتَ أُوْلَٰٓئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَآءِ ٱلسَّبِيلِ ﴿٦٠﴾ وَإِذَا جَآءُوكُمْ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَقَد دَّخَلُواْ بِٱلْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُواْ بِهِۦ وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُواْ يَكْتُمُونَ ﴿٦١﴾ وَتَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلْإِثْمِ وَٱلْعُدْوَٰنِ وَأَكْلِهِمُ ٱلسُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿٦٢﴾ لَوْلَا يَنْهَىٰهُمُ ٱلرَّبَّٰنِيُّونَ وَٱلْأَحْبَارُ عَن قَوْلِهِمُ ٱلْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ ٱلسُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُواْ يَصْنَعُونَ ﴿٦٣﴾ وَقَالَتِ ٱلْيَهُودُ يَدُ ٱللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُواْ بِمَا قَالُواْ بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَآءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّآ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَٰنًا وَكُفْرًا وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ ٱلْعَدَٰوَةَ وَٱلْبَغْضَآءَ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ كُلَّمَآ أَوْقَدُواْ نَارًا لِّلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا ٱللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي ٱلْأَرْضِ فَسَادًا وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلْمُفْسِدِينَ ﴿٦٤﴾

وچون به سوی نماز ندا کنید آن را تمسخروبازی گیرند[٤٠] این بسبب آن است که ایشان گروهی هستند که نمی فهمند (٥٨). بگوای اهل کتاب عیب نمی گیرید برما مگرآنکه به خدا وبه آنچه فروفرستاده شده است به سوی ما وبه آنچه فروفرستاده است پیش ازین ایمان آوردیم و(مگر) اینکه بیشتراز شما بدکارانند (٥٩). بگوآیا شما را به بدترازاین[٤١] باعتبار جزاء نزد خدا خبردهم آن بدترکسی است که اورا خدا لعنت کرد وخشم گرفت بروی وازایشان بوزینه‌گان وخوکان گردانید وکسیکه معبود باطل را پرستید این گروه باعتبار جای بدتراند وگمراه تراند ازراه راست (٦٠). وچون بیایند پیش شما گویندایمان آوردیم حال آنکه به کفر درآمدند وبه کفربیرون رفتند وخدا دانا تراست به آنچه می پوشیدند (٦١). ومی بینی که بسیاری ازایشان درگناه وتجاوز وحرام خواریشان می کوشند البته چه بداست کاری که به عمل آوردند (٦٢). چرا ایشان را خدا پرستان ودانشمندان ازدروغ گفتن ایشان وحرام خوردنِ ایشان منع نمی کنند؟ هرآئینه چه بد است آنچه که می کردند (٦٣). وگفتند یهود دستِ خدا بگردن بسته است[٤٢] بگردن بسته باد دست های ایشان وایشان را لعنت کرده شد بسبب آنچه گفتند بلکه دودستِ اوکشاده است خرج می کندچنانچه میخواهد والبته درحق بسیاری ازایشان آنچه فروفرستاده شد به سوی توازپروردگارتونافرمانی وکفررا بیفزاید و درمیان فرقه های یهود دشمنی وناخوشی را تا روزقیامت افگندیم هر گاه که آتشی را برای جنگ برمی افروزند خدا فرو می‌نشاندش[٤٣] ودرزمین برای فساد می‌شتابند وخدا مفسدان را دوست نمی دارد (٦٤).

(٤٠) مترجم گوید یعنی به اذان استهزا می کنند والله اعلم.
(٤١) مترجم گوید یعنی بدتر ازآن عیب داری که شما بیان کردید.
(٤٢) یعنی بخل دارد.
(٤٣) یعنی چون می خواهند که با دشمنان خود که متدین به یهودیت نیستند جنگ کنند مقهور ومغلوب می شوند.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ ءَامَنُوا۟ وَٱتَّقَوْا۟ لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّـَٔاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَٰهُمْ جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ﴿٦٥﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا۟ ٱلتَّوْرَىٰةَ وَٱلْإِنجِيلَ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيْهِم مِّن رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا۟ مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِم ۚ مِّنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ ۖ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَآءَ مَا يَعْمَلُونَ ﴿٦٦﴾ ۞ يَٰٓأَيُّهَا ٱلرَّسُولُ بَلِّغْ مَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ ۖ وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُۥ ۚ وَٱللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ ٱلنَّاسِ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٦٧﴾ قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَىْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا۟ ٱلتَّوْرَىٰةَ وَٱلْإِنجِيلَ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ ۗ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّآ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَٰنًا وَكُفْرًا ۖ فَلَا تَأْسَ عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٦٨﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَٱلَّذِينَ هَادُوا۟ وَٱلصَّٰبِـُٔونَ وَٱلنَّصَٰرَىٰ مَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ وَعَمِلَ صَٰلِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٩﴾ لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَٰقَ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ وَأَرْسَلْنَآ إِلَيْهِمْ رُسُلًا ۖ كُلَّمَا جَآءَهُمْ رَسُولٌۢ بِمَا لَا تَهْوَىٰٓ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا۟ وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ ﴿٧٠﴾

و ا گر اهل کتاب ایمان می آوردند وپرهیزگاری میکردند البته ازایشان گناهان ایشان را نابود می ساختیم والبته ایشان را به بوستان های پرنازو نعمت درمی آوردیم (٦٥). و اگرایشان حکم تورات وانجیل را برپا می داشتند وآنچه فرود آورده شده است به سوی ایشان ازپروردگار شان[٤٤] البته می خوردند ازبالای خود واززیرپایهای خود (یعنی از برکات آسماني وزمینی برخوردار می شدند) ازایشان گروهی میانه رو هست وبسیاری ازایشان بدچیزیست که می کنند[٤٥] (٦٦). ای پیامبر آنچه فرود آورده شده است به سوی توازجانب پروردگار تو برسان واگر نکردی[٤٦] نرسانده باشی پیغام خدا را وخدا تورا ازمردمان نگاهدارد هرآئینه خدا گروه کافران را راه نمی نماید (٦٧). بگوای اهل کتاب برچیزی نیستي، تاآنکه حکم تورات وانجیل را برپاکنید وآنچه به سوی شما ازپروردگار شما فروفرستاده شده است[٤٧] والبته درحق بسیاری ازایشان آنچه فروفرستاده شده است به سوی توازجانب پروردگار تو (یعنی قرآن) طغیان وکفر را بیفزاید پس برقوم کافران اندوهگین مشو[٤٨] (٦٨). هرآئینه مسلمانان ویهودان (وهمچنین است) حال ستاره پرستان وترسایان هرکه ازایشان بخدا وروزآخر ایمان آورد وکارشایسته کرد برایشان هیچ ترس نیست وایشان اندوهگین نشوند[٤٩] (٦٩). به یقین عهد بنی اسرائیل را گرفتیم و به سوی ایشان پیامبران را فرستادیم هر گاه بایشان پیامبری به آنچه دوست نمی داشت نفس های ایشان می‌آورد گروهی را تکذیب می کردندو گروهی را می کشتند (٧٠).

---

(٤٤) یعنی سایر کتب سابقه.

(٤٥) مترجم گوید حاصل آن است که اگر برپا می داشتند حکم تورات و انجیل را پیش ازنزول قرآن و پیش ازآنکه حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم مبعوث شود برکت فراوان نصیب ایشان می شد لیکن مخالفت کردند پس بانواع بلا مبتلاگشتند والله اعلم.

(٤٦) یعنی ا گر یك آیت هم نرساندی والله اعلم.

(٤٧) مترجم گوید یعنی قرآن وسائر کتب سابقه.

(٤٨) مترجم گوید حاصل آنست که بروفق قول خود ملزم می شوند زیرا که التزام شریعتی میکنند وبر حسب آن نمی روند وقطع نظر ازانکارِ قرآن والله اعلم.

(٤٩) یعنی دراصل از هرفرقه که باشد چون ایمان آورد از اهل نجات است وخصوصیت فِرَق را اعتبار نیست والله اعلم.

وَحَسِبُوٓاْ أَلَّا تَكُونَ فِتۡنَةٞ فَعَمُواْ وَصَمُّواْ ثُمَّ تَابَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ ثُمَّ
عَمُواْ وَصَمُّواْ كَثِيرٞ مِّنۡهُمۡۚ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِمَا يَعۡمَلُونَ ٧١
لَقَدۡ كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡمَسِيحُ ٱبۡنُ مَرۡيَمَۖ وَقَالَ ٱلۡمَسِيحُ
يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمۡۖ إِنَّهُۥ مَن يُشۡرِكۡ
بِٱللَّهِ فَقَدۡ حَرَّمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ ٱلۡجَنَّةَ وَمَأۡوَىٰهُ ٱلنَّارُۖ وَمَا
لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٖ ٧٢ لَّقَدۡ كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ
ثَالِثُ ثَلَٰثَةٖۘ وَمَا مِنۡ إِلَٰهٍ إِلَّآ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۚ وَإِن لَّمۡ يَنتَهُواْ
عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٧٣
أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى ٱللَّهِ وَيَسۡتَغۡفِرُونَهُۥۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٧٤
مَّا ٱلۡمَسِيحُ ٱبۡنُ مَرۡيَمَ إِلَّا رَسُولٞ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِهِ ٱلرُّسُلُ وَأُمُّهُۥ
صِدِّيقَةٞۖ كَانَا يَأۡكُلَانِ ٱلطَّعَامَۗ ٱنظُرۡ كَيۡفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ
ثُمَّ ٱنظُرۡ أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ٧٥ قُلۡ أَتَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا
يَمۡلِكُ لَكُمۡ ضَرّٗا وَلَا نَفۡعٗاۚ وَٱللَّهُ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٧٦ قُلۡ
يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لَا تَغۡلُواْ فِي دِينِكُمۡ غَيۡرَ ٱلۡحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوٓاْ أَهۡوَآءَ
قَوۡمٖ قَدۡ ضَلُّواْ مِن قَبۡلُ وَأَضَلُّواْ كَثِيرٗا وَضَلُّواْ عَن سَوَآءِ ٱلسَّبِيلِ ٧٧

وپنداشتند که هیچ عقوبت نخواهد بودپس کورشدند وکر گشتند پس خدا برایشان به رحمت بازگشت[٥٠] پس بسیاری ازایشان بازکورشدند و کر گشتند وخدا بیناست به آنچه می کنند (٧١). هرآئینه کسانیکه گفتند خدا همان است عیسیٰ پسر مریم کافرشدند و گفته بود عیسیٰ ای بنی اسرائیل خدا را بپرستید پروردگار من وپروردگارشما هرآئینه کسیکه شریك خدا مقررمی کند خدا بهشت را بروی حرام کرده است وجای اودوزخ است و ستمگاران را هیچ یاری دهنده ای نیست[٥١] (٧٢). هرآئینه کافرشدند کسانیکه گفتند که خدا سوم سه کس است[٥٢] وهیچ إله برحق نیست مگراله یگانه وا گرباز نیایند ازآنچه می گویند قطعا کافران را ازایشان[٥٣] عذابی درد دهنده خواهدرسید (٧٣). آیارجوع نمی کنند به سوی خدا وازاو آمرزش نمی طللبند و خدا آمرزنده مهربان است (٧٤). نیست عیسیٰ پسر مریم مگرپیامبری به یقین گذشته اند پیش ازوی پیامبران ومادراو بسیار راستکردار بود هردو طعام را می‌خوردند ببین چگونه برای ایشان نشانه ها را بیان می کنیم بازببین چگونه گردانیده می شوند[٥٤] (٧٥). بگو آیاعبادت می کنید بجز خدا چیزی را که نمی تواند برای شما زیانی ونه سودی وخدا همان شنوای دانا است (٧٦). بگوای اهل کتاب ازحدمگذرید دردین خود بناحق و خواهشات نفس های قومی را که به یقین گمراه شدند پیش ازین پیروی مکنید و گمراه کردند مردمانِ بسیاری را و ازراه راست گمراه شدند[٥٥] (٧٧).

(٥٠) یعنی محمد صلی الله علیه وسلم را فرستاد والله اعلم.

(٥١) اعتقاد حلول نوعی ازشرك است.

(٥٢) یعنی درمرتبه الوهیت سه کس هستند یکی خداودیگری عیسیٰ وسوم روح القدس والله اعلم.

(٥٣) یعنی اهل اصرار راازیشان.

(٥٤) یعنی ازمعرفت حق.

(٥٥) یعنی پیشوایان یهودیت ونصرانیت که برای ایشان مذهب قرار داده اند والله اعلم.

لُعِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنۢ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ عَلَىٰ لِسَانِ
دَاوُۥدَ وَعِيسَى ٱبْنِ مَرْيَمَ ۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا۟ وَّكَانُوا۟
يَعْتَدُونَ ﴿٧٨﴾ كَانُوا۟ لَا يَتَنَاهَوْنَ عَن مُّنكَرٍ فَعَلُوهُ ۚ
لَبِئْسَ مَا كَانُوا۟ يَفْعَلُونَ ﴿٧٩﴾ تَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ
يَتَوَلَّوْنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ۚ لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ
أَنفُسُهُمْ أَن سَخِطَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِى ٱلْعَذَابِ هُمْ
خَٰلِدُونَ ﴿٨٠﴾ وَلَوْ كَانُوا۟ يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلنَّبِىِّ وَمَآ
أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا ٱتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَآءَ وَلَٰكِنَّ كَثِيرًا
مِّنْهُمْ فَٰسِقُونَ ﴿٨١﴾ ۞ لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ ٱلنَّاسِ عَدَٰوَةً
لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱلْيَهُودَ وَٱلَّذِينَ أَشْرَكُوا۟ ۖ وَلَتَجِدَنَّ
أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱلَّذِينَ قَالُوٓا۟ إِنَّا نَصَٰرَىٰ ۚ
ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ
لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٨٢﴾ وَإِذَا سَمِعُوا۟ مَآ أُنزِلَ إِلَى
ٱلرَّسُولِ تَرَىٰٓ أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ ٱلدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا۟
مِنَ ٱلْحَقِّ ۖ يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱكْتُبْنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ ﴿٨٣﴾

کافران را ازبنی اسرائیل برزبان داود وعیسیٰ پسر مریم لعنت کرده شد این بسبب آنست که نافرمانی میکردند وازحدمیگذشتند (٧٨). بودندکه یك دیگر را ازآن عمل زشتی که مرتکب آن شدند منع نمی کردند البته چه بد است چیزی که میکردند (٧٩). می بینی که بسیاری ازایشان باکافران (یعنی بامشرکان) دوستی میکنند البته بدچیزیست که پیش فرستاده است برای ایشان نفسهای ایشان آن چیزخشم گرفتن خداست برایشان وایشان درعذاب جاویدانند (٨٠). و ا گر بودندکه به خدا وپیامبر (یعنی پیامبر خود) وآنچه فروفرستاده شده است به سوی وی ایمان می آوردند البته مشرکان را دوست نگرفتند ولیکن بسیاری ازایشان فاسقانند (٨١). البته سخت ترین مردمان را درعداوت بامسلمانان یهود ومشرکان را بیابی. والبته نزدیك ترین مردمان را دردوستی بامسلمانان کسانی را که گفتند مانصاریٰایم بیابی این بسبب آن است که ازجنس ایشان دانشمندان وگوشه نشینان هستند وبسبب آنست که ایشان تکبر نمیکنند (٨٢). وچون بشنوند آنچه فروفرستاده شده برپیامبر ببینی چشم های ایشان را اشك میریزد به سبب آنچه ازحق شناختند می گویند ای پروردگار ما ایمان آوردیم پس مارا باشاهدان بنویس[٥٦] (٨٣).

(٥٦) یعنی جماعتی که اکمل امت باشند والله اعلم.

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَمَا جَآءَنَا مِنَ ٱلْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَن يُدْخِلَنَا
رَبُّنَا مَعَ ٱلْقَوْمِ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٨٤﴾ فَأَثَٰبَهُمُ ٱللَّهُ بِمَا قَالُوا۟ جَنَّٰتٍ
تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا ۚ وَذَٰلِكَ جَزَآءُ
ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٨٥﴾ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَكَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَآ أُو۟لَٰٓئِكَ
أَصْحَٰبُ ٱلْجَحِيمِ ﴿٨٦﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تُحَرِّمُوا۟
طَيِّبَٰتِ مَآ أَحَلَّ ٱللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوٓا۟ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ
ٱلْمُعْتَدِينَ ﴿٨٧﴾ وَكُلُوا۟ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ حَلَٰلًا طَيِّبًا ۚ
وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ٱلَّذِىٓ أَنتُم بِهِۦ مُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾ لَا يُؤَاخِذُكُمُ ٱللَّهُ
بِٱللَّغْوِ فِىٓ أَيْمَٰنِكُمْ وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدتُّمُ ٱلْأَيْمَٰنَ ۖ
فَكَفَّٰرَتُهُۥٓ إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَٰكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعِمُونَ
أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ ۖ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ
ثَلَٰثَةِ أَيَّامٍ ۚ ذَٰلِكَ كَفَّٰرَةُ أَيْمَٰنِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ ۚ وَٱحْفَظُوٓا۟
أَيْمَٰنَكُمْ ۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمْ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٨٩﴾
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِنَّمَا ٱلْخَمْرُ وَٱلْمَيْسِرُ وَٱلْأَنصَابُ وَٱلْأَزْلَٰمُ
رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ ٱلشَّيْطَٰنِ فَٱجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٩٠﴾

وچیست ما راکه بخدا وآنچه آمده است بماز دین راست ایمان نیاوریم وچیست ما را که طمع نکنیم که ما را پروردگار ما (دربهشت) باقوم صالحان داخل کند (۸٤). پس خدا ایشان را برآن مقوله ای که گفتند بوستانها ای که میرود زیرآنها جویها جزا داد جاویدان درآنجا واین پاداش نیکوکاران است[٥٧] (۸٥). وکسانیکه کافرشدند وآیاتِ مارا تکذیب کردند ایشان اهل دوزخ اند (۸٦). ای مومنان حرام مکنید لذایذ آنچه را خدا حلال ساخته است برای شما وازحد مگذرید هرآئینه خدا ازحد گذرندگان را دوست نمیدارد (۸۷). وبخورید از آنچه خدا شمارا روزی داده است حلال و پاکیزه وبترسید ازآن خدا که شما بوی ایمان آوردید[٥٨] (۸۸). خدا ازشما به لغو درسوگند های شما بازخواست نمی کند ولیکن بازخواست می کند شما را به آن سوگندها ای که به قصد محکم کردید[٥٩] پس کفارهٔ یمین منعقده خوراك دادن ده مسکین است ازجنس میانه ازآنچه اهلِ خود را می خورانید یا پوشش دادن ایشان یاآزاد کردن برده است پس هرکه نیابدلازم است روزه داشتن سه روز اینست کفارهٔ سوگندَهای شماچون سوگند خورید (یعنی وحانث شوید) و سوگند های خود را نگاهدارید[٦٠] همچنین بیان می کند خدابرای شماآیه های خود را تابود که شماشکرکنید (۸۹). ای مسلمانان جزاین نیست که خمر وقمار ونشانهای معبودان باطل وتیرهای فال پلیداست ازکردار شیطان است پس ازوی احتراز کنید تابود که شما رستگارشوید (۹۰).

---

(٥٧) مترجم گوید درآیات مذکوره اشاره است به فضیلت قومی ازنصاریٰ حبشه که همراه جعفر طیار بخدمت آنحضرت آمده مسلمان شدند والله اعلم.

(٥٨) یعنی ترك نکاح یا ترك خوردن کم وامثال آن درست نیست والله اعلم.

(٥٩) مترجم گوید یعنی به لغو کفاره واجب نیست چنانکه ازدورشبهی بیند وبه گمان گوید که والله زید است وزید نباشد وبریمین منعقده اگرحانث شود کفاره واجب است چنانکه گوید والله این طعام را نخورم یا درین خانه درنیایم وعلی هذا القیاس والله اعلم.

(٦٠) یعنی تامقدور حانث نشوید والله اعلم.

إِنَّمَا يُرِيدُ ٱلشَّيْطَٰنُ أَن يُوقِعَ بَيْنَكُمُ ٱلْعَدَٰوَةَ وَٱلْبَغْضَآءَ فِى ٱلْخَمْرِ وَٱلْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ ٱللَّهِ وَعَنِ ٱلصَّلَوٰةِ ۖ فَهَلْ أَنتُم مُّنتَهُونَ ﴿٩١﴾ وَأَطِيعُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُوا۟ ٱلرَّسُولَ وَٱحْذَرُوا۟ ۚ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا ٱلْبَلَٰغُ ٱلْمُبِينُ ﴿٩٢﴾ لَيْسَ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوٓا۟ إِذَا مَا ٱتَّقَوا۟ وَّءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ ثُمَّ ٱتَّقَوا۟ وَّءَامَنُوا۟ ثُمَّ ٱتَّقَوا۟ وَّأَحْسَنُوا۟ ۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٩٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَيَبْلُوَنَّكُمُ ٱللَّهُ بِشَىْءٍ مِّنَ ٱلصَّيْدِ تَنَالُهُۥٓ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ ٱللَّهُ مَن يَخَافُهُۥ بِٱلْغَيْبِ ۚ فَمَنِ ٱعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَلَهُۥ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٩٤﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَقْتُلُوا۟ ٱلصَّيْدَ وَأَنتُمْ حُرُمٌ ۚ وَمَن قَتَلَهُۥ مِنكُم مُّتَعَمِّدًا فَجَزَآءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ ٱلنَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِۦ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ هَدْيًۢا بَٰلِغَ ٱلْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّٰرَةٌ طَعَامُ مَسَٰكِينَ أَوْ عَدْلُ ذَٰلِكَ صِيَامًا لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِۦ ۗ عَفَا ٱللَّهُ عَمَّا سَلَفَ ۚ وَمَنْ عَادَ فَيَنتَقِمُ ٱللَّهُ مِنْهُ ۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ ذُو ٱنتِقَامٍ ﴿٩٥﴾

جزاین نیست که شیطان می خواهد که درمیان شما دشمنی وناخوشی بیندازد بسبب خمر وقمار و شما را ازیاد خدا وازنماز بازدارد پس آیا شما اکنون دست بردارنده اید (۹۱). وخدا را فرمانبرداری کنید وپیامبررا فرمانبرداری کنید وبترسید پس اگر رویگردانیدید پس بدانید که برپیامبر ما مگرپیغام رسانیدن آشکار نیست (۹۲). نیست برکسانیکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند گناهی درآنچه خوردند[٦١] چون پرهیزگاری کردند وایمان آوردند وکارهای شایسته کردند بازپرهیزگاری کردند ونیکوکاری نمودند وخدا نیکو کاران را دوست میدارد[٦٢] (۹۳). ای مسلمانان البته خدا شما را به چیزی ازشکار که برسد به آن دستهای شما ونیزه های شما می‌آزماید تامتمیز کند خدا کسی را که غایبانه ازوی می ترسد پس هرکه بعد ازین تجاوز کند برای او عذاب درد ناك است(۹٤). ای مسلمانان چون احرام بسته باشید صید را مکشید وهرکه اوراازشمابقصد بکشد پس جزا واجب است وآن جزا مانند آن چیزیست که اوراکشته است ازجنس چهارپایان که بآن دوصاحب عدالت ازشما حکم کنند آن چهارپایه قربانی باید رسیده بکعبه باشد یاآن جزا کفارهٔ است که به فقیران غذا بدهد یا برابرآن روزه گیرد تا جزای کردار خود را بچشد عفو کرده است خدا ازآنچه گذشت وهرکه دیگربارکند خدا ازوی انتقام گیرد وخدا غالب صاحب انتقام است[٦٣] (۹۵).

(٦١) یعنی قبل ازتحریم.

(٦٢) مترجم گوید یعنی آنچه قبل ازتحریم خوردندعفواست چون درتقویٰ رسوخ پیداکردند واین سخن بدان ماندکه کسی گوید باتو احسان کنم وبازبتواحسان کنم بمعنی آنکه پیوسته احسان کنم والله اعلم.

(٦٣) مترجم گویدجزای صید یکی ازسه چیزتواند بود مماثل صید را درحرم ذبح کند ومماثلت نزدیك شافعی بخلقت وهیئت است ونزدیك ابی حنیفه به قیمت یا بقیمت صیدطعام خریدنمایدوبمسکینان دهد ونزدیك شافعی هر مسکینی را مدی ونزدیك ابی حنیفة هر مسکینی را نیم صاع از گندم یایك صاع ازجویابشمار مسکینان علی اختلاف المذهبین روزه دارد والله اعلم.

أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ ٱلْبَحْرِ وَطَعَامُهُۥ مَتَٰعًا لَّكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ ۖ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ ٱلْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا ۗ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ٱلَّذِىٓ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٩٦﴾ ۞ جَعَلَ ٱللَّهُ ٱلْكَعْبَةَ ٱلْبَيْتَ ٱلْحَرَامَ قِيَٰمًا لِّلنَّاسِ وَٱلشَّهْرَ ٱلْحَرَامَ وَٱلْهَدْىَ وَٱلْقَلَٰٓئِدَ ۚ ذَٰلِكَ لِتَعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ وَأَنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ ﴿٩٧﴾ ٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ وَأَنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٩٨﴾ مَّا عَلَى ٱلرَّسُولِ إِلَّا ٱلْبَلَٰغُ ۗ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ﴿٩٩﴾ قُل لَّا يَسْتَوِى ٱلْخَبِيثُ وَٱلطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ ٱلْخَبِيثِ ۚ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ يَٰٓأُو۟لِى ٱلْأَلْبَٰبِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٠٠﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَسْـَٔلُوا۟ عَنْ أَشْيَآءَ إِن تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ وَإِن تَسْـَٔلُوا۟ عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ ٱلْقُرْءَانُ تُبْدَ لَكُمْ عَفَا ٱللَّهُ عَنْهَا ۗ وَٱللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٠١﴾ قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا۟ بِهَا كَٰفِرِينَ ﴿١٠٢﴾ مَا جَعَلَ ٱللَّهُ مِنۢ بَحِيرَةٍ وَلَا سَآئِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ ۙ وَلَٰكِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ يَفْتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلْكَذِبَ ۖ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٠٣﴾

برای شماشکار دریا و خوردن آن حلال کرده شد تامنفعت باشدبرای شما وبرای قافله وحرام کرده شد برشما شکار خشکی وبیابان تا ما دامی که محرم باشید وبترسیدازآن خداکه بسوی وی حشر کرده خواهیدشد (۹٦). خدای تعالی کعبه را که خانه بزرگوارست وماه حرام وقربانی (بی نشان) وقربانی نشاندار را مایهٔ قوام (امور) مردمان گردانید، این بیان برای آنست که تا بدانیدکه خدا میداند آنچه درآسمانهاست وآنچه درزمین است وتابدانیدکه خدا بهمه چیزداناست (۹۷). بدانیدکه عقوبتِ خدا سخت است و آنکه خداآمرزنده مهربان است (۹۸). نیست برپیامبر مگر رسانیدن پیغام وخدا می داندآنچه راکه آشکار می کنید وآنچه پنهان می کنید (۹۹). بگو (ای محمد) پلید وپاك برابرنیست واگر چه درعجب آرد تورابسیاری پلید، پس ازخدا بترسید ای خداوندان خردتارستگار شوید[٦٤] (۱۰۰). ای مسلمانان ازآن چیزها ای که ا گر ظاهر کرده شود حقیقت آنها پیش شماغمگین کند شما را سوال مکنید و ا گر ازآن وقتیکه فرود آورده می شود قرآن سوال کنید البته ظاهر کرده شود برای شما خدای تعالی ازآن سؤالات عفو کرد وخدا آمرزنده برداراست[٦٥] (۱۰۱). به راستی سؤال کرده بودند قومی پیش ازشما ازمثل آن چیزها باز به آنها کافرشدند (۱۰۲). خدای تعالی هیچ بحیره ونه سائبه ونه وصیله ونه حام را مشروع[٦٦] نکرده است ولیکن کافران برخدا دروغ می بندند وبسیاری ازایشان در نمی‌یابند (۱۰۳).

---

(٦٤) مترجم گوید یعنی مال حرام ومال حلال برابرنیست ا گرچه حرام بسیارجمع می شود والله اعلم.

(٦٥) مترجم گوید بعض مردم ازآنحضرت بغیر ضرورت سوال میکردندیکی گفت پدرمن کیست ودیگری گفت که مرجع من بهشت است یا دوزخ درین باب نازل شد.

(٦٦) مترجم گوید اهل جاهلیت احکامی چنداختراع کرده بودند ودرآنهابه قول اسلاف خود تمسك مینمودندازآنجمله بحیره و آن ماده شتری است که اورا برای بتان مقرر میکردند وشیراوبکسی نمیدادند بعد ازاینکه پنج باربزایدو آخرین نرباشد و سائبه که برای بتان جانور را میگذاشتند وباربرپشت اونمی نهادند ووصیله وآن ماده شتریست که اول بار دراول عمر شترماده بزاید بعد ازآن بغیر فصل دیگربار ماده زاید پس آنرابرای بتان میگذاشتند وبعد ازآنکه از جملی چند بچه گرفتند اورا معاف داشتند ازرکوب وجز آن و او را حام می گفتند خدای تعالی این همه را فسخ فرمود وآیه فرستاد.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْاْ إِلَىٰ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ وَإِلَى ٱلرَّسُولِ قَالُواْ حَسْبُنَا
مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَآۚ أَوَلَوْ كَانَ ءَابَآؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ
شَيْـًٔا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٠٤﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ عَلَيْكُمْ أَنفُسَكُمْۖ
لَا يَضُرُّكُم مَّن ضَلَّ إِذَا ٱهْتَدَيْتُمْۚ إِلَى ٱللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا
فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٠٥﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ شَهَٰدَةُ
بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ ٱلْمَوْتُ حِينَ ٱلْوَصِيَّةِ ٱثْنَانِ ذَوَا
عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ ءَاخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي ٱلْأَرْضِ
فَأَصَٰبَتْكُم مُّصِيبَةُ ٱلْمَوْتِۚ تَحْبِسُونَهُمَا مِنۢ بَعْدِ ٱلصَّلَوٰةِ
فَيُقْسِمَانِ بِٱللَّهِ إِنِ ٱرْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِۦ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا
قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَٰدَةَ ٱللَّهِ إِنَّآ إِذًا لَّمِنَ ٱلْأٓثِمِينَ ﴿١٠٦﴾ فَإِنْ عُثِرَ
عَلَىٰٓ أَنَّهُمَا ٱسْتَحَقَّآ إِثْمًا فَـَٔاخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ ٱلَّذِينَ
ٱسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ ٱلْأَوْلَيَٰنِ فَيُقْسِمَانِ بِٱللَّهِ لَشَهَٰدَتُنَآ أَحَقُّ مِن
شَهَٰدَتِهِمَا وَمَا ٱعْتَدَيْنَآ إِنَّآ إِذًا لَّمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٠٧﴾ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰٓ
أَن يَأْتُواْ بِٱلشَّهَٰدَةِ عَلَىٰ وَجْهِهَآ أَوْ يَخَافُوٓاْ أَن تُرَدَّ أَيْمَٰنُۢ بَعْدَ
أَيْمَٰنِهِمْۗ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱسْمَعُواْۗ وَٱللَّهُ لَا يَهْدِي ٱلْقَوْمَ ٱلْفَٰسِقِينَ ﴿١٠٨﴾

وچون گفته شودایشان را به سوی آنچه فروفرستاده است خدا و به سوی پیامبر بیایید گویند ماراآنچه برآن یافتیم پدرانِ خود را بس است واگر چه پدرانِ ایشان هیچ چیزی نمی دانستند وهیچ راه نمی یافتند (۱۰٤). ای مسلمانان خویشتن را محافظت کنید ضررنمی رساند شما راکسی که گمراه شدچون شما راه یاب شدید بازگشت همگی شما به سوی خداست پس شما را به آنچه عمل می کردید خبردهد[٦٧] (۱۰٥). ای مسلمانان (نصاب) شهادت درمیان شماهنگام وصیت چون به یکی ازشماموت برسد دوکس اندکه ازشما صاحب عدالت باشند یا اگرشما درحال سفر درزمین باشید پس آنگاه به شمامصیبتِ موت رسد دوتن ازغیرخودتان است اگرشك داشته باشید ایشان را بعد ازنماز (یعنی نماز عصر) بازدارید پس قسم خورند بخدا که به عوض سوگندخدابهای دنیا را خرید نمی کنیم واگرچه کسیکه برای نفع او گواهی میدهیم صاحب قرابت باشدوپنهان نمی کنیم گواهی خدا را[٦٨] هرآئینه ماآنگاه ازگنهگاران باشیم (۱۰٦). اگر[*] اطلاع واقع شدبرآنکه این دو گواه گناهی حاصل کردند[٦٩] پس دوکس دیگر که قرابت قریبه داشته باشند به جای آنهاازکسانیکه مال را حق خودساختند برهریکی ازدوگواه دروغ به زبردستی برایشان بایستند[۷۰] پس سوگند خورند بخداکه گواهی ما درست تراست ازگواهی آن دووازحد تجاوز نکرده‌ایم هرآئینه ماآنگاه ازستمگاران باشیم (۱۰۷). این اسلوب نزدیك تراست بآنکه گواهی را بروجه آن بیارند (یعنی بروجهی‌که بایددر گواهی دادن) یابترسد ازآنکه ردّ کرده شود سوگندها بعد از سوگند های ایشان[۷۱] وازخدا بترسید وحکم اورا بشنوید وخدا گروه فاسقان را هدایت نمی نماید[۷۲] (۱۰۸).

---

(٦٧) یعنی اگرشما صلاح کردید و شرط امر به معروف ونهی ازمنکر بجاآوردید مخالفتِ مخالفان ضرر نمی کندوالله اعلم.

(٦٨) ایضًا مترجم گوید مسلمانی را اگر اتفاق سفر افتاد ودرجائی که هیچ مسلمان نبود محتضر شد ناچاردوذمی را ترکه خود سپرد کرد وبروصیت خود گواه ساخت، ایشان ازآن ترکه جام نقرهٔ ای را خیانت کردند وچون اولیای میت ازایشان مطالبه نمودند قسم خوردند که مابهآن اطلاع نداریم بعد ازآن آن جام نزدیك صواغی پیداشد گفت که این دوذمی بدست من فروختند درین باره آیت نازل شد ودوکس ازاولیای میت قسم خورده آن جام را گرفتند.

(*) توضیح: پس اگراطلاع حاصل شد که آنها مرتکب گناهی شده اند پس دو گواه ازاقارب نزدیك میت که نسبت به اقارب دیگر میت مستحق میراث اویند جانشین آن دو گواه شوند مصحح.

(٦٩) یعنی گواه حق که خدابآن فرموده ندادند والله اعلم.

(۷۰) یعنی گواهی دروغ دادند وبه دروغ قسم خوردند.

(۷۱) یعنی اگرکسی داندکه بعدازسوگندمن سوگند مدعی نخواهد بود سوگند دروغ می خورد واگر بداند که چون کذب او ظاهر شود مدعیانرا سوگند دهندو حق به سوگند ایشان ثابت شوداز سوگند دروغ احتیاط می کند.

(۷۲) مترجم گوید تاویل آیت بمذهب شافعی آن است که مراد ازشهادت وصیت است وازمنکم من اقاربکم و ذکراثنین برای احتیاط و قسم دادن بجهت مدعاعلیه بودن درین دعوی که خیانت کرده‌اند وتعیین صلوة عصر بجهت تغلیظ یمین واختیار اثنین برای احتیاط واقامت اولیان بجهت مدعاعلیه بودن برایشان دردعوای که بجهت حذرخود تقریر میکند چنانچه درصورت مذکوره دعوی اشتراء کرده بودندوان ارتبتم، فان عثر اشارتست بتوجه دعوای کسی وبمذهب ابی حنیفة مانند آن است مگرآنکه تعیین صلوة عصر بجهت آنست که قضاة در محکمه همین وقت می نشستند پس گویا که گفته شد درمحکمه قضا والله اعلم.

۞ يَوْمَ يَجْمَعُ ٱللَّهُ ٱلرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَآ أُجِبْتُمْ ۖ قَالُوا۟ لَا عِلْمَ لَنَآ ۖ
إِنَّكَ أَنتَ عَلَّٰمُ ٱلْغُيُوبِ ﴿١٠٩﴾ إِذْ قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَى ٱبْنَ مَرْيَمَ
ٱذْكُرْ نِعْمَتِى عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَٰلِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ
ٱلْقُدُسِ تُكَلِّمُ ٱلنَّاسَ فِى ٱلْمَهْدِ وَكَهْلًا ۖ وَإِذْ عَلَّمْتُكَ
ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَٱلتَّوْرَىٰةَ وَٱلْإِنجِيلَ ۖ وَإِذْ تَخْلُقُ
مِنَ ٱلطِّينِ كَهَيْـَٔةِ ٱلطَّيْرِ بِإِذْنِى فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ
طَيْرًۢا بِإِذْنِى ۖ وَتُبْرِئُ ٱلْأَكْمَهَ وَٱلْأَبْرَصَ بِإِذْنِى ۖ وَإِذْ تُخْرِجُ
ٱلْمَوْتَىٰ بِإِذْنِى ۖ وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ عَنكَ إِذْ
جِئْتَهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ فَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْهُمْ إِنْ هَٰذَآ
إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿١١٠﴾ وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى ٱلْحَوَارِيِّـۧنَ أَنْ ءَامِنُوا۟
بِى وَبِرَسُولِى قَالُوٓا۟ ءَامَنَّا وَٱشْهَدْ بِأَنَّنَا مُسْلِمُونَ ﴿١١١﴾
إِذْ قَالَ ٱلْحَوَارِيُّونَ يَٰعِيسَى ٱبْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ
أَن يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَآئِدَةً مِّنَ ٱلسَّمَآءِ ۖ قَالَ ٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ إِن كُنتُم
مُّؤْمِنِينَ ﴿١١٢﴾ قَالُوا۟ نُرِيدُ أَن نَّأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا
وَنَعْلَمَ أَن قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ ٱلشَّٰهِدِينَ ﴿١١٣﴾

یادکن آن روز راکه خدا پیامبران را جمع کند پس بگوید شمارا چه جواب داده شد گویند مارا هیچ دانش نیست هرآئینه داننده غیبها تویی[۷۳] (۱۰۹). آن وقت که گوید خدای تعالی ای عیسیٰ پسر مریم یادکن نعمت مرا برخویش و بروالدهٔ خویش چون قوت دادم تورا بروح القدس (یعنی به جبریل علیه السلام) سخن می گفتی بامردمان در گهواره ودرحالت معمری وچون تورا کتاب و دانش وتورات وانجیل آموختم وچون پیدا می کردی ازگل مانند شکل مرغ به حکم من پس دم می زدی دروی پس می شد مرغی به حکم من وبه میکردی کورمادرزاد را وبرص داررا به حکم من وچون مردگان را (زنده ازگور) بحکم من بیرون می آوردی[۷٤] وچون بازداشتم شر بنی اسرائیل را ازتو آنگاه که به نزد ایشان معجزه ها آوردی پس کافران ازایشان گفتند این مگرسحر آشکار نیست (۱۱۰). وچون الهام فرستادم به سوی حواریان که ایمان آرید به من وبه پیامبر من گفتند ایمان آوردیم وگواه باش یا عیسیٰ برآنکه مامسلمانیم (۱۱۱). چون حواریان گفتند ای عیسیٰ پسر مریم آیامی تواندپروردگار تو که فروفرستد برما خوانی ازآسمان گفت عیسیٰ ازخدا بترسید اگر مومن هستید[۷٥] (۱۱۲). گفتند می خواهیم که بخوریم ازآن خوان وآرام گیرد دل های ما وبدانیم که باما راست گفتی و برنزول آن از گواهان باشیم (۱۱۳).

(۷۳) یعنی نخست ازسر خضوع ونیایش ایشان گویند که دربرابر تو نسبت به دانش ماراهیچ دانش نیست بعد ازآن گواهی دهند براست خویش والله اعلم.

(۷٤) یعنی از گور زنده بیرون می آوردی والله اعلم.

(۷٥) حاصل این است که الهام فرستادم به سوی حواریان درآن مدت که معجزه طلب کردند و برحسب مرادد یدند.

قَالَ عِيسَى ٱبْنُ مَرْيَمَ ٱللَّهُمَّ رَبَّنَآ أَنزِلْ عَلَيْنَا مَآئِدَةً مِّنَ ٱلسَّمَآءِ
تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِّأَوَّلِنَا وَءَاخِرِنَا وَءَايَةً مِّنكَ ۖ وَٱرْزُقْنَا وَأَنتَ
خَيْرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ﴿١١٤﴾ قَالَ ٱللَّهُ إِنِّى مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ ۖ فَمَن يَكْفُرْ بَعْدُ
مِنكُمْ فَإِنِّىٓ أُعَذِّبُهُۥ عَذَابًا لَّآ أُعَذِّبُهُۥٓ أَحَدًا مِّنَ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١١٥﴾
وَإِذْ قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَى ٱبْنَ مَرْيَمَ ءَأَنتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ ٱتَّخِذُونِى
وَأُمِّىَ إِلَٰهَيْنِ مِن دُونِ ٱللَّهِ ۖ قَالَ سُبْحَٰنَكَ مَا يَكُونُ لِىٓ أَنْ أَقُولَ
مَا لَيْسَ لِى بِحَقٍّ ۚ إِن كُنتُ قُلْتُهُۥ فَقَدْ عَلِمْتَهُۥ ۚ تَعْلَمُ مَا فِى نَفْسِى
وَلَآ أَعْلَمُ مَا فِى نَفْسِكَ ۚ إِنَّكَ أَنتَ عَلَّٰمُ ٱلْغُيُوبِ ﴿١١٦﴾ مَا قُلْتُ لَهُمْ
إِلَّا مَآ أَمَرْتَنِى بِهِۦٓ أَنِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ رَبِّى وَرَبَّكُمْ ۚ وَكُنتُ عَلَيْهِمْ
شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ ۖ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِى كُنتَ أَنتَ ٱلرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ ۚ
وَأَنتَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ ﴿١١٧﴾ إِن تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ ۖ وَإِن
تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنتَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿١١٨﴾ قَالَ ٱللَّهُ هَٰذَا يَوْمُ يَنفَعُ
ٱلصَّٰدِقِينَ صِدْقُهُمْ ۚ لَهُمْ جَنَّٰتٌ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ
فِيهَآ أَبَدًا ۖ رَّضِىَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا۟ عَنْهُ ۚ ذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ﴿١١٩﴾ لِلَّهِ
مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ ۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌۢ ﴿١٢٠﴾

گفت عیسیٰ پسر مریم بارخدایا ای پروردگارما برما خوانی پُر ازطعام ازآسمان فرود آر تاباشد عیدی برای ماوبرای اول امت ما وآخر امت ما ومعجزه ای ازجانب تو وروزی ده مارا وتوبهترین روزی دهندگانی (۱۱٤). خدا گفت من فرود آورنده ام آن رابرشما پس هرکه ازشماکافر شود بعد ازین پس من تعذیب کنم اورا به عذابیکه تعذیب نکنم بآن هیچ یك رااز جهانیان[٧٦] (۱۱۵). ویادکن آن وقت را که گوید خدااى عیسیٰ پسر مریم آیا تو به مردمان گفتی که مرا خدا گیرید ومادرمرا به جای خدای تعالی[٧٧] گفت به پاکی یادمی‌کنم ترانه سزد مرا که بگویم آنچه لایق من نیست اگر گفته باشم این قول را پس تو آن را دانسته ای (زیراکه) می دانی آنچه درنفس منٰ است ونمی دانم آنچه درنفس تست هرآئینه تودانندهٔ امور پنهانی (۱۱٦). نگفته‌ام به ایشان مگر آنچه مرا به آن فرموده بودی که خدارا که پروردگار من وپروردگار شما است بپرستید وبودم برایشان نگاهبان مادامی که درمیان ایشان بودم پس وقتیکه مرا بر گرفتی[٧٨] توبودی نگاهبان برایشان وتو برهمه چیز نگاهبانی (۱۱۷). اگر ایشان را عذاب کنی پس ایشان بندگان تواند و اگر ایشانرا بیامرزی پس تویی غالب استوارکار (۱۱۸). خدا گوید امروز روزی است که نفع دهد راست گویان را راستگویی ایشان برای آنهاست بوستانها ای که میرود از زیرآنها جویها باشد جاویدان در آنجا همیشه خدا ازایشان خوشنود شد وایشان ازخدا خوشنودشدند این رستگاری بزرگ است (۱۱۹). پادشاهی آسمان هاو زمین وآنچه درآن هاست ازآنِ خداست واوبرهمه چیز تواناست (۱۲۰).

(٧٦) مترجم گوید بعد ازآن خوانی نازل شد ازآسمان که بروی گوشت ونان بود پس خوردند و سیر شدند والله اعلم.

(٧٧) مترجم گوید خدای تعالی روزقیامت نعمت های خود را بر عیسیٰ یاد دهانی کند بعد ازآن سوال کند که خود را اله می گفتی یانه بجهت تاکید و برای قطع شبهه نصاریٰ بابلغ وجوه والله اعلم فتح الرحمن.

(٧٨) یعنی برآسمان بردی مرا.

سُورَةُ الأَنْعَامِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَجَعَلَ ٱلظُّلُمَٰتِ
وَٱلنُّورَ ۖ ثُمَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ﴿١﴾ هُوَ ٱلَّذِى
خَلَقَكُم مِّن طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰٓ أَجَلًا ۖ وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِندَهُۥ ۖ ثُمَّ أَنتُمْ
تَمْتَرُونَ ﴿٢﴾ وَهُوَ ٱللَّهُ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَفِى ٱلْأَرْضِ ۖ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ
وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ ﴿٣﴾ وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ ءَايَةٍ مِّنْ
ءَايَٰتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا۟ عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٤﴾ فَقَدْ كَذَّبُوا۟ بِٱلْحَقِّ
لَمَّا جَآءَهُمْ ۖ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنۢبَٰٓؤُا۟ مَا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٥﴾
أَلَمْ يَرَوْا۟ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّن قَرْنٍ مَّكَّنَّٰهُمْ فِى ٱلْأَرْضِ
مَا لَمْ نُمَكِّن لَّكُمْ وَأَرْسَلْنَا ٱلسَّمَآءَ عَلَيْهِم مِّدْرَارًا وَجَعَلْنَا ٱلْأَنْهَٰرَ
تَجْرِى مِن تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَٰهُم بِذُنُوبِهِمْ وَأَنشَأْنَا مِنۢ بَعْدِهِمْ قَرْنًا
ءَاخَرِينَ ﴿٦﴾ وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَٰبًا فِى قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ
لَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِنْ هَٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٧﴾ وَقَالُوا۟ لَوْلَآ أُنزِلَ
عَلَيْهِ مَلَكٌ ۖ وَلَوْ أَنزَلْنَا مَلَكًا لَّقُضِىَ ٱلْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ ﴿٨﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

ستایش آن خدای راست که آسمان هاوزمین راآفریدوتاریکی ها و روشنی را پیداکرد بازکافران باپروردگارشان (بُتانی را) برابرمی کنند[۱] (۱). اوست آنکه شمارا از گِل بیافرید باز وقت مرگ را مقرر کرد و (برای قیامت) نزد او مدتی معین هست[۲] بازشما شك می کنید (۲). واوست خدا[۳] درآسمان ها ودرزمین پنهان شماراو آشکارتان را می داند و آنچه عمل می کنید میداند (۳). و به کافران هیچ نشانه ای ازنشانه های پروردگار ایشان نمی آید مگر آنکه ازآن رویگردان شدند (٤). پس بدرستیکه حق را (یعنی رسول را وآنچه آورده بود ازقرآن ودین حق) چون آمدایشانرا تکذیب کردند پس خواهد آمد به ایشان جزای آنچه بوی تمسخر میکردند[٤] (٥). آیا ندیده‌اند که چه قدر پیش ازایشان ازاُمتهاکه استقرار داده بودیم ایشان را درزمین آنقدری که استقرار نداده ایم شمارا هلاك کرده ایم و باران را برایشان پی درپی ریزنده فرستاده بودیم وپیداکردیم جویهاای که میرفت زیرایشان[٥] پس ایشان را به گناهان ایشان هلاك کردیم وبعدازایشان امتی دیگر (یعنی مردمان دیگر) پیداکردیم (٦). وا گر نوشته ای در ورقی برتونازل می کردیم پس آن رابدست هایشان لمس میکردند البته کافران می‌گفتند این جز سحر ظاهر نیست[٦] (۷). و گفتند کافران چرا فرودنیاورده شد بر پیامبر فرشته ای[۷] واگر فرشته ای را فروفرستادیم البته کاربه انجام رسانیده می شد باز مهلت داده نشوند[۸] (۸).

---

(۱) یعنی معبودان باطل را.
(۲) یعنی برای قیام قیامت.
(۳) یعنی متصرف وفرمانروا.
(٤) یعنی به صدق آن خبردارد والله اعلم.
(٥) یعنی زیر مساکن ایشان.
(٦) یعنی تعصب ایشان بمرتبه ای است که اگر نزول کتاب را بحس ظاهر ببینند نیزانکار کنند.
(۷) یعنی بوجهی که مآنرابحس ظاهر ببینیم والله اعلم.
(۸) یعنی ظهور ملائکه باین وجه مستلزم هلاك ایشان است درحکمت الهی والله اعلم.

وَلَوۡ جَعَلۡنَٰهُ مَلَكٗا لَّجَعَلۡنَٰهُ رَجُلٗا وَلَلَبَسۡنَا عَلَيۡهِم مَّا يَلۡبِسُونَ ٩ وَلَقَدِ ٱسۡتُهۡزِئَ بِرُسُلٖ مِّن قَبۡلِكَ فَحَاقَ بِٱلَّذِينَ سَخِرُواْ مِنۡهُم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ١٠ قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ ثُمَّ ٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ ١١ قُل لِّمَن مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ قُل لِّلَّهِۚ كَتَبَ عَلَىٰ نَفۡسِهِ ٱلرَّحۡمَةَۚ لَيَجۡمَعَنَّكُمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا رَيۡبَ فِيهِۚ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ فَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ١٢ ۞ وَلَهُۥ مَا سَكَنَ فِي ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ١٣ قُلۡ أَغَيۡرَ ٱللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيّٗا فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَهُوَ يُطۡعِمُ وَلَا يُطۡعَمُۗ قُلۡ إِنِّيٓ أُمِرۡتُ أَنۡ أَكُونَ أَوَّلَ مَنۡ أَسۡلَمَۖ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ١٤ قُلۡ إِنِّيٓ أَخَافُ إِنۡ عَصَيۡتُ رَبِّي عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ١٥ مَّن يُصۡرَفۡ عَنۡهُ يَوۡمَئِذٖ فَقَدۡ رَحِمَهُۥۚ وَذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡمُبِينُ ١٦ وَإِن يَمۡسَسۡكَ ٱللَّهُ بِضُرّٖ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَۖ وَإِن يَمۡسَسۡكَ بِخَيۡرٖ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٧ وَهُوَ ٱلۡقَاهِرُ فَوۡقَ عِبَادِهِۦۚ وَهُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡخَبِيرُ ١٨

وا گر آن فرستاده را فرشته ای میکردیم لازم آن را مردی قرارمی دادیم (یعنی به شکل مردی درمی آوردیم) والبته مشتبه میکردیم برایشان آنچه اکنون اشتباه میکنند (۹). وبه راستی که به پیامبران پیش ازتو تمسخر کرده شد پس به تمسخر کنندگان ازایشان جزای آنچه بآن تمسخر می کردند فرود آمد[۹] (۱۰). بگو درزمین بگردید بازنظر کنید آخر کار تکذیب کنند گان چگونه شد (۱۱). بگو ـ آنچه درآسمان هاوزمین است برای چه کس است بگو برای خدا است برخودمهربانی را لازم کرد البته شمارا درروز قیامت که هیچ شکی درآن نیست جمع کند آنانکه زیان کردند درحق خویشتن پس ایمان نمی آورند (۱۲). وآنچه ساکن شد درشب وروز ازآنِ اوست واو شنوای دانا است (۱۳). بگوآیا غیراز خدای پیدا کننده ٔ آسمان هاوزمین، دوستی گیرم حال آنکه او روزی میدهد و روزی داده نمی شود بگوهرآئینه مرا امرکرده شده است که نخستین مسلمان باشم (یعنی ازین امت) و(فرموده شد که) از شریك مقرر کنند گان مباش (١٤). بگوهرآئینه من اگرنافرمانی پروردگار خود کنم ازعذاب روز بزرگ می ترسم (١٥). هر که ازاوعذاب آن روز بازداشته شود پس خدابروی مهربانی کرد واین مطلب یابی ظاهر است (١٦). وا گر خدا به تو سختی رساند آن را بازدارنده ای جزخوداو نیست وا گر به تو نعمت رساند پس اوبرهمه چیز تواناست (۱۷). واو بالای بندگان خود غالب است واو دانا آگاه است (۱۸).

---

(۹) یعنی جزای کلمه ای که بطریق سخریه باینها می گفتند یافت.

قُلۡ أَيُّ شَيۡءٍ أَكۡبَرُ شَهَٰدَةٗۖ قُلِ ٱللَّهُۖ شَهِيدُۢ بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡۚ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَٰذَا
ٱلۡقُرۡءَانُ لِأُنذِرَكُم بِهِۦ وَمَنۢ بَلَغَۚ أَئِنَّكُمۡ لَتَشۡهَدُونَ أَنَّ مَعَ ٱللَّهِ ءَالِهَةً
أُخۡرَىٰۚ قُل لَّآ أَشۡهَدُۚ قُلۡ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ وَإِنَّنِي بَرِيٓءٞ مِّمَّا تُشۡرِكُونَ
﴿١٩﴾ ٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يَعۡرِفُونَهُۥ كَمَا يَعۡرِفُونَ أَبۡنَآءَهُمُۘ ٱلَّذِينَ
خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ فَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ﴿٢٠﴾ وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى
ٱللَّهِ كَذِبًا أَوۡ كَذَّبَ بِـَٔايَٰتِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٢١﴾ وَيَوۡمَ نَحۡشُرُهُمۡ
جَمِيعٗا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشۡرَكُوٓاْ أَيۡنَ شُرَكَآؤُكُمُ ٱلَّذِينَ كُنتُمۡ تَزۡعُمُونَ ﴿٢٢﴾
ثُمَّ لَمۡ تَكُن فِتۡنَتُهُمۡ إِلَّآ أَن قَالُواْ وَٱللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشۡرِكِينَ ﴿٢٣﴾
ٱنظُرۡ كَيۡفَ كَذَبُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡۚ وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ﴿٢٤﴾
وَمِنۡهُم مَّن يَسۡتَمِعُ إِلَيۡكَۖ وَجَعَلۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ أَكِنَّةً أَن يَفۡقَهُوهُ
وَفِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَقۡرٗاۚ وَإِن يَرَوۡاْ كُلَّ ءَايَةٖ لَّا يُؤۡمِنُواْ بِهَاۚ حَتَّىٰٓ إِذَا
جَآءُوكَ يُجَٰدِلُونَكَ يَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ
ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿٢٥﴾ وَهُمۡ يَنۡهَوۡنَ عَنۡهُ وَيَنۡـَٔوۡنَ عَنۡهُۖ وَإِن يُهۡلِكُونَ إِلَّآ
أَنفُسَهُمۡ وَمَا يَشۡعُرُونَ ﴿٢٦﴾ وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذۡ وُقِفُواْ عَلَى ٱلنَّارِ فَقَالُواْ
يَٰلَيۡتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٢٧﴾

بگوچه چیز در شهادت برتر وبزرگتر است؟[۱۰] بگوخدا بین من وبین شما گواه است و به سوی من این قرآن وحی کرده شد تا شمارا به آن و آن را نیز که قرآن به اوبرسد بیم دهم آیاشما گواهی میدهید که باخدا معبودان دیگر هستند بگو من گواهی نمیدهم بگوجزاین نیست که او معبود یگانه است وهرآئینه من بیزارم ازآنچه شما شریك مقررمیکنید (۱۹). آنانکه ایشان را کتاب داده ایم حقیقت این قول را می شناسند[۱۱] چنانکه پسران خودرا می شناسند آنانکه به خود زیان زده اند پس ایشان ایمان نمی آورند (۲۰). وکیست ستمگارتر ازکسی که برخدا دروغ را بربست یا آیاتِ اورا دروغ انگاشت هرآئینه ستمکاران رستگار نمی شوند (۲۱). ویادکن آن روز را که همگی ایشان را حشر کنیم باز مشرکان را می گوییم کجایندآن شریکان شما که ایشان را به گمان اثبات می کردید (۲۲). بعد ازآن عذرایشان جزاین نباشد که گویند قسم بخدا پروردگارما که مامشرك نبودیم (۲۳). بنگرچگونه برخویشتن دروغ گفتند و ازایشان آنچه افترامی کردند گم گشت (۲٤). وازایشان کسی هست که به سوی تو گوش می نهد و بردلهای ایشان پرده ها پیداکرده ایم تا آن را نفهمند ودرگوشهای ایشان سنگيني را (گذاشته ایم) واگر ببینند هر معجزه ای بآن ایمان نیارند تاوقتیکه بیایند پیش تومکابره کنان باتو این کافران گویند این جز قصه های پیشینیان نیست (۲۵). وایشان ازمتابعت او منع میکنند ازمتابعت او ودورمی شوند مگر خویشتن را هلاك نمی کنند ونمی دانند (۲٦). وتعجب کنی ا گر ایشان را ببيني وقتیکه نزدیك آتش بازداشته شوند پس گویند ای کاش ماباز گردانیده شویم پس آیاتِ پروردگار خویش را دروغ نینگاریم و از مسلمانان شویم (۲۷).

(۱۰) یعنی اظهار حق کردن والله اعلم.

(۱۱) یعنی کلمه توحید، مترجم همینطور تفسیر کرده است وبرای توضیح گوییم که بسیاری ازمفسرین مراداز ﴿يَعۡرِفُونَهُۥ كَمَا يَعۡرِفُونَ أَبۡنَآءَهُمۡۖ﴾ که می شناسند اورا یعنی رسول خدارا که درکتابهای آنان وصف ونعت او موجوداست مانندشناختن بچهایشان همین معنی را گرفته اند مصحح والله اعلم.

بَلۡ بَدَا لَهُم مَّا كَانُواْ يُخۡفُونَ مِن قَبۡلُۖ وَلَوۡ رُدُّواْ لَعَادُواْ لِمَا نُهُواْ عَنۡهُ وَإِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ﴿٢٨﴾ وَقَالُوٓاْ إِنۡ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا ٱلدُّنۡيَا وَمَا نَحۡنُ بِمَبۡعُوثِينَ ﴿٢٩﴾ وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذۡ وُقِفُواْ عَلَىٰ رَبِّهِمۡۚ قَالَ أَلَيۡسَ هَٰذَا بِٱلۡحَقِّۚ قَالُواْ بَلَىٰ وَرَبِّنَاۚ قَالَ فَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ ﴿٣٠﴾ قَدۡ خَسِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِلِقَآءِ ٱللَّهِۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَتۡهُمُ ٱلسَّاعَةُ بَغۡتَةً قَالُواْ يَٰحَسۡرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطۡنَا فِيهَا وَهُمۡ يَحۡمِلُونَ أَوۡزَارَهُمۡ عَلَىٰ ظُهُورِهِمۡۚ أَلَا سَآءَ مَا يَزِرُونَ ﴿٣١﴾ وَمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا لَعِبٞ وَلَهۡوٞۖ وَلَلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ﴿٣٢﴾ قَدۡ نَعۡلَمُ إِنَّهُۥ لَيَحۡزُنُكَ ٱلَّذِي يَقُولُونَۖ فَإِنَّهُمۡ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَٰكِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ يَجۡحَدُونَ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدۡ كُذِّبَتۡ رُسُلٞ مِّن قَبۡلِكَ فَصَبَرُواْ عَلَىٰ مَا كُذِّبُواْ وَأُوذُواْ حَتَّىٰٓ أَتَىٰهُمۡ نَصۡرُنَاۚ وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِ ٱللَّهِۚ وَلَقَدۡ جَآءَكَ مِن نَّبَإِيْ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿٣٤﴾ وَإِن كَانَ كَبُرَ عَلَيۡكَ إِعۡرَاضُهُمۡ فَإِنِ ٱسۡتَطَعۡتَ أَن تَبۡتَغِيَ نَفَقٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ أَوۡ سُلَّمٗا فِي ٱلسَّمَآءِ فَتَأۡتِيَهُم بِـَٔايَةٖۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَمَعَهُمۡ عَلَى ٱلۡهُدَىٰۚ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡجَٰهِلِينَ ﴿٣٥﴾

نه بلکه برایشان آشکارشد جزای آنچه پیش ازین می پوشیدند یعنی جزای عقائد باطله و اگرباز گردانیده شوند البته به سوی آنچه منع کرده می شدند بازمی گردند والبته ایشان دروغگویانند (۲۸). و گفتند نیست هیچ زندگی مگر زند گانی این جهانيما وما برانگیخته نخواهیم شد[۱۲] (۲۹). وتعجب کنی ا گر ببینی آنگاه که بحضور پروردگار خویش بازداشته شوند گویدخداآیااین درست نیست گویند آری درست است وقسم به پروردگارمان گوید عذاب رابسبب آنکه کافربودید بچشید (۳۰). به تحقیق زیان کارشدند آنانکه ملاقات خدارا تکذیب کردند تاآنگاه که بایشان قیامت بیاید ناگهان گویند ای پشیمانی ما برتقصیر ما دربارهٔ قیامت وایشان بارهای خویش را[۱۳] برپشتهای خویش بردارند آگاه شوید بدچیزیست آنچه برمیدارند[۱٤] (۳۱). و زندگانی دنیا مگربازی ولهو نیست وهرآئینه سرای آخرت متقیان را بهتر است آیادرنمی یابید (۳۲). به راستی میدانیم که البته اندوهگین میکندتوراآنچه ایشان می گویندپس هرآئینه ایشان تکذیب نمی کنند تورافقط ولیکن این ستمگاران آیاتِ خدارا انکارمی کنند (۳۳). وبه راستی پیامبرانی پیش ازتو تکذیب کرده شدند پس برتکذیب شان ورنج دیدن شان صبر کردند تاآنکه بایشان نصرت ما بیامد ووعده های خدارا هیچ تغیر دهنده ای نیست وهرآئینه به تو بعض خبرپیامبران آمد (۳٤). وا گر برتورویگرادنی ایشان گران شده باشد پس ا گر می توانی که سوراخی درزمین یا نردبانی درآسمان بجویی پس پیش ایشان معجزه ای بیاری (پس چنان کن)[۱۵] و اگرخدامی خواست ایشان را برهدایت گردمی‌آورد پس ازجاهلان مباش (۳۵).

---

(۱۲) یعنی منکر حشراند والله اعلم.

(۱۳) یعنی گناهان خویش را.

(۱٤) یعنی عمل بدبشکل چیزی نهایت زشتی وناخوشی شده برپشت اوبنهند.

(۱۵) یعنی ازآنجا که می توانی که معجزه بیاری بیار حاصل آنست که امرخودرا به خدا تفویض کن والله اعلم.

۞ إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ ٱلَّذِينَ يَسْمَعُونَ ۘ وَٱلْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ ٱللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ
يُرْجَعُونَ ﴿٣٦﴾ وَقَالُوا۟ لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ مِّن رَّبِّهِۦ ۚ قُلْ إِنَّ ٱللَّهَ
قَادِرٌ عَلَىٰٓ أَن يُنَزِّلَ ءَايَةً وَلَـٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٧﴾ وَمَا
مِن دَآبَّةٍ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَا طَـٰٓئِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّآ أُمَمٌ أَمْثَالُكُم ۚ
مَّا فَرَّطْنَا فِى ٱلْكِتَـٰبِ مِن شَىْءٍ ۚ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ﴿٣٨﴾
وَٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَـٰتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِى ٱلظُّلُمَـٰتِ ۗ مَن يَشَإِ
ٱللَّهُ يُضْلِلْهُ وَمَن يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٣٩﴾ قُلْ
أَرَءَيْتَكُمْ إِنْ أَتَىٰكُمْ عَذَابُ ٱللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ ٱلسَّاعَةُ أَغَيْرَ ٱللَّهِ
تَدْعُونَ إِن كُنتُمْ صَـٰدِقِينَ ﴿٤٠﴾ بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ
مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِن شَآءَ وَتَنسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ ﴿٤١﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَآ
إِلَىٰٓ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَـٰهُم بِٱلْبَأْسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمْ
يَتَضَرَّعُونَ ﴿٤٢﴾ فَلَوْلَآ إِذْ جَآءَهُم بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا۟ وَلَـٰكِن قَسَتْ
قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيْطَـٰنُ مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾ فَلَمَّا
نَسُوا۟ مَا ذُكِّرُوا۟ بِهِۦ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَٰبَ كُلِّ شَىْءٍ حَتَّىٰٓ
إِذَا فَرِحُوا۟ بِمَآ أُوتُوٓا۟ أَخَذْنَـٰهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُم مُّبْلِسُونَ ﴿٤٤﴾

جزاین نیست که قبول میکنند (دعوت تورا)[١٦] آنانکه می شنوند وخدا مُردگان (یعنی کافران) را برمی انگیزد باز به سوی او گردانیده شوند (٣٦). و گفتند چرا برپیامبر نشانه ای ازجانب پروردگارش فروفرستاده نشد؟[١٧] بگوهرآئینه خداقادراست برآنکه آیتی فروفرستد و لیکن اکثر ایشان نمی دانند (٣٧). ونیست هیچ جانوری درزمین ونه هیچ پرنده ای که می پرد بدو بال خود مگر آنکه امتهایی چون شماهستند هیچ چیزی را درکتاب (یعنی لوح محفوظ) فروگذارنکرده ایم باز به سوی پروردگار خود حشر کرده خواهند شد (٣٨). وکسانیکه آیاتِ مارا تکذیب کردند کرانند و گنگانند درتاریکی‌ها (ی کفر) هستند هرکرا خدا خواهد گمراه کندش وهرکرا خواهد براه راست گرداندش (٣٩). بگوآیادیدید اگربه شما عذاب خدا بیاید یا به شما قیامت بیاید آیا غیر خدا را تضرع می کنید اگر راست گوهستید (٤٠). نه بلکه خاص بجناب اودعامی‌کنید پس ا گر بخواهد دفع می کندآنچه راکه برای دفع آن دعامی‌کنید و آن چیزرا که اوراشریك مقرر می‌کردید فراموش می‌کنید (٤١). وبه راستی به سوی امتانی پیش ازتو (پیامبرانی) فرستادیم[١٨] پس ایشان را به تنگی معیشت وبیماری درگرفت کردیم تازاری کنند (٤٢). پس چرا زاری نکردند وقتیکه بایشان عذابِما آمد ولیکن دلهای ایشان سخت شد و درنظر ایشان آنچه می کردند شیطان زینت داد (٤٣). پس چون فراموش کردند آنچه ایشان را بآن پند داده شد برایشان درهای همه چیزرا[١٩] کشاده ساختیم تاآن هنگام که شادمان گشتند به آنچه ایشان را داده شد ناگهان ایشان را درگرفتیم پس ناامید شدند (٤٤).

---

(١٦) یعنی دعوت اسلام را.

(١٧) یعنی ازآن نشانه ها که می طلبیدند والله اعلم.

(١٨) یعنی پیامبران.

(١٩) یعنی به‌استدراج نعمتهای فراوان دادیم والله اعلم.

فَقُطِعَ دَابِرُ ٱلْقَوْمِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ ۚ وَٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَـٰلَمِينَ ﴿٤٥﴾
قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ ٱللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَـٰرَكُمْ وَخَتَمَ عَلَىٰ قُلُوبِكُم
مَّنْ إِلَـٰهٌ غَيْرُ ٱللَّهِ يَأْتِيكُم بِهِ ۗ ٱنظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ ٱلْـَٔايَـٰتِ
ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ ﴿٤٦﴾ قُلْ أَرَءَيْتَكُمْ إِنْ أَتَىٰكُمْ عَذَابُ ٱللَّهِ
بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلَكُ إِلَّا ٱلْقَوْمُ ٱلظَّـٰلِمُونَ ﴿٤٧﴾ وَمَا
نُرْسِلُ ٱلْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ۖ فَمَنْ ءَامَنَ وَأَصْلَحَ
فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٤٨﴾ وَٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَـٰتِنَا
يَمَسُّهُمُ ٱلْعَذَابُ بِمَا كَانُوا۟ يَفْسُقُونَ ﴿٤٩﴾ قُل لَّآ أَقُولُ لَكُمْ
عِندِى خَزَآئِنُ ٱللَّهِ وَلَآ أَعْلَمُ ٱلْغَيْبَ وَلَآ أَقُولُ لَكُمْ إِنِّى مَلَكٌ ۖ
إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَىَّ ۚ قُلْ هَلْ يَسْتَوِى ٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْبَصِيرُ ۚ
أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ ﴿٥٠﴾ وَأَنذِرْ بِهِ ٱلَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحْشَرُوٓا۟ إِلَىٰ
رَبِّهِمْ ۙ لَيْسَ لَهُم مِّن دُونِهِۦ وَلِىٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ
﴿٥١﴾ وَلَا تَطْرُدِ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِٱلْغَدَوٰةِ وَٱلْعَشِىِّ يُرِيدُونَ
وَجْهَهُۥ ۖ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَىْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ
عَلَيْهِم مِّن شَىْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ ٱلظَّـٰلِمِينَ ﴿٥٢﴾

پس بیخ گروه ستمکاران بریده شد وسپاس وستایش خدای پروردگار جهانیان راست (٤٥). بگوآیادیدید اگر خدا شنوایی شمارا و چشم های شمارا باز گیرد وبردل های شما مُهرزند کیست معبودی غیر از خدا تعالی که آنرا به شمابازگرداند ببین چگونه گونا گون آیه هارا بیان می کنیم بازایشان رویگردان می شوند (٤٦). بگوآیا دیدید اگر به شما عذابِ خدا ناگهان یا آشکار بیاید آیا[٢٠] جز قوم ستمگاران هلاك کرده شوند(٤٧). و پیامبران را مگر بشارت دهنده وبیم دهنده نمی فرستیم پس هرکه ایمان آورد و نیکوکاری کرد پس هیچ ترسی برایشان نبود ونه ایشان اندوهگین شوند (٤٨). وکسانیکه آیاتِ مارا تکذیب کردند بایشان بسبب فاسق بودن ایشان عذاب برسد (٤٩). بگونمی‌گویم بشما که نزد من است خزانه های خدا ونمی گویم که غیب را میدانم وبه شما نمی‌گویم که من فرشته ام پیروی نمی‌کنم مگر چیزی راکه به سوی من وحی کرده شد بگوآیابرابر میشود نابینا وبینا آیاتأمل نمی کنید (٥٠). و بترسان باقرآن (یعنی پند ده بقرآن) کسانی را که می ترسندازآنکه به سوی پروردگار خویش حشرکرده شوند ایشانرا بجز خدا هیچ دوستی ونه سفارش کننده ای نباشد تاباشدکه پرهیزگاری کنند (٥١). [٢١]و کسانی را که مناجات می‌کنند به پروردگارخویش بامداد وشام رضای اورامی طلبند مَرَان، نیست برتو چیزی ازحسابِ ایشان ونیست برایشان چیزی ازحسابِ تو تا ایشان را برانی که آنگاه ازستمگاران باشی (٥٢).

(٢٠) یعنی هلاك کرده شوند.

(٢١) رؤسای کفار بآن حضرت گفتند که برای ما عارست که با فقرای مسلمین بنشینیم ایشانرا ازمجلس خود یکسوکن تاباتوبنشینیم خدای تعالی آیت فرستاد.

وَكَذَٰلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِّيَقُولُوٓاْ أَهَٰٓؤُلَآءِ مَنَّ ٱللَّهُ عَلَيْهِم مِّنۢ بَيْنِنَآۗ أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِأَعْلَمَ بِٱلشَّٰكِرِينَ ﴿٥٣﴾ وَإِذَا جَآءَكَ ٱلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِـَٔايَٰتِنَا فَقُلْ سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْۖ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ ٱلرَّحْمَةَۖ أَنَّهُۥ مَنْ عَمِلَ مِنكُمْ سُوٓءًۢا بِجَهَٰلَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنۢ بَعْدِهِۦ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُۥ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٥٤﴾ وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلْأَيَٰتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ ٱلْمُجْرِمِينَ ﴿٥٥﴾ قُلْ إِنِّى نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ ٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِۚ قُل لَّآ أَتَّبِعُ أَهْوَآءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُهْتَدِينَ ﴿٥٦﴾ قُلْ إِنِّى عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّى وَكَذَّبْتُم بِهِۦۚ مَا عِندِى مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِۦٓۚ إِنِ ٱلْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِۖ يَقُصُّ ٱلْحَقَّۖ وَهُوَ خَيْرُ ٱلْفَٰصِلِينَ ﴿٥٧﴾ قُل لَّوْ أَنَّ عِندِى مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِۦ لَقُضِىَ ٱلْأَمْرُ بَيْنِى وَبَيْنَكُمْۗ وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٥٨﴾ ۞ وَعِندَهُۥ مَفَاتِحُ ٱلْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَآ إِلَّا هُوَۚ وَيَعْلَمُ مَا فِى ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِۚ وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِى ظُلُمَٰتِ ٱلْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِى كِتَٰبٍ مُّبِينٍ ﴿٥٩﴾

ربع الحزب ١٤

وهمچنین بعض مردمان را به بعضی امتحان کردیم تابگویند آیااین جماعت خدا بریشان ازمیان ما انعام کرده است خدای تعالی فرمودآیا خدا به شکر کنند گان داناتر نیست؟ (٥٣). وچون کسانیکه ایمان آورده اند بآیات ما پیش تو بیایند پس بگو سلام علیکم پروردگار شمابرخود مهربانی را لازم کرده است که هرکه بکند ازشماکار بد به نادانی بازتوبه کرد بعد ازآن ونیکوکاری نمود پس خدا آمرزنده مهربان است (٥٤). وهمچنین نشانه هارا به وضوح بیان می کنیم وتا راه ستمگاران ظاهر شود[٢٢] (٥٥). بگوهر آئینه مرا منع کرده شد که عبادت کنم آن کسانی را که شما غیراز خدا می پرستید بگو آرزوهای شمارا پیروی نمی کنم آنگاه گمراه شده باشم و نباشم ازراه یافتگان (٥٦). بگوهرآئینه من بر حجتیءام ازپروردگار خود وآن دلیل را دروغ انگاشتید نیست نزد من آنچه شما آن را بزودی می طلبید[٢٣] نیست حکم مگر خدارا دین درست را بیان می کند واوبهترین فیصله کنند گان است (٥٧). بگو ا گر آنچه که آن را بزودی می طلبید درنزدمن می بود البته کارمیانِ من ومیانِ شما یکسره می شد وخدا به ستمگاران داناتراست (٥٨). ونزد اوست کلید های غیب[٢٤] نمی داند آن را مگراو و آنچه درخشکی ودریاست میداند ونمی افتد هیچ برگی مگراینکه آنرامی داند ونمی افتد هیچ دانه درتاریکی‌های زمین ونه هیچ تری ونه خشکی مگر درکتاب روشن ثبت است (٥٩).

(٢٢) ظاهر نزدیك مترجم آن است که این واو زائد است مثل واوفتحت ابوابها.

(٢٣) یعنی عقوبت دراختیار من نیست.

(٢٤) یعنی انواع علم غیب.

وَهُوَ ٱلَّذِى يَتَوَفَّىٰكُم بِٱلَّيۡلِ وَيَعۡلَمُ مَا جَرَحۡتُم بِٱلنَّهَارِ ثُمَّ يَبۡعَثُكُمۡ فِيهِ لِيُقۡضَىٰٓ أَجَلٞ مُّسَمّٗىۖ ثُمَّ إِلَيۡهِ مَرۡجِعُكُمۡ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٦٠ وَهُوَ ٱلۡقَاهِرُ فَوۡقَ عِبَادِهِۦۖ وَيُرۡسِلُ عَلَيۡكُمۡ حَفَظَةً حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَحَدَكُمُ ٱلۡمَوۡتُ تَوَفَّتۡهُ رُسُلُنَا وَهُمۡ لَا يُفَرِّطُونَ ٦١ ثُمَّ رُدُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ مَوۡلَىٰهُمُ ٱلۡحَقِّۚ أَلَا لَهُ ٱلۡحُكۡمُ وَهُوَ أَسۡرَعُ ٱلۡحَٰسِبِينَ ٦٢ قُلۡ مَن يُنَجِّيكُم مِّن ظُلُمَٰتِ ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ تَدۡعُونَهُۥ تَضَرُّعٗا وَخُفۡيَةٗ لَّئِنۡ أَنجَىٰنَا مِنۡ هَٰذِهِۦ لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ٦٣ قُلِ ٱللَّهُ يُنَجِّيكُم مِّنۡهَا وَمِن كُلِّ كَرۡبٖ ثُمَّ أَنتُمۡ تُشۡرِكُونَ ٦٤ قُلۡ هُوَ ٱلۡقَادِرُ عَلَىٰٓ أَن يَبۡعَثَ عَلَيۡكُمۡ عَذَابٗا مِّن فَوۡقِكُمۡ أَوۡ مِن تَحۡتِ أَرۡجُلِكُمۡ أَوۡ يَلۡبِسَكُمۡ شِيَعٗا وَيُذِيقَ بَعۡضَكُم بَأۡسَ بَعۡضٍۗ ٱنظُرۡ كَيۡفَ نُصَرِّفُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّهُمۡ يَفۡقَهُونَ ٦٥ وَكَذَّبَ بِهِۦ قَوۡمُكَ وَهُوَ ٱلۡحَقُّۚ قُل لَّسۡتُ عَلَيۡكُم بِوَكِيلٖ ٦٦ لِّكُلِّ نَبَإٖ مُّسۡتَقَرّٞۚ وَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ٦٧ وَإِذَا رَأَيۡتَ ٱلَّذِينَ يَخُوضُونَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا فَأَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ حَتَّىٰ يَخُوضُواْ فِي حَدِيثٍ غَيۡرِهِۦۚ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ ٱلشَّيۡطَٰنُ فَلَا تَقۡعُدۡ بَعۡدَ ٱلذِّكۡرَىٰ مَعَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٦٨

واوست آنکه قبض روح شما به شب می کند[٢٥] ومی داند آنچه به روز کسب کردید باز شمارا در روز برمی انگیزد تا میعاد معین به انجام رسانیده شود باز به سوی اوباز گشت شماست باز شمارا به آنچه می کردید خبر می دهد (٦٠). واوست غالب بالای بند گان خود و برشما ملائکه نگاهبان می فرستد تاوقتیکه به کسی ازشمامرگ بیاید قبض روح اوکنند فرستادگان ماوایشان کوتاهی نمی کنند (٦١). (مُردگان) به سوی خدا که سرور راستینشان است باز گردانیده شوند خبردار حکم او راست واوشتاب ترین حساب کنندگان است (٦٢). بگوکیست که شمارااز تاریکی‌های بیابان ودریا می رهاند[٢٦] بجناب اوبزاری ونیازپنهانی مناجات می کنید می گویید اگر مارا ازین محنت رها دهد هر آئینه ازشکر کنند گان باشیم (٦٣). بگوخدا شمارا ازآن محنت وازهر اندوهی می‌رهاند باز(هم) شما شریك مقررمی کنید (٦٤). بگواوست توانا برآنکه برشما عذابی ازبالای شما فروفرستد[٢٧] یااززیرپاهای شما[٢٨] و شمارا گروه گروه جمع کند و(طعم) جنگ برخی ازشمارا به برخی دیگر بچشاند[٢٩] بنگرچگونه گوناگون آیه هارا بیان می کنیم تابفهمند (٦٥). و قوم تو قرآن را تکذیب کردند حال آن که آن راست است بگو برشما نگاهبان نیستم(٦٦). هرخبری رامیعادیست وخواهید دانست (٦٧). وچون ببینی آنان را که درآیه های ما بحث شروع میکنند پس ازایشان روبگردان تاوقتیکه درسخنی غیر از وی بحث شروع کنند واگر تورا شیطان فراموش گرداند پس بعد از یاد آوردن با گروه ستمگاران منشین (٦٨).

---

(٢٥) یعنی قت خواب.

(٢٦) یعنی ازمصیبت های بیابان ودریا.

(٢٧) یعنی چنانکه سنگ بر قوم لوط بارید.

(٢٨) یعنی چنانکه قارون رابزمین فرودبرد.

(٢٩) یعنی افواج متعدده پیداشود وبایگدیگرجنگ کنند.

وَمَا عَلَى ٱلَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنۡ حِسَابِهِم مِّن شَيۡءٖ وَلَٰكِن ذِكۡرَىٰ لَعَلَّهُمۡ يَتَّقُونَ ﴿٦٩﴾ وَذَرِ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ دِينَهُمۡ لَعِبٗا وَلَهۡوٗا وَغَرَّتۡهُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَاۚ وَذَكِّرۡ بِهِۦٓ أَن تُبۡسَلَ نَفۡسُۢ بِمَا كَسَبَتۡ لَيۡسَ لَهَا مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيّٞ وَلَا شَفِيعٞ وَإِن تَعۡدِلۡ كُلَّ عَدۡلٖ لَّا يُؤۡخَذۡ مِنۡهَآۗ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ أُبۡسِلُواْ بِمَا كَسَبُواْۖ لَهُمۡ شَرَابٞ مِّنۡ حَمِيمٖ وَعَذَابٌ أَلِيمُۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡفُرُونَ ﴿٧٠﴾ قُلۡ أَنَدۡعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰٓ أَعۡقَابِنَا بَعۡدَ إِذۡ هَدَىٰنَا ٱللَّهُ كَٱلَّذِي ٱسۡتَهۡوَتۡهُ ٱلشَّيَٰطِينُ فِي ٱلۡأَرۡضِ حَيۡرَانَ لَهُۥٓ أَصۡحَٰبٞ يَدۡعُونَهُۥٓ إِلَى ٱلۡهُدَى ٱئۡتِنَاۗ قُلۡ إِنَّ هُدَى ٱللَّهِ هُوَ ٱلۡهُدَىٰۖ وَأُمِرۡنَا لِنُسۡلِمَ لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٧١﴾ وَأَنۡ أَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَٱتَّقُوهُۚ وَهُوَ ٱلَّذِيٓ إِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ ﴿٧٢﴾ وَهُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّۖ وَيَوۡمَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُۚ قَوۡلُهُ ٱلۡحَقُّۚ وَلَهُ ٱلۡمُلۡكُ يَوۡمَ يُنفَخُ فِي ٱلصُّورِۚ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِۚ وَهُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡخَبِيرُ ﴿٧٣﴾

وازحساب کافران چیزی برکسانیکه پرهیزگاری کردند نیست ولیکن برایشان لازم است پنددادن تاشود که ایشان پرهیزگاری کنند (٦٩). و کسانی را که دین خود را بازی ولهو گرفتند بگذار و ایشان را زندگانی دنیا فریفت وبه وسیلهٔ قرآن برای احتیاط ازآنکه بمهلکه گذاشته شود نفسی بسبب آنچه کسب کرده است به وسیلهٔ قرآن پند ده اورابجز خدا هیچ دوستی ونه شفاعت کننده ای نیست و ا گر عوض خود هرفدایی که تواند دهد ازوی گرفته نشود آن جماعت آنانند که بمهلکه گذاشته شدند به وبال آنچه کردند ایشان راست آشامیدنی ازآب جوشانیده وایشان راست عذاب دردناك بسبب آنکه کافربودند (۷۰). بگوآیا بجز خداکسی را که مارا نفع ندهد ومارا زیان نرساند مناجات کنیم وباز گردانیده شویم برپاشنه های خود بعدازآنکه خدا مارا راه راست نموده است مانند کسی که شیطانها اورا گمراه کرده باشند درزمین حیران مانده اورایارانند که می خوانندش به سوی‌راه راست که بیا به سوی‌مابگوهرآئینه هدایت خداهمان هدایت حقیقی است وفرموده شده است ماراکه منقاد پروردگار جهانیان شویم (۷۱). وفرموده شدکه نمازرا برپادارید وازخدا بترسید واوست آنکه به سوی اوحشر کرده خواهید شد (۷۲). واوست آنکه آسمانها و زمین را بتدبیر محکم بیافرید وروزیکه بفرماید[۳۰] که بشو پس می شود سخن اودرست است و برای اواست پادشاهی روزیکه دمیده شوددرصور. دانندهٔ پنهان وآشکاراست واو استوارکار آگاه است (۷۳).

(۳۰) یعنی چیزی را.

۞ وَإِذْ قَالَ إِبْرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ ءَازَرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا ءَالِهَةً ۖ إِنِّىٓ أَرَىٰكَ وَقَوْمَكَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٧٤﴾ وَكَذَٰلِكَ نُرِىٓ إِبْرَٰهِيمَ مَلَكُوتَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ ٱلْمُوقِنِينَ ﴿٧٥﴾ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ ٱلَّيْلُ رَءَا كَوْكَبًا ۖ قَالَ هَٰذَا رَبِّى ۖ فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لَآ أُحِبُّ ٱلْءَافِلِينَ ﴿٧٦﴾ فَلَمَّا رَءَا ٱلْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَٰذَا رَبِّى ۖ فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِى رَبِّى لَأَكُونَنَّ مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلضَّآلِّينَ ﴿٧٧﴾ فَلَمَّا رَءَا ٱلشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَٰذَا رَبِّى هَٰذَآ أَكْبَرُ ۖ فَلَمَّآ أَفَلَتْ قَالَ يَٰقَوْمِ إِنِّى بَرِىٓءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿٧٨﴾ إِنِّى وَجَّهْتُ وَجْهِىَ لِلَّذِى فَطَرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ حَنِيفًا ۖ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿٧٩﴾ وَحَآجَّهُۥ قَوْمُهُۥ ۚ قَالَ أَتُحَٰٓجُّوٓنِّى فِى ٱللَّهِ وَقَدْ هَدَىٰنِ ۚ وَلَآ أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِۦٓ إِلَّآ أَن يَشَآءَ رَبِّى شَيْـًٔا ۗ وَسِعَ رَبِّى كُلَّ شَىْءٍ عِلْمًا ۗ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٨٠﴾ وَكَيْفَ أَخَافُ مَآ أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِٱللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِۦ عَلَيْكُمْ سُلْطَٰنًا ۚ فَأَىُّ ٱلْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِٱلْأَمْنِ ۖ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨١﴾

ویادکن چون ابراهیم پدرخود آزر را گفت آیا بتان را معبود میگیری هرآئینه من تورا وقوم تورادرگمراهی ظاهر می بینم (۷٤). وهمچنین ابراهیم را ملك آسمان ها وزمین می نمودیم تا او از یقین کنندگان باشد[۳۱] (۷٥). پس چون بروی شب تاریك شد دیدستاره‌ای گفت این پروردگار من است پس وقتیکه فرورفت گفت فرورووندگان را دوست ندارم(۷٦). پس چون ماه را طلوع کرده دید گفت این است پروردگار من پس وقتیکه فرورفت گفت اگر مرا پروردگار من هدایت نکند البته ازگروه گمراهان شوم (۷۷). پس وقتیکه خورشید را طلوع کرده دید گفت این است پروردگار من این بزرگتر است پس چون فرورفت گفت ای قوم هرآئینه من بیزارم ازآنچه شریك مقرر میکنید (۷۸). هرآئینه روی خودرا به سوی کسیکه بیافرید آسمانهاوزمین را درحالتیکه حنیفم متوجه ساختم ومن ازمشرکان نیستم (۷۹). وباواوقوم او جدال کردند گفت آیاجدال می کنید بامن درباره خدا وبه تحقیق که مرا هدایت کرده است ونمی ترسم ازآنچه شما باخدا شریك مقرر می کنید ولیکن می ترسم ازآنکه خداچیزی را[۳۲] اراده کند و پروردگار من به همه چیزازجهت دانش احاطه کرده است آیاپندنمی گیرید؟ (۸۰). وچگونه ازکسی که اوراشریك مقررمی کنید ترسم حال آنکه شمانمی ترسید ازآنکه باخدا چیزی را شریك مقرر کردید که برای شما دلیلی بر آن نفرستاده است پس کدام یك ازین دو گروه به امن (وامنیت) سزاوار تراست بگویید اگر می دانید (۸۱).

---

(۳۱) یعنی چنانکه بروی ظاهر کردیم که بتان لایق عبادت نیستند نیزظاهر ساختیم که ستاره وهرچه درآسمانها وزمین است لایق عبادت نیستند وواو در ولیکون زائده است والله اعلم.

(۳۲) یعنی ازانواع محنت.

ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَمْ يَلْبِسُوٓاْ إِيمَٰنَهُم بِظُلْمٍ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلْأَمْنُ وَهُم مُّهْتَدُونَ ﴿٨٢﴾ وَتِلْكَ حُجَّتُنَآ ءَاتَيْنَٰهَآ إِبْرَٰهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِۦۚ نَرْفَعُ دَرَجَٰتٍ مَّن نَّشَآءُۗ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٨٣﴾ وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ إِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَۚ كُلًّا هَدَيْنَاۚ وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُۖ وَمِن ذُرِّيَّتِهِۦ دَاوُۥدَ وَسُلَيْمَٰنَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَٰرُونَۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٨٤﴾ وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَۖ كُلٌّ مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٨٥﴾ وَإِسْمَٰعِيلَ وَٱلْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًاۚ وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٨٦﴾ وَمِنْ ءَابَآئِهِمْ وَذُرِّيَّٰتِهِمْ وَإِخْوَٰنِهِمْۖ وَٱجْتَبَيْنَٰهُمْ وَهَدَيْنَٰهُمْ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٨٧﴾ ذَٰلِكَ هُدَى ٱللَّهِ يَهْدِى بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦۚ وَلَوْ أَشْرَكُواْ لَحَبِطَ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿٨٨﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ءَاتَيْنَٰهُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحُكْمَ وَٱلنُّبُوَّةَۚ فَإِن يَكْفُرْ بِهَا هَٰٓؤُلَآءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُواْ بِهَا بِكَٰفِرِينَ ﴿٨٩﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَى ٱللَّهُۖ فَبِهُدَىٰهُمُ ٱقْتَدِهْۗ قُل لَّآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًاۖ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرَىٰ لِلْعَٰلَمِينَ ﴿٩٠﴾

(خدای تعالی فرمود) کسانیکه ایمان آوردند و ایمان خودرا به شرك نیامیختند آن جماعت ایشان راست ایمنی وایشان راه یافتگانند (۸۲). واین است حجت ما که ابراهیم را برقوم او دادیمش وبلند می کنیم درمراتب هرکه را می خواهیم هرآئینه پروردگار توا ستوارکار داناست (۸۳). و ابراهیم را اسحاق و یعقوب عطاکردیم هریکی را ازایشان هدایت کردیم ونوح را پیش ازین هدایت کردیم وازاولاد ابراهیم (راه نمودیم) داود و سلیمان وایوب ویوسف وموسیٰ وهارون را وهم چنین نیکوکاران را پاداش می دهیم (۸٤). و زکریا و یحییٰ و عیسیٰ والیاس را هدایت کردیم همه آنان ازصالحان بودند (۸۵). و اسمٰعیل والیسع ویونس و لوط را هدایت کردیم وهریکی را بر (اهل زمان) جهانیان فضل دادیم (۸٦). وبعضی راازپدران ایشان وفرزندان ایشان وبرادران ایشان هدایت کردیم و ایشان را برگزیدیم وایشان را به سوی راه راست دلالت کردیم (۸۷). این است هدایت خدا دلالت می کند بدان هرکه راخواهد ازبندگان خویش و ا گر شریك مقرر میکردند آنچه کرده بودند ازایشان نابود می شد (۸۸). این جماعت آنانند که ایشان را کتاب وحکمت وپیامبری دادیم پس ا گر بآیاتِ قرآن این کافران کافر شوند پس ما گروهی را برآن بگماریم که هرگز به آن کفرنورزند[۳۳] (۸۹). این جماعت انبیاء کسانی‌اند که خدا ایشان را هدایت کردپس به روش ایشان اقتداکن بگو هیچ مزدی بر تبلیغ قرآن سوال نمی کنم، آن نیست مگر پندی برای جهانیان[۳٤] (۹۰).

(۳۳) یعنی مهاجرین وانصار وسایر اخیار والله اعلم.

(۳٤) یعنی چنانکه انبیاء صبر کردند برایذاء کفار تو نیزصبر کن والله اعلم.

وَمَا قَدَرُوا۟ ٱللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِۦٓ إِذْ قَالُوا۟ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ عَلَىٰ بَشَرٍ مِّن شَىْءٍ ۗ
قُلْ مَنْ أَنزَلَ ٱلْكِتَٰبَ ٱلَّذِى جَآءَ بِهِۦ مُوسَىٰ نُورًا وَهُدًى
لِّلنَّاسِ ۖ تَجْعَلُونَهُۥ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا ۖ وَعُلِّمْتُم
مَّا لَمْ تَعْلَمُوٓا۟ أَنتُمْ وَلَآ ءَابَآؤُكُمْ ۖ قُلِ ٱللَّهُ ۖ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِى خَوْضِهِمْ
يَلْعَبُونَ ﴿٩١﴾ وَهَٰذَا كِتَٰبٌ أَنزَلْنَٰهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ ٱلَّذِى بَيْنَ
يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ ٱلْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا ۚ وَٱلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِٱلْءَاخِرَةِ
يُؤْمِنُونَ بِهِۦ ۖ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٩٢﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ
ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِىَ إِلَىَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَىْءٌ
وَمَن قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ ۗ وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ فِى
غَمَرَٰتِ ٱلْمَوْتِ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ بَاسِطُوٓا۟ أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوٓا۟ أَنفُسَكُمُ ۖ
ٱلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ ٱلْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ غَيْرَ
ٱلْحَقِّ وَكُنتُمْ عَنْ ءَايَٰتِهِۦ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿٩٣﴾ وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا
فُرَٰدَىٰ كَمَا خَلَقْنَٰكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُم مَّا خَوَّلْنَٰكُمْ وَرَآءَ
ظُهُورِكُمْ ۖ وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَآءَكُمُ ٱلَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ
شُرَكَٰٓؤُا۟ ۚ لَقَد تَّقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنكُم مَّا كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٩٤﴾

وصفت نکردند یهودخدارا چنانکه حق صفت اوست چون گفتند خدا برهیچ آدمی هیچ چیزی نازل نکرده است بگو چه کسی نازل کرده است کتابی را که موسیٰ آن را روشنی و هدایت برای مردمان آورده است که آن را به صورت ورقهایی درمی آورید (قسمتي از) آن را آشکار می کنید وبسیاری را پنهان می کنید وآموخته شدید (یعنی درقرآن) آنچه نمی دانستید شما ونه پدران شمامی دانستند[٣٥] بگوخدا فرودآوردباز بگذار ایشان را دربحث ایشان درحالتیکه بازی میکنند[٣٦] (٩١). واین قرآن کتابیست که او را بابرکت باور دارندهٔ آنچه پیش ازوی بود فرستادیم و اهل مکه را وکسانی را که گرد مکه ساکن اند تابیم کنی ومعتقدان آخرت البته بقرآن ایمان می آورند وایشان برنمازخود محافظت می کنند[٣٧] (٩٢). وکیست ستمگار تراز کسی که برخدا دروغی را بربست[٣٨] یا گفت وحی به من فرستاده شده است وبه حقیقت به سوی اوچیزی نفرستاده شده است وازکسی که گفت فرودخواهم آوردمانند آنچه خدا فرودآورده است[٣٩] وتعجب کنی چون بنگری وقتیکه ظالمان درشدايد مرگ باشند وفرشتگان دست های خود را درازمی کنند[٤٠] می گویند روحهای خودرا بیرون آورید امروز جزاداده خواهید شدعذاب رسواکننده به سبب آنکه برخداناحق می گفتید وبسبب آنکه ازتصدیق آیات اوسرکشی می کردید (٩٣). وگوییم هرآئینه پیش ما تنها آمدید چنانکه شمارا بار اول آفریده بودیم و آنچه شمارا عطاکرده بودیم پس پشت خویش بگذاشتید ونمی بینیم باشما شفاعت کنند گان شمارا آنان که گمان می کردید که ایشان درپرورش شما شریکان خدااند هرآئینه پیوندمیانِ شما بریده شد وازشما آنچه گمان می کردید گم شد(٩٤).

---

(٣٥) یعنی کتمانِ آیات تورات راقرآن اظهار کرد و الّاقبل ازآن بیقین نمی دانستند.

(٣٦) حاصل آنست که اگر یهود گویند که خدای تعالی بهیچ بشر وحی نمیفرستد نقض کرده میشود بتورات و اگر گویند میفرستد استبعاد فرستادن قرآن مجرد تعصب است پس اِذ قالوا بجای اِن قالوا گفته شد.

(٣٧) مترجم گوید انذار اولّا عرب را کرده شدکه زبان عربی می فهمند ثانیًا جمیع اهل ارض را بواسطه ترجمه پس این جا انذارِ اول مراد است مانند آیت ﴿هُوَ ٱلَّذِى بَعَثَ فِى ٱلْأُمِّيِّـۧنَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُواْ عَلَيْهِمْ ءَايَـٰتِهِۦ﴾ الآية ودرآیت ﴿وَمَآ أَرْسَلْنَـٰكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَـٰلَمِينَ﴾ اعم از اولی وثانوی والله اعلم.

(٣٨) یعنی اعتقاد کردمثلا که بحایر وسوایب از امرالهی است واتفاق سلف دلیل برآن ست والله اعلم.

(٣٩) یعنی انشای کتابی مثل قرآن خواهم کردوانشارا بطریق مشاکلت انزال گفته شد.

(٤٠) یعنی میزنند والله اعلم.

۞ إِنَّ ٱللَّهَ فَالِقُ ٱلْحَبِّ وَٱلنَّوَىٰ ۖ يُخْرِجُ ٱلْحَىَّ مِنَ ٱلْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ
ٱلْمَيِّتِ مِنَ ٱلْحَىِّ ۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ ۖ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ ﴿٩٥﴾ فَالِقُ ٱلْإِصْبَاحِ
وَجَعَلَ ٱلَّيْلَ سَكَنًا وَٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ حُسْبَانًا ۚ ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ
ٱلْعَزِيزِ ٱلْعَلِيمِ ﴿٩٦﴾ وَهُوَ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلنُّجُومَ لِتَهْتَدُوا۟
بِهَا فِى ظُلُمَٰتِ ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ ۗ قَدْ فَصَّلْنَا ٱلْءَايَٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ
﴿٩٧﴾ وَهُوَ ٱلَّذِىٓ أَنشَأَكُم مِّن نَّفْسٍ وَٰحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ ۗ
قَدْ فَصَّلْنَا ٱلْءَايَٰتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ ﴿٩٨﴾ وَهُوَ ٱلَّذِىٓ أَنزَلَ مِنَ
ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَخْرَجْنَا بِهِۦ نَبَاتَ كُلِّ شَىْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ
خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاكِبًا وَمِنَ ٱلنَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ
دَانِيَةٌ وَجَنَّٰتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَٱلزَّيْتُونَ وَٱلرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ
مُتَشَٰبِهٍ ۗ ٱنظُرُوٓا۟ إِلَىٰ ثَمَرِهِۦٓ إِذَآ أَثْمَرَ وَيَنْعِهِۦٓ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكُمْ
لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٩٩﴾ وَجَعَلُوا۟ لِلَّهِ شُرَكَآءَ ٱلْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ ۖ
وَخَرَقُوا۟ لَهُۥ بَنِينَ وَبَنَٰتٍۭ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۚ سُبْحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يَصِفُونَ
﴿١٠٠﴾ بَدِيعُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُۥ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُن لَّهُۥ
صَٰحِبَةٌ ۖ وَخَلَقَ كُلَّ شَىْءٍ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٠١﴾

هرآئینه خداشگافنده دانه وخسته است بیرون می آرد زنده را ازمرده وبیرون آرنده ٔ مرده اززنده است این است خدا پس ازکجابرگردانیده می شوید (۹٥). شگافنده صبح است و شب را آرامگاه گردانید و خورشید وماه رامعیارِ حساب گردانید این تقدیر خدای غالب دانا است (۹٦). واوست آنکه برای شما ستاره هارا بیافرید تا به آنها درتاریکی های خشکی (بیابان) ودریا راه بیابید بی گمان به تفصیل نشانه هارا برای گروهی که می دانند بیان کردیم (۹۷). واوست آنکه شمارا ازیك تن (شخص) پیدا کرد پس شماراقرارگاهی وودیعت گاهی است بی گمان به تفصیل نشانه هارا برای گروهی که می فهمند بیان کردیم (۹۸). واوست آنکه ازآسمان آبی را فرودآورد پس به آن آب هرگونه روییدنی (اززمین) بیرون آوردیم سپس ازآن گیاه سبزه را بیرون آوردیم که ازآن سبزه دانها یکی بردیگری پیوسته وازشگوفه های درخت خرما خوشه های آویزان نزدیك بهم ودردسترس است بیرون می آریم وبیرون آوردیم بوستانهایی ازدرختان انگور و زیتون وانار مانند یکدیگر وغیرمانند یکدیگر بیرون آوردیم[٤١] به سوی میوه ٔ درخت چون میوه آورد و به سوی پختگی او بنگرید هرآئینه دراین نشانه هاست برای گروهی که ایمان می آورند (۹۹). و کافران برای خداشریکان را که از (قسم) جن اند مقرر کردند حال آنکه خدا ایشان را آفریده است وبه افترا اورافرزندان و دختران بغیر دانش ثابت کردند پاکیست اوراوبلند است ازآنچه بیان میکنند (۱۰۰). اوآفریننده ٔ آسمانها وزمین است چگونه اورا فرزندی باشد حال آنکه او را زن نبود و هر چیزرا بیافرید واو بهر چیز داناست (۱۰۱).

(٤١) یعنی درصورت درخت وثمر، مانند یکدیگر است و درطعم مخالف، یك پاره ای شیرین ویکپاره ترش یاتلخ والله اعلم.

ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖ فَٱعۡبُدُوهُۚ
وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ وَكِيلٞ ﴿١٠٢﴾ لَّا تُدۡرِكُهُ ٱلۡأَبۡصَٰرُ وَهُوَ
يُدۡرِكُ ٱلۡأَبۡصَٰرَۖ وَهُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلۡخَبِيرُ ﴿١٠٣﴾ قَدۡ جَآءَكُم
بَصَآئِرُ مِن رَّبِّكُمۡۖ فَمَنۡ أَبۡصَرَ فَلِنَفۡسِهِۦۖ وَمَنۡ عَمِيَ فَعَلَيۡهَاۚ
وَمَآ أَنَا۠ عَلَيۡكُم بِحَفِيظٖ ﴿١٠٤﴾ وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ ٱلۡأٓيَٰتِ
وَلِيَقُولُواْ دَرَسۡتَ وَلِنُبَيِّنَهُۥ لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ﴿١٠٥﴾ ٱتَّبِعۡ
مَآ أُوحِيَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ وَأَعۡرِضۡ عَنِ ٱلۡمُشۡرِكِينَ
﴿١٠٦﴾ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَآ أَشۡرَكُواْۗ وَمَا جَعَلۡنَٰكَ عَلَيۡهِمۡ حَفِيظٗاۖ
وَمَآ أَنتَ عَلَيۡهِم بِوَكِيلٖ ﴿١٠٧﴾ وَلَا تَسُبُّواْ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ
مِن دُونِ ٱللَّهِ فَيَسُبُّواْ ٱللَّهَ عَدۡوَۢا بِغَيۡرِ عِلۡمٖۗ كَذَٰلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ
عَمَلَهُمۡ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِم مَّرۡجِعُهُمۡ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ
﴿١٠٨﴾ وَأَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ لَئِن جَآءَتۡهُمۡ ءَايَةٞ لَّيُؤۡمِنُنَّ
بِهَاۚ قُلۡ إِنَّمَا ٱلۡأٓيَٰتُ عِندَ ٱللَّهِۖ وَمَا يُشۡعِرُكُمۡ أَنَّهَآ إِذَا جَآءَتۡ
لَا يُؤۡمِنُونَ ﴿١٠٩﴾ وَنُقَلِّبُ أَفۡـِٔدَتَهُمۡ وَأَبۡصَٰرَهُمۡ كَمَا لَمۡ
يُؤۡمِنُواْ بِهِۦٓ أَوَّلَ مَرَّةٖ وَنَذَرُهُمۡ فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ ﴿١١٠﴾

این است خدا که پروردگار شما است هیچ معبود برحقی مگراو نیست آفریننده هرچیزاست پس اورا پرستش کنید واو برهرچیز کارسازاست (۱۰۲). اورا چشم ها (یعنی دردنیا) درنمی یابند واوچشم هارا درمی یابد واو مهربان آ گاه است (۱۰۳). هرآئینه بشمادلیل‌هاازجانب پروردگار شما آمدند پس هرکه بیناشد نفع اوراست وآن که نابیناماند پس زیان برویست بگو (یا محمد) ومن برشمانگاهبان نیستم (۱۰٤). وهمچنین نشانه هارا گوناگون بیان می کنیم وتا (مبادا) گویند که درس خوانده‌ای وتا این دین را برای گروهی که می دانند بیان کنیم[٤٢] (۱۰۵). (یامحمد) چیزی را که وحی کرده شد به سوی توازجانب پروردگارت پیروی کن هیچ معبود بر حقی مگراو نیست واز مشرکان اعراض کن (۱۰٦). و ا گر خدامی‌خواست شریك مقرر نمی کردند و تورا برایشان نگاهبان نگردانیدیم و تو برایشان متعهد نیستی (۱۰۷). وای مسلمانان کسانی را که مشرکان به جای خدا می پرستند دشنام مدهید زیراکه ایشان خدا را ازروی ظلم بغیر دانش دشنام خواهند داد همچنین درنظر هرگروهی کردار آن گروه را آراسته کردیم باز به سوی پروردگار ایشان بازگشت ایشان باشد پس ایشان را به عاقبت حال آنچه می کردند خبرمی‌دهد (۱۰۸). وسوگند خوردند کافران به سخت ترین سوگندان خویش که اگر بیاید بدیشان معجزه ای البته بآن ایمان آورند بگوجزاین نیست که معجزه ها نزد خداست وشمارا ای مسلمانان چه مطلع ساخته است آیا نمیدانید که آن معجزها چون بیایدایشان ایمان نیارند (۱۰۹). و چنانکه نخستین بار به قرآن ایمان نیاوردند دلهایشان وچشمهایشان را برمی گردانیم و ایشان را درگمراهی خود سرگردان گشته بگذاریم (۱۱۰).

---

(٤٢) مترجم گوید احتمال بود که کفار گویند کتابهای گذشته را خوانده وآنچه میگوئی ماخوذ ازکتب سابقه است نه وحی الهی است پس خدای تعالی قرآن را بوجهی نازل ساخت وبوجهی گونا گون بیان کردکه مجال این شبهه نماند زیرا این قسم بیان ازخواندن کتب سابقه نمی آید و بدون وحی الهی ممکن نیست والله اعلم.

۞ وَلَوۡ أَنَّنَا نَزَّلۡنَآ إِلَيۡهِمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَحَشَرۡنَا
عَلَيۡهِمۡ كُلَّ شَيۡءٖ قُبُلٗا مَّا كَانُواْ لِيُؤۡمِنُوٓاْ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ
وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ يَجۡهَلُونَ ١١١ وَكَذَٰلِكَ جَعَلۡنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ
عَدُوّٗا شَيَٰطِينَ ٱلۡإِنسِ وَٱلۡجِنِّ يُوحِي بَعۡضُهُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٖ
زُخۡرُفَ ٱلۡقَوۡلِ غُرُورٗاۚ وَلَوۡ شَآءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُۖ فَذَرۡهُمۡ وَمَا
يَفۡتَرُونَ ١١٢ وَلِتَصۡغَىٰٓ إِلَيۡهِ أَفۡـِٔدَةُ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ
وَلِيَرۡضَوۡهُ وَلِيَقۡتَرِفُواْ مَا هُم مُّقۡتَرِفُونَ ١١٣ أَفَغَيۡرَ ٱللَّهِ أَبۡتَغِي
حَكَمٗا وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡكِتَٰبَ مُفَصَّلٗاۚ
وَٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يَعۡلَمُونَ أَنَّهُۥ مُنَزَّلٞ مِّن رَّبِّكَ
بِٱلۡحَقِّۖ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُمۡتَرِينَ ١١٤ وَتَمَّتۡ كَلِمَتُ رَبِّكَ
صِدۡقٗا وَعَدۡلٗاۚ لَّا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِهِۦۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ
١١٥ وَإِن تُطِعۡ أَكۡثَرَ مَن فِي ٱلۡأَرۡضِ يُضِلُّوكَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۚ إِن
يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَإِنۡ هُمۡ إِلَّا يَخۡرُصُونَ ١١٦ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ
أَعۡلَمُ مَن يَضِلُّ عَن سَبِيلِهِۦۖ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُهۡتَدِينَ ١١٧ فَكُلُواْ
مِمَّا ذُكِرَ ٱسۡمُ ٱللَّهِ عَلَيۡهِ إِن كُنتُم بِـَٔايَٰتِهِۦ مُؤۡمِنِينَ ١١٨

و ا گرما به سوی ایشان فرشتگان را می‌فرستادیم ومُردگان باآنان سخن می گفتند و برایشان همه چیزرا گروه گروه جمع میکردیم هرگزایمان نمی آوردند مگر وقتیکه خدا می خواست ولیکن بسیاری ازایشان نادانی می کنند (۱۱۱). وهمچنین برای هر پیامبری دشمنی ازشیطانهای انس وجن پیداکردیم که بطریق وسوسه بعض ایشان به سوی بعضی (دیگر) سخن به ظاهر آراسته تافریب دهند القاء می کنند و اگر پروردگارت می خواست این کاررا نمی کردند پس ایشان را بگذار و بآنچه افترا می کنند (۱۱۲). والقاء می کنند سخن به ظاهر آراسته تا میل کنند بسوی اودل های کسانیکه بآخرت ایمان ندارند ویا اورا پسند کنند وتاعمل کنند آنچه ایشان کنندهٔ آنند (۱۱۳). بگو آیا فیصله کننده ای بجز خدا طلب کنم واوست آنکه به سوی شما قرآن واضح کرده شده فروفرستاد وکسانیکه ایشان را کتاب یعنی تورات داده ایم می دانند که قرآن از جانب پروردگار تو براستی فروفرستاده شده است پس ازشك کنندگان مباش[٤٣] (۱۱٤). و سخن پروردگارتودرراستی وانصاف کامل است سخن های اورا هیچکس تغییرکننده نیست واو شنوای داناست (۱۱۵). و اگر بساکسانی‌را که در زمین اند فرمانبرداری کنی تورا ازراه خدا گمراه کنند پیروی نمی کنند مگر گمان را ونیستند مگردروغگو[٤٤] (۱۱٦). هرآئینه پروردگارتو بکسی که دور می شود ازراه وی داناتراست واو به راه یافتگان داناتراست (۱۱۷). پس بخورید ازآنچه ذکرکرده شد نام خدا بر آن (یعنی هنگام ذبح آن) اگر بآیاتِ خدا مومن هستید (۱۱۸).

(٤٣) یعنی یهودی دانند که نزول وحی میشود و آدمی را خدای تعالی پیامبر می سازد و درحضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم ودرقرآن دلائل صدق موجود هست مترجم گوید درسوره های مکیه مذکورشده است که یهود تصدیق میکنند قرآن را ودرسوره های مدنیه مذکور است که یهود تکذیب میکنندآنرا ووجه تطبیق آن ست که چون آنحضرت صلی الله علیه وسلم درمکه بود هنوز یهود را دعوت نکرده بودهمه بصدق قرآن معترف بودند که حکم آن برعرب لازم است وهیچکس ازایشان انکار نکرده بود وچون هجرت فرمود ایشانرا دعوت کرد بعناد درآمدند درسیرت ابن اسحاق چند قصه باین مضمون مذکوراست والله اعلم.

(٤٤) یعنی آنچه کافران دربارهٔ تحریم وتحلیل اشیا شبهات میکردند باطل است والله اعلم.

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا۟ مِمَّا ذُكِرَ ٱسْمُ ٱللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُم مَّا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا ٱضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا لَّيُضِلُّونَ بِأَهْوَآئِهِم بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِٱلْمُعْتَدِينَ ﴿١١٩﴾ وَذَرُوا۟ ظَٰهِرَ ٱلْإِثْمِ وَبَاطِنَهُۥٓ ۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكْسِبُونَ ٱلْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا۟ يَقْتَرِفُونَ ﴿١٢٠﴾ وَلَا تَأْكُلُوا۟ مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ ٱسْمُ ٱللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُۥ لَفِسْقٌ ۗ وَإِنَّ ٱلشَّيَٰطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰٓ أَوْلِيَآئِهِمْ لِيُجَٰدِلُوكُمْ ۖ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ ﴿١٢١﴾ أَوَمَن كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَٰهُ وَجَعَلْنَا لَهُۥ نُورًا يَمْشِى بِهِۦ فِى ٱلنَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُۥ فِى ٱلظُّلُمَٰتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا ۚ كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْكَٰفِرِينَ مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿١٢٢﴾ وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا فِى كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَٰبِرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا۟ فِيهَا ۖ وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿١٢٣﴾ وَإِذَا جَآءَتْهُمْ ءَايَةٌ قَالُوا۟ لَن نُّؤْمِنَ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَآ أُوتِىَ رُسُلُ ٱللَّهِ ۘ ٱللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُۥ ۗ سَيُصِيبُ ٱلَّذِينَ أَجْرَمُوا۟ صَغَارٌ عِندَ ٱللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌۢ بِمَا كَانُوا۟ يَمْكُرُونَ ﴿١٢٤﴾

وچیست شمارا که ازآنچه که ذکر کرده شده است نام خدا بر آن نمی خورید وحال آنکه به تفصیل برای شما آنچه برشماحرام ساخته است بیان کرده است الّاآنچه به سوی او مضطر باشید[٤٥] وهرآئینه بسیاری باخواهشات نفسانی خویش (مردم را) بغیر دانش گمراه می کنند هرآئینه پروردگارتو به ستمگاران داناتراست (١١٩). وگناه پیدا وپنهان اورا ترك گویید هرآئینه کسانیکه گناه می کنندجزا داده خواهند شد بحسب آنچه میکردند (١٢٠). و ازآنچه نام خدا بروی یاد کرده نشد مخورید وبه راستی خوردنش گناه است وهرآئینه شیطانها به سوی دوستان خویش القاء می کنند تا باشما خصومت کنند واگر فرمانبرداری ایشان کنید هر آئینه شما مشرك باشید[٤٦] (١٢١). آیاکسی که مرده بود پس زنده ساختیمش[٤٧] و برای اونوری پیداکردیم که میرود با آن میان مردمان مانند کسی باشد که صفتش این است که درتاریکی‌ها است ازآن بیرون آینده نیست همچنین آراسته کرده شده است درنظر کافران آنچه می کردند[٤٨] (١٢٢). وهمچنین درهردهی رئیسان فساق آن را پیداکردیم تا درآن ده فساد کنند وبه حقیقت ضررنمی کنند مگردرحق خویشتن ونمی دانند (١٢٣). وچون به ایشان نشانه ای بیاید گویند هرگز ایمان نیاریم تا وقتیکه داده شود مارا مانندآنچه پیامبران خدا را داده شده است[٤٩] خدا بمحل نهادن پیامبری خود دانا تراست این گناهگاران را رسوایی از نزد خدا وعذابی سخت بسبب آنکه بد اندیشی می کردند خواهدرسید (١٢٤).

(٤٥) مترجم گوید یعنی میته حرام است الاوقت ضرورت تناول آن (بقدرحاجت) رخصت است والله اعلم.

(٤٦) مترجم گوید مراد ازین وسوسه آنست که اهل جاهلیت می گفتند چراکشته خود را بخوریم وکشته خدا را نخوریم والله اعلم.

(٤٧) یعنی کافر بود هدایتش کردیم.

(٤٨) چنانکه رؤساء کفارمکه درنصرت کفر سعی می کردند والله اعلم.

(٤٩) یعنی برهرکسی ازماجبرئیل فرودآید ووحی نازل بشود والله اعلم.

فَمَن يُرِدِ ٱللَّهُ أَن يَهۡدِيَهُۥ يَشۡرَحۡ صَدۡرَهُۥ لِلۡإِسۡلَٰمِۖ وَمَن يُرِدۡ أَن يُضِلَّهُۥ يَجۡعَلۡ صَدۡرَهُۥ ضَيِّقًا حَرَجٗا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي ٱلسَّمَآءِۚ كَذَٰلِكَ يَجۡعَلُ ٱللَّهُ ٱلرِّجۡسَ عَلَى ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ ﴿١٢٥﴾ وَهَٰذَا صِرَٰطُ رَبِّكَ مُسۡتَقِيمٗاۗ قَدۡ فَصَّلۡنَا ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٢٦﴾ ۞ لَهُمۡ دَارُ ٱلسَّلَٰمِ عِندَ رَبِّهِمۡۖ وَهُوَ وَلِيُّهُم بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿١٢٧﴾ وَيَوۡمَ يَحۡشُرُهُمۡ جَمِيعٗا يَٰمَعۡشَرَ ٱلۡجِنِّ قَدِ ٱسۡتَكۡثَرۡتُم مِّنَ ٱلۡإِنسِۖ وَقَالَ أَوۡلِيَآؤُهُم مِّنَ ٱلۡإِنسِ رَبَّنَا ٱسۡتَمۡتَعَ بَعۡضُنَا بِبَعۡضٖ وَبَلَغۡنَآ أَجَلَنَا ٱلَّذِيٓ أَجَّلۡتَ لَنَاۚ قَالَ ٱلنَّارُ مَثۡوَىٰكُمۡ خَٰلِدِينَ فِيهَآ إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُۗ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٞ ﴿١٢٨﴾ وَكَذَٰلِكَ نُوَلِّي بَعۡضَ ٱلظَّٰلِمِينَ بَعۡضَۢا بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ﴿١٢٩﴾ يَٰمَعۡشَرَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ رُسُلٞ مِّنكُمۡ يَقُصُّونَ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِي وَيُنذِرُونَكُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ هَٰذَاۚ قَالُواْ شَهِدۡنَا عَلَىٰٓ أَنفُسِنَاۖ وَغَرَّتۡهُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا وَشَهِدُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ أَنَّهُمۡ كَانُواْ كَٰفِرِينَ ﴿١٣٠﴾

پس خدا هرکه را خواهد که هدایت کند سینه اورا برای اسلام کشاده کند[٥٠] وهرکه راخواهد که گمراه کندش سینه اورا درنهایت تنگ کند گویا درآسمان بالامیرود همچنین می اندازد خدا ناپاکی را بر کسانیکه ایمان نمی آورند[٥١] (١٢٥). واین (اسلام) راه راست پروردگار توست بی گمان نشانه هارا برای گروهی که پندپذیر میشوند به روشنی بیان کرده ایم (١٢٦). برای ایشان سرای سلامتی یعنی بهشت نزد پروردگار ایشان است واو کارسازِ ایشانست بسبب آنچه میکردند (١٢٧). وروزی که خدا همگی ایشانرا حشر کند گوید ای گروه جن[٥٢] برایتان ازمردمان تابع بسیار گرفتید ومیگویند دوستان ایشان ازآدمیان[٥٣] ای پروردگارما بعضی از مااز بعضی دیگر بهره مند شد[٥٤] و بمیعاد خویش که معین کرده بودی برای ما[٥٥] رسیدیم گویدخداآتش جای شماست جاویدان در آنجا مگر آنچه خدا خواسته است[٥٦] هرآئینه پروردگار تواستوارکار داناست (١٢٨). وهمچنین بعض ستمکاران را بربعضی به سبب شؤمی آنچه می کردند مسلط می کنیم (١٢٩). ای گروه جن وانس آیا به شما پیامبرانی ازجنسِ شما که می‌خواندند برشما آیاتِ مرا وبیم می کردند شما را ازملاقات این روزشما نیامدند گویند برخویشتن اعتراف کردیم وایشانرا زندگانی دنیا فریفت و گواهی دادند برخویشتن که ایشان کافر بودند[٥٧] (١٣٠).

---

(٥٠) یعنی بفهماندش حقیقت اسلام ومحاسن آن والله اعلم.

(٥١) یعنی هرچند می خواهند حقیقت اسلام ومحاسن آن بفهمند نمی توانند والله اعلم.

(٥٢) یعنی ای شیاطین.

(٥٣) یعنی تابعان ایشان ازکفار.

(٥٤) یعنی متبوعان خوشوقت شدند بتابعان و تابعان محظوظ شدند ازمتبوعان والله اعلم.

(٥٥) یعنی برای حساب ما پس درحق ماچه حکم است.

(٥٦) یعنی درحق اهل نجات والله اعلم.

(٥٧) مترجم گوید مراد آن است که آیانیامدهاندازمجموعه جن و انس وآن صادق است ببودن رسل از انس مبعوث بانس وجن والله اعلم.

ذَٰلِكَ أَن لَّمْ يَكُن رَّبُّكَ مُهْلِكَ ٱلْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا
غَٰفِلُونَ ﴿١٣١﴾ وَلِكُلٍّ دَرَجَٰتٌ مِّمَّا عَمِلُوا۟ ۚ وَمَا رَبُّكَ
بِغَٰفِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٢﴾ وَرَبُّكَ ٱلْغَنِىُّ ذُو ٱلرَّحْمَةِ ۚ
إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنۢ بَعْدِكُم مَّا
يَشَآءُ كَمَآ أَنشَأَكُم مِّن ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ ءَاخَرِينَ ﴿١٣٣﴾
إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَـَٔاتٍ ۖ وَمَآ أَنتُم بِمُعْجِزِينَ ﴿١٣٤﴾ قُلْ يَٰقَوْمِ
ٱعْمَلُوا۟ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّى عَامِلٌ ۖ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ
مَن تَكُونُ لَهُۥ عَٰقِبَةُ ٱلدَّارِ ۗ إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿١٣٥﴾
وَجَعَلُوا۟ لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ ٱلْحَرْثِ وَٱلْأَنْعَٰمِ نَصِيبًا
فَقَالُوا۟ هَٰذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَٰذَا لِشُرَكَآئِنَا ۖ فَمَا كَانَ
لِشُرَكَآئِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى ٱللَّهِ ۖ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ
يَصِلُ إِلَىٰ شُرَكَآئِهِمْ ۗ سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿١٣٦﴾ وَكَذَٰلِكَ
زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ ٱلْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَٰدِهِمْ
شُرَكَآؤُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا۟ عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ ۖ
وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَا فَعَلُوهُ ۖ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿١٣٧﴾

این (ارسالِ رسل) بسبب آنست که هرگز پروردگار تو بجزای ظلم هلاك کنندهٔ شهرها نباشد درحالیکه اهل آنهاغافل باشند[٥٨] (١٣١). وهر شخصی را از (پاداش) آنچه انجام داده اند مرتبه‌هایی است ونیست پروردگار تو بی‌خبر ازآنچه به عمل می آورند (١٣٢). وپروردگارت بی نیاز وغنی خداوند رحمت است اگر خواهد شما را دورکند وپس ازشما هرکه را خواهد جانشین سازد چنانکه شما را ازنسل قومی دیگر پیداکرد (١٣٣). هرآئینه آنچه شما را وعده کرده میشود البته آمدنی است و شماعاجز کنند گان نیستید (١٣٤). بگوای قوم من شمابر حالت خویش عمل کنید هرآئینه من نیزعمل کننده ام زودباشد که بدانید کسی را که اورا عاقبت پسندیده درآخرت باشد هرآئینه ظالمان رستگارنشوند (١٣٥). [٥٩]وبرای خدا ازآنچه او پیداکرده است ازجنس زراعت وچهارپایان حصه ای مقرر کردند گفتند بگمان خویش این حصه برای خداست و این حصه برای شرکاء ما که مقرر کرده ایم پس آنچه برای شرکای ایشان بود به خدا نمی رسد و آنچه برای خدا باشد به شرکای ایشان میرسد بدچیزیست که مقرر می کنند (١٣٦). وهمچنین درنظر بسیاری ازمشرکان قتل اولاد شان را شرکای ایشان آراسته کرده است[٦٠] تاایشان را هلاك کنند وتا برایشان دین ایشان را مختلط کنند و ا گر خدا می خواست این کار را انجام نمی دادند پس ایشان را با افترایی که می بندند واگذار (١٣٧).

(٥٨) یعنی قبل از بعثت عقوبت نمی آید والله اعلم.

(٥٩) مترجم گوید اهل جاهلیت احکامی چند اختراع کرده بودند ازآن جمله آنست که اززراعت ومواشی پاره ای برای خدامقررمی کردندپاره ای برای بتان و حصه خدابرمساکین وضعیفان صرف میکردند وحصه بتان بآستانه بتان میرسانیدندپس ا گر چیزی ازحصه خدادر حصه بتان مخلوط میشدترك می کردند که خدا حاجت ندارد واگر از حصه بتان درحصه خدا مخلوط می شد آن راجدا میکردند که بتان محتاج اندونیزازآن جمله آنست که قتل دختران تجویز میکردند وپیشوایان ایشان بدین معنی فتوی داده بودند، وازآنجمله آنست که بعض زراعت ومواشی را حجر میساختند که غیر سدنه بتان کسی دیگر نمی خورد آنچه برای بتان ذبح میکردند نام خدا برآن نمی گرفتند. وازآنجمله آنست که چون بحائر وسوائب بچه میدادندا گرزنده بودی برای مردان حلال میدانستندنه برای زنان وا گر مرده بودی برای همه حلال میدانستند خدای تعالی رد این مذاهب باطله فرمودو آنچه حکم حق است بیان فرمودو محرماتی که همه اهل باطل برآن متفق اندذکر کرد والله اعلم.

(٦٠) یعنی شیاطین که وسوسه کرده اند به پیشوایان که مذهب قرارداده اند والله اعلم.

وَقَالُواْ هَٰذِهِۦٓ أَنۡعَٰمٞ وَحَرۡثٌ حِجۡرٞ لَّا يَطۡعَمُهَآ إِلَّا مَن نَّشَآءُ
بِزَعۡمِهِمۡ وَأَنۡعَٰمٌ حُرِّمَتۡ ظُهُورُهَا وَأَنۡعَٰمٞ لَّا يَذۡكُرُونَ
ٱسۡمَ ٱللَّهِ عَلَيۡهَا ٱفۡتِرَآءً عَلَيۡهِۚ سَيَجۡزِيهِم بِمَا كَانُواْ
يَفۡتَرُونَ ١٣٨ وَقَالُواْ مَا فِي بُطُونِ هَٰذِهِ ٱلۡأَنۡعَٰمِ خَالِصَةٞ
لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰٓ أَزۡوَٰجِنَاۖ وَإِن يَكُن مَّيۡتَةٗ
فَهُمۡ فِيهِ شُرَكَآءُۚ سَيَجۡزِيهِمۡ وَصۡفَهُمۡۚ إِنَّهُۥ حَكِيمٌ
عَلِيمٞ ١٣٩ قَدۡ خَسِرَ ٱلَّذِينَ قَتَلُوٓاْ أَوۡلَٰدَهُمۡ سَفَهَۢا بِغَيۡرِ
عِلۡمٖ وَحَرَّمُواْ مَا رَزَقَهُمُ ٱللَّهُ ٱفۡتِرَآءً عَلَى ٱللَّهِۚ قَدۡ ضَلُّواْ
وَمَا كَانُواْ مُهۡتَدِينَ ١٤٠ ۞ وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنشَأَ جَنَّٰتٖ
مَّعۡرُوشَٰتٖ وَغَيۡرَ مَعۡرُوشَٰتٖ وَٱلنَّخۡلَ وَٱلزَّرۡعَ مُخۡتَلِفًا
أُكُلُهُۥ وَٱلزَّيۡتُونَ وَٱلرُّمَّانَ مُتَشَٰبِهٗا وَغَيۡرَ مُتَشَٰبِهٖۚ
كُلُواْ مِن ثَمَرِهِۦٓ إِذَآ أَثۡمَرَ وَءَاتُواْ حَقَّهُۥ يَوۡمَ حَصَادِهِۦۖ
وَلَا تُسۡرِفُوٓاْۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ١٤١ وَمِنَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ
حَمُولَةٗ وَفَرۡشٗاۚ كُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُواْ
خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ ١٤٢

نصف الحزب ١٥

و گفتند بگمان خویش این چهارپایان و زراعت ممنوع (ازتصرف) است آن را مگرآنکه ما می خواهیم نخورد وچهارپایان دیگراست که حرام کرده شده است سواری برپشت آنها وچهار پایان دیگراست که هنگام ذبح آن نام خدا می‌گیرند بسبب آنکه برخدا دروغ بسته اند ایشان را زودجزاء خواهد داد بمقابله آنچه افترا می کردند (١٣٨). و گفتند آنچه درشکم این چهارپایان باشد[٦١] برای مردان ما حلال است وبرزنان ما حرام است و ا گرمُرده باشد همه درآن شریك اند به مقابله این بیان ایشان جزا خواهد داد هرآئینه اواستوارکار داناست (١٣٩). به یقین آنانکه فرزندان خود را ازجهت بیخردی بغیر دانش کشتند زیان کارشدند وحرام کردند آنچه راکه روزی داد ایشان را خدا به سبب دروغ بستن برخدا به تحقیق ایشان گمراه شدند و راه یافتگان نبودند (١٤٠). وخداآنست که بوستانهایی برداشته شده برپایه‌ها[٦٢] وبوستانهایی غیربرداشته شده برپایه ها پیدا کرد[٦٣] ودرختان خرما وزراعت را گونا گون است میوه های هریکی پیدا کرد وزیتون واناررا مانند یکدیگر وغیرمانند یکدیگر[٦٤] ازمیوه های آن چون میوه بیرون آورد بخورید و زکوٰة اورا روز درویدن وی بدهید واسراف مکنید هرآئینه خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد (١٤١). وچهارپایان بار بردارنده را وجانوری راکه برزمین غلطانندبجهت ذبح پیدا کرد ازآنچه روزی داده است خدا شما را بخورید و گامهای شیطان را پیروی مکنید هرآئینه اودشمن ظاهر شماست (١٤٢).

(٦١) یعنی درشکم بحایر وسوایب باشد (این جملة مبهم است).
(٦٢) یعنی درختان انگور ومانند آن والله اعلم.
(٦٣) یعنی درختان برساق ایستاده والله اعلم.
(٦٤) یعنی افراد هر نوعی باعتبار صورت مانند یك دیگراند و به اعتبار مزه نه والله اعلم.

ثَمَٰنِيَةَ أَزْوَٰجٍۖ مِّنَ ٱلضَّأْنِ ٱثْنَيْنِ وَمِنَ ٱلْمَعْزِ ٱثْنَيْنِۗ
قُلْ ءَآلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ ٱلْأُنثَيَيْنِ أَمَّا ٱشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ
أَرْحَامُ ٱلْأُنثَيَيْنِۖ نَبِّـُٔونِى بِعِلْمٍ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿١٤٣﴾
وَمِنَ ٱلْإِبِلِ ٱثْنَيْنِ وَمِنَ ٱلْبَقَرِ ٱثْنَيْنِۗ قُلْ ءَآلذَّكَرَيْنِ
حَرَّمَ أَمِ ٱلْأُنثَيَيْنِ أَمَّا ٱشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ ٱلْأُنثَيَيْنِۖ
أَمْ كُنتُمْ شُهَدَآءَ إِذْ وَصَّىٰكُمُ ٱللَّهُ بِهَٰذَاۚ فَمَنْ
أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا لِّيُضِلَّ ٱلنَّاسَ بِغَيْرِ
عِلْمٍۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٤٤﴾ قُل لَّآ أَجِدُ
فِى مَآ أُوحِىَ إِلَىَّ مُحَرَّمًا عَلَىٰ طَاعِمٍ يَطْعَمُهُۥٓ إِلَّآ أَن يَكُونَ
مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُۥ رِجْسٌ أَوْ
فِسْقًا أُهِلَّ لِغَيْرِ ٱللَّهِ بِهِۦۚ فَمَنِ ٱضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ
فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤٥﴾ وَعَلَى ٱلَّذِينَ هَادُوا۟ حَرَّمْنَا
كُلَّ ذِى ظُفُرٍۖ وَمِنَ ٱلْبَقَرِ وَٱلْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ
شُحُومَهُمَآ إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَآ أَوِ ٱلْحَوَايَآ أَوْ مَا ٱخْتَلَطَ
بِعَظْمٍۚ ذَٰلِكَ جَزَيْنَٰهُم بِبَغْيِهِمْۖ وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ ﴿١٤٦﴾

هشت قسم را آفرید از گوسفند دوقسم وازبزدوقسم[٦٥] بگوآیا (خدا تعالی) این دونررا حرام کرده است یااین دوماده را یا آنچه را که رحمهای این دوماده آن را دربردارد مرا به دانش خبردهید[٦٦] اگر راست گو هستید (١٤٣). وپیداکرد ازشتردوقسم واز گاودوقسم بگو آیا خدا این دونررا حرام کرده است یااین دوماده را یا آنچه راکه رحم های این دوماده آن را دربردارد آیاحاضربودید وقتیکه خدا شمارا به آن حکم کرد پس کیست ستمگارتر ازکسی که برخدادروغ بندد تا مردمان را بغیر دانش گمراه کند هرآئینه خدا قوم ستمگاران را راه نمی نماید (١٤٤). بگو درآنچه وحی فرستاده شده به سوی من هیچ چیزی حرام برخورنده که بخورد آن را نمی یابم مگر آنکه مردار یاخون ریخته شده یا گوشت خوك باشد پس هرآئینه حرام است یاآنچه فسق باشدکه برای غیر خدا آوازبلند کرده ذبح شود پس هر کس که ناچار شود نه سرکشی کننده ونه ازحد گذرنده پس هرآئینه پروردگار تو آمرزنده مهربان است[٦٧] (١٤٥). وبریهود هرجانورناخن دار را حرام ساختیم[٦٨] واز گاو و گوسفند برایشان پیه این دوقسم را حرام ساختیم مگرپیهی که پشت این دوقسم برداشته است یا روده ها آنرا برداشته است یاآنچه به استخوانی آمیخته است ایشان را نظر به ستم ایشان این طور جزا دادیم وهرآئینه ما راست گوییم (١٤٦).

---

(٦٥) یعنی نرو ماده ازهر یك والله اعلم.

(٦٦) یعنی نقلی صحیح بیارید ازابراهیم واسمعیل علیهما السلام واز کتب الهیه والله اعلم.

(٦٧) مرادحصر اضافی است به نسبت بهیمة الانعام وآن اصناف ثمانیه مذکوراست سگ وشیر وبازوغیر آن ا گرچه حرام است ازبهیمة الانعام نیست وبحث درآن نداشتند والله اعلم.

(٦٨) یعنی مثل شتروشتر مرغ والله اعلم.

فَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل رَّبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ
بَأْسُهُۥ عَنِ ٱلْقَوْمِ ٱلْمُجْرِمِينَ ﴿١٤٧﴾ سَيَقُولُ ٱلَّذِينَ أَشْرَكُوا۟
لَوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَآ أَشْرَكْنَا وَلَآ ءَابَآؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِن شَىْءٍ ۚ
كَذَٰلِكَ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا۟ بَأْسَنَا ۗ
قُلْ هَلْ عِندَكُم مِّنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَآ ۖ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا
ٱلظَّنَّ وَإِنْ أَنتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ ﴿١٤٨﴾ قُلْ فَلِلَّهِ ٱلْحُجَّةُ ٱلْبَٰلِغَةُ ۖ
فَلَوْ شَآءَ لَهَدَىٰكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٤٩﴾ قُلْ هَلُمَّ شُهَدَآءَكُمُ
ٱلَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ ٱللَّهَ حَرَّمَ هَٰذَا ۖ فَإِن شَهِدُوا۟ فَلَا تَشْهَدْ
مَعَهُمْ ۚ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَآءَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا وَٱلَّذِينَ
لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْءَاخِرَةِ وَهُم بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ﴿١٥٠﴾ ۞ قُلْ
تَعَالَوْا۟ أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ ۖ أَلَّا تُشْرِكُوا۟
بِهِۦ شَيْـًٔا ۖ وَبِٱلْوَٰلِدَيْنِ إِحْسَٰنًا ۖ وَلَا تَقْتُلُوٓا۟ أَوْلَٰدَكُم
مِّنْ إِمْلَٰقٍ ۖ نَّحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ ۖ وَلَا تَقْرَبُوا۟ ٱلْفَوَٰحِشَ
مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ ۖ وَلَا تَقْتُلُوا۟ ٱلنَّفْسَ ٱلَّتِى حَرَّمَ ٱللَّهُ
إِلَّا بِٱلْحَقِّ ۚ ذَٰلِكُمْ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٥١﴾

ثلاثة أرباع الحزب ١٥

پس اگر تورا تکذیب کنند بگوکه پروردگار شماخداوندمهربانی بسیاراست و عقوبتِ اوازقومِ ستمگاران ردکرده نمی شود (١٤٧). به زودی مشرکان بگویند ا گر خدا می خواست (یعنی رضای اوبودی) شریك مقرر نمی کردیم ونه پدران ما می کردند ونه چیزی را حرام میکردیم همچنین تکذیب کردندکسانیکه پیش ازایشان بودند تاآنکه عقوبتِ ما را چشیدند بگوآیا هست نزدیك شما دانشی[٦٩] تا آن را برای ما بیرون آورید مگرگمان را پیروی نمی کنید وشمامگر دروغگو نیستید (١٤٨). بگو دلیل رسا (ومحکم) ازآنِ خداست پس‌اگر خدا خواسته بود همگی شما را هدایت می کرد (١٤٩). بگو گواهان خود را آنانکه گواهی میدهند که خداحرام ساخته است این را پس (یامحمد) اگر (به فرض هم) گواهی دهند تو با ایشان گواهی مده وخواهشات (نفسانی) کسانی را که آیاتِ ما را تکذیب کردند وکسانیکه اعتقاد ندارند بآخرت وایشان (بتان را) باپروردگار خود برابر میکنند[٧٠] پیروی مکن (١٥٠). بگوبیایید تا آنچه حرام کرده است پروردگارشما برشما بخوانم (فرموده است) که با او چیزی را شریك مقررمکنید وبه والدین نیکوکاری کنید و فرزندانتان را ازترس فقر مکشید ما شمارا وایشان را روزی میدهیم و به بی حیائی[٧١] آنچه علانیه باشدازآن وآنچه پوشیده باشد نزدیك مشوید و هیچ نفس را که حرام ساخته است خداکشتنش را الّابحق[٧٢] مَکُشید این حکم فرموده است شمارا تا باشد که شما بفهمید (١٥١).

(٦٩) یعنی نقلی ازکتب الهی والله اعلم.
(٧٠) یعنی معبود باطل را والله اعلم.
(٧١) یعنی بزنا ولواط.
(٧٢) یعنی بقصاص ومثل آن.

وَلَا تَقْرَبُوا۟ مَالَ ٱلْيَتِيمِ إِلَّا بِٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُۥ ۖ
وَأَوْفُوا۟ ٱلْكَيْلَ وَٱلْمِيزَانَ بِٱلْقِسْطِ ۖ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا
وُسْعَهَا ۖ وَإِذَا قُلْتُمْ فَٱعْدِلُوا۟ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۖ وَبِعَهْدِ
ٱللَّهِ أَوْفُوا۟ ۚ ذَٰلِكُمْ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٢﴾
وَأَنَّ هَٰذَا صِرَٰطِى مُسْتَقِيمًا فَٱتَّبِعُوهُ ۖ وَلَا تَتَّبِعُوا۟ ٱلسُّبُلَ
فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِۦ ۚ ذَٰلِكُمْ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمْ
تَتَّقُونَ ﴿١٥٣﴾ ثُمَّ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ تَمَامًا عَلَى ٱلَّذِىٓ
أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَىْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُم بِلِقَآءِ
رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٤﴾ وَهَٰذَا كِتَٰبٌ أَنزَلْنَٰهُ مُبَارَكٌ فَٱتَّبِعُوهُ
وَٱتَّقُوا۟ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٥٥﴾ أَن تَقُولُوٓا۟ إِنَّمَآ أُنزِلَ ٱلْكِتَٰبُ
عَلَىٰ طَآئِفَتَيْنِ مِن قَبْلِنَا وَإِن كُنَّا عَن دِرَاسَتِهِمْ لَغَٰفِلِينَ
﴿١٥٦﴾ أَوْ تَقُولُوا۟ لَوْ أَنَّآ أُنزِلَ عَلَيْنَا ٱلْكِتَٰبُ لَكُنَّآ أَهْدَىٰ
مِنْهُمْ ۚ فَقَدْ جَآءَكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ ۚ
فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَّبَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا ۗ سَنَجْزِى ٱلَّذِينَ
يَصْدِفُونَ عَنْ ءَايَٰتِنَا سُوٓءَ ٱلْعَذَابِ بِمَا كَانُوا۟ يَصْدِفُونَ ﴿١٥٧﴾

و به مال یتیم نزدیك مشوید الّا بخصلتی که وی بهتر است تاآنکه به جوانی وکمال رشدش رسد و پیمانه وترازو را به انصاف تمام کنید هیچکس را مگر قدرطاقت او تکلیف نمی دهیم وچون سخن گویید(۷۳) پس رعایت انصاف بنمایید وا گر چه آن محکوم علیه صاحب قرابت باشد وبه عهد خدا(۷٤) وفاکنید این حکم فرموده است شمارا تاپندپذیر شوید (۱۵۲). و(خبرداده است که) آنچه مذکورشد راه راستِ مَن است ودرست آمده پس پیروی اوکنید و راه‌های دیگرراکه این راه هاجدا کنندشما را ازراه خدا پیروی مکنید این حکم فرموده است شما را تا شما پرهیزگاری کنید (۱۵۳). باز می گویم که موسیٰ را کتاب داده بودیم تانعمت برهرکه نیکوکار بود تمام کنیم وهرچیزرا بیان کنیم و (نیز) بجهت هدایت ومهربانی تاایشان بملاقات پروردگار خویش ایمان آورند(۷۵) (۱۵٤). واین قرآن کتابیست بابرکت که فروفرستادیمش پس پیروی اوکنید وپرهیزگاری کنید تا برشما مهربانی کرده شود (۱۵۵). فرستادیمش تانگویید جزاین نیست که کتاب یعنی تورات وانجیل بردو گروه پیش ازما فرود آورده شد وبه تحقیق ما ازتلاوت آن بی خبر بودیم (۱۵٦). یا گویید اگر برماکتاب فرود آورده می شد البته راه یافته ترازایشان می بودیم پس به شماحجتی ازپروردگار شما وهدایت وبخشایش آمده است پس کیست ستمگار تراز کسی که آیاتِ خدا را تکذیب کند وازآن اعراض کند اعراض کنندگان را ازآیات خویش به بدترین عذاب جزاخواهیم داد بسبب آنکه اعراض می کردند (۱۵۷).

(۷۳) یعنی گواهی دهید یاحکم کنید والله اعلم.
(۷٤) یعنی بنذراو.
(۷۵) مترجم گوید ظاهر نزدیك این بنده آنست که حرام گردانیدیم اشیای مذکوره رادرازل برقوم نوح وهلم جرابازدادیم موسی را کتاب والله اعلم.

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن تَأْتِيَهُمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ أَوْ يَأْتِىَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِىَ بَعْضُ
ءَايَٰتِ رَبِّكَ ۗ يَوْمَ يَأْتِى بَعْضُ ءَايَٰتِ رَبِّكَ لَا يَنفَعُ نَفْسًا إِيمَٰنُهَا
لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِن قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِىٓ إِيمَٰنِهَا خَيْرًا ۗ قُلِ ٱنتَظِرُوٓا۟
إِنَّا مُنتَظِرُونَ ﴿١٥٨﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ فَرَّقُوا۟ دِينَهُمْ وَكَانُوا۟ شِيَعًا لَّسْتَ
مِنْهُمْ فِى شَىْءٍ ۚ إِنَّمَآ أَمْرُهُمْ إِلَى ٱللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا۟ يَفْعَلُونَ
﴿١٥٩﴾ مَن جَآءَ بِٱلْحَسَنَةِ فَلَهُۥ عَشْرُ أَمْثَالِهَا ۖ وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ
فَلَا يُجْزَىٰٓ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦٠﴾ قُلْ إِنَّنِى هَدَىٰنِى رَبِّىٓ
إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِّلَّةَ إِبْرَٰهِيمَ حَنِيفًا ۚ وَمَا كَانَ
مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿١٦١﴾ قُلْ إِنَّ صَلَاتِى وَنُسُكِى وَمَحْيَاىَ وَمَمَاتِى لِلَّهِ
رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٦٢﴾ لَا شَرِيكَ لَهُۥ ۖ وَبِذَٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلْمُسْلِمِينَ
﴿١٦٣﴾ قُلْ أَغَيْرَ ٱللَّهِ أَبْغِى رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَىْءٍ ۚ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ
نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا ۚ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۚ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم
مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿١٦٤﴾ وَهُوَ ٱلَّذِى جَعَلَكُمْ
خَلَٰٓئِفَ ٱلْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَٰتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِى
مَآ ءَاتَىٰكُمْ ۗ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ ٱلْعِقَابِ وَإِنَّهُۥ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌۢ ﴿١٦٥﴾

آیامنتظر نیستند مگرآن را که بدیشان فرشتگان بیایند[٧٦] یا پروردگار تو بیاید یا بعض نشانه های پروردگارتو بیاید[٧٧] روزیکه بعض نشانه های پروردگارتو بیاید نفسی را که ایمان نیاورده بودپیش ازین ایمان او نفع ندهد یا نفسی را که کسب نکرده بود درایمان خودعمل خیر[٧٨] نفع ندهد بگوانتظار کنید هرآئینه مانیز منتظریم (١٥٨). به تحقیق کسانیکه دین خود را پراگنده کردند وگروه گروه شدند درهیچ حسابی[٧٩] ازایشان نیستی جزاین نیست که کارایشان به سوی خدا گذاشته شده است باز ایشان را بعاقبت آنچه می کردند خبرمی‌دهد (١٥٩). هرکه نیکی آورد پس اورا ده‌چندان آن است وهرکه بدی آورد جزا داده نخواهد شد الّا مثل آن وایشان ستم کرده نخواهند شد (١٦٠). بگو هرآئینه مرا پروردگار من به سوی راه راست دلالت کرده است (مراد می دارم) دین درست کیش ابراهیم را که پاکدین بود و ازمشرکان نبود (١٦١). بگو هرآئینه نمازمن وحج وقربانی من و زندگانی من وموت من همه برای خداست پروردگار جهانیان (١٦٢). مراورا هیچ شریکی نیست و مرا باین توحید فرموده شد و من نخستین مسلمانانم (١٦٣). بگوآیا پروردگاری غیر از خدا طلب کنم حال آنکه او پروردگار همه چیز است وعمل نمی کند هیچ کسی مگر برذات خود و هیچ بردارنده باردیگررا برندارد باز به سوی پروردگارتان بازگشت شماباشد پس شمارا خبردار کند به آنچه که درآن اختلاف می کردید (١٦٤). واو آنست که شمارا جانشینان در زمین گردانید وبلند کرد بعضی را ازشما بر بعضی به درجه‌ها تابیازماید شمارا درآنچه به شما داده است هرآئینه پروردگار تو شتاب کننده عقوبت است وهرآئینه او آمرزنده مهربان است (١٦٥).

---

(٧٦) یعنی برای قبض ارواح.

(٧٧) یعنی طلوع شمس ازمغرب یادابة الارض والله اعلم.

(٧٨) یعنی آنروزتوبهٔ گنهگار وایمان کافر قبول نشود والله اعلم.

(٧٩) یعنی ازتو مواخذه نخواهند کرد والله اعلم.

سُورَةُ الأَعْرَافِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓمٓصٓ ١ كِتَٰبٌ أُنزِلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُن فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ
لِتُنذِرَ بِهِۦ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ٢ ٱتَّبِعُواْ مَآ أُنزِلَ إِلَيْكُم
مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُواْ مِن دُونِهِۦٓ أَوْلِيَآءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ
٣ وَكَم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَٰهَا فَجَآءَهَا بَأْسُنَا بَيَٰتًا أَوْ هُمْ
قَآئِلُونَ ٤ فَمَا كَانَ دَعْوَىٰهُمْ إِذْ جَآءَهُم بَأْسُنَآ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ
إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ٥ فَلَنَسْـَٔلَنَّ ٱلَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْـَٔلَنَّ
ٱلْمُرْسَلِينَ ٦ فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِم بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَآئِبِينَ ٧
وَٱلْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ ٱلْحَقُّ فَمَن ثَقُلَتْ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ
ٱلْمُفْلِحُونَ ٨ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ
أَنفُسَهُم بِمَا كَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا يَظْلِمُونَ ٩ وَلَقَدْ مَكَّنَّٰكُمْ
فِي ٱلْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَٰيِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ
١٠ وَلَقَدْ خَلَقْنَٰكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَٰكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَٰٓئِكَةِ
ٱسْجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّنَ ٱلسَّٰجِدِينَ ١١

بنام خدای بخشاینده مهربان.

الٓمٓصٓ (۱). این کتابیست که به سوی تو فرودآورده شد پس بایدکه درسینهٔ تو هیچ تنگی ازتبلیغ او نباشد فرود آورده شد تا به آن بیم کنی وبرای مسلمانان پندی است (۲). آنراکه فرود آورده شد به سوی شماازجانبِ پروردگار شما پیروی کنید ودوستان را غیرازاو[۱] پیروی مکنید اندکی پندمی‌پذیرید (۳). وبَسا دِه که هلاك کردیمش پس بوی عقوبتِ ما آمدوایشان شبانگاه آرمیده بودند یاوقتیکه ایشان درخواب نیم روز بودند (٤). پس قول ایشان چون بایشان عقوبت ما بیامد نبودجز آنکه گفتند هرآئینه ماستمگاربودیم (٥). پس البته آن کسانی را که پیامبر فرستاده شد به سوی ایشان سوال خواهیم کرد والبته پیامبران را سوال خواهیم کرد (٦). پس البته بحضورایشان[۲] بدانش بیان خواهیم کرد وغایب نبودیم (۷). وسنجیدنِ اعمال به انصاف آن روز، حق خواهدبود پس هرکس که پله نیکی‌های او گران شد پس ایشان رستگاران اند (۸). وهرکه پلهٔ نیکی های او سبك شد پس آنجماعت آنانند که درحق خویشتن زیان کردند به سبب آنکه به آیاتِ ما انکارمی کردند (۹). و به راستی شمارا درزمین استقرار دادیم و برای شمادرآنجا اسباب معیشت پیداکردیم اندکی شکرمی کنید (۱۰). وبه راستی شمارا آفریدم (یعنی پدرشمارا) بازصورت بستیم شمارا (یعنی پدرِشمارا) باز گفتیم به فرشتگان که آدم را سجده کنید پس سجده کردند مگر ابلیس از سجده کنندگان نبود (۱۱).

---

(۱) یعنی معبودان باطل که دوست می گرفتید والله اعلم.

(۲) یعنی همه اعمال ایشان را.

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُۥ مِن طِينٍ ﴿١٢﴾ قَالَ فَٱهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَن تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَٱخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ ٱلصَّٰغِرِينَ ﴿١٣﴾ قَالَ أَنظِرْنِيٓ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٤﴾ قَالَ إِنَّكَ مِنَ ٱلْمُنظَرِينَ ﴿١٥﴾ قَالَ فَبِمَآ أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَٰطَكَ ٱلْمُسْتَقِيمَ ﴿١٦﴾ ثُمَّ لَأٓتِيَنَّهُم مِّنۢ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَٰنِهِمْ وَعَن شَمَآئِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَٰكِرِينَ ﴿١٧﴾ قَالَ ٱخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَّدْحُورًا لَّمَن تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٨﴾ وَيَٰٓـَٔادَمُ ٱسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ ٱلْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٩﴾ فَوَسْوَسَ لَهُمَا ٱلشَّيْطَٰنُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُۥرِيَ عَنْهُمَا مِن سَوْءَٰتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَىٰكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةِ إِلَّآ أَن تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ ٱلْخَٰلِدِينَ ﴿٢٠﴾ وَقَاسَمَهُمَآ إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ ٱلنَّٰصِحِينَ ﴿٢١﴾ فَدَلَّىٰهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا ٱلشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَٰتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ ٱلْجَنَّةِ وَنَادَىٰهُمَا رَبُّهُمَآ أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَن تِلْكُمَا ٱلشَّجَرَةِ وَأَقُل لَّكُمَآ إِنَّ ٱلشَّيْطَٰنَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٢٢﴾

گفت خداچه چیز منع کرد توراازآنکه سجده کنی وقتیکه تورا امرکردم گفت من بهترم ازاو مراازآتش آفریدی و اورا ازگلِ آفریدی (۱۲). گفت پس ازآسمان فرود آی زیراکه تورا لایق نیست که درآن سرکشی کنی پس بیرون شو هرآئینه توازخوار شوندگانی (۱۳). گفت بار الٰها مرا تاروزیکه آدمیان برانگیخته شوند مهلت ده (۱٤). گفت خداهرآئینه توازمهلت داده شدگانی (۱٥). گفت پس از آن روی که مرا گمراه کردی البته می‌نشینم برای (گمراه کردن) آدمیان به راه راست تو (یعنی تاازآن منع کنم) (۱٦). پس البته به سوی ایشان ازپیش ایشان وازپس پشت ایشان وازجانب راست ایشان وازجانب چپ ایشان بیایم و اکثر ایشان را شکر گزار نیابی(۱۷). گفت بیرون روازآسمان نکوهیده رانده شده بخداهرکه توراازآدمیان پیروی کند البته دوزخ را از همگی شما پُرکنم (۱۸). وگفتیم ای آدم توو زن تو دربهشت ساکن شو پس بخوریدازهرجاکه خواهید و به این درخت نزديك مشوید که ازستمگاران خواهید شد (۱۹). پس شیطان آنان را وسوسه کرد تاآشکار گرداند برای ایشان آنچه ازنظرایشان ازشرم گاه های ایشان پوشیده بود گفت شمارا پروردگار شما ازین درخت منع نکرده است مگربرای آنکه دوفرشته شوید یا از باشندگان جاویدان شوید (۲۰). وقسم خوردبرای ایشان که البته من از خیرخواهان شماهستم (۲۱). پس بافریب ایشان را به خواری کشاند پس چون آن درخت را چشیدند شرمگاه‌های ایشان برایشان پیداشد و شروع کردند که برگی بالای برگی برخویش ازبرگ درختان بهشت می چسپانیدند و ایشان را پروردگار ایشان ندا کرد که آیا شمارا ازین درخت منع نکرده بودم و نگفته بودم به شما که هرآئینه شیطان دشمن آشکار شماست (۲۲).

قَالَا رَبَّنَا ظَلَمۡنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمۡ تَغۡفِرۡ لَنَا وَتَرۡحَمۡنَا لَنَكُونَنَّ
مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ﴿٢٣﴾ قَالَ ٱهۡبِطُواْ بَعۡضُكُمۡ لِبَعۡضٍ عَدُوّٞۖ وَلَكُمۡ
فِي ٱلۡأَرۡضِ مُسۡتَقَرّٞ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٖ ﴿٢٤﴾ قَالَ فِيهَا تَحۡيَوۡنَ وَفِيهَا
تَمُوتُونَ وَمِنۡهَا تُخۡرَجُونَ ﴿٢٥﴾ يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ قَدۡ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكُمۡ
لِبَاسٗا يُوَٰرِي سَوۡءَٰتِكُمۡ وَرِيشٗاۖ وَلِبَاسُ ٱلتَّقۡوَىٰ ذَٰلِكَ خَيۡرٞۚ
ذَٰلِكَ مِنۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ لَعَلَّهُمۡ يَذَّكَّرُونَ ﴿٢٦﴾ يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ لَا يَفۡتِنَنَّكُمُ
ٱلشَّيۡطَٰنُ كَمَآ أَخۡرَجَ أَبَوَيۡكُم مِّنَ ٱلۡجَنَّةِ يَنزِعُ عَنۡهُمَا
لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوۡءَٰتِهِمَآۚ إِنَّهُۥ يَرَىٰكُمۡ هُوَ وَقَبِيلُهُۥ مِنۡ
حَيۡثُ لَا تَرَوۡنَهُمۡۗ إِنَّا جَعَلۡنَا ٱلشَّيَٰطِينَ أَوۡلِيَآءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ
﴿٢٧﴾ وَإِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةٗ قَالُواْ وَجَدۡنَا عَلَيۡهَآ ءَابَآءَنَا وَٱللَّهُ أَمَرَنَا
بِهَاۗ قُلۡ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَأۡمُرُ بِٱلۡفَحۡشَآءِۖ أَتَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ
﴿٢٨﴾ قُلۡ أَمَرَ رَبِّي بِٱلۡقِسۡطِۖ وَأَقِيمُواْ وُجُوهَكُمۡ عِندَ كُلِّ مَسۡجِدٖ
وَٱدۡعُوهُ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَۚ كَمَا بَدَأَكُمۡ تَعُودُونَ ﴿٢٩﴾
فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيۡهِمُ ٱلضَّلَٰلَةُۚ إِنَّهُمُ ٱتَّخَذُواْ
ٱلشَّيَٰطِينَ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَيَحۡسَبُونَ أَنَّهُم مُّهۡتَدُونَ ﴿٣٠﴾

گفتند ای پروردگارما برخویش ستم کردیم واگر مارا نیامرزی وبرمامهربانی نکنی البته از زیان کاران باشیم (۲۳). خدا گفت فرود آیید بعض شمابعضی رادشمن خواهد بود وشمارادر زمین تامدتی معین استقرار وبهره مندی باشد (یعنی تامرگ) (۲٤). گفت خدادرزمین زندگانی خواهید کرد و درآنجاخواهید مرد وازآنجا بیرون آورده می شوید (۲۵). ای فرزندان آدم هرآئینه ما برای‌شما لباسی که بپوشد شرمگاه های شمارا فرودآوردیم وجامه های زینت را ولباس پرهیز گاری وی ازهمه بهتراست فرودآوردیم این ازنشانه های خداست تاایشان پندپذیرشوند (۲٦). ای فرزندان آدم شمارا شیطان گمراه نکند چنانکه پدر ومادر شمارا ازبهشت بیرون آورد ازایشان جامهٔ ایشان را برمی کشید تا ایشان را شرمگاه های ایشان بنماید هرآئینه شیطان وقوم او شمارا ازآن جایی که شما نمی بینید ایشانرا می بینند هرآئینه ما شیاطین را کار گزار کسانیکه ایمان نمی آورند گردانیدیم (۲۷). وچون کارزشت بکنند گویند برین کارپدرانِ خودرا یافتیم وخدا مارابآن فرموده است بگوهرآئینه خدا بکارزشت نمی فرماید آیامی گویید برخدا آنچه راکه نمی دانید (۲۸). بگو فرموده است پروردگار من به انصاف وفرموده است که رویهای خودرا[۳] نزدیك هرنماز راست کنید واورا بپرستید خالص کرده عبادت را برای او چنانکه شمارانخست آفرید (باز هم چنان) برمی گردید[٤] (۲۹). گروهی راراه نمود وبرگروهی ازایشان گمراهی ثابت شد هرآئینه شیاطین را به جای خدا دوست گرفتند ومی پنداشتند که ایشان راه یافتگانند (۳۰).

(۳) یعنی به سوی کعبه.

(٤) یعنی سروپابرهنه بدون ختنه محشور شوید والله اعلم.

۞ يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ خُذُواْ زِينَتَكُمۡ عِندَ كُلِّ مَسۡجِدٖ وَكُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ وَلَا تُسۡرِفُوٓاْۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ٣١ قُلۡ مَنۡ حَرَّمَ زِينَةَ ٱللَّهِ ٱلَّتِيٓ أَخۡرَجَ لِعِبَادِهِۦ وَٱلطَّيِّبَٰتِ مِنَ ٱلرِّزۡقِۚ قُلۡ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا خَالِصَةٗ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ٣٢ قُلۡ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ ٱلۡفَوَٰحِشَ مَا ظَهَرَ مِنۡهَا وَمَا بَطَنَ وَٱلۡإِثۡمَ وَٱلۡبَغۡيَ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَأَن تُشۡرِكُواْ بِٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ سُلۡطَٰنٗا وَأَن تَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٣٣ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٞۖ فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمۡ لَا يَسۡتَأۡخِرُونَ سَاعَةٗ وَلَا يَسۡتَقۡدِمُونَ ٣٤ يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ إِمَّا يَأۡتِيَنَّكُمۡ رُسُلٞ مِّنكُمۡ يَقُصُّونَ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِي فَمَنِ ٱتَّقَىٰ وَأَصۡلَحَ فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٣٥ وَٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَٱسۡتَكۡبَرُواْ عَنۡهَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٣٦ فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوۡ كَذَّبَ بِـَٔايَٰتِهِۦٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ يَنَالُهُمۡ نَصِيبُهُم مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوۡنَهُمۡ قَالُوٓاْ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِۖ قَالُواْ ضَلُّواْ عَنَّا وَشَهِدُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ أَنَّهُمۡ كَانُواْ كَٰفِرِينَ ٣٧

ای فرزندان آدم زینت خودرا[٥] نزدیك هرنماز بگیرید وبخورید وبیاشامید وازحد مگذرید هرآئینه خدا ازحد گذرندگان را دوست نمیدارد (۳۱). بگوکیستکه زینت خداراکه پیداکرده است برای بند گان خود حرام کرد وکیستکه پاکیزه هاراازرزق حرام کرده است بگوآن پاکیزه هاازملابس و مآکل برای مسلمانان درزندگانی دنیا است [٦] برای ایشان روزقیامت خالص شده همچنین نشانه هارا بیان می کنیم برای قومی که می دانند[٧] (۳۲). بگوجزاین نیست که پروردگار من بی حیایی ها را آنچه آشکار باشدازآن وآنچه پوشیده حرام کرده است و گناه وتجاوز ناحق را وآنکه چیزی را شریك خدا مقررکنید که خدا هیچ دلیل برآن نازل نکرده است حرام کرده است وآنکه بگویي، برخدا آنچه راکه نمی دانید (۳۳). وهرامتی را میعادیست[٨] پس چون[٩] میعادایشان بیاید تاخیر نکنند یك (لحظه) ساعت ونه سبقت کنند[١٠] (٣٤). ای فرزندانِ آدم ا گر به شماپیامبران ازجنس شما بیایند برشماآیاتِ مرا میخوانند پس هرکه پرهیزگاری کند و نیکوکاری نماید پس هیچ ترس برایشان نباشد ونه ایشان اندوهگین شوند (۳۵). وکسانیکه آیاتِ مارا تکذیب کردند وازقبول آنها سرکشی کردند ایشان اصحاب دوزخ اند ایشان آنجاجاویدان اند (٣٦). پس کیست ستمگار تراز کسی که برخدادروغ را بربست یا آیات اورا تکذیب کرد آن جماعت بایشان بهرهٔ ایشان ازآنچه نوشته شددرلوح محفوظ برسد[١١] تاوقتیکه چون نزدیك ایشان فرستادگان ما بیایند تا قبض ارواح ایشان کنند گویندکجاست آنچه شما غیراز خدا می پرستیدید گویند ایشان ازما گم شدند ومعترف شدند برخویش به این که ایشان کافربودند(۳۷).

(٥) یعنی لباس خودرا.
(٦) یعنی لایق ایشانست ا گرچه دیگران نیزاستعمال کنند والله اعلم.
(۷) مترجم گوید درین آیت اشارت است برمذهب رهبان یهود و نصاری ومتخشنین عرب که توسع رادرمآکل و ملابس مکروه میداشتند والله اعلم.
(۸) یعنی وقتی معین است برای هلاك ایشان والله اعلم.
(۹) یعنی نزدیك شود.
(۱۰) یعنی برزبان حضرت آدم چنانکه درسوره بقرة به آن اشاره رفت والله اعلم.
(۱۱) یعنی نعمت و نعمت مقدرشده دردنیا بایشان میرسد والله اعلم.

قَالَ ٱدۡخُلُواْ فِيٓ أُمَمٖ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِكُم مِّنَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ
فِي ٱلنَّارِۖ كُلَّمَا دَخَلَتۡ أُمَّةٞ لَّعَنَتۡ أُخۡتَهَاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا ٱدَّارَكُواْ
فِيهَا جَمِيعٗا قَالَتۡ أُخۡرَىٰهُمۡ لِأُولَىٰهُمۡ رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ أَضَلُّونَا فَـَٔاتِهِمۡ
عَذَابٗا ضِعۡفٗا مِّنَ ٱلنَّارِۖ قَالَ لِكُلّٖ ضِعۡفٞ وَلَٰكِن لَّا تَعۡلَمُونَ
٣٨ وَقَالَتۡ أُولَىٰهُمۡ لِأُخۡرَىٰهُمۡ فَمَا كَانَ لَكُمۡ عَلَيۡنَا مِن فَضۡلٖ
فَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡسِبُونَ ٣٩ إِنَّ ٱلَّذِينَ
كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَٱسۡتَكۡبَرُواْ عَنۡهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمۡ أَبۡوَٰبُ ٱلسَّمَآءِ
وَلَا يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ ٱلۡجَمَلُ فِي سَمِّ ٱلۡخِيَاطِۚ وَكَذَٰلِكَ
نَجۡزِي ٱلۡمُجۡرِمِينَ ٤٠ لَهُم مِّن جَهَنَّمَ مِهَادٞ وَمِن فَوۡقِهِمۡ غَوَاشٖۚ
وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلظَّٰلِمِينَ ٤١ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ
لَا نُكَلِّفُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِۖ هُمۡ
فِيهَا خَٰلِدُونَ ٤٢ وَنَزَعۡنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنۡ غِلّٖ تَجۡرِي
مِن تَحۡتِهِمُ ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ وَقَالُواْ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي هَدَىٰنَا لِهَٰذَا وَمَا كُنَّا
لِنَهۡتَدِيَ لَوۡلَآ أَنۡ هَدَىٰنَا ٱللَّهُۖ لَقَدۡ جَآءَتۡ رُسُلُ رَبِّنَا بِٱلۡحَقِّۖ
وَنُودُوٓاْ أَن تِلۡكُمُ ٱلۡجَنَّةُ أُورِثۡتُمُوهَا بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٤٣

خدا حکم کندکه همراه امتانی که گذشته اند پیش ازشما ازجن وانس درآتش داخل شوید هر گاه که قومی درآید قوم دیگر مانند خودرا لعنت کند تاوقتیکه چون به یکدیگر دردوزخ برسند جماعت متاخر ازایشان درحق جماعت متقدم ازایشان همگی گویند ای پروردگارما ایشان مارا گمراه کردند پس ایشان را عذاب دوچند ازدوزخ بده خدا فرماید هریکی را دوچند است ولیکن نمی دانید[۱۲] (۳۸). و جماعت متقدم ازایشان جماعت متاخررا ازایشان می‌گویند پس شمارا برما هیچ برتری‌ای نیست پس عذاب را بسبب آنچه می کردید بچشید (۳۹). هرآئینه کسانیکه آیات مارا تکذیب کردند واز قبول آن سرکشی‌کردند هرگزکشاده نشودبرای ایشان دروازه های آسمان ودرنیایند به بهشت تاوقتیکه شتردر سوراخ سوزن داخل شود[۱۳] وهمچنین گناهگاران را جزامیدهیم (٤٠). ایشان را ازدوزخ فرش بُوَد وازبالای ایشان ازدوزخ پوششهاباشد وهمچنین ستمگاران را جزا می دهیم (٤١). وکسانیکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند دستور نمی دهیم هیچکس را مگر بقدر طاقت او آنجماعت باشندگان بهشت اند ایشان آنجاجاویدان باشند (٤٢). و آنچه ازکینه درسینه های ایشان بُوَد بیرون آوریم[١٤] زیرایشان نهرها میرود وگویند سپاس آن خدا راست که مارا به سوی این بهشت راهنمود وهر گز راه یابنده نبودیم ا گر ماراخدا راه نه نمودی به درستی که فرستاد گان پروردگار مابراستی آمدند ونداکرده شوندکه این بهشت داده شدید آن را بسبب آنچه می کردید (٤٣).

(۱۲) یعنی تابعین را عذاب کفرتقلید ومتبوعین را عذاب ضلال واضلال والله اعلم.

(۱۳) یعنی این محال است والله اعلم.

(١٤) یعنی آن کینه هاکه در دل بهشتیان باشد دورکنیم مثل آنچه میان بعضی ازصحابه رضی الله عنهم واقع شد والله اعلم.

وَنَادَىٰٓ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِ أَصۡحَٰبَ ٱلنَّارِ أَن قَدۡ وَجَدۡنَا مَا وَعَدَنَا
رَبُّنَا حَقّٗا فَهَلۡ وَجَدتُّم مَّا وَعَدَ رَبُّكُمۡ حَقّٗاۖ قَالُواْ نَعَمۡۚ فَأَذَّنَ
مُؤَذِّنُۢ بَيۡنَهُمۡ أَن لَّعۡنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤٤﴾ ٱلَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن
سَبِيلِ ٱللَّهِ وَيَبۡغُونَهَا عِوَجٗا وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ كَٰفِرُونَ ﴿٤٥﴾ وَبَيۡنَهُمَا
حِجَابٞۚ وَعَلَى ٱلۡأَعۡرَافِ رِجَالٞ يَعۡرِفُونَ كُلَّۢا بِسِيمَىٰهُمۡۚ وَنَادَوۡاْ
أَصۡحَٰبَ ٱلۡجَنَّةِ أَن سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمۡۚ لَمۡ يَدۡخُلُوهَا وَهُمۡ يَطۡمَعُونَ ﴿٤٦﴾
۞ وَإِذَا صُرِفَتۡ أَبۡصَٰرُهُمۡ تِلۡقَآءَ أَصۡحَٰبِ ٱلنَّارِ قَالُواْ رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا
مَعَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤٧﴾ وَنَادَىٰٓ أَصۡحَٰبُ ٱلۡأَعۡرَافِ رِجَالٗا يَعۡرِفُونَهُم
بِسِيمَىٰهُمۡ قَالُواْ مَآ أَغۡنَىٰ عَنكُمۡ جَمۡعُكُمۡ وَمَا كُنتُمۡ تَسۡتَكۡبِرُونَ ﴿٤٨﴾
أَهَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ أَقۡسَمۡتُمۡ لَا يَنَالُهُمُ ٱللَّهُ بِرَحۡمَةٍۚ ٱدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ
لَا خَوۡفٌ عَلَيۡكُمۡ وَلَآ أَنتُمۡ تَحۡزَنُونَ ﴿٤٩﴾ وَنَادَىٰٓ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ أَصۡحَٰبَ
ٱلۡجَنَّةِ أَنۡ أَفِيضُواْ عَلَيۡنَا مِنَ ٱلۡمَآءِ أَوۡ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُۚ قَالُوٓاْ
إِنَّ ٱللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٥٠﴾ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ دِينَهُمۡ لَهۡوٗا
وَلَعِبٗا وَغَرَّتۡهُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَاۚ فَٱلۡيَوۡمَ نَنسَىٰهُمۡ كَمَا نَسُواْ
لِقَآءَ يَوۡمِهِمۡ هَٰذَا وَمَا كَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا يَجۡحَدُونَ ﴿٥١﴾

و اهلِ بهشت اهلِ دوزخ را نداکنند که ماراست یافتیم آنچه به ماپروردگارما وعده کرده بود پس آیاشماهم راست یافتید آنچه پروردگار شما به شماوعده کرده بود گفتند آری پس ندادهنده ای درمیان ایشان ندادهد که لعنت خدا بر ستمگاران است (٤٤). کسانی که مردمان را ازراهِ خدا بازمی داشتند و برای آن راه کجی را می خواستند[١٥] وایشان بآخرت اعتقادنداشتند (٤٥). ودرمیان آنها (بهشت ودوزخ) حجابیست[١٦] وبراعراف مردمانی باشند که هریکی ازاهل دوگروه را بقیافهٔ ایشان می شناسند و اهل اعراف اهل بهشت را نِداکنند که سلام علیکم هنوزبه بهشت درنیامده اند وایشان طمع آن را دارند (٤٦). وچون چشمهای اهل اعراف به طرف اهل دوزخ گردانیده شود گویند ای پروردگارما ماراهمراه گروه ستمگاران مکن (٤٧). و اهل اعراف مردانی راکه می شناسند ایشان را به قیافهٔ ایشان نِداکردند گویند کفایت نکرد ازشماجمعیت شما وآنکه سرکشی می کردید (٤٨). آیااین جماعت اند آنانکه شماقسم میخوردید که هر گزخدا بایشان هیچ رحمت نرساند[١٧] گفته شدایشان را که به بهشت درآیید برشما هیچ ترسی نیست ونه شما اندوهگین شوید (٤٩). و اهل دوزخ اهل بهشت را نِداکنند که برما چیزی ازآب یاازسایرآنچه روزی داده است شمارا خدا بریزید گویند هرآئینه خدا این هردورابر کافران حرام ساخته است (٥٠). آنانکه دین خودرا بازیچه وسرگرمی گرفته اند و ایشان را زندگانی دنیا فریب داد پس امروز فراموش کنیم ایشان راچنانکه ایشان ملاقات این روزخویش را فراموش کردند وچنانکه آیاتِ ما را انکار میکردند[١٨] (٥١).

---

(١٥) یعنی می خواستند به شبهات این راه را باطل سازند.
(١٦) وآن مسمی به اعراف است والله اعلم.
(١٧) یعنی فقرای مسلمین که کافران ازایشان حسابی نمی گرفتند والله اعلم.
(١٨) وفراموش کردن خدا ترك ایشان است دردوزخ والله اعلم.

وَلَقَدۡ جِئۡنَٰهُم بِكِتَٰبٖ فَصَّلۡنَٰهُ عَلَىٰ عِلۡمٍ هُدٗى وَرَحۡمَةٗ
لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ﴿٥٢﴾ هَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّا تَأۡوِيلَهُۥۚ يَوۡمَ يَأۡتِي تَأۡوِيلُهُۥ
يَقُولُ ٱلَّذِينَ نَسُوهُ مِن قَبۡلُ قَدۡ جَآءَتۡ رُسُلُ رَبِّنَا بِٱلۡحَقِّ
فَهَل لَّنَا مِن شُفَعَآءَ فَيَشۡفَعُواْ لَنَآ أَوۡ نُرَدُّ فَنَعۡمَلَ غَيۡرَ ٱلَّذِي
كُنَّا نَعۡمَلُۚ قَدۡ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ
يَفۡتَرُونَ ﴿٥٣﴾ إِنَّ رَبَّكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ
فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِ يُغۡشِي ٱلَّيۡلَ ٱلنَّهَارَ
يَطۡلُبُهُۥ حَثِيثٗا وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ وَٱلنُّجُومَ مُسَخَّرَٰتِۭ
بِأَمۡرِهِۦٓۗ أَلَا لَهُ ٱلۡخَلۡقُ وَٱلۡأَمۡرُۗ تَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٥٤﴾
ٱدۡعُواْ رَبَّكُمۡ تَضَرُّعٗا وَخُفۡيَةًۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ ﴿٥٥﴾
وَلَا تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ بَعۡدَ إِصۡلَٰحِهَا وَٱدۡعُوهُ خَوۡفٗا وَطَمَعًاۚ
إِنَّ رَحۡمَتَ ٱللَّهِ قَرِيبٞ مِّنَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿٥٦﴾ وَهُوَ ٱلَّذِي يُرۡسِلُ
ٱلرِّيَٰحَ بُشۡرَۢا بَيۡنَ يَدَيۡ رَحۡمَتِهِۦۖ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَقَلَّتۡ سَحَابٗا ثِقَالٗا
سُقۡنَٰهُ لِبَلَدٖ مَّيِّتٖ فَأَنزَلۡنَا بِهِ ٱلۡمَآءَ فَأَخۡرَجۡنَا بِهِۦ مِن كُلِّ
ٱلثَّمَرَٰتِۚ كَذَٰلِكَ نُخۡرِجُ ٱلۡمَوۡتَىٰ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ﴿٥٧﴾

وبه راستی برای ایشان کتابی که به روشنی بیان کرده ایم آنرابدانش آوردیم رهنمایی وبخشایش برای قوم مومنان (۵۲). کفار انتظارنمی کنند مگرمصداق این وعده را روزیکه مصداق آن بیاید گویند کسانیکه فراموش کرده بودند آنراپیش ازین به یقین پیامبران پروردگار مابراستی آمده بودند پس آیا هستند برای ما شفیعان تا برای ما شفاعت کنند یا باز گردانیده شویم به سوی دنیا پس عمل کنیم غیر آنچه می کردیم[۱۹] به درستی زیان کردند درحق خویشتن و گم شد ازایشان آنچه افترامی کردند (۵۳). هرآئینه پروردگار شماآن خدااست که آسمان هاوزمین را درشش روز آفرید باز برعرش مستقرشد شب رابه روز می پوشاند[۲۰] شب روزرابه شتاب می طلبد[۲۱] و خورشید وماه وستارگان را رام شده به فرمانش آفرید آگاه شو آفریدن وفرمانروایی برای او ست، خدا پروردگار جهانیان بزرگ است (۵٤). پروردگار خودرا زاری کنان وپوشیده ازمردمان بپرستید هرآئینه او ازحدگذرندگان را دوست ندارد (۵۵). و درزمین بعد اصلاح آن فسادمکنید[۲۲] و اورابه ترس وامید بپرستید هرآئینه بخشایش خدا ازنیکوکاران نزدیك است (۵٦). واوست آنکه بادها را مژده دهنده پیش از رحمت خود[۲۳] می فرستد تاوقتیکه ابرگران را بردارد آن را به سوی شهری مرده روان کنیم پس بواسطه آن ابرآب را فرودآوریم پس بآن آب ازجنس هر میوه بیرون آوریم همچنین مردگان را بیرون آوریم[۲٤] تاباشد که شماپند پذیر شوید (۵۷).

(۱۹) یعنی مسلمان شویم وبت ها را نپرستیم.

(۲۰) یعنی گاهی اجزای شب را بلباس روز پوشانیده درحساب روزمی گرداند والله اعلم.

(۲۱) یعنی ازپی درآمدن شب بعد روز مشابه آنست که گویا کسی کسی رادوان وشتابان می طلبد.

(۲۲) یعنی بسبب بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم.

(۲۳) یعنی پیش ازباران.

(۲٤) یعنی ازقبور بیرون کنیم.

وَٱلْبَلَدُ ٱلطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُۥ بِإِذْنِ رَبِّهِۦ ۖ وَٱلَّذِى خَبُثَ لَا يَخْرُجُ
إِلَّا نَكِدًا ۚ كَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ ٱلْءَايَٰتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ﴿٥٨﴾
لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِۦ فَقَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ مَا لَكُم
مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥٓ إِنِّىٓ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥٩﴾
قَالَ ٱلْمَلَأُ مِن قَوْمِهِۦٓ إِنَّا لَنَرَىٰكَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٦٠﴾ قَالَ يَٰقَوْمِ
لَيْسَ بِى ضَلَٰلَةٌ وَلَٰكِنِّى رَسُولٌ مِّن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٦١﴾
أُبَلِّغُكُمْ رِسَٰلَٰتِ رَبِّى وَأَنصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ ٱللَّهِ
مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٢﴾ أَوَعَجِبْتُمْ أَن جَآءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ
عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا۟ وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٦٣﴾
فَكَذَّبُوهُ فَأَنجَيْنَٰهُ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥ فِى ٱلْفُلْكِ وَأَغْرَقْنَا ٱلَّذِينَ
كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَآ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا۟ قَوْمًا عَمِينَ ﴿٦٤﴾ ۞ وَإِلَىٰ
عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا ۗ قَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ
غَيْرُهُۥٓ ۚ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٦٥﴾ قَالَ ٱلْمَلَأُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِن قَوْمِهِۦٓ
إِنَّا لَنَرَىٰكَ فِى سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ ٱلْكَٰذِبِينَ ﴿٦٦﴾
قَالَ يَٰقَوْمِ لَيْسَ بِى سَفَاهَةٌ وَلَٰكِنِّى رَسُولٌ مِّن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٦٧﴾

وشهر پاکیزه گیاه او بفرمان پروردگارش برمی آید وزمین ناپاکیزه رستنی آن برنمی آید مگرناهموار دیررونده همچنین گوناگون نشانه ها را برای قومی که شکرگزاری می کنند بیان می کنیم[۲۵] (۵۸). هر آئینه نوح را به سوی قوم او فرستادیم پس گفت ای قوم من خدا را عبادت کنید شمارا هیچ معبودبرحقی غیرازاو نیست هرآئینه من ازعقوبتِ روزبزرگ برشمامی ترسم[۲٦] (۵۹). سران ازقوم او گفتند هرآئینه ما تورادر گمراهی ظاهر می بینیم (٦۰). گفت: ای قوم من هیچ گونه گمراهی درمن نیست ولیکن من فرستاده ای ازجانب پروردگار جهانیان هستم (٦۱). به شماپیغام های پروردگارم رامیرسانم وبرای شما نیك خواهی می کنم و میدانم ازحکم خدا آنچه نمی دانید (٦۲). آیاتعجب کردید ازآنکه آمد به سوی شما پند ازجانب پروردگار شما برزبان مردی ازشما تا شمارا بیم کند وتاپرهیزگاری کنید وتا برشما مهربانی کرده شود (٦۳). پس اورا درغگوانگاشتند پس اوراوکسانی را که باوی درکشتی بودند نجات دادیم وکسانی را که دروغ انگاشتند آیاتِ مارا غرق ساختیم هرآئینه ایشان گروهی نابینا بودند(٦٤). و سوی قوم عاد برادرایشان هود را فرستادیم گفت ای قوم من خدا را عبادت کنید شمارا هیچ معبودبرحقی غیرازاو نیست آیا پرهیزگاری نمی کنید (٦۵). گفتند اشراف وسرانِ کفار ازقوم او هرآئینه ماتورا در بی‌خِرَدی می بینیم وهرآئینه ما تورا ازدروغ گویان می پنداریم (٦٦). گفت ای قوم من درمن هیچ گونه بی خِرَدای نیست ولیکن من ازجانب پروردگار جهانیان فرستاده ام (٦۷).

(۲۵) مترجم گوید این مثل است برای پنددرقلب سلیم وعدم تاثیر آن درغیر سلیم والله اعلم.

(۲٦) یعنی روزقیامت.

أُبَلِّغُكُمْ رِسَٰلَٰتِ رَبِّي وَأَنَا۠ لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ﴿٦٨﴾ أَوَعَجِبْتُمْ أَن
جَآءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْۚ
وَٱذْكُرُوٓا۟ إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَآءَ مِنۢ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ
فِي ٱلْخَلْقِ بَصۜطَةًۖ فَٱذْكُرُوٓا۟ ءَالَآءَ ٱللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ
﴿٦٩﴾ قَالُوٓا۟ أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ ٱللَّهَ وَحْدَهُۥ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ
ءَابَآؤُنَاۖ فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٧٠﴾
قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌۖ
أَتُجَٰدِلُونَنِي فِيٓ أَسْمَآءٍ سَمَّيْتُمُوهَآ أَنتُمْ وَءَابَآؤُكُم
مَّا نَزَّلَ ٱللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَٰنٍۚ فَٱنتَظِرُوٓا۟ إِنِّي مَعَكُم مِّنَ
ٱلْمُنتَظِرِينَ ﴿٧١﴾ فَأَنجَيْنَٰهُ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا
وَقَطَعْنَا دَابِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَاۖ وَمَا كَانُوا۟ مُؤْمِنِينَ
﴿٧٢﴾ وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَٰلِحًاۗ قَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ
مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥۖ قَدْ جَآءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْۖ
هَٰذِهِۦ نَاقَةُ ٱللَّهِ لَكُمْ ءَايَةًۖ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِيٓ أَرْضِ
ٱللَّهِۖ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٣﴾

من بشما پیغام های پروردگارم را میرسانم ومن برای شما نیك خواه باامانتم (٦٨). آیا تعجب کردیدازآنکه بشماپندی ازجانب پروردگار شما برمردی ازشما آمد تا شمارا بیم کند ویادکنیدآن وقت را که شمارا بعدازقوم نوح جانشین گردانید و برای شما درخلقت قوت را افزود پس یادکنید نعمت های خدارا تاشمارستگار شوید (٦٩). گفتند آیاآمده ای پیش ما تا تنها خدارا عبادت کنیم وبگذاریم آنچه پدرانِ ما می پرستیدند پس آنچه مارا به آن وعده می دهی برای ما[۲۷] بیاور اگر ازراستگویان هستی (۷۰). گفت برشما ازجانب پروردگار شما عقوبت وخشم ثابت شد آیامکابره می کنید بامن درباره نامهایی چند که شما آن را مقررکرده‌اید و (نیز) پدران شما مقرر کرده اند،[۲۸] خدابرآن هیچ دلیلی فرونیاورده است پس انتظار کنید هرآئینه من نیز همراه شما ازمنتظرانم (۷۱). پس اوراوکسانی را که بااوبودندبمهربانی ازجانب خویش نجات دادیم وبریدیم بیخ کسانی راکه آیاتِ مارا تکذیب کردند و ازمومنان نبودند (۷۲). و به سوی قوم ثمود برادرایشان صالح را فرستادیم گفت ای قوم من خدارا عبادت کنید شماراهیچ معبودبرحقی غیرازاو نیست هرآئینه به شما دلیلی ازجانب پروردگار شما آمد این ماده شتریست خدا نشانه ای برای شما پیداکرده پس بگذاریدش که درزمین خدا چرد و اورا هیچ بدی وگزندی مرسانید که آنگاه شمارا عقوبتِ درد ناك بگیرد (۷۳).

---

(۲۷) یعنی بیارعقوبت را.

(۲۸) یعنی بی اصل است.

وَٱذۡكُرُوٓاْ إِذۡ جَعَلَكُمۡ خُلَفَآءَ مِنۢ بَعۡدِ عَادٖ وَبَوَّأَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ تَتَّخِذُونَ مِن سُهُولِهَا قُصُورٗا وَتَنۡحِتُونَ ٱلۡجِبَالَ بُيُوتٗاۖ فَٱذۡكُرُوٓاْ ءَالَآءَ ٱللَّهِ وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ ﴿٧٤﴾ قَالَ ٱلۡمَلَأُ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ لِلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ لِمَنۡ ءَامَنَ مِنۡهُمۡ أَتَعۡلَمُونَ أَنَّ صَٰلِحٗا مُّرۡسَلٞ مِّن رَّبِّهِۦۚ قَالُوٓاْ إِنَّا بِمَآ أُرۡسِلَ بِهِۦ مُؤۡمِنُونَ ﴿٧٥﴾ قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا بِٱلَّذِيٓ ءَامَنتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ ﴿٧٦﴾ فَعَقَرُواْ ٱلنَّاقَةَ وَعَتَوۡاْ عَنۡ أَمۡرِ رَبِّهِمۡ وَقَالُواْ يَٰصَٰلِحُ ٱئۡتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿٧٧﴾ فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلرَّجۡفَةُ فَأَصۡبَحُواْ فِي دَارِهِمۡ جَٰثِمِينَ ﴿٧٨﴾ فَتَوَلَّىٰ عَنۡهُمۡ وَقَالَ يَٰقَوۡمِ لَقَدۡ أَبۡلَغۡتُكُمۡ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحۡتُ لَكُمۡ وَلَٰكِن لَّا تُحِبُّونَ ٱلنَّٰصِحِينَ ﴿٧٩﴾ وَلُوطًا إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦٓ أَتَأۡتُونَ ٱلۡفَٰحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنۡ أَحَدٖ مِّنَ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٨٠﴾ إِنَّكُمۡ لَتَأۡتُونَ ٱلرِّجَالَ شَهۡوَةٗ مِّن دُونِ ٱلنِّسَآءِۚ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ مُّسۡرِفُونَ ﴿٨١﴾

ویادکنید (نعمت الهی را) آن وقت که شمارا بعدازقوم عاد جانشین گردانید و شمارا درزمین استقرار داد می‌سازید ازنرم آن قصرها وکوه هارا تراشیده خانه ها می‌سازید پس نعمت های خدارا یادکنید وتباهی مکنید درزمین فساد افکنان (٧٤). اشراف وسران قوم اوکه کبر ورزیده بودند به مستضعفان ازکسانیکه ایمان آورده بودند ازآنان، گفتند آیامیدانید که صالح ازجانب پروردگارش فرستاده شده است گفتند اهل ایمان هر آئینه مابشریعتی که وی فرستاده شده است بآن شریعت باورداریم (٧٥). گفتند سرکشان هرآئینه مابآنچه معتقد به آن شدید کافرانیم (٧٦). پس آن ماده شتررا کشتند و ازفرمان پروردگار خویش تجاوز کردند وگفتند ای صالح بیار برای ما آنچه مارا وعیدمی کنی اگر ازپیامبران هستی (٧٧). پس ایشان رازلزله درگرفت پس زانو افتاده درسرای خویش مرده گشتند (٧٨). پس صالح ازایشان اعراض کرد وگفت ای قوم من به شماپیغام پروردگارم را رسانیدم وبرای‌شما نیك خواهی کردم ولیکن نیك خواهی کنندگان را دوست نمی دارید (٧٩). وفرستادیم لوط راآن وقت که گفت بقوم خود آیا می کنید آن بی حیایی که پیش ازشما آنرا هیچ کس از جهانیان نکرده است (٨٠). هرآئینه شما به (قضا) شهوت به سوی مردان به جای زنان میروید بلکه شماگروه مُسرفانید (٨١).

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوۡمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ أَخۡرِجُوهُم مِّن
قَرۡيَتِكُمۡۖ إِنَّهُمۡ أُنَاسٞ يَتَطَهَّرُونَ ٨٢ فَأَنجَيۡنَٰهُ
وَأَهۡلَهُۥٓ إِلَّا ٱمۡرَأَتَهُۥ كَانَتۡ مِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ ٨٣ وَأَمۡطَرۡنَا
عَلَيۡهِم مَّطَرٗاۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُجۡرِمِينَ
٨٤ وَإِلَىٰ مَدۡيَنَ أَخَاهُمۡ شُعَيۡبٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ
مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥۖ قَدۡ جَآءَتۡكُم بَيِّنَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡۖ
فَأَوۡفُواْ ٱلۡكَيۡلَ وَٱلۡمِيزَانَ وَلَا تَبۡخَسُواْ ٱلنَّاسَ
أَشۡيَآءَهُمۡ وَلَا تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ بَعۡدَ إِصۡلَٰحِهَاۚ
ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ٨٥ وَلَا
تَقۡعُدُواْ بِكُلِّ صِرَٰطٖ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَن
سَبِيلِ ٱللَّهِ مَنۡ ءَامَنَ بِهِۦ وَتَبۡغُونَهَا عِوَجٗاۚ وَٱذۡكُرُوٓاْ
إِذۡ كُنتُمۡ قَلِيلٗا فَكَثَّرَكُمۡۖ وَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ
عَٰقِبَةُ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ٨٦ وَإِن كَانَ طَآئِفَةٞ مِّنكُمۡ
ءَامَنُواْ بِٱلَّذِيٓ أُرۡسِلۡتُ بِهِۦ وَطَآئِفَةٞ لَّمۡ يُؤۡمِنُواْ فَٱصۡبِرُواْ
حَتَّىٰ يَحۡكُمَ ٱللَّهُ بَيۡنَنَاۚ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلۡحَٰكِمِينَ ٨٧

و جواب قوم او جزاین نبودکه گفتند ایشان راازده خود بیرون کنید هرآئینه ایشان مردماني اند که پاکیزگی طلب می کنند (۸۲). پس او را واهل خانه اورامگر زنش را که ازباقی ماندگان بود نجات دادیم (۸۳). وبرایشان بارانی (یعنی از سنگ) بارانیدیم پس بنگر آخر کارگناهگاران چگونه بود (۸٤). و بسوی قوم مدین برادرایشان شعیب رافرستادیم گفت ای قوم من خدارابپرستید شمارا هیچ معبودبرحقی بجزاو نیست هرآئینه به شما دلیلی ازپروردگار شما آمده است پس پیمانه وترازو را تمام کنید و به مردمان چیزهای ایشان را ناقص مدهید درزمین بعد اصلاح آن فسادمکنید این کارکه گفتیم بهترست برای شما اگر باوردارندگانید (۸٥). و به هر راهی منشینید که بترسانید و ازراهِ خدا کسی را که ایمان آورده است به او بازدارید و برای آن راه کجی را میجویید ویادکنید آن وقت راکه شما اندك بودید پس شمارا بسیار گردانید وبنگرید آخرکار مفسدان چگونه شد (۸٦). واگر گروهی ازشما به آنچه فرستاده شدم بآن ایمان آوردند وگروهی ایمان نیاوردند پس صبر کنید تاآنکه خدا درمیانِ ما فیصله کند واوبهترین حکم کنندگان است[۲۹] (۸۷).

(۲۹) یعنی واجب آن بود که همه متفق میشدند برایمان وچون متفق نشدندمنتظر فیصله کردن باشند والله اعلم.

۞ قَالَ ٱلۡمَلَأُ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ لَنُخۡرِجَنَّكَ يَٰشُعَيۡبُ
وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَكَ مِن قَرۡيَتِنَآ أَوۡ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَاۚ قَالَ أَوَلَوۡ
كُنَّا كَٰرِهِينَ ﴿٨٨﴾ قَدِ ٱفۡتَرَيۡنَا عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا إِنۡ عُدۡنَا فِي مِلَّتِكُم بَعۡدَ
إِذۡ نَجَّىٰنَا ٱللَّهُ مِنۡهَاۚ وَمَا يَكُونُ لَنَآ أَن نَّعُودَ فِيهَآ إِلَّآ أَن يَشَآءَ
ٱللَّهُ رَبُّنَاۚ وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيۡءٍ عِلۡمًاۚ عَلَى ٱللَّهِ تَوَكَّلۡنَاۚ رَبَّنَا ٱفۡتَحۡ
بَيۡنَنَا وَبَيۡنَ قَوۡمِنَا بِٱلۡحَقِّ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡفَٰتِحِينَ ﴿٨٩﴾ وَقَالَ ٱلۡمَلَأُ
ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ لَئِنِ ٱتَّبَعۡتُمۡ شُعَيۡبًا إِنَّكُمۡ إِذٗا لَّخَٰسِرُونَ
﴿٩٠﴾ فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلرَّجۡفَةُ فَأَصۡبَحُواْ فِي دَارِهِمۡ جَٰثِمِينَ ﴿٩١﴾ ٱلَّذِينَ
كَذَّبُواْ شُعَيۡبٗا كَأَن لَّمۡ يَغۡنَوۡاْ فِيهَاۚ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ شُعَيۡبٗا كَانُواْ
هُمُ ٱلۡخَٰسِرِينَ ﴿٩٢﴾ فَتَوَلَّىٰ عَنۡهُمۡ وَقَالَ يَٰقَوۡمِ لَقَدۡ أَبۡلَغۡتُكُمۡ
رِسَٰلَٰتِ رَبِّي وَنَصَحۡتُ لَكُمۡۖ فَكَيۡفَ ءَاسَىٰ عَلَىٰ قَوۡمٖ
كَٰفِرِينَ ﴿٩٣﴾ وَمَآ أَرۡسَلۡنَا فِي قَرۡيَةٖ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّآ أَخَذۡنَآ أَهۡلَهَا
بِٱلۡبَأۡسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمۡ يَضَّرَّعُونَ ﴿٩٤﴾ ثُمَّ بَدَّلۡنَا
مَكَانَ ٱلسَّيِّئَةِ ٱلۡحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَواْ وَّقَالُواْ قَدۡ مَسَّ ءَابَآءَنَا
ٱلضَّرَّآءُ وَٱلسَّرَّآءُ فَأَخَذۡنَٰهُم بَغۡتَةٗ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ﴿٩٥﴾

آن اشراف وسران ازقوم او که سرکشی کرده بودند گفتند البته تورا ای شعیب وکسانی راکه همراه توایمان آوردند ازدِه خود بیرون کنیم یااین که حتما دردین ما باز گردید گفت آیا (باز گردیم) اگر چه مانا پسند داریم؟ (۸۸). هرآئینه برخدا دروغی بربسته باشیم اگر بازگردیم در دین شما بعد ازآنکهِ خدا ماراازوی بِرَهانید وهرگزلایق نیست ماراکه درآن بازگردیم مگرآنکه خدا پروردگارما خواهد پروردگارما بهمه چیزازروی دانش احاطه کرده است برخدا توکل کردیم ای پروردگارما درمیانِ ماودرمیان قوم مابراستی فیصله کن و توبهترین فیصله کنندگانی (۸۹). و آن اشراف وسران که کافربودند ازقوم او بیارانِ خود گفتند اگر شعیب را متابعت کنید هرآئینه شماآنهنگام زیان کارباشید (۹۰). پس ایشان را زلزله درگرفت پس درسرای خویش مرده برزانوافتاده صبح کردند (۹۱). آنانکه شعیب را تکذیب کردند گویا نبودند آنجا، آنانکه شعیب را تکذیب کردند ایشان زیان کار بودند (۹۲). پس ازایشان روگردانید وگفت ای قوم من به درستی به شما پیغام های پروردگار خود را رسانیدم وبرای شما نیك خواهی کردم پس برقوم کافران چگونه اندوه خورم (۹۳). ونفرستادیم درهیچ شهری پیامبری را مگر اهل آنرا به سختی ورنج گرفتارکردیم تا بُوَد که ایشان زاری کنند (۹٤). به ایشان بجای محنت راحت را بازدادیم تاآنکه بسیارشدندوگفتند هرآئینه پدران مارا سختی وراحت رسیده بود [۳۰] پس ایشان را ناگهان گرفتیم وایشان خبر نداشتند (۹۵).

(۳۰) یعنی عادت زمان است که گاهی سختی و گاهی راحت می باشداز قبیل مؤاخذه براعمال نبُوَد والله اعلم.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ ٱلْقُرَىٰٓ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوْاْ لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَٰتٍ
مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُواْ فَأَخَذْنَٰهُم بِمَا كَانُواْ
يَكْسِبُونَ ﴿٩٦﴾ أَفَأَمِنَ أَهْلُ ٱلْقُرَىٰٓ أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا
بَيَٰتًا وَهُمْ نَآئِمُونَ ﴿٩٧﴾ أَوَأَمِنَ أَهْلُ ٱلْقُرَىٰٓ أَن يَأْتِيَهُم
بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ ﴿٩٨﴾ أَفَأَمِنُواْ مَكْرَ ٱللَّهِۚ
فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلْقَوْمُ ٱلْخَٰسِرُونَ ﴿٩٩﴾ أَوَلَمْ يَهْدِ
لِلَّذِينَ يَرِثُونَ ٱلْأَرْضَ مِنۢ بَعْدِ أَهْلِهَآ أَن لَّوْ نَشَآءُ
أَصَبْنَٰهُم بِذُنُوبِهِمْۚ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ
﴿١٠٠﴾ تِلْكَ ٱلْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنۢبَآئِهَاۚ وَلَقَدْ جَآءَتْهُمْ
رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ فَمَا كَانُواْ لِيُؤْمِنُواْ بِمَا كَذَّبُواْ مِن
قَبْلُۚ كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿١٠١﴾ وَمَا وَجَدْنَا
لِأَكْثَرِهِم مِّنْ عَهْدٍۖ وَإِن وَجَدْنَآ أَكْثَرَهُمْ لَفَٰسِقِينَ ﴿١٠٢﴾
ثُمَّ بَعَثْنَا مِنۢ بَعْدِهِم مُّوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيْهِۦ
فَظَلَمُواْ بِهَاۖ فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُفْسِدِينَ ﴿١٠٣﴾
وَقَالَ مُوسَىٰ يَٰفِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٠٤﴾

واگراهلِ ده هاایمان می آوردند وپرهیزگاری می کردند هرآئینه برایشان برکت‌هااز آسمان و زمین می کشادیم ولیکن تکذیب کردند پس ایشان را به وبال آنچه میکردند گرفتیم (۹٦). آیا اهلِ ده ها ایمن شده اند ازآنکه عذاب مابه ایشان شبانگاه درحالیکه ایشان خفته باشند بیاید (۹۷). آیا اهلِ ده ها ایمن شده اند ازآنکه عذاب ماوقت چاشت به ایشان بیاید وایشان بازی میکنند (۹۸). آیا ازمکرخدا ایمن شده‌اند[۳۱] پس ازمکرخدا ایمن نمی شوند مگر گروه زیان کاران (۹۹). آیا واضح نشد برآنانکه وارث زمین می شوند بعد از هلاك ساکنان آن زمین که اگر بخواهیم ایشان را به سزای گناهان شان عقوبت رسانیم و بردل های ایشان مُهرمی نهیم پس ایشان نمی شنوند (۱۰۰). این دِه هارا پیش تو برخی ازخبرهایشان را ذکر می کنیم وبه راستی به اهل آنها پیامبران ایشان بامعجزه ها آمده بودند پس هرگز ایمان نیاوردند به آنچه پیش ازآن تکذیب کرده بودند همچنین خدا بردل های کافران مُهرمی نهد (۱۰۱). و وفابعهد دراکثرایشان نیافتیم وهرآئینه اکثرایشان رابدکار یافتیم (۱۰۲). باز بعد از ایشان موسیٰ را به نشانه‌های خویش به سوی فرعون وقوم او فرستادیم پس به آن نشانه ها کافرشدند پس بنگر آخرکار مفسدان چگونه بود (۱۰۳). و موسیٰ گفت ای فرعون هرآئینه من ازجانب پروردگار جهانیان پیامبرم (۱۰٤).

(۳۱) یعنی ازتدبیراهلاك والله اعلم.

حَقِيقٌ عَلَىٰٓ أَن لَّآ أَقُولَ عَلَى ٱللَّهِ إِلَّا ٱلْحَقَّ ۚ قَدْ جِئْتُكُم بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِىَ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ﴿١٠٥﴾ قَالَ إِن كُنتَ جِئْتَ بِـَٔايَةٍ فَأْتِ بِهَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿١٠٦﴾ فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِىَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿١٠٧﴾ وَنَزَعَ يَدَهُۥ فَإِذَا هِىَ بَيْضَآءُ لِلنَّٰظِرِينَ ﴿١٠٨﴾ قَالَ ٱلْمَلَأُ مِن قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَٰذَا لَسَٰحِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٠٩﴾ يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ ۖ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿١١٠﴾ قَالُوٓا۟ أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِى ٱلْمَدَآئِنِ حَٰشِرِينَ ﴿١١١﴾ يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَٰحِرٍ عَلِيمٍ ﴿١١٢﴾ وَجَآءَ ٱلسَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوٓا۟ إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ ٱلْغَٰلِبِينَ ﴿١١٣﴾ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ ٱلْمُقَرَّبِينَ ﴿١١٤﴾ قَالُوا۟ يَٰمُوسَىٰٓ إِمَّآ أَن تُلْقِىَ وَإِمَّآ أَن نَّكُونَ نَحْنُ ٱلْمُلْقِينَ ﴿١١٥﴾ قَالَ أَلْقُوا۟ ۖ فَلَمَّآ أَلْقَوْا۟ سَحَرُوٓا۟ أَعْيُنَ ٱلنَّاسِ وَٱسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَآءُو بِسِحْرٍ عَظِيمٍ ﴿١١٦﴾ ۞ وَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ ۖ فَإِذَا هِىَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿١١٧﴾ فَوَقَعَ ٱلْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿١١٨﴾ فَغُلِبُوا۟ هُنَالِكَ وَٱنقَلَبُوا۟ صَٰغِرِينَ ﴿١١٩﴾ وَأُلْقِىَ ٱلسَّحَرَةُ سَٰجِدِينَ ﴿١٢٠﴾

ربع الحزب ١٧

سزاوارم بآنکه بر خدا نگویم مگر سخن راست، برای شما نشانه ای ازجانب پروردگار شما آورده‌ام پس بامن بنی اسرائیل را بفرست (۱۰۵). گفت اگر معجزه آورده‌ای پس آن راحاضرکن ا گر ازراست گویان هستی (۱۰٦). پس عصای خودرا انداخت پس ناگهان آن عصا اژدهایی ظاهر شد (۱۰۷). و دست خودرا بیرون آورد پس ناگهان آن دست برای بینندگان نورانی شد (۱۰۸). اشراف وسران ازقوم فرعون بایکدیگر گفتند هرآئینه این شخص ساحر داناست (۱۰۹). می خواهد که شمارا اززمین شما بیرون کند پس چه می فرمایید (۱۱۰). گفتند ای فرعون او وبرادرش رابازداشت‌کن و در شهرها نقیبان را بفرست (۱۱۱). تا پیش توهرساحر دانارا بیارند (۱۱۲). و ساحران پیش فرعون آمدند گفتند هرآئینه برای ما مزدی هست اگر غالب شویم (۱۱۳). گفت آری وهرآئینه شما ازمقربان باشید (۱۱٤). گفتند ای موسیٰ یااین است که نخست توافکنی یاما افکننده باشیم (۱۱۵). موسیٰ گفت شما افکنید پس آن هنگام که افکندند چشم های مردمان را بجادو بستند وایشان را بترسانیدند و جادویی بزرگ آوردند (۱۱٦). وبه سوی موسیٰ وحی فرستادیم که عصای خودرا بیفکن پس ناگهان آن عصافرومی بردآنچه بدروغ اظهار میکردند (۱۱۷). پس حق ثابت شد وباطل شدآنچه می کردند (۱۱۸). پس قوم فرعون مغلوب شدند آنجاوخوار گشتند (۱۱۹). وانداخته شدند ساحران سجده کنان (۱۲۰).

قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٢١﴾ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ﴿١٢٢﴾ قَالَ
فِرۡعَوۡنُ ءَامَنتُم بِهِۦ قَبۡلَ أَنۡ ءَاذَنَ لَكُمۡۖ إِنَّ هَٰذَا لَمَكۡرٞ
مَّكَرۡتُمُوهُ فِي ٱلۡمَدِينَةِ لِتُخۡرِجُواْ مِنۡهَآ أَهۡلَهَاۖ فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ
﴿١٢٣﴾ لَأُقَطِّعَنَّ أَيۡدِيَكُمۡ وَأَرۡجُلَكُم مِّنۡ خِلَٰفٖ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمۡ
أَجۡمَعِينَ ﴿١٢٤﴾ قَالُوٓاْ إِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ ﴿١٢٥﴾ وَمَا تَنقِمُ مِنَّآ
إِلَّآ أَنۡ ءَامَنَّا بِـَٔايَٰتِ رَبِّنَا لَمَّا جَآءَتۡنَاۚ رَبَّنَآ أَفۡرِغۡ عَلَيۡنَا صَبۡرٗا
وَتَوَفَّنَا مُسۡلِمِينَ ﴿١٢٦﴾ وَقَالَ ٱلۡمَلَأُ مِن قَوۡمِ فِرۡعَوۡنَ أَتَذَرُ مُوسَىٰ
وَقَوۡمَهُۥ لِيُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَيَذَرَكَ وَءَالِهَتَكَۚ قَالَ سَنُقَتِّلُ
أَبۡنَآءَهُمۡ وَنَسۡتَحۡيِۦ نِسَآءَهُمۡ وَإِنَّا فَوۡقَهُمۡ قَٰهِرُونَ ﴿١٢٧﴾
قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِ ٱسۡتَعِينُواْ بِٱللَّهِ وَٱصۡبِرُوٓاْۖ إِنَّ ٱلۡأَرۡضَ
لِلَّهِ يُورِثُهَا مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۖ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلۡمُتَّقِينَ ﴿١٢٨﴾
قَالُوٓاْ أُوذِينَا مِن قَبۡلِ أَن تَأۡتِيَنَا وَمِنۢ بَعۡدِ مَا جِئۡتَنَاۚ قَالَ
عَسَىٰ رَبُّكُمۡ أَن يُهۡلِكَ عَدُوَّكُمۡ وَيَسۡتَخۡلِفَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ
فَيَنظُرَ كَيۡفَ تَعۡمَلُونَ ﴿١٢٩﴾ وَلَقَدۡ أَخَذۡنَآ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ
بِٱلسِّنِينَ وَنَقۡصٖ مِّنَ ٱلثَّمَرَٰتِ لَعَلَّهُمۡ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٣٠﴾

گفتند به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم (۱۲۱). پروردگار موسیٰ وهارون (۱۲۲). فرعون گفت آیاایمان آوردید به موسی پیش ازآنکه شمارااجازه دهم هرآئینه این تدبیریست که آنرا درشهر اندیشیده‌اید تا ازین شهر ساکنان آنرا بیرون‌کنید پس خواهید دانست (۱۲۳). البته دست های شمارا وپاهای شمارا برخلاف جهت یکدیگر خواهم‌برید(۳۲) باز همگی شمارا بردارکشم (۱۲٤). گفتند هرآئینه ما به سوی پروردگار خود رجوع کنندگانیم (۱۲۵). وبرماانکارنمی کنی مگرآنکه به نشانه های پروردگار خویش چون بیامدبما ایمان آوردیم ای پروردگارمابریزبرما شکیبایی و قبض ارواح ماکن درحالیکه مسلمان باشیم (۱۲٦). و اشراف وسران از قوم فرعون گفتند آیامی گذاری موسیٰ وقوم اورا تادرزمین‌فسادکنند و تا عبادت تورا ومعبودان تورا بگذارد گفت خواهیم پسران بنی اسرائیل را کشت و زنده خواهیم گذاشت دختران ایشانرا ومابرایشان غالبیم (۱۲۷). موسیٰ به قوم خود گفت ازخدا مددطلبید وصبرکنید هرآئینه زمین خداراست اووارث آن می کند هرکرا ازبندگان خویش خواهد وسرانجام خوب برای پرهیزگاران است (۱۲۸). گفتند پیش ازآنکه بیایی نزد ماو بعدازآنکه آمدی نزد ما ایذا داده شدیم گفت امید است که پروردگار شمادشمن شمارا هلاك کند و شمارا درزمین خلیفه گرداند پس بنگرد چگونه عمل می کنید (۱۲۹). وبه راستی کسان فرعون را بقحط ها وبه نقصان میوه ها گرفتارکردیم تاشود که ایشان پندپذیرند (۱۳۰).

(۳۲) یعنی دست راست وپای چپ والله اعلم.

فَإِذَا جَآءَتۡهُمُ ٱلۡحَسَنَةُ قَالُواْ لَنَا هَٰذِهِۦۖ وَإِن تُصِبۡهُمۡ سَيِّئَةٞ
يَطَّيَّرُواْ بِمُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُۥٓۗ أَلَآ إِنَّمَا طَٰٓئِرُهُمۡ عِندَ ٱللَّهِ
وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿١٣١﴾ وَقَالُواْ مَهۡمَا تَأۡتِنَا بِهِۦ
مِنۡ ءَايَةٖ لِّتَسۡحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحۡنُ لَكَ بِمُؤۡمِنِينَ ﴿١٣٢﴾ فَأَرۡسَلۡنَا
عَلَيۡهِمُ ٱلطُّوفَانَ وَٱلۡجَرَادَ وَٱلۡقُمَّلَ وَٱلضَّفَادِعَ وَٱلدَّمَ
ءَايَٰتٖ مُّفَصَّلَٰتٖ فَٱسۡتَكۡبَرُواْ وَكَانُواْ قَوۡمٗا مُّجۡرِمِينَ
﴿١٣٣﴾ وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيۡهِمُ ٱلرِّجۡزُ قَالُواْ يَٰمُوسَى ٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا
عَهِدَ عِندَكَۖ لَئِن كَشَفۡتَ عَنَّا ٱلرِّجۡزَ لَنُؤۡمِنَنَّ لَكَ
وَلَنُرۡسِلَنَّ مَعَكَ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ﴿١٣٤﴾ فَلَمَّا كَشَفۡنَا عَنۡهُمُ
ٱلرِّجۡزَ إِلَىٰٓ أَجَلٍ هُم بَٰلِغُوهُ إِذَا هُمۡ يَنكُثُونَ ﴿١٣٥﴾ فَٱنتَقَمۡنَا
مِنۡهُمۡ فَأَغۡرَقۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡيَمِّ بِأَنَّهُمۡ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَكَانُواْ عَنۡهَا
غَٰفِلِينَ ﴿١٣٦﴾ وَأَوۡرَثۡنَا ٱلۡقَوۡمَ ٱلَّذِينَ كَانُواْ يُسۡتَضۡعَفُونَ
مَشَٰرِقَ ٱلۡأَرۡضِ وَمَغَٰرِبَهَا ٱلَّتِي بَٰرَكۡنَا فِيهَاۖ وَتَمَّتۡ كَلِمَتُ
رَبِّكَ ٱلۡحُسۡنَىٰ عَلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ بِمَا صَبَرُواْۖ وَدَمَّرۡنَا
مَا كَانَ يَصۡنَعُ فِرۡعَوۡنُ وَقَوۡمُهُۥ وَمَا كَانُواْ يَعۡرِشُونَ ﴿١٣٧﴾

پس چون فراخی بایشان روی می‌آورد می گفتند این لایق ماست و اگر سختی برسید بایشان به موسیٰ وکسانیکه باوی بودند شگون بدمی‌گرفتند آ گاه باش جزاین نیست که شگون بدایشان فقط نزد خداست ولیکن بیشتر ایشان نمی دانند[۳۳] (۱۳۱). وکسان فرعون گفتند ای موسیٰ هرچه آن راازنشانه ها تاسحرکنی مارابدان بیاری پس ما تورا باوردارندەنیستیم (۱۳۲). پس برایشان طوفان وملخ و کنه (شپش) وغوکها (قورباغها) وخون نشانه های واضح کرده شده فرستادیم پس سرکشی کردند وقوم گناهگار بودند (۱۳۳). ووقتیکه برایشان عقوبت فرودآمد گفتند ای موسیٰ بجناب پروردگار خود به آن اسماء وادعیه ای که وحی کرده است نزد تو دعاکن اگر ازما عقوبت را دورکنی‌البته تورا معتقد شویم وباتو بنی اسرائیل را می فرستیم (۱۳٤). پس چون عذابی که آنها به آن می‌رسند تامدتی ازآنها رفع کردیم نا گهان آنها عهدمی شکستند (۱۳۵). پس ازایشان انتقام گرفتیم پس ایشان را در دریا بسبب آنکه ایشان آیاتِ مارا تکذیب می کردند غرق کردیم و ازآن بی‌خبر بودند (۱۳٦). و گروهی را که ضعیف شمرده می شدند مشارق زمین ومغارب زمینی که برکت نهادەایم درآن میراث دادیم[۳٤] و وعدهٔ نیك پروردگارتو بربنی اسرائیل راست شد بسبب آنکه صبرکردند و آنچه ساخته بود فرعون وکسان او وآنچه برمی افراشتند خراب کردیم (۱۳۷).

---

(۳۳) یعنی مؤاخذه اعمال برایشان است والله اعلم.

(۳٤) یعنی زمین شام بایشان دادیم چه بقعه های شرقیه وچه بقعه های غربیه والله اعلم.

وَجَٰوَزْنَا بِبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱلْبَحْرَ فَأَتَوْا۟ عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ
عَلَىٰٓ أَصْنَامٍ لَّهُمْ ۚ قَالُوا۟ يَٰمُوسَى ٱجْعَل لَّنَآ إِلَٰهًا كَمَا
لَهُمْ ءَالِهَةٌ ۚ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿١٣٨﴾ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ مُتَبَّرٌ
مَّا هُمْ فِيهِ وَبَٰطِلٌ مَّا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿١٣٩﴾ قَالَ أَغَيْرَ ٱللَّهِ
أَبْغِيكُمْ إِلَٰهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٤٠﴾ وَإِذْ أَنجَيْنَٰكُم
مِّنْ ءَالِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوٓءَ ٱلْعَذَابِ ۖ يُقَتِّلُونَ
أَبْنَآءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَآءَكُمْ ۚ وَفِى ذَٰلِكُم بَلَآءٌ
مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿١٤١﴾ ۞ وَوَٰعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَٰثِينَ لَيْلَةً

وَأَتْمَمْنَٰهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَٰتُ رَبِّهِۦٓ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ۚ وَقَالَ
مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَٰرُونَ ٱخْلُفْنِى فِى قَوْمِى وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ
سَبِيلَ ٱلْمُفْسِدِينَ ﴿١٤٢﴾ وَلَمَّا جَآءَ مُوسَىٰ لِمِيقَٰتِنَا وَكَلَّمَهُۥ
رَبُّهُۥ قَالَ رَبِّ أَرِنِىٓ أَنظُرْ إِلَيْكَ ۚ قَالَ لَن تَرَىٰنِى وَلَٰكِنِ
ٱنظُرْ إِلَى ٱلْجَبَلِ فَإِنِ ٱسْتَقَرَّ مَكَانَهُۥ فَسَوْفَ تَرَىٰنِى ۚ فَلَمَّا
تَجَلَّىٰ رَبُّهُۥ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُۥ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا ۚ فَلَمَّآ
أَفَاقَ قَالَ سُبْحَٰنَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٤٣﴾

و بنی اسرائیل را ازدریا گذرانیدیم پس بر گروهی واردشدند که بربتانشان مجاورت می کردند گفتند (بنی اسرائیل) ای موسیٰ برای مامعبودی چنانکه ایشان را معبودان هستند بساز گفت هرآئینه شماگروهی هستید که نادانی می کنید (۱۳۸). هرآئینه این جماعت باطل کرده شده است مذهبی که ایشان درآنند وباطل است آنچه میکردند (۱۳۹). گفت موسیٰ آیاغیرخدا را برای شما معبودی طلب کنم واو شمارا بر جهانیان فضل داده است (۱٤۰). ونعمتِ مارا یادکنید چون شمارا ازکسان فرعون نجات دادیم به شما عقوبتِ سخت می‌رسانیدند پسران شمارا می کشتند و دختران شمارا زنده می گذاشتند ودرین امر آزمایش بزرگ ازجانب پروردگارشما بود (۱٤۱). ووعده کردیم باموسیٰ سی (۳۰) شب و آن میعاد را به ده شب دیگر تمام کردیم پس میعاد پروردگار اوچهل شب کامل شد وموسیٰ گفت به برادرخود هارون درقوم من جانشین من باش وصلاح کاری کن و راه تباه کاران را پیروی منما (۱٤۲). وچون موسیٰ بوعده گاه ما آمد و باا‌وپروردگار او سخن گفت، گفت ای پروردگار من بمن خویشتن را بنما تا به سوی تو نظرکنم گفت خدا مرا نخواهی دید ولیکن به سوی کوه نگاه‌کن پس اگر قرارگیرد به جای خود مرا خواهی دیدپس وقتیکه پروردگار او برآن کوه تجلّی کرد آن کوه را به زمین هموار ساخته گردانید و موسیٰ بی‌هوش شده افتاد پس چون به هوش آمدگفت به پاکی تورا یادمی کنم بازگشتم به سوی تو ومن اولین مسلمانانم (۱٤۳).

قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ إِنِّي ٱصۡطَفَيۡتُكَ عَلَى ٱلنَّاسِ بِرِسَٰلَٰتِي وَبِكَلَٰمِي
فَخُذۡ مَآ ءَاتَيۡتُكَ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ﴿١٤٤﴾ وَكَتَبۡنَا
لَهُۥ فِي ٱلۡأَلۡوَاحِ مِن كُلِّ شَيۡءٖ مَّوۡعِظَةٗ وَتَفۡصِيلٗا لِّكُلِّ
شَيۡءٖ فَخُذۡهَا بِقُوَّةٖ وَأۡمُرۡ قَوۡمَكَ يَأۡخُذُواْ بِأَحۡسَنِهَاۚ سَأُوْرِيكُمۡ
دَارَ ٱلۡفَٰسِقِينَ ﴿١٤٥﴾ سَأَصۡرِفُ عَنۡ ءَايَٰتِيَ ٱلَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ
فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَإِن يَرَوۡاْ كُلَّ ءَايَةٖ لَّا يُؤۡمِنُواْ بِهَا
وَإِن يَرَوۡاْ سَبِيلَ ٱلرُّشۡدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلٗا وَإِن يَرَوۡاْ سَبِيلَ
ٱلۡغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلٗاۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا
وَكَانُواْ عَنۡهَا غَٰفِلِينَ ﴿١٤٦﴾ وَٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا
وَلِقَآءِ ٱلۡأٓخِرَةِ حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡۚ هَلۡ يُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كَانُواْ
يَعۡمَلُونَ ﴿١٤٧﴾ وَٱتَّخَذَ قَوۡمُ مُوسَىٰ مِنۢ بَعۡدِهِۦ مِنۡ حُلِيِّهِمۡ
عِجۡلٗا جَسَدٗا لَّهُۥ خُوَارٌۚ أَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّهُۥ لَا يُكَلِّمُهُمۡ
وَلَا يَهۡدِيهِمۡ سَبِيلًاۘ ٱتَّخَذُوهُ وَكَانُواْ ظَٰلِمِينَ ﴿١٤٨﴾
وَلَمَّا سُقِطَ فِيٓ أَيۡدِيهِمۡ وَرَأَوۡاْ أَنَّهُمۡ قَدۡ ضَلُّواْ قَالُواْ لَئِن
لَّمۡ يَرۡحَمۡنَا رَبُّنَا وَيَغۡفِرۡ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ﴿١٤٩﴾

گفت ای موسیٰ هرآئینه من تورا بر مردمان به پیغام های خود وبه شنوانیدن سخن خودبرگزیدمپس بگیرآنچه تورا عطا کردم وازشکر گذارندگان باش (١٤٤). و برای موسیٰ درلوح ها ازهرجنس هرچیز برای پند وبرای بیان نوشتیم پس گفتیم آنرابه قوت بگیر وقوم خودرا بفرما تا به بهترین آنچه دراوست[۳۵] عمل کنند سرای گناه گاران شماراخواهم نمود[۳٦] (١٤٥). بازخواهم داشت ازتأمل در آیاتِ خودکسانی را که درزمین به ناحق تکبرمی‌کنند وا گر ببینند هرنشانه ای که هست ایمان نیارند وا گر ببینند، راه راستی را آن را راه نگیرند وا گر راه گمراهی را ببینند آن را راه گیرند این به سبب آن است که ایشان آیاتِ مارا تکذیب کردند وازآن غافل ماندند (١٤٦). وکسانی که آیاتِ مارا وملاقات آخرت را تکذیب کردند عمل های ایشان نابود شد جزا داده نشوند الّا به آنچه می کردند (١٤٧). و قوم موسیٰ بعد رفتنش اززیور قبطیان گوساله بدنی که اورا آواز گاوبود ساختند آیاندیدندکه آن گوساله بایشان هیچ سخن نمی گفت وایشان را به هیچ راه دلالت نمی کرد آن را معبود گرفتند وایشان ستمگاربودند (١٤٨). وچون نادم شدند ودیدند که ایشان گمراه شدند گفتند ا گر برما پروردگارما مهربانی نکند ومارانیامرزد البته اززیان کاران باشیم (١٤٩).

(۳۵) یعنی بعزیمت دادن رخصت والله اعلم.

(۳٦) یعنی منازل فرعونیان خراب شده خواهید دید.

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰٓ إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ غَضۡبَٰنَ أَسِفٗا قَالَ بِئۡسَمَا خَلَفۡتُمُونِي
مِنۢ بَعۡدِيٓۖ أَعَجِلۡتُمۡ أَمۡرَ رَبِّكُمۡۖ وَأَلۡقَى ٱلۡأَلۡوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأۡسِ
أَخِيهِ يَجُرُّهُۥٓ إِلَيۡهِۚ قَالَ ٱبۡنَ أُمَّ إِنَّ ٱلۡقَوۡمَ ٱسۡتَضۡعَفُونِي وَكَادُواْ
يَقۡتُلُونَنِي فَلَا تُشۡمِتۡ بِيَ ٱلۡأَعۡدَآءَ وَلَا تَجۡعَلۡنِي مَعَ ٱلۡقَوۡمِ
ٱلظَّٰلِمِينَ ١٥٠ قَالَ رَبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَلِأَخِي وَأَدۡخِلۡنَا فِي رَحۡمَتِكَۖ
وَأَنتَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ١٥١ إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ ٱلۡعِجۡلَ سَيَنَالُهُمۡ
غَضَبٞ مِّن رَّبِّهِمۡ وَذِلَّةٞ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي
ٱلۡمُفۡتَرِينَ ١٥٢ وَٱلَّذِينَ عَمِلُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ ثُمَّ تَابُواْ مِنۢ
بَعۡدِهَا وَءَامَنُوٓاْ إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ بَعۡدِهَا لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ ١٥٣
وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُّوسَى ٱلۡغَضَبُ أَخَذَ ٱلۡأَلۡوَاحَۖ وَفِي نُسۡخَتِهَا
هُدٗى وَرَحۡمَةٞ لِّلَّذِينَ هُمۡ لِرَبِّهِمۡ يَرۡهَبُونَ ١٥٤ وَٱخۡتَارَ مُوسَىٰ
قَوۡمَهُۥ سَبۡعِينَ رَجُلٗا لِّمِيقَٰتِنَاۖ فَلَمَّآ أَخَذَتۡهُمُ ٱلرَّجۡفَةُ قَالَ
رَبِّ لَوۡ شِئۡتَ أَهۡلَكۡتَهُم مِّن قَبۡلُ وَإِيَّٰيَۖ أَتُهۡلِكُنَا بِمَا فَعَلَ
ٱلسُّفَهَآءُ مِنَّآۖ إِنۡ هِيَ إِلَّا فِتۡنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَآءُ وَتَهۡدِي
مَن تَشَآءُۖ أَنتَ وَلِيُّنَا فَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَاۖ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡغَٰفِرِينَ ١٥٥

وچون موسیٰ به سوی قوم خود خشمناك شده بازآمد اندوهگین گشته گفت چه بد جانشینی است جانشینی که پس ازمن کردید آیا باپرستش گوساله ازحکم پروردگار خویش پیشی گرفتید والواح را انداخت و موسیٰ سرِبرادر خودرا گرفت واورا به سوی خود می کشید هارون گفت ای پسرمادرِ من هرآئینه این قوم مرا ضعیف شمردند ونزدیك بودند که مرا بکشند پس بسبب اهانت من دشمنان را شادمکن و مرا با گروه ستمگاران شمارمکن (۱۵۰). گفت موسیٰ ای پروردگار من مرا وبرادر مرا بیامرز مارا دربخشایش خود داخل کن وتوبخشاینده ترین بخشایندگانی (۱۵۱). هرآئینه کسانی که گوساله را معبودگرفتند باین جماعت خشمی از پروردگار ایشان ورسوایی درحیات دنیا خواهد رسید وهم چنین افترا کنندگان را جزامی دهیم (۱۵۲). وهرآئینه کسانی که گناه هاکردند باز بعد ازآن گناهان توبه نمودند وایمان آوردند البته پروردگار توبعدازتوبه آمرزنده مهربان است (۱۵۳). وچون خشم ازخاطر موسیٰ ساکن شد الواح را گرفت ودرمکتوب وی هدایت بود و بخشایش آنان را که ایشان از پروردگار خود می‌ترسند (۱۵٤). وموسیٰ ازقوم خود هفتادکس برای میعاد ما اختیار کرد [۳۷] پس وقتیکه ایشان رازلزله گرفت موسیٰ گفت ای پروردگار من اگر می خواستی پیش ازین ایشان را ومرا هلاك می کردی[۳۸] آیا مارا به جزای آنچه بی خردان ازقوم ما کردند هلاك می کنی این حادثه مگرامتحان نیست تو به آن هرکه راخواهی گمراه می کنی و بآن هرکه راخواهی راه می نمایی توکارساز مایی پس مارا بیامرز وبرما مهربانی کن وتوبهترین آمرزندگانی (۱۵۵).

(۳۷) یعنی تاعذر گویند ازعبادت گوساله واین جماعت ا گرچه عبادت نکرده بودند برعبادت کنندگان انکار هم نکردند پس خدای تعالی هلاك ساخت والله اعلم.

(۳۸) یعنی ا گر در بنی اسرائیل هلاك می شدند تهمت قتل برموسیٰ نمی نهادند والله اعلم.

۞ وَٱكۡتُبۡ لَنَا فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ
إِنَّا هُدۡنَآ إِلَيۡكَۚ قَالَ عَذَابِيٓ أُصِيبُ بِهِۦ مَنۡ أَشَآءُۖ وَرَحۡمَتِي
وَسِعَتۡ كُلَّ شَيۡءٖۚ فَسَأَكۡتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤۡتُونَ
ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلَّذِينَ هُم بِـَٔايَٰتِنَا يُؤۡمِنُونَ ﴿١٥٦﴾ ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ
ٱلرَّسُولَ ٱلنَّبِيَّ ٱلۡأُمِّيَّ ٱلَّذِي يَجِدُونَهُۥ مَكۡتُوبًا عِندَهُمۡ
فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَٱلۡإِنجِيلِ يَأۡمُرُهُم بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَىٰهُمۡ
عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيۡهِمُ
ٱلۡخَبَٰٓئِثَ وَيَضَعُ عَنۡهُمۡ إِصۡرَهُمۡ وَٱلۡأَغۡلَٰلَ ٱلَّتِي كَانَتۡ
عَلَيۡهِمۡۚ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِهِۦ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَٱتَّبَعُواْ
ٱلنُّورَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ مَعَهُۥٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ﴿١٥٧﴾
قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُمۡ جَمِيعًا ٱلَّذِي
لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۖ
فَـَٔامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِ ٱلنَّبِيِّ ٱلۡأُمِّيِّ ٱلَّذِي يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ
وَكَلِمَٰتِهِۦ وَٱتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ ﴿١٥٨﴾ وَمِن
قَوۡمِ مُوسَىٰٓ أُمَّةٞ يَهۡدُونَ بِٱلۡحَقِّ وَبِهِۦ يَعۡدِلُونَ ﴿١٥٩﴾

و برای ما درین دنیا نیکی ودرآخرت نیزنیکی بنویس (یعنی مقدرکن) هرآئینه ما به سوی تو رجوع کردیم گفت خداعذابم را می رسانمش بهرکه خواهم ومهربانی من هرچیزرا احاطه کرده است پس خواهم نوشت (رحمت کامله خودرا)[۳۹] برای کسانیکه پرهیز گاری میکنند وزکوٰة میدهند و کسانیکه ایشان بآیاتِ مامعتقد می شوند[٤٠] (١٥٦). (خواهم نوشت رحمت اخرویه) برای آنانکه آن پیامبررا که نبی امی است پیروی می کنند آنکه نعت اونوشته نزدیکشان درتورات وانجیل می یابند که می فرماید ایشان را بکارپسندیده ایشان راازناپسندیده بازمیدارد و برای ایشان پاکیزه هارا حلال می سازد و برایشان ناپاکیزه هارا حرام می کند و ازایشان بار گرانِ ایشان را ساقط می کند وآن مشقت هارا که برایشان بود پس آنانکه به او ایمان آوردند واورا تعظیم کردند واورا یاري دادند و نوری را که همراه وی نازل کرده شده است پیروی کردند ایشانندرستگاران[٤١] (١٥٧). بگو ای مردمان هرآئینه من به سوی همگی شما پیامبر خدایم، آن خدااوراست پادشاهی آسمان ها وزمین هیچ معبود برحقی مگر اونیست زنده می کندومی میراند پس به خدا وبه پیامبر اوکه نبی امی است ایمان آورید آنکه خدارا وسخنان اورا تصدیق می نماید واورا پیروی کنید تااین که شما راه یاب شوید (١٥٨). وازقوم موسیٰ گروهی هست که مردمان را به راه راست راهنمایی می کنند و براستی حکم می کنند (١٥٩).

---

(۳۹) یعنی درآخرت.

(٤٠) یعنی فساکتبهاآنست که درآخرزمان رحمت خاص باشد بهمتابعان نبی أمّی والله اعلم.

(٤١) مترجم گوید بشارت دادن خدای تعالی حضرت موسیٰ رابه امت مرحومه دلیلْ أول است برنبوت آنحضرت ولهذامی فرماید والله اعلم.

وَقَطَّعْنَٰهُمُ ٱثْنَتَىْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًاۚ وَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ إِذِ ٱسْتَسْقَىٰهُ قَوْمُهُۥٓ أَنِ ٱضْرِب بِّعَصَاكَ ٱلْحَجَرَۖ فَٱنۢبَجَسَتْ مِنْهُ ٱثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًاۖ قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْۚ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ ٱلْغَمَٰمَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمُ ٱلْمَنَّ وَٱلسَّلْوَىٰۖ كُلُوا۟ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقْنَٰكُمْۚ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ١٦٠ وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ ٱسْكُنُوا۟ هَٰذِهِ ٱلْقَرْيَةَ وَكُلُوا۟ مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا۟ حِطَّةٌ وَٱدْخُلُوا۟ ٱلْبَابَ سُجَّدًا نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيٓـَٰٔتِكُمْۚ سَنَزِيدُ ٱلْمُحْسِنِينَ ١٦١ فَبَدَّلَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ ٱلَّذِى قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ بِمَا كَانُوا۟ يَظْلِمُونَ ١٦٢ وَسْـَٔلْهُمْ عَنِ ٱلْقَرْيَةِ ٱلَّتِى كَانَتْ حَاضِرَةَ ٱلْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِى ٱلسَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْۚ كَذَٰلِكَ نَبْلُوهُم بِمَا كَانُوا۟ يَفْسُقُونَ ١٦٣

و بنی اسرائیل رابه دوازده قسم قبیله قبیله گروه گروه متفرق ساختیم و به سوی موسیٰ وقتی که آب خواستند ازوی قوم او وحی فرستادیم که بعصای خود سنگ را بزن پس ازآن سنگ دوازده چشمه روان شد هر گروهی آب خور خودرا بِدانست وبرایشان ابررا سایبان سَاختیم و برایشان ترنجبین (گزنگبین) وبلدرچین (تیهو) رانازل کردیم گفتیم بخورید ازپاکیزه های آنچه شمارا روزی داده ایم وایشان برماستم نکردند ولیکن بر خویشتن ستم می کردند (۱٦۰). ویادکن چون گفته‌شدایشان را که درین دِه ساکن شوید و ازین دِه هرجاکه خواسته باشید بخورید وبگویید حِطَّة و به دروازه سجده کنان داخل شوید تا برای شماگناهان شمارا بیامرزیم، نیکوکاران را زیاده خواهیم داد (۱٦۱). پس ستمگاران ازبنی اسرائیل سخنی را غیراز آنچه فرموده شدایشان را بدل کردند پس برایشان عقوبتی ازآسمان فرستادیم بسبب آنکه ستم می کردند (۱٦۲). وسوال کن (یا محمد) یهود را ازحال آن دِهی که برلب دریا مستقربود چون درروزشنبه ازحد می گذشتند وقتیکه ماهیان به ایشان در روزیکه ایشان به تعظیم شنبه مشغول می شدند ظاهر شده می‌آمدند وروزیکه تعظیم شنبه نمی‌کردند برای ایشان نمی آمدند همچنین ایشان را آزمودیم بسبب آنکه فسق میکردند[٤۲] (۱٦۳).

(٤۲) مترجم گوید اهل دِه سه قسم بودند قسمی شکار میکردند وقسمی ازآن نهی می کردند وقسمی نه شکارمی کردند ونه ازآن منع میکردند والله اعلم..

وَإِذۡ قَالَتۡ أُمَّةٞ مِّنۡهُمۡ لِمَ تَعِظُونَ قَوۡمًا ٱللَّهُ مُهۡلِكُهُمۡ أَوۡ مُعَذِّبُهُمۡ
عَذَابٗا شَدِيدٗاۖ قَالُواْ مَعۡذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُمۡ وَلَعَلَّهُمۡ يَتَّقُونَ ١٦٤
فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِۦٓ أَنجَيۡنَا ٱلَّذِينَ يَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلسُّوٓءِ
وَأَخَذۡنَا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ بِعَذَابِۭ بَـِٔيسِۭ بِمَا كَانُواْ يَفۡسُقُونَ ١٦٥
فَلَمَّا عَتَوۡاْ عَن مَّا نُهُواْ عَنۡهُ قُلۡنَا لَهُمۡ كُونُواْ قِرَدَةً خَٰسِـِٔينَ ١٦٦
وَإِذۡ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبۡعَثَنَّ عَلَيۡهِمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ مَن يَسُومُهُمۡ
سُوٓءَ ٱلۡعَذَابِۗ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ ٱلۡعِقَابِ وَإِنَّهُۥ لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ
١٦٧ وَقَطَّعۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ أُمَمٗاۖ مِّنۡهُمُ ٱلصَّٰلِحُونَ وَمِنۡهُمۡ
دُونَ ذَٰلِكَۖ وَبَلَوۡنَٰهُم بِٱلۡحَسَنَٰتِ وَٱلسَّيِّـَٔاتِ لَعَلَّهُمۡ
يَرۡجِعُونَ ١٦٨ فَخَلَفَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ خَلۡفٞ وَرِثُواْ ٱلۡكِتَٰبَ
يَأۡخُذُونَ عَرَضَ هَٰذَا ٱلۡأَدۡنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغۡفَرُ لَنَا وَإِن
يَأۡتِهِمۡ عَرَضٞ مِّثۡلُهُۥ يَأۡخُذُوهُۚ أَلَمۡ يُؤۡخَذۡ عَلَيۡهِم مِّيثَٰقُ ٱلۡكِتَٰبِ
أَن لَّا يَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡحَقَّ وَدَرَسُواْ مَا فِيهِۗ وَٱلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ
خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ١٦٩ وَٱلَّذِينَ يُمَسِّكُونَ
بِٱلۡكِتَٰبِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُصۡلِحِينَ ١٧٠

ویادکن چون گروهی ازاهل آن دِه گفت [٤٣] چراپندمیدهیدگروهی را که خدای تعالی ایشان را هلاك خواهد کرد یا ایشان را عذاب خواهد کرد عذاب سخت گفتند تاماراعذری نزدیك پروردگار شما باشد وتاباشد که ایشان پرهیزگاری کنند (١٦٤). پس وقتی که آنچه راکه بآن پندداده شدایشانرا فراموش کردند کسانی را که ازکار بد منع میکردند نجات دادیم وستمگاران را به عذاب سخت گرفتارکردیم به سبب آنکه فاسق بودند (١٦٥). پس چون تکبر کردند ازترك آنچه ایشان را (ازآن) منع کرده شد گفتیم ایشانرا بوزینگان خوارشده شوید (١٦٦). ویادکن چون آگاه گردانید پروردگارتو[٤٤] که البته بفرستدبرایشان تاروزقیامت کسی راکه به ایشان عقوبت سخت برساند هرآئینه پروردگار تو زود عقوبت کننده است و هرآئینه اوآمرزنده مهربان است[٤٥] (١٦٧). و بنی اسرائیل را درزمین گروه گروه پراگنده کردیم بعضی ازایشان شایسته کارانند وبعضی ازایشان غیر اینانند و ایشانرا به نعمت هاومشقت ها امتحان کردیم تا به سوی راه راست بازگردند (١٦٨). پس ازپی درآمدند بعد ازایشان جانشینان بدی که وارث تورات شدند[٤٦] متاع این عالم خسیس را اختیارمی کنند ومی‌گویند آمرزیده خواهد شد برای‌ما واگر بیاید متاعی مانند آن البته آن را بگیرند[٤٧] آیا گرفته نشده است برایشان آن عهد که در تورات است که برخدا مگرسخن راست نگویند وخوانده اند آنچه درتورات است و سرای آخرت پرهیزگاران را بهتراست آیا نمی فهمید (١٦٩). وآنانکه به کتاب تمسك می کنند ونمازرا برپاداشتند هرآئینه ما پاداش این نیکوکاران را ضایع نمی‌کنیم(١٧٠).

---

(٤٣) یعنی قسم ثالث نهی کنندگان را والله اعلم.

(٤٤) یعنی بنی اسرائیل را.

(٤٥) بعدازین هیچ پادشاهی دربنی اسرائیل پیدانشده، همیشه لگدکوب پادشاهان اسلام ونصارىٰ ومجوس می بودند والله اعلم.

(٤٦) یعنی احبار بنی اسرائیل.

(٤٧) یعنی مصرّاندبراخذآن و غیر نادم‌اند ازان وتوبه مصرٍّ غیرِ نادم صحیح نیست والله اعلم.

۞ وَإِذْ نَتَقْنَا ٱلْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُۥ ظُلَّةٌ وَظَنُّوٓا۟ أَنَّهُۥ وَاقِعٌۢ بِهِمْ
خُذُوا۟ مَآ ءَاتَيْنَٰكُم بِقُوَّةٍ وَٱذْكُرُوا۟ مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٧١﴾
وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنۢ بَنِىٓ ءَادَمَ مِن ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ
عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ ۖ قَالُوا۟ بَلَىٰ ۛ شَهِدْنَآ ۛ أَن تَقُولُوا۟ يَوْمَ
ٱلْقِيَٰمَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَٰذَا غَٰفِلِينَ ﴿١٧٢﴾ أَوْ تَقُولُوٓا۟ إِنَّمَآ أَشْرَكَ
ءَابَآؤُنَا مِن قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّنۢ بَعْدِهِمْ ۖ أَفَتُهْلِكُنَا
بِمَا فَعَلَ ٱلْمُبْطِلُونَ ﴿١٧٣﴾ وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلْءَايَٰتِ وَلَعَلَّهُمْ
يَرْجِعُونَ ﴿١٧٤﴾ وَٱتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ٱلَّذِىٓ ءَاتَيْنَٰهُ ءَايَٰتِنَا فَٱنسَلَخَ
مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ ٱلشَّيْطَٰنُ فَكَانَ مِنَ ٱلْغَاوِينَ ﴿١٧٥﴾ وَلَوْ شِئْنَا
لَرَفَعْنَٰهُ بِهَا وَلَٰكِنَّهُۥٓ أَخْلَدَ إِلَى ٱلْأَرْضِ وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ ۚ فَمَثَلُهُۥ
كَمَثَلِ ٱلْكَلْبِ إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ
يَلْهَث ۚ ذَّٰلِكَ مَثَلُ ٱلْقَوْمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا ۚ فَٱقْصُصِ
ٱلْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١٧٦﴾ سَآءَ مَثَلًا ٱلْقَوْمُ ٱلَّذِينَ
كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا وَأَنفُسَهُمْ كَانُوا۟ يَظْلِمُونَ ﴿١٧٧﴾ مَن يَهْدِ ٱللَّهُ
فَهُوَ ٱلْمُهْتَدِى ۖ وَمَن يُضْلِلْ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ ﴿١٧٨﴾

ویادکن چون کوه را بالای ایشان برداشتیم گویا وی سایبان است وگمان کردند که آن کوه برایشان خواهد افتاد گفتیم آنچه راکه به شما دادیم با قدرتِ تمام بگیرید و آنچه درواست یادکنید تابُوَدکه شما از عذاب درپناه باشید (۱۷۱). ویادکن چون پروردگار توازبنی آدم ازپشت ایشان اولاد ایشان را گرفت[۴۸] و ایشان را برذاتهای ایشان گواه گردانید گفت آیا پروردگار شمانیستم گفتند آری هستی، گواه شدیم، این شاهدگرفتن برای احترازازآن است که روز قیامت بگویید هرآئینه ما ازین توحید بی‌خبربودیم (۱۷۲). یابگویید که بجزاین نیست که پدران ماپیش ازما شرك آورده بودند ومانسلی بعد ازایشان بودیم[۴۹] آیاهلاك می کنی مارا به عقوبت آنچه بدکاران کردند (۱۷۳). وهم چنین نشانه ها را بیان می کنیم وتاباشدکه باز گردند (۱۷٤). وبرایشان بخوان خبرکسی که اورا علمِ آیاتِ خود داده بودیم پس ازعلم آن آیات بیرون رفت[۵۰] پس درپی او شیطان شد پس ازگمراهان گشت[۵۱] (۱۷۵). و ا گرمی‌خواستیم اورا[۵۲] به سبب آن آیات فرامی‌بردیم ولیکن به سوی پستی میل کرد وپیروی خواهش خود کردپس صفت اومانندِ صفت سگ است اگر مشقت اندازی بروی[۵۳] زبان ازدهن بیرون افکند واگر بگذاری اورانیز بیرون افکند این صفتِ گروهیست که آیات مارا تکذیب‌کردند پس برایشان این پندهارا بخوان تاایشان تأمل کنند (۱۷٦). این قوم باعتبار صفت بَداند که آیاتِ مارا تکذیب کردند وبرخویشتن ستم می کردند (۱۷۷). هرکه خدا اورا راه نماید پس همانست راه یابنده وهرکه خدا اورا گمراه سازد پس آن جماعت ایشان زیان کارانند (۱۷۸).

---

(٤٨) یعنی روزمیثاق ازآدم اولاد او را پیدا کرد واز آنان اولاد ایشانرا به ترتیبی که درخارج متحقق شد پیداکرد والله اعلم.

(٤٩) یعنی پس تقلید ایشان کردیم.

(٥٠) یعنی تابع شهوات نفس شدوتابع شهوات نفس را عالِم نتوان گفت.

(٥١) یعنی بلعم باعورکه کتب الهی را خوانده بودبعدازآن به اغوای زن خود به ایذای حضرت موسیٰ علیه السلام قصد کرد وملعون شد والله اعلم.

(٥٢) یعنی منزلت اورا.

(٥٣) یعنی بزدن ودوانیدن.

وَلَقَدۡ ذَرَأۡنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِۖ لَهُمۡ قُلُوبٞ لَّا يَفۡقَهُونَ
بِهَا وَلَهُمۡ أَعۡيُنٞ لَّا يُبۡصِرُونَ بِهَا وَلَهُمۡ ءَاذَانٞ لَّا يَسۡمَعُونَ بِهَآۚ
أُوْلَٰٓئِكَ كَٱلۡأَنۡعَٰمِ بَلۡ هُمۡ أَضَلُّۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡغَٰفِلُونَ ﴿١٧٩﴾ وَلِلَّهِ
ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ فَٱدۡعُوهُ بِهَاۖ وَذَرُواْ ٱلَّذِينَ يُلۡحِدُونَ فِيٓ أَسۡمَٰٓئِهِۦۚ
سَيُجۡزَوۡنَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿١٨٠﴾ وَمِمَّنۡ خَلَقۡنَآ أُمَّةٞ يَهۡدُونَ بِٱلۡحَقِّ
وَبِهِۦ يَعۡدِلُونَ ﴿١٨١﴾ وَٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا سَنَسۡتَدۡرِجُهُم
مِّنۡ حَيۡثُ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿١٨٢﴾ وَأُمۡلِي لَهُمۡۚ إِنَّ كَيۡدِي مَتِينٌ ﴿١٨٣﴾ أَوَلَمۡ
يَتَفَكَّرُواْۗ مَا بِصَاحِبِهِم مِّن جِنَّةٍۚ إِنۡ هُوَ إِلَّا نَذِيرٞ مُّبِينٌ ﴿١٨٤﴾
أَوَلَمۡ يَنظُرُواْ فِي مَلَكُوتِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا خَلَقَ ٱللَّهُ
مِن شَيۡءٖ وَأَنۡ عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ قَدِ ٱقۡتَرَبَ أَجَلُهُمۡۖ فَبِأَيِّ حَدِيثِۭ
بَعۡدَهُۥ يُؤۡمِنُونَ ﴿١٨٥﴾ مَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُۥۚ وَيَذَرُهُمۡ
فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ ﴿١٨٦﴾ يَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلسَّاعَةِ أَيَّانَ مُرۡسَىٰهَاۖ
قُلۡ إِنَّمَا عِلۡمُهَا عِندَ رَبِّيۖ لَا يُجَلِّيهَا لِوَقۡتِهَآ إِلَّا هُوَۚ ثَقُلَتۡ فِي
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ لَا تَأۡتِيكُمۡ إِلَّا بَغۡتَةٗۗ يَسۡـَٔلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنۡهَاۖ
قُلۡ إِنَّمَا عِلۡمُهَا عِندَ ٱللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿١٨٧﴾

وهرآئینه برای دوزخ بسیاری ازجنیان وآدمیان بیافریدیم، ایشانرا دلهاست که بآنها نمی فهمند وایشان راچشم هاست که بآنها نمی بینند وایشان راگوشها است که بآنها نمی شنوند ایشان مانند چهارپایانند بلکه ایشان گمراه ترند، ایشان بی خبرانند (۱۷۹). وبرای خدا نام های نیك است پس اورا بآن نام ها بخوانید، آنانرا که کجروی می کنند درنام های خدا[٥٤] رهاسازید به ایشان داده خواهد شد جزاء آنچه میکردند (۱۸۰). وازآن جماعت که پیداکرده ایم گروهی هست که بدین حق راهنمایی می کنند وبآن (دین حق) به عدل حکم می کنند (۱۸۱). وکسانیکه آیات ما را تکذیب کردند به تدریج ایشان را (تامحل هلاك) ازآنجا که ندانند بکشیم (۱۸۲). و ایشان را مهلت دهم، هرآئینه تدبیر من محکم است (۱۸۳). آیاتأمل نکردند که این هم نشین ایشانرا هیچ دیوانگی نیست، اومگربیم کننده آشکار نیست (۱۸٤). آیا در پادشاهی خدا درآسمان ها و زمین ودرآنچه خدا پیدا کرده است ازهر چیز ننگریسته‌اند وآیا درآن که شاید اجل ایشان نزدیك شده باشد نظر نکرده‌اند پس بکدام سخن بعد از قرآن ایمان خواهند آورد (۱۸٥). هرکه خدا اورا گمراه سازد پس هیچ راهنمایی برای او نیست وخدا ایشان را در گمراهی خویش سرگردان شده می‌گذارد (۱۸٦). تو را ازقیامت که کی باشد استقرار آن سوال می کنند بگوجزاین نیست که علم قیامت نزد پروردگار من است آن را در وقت آن مگر خدا پدید نیاورد، گران شده است[٥٥] در آسمانها و زمین نیاید به شما مگر ناگهان تو را ازقیامت سوال می کنند گویا تو ازآن کاوش کننده ای[٥٦] بگوجزاین نیست که دانش اونزد خداست ولیکن بیشتر مردمان نمی دانند (۱۸۷).

(٥٤) یعنی ابو المسیح وابو الملائکه می گفتند.
(٥٥) یعنی مشکل شده است دانستن قیامت.
(٥٦) یعنی عالمی بآن.

قُل لَّآ أَمۡلِكُ لِنَفۡسِي نَفۡعٗا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُۚ وَلَوۡ كُنتُ أَعۡلَمُ ٱلۡغَيۡبَ لَٱسۡتَكۡثَرۡتُ مِنَ ٱلۡخَيۡرِ وَمَا مَسَّنِيَ ٱلسُّوٓءُۚ إِنۡ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٞ وَبَشِيرٞ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ﴿١٨٨﴾ ۞ هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَجَعَلَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا لِيَسۡكُنَ إِلَيۡهَاۖ فَلَمَّا تَغَشَّىٰهَا حَمَلَتۡ حَمۡلًا خَفِيفٗا فَمَرَّتۡ بِهِۦۖ فَلَمَّآ أَثۡقَلَت دَّعَوَا ٱللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنۡ ءَاتَيۡتَنَا صَٰلِحٗا لَّنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ﴿١٨٩﴾ فَلَمَّآ ءَاتَىٰهُمَا صَٰلِحٗا جَعَلَا لَهُۥ شُرَكَآءَ فِيمَآ ءَاتَىٰهُمَاۚ فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ﴿١٩٠﴾ أَيُشۡرِكُونَ مَا لَا يَخۡلُقُ شَيۡـٔٗا وَهُمۡ يُخۡلَقُونَ ﴿١٩١﴾ وَلَا يَسۡتَطِيعُونَ لَهُمۡ نَصۡرٗا وَلَآ أَنفُسَهُمۡ يَنصُرُونَ ﴿١٩٢﴾ وَإِن تَدۡعُوهُمۡ إِلَى ٱلۡهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمۡۚ سَوَآءٌ عَلَيۡكُمۡ أَدَعَوۡتُمُوهُمۡ أَمۡ أَنتُمۡ صَٰمِتُونَ ﴿١٩٣﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ عِبَادٌ أَمۡثَالُكُمۡۖ فَٱدۡعُوهُمۡ فَلۡيَسۡتَجِيبُواْ لَكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿١٩٤﴾ أَلَهُمۡ أَرۡجُلٞ يَمۡشُونَ بِهَآۖ أَمۡ لَهُمۡ أَيۡدٖ يَبۡطِشُونَ بِهَآۖ أَمۡ لَهُمۡ أَعۡيُنٞ يُبۡصِرُونَ بِهَآۖ أَمۡ لَهُمۡ ءَاذَانٞ يَسۡمَعُونَ بِهَاۗ قُلِ ٱدۡعُواْ شُرَكَآءَكُمۡ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنظِرُونِ ﴿١٩٥﴾

بگو برای خود سودی ونه زیانی نمی توانم مگرآنچه راکه خداخواسته است و اگرمن علم غیب می دانستم البته خیربسیار (برای خود) فراهم می آوردم هیچ ناخوشی ای بمن نمی رسید، نیستم من مگر بیم کننده ومژده دهنده برای گروهی که ایمان دارند (۱۸۸). اوست آنکه شما را ازیك تن پیدا کرد وازآن یك تن زنش را پیدا کرد تا باوی آرام گیرد[۵۷] پس چون او با همسرش جماع کرد حامله شد باری سبك پس به آن بارسبك آمد ورفت کرد بعد ازآن چون زن گران بارشد هردو بجناب پروردگار خویش دعا کردند که اگر ما را فرزندی شایسته بدهی البته از شکر گذاران باشیم (۱۸۹). پس چون خدای تعالی ایشان را فرزندی شایسته داد برای اوشریکان درآنچه داده بود بایشان مقررکردند پس خدا ازآنچه شریك مقرر میکنند بلند قدراست[۵۸] (۱۹۰). آیااین مشرکان چیزی را که هیچ نمی آفریند وخود این شریکان آفریده می شوند شریك مقررمی کنند (۱۹۱). و برای پرستندگان خود یاری دادن نمی توانند ونه خود را یاری می دهند (۱۹۲). وا گر بتان را به سوی راه هدایت بخوانید شما را پیروی نکنند[۵۹] برابراست برشما آنکه ایشان را بخوانید یا خاموش باشید (ای مشرکان) (۱۹۳). هرآئینه کسانیکه ایشان را به جای خدا عبادت می کنید بندگانند مانند شما پس ایشان را بخوانید وباید که دعای شما را اگر راست گوهستید قبول کنند (۱۹٤). آیابتان را پاهایی است که باآن راه می‌روند آیاایشان را دست ها است که باآن تناول میکنند آیاایشان را چشم ها است که با آن می بینند آیا ایشان راگوشها است که باآن می شنوند بگوای مشرکان شریکان خود را بخوانید بعدازآن درحق من تدبیر کنید و مرا مهلت مدهید(۱۹۵).

(۵۷) ﴿فَلَمَّاتَغَشَّىٰهَا﴾ کلام علیحده است یعنی خدای تعالی آدم وحوا را پیدا کرد و ازایشان نسل بسیار پیدا آورد بعد ازآن تفصیل انتشار نسل می فرماید.

(۵۸) مترجم گوید این تصویراست حال آدمی را که نزدیك ثقل حمل نیت اخلاص درست کند وچون فرزند بوجود آیدآن را فراموش سازد ودر تسمیه اشراك کند (منطبق برحال حواچنانکه درحدیث صحیح آمده که حواحامله شد شیطان بدلش وسواس انداخت وچون فرزند متولد شدنام او عبدالحارث مقررکرد وچون وجود جمیع قیود درامثال این مواضع ضروری نیست آدم ازلوث شرك مبرا باشد واین آیت عصمت اورا مصادمت نکندکذافهمت (این حدیث ضعیف ومنکر است به تفسیر ابن کثیر (۳/۵۲٦) مراجعه شود وازینجا دانسته شد که شرك در تسمیه نوعیست از شرك چنانکه اهل زمان ماغلام فلان وعبدفلان نام می نهند.

(۵۹) یعنی ا گر بگویید بخورید یابیاشامید هیچ کار نکنند.

إِنَّ وَلِـِّۧىَ ٱللَّهُ ٱلَّذِى نَزَّلَ ٱلْكِتَٰبَ ۖ وَهُوَ يَتَوَلَّى ٱلصَّٰلِحِينَ
﴿١٩٦﴾ وَٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ
وَلَآ أَنفُسَهُمْ يَنصُرُونَ ﴿١٩٧﴾ وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى ٱلْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا۟ ۖ
وَتَرَىٰهُمْ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٩٨﴾ خُذِ ٱلْعَفْوَ
وَأْمُرْ بِٱلْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ ٱلْجَٰهِلِينَ ﴿١٩٩﴾ وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ
مِنَ ٱلشَّيْطَٰنِ نَزْغٌ فَٱسْتَعِذْ بِٱللَّهِ ۚ إِنَّهُۥ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٠٠﴾ إِنَّ
ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوْا۟ إِذَا مَسَّهُمْ طَٰٓئِفٌ مِّنَ ٱلشَّيْطَٰنِ تَذَكَّرُوا۟
فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ ﴿٢٠١﴾ وَإِخْوَٰنُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِى ٱلْغَىِّ ثُمَّ
لَا يُقْصِرُونَ ﴿٢٠٢﴾ وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِم بِـَٔايَةٍ قَالُوا۟ لَوْلَا ٱجْتَبَيْتَهَا ۚ
قُلْ إِنَّمَآ أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰٓ إِلَىَّ مِن رَّبِّى ۚ هَٰذَا بَصَآئِرُ مِن رَّبِّكُمْ
وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠٣﴾ وَإِذَا قُرِئَ ٱلْقُرْءَانُ
فَٱسْتَمِعُوا۟ لَهُۥ وَأَنصِتُوا۟ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٢٠٤﴾ وَٱذْكُر رَّبَّكَ
فِى نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ ٱلْجَهْرِ مِنَ ٱلْقَوْلِ بِٱلْغُدُوِّ
وَٱلْـَٔاصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ ٱلْغَٰفِلِينَ ﴿٢٠٥﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ
لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِۦ وَيُسَبِّحُونَهُۥ وَلَهُۥ يَسْجُدُونَ ۩ ﴿٢٠٦﴾

هرآئینه کارسازمن خداست آنکه کتاب را فرود آورد واو نیکوکاران را کارسازی می کند (۱۹٦). وآنانکه ایشان را به جای خدا می‌خوانید یاری دادن شما را نمی توانند ونه خود را یاری می دهند (۱۹۷). واگر دعوت کنید ایشان را به سوی راه هدایت سخن شمارا نشنوند وای بیننده می بینی بتان را که می‌نگرند به سوی توحال آنکه ایشان هیچ نمی بینند (۱۹۸). درگذر را لازم گیر و بکار پسندیده بفرما و ازنادانان اعراض کن (۱۹۹). واگر از (سوی) شیطان وسوسه ای به تورسد پس ازخدا پناه طلب کن هرآئینه اوشنوا دانا است (۲۰۰). هرآئینه متقیان چون ایشان را وسوسه ای ازشیطان برسد خدا را یاد می کنند پس ناگهان ایشان بینا می شوند (۲۰۱). وبرادران کافران[٦٠] ایشان را در گمراهی می کَشَند سپس بازنمی ایستند (۲۰۲). وچون نزدیك ایشان آیتی نمی آری می گویند چراازطرف خود اورا اختیار نکردی؟ بگوجزاین نیست که پیروی می کنم به آنچه به سوی من از پروردگار من فرود آورده شده است این (قرآن) نشانه هایی است از پروردگار شماوهدایت وبخشایش برای قوم مومنان است (۲۰۳). وچون قرآن خوانده شود پس به سوی آن گوش نهید وخاموش باشیدتا برشما مهربانی کرده شود (۲۰٤). و پروردگار خود را دردلت بزاری وترسکاری یادکن وپروردگار خود را به کلام پست تر از بلند آوازی با مداد وشبانگاه یادکن و ازغافلان مباش (۲۰۵). هرآئینه کسانیکه نزد پروردگار توانند ازعبادت او[٦١] گردن کشی نمی کنند و اورا بپاکی یاد میکنند وفقط اوراسجده می کنند (۲۰٦).

(٦٠) یعنی قرینان ایشان ازشیاطین والله اعلم.

(٦١) یعنی ملاء اعلی.

سُورَةُ الأَنفَالِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْأَنفَالِ قُلِ ٱلْأَنفَالُ لِلَّهِ وَٱلرَّسُولِ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَأَصْلِحُوا۟ ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا۟ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١﴾ إِنَّمَا ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُهُۥ زَادَتْهُمْ إِيمَٰنًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٢﴾ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَّهُمْ دَرَجَٰتٌ عِندَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٤﴾ كَمَآ أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنۢ بَيْتِكَ بِٱلْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ لَكَٰرِهُونَ ﴿٥﴾ يُجَٰدِلُونَكَ فِى ٱلْحَقِّ بَعْدَمَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى ٱلْمَوْتِ وَهُمْ يَنظُرُونَ ﴿٦﴾ وَإِذْ يَعِدُكُمُ ٱللَّهُ إِحْدَى ٱلطَّآئِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ ٱلشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُحِقَّ ٱلْحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦ وَيَقْطَعَ دَابِرَ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٧﴾ لِيُحِقَّ ٱلْحَقَّ وَيُبْطِلَ ٱلْبَٰطِلَ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْمُجْرِمُونَ ﴿٨﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

تورا ازغنیمت ها می پرسند[۱] بگوغنیمت هابرای‌خداورسول است[۲] پس ازخدا بترسید و جریاني را که میان شما است به صلاح آرید و خدا و رسول اورا ا گر مسلمان هستید فرمان برید (۱). جزاین نیست که مومنان آنانند که چون یاد کرده شود خدا دلهای ایشان بترسد وچون برایشان آیات خدا خوانده شود آن آیات ایمان ایشان را زیاده سازند وبرپروردگار خویش توکل میکنند (۲). آنانکه نمازرا برپا می دارند وازآنچه روزی داده ایم ایشانرا خرج میکنند (۳). این جماعت به حقیقت مومنان ایشانند ایشان را مرتبه هاهاست نزد پروردگار ایشان و آمرزش و روزی نیك است (٤). چنانکه تورا پروردگار توازخانه ات به تدبیر درست بیرون آورد وهرآئینه گروهی ازمسلمانان ناخوشنود بودند[۳](٥). خصومت میکردند باتودرسخن راست بعدازآنکه ظاهرشد گویا به سوی مرگ رانده می شوند وایشان درآن می نگرند (٦). و(یادکن نعمت الهی را) آن گاه که خدا یکی ازدو گروه را وعده شما می داد که وی شما را باشد و دوست میداشتید که گروه غیر جنگی (کاروان تجاری) شمارا بُوَد وخدا می خواست که دین حق را به فرمان های خویش ثابت کند و بنیادکافران را بِبُرد (۷). می خواست تا دین حق را ثابت کند و دین باطل را برطرف کند ا گر چه گناهگاران ناخوشنود باشند[٤] (۸).

---

(۱) سورهٔ انفال درقصه بدر فرودآمده است درآیاتِ این سوره بوقائع این غزوه اشاره شده: ازآن جمله آنست که مسلمانان درغنیمت مباحثه میکردند آنانکه غارت کرده بودند خواستند که تنهابرآن متصرف شوند دیگران خواستند که برابر قسمت شود خدای تعالی نازل ساخت که متصرف ومختار درغنائم خدا ورسول اوست و دیگری را درین باب دخلی نیست آنچه اهل جاهلیت می کردند ازاستیثارغارت کننده به غنیمت باطل است بعد ازآن حکم فرمود که غنیمت راپنج قسم بایدکرد چهار قسم درمیان غانمان قسمت کنندویکی در بیت المال نگاهداشته به مصرف آن رسانند واین تصرف حق است وعطای اوست بغیر دخل غارت کنندگان پس آیه ﴿قُلِ ٱلْأَنفَالُ لِلَّهِ وَٱلرَّسُولِ﴾ محکم است غیر منسوخ.

(۲) یعنی متصرف درغنایم ایشانند وکسی دیگررا اختیاری نیست والله اعلم.

(۳) مترجم گوید یعنی تصرف در قسمت بروفق حکم خدا است نه موافق آرزوی نفسهای شما چنانکه بیرون آوردن تو به تدبیر درست بودنزدیك خدابرخلاف اراده قوم والله اعلم.

(٤) مترجم گوید درین آیات تعریض است بآن قصه که آنحضرت صلی الله علیه وسلم درغزوه بدر برای غارت کردن کاروان قریش متوجه شدواین خبربکاروان رسید راه ساحل را اختیار نمودند بنابراین ازگرفت پیامبرولشکریانش خلاص شدند ابوجهل که بمددایشان با الشکرگران از مکه بر آمده بود مقابل آنحضرت شد بعضی اصحاب میل بغارت کردن وجمعی قصد کارزار لشکر نمودند ومرضی آنحضرت جنگ با لشکر بود.

إِذۡ تَسۡتَغِيثُونَ رَبَّكُمۡ فَٱسۡتَجَابَ لَكُمۡ أَنِّي مُمِدُّكُم بِأَلۡفٖ مِّنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ مُرۡدِفِينَ ﴿٩﴾ وَمَا جَعَلَهُ ٱللَّهُ إِلَّا بُشۡرَىٰ وَلِتَطۡمَئِنَّ بِهِۦ قُلُوبُكُمۡۚ وَمَا ٱلنَّصۡرُ إِلَّا مِنۡ عِندِ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿١٠﴾ إِذۡ يُغَشِّيكُمُ ٱلنُّعَاسَ أَمَنَةٗ مِّنۡهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيۡكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ لِّيُطَهِّرَكُم بِهِۦ وَيُذۡهِبَ عَنكُمۡ رِجۡزَ ٱلشَّيۡطَٰنِ وَلِيَرۡبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمۡ وَيُثَبِّتَ بِهِ ٱلۡأَقۡدَامَ ﴿١١﴾ إِذۡ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ أَنِّي مَعَكُمۡ فَثَبِّتُواْ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۚ سَأُلۡقِي فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلرُّعۡبَ فَٱضۡرِبُواْ فَوۡقَ ٱلۡأَعۡنَاقِ وَٱضۡرِبُواْ مِنۡهُمۡ كُلَّ بَنَانٖ ﴿١٢﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ شَآقُّواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥۚ وَمَن يُشَاقِقِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ﴿١٣﴾ ذَٰلِكُمۡ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابَ ٱلنَّارِ ﴿١٤﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا لَقِيتُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ زَحۡفٗا فَلَا تُوَلُّوهُمُ ٱلۡأَدۡبَارَ ﴿١٥﴾ وَمَن يُوَلِّهِمۡ يَوۡمَئِذٖ دُبُرَهُۥٓ إِلَّا مُتَحَرِّفٗا لِّقِتَالٍ أَوۡ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٖ فَقَدۡ بَآءَ بِغَضَبٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَمَأۡوَىٰهُ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ﴿١٦﴾

آنگاه که به جناب پروردگار خویش فریاد می کردید پس دعای شمارا قبول کرد که من بهزار کس ازفرشتگان ازپس ایشان جماعت دیگر را آورده[٥] مددکننده ٔ شماام (۹). و خدااین مدد را نه ساخت مگربرای مژده وتا بآن دل های شما آرام گیرد ونیست فتح مگراز نزدیك خداهرآئینه خدا غالب باحکمت است (۱۰). آنگاه که شمارا به خواب سبك می‌پوشید بجهت ایمنی ازنزد خود و برشما ازآسمان آب باران را فرود می‌آورد تا شمارا بآن پاك کند و ازشما آلودگی شیطان را ببَرد وتا بردلهای شما ببندد یعنی ثابت دارد دلها را و بآن پاهارا محکم کند[٦] (۱۱). آنگاه که پروردگار تو به سوی فرشتگان وحی می فرستاد که من باشماهستم پس مسلمانان را استوارسازید دردلهای کافران رعب خواهم افگند پس ای مسلمانان بزنید بالای گردن ها وازایشان هرطرف دست وپای را بزنید (۱۲). این بسبب آن است که ایشان باخدا و رسولِ او خلاف کردند وهرکه باخدا و رسولِ او خلاف کند پس خدا سخت عقوبت است (۱۳). این را بچشید و(بدانید) اینکه برای کافران عذاب آتش است (١٤). ای مومنان چون باکافران انبوه کرده بهم آیید پس به سوی ایشان پشت هارا مگردانید (یعنی فرارنکنید) (١٥). وهرکه از ایشان آن روز پشت خود را بگرداند مگررجوع کنان برای جنگی یا به سوی گروهی پناه جویان پس هرآئینه بخشمی ازخدا بازگشت وجای اوجهنم است وبدجای است (١٦).

(٥) یعنی یکهزار بودند بعد ازآن سه هزار گشتند وبعد ازآن پنجهزار شدند والله اعلم.

(٦) مترجم گوید درین آیات تعریض است بآن قصه که روز بدر مسلمانان تشنه بودند وبی وضو بودند آب نداشتند وازین جهت وسوسه شیطان به خاطر ایشان راه می یافت خدای تعالی باران فرستاد وخواب سبك را برچشم ایشان مسلط کرد تااضطراب دلِ ایشان برطرف شد.

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ قَتَلَهُمْۚ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ
وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ ٱلْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَآءً حَسَنًاۚ
إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٧﴾ ذَٰلِكُمْ وَأَنَّ ٱللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ
ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿١٨﴾ إِن تَسْتَفْتِحُواْ فَقَدْ جَآءَكُمُ ٱلْفَتْحُۖ وَإِن
تَنتَهُواْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْۖ وَإِن تَعُودُواْ نَعُدْ وَلَن تُغْنِيَ عَنكُمْ
فِئَتُكُمْ شَيْـًٔا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٩﴾
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَا تَوَلَّوْاْ عَنْهُ
وَأَنتُمْ تَسْمَعُونَ ﴿٢٠﴾ وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ قَالُواْ سَمِعْنَا وَهُمْ
لَا يَسْمَعُونَ ﴿٢١﴾ ۞ إِنَّ شَرَّ ٱلدَّوَآبِّ عِندَ ٱللَّهِ ٱلصُّمُّ ٱلْبُكْمُ
ٱلَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٢٢﴾ وَلَوْ عَلِمَ ٱللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْۖ
وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّواْ وَّهُم مُّعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ ٱسْتَجِيبُواْ لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْۖ
وَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ ٱلْمَرْءِ وَقَلْبِهِۦ وَأَنَّهُۥٓ إِلَيْهِ
تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾ وَٱتَّقُواْ فِتْنَةً لَّا تُصِيبَنَّ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ
مِنكُمْ خَآصَّةًۖ وَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ ﴿٢٥﴾

ثلاثة أرباع الحزب ١٨

پس شما این جماعت را نکشته اید ولیکن خدا ایشان را کشت وتو(یامحمد) نیفکندی[۷] وقتیکه افکندی ولیکن خداافکند وتا مسلمانان را ازنزد خویش عطای نیکو به بخشد هرآئینه خدا شنواداناست[۸] (۱۷). حال این است وبدانید که خدا حیله کافران را سست کننده است (۱۸). ای کافران ا گر طلب فتح می کردید پس به شمافتح آمد واگربازایستید پس آن شما را بهتراست وا گر بازگردید (یعنی به نافرمانی)، باز گردیم[۹] و جماعت شما هیچ چیزی را اگرچه بسیارباشد ازشما دفع نکند. وبدانید که خدا با مسلمانان است[۱۰] (۱۹). ای مسلمانان خدا ورسول اورا فرمانبرداری کنید و از وی روی مگردانید حال آنکه شما می‌شنوید (۲۰). و مانند کسانیکه گفتند شنیدیم وایشان نمی شنوند نشوید[۱۱] (۲۱). هر آئینه بدترین جنبندگان نزد خدا کرانند گنگانند آنانکه درنمی یابند (۲۲). و اگر خدا درایشان نیکویی سراغ داشت البته ایشان را شنواندی[۱۲] و اگر شنوانیدی حتماً اعراض کنان روی میگردانیدند (۲۳). ای مسلمانان خواندنِ خدا و رسول را قبول کنید چون بخواند شمارا برای آنکه شما را زنده سازد وبدانید که خدا درمیان انسان ودل او[۱۳] حائل می شود وبدانید که به سوی اوبرانگیخته خواهید شد (۲٤). و ازفتنه ای بپرهیزید که تنها به ستمکاران ازشما نرسد[۱٤] وبدانید که هرآئینه خدا سخت عقوبت کننده است[۱۵] (۲۵).

---

(۷) یعنی مشتِ خاك را.

(۸) مترجم گوید تعریض است بآن قصه که آن حضرت صلی الله علیه وسلم روز بدریك مشت سنگ ریزه به سوی کفارانداخت پس هیچکس ازایشان نماند که چیزی ازآن به چشمش داخل نشد و استقلال تازه به خاطر مسلمانان ظاهر شد و این تایید غیبی بود.

(۹) یعنی به مکافات دادن.

(۱۰) مترجم گوید تعریض است بآن قصه که ابو جهل روز غزوه بدر دعا کرد که بار خدایا هر که ازمیان این هردو گروه قاطع رحم است ودین باطل پیش گرفته است او را هلاك کن وبه حقیقت متصف باین صفات ابو جهل و قوم اوبودند.

(۱۱) یعنی مانندِ اهل کتاب که تورات را خواندندوبه زبان معترف شدند وبرآن عمل نکردند.

(۱۲) یعنی لیکن سراغ خیری درایشان نیافت.

(۱۳) یعنی عزیمت اونسخ می کند.

(۱٤) یعنی بلکه شامت او عام‌بود والله اعلم.

(۱۵) وآن فتنه ظهور عقوبت بدعت است یاترك نهی از منکر والله اعلم.

وَٱذۡكُرُوٓاْ إِذۡ أَنتُمۡ قَلِيلٞ مُّسۡتَضۡعَفُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ تَخَافُونَ
أَن يَتَخَطَّفَكُمُ ٱلنَّاسُ فَـَٔاوَىٰكُمۡ وَأَيَّدَكُم بِنَصۡرِهِۦ وَرَزَقَكُم
مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ٢٦ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
لَا تَخُونُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ وَتَخُونُوٓاْ أَمَٰنَٰتِكُمۡ وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ
٢٧ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَآ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَأَوۡلَٰدُكُمۡ فِتۡنَةٞ وَأَنَّ ٱللَّهَ
عِندَهُۥٓ أَجۡرٌ عَظِيمٞ ٢٨ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تَتَّقُواْ
ٱللَّهَ يَجۡعَل لَّكُمۡ فُرۡقَانٗا وَيُكَفِّرۡ عَنكُمۡ سَيِّـَٔاتِكُمۡ
وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡۗ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ٢٩ وَإِذۡ يَمۡكُرُ بِكَ
ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِيُثۡبِتُوكَ أَوۡ يَقۡتُلُوكَ أَوۡ يُخۡرِجُوكَۚ وَيَمۡكُرُونَ
وَيَمۡكُرُ ٱللَّهُۖ وَٱللَّهُ خَيۡرُ ٱلۡمَٰكِرِينَ ٣٠ وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ
ءَايَٰتُنَا قَالُواْ قَدۡ سَمِعۡنَا لَوۡ نَشَآءُ لَقُلۡنَا مِثۡلَ هَٰذَآ إِنۡ هَٰذَآ
إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٣١ وَإِذۡ قَالُواْ ٱللَّهُمَّ إِن كَانَ هَٰذَا
هُوَ ٱلۡحَقَّ مِنۡ عِندِكَ فَأَمۡطِرۡ عَلَيۡنَا حِجَارَةٗ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ
أَوِ ٱئۡتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٖ ٣٢ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمۡ وَأَنتَ
فِيهِمۡۚ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ مُعَذِّبَهُمۡ وَهُمۡ يَسۡتَغۡفِرُونَ ٣٣

ویادکنید (ای مهاجران نعمت الهی را) آن وقت که شما اندك بودید ناتوان شمرده درزمین (یعنی درمکه) می ترسیدید ازآنکه شمارا مردمان بربایند شمارا پس جای داد (یعنی در مدینه) و شمارابه نصرت خود قُوَّت داد و شما را ازچیزهای پاکیزه روزی داد تاشود که سپاس گذاری کنید (٢٦). ای مسلمانان باخدا ورسول خیانت مکنید و امانت های یك دیگررا درحالیکه شما میدانید (یعنی مفاسدآنرا) خیانت مکنید (٢٧). وبدانید که مال های شما و فرزندان شما آزمایش است وآنکه خدا نزد او پاداش بزرگ است (٢٨). ای مسلمانان اگر ازخدا بترسید برای شما فتحی را قراردهد وازشماگناهان تان را درگذرد وشما را بیامرزد وخدا صاحب فضل بزرگ است (٢٩). و (یادکن نعمت الهی را) آنگاه که تدبیربد کردند درحق توکافران تاتورا حبس کنند یا تورا بکشند یا تورا جلاوطن کنند وایشان تدبیر بَد می کردند وخدا تدبیر می کرد (یعنی بایشان) وخدابهترین تدبیر کنندگانست[١٦] (٣٠). وچون برین جماعت آیات ما خوانده می‌شود گویند بتحقیق شنیدیم اگر خواهیم ماننداین بگوییم نیست این مگرافسانهٔ پیشینیان (٣١). وآنگاه که گفتند بارخدایا اگر این قرآن ازنزد تو راست هست پس برما سنگ را ازآسمان ببار یا برما عذاب دردناك را بیار (٣٢). ونیست خداکه ایشان را عذاب کند وتو میان ایشان باشی وهرگز خداعذاب کنندهٔ ایشان نیست وایشان استغفار می کنند[١٧] (٣٣).

---

(١٦) تعریض است به آن قصه که کفاردرمکه جمع شده این رای می زدند.

(١٧) یعنی سنت خدا آنست که تاپیامبر درمیان قوم باشد عذاب عام نمی کند وهمچنین تاآنکه ایشان استغفار کنند عذاب نمی آید.

وَمَا لَهُمۡ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ ٱللَّهُ وَهُمۡ يَصُدُّونَ عَنِ ٱلۡمَسۡجِدِ
ٱلۡحَرَامِ وَمَا كَانُوٓاْ أَوۡلِيَآءَهُۥٓۚ إِنۡ أَوۡلِيَآؤُهُۥٓ إِلَّا ٱلۡمُتَّقُونَ
وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٣٤﴾ وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمۡ
عِندَ ٱلۡبَيۡتِ إِلَّا مُكَآءٗ وَتَصۡدِيَةٗۚ فَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَ
بِمَا كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ ﴿٣٥﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يُنفِقُونَ
أَمۡوَٰلَهُمۡ لِيَصُدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۚ فَسَيُنفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ
عَلَيۡهِمۡ حَسۡرَةٗ ثُمَّ يُغۡلَبُونَۗ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ
يُحۡشَرُونَ ﴿٣٦﴾ لِيَمِيزَ ٱللَّهُ ٱلۡخَبِيثَ مِنَ ٱلطَّيِّبِ وَيَجۡعَلَ
ٱلۡخَبِيثَ بَعۡضَهُۥ عَلَىٰ بَعۡضٖ فَيَرۡكُمَهُۥ جَمِيعٗا فَيَجۡعَلَهُۥ
فِي جَهَنَّمَۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ﴿٣٧﴾ قُل لِّلَّذِينَ
كَفَرُوٓاْ إِن يَنتَهُواْ يُغۡفَرۡ لَهُم مَّا قَدۡ سَلَفَ وَإِن يَعُودُواْ
فَقَدۡ مَضَتۡ سُنَّتُ ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿٣٨﴾ وَقَٰتِلُوهُمۡ حَتَّىٰ
لَا تَكُونَ فِتۡنَةٞ وَيَكُونَ ٱلدِّينُ كُلُّهُۥ لِلَّهِۚ فَإِنِ
ٱنتَهَوۡاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِمَا يَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ﴿٣٩﴾ وَإِن تَوَلَّوۡاْ
فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَوۡلَىٰكُمۡۚ نِعۡمَ ٱلۡمَوۡلَىٰ وَنِعۡمَ ٱلنَّصِيرُ ﴿٤٠﴾

وچیست ایشان را که خدا ایشان را عذاب نکند حال آنکه ایشان (مردمان را) ازمسجدالحرام باز میدارند و سزاوار آنجا نیستند، سزاواردرآنجا مگرمتقیان نیستند ولیکن بیشترین ایشان نمی دانند (۳٤). و[۱۸] نمازایشان نزدیك خانه کعبه چیزی بجز سوت کشیدن و کف زدن نیست پس ای کافران عذاب را به سبب کافرشدن تان بچشید (۳۵). هرآئینه کافران اموال خود را خرج می‌کنند تا مردمان را ازراهِ خدا بازدارند پس زود باشد که آنرا خرج کنند باز آن خرج کردن برایشان پشیمانی باشد بازمغلوب شوند وکافران به سوی دوزخ رانده شوند (۳٦). تا خدای تعالی ناپاك را ازپاك جدا سازد و ناپاك را بعض آن بربعضی بنهد پس همگی آن را توده سازد پس اورا دردوزخ درآورد این جماعت ایشانند زیان کاران[۱۹] (۳۷). به این کافران بگو اگر بازایستند ایشان را آنچه گذشت آمرزیده شود واگر باز گردند پس هرآئینه روش پیشینیان گذشته است[۲۰] (۳۸). و ای مسلمانان باایشان تاآنکه هیچ فتنه نباشد (یعنی غلبه کفر) کارزار کنید و همگی دین برای خدا باشد پس اگر ازشرك بازایستند (یعنی مسلمان شوند) هرآئینه خدا بآنچه میکنند بینااست (۳۹). واگر روبگردانند[۲۱] پس بدانید که خدا مددگار شما است واو نیك مددگار است و نیك یاری دهنده است (٤۰).

---

(۱۸) یعنی بعد هجرت حضرت سیدالبشر ازمیان ایشان.
(۱۹) یعنی دراصل استحقاق عذاب دارند لیکن بودن پیامبر درمیان ایشان مانع بودوحالا مانع برخاست.
(۲۰) مترجم گوید واین تصویر حال کسی است که مي خواهد کل چیزی را جز وباطل سازد ودفع کند.
(۲۱) یعنی ازاسلام.

۞ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا غَنِمۡتُم مِّن شَيۡءٖ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُۥ وَلِلرَّسُولِ
وَلِذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِ إِن
كُنتُمۡ ءَامَنتُم بِٱللَّهِ وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَىٰ عَبۡدِنَا يَوۡمَ ٱلۡفُرۡقَانِ
يَوۡمَ ٱلۡتَقَى ٱلۡجَمۡعَانِۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ﴿٤١﴾ إِذۡ
أَنتُم بِٱلۡعُدۡوَةِ ٱلدُّنۡيَا وَهُم بِٱلۡعُدۡوَةِ ٱلۡقُصۡوَىٰ وَٱلرَّكۡبُ
أَسۡفَلَ مِنكُمۡۚ وَلَوۡ تَوَاعَدتُّمۡ لَٱخۡتَلَفۡتُمۡ فِي ٱلۡمِيعَٰدِ
وَلَٰكِن لِّيَقۡضِيَ ٱللَّهُ أَمۡرٗا كَانَ مَفۡعُولٗا لِّيَهۡلِكَ مَنۡ
هَلَكَ عَنۢ بَيِّنَةٖ وَيَحۡيَىٰ مَنۡ حَيَّ عَنۢ بَيِّنَةٖۗ وَإِنَّ ٱللَّهَ
لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٤٢﴾ إِذۡ يُرِيكَهُمُ ٱللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلٗاۖ
وَلَوۡ أَرَىٰكَهُمۡ كَثِيرٗا لَّفَشِلۡتُمۡ وَلَتَنَٰزَعۡتُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِ
وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ سَلَّمَۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿٤٣﴾ وَإِذۡ
يُرِيكُمُوهُمۡ إِذِ ٱلۡتَقَيۡتُمۡ فِيٓ أَعۡيُنِكُمۡ قَلِيلٗا وَيُقَلِّلُكُمۡ
فِيٓ أَعۡيُنِهِمۡ لِيَقۡضِيَ ٱللَّهُ أَمۡرٗا كَانَ مَفۡعُولٗاۗ وَإِلَى ٱللَّهِ
تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ ﴿٤٤﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا لَقِيتُمۡ فِئَةٗ
فَٱثۡبُتُواْ وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا لَّعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ﴿٤٥﴾

وبدانید که آنچه ازکافران ازهر جنس غنیمت یافتید پس یك پنجم آن برای‌خدا و پیامبر وخویشاوندان [٢٢] ویتیمان ودرویشان ومسافران است اگر بخدا وبه آنچه بربنده خویش فروفرستادیم ایمان آورده اید، روزی که حق از باطل جدا شد روزیکه دو گروه بهم آمدند [٢٣] وخدا برهمه چیز تواناست[٢٤] (٤١). اگر ایمان آوردید بآنچه فروفرستادیم بربنده خود آنگاه که شما بکناره نزدیك بودید وایشان بکناره دورتروکاروان پایین ترازشمابود (یعنی بجانب دریا) واگر بایکدیگر وعده جنگ مقررمی کردید البته دروعده اختلاف می نمودید لیکن جمع کرد تا خدا کاری را که کردنی بود بانجام رساند تاهلاك شود کسی که بعد قیام حجت هلاك شده است و زنده ماند کسی که بعد قیام حجت زنده شده است وهر آئینه خدا شنوا داناست[٢٥] (٤٢). آنگاه که خدا ایشان را به تودر خواب تو اندکی نشان داد و اگر بتو تعداد ایشان را بسیار نشان می داد البته ازهم می پاشیدید و بایکدیگر درکار نزاع می نمودید ولیکن خدا سلامت داشت (یعنی ازبزدلی) هر آئینه وی داناست بآنچه در سینه ها است (٤٣). وآنگاه که به شما ایشان را چون روبرو شدید درچشمهای شما اندکی بنمود شما را درچشمهای آنان کم نمود تا خدا کاری را که کردنی بود بانجام رساند و به سوی خدا بازگردانیده شوند (٤٤). ای مسلمانان چون باگروهی روبروشوید پس ثابت باشید و خدا را بسیار یادکنید تااینکه شما رستگارشوید(٤٥).

---

(٢٢) یعنی خویشاوندان پیامبر راکه بنی هاشم وبنی مطلب اند.

(٢٣) یعنی ایمان آوردند به آن که در روز بدر نصرت نازل فرمود.

(٢٤) مترجم گوید چهار (حصه) خمس غانمان را بایددادویك (حصه) خمس دربیت المال نهاده برپنج حصه یاسه حصه بایك دیگر قسمت گردد علی اختلاف المذاهب والله اعلم.

(٢٥) مرادازهلاك اصرار برکفر است وازحیات مسلمان شدن واین که ایمان آورند به آنچه بربنده خود فروفرستادیم.

وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَا تَنَٰزَعُواْ فَتَفۡشَلُواْ وَتَذۡهَبَ
رِيحُكُمۡۖ وَٱصۡبِرُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ ٤٦ وَلَا تَكُونُواْ
كَٱلَّذِينَ خَرَجُواْ مِن دِيَٰرِهِم بَطَرٗا وَرِئَآءَ ٱلنَّاسِ وَيَصُدُّونَ
عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ بِمَا يَعۡمَلُونَ مُحِيطٞ ٤٧ وَإِذۡ زَيَّنَ
لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمُ ٱلۡيَوۡمَ مِنَ
ٱلنَّاسِ وَإِنِّي جَارٞ لَّكُمۡۖ فَلَمَّا تَرَآءَتِ ٱلۡفِئَتَانِ نَكَصَ
عَلَىٰ عَقِبَيۡهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيٓءٞ مِّنكُمۡ إِنِّيٓ أَرَىٰ مَا لَا
تَرَوۡنَ إِنِّيٓ أَخَافُ ٱللَّهَۚ وَٱللَّهُ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ٤٨ إِذۡ يَقُولُ
ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ غَرَّ هَٰٓؤُلَآءِ دِينُهُمۡۗ
وَمَن يَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٤٩ وَلَوۡ
تَرَىٰٓ إِذۡ يَتَوَفَّى ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَضۡرِبُونَ
وُجُوهَهُمۡ وَأَدۡبَٰرَهُمۡ وَذُوقُواْ عَذَابَ ٱلۡحَرِيقِ ٥٠ ذَٰلِكَ
بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيكُمۡ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَيۡسَ بِظَلَّٰمٖ لِّلۡعَبِيدِ ٥١
كَدَأۡبِ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ
فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ بِذُنُوبِهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ قَوِيّٞ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ٥٢

و خدا ورسول اورا فرمانبرداری کنید وبایکدیگر نزاع مکنید که درین صورت سست شوید و شأن (وشوکتان) ازبین بِرَود وشکیبایی کنید هرآئینه خدا باشکیبایان است (٤٦). و مانندکسانیکه از خانه های خود ازروی سرکشی وخودنمایی به مردمان بیرون آمدند مباشید و ازراه خدا بازمیدارند وخدا به آنچه می کننددربر گیرنده است[٢٦] (٤٧). وآنگاه که شیطان برای این کافران کردار های ایشان را بیاراست وگفت هیچ کس ازمردمان برشما امروز غلبه کننده نیست وهرآئینه من شمارا مدد کننده ام پس چون هردوگروه روبرو شدند شیطان برپاشنهای خود باز گشت وگفت هرآئینه من ازشما بیزارم هرآئینه من می بینم آنچه راکه شما نمی بینید هرآئینه من از خدا می ترسم وخداسخت عقوبت است (٤٨). آنگاه که منافقان وآنانکه در دلهای ایشان بیماری‌است می گفتند که این مسلمانان را دین ایشان فریفته کرده است وهرکه برخدا توکل کند برخدا هرآئینه خدا غالب درست کاراست (٤٩). و(تعجب میکردی) اگرمی دیدی (ای بیننده) چون فرشتگان ارواح کافران را قبض می‌کنند بررویهای ایشان وبرپشتهای ایشان میزنند و(می گویند) عذاب سوزان را بچشید (٥٠). این به سبب آن کرداری است که دستهای شما پیش فرستاده است و بسبب آنست که خدا بربندگان ظلم کننده نیست (٥١). مانند شیوهٔ قوم فرعون وآنانکه پیش ازایشان بودند بآیاتِ خدا کافرشدند پس خداایشان را به گناهان ایشان گرفتار کرد هرآئینه خداتوانا سخت عقوبت است (٥٢).

(٢٦) این آیه گویایی حالِ أبو جهل و تابعانِ اوست.

ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ لَمۡ يَكُ مُغَيِّرٗا نِّعۡمَةً أَنۡعَمَهَا عَلَىٰ قَوۡمٍ حَتَّىٰ
يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنفُسِهِمۡ وَأَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ٥٣ كَدَأۡبِ ءَالِ
فِرۡعَوۡنَ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ فَأَهۡلَكۡنَٰهُم
بِذُنُوبِهِمۡ وَأَغۡرَقۡنَآ ءَالَ فِرۡعَوۡنَۚ وَكُلّٞ كَانُواْ ظَٰلِمِينَ ٥٤
إِنَّ شَرَّ ٱلدَّوَآبِّ عِندَ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ
٥٥ ٱلَّذِينَ عَٰهَدتَّ مِنۡهُمۡ ثُمَّ يَنقُضُونَ عَهۡدَهُمۡ فِي كُلِّ
مَرَّةٖ وَهُمۡ لَا يَتَّقُونَ ٥٦ فَإِمَّا تَثۡقَفَنَّهُمۡ فِي ٱلۡحَرۡبِ فَشَرِّدۡ بِهِم
مَّنۡ خَلۡفَهُمۡ لَعَلَّهُمۡ يَذَّكَّرُونَ ٥٧ وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن قَوۡمٍ
خِيَانَةٗ فَٱنۢبِذۡ إِلَيۡهِمۡ عَلَىٰ سَوَآءٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡخَآئِنِينَ
٥٨ وَلَا يَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ سَبَقُوٓاْۚ إِنَّهُمۡ لَا يُعۡجِزُونَ
٥٩ وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن قُوَّةٖ وَمِن رِّبَاطِ ٱلۡخَيۡلِ
تُرۡهِبُونَ بِهِۦ عَدُوَّ ٱللَّهِ وَعَدُوَّكُمۡ وَءَاخَرِينَ مِن دُونِهِمۡ
لَا تَعۡلَمُونَهُمُ ٱللَّهُ يَعۡلَمُهُمۡۚ وَمَا تُنفِقُواْ مِن شَيۡءٖ فِي سَبِيلِ
ٱللَّهِ يُوَفَّ إِلَيۡكُمۡ وَأَنتُمۡ لَا تُظۡلَمُونَ ٦٠ ۞ وَإِن جَنَحُواْ لِلسَّلۡمِ

فَٱجۡنَحۡ لَهَا وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٦١

این از آنست که خدا هرگز تغییردهنده هیچ نعمتی که آنرا برقومی انعام کرده باشد نیست تاآنکه ایشان حالی را که درذات ایشانست دگرگون کنند[۲۷] واز آنست که خدا شنوادانا است (۵۳). مانند شیوهٔ کسان فرعون وآنانکه پیش ازایشان بودند آیاتِ پروردگار خویش را تکذیب کردند پس ایشان را به گناهان ایشان هلاك ساختیم و کسان فرعون را غرق ساختیم وهمگی ستمگاربودند (٥٤). هرآئینه بدترین جنبندگان نزد خدا آنانند که کافرشدند پس ایشان ایمان نمی آورند (٥٥). آنانکه عهدبسته ای باایشان باز عهد خودرا درهرمرتبه‌ای می شکنند وایشان پرهیزنمی کنند[۲۸] (٥٦). پس اگرا یشان را درجنگ بیابی متفرق ساز به‌سبب کشتن ایشان کسانی را که پس پشت ایشان باشند متفرق ساز تااینکه پندپذیر شوند (٥٧). واگر ازگروهی خیانت را بترسی پس به سوی ایشان عهد ایشانرا بنوعی که همه برابر شوند[۲۹] باز گردان هرآئینه خدا خیانت کنندگان را دوست نمیدارد (٥٨). وباید که کافران نپندارند که ایشان پیش دستی کرده اند هر آئینه ایشان عاجز نتوانند ساخت (٥٩). و ای مسلمانان برای (مقابله) ایشان آنچه توانید ازتوانایی مهیا سازید[۳۰] وازآماده داشتن اسبها که بآن دشمن خدا ودشمن خویش را میترسانید وقومی دیگررا نیزبجزایشان، که شما ایشان را نمی دانید خدا ایشان را میداند[۳۱] وآنچه خرج کنید ازهرچه باشد درراهِ خدا به شما تمام داده شود[۳۲] وشما ستم کرده نشوید (٦٠). و اگر به صلح میل کنند توهم به سوی آن میل کن[۳۳] وبرخدا توکل کن هرآئینه او شنواداناست (٦١).

(۲۷) یعنی کفران نعمت رابه شکرومعصیت را به طاعت.

(۲۸) مترجم گوید تعریض است بقبایل یهود که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بایشان صلح کرده بودند وایشان وقت بعد از وقت (یعنی پی درپی) غدرمی نمودند والله اعلم.

(۲۹) یعنی ملامت نقض عهد برشمالازم نیاید والله اعلم.

(۳۰) یعنی استعمال آلات جنگ مثل تیرانداختن وغیره.

(۳۱) یعنی اهل نفاق را والله اعلم.

(۳۲) یعنی ثواب او والله اعلم.

(۳۳) مترجم گوید این امر برای اباحت است والله اعلم.

وَإِن يُرِيدُوٓاْ أَن يَخۡدَعُوكَ فَإِنَّ حَسۡبَكَ ٱللَّهُۚ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَيَّدَكَ
بِنَصۡرِهِۦ وَبِٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٦٢ وَأَلَّفَ بَيۡنَ قُلُوبِهِمۡۚ لَوۡ أَنفَقۡتَ
مَا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا مَّآ أَلَّفۡتَ بَيۡنَ قُلُوبِهِمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ
أَلَّفَ بَيۡنَهُمۡۚ إِنَّهُۥ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٦٣ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ حَسۡبُكَ
ٱللَّهُ وَمَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٦٤ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ حَرِّضِ
ٱلۡمُؤۡمِنِينَ عَلَى ٱلۡقِتَالِۚ إِن يَكُن مِّنكُمۡ عِشۡرُونَ صَٰبِرُونَ
يَغۡلِبُواْ مِاْئَتَيۡنِۚ وَإِن يَكُن مِّنكُم مِّاْئَةٞ يَغۡلِبُوٓاْ أَلۡفٗا مِّنَ
ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَفۡقَهُونَ ٦٥ ٱلۡـَٰٔنَ خَفَّفَ
ٱللَّهُ عَنكُمۡ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمۡ ضَعۡفٗاۚ فَإِن يَكُن مِّنكُم مِّاْئَةٞ
صَابِرَةٞ يَغۡلِبُواْ مِاْئَتَيۡنِۚ وَإِن يَكُن مِّنكُمۡ أَلۡفٞ يَغۡلِبُوٓاْ
أَلۡفَيۡنِ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ ٦٦ مَا كَانَ لِنَبِيٍّ
أَن يَكُونَ لَهُۥٓ أَسۡرَىٰ حَتَّىٰ يُثۡخِنَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ تُرِيدُونَ عَرَضَ
ٱلدُّنۡيَا وَٱللَّهُ يُرِيدُ ٱلۡأٓخِرَةَۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٦٧ لَّوۡلَا كِتَٰبٞ
مِّنَ ٱللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمۡ فِيمَآ أَخَذۡتُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ٦٨ فَكُلُواْ
مِمَّا غَنِمۡتُمۡ حَلَٰلٗا طَيِّبٗاۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٦٩

و اگر خواهند که تورا فریب دهند پس خدا تورا کفایت کننده است همونست آنکه تورا بیاری دادن خود و به مسلمانان تورا قوت داد (٦٢). و(همونست) آنکه میان دلهای ایشان الفت داد اگر خرج می کردی همگی آنچه درزمین است میان دل های ایشان الفت نمی دادی ولیکن خدا میان ایشان الفت افگند هرآئینه وی غالب باحکمت است (٦٣). ای پیامبر خدا تورا کفایت کننده است و نیز آنان راکه از مسلمان پیروی توکرده اند (٦٤). ای پیامبر مسلمانان را برجنگ رغبت دِه اگر ازشما بیست کس صبر کننده باشند بردوصدکس غالب شوند و اگر ازشما صدکس باشند برهزار کس ازکافران غالب شوند بسبب آنکه ایشان گروهی هستند که نمی فهمند[٣٤] (٦٥). اکنون خداازسرشما سبك ساخت ومعلوم کرد که درمیان شما ضعفی هست پس ا گر ازشما صدکس شکیبا باشند بردویست کس غالب آیند وا گر ازشما هزارکس باشند بردوهزار کس به فرمان خدا غالب آیند وخدا باصابران است (٦٦). پیامبری را سزاوار نبود که بدست وی اسیران باشند تاآنکه درزمین قتل بسیار بوجود آورد مال دنیارا می خواهید وخدا مصلحت آخرت را می خواهند وخدا غالب باحکمت است[٣٥] (٦٧). ا گر حکم پیشین خدا نبودی[٣٦] البته به شمادرآنچه گرفتید عذاب بزرگ میرسید (٦٨). پس ازآنچه غنیمت گرفتید حلال پاکیزه بخورید وازخدا بترسید هرآئینه خداآمرزندهٔ مهربان است (٦٩).

---

(٣٤) مترجم گوید چون این آیت نازل شد واجب گشت ثبات با ده چندان ازکفار بعد ازآن منسوخ شدبه و جوب ثبات درمقابله دوچند والله اعلم.

(٣٥) مترجم گوید صحابه ازاسیران بدرفدا گرفتند به اجتهاد خویش ومرضی نزد خدای تعالی قتل ایشان بود لیکن چون بنص صریح ممنوع نشده بود عفو فرمود و این آیه نازل شد.

(٣٦) یعنی حکم غیر منصوص ومُقدَّر درلوح محفوظ والله اعلم.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّمَن فِيٓ أَيۡدِيكُم مِّنَ ٱلۡأَسۡرَىٰٓ إِن يَعۡلَمِ ٱللَّهُ
فِي قُلُوبِكُمۡ خَيۡرٗا يُؤۡتِكُمۡ خَيۡرٗا مِّمَّآ أُخِذَ مِنكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡۚ
وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٧٠ وَإِن يُرِيدُواْ خِيَانَتَكَ فَقَدۡ خَانُواْ ٱللَّهَ
مِن قَبۡلُ فَأَمۡكَنَ مِنۡهُمۡۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ٧١ إِنَّ ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ فِي سَبِيلِ
ٱللَّهِ وَٱلَّذِينَ ءَاوَواْ وَّنَصَرُوٓاْ أُوْلَٰٓئِكَ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۚ وَٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ وَلَمۡ يُهَاجِرُواْ مَا لَكُم مِّن وَلَٰيَتِهِم مِّن شَيۡءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُواْۚ
وَإِنِ ٱسۡتَنصَرُوكُمۡ فِي ٱلدِّينِ فَعَلَيۡكُمُ ٱلنَّصۡرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوۡمِۭ
بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُم مِّيثَٰقٞۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ٧٢ وَٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٍۚ إِلَّا تَفۡعَلُوهُ تَكُن فِتۡنَةٞ فِي
ٱلۡأَرۡضِ وَفَسَادٞ كَبِيرٞ ٧٣ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ
فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلَّذِينَ ءَاوَواْ وَّنَصَرُوٓاْ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ
حَقّٗاۚ لَّهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ ٧٤ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنۢ بَعۡدُ
وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ مَعَكُمۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ مِنكُمۡۚ وَأُوْلُواْ ٱلۡأَرۡحَامِ
بَعۡضُهُمۡ أَوۡلَىٰ بِبَعۡضٖ فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمُۢ ٧٥

ای پیامبر آنان را که دردستهای شمااند ازاسیران بگو اگر خدا دردلهای شمانیکی را معلوم بدارد البته شمارا بهترازآنچه گرفته شد از شما بدهد وشمارا بیامرزد وخدا آمرزندهٔ مهربان است[۳۷] (۷۰). واگر با تو خیانت خواهند پس هر آئینه پیش ازین باخدا خیانت کرده بودند پس تورا برایشان قدرت داد وخدا دانای‌باحکمت است (۷۱). هرآئینه آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند وبه مالهای شان و جانهای شان در راه خدا جهادنمودند وآنانکه جای دادند ونصرت کردند این جماعت بعض ایشان دوستان بعض اند[۳۸] وآنانکه ایمان آوردند وهجرت نکرده اند شمارا ازکارسازی ایشان هیچ چیزی نیست تاآنکه هجرت کنند واگر مددطلب کنند از شما درکاردین پس برشما یاری کردن لازم است مگربرجماعتی که میان شما ومیان ایشان عهد باشد وخدا به آنچه می کنید بیناست (۷۲). وآنانکه کافرشدند بعض ایشان دوستان بعض اند ای مسلمانان اگراین کاررا نکنید[۳۹] درزمین فتنه ای وفسادی بزرگ باشد (۷۳). وآنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و در راهِ خدا جهاد نمودند وآنانکه جای دادند ونصرت کردند این جماعت به حقیقت ایشانند مومنان برای ایشان آمرزش و روزی نیك هست (۷٤). وآنانکه ایمان آوردند پس ازین وهجرت نمودند و همراه شما جهادکردند این گروه نیزازشماهستند وخویشاوندان بعض ایشان به بعضی درحکم خدا نزدیك تراند[٤۰] هرآئینه خدا به همه چیز داناست (۷۵).

(۳۷) تعریض است بعباس بن عبد المطلب.
(۳۸) یعنی مهاجرین وانصار بایکدیگرباید که نصرت دهند ومواخات کنند.
(۳۹) یعنی دوستی را بایکدیگر.
(٤۰) یعنی صله وتوارث میان اهل قرابت که اصحاب فروض وعصبات اند لازم است والله اعلم.

سُورَةُ التَّوْبَةِ

بَرَآءَةٌ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦٓ إِلَى ٱلَّذِينَ عَٰهَدتُّم مِّنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿١﴾
فَسِيحُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِى
ٱللَّهِ وَأَنَّ ٱللَّهَ مُخْزِى ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٢﴾ وَأَذَٰنٌ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦٓ
إِلَى ٱلنَّاسِ يَوْمَ ٱلْحَجِّ ٱلْأَكْبَرِ أَنَّ ٱللَّهَ بَرِىٓءٌ مِّنَ ٱلْمُشْرِكِينَ
وَرَسُولُهُۥ فَإِن تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَٱعْلَمُوٓا۟
أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِى ٱللَّهِ وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ
﴿٣﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ عَٰهَدتُّم مِّنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنقُصُوكُمْ شَيْـًٔا
وَلَمْ يُظَٰهِرُوا۟ عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوٓا۟ إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ
إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُتَّقِينَ ﴿٤﴾ فَإِذَا ٱنسَلَخَ ٱلْأَشْهُرُ ٱلْحُرُمُ
فَٱقْتُلُوا۟ ٱلْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدتُّمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَٱحْصُرُوهُمْ
وَٱقْعُدُوا۟ لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِن تَابُوا۟ وَأَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُا۟
ٱلزَّكَوٰةَ فَخَلُّوا۟ سَبِيلَهُمْ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٥﴾ وَإِنْ أَحَدٌ
مِّنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ٱسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَٰمَ
ٱللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُۥ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْلَمُونَ ﴿٦﴾

قطع معامله است ازجانب خدا و رسول او از آنانکه باایشان از مشرکان[۱] پیمان بسته بودید (۱). پس (ای مشرکان مهلت یافته اید) چهار ماه درزمین بگردید وبدانید که شما عاجز کنندهٔ خدا نباشید (وبدانید) آنکه خدارسواکنندهٔ کافران است (۲). واعلامی است ازجانب خدا و رسول او به سوی مردمان روزحج بزرگ که خدا ورسول اونیز از مشرکان بیزاراند پس اگر توبه کنید آن شمارا بهتر باشد واگر روی بگردانید پس بدانید که شما ازخدا گزیروگریزی ندارید وکافران را به عذابی درد ناك خبرده (۳). مگر کسانی ازمشرکان که باایشان عهد بسته اید باز باشما درچیزی کمی نکردند (یعنی ازپیمان خود) و بر (ضدّ) شما کسی را مدد ندادند پس به ایشان عهدایشان را تامدت (پیمان) ایشان بوفا رسانید به راستی خدا پرهیزگاران را دوست می دارد (٤). پس چون ماه های حرام به پایان رسند[۲] مشرکان را هرجاکه بیابید بکشید وایشان را بگیرید و ایشان را بند کنید و برای ایشان بهرکمین گاه بنشینید پس اگر توبه کنند ونمازرا برپادارندوزكوٰة را بدهند پس ایشان را رهاکنید هرآئینه خدا آمرزنده مهربان است (٥). واگر کسی ازمشرکان ازتو امان طلب کند اورا أمان ده تا قرآن خدا بشنود باز اورا به ایمنگاهش برسان واین از آنست که ایشان گروهی هستند که نیمدانند[۳] (٦).

---

(۱) مترجم گویدسال نهم حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم علی مرتضیٰ را در موسم حج فرستاد تاعهود مشرکان را براندازد الّاچهار ماه ایشان را فرصت داد تادر امر خود تأمل کنند مگردوفرقه بنی ضمره و بنو کنانه که خیانت درعهد نکرده بودند پس خدای تعالی عهد ایشانرا تامیعاد آن مقرر داشت وتا ندا کند که بعد ازین هیچ مشرك بحج نیاید وهیچ برهنه طواف کعبه نکند واوایل سوره براءة برایشان برخواند والله اعلم.

(۲) یعنی آن چهارماه که ایشان را فرصت داده بودند.

(۳) مترجم گوید آنحضرت صلی الله علیه وسلم باکفار قریش صلح کرده بودند وایشان درمقام غدرآمده برکشتن حلفای آنحضرت اعانت نمودند واین صورت سبب فتح مکه شد خدای تعالی برای ترغیب برغزوهٔ فتح آیات فرستاد.

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِندَ ٱللَّهِ وَعِندَ رَسُولِهِۦٓ إِلَّا ٱلَّذِينَ عَٰهَدتُّمْ عِندَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ ۖ فَمَا ٱسْتَقَٰمُوا۟ لَكُمْ فَٱسْتَقِيمُوا۟ لَهُمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُتَّقِينَ ﴿٧﴾ كَيْفَ وَإِن يَظْهَرُوا۟ عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا۟ فِيكُمْ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً ۚ يُرْضُونَكُم بِأَفْوَٰهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَٰسِقُونَ ﴿٨﴾ ٱشْتَرَوْا۟ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا۟ عَن سَبِيلِهِۦٓ ۚ إِنَّهُمْ سَآءَ مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿٩﴾ لَا يَرْقُبُونَ فِى مُؤْمِنٍ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً ۚ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُعْتَدُونَ ﴿١٠﴾ فَإِن تَابُوا۟ وَأَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُا۟ ٱلزَّكَوٰةَ فَإِخْوَٰنُكُمْ فِى ٱلدِّينِ ۗ وَنُفَصِّلُ ٱلْـَٔايَٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿١١﴾ وَإِن نَّكَثُوٓا۟ أَيْمَٰنَهُم مِّنۢ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا۟ فِى دِينِكُمْ فَقَٰتِلُوٓا۟ أَئِمَّةَ ٱلْكُفْرِ ۙ إِنَّهُمْ لَآ أَيْمَٰنَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنتَهُونَ ﴿١٢﴾ أَلَا تُقَٰتِلُونَ قَوْمًا نَّكَثُوٓا۟ أَيْمَٰنَهُمْ وَهَمُّوا۟ بِإِخْرَاجِ ٱلرَّسُولِ وَهُم بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۚ أَتَخْشَوْنَهُمْ ۚ فَٱللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَوْهُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١٣﴾

چگونه مشرکان را عهدی نزد خدا ونزد رسول او باشد! إلا آنانکه باایشان در (نزدیك) مسجد حرام پیمان[٤] بسته بودید پس تازمانی که بر پیمان ثابت باشند برای شما، نیز شمابرای ایشان ثابت باشید هرآئینه خدا پرهیزگاران را دوست میدارد (۷). چگونه (بُوَدمشرکان را عهدی) و ا گر برشما غالب آیند دربارهٔ شماحق خویشی را و نه پیمان را نگاه ندارند شمارا بدهنهای خویش رضامند می سازند ودلهای ایشان قبول نمی کند و بیشترین ایشان فاسقانند (۸). آیه های خدا را به بهایی اندك خرید کردند[٥] پس مردمان را ازراه خدا بازداشتند هرآئینه بد کاری است که ایشان می کردند (۹). درباره هیچ مسلمانی حق خویشی را و نه پیمان را نگاه نمی دارند وآن جماعت ایشانند از حد درگذشتگان (۱۰). پس ا گر توبه کنند ونمازرا برپا دارند و زکوٰة را بدهند پس ایشان دردین برادران شمااند و آیات را برای گروهی که می دانند واضح می سازیم (۱۱). و ا گر سوگندهای خویش را پس ازپیمان بستن خویش بشکنند ودردین شما طعنه زنند پس باپیشوایان کفر کارزار کنید هرآئینه ایشان را سوگند نیست، تااینکه ایشان بازمانند (۱۲). آیاجنگ نمی کنید با گروهی که سوگندان خویش را شکستند وقصد جلاوطن ساختن پیامبررا (ازمکه) کردند وایشان به نقض عهد اول مرتبه باشما ابتداکردند آیاازایشان می ترسید پس خدا سزاوار تراست به آنکه از او بترسید اگر مسلمانید (۱۳).

---

(٤) یعنی قریش که درحدیبیه بایشان صلح واقع شده بود.

(٥) یعنی تابع شهوات نفس شدند ایمان را ترك کردند.

قَٰتِلُوهُمۡ يُعَذِّبۡهُمُ ٱللَّهُ بِأَيۡدِيكُمۡ وَيُخۡزِهِمۡ وَيَنصُرۡكُمۡ
عَلَيۡهِمۡ وَيَشۡفِ صُدُورَ قَوۡمٖ مُّؤۡمِنِينَ ﴿١٤﴾ وَيُذۡهِبۡ غَيۡظَ
قُلُوبِهِمۡۗ وَيَتُوبُ ٱللَّهُ عَلَىٰ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٥﴾
أَمۡ حَسِبۡتُمۡ أَن تُتۡرَكُواْ وَلَمَّا يَعۡلَمِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ مِنكُمۡ
وَلَمۡ يَتَّخِذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَا رَسُولِهِۦ وَلَا ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَلِيجَةٗۚ
وَٱللَّهُ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ﴿١٦﴾ مَا كَانَ لِلۡمُشۡرِكِينَ أَن يَعۡمُرُواْ مَسَٰجِدَ
ٱللَّهِ شَٰهِدِينَ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِم بِٱلۡكُفۡرِۚ أُوْلَٰٓئِكَ حَبِطَتۡ
أَعۡمَٰلُهُمۡ وَفِي ٱلنَّارِ هُمۡ خَٰلِدُونَ ﴿١٧﴾ إِنَّمَا يَعۡمُرُ مَسَٰجِدَ
ٱللَّهِ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَأَقَامَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَى
ٱلزَّكَوٰةَ وَلَمۡ يَخۡشَ إِلَّا ٱللَّهَۖ فَعَسَىٰٓ أُوْلَٰٓئِكَ أَن يَكُونُواْ مِنَ
ٱلۡمُهۡتَدِينَ ﴿١٨﴾ ۞أَجَعَلۡتُمۡ سِقَايَةَ ٱلۡحَآجِّ وَعِمَارَةَ ٱلۡمَسۡجِدِ
ٱلۡحَرَامِ كَمَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَجَٰهَدَ فِي سَبِيلِ
ٱللَّهِۚ لَا يَسۡتَوُۥنَ عِندَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ
﴿١٩﴾ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ
وَأَنفُسِهِمۡ أَعۡظَمُ دَرَجَةً عِندَ ٱللَّهِۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَآئِزُونَ ﴿٢٠﴾

باایشان جنگ کنید تا ایشان را خدا بدستهای شما عذاب کند وایشان را رسوا سازد وشمارا برایشان فتح دهد و (درد) سینه های گروه مسلمان را شفابخشد (١٤). و اندوه دلهای ایشان را دورکند وبه رحمت برهرکه خواهد باز گردد وخدا دانای استوار کار است (١٥). آیاگمان کردید که به حال خود وا گذاشته شوید[٦] وهنوز متمیز نه ساخته است خدا آنان را که ازشما جهاد کرده اند وبجزخدا وبجزپیامبر او وبجز مومنان هیچ دوست پنهانی نگرفته اند وخدا بآنچه می کنید داناست (١٦). مشرکان را روا نباشد که مسجد های خدا را آباد سازند درحالی که برخود به کفر اعتراف کرده اند آن جماعت عمل های ایشان باطل شد ودرآتش همیشه باشندگانند[٧] (١٧). جزاین نیست که آباد می کند مسجد های خدا را فقط کسیکه ایمان آورده است بخدا وبروزآخر ونمازرا برپاداشته است وزکوٰة را داده است ونترسیده است مگرازخدا پس توقع است که این جماعت ازراه یافتگان باشند (١٨). آیا آب نوشانیدن حاجیان وآباد ساختن مسجد حرام را مانند عمل کسی کردید که بخدا و روز آخر ایمان آورده است ودرراه خدا جهاد کرده است نزِد خدا برابرنیستند وخدا گروه ستمگاران را راه نمی نماید (١٩). وآنانکه ایمان آوردند وهجرت کردند و در راه خدا به اموال خویش وجان های خویش جهاد نمودند درمرتبه نزدِ خدا بزرگتراند واین جماعت ایشان مطلب یابان اند (٢٠).

(٦) یعنی تکلیف جهاد نشود.

(٧) مترجم گوید تعریض است به جواب مفاخرت قریش بعمارت مسجد حرام.

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُم بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ ﴿٢١﴾ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِندَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٢٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٣﴾ قُلْ إِن كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُم مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٤﴾ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ ۙ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ ۙ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ أَنزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنزَلَ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿٢٦﴾

پروردگارشان ایشان را به رحمت ازنزدیك خود وبخوشنودی وببوستانها که ایشان را درآنجانعمت دایم بُود مژده‌دهد (۲۱). آنجاهمیشه باشندگانند هرآئینه خداست که نزدیك او پاداش بزرگ است (۲۲). ای[۸] مسلمانان پدران خود وبرادران تان را اگراختیار کنند کفر را برایمان دوست مگیرید وهرکه ازشما باایشان دوستی دارد آن جماعت ایشان ستمگارانند (۲۳). بگواگر پدران شما وپسران شما وبرادران شما و زنان شما وخویشاوندان شما وآن مالهایی که آن را کسب کرده اید وتجارتی که از بی رواجی آن می ترسید ومنزل‌هایی که آن را پسند می‌کنید نزد شما ازخدا ورسول او وازجهاد درراه او دوست ترهستند پس منتظر باشید تاآنکه خدا عقوبتِ خود را بیاورد وخدا گروه فاسقان را راه نمی نماید (۲٤). هرآئینه[۹] شمارا خدا درجاهای بسیار فتح داد وروزحنین نیز چون به شگفت آورد شمارا بسیاری شما پس آن بسیاری ازشما چیزی را دفع نکرد وبرشما زمین تنگ شد باوجود فراخی آن پس پشت داده برگشتید (۲۵). باز خدای تعالی تسکین خود را برپیامبر خود و برمومنان فروفرستاد و لشکر هایی را که شما ایشان را ندیدید فروفرستاد وکافران را عقوبت کرد واین جزای کافران است(۲٦).

(۸) مترجم گوید بعد غزوه فتح درترغیب بر جهاد مشرکین واهل کتاب نازل شد.

(۹) مترجم گوید درغزوه حنین شکست گونه ای بمسلمین روی‌داده بود بعد ازآن خدای تعالی نصرت دادوبجهت تذکیر نعمت این آیات را فرستاد.

ثُمَّ يَتُوبُ ٱللَّهُ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ عَلَىٰ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ
غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٢٧ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡمُشۡرِكُونَ
نَجَسٞ فَلَا يَقۡرَبُواْ ٱلۡمَسۡجِدَ ٱلۡحَرَامَ بَعۡدَ عَامِهِمۡ هَٰذَاۚ
وَإِنۡ خِفۡتُمۡ عَيۡلَةٗ فَسَوۡفَ يُغۡنِيكُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦٓ
إِن شَآءَۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ٢٨ قَٰتِلُواْ ٱلَّذِينَ
لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَلَا بِٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ
مَا حَرَّمَ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ ٱلۡحَقِّ مِنَ
ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ حَتَّىٰ يُعۡطُواْ ٱلۡجِزۡيَةَ عَن يَدٖ
وَهُمۡ صَٰغِرُونَ ٢٩ وَقَالَتِ ٱلۡيَهُودُ عُزَيۡرٌ ٱبۡنُ ٱللَّهِ
وَقَالَتِ ٱلنَّصَٰرَى ٱلۡمَسِيحُ ٱبۡنُ ٱللَّهِۖ ذَٰلِكَ قَوۡلُهُم
بِأَفۡوَٰهِهِمۡۖ يُضَٰهِـُٔونَ قَوۡلَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَبۡلُۚ
قَٰتَلَهُمُ ٱللَّهُۖ أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ٣٠ ٱتَّخَذُوٓاْ أَحۡبَارَهُمۡ
وَرُهۡبَٰنَهُمۡ أَرۡبَابٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَٱلۡمَسِيحَ ٱبۡنَ
مَرۡيَمَ وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُوٓاْ إِلَٰهٗا وَٰحِدٗاۖ
لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ سُبۡحَٰنَهُۥ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٣١

باز خدا بعد ازین برهرکه خواهد برحمت بازگردد[۱۰] وخدا آمرزنده مهربان است (۲۷). ای مسلمانان جزاین نیست که مشرکان پلیداند پس بایدکه بعد ازاین سال‌شان به مسجد حرام نزدیك نشوند واگر از تنگدستی [۱۱] می ترسید پس شمارا خدا ازفضل خود اگر خواهد توانگر خواهد ساخت هرآئینه خدا دانای درست کارست[۱۲] (۲۸). باآنانکه ایمان نمی آورند بخدا ونه بروزآخر جنگ کنید و آنچه خدا وپیامبراو حرام کرده است حرام نمی شمردند و دین راست را اختیار نمی کنند ازاهل کتاب، تاآنکه جزیه را ازدست خود خوارشدگان بدهند (۲۹). ویهود گفتند که عزیر پسر خداست و نصاری گفتند که مسیح پسر خداست این قول ایشان بدهنهای شان است،[۱۳] باسخن قومی که پیش ازین کافر شدند[۱٤] مشابهت کرده اند خدا ایشان را لعنت کرد چگونه برگردانیده می شوند[۱۵] (۳۰). دانشمندان وزاهدان خود را به جای خدا پروردگاران گرفتند ونیز مسیح پسر مریم را ونفرموده شده اند مگرآنکه یك خدا را عبادت کنند هیچ معبود برحقی بجزاو نیست پاکست او ازآنکه شریك برای اومقررمی کنند(۳۱).

(۱۰) یعنی توفیق اسلام دهد هرکه را خواهد ازکافران والله اعلم.
(۱۱) یعنی بسبب انقطاع سوداگران والله اعلم.
(۱۲) مترجم گوید خدایتعالی درباب جهاداهل کتاب وگرفتن جزیه ازایشان می فرماید.
(۱۳) یعنی اصلی ندارد.
(۱٤) یعنی مشرکان که ملائکه را دختران خدا می گویند.
(۱۵) یعنی ازراه صواب.

يُرِيدُونَ أَن يُطْفِـُٔوا۟ نُورَ ٱللَّهِ بِأَفْوَٰهِهِمْ وَيَأْبَى ٱللَّهُ إِلَّآ أَن
يُتِمَّ نُورَهُۥ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْكَـٰفِرُونَ ﴿٣٢﴾ هُوَ ٱلَّذِىٓ أَرْسَلَ
رَسُولَهُۥ بِٱلْهُدَىٰ وَدِينِ ٱلْحَقِّ لِيُظْهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ
كُلِّهِۦ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْمُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾ ۞ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ
ءَامَنُوٓا۟ إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ ٱلْأَحْبَارِ وَٱلرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ
أَمْوَٰلَ ٱلنَّاسِ بِٱلْبَـٰطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ ۗ وَٱلَّذِينَ
يَكْنِزُونَ ٱلذَّهَبَ وَٱلْفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِى
سَبِيلِ ٱللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣٤﴾ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا
فِى نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ
وَظُهُورُهُمْ ۖ هَـٰذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا۟ مَا كُنتُمْ
تَكْنِزُونَ ﴿٣٥﴾ إِنَّ عِدَّةَ ٱلشُّهُورِ عِندَ ٱللَّهِ ٱثْنَا عَشَرَ
شَهْرًا فِى كِتَـٰبِ ٱللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ مِنْهَآ
أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلْقَيِّمُ ۚ فَلَا تَظْلِمُوا۟ فِيهِنَّ
أَنفُسَكُمْ ۚ وَقَـٰتِلُوا۟ ٱلْمُشْرِكِينَ كَآفَّةً كَمَا
يُقَـٰتِلُونَكُمْ كَآفَّةً ۚ وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلْمُتَّقِينَ ﴿٣٦﴾

می خواهند که نورخدا را بدهنهای شان فرونشانند[۱۶] وخدا قبول نکند مگر آنکه نور خود را تمام سازد اگرچه کافران ناخوش شوند (۳۲). اوست آنکه پیامبر خود را به هدایت ودین راست فرستاد تا اورا برهمه ادیان غالب کند اگرچه مشرکان ناخوش شوند (۳۳). ای مسلمانان هرآئینه بسیاری ازدانشمندان وزاهدان اهل کتاب اموال مردمان را به باطل می‌خورند وازراه خدا بازمی دارند وآنانکه زر و نقره را ذخیره می کنند وآن را درراهِ خدا خرج نمی نمایند[۱۷] این جماعت را به عذاب دردناك بشارت ده (۳٤). روزی که[۱۸] برآن مال درآتش دوزخ گرم کرده شود پس به آن پیشانیهای ایشان وپهلوهای ایشان وپشتهای ایشان داغ کرده شود وگفته شود این است آنچه برای خود ذخیره کردید پس آنچه ذخیره می کردید بچشید (۳۵). هرآئینه شمارماه ها نزدیك خدا دوازده ماه است درکتاب خدا روزی که آسمان ها و زمین را آفرید ازآن جمله چهارماه حرام است دین درست اینست پس درآن چهار ماه برخویشتن ستم مکنید[۱۹] وجنگ کنید باهمه مشرکان چنانکه ایشان باهمه شما جنگ می کنند وبدانید که خدا بامتقیان است (۳٦).

(۱٦) یعنی به شبهات تقریرمی کننددرابطال دین والله اعلم.

(۱۷) یعنی زکات نمی‌دهند.

(۱۸) یعنی دمیده شود.

(۱۹) مترجم گوید دردین حضرت ابراهیم مقرربودکه در محرم ورجب وذیقعده وذی الحجه بایك دیگر جنگ نکننداهل جاهلیت این حکم را تحریف کرده گاهی صفررامحرم می ساختند ومحرم را صفرو علی هذالقیاس واین را نسی می گفتند خدایتعالی اصل این حکم راباقی داشت باینوجه که جنگ ناحق هیچ گاه درست نیست و درین ماه ها حرمت آن شدیدتر میشود وجنگ با کافران همه وقت درست است ونفی تحریف ایشان فرمود.

إِنَّمَا ٱلنَّسِيٓءُ زِيَادَةٞ فِي ٱلۡكُفۡرِۖ يُضَلُّ بِهِ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ يُحِلُّونَهُۥ عَامٗا وَيُحَرِّمُونَهُۥ عَامٗا لِّيُوَاطِـُٔواْ
عِدَّةَ مَا حَرَّمَ ٱللَّهُ فَيُحِلُّواْ مَا حَرَّمَ ٱللَّهُۚ زُيِّنَ لَهُمۡ
سُوٓءُ أَعۡمَٰلِهِمۡۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ
٣٧ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَا لَكُمۡ إِذَا قِيلَ لَكُمُ
ٱنفِرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱثَّاقَلۡتُمۡ إِلَى ٱلۡأَرۡضِۚ أَرَضِيتُم
بِٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا مِنَ ٱلۡأٓخِرَةِۚ فَمَا مَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ
ٱلدُّنۡيَا فِي ٱلۡأٓخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ٣٨ إِلَّا تَنفِرُواْ يُعَذِّبۡكُمۡ
عَذَابًا أَلِيمٗا وَيَسۡتَبۡدِلۡ قَوۡمًا غَيۡرَكُمۡ وَلَا تَضُرُّوهُ
شَيۡـٔٗاۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ٣٩ إِلَّا تَنصُرُوهُ
فَقَدۡ نَصَرَهُ ٱللَّهُ إِذۡ أَخۡرَجَهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ثَانِيَ ٱثۡنَيۡنِ
إِذۡ هُمَا فِي ٱلۡغَارِ إِذۡ يَقُولُ لِصَٰحِبِهِۦ لَا تَحۡزَنۡ إِنَّ ٱللَّهَ
مَعَنَاۖ فَأَنزَلَ ٱللَّهُ سَكِينَتَهُۥ عَلَيۡهِ وَأَيَّدَهُۥ بِجُنُودٖ
لَّمۡ تَرَوۡهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلسُّفۡلَىٰۗ
وَكَلِمَةُ ٱللَّهِ هِيَ ٱلۡعُلۡيَاۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ٤٠

جزاین نیست که نَسِی زیادتی است درکفر گمراه گردانیده می شوند بآن کافران آن ماه را یك سال حلال می شُمُرَند و آن را سال دیگر حرام می شُمُرَند تاموافقت کنند با شمارآنچه خدا حرام ساخته است پس حلال سازند چیزی را که خدا حرام ساخته است برای ایشان کردار های بدایشان آراسته کرده شده است وخدا قوم کافران را راه نمی نماید[٢٠] (٣٧). ای مسلمانان چیست شمارا که چون به شما گفته می شود بیرون آیید درراه خدا گران شده به سوی زمین میل می کنید آیا به زندگانی دنیا به عوض آخرت رضامند شدید پس متاع زندگانی دنیا دربرابرآخرت مگراندکی نیست[٢١] (٣٨). اگر بیرون نیایید شما را عذاب کند عذابی درد ناك وبدل شما قومی دیگر را غیراز شما گیرد وخدا را هیچ زیان نرسانید وخدا برهمه چیز تواناست (٣٩). اگر پیامبررا نصرت ندهید چه باك هر آئینه اوراخدای تعالی نصرت داده است آنگاه که بیرون کردندش کافران دوم دوکس آنگاه که این دوکس درغاربودند آنگاه که یارخودرا می گفت[٢٢] اندوه مخور هرآئینه خدا باماست پس خدا تسکین خود را برپیامبر فروفرستاد وقوت دادش به لشکر هایی که آن را ندیدید و سخن کافران را فروترساخت وسخن خدا همونست بلند وخداغالب درست کاراست (٤٠).

(٢٠) یعنی بقتال ناحق.

(٢١) مترجم گوید آنحضرت صلی الله علیه وسلم دروقت عسرت وگرمی هوامتوجه غزوه تبوك شدند و بسیاری ازصحابه موافقت کردند وازمسلمین سه کس بغیر عذر تخلف کردند وتوبه ایشان بعد از پنجاه روز قبول افتاد وازمنافقان کلمات نفاق سرزد خدایتعالی درمدح اینان وذم آنان وعفوازآن سه کس آیات فرستاد.

(٢٢) یعنی ابو بکرصدیق را.

انفِرُواْ خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَٰهِدُواْ بِأَمْوَٰلِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾ لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَّٱتَّبَعُوكَ وَلَٰكِنۢ بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ ٱلشُّقَّةُۚ وَسَيَحْلِفُونَ بِٱللَّهِ لَوِ ٱسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنفُسَهُمْ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَٰذِبُونَ ﴿٤٢﴾ عَفَا ٱللَّهُ عَنكَ لِمَ أَذِنتَ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكَ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْ وَتَعْلَمَ ٱلْكَٰذِبِينَ ﴿٤٣﴾ لَا يَسْتَـْٔذِنُكَ ٱلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْأٓخِرِ أَن يُجَٰهِدُواْ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْۗ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلْمُتَّقِينَ ﴿٤٤﴾ إِنَّمَا يَسْتَـْٔذِنُكَ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْأٓخِرِ وَٱرْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ ﴿٤٥﴾ ۞ وَلَوْ أَرَادُواْ ٱلْخُرُوجَ لَأَعَدُّواْ لَهُۥ عُدَّةً وَلَٰكِن كَرِهَ ٱللَّهُ ٱنۢبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ ٱقْعُدُواْ مَعَ ٱلْقَٰعِدِينَ ﴿٤٦﴾ لَوْ خَرَجُواْ فِيكُم مَّا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُواْ خِلَٰلَكُمْ يَبْغُونَكُمُ ٱلْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّٰعُونَ لَهُمْۗ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤٧﴾

سبك باروگرانبار بیرون آیید[۲۳] و بمالهای خویش وجانهای خویش درراه خدا جهاد کنید این برای شما بهتر است اگرمی دانید (٤١). اگربودی آنچه بآن دعوت می کنی نفع قریب الحصول وسفری آسان البته تورا پیروی می‌کردند ولیکن برایشان مسافت راه دورشد بخدا سوگند خواهند خورد که اگر می توانستیم باشما بیرون می آمدیم خویش را هلاك می کنند[٢٤] وخدا می‌داند که ایشان البته دروغ گویند (٤٢). خدا ازتو عفو کند چرا به ایشان دستور اجازت دادی تاآنوقت که برای تو راست گویان آشکار شوند ودروغگویان را بدانی (٤٣). ازتو اجازت نمی طلبند آنانکه ایمان آورده اند بخدا وروزآخردرتخلف ازآنکه جهاد کنند باموال خویش وجانهای خویش وخدا به متقیان داناست (٤٤). جزاین نیست که ازتوآنانکه ایمان نمی آرند بخدا وروزآخر اجازت می طلبند وشك آورده است دلهای ایشان پس درشك خود سرگردان می شوند (٤٥). و اگر بیرون آمدن را خواسته بودند برای آن سفر سامان را مهیا می‌کردند ولیکن خدا برانگیختن ایشان را ناپسند داشت پس ایشان را ازحرکت بازداشت وگفته شد بانشستگان (درخانه) بنشینید[٢٥] (٤٦). اگربرمی آمدند میان شما درحق شما مگرفساد را نمی افزودند والبته به پا می‌کردند میان شما درحالیکه درحق شما فتنه میجویند[٢٦] ومیان شما برای‌آنان گوش کنندگانی است[٢٧] وخدا به ستمگاران داناست(٤٧).

---

(۲۳) یعنی درحالیکه اسباب وحشم بسیار داریدیابجز قدر ضروری بدست شما نباشد و باین توجیه آیت محکم باشد غیر منسوخ والله اعلم.

(٢٤) یعنی به سوگند دروغ.

(٢٥) واین تصویراست القای عزم مختلف را درخاطر ایشان.

(٢٦) یعنی سعی درفتنه میکردند.

(۲۷) یعنی سخن ایشان را قبول میکنند.

لَقَدِ ٱبۡتَغَوُاْ ٱلۡفِتۡنَةَ مِن قَبۡلُ وَقَلَّبُواْ لَكَ ٱلۡأُمُورَ حَتَّىٰ
جَآءَ ٱلۡحَقُّ وَظَهَرَ أَمۡرُ ٱللَّهِ وَهُمۡ كَٰرِهُونَ ﴿٤٨﴾ وَمِنۡهُم
مَّن يَقُولُ ٱئۡذَن لِّي وَلَا تَفۡتِنِّيٓۚ أَلَا فِي ٱلۡفِتۡنَةِ سَقَطُواْۗ وَإِنَّ
جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةُۢ بِٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٤٩﴾ إِن تُصِبۡكَ
حَسَنَةٞ تَسُؤۡهُمۡۖ وَإِن تُصِبۡكَ مُصِيبَةٞ يَقُولُواْ قَدۡ
أَخَذۡنَآ أَمۡرَنَا مِن قَبۡلُ وَيَتَوَلَّواْ وَّهُمۡ فَرِحُونَ ﴿٥٠﴾ قُل
لَّن يُصِيبَنَآ إِلَّا مَا كَتَبَ ٱللَّهُ لَنَا هُوَ مَوۡلَىٰنَاۚ وَعَلَى
ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ﴿٥١﴾ قُلۡ هَلۡ تَرَبَّصُونَ بِنَآ إِلَّآ
إِحۡدَى ٱلۡحُسۡنَيَيۡنِۖ وَنَحۡنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمۡ أَن يُصِيبَكُمُ ٱللَّهُ
بِعَذَابٖ مِّنۡ عِندِهِۦٓ أَوۡ بِأَيۡدِينَاۖ فَتَرَبَّصُوٓاْ إِنَّا مَعَكُم
مُّتَرَبِّصُونَ ﴿٥٢﴾ قُلۡ أَنفِقُواْ طَوۡعًا أَوۡ كَرۡهٗا لَّن يُتَقَبَّلَ
مِنكُمۡۖ إِنَّكُمۡ كُنتُمۡ قَوۡمٗا فَٰسِقِينَ ﴿٥٣﴾ وَمَا
مَنَعَهُمۡ أَن تُقۡبَلَ مِنۡهُمۡ نَفَقَٰتُهُمۡ إِلَّآ أَنَّهُمۡ كَفَرُواْ
بِٱللَّهِ وَبِرَسُولِهِۦ وَلَا يَأۡتُونَ ٱلصَّلَوٰةَ إِلَّا وَهُمۡ
كُسَالَىٰ وَلَا يُنفِقُونَ إِلَّا وَهُمۡ كَٰرِهُونَ ﴿٥٤﴾

هرآئینه فتنه را پیش ازین طلب کرده بودند وبگردانیدند برای تو مصلحت ها تاآنکه نصرت حق بیامد وکارخدا غالب شد وایشان ناخواهان بودند (٤٨). وازایشان کسی است که می‌گوید مرا اجازت دِه ومرا درفتنه میندار[۲۸] آگاه شوکه درفتنه افتاده اند وهر آئینه دوزخ کافران را دربرگیرنده است (٤٩). اگر به تونعمتی برسد ایشان را ناخوش کند و اگر به تو مصیبتی برسد گویند مصلحت خود را پیش ازین[۲۹] بدست آورده ایم و شادمان شده برمی گردند (٥٠). بگو هرگز بما نرسد مگرآنچه خدا برای ما نوشته است اوست کارسازما ومؤمنان باید که برخدا توکل کنند (٥١). بگو درحق ما انتظار نمی برید مگریکی ازدوخصلت نیك را[۳۰] وما درحقِ شما انتظار می کشیم که خدا به شما عذاب را ازنزد خود یا بدست ما برساند پس انتظار کشید هرآئینه ما نیزبا شما منتظرانیم (٥٢). بگوای منافقان خرج کنید بخوشی یا ناخوشی هرگز ازشما پذیرفته نخواهدشد هرآئینه شما قوم فاسقان هستید (٥٣). وبازنداشت ایشان را ازآن که ازایشان خرج ایشان قبول شود مگرآنکه ایشان بخدا ورسول او کافرشدند وبه نماز نمی آیند مگرکاهلی کنان وخرج نمی کنند مگر ناخواهان (٥٤).

---

(۲۸) یعنی مرا در بلاد روم مبرید که جمال رومیان دیده مفتون خواهم شد والله اعلم.

(۲۹) یعنی پنهان بااعداء موافقت کرده‌ایم یاازسفر تخلف نموده ایم مارا هیچ باك نیست والله اعلم.

(۳۰) یعنی فتح یا شهادت.

فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَٰلُهُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُهُمْۚ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُعَذِّبَهُم
بِهَا فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَٰفِرُونَ
﴿٥٥﴾ وَيَحْلِفُونَ بِٱللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنكُمْ وَمَا هُم مِّنكُمْ وَلَٰكِنَّهُمْ
قَوْمٌ يَفْرَقُونَ ﴿٥٦﴾ لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَـًٔا أَوْ مَغَٰرَٰتٍ أَوْ مُدَّخَلًا
لَّوَلَّوْا۟ إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ ﴿٥٧﴾ وَمِنْهُم مَّن يَلْمِزُكَ فِى
ٱلصَّدَقَٰتِ فَإِنْ أُعْطُوا۟ مِنْهَا رَضُوا۟ وَإِن لَّمْ يُعْطَوْا۟ مِنْهَآ إِذَا
هُمْ يَسْخَطُونَ ﴿٥٨﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا۟ مَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ
وَقَالُوا۟ حَسْبُنَا ٱللَّهُ سَيُؤْتِينَا ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ وَرَسُولُهُۥٓ
إِنَّآ إِلَى ٱللَّهِ رَٰغِبُونَ ﴿٥٩﴾ ۞ إِنَّمَا ٱلصَّدَقَٰتُ لِلْفُقَرَآءِ وَٱلْمَسَٰكِينِ
وَٱلْعَٰمِلِينَ عَلَيْهَا وَٱلْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِى ٱلرِّقَابِ
وَٱلْغَٰرِمِينَ وَفِى سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱبْنِ ٱلسَّبِيلِۖ فَرِيضَةً
مِّنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٦٠﴾ وَمِنْهُمُ ٱلَّذِينَ يُؤْذُونَ
ٱلنَّبِىَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌۚ قُلْ أُذُنُ خَيْرٍ لَّكُمْ يُؤْمِنُ
بِٱللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا۟
مِنكُمْۚ وَٱلَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ ٱللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦١﴾

نصف الحزب ٢٠

پس تورا مالهای ایشان ونه فرزندان ایشان به شگفت نیارد جزاین نیست که خدا می خواهد که ایشان را بآنها درزندگانی دنیا عذاب کند[۳۱] وبرآید جانهای ایشان وایشان کافرباشند (٥٥). وبخدا سوگند می خورند که ایشان از گروه شمایند و ایشان ازشما نیستند ولیکن ایشان جماعتی هستند که می ترسند (٥٦). اگر پناهی یاغارها یاجای درآمدن را بیابند هرآئینه بآن شتاب کنان متوجه شوند (٥٧). وازایشان کسی هست که تورا درتقسیم صدقات عیب می کند پس اگر ایشان را ازآن داده شود خوشنود شوند واگرازآن داده نشوند ازآن ناگهان ایشان خشم می گیرند (٥٨). و اگرایشان رضامند می‌شدند بآنچه ایشان را خدا و رسول او داده است ومی گفتند ما را خدا بس است، مارا خدا ازفضل خود ورسول او خواهد داد هرآئینه ما به سوی خدا توقع دارندگانیم (این بهتر می بود) (٥٩). جزاین نیست که صدقه ها برای فقیران است وبی نوایان وکارکنان برجمع صدقات وآنانکه الفت داده می شود دلهای ایشان را[۳۲] وبرای خرج کردن درآزادی برده ها وبرای وام داران وبرای خرج کردن درراه خدا[۳۳] وبرای مسافران است حکم از نزد خدا ثابت شده است وخدا دانای درست کاراست (٦٠). وازایشان آنانند که پیامبررا آزار می دهند و می گویند وی خوش باور است[۳٤] بگو وی خوش باور نیکوست برای شما گفته‌ٔ خدا را باورمی‌کند ومشورت مسلمانان را قبول می کند وبرای اهل ایمان ازشما رحمت است وآنانکه پیامبرخدا را ایذا می رسانند برای ایشان عذاب دردناك است (٦١).

(۳۱) یعنی مشقت جمع مال و حفظ اولاد و تأسف برآنچه فوت شود والله اعلم.
(۳۲) یعنی ضعیف الإسلام.
(۳۳) یعنی جهاد.
(۳٤) یعنی هرچه کسی جوید قبول می کند.

يَحۡلِفُونَ بِٱللَّهِ لَكُمۡ لِيُرۡضُوكُمۡ وَٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَحَقُّ
أَن يُرۡضُوهُ إِن كَانُواْ مُؤۡمِنِينَ ٦٢ أَلَمۡ يَعۡلَمُوٓاْ أَنَّهُۥ مَن
يُحَادِدِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَأَنَّ لَهُۥ نَارَ جَهَنَّمَ خَٰلِدٗا فِيهَاۚ
ذَٰلِكَ ٱلۡخِزۡيُ ٱلۡعَظِيمُ ٦٣ يَحۡذَرُ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ أَن
تُنَزَّلَ عَلَيۡهِمۡ سُورَةٞ تُنَبِّئُهُم بِمَا فِي قُلُوبِهِمۡۚ قُلِ ٱسۡتَهۡزِءُوٓاْ
إِنَّ ٱللَّهَ مُخۡرِجٞ مَّا تَحۡذَرُونَ ٦٤ وَلَئِن سَأَلۡتَهُمۡ
لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلۡعَبُۚ قُلۡ أَبِٱللَّهِ وَءَايَٰتِهِۦ
وَرَسُولِهِۦ كُنتُمۡ تَسۡتَهۡزِءُونَ ٦٥ لَا تَعۡتَذِرُواْ قَدۡ كَفَرۡتُم
بَعۡدَ إِيمَٰنِكُمۡۚ إِن نَّعۡفُ عَن طَآئِفَةٖ مِّنكُمۡ نُعَذِّبۡ طَآئِفَةَۢ
بِأَنَّهُمۡ كَانُواْ مُجۡرِمِينَ ٦٦ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتُ
بَعۡضُهُم مِّنۢ بَعۡضٖۚ يَأۡمُرُونَ بِٱلۡمُنكَرِ وَيَنۡهَوۡنَ
عَنِ ٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَقۡبِضُونَ أَيۡدِيَهُمۡۚ نَسُواْ ٱللَّهَ فَنَسِيَهُمۡۚ
إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ٦٧ وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ
وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلۡكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ هِيَ
حَسۡبُهُمۡۚ وَلَعَنَهُمُ ٱللَّهُۖ وَلَهُمۡ عَذَابٞ مُّقِيمٞ ٦٨

بخدا برای شما سو گند می خورند تاشما را رضامندکنند وخدا و رسول او سزاوار ترند بآنکه او را رضامند سازند اگر مسلمانند (٦٢). آیاندانستند که هرکه باخدا ورسول او خلاف کند پس هرآئینه او را آتش دوزخ است جاویدان آنجا این رسوایی بزرگ است (٦٣). منافقان می ترسند ازآنکه برمسلمانان سوره ای فرود آورده شود که ایشان را خبردهد بآنچه دردل های منافقان است بگومسخره کنید هرآئینه خدا پدید آرنده است چیزی را که می ترسید (٦٤). و اگر ایشان را سوال کنی گویند جزاین نیست که ما شوخی می نمودیم وبازی می کردیم بگو آیابخدا وآیه های او وپیامبراو تمسخرمی کردید (٦٥). عذرنیارید هرآئینه شما بعدازایمان خود کافرشدید[۳۵] اگر ازگروهی ازشما درگذریم البته گروهی‌را عذاب میدهیم بسبب آنکه ایشان گنهگاربودند (٦٦). مردان منافق و زنان منافق بعضی از ایشان ازجنس بعضی دیگرند می فرمایند بکارِ ناپسندیده و ازکار پسندیده منع می کنند ودستهای خود را می‌بندند خدا را فراموش کردند پس خدا ایشان را فراموش کرد هرآئینه منافقان همان فاسقانند (٦٧). خدا مردان منافق وزنان منافق را وکافران را آتش دوزخ وعده داده است همیشه در آن باشندگانند، دوزخ ایشانرا بس است وخدا ایشان را لعنت‌کرد وبرای ایشان عذاب دایم است (٦٨).

(۳۵) یعنی بعد ایمان بزبان خود.

كَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ كَانُوٓاْ أَشَدَّ مِنكُمۡ قُوَّةٗ وَأَكۡثَرَ أَمۡوَٰلٗا
وَأَوۡلَٰدٗا فَٱسۡتَمۡتَعُواْ بِخَلَٰقِهِمۡ فَٱسۡتَمۡتَعۡتُم بِخَلَٰقِكُمۡ
كَمَا ٱسۡتَمۡتَعَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُم بِخَلَٰقِهِمۡ وَخُضۡتُمۡ
كَٱلَّذِي خَاضُوٓاْۚ أُوْلَٰٓئِكَ حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا
وَٱلۡأٓخِرَةِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ٦٩ أَلَمۡ يَأۡتِهِمۡ
نَبَأُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ قَوۡمِ نُوحٖ وَعَادٖ وَثَمُودَ وَقَوۡمِ
إِبۡرَٰهِيمَ وَأَصۡحَٰبِ مَدۡيَنَ وَٱلۡمُؤۡتَفِكَٰتِۚ أَتَتۡهُمۡ رُسُلُهُم
بِٱلۡبَيِّنَٰتِۖ فَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيَظۡلِمَهُمۡ وَلَٰكِن كَانُوٓاْ
أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ٧٠ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ بَعۡضُهُمۡ
أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۚ يَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ
وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَيُطِيعُونَ ٱللَّهَ
وَرَسُولَهُۥٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ سَيَرۡحَمُهُمُ ٱللَّهُۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ
٧١ وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا
ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا وَمَسَٰكِنَ طَيِّبَةٗ فِي جَنَّٰتِ عَدۡنٖۚ
وَرِضۡوَٰنٞ مِّنَ ٱللَّهِ أَكۡبَرُۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ٧٢

مانند آنانکه پیش ازشما بودند ازشما زیاده تر درقوت وبیشتر دراموال واولاد بودند پس به بهرهٔ خویش بهره مند شدند[٣٦] پس شما نیز به بهرهٔ خویش بهره مند شدید چنانکه آنانکه پیش ازشمابودند به بهرهٔ خویش بهره مند شدند در (باطل) فرو رفتید همانند کسانی که در (باطل) فرو رفتند آن جماعت عمل های ایشان دردنیا وآخرت نابود شد وآن جماعت ایشان زیان کاران اند (٦٩). آیا به ایشان خبرآنانکه پیش ازایشان بودند نرسیده است قوم نوح وعاد وثمود وقوم ابراهیم واهل مدین واهل موتفکات بایشان پیامبران ایشان به نشانه های روشن آمدند پس هرگز نشد که خدا برایشان ظلم کند ولیکن ایشان برخویشتن ظلم میکردند (٧٠). ومردان مسلمان وزنان مسلمان بعض ایشان دوستان بعض اند بکارپسندیده می فرمایند وازکار ناپسندیده منع می کنند ونمازرا برپا می‌دارند وزکوٰة را می دهند وخدا ورسول اورا فرمانبرداری می کنند این جماعت خدا برایشان رحم خواهد کرد هرآئینه خداغالب درست کاراست (٧١). وخدا مردان مسلمان وزنان مسلمان را وعده کرده است بوستانهایی که زیرآنها جویها میرود همیشه آنجا باشندگانند وجایهای پاکیزه دربهشت های جاویدان وخوشنودی خدا ازهمه بزرگ تراست این پیروزی بزرگ است (٧٢).

(٣٦) یعنی ازدنیا.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ جَٰهِدِ ٱلْكُفَّارَ وَٱلْمُنَٰفِقِينَ وَٱغْلُظْ عَلَيْهِمْ ۚ
وَمَأْوَىٰهُمْ جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ ﴿٧٣﴾ يَحْلِفُونَ بِٱللَّهِ مَا قَالُوا۟
وَلَقَدْ قَالُوا۟ كَلِمَةَ ٱلْكُفْرِ وَكَفَرُوا۟ بَعْدَ إِسْلَٰمِهِمْ وَهَمُّوا۟
بِمَا لَمْ يَنَالُوا۟ ۚ وَمَا نَقَمُوٓا۟ إِلَّآ أَنْ أَغْنَىٰهُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ
مِن فَضْلِهِۦ ۚ فَإِن يَتُوبُوا۟ يَكُ خَيْرًا لَّهُمْ ۖ وَإِن يَتَوَلَّوْا۟ يُعَذِّبْهُمُ
ٱللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ ۚ وَمَا لَهُمْ فِى ٱلْأَرْضِ
مِن وَلِىٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٧٤﴾ ۞ وَمِنْهُم مَّنْ عَٰهَدَ ٱللَّهَ لَئِنْ ءَاتَىٰنَا
مِن فَضْلِهِۦ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ
﴿٧٥﴾ فَلَمَّآ ءَاتَىٰهُم مِّن فَضْلِهِۦ بَخِلُوا۟ بِهِۦ وَتَوَلَّوا۟ وَّهُم
مُّعْرِضُونَ ﴿٧٦﴾ فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِى قُلُوبِهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ يَلْقَوْنَهُۥ
بِمَآ أَخْلَفُوا۟ ٱللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا۟ يَكْذِبُونَ ﴿٧٧﴾
أَلَمْ يَعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَىٰهُمْ وَأَنَّ ٱللَّهَ
عَلَّٰمُ ٱلْغُيُوبِ ﴿٧٨﴾ ٱلَّذِينَ يَلْمِزُونَ ٱلْمُطَّوِّعِينَ مِنَ
ٱلْمُؤْمِنِينَ فِى ٱلصَّدَقَٰتِ وَٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ
فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ ۙ سَخِرَ ٱللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٩﴾

ای پیامبر باکافران جهاد کن[۳۷] وبامنافقان جهاد کن[۳۸] وبرایشان درشتی کن وجایگاهشان دوزخ است ووی بدجایی است (۷۳). سوگند می‌خورند به خداکه نگفته اند وهرآئینه سخن کفر گفته اند وپس ازاسلامشان کافرشده اند وقصدکردند آنچه نیافتند[۳۹] وانکارنکردند مگرآنکه ایشان را خدا ورسول او ازفضل خود توانگر ساخت[٤۰] پس اگرتوبه کنند ایشان را بهتر باشد واگر رویگردان شوند خدا ایشان را به عذاب بسیار دردناکی دردنیا وآخرت عذاب کند وایشان را درزمین هیچ کارساز ونه هیچ یاری دهنده ای نیست (۷٤). وازیشان کسی هست که باخدا عهد بسته است البته اگربدهد ما را ازفضل خود هر آئینه صدقه دهیم والبته ازنیکوکاران باشیم (۷۵). پس وقتی که ایشان را ازفضل خود بداد بخیلی کردند بآن واعراض کنان سرپیچی کردند (۷٦). پس خدای تعالی نفاق را در عاقبت دردلهای ایشان قرار داد تا روزی که باوی ملاقات کنند بشومی آنکه باخدا خلاف کردند آنچه راکه باوی وعده کرده بودند و بشومی آنکه دروغ می گفتند (۷۷). آیاندانسته اند که خدا سخن پنهان ایشان و رازگفتن ایشان را می داند وآنکه خدا دانندهٔ غیب ها است (۷۸). آنانکه ازمسلمانان درصدقات رغبت کنندگان را عیب می‌گیرند وآنان را که نمی یابند مگرمشقت خودرا[٤۱] عیب می گیرند پس بایشان تمسخر می‌کنند خدابآن تمسخر کندگان تمسخر کرد وایشان را عذابی دردناك است (۷۹).

---

(۳۷) یعنی بسیف وشمشیر.

(۳۸) یعنی به زبان.

(۳۹) یعنی ایذای پیامبر.

(٤۰) واین نوعی ازتحکم است والله اعلم.

(٤۱) یعنی بمزدوری چیزی پیدامیکنند وصدقه میدهند.

ٱسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِن تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً
فَلَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَهُمْ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا۟ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ۗ
وَٱللَّهُ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلْفَٰسِقِينَ ﴿٨٠﴾ فَرِحَ ٱلْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ
خِلَٰفَ رَسُولِ ٱللَّهِ وَكَرِهُوٓا۟ أَن يُجَٰهِدُوا۟ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ
فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ وَقَالُوا۟ لَا تَنفِرُوا۟ فِى ٱلْحَرِّ ۗ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا ۚ
لَّوْ كَانُوا۟ يَفْقَهُونَ ﴿٨١﴾ فَلْيَضْحَكُوا۟ قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا۟ كَثِيرًا جَزَآءًۢ
بِمَا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ ﴿٨٢﴾ فَإِن رَّجَعَكَ ٱللَّهُ إِلَىٰ طَآئِفَةٍ
مِّنْهُمْ فَٱسْتَـْٔذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُل لَّن تَخْرُجُوا۟ مَعِىَ أَبَدًا وَلَن
تُقَٰتِلُوا۟ مَعِىَ عَدُوًّا ۖ إِنَّكُمْ رَضِيتُم بِٱلْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَٱقْعُدُوا۟
مَعَ ٱلْخَٰلِفِينَ ﴿٨٣﴾ وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰٓ أَحَدٍ مِّنْهُم مَّاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ
عَلَىٰ قَبْرِهِۦٓ ۖ إِنَّهُمْ كَفَرُوا۟ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَمَاتُوا۟ وَهُمْ فَٰسِقُونَ
﴿٨٤﴾ وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَٰلُهُمْ وَأَوْلَٰدُهُمْ ۚ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُعَذِّبَهُم
بِهَا فِى ٱلدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَٰفِرُونَ ﴿٨٥﴾ وَإِذَآ
أُنزِلَتْ سُورَةٌ أَنْ ءَامِنُوا۟ بِٱللَّهِ وَجَٰهِدُوا۟ مَعَ رَسُولِهِ ٱسْتَـْٔذَنَكَ
أُو۟لُوا۟ ٱلطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا۟ ذَرْنَا نَكُن مَّعَ ٱلْقَٰعِدِينَ ﴿٨٦﴾

آمرزش بخواهی برای ایشان یا آمرزش نخواهی برای ایشان (برابراست)[٤٢] اگر آمرزش خواهی برای ایشان هفتاد بار هرگز خدا ایشان را نیامرزد این بسبب آنست که ایشان بخدا ورسول او کافر شدند وخدا گروه فاسقان را راه نمی نماید (۸۰). پس گذاشته شدگان به نشستن خویش برخلاف پیامبرخدا شادمان شدند وناپسندکردند که به اموال خویش وبه جانهای خویش در راه خدا جهاد کنند وگفتند بایکدیگر درگرمی بیرون نروید بگوآتش دوزخ سوزان تراست اگردرمی یافتند (چنین نمی کردند) (۸۱). پس باید که اندکی بخندند وبسیار بگریند سزای آنچه می کردند[٤٣] (۸۲). پس اگر خدای تعالی به سوی گروهی ازایشان تورا باز آورد پس ازتو برای بیرون آمدن اجازه خواهند[٤٤] بگو بامن هرگز بیرون نخواهید آمد وهمراه من باهیچ دشمنی جنگ نخواهید کرد هرآئینه شما به نشستن بار اول رضامند شدید پس باپس ماندگان بنشینید (۸۳). و(یا محمد) برهیچ یکی ازایشان که بمیرد هرگز نمازمگزار وبرگورش مایست هرآئینه ایشان بخدا ورسول او کافرشدند ودرحال نافرمانی مردند (۸٤). وتورا اموال ایشان ونه فرزندان ایشان بشگفت نیاورد جزاین نیست که خدا می‌خواهد که ایشان را به آن در دنیا عذاب کند وروح هایشان بیرون شود درحالیکه ایشان کافرباشند (۸۵). وچون سوره ای باین مضمون که ایمان آورید به خدا وهمراه رسول او جهاد کنید فرود آورده شود توانمندانشان ازتو اجازه خواهند و گویند بگذار ما را تا باخانه نشینان باشیم (۸٦).

---

(٤٢) یعنی هردوصورت یکسان است.

(٤٣) مترجم گوید مرادخبرست به آنکه دردنیا خواهند خندیدودرآخرت خواهندگریست.

(٤٤) یعنی برای احرازغنائم.

رَضُوا۟ بِأَن يَكُونُوا۟ مَعَ ٱلْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ
لَا يَفْقَهُونَ ﴿٨٧﴾ لَٰكِنِ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مَعَهُۥ
جَٰهَدُوا۟ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ ۚ وَأُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلْخَيْرَٰتُ ۖ
وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ﴿٨٨﴾ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرِى
مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا ۚ ذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ﴿٨٩﴾
وَجَآءَ ٱلْمُعَذِّرُونَ مِنَ ٱلْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ ٱلَّذِينَ
كَذَبُوا۟ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ ۚ سَيُصِيبُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْهُمْ عَذَابٌ
أَلِيمٌ ﴿٩٠﴾ لَّيْسَ عَلَى ٱلضُّعَفَآءِ وَلَا عَلَى ٱلْمَرْضَىٰ وَلَا عَلَى ٱلَّذِينَ
لَا يَجِدُونَ مَا يُنفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا۟ لِلَّهِ وَرَسُولِهِۦ ۚ
مَا عَلَى ٱلْمُحْسِنِينَ مِن سَبِيلٍ ۚ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٩١﴾
وَلَا عَلَى ٱلَّذِينَ إِذَا مَآ أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَآ أَجِدُ
مَآ أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوا۟ وَّأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ ٱلدَّمْعِ
حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا۟ مَا يُنفِقُونَ ﴿٩٢﴾ ۞ إِنَّمَا ٱلسَّبِيلُ عَلَى
ٱلَّذِينَ يَسْتَـْٔذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَآءُ ۚ رَضُوا۟ بِأَن يَكُونُوا۟
مَعَ ٱلْخَوَالِفِ وَطَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٩٣﴾

راضی شدند بآنکه با زنانِ پس مانده باشند وبردلهای ایشان مهرنهاده شد پس ایشان نمی فهمند (۸۷). لیکن پیامبر وآنانکه بااو ایمان آوردند باموال خود وجان های خود جهاد کردند واین جماعت برای ایشان نیکی‌ها است واین جماعت ایشان رستگاران اند (۸۸). خدا برای ایشان بوستانهایی که میرود زیرآنها جویها آماده ساخته است جاویدان در آنجا این پیروزی بزرگ است (۸۹). واهلِ عذر ازصحرا نشینان آمدند تا ایشان را اجازه داده شود وآنانکه باخدا ورسول او دروغ گفتند (یعنی دراظهار اسلام) (بدون هچ عذری در خانهٔ خود) نشستند بزودی به کافران ازایشان عذابی دردناك خواهد رسید (۹۰). برناتوان ونه بر بیماران ونه بر آنانکه نمی یابند آنچه راکه خرج کنند هیچ گناهی نیست چون باخدا ورسول او نیك خواهی کنند برنیکوکاران هیچ راه سرزنش نیست وخدا آمرزندهٔ مهربان است (۹۱). ونه بر آنانکه چون بیایند پیش تو تا سواری دهی ایشان را گویی آنچه شما را برآن سوارکنم نمی یابم باز گردند درحالیکه چشم های ایشان بجهت اندوه از آنکه نمی یابند آنچه خرج کنند سرشاراشك است (۹۲). جزاین نیست که راه سرزنش فقط برآنان است که ازتو اجازه می خواهند درحالیکه ایشان توانگرانند راضی شدند بآنکه با زنان پس مانده باشند وخدا بردلهای ایشان مُهر نهاد پس ایشان نمی فهمند (۹۳).

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ ۚ قُل لَّا تَعْتَذِرُوا۟
لَن نُّؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَّأَنَا ٱللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ ۚ وَسَيَرَى
ٱللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُۥ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَٰلِمِ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ
فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٤﴾ سَيَحْلِفُونَ بِٱللَّهِ
لَكُمْ إِذَا ٱنقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُوا۟ عَنْهُمْ ۖ فَأَعْرِضُوا۟
عَنْهُمْ ۖ إِنَّهُمْ رِجْسٌ ۖ وَمَأْوَىٰهُمْ جَهَنَّمُ جَزَآءًۢ بِمَا كَانُوا۟
يَكْسِبُونَ ﴿٩٥﴾ يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا۟ عَنْهُمْ ۖ فَإِن
تَرْضَوْا۟ عَنْهُمْ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ ٱلْقَوْمِ ٱلْفَٰسِقِينَ
﴿٩٦﴾ ٱلْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا۟ حُدُودَ
مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ ۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٩٧﴾ وَمِنَ
ٱلْأَعْرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ
ٱلدَّوَآئِرَ ۚ عَلَيْهِمْ دَآئِرَةُ ٱلسَّوْءِ ۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٩٨﴾ وَمِنَ
ٱلْأَعْرَابِ مَن يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ
قُرُبَٰتٍ عِندَ ٱللَّهِ وَصَلَوَٰتِ ٱلرَّسُولِ ۚ أَلَآ إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَّهُمْ ۚ
سَيُدْخِلُهُمُ ٱللَّهُ فِى رَحْمَتِهِۦٓ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٩٩﴾

پیش شما عذرخواهی کنند چون به سوی ایشان بازآیید بگوعذرخواهی مکنید سخن شمارا باورنکنیم به راستی خدا ما را به بعض خبرهای شما آگاه ساخته است وخدا ورسول او عمل شما را خواهد دید (یعنی دردنیا) سپس به سوی داننده پنهان وآشکار بازگردانیده شوید پس شمارا از (حقیقت) آنچه میکردید خبرمیدهد (۹٤). به خدا سوگند خواهند خورد پیش شما چون به سوی ایشان بازآیید تا ازایشان رویگردانید پس شما ازایشان روی‌بگردانید هرآئینه ایشان پلیداند وجای ایشان دوزخ است به کیفر آنچه میکردند (۹٥). سوگند میخورند برای شما تا ازایشان رضامند شوید پس ا گر ازایشان رضامند شوید پس هرآئینه (بدانید) که خدا ازگروه فاسقان رضامند نمی‌شود (۹٦). صحرانشینان در کفرو نفاق سخت تراند[٤٥] وسزاوارترند به آنکه احکام شریعتی را که نازل کرده است خدا برپیامبر خود ندانند وخدا دانای درست کاراست (۹۷). واز صحرانشینان کسی هست که تاوان می شمارد چیزی را که خرج می کند ودرحق شما مصائب را انتظارمی کشد برایشان باد مصیبتِ بد وخدا شنوای داناست (۹۸). وازاعراب کسی هست که به خدا وروزآخر ایمان می آورد وچیزی را که خرج می کند (مایهٔ) قربت نزد خدا می شمارد ووسیلهٔ دعای نیك پیامبر، آ گاه باش هر آئینه وی ایشان را قربتست ایشان را خدا دررحمت خود داخل خواهد کرد بی گمان خداآمرزندهٔ مهربان است (۹۹).

(٤٥) یعنی به نسبت اهل شهر.

وَٱلسَّٰبِقُونَ ٱلْأَوَّلُونَ مِنَ ٱلْمُهَٰجِرِينَ وَٱلْأَنصَارِ وَٱلَّذِينَ
ٱتَّبَعُوهُم بِإِحْسَٰنٍ رَّضِىَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا۟ عَنْهُ وَأَعَدَّ
لَهُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرِى تَحْتَهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا ۚ
ذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ﴿١٠٠﴾ وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ ٱلْأَعْرَابِ
مُنَٰفِقُونَ ۖ وَمِنْ أَهْلِ ٱلْمَدِينَةِ مَرَدُوا۟ عَلَى ٱلنِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ ۖ
نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ ۚ سَنُعَذِّبُهُم مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ
عَظِيمٍ ﴿١٠١﴾ وَءَاخَرُونَ ٱعْتَرَفُوا۟ بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا۟ عَمَلًا صَٰلِحًا
وَءَاخَرَ سَيِّئًا عَسَى ٱللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ
﴿١٠٢﴾ خُذْ مِنْ أَمْوَٰلِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِم بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ ۖ
إِنَّ صَلَوٰتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ ۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٠٣﴾ أَلَمْ يَعْلَمُوٓا۟ أَنَّ
ٱللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ ٱلتَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِۦ وَيَأْخُذُ ٱلصَّدَقَٰتِ وَأَنَّ
ٱللَّهَ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾ وَقُلِ ٱعْمَلُوا۟ فَسَيَرَى ٱللَّهُ عَمَلَكُمْ
وَرَسُولُهُۥ وَٱلْمُؤْمِنُونَ ۖ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَٰلِمِ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ
فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٠٥﴾ وَءَاخَرُونَ مُرْجَوْنَ لِأَمْرِ ٱللَّهِ
إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ ۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٠٦﴾

وسبقت کنندگان نخستین ازمهاجران وانصار وآنانکه پیروی ایشان به نیکوکاری کردند خدا ازیشان خوشنود شد وایشان (نیز) ازوی خوشنود شدند اوبرای ایشان بوستانهایی که زیرآنها جویها میرود آماده ساخت جاویدان در آنجاهمیشه، این پیروزی بزرگ است (۱۰۰). وازآنانکه دور و بر شمایند ازاعراب منافقانند وبعضی ازاهل مدینه خوی نفاق دارند تو ایشان را نمی دانی ما ایشان را میدانیم ایشانرا دوبار عذاب خواهیم داد[٤٦] سپس به سوی عذاب بزرگ بازگردانیده شوند (۱۰۱). ودیگرانی هستند که به گناهشان اقرار کردند آمیخته‌اند عمل نیك را با عمل دیگرکه بَدَست، نزدیك است که خدا به رحمت برایشان متوجه شود هرآئینه خدا آمرزندهٔ مهربانست (۱۰۲). ازاموال ایشان زکوٰت را بگیر تا ایشان را پاك سازی وایشان را به آن با برکت کنی وبرای ایشان دعای خیر کن هرآئینه دعای تو برای ایشان سبب آرامش است وخدا شنوای داناست (۱۰۳). آیا ندانسته اند که خدا اوست که ازبندگان خود توبه قبول می کند وصدقات را میگیرد وآنکه خدااوست توبه پذیرندهٔ مهربان (۱۰٤). وبگو عمل کنید پس زود خدا ورسول او ومومنان عمل شما را خواهد دید وبه سوی دانندهٔ پنهان وآشکار زود بازگردانیده خواهید شد پس شما را به آنچه می کردید خبرمیدهد (۱۰۵). ودیگرانی هستندکه وا گذاشته موقوف داشته شده به فرمان خدایند یا که ایشان را عذاب دهد یا به رحمت متوجه شود برایشان وخدا دانای درست کاراست (۱۰٦).

---

(٤٦) یعنی درمیان مسلمانان ذلیل شوند ودراموال واولاد آفات بینند.

وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مَسۡجِدٗا ضِرَارٗا وَكُفۡرٗا وَتَفۡرِيقَۢا بَيۡنَ
ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَإِرۡصَادٗا لِّمَنۡ حَارَبَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ مِن قَبۡلُۚ
وَلَيَحۡلِفُنَّ إِنۡ أَرَدۡنَآ إِلَّا ٱلۡحُسۡنَىٰۖ وَٱللَّهُ يَشۡهَدُ إِنَّهُمۡ
لَكَٰذِبُونَ ١٠٧ لَا تَقُمۡ فِيهِ أَبَدٗاۚ لَّمَسۡجِدٌ أُسِّسَ عَلَى ٱلتَّقۡوَىٰ
مِنۡ أَوَّلِ يَوۡمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ فِيهِۚ فِيهِ رِجَالٞ يُحِبُّونَ أَن
يَتَطَهَّرُواْۚ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُطَّهِّرِينَ ١٠٨ أَفَمَنۡ أَسَّسَ بُنۡيَٰنَهُۥ
عَلَىٰ تَقۡوَىٰ مِنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٍ خَيۡرٌ أَم مَّنۡ أَسَّسَ بُنۡيَٰنَهُۥ
عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٖ فَٱنۡهَارَ بِهِۦ فِي نَارِ جَهَنَّمَۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي
ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٠٩ لَا يَزَالُ بُنۡيَٰنُهُمُ ٱلَّذِي بَنَوۡاْ رِيبَةٗ
فِي قُلُوبِهِمۡ إِلَّآ أَن تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمۡۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ
١١٠ ۞ إِنَّ ٱللَّهَ ٱشۡتَرَىٰ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ أَنفُسَهُمۡ وَأَمۡوَٰلَهُم
بِأَنَّ لَهُمُ ٱلۡجَنَّةَۚ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَيَقۡتُلُونَ
وَيُقۡتَلُونَۖ وَعۡدًا عَلَيۡهِ حَقّٗا فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَٱلۡإِنجِيلِ
وَٱلۡقُرۡءَانِۚ وَمَنۡ أَوۡفَىٰ بِعَهۡدِهِۦ مِنَ ٱللَّهِۚ فَٱسۡتَبۡشِرُواْ
بِبَيۡعِكُمُ ٱلَّذِي بَايَعۡتُم بِهِۦۚ وَذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ١١١

ربع الحزب ٢١

وازایشان آنانند که ساخته اند مسجدی برای زیان رسانیدن وبجهت کفر وبرای تفرقه افگندن میان مسلمانان وکمین گاه ساختن برای آنانکه با خدا ورسول او پیش ازین جنگ کرده اند والبته سوگند می خورند که مگرخصلت نیك را نخواسته ایم وخدا گواهی میدهد که ایشان دروغگویانند[٤٧] (۱۰۷). هرگز درآنجا مایست، هرآئینه مسجدی که بنیاد نهاده شده است برنیت تقوی ازروزاوّل بهترست که درآن بایستی، آنجامردانی اند که دوست میدارند که پاك شوند وخدا پاك شوندگان را دوست میدارد (۱۰۸). آیا کسی که عمارت خودرا برترس ازخدا وخوشنودی او بنیاد نهاد بهترست یاآنکه بنیاد نهاده است عمارت خود را برکناره ٔ زمینِ رود خورده ٔ درحال افتادن پس باصاحب خود درآتش دوزخ افتاد وخدا گروه ستمگاران را راه نمی نماید[٤٨] (۱۰۹). همیشه عمارت ایشان که بناکرده اند[٤٩] سبب شك دردلهای ایشان باشد مگرآنکه دلهای ایشان پاره پاره شود وخدا دانای درست کاراست (۱۱۰). هرآئینه خدا ازمسلمانان جانهای ایشان ومالهای ایشان را خریده است به عوض آنکه ایشان را بهشت باشد، درراه خدا جنگ می کنند پس می کشند وکشته می شوند برخدا وعده ٔ لازمی است ثابت درتورات وانجیل وقرآن وکیست به عهدخویش از خدا وفاکننده‌تر پس شادمان باشید به آن فروختن خود که به آن معامله کردید واین پیروزی بزرگ است (۱۱۱).

(٤٧) مترجم گوید جماعتی ازمنافقان مسجدی ساخته بودند به نیت فاسد تاتفریق بین مسلمین و کمینگاه کافران باشد خدای تعالی بهدم آن امر فرمود والله اعلم.

(٤٨) عمارت ساختن بر اساس تقوی کنایت است ازاخلاص دراعمال وعمارت ساختن برکناره ٔ رودخورده کنایت ازریاوعُجب دراعمال والله اعلم.

(٤٩) یعنی مسجد ضرار.

ٱلتَّٰٓئِبُونَ ٱلْعَٰبِدُونَ ٱلْحَٰمِدُونَ ٱلسَّٰٓئِحُونَ
ٱلرَّٰكِعُونَ ٱلسَّٰجِدُونَ ٱلْءَامِرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ
وَٱلنَّاهُونَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ وَٱلْحَٰفِظُونَ لِحُدُودِ ٱللَّهِۗ
وَبَشِّرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٢﴾ مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ
أَن يَسْتَغْفِرُواْ لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوٓاْ أُوْلِي قُرْبَىٰ
مِنۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَٰبُ ٱلْجَحِيمِ ﴿١١٣﴾ وَمَا
كَانَ ٱسْتِغْفَارُ إِبْرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَهَآ
إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُۥٓ أَنَّهُۥ عَدُوٌّ لِّلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُۚ إِنَّ إِبْرَٰهِيمَ
لَأَوَّٰهٌ حَلِيمٌ ﴿١١٤﴾ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمَۢا بَعْدَ إِذْ
هَدَىٰهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُم مَّا يَتَّقُونَۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ
عَلِيمٌ ﴿١١٥﴾ إِنَّ ٱللَّهَ لَهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِۖ يُحْيِۦ
وَيُمِيتُۚ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١١٦﴾
لَّقَد تَّابَ ٱللَّهُ عَلَى ٱلنَّبِيِّ وَٱلْمُهَٰجِرِينَ وَٱلْأَنصَارِ ٱلَّذِينَ
ٱتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ ٱلْعُسْرَةِ مِنۢ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ
فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْۚ إِنَّهُۥ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١١٧﴾

ایشان توبه کنندگانند، عبادت کنندگانند، حمد گویندگانند، درراه خدا، سفرکنندگانند رکوع وسجده کنندگانند، فرمایندگانند بکارپسندیده ومنع کنندگانند ازناپسندیده واحکام خدا را نگاه دارندگانند ومسلمانان را مژده دِه (١١٢). پیامبررا و نه مسلمانان را روا نَبُوَد که برای مشرکان طلب آمرزش کنند اگر چه خویشاوند باشند بعدازآنکه ظاهر شد برایشان که آن گروه اهل دوزخ اند (١١٣). وطلب آمرزش ابراهیم برای پدرخود نبود مگربخاطر وعده ای که باوی کرده بود پس چون روشن شد برای ابراهیم که وی دشمن خداست از وی بیزار شد هرآئینه ابراهیم دردمند بُردباربود (١١٤). وهرگز نیست که خداگمراه کند قومی را[٥٠] بعد ازآنکه ایشان را هدایت نموده باشد تاآنکه واضح سازد برایشان آنچه از وی پرهیزکنند هرآئینه خدا بهر چیزداناست[٥١] (١١٥). هرآئینه پادشاهی آسمان ها وزمین ازآنِ خداست زنده می کند و می میراند وشما را بجزوی هیچ کارسازی وياری دهنده ای نیست (١١٦). هرآئینه خدا برپیامبر وآن مهاجران وانصار که پیروی وی کردند دروقت تنگ دستی بعدازآنکه نزدیك بود که منحرف شود دلهای گروهی ازایشان برحمت متوجه شد باز برایشان برحمت متوجه شد هرآئینه وی برایشان بخشاینده مهربان است (١١٧).

(٥٠) یعنی درحساب گمراهان نمی شمارد قومی را.

(٥١) یعنی تاپیامبر نیا ید تبلیغ نکند معذوراند فتح.

وَعَلَى ٱلثَّلَٰثَةِ ٱلَّذِينَ خُلِّفُواْ حَتَّىٰٓ إِذَا ضَاقَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَرۡضُ
بِمَا رَحُبَتۡ وَضَاقَتۡ عَلَيۡهِمۡ أَنفُسُهُمۡ وَظَنُّوٓاْ أَن لَّا مَلۡجَأَ
مِنَ ٱللَّهِ إِلَّآ إِلَيۡهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيۡهِمۡ لِيَتُوبُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلتَّوَّابُ
ٱلرَّحِيمُ ﴿١١٨﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَكُونُواْ مَعَ
ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿١١٩﴾ مَا كَانَ لِأَهۡلِ ٱلۡمَدِينَةِ وَمَنۡ حَوۡلَهُم
مِّنَ ٱلۡأَعۡرَابِ أَن يَتَخَلَّفُواْ عَن رَّسُولِ ٱللَّهِ وَلَا يَرۡغَبُواْ
بِأَنفُسِهِمۡ عَن نَّفۡسِهِۦۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ لَا يُصِيبُهُمۡ ظَمَأٞ
وَلَا نَصَبٞ وَلَا مَخۡمَصَةٞ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا يَطَـُٔونَ مَوۡطِئٗا
يَغِيظُ ٱلۡكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنۡ عَدُوّٖ نَّيۡلًا إِلَّا كُتِبَ
لَهُم بِهِۦ عَمَلٞ صَٰلِحٌۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ
﴿١٢٠﴾ وَلَا يُنفِقُونَ نَفَقَةٗ صَغِيرَةٗ وَلَا كَبِيرَةٗ وَلَا يَقۡطَعُونَ
وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمۡ لِيَجۡزِيَهُمُ ٱللَّهُ أَحۡسَنَ مَا كَانُواْ
يَعۡمَلُونَ ﴿١٢١﴾ ۞ وَمَا كَانَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لِيَنفِرُواْ كَآفَّةٗۚ
فَلَوۡلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرۡقَةٖ مِّنۡهُمۡ طَآئِفَةٞ لِّيَتَفَقَّهُواْ فِي ٱلدِّينِ
وَلِيُنذِرُواْ قَوۡمَهُمۡ إِذَا رَجَعُوٓاْ إِلَيۡهِمۡ لَعَلَّهُمۡ يَحۡذَرُونَ ﴿١٢٢﴾

وبرآن سه* کس که موقوف داشته شدند تاآنکه برایشان زمین باوجود فراخی آن تنگ شد وبرایشان جانهای ایشان تنگ شد ودانستند که پناهی ازخدا مگر به سوی او نیست بازخدا برایشان برحمت متوجه شد تاایشان رجوع کنند(۵۲) هرآئینه خدا توبه پذیرندهٔ مهربانست (۱۱۸). ای مسلمانان ازخدا بترسید وباراست گویان باشید (۱۱۹). اهل مدینه را وآنانراکه دوروبر ایشانند ازاعراب لایق نَبُوَد که ازهمراهیِ رسولِ خدا رغبت کنند بازپس مانند ونه آنکه درحفظ خویش رویگردانی کرده ازذاتِ رسول خدا این بسبب آنست که نمی رسد به ایشان تشنگی ونه رنج ونه گرسنگی درراهِ خدا وننهند گامی بر جایی که کافران را بخشم آورد وبدست نمی آورند ازدشمن هیچ دست آوردی مگر برای ایشان نوشته شود بسبب آن عمل صالح هرآئینه خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند (۱۲۰). وخرج نمی کنند هیچ خرجی چه اندك وچه بسیار، وطی نمی کنند هیچ میدانی را مگر برای ایشان عمل صالح نوشته شود تاخدا ایشان را پاداش دهد پاداش نیکوترین آنچه می کردند (۱۲۱). ومومنان را نشاید که(۵۳) همه یك جا برآیند پس چرا ازهر جمعی ازایشان چند کس بیرون نیاید تا دردین دانشمند شوند و تا قوم خودرا چون به سوی ایشان بازآیند بیم دهند بُوَد که ایشان بترسند(۵٤) (۱۲۲).

(*) وآن سه کس کعب بن مالك وهلال بن امية ومرارة بن ربيع رضي الله عنهم بودند قصهٔ تفصیلیشان در صحیح بخاري مذکور است به سورة توبه در کتاب تفسیر تحت آیه مذکوره مراجعه شود، مصحح.

(۵۲) یعنی بمقام قریب.

(۵۳) یعنی به طلب علم.

(۵٤) یعنی طلب علم دین فرض کفایه است.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قَٰتِلُواْ ٱلَّذِينَ يَلُونَكُم مِّنَ ٱلْكُفَّارِ
وَلْيَجِدُواْ فِيكُمْ غِلْظَةً ۚ وَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلْمُتَّقِينَ
﴿١٢٣﴾ وَإِذَا مَآ أُنزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُم مَّن يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ
هَٰذِهِۦٓ إِيمَٰنًا ۚ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فَزَادَتْهُمْ إِيمَٰنًا وَهُمْ
يَسْتَبْشِرُونَ ﴿١٢٤﴾ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ فِى قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ
رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُواْ وَهُمْ كَٰفِرُونَ ﴿١٢٥﴾ أَوَلَا
يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِى كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ
ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٢٦﴾ وَإِذَا مَآ
أُنزِلَتْ سُورَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ هَلْ يَرَىٰكُم
مِّنْ أَحَدٍ ثُمَّ ٱنصَرَفُواْ ۚ صَرَفَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُم بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ
لَّا يَفْقَهُونَ ﴿١٢٧﴾ لَقَدْ جَآءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ
عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِٱلْمُؤْمِنِينَ
رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢٨﴾ فَإِن تَوَلَّوْاْ فَقُلْ حَسْبِىَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ
إِلَّا هُوَ ۖ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ۖ وَهُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ ﴿١٢٩﴾

سُورَةُ يُونُسَ

ای مسلمانان باآنانکه نزدیك شمایند ازکافران جنگ کنید وبایدکه کافران درشمادرشتی را بیابند وبدانید که خدا بامتقیان است (۱۲۳). وچون سوره ای فرودآورده شود پس ازمنافقان کسی هست که می گوید درحق کدام یك ازشما این سوره ایمان را افزوده است امّااهل ایمان پس بتحقیق درحق ایشان ایمان را افزوده است وایشان شادمان می شوند (۱۲٤). واما آنانکه دردلهای ایشان بیماریست پس درحق ایشان پلیدی را همراه پلیدی ایشان افزوده است ومُردند درحالیکه ایشان کافربودند (۱۲٥). آیانمی بینند که ایشان درهرسال یك بار یا دوبار سزا داده می شوند[٥٥] بازتوبه نمی‌کنند ونه ایشان پندمی‌گیرند (۱۲٦). وچون سوره ای فرود آورده شود[٥٦] بعض ایشان به بعضی باشرمندگی نظرکنند وگویدآیا هیچ کس شمارا می بیند؟ پس بازگردند[٥٧]، خدا دلهای ایشان را بسبب آنکه ایشان گروهی هستند که نمی دانند بازگردانیده است (۱۲۷). ای مسلمانان به تحقیق به شما پیامبری ازخودتان آمده است دشوار است بروی رنج شما برهدایت شما حریص است به مسلمانان بخشاینده مهربان است (۱۲۸). پس اگر بازگردند بگومراخدا بس است، هیچ معبود برحقی به جزوی نیست، بروی توکل کردم واوخداوندِ عرش بزرگ است[٥٨] .(۱۲۹)

(٥٥) یعنی باامراض ومصائب.

(٥٦) یعنی سوره ای که دروی بیان نفاق ایشان باشد.

(٥٧) یعنی بخانه های خود.

(٥٨) یعنی چنانکه قادرست عرش رانگاه می دارد و ترا نیز ازشرِ کافران ومنافقان نگاه می دارد.

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓرۚ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡحَكِيمِ ١ أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا
أَنۡ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ رَجُلٖ مِّنۡهُمۡ أَنۡ أَنذِرِ ٱلنَّاسَ وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ
ءَامَنُوٓاْ أَنَّ لَهُمۡ قَدَمَ صِدۡقٍ عِندَ رَبِّهِمۡۗ قَالَ ٱلۡكَٰفِرُونَ
إِنَّ هَٰذَا لَسَٰحِرٞ مُّبِينٌ ٢ إِنَّ رَبَّكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَۖ
مَا مِن شَفِيعٍ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ إِذۡنِهِۦۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُوهُۚ
أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ٣ إِلَيۡهِ مَرۡجِعُكُمۡ جَمِيعٗاۖ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقًّاۚ إِنَّهُۥ
يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ لِيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ
ٱلصَّٰلِحَٰتِ بِٱلۡقِسۡطِۚ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَهُمۡ شَرَابٞ مِّنۡ حَمِيمٖ
وَعَذَابٌ أَلِيمُۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡفُرُونَ ٤ هُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ ٱلشَّمۡسَ
ضِيَآءٗ وَٱلۡقَمَرَ نُورٗا وَقَدَّرَهُۥ مَنَازِلَ لِتَعۡلَمُواْ عَدَدَ ٱلسِّنِينَ
وَٱلۡحِسَابَۚ مَا خَلَقَ ٱللَّهُ ذَٰلِكَ إِلَّا بِٱلۡحَقِّۚ يُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ
لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ٥ إِنَّ فِي ٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ
ٱللَّهُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَّقُونَ ٦

بنام خدای بخشاینده مهربان.

الٓرٰ، این آیه های کتاب باحکمت است (۱). آیا برای مردمان (جای) شگفتی است که به سوی مردی ازایشان وحی فرستادیم که مردمان را بترسان ومسلمانان را بشارت ده بآنکه ایشان نزد پروردگارشان پیشینهٔ راستین دارند، گفتند کافران هرآئینه این شخص جادوگر آشکاراست (۲). هرآئینه پروردگار شما خدایی است که آسمان ها وزمین را درشش روز آفرید باز برعرش مستقرشد کاررا تدبیر می کند هیچ شفاعت کننده مگربعد از دستور وی نیست، این است خداپروردگار شماپس اورا بپرستید آیاپندنمی‌گیرید (۳). رجوع همگی شما به سوی اوست وعده کرده است خدا وعدهٔ درست، هرآئینه وی آفرینش را آغاز می‌کند باز دوباره آنهارابرگرداند تاآنان را که ایمان آورده‌آند وکارهای شایسته کرده‌اند به انصاف پاداش دهد وآنانکه کافرشدند برایشان آشامیدنی ازآب گرم، وعذابی دردناك است بسبب آنکه کافربودند (٤). اوآنست که خورشید را درخشنده وماه را روشن ساخت وبرای ماه منزل هارامعین کرد تا شمارسالهارا بدانید و تاحساب را بدانید خدای تعالی این را نیافریده است مگر به تدبیر درست نشانه ها را برای گروهی که میدانند بیان می کند (٥). هرآئینه درآمد ورفت شب وروز ودرآنچه آفریده است خدا درآسمان ها وزمین نشانه ها است گروهی را که پرهیزگاری می کنند (٦).

إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يَرۡجُونَ لِقَآءَنَا وَرَضُواْ بِٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَٱطۡمَأَنُّواْ
بِهَا وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَنۡ ءَايَٰتِنَا غَٰفِلُونَ ﴿٧﴾ أُوْلَٰٓئِكَ مَأۡوَىٰهُمُ
ٱلنَّارُ بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ﴿٨﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ
ٱلصَّٰلِحَٰتِ يَهۡدِيهِمۡ رَبُّهُم بِإِيمَٰنِهِمۡۖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهِمُ
ٱلۡأَنۡهَٰرُ فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ﴿٩﴾ دَعۡوَىٰهُمۡ فِيهَا سُبۡحَٰنَكَ
ٱللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمۡ فِيهَا سَلَٰمٞۚ وَءَاخِرُ دَعۡوَىٰهُمۡ أَنِ ٱلۡحَمۡدُ
لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٠﴾ ۞ وَلَوۡ يُعَجِّلُ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ ٱلشَّرَّ
ٱسۡتِعۡجَالَهُم بِٱلۡخَيۡرِ لَقُضِيَ إِلَيۡهِمۡ أَجَلُهُمۡۖ فَنَذَرُ ٱلَّذِينَ
لَا يَرۡجُونَ لِقَآءَنَا فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ ﴿١١﴾ وَإِذَا مَسَّ ٱلۡإِنسَٰنَ
ٱلضُّرُّ دَعَانَا لِجَنۢبِهِۦٓ أَوۡ قَاعِدًا أَوۡ قَآئِمٗا فَلَمَّا كَشَفۡنَا
عَنۡهُ ضُرَّهُۥ مَرَّ كَأَن لَّمۡ يَدۡعُنَآ إِلَىٰ ضُرّٖ مَّسَّهُۥۚ كَذَٰلِكَ زُيِّنَ
لِلۡمُسۡرِفِينَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿١٢﴾ وَلَقَدۡ أَهۡلَكۡنَا ٱلۡقُرُونَ
مِن قَبۡلِكُمۡ لَمَّا ظَلَمُواْ وَجَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَمَا كَانُواْ
لِيُؤۡمِنُواْۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ﴿١٣﴾ ثُمَّ جَعَلۡنَٰكُمۡ
خَلَٰٓئِفَ فِي ٱلۡأَرۡضِ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ لِنَنظُرَ كَيۡفَ تَعۡمَلُونَ ﴿١٤﴾

هرآئینه آنانکه امید ملاقات مارا ندارند وبه زندگانی دنیا خوشنود شده اند وبه آن آرام گرفته اند وآنانکه ازنشانه‌های ما بی خبراند (۷). این جماعت جایگاهشان آتش است به سبب آنچه عمل می کردند (۸). هرآئینه آنانکه ایمان آورده اند وکارهای شایسته کرده اند ایشان را پروردگار ایشان به پاداش ایمانِ ایشان (یعنی بمقامات نجات) هدایت کند، اززیرایشان جویهادربوستانهای نازو نعمت میرود (۹). دعای ایشان درآنجا سبحانك اللّهم باشد یعنی پاکی توراست بارِ خدایاودعای خیر ایشان بایکدیگر سلام بُوَد و پایان دعای ایشان این است که حمد مخصوص خداست پرودگار جهانیان (۱۰). و اگر خدای تعالی بمردمان سختی را زود می رسانید مانند آنکه نعمت را زود می طلبند در حق ایشان اجل ایشان به انجام رسانیده می شد پس می‌گذاریم آنان را که امید ملاقات ما را ندارند دربیراهیِ خویش سرگردان شده بمانند (۱۱). وچون به آدمی رنج برسد دعاکند ببارگاه ما خفته برپهلوی خود یانشسته یا ایستاده پس آنگاه که ازوی رنج وی را برداشتیم چنان بگذردکه گویی مارا بدفع کردن رنجی که رسیدش نخوانده بود هم چنین آراسته کرده شد ازحد گذرندگان را آنچه می کردند (۱۲). وهرآئینه قرن ها را پیش ازشما هلاك کرده ایم چون ستم کردند درحالیکه برایشان پیامبران ایشان بانشانه های روشن آمدند وهرگز آماده ٔ آن نبودند که ایمان آورند هم چنین گروه گناه کاران را سزا می دهیم (۱۳). باز شمارا در زمین پس ازایشان جانشین قراردادیم تاببینیم چگونه کار می کنید(۱٤).

وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَاتُنَا بَيِّنَٰتٖ قَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَرۡجُونَ
لِقَآءَنَا ٱئۡتِ بِقُرۡءَانٍ غَيۡرِ هَٰذَآ أَوۡ بَدِّلۡهُۚ قُلۡ مَا يَكُونُ
لِيٓ أَنۡ أُبَدِّلَهُۥ مِن تِلۡقَآيِٕ نَفۡسِيٓۖ إِنۡ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّۖ
إِنِّيٓ أَخَافُ إِنۡ عَصَيۡتُ رَبِّي عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ﴿١٥﴾ قُل
لَّوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَا تَلَوۡتُهُۥ عَلَيۡكُمۡ وَلَآ أَدۡرَىٰكُم بِهِۦۖ
فَقَدۡ لَبِثۡتُ فِيكُمۡ عُمُرٗا مِّن قَبۡلِهِۦٓۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ﴿١٦﴾
فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوۡ كَذَّبَ بِـَٔايَٰتِهِۦٓۚ
إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ ﴿١٧﴾ وَيَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ
مَا لَا يَضُرُّهُمۡ وَلَا يَنفَعُهُمۡ وَيَقُولُونَ هَٰٓؤُلَآءِ شُفَعَٰٓؤُنَا
عِندَ ٱللَّهِۚ قُلۡ أَتُنَبِّـُٔونَ ٱللَّهَ بِمَا لَا يَعۡلَمُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا
فِي ٱلۡأَرۡضِۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ﴿١٨﴾ وَمَا
كَانَ ٱلنَّاسُ إِلَّآ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ فَٱخۡتَلَفُواْۚ وَلَوۡلَا كَلِمَةٞ
سَبَقَتۡ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيۡنَهُمۡ فِيمَا فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ
﴿١٩﴾ وَيَقُولُونَ لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ ءَايَةٞ مِّن رَّبِّهِۦۖ فَقُلۡ إِنَّمَا
ٱلۡغَيۡبُ لِلَّهِ فَٱنتَظِرُوٓاْ إِنِّي مَعَكُم مِّنَ ٱلۡمُنتَظِرِينَ ﴿٢٠﴾

و چون برایشان آیات واضح ما خوانده شود گویند آنانکه امیدملاقات ما را ندارند قرآنی غیرازاین بیار یااورا تغییر دِه[۱] بگومرا روانَبُوَد که آن را از جانب خود تبدیل کنم پیروی نمی کنم مگر آنچه را که به سوی من وحی فرستاده شد هرآئینه من ا گر نافرمانی پروردگار خودکنم ازعذاب روز بزرگ می ترسم (۱۵). بگو ا گر خدا می‌خواست آن رابرشما نمی خواندم وخدا شمارا به آن خبردار نمی کرد هرآئینه پیش ازاین در میان شما عمری گذرانده ام آیادرنمی یابید (۱٦). پس کیست ستمکارتر ازکسی که برخدا دروغ را بربندد یا آیاتِ وی را دروغ انگارد هرآئینه (سخن اینست که) گناهگاران رستگار نمی شوند (۱۷). ومی پرستند غیرازخدا چیزی را که ایشان را ضرر ندهد ونه به ایشان سود رساند ومی گویند ایشان نزد خدا شفاعت کنندگان ماهستند بگوآیا خدا را آ گاه می کنید به آنچه درآسمان ها و زمین نمی داند، پاکی وی راست وبرتراست ازآنکه شریك مقررمی کنند (۱۸). ونَبُودند مردمان مگریك امت[۲] پس اختلاف کردند[۳] وا گر نمی بود کلمه ای که سابق از پروردگار تو صادر شده است میان ایشان درآنچه دراو اختلاف می ورزیدند فیصله کرده می شد (۱۹). ومی گویند چرا براین پیامبر نشانه ای ازپروردگار وی فرو فرستاده نشده است بگوجزاین نیست که علم غیب فقط مخصوص خدا ست پس انتظار کنید هرآئینه من باشما ازمنتظرانم (۲۰).

---

(۱) یعنی تاموافق عقاید باطله ایشان باشد.

(۲) یعنی برتوحید و ملت ابراهیمی.

(۳) یعنی بسبب عمرو بن لحی. که أوّلین کسی بود که بت پرستی را درعرب به راه انداخت.

وَإِذَآ أَذَقۡنَا ٱلنَّاسَ رَحۡمَةٗ مِّنۢ بَعۡدِ ضَرَّآءَ مَسَّتۡهُمۡ إِذَا لَهُم مَّكۡرٞ
فِيٓ ءَايَاتِنَاۚ قُلِ ٱللَّهُ أَسۡرَعُ مَكۡرًاۚ إِنَّ رُسُلَنَا يَكۡتُبُونَ مَا تَمۡكُرُونَ
﴿٢١﴾ هُوَ ٱلَّذِي يُسَيِّرُكُمۡ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِۖ حَتَّىٰٓ إِذَا كُنتُمۡ فِي ٱلۡفُلۡكِ
وَجَرَيۡنَ بِهِم بِرِيحٖ طَيِّبَةٖ وَفَرِحُواْ بِهَا جَآءَتۡهَا رِيحٌ عَاصِفٞ
وَجَآءَهُمُ ٱلۡمَوۡجُ مِن كُلِّ مَكَانٖ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُمۡ أُحِيطَ بِهِمۡ
دَعَوُاْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ لَئِنۡ أَنجَيۡتَنَا مِنۡ هَٰذِهِۦ لَنَكُونَنَّ
مِنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ﴿٢٢﴾ فَلَمَّآ أَنجَىٰهُمۡ إِذَا هُمۡ يَبۡغُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ
ٱلۡحَقِّۗ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّمَا بَغۡيُكُمۡ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۖ مَّتَٰعَ ٱلۡحَيَوٰةِ
ٱلدُّنۡيَاۖ ثُمَّ إِلَيۡنَا مَرۡجِعُكُمۡ فَنُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿٢٣﴾
إِنَّمَا مَثَلُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا كَمَآءٍ أَنزَلۡنَٰهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَٱخۡتَلَطَ
بِهِۦ نَبَاتُ ٱلۡأَرۡضِ مِمَّا يَأۡكُلُ ٱلنَّاسُ وَٱلۡأَنۡعَٰمُ حَتَّىٰٓ إِذَآ
أَخَذَتِ ٱلۡأَرۡضُ زُخۡرُفَهَا وَٱزَّيَّنَتۡ وَظَنَّ أَهۡلُهَآ أَنَّهُمۡ قَٰدِرُونَ
عَلَيۡهَآ أَتَىٰهَآ أَمۡرُنَا لَيۡلًا أَوۡ نَهَارٗا فَجَعَلۡنَٰهَا حَصِيدٗا كَأَن لَّمۡ تَغۡنَ
بِٱلۡأَمۡسِۚ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾ وَٱللَّهُ يَدۡعُوٓاْ
إِلَىٰ دَارِ ٱلسَّلَٰمِ وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ﴿٢٥﴾

وچون مردمان را رحمتی پس ازسختی که رسیده بود به ایشان بچشانیم ناگهان ایشان را درنشانه های ما بداندیشی باشد[٤] بگوخدا در تدبیر کردن سریع تراست هرآئینه فرستادگان ما آنچه بداندیشی می کنید می نویسند[٥] (۲۱). اوست آنکه شمارا درخشکی ودردریا روان می کند تاوقتیکه چون درکشتی ها باشید و کشتی ها باسواران خود ببادخوش روان شوند و ایشان به آن بادموافق شادمان شوند، ناگاه به آن کشتی ها بادی تُند برسد و به ایشان موج ازهرطرف بیاید وبدانند که ازهرجهت گرفتار گشتند دعاکنند ببارگاه خدا برای اوعبادت را خالص کرده که اگر مارا ازین بلا نجات دهی ازشکرگزاران باشیم (۲۲). پس آنگاه که ایشان را نجات داد ناگهان ایشان درزمین به ناحق بیراهی می کنند ، ای مردمان جزاین نیست که بیراهی شمازیان برجان شمااست بهرهٔ زندگانی دنیارا یافتید، بازبه سوی ما بازگشت شمااست پس شمارا به آنچه می کردید باخبرسازم (۲۳). جزاین نیست که مثالِ زندگانیِ دنیا مانند آبی است که ازآسمان فرودآوردیمش پس درهم آمیخت بسبب وی روییدگی زمین ازآنچه مردمان وچهار پایان می خورند تاوقتی که چون بدست آورد زمین پیرایه خودرا وآراسته شد وگمان کردند ساکنان آن زمین که ایشان برانتفاع ازآن توانایند ناگهان بزمین فرمان مادرشب یا درروز بیامد پس آن را مثل زراعت ازبیخ بریده گویا نبود دیروز گردانیدیم، همچنین نشانه ها را برای گروهی که اندیشه می کنند بیان می‌کنیم (۲٤). وخدا به سوی سرای سلامتی می خواند وهرکه را بخواهد به سوی راه راست هدایت می کند (۲٥).

---

(٤) یعنی بکفران نعمت.

(٥) مترجم گوید بعد ازآن خدای تعالی کیفیت مکر وکفرانِ نعمت را بیان میفرماید والله اعلم.

۞ لِّلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ ٱلۡحُسۡنَىٰ وَزِيَادَةٞۖ وَلَا يَرۡهَقُ وُجُوهَهُمۡ قَتَرٞ
وَلَا ذِلَّةٌۚ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢٦ وَٱلَّذِينَ
كَسَبُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ جَزَآءُ سَيِّئَةِۭ بِمِثۡلِهَا وَتَرۡهَقُهُمۡ ذِلَّةٞۖ مَّا لَهُم
مِّنَ ٱللَّهِ مِنۡ عَاصِمٖۖ كَأَنَّمَآ أُغۡشِيَتۡ وُجُوهُهُمۡ قِطَعٗا مِّنَ ٱلَّيۡلِ
مُظۡلِمًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢٧ وَيَوۡمَ نَحۡشُرُهُمۡ
جَمِيعٗا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ مَكَانَكُمۡ أَنتُمۡ وَشُرَكَآؤُكُمۡۚ فَزَيَّلۡنَا
بَيۡنَهُمۡۖ وَقَالَ شُرَكَآؤُهُم مَّا كُنتُمۡ إِيَّانَا تَعۡبُدُونَ ٢٨ فَكَفَىٰ بِٱللَّهِ
شَهِيدَۢا بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمۡ إِن كُنَّا عَنۡ عِبَادَتِكُمۡ لَغَٰفِلِينَ ٢٩
هُنَالِكَ تَبۡلُواْ كُلُّ نَفۡسٖ مَّآ أَسۡلَفَتۡۚ وَرُدُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ مَوۡلَىٰهُمُ
ٱلۡحَقِّۖ وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ٣٠ قُلۡ مَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ
ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ أَمَّن يَمۡلِكُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَمَن يُخۡرِجُ
ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَيُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّ وَمَن يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَۚ
فَسَيَقُولُونَ ٱللَّهُۚ فَقُلۡ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٣١ فَذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمُ
ٱلۡحَقُّۖ فَمَاذَا بَعۡدَ ٱلۡحَقِّ إِلَّا ٱلضَّلَٰلُۖ فَأَنَّىٰ تُصۡرَفُونَ ٣٢ كَذَٰلِكَ
حَقَّتۡ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى ٱلَّذِينَ فَسَقُوٓاْ أَنَّهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ٣٣

آنان که نیکوکاری کردند برایشان بهشت و زیاده برآن باشد[٦] وچهره های ایشان را هیچ سیاهی نپوشد ونه هیچ خواری این جماعت اهل بهشت اندایشان درآنجاجاودانند (٢٦). وآنان را که کردار های بد بعمل آوردند، جزای بدی مثل آنست وایشان را خواری بپوشد، ایشان رااز خدا هیچ پناه دهنده ای نباشد، گویا صورتهای ایشان به پاره هایی از شب تاریك پوشانیده شده است این جماعت اهل آتش اند ایشان درآنجاجاودانند (٢٧). و ازروزیکه همگی ایشانرا یکجا برانگیزیم بترسید بازگوییم مشرکان را برجای خود، شما وشریکانتان بایستید پس میان ایشان جدایی اندازیم و می گویند شریکان ایشان که شمامارا نمی پرستیدید (٢٨). پس خدا گواه میان ماومیان شما بس است هرآئینه ما ازپرستش شما بی خبر بودیم (٢٩). آنجا هرشخصی آنچه را پیش فرستاده است، دریابد به‌سوی خدامالكِ حقیقی ایشان گردانیده شوند وگم شد ازایشان آنچه افترا می بستند (٣٠). بگوچه کسی شمارا ازآسمان و زمین روزی می دهد، یاکیست که مالك گوش وچشمها باشد[٧] وکیست که بیرون آورد زنده را ازمرده وبیرون آورد مرده را اززنده[٨] وکیست که کاررا تدبیر می کند خواهند گفت آن خدا است پس بگو آیا نمیترسید وپرهیزگار نمیشوید (٣١). پس این خدا پروردگار برحق شما است پس چیست بعد از راستی مگرگمراهی پس چگونه بر گردانیده می شوید (ازعبادت خدا) (٣٢). هم چنین ثابت شد فرمان پروردگارتو بر فاسقان که ایشان ایمان نمی آورند (٣٣).

---

(٦) یعنی رؤیت خدای تعالی.

(٧) یعنی خالق گوش وچشم باشد.

(٨) یعنی حیوان رااز نطفه ونطفه رااز حیوان.

قُلْ هَلْ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَبْدَؤُا۟ ٱلْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ ۚ قُلِ ٱللَّهُ يَبْدَؤُا۟ ٱلْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ ۖ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ ﴿٣٤﴾ قُلْ هَلْ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَهْدِىٓ إِلَى ٱلْحَقِّ ۚ قُلِ ٱللَّهُ يَهْدِى لِلْحَقِّ ۗ أَفَمَن يَهْدِىٓ إِلَى ٱلْحَقِّ أَحَقُّ أَن يُتَّبَعَ أَمَّن لَّا يَهِدِّىٓ إِلَّآ أَن يُهْدَىٰ ۖ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٥﴾ وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا ۚ إِنَّ ٱلظَّنَّ لَا يُغْنِى مِنَ ٱلْحَقِّ شَيْـًٔا ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌۢ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾ وَمَا كَانَ هَٰذَا ٱلْقُرْءَانُ أَن يُفْتَرَىٰ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَٰكِن تَصْدِيقَ ٱلَّذِى بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ ٱلْكِتَٰبِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٣٧﴾ أَمْ يَقُولُونَ ٱفْتَرَىٰهُ ۖ قُلْ فَأْتُوا۟ بِسُورَةٍ مِّثْلِهِۦ وَٱدْعُوا۟ مَنِ ٱسْتَطَعْتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٣٨﴾ بَلْ كَذَّبُوا۟ بِمَا لَمْ يُحِيطُوا۟ بِعِلْمِهِۦ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُۥ ۚ كَذَٰلِكَ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۖ فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٣٩﴾ وَمِنْهُم مَّن يُؤْمِنُ بِهِۦ وَمِنْهُم مَّن لَّا يُؤْمِنُ بِهِۦ ۚ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِٱلْمُفْسِدِينَ ﴿٤٠﴾ وَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل لِّى عَمَلِى وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ ۖ أَنتُم بَرِيٓـُٔونَ مِمَّآ أَعْمَلُ وَأَنَا۠ بَرِىٓءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٤١﴾ وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ ۚ أَفَأَنتَ تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا۟ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٤٢﴾

بگوآیاهست ازشریکان شما کسی که آفرینش را آغازکند بازدوباره بازگرداندش بگوخدا آفرینش را آغاز می‌کند بازدوباره بازگردانَدَش پس چگونه برگردانیده می شوید (ازعبادت خدا) (۳٤). بگوآیاهست ازشریکان شما کسی که به سوی دین حق راه نماید؟ بگوخدا است که به سوی دین حق، راه می نماید پس کسی که راه می نماید به سوی حق لایق تراست به آنکه پیروی کرده شود یاکسیکه خود راه نمی یابد مگرآنکه وی را راه نموده شود پس شمارا چیست؟ چگونه حکم می کنید (۳٥). و بیشتر ایشان مگرگمان را پیروی نمی کنند هرآئینه گمان ازمعرفت حق چیزی را کفایت نمی‌کند هرآئینه خدا داناست بآنچه می کنند (۳٦). ونسزدکه این قرآن ازغیر خدا افتراء باشد ولیکن هست باوردارندهٔ آنچه پیش ازوی است وبیان شریعتی است که برمردمان نوشته شد هیچ شبهه ای درآن نیست از پروردگار جهانیان است (۳۷). آیامی گویند آن را افترا بسته است بگوپس سوره ای مانند آن بیارید و هرکه رامی توانید غیرازخدا بخوانید ا گر راست گو هستید (۳۸). بلکه آنان چیزی را تکذیب می کنند که اصلا آنرا نمی دانند وهنوز مصداق وعدهٔ وی نیامده است هم چنین تکذیب کردند آنانکه پیش ازایشان بودند پس بنگر عاقبت ستمکاران چگونه شد (۳۹). وازایشان کسی هست که به آن ایمان می آورد وازایشان کسی هست که به آن ایمان نمی آورد وپروردگارت به (حال) مفسدان داناتراست (٤۰). واگر تورا تکذیب کنند پس بگومرا عمل من است و شمارا عمل شما است شما بیزارید ازآنچه من می کنم ومن بیزارم ازآنچه شمامی کنید (٤۱). وازایشان کسی هست که به سوی تو گوش فرامی دهد آیاتو کَران را می شنوانی اگرچه درنمی یابند(٤۲).

وَمِنْهُم مَّن يَنظُرُ إِلَيْكَ ۚ أَفَأَنتَ تَهْدِى ٱلْعُمْىَ وَلَوْ كَانُوا۟ لَا يُبْصِرُونَ
﴿٤٣﴾ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَظْلِمُ ٱلنَّاسَ شَيْـًٔا وَلَٰكِنَّ ٱلنَّاسَ أَنفُسَهُمْ
يَظْلِمُونَ ﴿٤٤﴾ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوٓا۟ إِلَّا سَاعَةً مِّنَ ٱلنَّهَارِ
يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ ۚ قَدْ خَسِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِلِقَآءِ ٱللَّهِ وَمَا كَانُوا۟
مُهْتَدِينَ ﴿٤٥﴾ وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ ٱلَّذِى نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ
فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ ٱللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ ﴿٤٦﴾ وَلِكُلِّ
أُمَّةٍ رَّسُولٌ ۖ فَإِذَا جَآءَ رَسُولُهُمْ قُضِىَ بَيْنَهُم بِٱلْقِسْطِ وَهُمْ
لَا يُظْلَمُونَ ﴿٤٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ
﴿٤٨﴾ قُل لَّآ أَمْلِكُ لِنَفْسِى ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُ ۗ لِكُلِّ أُمَّةٍ
أَجَلٌ ۚ إِذَا جَآءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَـْٔخِرُونَ سَاعَةً ۖ وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٤٩﴾
قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِنْ أَتَىٰكُمْ عَذَابُهُۥ بَيَٰتًا أَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ
ٱلْمُجْرِمُونَ ﴿٥٠﴾ أَثُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ ءَامَنتُم بِهِۦٓ ۚ ءَآلْـَٰٔنَ وَقَدْ كُنتُم بِهِۦ
تَسْتَعْجِلُونَ ﴿٥١﴾ ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ ذُوقُوا۟ عَذَابَ ٱلْخُلْدِ
هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٥٢﴾ ۞ وَيَسْتَنۢبِـُٔونَكَ
أَحَقٌّ هُوَ ۖ قُلْ إِى وَرَبِّىٓ إِنَّهُۥ لَحَقٌّ ۖ وَمَآ أَنتُم بِمُعْجِزِينَ ﴿٥٣﴾

وازایشان کسی هست که به سوی تو می‌نگرد آیا تو کوران را راه می‌نمایی اگرچه نمی بینند[٩] (٤٣). هرآئینه خدا برمردمان هیچ ستم نمی کند ولیکن مردمان برخویشتن ستم می کنند (٤٤). وروزیکه خدا ایشانرا برانگیزد گویا که مگرساعتی از روز درنگ نکرده بودند بایك دیگر شناساباشند به تحقیق زیان کارشدند آنانکه ملاقات خدارا تکذیب کردند وراه یافتگان نبودند (٤٥). واگر تورا بعض آنچه وعده می کنیم به ایشان بنماییم یابمیرانیم تورا (بهرحال) بازگشت ایشان به سوی ما است بازخدا آگاه است برآنچه می کنند (٤٦). وهرامتی را پیامبری هست پس چون آمد پیامبر ایشان میان ایشان به انصاف فیصله کرده شود وبرایشان ستم کرده نشود[١٠] (٤٧). ومی گویند این وعده کَی باشد اگر راست گو هستید (٤٨). بگو برای خود مالك زیانی نیستم ونه سودی مگر آنچه خداخواسته است هر گروهی رامیعادی هست چون میعادایشان بیاید پس تاخیر نکنند ساعتی ونه سبقت جویند (٤٩). بگو آیادیده‌اید اگر به شماعذاب او شبانگاه یابه روز بیاید (بهرحال) چه چیزی را ازآن عذاب این گناه کاران به شتاب می طلبند (٥٠). باز وقتی که متحقق شود آیا به آن ایمان آورید آنگاه گفته شودآیااکنون ایمان آوردید وپیش ازین آن را به شتاب می طلبیدید[١١] (٥١). باز ستمکاران را گفته شود عذاب جاویدان را بچشید جزا داده نمی شوید مگر به آنچه شما می کردید (٥٢). وتورا می پرسند آیا درست است این وعده بگوآری قسم به پروردگار من هرآئینه آن درست است وشماعاجز کننده نیستید (٥٣).

(٩) یعنی ایشان مانند کران وکورانند.
(١٠) یعنی رسل واتباع ایشان نجات یابندوکافران هلاك شوند.
(١١) یعنی باستهزاوتکذیب.

وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي ٱلْأَرْضِ لَٱفْتَدَتْ بِهِۦ ۗ وَأَسَرُّوا۟
ٱلنَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا۟ ٱلْعَذَابَ ۖ وَقُضِىَ بَيْنَهُم بِٱلْقِسْطِ ۚ وَهُمْ
لَا يُظْلَمُونَ ﴿٥٤﴾ أَلَآ إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۗ أَلَآ إِنَّ
وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾ هُوَ يُحْىِۦ وَيُمِيتُ
وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٥٦﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدْ جَآءَتْكُم مَّوْعِظَةٌ
مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَآءٌ لِّمَا فِي ٱلصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ
﴿٥٧﴾ قُلْ بِفَضْلِ ٱللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِۦ فَبِذَٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا۟ هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا
يَجْمَعُونَ ﴿٥٨﴾ قُلْ أَرَءَيْتُم مَّآ أَنزَلَ ٱللَّهُ لَكُم مِّن رِّزْقٍ
فَجَعَلْتُم مِّنْهُ حَرَامًا وَحَلَٰلًا قُلْ ءَآللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ ۖ أَمْ عَلَى
ٱللَّهِ تَفْتَرُونَ ﴿٥٩﴾ وَمَا ظَنُّ ٱلَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلْكَذِبَ
يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ
لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦٠﴾ وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا۟ مِنْهُ مِن قُرْءَانٍ
وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ
فِيهِ ۚ وَمَا يَعْزُبُ عَن رَّبِّكَ مِن مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي ٱلْأَرْضِ وَلَا فِي
ٱلسَّمَآءِ وَلَآ أَصْغَرَ مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَٰبٍ مُّبِينٍ ﴿٦١﴾

واگر هرنفس ستم کننده آنچه را درزمین است باشدو البته آن را فدیه خود دهد ودرنفس خود پشیمانی دارند هنگامیکه عذاب را ببینند و میان ایشان به عدل فیصله کرده می شود وبرایشان ستم کرده نمی شود (٥٤). آگاه باش هرآئینه خدای راست آنچه درآسمان هاوزمین است، آگاه باش هرآئینه وعدهٔ خداراست است ولیکن بیشترین ایشان نمی دانند (٥٥). او زنده می کند ومی میراند وبه سوی وی بازگردانیده شوید (٥٦). ای مردمان برای شما پندی ازپروردگار شما آمده است وشفایی برای آن (مرضی) که درسینه ها است ورهنمود وبخشایشی برای مسلمانان (٥٧). بگوبه فضل خدا وبرحمت او باین چیزهاباید که شادمان شوند، آن بهتر است ازآنچه جمع می کنند (٥٨). بگوآیادیدید چیزی را که خدابرای شما ازجنس روزی فرودآورده است پس بعض آن راحرام وبعض آن را حلال قراردادید بگو آیاخدا شما را اجازه داده است یابرخدا دروغ می بندید (٥٩). وچیست گمان آنانکه برخدا دروغ افترامی بندند به روزقیامت[۱۲] هرآئینه خدا برمردمان صاحب فضل است ولیکن بیشتر ایشان سپاسگزاری نمی کنند (٦٠). ودرهیچ شغلی نمی باشی ونمی خوانی هیچ آیتی را که ازطرف خدا آمده وهیچ کاری نمی کنید مگر برشما گواه هستیم چون درآن کار درمی آیید وپوشیده نمی ماند برپروردگار تو هم وزن ذره ای درزمین ونه درآسمان ونه کُوچکتر ازآن و نه بزرگ تر مگر درکتاب روشن نوشته شده است (٦١).

(۱۲) یعنی خدابایشان چه خواهد کرد در روز قیامت.

أَلَآ إِنَّ أَوۡلِيَآءَ ٱللَّهِ لَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ﴿٦٢﴾ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ لَهُمُ ٱلۡبُشۡرَىٰ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِۚ لَا تَبۡدِيلَ لِكَلِمَٰتِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ﴿٦٤﴾ وَلَا يَحۡزُنكَ قَوۡلُهُمۡۘ إِنَّ ٱلۡعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًاۚ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿٦٥﴾ أَلَآ إِنَّ لِلَّهِ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَمَا يَتَّبِعُ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ شُرَكَآءَۚ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَإِنۡ هُمۡ إِلَّا يَخۡرُصُونَ ﴿٦٦﴾ هُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ لِتَسۡكُنُواْ فِيهِ وَٱلنَّهَارَ مُبۡصِرًاۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَسۡمَعُونَ ﴿٦٧﴾ قَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ وَلَدٗاۗ سُبۡحَٰنَهُۥۖ هُوَ ٱلۡغَنِيُّۖ لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ إِنۡ عِندَكُم مِّن سُلۡطَٰنِۭ بِهَٰذَآۚ أَتَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٦٨﴾ قُلۡ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ لَا يُفۡلِحُونَ ﴿٦٩﴾ مَتَٰعٞ فِي ٱلدُّنۡيَا ثُمَّ إِلَيۡنَا مَرۡجِعُهُمۡ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ ٱلۡعَذَابَ ٱلشَّدِيدَ بِمَا كَانُواْ يَكۡفُرُونَ ﴿٧٠﴾

آ گاه باش هرآئینه دوستان خدا هیچ ترسی برایشان نیست ونه ایشان اندوهگین شوند (٦٢). آنانکه ایمان آورده اند ومی ترسیدند (٦٣). برای ایشان درزندگانیِ دنیا[۱۳] ودرآخرت بشارت، است هیچ تبدیلی سخنان خدارا نیست این بشارت همانست پیروزی بزرگ (٦٤). و سخن ایشان تورا غمگین نکند هرآئینه همگی غلبه برای خداست او شنوای دانا است (٦٥). آگاه باش هرآئینه خداراست هرکه درآسمان هاست وهرکه درزمین است و آنانکه غیرازخدا شریکان را پرستش می کنند بحقیقت مگروهم وگمان را پیروی نمی کنند ومگر دروغ گو نیستند (٦٦). اوست آنکه برای شما شب را ساخت تا درآن آرام گیرید وروز را روشن ساخت هرآئینه درین نشانه هاست گروهی را که می شنوند (٦٧). کافران گفتند خدا فرزندگرفته است پاکی اوراست اوست بی نیاز، اوراست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین است نزد شما هیچ حجتی برین نیست آیا می گویید برخدا آنچه راکه نمی دانید (٦٨). بگوهرآئینه آنانکه برخدا دروغ را برمی بندند رستگار نمی شوند (٦٩). ایشان را بهره مندی دردنیا باشد، دوباره بازگشت ایشان به سوی ماست پس ایشان را عذاب سخت بچشانیم بسبب آنکه کفرمی ورزیدند (٧٠).

---

(۱۳) یعنی به رؤیا صالحه و بشارت.

نصف الحزب ٢٢

۞ وَٱتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِۦ يَٰقَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُم مَّقَامِي وَتَذْكِيرِي بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَعَلَى ٱللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوٓاْ أَمْرَكُمْ وَشُرَكَآءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ ٱقْضُوٓاْ إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ ﴿٧١﴾ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِۖ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ ٱلْمُسْلِمِينَ ﴿٧٢﴾ فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ فِي ٱلْفُلْكِ وَجَعَلْنَٰهُمْ خَلَٰٓئِفَ وَأَغْرَقْنَا ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَاۖ فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُنذَرِينَ ﴿٧٣﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنۢ بَعْدِهِۦ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَآءُوهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ فَمَا كَانُواْ لِيُؤْمِنُواْ بِمَا كَذَّبُواْ بِهِۦ مِن قَبْلُۚ كَذَٰلِكَ نَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلْمُعْتَدِينَ ﴿٧٤﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنۢ بَعْدِهِم مُّوسَىٰ وَهَٰرُونَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيْهِۦ بِـَٔايَٰتِنَا فَٱسْتَكْبَرُواْ وَكَانُواْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿٧٥﴾ فَلَمَّا جَآءَهُمُ ٱلْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُوٓاْ إِنَّ هَٰذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٧٦﴾ قَالَ مُوسَىٰٓ أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَآءَكُمْۖ أَسِحْرٌ هَٰذَا وَلَا يُفْلِحُ ٱلسَّٰحِرُونَ ﴿٧٧﴾ قَالُوٓاْ أَجِئْتَنَا لِتَلْفِتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَا وَتَكُونَ لَكُمَا ٱلْكِبْرِيَآءُ فِي ٱلْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ ﴿٧٨﴾

وخبرنوح را برایشان بخوان چون به قوم خود گفت ای قوم من اگر قیام من وپند دادن من به آیه های خدا برشما دشوار شده باشد پس برخدا توکل کردم پس درکار خود همراه شریکان خویش عزیمت درست کنید پس نباشد کارشماپوشیده برشما سپس بر من حمله برید ومرا مهلت مدهید (۷۱). پس اگر اعراض کردید[۱٤] پس ازشما هیچ مزدی نخواسته بودم نیست پاداش من مگربرخدا ومرا فرموده شد که ازمسلمانان باشم (۷۲). پس تکذیبش کردند، سپس اورا وآنان را که باوی بودند درکشتی نجات دادیم وایشان را جانشین گردانیدیم وکسانی را که آیاتِ مارا تکذیب کردند غرق کردیم پس بنگر آخرکار بیم کرده شدگان چگونه شد(۷۳). باز بعد نوح پیامبران را به سوی قوم ایشان فرستادیم پس پیش ایشان نشانه های روشن را آوردند پس هرگز مستعد آن نبودند که ایمان آورند به آنچه آن را پیش ازین تکذیب کرده بودند هم چنین بردل های ازحد گذرندگان مُهرمی نهیم (۷٤). باز بعدازایشان موسیٰ وهارون را به سوی فرعون وقوم او بانشانه های خویش فرستادیم پس تکبر کردند وقومی گناهکار بودند (۷٥). پس چون بایشان سخن درست ازنزدِ ما آمد گفتند هرآئینه این سِحرِ ظاهر است (۷٦). موسیٰ گفت آیا سخن درست را چنین می گویید چون به شما بیامد آیااین سحراست، وساحران رستگارنمی شوند (۷۷). گفتند آیا پیش ما آمده ای تا مارا ازدینی که برآن پدران خودرا یافتیم باز داری وتا شمارا ریاست درزمین باشد وما باوردارنده شما نیستیم (۷۸).

---

(۱٤) یعنی ازگفته من چه زیان.

وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ ٱئۡتُونِي بِكُلِّ سَٰحِرٍ عَلِيمٖ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا جَآءَ ٱلسَّحَرَةُ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰٓ أَلۡقُواْ مَآ أَنتُم مُّلۡقُونَ ﴿٨٠﴾ فَلَمَّآ أَلۡقَوۡاْ قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئۡتُم بِهِ ٱلسِّحۡرُۖ إِنَّ ٱللَّهَ سَيُبۡطِلُهُۥٓ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُصۡلِحُ عَمَلَ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ﴿٨١﴾ وَيُحِقُّ ٱللَّهُ ٱلۡحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُجۡرِمُونَ ﴿٨٢﴾ فَمَآ ءَامَنَ لِمُوسَىٰٓ إِلَّا ذُرِّيَّةٞ مِّن قَوۡمِهِۦ عَلَىٰ خَوۡفٖ مِّن فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِمۡ أَن يَفۡتِنَهُمۡۚ وَإِنَّ فِرۡعَوۡنَ لَعَالٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَإِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ﴿٨٣﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ يَٰقَوۡمِ إِن كُنتُمۡ ءَامَنتُم بِٱللَّهِ فَعَلَيۡهِ تَوَكَّلُوٓاْ إِن كُنتُم مُّسۡلِمِينَ ﴿٨٤﴾ فَقَالُواْ عَلَى ٱللَّهِ تَوَكَّلۡنَا رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا فِتۡنَةٗ لِّلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٨٥﴾ وَنَجِّنَا بِرَحۡمَتِكَ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٨٦﴾ وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّءَا لِقَوۡمِكُمَا بِمِصۡرَ بُيُوتٗا وَٱجۡعَلُواْ بُيُوتَكُمۡ قِبۡلَةٗ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٨٧﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَآ إِنَّكَ ءَاتَيۡتَ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَأَهُۥ زِينَةٗ وَأَمۡوَٰلٗا فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّواْ عَن سَبِيلِكَۖ رَبَّنَا ٱطۡمِسۡ عَلَىٰٓ أَمۡوَٰلِهِمۡ وَٱشۡدُدۡ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ فَلَا يُؤۡمِنُواْ حَتَّىٰ يَرَوُاْ ٱلۡعَذَابَ ٱلۡأَلِيمَ ﴿٨٨﴾

وفرعون گفت پیش من هرساحر بسیار دانارا بیارید (۷۹). پس وقتی که ساحران آمدند موسیٰ ایشان را گفت بافکنید آنچه شما افکننده اید (۸۰). پس چون افکندند گفت موسیٰ آنچه آورده اید سحراست هرآئینه خدا آن را باطل خواهد ساخت هرآئینه خدا کارمفسدان را راست نمی آرد (۸۱). وخدا سخن درست را به فرمان خود ثابت خواهد کرد ا گرچه گناهکاران ناپسند دارند (۸۲). پس به موسیٰ ایمان نیاوردند مگرجماعتی ازقوم وی باترس ازفرعون واشراف ایشان که ایشان را عقوبت کند وهرآئینه فرعون درآن سرزمین سرکشی بود وهرآئینه وی ازحدگذرندگان بود (۸۳). وموسیٰ گفت ای قوم من ا گر به خدا ایمان آورده اید پس بروَی توکل کنید ا گر مسلمان هستید (۸٤). پس گفتند برخدا توکل کردیم، ای پروردگار ما مارا لگدکوب قوم ستمکاران مکن (۸۵). ومارا به رحمت خود ازگروه کافران نجات دِه (۸٦). وبه سوی موسیٰ و برادر وی وحی فرستادیم که برای قوم خود در شهر مصر خانه ها بگیرید وخانه های خود را جای نماز قراردهید[۱۵] ونمازرا برپادارید ومومنان را بشارت دِه (۸۷). وموسیٰ گفت ای پروردگارما هرآئینه تو فرعون وسرانش (قبیلهٔ اش) را زینت ومال های بسیار درزندگانی دنیا داده ای ای پروردگارما تا عالم را از راهِ تو گمراه کنند ای پروردگارما مالهای ایشان را ازبینِ بِبر وبر دلهای ایشان مُهر بزَن که ایمان نیارند تازمانیکه عذاب درد ناك را ببینند (۸۸).

(۱۵) یعنی مساجد البیت بناکنید.

قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَّعْوَتُكُمَا فَٱسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَآنِّ سَبِيلَ
ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾ ۞ وَجَٰوَزْنَا بِبَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱلْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ
فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُۥ بَغْيًا وَعَدْوًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَدْرَكَهُ ٱلْغَرَقُ
قَالَ ءَامَنتُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱلَّذِيٓ ءَامَنَتْ بِهِۦ بَنُوٓاْ إِسْرَٰٓءِيلَ
وَأَنَا۠ مِنَ ٱلْمُسْلِمِينَ ﴿٩٠﴾ ءَآلْـَٰٔنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنتَ
مِنَ ٱلْمُفْسِدِينَ ﴿٩١﴾ فَٱلْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ
خَلْفَكَ ءَايَةًۚ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ ٱلنَّاسِ عَنْ ءَايَٰتِنَا لَغَٰفِلُونَ
﴿٩٢﴾ وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ مُبَوَّأَ صِدْقٍ وَرَزَقْنَٰهُم مِّنَ
ٱلطَّيِّبَٰتِ فَمَا ٱخْتَلَفُواْ حَتَّىٰ جَآءَهُمُ ٱلْعِلْمُۚ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي
بَيْنَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُواْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٩٣﴾ فَإِن كُنتَ فِي شَكٍّ
مِّمَّآ أَنزَلْنَآ إِلَيْكَ فَسْـَٔلِ ٱلَّذِينَ يَقْرَءُونَ ٱلْكِتَٰبَ مِن
قَبْلِكَۚ لَقَدْ جَآءَكَ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُمْتَرِينَ ﴿٩٤﴾
وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَتَكُونَ مِنَ ٱلْخَٰسِرِينَ
﴿٩٥﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٩٦﴾
وَلَوْ جَآءَتْهُمْ كُلُّ ءَايَةٍ حَتَّىٰ يَرَوُاْ ٱلْعَذَابَ ٱلْأَلِيمَ ﴿٩٧﴾

گفت خداهرآئینه دعای شما قبول کرده شد پس ثابت باشید وراه جاهلان را پیروی مکنید (۸۹). واولاد یعقوب را ازدریا گذرانیدیم پس فرعون ولشکراو از راه ستم وتعدی درپَی ایشان شدند تاوقتی که چون سختي غرق به او رسید گفت باورداشتم که نیست هیچ معبود برحقی مگر آنکه به وی بنی اسرائیل ایمان آورده است ومن ازمسلمانانم (۹۰). گفته شد آیا اکنون ایمان می آوری وبتحقیق که پیش ازاین نافرمانی کرده بودی وازمفسدان بودی (۹۱). پس امروز بَدَنَت را نجات دهیم[۱۶] (به همان جسد تویعنی بغیر تغییر) تا نشانه ای برای آنان باشی که پس ازتوآیند وهرآئینه بسیاری از مردمان ازنشانه های ما بی خبراند (۹۲). هرآئینه بنی اسرائیل را بمقام نیك جای دادیم وایشان را ازپاکیزه ها روزی دادیم پس اختلاف نکردند تاآنکه به ایشان دانش آمد (یعنی قرآن) هرآئینه پروردگار تو میان ایشان روزقیامت درآنچه اختلاف می‌کردند حکم می‌کند (۹۳). پس ا گر درشکّی ازآنچه به سوی تو فروفرستادیم پس بپرس آنان را که کتاب راپیش ازتو می‌خواندند[۱۷] هرآئینه پیش تووحی درست از پروردگار تو آمده است پس هرگز ازشك آورندگان مباش (۹٤). وهرگز ازآنانکه آیاتِ خدارا تکذیب کردند مباش، آنگاه اززیان کاران شوی (۹٥). هرآئینه آنانکه برایشان حکم پروردگارتو ثابت شد ایمان نیاورند (۹٦). ا گرچه به ایشان هرنشانه‌ای بیاید تاآنکه عذاب دردناك ببینند (۹۷).

---

(۱٦) یعنی بروی آب آریم تورا.

(۱۷) یعنی تاظاهر شود که برانبیای سابق نیزوحی نازل میشد والله اعلم.

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ ءَامَنَتْ فَنَفَعَهَآ إِيمَـٰنُهَآ إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّآ ءَامَنُوا۟ كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ ٱلْخِزْىِ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَمَتَّعْنَـٰهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٩٨﴾ وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ لَءَامَنَ مَن فِى ٱلْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا ۚ أَفَأَنتَ تُكْرِهُ ٱلنَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا۟ مُؤْمِنِينَ ﴿٩٩﴾ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَن تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۚ وَيَجْعَلُ ٱلرِّجْسَ عَلَى ٱلَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٠٠﴾ قُلِ ٱنظُرُوا۟ مَاذَا فِى ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ وَمَا تُغْنِى ٱلْـَٔايَـٰتُ وَٱلنُّذُرُ عَن قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠١﴾ فَهَلْ يَنتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ ٱلَّذِينَ خَلَوْا۟ مِن قَبْلِهِمْ ۚ قُلْ فَٱنتَظِرُوٓا۟ إِنِّى مَعَكُم مِّنَ ٱلْمُنتَظِرِينَ ﴿١٠٢﴾ ثُمَّ نُنَجِّى رُسُلَنَا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ۚ كَذَٰلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنجِ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾ قُلْ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِن كُنتُمْ فِى شَكٍّ مِّن دِينِى فَلَآ أَعْبُدُ ٱلَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَـٰكِنْ أَعْبُدُ ٱللَّهَ ٱلَّذِى يَتَوَفَّىٰكُمْ ۖ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٤﴾ وَأَنْ أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٥﴾ وَلَا تَدْعُ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ ۖ فَإِن فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذًا مِّنَ ٱلظَّـٰلِمِينَ ﴿١٠٦﴾

پس چرانَبُود دِهی که ایمان آورد[۱۸] پس ایمان وی سود دَهدَش مگرقوم یونس چون ایمان آوردند ازایشان عقوبت رسوایی را درزندگانی دنیا برداشتیم وایشان راتامدتی بهره منده ساختیم (۹۸). وا گر پروردگارتو می‌خواست کُلاً همگی آنانکه درزمین اند ایمان می آوردند آیاتو مردمان را اجبارتوانی کرد تامسلمان شوند (۹۹). وهیچ شخصی را روا نَبُوَد که ایمان آورد مگربخواست خدا وپلیدی را برآنانکه در نمی‌یابند می‌اندازد (۱۰۰). بگو ببینید چه چیز درآسمان ها وزمین است ونشانه ها ونیز ترسانندگان فایده نمی دهند گروهی را که باورنمی کنند (۱۰۱). پس انتظارنمی کشند مگرمانند مصیبت های آنانکه پیش ازایشان گذشتند بگو انتظار بکشید هرآئینه من نیزباشما ازمنتظرانم (۱۰۲). باز پیامبران خودرا وآنان را که ایمان آورده‌اند نجات می دهیم همچنین برما لازم است که مومنان را نجات دهیم (۱۰۳). بگوای مردمان ا گر ازدین من درشبهه هستید پس آنان را که شما غیر ازخدا می پرستید نمی پرستم ولیکن آن خدارا عبادت می کنم که قبض ارواح شما می کند ومرا فرموده شد که ازمسلمانان باشم (۱۰٤). وفرموده شدآنکه روی خود را برای دین حنیف راست کن وهر گز ازمشرکان مباش (۱۰۵). وبجزخداچیزی را که تورا سود نمی دهد و به تو زیان نمی رساند مخوان پس ا گرچنین کنی آنگاه ازستمکاران باشی (۱۰٦).

(۱۸) یعنی نزدیك نزول عذاب.

وَإِن يَمْسَسْكَ ٱللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَ ۖ وَإِن يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَآدَّ لِفَضْلِهِۦ ۚ يُصِيبُ بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ ۚ وَهُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٠٧﴾ قُلْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدْ جَآءَكُمُ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ ۖ فَمَنِ ٱهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِى لِنَفْسِهِۦ ۖ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۖ وَمَآ أَنَا۠ عَلَيْكُم بِوَكِيلٍ ﴿١٠٨﴾ وَٱتَّبِعْ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيْكَ وَٱصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ ٱللَّهُ ۚ وَهُوَ خَيْرُ ٱلْحَٰكِمِينَ ﴿١٠٩﴾

سُورَةُ هُودٍ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓر ۚ كِتَٰبٌ أُحْكِمَتْ ءَايَٰتُهُۥ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِن لَّدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ﴿١﴾ أَلَّا تَعْبُدُوٓا۟ إِلَّا ٱللَّهَ ۚ إِنَّنِى لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ ﴿٢﴾ وَأَنِ ٱسْتَغْفِرُوا۟ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوٓا۟ إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُم مَّتَٰعًا حَسَنًا إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِى فَضْلٍ فَضْلَهُۥ ۖ وَإِن تَوَلَّوْا۟ فَإِنِّىٓ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ ﴿٣﴾ إِلَى ٱللَّهِ مَرْجِعُكُمْ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤﴾ أَلَآ إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا۟ مِنْهُ ۚ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۚ إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿٥﴾

وا گر خدا بتورنجی برساند پس نیست آن را بردارنده مگر او و ا گر درحق تونعمتی خواهد پس فضل اورا هیچ برگرداننده ای نیست، میرساندش به هرکه ازبندگان خود می خواهد واو آمرزندهٔ مهربان است (۱۰۷). بگوای مردمان بتحقیق به شماوحی راست از پروردگار شما آمده است پس هرکه راه یافت جزاین نیست که برای خودش راه یابد وهرکه گمراه شد جزاین نیست که بزیان خود گمراه می شود ومن برشما نگهبان نیستم (۱۰۸). و(یا محمد) آنچه را که به تو وحی می شود پیروی کن وشکیبایی کن تا آنکه خدا حکم کند واو بهترین حکم کنندگان است (۱۰۹).
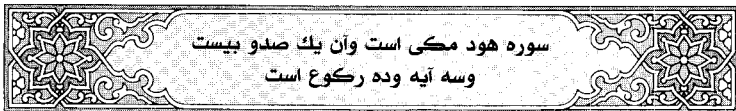
بنام خدای بخشاینده مهربان.

الٓرٰ. این کتابیست که آیاتِ او استوارکرده شد بازواضح کرده شده، ازنزد خدای درست کارِ آگاه آمده است (۱). (بآن مضمون که پیامبرگوید) مگر خدارا عبادت نکنید هرآئینه من برای شما ازجانب او بیم کننده وبشارت دهنده ام (۲). وآنکه ازپروردگار خود آمرزش طلب کنید، باز به سوی وی رجوع کنید تاشمارا به بهرهٔ نیك تامیعاد معلوم بهره مند سازد وتا هرصاحب بزرگی را جزای بزرگی او بدهد وا گر رویگردان شوید پس هرآئینه من برشما ازعذاب روز بزرگ می ترسم (۳). به سوی خداست بازگشت شما واو برهرچیز تواناست (٤). آ گاه باش این کافران سینه های خودرا می پیچند[1] می‌خواهند که ازخدا پنهان شوند آ گاه باش چون برسر می‌کنند جامه های خودرا میداند آنچه پنهان می دارند وآنچه آشکار می کنند هرآئینه اوداناست به رازیکه در سینه هاست[2](۵).

(۱) یعنی اعراض می کنند.

(۲) مترجم گوید میتوان گفت پیچیدن سینه عبارت ازآنست که کسی فکرهای ناصواب کند وبشبهات واهیه دل خودرا اطمینان دهد وعقاید حقه را فراموش سازد زیرا که صدراینجا بمعنی علومِ صدرآمده است.

۞ وَمَا مِن دَآبَّةٍ فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِ رِزۡقُهَا وَيَعۡلَمُ مُسۡتَقَرَّهَا وَمُسۡتَوۡدَعَهَاۚ كُلّٞ فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٖ ٦ وَهُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ وَكَانَ عَرۡشُهُۥ عَلَى ٱلۡمَآءِ لِيَبۡلُوَكُمۡ أَيُّكُمۡ أَحۡسَنُ عَمَلٗاۗ وَلَئِن قُلۡتَ إِنَّكُم مَّبۡعُوثُونَ مِنۢ بَعۡدِ ٱلۡمَوۡتِ لَيَقُولَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ مُّبِينٞ ٧ وَلَئِنۡ أَخَّرۡنَا عَنۡهُمُ ٱلۡعَذَابَ إِلَىٰٓ أُمَّةٖ مَّعۡدُودَةٖ لَّيَقُولُنَّ مَا يَحۡبِسُهُۥٓۗ أَلَا يَوۡمَ يَأۡتِيهِمۡ لَيۡسَ مَصۡرُوفًا عَنۡهُمۡ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٨ وَلَئِنۡ أَذَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِنَّا رَحۡمَةٗ ثُمَّ نَزَعۡنَٰهَا مِنۡهُ إِنَّهُۥ لَيَـُٔوسٞ كَفُورٞ ٩ وَلَئِنۡ أَذَقۡنَٰهُ نَعۡمَآءَ بَعۡدَ ضَرَّآءَ مَسَّتۡهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ ٱلسَّيِّـَٔاتُ عَنِّيٓۚ إِنَّهُۥ لَفَرِحٞ فَخُورٌ ١٠ إِلَّا ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَأَجۡرٞ كَبِيرٞ ١١ فَلَعَلَّكَ تَارِكُۢ بَعۡضَ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيۡكَ وَضَآئِقُۢ بِهِۦ صَدۡرُكَ أَن يَقُولُواْ لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ كَنزٌ أَوۡ جَآءَ مَعَهُۥ مَلَكٌۚ إِنَّمَآ أَنتَ نَذِيرٞۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ وَكِيلٌ ١٢

ونیست هیچ جنبنده درزمین مگر روزی او برخداست و جای ماندن اورا وجای نگاهداشتن اورا می داند هریك درکتاب روشن است[۳] (٦). واوست آنکه آسمان ها وزمین را درشش روز آفرید وعرش او برآب بود (آخرکار آفریدن شماآنکه) تا بیازماید شما را که کدام یك ازشما ازجهت عمل نیکوتراست و اگر بگویی که هرآئینه شما بعدازموت برانگیخته شوید البته کافران گویند این سخن مگر جادویی ظاهر نیست (۷). و اگر ازایشان عذاب را تامدتی شمرده شده بازداریم البته گویند چه چیز آنرا باز می دارد آگاه باش روزیکه به ایشان بیاید نباشد ازایشان بازداشته شده و آنچه به آن استهزا می کردند ایشان را فراگیرد (۸). وا گر آدمی را نعمتی ازنزد خود بچشانیم باز آن را ازوی برگیریم هرآئینه وی ناامید وناسپاس است (۹). و اگر آدمی را رفاهیتی بعد ازسختی که رسیده باشد به وَی بچشانیم البته گوید سختی ها ازمن برفتند هرآئینه وی شادمان وخودستاینده است (۱۰). مگر آنانکه شکیبایی نمودند وکارهای شایسته کردند آن جماعت ایشان را آمرزش وپاداش بزرگ است (۱۱). پس شاید تو بعض آنچه را که وحی فرستاده می شود به سوی توترك کنی وبآن سینه توتنگ گردد[٤] ازجهت آنکه می گویند چرا بروی گنجی فرو آورده نشد یاچرا همراه اوفرشته نیامد جزاین نیست که توبیم کننده ای وخدا برهر چیز نگهبان است (۱۲).

(۳) یعنی درلوح محفوظ نوشته مترجم گوید مستودع جایی است که بغیر اختیار اوآنجا نگاهداشته بودندمانند صُلب ورَحِم ومستقر جای است که باختیار خود می ماند مثل خانه.

(٤) یعنی ترك مکن ودلتنگ مشو.

أَمْ يَقُولُونَ ٱفْتَرَىٰهُ ۖ قُلْ فَأْتُوا۟ بِعَشْرِ سُوَرٍ مِّثْلِهِۦ مُفْتَرَيَٰتٍ وَٱدْعُوا۟ مَنِ ٱسْتَطَعْتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿١٣﴾ فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا۟ لَكُمْ فَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّمَآ أُنزِلَ بِعِلْمِ ٱللَّهِ وَأَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ ﴿١٤﴾ مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَٰلَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ ﴿١٥﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِى ٱلْءَاخِرَةِ إِلَّا ٱلنَّارُ ۖ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا۟ فِيهَا وَبَٰطِلٌ مَّا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾ أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِۦ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِۦ كِتَٰبُ مُوسَىٰٓ إِمَامًا وَرَحْمَةً ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِۦ ۚ وَمَن يَكْفُرْ بِهِۦ مِنَ ٱلْأَحْزَابِ فَٱلنَّارُ مَوْعِدُهُۥ ۚ فَلَا تَكُ فِى مِرْيَةٍ مِّنْهُ ۚ إِنَّهُ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٧﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ ٱلْأَشْهَٰدُ هَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ كَذَبُوا۟ عَلَىٰ رَبِّهِمْ ۚ أَلَا لَعْنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٨﴾ ٱلَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُم بِٱلْءَاخِرَةِ هُمْ كَٰفِرُونَ ﴿١٩﴾

آیامی گویند (قرآن را) افترا بسته است بگوپس ده سوره را مانند این بربافته بیارید و هرکس را توانید غیراز خدا بخوانید ا گر راست گوهستید[۵] (۱۳). پس ا گر آن کافران سخن شما را قبول نکنند پس بدانید که قرآن بعلم خدا نازل کرده شده است وبدانید که هیچ معبود برحقی مگروی نیست پس آیا شما مسلمان هستید[٦] (١٤). هرکه زندگانی دنیا وتجمل آن را خواسته باشد به سوی این جماعت جزای اعمال ایشانرا دراینجا بتمام رسانیم وایشان درینجا نقصان داده نشوند[۷] (١٥). این جماعت آنانند که ایشان را درآخرت مگر آتش نیست و درآخرت باطل شد آنچه کرده بودند ونابودست آنچه به عمل می آوردند (١٦). آیاکسی که بر حجتی ازجانب پروردگارخود باشد[۸] ودنبال وی گواهی ازجانب پروردگار او می[۹]آید وپیش ازقرآن گواه وی کتاب موسیٰ بود پیشوایی وبخشایشی (مثل دیگران باشد) این جماعت به قرآن ایمان می آورند و هرکه ازگروه ها به آن کافرشد پس آتش وعده گاه اوست پس، از نزولِ قرآن درشبهه مباش هرآئینه وی درست است، ازپروردگار تو آمده ولیکن بیشتر مردمان ایمان نمی آورند (١٧). وکیست ستمکارتر ازکسی که برخدا دروغی را بربست این جماعت پیش پروردگار خویش آورده می شوند و می گویند گواهان[۱۰] ایشانند آنانکه برپروردگار خویش دروغ بستند آگاه باش لعنت خدا برستمکاران است (١٨). آنانکه مردمان را ازراهِ خدا بازمی دارند و برای آن راه کجی را میخواهند وایشان بآخرت کافراند(۱۹).

(۵) مترجم گوید نخست بِدَه سوره تحدّی واقع شدوچون ازآن عاجز شدند بیك سوره تحدّی فرمود.
(٦) یعنی براسلام ثابت باشید.
(۷) یعنی ثواب صدقه وصلهٔ رحم که ازکفار بوجود می آید اجرآن در دنیا داده میشوند بتوسیع رزق وصحت بدن.
(۸) یعنی دلیلی عقلی.
(۹) یعنی قرآن.
(۱۰) یعنی کرامًا کاتبین.

أُوْلَٰٓئِكَ لَمْ يَكُونُواْ مُعْجِزِينَ فِي ٱلْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِنْ أَوْلِيَآءَۘ يُضَٰعَفُ لَهُمُ ٱلْعَذَابُۚ مَا كَانُواْ يَسْتَطِيعُونَ ٱلسَّمْعَ وَمَا كَانُواْ يُبْصِرُونَ ﴿٢٠﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَفْتَرُونَ ﴿٢١﴾ لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي ٱلْأٓخِرَةِ هُمُ ٱلْأَخْسَرُونَ ﴿٢٢﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَأَخْبَتُوٓاْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُوْلَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِۖ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٢٣﴾ ۞ مَثَلُ ٱلْفَرِيقَيْنِ كَٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْأَصَمِّ وَٱلْبَصِيرِ وَٱلسَّمِيعِۚ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًاۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِۦٓ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢٥﴾ أَن لَّا تَعْبُدُوٓاْ إِلَّا ٱللَّهَۖ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ ﴿٢٦﴾ فَقَالَ ٱلْمَلَأُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَوْمِهِۦ مَا نَرَىٰكَ إِلَّا بَشَرًا مِّثْلَنَا وَمَا نَرَىٰكَ ٱتَّبَعَكَ إِلَّا ٱلَّذِينَ هُمْ أَرَاذِلُنَا بَادِيَ ٱلرَّأْيِ وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلِۭ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَٰذِبِينَ ﴿٢٧﴾ قَالَ يَٰقَوْمِ أَرَءَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَءَاتَىٰنِي رَحْمَةً مِّنْ عِندِهِۦ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنتُمْ لَهَا كَٰرِهُونَ ﴿٢٨﴾

این جماعت عاجز کننده درزمین نباشند و ایشان را جز خدا از دوستان نباشد، برای ایشان عذاب دوچند کرده شود شنیدن نمی توانستند (یعنی بسبب شدت ناخوشی) و نمی دیدند[(۱۱)] (۲۰). این جماعت آنانند که درحق خویش زیان کردند وازایشان آنچه برمی بافتند گم شد (۲۱). بیشك این جماعت درآخرت ایشان زیانکارترند (۲۲). هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وعمل های شایسته کردند و توجه کنان به سوی پروردگار خویش فروتنی کردند ایشان اهل بهشت اند ایشان درآنجا جاویدانند (۲۳). مثال این دوفریق مانندکور وکر وبینا وشنوااست آیا هردو درصفت برابرند آیا پند نمی گیرید (۲٤). وهرآئینه نوح رابه سوی قوم او فرستادیم گفت هرآئینه من برای شما بیم دهندهٔ آشکارم (۲٥). (باین مضمون) که مگر خدا را مپرستید هرآئینه من ازعذاب روزدردناك برشما می ترسم (۲٦). پس جماعتی که ازقوم او کافربودند گفتند تورا نمی بینیم مگر آدمی مانند خویش، ونمی بینیم که پیروی توکرده باشند بتأمل سرسری مگر آنانکه ایشان پست ترین های مایند وبرای شما هیچ بزرگی برخود نمی بینیم بلکه شما را دروغگو می پنداریم (۲۷). گفت ای قوم من مرا خبردهید بدانکه اگر باشم برحجتی از پروردگار خود و بمن بخشایشی ازنزد خود داده باشد پس حقیقت آن برشما پوشانیده شد آیا شمارا برآن اجبار کنیم وشماناخواهان آن باشید؟(۲۸).

(۱۱) مترجم گوید ومیتوان گفت که همزهٔ استفهام انکاری محذوف است یعنی آیا نمی توانستند وآیانمی دیدند.

وَيَٰقَوۡمِ لَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مَالًاۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِۚ وَمَآ أَنَا۠
بِطَارِدِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْۚ إِنَّهُم مُّلَٰقُواْ رَبِّهِمۡ وَلَٰكِنِّيٓ أَرَىٰكُمۡ قَوۡمٗا
تَجۡهَلُونَ ﴿٢٩﴾ وَيَٰقَوۡمِ مَن يَنصُرُنِي مِنَ ٱللَّهِ إِن طَرَدتُّهُمۡۚ أَفَلَا
تَذَكَّرُونَ ﴿٣٠﴾ وَلَآ أَقُولُ لَكُمۡ عِندِي خَزَآئِنُ ٱللَّهِ وَلَآ
أَعۡلَمُ ٱلۡغَيۡبَ وَلَآ أَقُولُ إِنِّي مَلَكٞ وَلَآ أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزۡدَرِيٓ
أَعۡيُنُكُمۡ لَن يُؤۡتِيَهُمُ ٱللَّهُ خَيۡرًاۖ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا فِيٓ أَنفُسِهِمۡ إِنِّيٓ
إِذٗا لَّمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٣١﴾ قَالُواْ يَٰنُوحُ قَدۡ جَٰدَلۡتَنَا فَأَكۡثَرۡتَ جِدَٰلَنَا
فَأۡتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ إِنَّمَا
يَأۡتِيكُم بِهِ ٱللَّهُ إِن شَآءَ وَمَآ أَنتُم بِمُعۡجِزِينَ ﴿٣٣﴾ وَلَا يَنفَعُكُمۡ
نُصۡحِيٓ إِنۡ أَرَدتُّ أَنۡ أَنصَحَ لَكُمۡ إِن كَانَ ٱللَّهُ يُرِيدُ أَن
يُغۡوِيَكُمۡۚ هُوَ رَبُّكُمۡ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ﴿٣٤﴾ أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۖ
قُلۡ إِنِ ٱفۡتَرَيۡتُهُۥ فَعَلَيَّ إِجۡرَامِي وَأَنَا۠ بَرِيٓءٞ مِّمَّا تُجۡرِمُونَ
﴿٣٥﴾ وَأُوحِيَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُۥ لَن يُؤۡمِنَ مِن قَوۡمِكَ إِلَّا مَن قَدۡ ءَامَنَ
فَلَا تَبۡتَئِسۡ بِمَا كَانُواْ يَفۡعَلُونَ ﴿٣٦﴾ وَٱصۡنَعِ ٱلۡفُلۡكَ بِأَعۡيُنِنَا
وَوَحۡيِنَا وَلَا تُخَٰطِبۡنِي فِي ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ إِنَّهُم مُّغۡرَقُونَ ﴿٣٧﴾

و ای قوم من، ازشما براین پیام رسانیدن مالی را طلب نمی کنم، نیست پاداش من مگر بر خدا و طرد کننده ٔ مسلمانان (یعنی ازصحبت خود) نیستم هرآئینه ایشان با پروردگار خویش ملاقات کنندگانند ولی من شما را قومی نادان می بینم (۲۹). وای قومِ من چه کسی مرا ازعقوبت خدا نصرت دهد اگر ایشان را برانم آیا پند نمی پذیرید؟ (۳۰). ونمی گویم به شما که خزانه‌های خدا نزد من است ونه آنکه غیب را میدانم ونمی گویم که من فرشته ام ونمی گویم آنان را که به دیده خواری به ایشان بچشمهایتان می‌نگرید که خدا هیچ نعمتی به ایشان نخواهد داد خدا داناتراست به آنچه دردل های ایشان است هرآئینه من آنگاه ازستم کاران باشم (۳۱). گفتند ای نوح با ما مجادله کردی پس ما را بسیار مجادله کردی پس بیارآنچه وعده می کنی اگر از راست گویان هستی (۳۲). گفت جزاین نیست که آن را خدا ا گر به شما خواهد می‌آورد وشماعاجز کننده نیستید (۳۳). و نصیحت من شما را سود نمی دهد ا گر خواهم که شما را نصیحت کنم اگر خدا خواسته باشد که شما را گمراه کند اوست پروردگار شما وبه سوی اوبازگردانیده می شوید (۳٤). (یا محمد) آیامی گویند قرآن را افترا بسته است بگو اگر قرآن را افترابسته ام پس برمن است گناه من ومن ازگناهی که می کنید بیزارم[(۱۲)] (۳۵). وبه سوی نوح وحی فرستاده شد که ایمان نخواهد آورد ازقوم تو مگرآنانکه ایمان آورده اند پس اندوه مخور به آنچه می کردند (۳٦). و کشتی را بدیدگاه ما وبفرمانِ ما بساز وسخن مگو بامن در باره ٔ آنانکه ستم کردند هرآئینه ایشان غرق شدگانند (۳۷).

---

(۱۲) مترجم گوید این جمله اضافه کرده شددر وسط قصه قوم نوح تا تنبیه باشد بر تطبیق حال مشرکین مکه باحال قوم حضرت نوح والله اعلم.

وَيَصۡنَعُ ٱلۡفُلۡكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيۡهِ مَلَأٞ مِّن قَوۡمِهِۦ سَخِرُواْ مِنۡهُۚ
قَالَ إِن تَسۡخَرُواْ مِنَّا فَإِنَّا نَسۡخَرُ مِنكُمۡ كَمَا تَسۡخَرُونَ
٣٨ فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ مَن يَأۡتِيهِ عَذَابٞ يُخۡزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيۡهِ عَذَابٞ
مُّقِيمٌ ٣٩ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَمۡرُنَا وَفَارَ ٱلتَّنُّورُ قُلۡنَا ٱحۡمِلۡ فِيهَا
مِن كُلّٖ زَوۡجَيۡنِ ٱثۡنَيۡنِ وَأَهۡلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيۡهِ ٱلۡقَوۡلُ
وَمَنۡ ءَامَنَۚ وَمَآ ءَامَنَ مَعَهُۥٓ إِلَّا قَلِيلٞ ٤٠ ۞ وَقَالَ ٱرۡكَبُواْ
فِيهَا بِسۡمِ ٱللَّهِ مَجۡرٜىٰهَا وَمُرۡسَىٰهَآۚ إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ
٤١ وَهِيَ تَجۡرِي بِهِمۡ فِي مَوۡجٖ كَٱلۡجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ ٱبۡنَهُۥ
وَكَانَ فِي مَعۡزِلٖ يَٰبُنَيَّ ٱرۡكَب مَّعَنَا وَلَا تَكُن مَّعَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٤٢
قَالَ سَـَٔاوِيٓ إِلَىٰ جَبَلٖ يَعۡصِمُنِي مِنَ ٱلۡمَآءِۚ قَالَ لَا عَاصِمَ ٱلۡيَوۡمَ
مِنۡ أَمۡرِ ٱللَّهِ إِلَّا مَن رَّحِمَۚ وَحَالَ بَيۡنَهُمَا ٱلۡمَوۡجُ فَكَانَ مِنَ
ٱلۡمُغۡرَقِينَ ٤٣ وَقِيلَ يَٰٓأَرۡضُ ٱبۡلَعِي مَآءَكِ وَيَٰسَمَآءُ أَقۡلِعِي
وَغِيضَ ٱلۡمَآءُ وَقُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ وَٱسۡتَوَتۡ عَلَى ٱلۡجُودِيِّۖ وَقِيلَ
بُعۡدٗا لِّلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٤٤ وَنَادَىٰ نُوحٞ رَّبَّهُۥ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ٱبۡنِي
مِنۡ أَهۡلِي وَإِنَّ وَعۡدَكَ ٱلۡحَقُّ وَأَنتَ أَحۡكَمُ ٱلۡحَٰكِمِينَ ٤٥

و نوح کشتی را می ساخت وهرگاه که برآن کشتی جماعتی ازقوم او می گذشت باوی تمسخر میکردند، گفت اگر ما را مسخره می کنید پس هرآئینه ما شمارا مسخره خواهیم کرد چنانکه شما مسخره می کنید (۳۸). پس خواهید دانست کسی را که بیایدش عذابی که رسوا کندش وبروی عقوبتی دایم فرود آید (۳۹). (درهمین معامله بود) تاوقتیکه فرمان ما آمد وتنور بجوشید گفتیم درکشتی ازهرجنسی دوتن (نروماده) را بردار واهل خود را مگرآنکه قضا بروی سبقت کرده است بردار[۱۳] ومسلمانان را بردار، وایمان نیاوردند باوی مگراندکی (٤٠). وگفت (نوح) درکشتی سوار شوید، روان شدن وی وایستادن وی بنام خداست هر آئینه پروردگار من آمرزندهٔ مهربانست (٤١). وآن کشتی ایشان را درموجی مانند کوه ها می بُرد ونوح پسر خودرا درحالیکه اودرکناره ای بود آواز داد ای پسرك من با ما سوارشو و با کافران مباش (٤٢). گفت به سوی کوهی که نگاه دارد مرا ازآب پناه خواهم گرفت نوح گفت امروز از عذاب خدا هیچ نگاه دارنده نیست مگر آنکه خدا بروی رحم کرده است وحایل شد موج میان ایشان پس ازغرق شدگان شد (٤٣). وگفته شد ای زمین آب خود را فروبر وای آسمان بازمان[١٤] وآب کم کرده شد وکار به انجام رسانیده شد و کشتی برکوه جودی قرارگرفت وگفته شد قوم ستمکاران را هلاکت باد (٤٤). و نوح پروردگار خود را آوازداد پس گفت ای پروردگار من هرآئینه پسر من ازاهل من است وهرآئینه وعدهٔ توراست است وتوبهترین حکم کنندگانی (٤٥).

---

(۱۳) یعنی زن نوح وکنعان پسر نوح.
(١٤) یعنی ازباران.

قَالَ يَٰنُوحُ إِنَّهُۥ لَيۡسَ مِنۡ أَهۡلِكَۖ إِنَّهُۥ عَمَلٌ غَيۡرُ صَٰلِحٖۖ فَلَا تَسۡـَٔلۡنِ
مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٌۖ إِنِّيٓ أَعِظُكَ أَن تَكُونَ مِنَ ٱلۡجَٰهِلِينَ
﴿٤٦﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّيٓ أَعُوذُ بِكَ أَنۡ أَسۡـَٔلَكَ مَا لَيۡسَ لِي بِهِۦ عِلۡمٞۖ وَإِلَّا
تَغۡفِرۡ لِي وَتَرۡحَمۡنِيٓ أَكُن مِّنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ﴿٤٧﴾ قِيلَ يَٰنُوحُ
ٱهۡبِطۡ بِسَلَٰمٖ مِّنَّا وَبَرَكَٰتٍ عَلَيۡكَ وَعَلَىٰٓ أُمَمٖ مِّمَّن مَّعَكَۚ
وَأُمَمٞ سَنُمَتِّعُهُمۡ ثُمَّ يَمَسُّهُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿٤٨﴾ تِلۡكَ
مِنۡ أَنۢبَآءِ ٱلۡغَيۡبِ نُوحِيهَآ إِلَيۡكَۖ مَا كُنتَ تَعۡلَمُهَآ أَنتَ
وَلَا قَوۡمُكَ مِن قَبۡلِ هَٰذَاۖ فَٱصۡبِرۡۖ إِنَّ ٱلۡعَٰقِبَةَ لِلۡمُتَّقِينَ ﴿٤٩﴾
وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمۡ هُودٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ
إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥٓۖ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا مُفۡتَرُونَ ﴿٥٠﴾ يَٰقَوۡمِ لَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ
أَجۡرًاۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَى ٱلَّذِي فَطَرَنِيٓۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ﴿٥١﴾
وَيَٰقَوۡمِ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيۡهِ يُرۡسِلِ ٱلسَّمَآءَ
عَلَيۡكُم مِّدۡرَارٗا وَيَزِدۡكُمۡ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمۡ وَلَا تَتَوَلَّوۡاْ
مُجۡرِمِينَ ﴿٥٢﴾ قَالُواْ يَٰهُودُ مَا جِئۡتَنَا بِبَيِّنَةٖ وَمَا نَحۡنُ
بِتَارِكِيٓ ءَالِهَتِنَا عَن قَوۡلِكَ وَمَا نَحۡنُ لَكَ بِمُؤۡمِنِينَ ﴿٥٣﴾

گفت ای نوح هرآئینه وی ازاهل تو نیست هر آئینه او کاری ناشایسته است پس تو مرا ازچیزی که تورا به آن دانش نیست سوال مکن هرآئینه من تورا برای احتراز ازآنکه باشی ازجاهلان پند میدهم (٤٦). گفت ای پروردگار من، هرآئینه من به تو پناه می برم ازآنکه ازتوبخواهم آنچه راکه مرابه آن دانش نیست واگر مرا نیامرزی و برمن رحمت نکنی از زیان کاران باشم (٤٧). گفته شد ای نوح به سلامتی ازجانب ما فرود بیا وهمراه برکت های فرود آمده برتوو برامت‌هایی که ازهمراهان تو پیدا شوند وامت هایی دیگرکه ایشان را دردنیا بهره مند می‌سازیم باز به ایشان ازجانب ماعذابی دردناك برسد (٤٨). این قصه ازاخبار غیب است آن را به سوی تووحی میفرستیم آن را تو نمی دانستی ونه قوم تو پیش ازین می دانستند پس صبرکن هرآئینه سرانجام (نیك) برای پرهیزگاران است (٤٩). و به سوی عاد برادر ایشان هود را فرستادیم گفت ای قوم من خدا را عبادت کنید شمارا هیچ معبود برحقی بجزوی نیست شما مگر افتراء کننده نیستید (٥٠). ای قوم من ازشما براین پیغام مزدی را نمی طلبم، نیست پاداش من مگر برکسیکه مرا آفریده است آیا درنمی یابید (٥١). وای قوم من از پروردگار خود آمرزش طلبید باز به سوی او رجوع کنید تا باران را برشما ریزان بفرستد و شمارا قوتی همراه قوتِ شما بیفزاید وگناهکارانه روی برمتابید (٥٢). گفتند ای هود دلیلی برایمان نیاوردی ونیستیم ما ترك کننده معبودانمان بگفتهٔ تو و ماتورا باوردارنده نیستیم (٥٣).

إِن نَّقُولُ إِلَّا ٱعۡتَرَىٰكَ بَعۡضُ ءَالِهَتِنَا بِسُوٓءٖۗ قَالَ إِنِّيٓ أُشۡهِدُ ٱللَّهَ
وَٱشۡهَدُوٓاْ أَنِّي بَرِيٓءٞ مِّمَّا تُشۡرِكُونَ ٥٤ مِن دُونِهِۦۖ فَكِيدُونِي
جَمِيعٗا ثُمَّ لَا تُنظِرُونِ ٥٥ إِنِّي تَوَكَّلۡتُ عَلَى ٱللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمۚ
مَّا مِن دَآبَّةٍ إِلَّا هُوَ ءَاخِذُۢ بِنَاصِيَتِهَآۚ إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ
٥٦ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقَدۡ أَبۡلَغۡتُكُم مَّآ أُرۡسِلۡتُ بِهِۦٓ إِلَيۡكُمۡۚ وَيَسۡتَخۡلِفُ
رَبِّي قَوۡمًا غَيۡرَكُمۡ وَلَا تَضُرُّونَهُۥ شَيۡـًٔاۚ إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٍ حَفِيظٞ
٥٧ وَلَمَّا جَآءَ أَمۡرُنَا نَجَّيۡنَا هُودٗا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ بِرَحۡمَةٖ مِّنَّا
وَنَجَّيۡنَٰهُم مِّنۡ عَذَابٍ غَلِيظٖ ٥٨ وَتِلۡكَ عَادٞۖ جَحَدُواْ بِـَٔايَٰتِ
رَبِّهِمۡ وَعَصَوۡاْ رُسُلَهُۥ وَٱتَّبَعُوٓاْ أَمۡرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٖ ٥٩ وَأُتۡبِعُواْ فِي
هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا لَعۡنَةٗ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ أَلَآ إِنَّ عَادٗا كَفَرُواْ رَبَّهُمۡۗ أَلَا
بُعۡدٗا لِّعَادٖ قَوۡمِ هُودٖ ٦٠ ۞ وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمۡ صَٰلِحٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ
ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥۖ هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ
وَٱسۡتَعۡمَرَكُمۡ فِيهَا فَٱسۡتَغۡفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيۡهِۚ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٞ مُّجِيبٞ
٦١ قَالُواْ يَٰصَٰلِحُ قَدۡ كُنتَ فِينَا مَرۡجُوّٗا قَبۡلَ هَٰذَآۖ أَتَنۡهَىٰنَآ أَن نَّعۡبُدَ
مَا يَعۡبُدُ ءَابَآؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِي شَكّٖ مِّمَّا تَدۡعُونَآ إِلَيۡهِ مُرِيبٖ ٦٢

نمی گوییم مگرآنکه بعض معبودان ما بتو ضرری رسانیده اند، گفت هرآئینه من خدارا گواه می سازم وشماگواه باشید که من براءت دارم ازآنچه شما شریك می گیرید (٥٤). بجز وی بیزارم پس همگی درحق من توطئه کنید باز مرا مهلت مدهید (٥٥). هرآئینه من برخدا پروردگار من وپروردگارشما توکل کردم، هیچ جنبنده ای نیست مگر به پیشانی او خدا گیرنده است[١٥] هرآئینه پروردگارمن برراه راست است[١٦] (٥٦). پس اگر رویگردان شوید ضرری بمن نمی رسد هرآئینه به شما پیامی را که همراه آن به سوی شما فرستاده شدم رسانیدم وپروردگار من قومی را غیراز شما جانشین سازد وخدا را هیچ زیان نتوانید رسانید هرآئینه پروردگار من برهمه چیزنگهبان است (٥٧). وچون عذاب ما آمد هود وآنان را که ایمان آورده اند باوی برحمتی ازجانب خود نجات دادیم و ایشان راازعقوبتِ سخت برهانیدیم (٥٨). واین است سرگذشت، عاد آیات پروردگار خود را انکار کردند وپیامبران اورا نافرمانی نمودند وفرمان هرسرکش ستیزنده را پیروی کردند (٥٩). وازپیِ ایشان دراین دنیا وروزقیامت نیز لعنتی فرستاده شد، آگاه باش هرآئینه عاد به پروردگار خود کافرشدند آگاه باش نفرین باد عاد را که قوم هود بودند (٦٠). و به سوی ثمود برادرایشان صالح را فرستادیم گفت ای قوم من خدا را عبادت کنید شما را هیچ معبود برحقی بجزوی نیست او شما را ازز‌مین پیداکرد[١٧] و شما را درزمین ساکن گردانید پس ازوی طلب آمرزش کنید باز به سوی او رجوع کنید هرآئینه پروردگار من نزدیك است پذیرندهٔ دعاست (٦١). گفتند ای صالح تودرمیان ما پیش ازین مورد امیدداشته شده بودی آیامنع می کنی ما را ازآنکه عبادت کنیم معبودانی را که پدران ما عبادت میکردند وهرآئینه ما درشبهه قوی هستیم ازآنچه ما را به سوی آن میخوانی(٦٢).

---

(١٥) یعنی مالك اوست.

(١٦) یعنی حکیم است.

(١٧) یعنی آفریدپدرومادر شما آدم وحوا راازخاك که شما ازنسل آنهایید.

قَالَ يَٰقَوۡمِ أَرَءَيۡتُمۡ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّي وَءَاتَىٰنِي مِنۡهُ رَحۡمَةٗ فَمَن يَنصُرُنِي مِنَ ٱللَّهِ إِنۡ عَصَيۡتُهُۥۖ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيۡرَ تَخۡسِيرٖ ٦٣ وَيَٰقَوۡمِ هَٰذِهِۦ نَاقَةُ ٱللَّهِ لَكُمۡ ءَايَةٗۖ فَذَرُوهَا تَأۡكُلۡ فِيٓ أَرۡضِ ٱللَّهِۖ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٖ فَيَأۡخُذَكُمۡ عَذَابٞ قَرِيبٞ ٦٤ فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُواْ فِي دَارِكُمۡ ثَلَٰثَةَ أَيَّامٖۖ ذَٰلِكَ وَعۡدٌ غَيۡرُ مَكۡذُوبٖ ٦٥ فَلَمَّا جَآءَ أَمۡرُنَا نَجَّيۡنَا صَٰلِحٗا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ بِرَحۡمَةٖ مِّنَّا وَمِنۡ خِزۡيِ يَوۡمِئِذٍۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ ٱلۡقَوِيُّ ٱلۡعَزِيزُ ٦٦ وَأَخَذَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ ٱلصَّيۡحَةُ فَأَصۡبَحُواْ فِي دِيَٰرِهِمۡ جَٰثِمِينَ ٦٧ كَأَن لَّمۡ يَغۡنَوۡاْ فِيهَآۗ أَلَآ إِنَّ ثَمُودَاْ كَفَرُواْ رَبَّهُمۡۗ أَلَا بُعۡدٗا لِّثَمُودَ ٦٨ وَلَقَدۡ جَآءَتۡ رُسُلُنَآ إِبۡرَٰهِيمَ بِٱلۡبُشۡرَىٰ قَالُواْ سَلَٰمٗاۖ قَالَ سَلَٰمٞۖ فَمَا لَبِثَ أَن جَآءَ بِعِجۡلٍ حَنِيذٖ ٦٩ فَلَمَّا رَءَآ أَيۡدِيَهُمۡ لَا تَصِلُ إِلَيۡهِ نَكِرَهُمۡ وَأَوۡجَسَ مِنۡهُمۡ خِيفَةٗۚ قَالُواْ لَا تَخَفۡ إِنَّآ أُرۡسِلۡنَآ إِلَىٰ قَوۡمِ لُوطٖ ٧٠ وَٱمۡرَأَتُهُۥ قَآئِمَةٞ فَضَحِكَتۡ فَبَشَّرۡنَٰهَا بِإِسۡحَٰقَ وَمِن وَرَآءِ إِسۡحَٰقَ يَعۡقُوبَ ٧١

گفت ای قوم من آیا دیدید ا گر برحجتی ازپروردگار خود باشم وبمن ازجانب خود بخشایشی عطا کرده باشد پس کیست که مرا ازعقوبتِ خدا اگر نافرمانی اوکنم نصرت دهد پس درحق من مگر زیان کاری را نمی افزایید (٦٣). وای قوم من این ماده شتری است که خدا برای شما نشانه ای فرستاده است پس بگذاریدش تا در زمین خدا بخورد و به وی هیچ ضرری مرسانید که آنگاه شمارا عقوبتی نزدیك بگیرد (٦٤). پس آن را پَی زدند پس صالح گفت درسرای خود سه روز بهره مند باشید این وعده ای است که دروغی درآن نیست (٦٥). پس وقتی که فرمان ما آمد صالح وآنان را که ایمان آوردند همراه وی به بخشایشی ازجانب خود نجات دادیم و ازرسواییِ آن روز رهانیدیم، هرآئینه پروردگارتو، او توانای غالب است (٦٦). و ستمکاران را آواز (عذاب) سخت در گرفت پس درسراهای خود مرده هایی برروی هم افتاده، صبح کردند (٦٧). گویا هرگز آن جا نبودند، آ گاه باش هرآئینه ثمود پرورگار خود را انکارکردند هرآئینه ثمود را دوری باد (٦٨). هرآئینه فرستاد گان ما پیش ابراهیم به بشارت آمدند، سلام گفتند ابراهیم جواب سلام داد پس درنگ نکرد درآنکه گوساله ای بریان آورد (٦٩). پس چون دیدکه دستهای ایشان به آن نمی‌رسد به آنان (گمان) بدبرد وازایشان ترسی بخاطرآورد گفتند مترس هرآئینه ما به سوی قوم لوط فرستاده شده ایم (٧٠). وزن ابراهیم ایستاده بود پس بخندید[١٨] پس بتولد اسحاق وبعد اسحاق به یعقوب اورا مژده دادیم (٧١).

(١٨) مترجم گوید یعنی بسبب خوش وقتی ازهلاك قوم لوط.

قَالَتْ يَٰوَيْلَتَىٰٓ ءَأَلِدُ وَأَنَا۠ عَجُوزٌ وَهَٰذَا بَعْلِى شَيْخًا ۖ إِنَّ هَٰذَا
لَشَىْءٌ عَجِيبٌ ﴿٧٢﴾ قَالُوٓا۟ أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ ٱللَّهِ ۖ رَحْمَتُ ٱللَّهِ
وَبَرَكَٰتُهُۥ عَلَيْكُمْ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ ۚ إِنَّهُۥ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ ﴿٧٣﴾ فَلَمَّا ذَهَبَ
عَنْ إِبْرَٰهِيمَ ٱلرَّوْعُ وَجَآءَتْهُ ٱلْبُشْرَىٰ يُجَٰدِلُنَا فِى قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٤﴾
إِنَّ إِبْرَٰهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّٰهٌ مُّنِيبٌ ﴿٧٥﴾ يَٰٓإِبْرَٰهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَٰذَآ ۖ إِنَّهُۥ
قَدْ جَآءَ أَمْرُ رَبِّكَ ۖ وَإِنَّهُمْ ءَاتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ ﴿٧٦﴾ وَلَمَّا
جَآءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِىٓءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَٰذَا
يَوْمٌ عَصِيبٌ ﴿٧٧﴾ وَجَآءَهُۥ قَوْمُهُۥ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِن قَبْلُ كَانُوا۟
يَعْمَلُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ ۚ قَالَ يَٰقَوْمِ هَٰٓؤُلَآءِ بَنَاتِى هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ ۖ
فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِى ضَيْفِىٓ ۖ أَلَيْسَ مِنكُمْ رَجُلٌ رَّشِيدٌ ﴿٧٨﴾
قَالُوا۟ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِى بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ
﴿٧٩﴾ قَالَ لَوْ أَنَّ لِى بِكُمْ قُوَّةً أَوْ ءَاوِىٓ إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ ﴿٨٠﴾ قَالُوا۟
يَٰلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَن يَصِلُوٓا۟ إِلَيْكَ ۖ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ
مِّنَ ٱلَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنكُمْ أَحَدٌ إِلَّا ٱمْرَأَتَكَ ۖ إِنَّهُۥ مُصِيبُهَا
مَآ أَصَابَهُمْ ۚ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ ٱلصُّبْحُ ۚ أَلَيْسَ ٱلصُّبْحُ بِقَرِيبٍ ﴿٨١﴾

گفت ای وای برمن آیاخواهم زاد ومن پیرم واین شوهر من کهنسال شده است هرآئینه این چیزی عجیب است (۷۲). فرشتگان گفتند آیا ازقدرتِ خدا تعجب می کنی، ای اهل این خانه بخشایش خدا و برکات اوبرشما باد هرآئینه خدا ستوده شدهٔ بزرگوارست (۷۳). پس چون ازابراهیم ترس رفت و بشارت آمدش با ما دربارهٔ قوم لوط مجادله شروع نمود (۷٤). هرآئینه ابراهیم بردبار، ناله کننده رجوع کننده بخدا بود (۷۵). گفتیم ای ابراهیم ازین جدال بگذر هرآئینه (حال اینست که) عقوبت پروردگارتو آمد وهر آئینه این جماعت به ایشان عقوبتی خواهدآمد که باز گردانیده نشود (۷٦). وچون فرستادگان ما پیش لوط آمدند بسبب ایشان اندوهگین شد وبه سبب ایشان دلتنگ شد و گفت این روزیست سخت[۱۹] (۷۷). و قوم اوشتابان پیش لوط آمدند وپیش ازآن کارهای زشت میکردند لوط گفت ای قوم من این دختران من اند (یعنی نکاح کنید) این ها برای شما پاکیزه تراند پس ازخدا بترسید ومرا درمورد مهمانان من رسوا مکنید آیا ازشما هیچ مرد شایسته ای نیست (۷۸). گفتند هرآئینه تودانسته ای که ما را در دختران توحاجتی نیست وهرآئینه توالبته میدانی آنچه راکه می خواهیم (۷۹). گفت ا گر مرا بمقابلهٔ شما قوتی می‌بود یا به قوم زورآور پناه می گرفتم (چنین میکردم) (۸۰). فرشتگان گفتند ای لوط هرآئینه ما فرستادگان پروردگار هستیم نخواهند به تو رسید پس اهل خود را بپاره ای از شب ببر وباید که به پشت سرخود نگاه نکند هیچکس ازشمامگرزن تو که اورا آنچه باین قوم رسید رسیدنی است هرآئینه میعاد ایشان وقت صبح است آیاصبح نزدیك نیست؟ (۸۱).

(۱۹) مترجم گوید یعنی ایشان نوجوان خوش روی بودند وعادت قوم معلوم بود پس خوف فتنه پیداشد والله اعلم.

فَلَمَّا جَآءَ أَمۡرُنَا جَعَلۡنَا عَٰلِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمۡطَرۡنَا عَلَيۡهَا
حِجَارَةٗ مِّن سِجِّيلٖ مَّنضُودٖ ﴿٨٢﴾ مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَۖ
وَمَا هِيَ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ بِبَعِيدٖ ﴿٨٣﴾ ۞وَإِلَىٰ مَدۡيَنَ أَخَاهُمۡ
شُعَيۡبٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥۖ
وَلَا تَنقُصُواْ ٱلۡمِكۡيَالَ وَٱلۡمِيزَانَۖ إِنِّيٓ أَرَىٰكُم بِخَيۡرٖ
وَإِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٖ مُّحِيطٖ ﴿٨٤﴾ وَيَٰقَوۡمِ
أَوۡفُواْ ٱلۡمِكۡيَالَ وَٱلۡمِيزَانَ بِٱلۡقِسۡطِۖ وَلَا تَبۡخَسُواْ ٱلنَّاسَ
أَشۡيَآءَهُمۡ وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ ﴿٨٥﴾ بَقِيَّتُ
ٱللَّهِ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَۚ وَمَآ أَنَا۠ عَلَيۡكُم
بِحَفِيظٖ ﴿٨٦﴾ قَالُواْ يَٰشُعَيۡبُ أَصَلَوٰتُكَ تَأۡمُرُكَ أَن نَّتۡرُكَ
مَا يَعۡبُدُ ءَابَآؤُنَآ أَوۡ أَن نَّفۡعَلَ فِيٓ أَمۡوَٰلِنَا مَا نَشَٰٓؤُاْۖ إِنَّكَ
لَأَنتَ ٱلۡحَلِيمُ ٱلرَّشِيدُ ﴿٨٧﴾ قَالَ يَٰقَوۡمِ أَرَءَيۡتُمۡ إِن كُنتُ
عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنۡهُ رِزۡقًا حَسَنٗاۚ وَمَآ أُرِيدُ أَنۡ
أُخَالِفَكُمۡ إِلَىٰ مَآ أَنۡهَىٰكُمۡ عَنۡهُۚ إِنۡ أُرِيدُ إِلَّا ٱلۡإِصۡلَٰحَ
مَا ٱسۡتَطَعۡتُۚ وَمَا تَوۡفِيقِيٓ إِلَّا بِٱللَّهِۚ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُ وَإِلَيۡهِ أُنِيبُ ﴿٨٨﴾

پس چون فرمان ما آمد ساختیم زبرآن (ده ها) را زیرآن و برآنجاسنگهای ازگِل پخته، پَی درپَی بارانیدیم (٨٢). نشان مند ساخته شده بود نزد پروردگار تو واین سنگ ها دورازستمکاران نیستند (٨٣). و به سوی قوم مدین برادرایشان شعیب را فرستادیم گفت ای قوم من خدا را عبادت کنید شما را هیچ معبود برحقی مگروی نیست و پیمانه وترازو را کم مکنید هرآئینه من شما را می بینم که درنعمتید وهرآئینه من برشمااز عذاب روزدربرگیرنده[٢٠] می ترسم (٨٤). وای قوم من پیمانه وترازو را به انصاف کامل کنید و به مردمان چیزهای ایشان را کم مرسانید و درزمین فسادکنان تباهکاری مکنید (٨٥). باقی گذاشتهٔ خدای تعالی برای شما بهتر است اگر باور دارنده اید و من برشما نگهبان نیستم (٨٦). گفتند ای شعیب آیا نماز تو تورا میفرماید که آنچه راکه پدران ما می پرستیدند بگذاریم یا بگذاریم آنکه بکنیم درمال خود هرچه خواهیم هرآئینه تو مردِ بُردبار شایستهٔ معامله ای (ومقصودایشان استهزابود) (٨٧). گفت ای قوم من آیا دیدید ا گر برحجتی از پروردگار خود باشم و مرا ازجانب خود روزیِ نیك داده باشد[٢١] ونمی خواهم که باشما خلاف کنم مایل شده به سوی آنچه شمارا ازآن منع می کنم[٢٢] نمی خواهم مگر صلاح کاری تابتوانم ونیست توفیق من مگر به فضل خدا بروی توکل کردم وبه سوی اورجوع می کنم (٨٨).

---

(٢٠) یعنی هلاك کننده.

(٢١) یعنی حلال چگونه سخن شمارا بشنوم.

(٢٢) مترجم گوید یعنی نمی خواهم که بکارنیك بفرمایم وخود نکنم والله اعلم.

وَيَٰقَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِىٓ أَن يُصِيبَكُم مِّثْلُ مَآ أَصَابَ
قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَٰلِحٍ ۚ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِّنكُم
بِبَعِيدٍ ﴿٨٩﴾ وَٱسْتَغْفِرُوا۟ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوٓا۟ إِلَيْهِ ۚ إِنَّ رَبِّى
رَحِيمٌ وَدُودٌ ﴿٩٠﴾ قَالُوا۟ يَٰشُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ
وَإِنَّا لَنَرَىٰكَ فِينَا ضَعِيفًا ۖ وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَٰكَ ۖ وَمَآ أَنتَ
عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ ﴿٩١﴾ قَالَ يَٰقَوْمِ أَرَهْطِىٓ أَعَزُّ عَلَيْكُم مِّنَ ٱللَّهِ
وَٱتَّخَذْتُمُوهُ وَرَآءَكُمْ ظِهْرِيًّا ۖ إِنَّ رَبِّى بِمَا تَعْمَلُونَ
مُحِيطٌ ﴿٩٢﴾ وَيَٰقَوْمِ ٱعْمَلُوا۟ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّى عَٰمِلٌ ۖ
سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَٰذِبٌ ۖ
وَٱرْتَقِبُوٓا۟ إِنِّى مَعَكُمْ رَقِيبٌ ﴿٩٣﴾ وَلَمَّا جَآءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا
شُعَيْبًا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مَعَهُۥ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَأَخَذَتِ
ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ ٱلصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا۟ فِى دِيَٰرِهِمْ جَٰثِمِينَ ﴿٩٤﴾
كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا۟ فِيهَآ ۗ أَلَا بُعْدًا لِّمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ ﴿٩٥﴾
وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَا وَسُلْطَٰنٍ مُّبِينٍ ﴿٩٦﴾ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ
وَمَلَإِي۟هِۦ فَٱتَّبَعُوٓا۟ أَمْرَ فِرْعَوْنَ ۖ وَمَآ أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ﴿٩٧﴾

و ای قوم من نباید ضدیت با من شما را وادار سازد به این خصلت که به شما برسد مانند آنچه به قوم نوح رسید یا قوم هود یاقوم صالح رسید وقوم لوط ازشما دور نیست (۸۹). واز پروردگار خود طلب آمرزش کنید باز به سوی او رجوع کنید هرآئینه پروردگار من مهربانِ دوستدارست (۹۰). گفتند ای شعیب بسیاری ازآنچه می گویی نمی فهمیم وهرآئینه ما تورا درمیان خود ناتوان می بینیم وا گر قبیله ات نبود تو را سنگسار میکردیم وتوپیش ما گرامی قدر نیستی (۹۱). گفت ای قوم من آیاقبیله‌ءام پیش شما ازخدا گرامی تراست وخدا را پس پشت خویش انداخته‌اید هرآئینه پروردگار من به آنچه میکنید دربرگیرنده است (۹۲). وای قوم من به طریقه‌ء خود عمل کنید هرآئینه من نیز عمل کننده ام به زودی خواهید دانست چه کس است که بیایدش عذابی که رسوا کندش وآن را که وی دروغگوست وانتظار کشید هرآئینه من (هم) باشما منتظرم (۹۳). ووقتیکه عذاب ما آمد شعیب وآنان را که ایمان آوردند باوی به بخشایشی ازخود نجات دادیم و ظالمان را آواز (عذاب) سخت درگرفت پس درسراهای خویش مرده هایی افتاده گشتند (۹٤). گویا هرگز درآنجا نبوده اند آگاه باش مدیَن را دوری باد چنانکه ثمود دور افتادند (۹۵). وهرآئینه موسیٰ را به نشانه های خود وبه دلیل روشن فرستادیم (۹٦). به سوی فرعون وقوم وسران او پس فرمان فرعون را پیروی کردند و فرمان فرعون براه راست (و درست) نبود (۹۷).

يَقۡدُمُ قَوۡمَهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فَأَوۡرَدَهُمُ ٱلنَّارَۖ وَبِئۡسَ ٱلۡوِرۡدُ
ٱلۡمَوۡرُودُ ﴿٩٨﴾ وَأُتۡبِعُواْ فِي هَٰذِهِۦ لَعۡنَةٗ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ بِئۡسَ
ٱلرِّفۡدُ ٱلۡمَرۡفُودُ ﴿٩٩﴾ ذَٰلِكَ مِنۡ أَنۢبَآءِ ٱلۡقُرَىٰ نَقُصُّهُۥ عَلَيۡكَۖ
مِنۡهَا قَآئِمٞ وَحَصِيدٞ ﴿١٠٠﴾ وَمَا ظَلَمۡنَٰهُمۡ وَلَٰكِن ظَلَمُوٓاْ
أَنفُسَهُمۡۖ فَمَآ أَغۡنَتۡ عَنۡهُمۡ ءَالِهَتُهُمُ ٱلَّتِي يَدۡعُونَ مِن دُونِ
ٱللَّهِ مِن شَيۡءٖ لَّمَّا جَآءَ أَمۡرُ رَبِّكَۖ وَمَا زَادُوهُمۡ غَيۡرَ تَتۡبِيبٖ ﴿١٠١﴾
وَكَذَٰلِكَ أَخۡذُ رَبِّكَ إِذَآ أَخَذَ ٱلۡقُرَىٰ وَهِيَ ظَٰلِمَةٌۚ إِنَّ أَخۡذَهُۥٓ
أَلِيمٞ شَدِيدٌ ﴿١٠٢﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّمَنۡ خَافَ عَذَابَ ٱلۡأٓخِرَةِۚ
ذَٰلِكَ يَوۡمٞ مَّجۡمُوعٞ لَّهُ ٱلنَّاسُ وَذَٰلِكَ يَوۡمٞ مَّشۡهُودٞ ﴿١٠٣﴾
وَمَا نُؤَخِّرُهُۥٓ إِلَّا لِأَجَلٖ مَّعۡدُودٖ ﴿١٠٤﴾ يَوۡمَ يَأۡتِ لَا تَكَلَّمُ نَفۡسٌ
إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ فَمِنۡهُمۡ شَقِيّٞ وَسَعِيدٞ ﴿١٠٥﴾ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ شَقُواْ فَفِي
ٱلنَّارِ لَهُمۡ فِيهَا زَفِيرٞ وَشَهِيقٌ ﴿١٠٦﴾ خَٰلِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ ٱلسَّمَٰوَٰتُ
وَٱلۡأَرۡضُ إِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَۚ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٞ لِّمَا يُرِيدُ ﴿١٠٧﴾
۞ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ سُعِدُواْ فَفِي ٱلۡجَنَّةِ خَٰلِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ
ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ إِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَۖ عَطَآءً غَيۡرَ مَجۡذُوذٖ ﴿١٠٨﴾

ربع الحزب ٢٤

فرعون قوم خود را روزقیامت پیشوا شود پس ایشان را به آتش بیارد وچه بدجاییست (دوزخ) که وارد آن شدند (۹۸). وازپی ایشان لعنت آورده شد در ین دنیا و روزقیامت نیز بدعطاییست که داده شد (آن لعنت) (۹۹). این ازاخبارده ها است که آن را برتو میخوانیم بعضی ازآن باقیست وبعضی ازبیخ برکنده شده است (۱۰۰). وبرایشان ستم نکردیم ولیکن ایشان برخویشتن ستم کردند پس ازایشان معبودان ایشان که میخواندند به جای خدا هیچ چیزی دفع نکردند وقتی که فرمان پروردگار توآمد و ایشان را بجز هلاکی نیفزودند (۱۰۱). وهمچنین است گرفتار کردن پروردگار تو چون دِه ها را بگیرد وآنها ستمکار باشند هرآئینه گرفت وی درد ناك سخت است (۱۰۲). هرآئینه دراین سخن نشانه ای است کسی راکه ازعذاب آخرت ترسیده است آن روز روزیست که درآن مردمان جمع کرده شوند وآن روز روزیست که همه دروی حاضر شوند (۱۰۳). و آنرا موقوف نمی داریم آنرا مگرتامدت معینی (۱۰٤). روزی که بیاید هیچ کس سخن نگوید مگربدستور حق پس بعضی از ایشان بدبخت باشند وبعضی نیك بخت (۱۰۵). اما آنانکه بدبخت شدند پس درآتش باشند ایشان را آنجا فریاد سخت وناله‌ٔ زار (یعنی مانند آوازخر) باشد (۱۰٦). جاودان باشند درآنجا مدتِ بقای آسمان ها و زمین مگرآنچه را که پروردگار تو خواسته است هرآئینه پروردگار تومی کند آنچه می خواهد (۱۰۷). واما آنانکه نیك بخت شده اند پس دربهشت باشندجاودان درآنجا تامدتِ بقای آسمان ها وزمین مگرآنچه را که پروردگار تو خواسته است بخششی غیر منقطع[۲۳] (۱۰۸).

(۲۳) مترجم گوید یعنی مدت ماندن دربهشت ودوزخ مانند مدت دوام آسمان ها وزمین دردنیا است اگر زیادتی را که درمشیت خداست ودرفهم کسی گنجد اعتبار نکندحاصل بیان دوام است بابلغ وجوه والله اعلم.

فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَٰٓؤُلَآءِ ۚ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ
ءَابَآؤُهُم مِّن قَبْلُ ۚ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنقُوصٍ
﴿١٠٩﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ فَٱخْتُلِفَ فِيهِ ۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ
سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ
﴿١١٠﴾ وَإِنَّ كُلًّا لَّمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَٰلَهُمْ ۚ إِنَّهُۥ بِمَا يَعْمَلُونَ
خَبِيرٌ ﴿١١١﴾ فَٱسْتَقِمْ كَمَآ أُمِرْتَ وَمَن تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا۟ ۚ
إِنَّهُۥ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٢﴾ وَلَا تَرْكَنُوٓا۟ إِلَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟
فَتَمَسَّكُمُ ٱلنَّارُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِنْ أَوْلِيَآءَ ثُمَّ
لَا تُنصَرُونَ ﴿١١٣﴾ وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ طَرَفَيِ ٱلنَّهَارِ وَزُلَفًا مِّنَ
ٱلَّيْلِ ۚ إِنَّ ٱلْحَسَنَٰتِ يُذْهِبْنَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ ۚ ذَٰلِكَ ذِكْرَىٰ
لِلذَّٰكِرِينَ ﴿١١٤﴾ وَٱصْبِرْ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ ٱلْمُحْسِنِينَ
﴿١١٥﴾ فَلَوْلَا كَانَ مِنَ ٱلْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُو۟لُوا۟ بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ
عَنِ ٱلْفَسَادِ فِي ٱلْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْ ۗ وَٱتَّبَعَ
ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ مَآ أُتْرِفُوا۟ فِيهِ وَكَانُوا۟ مُجْرِمِينَ ﴿١١٦﴾ وَمَا
كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ ٱلْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ ﴿١١٧﴾

پس مباش درشبهه ازآنچه می پرستند این گروه نمی پرستند مگر چنانکه پدران ایشان پیش ازاین می پرستیدند ومماالبته بهره ایشان را نکاهیده تمام دهندهٔ ایشانیم[۲٤] (۱۰۹). وهرآئینه موسیٰ را کتاب دادیم پس درآن اختلاف افتاد وا گرنمی بود سخنی که سابقًا از پروردگار تو صادر شده بود هرآئینه میان ایشان فیصله کرده می شد وبدرستیکه ایشان ازآن درشبهه قوی‌اند (۱۱۰). وهرآئینه هرکسی (وقتی که برانگیخته شود) البته ایشان را پروردگار توجزای کردار ایشان تمام خواهد داد هرآئینه وی به آنچه میکنند داناست (۱۱۱). پس استوار باش چنانچه تورا فرمان داده شد وآنانکه توبه کرده اند همراه تونیز، وازحد مگذرید هرآئینه وی به آنچه می کنید بیناست (۱۱۲). ومیل مکنید به سوی آنانکه ستم کردند که آنگاه به شما آتش برسد وشما را دوستاني بجزخدا نیست بازنصرت داده نشوید (۱۱۳). ونمازرا (در) دوطرف روز وساعتی چند از شب برپاکن هرآئینه طاعات گناهان را دورمیکنند این پندی برای پندپذیران هست (۱۱٤). وشکیبایی کن هرآئینه خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند (۱۱۵). پس چرا ازآن قرنهاکه پیش ازشمابودند خردمنداني نبودند که ازفساد درزمین جلوگیری کنند مگراندکی ازآن جماعت که ازمیان ایشان نجات دادیم وستمکاران چیزی را که آسودگی داده شدند به آن پیروی کردند[۲۵] وگناه کاران بودند (۱۱٦). وهرگز پروردگار تو نیست که دِه ها را به ستم هلاك کند واهل آن نیکوکار باشند(۱۱۷).

---

(۲٤) یعنی نصیب ایشان ازعذاب.

(۲۵) یعنی به لذات دنیا مشغول شدند.

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً ۖ وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ
﴿١١٨﴾ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ ۚ وَلِذَٰلِكَ خَلَقَهُمْ ۗ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ
لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١١٩﴾ وَكُلًّا نَّقُصُّ
عَلَيْكَ مِنْ أَنبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ ۚ وَجَاءَكَ فِي هَٰذِهِ
الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٠﴾ وَقُل لِّلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ ﴿١٢١﴾ وَانتَظِرُوا إِنَّا مُنتَظِرُونَ
﴿١٢٢﴾ وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ
فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ ۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٢٣﴾

سُورَةُ يُوسُفَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

الر ۚ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿١﴾ إِنَّا أَنزَلْنَاهُ قُرْآنًا
عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢﴾ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ
الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَٰذَا الْقُرْآنَ وَإِن كُنتَ مِن قَبْلِهِ
لَمِنَ الْغَافِلِينَ ﴿٣﴾ إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ
أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ ﴿٤﴾

وا گر پرودرگار تو می خواست البته مردمان را یك ملت می گردانید ولی همواره مختلف باشند (۱۱۸). مگر کسی که پروردگار تو بروی رحم کرده است وبرای این (اختلاف) ایشان را آفریده است سخن پروردگار تو براین رفته است، که البته دوزخ را از جنیان ومردمان همگی پرکنم[۲۶] (۱۱۹). ویکایك برتوازاخبار پیامبران آنچه را که به آن ثابت می گردانیم دل تورا حکایت می کنیم و به تودرین سوره سخن درست و پندی آمده است وبرای مسلمانان یادآوری (۱۲۰). وبگوآنان را که ایمان نمی آورند برشیوهٔ خود عمل کنید هرآئینه مانیز (برشیوه خود) عمل کنندگانیم (۱۲۱). وانتظار کشید هرآئینه مانیز منتظریم (۱۲۲). علم غیب آسمان ها وزمین ویژه خدا است به سوی‌او همه کارها بازگردانیده می شود پس اورا عبادت کن وبراو توکل کن و پروردگار تو بیخبر نیست ازآنچه می کنید (۱۲۳).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

الٓرٰ این (آیه ها) آیاتِ کتاب روشن است (۱). هرآئینه ما آن را قرآن عربی فروفرستادیم باشد که شما دریابید (۲). ما با وحی کردن این قرآن از سوی خویش به توبهترین قصه ها حکایت می کنیم وهرآئینه حال این است که تو پیش ازآن از بی خبران بودی (۳). یاد کن چون یوسف پدرخود را گفت: ای پدرمن هرآئینه من به خواب دیدم یازده ستاره و خورشید وماه را برایم سجده کننده دیدم (٤).

(۲٦) مترجم گوید درعرف اختلاف را نسبت میکنند به‌اهل باطل نه باهل حق ویقال قال اهل الحق کذاوخالَفَهُم فِرَقٌ پس استثنای مَنْ رَحِمَ بی تکلف صحیح شد والله اعلم.

قَالَ يَٰبُنَيَّ لَا تَقۡصُصۡ رُءۡيَاكَ عَلَىٰٓ إِخۡوَتِكَ فَيَكِيدُواْ لَكَ كَيۡدًاۖ
إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لِلۡإِنسَٰنِ عَدُوّٞ مُّبِينٞ ٥ وَكَذَٰلِكَ يَجۡتَبِيكَ
رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِن تَأۡوِيلِ ٱلۡأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكَ
وَعَلَىٰٓ ءَالِ يَعۡقُوبَ كَمَآ أَتَمَّهَا عَلَىٰٓ أَبَوَيۡكَ مِن قَبۡلُ إِبۡرَٰهِيمَ
وَإِسۡحَٰقَۚ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ٦ ۞ لَّقَدۡ كَانَ فِي يُوسُفَ
وَإِخۡوَتِهِۦٓ ءَايَٰتٞ لِّلسَّآئِلِينَ ٧ إِذۡ قَالُواْ لَيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ
إِلَىٰٓ أَبِينَا مِنَّا وَنَحۡنُ عُصۡبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ٨
ٱقۡتُلُواْ يُوسُفَ أَوِ ٱطۡرَحُوهُ أَرۡضٗا يَخۡلُ لَكُمۡ وَجۡهُ أَبِيكُمۡ
وَتَكُونُواْ مِنۢ بَعۡدِهِۦ قَوۡمٗا صَٰلِحِينَ ٩ قَالَ قَآئِلٞ مِّنۡهُمۡ
لَا تَقۡتُلُواْ يُوسُفَ وَأَلۡقُوهُ فِي غَيَٰبَتِ ٱلۡجُبِّ يَلۡتَقِطۡهُ بَعۡضُ
ٱلسَّيَّارَةِ إِن كُنتُمۡ فَٰعِلِينَ ١٠ قَالُواْ يَٰٓأَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأۡمَ۬نَّا عَلَىٰ
يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُۥ لَنَٰصِحُونَ ١١ أَرۡسِلۡهُ مَعَنَا غَدٗا يَرۡتَعۡ وَيَلۡعَبۡ
وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ١٢ قَالَ إِنِّي لَيَحۡزُنُنِيٓ أَن تَذۡهَبُواْ بِهِۦ وَأَخَافُ
أَن يَأۡكُلَهُ ٱلذِّئۡبُ وَأَنتُمۡ عَنۡهُ غَٰفِلُونَ ١٣ قَالُواْ لَئِنۡ
أَكَلَهُ ٱلذِّئۡبُ وَنَحۡنُ عُصۡبَةٌ إِنَّآ إِذٗا لَّخَٰسِرُونَ ١٤

نصف الحزب ٢٤

گفت ای پسرم خواب خود را پیش برادران خود بیان مکن که آنگاه درحق توحیله را اندیشه کنند هرآئینه شیطان برای آدمی دشمنِ آشکاراست (٥). و(چنانکه خواب بتونمود) همچنین تورا پروردگارتو برگزیند وتورا ازعلم تاویل الاحادیث (یعنی تعبیر رویا) بیاموزد ونعمت خود را برتو وبرفرزندان یعقوب تمام کند چنانکه آن را بردوجدِّ تو پیش ازین ابراهیم واسحق تمام کرد هرآئینه پروردگار تودانای استوارکارست (٦). هرآئینه درقصهٔ یوسف وبردارانِ او برای سوال کنندگان نشانه ها هست (٧). چون گفتند که یوسف وبرادر (عینی) او نزدِ پدرما ازما دوست ترهستند حال آنکه ما جماعتی هستیم، هرآئینه پدرِما در اشتباهِ روشنی است (٨). یوسف را بِکُشید یا به زمین غیر معلوم بیفکنیدش تا توجه پدرتان فقط به شما معطوف گردد وتا بعد ازاو گروهی شایسته باشید (یعنی توبه کنید) (٩). گوینده ای ازایشان گفت: یوسف را مَکُشید و درقعرِ تاریك چاه بیفکنیدش تا کسی ازمسافران او را برگیرد ا گر کنندگانید (این کاررا) (١٠). گفتند ای پدرما چیست حال توکه مارا بر یوسف امین نمی پنداری حال آنکه هرآئینه ما خیرخواه اوهستیم (١١). اوراباما فردا بفرست تا میوه بسیار خُورَد وبازی کند وهرآئینه ما اورا نگاهبانیم (١٢). گفت هرآئینه مرا اندوهگین می کند آنکه بِبَریدش ومی ترسم ازآنکه اورا گرگ بخورد وشماازوی بی خبرباشید (١٣). گفتند ا گر او راگرگ بخورَد حال آنکه ما گروهی هستیم به راستی ما آنگاه البته زیان کارباشیم (١٤).

فَلَمَّا ذَهَبُوا۟ بِهِۦ وَأَجْمَعُوٓا۟ أَن يَجْعَلُوهُ فِى غَيَٰبَتِ ٱلْجُبِّ ۚ وَأَوْحَيْنَآ
إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُم بِأَمْرِهِمْ هَٰذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٥﴾ وَجَآءُوٓ
أَبَاهُمْ عِشَآءً يَبْكُونَ ﴿١٦﴾ قَالُوا۟ يَٰٓأَبَانَآ إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ
وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِندَ مَتَٰعِنَا فَأَكَلَهُ ٱلذِّئْبُ ۖ وَمَآ أَنتَ
بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَلَوْ كُنَّا صَٰدِقِينَ ﴿١٧﴾ وَجَآءُو عَلَىٰ قَمِيصِهِۦ
بِدَمٍ كَذِبٍ ۚ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا ۖ فَصَبْرٌ جَمِيلٌ
وَٱللَّهُ ٱلْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾ وَجَآءَتْ سَيَّارَةٌ
فَأَرْسَلُوا۟ وَارِدَهُمْ فَأَدْلَىٰ دَلْوَهُۥ ۖ قَالَ يَٰبُشْرَىٰ هَٰذَا غُلَٰمٌ ۚ وَأَسَرُّوهُ
بِضَٰعَةً ۚ وَٱللَّهُ عَلِيمٌۢ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾ وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍۭ بَخْسٍ
دَرَٰهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا۟ فِيهِ مِنَ ٱلزَّٰهِدِينَ ﴿٢٠﴾ وَقَالَ
ٱلَّذِى ٱشْتَرَىٰهُ مِن مِّصْرَ لِٱمْرَأَتِهِۦٓ أَكْرِمِى مَثْوَىٰهُ عَسَىٰٓ
أَن يَنفَعَنَآ أَوْ نَتَّخِذَهُۥ وَلَدًا ۚ وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِى
ٱلْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُۥ مِن تَأْوِيلِ ٱلْأَحَادِيثِ ۚ وَٱللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰٓ
أَمْرِهِۦ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢١﴾ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُۥٓ
ءَاتَيْنَٰهُ حُكْمًا وَعِلْمًا ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٢٢﴾

پس چون اورا باخود بردند و عزيمت كردند كه درقعر تاريك چاه اورا بيفكنند وبه سوى او وحى فرستاديم كه البته ايشان را باين ماجراى شان خبردار خواهى ساخت درحاليكه ايشان نشناسند (١٥). وپيش پدرخود شبانگاه آمدند در حالىكه ميگريستند (١٦). گفتند اى پدرماهرآئينه ما مسابقه شروع كرديم ويوسف را نزد رخت خويش گذاشتيم پس او را گرگ بِخُورد وتوباور دارندهٔ ما نيستى اگر چه راست گو باشيم (١٧). وبرپيراهن او خونى دروغين آوردند يعقوب گفت نه، بلكه براى شما نفسهايتان تدبيرى را آراسته است پس كارمن صبر نيك است واز خدا مدد طلبيده مى شود برآنچه شما بيان مى كنيد (١٨). وكاروانى آمد پس سقاى (يعني آب آور) خود را فرستادند پس انداخت دَلوِخود را گفت اى مژده من اين نوجوانى است واهل قافله اورا سرمايه دانسته پنهان ساختند وخدا داناست به آنچه مى كردند (١٩). و (برادران) به بهاى ناقص درهمى چند شمرده شده فروختندش ودربارهٔ يوسف ازبى رغبتان بودند (٢٠). وشخصى كه يوسف را ازاهل مصر خريد بِزَنِ خود گفت جاى اورا گرامى دار شايد كه مارا نفع دهد يااورا فرزند گيريم وهمچنين يوسف را درآن سرزمين قراردادیم وتا اورا ازعلم تاويل الاحاديث (يعنى تعبير خواب) بيا موزيم وخدا برمراد خود تواناست وليكن اكثر مردمان نميدانند (٢١). وچون يوسف به نهايتِ قوتِ خود رسيد او را دانايى و علم داديم وهمچنين نيكوكاران را پاداش ميدهيم (٢٢).

وَرَٰوَدَتۡهُ ٱلَّتِي هُوَ فِي بَيۡتِهَا عَن نَّفۡسِهِۦ وَغَلَّقَتِ ٱلۡأَبۡوَٰبَ وَقَالَتۡ هَيۡتَ لَكَۚ قَالَ مَعَاذَ ٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ رَبِّيٓ أَحۡسَنَ مَثۡوَايَۖ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٢٣﴾ وَلَقَدۡ هَمَّتۡ بِهِۦۖ وَهَمَّ بِهَا لَوۡلَآ أَن رَّءَا بُرۡهَٰنَ رَبِّهِۦۚ كَذَٰلِكَ لِنَصۡرِفَ عَنۡهُ ٱلسُّوٓءَ وَٱلۡفَحۡشَآءَۚ إِنَّهُۥ مِنۡ عِبَادِنَا ٱلۡمُخۡلَصِينَ ﴿٢٤﴾ وَٱسۡتَبَقَا ٱلۡبَابَ وَقَدَّتۡ قَمِيصَهُۥ مِن دُبُرٖ وَأَلۡفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا ٱلۡبَابِۚ قَالَتۡ مَا جَزَآءُ مَنۡ أَرَادَ بِأَهۡلِكَ سُوٓءًا إِلَّآ أَن يُسۡجَنَ أَوۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿٢٥﴾ قَالَ هِيَ رَٰوَدَتۡنِي عَن نَّفۡسِيۚ وَشَهِدَ شَاهِدٞ مِّنۡ أَهۡلِهَآ إِن كَانَ قَمِيصُهُۥ قُدَّ مِن قُبُلٖ فَصَدَقَتۡ وَهُوَ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ﴿٢٦﴾ وَإِن كَانَ قَمِيصُهُۥ قُدَّ مِن دُبُرٖ فَكَذَبَتۡ وَهُوَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٢٧﴾ فَلَمَّا رَءَا قَمِيصَهُۥ قُدَّ مِن دُبُرٖ قَالَ إِنَّهُۥ مِن كَيۡدِكُنَّۖ إِنَّ كَيۡدَكُنَّ عَظِيمٞ ﴿٢٨﴾ يُوسُفُ أَعۡرِضۡ عَنۡ هَٰذَاۚ وَٱسۡتَغۡفِرِي لِذَنۢبِكِۖ إِنَّكِ كُنتِ مِنَ ٱلۡخَاطِـِٔينَ ﴿٢٩﴾ ۞ وَقَالَ نِسۡوَةٞ فِي ٱلۡمَدِينَةِ ٱمۡرَأَتُ ٱلۡعَزِيزِ تُرَٰوِدُ فَتَىٰهَا عَن نَّفۡسِهِۦۖ قَدۡ شَغَفَهَا حُبًّاۖ إِنَّا لَنَرَىٰهَا فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ﴿٣٠﴾

یوسف را زنی که او درخانه اش بود ازنفس او طلب کرد (واین کنایت ازطلب جماع است) ودرهارا بِبَست و گفت پیش آ گفت برخدا پناه می برم بیشك اوسرور من است جایگاه مرا نیکوساخت[1] هرآئینه ظالمان رستگارنمی شوند (۲۳). وبه راستی قصد کرد آن زن به سوی یوسف وقصد کردی یوسف به سوی او و اگر نبودآنکه یوسف دلیل پروردگار خود را دید، چنین کردیم تا ازوی بدی وبی حیایی را بازگردانیم هرآئینه وی از بندگان مخلص ماست (۲٤). وبایکدیگر به سوی دروازه شتافتند وآن زن پیراهن یوسف را از پشت بدرید وشوهر زن رانزدیك دروازه یافتند گفت چیست جزای کسیکه بااهل توکار بد را خواسته باشد مگر آنکه بزندان انداخته یا عقوبتی درد ناك شود (۲٥). یوسف گفت این زن مراаз نفس من بانیرنگ خواست وگواهی از قبیلهٔ زن گواهی داد که اگر پیراهن یوسف از جلو دریده هست، پس این زن راست گفته است ویوسف ازدورغ گویانست (۲٦). و اگر پیراهن او ازپشت دریده هست، پس این زن دروغ گفته است ویوسف ازراست گویان است (۲۷). پس شوهرش چون پیراهن اورا دریده ازپشت دید، گفت این قضیه ازمکر شما زنان است هرآئینه مکرشما زنان بزرگ است (۲۸). ای یوسف ازین ماجرا درگذر وای زن برای گناه خود طلب آمرزش کن هرآئینه تو بوده ای ازخطا کنند گان (۲۹). وگفتند زنانی چند در شهر که زن عزیز نوجوان خودرا ازنفس او می طلبد هرآئینه از روی دوستی دردلش جاکرده است هرآئینه ما اورا درگمراهی ظاهر می بینیم(۳۰).

(۱) یعنی خیانت اونتوانم کرد.

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَـًٔا
وَءَاتَتْ كُلَّ وَٰحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ ٱخْرُجْ عَلَيْهِنَّ ۖ فَلَمَّا رَأَيْنَهُۥٓ
أَكْبَرْنَهُۥ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَٰشَ لِلَّهِ مَا هَٰذَا بَشَرًا إِنْ هَٰذَآ
إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ ﴿٣١﴾ قَالَتْ فَذَٰلِكُنَّ ٱلَّذِى لُمْتُنَّنِى فِيهِ ۖ وَلَقَدْ رَٰوَدتُّهُۥ
عَن نَّفْسِهِۦ فَٱسْتَعْصَمَ ۖ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَآ ءَامُرُهُۥ لَيُسْجَنَنَّ
وَلَيَكُونًا مِّنَ ٱلصَّٰغِرِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ رَبِّ ٱلسِّجْنُ أَحَبُّ إِلَىَّ مِمَّا يَدْعُونَنِىٓ
إِلَيْهِ ۖ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّى كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ ٱلْجَٰهِلِينَ
﴿٣٣﴾ فَٱسْتَجَابَ لَهُۥ رَبُّهُۥ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ ۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ
ٱلْعَلِيمُ ﴿٣٤﴾ ثُمَّ بَدَا لَهُم مِّنۢ بَعْدِ مَا رَأَوُا۟ ٱلْـَٔايَٰتِ لَيَسْجُنُنَّهُۥ
حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٣٥﴾ وَدَخَلَ مَعَهُ ٱلسِّجْنَ فَتَيَانِ ۖ قَالَ أَحَدُهُمَآ إِنِّىٓ
أَرَىٰنِىٓ أَعْصِرُ خَمْرًا ۖ وَقَالَ ٱلْـَٔاخَرُ إِنِّىٓ أَرَىٰنِىٓ أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِى
خُبْزًا تَأْكُلُ ٱلطَّيْرُ مِنْهُ ۖ نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِۦٓ ۖ إِنَّا نَرَىٰكَ مِنَ
ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٣٦﴾ قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِۦٓ إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا
بِتَأْوِيلِهِۦ قَبْلَ أَن يَأْتِيَكُمَا ۚ ذَٰلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِى رَبِّىٓ ۚ إِنِّى تَرَكْتُ
مِلَّةَ قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَهُم بِٱلْـَٔاخِرَةِ هُمْ كَٰفِرُونَ ﴿٣٧﴾

پس چون زن عزیزغیبت ایشانرا شنید به سوی ایشان قاصد فرستاد و برای ایشان مجلسی مهیا کرد وهریکی را ازایشان کاردی داد و گفت ای یوسف بیرون بیا براین زنان پس چون بدیدَنِدش بزرگ یافتندش و دستهای خویش را بِبُریدند وگفتند خدا پاك است واین نوجوان بشری نیست، این شخص مگر فرشته ای گرامیقدر نیست (٣١). زن عزیز گفت این است آنکه مرا در عشق وی ملامت کرده بودید وهرآئینه ازاونفس اورا طلبیدم پس خود را نگاه داشت واگر آنچه اورا می‌فرمایم نکند البته بزندان انداخته شود والبته باشد از خوارشد گان (٣٢). یوسف گفت ای پروردگار من زندان نزد من ازآنچه مرا به سوی آن میخوانند دوست تراست وا گر توازمن فریب این زنان را بازنداری البته بایشان میل کنم و ازنادانان باشم (٣٣). پس دعای اورا پروردگار او قبول کرد پس ازیوسف فریب ایشان را بازداشت هرآئینه وی شنوای داناست (٣٤). باز آن جماعت را بعد ازآن که دیده بودند نشانه ها ظاهر شد که البته اوراتامدتی بزندان درآورند[٢] (٣٥). و بزندان همراه یوسف دوجوان داخل شدند یکی ازایشان گفت هرآئینه خودرا بخواب می بینم که ازانگور آب می گیرم ودیگری گفت که هرآئینه خودرا بخواب می بینم که برسرخود نانی که مرغان ازآن میخورند برداشته ام مارا به تعبیر این خواب خبردارکن هرآئینه ما تورا ازنیکوکاران می بینیم (٣٦). گفت نخواهدآمد بشماهیچ طعامی که آن را داده می شوید مگر شمارا به تعبیر آن پیش ازآنکه بیاید به شما خبردارکنم این تعبیرازآن قبیل است که مرا پروردگار من آموخته است هرآئینه من ترك کردم کیش قومی که به خدا ایمان نمی آورند وایشان به آخرت اعتقادندارند (٣٧).

(٢) یعنی مشورت کردند که یوسف رابزندان باید کرد تانزدِ مردمان برائت زلیخاظاهر شود.

وَٱتَّبَعۡتُ مِلَّةَ ءَابَآءِيٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَۚ مَا كَانَ
لَنَآ أَن نُّشۡرِكَ بِٱللَّهِ مِن شَيۡءٖۚ ذَٰلِكَ مِن فَضۡلِ ٱللَّهِ عَلَيۡنَا وَعَلَى
ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَشۡكُرُونَ ﴿٣٨﴾ يَٰصَٰحِبَيِ
ٱلسِّجۡنِ ءَأَرۡبَابٞ مُّتَفَرِّقُونَ خَيۡرٌ أَمِ ٱللَّهُ ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّارُ
﴿٣٩﴾ مَا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِهِۦٓ إِلَّآ أَسۡمَآءٗ سَمَّيۡتُمُوهَآ أَنتُمۡ
وَءَابَآؤُكُم مَّآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بِهَا مِن سُلۡطَٰنٍۚ إِنِ ٱلۡحُكۡمُ إِلَّا لِلَّهِ
أَمَرَ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّآ إِيَّاهُۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلۡقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ
ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٤٠﴾ يَٰصَٰحِبَيِ ٱلسِّجۡنِ أَمَّآ أَحَدُكُمَا
فَيَسۡقِي رَبَّهُۥ خَمۡرٗاۖ وَأَمَّا ٱلۡأٓخَرُ فَيُصۡلَبُ فَتَأۡكُلُ ٱلطَّيۡرُ
مِن رَّأۡسِهِۦۚ قُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ ٱلَّذِي فِيهِ تَسۡتَفۡتِيَانِ ﴿٤١﴾ وَقَالَ
لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُۥ نَاجٖ مِّنۡهُمَا ٱذۡكُرۡنِي عِندَ رَبِّكَ فَأَنسَىٰهُ
ٱلشَّيۡطَٰنُ ذِكۡرَ رَبِّهِۦ فَلَبِثَ فِي ٱلسِّجۡنِ بِضۡعَ سِنِينَ
﴿٤٢﴾ وَقَالَ ٱلۡمَلِكُ إِنِّيٓ أَرَىٰ سَبۡعَ بَقَرَٰتٖ سِمَانٖ يَأۡكُلُهُنَّ
سَبۡعٌ عِجَافٞ وَسَبۡعَ سُنۢبُلَٰتٍ خُضۡرٖ وَأُخَرَ يَابِسَٰتٖۖ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلۡمَلَأُ أَفۡتُونِي فِي رُءۡيَٰيَ إِن كُنتُمۡ لِلرُّءۡيَا تَعۡبُرُونَ ﴿٤٣﴾

و کیش پدران خودرا، ابراهیم واسحق ویعقوب را پیروی کردم نشایدمارا که چیزی را شریك خدا مقرر کنیم، این از فضل خدا برما وبرمردمان است ولیکن بیشترمردمان شکرنمی کنند (۳۸). ای دویار زندان آیامعبودان پراکنده بهتراند یا خدا یکتای غالب (۳۹). غیرازخدا عبادت نمی کنید مگر نام هایی چند را که آنها را شماوپدرانتان نام نهاده‌اید خدا برآنها هیچ دلیلی نفرستاده‌است فرمانروایی نیست مگر خدارا، فرموده‌که عبادت مکنید مگر وی را فقط این کیشِ درست است ولیکن بیشتر مردمان نمی دانند (٤٠). ای دو یارِ زندان امّایکی ازشما پس سرور خودرا شراب بنوشاند واماآن دیگر پس بردارکشیده شود پس مرغان ازسراو بخورند فیصله کرده شد کاری که درآن سوال می کنید (٤١). و یوسف به شخصی که دانسته بود که خلاص یابنده است ازآن دوکس گفت مرانزدِ سرور خود یادکن پس شیطان فراموش گردانید ازخاطروی که پیش مولای خود یادکندپس یوسف درزندان چند سال ماند (٤٢). وگفت پادشاه هرآئینه من بخواب می بینم که هفت گاوفربه آن هارا هفت گاولاغر میخورند وهفت خوشه سبزرا وهفت خوشهٔ دیگر خشك رامی بینم ای جماعت مرا دربارهٔ خوابِ من ا گر خواب را تعبیر می گویید جواب دهید(٤٣).

قَالُوٓاْ أَضۡغَٰثُ أَحۡلَٰمٖۖ وَمَا نَحۡنُ بِتَأۡوِيلِ ٱلۡأَحۡلَٰمِ بِعَٰلِمِينَ ٤٤
وَقَالَ ٱلَّذِي نَجَا مِنۡهُمَا وَٱدَّكَرَ بَعۡدَ أُمَّةٍ أَنَا۠ أُنَبِّئُكُم بِتَأۡوِيلِهِۦ
فَأَرۡسِلُونِ ٤٥ يُوسُفُ أَيُّهَا ٱلصِّدِّيقُ أَفۡتِنَا فِي سَبۡعِ بَقَرَٰتٖ
سِمَانٖ يَأۡكُلُهُنَّ سَبۡعٌ عِجَافٞ وَسَبۡعِ سُنۢبُلَٰتٍ خُضۡرٖ
وَأُخَرَ يَابِسَٰتٖ لَّعَلِّيٓ أَرۡجِعُ إِلَى ٱلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَعۡلَمُونَ ٤٦ قَالَ
تَزۡرَعُونَ سَبۡعَ سِنِينَ دَأَبٗا فَمَا حَصَدتُّمۡ فَذَرُوهُ فِي سُنۢبُلِهِۦٓ إِلَّا
قَلِيلٗا مِّمَّا تَأۡكُلُونَ ٤٧ ثُمَّ يَأۡتِي مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ سَبۡعٞ شِدَادٞ يَأۡكُلۡنَ
مَا قَدَّمۡتُمۡ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلٗا مِّمَّا تُحۡصِنُونَ ٤٨ ثُمَّ يَأۡتِي مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ
عَامٞ فِيهِ يُغَاثُ ٱلنَّاسُ وَفِيهِ يَعۡصِرُونَ ٤٩ وَقَالَ ٱلۡمَلِكُ ٱئۡتُونِي
بِهِۦۖ فَلَمَّا جَآءَهُ ٱلرَّسُولُ قَالَ ٱرۡجِعۡ إِلَىٰ رَبِّكَ فَسۡـَٔلۡهُ مَا بَالُ
ٱلنِّسۡوَةِ ٱلَّٰتِي قَطَّعۡنَ أَيۡدِيَهُنَّۚ إِنَّ رَبِّي بِكَيۡدِهِنَّ عَلِيمٞ ٥٠
قَالَ مَا خَطۡبُكُنَّ إِذۡ رَٰوَدتُّنَّ يُوسُفَ عَن نَّفۡسِهِۦۚ قُلۡنَ حَٰشَ
لِلَّهِ مَا عَلِمۡنَا عَلَيۡهِ مِن سُوٓءٖۚ قَالَتِ ٱمۡرَأَتُ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡـَٰٔنَ حَصۡحَصَ
ٱلۡحَقُّ أَنَا۠ رَٰوَدتُّهُۥ عَن نَّفۡسِهِۦ وَإِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ٥١ ذَٰلِكَ
لِيَعۡلَمَ أَنِّي لَمۡ أَخُنۡهُ بِٱلۡغَيۡبِ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي كَيۡدَ ٱلۡخَآئِنِينَ ٥٢

گفتند این خوابهای شوریده است وما به تعبیر خوابهای شوریده دانا نیستیم (٤٤). و گفت ازآن دوکس آنکه نجات یافته بود وبعد مدتی بیاد آورد من شمارا به تعبیر این خواب خبر می دهم پس مرا بفرستید[٣] (٤٥). گفت ای یوسف ای راست گو جواب دِه مارا درین (خواب) که هفت گاوِفربه ایشان را هفت گاو لاغر میخورند وهفت خوشهٔ سبز وهفت خوشهٔ دیگر خشك، بُوَد که من به سوی مردمان بازگردم تاایشان بدانند (٤٦). گفت هفت سال پَی درپَی برعادت خود زراعت می کنید پس آنچه بدروید درخوشهٔ آن بگذاریدش مگراندکی ازآنچه می خورید (٤٧). باز بعدازآن هفت سالِ سخت بیاید که بخورند آنچه برای آنها سابق ذخیره نهاده بودید مگر اندکی ازآنچه باحتیاط نگاه دارید (٤٨). بازبیاید بعدازآن سالی که دروباران فرستاده شود برمردمان، ودرو ازانگور وغیرآن[٤] آب گیرند (٤٩). و پادشاه گفت یوسف را پیش من بیارید پس چون نزدِ یوسف فرستادهٔ پادشاه آمد گفت به سوی سرور خود بازگرد پس اورا سوال کن چیست حال آن زنان که دستهای خویش را بریدند هرآئینه پروردگار من بحیلهٔ بازیِ ایشان داناست[٥] (٥٠). گفت پادشاه حال شما وقتی که خواستید یوسف را ازنفس او (یعنی تابلغزانیدش) چه بُود گفتند پاکی خداراست بریوسف هیچ گناهی ندانستیم، گفت زن عزیز اکنون ظاهر شد سخن راست که اوراازنفسش من طلبیدم وهرآئینه اوازراست گویان است (٥١). (گفت یوسف) این همه برای آنست تابداند عزیز که من غائبانه خیانتِ او نکرده ام وبداند که خدا خیانت کنند گان را راه نمی نماید (٥٢).

---

(٣) مترجم گوید پس به سوی یوسف فرستادند وملاقات کرد والله اعلم.

(٤) پادشاه این تعبیر را شنیده مشتاق ملاقات یوسف گشت و یوسف علیه السلام مدتی توقف نمود تا برائت ذمه‌اش ظاهر گردد والله اعلم.

(٥) یعنی شهادت براقرار زلیخا به عفت یوسف پوشیده اند والله اعلم.

۞وَمَآ أُبَرِّئُ نَفۡسِيٓۚ إِنَّ ٱلنَّفۡسَ لَأَمَّارَةُۢ بِٱلسُّوٓءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّيٓۚ
إِنَّ رَبِّي غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٥٣ وَقَالَ ٱلۡمَلِكُ ٱئۡتُونِي بِهِۦٓ أَسۡتَخۡلِصۡهُ
لِنَفۡسِيۖ فَلَمَّا كَلَّمَهُۥ قَالَ إِنَّكَ ٱلۡيَوۡمَ لَدَيۡنَا مَكِينٌ أَمِينٞ ٥٤
قَالَ ٱجۡعَلۡنِي عَلَىٰ خَزَآئِنِ ٱلۡأَرۡضِۖ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٞ ٥٥ وَكَذَٰلِكَ
مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي ٱلۡأَرۡضِ يَتَبَوَّأُ مِنۡهَا حَيۡثُ يَشَآءُۚ نُصِيبُ
بِرَحۡمَتِنَا مَن نَّشَآءُۖ وَلَا نُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٥٦ وَلَأَجۡرُ
ٱلۡأٓخِرَةِ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ٥٧ وَجَآءَ
إِخۡوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُواْ عَلَيۡهِ فَعَرَفَهُمۡ وَهُمۡ لَهُۥ مُنكِرُونَ
٥٨ وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمۡ قَالَ ٱئۡتُونِي بِأَخٖ لَّكُم مِّنۡ أَبِيكُمۡۚ أَلَا
تَرَوۡنَ أَنِّيٓ أُوفِي ٱلۡكَيۡلَ وَأَنَا۠ خَيۡرُ ٱلۡمُنزِلِينَ ٥٩ فَإِن لَّمۡ تَأۡتُونِي
بِهِۦ فَلَا كَيۡلَ لَكُمۡ عِندِي وَلَا تَقۡرَبُونِ ٦٠ قَالُواْ سَنُرَٰوِدُ عَنۡهُ أَبَاهُ
وَإِنَّا لَفَٰعِلُونَ ٦١ وَقَالَ لِفِتۡيَٰنِهِ ٱجۡعَلُواْ بِضَٰعَتَهُمۡ فِي رِحَالِهِمۡ
لَعَلَّهُمۡ يَعۡرِفُونَهَآ إِذَا ٱنقَلَبُوٓاْ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِمۡ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ
٦٢ فَلَمَّا رَجَعُوٓاْ إِلَىٰٓ أَبِيهِمۡ قَالُواْ يَٰٓأَبَانَا مُنِعَ مِنَّا ٱلۡكَيۡلُ
فَأَرۡسِلۡ مَعَنَآ أَخَانَا نَكۡتَلۡ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ٦٣

ونفس خودرا به پاکی صفت نمی کنم، هرآئینه نفس به بدی بسیارفرمان دهنده است مگرآنوقت که پروردگار من مهربانی کند هرآئینه پروردگار من آمرزندهٔ مهربانست (۵۳). و گفت پادشاه پیش من بیاریدش تا خالص برای خدمت خود مقرر کنمش پس چون سخن گفت بایوسف[٦] گفت ای یوسف هرآئینه توامروزپیشِ ماصاحب قدرِامانت داری (٥٤). گفت مرا برخزانه های این سرزمین مقررکن هرآئینه من محافظت کنندهٔ دانایم (٥٥). وهمچنین یوسف را درآن سرزمین تمکین دادیم، قرارمی گرفت ازآن سرزمین هرجاکه میخواست، به رحمت خود هرکه را خواهیم می رسانیم و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کنیم (٥٦). والبته پاداش آخرت آنان را که ایمان آورده اند وپرهیزکاری می کردند بهتراست (٥٧).[٧] وبرادران یوسف آمدند پس بروی داخل شدند پس ایشان را بشناخت وایشان اورانشناختند (٥٨). وچون برای ایشان سامان ایشان را مهیاکرد گفت پیش من برادر (علّاتی ناتنی) خودرا که ازپدرشماست بیارید آیا نمی بینید که من پیمانه را تمام میدهم ومن بهترین پذیرایی کنند گانم (٥٩). پس ا گر اورا پیش من نیاوردید پس هرگز برای شما نزدِ من پیمانه نباشد وهر گز بمن نزدیك نشوید (٦٠). گفتند اوراازپدرش خواهیم خواست، ماالبته این کار را خواهیم کرد (٦١). و یوسف غلامان خودرا گفت سرمایه ایشان را درخرجینهای ایشان، بنهید شاید ایشان آن را بشناسند چون به اهل خویش بازروند بُوَدکه ایشان بازآیند[٨] (٦٢). پس چون به سوی پدرخویش بازگشتند گفتند ای پدرِ ما ازما پیمانه منع کرده شد پس با ما برادرمارا بفرست تاپیمانه گیریم وهرآئینه مانگهبان وی هستیم (٦٣).

---

(٦) یعنی قابلیت اورا شناخت.

(٧) بعد ازآن قحط افتاد در جمیع نواحی مصرو شام اولاد یعقوب را مشقت بسیار رسید به سوی یوسف متوجه شدند والله اعلم.

(٨) یعنی بسبب دادن طعام وبگرفتن سرمایه دیگر بار دیگر طمع کنند والله اعلم.

قَالَ هَلْ ءَامَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَآ أَمِنتُكُمْ عَلَىٰٓ أَخِيهِ مِن قَبْلُ فَٱللَّهُ خَيْرٌ حَٰفِظًاۖ وَهُوَ أَرْحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ﴿٦٤﴾ وَلَمَّا فَتَحُواْ مَتَٰعَهُمْ وَجَدُواْ بِضَٰعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْۖ قَالُواْ يَٰٓأَبَانَا مَا نَبْغِيۖ هَٰذِهِۦ بِضَٰعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَاۖ وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍۖ ذَٰلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ ﴿٦٥﴾ قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُۥ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِّنَ ٱللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِۦٓ إِلَّآ أَن يُحَاطَ بِكُمْۖ فَلَمَّآ ءَاتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ ٱللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٦٦﴾ وَقَالَ يَٰبَنِيَّ لَا تَدْخُلُواْ مِنۢ بَابٍ وَٰحِدٍ وَٱدْخُلُواْ مِنْ أَبْوَٰبٍ مُّتَفَرِّقَةٍۖ وَمَآ أُغْنِي عَنكُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن شَيْءٍۖ إِنِ ٱلْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِۖ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُۖ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٦٧﴾ وَلَمَّا دَخَلُواْ مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُم مَّا كَانَ يُغْنِي عَنْهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَىٰهَاۚ وَإِنَّهُۥ لَذُو عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَٰهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦٨﴾ وَلَمَّا دَخَلُواْ عَلَىٰ يُوسُفَ ءَاوَىٰٓ إِلَيْهِ أَخَاهُۖ قَالَ إِنِّيٓ أَنَا۠ أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿٦٩﴾

یعقوب گفت شمارا بروی امین نگیرم مگر چنانکه شمارا بربرادر وی پیش ازین امین گرفته بودم پس خدا نگاه دارنده بهتراست واومهربان ترین مهربانان است (٦٤). وچون رخت خود را بگشادند سرمایه خودرا باز گردانیده شده بایشان یافتند گفتند ای پدرما چه می‌خواهیم این است سرمایهٔ به سوی ما باز گردانیده شد (پس بازرویم به مَلِك) وغله آوریم برای اهل خود و برادر خودرا حفاظت کنیم وزیاده آوریم پیمانه یك شترآنچه آورده ایم پیمانهٔ اندك است (٦٥). گفت نفرستم اوراباشما تاآنکه مرا عهدی ازخدا دهید که البته اورا بمن بازآرید مگر آنکه گرفتارکرده شوید پس چون عهد خویش دادندش یعقوب گفت خدا برآنچه می‌گوییم نگهبان است (٦٦). وگفت ای پسران من ازیك دروازه داخل مشوید و ازدروازه های پراکنده درآیید[٩] و ازسرشما چیزی راازقضای خدا دفع نمی کنم، فرمانروایی مگر خدارا نیست بروی توکل کردم وبروی باید که متوکلان توکل کنند (٦٧). وچون داخل شدندازآن راه که ایشان را پدرایشان فرموده بود دفع نمی توانست کرد ازسرایشان چیزی راازقضای خدا، لیکن خطری را که در دلش بود سرانجام داد وهرآئینه اوخداوند دانش بود به آنچه ما اورا آموخته بودیم ولیکن اکثر مردمان نمی دانند (٦٨). وچون بریوسف داخل شدند جای داد به سوی خود برادر تنی (یعنی عینی) خودراگفت هرآئینه من برادرتوام پس اندوهگین مباش بسبب آنچه میکردند (٦٩).

(٩) یعنی تاچشم زخم نرسد.

فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ جَعَلَ ٱلسِّقَايَةَ فِى رَحْلِ أَخِيهِ
ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا ٱلْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَٰرِقُونَ ﴿٧٠﴾ قَالُوا۟
وَأَقْبَلُوا۟ عَلَيْهِم مَّاذَا تَفْقِدُونَ ﴿٧١﴾ قَالُوا۟ نَفْقِدُ صُوَاعَ ٱلْمَلِكِ
وَلِمَن جَآءَ بِهِۦ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا۠ بِهِۦ زَعِيمٌ ﴿٧٢﴾ قَالُوا۟ تَٱللَّهِ
لَقَدْ عَلِمْتُم مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِى ٱلْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَٰرِقِينَ
﴿٧٣﴾ قَالُوا۟ فَمَا جَزَٰٓؤُهُۥٓ إِن كُنتُمْ كَٰذِبِينَ ﴿٧٤﴾ قَالُوا۟ جَزَٰٓؤُهُۥ
مَن وُجِدَ فِى رَحْلِهِۦ فَهُوَ جَزَٰٓؤُهُۥ ۚ كَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلظَّٰلِمِينَ
﴿٧٥﴾ فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَآءِ أَخِيهِ ثُمَّ ٱسْتَخْرَجَهَا مِن
وِعَآءِ أَخِيهِ ۚ كَذَٰلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ ۖ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ
فِى دِينِ ٱلْمَلِكِ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ ۚ نَرْفَعُ دَرَجَٰتٍ مَّن نَّشَآءُ ۗ
وَفَوْقَ كُلِّ ذِى عِلْمٍ عَلِيمٌ ﴿٧٦﴾ ۞ قَالُوٓا۟ إِن يَسْرِقْ

فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَّهُۥ مِن قَبْلُ ۚ فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِى نَفْسِهِۦ
وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ ۚ قَالَ أَنتُمْ شَرٌّ مَّكَانًا ۖ وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا
تَصِفُونَ ﴿٧٧﴾ قَالُوا۟ يَٰٓأَيُّهَا ٱلْعَزِيزُ إِنَّ لَهُۥٓ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا
فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُۥٓ ۖ إِنَّا نَرَىٰكَ مِنَ ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٧٨﴾

پس وقتی که برای ایشان سامان ایشان را مهیاکرد جام (پادشاه) را درخرجینِ برادر خود نهاد بعد ازآن آواز داد آواز دهنده ای که ای کاروان هرآئینه شما دزدید (۷۰). روبه سوی ایشان درآورده گفتندچیست آنچه گم کرده اید (۷۱). گفتند پیمانهٔ پادشاه را گم کرده ایم وبرای کسی که بیاوَرَدِش یك بارِ شترباشد ومن باین وعده ضامنم (۷۲). گفتند بخدا قسم هرآئینه دانسته اید که نیامده ایم ماتا درزمین فسادکنیم وهرگز دزد نبوده ایم (۷۳). گفتند پس چیست جزای این فعل ا گر دروغ گوباشید (۷٤). گفتند جزای این فعل کسی است که متاع در خرجین او یافته شود پس همان شخص جزای او باشد[۱۰] همچنین ستم کاران را جزامیدهیم (۷۵). پس یوسف به تفحّص خرجینهای ایشان پیش ازخرجین برادر خود شروع کرد بعد ازآن پیمانه را ازخرجین برادر خود برآورد همچنین تدبیر کردیم برای یوسف نمی توانست که برادر خودرا بحکم قانون پادشاه اسیر گیرد لیکن (اسیر گرفتنش) به مشیت خدا بلندمی گردانیم مراتب کسی را که خواهیم و بالای هرخداوندِ دانش دانایی هست (۷٦). گفتند ا گر (او) دزدی کرده باشد دور نیست که برادر اوپیش ازین دزدی کرده بود پس یوسف این سخن را در دلش پنهان داشت و آن را پیش ایشان آشکار نکرد گفت (دردل خود) شما در منزلت بدترید وخدا دانا است به آنچه وصف می کنید (۷۷). گفتند ای عزیز هرآئینه اورا پدریست پیر، کلان سال پس یکی را ازما بجای او بگیر هرآئینه ما تورا ازنیکوکاران می بینیم(۷۸).

---

(۱۰) یعنی اوراغلام گیرند والله اعلم.

قَالَ مَعَاذَ ٱللَّهِ أَن نَّأۡخُذَ إِلَّا مَن وَجَدۡنَا مَتَٰعَنَا عِندَهُۥٓ إِنَّآ
إِذٗا لَّظَٰلِمُونَ ٧٩ فَلَمَّا ٱسۡتَيۡـَٔسُواْ مِنۡهُ خَلَصُواْ نَجِيّٗاۖ
قَالَ كَبِيرُهُمۡ أَلَمۡ تَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ أَبَاكُمۡ قَدۡ أَخَذَ عَلَيۡكُم
مَّوۡثِقٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَمِن قَبۡلُ مَا فَرَّطتُمۡ فِي يُوسُفَۖ فَلَنۡ أَبۡرَحَ
ٱلۡأَرۡضَ حَتَّىٰ يَأۡذَنَ لِيٓ أَبِيٓ أَوۡ يَحۡكُمَ ٱللَّهُ لِيۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلۡحَٰكِمِينَ
٨٠ ٱرۡجِعُوٓاْ إِلَىٰٓ أَبِيكُمۡ فَقُولُواْ يَٰٓأَبَانَآ إِنَّ ٱبۡنَكَ سَرَقَ
وَمَا شَهِدۡنَآ إِلَّا بِمَا عَلِمۡنَا وَمَا كُنَّا لِلۡغَيۡبِ حَٰفِظِينَ
٨١ وَسۡـَٔلِ ٱلۡقَرۡيَةَ ٱلَّتِي كُنَّا فِيهَا وَٱلۡعِيرَ ٱلَّتِيٓ أَقۡبَلۡنَا فِيهَاۖ
وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ ٨٢ قَالَ بَلۡ سَوَّلَتۡ لَكُمۡ أَنفُسُكُمۡ أَمۡرٗاۖ
فَصَبۡرٞ جَمِيلٌۖ عَسَى ٱللَّهُ أَن يَأۡتِيَنِي بِهِمۡ جَمِيعًاۚ إِنَّهُۥ هُوَ
ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡحَكِيمُ ٨٣ وَتَوَلَّىٰ عَنۡهُمۡ وَقَالَ يَٰٓأَسَفَىٰ عَلَىٰ
يُوسُفَ وَٱبۡيَضَّتۡ عَيۡنَاهُ مِنَ ٱلۡحُزۡنِ فَهُوَ كَظِيمٞ
٨٤ قَالُواْ تَٱللَّهِ تَفۡتَؤُاْ تَذۡكُرُ يُوسُفَ حَتَّىٰ تَكُونَ حَرَضًا
أَوۡ تَكُونَ مِنَ ٱلۡهَٰلِكِينَ ٨٥ قَالَ إِنَّمَآ أَشۡكُواْ بَثِّي
وَحُزۡنِيٓ إِلَى ٱللَّهِ وَأَعۡلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٨٦

گفت بر خدا پناه می برم ازآنکه بگیریم مگر کسی را که متاع خویش را نزدِ او یافته ایم بتحقیق آنگاه ستمکار باشیم (۷۹). پس چون ازوی ناامید شدند، تنها بخلوت رفتند مشوره کنان بزرگ ترین ایشان گفت آیاندانسته اید که پدرشما برشماعهدی ازخدا گرفته است وپیش ازین درحق یوسف کوتاهی کرده بودید پس این سرزمین را ترك نخواهم کرد تاوقتیکه مرا پدرم اجازه دهد یا برایم خدا حکم کند واوبهترین حکم کنند گان است (۸۰). (ای برادران) به سوی پدر خویش باز روید پس بگویید ای پدرماهرآئینه پسر تودزدی کرد و گواهی ندادیم الّابه آنچه می دانستیم[۱۱] علم غیب را نمی دانستیم (۸۱). وبپرس دِهی را که درآن بودیم وکاروانی را که باآن باز آمده ایم والبته ماراست گویانیم (۸۲). گفت (یعقوب) بلکه برای شما نفسهای شماکاری را آراسته کرده است پس حال من صبر نیك است امید آنست که خدا پیش من همگی ایشان را بیارد هرآئینه اودانای باحکمت است (۸۳). وازایشان روبگردانید و گفت وای اندوه من بریوسف و دوچشم او از اندوه سفید شدند پس اوازغم پُر شده بود (۸٤). گفتند بخدا همیشه هستی که یوسف را یادمی‌کنی تاآنکه بیمار شوی یا ازهلاك شد گان شوی (۸۵). گفت جزاین نیست که غم سخت و اندوه خودرا به جناب خدا بیان می کنم ومی دانم ازجانب خدا آنچه راکه نمی دانید (۸٦).

(۱۱) یعنی گفتند «جزآؤه من وجد في رحله فهو جزآؤه» والله اعلم.

يَٰبَنِيَّ ٱذۡهَبُواْ فَتَحَسَّسُواْ مِن يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَاْيۡـَٔسُواْ
مِن رَّوۡحِ ٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ لَا يَاْيۡـَٔسُ مِن رَّوۡحِ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡقَوۡمُ
ٱلۡكَٰفِرُونَ ﴿٨٧﴾ فَلَمَّا دَخَلُواْ عَلَيۡهِ قَالُواْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡعَزِيزُ
مَسَّنَا وَأَهۡلَنَا ٱلضُّرُّ وَجِئۡنَا بِبِضَٰعَةٖ مُّزۡجَىٰةٖ فَأَوۡفِ لَنَا
ٱلۡكَيۡلَ وَتَصَدَّقۡ عَلَيۡنَآۖ إِنَّ ٱللَّهَ يَجۡزِي ٱلۡمُتَصَدِّقِينَ
﴿٨٨﴾ قَالَ هَلۡ عَلِمۡتُم مَّا فَعَلۡتُم بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذۡ أَنتُمۡ
جَٰهِلُونَ ﴿٨٩﴾ قَالُوٓاْ أَءِنَّكَ لَأَنتَ يُوسُفُۖ قَالَ أَنَا۠ يُوسُفُ
وَهَٰذَآ أَخِيۖ قَدۡ مَنَّ ٱللَّهُ عَلَيۡنَآۖ إِنَّهُۥ مَن يَتَّقِ وَيَصۡبِرۡ فَإِنَّ
ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿٩٠﴾ قَالُواْ تَٱللَّهِ لَقَدۡ
ءَاثَرَكَ ٱللَّهُ عَلَيۡنَا وَإِن كُنَّا لَخَٰطِـِٔينَ ﴿٩١﴾ قَالَ لَا تَثۡرِيبَ
عَلَيۡكُمُ ٱلۡيَوۡمَۖ يَغۡفِرُ ٱللَّهُ لَكُمۡۖ وَهُوَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ
﴿٩٢﴾ ٱذۡهَبُواْ بِقَمِيصِي هَٰذَا فَأَلۡقُوهُ عَلَىٰ وَجۡهِ أَبِي يَأۡتِ
بَصِيرٗا وَأۡتُونِي بِأَهۡلِكُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿٩٣﴾ وَلَمَّا فَصَلَتِ
ٱلۡعِيرُ قَالَ أَبُوهُمۡ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَۖ لَوۡلَآ أَن
تُفَنِّدُونِ ﴿٩٤﴾ قَالُواْ تَٱللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَٰلِكَ ٱلۡقَدِيمِ ﴿٩٥﴾

ای پسران من بروید پس از یوسف وبرادراو جستجو کنید و ازرحمت خدا ناامید مباشید هرآئینه (سخن اینست که) ازرحمت خدا مگر گروه کافران ناامید نمی شوند (۸۷). پس چون بریوسف داخل شدند گفتند ای عزیز به ما واهل ماسختی رسیده است وسرمایهٔ ناچیز (یعنی اندك) آورده ایم پس مارا پیمانه تمام دِه وبرما صدقه کن هرآئینه خدا صدقه دهندگان را جزامی‌دهد (۸۸). گفت آیا دانستید (قبح) آنچه به یوسف و برادرش می کردید وقتی که شمانادان بودید (۸۹). گفتند آیابه تحقیق تو یوسفی؟ گفت من یوسفم واین برادرمن است هرآئینه خدا برما منّت نهاد هرآئینه (سخن این است که) هرکه پرهیزگاری کند و صبر نمایدپس خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی سازد (۹۰). گفتند قسم به خدا هرآئینه توراخدا برما برتری داده است وهرآئینه ماخطا کننده بودیم (۹۱). گفت هیچ سرزنش امروز برشما نیست خدا شمارا بیامرزد واو مهربان ترین مهربانان است (۹۲). این پیراهن مرا ببَرید پس برچهرهٔ پدرم بیفکنیدش تابینا شود و پیش من همگی اهل خویش را بیارید(۹۳). وچون کاروان جدا شد (یعنی ازشهر) گفت پدرایشان هرآئینه من بوی یوسف را می یابم اگر مرا به نقصان عقل نسبت نکنید (۹٤). گفتند به خدا قسم هرآئینه تو درخطای قدیم خودی (۹۵).

فَلَمَّآ أَن جَآءَ ٱلْبَشِيرُ أَلْقَىٰهُ عَلَىٰ وَجْهِهِۦ فَٱرْتَدَّ بَصِيرًاۖ قَالَ
أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ إِنِّيٓ أَعْلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٩٦﴾ قَالُواْ
يَٰٓأَبَانَا ٱسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَآ إِنَّا كُنَّا خَٰطِـِٔينَ ﴿٩٧﴾ قَالَ سَوْفَ
أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّيٓۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٩٨﴾ فَلَمَّا
دَخَلُواْ عَلَىٰ يُوسُفَ ءَاوَىٰٓ إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَقَالَ ٱدْخُلُواْ مِصْرَ
إِن شَآءَ ٱللَّهُ ءَامِنِينَ ﴿٩٩﴾ وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى ٱلْعَرْشِ وَخَرُّواْ
لَهُۥ سُجَّدًاۖ وَقَالَ يَٰٓأَبَتِ هَٰذَا تَأْوِيلُ رُءْيَٰىَ مِن قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا
رَبِّي حَقًّاۖ وَقَدْ أَحْسَنَ بِيٓ إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ ٱلسِّجْنِ وَجَآءَ بِكُم
مِّنَ ٱلْبَدْوِ مِنۢ بَعْدِ أَن نَّزَغَ ٱلشَّيْطَٰنُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِيٓۚ إِنَّ
رَبِّي لَطِيفٌ لِّمَا يَشَآءُۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْعَلِيمُ ٱلْحَكِيمُ ﴿١٠٠﴾ ۞ رَبِّ
قَدْ ءَاتَيْتَنِي مِنَ ٱلْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِن تَأْوِيلِ ٱلْأَحَادِيثِۚ
فَاطِرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ أَنتَ وَلِيِّۦ فِي ٱلدُّنْيَا وَٱلْأٓخِرَةِۖ
تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١٠١﴾ ذَٰلِكَ مِنْ أَنۢبَآءِ
ٱلْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَۖ وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوٓاْ أَمْرَهُمْ
وَهُمْ يَمْكُرُونَ ﴿١٠٢﴾ وَمَآ أَكْثَرُ ٱلنَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾

نصف الحزب ٢٥

پس چون پیش وی مژده دهنده بیامد پیرهن را برصورت وی انداخت پس بینا گشت گفت آیا به شما نگفته بودم که هرآئینه من میدانم ازجانب خداآنچه را که نمیدانید (۹٦). گفتند ای پدرما برای ما درحق گناهان ما آمرزش طلب کن هرآئینه ما گنهکاربودیم (۹۷). گفت بزودی برای شما از پروردگار خود طلب آمرزش خواهم کرد هرآئینه اوآمرزندهٔ مهربان است (۹۸). پس چون بریوسف درآمدند (یعنی درخیمه اش واوبرای استقبال برآمده بود) پدرومادر خودرا به سوی خود جای داد وگفت بمصر ا گرخدا خواسته باشد ایمن شده درآیید (۹۹). و پدرومادر خودرا برتخت خود بالا بُرد وایشان به سوی او سجده کنان افتادند و گفت ای پدرمن این تعبیر خواب من است که پیش ازین دیده بودم هرآئینه آنرا پروردگار من راست ساخت وبمن نعمت فراوان داد چون مرا اززندان بیرون آورد وشمارا ازصحرا آورد بعد ازآنکه شیطان میان من ومیان برادران من خلاف افکند هرآئینه پروردگار من تدبیر نیك سازنده است چیزی را که میخواهد هرآئینه او دانای باحکمت است (۱۰۰). ای پروردگار من مرا پادشاهی دادی و مرا تاویل احادیث آموختی (یعنی علم تعبیر خواب) ای پیدا کنندهٔ آسمان ها وزمین تویی کارساز من دردنیا وآخرت مرا مسلمان بمیران و مرا با صالحان ملحق کن(۱۰۱). (یا محمد) این داستان ازاخبار غیب است آن را به سوی تو وحی می کنیم وتو نزد ایشان نبودی چون برمشورهٔ خود توطئه کنان عزم کردند (۱۰۲). اکثر مردمان ـ و اگرچه حرص کنی ـ مسلمان نخواهندبود (۱۰۳).

وَمَا تَسْـَٔلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍۚ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَٰلَمِينَ ﴿١٠٤﴾ وَكَأَيِّن مِّنْ ءَايَةٍ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ ﴿١٠٥﴾ وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُم بِٱللَّهِ إِلَّا وَهُم مُّشْرِكُونَ ﴿١٠٦﴾ أَفَأَمِنُوٓاْ أَن تَأْتِيَهُمْ غَٰشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ ٱللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ ٱلسَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٠٧﴾ قُلْ هَٰذِهِۦ سَبِيلِيٓ أَدْعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِۚ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا۠ وَمَنِ ٱتَّبَعَنِيۖ وَسُبْحَٰنَ ٱللَّهِ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٨﴾ وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِيٓ إِلَيْهِم مِّنْ أَهْلِ ٱلْقُرَىٰٓۗ أَفَلَمْ يَسِيرُواْ فِي ٱلْأَرْضِ فَيَنظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْۗ وَلَدَارُ ٱلْأَٰخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ ٱتَّقَوْاْۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٠٩﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا ٱسْتَيْـَٔسَ ٱلرُّسُلُ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُواْ جَآءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَن نَّشَآءُۖ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ ٱلْقَوْمِ ٱلْمُجْرِمِينَ ﴿١١٠﴾ لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُوْلِي ٱلْأَلْبَٰبِۗ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن تَصْدِيقَ ٱلَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١١١﴾

وسوال نمی کنی ازایشان برتبلیغ قرآن هیچ مزدی، این نیست مگرپندی برای جهانیان (۱۰٤). وبسا درآسمان ها وزمین نشانه‌هایند ازتأمل درآن اعراض کنان برآن می‌گذرند (۱۰۵). وایمان نمی آورند اکثر ایشان به خدا مگر آنکه آنان (به نوعی) مشرك اند (۱۰٦). آیا ایمن شده اند ازآنکه به ایشان عقوبتی عام از عذاب خدا بیاید یا بایشان قیامت ناگهان بیاید وایشان آگاه نباشند (۱۰۷). بگواین راه من است به سوی خدا باحجت ظاهر می خوانم، من و پیروان من وپاکی خداراست و من از مشرکان نیستم(۱۰۸). ونفرستاده‌ایم پیش ازتو مگر مردانی را که به سوی ایشان ازاهل ده ها وحی‌میفرستادیم آیا درزمین سیرنکرده‌اند تا ببینند آخرکار آنانکه پیش ازایشان بودند چگونه شد وهرآئینه متقیان را سرای آخرت بهترست آیانمی فهمید (۱۰۹). (مهلت دادیم) تاوقتیکه چون پیامبران ناامید شدند وگمان کردند قوم ایشان که به ایشان بدروغ وعده کرده شده به ایشان نصرت ما آمد پس هرکرا خواستیم نجات داده شد وعذاب ماازگروه ستمکاران بازداشته نمی شود (۱۱۰). هرآئینه درداستانهای پیامبران پندی هست برای خداوندانِ خِرَد قرآن سخنی نیست که بدروغ بربافته شود ولیکن هست باوردارندهٔ آنچه پیش ازوی هست وبیان کنندهٔ هرچیز وهدایت وبخشایش برای مسلمانان است (۱۱۱).

سُورَةُ الرَّعْدِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓمٓرۚ تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِۗ وَٱلَّذِىٓ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ ٱلْحَقُّ
وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِى رَفَعَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَاۖ ثُمَّ ٱسْتَوَىٰ عَلَى ٱلْعَرْشِۖ وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَۖ
كُلٌّ يَجْرِى لِأَجَلٍ مُّسَمًّىۚ يُدَبِّرُ ٱلْأَمْرَ يُفَصِّلُ ٱلْءَايَٰتِ لَعَلَّكُم
بِلِقَآءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ ﴿٢﴾ وَهُوَ ٱلَّذِى مَدَّ ٱلْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَٰسِىَ
وَأَنْهَٰرًاۖ وَمِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ ٱثْنَيْنِۖ يُغْشِى ٱلَّيْلَ
ٱلنَّهَارَۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٣﴾ وَفِى ٱلْأَرْضِ
قِطَعٌ مُّتَجَٰوِرَٰتٌ وَجَنَّٰتٌ مِّنْ أَعْنَٰبٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ
وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَىٰ بِمَآءٍ وَٰحِدٍ وَنُفَضِّلُ بَعْضَهَا عَلَىٰ بَعْضٍ
فِى ٱلْأُكُلِۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٤﴾ ۞ وَإِن تَعْجَبْ
فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَءِذَا كُنَّا تُرَٰبًا أَءِنَّا لَفِى خَلْقٍ جَدِيدٍۗ
أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِرَبِّهِمْۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ ٱلْأَغْلَٰلُ فِىٓ
أَعْنَاقِهِمْۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٥﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

آلمّرٰ اینهاآیاتِ قرآنند وآنچه فروفرستاده شدبسوی تواز پروردگارت راست است ولیکن اکثر مردمان ایمان نمی آورند (۱). خدا آنست که آسمانهارا بغیر ستون هائیکه آنها را به ببینید برداشت بعد ازآن برعرش مستقرشد وخورشید وماه را مسخّر کرد هریکی بمیعادی معین سیر میکند تدبیر کارمی نماید نشانه هارا بیان می کند تاشما به ملاقات پروردگار خودیقین آورید (۲). واوآنست که زمین را گسترد ودر آن کوه ها ونهرها را واز هرنوع میوه آفرید درزمین دوقسم آفرید (ترش و شیرین خوب وبد) شب رابه روز می پوشاند هرآئینه درین نشانه هاست قومی را که تَفکّر می کنند (۳). ودرزمین تکه های مختلف پیوسته بایکدیگراست وبوستانهایی از درختانِ انگور و کشت زارست ودرختان خرما بعضی بسیارپُرشاخ و بعضی غیرازآن، به یك آب آبیاری می شوند وبعضی را بربعضی درطعم میوه‌ها برتری می دهیم هرآئینه دراین نشانه ها است قومی را که می فهمند (٤). و اگر تعجب کنی پس سخن ایشان عجب است که آیا وقتیکه خاك شویم آیاما البته درآفرینشی نوخواهیم بود، ایشانند آنانکه به پروردگار خویش نامعتقد شدند وایشانند (باین صفت) که طوق درگردن ایشان باشد وایشان اهل آتش اند ایشان درآنجاجاویدان باشند (٥).

وَيَسۡتَعۡجِلُونَكَ بِٱلسَّيِّئَةِ قَبۡلَ ٱلۡحَسَنَةِ وَقَدۡ خَلَتۡ مِن
قَبۡلِهِمُ ٱلۡمَثُلَٰتُۗ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغۡفِرَةٖ لِّلنَّاسِ عَلَىٰ ظُلۡمِهِمۡۖ
وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ٦ وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡلَآ
أُنزِلَ عَلَيۡهِ ءَايَةٞ مِّن رَّبِّهِۦٓۗ إِنَّمَآ أَنتَ مُنذِرٞۖ وَلِكُلِّ قَوۡمٍ
هَادٍ ٧ ٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تَحۡمِلُ كُلُّ أُنثَىٰ وَمَا تَغِيضُ ٱلۡأَرۡحَامُ
وَمَا تَزۡدَادُۖ وَكُلُّ شَيۡءٍ عِندَهُۥ بِمِقۡدَارٍ ٨ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ
وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلۡكَبِيرُ ٱلۡمُتَعَالِ ٩ سَوَآءٞ مِّنكُم مَّنۡ
أَسَرَّ ٱلۡقَوۡلَ وَمَن جَهَرَ بِهِۦ وَمَنۡ هُوَ مُسۡتَخۡفِۭ بِٱلَّيۡلِ وَسَارِبُۢ
بِٱلنَّهَارِ ١٠ لَهُۥ مُعَقِّبَٰتٞ مِّنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَمِنۡ خَلۡفِهِۦ
يَحۡفَظُونَهُۥ مِنۡ أَمۡرِ ٱللَّهِۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوۡمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُواْ
مَا بِأَنفُسِهِمۡۗ وَإِذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِقَوۡمٖ سُوٓءٗا فَلَا مَرَدَّ لَهُۥۚ وَمَا
لَهُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَالٍ ١١ هُوَ ٱلَّذِي يُرِيكُمُ ٱلۡبَرۡقَ خَوۡفٗا
وَطَمَعٗا وَيُنشِئُ ٱلسَّحَابَ ٱلثِّقَالَ ١٢ وَيُسَبِّحُ ٱلرَّعۡدُ بِحَمۡدِهِۦ
وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ مِنۡ خِيفَتِهِۦ وَيُرۡسِلُ ٱلصَّوَٰعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا
مَن يَشَآءُ وَهُمۡ يُجَٰدِلُونَ فِي ٱللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ ٱلۡمِحَالِ ١٣

وازتو عقوبت پیش ازراحتی به شتاب می طلبند وهرآئینه پیش ازایشان عقوبت ها گذشته است وهرآئینه پروردگار توبرای‌مردمان باوجود ستمکار بودنِ ایشان خداوندِ آمرزش است و هرآئینه پروردگار تو سخت عقوبت است (٦). وکافران می گویند چرا براین پیامبر نشانه‌ای از پروردگار او فرستاده نشد (یا محمد) جزاین نیست که توبیم دهنده ای وهرقومی راراه نمایی است (۷). خدا آنچه هرماده درشکم دارد می داند وآنچه رحم ها ناقص میکنند وآنچه زیاده می‌گردانند وهرچیزی نزدِ او باندازه است (۸). به پنهان وآشکار داناست بزرگ است بلند مرتبه است (۹). یکسان است ازشما کسی که سخن را بپوشد وکسیکه آن را به آواز بلند گوید وکسی که وی درشب پنهان است وکسی که او درروز راه میرود (۱۰). برای آدمی فرشتگانند ازپی یکدیگر، آینده میان دو دست او و پشت سراو اورا به حکم خدا نگاه میدارند هرآئینه خدا تغییرنمی دهد حالتی را که به قومی باشد تاوقتی که ایشان تغییردهند آنچه در نفسهای ایشان است وچون خدا به قومی عقوبت را اراده کند پس آن را باز گردانیدن نیست و ایشان را بجز وی هیچ کارسازی نیست(۱۱). اوست آنکه شمارا برق برای پیداکردن ترس و امید می نماید ابرهای گران را پدید می آورد (۱۲). و رعد باستایش او وفرشتگان نیز ازترس او به پاکی یاد می کند، و صاعقه ها را می فرستد پس آنرا به هرکه خواهد میرساند وکافران دربارهٔ خدا مکابره می کنند و او بسیاربا قوت است(۱۳).

لَهُۥ دَعۡوَةُ ٱلۡحَقِّۚ وَٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَسۡتَجِيبُونَ لَهُم بِشَيۡءٍ إِلَّا
كَبَٰسِطِ كَفَّيۡهِ إِلَى ٱلۡمَآءِ لِيَبۡلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَٰلِغِهِۦۚ وَمَا دُعَآءُ ٱلۡكَٰفِرِينَ
إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ ١٤ وَلِلَّهِ يَسۡجُدُ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ طَوۡعٗا
وَكَرۡهٗا وَظِلَٰلُهُم بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ۩ ١٥ قُلۡ مَن رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ

وَٱلۡأَرۡضِ قُلِ ٱللَّهُۚ قُلۡ أَفَٱتَّخَذۡتُم مِّن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَ لَا يَمۡلِكُونَ
لِأَنفُسِهِمۡ نَفۡعٗا وَلَا ضَرّٗاۚ قُلۡ هَلۡ يَسۡتَوِي ٱلۡأَعۡمَىٰ وَٱلۡبَصِيرُ أَمۡ هَلۡ
تَسۡتَوِي ٱلظُّلُمَٰتُ وَٱلنُّورُۗ أَمۡ جَعَلُواْ لِلَّهِ شُرَكَآءَ خَلَقُواْ كَخَلۡقِهِۦ فَتَشَٰبَهَ
ٱلۡخَلۡقُ عَلَيۡهِمۡۚ قُلِ ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖ وَهُوَ ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّٰرُ ١٦ أَنزَلَ
مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَسَالَتۡ أَوۡدِيَةُۢ بِقَدَرِهَا فَٱحۡتَمَلَ ٱلسَّيۡلُ زَبَدٗا رَّابِيٗاۖ
وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيۡهِ فِي ٱلنَّارِ ٱبۡتِغَآءَ حِلۡيَةٍ أَوۡ مَتَٰعٖ زَبَدٞ مِّثۡلُهُۥۚ
كَذَٰلِكَ يَضۡرِبُ ٱللَّهُ ٱلۡحَقَّ وَٱلۡبَٰطِلَۚ فَأَمَّا ٱلزَّبَدُ فَيَذۡهَبُ جُفَآءٗۖ
وَأَمَّا مَا يَنفَعُ ٱلنَّاسَ فَيَمۡكُثُ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ كَذَٰلِكَ يَضۡرِبُ ٱللَّهُ
ٱلۡأَمۡثَالَ ١٧ لِلَّذِينَ ٱسۡتَجَابُواْ لِرَبِّهِمُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ وَٱلَّذِينَ لَمۡ يَسۡتَجِيبُواْ
لَهُۥ لَوۡ أَنَّ لَهُم مَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا وَمِثۡلَهُۥ مَعَهُۥ لَٱفۡتَدَوۡاْ بِهِۦٓۚ
أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ سُوٓءُ ٱلۡحِسَابِ وَمَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ ١٨

دعای حق برای اوست[۱] وآنانکه کافران ایشان را به جای خدا میخوانند دعای ایشان را بهیچ وجه قبول نمی‌کنند مگر مانند کسی که دو دست خود را به سوی آب بگشاید تا بدهنش برسد، وآن آب هر گز بدهان او رسنده نیست ونیست دعای کافران مگر در گمراهی (بیفائدگی) (١٤). وخدا را خواهان وناخواهان سجده می کند هرکه درآسمان ها وزمین است و سایه های ایشان بوقت صبح وشام[۲] سجده می کنند (١٥). بگو پروردگارآسمان ها وزمین کیست بگو (ازطرف ایشان) خداست بگوآیا بجز وی دوستانی گرفتید که برای خویشتن سودی ونه زیانی نمی توانند بگوآیا نابینا وبینا برابرست (هر گز) آیا تاریکی ها و روشنی برابرست آیا مقرر کرده اند برای خدا شریکانی که مانند آفریدن خدا آفریده باشند پس آفرینش برایشان مشتبه شده است بگوخدا آفریننده ٔ هرچیز است واو یگانه ٔ غالب است(١٦). ازآسمان آب را فروفرستاد پس رودها باندازه خویش روان شدند پس آب روان کفی راکه بالای آب بلند شده برداشت وازآنچه میگدازندش درآتش به طلب پیرایه یا به طلب رختِ خانه کفی هست مانند کفِ آب همچنین خدا مثل حق وباطل را بیان می کند، اماآن کف پس ناچیز شده میرود واماآنچه به مردمان سودمیرساند درزمین می‌ماند همچنین خدا مثل هارا بیان می کند[۳] (١٧). برای آنان که سخن پروردگار خویش را قبول کردند حالت نیك است وآنانکه سخن اورا قبول نکردند ا گر ایشان را آنچه درزمین است همگی باشد و مانند آن همراهش البته آن را آنجماعت فدای خود دهند، ایشان را سختی حساب است وجای ایشان دوزخ است وآن بدجایی است (١٨).

---

(۱) یعنی اورا سزد که بجناب اونیاز کنند ودعا طلبند واواجابت فرماید والله اعلم.

(۲) کافران ومنافقان ناخواهان سجده می کنند هنگام سختی یا ازترس شمشیرِ، فرشتگان و مسلمانان خواهان و برغبت سجده می کنند والله اعلم.

(۳) مترجم گوید لابُدست که در هرجنس خیروشر باشد همچنین لابُداست که در آدمیان نیکوکاران وبدکاران باشند لیکن نیکوکارانرا مستقر میسازد وکارایشان را پیش میبرد وبدکاران را هلاك میکند والله اعلم.

۞ أَفَمَن يَعْلَمُ أَنَّمَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ ٱلْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰٓ ۚ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ
أُو۟لُوا۟ ٱلْأَلْبَٰبِ ﴿١٩﴾ ٱلَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ ٱللَّهِ وَلَا يَنقُضُونَ ٱلْمِيثَٰقَ
﴿٢٠﴾ وَٱلَّذِينَ يَصِلُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ
وَيَخَافُونَ سُوٓءَ ٱلْحِسَابِ ﴿٢١﴾ وَٱلَّذِينَ صَبَرُوا۟ ٱبْتِغَآءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ
وَأَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنفَقُوا۟ مِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ
بِٱلْحَسَنَةِ ٱلسَّيِّئَةَ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عُقْبَى ٱلدَّارِ ﴿٢٢﴾ جَنَّٰتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا
وَمَن صَلَحَ مِنْ ءَابَآئِهِمْ وَأَزْوَٰجِهِمْ وَذُرِّيَّٰتِهِمْ ۖ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ يَدْخُلُونَ
عَلَيْهِم مِّن كُلِّ بَابٍ ﴿٢٣﴾ سَلَٰمٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ ۚ فَنِعْمَ عُقْبَى ٱلدَّارِ ﴿٢٤﴾
وَٱلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعْدِ مِيثَٰقِهِۦ وَيَقْطَعُونَ
مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِى ٱلْأَرْضِ ۙ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمُ
ٱللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوٓءُ ٱلدَّارِ ﴿٢٥﴾ ٱللَّهُ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ
وَيَقْدِرُ ۚ وَفَرِحُوا۟ بِٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا فِى ٱلْءَاخِرَةِ إِلَّا
مَتَٰعٌ ﴿٢٦﴾ وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ مِّن رَّبِّهِۦ ۗ قُلْ
إِنَّ ٱللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَآءُ وَيَهْدِىٓ إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ ﴿٢٧﴾ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟
وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكْرِ ٱللَّهِ ۗ أَلَا بِذِكْرِ ٱللَّهِ تَطْمَئِنُّ ٱلْقُلُوبُ ﴿٢٨﴾

آیا کسی که میداند آنچه راکه فروفرستاده شده به سوی تو ازجانب پروردگار توراست است مانند کسی است که وی نابیناست جزاین نیست که خداوندانِ خرد پندپذیر میشوند (۱۹). آنانکه به عهد خدا وفامی‌کنند و عهدرا نمی شکنند (۲۰). وآنانکه آنچه راکه خدا فرموده است به پیوند کردن آن می پیوندند و ازپروردگار خویش می ترسند و از سختیِ حساب می ترسند (۲۱). وآنانکه به طلب رضای پروردگارشان شکیبایی کردند[٤] ونمازرا برپا داشتند و ازآنچه ماوزی دادیم بایشان پنهان وآشکارا خرج کردند با نیکویی بدی را دفع می کنند ایناندکه پاداش نیك آن سرای همانان را است (۲۲). ایشان به بوستانهای همیشه جاودان درآیند وهرکه ازپدران ایشان وزنان ایشان واولاد ایشان نیکوکارباشد وفرشتگان برایشان ازهردروازه داخل شوند (۲۳). گویند برشما سلامتی باد بسبب صبرکردن شما پس پاداش آن سرای نیك است (۲٤). وآنانکه عهد خدا را بعد استوارکردن آن می شکنند و آنچه خدا به پیوند کردن آن فرموده است قطع می کنند و فسادمی‌کنند آنجماعت ایشان را لعنت است و برای ایشان سختی آن سرای است (۲٥). خدا روزی را برای هرکه خواهد گشاده می‌سازد و (برای هرکه خواهد) تنگ می سازد وکافران به زندگانی دنیا شادمان شدند و زندگانی دنیا نسبت به آخرت مگر متاع اندك نیست (۲٦). ومی‌گویند کافران چرا برپیامبر نشانه ای ازجانب پروردگارش فرودآورده نشد[٥] بگو هرآئینه خدا هرکه را خواهد گمراه می کند و به سوی خویش هرکه را که رجوع کرد راه می نماید (۲۷). آنان که ایمان آوردند و دل های ایشان به یاد خدا آرام می گیرد آ گاه شو بیاد خدا دل ها آرام می گیرند (۲۸).

---

(٤) یعنی به طلب رضای او.

(٥) مترجم گوید یعنی ازقسمی که درخواست میکردند.

ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَـَٔابٍ ﴿٢٩﴾ كَذَٰلِكَ أَرْسَلْنَٰكَ فِىٓ أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهَآ أُمَمٌ لِّتَتْلُوَا۟ عَلَيْهِمُ ٱلَّذِىٓ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِٱلرَّحْمَٰنِ ۚ قُلْ هُوَ رَبِّى لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ ﴿٣٠﴾ وَلَوْ أَنَّ قُرْءَانًا سُيِّرَتْ بِهِ ٱلْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ ٱلْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ ٱلْمَوْتَىٰ ۗ بَل لِّلَّهِ ٱلْأَمْرُ جَمِيعًا ۗ أَفَلَمْ يَا۟يْـَٔسِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَن لَّوْ يَشَآءُ ٱللَّهُ لَهَدَى ٱلنَّاسَ جَمِيعًا ۗ وَلَا يَزَالُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ تُصِيبُهُم بِمَا صَنَعُوا۟ قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّن دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِىَ وَعْدُ ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُخْلِفُ ٱلْمِيعَادَ ﴿٣١﴾ وَلَقَدِ ٱسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَمْلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ ۖ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ﴿٣٢﴾ أَفَمَنْ هُوَ قَآئِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍۭ بِمَا كَسَبَتْ ۗ وَجَعَلُوا۟ لِلَّهِ شُرَكَآءَ قُلْ سَمُّوهُمْ ۚ أَمْ تُنَبِّـُٔونَهُۥ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِى ٱلْأَرْضِ أَم بِظَٰهِرٍ مِّنَ ٱلْقَوْلِ ۗ بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا۟ عَنِ ٱلسَّبِيلِ ۗ وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنْ هَادٍ ﴿٣٣﴾ لَّهُمْ عَذَابٌ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا ۖ وَلَعَذَابُ ٱلْـَٔاخِرَةِ أَشَقُّ ۖ وَمَا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن وَاقٍ ﴿٣٤﴾

آنان که ایمان آورده اند وکارهای نیك کرده اند خوشابه‌حالشان وآنان خوب سرانجامی دارند (۲۹). همچنین تورا درامتی که گذشتند پیش ازآن امت های بسیار فرستادیم تا برایشان آنچه وحی فرستادیم به سوی تو بخوانی وایشان به خدای بخشاینده کافرند بگواوپروردگار من است هیچ معبود برحقی مگراو نیست بروی توکل کردم و رجوع من به سوی اوست (۳۰). وا گر قرآنی می بود که به آن کوهها روان کرده می شد یا به آن زمین شکافته می شد یا مُردگان رابه آن به سخن در آورده میشد (نیزایمان نمی آوردند) بلکه (حقیقت این است که) همگی کار یکجا خدا راست آیا مسلمانان ندانسته‌اند که ا گر خدا می‌خواست البته همگی مردمان را راه می نمود وهمیشه کافران باین صفت باشند که به ایشان بسبب آنچه کردند عقوبتی سخت میرسد یا آن عقوبت نزدیك بخانهٔ ایشان فرو می‌آید(٦) تاوقتی که وعده خدا بیاید هرآئینه خدا وعده را خلاف نمی کند (۳۱). وهرآئینه به پیامبران پیش ازتو تمسخر کرده شد پس کافران را مهلت دادم باز ایشان را گرفتار کردم پس عقوبت من چگونه بود (۳۲). آیا کسی که برهرکس بجزای آنچه عمل کرده است خبر گیرنده است (مثل این بتان باشد) و کافران برای خدای شریکان مقرر کردند بگو نامهای ایشان را بیان کنید(۷) آیا خدا را به آنچه نمیداند در زمین خبرمیدهید یا به سخن سرسری فریفته می‌شوید(۸) بلکه آراسته کرده شده است برای کافران اندیشهٔ فاسد ایشان و از راه بازداشته شده‌اند وهرکه را خدا گمراه کند اوراهیچ راهنمایی نیست (۳۳). برای ایشان درزندگانی دنیا عذاب است وهرآئینه عذاب آخرت سخت ترست و ایشان رااز(عذاب) خداهیچ نگاه دارنده ای نیست(۳٤).

(٦) مترجم گوید وآن کنایت است ازشدتی که ازوی خوفِ هلاك برایشان مستولی شود بآخرت نجات یابند والله اعلم.

(۷) مترجم گوید یعنی اوصافِ ایشان را ذکر کنید تابه اوصافِ خدا مقابله کرده شود و فن مماثلت ظاهر گردد والله اعلم.

(۸) یعنی تقلید پدران میکنید درسخن بی اساس والله اعلم.

۞ مَّثَلُ ٱلۡجَنَّةِ ٱلَّتِي وُعِدَ ٱلۡمُتَّقُونَۖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ
أُكُلُهَا دَآئِمٞ وَظِلُّهَاۚ تِلۡكَ عُقۡبَى ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْۚ وَّعُقۡبَى
ٱلۡكَٰفِرِينَ ٱلنَّارُ ﴿٣٥﴾ وَٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يَفۡرَحُونَ
بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَۖ وَمِنَ ٱلۡأَحۡزَابِ مَن يُنكِرُ بَعۡضَهُۥۚ قُلۡ إِنَّمَآ
أُمِرۡتُ أَنۡ أَعۡبُدَ ٱللَّهَ وَلَآ أُشۡرِكَ بِهِۦٓۚ إِلَيۡهِ أَدۡعُواْ وَإِلَيۡهِ مَـَٔابِ
﴿٣٦﴾ وَكَذَٰلِكَ أَنزَلۡنَٰهُ حُكۡمًا عَرَبِيّٗاۚ وَلَئِنِ ٱتَّبَعۡتَ أَهۡوَآءَهُم بَعۡدَ
مَا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡعِلۡمِ مَا لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا وَاقٖ ﴿٣٧﴾ وَلَقَدۡ
أَرۡسَلۡنَا رُسُلٗا مِّن قَبۡلِكَ وَجَعَلۡنَا لَهُمۡ أَزۡوَٰجٗا وَذُرِّيَّةٗۚ وَمَا كَانَ
لِرَسُولٍ أَن يَأۡتِيَ بِـَٔايَةٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۗ لِكُلِّ أَجَلٖ كِتَابٞ ﴿٣٨﴾
يَمۡحُواْ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُ وَيُثۡبِتُۖ وَعِندَهُۥٓ أُمُّ ٱلۡكِتَٰبِ ﴿٣٩﴾ وَإِن مَّا
نُرِيَنَّكَ بَعۡضَ ٱلَّذِي نَعِدُهُمۡ أَوۡ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيۡكَ ٱلۡبَلَٰغُ
وَعَلَيۡنَا ٱلۡحِسَابُ ﴿٤٠﴾ أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّا نَأۡتِي ٱلۡأَرۡضَ نَنقُصُهَا
مِنۡ أَطۡرَافِهَاۚ وَٱللَّهُ يَحۡكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكۡمِهِۦۚ وَهُوَ سَرِيعُ
ٱلۡحِسَابِ ﴿٤١﴾ وَقَدۡ مَكَرَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ فَلِلَّهِ ٱلۡمَكۡرُ جَمِيعٗاۖ
يَعۡلَمُ مَا تَكۡسِبُ كُلُّ نَفۡسٖۗ وَسَيَعۡلَمُ ٱلۡكُفَّٰرُ لِمَنۡ عُقۡبَى ٱلدَّارِ ﴿٤٢﴾

صفت بهشتی که متقیان را وعده داده شده است اینست که زیرآن‌جویها میرود، میوه های اوجاویدان است و سایه اش همچنین، سرانجام متقیان این است وسرانجام کافران آتش است (۳۵). وآنانکه ایشان را کتاب دادیم خوشحال میشوند به آنچه به سوی تو فرستاده شد وازین جماعت ها کسی است که بعض اورا انکارمی کند بگو جزاین نیست که مرا فرموده شد که خدارا عبادت کنم و به وی شرك نَوَرزم، به سوی او میخوانم و بازگشت من به سوی اوست(۳٦). وهمچنین قرآن راکتابی عربی فروفرستادیم وا گر خواهشهای (نفسانی) ایشان را بعد ازآنچه آمده است به تو ازعلم پیروی کنی توراازعقوبت خدا هیچ کارسازنده ونه نگاه دارنده ای نیست (۳۷). وهرآئینه پیامبران را پیش ازتو فرستادیم و ایشان را زنان و فرزندان دادیم ونشاید هیچ پیامبررا که هیچ نشانه ای مگر به حکم خدا بیارد هر قضایی را اجل وموعدی باشد (۳۸). نابود میسازد خدا هرچه میخواهد و ثابت می کند هرچه می خواهد ام الکتاب نزد اوست (یعنی لوح محفوظ)(۹) (۳۹). وا گر تورا بعض آنچه وعده می کنیم به ایشان بنماییم یا قبض روح تو کنیم بهرحال جزاین نیست که برتو پیام رسانیدن است وحساب برماست (٤٠). آیا ندیدند که ما به این زمین می آییم آنرا ازجوانب آن ناقص می سازیم وخدا حکم می کند نیست حکم اورا هیچ ردّکننده ای واو زود حساب گیرنده است(۱۰) (٤١). وهرآئینه تدبیر کردند آنانکه پیش ازایشان بودند پس همه تدبیر برای خداست میداند آنچه هر نفسی به عمل می آورد و این کافران خواهند دانست که را سرانجام آن سرای باشد (٤٢).

(۹) مترجم گوید صورت حادثه درعالم ملکوت خلق میفرماید بعدازآن ا گر خواهد محو کند و ا گر خواهد ثابت دارد و شاید که معنی چنین باشد که هر زمانی را شریعتی هست نسخ می کند خدای تعالی آنچه را میخواهد و ثابت می گذارد آنچه را می خواهد لوح محفوظ نزد اوست والله اعلم.

(۱۰) یعنی روزبروز شوکت اسلام بزمین عرب منتشر میشود ودار الحرب ناقص میگردد وازاطراف آن عامهٔ مفسرین این آیت را مدنی دانند ونزد مترجم لازم نیست که مدنی باشد و مراد ازنقصان دارالحرب اسلام اسلم و غفارو جهینه وعُرنة وقبائل دیگراست، واین پیش ازهجرت است.

وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَسۡتَ مُرۡسَلٗاۚ قُلۡ كَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدَۢا بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡ وَمَنۡ عِندَهُۥ عِلۡمُ ٱلۡكِتَٰبِ ﴿٤٣﴾

سُورَةُ إِبْرَاهِيمَ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓرۚ كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ إِلَيۡكَ لِتُخۡرِجَ ٱلنَّاسَ مِنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ بِإِذۡنِ رَبِّهِمۡ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ ﴿١﴾ ٱللَّهِ ٱلَّذِي لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَوَيۡلٞ لِّلۡكَٰفِرِينَ مِنۡ عَذَابٖ شَدِيدٍ ﴿٢﴾ ٱلَّذِينَ يَسۡتَحِبُّونَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا عَلَى ٱلۡأٓخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَيَبۡغُونَهَا عِوَجًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ضَلَٰلِۭ بَعِيدٖ ﴿٣﴾ وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوۡمِهِۦ لِيُبَيِّنَ لَهُمۡۖ فَيُضِلُّ ٱللَّهُ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿٤﴾ وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَآ أَنۡ أَخۡرِجۡ قَوۡمَكَ مِنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ وَذَكِّرۡهُم بِأَيَّىٰمِ ٱللَّهِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ شَكُورٖ ﴿٥﴾

و کافران می‌گویند پیامبر نیستی بگو خدا درمیان من وشما گواه بس است و کسیکه نزداوست علم کتاب بس است[۱۱] (٤۳).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

الٓرٰ این کتابیست که آن را به سوی تو فروفرستادیم تامردمان را ازتاریکی ها به سوی روشنی به حکم پروردگار ایشان بیرون آوری به سوی راه خدای غالب ستوده (۱). براه خدایی که اوراست آنچه درآسمان ها است وآنچه درزمین است ووای برکافران از عذاب سخت (۲). آنانکه زندگانی دنیارا برآخرت اختیار می کنند ومردمان راازراه خدا باز می‌دارند و در وی کجی را می طلبند[۱] ایشان در گمراهی دورند (۳). ونفرستادیم هیچ پیامبررا مگر به زبان قوم او تا برای ایشان بیان کند پس گمراه سازد خدا هرکه را خواهد وراه نماید هرکه را خواهد واو غالب باحکمت است (٤). وهرآئینه موسیٰ را به نشانه های خود فرستادیم (گفتیم) که قوم خود را ازتاریکی ها به سوی روشنی بیرون آور و ایشان را به روزهای خدا پند دِه[۲] هرآئینه درین برای هرشیکبایِ شکر گزار نشانه‌ها وعبرتهاست (٥).

(۱۱) یعنی احبار یهود می دانند که رسالت آن حضرت صلی الله علیه وسلم صحیح است والله اعلم.
(۱) یعنی به شبهات ثابت می کنند که کج است.
(۲) یعنی بوقائعی که ازجانب اوبودند.

وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ
إِذۡ أَنجَىٰكُم مِّنۡ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ يَسُومُونَكُمۡ سُوٓءَ ٱلۡعَذَابِ
وَيُذَبِّحُونَ أَبۡنَآءَكُمۡ وَيَسۡتَحۡيُونَ نِسَآءَكُمۡۚ وَفِي
ذَٰلِكُم بَلَآءٞ مِّن رَّبِّكُمۡ عَظِيمٞ ٦ وَإِذۡ تَأَذَّنَ رَبُّكُمۡ
لَئِن شَكَرۡتُمۡ لَأَزِيدَنَّكُمۡۖ وَلَئِن كَفَرۡتُمۡ إِنَّ عَذَابِي
لَشَدِيدٞ ٧ وَقَالَ مُوسَىٰٓ إِن تَكۡفُرُوٓاْ أَنتُمۡ وَمَن فِي
ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا فَإِنَّ ٱللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ٨ أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ نَبَؤُاْ
ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ قَوۡمِ نُوحٖ وَعَادٖ وَثَمُودَ وَٱلَّذِينَ
مِنۢ بَعۡدِهِمۡ لَا يَعۡلَمُهُمۡ إِلَّا ٱللَّهُۚ جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم
بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَرَدُّوٓاْ أَيۡدِيَهُمۡ فِيٓ أَفۡوَٰهِهِمۡ وَقَالُوٓاْ إِنَّا كَفَرۡنَا
بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ وَإِنَّا لَفِي شَكّٖ مِّمَّا تَدۡعُونَنَآ إِلَيۡهِ مُرِيبٖ ٩

۞ قَالَتۡ رُسُلُهُمۡ أَفِي ٱللَّهِ شَكّٞ فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ
يَدۡعُوكُمۡ لِيَغۡفِرَ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمۡ وَيُؤَخِّرَكُمۡ إِلَىٰٓ أَجَلٖ
مُّسَمّٗىۚ قَالُوٓاْ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُنَا تُرِيدُونَ أَن تَصُدُّونَا
عَمَّا كَانَ يَعۡبُدُ ءَابَآؤُنَا فَأۡتُونَا بِسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٖ ١٠

و(یادکن) آنوقت را که موسیٰ قوم خود را گفت نعمت خدا را برخویش یادکنید چون شما را از آل فرعون نجات داد به شما سخترین عذاب را میرسانیدند و پسران شما را می کشتند ودختران شما را زنده می گذاشتند ودراین حال ازپروردگار شما آزمایش بزرگ بود (٦). وآن وقت که پروردگار شما خبردارساخت که ا گر شکرکنید شما را بیشتر دهم و اگر ناسپاسی کنید هرآئینه عذاب من سخت است (٧). وگفت موسیٰ ا گر شما وهرکس که درزمین است همگی کافرشوید پس هرآئینه خدا توانگر ستوده شده، است (٨). آیا به شما خبرآنانکه پیش ازشما بودند قوم نوح وعاد و ثمود نیامده است وکسانی که بعد ازایشان آمدند نمی داند ایشان را[٣] مگر خدا نزدایشان پیامبران ایشان به معجزه ها آمدند پس دستهای خود را در دهانهای خود بازآوردند[٤] وگفتند هرآئینه ما منکریم به آنچه به آن فرستاده شده اید وهرآئینه ما در شبهه قوی ایم ازآنچه ما را به آن می خوانید (٩). گفتند پیامبران ایشان آیا درخدا شبهه ای است آفریننده ٔ آسمان ها وزمین میخواند شما را تا برای شما گناهان شمارا بیامرزد و شمارا تامدتی معین موقوف دارد، گفتند شما نیستید مگرآدمی مانند ما میخواهید که ما را ازآنچه عبادت میکردند پدران ما بازدارید پس پیش ما حجتی ظاهر بیارید (١٠).

(٣) یعنی عدد و صفات ایشان را.

(٤) یعنی ازنهایت تعجب و انکار انگشت به دندان گزیدند والله اعلم.

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِن نَّحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ ۖ وَمَا كَانَ لَنَآ أَن نَّأْتِيَكُم بِسُلْطَٰنٍ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُؤْمِنُونَ ﴿١١﴾ وَمَا لَنَآ أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى ٱللَّهِ وَقَدْ هَدَىٰنَا سُبُلَنَا ۚ وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَآ ءَاذَيْتُمُونَا ۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُتَوَكِّلُونَ ﴿١٢﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُم مِّنْ أَرْضِنَآ أَوْ لَتَعُودُنَّ فِى مِلَّتِنَا ۖ فَأَوْحَىٰٓ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٣﴾ وَلَنُسْكِنَنَّكُمُ ٱلْأَرْضَ مِنۢ بَعْدِهِمْ ۚ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِى وَخَافَ وَعِيدِ ﴿١٤﴾ وَٱسْتَفْتَحُوا۟ وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿١٥﴾ مِّن وَرَآئِهِۦ جَهَنَّمُ وَيُسْقَىٰ مِن مَّآءٍ صَدِيدٍ ﴿١٦﴾ يَتَجَرَّعُهُۥ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُۥ وَيَأْتِيهِ ٱلْمَوْتُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ ۖ وَمِن وَرَآئِهِۦ عَذَابٌ غَلِيظٌ ﴿١٧﴾ مَّثَلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِرَبِّهِمْ ۖ أَعْمَٰلُهُمْ كَرَمَادٍ ٱشْتَدَّتْ بِهِ ٱلرِّيحُ فِى يَوْمٍ عَاصِفٍ ۖ لَّا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا۟ عَلَىٰ شَىْءٍ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلضَّلَٰلُ ٱلْبَعِيدُ ﴿١٨﴾

به ایشان پیامبران ایشان گفتند نیستیم ما مگر آدمی مانند شما ولیکن خدا نعمت فراوان بهرکه خواهد ازبند گان خود میدهد وما را نرسد که حجتی برایتان بیاریم مگر به حکم خدا و مسلمانان بر خدا باید که توکل کنند (۱۱). و ما را چیست که بر خدا توکل نکنیم وهرآئینه ما را راه های مان نموده است والبته براذیتی که ما را کردید صبر خواهیم کرد وبرخدابایدکه‌توکل‌کنندگان‌توکل‌کنند(۱۲).وکافران‌پیامبران‌خویش‌راگفتندالبته‌شمارا ازسرزمین خود اخراج کنیم یا دردین ما بازآیید پس به سوی ایشان پروردگارایشان وحی فرستاد که ستمکاران را هلاك خواهیم کرد (۱۳). و شما را درزمین بعدازایشان ساکن خواهیم ساخت این وعده برای کسی است که ازایستادن به پیشگاه من بترسد واز بیم ِمن بترسد(۱٤). و طلب فتح کردند و هر گردن کش ستیزنده زیان کارشد(۱٥). پیش روی اودوزخ است و ازآب ریم (یعنی چرك وخون جهنمیان) نوشانیده شود (۱٦). آن را جرعه جرعه فروکشد ونزدیك نبُوَد ازآنکه آن را بسهولت درکشد و موت[٥] ازهر سو بیایدش حال آنکه او نخواهد مرد وپیش روی او عذابی سخت است (۱۷). مثال آنانکه به پروردگار خویش نامعتقد شدند (این است که) اعمال ایشان مانند خاکستری بُوَد که سخت وزید برآن باد در روزی که باد تند دارد قدرت ندارند برهیچ چیزازآنچه کسب کرده بودند این گمراهی دور است[٦](۱۸).

---

(٥) یعنی اسباب موت بیایدش.

(٦) یعنی اعمال ایشان همه برباد شوند وبدان منتفع نگردند والله اعلم.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ بِٱلْحَقِّ ۚ إِن يَشَأْ
يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٩﴾ وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ بِعَزِيزٍ
﴿٢٠﴾ وَبَرَزُوا۟ لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ ٱلضُّعَفَٰٓؤُا۟ لِلَّذِينَ ٱسْتَكْبَرُوٓا۟
إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنتُم مُّغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ ٱللَّهِ
مِن شَىْءٍ ۚ قَالُوا۟ لَوْ هَدَىٰنَا ٱللَّهُ لَهَدَيْنَٰكُمْ ۖ سَوَآءٌ عَلَيْنَآ
أَجَزِعْنَآ أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِن مَّحِيصٍ ﴿٢١﴾ وَقَالَ ٱلشَّيْطَٰنُ لَمَّا
قُضِىَ ٱلْأَمْرُ إِنَّ ٱللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ ٱلْحَقِّ وَوَعَدتُّكُمْ
فَأَخْلَفْتُكُمْ ۖ وَمَا كَانَ لِىَ عَلَيْكُم مِّن سُلْطَٰنٍ إِلَّآ
أَن دَعَوْتُكُمْ فَٱسْتَجَبْتُمْ لِى ۖ فَلَا تَلُومُونِى وَلُومُوٓا۟ أَنفُسَكُم ۖ
مَّآ أَنَا۠ بِمُصْرِخِكُمْ وَمَآ أَنتُم بِمُصْرِخِىَّ ۖ إِنِّى كَفَرْتُ
بِمَآ أَشْرَكْتُمُونِ مِن قَبْلُ ۗ إِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ
أَلِيمٌ ﴿٢٢﴾ وَأُدْخِلَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٍ
تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ ۖ تَحِيَّتُهُمْ
فِيهَا سَلَٰمٌ ﴿٢٣﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً
كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِى ٱلسَّمَآءِ ﴿٢٤﴾

آیاندیدی که خدا آسمان ها وزمین را بتدبیر درست و محکم آفرید ا گر بخواهد شمارا ازمیان بردارد و آفرینشی نوین بیارد (۱۹). و این برخدا دشوار نیست (۲۰). وهمگی پیش خدا حاضر شوند پس ضعیفان گردن کشان را (یعنی تابعان پیش روان را) گویند هرآئینه ما تابع شما بودیم پس آیا شما ازما پاره ای ازعذاب خدا را دفع کننده هستید گویند اگر خدا مارا راه می نمود، شمارا راهنمایی می کردیم برابراست برما که بی تابي کنیم یاشکیبایی ورزیم ما را هیچ گریزگاهی ونجات دهنده ای نیست (۲۱). و شیطان گفت وقتی که کار فیصله کرده شد[۷] هرآئینه خدا شما را وعده داد وعدهٔ راست و شما را وعده دادم پس من باشما خلاف وعده کردم و مرا برشما هیچ تسلط نبود لیکن بود آنکه شما را بخواندم پس سخن مرا قبول کردید پس مرا ملامت مکنید وخویش را ملامت کنید نیستم فریادرس شما وشما فریادرس من نیستید هرآئینه من ازآنکه مرا شریك مقرر کردید پیش ازین بیزارشدم هرآئینه ستمکاران ایشان را عذاب دردناك است (۲۲). ودرآورده شدند آنانکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند به بوستانهائیکه زیرآنها جویها می رود جاودان درآن به حکم پروردگار خویش، دعای خیرایشان بایکدیگرآنجا سلام است (۲۳). آیا ندیدی خدامثال سخن پاکیزه را چگونه زد مانند درخت پاکیزه که ریشه اش استوارباشد وشاخه اش درآسمان (۲٤).

(۷) مترجم گوید یعنی وقتی که بهشتیان به بهشت در آیند ودوزخیان ره دوزخ گیرند والله اعلم.

تُؤْتِيٓ أُكُلَهَا كُلَّ حِينِۭ بِإِذْنِ رَبِّهَاۗ وَيَضْرِبُ ٱللَّهُ ٱلْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٥﴾ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ ٱجْتُثَّتْ مِن فَوْقِ ٱلْأَرْضِ مَا لَهَا مِن قَرَارٍ ﴿٢٦﴾ يُثَبِّتُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ بِٱلْقَوْلِ ٱلثَّابِتِ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَفِى ٱلْءَاخِرَةِۖ وَيُضِلُّ ٱللَّهُ ٱلظَّٰلِمِينَۚ وَيَفْعَلُ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُ ﴿٢٧﴾ ۞ أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ بَدَّلُوا۟ نِعْمَتَ ٱللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا۟ قَوْمَهُمْ دَارَ ٱلْبَوَارِ ﴿٢٨﴾ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَاۖ وَبِئْسَ ٱلْقَرَارُ ﴿٢٩﴾ وَجَعَلُوا۟ لِلَّهِ أَندَادًا لِّيُضِلُّوا۟ عَن سَبِيلِهِۦۗ قُلْ تَمَتَّعُوا۟ فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى ٱلنَّارِ ﴿٣٠﴾ قُل لِّعِبَادِىَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ يُقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُنفِقُوا۟ مِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِىَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خِلَٰلٌ ﴿٣١﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَخْرَجَ بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ رِزْقًا لَّكُمْۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلْفُلْكَ لِتَجْرِىَ فِى ٱلْبَحْرِ بِأَمْرِهِۦۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلْأَنْهَٰرَ ﴿٣٢﴾ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ دَآئِبَيْنِۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ ﴿٣٣﴾

میوه های خود را هرفصلی به حکم پروردگار خویش میدهد وخدا مثل ها را برای مردمان می زند تابُوَد که پندپذیر شوند (٢٥). ومثل سخن ناپاك مانند درخت ناپاك است که برکنده شد ازبالای زمین اوراهیچ استقراری نیست[٨] (٢٦). و خدا مسلمانان را بر سخن درست درزندگانی دنیا ودرآخرت استوار می سازد وخدا ستمکاران را گمراه میسازد ومیکند خداآنچه می خواهد[٩] (٢٧). آیاندیدی به سوی آنانکه نعمت خدا را بناسپاسی[١٠] بدل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت فرود آوردند (٢٨). آنجا که دوزخ است درآیند وآن بد جایگاهی است (٢٩). و برای خدا همتایان مقررکردند تا عالم را ازراه او گمراه کنند بگوبهره مند شوید هرآئینه بازگشتِ شما به سوی آتش است (٣٠). بگوآن بندگان مرا که ایمان آورده اند نمازرا برپادارند و ازآنچه ما روزی دادیم ایشان را پنهان وآشکارا پیش ازآنکه بیاید روزی که خرید و فروش نیست درآن خرج کنند ونه بایکدیگر دوستی‌ای بُوَد (٣١). خداآنست که آسمان ها وزمین را آفرید وازآسمان آب را فروفرستاد پس به آن آب روزی برای شماز انواع میوه ها بیرون آورد وبرای شما کشتی را مُسخّر ساخت تابِرَوَد در دریابه حکم او وبرای شما جویهارا مُسخّر ساخت (٣٢). و برای شماخورشید وماه را که پیوسته دوانند مُسخّر ساخت وبرای شما شب و روز را مُسخّر ساخت (٣٣).

---

(٨) یعنی شریعت حق درملکوت ثابت است ودردنیا هر روز رواجی تازه می یابد ومردمان منتفع میشوند و ملت جاهلیت در ملکوت استقرار ندارد هر چند درمیان مردم شایع شود در نهایت درهم وبرهم کرده آید والله اعلم.

(٩) یعنی وقت مرگ توفیق شهادت میدهد ووقت سوال منکرونکیر بقول حق گویا میسازد والله اعلم.

(١٠) یعنی ناسپاسی کردند بشومی آن نعمت مفقود شد پس گویا نعمت دادند وکفر را خریدند والله اعلم.

وَءَاتَىٰكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُۚ وَإِن تَعُدُّواْ نِعْمَتَ ٱللَّهِ
لَا تُحْصُوهَآۗ إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ﴿٣٤﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَٰهِيمُ
رَبِّ ٱجْعَلْ هَٰذَا ٱلْبَلَدَ ءَامِنًا وَٱجْنُبْنِى وَبَنِىَّ أَن نَّعْبُدَ
ٱلْأَصْنَامَ ﴿٣٥﴾ رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِّنَ ٱلنَّاسِۖ فَمَن
تَبِعَنِى فَإِنَّهُۥ مِنِّىۖ وَمَنْ عَصَانِى فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٣٦﴾ رَّبَّنَآ
إِنِّىٓ أَسْكَنتُ مِن ذُرِّيَّتِى بِوَادٍ غَيْرِ ذِى زَرْعٍ عِندَ بَيْتِكَ
ٱلْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ فَٱجْعَلْ أَفْـِٔدَةً مِّنَ ٱلنَّاسِ
تَهْوِىٓ إِلَيْهِمْ وَٱرْزُقْهُم مِّنَ ٱلثَّمَرَٰتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ
﴿٣٧﴾ رَبَّنَآ إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِى وَمَا نُعْلِنُۗ وَمَا يَخْفَىٰ عَلَى ٱللَّهِ
مِن شَىْءٍ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَا فِى ٱلسَّمَآءِ ﴿٣٨﴾ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى
وَهَبَ لِى عَلَى ٱلْكِبَرِ إِسْمَٰعِيلَ وَإِسْحَٰقَۚ إِنَّ رَبِّى لَسَمِيعُ
ٱلدُّعَآءِ ﴿٣٩﴾ رَبِّ ٱجْعَلْنِى مُقِيمَ ٱلصَّلَوٰةِ وَمِن ذُرِّيَّتِىۚ رَبَّنَا
وَتَقَبَّلْ دُعَآءِ ﴿٤٠﴾ رَبَّنَا ٱغْفِرْ لِى وَلِوَٰلِدَىَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ
يَوْمَ يَقُومُ ٱلْحِسَابُ ﴿٤١﴾ وَلَا تَحْسَبَنَّ ٱللَّهَ غَٰفِلًا عَمَّا يَعْمَلُ
ٱلظَّٰلِمُونَۚ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ ٱلْأَبْصَٰرُ ﴿٤٢﴾

وشما را ازهرچه خواستید داد وا گر نعمت خدا را بشمارید آن را نتوانید احاطه کرد هرآئینه انسان ستمکارناسپاس است (٣٤). ویا دکن چون ابراهیم گفت ای پروردگار من این شهررا جای امن بکن ودوربِدارمرا و فرزندانِ مرا ازآنکه عبادت بتان کنیم (٣٥). ای پروردگار من این بتان بسیاری را ازمردمان گمراه کرده اند پس هرکه پیروی من کرد پس هرآئینه اواز من است وهرکه مرا نافرمانی کرد پس هرآئینه توآمرزندهٔ مهربانی (٣٦). ای پروردگار ماهرآئینه من بعضی ازاولاد خودرا[11] بوادی بی زراعت نزدیك خانهٔ محترم تو ساکن ساختم، ای پروردگارما تا نمازرا برپادارند پس دلهایی چند را ازمردمان رغبت کننده به سوی ایشان بگردان وروزی دِه ایشان رااز میوه ها تابُوَدکه ایشان سپاس گزاری کنند (٣٧). ای پروردگار ما هرآئینه تومیدانی آنچه پنهان می داریم وآنچه آشکارمی کنیم و برخدا هیچ چیزی نه درزمین ونه درآسمان پوشیده نمی ماند (٣٨). سپاس آن خدای راست که مرا باوجود کهن سالی اسمٰعیل واسحٰق را عطا کرد هرآئینه پروردگارمن شنوندهٔ دعاست (٣٩). ای پروردگار من مرا برپادارندهٔ نماز بگردان واز فرزندان من نیز ای پروردگارما دعای مرا قبول کن (٤٠). ای پروردگار مرا ومادر وپدر مرا و مسلمانان را روزی که حساب برپا شود بیامرز (٤١). وهر گز خدا را بی خبر ازآنچه ستمکاران می کنند مپندار جزاین نیست که ایشان رابرای روزیکه درآن چشم ها خیره شوند مهلت میدهد (٤٢).

(۱۱) مترجم گوید یعنی خانواده بی وسیله را والله اعلم.

مُهۡطِعِينَ مُقۡنِعِي رُءُوسِهِمۡ لَا يَرۡتَدُّ إِلَيۡهِمۡ طَرۡفُهُمۡۖ
وَأَفۡـِٔدَتُهُمۡ هَوَآءٞ ﴿٤٣﴾ وَأَنذِرِ ٱلنَّاسَ يَوۡمَ يَأۡتِيهِمُ ٱلۡعَذَابُ
فَيَقُولُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ رَبَّنَآ أَخِّرۡنَآ إِلَىٰٓ أَجَلٖ قَرِيبٖ نُّجِبۡ
دَعۡوَتَكَ وَنَتَّبِعِ ٱلرُّسُلَۗ أَوَلَمۡ تَكُونُوٓاْ أَقۡسَمۡتُم مِّن قَبۡلُ
مَا لَكُم مِّن زَوَالٖ ﴿٤٤﴾ وَسَكَنتُمۡ فِي مَسَٰكِنِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ
أَنفُسَهُمۡ وَتَبَيَّنَ لَكُمۡ كَيۡفَ فَعَلۡنَا بِهِمۡ وَضَرَبۡنَا لَكُمُ
ٱلۡأَمۡثَالَ ﴿٤٥﴾ وَقَدۡ مَكَرُواْ مَكۡرَهُمۡ وَعِندَ ٱللَّهِ مَكۡرُهُمۡ
وَإِن كَانَ مَكۡرُهُمۡ لِتَزُولَ مِنۡهُ ٱلۡجِبَالُ ﴿٤٦﴾ فَلَا
تَحۡسَبَنَّ ٱللَّهَ مُخۡلِفَ وَعۡدِهِۦ رُسُلَهُۥٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٞ
ذُو ٱنتِقَامٖ ﴿٤٧﴾ يَوۡمَ تُبَدَّلُ ٱلۡأَرۡضُ غَيۡرَ ٱلۡأَرۡضِ وَٱلسَّمَٰوَٰتُۖ
وَبَرَزُواْ لِلَّهِ ٱلۡوَٰحِدِ ٱلۡقَهَّارِ ﴿٤٨﴾ وَتَرَى ٱلۡمُجۡرِمِينَ يَوۡمَئِذٖ
مُّقَرَّنِينَ فِي ٱلۡأَصۡفَادِ ﴿٤٩﴾ سَرَابِيلُهُم مِّن قَطِرَانٖ وَتَغۡشَىٰ
وُجُوهَهُمُ ٱلنَّارُ ﴿٥٠﴾ لِيَجۡزِيَ ٱللَّهُ كُلَّ نَفۡسٖ مَّا كَسَبَتۡۚ
إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ﴿٥١﴾ هَٰذَا بَلَٰغٞ لِّلنَّاسِ وَلِيُنذَرُواْ بِهِۦ
وَلِيَعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا هُوَ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ وَلِيَذَّكَّرَ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ﴿٥٢﴾

شتاب کنندگان، سرخود بردارندگان بازنمی گردد به سوی ایشان چشم ایشان ودلهای ایشان خالی است (٤٣). و مردمان را از روزی که به ایشان عذاب بیاید بترسان پس ظالمان گویند ای پروردگار ما ما را مهلت ده تا میعادی نزدیك تادعوت ترا اجابت کنیم و رسولان را پیروی کنیم، گفته شود به ایشان آیا قسم نمی خوردید پیش ازاین که شمارا هیچ زوال نباشد (٤٤). و درمنازل آنانکه ستم کردند برخویش ساکن شدید و برشما واضح شد که به ایشان چه کردیم و برای شما مثل ها زدیم(٤٥). وهرآئینه تدبیر کردند بتدبیر خویش و علم تدبیر ایشان نزد خداست و ا گرچه تدبیرایشان چنان شدید باشد که کوهها ازجای روند[۱۲] (٤٦). پس خدارا خلاف کننده وعده بارسولانِ خود مپندار هرآئینه خداغالب صاحب انتقام است (٤٧). روزی که این زمین بغیر این زمین تبدیل کرده شود و تبدیل کرده شوند آسمان ها و به پیشگاه خدای یگانه غالب ظاهر شوند (٤٨). وببینی توآن روزگناه کاران را دست وپا بهم بسته درزنجیرها (٤٩). لباس ایشان ازسُرب گداخته باشد و روی های ایشانرا آتش بپوشد[۱۳] (٥٠). تاجزا دهدخدا هرکسی را به آنچه کرده است هرآئینه خدا زود حساب گیرنده است (٥١). این (قرآن) خبررسانی‌ای برای مردمان است[١٤] وتا به آن بیم داده شوند وتابدانند که جزاین نیست که وی خدای یگانه است و تا صاحبان عقل پندپذیرشوند (٥٢).

(۱۲) یعنی (بازهم) مکرایشان ضعیف است والله اعلم.

(۱۳) قطران چیزی سیاه بدبودارست که آتش دران زودمی گیرد والله اعلم.

(١٤) یعنی نازل کرده شده است برای تبلیغ.

سُورَةُ الحِجرِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓرۚ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِ وَقُرۡءَانٖ مُّبِينٖ ﴿١﴾ رُّبَمَا يَوَدُّ
ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡ كَانُواْ مُسۡلِمِينَ ﴿٢﴾ ذَرۡهُمۡ يَأۡكُلُواْ
وَيَتَمَتَّعُواْ وَيُلۡهِهِمُ ٱلۡأَمَلُۖ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ﴿٣﴾ وَمَآ أَهۡلَكۡنَا
مِن قَرۡيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٞ مَّعۡلُومٞ ﴿٤﴾ مَّا تَسۡبِقُ مِنۡ أُمَّةٍ
أَجَلَهَا وَمَا يَسۡتَـٔۡخِرُونَ ﴿٥﴾ وَقَالُواْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِي نُزِّلَ عَلَيۡهِ
ٱلذِّكۡرُ إِنَّكَ لَمَجۡنُونٞ ﴿٦﴾ لَّوۡ مَا تَأۡتِينَا بِٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِن كُنتَ
مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٧﴾ مَا نُنَزِّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَمَا كَانُوٓاْ
إِذٗا مُّنظَرِينَ ﴿٨﴾ إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ﴿٩﴾
وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ فِي شِيَعِ ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿١٠﴾ وَمَا يَأۡتِيهِم
مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ﴿١١﴾ كَذَٰلِكَ نَسۡلُكُهُۥ
فِي قُلُوبِ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ﴿١٢﴾ لَا يُؤۡمِنُونَ بِهِۦ وَقَدۡ خَلَتۡ سُنَّةُ ٱلۡأَوَّلِينَ
﴿١٣﴾ وَلَوۡ فَتَحۡنَا عَلَيۡهِم بَابٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فَظَلُّواْ فِيهِ يَعۡرُجُونَ ﴿١٤﴾
لَقَالُوٓاْ إِنَّمَا سُكِّرَتۡ أَبۡصَٰرُنَا بَلۡ نَحۡنُ قَوۡمٞ مَّسۡحُورُونَ ﴿١٥﴾
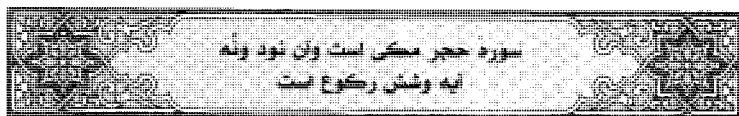
بنام خدای بخشاینده مهربان.

الٓرٰ این آیه های کتاب الهی وقرآن روشن است (١). چه بسابود که دوست دارند کافران ای کاش مسلمان می بودند (٢). ایشان را بگذار تابخورند وبهره مند شوند و ایشان را امید مشغول کند و سپس خواهند دانست (٣). وهیچ دهی را هلاك نکردیم مگر که وی را اجلی معلوم بود (٤). سبقت نمی کند هیچ گروهی ازمدت خود ونه تاخیرمی کنند (٥). و گفتند کافران ای کسی که بروی قرآن فرود آورده شده است هرآئینه تو دیوانه ای (٦). چرا پیش ما فرشتگان را نمی آوری ا گر از راست گویانْ هستی (٧). فرونمی فرستیم فرشتگان را مگر بتدبیر محکم و آنگاه مهلت داده شده نباشند (٨). هرآئینه قرآن را فروفرستادیم وهرآئینه ماوورا نگاهبانیم (٩). وهرآئینه پیامبران را پیش ازتو درفرقه های پیشینیان فرستاده‌ایم (١٠). ونمی آید به ایشان هیچ فرستاده ای مگر بودند که به او تمسخر می کردند (١١). همچنین استهزاء را در دلهای گناه کاران (یعنی کفار مکه) درمی آوریم (١٢). به قرآن ایمان نیاورند وهرآئینه آئین پیشینیان گذشت (١٣). وا گر برایشان دری ازآسمان بگشاییم پس به این صفت شوند که ازآن پیوسته بالا میروند (١٤). البته جزاین نیست که گویند بسته شده چشم های ما بلکه ماقومی جادوزده هستیم (١٥).

وَلَقَدۡ جَعَلۡنَا فِي ٱلسَّمَآءِ بُرُوجٗا وَزَيَّنَّٰهَا لِلنَّٰظِرِينَ ١٦
وَحَفِظۡنَٰهَا مِن كُلِّ شَيۡطَٰنٖ رَّجِيمٍ ١٧ إِلَّا مَنِ ٱسۡتَرَقَ ٱلسَّمۡعَ
فَأَتۡبَعَهُۥ شِهَابٞ مُّبِينٞ ١٨ وَٱلۡأَرۡضَ مَدَدۡنَٰهَا وَأَلۡقَيۡنَا فِيهَا
رَوَٰسِيَ وَأَنۢبَتۡنَا فِيهَا مِن كُلِّ شَيۡءٖ مَّوۡزُونٖ ١٩ وَجَعَلۡنَا لَكُمۡ
فِيهَا مَعَٰيِشَ وَمَن لَّسۡتُمۡ لَهُۥ بِرَٰزِقِينَ ٢٠ وَإِن مِّن شَيۡءٍ إِلَّا
عِندَنَا خَزَآئِنُهُۥ وَمَا نُنَزِّلُهُۥٓ إِلَّا بِقَدَرٖ مَّعۡلُومٖ ٢١ وَأَرۡسَلۡنَا
ٱلرِّيَٰحَ لَوَٰقِحَ فَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَسۡقَيۡنَٰكُمُوهُ وَمَآ أَنتُمۡ
لَهُۥ بِخَٰزِنِينَ ٢٢ وَإِنَّا لَنَحۡنُ نُحۡيِۦ وَنُمِيتُ وَنَحۡنُ ٱلۡوَٰرِثُونَ ٢٣
وَلَقَدۡ عَلِمۡنَا ٱلۡمُسۡتَقۡدِمِينَ مِنكُمۡ وَلَقَدۡ عَلِمۡنَا ٱلۡمُسۡتَـٔۡخِرِينَ
٢٤ وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحۡشُرُهُمۡۚ إِنَّهُۥ حَكِيمٌ عَلِيمٞ ٢٥ وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا
ٱلۡإِنسَٰنَ مِن صَلۡصَٰلٖ مِّنۡ حَمَإٖ مَّسۡنُونٖ ٢٦ وَٱلۡجَآنَّ خَلَقۡنَٰهُ مِن
قَبۡلُ مِن نَّارِ ٱلسَّمُومِ ٢٧ وَإِذۡ قَالَ رَبُّكَ لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّي خَٰلِقُۢ بَشَرٗا
مِّن صَلۡصَٰلٖ مِّنۡ حَمَإٖ مَّسۡنُونٖ ٢٨ فَإِذَا سَوَّيۡتُهُۥ وَنَفَخۡتُ فِيهِ
مِن رُّوحِي فَقَعُواْ لَهُۥ سَٰجِدِينَ ٢٩ فَسَجَدَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ كُلُّهُمۡ
أَجۡمَعُونَ ٣٠ إِلَّآ إِبۡلِيسَ أَبَىٰٓ أَن يَكُونَ مَعَ ٱلسَّٰجِدِينَ ٣١

وهرآئینه درآسمان برجها را پیداکردیم وبیاراستیمش برای بینندگان (١٦). و ازهر شیطان رانده شده نگاهداشتیمش (١٧). مگر آنکه بدزدی شنود پس درپی وی آتش آشکار افتد (١٨). وزمین را گسترانیدیم و درآن کوه ها را انداختیم ودرآن ازجنس هر چیز سنجیده روُیانیدیم[1] (١٩). و برای شمادرآن جا اسباب معیشت ساختیم و برای شماآنکه نیستید اورا روزی دهنده[2] ساختیم (٢٠). ونیست هیچ چیز مگر نزدِ ماخزانه‌های اوست و آن را مگر باندازهٔ مقرر فرود نمی آوریم (٢١). و بادها را باردارکنندهٔ ابر فرستادیم پس ازآسمان آب را فرود آوردیم پس شماراآن آب نوشانیدیم و شماآن را جمع کننده نیستید (٢٢). وهرآئینه مازنده می سازیم ومی میرانیم ومابییم وارث (٢٣). وبه یقین (حال) پیشینیان را ازشما دانسته ایم وبه یقین (حال) پسینیان را دانسته ایم (٢٤). وهرآئینه پروردگار تو اوست که ایشان را برانگیزد هرآئینه اواستوارکارداناست (٢٥). وبه یقین آدمی را ازگلِ خشك ازنوع گِل سیاه بوی گرفته آفریدیم (٢٦). وجنّهارا پیش ازین ازآتش سوزان پیداکردیم (٢٧). ویادکن چون پروردگار تو فرشتگان را گفت هرآئینه من آدمی را ازگِل خشك ازنوع گِل سیاه بوی گرفته آفریننده ام (٢٨). پس چون راست کنمش و در وی ازروح خود بدمم پس پیش اوسجده کنان درافتید (٢٩). پس فرشتگان تمام ایشان همه یك جا سجده کردند (٣٠). مگر ابلیس سرباز زد ازآنکه باشد باسجده کنندگان (٣١).

---

(١) یعنی هرنوع را صورتی و صفتی است که ازآن جا تجاوز نمیکند.
(٢) یعنی غلامان وجانوران والله اعلم.

قَالَ يَٰٓإِبۡلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ ٱلسَّٰجِدِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ لَمۡ أَكُن
لِّأَسۡجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقۡتَهُۥ مِن صَلۡصَٰلٖ مِّنۡ حَمَإٖ مَّسۡنُونٖ ﴿٣٣﴾
قَالَ فَٱخۡرُجۡ مِنۡهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٞ ﴿٣٤﴾ وَإِنَّ عَلَيۡكَ ٱللَّعۡنَةَ إِلَىٰ يَوۡمِ
ٱلدِّينِ ﴿٣٥﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنظِرۡنِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ ﴿٣٦﴾ قَالَ فَإِنَّكَ
مِنَ ٱلۡمُنظَرِينَ ﴿٣٧﴾ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡوَقۡتِ ٱلۡمَعۡلُومِ ﴿٣٨﴾ قَالَ رَبِّ بِمَآ
أَغۡوَيۡتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَأُغۡوِيَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿٣٩﴾
إِلَّا عِبَادَكَ مِنۡهُمُ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ﴿٤٠﴾ قَالَ هَٰذَا صِرَٰطٌ عَلَيَّ
مُسۡتَقِيمٌ ﴿٤١﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيۡسَ لَكَ عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٌ إِلَّا مَنِ
ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلۡغَاوِينَ ﴿٤٢﴾ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوۡعِدُهُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿٤٣﴾
لَهَا سَبۡعَةُ أَبۡوَٰبٖ لِّكُلِّ بَابٖ مِّنۡهُمۡ جُزۡءٞ مَّقۡسُومٌ ﴿٤٤﴾ إِنَّ
ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٍ ﴿٤٥﴾ ٱدۡخُلُوهَا بِسَلَٰمٍ ءَامِنِينَ ﴿٤٦﴾
وَنَزَعۡنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنۡ غِلٍّ إِخۡوَٰنًا عَلَىٰ سُرُرٖ مُّتَقَٰبِلِينَ ﴿٤٧﴾
لَا يَمَسُّهُمۡ فِيهَا نَصَبٞ وَمَا هُم مِّنۡهَا بِمُخۡرَجِينَ ﴿٤٨﴾
۞ نَبِّئۡ عِبَادِيٓ أَنِّيٓ أَنَا ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٤٩﴾ وَأَنَّ عَذَابِي
هُوَ ٱلۡعَذَابُ ٱلۡأَلِيمُ ﴿٥٠﴾ وَنَبِّئۡهُمۡ عَن ضَيۡفِ إِبۡرَٰهِيمَ ﴿٥١﴾

ربع الحزب ٢٧

خدا گفت ای ابلیس چیست تورادرین که باسجده کنندگان نمي باشی (٣٢). گفت هرگزنیستم که آدمی را که پیداکرده ای اورا ازگِل خشك ازنوع گِل سیاه بوی گرفته سجده کنم (٣٣). گفت پس از بهشت هرآئینه تورانده شده ای (٣٤). وهرآئینه تاروزقیامت برتو لعنت است (٣٥). گفت ای پروردگار من مرا تا روزي که مردمان برانگیخته شوند مهلت دِه (٣٦). گفت هرآئینه توازمهلت داده شدگانی (٣٧). تا آن روز وقت مقرر (٣٨). گفت ای پروردگار من بسبب آنکه مرا گمراه کردی البته (معصیت را) برای ایشان درزمین بیارایم والبته همگی ایشان را گمراه سازم (٣٩). مگر بندگانِ خالص کردهٔ تورا ازایشان (٤٠). خدا گفت این اخلاص راهیست راست، که به من می رسد (٤١). هرآئینه بندگان من تورا برایشان غلبه نیست لیکن غلبهٔ تو برکسی باشد که ازگمراهان پیروی توکرد (٤٢). وهرآئینه دوزخ وعده گاه همگی ایشان است (٤٣). اورا هفت دراست هردری را ازگمراهان نصیبی جداکرده شده است (٤٤). هرآئینه پرهیزگاران در بوستان هاوچشمه‌ها باشند (٤٥). درینجا ایشان را گفته شود درحال امنیت درآیید (٤٦). وبیرون کشیم آنچه در سینه های ایشان بُوَد ازکینه برادرانه روبه روی یکدیگر برتخت ها نشسته اند (٤٧). به ایشان آنجا هیچ رنجی نرسد و ایشان ازآنجا بیرون کرده شده نیستند (٤٨). بندگان مرا خبردِه که من آمرزندهٔ مهربانم (٤٩). و آنکه عذاب من همان عذاب درد ناك است (٥٠). و ایشان را ازمهمانان ابراهیم خبردِه (٥١).

إِذۡ دَخَلُواْ عَلَيۡهِ فَقَالُواْ سَلَٰمٗا قَالَ إِنَّا مِنكُمۡ وَجِلُونَ ﴿٥٢﴾ قَالُواْ لَا تَوۡجَلۡ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَٰمٍ عَلِيمٖ ﴿٥٣﴾ قَالَ أَبَشَّرۡتُمُونِي عَلَىٰٓ أَن مَّسَّنِيَ ٱلۡكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ ﴿٥٤﴾ قَالُواْ بَشَّرۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ ٱلۡقَٰنِطِينَ ﴿٥٥﴾ قَالَ وَمَن يَقۡنَطُ مِن رَّحۡمَةِ رَبِّهِۦٓ إِلَّا ٱلضَّآلُّونَ ﴿٥٦﴾ قَالَ فَمَا خَطۡبُكُمۡ أَيُّهَا ٱلۡمُرۡسَلُونَ ﴿٥٧﴾ قَالُوٓاْ إِنَّآ أُرۡسِلۡنَآ إِلَىٰ قَوۡمٖ مُّجۡرِمِينَ ﴿٥٨﴾ إِلَّآ ءَالَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿٥٩﴾ إِلَّا ٱمۡرَأَتَهُۥ قَدَّرۡنَآ إِنَّهَا لَمِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا جَآءَ ءَالَ لُوطٍ ٱلۡمُرۡسَلُونَ ﴿٦١﴾ قَالَ إِنَّكُمۡ قَوۡمٞ مُّنكَرُونَ ﴿٦٢﴾ قَالُواْ بَلۡ جِئۡنَٰكَ بِمَا كَانُواْ فِيهِ يَمۡتَرُونَ ﴿٦٣﴾ وَأَتَيۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ ﴿٦٤﴾ فَأَسۡرِ بِأَهۡلِكَ بِقِطۡعٖ مِّنَ ٱلَّيۡلِ وَٱتَّبِعۡ أَدۡبَٰرَهُمۡ وَلَا يَلۡتَفِتۡ مِنكُمۡ أَحَدٞ وَٱمۡضُواْ حَيۡثُ تُؤۡمَرُونَ ﴿٦٥﴾ وَقَضَيۡنَآ إِلَيۡهِ ذَٰلِكَ ٱلۡأَمۡرَ أَنَّ دَابِرَ هَٰٓؤُلَآءِ مَقۡطُوعٞ مُّصۡبِحِينَ ﴿٦٦﴾ وَجَآءَ أَهۡلُ ٱلۡمَدِينَةِ يَسۡتَبۡشِرُونَ ﴿٦٧﴾ قَالَ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ ضَيۡفِي فَلَا تَفۡضَحُونِ ﴿٦٨﴾ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُخۡزُونِ ﴿٦٩﴾ قَالُوٓاْ أَوَلَمۡ نَنۡهَكَ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٧٠﴾

چون بروی داخل شدند پس سلام گفتند ابراهیم گفت هرآئینهماازشما ترسانیم (٥٢). گفتند مترس هرآئینه ما ترا بفرزندی دانا مژده میدهیم (٥٣). گفت آیا مرا بشارت دادید باوجود آنکه بمن پیری رسید پس به چه چیز بشارت میدهید (٥٤). گفتند تورا براستی مژده دادیم پس ازناامیدان مباش (٥٥). گفت وکیست که ازرحمت پروردگار خود نا امید شود مگرگمراهان (٥٦). گفت پس چیست خبرشما ای فرستادگان (٥٧). گفتند هرآئینه ما به سوی گروهی گنهکار فرستاده شدیم (٥٨). بجز آل لوط هرآئینه ما البته همگی ایشان را نجات خواهیم داد (٥٩). غیراز زنش که مقرر کرده ایم که البته وی ازبازماندگان است (٦٠). پس هنگامیکه فرستادگان به آل لوط آمدند (٦١). گفت هرآئینه شما گروهی ناآشنایید (٦٢). گفتند بلکه آورده ایم پیش توآنچه درآن شبهه می کردند (یعنی عقوبت) (٦٣). و پیش تو وعدهٔ راست را آورده ایم وهرآئینه ما البته راست گوییم (٦٤). پس اهل خود را به پاره ای از شب بِبَر وتو به دنبال ایشان بِرَو وباید که ازشما هیچکس پس پشت خود ننگرَد وبروید آنجاکه فرموده شوید (وآن سرزمین شام بود) (٦٥). واین امررا به سوی لوط وحی فرستادیم که بامداد بیخ ایشان بریده خواهدشد (٦٦). و اهل شهر شادی کنان آمدند (٦٧). گفت لوط هرآئینه ایشان مهمان من هستند پس مرا رسوا مکنید (٦٨). وازخدا بترسید ومرا خوار مکنید (٦٩). گفتند آیا تورا ازمیزبانی غریبان منع نکرده بودیم (٧٠).

قَالَ هَٰٓؤُلَآءِ بَنَاتِيٓ إِن كُنتُمۡ فَٰعِلِينَ ﴿٧١﴾ لَعَمۡرُكَ إِنَّهُمۡ لَفِي سَكۡرَتِهِمۡ يَعۡمَهُونَ ﴿٧٢﴾ فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلصَّيۡحَةُ مُشۡرِقِينَ ﴿٧٣﴾ فَجَعَلۡنَا عَٰلِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمۡطَرۡنَا عَلَيۡهِمۡ حِجَارَةٗ مِّن سِجِّيلٍ ﴿٧٤﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّلۡمُتَوَسِّمِينَ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٖ مُّقِيمٍ ﴿٧٦﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٧٧﴾ وَإِن كَانَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡأَيۡكَةِ لَظَٰلِمِينَ ﴿٧٨﴾ فَٱنتَقَمۡنَا مِنۡهُمۡ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٖ مُّبِينٖ ﴿٧٩﴾ وَلَقَدۡ كَذَّبَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡحِجۡرِ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿٨٠﴾ وَءَاتَيۡنَٰهُمۡ ءَايَٰتِنَا فَكَانُواْ عَنۡهَا مُعۡرِضِينَ ﴿٨١﴾ وَكَانُواْ يَنۡحِتُونَ مِنَ ٱلۡجِبَالِ بُيُوتًا ءَامِنِينَ ﴿٨٢﴾ فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلصَّيۡحَةُ مُصۡبِحِينَ ﴿٨٣﴾ فَمَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ﴿٨٤﴾ وَمَا خَلَقۡنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَآ إِلَّا بِٱلۡحَقِّۗ وَإِنَّ ٱلسَّاعَةَ لَأٓتِيَةٞۖ فَٱصۡفَحِ ٱلصَّفۡحَ ٱلۡجَمِيلَ ﴿٨٥﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ ٱلۡخَلَّٰقُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿٨٦﴾ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَٰكَ سَبۡعٗا مِّنَ ٱلۡمَثَانِي وَٱلۡقُرۡءَانَ ٱلۡعَظِيمَ ﴿٨٧﴾ لَا تَمُدَّنَّ عَيۡنَيۡكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعۡنَا بِهِۦٓ أَزۡوَٰجٗا مِّنۡهُمۡ وَلَا تَحۡزَنۡ عَلَيۡهِمۡ وَٱخۡفِضۡ جَنَاحَكَ لِلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٨٨﴾ وَقُلۡ إِنِّيٓ أَنَا ٱلنَّذِيرُ ٱلۡمُبِينُ ﴿٨٩﴾ كَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَى ٱلۡمُقۡتَسِمِينَ ﴿٩٠﴾

گفت این ها دختران من هستند اگر هستید کننده ٔ کاری[٣] (٧١). قسم بزندگانی تو که این کافران درگمراهی خویش سرگردان میشوند[٤] (٧٢). پس ایشان را آوازهولناك به هنگام طلوع آفتاب فروگرفت (٧٣). پس ساختیم آن شهر ها را زیرورو و بریشان سنگ ازنوع سنگ گِلِ بارانیدیم[٥] (٧٤). هرآئینه درین قصه عبرت گیرندگان را نشانه هاست (٧٥). وهرآئینه آن (شهرها) برسرراهی هستند که دایم آمد ورفت دارد (٧٦). هرآئینه دراین نشانه‌ای برای مومنان است (٧٧). وهرآئینه اهلِ آیکه البته ستمکاران بودند (٧٨). پس ازایشان انتقام گرفتیم هردوی آنان (قومِ لوط وأصحاب ایکه) بر راهی آشکار هستند (٧٩). وهرآئینه ساکنان حِجر (نیز) پیامبران را تکذیب کردند (٨٠). و به ایشان آیه های خود را رسانیدیم پس ازآن روگردان شدند (٨١). و در امن وأمان بودند ازکوه ها خانه هایی میتراشیدند (٨٢). پس ایشان را آوازسخت هنگام صبح گرفت (٨٣). پس دفع نکرد ازایشان آنچه کسب می کردند (٨٤). ونیافریدیم آسمان ها وزمین وآنچه را ما بین این هاست مگر به تدبیر درست وهرآئینه قیامت آمدنیست پس در گذر (یعنی ازبی ادبیهای ایشان) درگذشتن نیکو (٨٥). هرآئینه پروردگار توهمانست آفریننده دانا (٨٦). وهرآئینه تورا هفت آیه (سوره فاتحه) از آنچه (درنماز) مکرر (خوانده میشود)[٦] دادیم و تورا قرآن بزرگ دادیم (٨٧). دوچشم خودرا به سوی آنچه بهره مند ساخته ایم به آن جماعت هاازکافران بازمکن وبرایشان اندوهناك مشو و بازوی خودرا[٧] برای مسلمانان پست بکن (٨٨). وبگوهرآئینه من بیم دهنده ٔ آشکارم (٨٩). عذاب را فرود خواهیم آورد همانگونه که برتقسیم کنندگان (یعنی یهودونصارىٰ) فرود آورده بودیم (٩٠).

---

(٣) یعنی اگرقضای شهوت خواهید نکاح بنات من کنید والله اعلم.
(٤) این کلمه دروسط قصه حضرت لوط إضافه کرده شدتاتنبیه باشد برتطبیقِ حالِ مشرکین مکه بر حالِ قوم لوط وامثال ایشان والله اعلم.
(٥) مترجم گوید یعنی گل پخته مثل سنگ شده.
(٦) یعنی سورة فاتحه.
(٧) یعنی تواضع کن.

ٱلَّذِينَ جَعَلُواْ ٱلْقُرْءَانَ عِضِينَ ﴿٩١﴾ فَوَرَبِّكَ لَنَسْـَٔلَنَّهُمْ
أَجْمَعِينَ ﴿٩٢﴾ عَمَّا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾ فَٱصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ
عَنِ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿٩٤﴾ إِنَّا كَفَيْنَٰكَ ٱلْمُسْتَهْزِءِينَ ﴿٩٥﴾ ٱلَّذِينَ
يَجْعَلُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٩٦﴾ وَلَقَدْ نَعْلَمُ
أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ﴿٩٧﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن
مِّنَ ٱلسَّٰجِدِينَ ﴿٩٨﴾ وَٱعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ ٱلْيَقِينُ ﴿٩٩﴾

سُورَةُ النَّحْلِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

نصف الحزب ٢٧

أَتَىٰٓ أَمْرُ ٱللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ
﴿١﴾ يُنَزِّلُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ بِٱلرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنْ
عِبَادِهِۦٓ أَنْ أَنذِرُوٓاْ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱتَّقُونِ ﴿٢﴾ خَلَقَ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ بِٱلْحَقِّ تَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٣﴾ خَلَقَ
ٱلْإِنسَٰنَ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ ﴿٤﴾ وَٱلْأَنْعَٰمَ
خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَٰفِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ
﴿٥﴾ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ ﴿٦﴾

آنانکه کتاب الهی را پاره پاره ساختند[٨] (٩١). پس قسم به پروردگار توالبته همگی ایشان را سوال کنیم (٩٢). ازآنچه میکردند (٩٣). پس آشکارکن به آنچه فرموده میشوی وازمشرکان اعراض کن (٩٤). هر آئینه ما تورا از شَرِّ ریشخند کنندگان بَسِنده ایم (٩٥). آنانکه به خدا معبود دیگری را مقررمیکنند پس زود میدانند (٩٦). به راستی می دانیم ازحال توکه سینهٔ تو تنگ می شود از آنچه می گویند (٩٧). پس پروردگار خود را باستایشِ او به پاکی یاد کن و ازسجده کنندگان باش (٩٨). وپروردگار خود را تاوقتیکه به تومرگ برسد عبادت کن (٩٩).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

حکم خدا آمد پس به شتاب آن را[١] طلب مکنید پاك است خدا وبلند قدرست ازآنچه شریك او مقررمی کنند (١). فرشتگان را باوحی بارادهٔ خود برهرکه خواهد ازبندگانش فرود می‌آورد که بترسانید (باین مضمون که خدا میفرماید) که هیچ معبود برحقی مگر من نیست پس ازمن بترسید (٢). آسمان ها وزمین را به تدبیر درست آفرید ازآنچه شریك او مقرر میکنند برتروبالاتر است (٣). آدمی را از مَنی آفرید، پس ناگهان وی ستیزنده آشکار است (٤). وچهارپایان را برای شما آفرید، درآنها پوششی ومنفعت های دیگراست وبعضی از آنها را میخورید (٥). وشما را درآنها آرایش است چون وقت شام از صحرا بازمی آورید وچون به سوی صحرا آنها را می فرستید (٦).

(٨) مترجم گوید یعنی اهل کتاب که بربعض آیات عمل می کردند وبربعضی نه والله اعلم.
(١) یعنی غلبه دین اسلام و تعذیب کفار به یقین شدنی است چراشتاب میکنند والله اعلم.

وَتَحۡمِلُ أَثۡقَالَكُمۡ إِلَىٰ بَلَدٖ لَّمۡ تَكُونُواْ بَٰلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ ٱلۡأَنفُسِۚ إِنَّ رَبَّكُمۡ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ ٧ وَٱلۡخَيۡلَ وَٱلۡبِغَالَ وَٱلۡحَمِيرَ لِتَرۡكَبُوهَا وَزِينَةٗۚ وَيَخۡلُقُ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٨ وَعَلَى ٱللَّهِ قَصۡدُ ٱلسَّبِيلِ وَمِنۡهَا جَآئِرٞۚ وَلَوۡ شَآءَ لَهَدَىٰكُمۡ أَجۡمَعِينَ ٩ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗۖ لَّكُم مِّنۡهُ شَرَابٞ وَمِنۡهُ شَجَرٞ فِيهِ تُسِيمُونَ ١٠ يُنۢبِتُ لَكُم بِهِ ٱلزَّرۡعَ وَٱلزَّيۡتُونَ وَٱلنَّخِيلَ وَٱلۡأَعۡنَٰبَ وَمِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ١١ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ وَٱلنُّجُومُ مُسَخَّرَٰتُۢ بِأَمۡرِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ١٢ وَمَا ذَرَأَ لَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُخۡتَلِفًا أَلۡوَٰنُهُۥٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَذَّكَّرُونَ ١٣ وَهُوَ ٱلَّذِي سَخَّرَ ٱلۡبَحۡرَ لِتَأۡكُلُواْ مِنۡهُ لَحۡمٗا طَرِيّٗا وَتَسۡتَخۡرِجُواْ مِنۡهُ حِلۡيَةٗ تَلۡبَسُونَهَاۖ وَتَرَى ٱلۡفُلۡكَ مَوَاخِرَ فِيهِ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ١٤

و بارهای شمارا برمیدارند به سوی شهریکه هرگز به آن نمی رسیدید به آن مگر به مشقت جان ها هرآئینه پروردگار شما بخشاینده مهربان است (٧). و اسبان وقاطران وخران را (آفرید) تا برآن سوار شوید وبرای آرایش آنچه راکه نمی دانید ومیِآفریند (٨). وبرخدا است (هدایت مردمان به) راه راست وبعضی ازراهها کج است وا گر می خواست وی همگی شمارا راه می نمود (٩). اوست آنکه ازآسمان آب را برای شما فرود آورد ازآن آب آشامیدنی است وازآن آب درختانی است که درآن حیوان میچرانید (١٠). برای شما به آن آب زراعت وزیتون ودرختان خرما وانگور وازهرجنس میوه ها میرویاند، هرآئینه دراین نشانه ای است گروهی را که تفکّر می کنند (١١). و برای شما شب و روز وخورشید وماه را رام کرد وستارگان به فرمان وی مسخراند هرآئینه دراین نشانه هاست گروهی را که درمی یابند (١٢). و(مسخر کرد) آنچه برای شما درزمین گوناگون رنگهای او[٢] آفرید هرآئینه دراین نشانه ای است گروهی راکه پند می پذیرند (١٣). واوست آن که دریا را مسخر ساخت تا ازآن گوشت تازه (یعنی ماهی) بخورید وتابیرون آورید ازآن پیرایه ای که آن را بپوشید ومی بینی کشتی ها را رونده دردریا ودریا را مسخر کرد تا ازفضل او طلب معیشت کنید وتابُوَد که شکر کنید (١٤).

---

(٢) یعنی ازانواع حیوان و نبات.

وَأَلْقَىٰ فِي ٱلْأَرْضِ رَوَٰسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَٰرًا وَسُبُلًا
لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥﴾ وَعَلَٰمَٰتٍۚ وَبِٱلنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ
﴿١٦﴾ أَفَمَن يَخْلُقُ كَمَن لَّا يَخْلُقُۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٧﴾ وَإِن
تَعُدُّواْ نِعْمَةَ ٱللَّهِ لَا تُحْصُوهَآۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٨﴾
وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿١٩﴾ وَٱلَّذِينَ يَدْعُونَ
مِن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْـًٔا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْوَٰتٌ
غَيْرُ أَحْيَآءٍۖ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿٢١﴾ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ
وَٰحِدٌۚ فَٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْأٓخِرَةِ قُلُوبُهُم مُّنكِرَةٌ وَهُم
مُّسْتَكْبِرُونَ ﴿٢٢﴾ لَا جَرَمَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا
يُعْلِنُونَۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلْمُسْتَكْبِرِينَ ﴿٢٣﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُم
مَّاذَآ أَنزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوٓاْ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٢٤﴾ لِيَحْمِلُوٓاْ
أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ ٱلَّذِينَ يُضِلُّونَهُم
بِغَيْرِ عِلْمٍۗ أَلَا سَآءَ مَا يَزِرُونَ ﴿٢٥﴾ قَدْ مَكَرَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ
فَأَتَى ٱللَّهُ بُنْيَٰنَهُم مِّنَ ٱلْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ ٱلسَّقْفُ
مِن فَوْقِهِمْ وَأَتَىٰهُمُ ٱلْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٦﴾

و درزمین کوه های محکم وپا برجائي افکند تااینکه زمین شما را نلرزاند و جویها وراه هارا آفرید تابُوَد که راه یاب شوید (١٥). ونشانه هایی را آفرید وبه ستارگان ایشان راه می یابند (١٦). آیا کسی که می آفریند مانند کسی است که نمی آفریند آیا پند نمی گیرید (١٧). واگر نعمت خدا را بشمارید آن را احاطه نکنید هرآئینه خدا آمرزنده ٔ مهربان است (١٨). خدا میداند آنچه راکه پنهان میدارید وآنچه راکه آشکار میکنید (١٩). وآنان که کافران ایشان را به جای خدا می پرستند چیزی را نمی آفرینند وخود شان آفریده می شوند (٢٠). مردگانند نه زندگان ونمی دانند کَی برانگیخته خواهند شد (٢١). معبود شما معبودی یگانه است پس آنانکه معتقد نمی شوند به آخرت دلهای ایشان ناشناس است وإیشان سرکش اند (٢٢). بی شك خدا میداند آنچه راکه پنهان میدارند وآنچه راکه آشکارمیکنند هرآئینه او سرکشان را دوست ندارد (٢٣). وچون گفته شود ایشان را چیست آنچه پروردگارشما فروفرستاده است گویند افسانه های پیشینیان است (٢٤). عاقبت این گفتار آنکه بارگناه خویش را به طور کامل روزقیامت بردارند و نیز بعضی بارهای آنانکه گمراه می سازند ایشان را بغیر دانش بردارند آگاه شوید چه بد است آنچه برمیدارند (٢٥). هرآئینه بداندیشی کردند آنانکه پیش ازایشان بودند پس (فرمان) خدا بیامد بنیادنشان را ازپایه برانداخت که سقف ازفرازشان برآنان فرو افتاد بدیشان عذاب رسید ازآن جهت که نمی دانستند[٣] (٢٦).

(٣) واین تمثیل است افساد مکرایشانرا بابلیغترین وجه ممکن.

ثُمَّ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَآءِىَ ٱلَّذِينَ كُنتُمْ تُشَٰٓقُّونَ فِيهِمْ ۚ قَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْعِلْمَ إِنَّ ٱلْخِزْىَ ٱلْيَوْمَ وَٱلسُّوٓءَ عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٢٧﴾ ٱلَّذِينَ تَتَوَفَّىٰهُمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ ظَالِمِىٓ أَنفُسِهِمْ ۖ فَأَلْقَوُا۟ ٱلسَّلَمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِن سُوٓءٍۭ ۚ بَلَىٰٓ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌۢ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٨﴾ فَٱدْخُلُوٓا۟ أَبْوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَا ۖ فَلَبِئْسَ مَثْوَى ٱلْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٢٩﴾ ۞ وَقِيلَ لِلَّذِينَ ٱتَّقَوْا۟ مَاذَآ أَنزَلَ رَبُّكُمْ ۚ قَالُوا۟ خَيْرًا ۗ لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا۟ فِى هَٰذِهِ ٱلدُّنْيَا حَسَنَةٌ ۚ وَلَدَارُ ٱلْءَاخِرَةِ خَيْرٌ ۚ وَلَنِعْمَ دَارُ ٱلْمُتَّقِينَ ﴿٣٠﴾ جَنَّٰتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ ۖ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَآءُونَ ۚ كَذَٰلِكَ يَجْزِى ٱللَّهُ ٱلْمُتَّقِينَ ﴿٣١﴾ ٱلَّذِينَ تَتَوَفَّىٰهُمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ طَيِّبِينَ ۙ يَقُولُونَ سَلَٰمٌ عَلَيْكُمُ ٱدْخُلُوا۟ ٱلْجَنَّةَ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٢﴾ هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن تَأْتِيَهُمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ أَوْ يَأْتِىَ أَمْرُ رَبِّكَ ۚ كَذَٰلِكَ فَعَلَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۚ وَمَا ظَلَمَهُمُ ٱللَّهُ وَلَٰكِن كَانُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٣٣﴾ فَأَصَابَهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا عَمِلُوا۟ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٣٤﴾

ثلاثة أرباع الحزب ٢٧

دوباره روزقیامت ایشان را رسواکند و گوید کجایندآن شریکان (دروغینِ) من که جنگ وجدال می کردید درحق ایشان گویند اهل علم هرآئینه رسوایی وسختی امروز برکافران است (٢٧). آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان درحالی میکردند که برخویش ستمکاربودند پس انداختند آن کافران پیغام انقیاد را که ما هرگز هیچ عمل بدی انجام نمی دادیم گفته شود آری هرآئینه خدا داناست بآنچه می کردید (٢٨). پس درآیید بدروازه های دوزخ جاویدان درآن جا پس بَدَست (دوزخ) جای سرکشان (٢٩). و به متقیان گفته شد چیست آنچه پرورگار شما فروفرستاد گفتند فرودآورده است بهترین سخن برای آنان که نیکوکاری کرده اند دراین سرای حالت نیك است والبته سرای آخرت بهتراست والبته سرای متقیان در آخرت چه نیکو است (٣٠). به بوستانهایی همیشه ماندن درآیند آن جاکه زیرآنها جویها میرود، برای ایشان است درآن هرچه خواهند همچنین خدا متقیان را پاداش می‌دهد (٣١). آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان می‌کنند درحالیکه شادمان باشندگویند فرشتگان سلام برشما باد درآیید به بهشت به (پاداش) آنچه می کردید[٤] (٣٢). کافران انتظار نمی‌کشند مگرآنکه به ایشان فرشتگان بیایند[٥] یا فرمان پروردگار تو بیاید[٦] هم چنین کردند آنانکه پیش ازایشان بودند و خدا برایشان ستم نکرد ولیکن برخویش ستم می‌کردند (٣٣). پس به ایشان جزای گناهان اعمال ایشان رسید و به ایشان آنچه به آن استهزاء وریشخند می کردند فرودآمد (٣٤).

---

(٤) مترجم گوید خدای تعالی این دوصورت رابرای بیان قال وحال ومآل اهل سعادت واهل شقاوت نازل فرموده والله اعلم.

(٥) یعنی برای قبض ارواح.

(٦) یعنی عذاب او.

وَقَالَ ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ لَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَا عَبَدۡنَا مِن دُونِهِۦ مِن
شَيۡءٖ نَّحۡنُ وَلَآ ءَابَآؤُنَا وَلَا حَرَّمۡنَا مِن دُونِهِۦ مِن شَيۡءٖۚ كَذَٰلِكَ
فَعَلَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ فَهَلۡ عَلَى ٱلرُّسُلِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ
٣٥ وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ
وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَۖ فَمِنۡهُم مَّنۡ هَدَى ٱللَّهُ وَمِنۡهُم مَّنۡ
حَقَّتۡ عَلَيۡهِ ٱلضَّلَٰلَةُۚ فَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ
كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ ٣٦ إِن تَحۡرِصۡ عَلَىٰ هُدَىٰهُمۡ
فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَن يُضِلُّۖ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ٣٧
وَأَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ لَا يَبۡعَثُ ٱللَّهُ مَن يَمُوتُۚ بَلَىٰ
وَعۡدًا عَلَيۡهِ حَقّٗا وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٣٨
لِيُبَيِّنَ لَهُمُ ٱلَّذِي يَخۡتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ
أَنَّهُمۡ كَانُواْ كَٰذِبِينَ ٣٩ إِنَّمَا قَوۡلُنَا لِشَيۡءٍ إِذَآ أَرَدۡنَٰهُ أَن نَّقُولَ
لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ٤٠ وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ فِي ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا ظُلِمُواْ
لَنُبَوِّئَنَّهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗۖ وَلَأَجۡرُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَكۡبَرُۚ لَوۡ كَانُواْ
يَعۡلَمُونَ ٤١ ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ ٤٢

و مشركان گفتند اگر خدا نمی خواست بجزوی هیچ چیزی را نه ما ونه پدران ما نمی پرستیدیم و بغیر ازفرمان وی هیچ چیزری را حرام نمی دانستیم[٧] هم چنین کردند آنانکه پیش ازایشان بودند پس برپیامبران بجز خبررسانیدن آشکار نیست (٣٥). وبه یقین فرستادیم درهرامّتی پیامبری را که عبادت خدا کنید و ازبتان دوری کنید پس ازایشان کسی بود که خدا راه نمودش و از ایشان کسی بود که بروی گمراهی ثابت شد پس گردش کنید درزمین پس بنگرید چگونه شد سرانجام تکذیب کنندگان (٣٦). اگر بر هدایت ایشان کوشش کُنی چه سود هرآئینه خدا راه نمی نماید آن را که گمراه میسازد ونیست برای ایشان (روزقیامت) هیچ یاری دهنده (٣٧). و به خدا قسم خوردند به محکم ترین سوگند های خود که خدا مرده را برنمی انگیزد آری برانگیزد وعدهٔ درست لازم شده براوست ولیکن بیشترین مردمان نمی دانند (٣٨). (آری برانگیزد) تابیان کند برای ایشان آنچه درآن اختلاف می کنند وتا کافران بدانند که ایشان دروغگو بودند (٣٩). فرمان مابرای چیزی نیست چون آفریدنش را خواهیم مگر اورا گوییم بشو پس می شود (٤٠). وکسانی که برای خدا هجرت (ترك دیار خود) کردند بعد ازآن که برایشان ستم کرده شد (درمکه) البته ایشان را دردنیا بسرای نیك جامی‌دهیم وهرآئینه پاداش آخرت بزرگ تراست ا گر می‌دانستند (٤١). آنانکه صبر کردند وبرپرودرگار خویش توکل مینمایند[٨] (٤٢).

(٧) یعنی سلف مااجماع کرده‌اندوآن بدون رضای خدامنعقدنمی شود والله اعلم.

(٨) واین وعده متحقق شده ومهاجرین را به مدینه جای داد.

وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ إِلَّا رِجَالٗا نُّوحِيٓ إِلَيۡهِمۡۖ فَسۡـَٔلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلذِّكۡرِ إِن كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٤٣﴾ بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلزُّبُرِۗ وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلذِّكۡرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيۡهِمۡ وَلَعَلَّهُمۡ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٤﴾ أَفَأَمِنَ ٱلَّذِينَ مَكَرُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن يَخۡسِفَ ٱللَّهُ بِهِمُ ٱلۡأَرۡضَ أَوۡ يَأۡتِيَهُمُ ٱلۡعَذَابُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَشۡعُرُونَ ﴿٤٥﴾ أَوۡ يَأۡخُذَهُمۡ فِي تَقَلُّبِهِمۡ فَمَا هُم بِمُعۡجِزِينَ ﴿٤٦﴾ أَوۡ يَأۡخُذَهُمۡ عَلَىٰ تَخَوُّفٖ فَإِنَّ رَبَّكُمۡ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٌ ﴿٤٧﴾ أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ إِلَىٰ مَا خَلَقَ ٱللَّهُ مِن شَيۡءٖ يَتَفَيَّؤُاْ ظِلَٰلُهُۥ عَنِ ٱلۡيَمِينِ وَٱلشَّمَآئِلِ سُجَّدٗا لِّلَّهِ وَهُمۡ دَٰخِرُونَ ﴿٤٨﴾ وَلِلَّهِ يَسۡجُدُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ مِن دَآبَّةٖ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَهُمۡ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ ﴿٤٩﴾ يَخَافُونَ رَبَّهُم مِّن فَوۡقِهِمۡ وَيَفۡعَلُونَ مَا يُؤۡمَرُونَ۩ ﴿٥٠﴾ ۞وَقَالَ ٱللَّهُ لَا تَتَّخِذُوٓاْ إِلَٰهَيۡنِ ٱثۡنَيۡنِۖ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ فَإِيَّٰيَ فَٱرۡهَبُونِ ﴿٥١﴾ وَلَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَهُ ٱلدِّينُ وَاصِبًاۚ أَفَغَيۡرَ ٱللَّهِ تَتَّقُونَ ﴿٥٢﴾ وَمَا بِكُم مِّن نِّعۡمَةٖ فَمِنَ ٱللَّهِۖ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ ٱلضُّرُّ فَإِلَيۡهِ تَجۡـَٔرُونَ ﴿٥٣﴾ ثُمَّ إِذَا كَشَفَ ٱلضُّرَّ عَنكُمۡ إِذَا فَرِيقٞ مِّنكُم بِرَبِّهِمۡ يُشۡرِكُونَ ﴿٥٤﴾

ونفرستادیم پیش ازتو مگر مردانی را که به سوی ایشان وحی می فرستادیم پس سوال کنید از (دانایان) اهل کتاب اگر نمی دانید[٩] (٤٣). ایشان را بدلائل وکتاب ها فرستادیم و به سوی تو کتاب فرودآوردیم تابیان کنی برای مردمان شریعتی را که به سوی ایشان فرود آورده شده وتا باشد که ایشان تفکر کنند (٤٤). آیا آنانکه تدبیرهای بد اندیشیدند ایمن شده اند[١٠] ازآنکه خداایشان را به زمین فروبَرَد یابیاید به ایشان عذاب ازآن جا که ندانند (٤٥). یا ایشان را هنگام آمد ورفت ایشان بگیرد پس عاجز کننده نیستند (٤٦). یا ایشان را درحال ترس بگیرد[١١] پس هرآئینه پروردگار شمالطف کنندهٔ بخشاینده است (٤٧). آیا به سوی آنچه خدا پیداکرده است ازهرچیزی نمینگرند که سایه های اوازجانب راست واز جانب چپ سجده کنان برای خدا خوارشده میگردد (٤٨). وخدای را سجده می کنند آنچه ازنوعِ جنبنده درآسمان ها وآنچه درزمین است وفرشتگان نیز سجده می کنند وایشان سرکشی نمی کنند (٤٩). ازپروردگارشان از بالایِ خویش می ترسند ومی‌کنند آنچه فرموده می شوند (٥٠). وخدا گفت دومعبود را فرامگیرید جزاین نیست که وی معبود یگانه است پس ازمن بترسید (٥١). برای او است آنچه درآسمان ها وزمین است وبرای او است عبادت لازم شده آیا ازغیر خدا می ترسید (٥٢). وآنچه ازنعمت باشما است ازجانب خداست دوباره چون به شما سختی رسد پس به سوی اومی‌نالید (٥٣). بازچون سختی را ازسرشما بردارد ناگهان گروهی ازشما به پروردگار خود شریك مقرر می‌کنند(٥٤).

---

(٩) یعنی پیامبران سابق آدمی بودند فرشته نبودند والله اعلم.

(١٠) یعنی درحق پیامبران ومومنان.

(١١) یعنی بعد ازاقامت قرائن هلاك.

لِيَكۡفُرُواْ بِمَآ ءَاتَيۡنَٰهُمۡۚ فَتَمَتَّعُواْ فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ٥٥ وَيَجۡعَلُونَ
لِمَا لَا يَعۡلَمُونَ نَصِيبٗا مِّمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡۗ تَٱللَّهِ لَتُسۡـَٔلُنَّ عَمَّا كُنتُمۡ
تَفۡتَرُونَ ٥٦ وَيَجۡعَلُونَ لِلَّهِ ٱلۡبَنَٰتِ سُبۡحَٰنَهُۥ وَلَهُم مَّا يَشۡتَهُونَ
٥٧ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِٱلۡأُنثَىٰ ظَلَّ وَجۡهُهُۥ مُسۡوَدّٗا وَهُوَ كَظِيمٞ ٥٨
يَتَوَٰرَىٰ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ مِن سُوٓءِ مَا بُشِّرَ بِهِۦٓۚ أَيُمۡسِكُهُۥ عَلَىٰ هُونٍ
أَمۡ يَدُسُّهُۥ فِي ٱلتُّرَابِۗ أَلَا سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ ٥٩ لِلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ
بِٱلۡأٓخِرَةِ مَثَلُ ٱلسَّوۡءِۖ وَلِلَّهِ ٱلۡمَثَلُ ٱلۡأَعۡلَىٰۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ
٦٠ وَلَوۡ يُؤَاخِذُ ٱللَّهُ ٱلنَّاسَ بِظُلۡمِهِم مَّا تَرَكَ عَلَيۡهَا مِن دَآبَّةٖ
وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمۡ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗىۖ فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمۡ لَا يَسۡتَـٔۡخِرُونَ
سَاعَةٗ وَلَا يَسۡتَقۡدِمُونَ ٦١ وَيَجۡعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكۡرَهُونَۚ وَتَصِفُ
أَلۡسِنَتُهُمُ ٱلۡكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ ٱلۡحُسۡنَىٰۖ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ ٱلنَّارَ
وَأَنَّهُم مُّفۡرَطُونَ ٦٢ تَٱللَّهِ لَقَدۡ أَرۡسَلۡنَآ إِلَىٰٓ أُمَمٖ مِّن قَبۡلِكَ
فَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ ٱلۡيَوۡمَ وَلَهُمۡ
عَذَابٌ أَلِيمٞ ٦٣ وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ
ٱلَّذِي ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٦٤

تا ناسپاسی کنند به آنچه ایشان را دادیم پس بهره مند شوید پس زود خواهید دانست (٥٥). ومقرر کردند برای چیزی که نمیدانند (حقیقت آن را یعنی برای بتان) بهره ای ازآنچه ایشان را روزی دادیم قسم به خدا البته پرسیده خواهید شد ازآنچه افترا می‌کردید (٥٦). وبرای خدا دختران را مقرر میکنند، او پاك است ومقررمیکنند برای خویش آنچه رغبت مینمایند[١٢] (٥٧). واگر یکی را ازایشان بتولّدِ دختر مژده داده شود روی اوسیاه گردد و او پرازاندوه باشد (٥٨). بسبب ناخوشی آنچه مژده داده شد بوی ازقوم پنهان شود درتامل افتد که آیا نگهداردش باخواری یا اورا درخاك در آرد آ گاه شوید حکم ایشان بداست (٥٩). برای آنان که به آخرت معتقدنمی‌شوند صفت بداست وخدای راست صفت بلند واوغالب باحکمت است (٦٠). واگر خدا مردمان را به سبب ستم ایشان گرفتار کند برزمین هیچ جنبنده ای نگذارد ولی ایشان را تاوقتی مقرر مهلت میدهد پس چون آن وقت مقرر ایشان برسد لحظه ای بازپس نمی مانند ونه پیش می روند (٦١). ومقررمی کنند برای خداآنچه راکه ناپسندمی‌شمارند[١٣] وزبانهای ایشان سخن دروغ را بیان می کند که ایشان را نیکویی باشد[١٤] شکّی نیست درآنکه ایشان را آتش باشد وآنکه ایشان به دوزخ پیش فرستادگانند (٦٢). قسم به خدا هرآئینه (پیامبران را) فرستادیم به سوی امّتانی که پیش ازتو بودند پس شیطان برای ایشان کردارهای ایشان را بیاراست پس او یارایـن کـافـران اسـت امـروزایـشـان را عـذاب درد نـاك اسـت (٦٣). وبـرتـو کـتـاب را فرونیاوردیم مگر برای آنکه برای ایشان بیان کنی آنچه راکه درآن اختلاف کردند وبرای راه نمودن وبخشایش قومی که ایمان می آورند (٦٤).

(١٢) یعنی پسران را.
(١٣) یعنی دختران.
(١٤) یعنی نجات در آخرت.

وَٱللَّهُ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَحۡيَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَآۚ إِنَّ فِي
ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَسۡمَعُونَ ٦٥ وَإِنَّ لَكُمۡ فِي ٱلۡأَنۡعَٰمِ لَعِبۡرَةٗۖ نُّسۡقِيكُم
مِّمَّا فِي بُطُونِهِۦ مِنۢ بَيۡنِ فَرۡثٖ وَدَمٖ لَّبَنًا خَالِصٗا سَآئِغٗا لِّلشَّٰرِبِينَ
٦٦ وَمِن ثَمَرَٰتِ ٱلنَّخِيلِ وَٱلۡأَعۡنَٰبِ تَتَّخِذُونَ مِنۡهُ سَكَرٗا وَرِزۡقًا
حَسَنًاۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ٦٧ وَأَوۡحَىٰ رَبُّكَ إِلَى ٱلنَّحۡلِ
أَنِ ٱتَّخِذِي مِنَ ٱلۡجِبَالِ بُيُوتٗا وَمِنَ ٱلشَّجَرِ وَمِمَّا يَعۡرِشُونَ ٦٨ ثُمَّ
كُلِي مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ فَٱسۡلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلٗاۚ يَخۡرُجُ مِنۢ بُطُونِهَا
شَرَابٞ مُّخۡتَلِفٌ أَلۡوَٰنُهُۥ فِيهِ شِفَآءٞ لِّلنَّاسِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ
يَتَفَكَّرُونَ ٦٩ وَٱللَّهُ خَلَقَكُمۡ ثُمَّ يَتَوَفَّىٰكُمۡۚ وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰٓ
أَرۡذَلِ ٱلۡعُمُرِ لِكَيۡ لَا يَعۡلَمَ بَعۡدَ عِلۡمٖ شَيۡـًٔاۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٞ قَدِيرٞ ٧٠
وَٱللَّهُ فَضَّلَ بَعۡضَكُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ فِي ٱلرِّزۡقِۚ فَمَا ٱلَّذِينَ فُضِّلُواْ
بِرَآدِّي رِزۡقِهِمۡ عَلَىٰ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ فَهُمۡ فِيهِ سَوَآءٌۚ أَفَبِنِعۡمَةِ
ٱللَّهِ يَجۡحَدُونَ ٧١ وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا
وَجَعَلَ لَكُم مِّنۡ أَزۡوَٰجِكُم بَنِينَ وَحَفَدَةٗ وَرَزَقَكُم مِّنَ
ٱلطَّيِّبَٰتِۚ أَفَبِٱلۡبَٰطِلِ يُؤۡمِنُونَ وَبِنِعۡمَتِ ٱللَّهِ هُمۡ يَكۡفُرُونَ ٧٢

وخدا ازآسمان آب را فرودآورد پس به آن زمین را بعد مرگ آن زنده ساخت هرآئینه دراین نشانه است گروهی را که می شنوند (٦٥). وهرآئینه شمارا درچهار پایان پندی هست، می نوشانیم شمارا ازجمله آنچه درشکم های آنها است ازمیان سرگین وخون، شیرخالص گوارا برای آشامندگان (٦٦). واز میوه های درختان خرما ودرختان انگور قسمی هست که ازآن شراب مست کننده میسازید و ازآن روزی حلال میسازید هرآئینه دراین نشانه است گروهی را که درمی یابند (٦٧). والهام فرستاد پروردگار تو به سوی زنبور عسل که خانه ها ازکوه ها و ازدرختان بساز و ازآنچه مردمان بنامی کنند (٦٨). بازبخور ازهرجنس میوه ها و(بافرمانبرداری) راه های پروردگار خویش رادرپیش گیر برمی آیدازشکم های این زنبوران آشامیدنی رنگ هایش گوناگون، درآن آشامیدنی مردمان را شفاست هرآئینه درین مقدمه نشانه ای است گروهی را که تفکر می کنند (٦٩). وخدا شمارا آفرید باز شمارا می میراند وازشماکسی هست که به خوار ترین عمر برگردانده میشود مآلش آنکه بعد از دانستن چیزی را نداند هرآئینه خدا دانای توانا است (٧٠). وخدا بعضی از شمارا بربعضی (دیگری) درروزی فضل داد پس نیستند آنانکه افزونی داده شدند روزی خودرا برمملوکان خود بازگردانده تاهمه ایشان درروزی برابر باشند آیا نعمت خدارا انکارمی نمایند[١٥]؟ (٧١). وخدا برای شماازجنس شما زنان را آفرید وبرای شما اززنان شما فرزندان و نوادگان را آفرید وشمارا ازپاکیزه هاروزی داد آیا به باطل می گروند وبه نعمت خدایشان ناسپاسی مینمایند (٧٢).

(١٥) یعنی هیچ کس نمی خواهد که مملوکان خودرا برابرخود سازد والله اعلم.

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ شَيْـًٔا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٧٣﴾ فَلَا تَضْرِبُوا۟ لِلَّهِ ٱلْأَمْثَالَ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٧٤﴾ ۞ ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَّمْلُوكًا لَّا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَىْءٍ وَمَن رَّزَقْنَٰهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا ۖ هَلْ يَسْتَوُۥنَ ۚ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾ وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ أَحَدُهُمَآ أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَىْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَىٰ مَوْلَىٰهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُّ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ ۖ هَلْ يَسْتَوِى هُوَ وَمَن يَأْمُرُ بِٱلْعَدْلِ ۙ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٧٦﴾ وَلِلَّهِ غَيْبُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ وَمَآ أَمْرُ ٱلسَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ ٱلْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿٧٧﴾ وَٱللَّهُ أَخْرَجَكُم مِّنۢ بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْـًٔا وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمْعَ وَٱلْأَبْصَٰرَ وَٱلْأَفْـِٔدَةَ ۙ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٧٨﴾ أَلَمْ يَرَوْا۟ إِلَى ٱلطَّيْرِ مُسَخَّرَٰتٍ فِى جَوِّ ٱلسَّمَآءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا ٱللَّهُ ۗ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٧٩﴾

ربع الحزب ٢٨

و به جای خدا کسی را می پرستند که برای ایشان روزی دادن چیزی را ازآسمان ها وزمین مالك نیستند ونمی توانند (۷۳). پس برای خدا مثلها مزنید هرآئینه خدا می داند وشما نمی دانید (۷٤). خدا داستان بندهٔ مملوکی که برهیچ چیزی توانایی ندارد بیان کرد وکسی که دادیمش ازنزدِ خود روزی نیك پس وی ازآن روزی پنهان وآشکارا خرج میکند آیا برابرمی شوند، همه ستایش خدای را است بلکه اکثر ایشان نمی دانند (۷۵). و خدا داستانی (دیگر) بیان کرد دومرد یکی ازایشان گنگ است برچیزی قدرت ندارد و او برخواجهٔ خود سربار است هرکجا فرستدش ازآن جا هیچ نیکی نمی آورد آیا برابرست این شخص وکسی که مردمان را بعدل دستود می دهد وخودش برراه راست است[۱٦] (۷٦). علم پنهان آسمان ها وزمین فقط برای خداست ونیست کار قیامت (یعنی نزد قدرت او) مگر مانند چشم بهم زدن بلکه ازآن نزدیك تراست هرآئینه خدا به همه چیز تواناست (۷۷). وخدا شمارا ازشکم های مادرانتان بیرون آورد چیزی را نمی دانستید و برای شما شنوایی وچشم ها ودل ها پیداساخت تابود که شکرکنید (۷۸). آیانگاه نکردند به سوی مرغان رام شده، درهوای آسمان ایشان را نگاه نمیدارد مگر خدا هرآئینه درین نشانه ها است گروهی را که ایمان می آوردند(۷۹).

(۱٦) مترجم گوید حاصل این دومثل آنست که آنچه درعالم تصرف نداردباخدا برابر نیست چنانکه مملوكِ ناتوان بامالكِ توانابرابر نیست وچنانکه گنگ بی تمیز باصاحب هدایت واهتدابرابرنیست.

وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنۢ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُم مِّن جُلُودِ
ٱلْأَنْعَـٰمِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ
وَمِنْ أَصْوَافِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَآ أَثَـٰثًا وَمَتَـٰعًا إِلَىٰ حِينٍ
﴿٨٠﴾ وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّمَّا خَلَقَ ظِلَـٰلًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ
ٱلْجِبَالِ أَكْنَـٰنًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَٰبِيلَ تَقِيكُمُ
ٱلْحَرَّ وَسَرَٰبِيلَ تَقِيكُم بَأْسَكُمْ ۚ كَذَٰلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُۥ
عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ ﴿٨١﴾ فَإِن تَوَلَّوْا۟ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ
ٱلْبَلَـٰغُ ٱلْمُبِينُ ﴿٨٢﴾ يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ ٱللَّهِ ثُمَّ يُنكِرُونَهَا
وَأَكْثَرُهُمُ ٱلْكَـٰفِرُونَ ﴿٨٣﴾ وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ
شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ
﴿٨٤﴾ وَإِذَا رَءَا ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ ٱلْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ
يُنظَرُونَ ﴿٨٥﴾ وَإِذَا رَءَا ٱلَّذِينَ أَشْرَكُوا۟ شُرَكَآءَهُمْ قَالُوا۟
رَبَّنَا هَـٰٓؤُلَآءِ شُرَكَآؤُنَا ٱلَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا۟ مِن دُونِكَ ۖ
فَأَلْقَوْا۟ إِلَيْهِمُ ٱلْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَـٰذِبُونَ ﴿٨٦﴾ وَأَلْقَوْا۟ إِلَى
ٱللَّهِ يَوْمَئِذٍ ٱلسَّلَمَ ۖ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَفْتَرُونَ ﴿٨٧﴾

وخدا برای شما ازخانه های شما جای سکونت ساخت و برای شما از پوست های چهار پایان خانه هایی ساخت که آن را روز سفرخود وروزاقامت خود سبك می یابید و از پشمهایشان وکُرکهایشان وموهایشان اسباب خانه و(مایهٔ) بهره مندی تاوقت مقرر ساخت (٨٠). وخدا برای شما ازمخلوقات خود سایه ها پیدا ساخت وبرای شما ازکوه ها غارها پیداکرد و برای شما جامه‌هاکه شمارااز گرمی نگاه دارد[١٧] وجامه ها که شمارا از ضررجنگ نگاه دارد ساخت، هم چنین نعمت خودرا برشما به تمام میرساند تاباشدکه اسلام بیاورید (٨١). پس اگر اعراض کنند جزاین نیست که برتوپیغام رسانیدن آشکاراست (٨٢). نعمت خدا را می شناسند باز انکار آن می‌کنند وبیشترین ایشان کافرانند (٨٣). وآن روزکه ازهرگروهی گواهی را[١٨] برانگیزیم باز إجازه داده نشود کافران را[١٩] (به عذرخواهی) ونه ازایشان خواسته شود که خوشنودی خدارا بجویند (٨٤). وچون ستمکاران عذاب را ببینند (اضطراب کنند) پس ازایشان سبك کرده نمی شود ونه به ایشان مهلت داده می شود (٨٥). وچون مشرکان شریکان خودرا ببینند گویند ای پروردگار مااین جماعت شریکان مایند که به جای تو می پرستیدیم پس شریکان پیام فرستند به سوی ایشان (این سخن را) که هرآئینه شما البته دروغگویانید (٨٦). ودرآن روز همه تسلیم خدا شوند وگم گردد ازایشان آنچه افتراء می کردند (٨٧).

(١٧) یعنی وازسردی نیز.
(١٨) وآن نبی آن قوم باشد والله اعلم.
(١٩) یعنی تاعذرخودبیان کنند.

ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ زِدۡنَٰهُمۡ عَذَابٗا
فَوۡقَ ٱلۡعَذَابِ بِمَا كَانُواْ يُفۡسِدُونَ ٨٨ وَيَوۡمَ نَبۡعَثُ فِي
كُلِّ أُمَّةٖ شَهِيدًا عَلَيۡهِم مِّنۡ أَنفُسِهِمۡۖ وَجِئۡنَا بِكَ
شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِۚ وَنَزَّلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ تِبۡيَٰنٗا لِّكُلِّ
شَيۡءٖ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُسۡلِمِينَ ٨٩ ۞إِنَّ ٱللَّهَ
يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَٱلۡإِحۡسَٰنِ وَإِيتَآيِٕ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَيَنۡهَىٰ عَنِ
ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِ وَٱلۡبَغۡيِۚ يَعِظُكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ
٩٠ وَأَوۡفُواْ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ إِذَا عَٰهَدتُّمۡ وَلَا تَنقُضُواْ ٱلۡأَيۡمَٰنَ
بَعۡدَ تَوۡكِيدِهَا وَقَدۡ جَعَلۡتُمُ ٱللَّهَ عَلَيۡكُمۡ كَفِيلًاۚ إِنَّ
ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا تَفۡعَلُونَ ٩١ وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّتِي نَقَضَتۡ
غَزۡلَهَا مِنۢ بَعۡدِ قُوَّةٍ أَنكَٰثٗا تَتَّخِذُونَ أَيۡمَٰنَكُمۡ دَخَلَۢا
بَيۡنَكُمۡ أَن تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرۡبَىٰ مِنۡ أُمَّةٍۚ إِنَّمَا يَبۡلُوكُمُ ٱللَّهُ
بِهِۦۚ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ مَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ
٩٢ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَلَٰكِن يُضِلُّ مَن
يَشَآءُ وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُۚ وَلَتُسۡـَٔلُنَّ عَمَّا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٩٣

نصف الحزب ٢٨

آنانکه کافرشدند و[٢٠] ازراه خدا باز داشتند ایشان را عذابی بالای عذاب افزون دهیم به سبب آنکه فساد می کردند[٢١] (٨٨). وآن روزکه درهرامتی گواهی برایشان ازقبیلهٔ ایشان برانگیزیم[٢٢] و تورا گواه برآنها بیاوریم و برتو کتاب را برای بیان کردن هرچیزی وبرای راه نمودن وبخشایش ومژده دادن برای مسلمانان فرودآوردیم (٨٩). هرآئینه خدا به عدل ونیکوکاری وعطا کردن بخویشاوندان می فرماید و ازبی حیایی وکارناپسندیده وتجاوز وتعدی بازمیدارد، شمارا پند می دهد تاباشد که شما پندپذیر شوید (٩٠). ووفاکنید به عهد خدا چون عهد بندید و سو گندها را بعداز محکم ساختن آنها مشکنید وهرآئینه خدارا برخویش نگاهبان ساخته اید[٢٣] هرآئینه خدا آنچه راکه می کنید میداند (٩١). و مانند زنی نباشید که رشته خودرابعد ازاستواری پاره پاره، (ازهم) گسست میگیرید سو گند های خویش را مکردرمیان خود تا گروهی از گروهی افزون ترشود[٢٤] جزاین نیست که خدا شمارا به آن افزونی می آزماید والبته برای شماروزقیامت آنچه راکه درآن اختلاف می‌نمودید بیان می کند[٢٥] (٩٢). وا گر خدا بخواهد شما را یك گروه قرار می داد ولیکن گمراه می کند هرکه راخواهد وراه می نماید هرکرا خواهد والبته پرسیده خواهید شد ازآنچه می کردید (٩٣).

---

(٢٠) یعنی مردمان را.

(٢١) یعنی عذاب گمراهی وگمراه کردن.

(٢٢) مترجم گوید وآن نبی آن قوم باشد.

(٢٣) یعنی نام اورادرقسم مذکور کرده اید.

(٢٤) یعنی برای منفعت دنیا تامال ومنال زیاده بدست آرد.

(٢٥) مترجم گوید مراد تحریم یمین غموس [یعنی سوگند ناحق] است و حاصل مَثَل آن است که اعمال خود را برباد مکنید چنانکه این زن عمل خود راتباه کرد والله اعلم وگویا اینجا اشاره است به آنکه یمین غموس برباد کنندهٔ اعمال است والله اعلم.

وَلَا تَتَّخِذُوٓاْ أَيۡمَٰنَكُمۡ دَخَلَۢا بَيۡنَكُمۡ فَتَزِلَّ قَدَمُۢ بَعۡدَ
ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُواْ ٱلسُّوٓءَ بِمَا صَدَدتُّمۡ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَكُمۡ
عَذَابٌ عَظِيمٞ ﴿٩٤﴾ وَلَا تَشۡتَرُواْ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ ثَمَنٗا قَلِيلًاۚ إِنَّمَا
عِندَ ٱللَّهِ هُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ﴿٩٥﴾ مَا عِندَكُمۡ
يَنفَدُ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ بَاقٖۗ وَلَنَجۡزِيَنَّ ٱلَّذِينَ صَبَرُوٓاْ أَجۡرَهُم
بِأَحۡسَنِ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿٩٦﴾ مَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا
مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَنُحۡيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةٗ طَيِّبَةٗۖ
وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَجۡرَهُم بِأَحۡسَنِ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿٩٧﴾
فَإِذَا قَرَأۡتَ ٱلۡقُرۡءَانَ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ
﴿٩٨﴾ إِنَّهُۥ لَيۡسَ لَهُۥ سُلۡطَٰنٌ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ
يَتَوَكَّلُونَ ﴿٩٩﴾ إِنَّمَا سُلۡطَٰنُهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ يَتَوَلَّوۡنَهُۥ وَٱلَّذِينَ
هُم بِهِۦ مُشۡرِكُونَ ﴿١٠٠﴾ وَإِذَا بَدَّلۡنَآ ءَايَةٗ مَّكَانَ ءَايَةٖ
وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوٓاْ إِنَّمَآ أَنتَ مُفۡتَرِۭۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ
لَا يَعۡلَمُونَ ﴿١٠١﴾ قُلۡ نَزَّلَهُۥ رُوحُ ٱلۡقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِٱلۡحَقِّ
لِيُثَبِّتَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهُدٗى وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُسۡلِمِينَ ﴿١٠٢﴾

و سوگند های خودرا وسیله نیرنگ (به عهدشکنی) درمیان خویش مگیرید پس قدمی بعد استواری آن بلغزد و عقوبت را به سبب بازداشتن ازراه خدا بچشید وشمارا عذاب بزرگ باشد[٢٦] (٩٤). و عوض عهد خدا بهای اندك را مستانید هرآئینه آنچه نزدِ خداست شمارا بهتراست ا گر شما بدانید (٩٥). آنچه نزد شماست ازمیان می رود وآنچه نزد خداست پاینده است والبته صابران را پاداش ایشان به حسب نیکوترین آنچه می کردند میدهیم (٩٦). هرکسی که عمل نیك کرد مرد باشد یازن درحالی که اومسلمان است هرآئینه زنده کنیمش بزندگانی پاك[٢٧] و آن جماعت راپاداش ایشان به حسب نیکوترین آنچه می کردند میدهیم (٩٧). پس هنگامی که خواستی قرآن بخوانی ازشیطان رانده شده به خداپناه ببر (٩٨). هرآئینه شیطان را نیست غلبه برآنانکه ایمان آوردند وبر پروردگار خودتوکل میکنند (٩٩). جزاین نیست که غلبه اوبرآنانست که اورادوست می دارند وآنانکه ایشان به خدا شریك مقررمی کنند (١٠٠). وچون آیتی را به جای آیتی[٢٨] (دیگر) بدل کنیم وخدادانندە تراست به آنچه فرود می‌آورد گویند جزاین نیست که توافتراء کننده ای بلکه اکثرایشان نمیدانند (١٠١). بگو او را روح‌القدس ازجانب پروردگار تو به راستی فرود آورده است تا خدا مومنان را ثابت قدم گرداند و برای هدایت نمودن ومژده دادن مسلمانان (١٠٢).

---

(٢٦) مترجم گوید یعنی درجهاد عهد کرده وقسم خورده دغا (عهدشکنی) کردند این بسبب آنست که کافران بعدازاین قول ایشان را معتبر ندانند و بایشان صحبت ندارند بلکه مسلمانان درشبهه افتند والله اعلم.

(٢٧) یعنی دردنیانعمت دهیم.

(٢٨) یعنی یك آیت بآیت دیگرنسخ کنیم.

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُۥ بَشَرٌۗ لِّسَانُ
ٱلَّذِى يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِىٌّ وَهَـٰذَا لِسَانٌ عَرَبِىٌّ مُّبِينٌ
﴿١٠٣﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِـَٔايَـٰتِ ٱللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ ٱللَّهُ
وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠٤﴾ إِنَّمَا يَفْتَرِى ٱلْكَذِبَ ٱلَّذِينَ
لَا يُؤْمِنُونَ بِـَٔايَـٰتِ ٱللَّهِۖ وَأُو۟لَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلْكَـٰذِبُونَ ﴿١٠٥﴾
مَن كَفَرَ بِٱللَّهِ مِنۢ بَعْدِ إِيمَـٰنِهِۦٓ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُۥ
مُطْمَئِنٌّۢ بِٱلْإِيمَـٰنِ وَلَـٰكِن مَّن شَرَحَ بِٱلْكُفْرِ
صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ ٱللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ
﴿١٠٦﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ ٱسْتَحَبُّوا۟ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا عَلَى
ٱلْـَٔاخِرَةِ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلْكَـٰفِرِينَ
﴿١٠٧﴾ أُو۟لَـٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَسَمْعِهِمْ
وَأَبْصَـٰرِهِمْۖ وَأُو۟لَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلْغَـٰفِلُونَ ﴿١٠٨﴾ لَا جَرَمَ
أَنَّهُمْ فِى ٱلْـَٔاخِرَةِ هُمُ ٱلْخَـٰسِرُونَ ﴿١٠٩﴾ ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ
لِلَّذِينَ هَاجَرُوا۟ مِنۢ بَعْدِ مَا فُتِنُوا۟ ثُمَّ جَـٰهَدُوا۟
وَصَبَرُوٓا۟ إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١١٠﴾

وهرآئینه مامیدانیم که کافران می گویند جزاین نیست که این پیامبررا انسانی می آموزد زبان کسی که نسبت به سوی او می‌کنند عجمی است واین قرآن زبان عربی واضح است (۱۰۳). هرآئینه آنانکه به آیات خدا ایمان نمی آورند ایشان راخدا هدایت نمی نماید وایشان را عذاب درد ناك باشد (۱۰٤). جزاین نیست که دروغ را افتراء میکنند آنانکه به آیه های خدا ایمان ندارند وایشان دروغگویان اند (۱۰٥). هرکه به خدا بعدازایمانش کافرشود مگرآنکه بروی جبرکرده شود ودلش به ایمان مطمئن باشد ولیکن کسی که به کفر سینه گُشاده کند یعنی راضی شود، برایشان خشم ازخدا است وایشان را عذاب بزرگ است (۱۰٦). این خشم به خاطر آنست که ایشان زندگانی دنیا را برآخرت ترجیح دادند وبسبب آنست که خدا گروه کافران را راه نمی نماید (۱۰۷). ایشانند آن جماعت که خدابردل های ایشان وبرگوش ایشان ودیده های ایشان مُهرنهاده است وایشان بی خبرانند (۱۰۸). شك نیست درآنکه ایشان درآخرت زیان کارانند (۱۰۹). بازپروردگار توبرای آنان که هجرت کردند بعد ازآن که شکنجه دیدند (تاکلمه کفر بگویند) بازجهاد کردند وصبر نمودند هرآئینه پروردگار توبعد ازین مقدمه البته آمرزگارمهربانست (۱۱۰).

ثلاثة أرباع الحزب ٢٨

۞ يَوۡمَ تَأۡتِي كُلُّ نَفۡسٖ تُجَٰدِلُ عَن نَّفۡسِهَا وَتُوَفَّىٰ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا عَمِلَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ﴿١١١﴾ وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا قَرۡيَةٗ كَانَتۡ ءَامِنَةٗ مُّطۡمَئِنَّةٗ يَأۡتِيهَا رِزۡقُهَا رَغَدٗا مِّن كُلِّ مَكَانٖ فَكَفَرَتۡ بِأَنۡعُمِ ٱللَّهِ فَأَذَٰقَهَا ٱللَّهُ لِبَاسَ ٱلۡجُوعِ وَٱلۡخَوۡفِ بِمَا كَانُواْ يَصۡنَعُونَ ﴿١١٢﴾ وَلَقَدۡ جَآءَهُمۡ رَسُولٞ مِّنۡهُمۡ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ ٱلۡعَذَابُ وَهُمۡ ظَٰلِمُونَ ﴿١١٣﴾ فَكُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ حَلَٰلٗا طَيِّبٗا وَٱشۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ إِيَّاهُ تَعۡبُدُونَ ﴿١١٤﴾ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَيۡتَةَ وَٱلدَّمَ وَلَحۡمَ ٱلۡخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ لِغَيۡرِ ٱللَّهِ بِهِۦۖ فَمَنِ ٱضۡطُرَّ غَيۡرَ بَاغٖ وَلَا عَادٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿١١٥﴾ وَلَا تَقُولُواْ لِمَا تَصِفُ أَلۡسِنَتُكُمُ ٱلۡكَذِبَ هَٰذَا حَلَٰلٞ وَهَٰذَا حَرَامٞ لِّتَفۡتَرُواْ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ لَا يُفۡلِحُونَ ﴿١١٦﴾ مَتَٰعٞ قَلِيلٞ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿١١٧﴾ وَعَلَى ٱلَّذِينَ هَادُواْ حَرَّمۡنَا مَا قَصَصۡنَا عَلَيۡكَ مِن قَبۡلُۖ وَمَا ظَلَمۡنَٰهُمۡ وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ﴿١١٨﴾

آن روز که هر شخصی جدال کنان ازذات خود بیاید و هر شخصی را پاداش آنچه کرده است به تمام داده می شود وبه ایشان ستم کرده نمی شود (١١١). وخدا داستان دهی را که ایمنُ مطمئن بود به او روزی اوبه کشاد گی ازهرجای می‌آمد بیان کرد پس به نعمت های خدا ناسپاسی کرد پس خدااوراپوشش گرسنگی وترس چشانید به سبب آنچه می کردند (١١٢). وهرآئینه پیش ایشان پیامبری ازجنس ایشان آمد پس تکذیبش کردند پس ایشان را عقوبت گرفت وایشان ستمکاربودند[٢٩] (١١٣). پس ازآن چه خدا شمارا روزی داد حلال پاکیزه بخورید وبرنعمت خداشکر کنید اگر اورامی پرستید (١١٤). جزاین نیست که خدابرشما مرداروخون و گوشت خوك را حرام ساخته است وآنچه ذکر کرده شد برذبح او بنام غیرخدا پس هرکه مجبور کرده شد و نه ستم کرده ونه ازحد گذشته (یعنی بخورد ازمُحرمّ) پس خدا آمرزگار مهربانست (١١٥). ومگویید چیزی را که حکم اورا زبان شما به دروغ بیان می‌کند که آن حلال است واین حرام است تا برخدا دروغ را افتراء کنید هرآئینه آنانکه برخدا دروغ را افتراء می کنند رستگارنمی شوند (١١٦). ایشان را بهره ای اندك بُوَد وایشان را عذاب درد ناك باشد (١١٧). وبریهود آنچه قصه کردیم برتوپیش ازین (یعنی درسوره انعام) حرام کرده بودیم وبرایشان ستم نکردیم ولیکن ایشان برجان خویش ستم میکردند (١١٨).

(٢٩) مترجم گوید این قصهٔ اجمالی درآورده شده است ازقصه های بسیارومنطبق است برواقعه های بیشمار ولهذامثل نامیده شدو درعبارت اذاقهاالله لباس الجوع والخوف دوتشبیه دریك سیاق جمع کرده شده است والله اعلم.

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا۟ ٱلسُّوٓءَ بِجَهَٰلَةٍ ثُمَّ تَابُوا۟ مِنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوٓا۟ إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١١٩﴾ إِنَّ إِبْرَٰهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِّلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿١٢٠﴾ شَاكِرًا لِّأَنْعُمِهِ ۚ ٱجْتَبَىٰهُ وَهَدَىٰهُ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿١٢١﴾ وَءَاتَيْنَٰهُ فِى ٱلدُّنْيَا حَسَنَةً ۖ وَإِنَّهُۥ فِى ٱلْءَاخِرَةِ لَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١٢٢﴾ ثُمَّ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ أَنِ ٱتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَٰهِيمَ حَنِيفًا ۖ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿١٢٣﴾ إِنَّمَا جُعِلَ ٱلسَّبْتُ عَلَى ٱلَّذِينَ ٱخْتَلَفُوا۟ فِيهِ ۚ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُوا۟ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٢٤﴾ ٱدْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِٱلْحِكْمَةِ وَٱلْمَوْعِظَةِ ٱلْحَسَنَةِ ۖ وَجَٰدِلْهُم بِٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ ۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ ۖ وَهُوَ أَعْلَمُ بِٱلْمُهْتَدِينَ ﴿١٢٥﴾ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا۟ بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُم بِهِۦ ۖ وَلَئِن صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلصَّٰبِرِينَ ﴿١٢٦﴾ وَٱصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِٱللَّهِ ۚ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِى ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ ﴿١٢٧﴾ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوا۟ وَّٱلَّذِينَ هُم مُّحْسِنُونَ ﴿١٢٨﴾

بازهرآئینه پروردگار تو آنان را که به نادانی کار بد کردند بازبعد ازآن توبه کردند وشایسته کارشدند هرآئینه پروردگار تو بعد ازین توبه آمرزگار مهربانست (١١٩). هرآئینه ابراهیم امتی (بزرگوار) بود عبادت کننده برای خدا مایل به دین حق و ازمشرکان نبود[٣٠] (١٢٠). نعمت های خدا را سپاس دارندهٔ خدا برگزیدش و به سوی راه راست اوراهدایت نمود (١٢١). و دراین سرا نعمت عطا کردیمش وهرآئینه اودرآخرت از نیکوکاران است (١٢٢). بعد ازآن به سوی تو وحی فرستادیم که کیش ابراهیم را حنیف شده پیروی کن وازمشرکان نبود (١٢٣). جزاین نیست که تعظیم شنبه برآنانکه اختلاف کردند درآن لازم کرده شد وهرآئینه پروردگار تو درمیان ایشان روز قیامت درآنچه اختلاف میکردند درآن حکم کند[٣١] (١٢٤). دعوت کن (یعنی مردمان را) به سوی راه پروردگار خویش به دانش وپندنیك و باایشان به طریقی که آن نیکوتر است مناظره کن هرآئینه پروردگارتوداناتراست به کسیکه ازراه او گمراه شد واو به راه یابان دانا تراست (١٢٥). و ا گر مکافات کنید پس مکافات کنید به مثل آنچه باشما معامله کرده شد وا گر صبر کنید البته آن صبر برای صابران بهتراست (١٢٦). وشکیبایی کن و شکیبایی تو نیست مگر به توفیق خدا و برایشان اندوه مخور و درتنگدلی مباش ازآنکه بد اندیشی می کنند (١٢٧). هرآئینه خدا باپرهیزگاران است وباآنانکه ایشان نیکوکارانند (١٢٨).

---

(٣٠) مترجم گوید حنیف آنراگویند که حج وختنه وغسل جنابت می کرده باشد والله اعلم توضیح: حنیف آنرا گویند که شرك و باطل را ترك کرده بدین حق مایل باشد، مصحح.

(٣١) مترجم گوید یعنی یهود بحث میکردند درشنبه طائفه ای گفتند که خدای تعالی روزشنبه ازخلق فارغ شد پس درشنبه عبادت باید کردوطائفه ای سکوت کردند خدای تعالی تعظیم روزشنبه باین سبب برایشان واجب گردانید والله اعلم.

سُورَةُ الإِسْرَاءِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

سُبْحَٰنَ ٱلَّذِىٓ أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِۦ لَيْلًا مِّنَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ إِلَى
ٱلْمَسْجِدِ ٱلْأَقْصَا ٱلَّذِى بَٰرَكْنَا حَوْلَهُۥ لِنُرِيَهُۥ مِنْ ءَايَٰتِنَآ ۚ إِنَّهُۥ
هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْبَصِيرُ ﴿١﴾ وَءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ وَجَعَلْنَٰهُ
هُدًى لِّبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا۟ مِن دُونِى وَكِيلًا ﴿٢﴾
ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ﴿٣﴾
وَقَضَيْنَآ إِلَىٰ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ فِى ٱلْكِتَٰبِ لَتُفْسِدُنَّ فِى ٱلْأَرْضِ
مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا ﴿٤﴾ فَإِذَا جَآءَ وَعْدُ أُولَىٰهُمَا
بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَآ أُو۟لِى بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا۟ خِلَٰلَ
ٱلدِّيَارِ ۚ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ﴿٥﴾ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ ٱلْكَرَّةَ
عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَٰكُم بِأَمْوَٰلٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَٰكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا
﴿٦﴾ إِنْ أَحْسَنتُمْ أَحْسَنتُمْ لِأَنفُسِكُمْ ۖ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا ۚ فَإِذَا
جَآءَ وَعْدُ ٱلْءَاخِرَةِ لِيَسُۥٓـُٔوا۟ وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا۟ ٱلْمَسْجِدَ
كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا۟ مَا عَلَوْا۟ تَتْبِيرًا ﴿٧﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

پاك ومنزه است آنکه ببرد بنده خود را شبی از مسجد حرام به سوی مسجد اقصی که برکت نهادیم گرداگردآن را تابنماییمش بعض نشانه های خودهرآئینه اوست شنوای بینا[۱] (۱). و موسیٰ را کتاب دادیم آن را (مایه) هدایت برای بنی اسرائیل گردانیدیم گفتیم که بجزمن کارسازی نگیرید (۲). فرزندان قومی که برداشتیم ایشان را بانوح (یعنی برکشتی) هرآئینه وی بندهٔ سپاسگزار بود (۳). و به سوی بنی اسرائیل درتورات وحی فرستادیم که البته در زمین دوبار فساد خواهید کرد والبته باسرکشی بزرگ طغیان خواهید کرد (٤). پس چون وعده نخستین بارازآن دو بیاید، برشما بندگان خودرا خداوندانِ کارزار سخت بفرستیم پس درآیند میان خانه‌ها (یعنی برای قتل ونهب) و وعدهٔ خداشدنی هست[۲] (۵). باز شمارا برایشان غلبه دهیم وپی درپی شمارا اموال و فرزندان دهیم و شمارا باعتبار لشکر بیشتر[۳] سازیم (٦). وگوییم ا گر نیکوکاری کنید، نیکوکاری کرده باشید برای خویشتن واگربد کاری کنید پس آن بدی برای خودتان است پس چون بیاید وعدهٔ دیگر (بازبفرستیم بندگان خودرا) تاناخوش سازند روی های شمارا وتا درآیند به مسجد چنانچه بار اوّل درآمده بودند وتا ازپابه افکنند برهرچه غالب شوند افکندنی[٤] (۷).

---

(۱) یعنی خدای تعالی درشب معراج پیش ازسفر به آسمان‌ها آنحضرت صلی الله علیه وسلم را به مسجد بیت المقدس رسانید.

(۲) مترجم گوید واین وعده متحقق شد بتسلیط جالوت پادشاه عمالقه.

(۳) مترجم گوید واین معنی در خلافت حضرت داود ظاهرشد.

(٤) مترجم گوید واین وعده متحقق شد وقتیکه حضرت یحییٰ راکشتند پس بخت نصررابرآنان مسلط ساخت.

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ ۚ وَإِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا ۘ وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا ﴿٨﴾ إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿٩﴾ وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٠﴾ وَيَدْعُ الْإِنسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ ۖ وَكَانَ الْإِنسَانُ عَجُولًا ﴿١١﴾ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ ۖ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ ۚ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا ﴿١٢﴾ وَكُلَّ إِنسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ ۖ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا ﴿١٣﴾ اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿١٤﴾ مَّنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۖ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۚ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۗ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا ﴿١٥﴾ وَإِذَا أَرَدْنَا أَن نُّهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا ﴿١٦﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِن بَعْدِ نُوحٍ ۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿١٧﴾

گوییم نزدیك است پروردگار شماازآنکه برشما رحم کند و ا گر رجوع کنید به نافرمانی ما به عقوبت رجوع کنیم و دوزخ را برای کافران زندان ساختیم[٥] (٨). هرآئینه این قرآن راه می نماید بخصلتی که اودرست تراست و آن مسلمانان را که کارهای شایسته می کنند بشارت میدهد به آن که ایشانرا پاداش بزرگ باشد (٩). واینکه آنانکه به آخرت ایمان نمی‌آورند برای ایشان عقوبت دردناك آماده کرده ایم (١٠). ودعامیکند آدمی به بدی[٦] مانند دعای وی به نیکویی و آدمی شتاب کار هست(١١). وساختیم شب و روز را دونشانه پس بی نورساختیم نشانهٔ شب را وساختیم نشانه روز را درخشان (برای دیدنِ اشیاء) تا فضلی را ازپروردگار خود طلب کنید وتا شمارِ سال‌هارا بدانید و حساب را بدانید وهرچیزی را به تفصیل بیان کردیم (١٢). وبهرآدمی (متصل ساختیم) نامه عمل اورا، درگردن او بسته ایم وبیرون آوردیم برای او روز قیامت نامه ای که آن را بازکشاده بیند (١٣). گوییم نامهٔ خودرا بخوان نفس تو امروزبرتو حساب کننده بس است (١٤). هر که برای نفع خود راه یاب شدجزاین نیست که راه یاب میشود وهرکه گمراه شد پس جزاین نیست که گمراه میشود برضرر خود و هیچ بردارنده باردیگری را برندارد و ماعذاب کننده نیستیم تاآنکه پیامبری را بفرستیم (١٥). وچون خواهیم که دهی را هلاك کنیم می فرماییم به سرکشان آنجا (یعنی آنچه خواهیم) پس نافرمانی کنندآنجا پس برآن ده وعدهٔ عذاب ثابت شود پس ایشان را برهم زنیم برهم زدنی (١٦). وبساکسانی را هلاك کردیم ازطبقات مردمان بعدازنوح و پروردگار تو به گناه بندگان خود دانای بینا بس است (١٧).

---

(٥) مترجم گویدایشان رجوع کردند بفساد وتکذیب حضرت عیسیٰ وباحضرت پیامبرجنگ کردند پس خدای تعالی بازگشت بتعذیب ایشان، بقتل واسرو جزیه.

(٦) مترجم گوید یعنی درحالت تنگدلی برخود وبراولاد خود دعای بدمیکند.

مَّن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡعَاجِلَةَ عَجَّلۡنَا لَهُۥ فِيهَا مَا نَشَآءُ لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ
جَعَلۡنَا لَهُۥ جَهَنَّمَ يَصۡلَىٰهَا مَذۡمُومٗا مَّدۡحُورٗا ﴿١٨﴾ وَمَنۡ أَرَادَ
ٱلۡأٓخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعۡيَهَا وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ كَانَ
سَعۡيُهُم مَّشۡكُورٗا ﴿١٩﴾ كُلّٗا نُّمِدُّ هَٰٓؤُلَآءِ وَهَٰٓؤُلَآءِ مِنۡ
عَطَآءِ رَبِّكَۚ وَمَا كَانَ عَطَآءُ رَبِّكَ مَحۡظُورًا ﴿٢٠﴾ ٱنظُرۡ كَيۡفَ
فَضَّلۡنَا بَعۡضَهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۚ وَلَلۡأٓخِرَةُ أَكۡبَرُ دَرَجَٰتٖ وَأَكۡبَرُ
تَفۡضِيلٗا ﴿٢١﴾ لَّا تَجۡعَلۡ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتَقۡعُدَ مَذۡمُومٗا مَّخۡذُولٗا
﴿٢٢﴾ ۞ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّآ إِيَّاهُ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنًاۚ إِمَّا
يَبۡلُغَنَّ عِندَكَ ٱلۡكِبَرَ أَحَدُهُمَآ أَوۡ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَآ
أُفّٖ وَلَا تَنۡهَرۡهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوۡلٗا كَرِيمٗا ﴿٢٣﴾ وَٱخۡفِضۡ لَهُمَا
جَنَاحَ ٱلذُّلِّ مِنَ ٱلرَّحۡمَةِ وَقُل رَّبِّ ٱرۡحَمۡهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي
صَغِيرٗا ﴿٢٤﴾ رَّبُّكُمۡ أَعۡلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمۡۚ إِن تَكُونُواْ صَٰلِحِينَ
فَإِنَّهُۥ كَانَ لِلۡأَوَّٰبِينَ غَفُورٗا ﴿٢٥﴾ وَءَاتِ ذَا ٱلۡقُرۡبَىٰ حَقَّهُۥ
وَٱلۡمِسۡكِينَ وَٱبۡنَ ٱلسَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرۡ تَبۡذِيرًا ﴿٢٦﴾ إِنَّ ٱلۡمُبَذِّرِينَ
كَانُوٓاْ إِخۡوَٰنَ ٱلشَّيَٰطِينِۖ وَكَانَ ٱلشَّيۡطَٰنُ لِرَبِّهِۦ كَفُورٗا ﴿٢٧﴾

ربع الحزب ٢٩

هرکه خواسته باشد آسودگی دنیا به شتاب دهیم ویرا درآن جا هر چه خواهیم برای هرکس که خواهیم باز برای اودوزخ را مقرر کنیم درآید به آن نکوهیده رانده شده (۱۸). وهرکس که پاداش آخرت را بخواهد وسعی کند برای وی سعیی که لایق وی است درحالیکه اومسلمان باشد پس این جماعت سعی ایشان مشکور (ومقبول) هست (۱۹). هرفرقه ای را پی درپی میدهیم این فرقه راوآن فرقه را زبخشش پروردگار تو و بخشش پروردگار تو بازداشته شده نیست (۲۰). ببین چگونه بعض مردمان را بربعضی برتری داده ایم[(۷)] وهرآئینه آخرت زیاده تر بود در تمیزدرجات و در برتری دادن بیشتر باشد (۲۱). باخدا معبودی دیگررا مقرر مکن آنگاه نکوهیدهٔ بی یارمانده بنشینی (۲۲). و پروردگار تو حکم کرد که عبادت مکنید مگروی رافقط و باپدرومادر نیکوکاری بکنید ا گر برسد نزدیك تو کهنسالی به یکی ازایشان یا به هر دو پس مگوایشان را اُف وبانگ مزن برایشان و باایشان سخن نیکو بگو (۲۳). وپست کن برای ایشان بازوی تواضع را ازجهت مهربانی وبگو ای پروردگار من ایشان را ببخشای چنانچه مرا درخورد سالی پرورش دادند (۲٤). پروردگار شما داناتراست به آنچه درنفسهای شما است ا گر شایسته باشید پس هر آئینه وی هست رجوع کنندگان را آمرزنده (۲۵). و به خویشاوند حق آن را بده وبه درویش وبه راه گذر واسراف مکن اسراف کردنی (۲٦). هرآئینه اسراف کنندگان برادران شیاطین هستند و شیطان به نسبت پروردگار خود ناسپاس هست(۲۷).

---

(۷) یعنی دردنیا بحد رزق وجاه.

وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ٱبْتِغَآءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُل لَّهُمْ قَوْلًا
مَّيْسُورًا ﴿٢٨﴾ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا
كُلَّ ٱلْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا ﴿٢٩﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ
لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرًۢا بَصِيرًا ﴿٣٠﴾ وَلَا تَقْتُلُوٓا۟
أَوْلَٰدَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَٰقٍ ۖ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ ۚ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ
خِطْـًٔا كَبِيرًا ﴿٣١﴾ وَلَا تَقْرَبُوا۟ ٱلزِّنَىٰٓ ۖ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةً وَسَآءَ
سَبِيلًا ﴿٣٢﴾ وَلَا تَقْتُلُوا۟ ٱلنَّفْسَ ٱلَّتِى حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلْحَقِّ ۗ
وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِۦ سُلْطَٰنًا فَلَا يُسْرِف فِّى
ٱلْقَتْلِ ۖ إِنَّهُۥ كَانَ مَنصُورًا ﴿٣٣﴾ وَلَا تَقْرَبُوا۟ مَالَ ٱلْيَتِيمِ إِلَّا بِٱلَّتِى
هِىَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُۥ ۚ وَأَوْفُوا۟ بِٱلْعَهْدِ ۖ إِنَّ ٱلْعَهْدَ كَانَ
مَسْـُٔولًا ﴿٣٤﴾ وَأَوْفُوا۟ ٱلْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا۟ بِٱلْقِسْطَاسِ ٱلْمُسْتَقِيمِ ۚ
ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٣٥﴾ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِۦ عِلْمٌ ۚ إِنَّ
ٱلسَّمْعَ وَٱلْبَصَرَ وَٱلْفُؤَادَ كُلُّ أُو۟لَٰٓئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْـُٔولًا ﴿٣٦﴾
وَلَا تَمْشِ فِى ٱلْأَرْضِ مَرَحًا ۖ إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ ٱلْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ
ٱلْجِبَالَ طُولًا ﴿٣٧﴾ كُلُّ ذَٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُۥ عِندَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ﴿٣٨﴾

و ا گر روی‌بگردانی ازاین جماعت بانتظار رزقی ازپروردگار خود که امیدوارآن باشی پس ایشان را سخن ملایم بگو (۲۸). و دست خودرا بسته با گردن خود مکن ومگشای آن را تمام گشادن که آنگاه بنشینی ملامت کرده شده[۸] درمانده گشته[۹] (۲۹). هرآئینه پروردگار تو روزی را می‌گشاید و برای هرکه خواهد تنگ میکند هرآئینه اوبه بندگان خود دانا بیناست (۳۰). و اولاد خودرا ازترس تنگ دستی مکشید ما ایشان را وشمارا روزی میدهیم هرآئینه کشتنِ ایشان گناهی عظیم هست (۳۱). ونزدیك مشوید به زنا هرآئینه آن بی حیایی است وآن بدراهی است (۳۲). و نفسی را که خدا حرام ساخته است مگر بحق مکشید وهرکه کشته شود به ستم پس وارث اورا قوتی داده ایم[۱۰] پس باید که زیادتی نکند درکشتن هرآئینه وی یاری داده شده هست(۳۳). و به مال یتیم مگر به طریقی که او نیك تر است نزدیك مشوید تاآنکه به نهایت قوت خود رسد وبه عهد وفا کنید هرآئینه عهد ازو پرسیده خواهد شد (۳٤). وتمام کنید پیمانه را چون پیمایید و به ترازوی راست بسنجید این ازجهت عاقبت بهترست ونیکوترست (۳۵). و پیِ چیزی که ترا دانش آن نیست مرو هرآئینه گوش وچشم ودل هریکی ازین ها پرسیده خواهد شد (۳٦). ومَرو درزمین خرامان[۱۱] هرآئینه تو نخواهی زمین را شکافت و به کوه ها دردرازی (وبلندی) نرسی (۳۷). همه این خصلت هابَدِیش نزدِ پروردگار توناپسندیده است (۳۸).

---

(۸) یعنی درصورت بخل.
(۹) یعنی درصورت اسراف.
(۱۰) یعنی حق قصاص.
(۱۱) یعنی متکبرانه ومغرورانه.

ذَٰلِكَ مِمَّآ أَوۡحَىٰٓ إِلَيۡكَ رَبُّكَ مِنَ ٱلۡحِكۡمَةِۗ وَلَا تَجۡعَلۡ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا
ءَاخَرَ فَتُلۡقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومٗا مَّدۡحُورًا ﴿٣٩﴾ أَفَأَصۡفَىٰكُمۡ رَبُّكُم
بِٱلۡبَنِينَ وَٱتَّخَذَ مِنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنَٰثًاۚ إِنَّكُمۡ لَتَقُولُونَ قَوۡلًا عَظِيمٗا ﴿٤٠﴾
وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَا فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لِيَذَّكَّرُواْ وَمَا يَزِيدُهُمۡ إِلَّا نُفُورٗا ﴿٤١﴾
قُل لَّوۡ كَانَ مَعَهُۥٓ ءَالِهَةٞ كَمَا يَقُولُونَ إِذٗا لَّٱبۡتَغَوۡاْ إِلَىٰ ذِي ٱلۡعَرۡشِ سَبِيلٗا
﴿٤٢﴾ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوّٗا كَبِيرٗا ﴿٤٣﴾ تُسَبِّحُ لَهُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ
ٱلسَّبۡعُ وَٱلۡأَرۡضُ وَمَن فِيهِنَّۚ وَإِن مِّن شَيۡءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمۡدِهِۦ وَلَٰكِن
لَّا تَفۡقَهُونَ تَسۡبِيحَهُمۡۗ إِنَّهُۥ كَانَ حَلِيمًا غَفُورٗا ﴿٤٤﴾ وَإِذَا قَرَأۡتَ
ٱلۡقُرۡءَانَ جَعَلۡنَا بَيۡنَكَ وَبَيۡنَ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ حِجَابٗا
مَّسۡتُورٗا ﴿٤٥﴾ وَجَعَلۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ أَكِنَّةً أَن يَفۡقَهُوهُ وَفِيٓ ءَاذَانِهِمۡ
وَقۡرٗاۚ وَإِذَا ذَكَرۡتَ رَبَّكَ فِي ٱلۡقُرۡءَانِ وَحۡدَهُۥ وَلَّوۡاْ عَلَىٰٓ أَدۡبَٰرِهِمۡ نُفُورٗا ﴿٤٦﴾
نَّحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَسۡتَمِعُونَ بِهِۦٓ إِذۡ يَسۡتَمِعُونَ إِلَيۡكَ وَإِذۡ هُمۡ نَجۡوَىٰٓ
إِذۡ يَقُولُ ٱلظَّٰلِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلٗا مَّسۡحُورًا ﴿٤٧﴾ ٱنظُرۡ
كَيۡفَ ضَرَبُواْ لَكَ ٱلۡأَمۡثَالَ فَضَلُّواْ فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ سَبِيلٗا ﴿٤٨﴾
وَقَالُوٓاْ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمٗا وَرُفَٰتًا أَءِنَّا لَمَبۡعُوثُونَ خَلۡقٗا جَدِيدٗا ﴿٤٩﴾

این ازآنجمله هست که وحی فرستاده است به سوی تو پروردگارت ازعلم و باخدا معبود دیگری را مقرر مکن آنگاه دردوزخ ملامت کرده شده رانده گشته انداخته شوی (٣٩). آیا شمارا پروردگار شما به پسران برگزید وخود ازفرشتگان دختران را برگزید هرآئینه شما سخن گران میگویید (٤٠). وبه یقین درین قرآن بهر نوع سخن گفتیم تا پند پذیر شوند ودرحق ایشان مگر رمیدن را نمی‌افزاید (٤١). بگواگر باخدا معبودان دیگری می‌بودند چنانکه می گویند آنگاه به سوی خداوند عرش راه منازعت را طلب می کردند (٤٢). وی پاك است وبلند است ازآنچه می گویند بلندی عظیم (٤٣). او راآسمان‌های هفت گانه وزمین وهرکس که دراینهاست به پاکی یاد می‌کنند ونیست هیچ چیزی مگرباستایش به پاکی اورا یاد میکنند ولیکن شما به پاکی یاد کردن ایشانرا نمی فهمید هرآئینه اوبردبارآمرزگار هست (٤٤). وچون میخوانی قرآن را درمیان تو ودرمیان آنانکه آخرت را باورنمیدارند پردهٔ پوشیده میسازیم (٤٥). ومی نهیم بردلهای ایشان پوششها تانفهمندش ودرگوش‌های ایشان گرانی را وچون پروردگار خود را درقرآن تنها یادکنی روگردان شوند برجانب پشت خودرمیده[۱۲] (٤٦). ماداناتریم به چیزی که بسبب آن می شنوند[۱۳] وقتی که گوش فرامیدهند به سوی تو و وقتیکه ایشان رازگویان باشند وقتی که این ستمکاران می‌گویند مگر مرد جادو شده را پیروی نمی کنید (٤٧). بنگر چگونه داستان‌ها برای تو زدند پس گمراه شدند پس راه یافتن را نمی توانند (٤٨). و گفتندآیاچون استخوانی چند واعضای پوسیده ازهم پاشیده شویم آیا به آفرینشِ نو برانگیخته شویم (٤٩).

---

(۱۲) مترجم گوید درین هر دو آیت کنایت است از عدم انتفاع ایشان بقرآن و مواعظ.

(۱۳) یعنی بقصد استهزاء وعیب جویی.

نصف الحزب ٢٩

۞ قُلْ كُونُوا۟ حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا ﴿٥٠﴾ أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِى
صُدُورِكُمْ ۚ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا ۖ قُلِ ٱلَّذِى فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۚ
فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَ ۖ قُلْ عَسَىٰٓ أَن
يَكُونَ قَرِيبًا ﴿٥١﴾ يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِۦ وَتَظُنُّونَ
إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٥٢﴾ وَقُل لِّعِبَادِى يَقُولُوا۟ ٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ ۚ
إِنَّ ٱلشَّيْطَـٰنَ يَنزَغُ بَيْنَهُمْ ۚ إِنَّ ٱلشَّيْطَـٰنَ كَانَ لِلْإِنسَـٰنِ عَدُوًّا
مُّبِينًا ﴿٥٣﴾ رَّبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ ۖ إِن يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ أَوْ إِن يَشَأْ
يُعَذِّبْكُمْ ۚ وَمَآ أَرْسَلْنَـٰكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ﴿٥٤﴾ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ
بِمَن فِى ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۗ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ عَلَىٰ
بَعْضٍ ۖ وَءَاتَيْنَا دَاوُۥدَ زَبُورًا ﴿٥٥﴾ قُلِ ٱدْعُوا۟ ٱلَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن
دُونِهِۦ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ ٱلضُّرِّ عَنكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا ﴿٥٦﴾ أُو۟لَـٰٓئِكَ
ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ ٱلْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ
وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُۥ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُۥٓ ۚ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ
مَحْذُورًا ﴿٥٧﴾ وَإِن مِّن قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ ٱلْقِيَـٰمَةِ
أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا ۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِى ٱلْكِتَـٰبِ مَسْطُورًا ﴿٥٨﴾

بگوسنگ شوید یاآهن شوید (۵۰). یانوعی دیگر ازآنچه بزرگ نماید دردل های شما شویدپس خواهند گفت چه کسی مارا باز پیدا کند بگوکسی که شمارا بار اوّل آفرید بازپس به سوی توسر های خودرا[۱٤] خواهند جنبانید وخواهند گفت آن کی باشد بگوشاید که نزدیك باشد (۵۱). روزی که شمارا خدا بخواند پس خواندن اورا قبول کنید حمد گویان وگمان کنید که درنگ نکرده بودید مگر اندکی (۵۲). وبگوبندگان مرا که بگویند سخنی که آن بهترست (یعنی باکفار) هرآئینه شیطان نزاع می افکند میان مردمان هرآئینه شیطان برای انسان دشمن آشکار هست (۵۳). پروردگار شما به حال شما داناترست ا گر خواهد بر شما رحم کند وا گر خواهد شمارا عقوبت کند ونفرستادیم تورا (یامحمد) برایشان نگاهبان[۱۵] (٥٤). وپروردگار تو به حال هرکسی که درآسمان ها وزمین است داناست وهرآئینه بعض پیامبران را بربعضی دیگر فضل داده‌ایم و دواد را زبور داده‌ایم (۵۵). بگو آنان را که گمان الوهیت را درحق ایشان غیراز خدا دارید بخوانید پس دفع زیان ورفع بلایی را ازشما نتوانند ونه تغییردادن (٥٦). آنانکه ایشان را کافران می پرستند به سوی پروردگار خویش قرب را طلب میکنند که کدام یك ازایشان نزدیك تر باشد وتوقع دارند رحمت او را و ازعذاب او می‌ترسند هرآئینه عذاب پروردگار تو ترسناك هست (۵۷). ونیست هیچ دهی مگر ماهلاك کننده‌ٔوی هستیم پیش از روزقیامت یا عذاب کننده‌ٔ وی هستیم به عذابی سخت هست این وعده درلوح نوشته شده (۵۸).

(۱٤) یعنی ملزم خواهندشد.

(۱۵) مترجم گوید واین کلمه پیش ازامر به جهادبود.

وَمَا مَنَعَنَآ أَن نُّرۡسِلَ بِٱلۡأٓيَٰتِ إِلَّآ أَن كَذَّبَ بِهَا ٱلۡأَوَّلُونَۚ
وَءَاتَيۡنَا ثَمُودَ ٱلنَّاقَةَ مُبۡصِرَةٗ فَظَلَمُواْ بِهَاۚ وَمَا نُرۡسِلُ بِٱلۡأٓيَٰتِ
إِلَّا تَخۡوِيفٗا ﴿٥٩﴾ وَإِذۡ قُلۡنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِٱلنَّاسِۚ وَمَا جَعَلۡنَا
ٱلرُّءۡيَا ٱلَّتِيٓ أَرَيۡنَٰكَ إِلَّا فِتۡنَةٗ لِّلنَّاسِ وَٱلشَّجَرَةَ ٱلۡمَلۡعُونَةَ
فِي ٱلۡقُرۡءَانِۚ وَنُخَوِّفُهُمۡ فَمَا يَزِيدُهُمۡ إِلَّا طُغۡيَٰنٗا كَبِيرٗا ﴿٦٠﴾
وَإِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ
قَالَ ءَأَسۡجُدُ لِمَنۡ خَلَقۡتَ طِينٗا ﴿٦١﴾ قَالَ أَرَءَيۡتَكَ هَٰذَا ٱلَّذِي
كَرَّمۡتَ عَلَيَّ لَئِنۡ أَخَّرۡتَنِ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَأَحۡتَنِكَنَّ
ذُرِّيَّتَهُۥٓ إِلَّا قَلِيلٗا ﴿٦٢﴾ قَالَ ٱذۡهَبۡ فَمَن تَبِعَكَ مِنۡهُمۡ فَإِنَّ
جَهَنَّمَ جَزَآؤُكُمۡ جَزَآءٗ مَّوۡفُورٗا ﴿٦٣﴾ وَٱسۡتَفۡزِزۡ مَنِ ٱسۡتَطَعۡتَ
مِنۡهُم بِصَوۡتِكَ وَأَجۡلِبۡ عَلَيۡهِم بِخَيۡلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكۡهُمۡ
فِي ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَوۡلَٰدِ وَعِدۡهُمۡۚ وَمَا يَعِدُهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ إِلَّا
غُرُورًا ﴿٦٤﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيۡسَ لَكَ عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٞۚ وَكَفَىٰ
بِرَبِّكَ وَكِيلٗا ﴿٦٥﴾ رَّبُّكُمُ ٱلَّذِي يُزۡجِي لَكُمُ ٱلۡفُلۡكَ فِي
ٱلۡبَحۡرِ لِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِكُمۡ رَحِيمٗا ﴿٦٦﴾

وبازنداشت مارا ازآنکه نشانه ها بفرستیم مگر آنکه آن را پیشینیان تکذیب کرده بودند و ثمود را شتر ماده نشانه ای درخشان دادیم پس بوی کافر شدند ونمی‌فرستیم نشانه هارا مگر برای ترسانیدن (۵۹). ویادکن چون تورا گفتیم که پروردگار تو همه مردمان را (یعنی درقدرت خود) دربرگرفته است و نساختیم نمایشی را که به تو نمودیم مگر امتحان برای مردمان ونساختیم درختی را که درقرآن نفرین کرده شد مگر امتحانی ایشان را ومی‌ترسانیم پس ترسانیدن درحق ایشان مگر سرکشی بزرگ[۱۶] را نمی افزاید (٦٠). ویاد کن چون فرشتگان را گفتیم سجده کنید به آدم پس سجده کردند الّا ابلیس گفت آیا کسی را سجده کنم که ازگِل آفریده ای (٦١). بازگفت آیا این شخص را که برتری داده ای برمن دیدی اگر مهلت دهی مرا تاروزقیامت البته اولاد او را مگر اندکی ازبیخ برکنم (٦٢). خدا فرمود برو پس هرکسیکه ازایشان پیروی تو کند پس دوزخ سزای همه شما است سزای کامل وفراوان (٦٣). وازجابجنبان هرکه را توانی ازایشان به آواز خود وآواز کن بر ایشان توسط سواران خود وپیادگان خود و با ایشان دراموال وفرزندان شریك شو وایشان را وعده ده و شیطان ایشان را وعده نمی دهد مگر به فریب[۱۷] (٦٤). هرآئینه بندگان من تورا برایشان هیچ قدرتی نیست و پروردگار تو کارساز بس است (٦٥). پروردگار شما آن است که برای شما کشتی ها را دردریا روان میکند تا ازفضل او طلب معیشت کنید هر آئینه او برشما مهربان هست (٦٦).

(١٦) یعنی چون کافران قصه معراج شنیدند وآیت (ان شجرة الزقوم طعام الاثیم) به ایشان رسید استبعاد کردند ومحل طعن ساختند.

(١٧) مترجم گوید واین تصویر سعی شیطان است درگمراه کردن ایشان ماخوذ ازفعل رئیس دزدان چون دهی را غارت کند برایشان نعره میزند وسواران وپیادگان خود را آواز میدهد که ازین سو بگیریدوازآن سوبگیرید.

وَإِذَا مَسَّكُمُ ٱلضُّرُّ فِى ٱلْبَحْرِ ضَلَّ مَن تَدْعُونَ إِلَّآ إِيَّاهُ ۖ فَلَمَّا
نَجَّىٰكُمْ إِلَى ٱلْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ ۚ وَكَانَ ٱلْإِنسَٰنُ كَفُورًا ﴿٦٧﴾ أَفَأَمِنتُمْ
أَن يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ ٱلْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ
لَا تَجِدُوا۟ لَكُمْ وَكِيلًا ﴿٦٨﴾ أَمْ أَمِنتُمْ أَن يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً
أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ ٱلرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ
ثُمَّ لَا تَجِدُوا۟ لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِۦ تَبِيعًا ﴿٦٩﴾ ۞ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِىٓ
ءَادَمَ وَحَمَلْنَٰهُمْ فِى ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ وَرَزَقْنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ
وَفَضَّلْنَٰهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ﴿٧٠﴾ يَوْمَ نَدْعُوا۟
كُلَّ أُنَاسٍۭ بِإِمَٰمِهِمْ ۖ فَمَنْ أُوتِىَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ فَأُو۟لَٰٓئِكَ
يَقْرَءُونَ كِتَٰبَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٧١﴾ وَمَن كَانَ
فِى هَٰذِهِۦٓ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِى ٱلْءَاخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٧٢﴾ وَإِن
كَادُوا۟ لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ ٱلَّذِىٓ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ لِتَفْتَرِىَ
عَلَيْنَا غَيْرَهُۥ ۖ وَإِذًا لَّٱتَّخَذُوكَ خَلِيلًا ﴿٧٣﴾ وَلَوْلَآ أَن ثَبَّتْنَٰكَ
لَقَدْ كِدتَّ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْـًٔا قَلِيلًا ﴿٧٤﴾ إِذًا لَّأَذَقْنَٰكَ ضِعْفَ
ٱلْحَيَوٰةِ وَضِعْفَ ٱلْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا ﴿٧٥﴾

ثلاثة أرباع الحزب ٢٩

وچون بشما سختی ای دردریا برسد گم شود کسی که اورا میخوانید مگر خدا پس چون شمارا به سوی خشکی نجات داد روی‌گردان شدید وآدمی ناسپاس هست (٦٧). آیا ایمن شده‌اید ازآنکه شما را به جانب خشکی فروبرد یا برشما باد تندی که سنگ ریزه افکند بفرستد باز برای خود هیچ نجات دهنده ای نیابید (٦٨). آیا ایمن شده اید ازآنکه بازدرآرد شمارا به دریا باردیگر پس برشما ازجنس باد، بادتندی را بفرستد پس شمارا غرق گرداند بسبب آنکه کافر شدید باز برای خود هیچ بازخواست کننده برما (بسبب آن غرق) نیابید (٦٩). وبه راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشته ایم و ایشان رادربیابان ودردریا برداشتیم[۱۸] و ایشان را ازپاکیزه‌ها وخوشمزها روزی دادیم وایشان را بربسیاری ازآنچه آفریده ایم چنانکه باید برتری دادیم (٧٠). روزی که بخوانیم هرفرقه ای را باپیشوای ایشان پس هرکه نامهٔ اعمال اوبدست راستش داده شده پس آنجماعت بخوانند نامهٔ خودرا ومقدار یك رشته ستم کرده نشوند (٧١). وهرکه دردنیا کور باشد[۱۹] وی درآخرت نیز کور است وراه را خطا کننده تراست (٧٢). وهرآئینه نزدیك بودند که (بفریب) تورا ازآنچه وحی فرستاده ایم به سوی توبازدارند تا برماغیرآن را بربندی وآنگاه تورا دوست می گرفتند (٧٣). و ا گر نبودآن که تورا ثابت داشتیم نزدیك بودی که میل کنی به سوی ایشان اندك میلی (٧٤). آنگاه تورا دوچند عذاب زندگانی ودوچند عذاب مرگ می چشانیدیم باز برای خود مددکننده ای برما نمی یافتی (٧٥).

---

(۱۸) یعنی بردواب وکشتی.

(۱۹) یعنی حقیقت را نبینند.

وَإِن كَادُواْ لَيَسۡتَفِزُّونَكَ مِنَ ٱلۡأَرۡضِ لِيُخۡرِجُوكَ مِنۡهَاۖ وَإِذٗا لَّا يَلۡبَثُونَ خِلَٰفَكَ إِلَّا قَلِيلٗا ٧٦ سُنَّةَ مَن قَدۡ أَرۡسَلۡنَا قَبۡلَكَ مِن رُّسُلِنَاۖ وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحۡوِيلًا ٧٧ أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِدُلُوكِ ٱلشَّمۡسِ إِلَىٰ غَسَقِ ٱلَّيۡلِ وَقُرۡءَانَ ٱلۡفَجۡرِۖ إِنَّ قُرۡءَانَ ٱلۡفَجۡرِ كَانَ مَشۡهُودٗا ٧٨ وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَتَهَجَّدۡ بِهِۦ نَافِلَةٗ لَّكَ عَسَىٰٓ أَن يَبۡعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامٗا مَّحۡمُودٗا ٧٩ وَقُل رَّبِّ أَدۡخِلۡنِي مُدۡخَلَ صِدۡقٖ وَأَخۡرِجۡنِي مُخۡرَجَ صِدۡقٖ وَٱجۡعَل لِّي مِن لَّدُنكَ سُلۡطَٰنٗا نَّصِيرٗا ٨٠ وَقُلۡ جَآءَ ٱلۡحَقُّ وَزَهَقَ ٱلۡبَٰطِلُۚ إِنَّ ٱلۡبَٰطِلَ كَانَ زَهُوقٗا ٨١ وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٞ وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا خَسَارٗا ٨٢ وَإِذَآ أَنۡعَمۡنَا عَلَى ٱلۡإِنسَٰنِ أَعۡرَضَ وَنَـَٔا بِجَانِبِهِۦ وَإِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ كَانَ يَـُٔوسٗا ٨٣ قُلۡ كُلّٞ يَعۡمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِۦ فَرَبُّكُمۡ أَعۡلَمُ بِمَنۡ هُوَ أَهۡدَىٰ سَبِيلٗا ٨٤ وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلرُّوحِۖ قُلِ ٱلرُّوحُ مِنۡ أَمۡرِ رَبِّي وَمَآ أُوتِيتُم مِّنَ ٱلۡعِلۡمِ إِلَّا قَلِيلٗا ٨٥ وَلَئِن شِئۡنَا لَنَذۡهَبَنَّ بِٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِۦ عَلَيۡنَا وَكِيلًا ٨٦

وهرآئینه نزدیك بودند که تورا از زمین بلغزانند تا تورا ازآنجا جلاوطن کنند و آنگاه پس ازتومگراندکی نمانند (٧٦). (مانند) روش آنانکه ایشان را پیش ازتوازپیامبران خویش فرستاده ایم و در روش ما تبدیلی را نخواهی یافت[٢٠] (٧٧). نمازرا وقت زوال آفتاب تاهنگام تاریکی شب برپا دار وقرآن خواندن فجررا لازم گیر هرآئینه قرآن خواندن فجررا فرشتگان حاضر می شوند (٧٨). وپاره‌ای از شب بیدار باش پس نماز شب بخوان که برای توافزون (بردیگران) است، نزدیك است که تورا پروردگار تو بمقامی پسندیده برساند[٢١] (٧٩). وبگوای پروردگار من درآور مرا درآوردن پسندیده و بیرون آورمرا بیرون آوردن پسندیده و برای من ازنزد خود قوتی یاری دهنده[٢٢] قرار دِه (٨٠). وبگو دین حق آمد و دین باطل نابود شد هرآئینه باطل نابود شونده است (٨١). و ازقرآن آنچه وی شفا و رحمت است برای مسلمانان فرود می آوریم و در حق ستمگاران مگر زیان را نمی افزاید (٨٢). وچون برآدمی انعام کنیم روبگرداند و بازوی خودرا پیچاند وچون بِوَی سختی رسد ناامید باشد (٨٣). بگوهرکسی به روش خود عمل میکند پس پروردگار شما داناترست به کسی که او راه یافته تراست (٨٤). وترا ازروح سوال میکنند بگو روح ازفرمانِ پروردگار من است وشما ازعلم نداده شده‌اید مگر اندکی (٨٥). و ا گربخواهیم ببریم آنچه راکه وحی فرستاده‌ایم به سوی تو باز برای خود دربرابر ماکارسازی نمی یابی (٨٦).

---

(٢٠) مترجم گوید واین معنی روزبدرمتحقق شد وجمعی که دربیٔ ایذای آن حضرت بودند مقتول (شدند وان کادوا) بجهت این گفته شد که وقت نزول آیت قصد لغزانیدن داشتند وهنوز ملتجی به هجرت نکرده بودند والله اعلم.

(٢١) یعنی مقام شفاعت.

(٢٢) یعنی درهرحال اعانت کن مراچه دروقت دخول درجایی چه دروقت خروج ازآنجا.

إِلَّا رَحۡمَةٗ مِّن رَّبِّكَۚ إِنَّ فَضۡلَهُۥ كَانَ عَلَيۡكَ كَبِيرٗا ﴿٨٧﴾ قُل لَّئِنِ ٱجۡتَمَعَتِ ٱلۡإِنسُ وَٱلۡجِنُّ عَلَىٰٓ أَن يَأۡتُواْ بِمِثۡلِ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لَا يَأۡتُونَ بِمِثۡلِهِۦ وَلَوۡ كَانَ بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٖ ظَهِيرٗا ﴿٨٨﴾ وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٖ فَأَبَىٰٓ أَكۡثَرُ ٱلنَّاسِ إِلَّا كُفُورٗا ﴿٨٩﴾ وَقَالُواْ لَن نُّؤۡمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفۡجُرَ لَنَا مِنَ ٱلۡأَرۡضِ يَنۢبُوعًا ﴿٩٠﴾ أَوۡ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٞ مِّن نَّخِيلٖ وَعِنَبٖ فَتُفَجِّرَ ٱلۡأَنۡهَٰرَ خِلَٰلَهَا تَفۡجِيرًا ﴿٩١﴾ أَوۡ تُسۡقِطَ ٱلسَّمَآءَ كَمَا زَعَمۡتَ عَلَيۡنَا كِسَفًا أَوۡ تَأۡتِيَ بِٱللَّهِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ قَبِيلًا ﴿٩٢﴾ أَوۡ يَكُونَ لَكَ بَيۡتٞ مِّن زُخۡرُفٍ أَوۡ تَرۡقَىٰ فِي ٱلسَّمَآءِ وَلَن نُّؤۡمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تُنَزِّلَ عَلَيۡنَا كِتَٰبٗا نَّقۡرَؤُهُۥۗ قُلۡ سُبۡحَانَ رَبِّي هَلۡ كُنتُ إِلَّا بَشَرٗا رَّسُولٗا ﴿٩٣﴾ وَمَا مَنَعَ ٱلنَّاسَ أَن يُؤۡمِنُوٓاْ إِذۡ جَآءَهُمُ ٱلۡهُدَىٰٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ أَبَعَثَ ٱللَّهُ بَشَرٗا رَّسُولٗا ﴿٩٤﴾ قُل لَّوۡ كَانَ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَلَٰٓئِكَةٞ يَمۡشُونَ مُطۡمَئِنِّينَ لَنَزَّلۡنَا عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَلَكٗا رَّسُولٗا ﴿٩٥﴾ قُلۡ كَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدَۢا بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرَۢا بَصِيرٗا ﴿٩٦﴾

لیکن بسبب رحمتی از جانب پروردگار تو باقی گذاشتمش هرآئینه فضل وی برتو بزرگ است (۸۷). بگو ا گر جمع شوند آدمیان وجن برآنکه بیاورند ماننداین قرآن هرگز مانند آن نیاورند ا گرچه بعض ایشان بعضی را مددکار باشد (۸۸). وهرآئینه گوناگون برای مردمان درین قرآن ازهرداستانی بیان کردیم پس قبول نکردند بیشتر مردمان مگرناسپاسی را (۸۹). و گفتند هرگز تورا باور نداریم تاآنکه برای ما اززمین چشمه ای جاری کنی (۹۰). یا تورا بوستانی ازدرختان خرما و انگور باشد پس روان کنی جویها درمیان آن روان کردنی (۹۱). یا آسمان را چنان که گمان میکنی برما پاره پاره فرود آری یا خدا وفرشتگان را رو برو بیاری (۹۲). یا تورا خانه‌ای از زر باشد یا بالاروی درآسمان و بالارفتن تورا تاآنکه فرودآوری برما نوشته ای که بخوانیم آن را باورنداریم بگو پروردگار من پاك است نیستم من مگرآدمی فرستاده شده (۹۳). ومردمان را بازنداشت ازآنکه ایمان آورند وقتی که به ایشان هدایت آمد مگر آنکه گفتند آیا خدای تعالی آدمی را پیامبر فرستاده است (۹٤). بگو اگر درزمین فرشتگان می بودند که می رفتند بااطمینان هر آئینه فرشته ای را ازآسمان پیامبر برایشان میفرستادیم (۹۵). بگو خدا گواه میان من ومیان شما بس است هرآئینه وی به بندگان خود دانای بیناست(۹٦).

وَمَن يَهْدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلْمُهْتَدِ ۖ وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَآءَ مِن دُونِهِۦ ۖ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمْيًا وَبُكْمًا وَصُمًّا ۖ مَّأْوَىٰهُمْ جَهَنَّمُ ۖ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَٰهُمْ سَعِيرًا ﴿٩٧﴾ ذَٰلِكَ جَزَآؤُهُم بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا وَقَالُوٓا۟ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمًا وَرُفَٰتًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿٩٨﴾ ۞ أَوَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّ ٱللَّهَ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَىٰٓ أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَّا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى ٱلظَّٰلِمُونَ إِلَّا كُفُورًا ﴿٩٩﴾ قُل لَّوْ أَنتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَآئِنَ رَحْمَةِ رَبِّىٓ إِذًا لَّأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ ٱلْإِنفَاقِ ۚ وَكَانَ ٱلْإِنسَٰنُ قَتُورًا ﴿١٠٠﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ ءَايَٰتٍۭ بَيِّنَٰتٍ ۖ فَسْـَٔلْ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ إِذْ جَآءَهُمْ فَقَالَ لَهُۥ فِرْعَوْنُ إِنِّى لَأَظُنُّكَ يَٰمُوسَىٰ مَسْحُورًا ﴿١٠١﴾ قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَآ أَنزَلَ هَٰٓؤُلَآءِ إِلَّا رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ بَصَآئِرَ وَإِنِّى لَأَظُنُّكَ يَٰفِرْعَوْنُ مَثْبُورًا ﴿١٠٢﴾ فَأَرَادَ أَن يَسْتَفِزَّهُم مِّنَ ٱلْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ جَمِيعًا ﴿١٠٣﴾ وَقُلْنَا مِنۢ بَعْدِهِۦ لِبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱسْكُنُوا۟ ٱلْأَرْضَ فَإِذَا جَآءَ وَعْدُ ٱلْـَٔاخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا ﴿١٠٤﴾

وهرکه راخدا هدایت کند پس اوست هدایت یافته وهرکه را گمراه سازدش برای ایشان دوستانی بغیرازخدا نیابی و ایشان را روزقیامت بررویهای شان، کور و گنگ وکر برانگیزیم جای ایشان دوزخ است هرگاه فرونشیند برایشان آتش را بیفزاییم (۹۷). این است جزای ایشان بسبب آنکه به نشانه های ما کافر شدند گفتند آیا چون استخوانهایی چند واعضایی ازهم پاشیده شویم آیا به آفرینش نو برانگیخته شویم (۹۸). آیا ندیده اند آن خدا یی که آسمان ها وزمین را آفرید تواناست که مانند ایشان را بیآفریند ومقررکرده است برای ایشان میعادی که درآن هیچ شکی نیست پس ستمکاران غیرناشکری را قبول نکردند (۹۹). بگو ا گر شما مالك خزانه‌های بخشش پروردگار می بودید آنگاه من نیز ازترس فقر (درنتیجه انفاق) بخیلی می ورزیدید آدمی بخل کننده هست (۱۰۰). وهرآئینه موسیٰ را نهُ نشانهٔ روشن دادیم پس از بنی‌اسرائیل بپرس چون به ایشان آمد پس اورا فرعون گفت هرآئینه تورا ای موسیٰ جادوکرده شده می پندارم (۱۰۱). گفت (موسی) به تحقیق تودانسته‌ای، که نفرستاده این نشانه هارا مگر پروردگار آسمان ها وزمین دلائل روشن (برصدق حق) وهرآئینه من می پندارم تورا ای فرعون هلاك شده (۱۰۲). پس خواست که بیرون راند بنی اسرائیل را ازآن سرزمین پس اورا وهمگی آنانرا که همراه اوبودند غرق ساختیم (۱۰۳). وگفتیم پس ازاو بنی اسرائیل را در(این) سرزمین ساکن شوید پس چون بیاید وعدهٔ آخرت همه شمارا باهم آمیخته بیاریم(۱۰٤).

وَبِالْحَقِّ أَنزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿١٠٥﴾
وَقُرْءَانًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنزِيلًا ﴿١٠٦﴾
قُلْ ءَامِنُوا بِهِۦٓ أَوْ لَا تُؤْمِنُوٓا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهِۦٓ إِذَا يُتْلَىٰ
عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا ﴿١٠٧﴾ وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَآ إِن كَانَ
وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ﴿١٠٨﴾ وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ
خُشُوعًا ۩ ﴿١٠٩﴾ قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَٰنَ أَيًّا مَّا تَدْعُوا فَلَهُ

الْأَسْمَآءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ
بَيْنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا ﴿١١٠﴾ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن
لَّهُۥ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُۥ وَلِيٌّ مِّنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا ﴿١١١﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِيٓ أَنزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَل لَّهُۥ عِوَجَا ۜ

قَيِّمًا لِّيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١﴾
الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا ﴿٢﴾
مَّاكِثِينَ فِيهِ أَبَدًا ﴿٣﴾ وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ﴿٤﴾

وقرآن را به راستی فروفرستادیم وبه راستی فرود آمده است ونفرستادیم تورا مگر مژده دهنده وترساننده (۱۰۵). وقرآن را کم کم فرستادیم تابخوانی آن را برمردمان بدرنگ وآن را بدفعات به فرستادنی (حکمت آمیز) فروفرستادیم (۱۰٦). بگوایمان آورید به آن یا ایمان نیاورید هرآئینه آنانکه ایشان را علم پیش ازین داده شد چون خوانده میشود برایشان برروی خود سجده کنان می افتند (۱۰۷). و گویند پاکی پروردگار ماراست هرآئینه وعدهٔ پروردگار ماشدنی هست (۱۰۸). و برروی خویش گریه کنان می افتند و قرآن درایشان فروتنی را می‌افزاید (۱۰۹). بگو خدارا بخوانید یا رحمن را بخوانید هر کدام را که بخوانید (خوب باشد) پس برای خدای است نام‌های نیکو ونمازت را (چنین) بلند مخوان وآن را آهسته (نیز) مخوان ومیان این وآن راهی (میانه) بجوی (۱۱۰). وبگوستایش خدای راست که هیچ فرزندی برنگرفته است و اورا هیچ شریکی درپادشاهی نیست و اورا هیچ کارسازی از ناتوانی نیست وبه بزرگی اورا یادکن چنانکه سزاواراست (۱۱۱).

سوره کهف مکی است وآن یك صد وده آیه ودوازده رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

همه ستایش آن خدایی راست که بربندهٔ خود کتاب را فروفرستاد دروی هیچ کجی ننهاد (۱). (ساخت اورا) راست تا ازعقوبت سخت آینده ازنزدِ خدا بترساند و تا آن مسلمانان را که کارهای شایسته می کنند مژده دهد به آنکه ایشانرا است پاداش نیك (۲). دروی همیشه باشندگان (۳). وتا ترساند آنان را که گفتند خدا فرزند گرفته است (٤).

مَّا لَهُم بِهِۦ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَآئِهِمْۚ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَٰهِهِمْۚ إِن يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا ﴿٥﴾ فَلَعَلَّكَ بَٰخِعٌ نَّفْسَكَ عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِمْ إِن لَّمْ يُؤْمِنُوا۟ بِهَٰذَا ٱلْحَدِيثِ أَسَفًا ﴿٦﴾ إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى ٱلْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ﴿٧﴾ وَإِنَّا لَجَٰعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا ﴿٨﴾ أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَٰبَ ٱلْكَهْفِ وَٱلرَّقِيمِ كَانُوا۟ مِنْ ءَايَٰتِنَا عَجَبًا ﴿٩﴾ إِذْ أَوَى ٱلْفِتْيَةُ إِلَى ٱلْكَهْفِ فَقَالُوا۟ رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ﴿١٠﴾ فَضَرَبْنَا عَلَىٰٓ ءَاذَانِهِمْ فِى ٱلْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ﴿١١﴾ ثُمَّ بَعَثْنَٰهُمْ لِنَعْلَمَ أَىُّ ٱلْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوٓا۟ أَمَدًا ﴿١٢﴾ نَّحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِٱلْحَقِّۚ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ ءَامَنُوا۟ بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَٰهُمْ هُدًى ﴿١٣﴾ وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا۟ فَقَالُوا۟ رَبُّنَا رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ لَن نَّدْعُوَا۟ مِن دُونِهِۦٓ إِلَٰهًاۖ لَّقَدْ قُلْنَآ إِذًا شَطَطًا ﴿١٤﴾ هَٰٓؤُلَآءِ قَوْمُنَا ٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةًۖ لَّوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِم بِسُلْطَٰنٍۭ بَيِّنٍۖ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا ﴿١٥﴾

ایشان را هیچ دانش به آن نیست ونه پدران ایشان را (بود)، بس گران است سخنی که ازدهانهای ایشان برمی آید مگردروغ را نمی گویند (٥). پس مگر تو نفس خودرا درپیِ ایشان اگر ایمان باین سخن نیاورند ازروی اندوه کشندهای (٦). هرآئینه ما آنچه برروی زمین است آرایشی برای آن قراردادهایم تاایشان را امتحان کنیم کدام یك از ایشان درعمل نیکوتراست (٧). وهرآئینه ما البته خواهیم ساخت آنچه را که براوست میدان هموار بی‌گیاه (٨). آیاپنداشتی که اصحاب غار ونوشته[1] ازجمله نشانه های ماعجب بودند (٩). چون چند جوانانی به سوی غار پناه بردند پس گفتند ای پروردگارما، ما را ازنزدِ خود بخششی بده وبرای ما راه یابی را در کار ما آماده ساز(١٠). پس برگوش‌های ایشان درغار پرده گذاشتیم یعنی سالهای شمرده شده خوابانیدیم (١١). باز ایشان را برانگیختیم تابدانیم کدام یك ازدوگروه مقدار مدتی را که درنگ کرده اند بهتر یاد دارند (١٢). ما برتو خبرایشان را به راستی میخوانیم هرآئینه ایشان جوانانی بودند که به پروردگار خویش ایمان آوردند و ایشانرا هدایت زیاده دادیم (١٣). چون ایستادند مابه دلهایشان[2] قدرت وجرأت دادیم پس گفتند پروردگار ما همان پروردگار آسمان‌ها وزمین است هرگز بجز وی معبودی را نخواهیم پرستید هرآئینه آنگاه سخن دروغ گفته باشیم (١٤). این قوم ما غیرازخدا معبودانی گرفتند چرا بر(ثبوت حقانیت) آن خدایان دلیلی واضح نمی آورند پس کیست ستمکارتر از کسی که برخدا دروغ را بربست (١٥).

(١) یعنی نوشته ای که بردیوارغاراست.
(٢) یعنی دل های ایشان رااستوارساختیم.

وَإِذِ ٱعۡتَزَلۡتُمُوهُمۡ وَمَا يَعۡبُدُونَ إِلَّا ٱللَّهَ فَأۡوُۥٓاْ إِلَى ٱلۡكَهۡفِ يَنشُرۡ لَكُمۡ رَبُّكُم مِّن رَّحۡمَتِهِۦ وَيُهَيِّئۡ لَكُم مِّنۡ أَمۡرِكُم مِّرۡفَقٗا ﴿١٦﴾ ۞وَتَرَى ٱلشَّمۡسَ إِذَا طَلَعَت تَّزَٰوَرُ عَن كَهۡفِهِمۡ ذَاتَ ٱلۡيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَت تَّقۡرِضُهُمۡ ذَاتَ ٱلشِّمَالِ وَهُمۡ فِي فَجۡوَةٖ مِّنۡهُۚ ذَٰلِكَ مِنۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِۗ مَن يَهۡدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلۡمُهۡتَدِۖ وَمَن يُضۡلِلۡ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ وَلِيّٗا مُّرۡشِدٗا ﴿١٧﴾ وَتَحۡسَبُهُمۡ أَيۡقَاظٗا وَهُمۡ رُقُودٞۚ وَنُقَلِّبُهُمۡ ذَاتَ ٱلۡيَمِينِ وَذَاتَ ٱلشِّمَالِۖ وَكَلۡبُهُم بَٰسِطٞ ذِرَاعَيۡهِ بِٱلۡوَصِيدِۚ لَوِ ٱطَّلَعۡتَ عَلَيۡهِمۡ لَوَلَّيۡتَ مِنۡهُمۡ فِرَارٗا وَلَمُلِئۡتَ مِنۡهُمۡ رُعۡبٗا ﴿١٨﴾ وَكَذَٰلِكَ بَعَثۡنَٰهُمۡ لِيَتَسَآءَلُواْ بَيۡنَهُمۡۚ قَالَ قَآئِلٞ مِّنۡهُمۡ كَمۡ لَبِثۡتُمۡۖ قَالُواْ لَبِثۡنَا يَوۡمًا أَوۡ بَعۡضَ يَوۡمٖۚ قَالُواْ رَبُّكُمۡ أَعۡلَمُ بِمَا لَبِثۡتُمۡ فَٱبۡعَثُوٓاْ أَحَدَكُم بِوَرِقِكُمۡ هَٰذِهِۦٓ إِلَى ٱلۡمَدِينَةِ فَلۡيَنظُرۡ أَيُّهَآ أَزۡكَىٰ طَعَامٗا فَلۡيَأۡتِكُم بِرِزۡقٖ مِّنۡهُ وَلۡيَتَلَطَّفۡ وَلَا يُشۡعِرَنَّ بِكُمۡ أَحَدًا ﴿١٩﴾ إِنَّهُمۡ إِن يَظۡهَرُواْ عَلَيۡكُمۡ يَرۡجُمُوكُمۡ أَوۡ يُعِيدُوكُمۡ فِي مِلَّتِهِمۡ وَلَن تُفۡلِحُوٓاْ إِذًا أَبَدٗا ﴿٢٠﴾

ربع الحزب ٣٠

وچون (ای یاران) ازین کافران و ازآنچه ایشان به جای خدا می پرستند کناره گیری کردید پس به سوی غار پناه برید تابگسترد برشما پروردگارشما ازبخشایش خود و برای شما منفعت رادرکارشما مهیا سازد (۱٦). ببینی ای بیننده خورشید را وقتی که طلوع کند ازغار ایشان به جانب راست مایل شود وچون غروب کند ازایشان به جانب چپ تجاوز میکند وایشان از غار درکشادگی‌اند این ازنشانهای خداست هرکه را خدا هدایت کند پس اوست هدایت یافته وهرکه را گمراه میکندش پس برای او هیچ دوست راهنمایی را نیابی[۳] (۱۷). وبه پنداری ایشان را بیدار ای بیننده درحالیکه ایشان خفته اند و می گردانیم ایشان را جانب راست و جانب چپ وسگ ایشان دو دست خودرا بردهانهٔ غار گشاده کرده است اگر اطلاع می‌یافتی برایشان البته رو می‌گردانیدی ازایشان بگریختن و تورا ازایشان ترسی فرامی گرفت[٤] (۱۸). وهمچنین برانگیختیم ایشان را تا (عاقبت بایکدیگر) سوال کنند درمیان خود گفت گوینده‌ای ازایشان چه قدر درنگ کردید گفتند درنگ کردیم یك روز یا بخشی از روز باز گفتند پروردگار شما به مقدار درنگ کردن شما داناتر است پس یکی را ازمیانِ خود با این نقرهٔ خود به سوی شهر بفرستید پس باید که تأمل کند کدام یك ازخوراك این شهر پاکیزه تراست پس برایتان قُوتی ازآن بیاورد وباید که به هوشیاری آمد و رفت کند و به حال شما هیچکس را خبردار نکند (۱۹). هرآئینه این کافران اگر برشما قدرت یابند شمارا سنگسار کنند یا شمارا در دین خود درمی آورند وآنگاه هرگز رستگار نخواهید شد (۲۰).

---

(۳) مترجم گوید به خاطر فاترمیرسد که دیوار جنوبی کهف آنقدر بلندست که سایهٔ اصلی اودر تمام سال محل خفتن ایشانرا می پوشاند ودیوار شرقی وغربی آن متصل دیوار جنوبی بلند ترست و پایه به پایه منحط شده و این جماعت سربجانب شمال پابجانب جنوب کرده خفته اند پس وقتی که طلوع کند نور آفتاب بردیوار غربی وبربعضی ازصحن غار افتدوهر چند ارتفاع زیاده گردد بلندی دیوار شرقی از وصول نور به ایشان مانع آید ونور جانب راست ایشان منتقل شود بجانب سرکه جهت شمال است و دروقت استواء بجز سایهٔ اصلی دیوار جنوبی نمی ماند وچون آفتاب مایل بغروب شود نور آفتاب بردیوار شرقی افتد وآهسته برسر دیوار مرتفع گردد و آن جانب چپ ایشان است.

(٤) مترجم گوید وچنانکه خفتن ایشانرا نشانه ای ساختیم.

وَكَذَٰلِكَ أَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوٓاْ أَنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ
ٱلسَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَآ إِذْ يَتَنَٰزَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ ۖ فَقَالُواْ
ٱبْنُواْ عَلَيْهِم بُنْيَٰنًا ۖ رَّبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ ۚ قَالَ ٱلَّذِينَ غَلَبُواْ عَلَىٰٓ
أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا ﴿٢١﴾ سَيَقُولُونَ ثَلَٰثَةٌ
رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ
رَجْمًۢا بِٱلْغَيْبِ ۖ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ ۚ قُل رَّبِّىٓ
أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِم مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ ۗ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَآءً
ظَٰهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِم مِّنْهُمْ أَحَدًا ﴿٢٢﴾ وَلَا تَقُولَنَّ لِشَاْىْءٍ
إِنِّى فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا ﴿٢٣﴾ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ ۚ وَٱذْكُر رَّبَّكَ
إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰٓ أَن يَهْدِيَنِ رَبِّى لِأَقْرَبَ مِنْ هَٰذَا رَشَدًا
﴿٢٤﴾ وَلَبِثُواْ فِى كَهْفِهِمْ ثَلَٰثَ مِاْئَةٍ سِنِينَ وَٱزْدَادُواْ تِسْعًا
﴿٢٥﴾ قُلِ ٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُواْ ۖ لَهُۥ غَيْبُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ
أَبْصِرْ بِهِۦ وَأَسْمِعْ ۚ مَا لَهُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَلِىٍّ وَلَا يُشْرِكُ
فِى حُكْمِهِۦٓ أَحَدًا ﴿٢٦﴾ وَٱتْلُ مَآ أُوحِىَ إِلَيْكَ مِن كِتَابِ
رَبِّكَ ۖ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِهِۦ وَلَن تَجِدَ مِن دُونِهِۦ مُلْتَحَدًا ﴿٢٧﴾

وهم چنین مردمان را به حال ایشان خبردارگردانیدیم تابدانند که وعدهٔ خدا راست است وآنکه قیامت هیچ شکّی درآن نیست هنگامی که نزاع میکردند آن مردمان درمیان خود دربارهٔ ایشان پس گفتند برغار ایشان خانه ای بسازید، پروردگار ایشان داناتراست به حال ایشان گفتند آنانکه قدرت یافتند برمقدمه ایشان البته برغار ایشان مسجدی را بسازیم (۲۱). وجمعی خواهند گفت اصحاب کهف سه کس‌اند وچهارم ایشان سگ ایشان است وجمعی خواهند گفت که پنج کس‌اند ششم ایشان سگ ایشانست بخیال غایبانه ونیزمی‌گویند هفت کس‌اند وهشتم ایشان سگ ایشانست بگوپروردگار من داناتراست به تعداد ایشان تعداد ایشان را نمی‌داند مگراندکی پس گفتگو مکن دربارهٔ ایشان مگر گفتگوی سرسری و درحق ایشان هیچ کسی را سوال مکن (۲۲). ومگوهیچ چیزی را که من البته آن را فردا خواهم کرد (۲۳). مگر اینکه (بگویی) اگرخدا بخواهد[5] ویاد کن پروردگار خودرا هنگامی که (إن شاء اللّه) فراموش کنی[6] و بگو توقع است که مرا پروردگار من به راهی نزدیك ترباعتبار راستی ازآنچه کافران میگویند دلالت کند (۲٤). ودرنگ کردند درغار خود سیصدسال و نُه سال دیگر (برآن) افزودند (۲۵). بگوخدا داناتراست به مقداری که درنگ کرده اند علم غیب آسمان ها وزمین ویژهٔ اوست چه قدر بیناست وچه قدر شنواست ایشانرا جز او هیچ کارسازی نیست و درحکم خود هیچکسی را شریك نمی گیرد (۲٦). و آنچه به سوی تو از کتاب پروردگار تو وحی فرستاده شد بخوان هیچ کس تبدیل کنندهٔ حکم‌های وی را نیست وهرگز غیرازاو هیچ پنا هگا هی نمی‌یابی (۲۷).

---

(۵) یعنی بگوخواهم کرد إن شاء الله تعالی.

(٦) یعنی بازمتنبه شوی.

وَٱصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِٱلْغَدَوٰةِ وَٱلْعَشِيِّ
يُرِيدُونَ وَجْهَهُۥ ۖ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ ٱلْحَيَوٰةِ
ٱلدُّنْيَا ۖ وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُۥ عَن ذِكْرِنَا وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ وَكَانَ
أَمْرُهُۥ فُرُطًا ﴿٢٨﴾ وَقُلِ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ ۖ فَمَن شَآءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن
شَآءَ فَلْيَكْفُرْ ۚ إِنَّآ أَعْتَدْنَا لِلظَّٰلِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا ۚ
وَإِن يَسْتَغِيثُوا۟ يُغَاثُوا۟ بِمَآءٍ كَٱلْمُهْلِ يَشْوِى ٱلْوُجُوهَ ۚ بِئْسَ
ٱلشَّرَابُ وَسَآءَتْ مُرْتَفَقًا ﴿٢٩﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟
ٱلصَّٰلِحَٰتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ﴿٣٠﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ
لَهُمْ جَنَّٰتُ عَدْنٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهِمُ ٱلْأَنْهَٰرُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ
مِن ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّن سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِـِٔينَ
فِيهَا عَلَى ٱلْأَرَآئِكِ ۚ نِعْمَ ٱلثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا ﴿٣١﴾ ۞ وَٱضْرِبْ
لَهُم مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَٰبٍ وَحَفَفْنَٰهُمَا
بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا ﴿٣٢﴾ كِلْتَا ٱلْجَنَّتَيْنِ ءَاتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ
تَظْلِم مِّنْهُ شَيْـًٔا ۚ وَفَجَّرْنَا خِلَٰلَهُمَا نَهَرًا ﴿٣٣﴾ وَكَانَ لَهُۥ ثَمَرٌ فَقَالَ
لِصَٰحِبِهِۦ وَهُوَ يُحَاوِرُهُۥٓ أَنَا۠ أَكْثَرُ مِنكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا ﴿٣٤﴾

وپایبند کن خودرا با آنانکه پروردگار خود را به صبح و شام یاد میکنند درحالی که رضای اورا میخواهند ونباید ازایشان دیده برگیری به خاطر طلب آرایش زندگانی دنیا واز آن که دل اورا از یاد خویش غافل ساخته ایم فرمان مبر وخواهش خود را پیروی کرده است و کارِ او ازحد گذشته است (۲۸). وبگو این سخن راست است ازپروردگار شما آمده پس هرکه خواهد ایمان آورد وهر که خواهد کافر شود هرآئینه ما مهیاکرده ایم برای ستمکاران آتشی را که به ایشان سراپرده‌های آن درگیرد و اگر فریاد کنند به داد ایشان رسیده شود با نوشانیدن آبی مانند مس گداخته که چهره هارا بریان کند، آن بد آشامیدنی است ودوزخ بد آرام گاهیست (۲۹). هرآئینه کسانی که ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته کرده‌اند هرآئینه ماپاداش کسی را که کارنیکوکرده باشد ضایع نمی کنیم (۳۰). این جماعت برای ایشان است بوستانهای همیشه ماندن که زیر آنها نهرها می‌رود زیورداده شوند در آنجا دست بندها زرین و جامه‌های سبز از دیبای نازك وابریشم ستبر می‌پوشند درحالی که درآنجا برتخت‌ها تکیه زده اند این نیك جزاست وبهشت نیکوآرام گاهیست (۳۱). و برای ایشان داستان دوشخص را بیان کن که دادیم به یکی ازایشان دوبوستان ازدرختانِ انگور وگرداگرد آن درختان خرما پیدا کردیم و درمیان این بوستانها زراعت را قرار دادیم (۳۲). هردوبوستان میوه‌هایش را آوردند وهیچ چیزی را ازآن (میوه) کم نکرد و میان آنها جوی آب را روان ساختیم (۳۳). و او را میوه های بسیار بود پس به همنشین خود گفت درحالی که او گفتگو میکرد باآن همنشین گفت من ازتومالدارتر وباعتبار حَشَم نیرومندترم (۳٤).

وَدَخَلَ جَنَّتَهُۥ وَهُوَ ظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ قَالَ مَآ أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَٰذِهِۦٓ أَبَدٗا ﴿٣٥﴾ وَمَآ أَظُنُّ ٱلسَّاعَةَ قَآئِمَةٗ وَلَئِن رُّدِدتُّ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيۡرٗا مِّنۡهَا مُنقَلَبٗا ﴿٣٦﴾ قَالَ لَهُۥ صَاحِبُهُۥ وَهُوَ يُحَاوِرُهُۥٓ أَكَفَرۡتَ بِٱلَّذِي خَلَقَكَ مِن تُرَابٖ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٖ ثُمَّ سَوَّىٰكَ رَجُلٗا ﴿٣٧﴾ لَّٰكِنَّا۠ هُوَ ٱللَّهُ رَبِّي وَلَآ أُشۡرِكُ بِرَبِّيٓ أَحَدٗا ﴿٣٨﴾ وَلَوۡلَآ إِذۡ دَخَلۡتَ جَنَّتَكَ قُلۡتَ مَا شَآءَ ٱللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِٱللَّهِۚ إِن تَرَنِ أَنَا۠ أَقَلَّ مِنكَ مَالٗا وَوَلَدٗا ﴿٣٩﴾ فَعَسَىٰ رَبِّيٓ أَن يُؤۡتِيَنِ خَيۡرٗا مِّن جَنَّتِكَ وَيُرۡسِلَ عَلَيۡهَا حُسۡبَانٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فَتُصۡبِحَ صَعِيدٗا زَلَقًا ﴿٤٠﴾ أَوۡ يُصۡبِحَ مَآؤُهَا غَوۡرٗا فَلَن تَسۡتَطِيعَ لَهُۥ طَلَبٗا ﴿٤١﴾ وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِۦ فَأَصۡبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيۡهِ عَلَىٰ مَآ أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي لَمۡ أُشۡرِكۡ بِرَبِّيٓ أَحَدٗا ﴿٤٢﴾ وَلَمۡ تَكُن لَّهُۥ فِئَةٞ يَنصُرُونَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا ﴿٤٣﴾ هُنَالِكَ ٱلۡوَلَٰيَةُ لِلَّهِ ٱلۡحَقِّۚ هُوَ خَيۡرٞ ثَوَابٗا وَخَيۡرٌ عُقۡبٗا ﴿٤٤﴾ وَٱضۡرِبۡ لَهُم مَّثَلَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا كَمَآءٍ أَنزَلۡنَٰهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَٱخۡتَلَطَ بِهِۦ نَبَاتُ ٱلۡأَرۡضِ فَأَصۡبَحَ هَشِيمٗا تَذۡرُوهُ ٱلرِّيَٰحُۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ مُّقۡتَدِرًا ﴿٤٥﴾

ودرآمد به بوستان خود درحالی که برخویش ستم کرده بود گفت نمی پندارم که این بوستان هیچ گاه هلاك شود (۳۵). و گمان نمی‌کنم که قیامت متحقق شود و بالفرض ا گر بازْ گردانیده شوم به سوی پروردگار خود هرآئینه بازگشتی بهترازین بوستانها خواهم یافت (۳٦). گفت او را همنشین اودرحالی‌که او باوی گفتگو میکرد آیاکافرشدی به آن خدایی که پیدا کرد تورا ازخاك باز از نطفه بازتو را مردی (کامل) ساخت (۳۷). لیکن من اعتقاد دارم که خدا پروردگارمن است وباپروردگار خود هیچکسی را شریك مقرر نمی‌کنم (۳۸). وچون درآمدی به بوستان خود چرا نه گفتی آنچه خدا خواسته است شدنیست، نیست هیچ توانایی مگر به مشیت خدا اگر می بینی مرا کم ترازتوام درمال و فرزند (۳۹). پس شاید که پروردگار من مرا بهترازبوستان تو بدهد وشاید که بربوستانِ توعذابی ازآسمان فرستد پس زمینی بی گیاه لغزاننده‌ٔپا گردد (٤۰). یا آب او فرو رفته شود پس هرگز آن را نتوانی جُست (٤۱). (به عذاب إلهی) میوه هایش فراگرفته شد پس بامداد کرد (چنان که) دودست خودرا به حسرت برآنچه خرج کرده بود در عمارت آن می‌مالید وآن بوستان برسقفهای خود افتاده و می گفت ای کاش با پروردگار خود هیچکسی را شریك مقرر نمی کردم (٤۲). و اورا هیچ جماعتی نبود که غیرازخدا یاری دهندش و خود نیز پیروزمند نبود (٤۳). آنجاثابت شدکه کارسازی برای خدای حق است وی ازروی پاداش دادن بهتراست ووی ازروی جزادادن بهتر است (٤٤). و برای ایشان داستان زندگانی دنیا را بیان کن که وی مانند آبی است که ازآسمان فروفرستادیمش پس درهم پیچید بسبب وی رستنی زمین پس سرانجام درهم شکسته شد که بادهاآن را پراکنده می ساختند و خدا برهمه چیز توانا است(٤٥).

ٱلْمَالُ وَٱلْبَنُونَ زِينَةُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا ۖ وَٱلْبَٰقِيَٰتُ ٱلصَّٰلِحَٰتُ
خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا ﴿٤٦﴾ وَيَوْمَ نُسَيِّرُ ٱلْجِبَالَ وَتَرَى
ٱلْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَٰهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿٤٧﴾ وَعُرِضُوا۟
عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَّقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَٰكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍۭ ۚ بَلْ زَعَمْتُمْ
أَلَّن نَّجْعَلَ لَكُم مَّوْعِدًا ﴿٤٨﴾ وَوُضِعَ ٱلْكِتَٰبُ فَتَرَى ٱلْمُجْرِمِينَ
مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَٰوَيْلَتَنَا مَالِ هَٰذَا ٱلْكِتَٰبِ
لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّآ أَحْصَىٰهَا ۚ وَوَجَدُوا۟ مَا عَمِلُوا۟
حَاضِرًا ۗ وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴿٤٩﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَٰٓئِكَةِ ٱسْجُدُوا۟
لِـَٔادَمَ فَسَجَدُوٓا۟ إِلَّآ إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ ٱلْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِۦٓ ۗ
أَفَتَتَّخِذُونَهُۥ وَذُرِّيَّتَهُۥٓ أَوْلِيَآءَ مِن دُونِى وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّۢ ۚ
بِئْسَ لِلظَّٰلِمِينَ بَدَلًا ﴿٥٠﴾ ۞ مَّآ أَشْهَدتُّهُمْ خَلْقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنفُسِهِمْ وَمَا كُنتُ مُتَّخِذَ ٱلْمُضِلِّينَ عَضُدًا
﴿٥١﴾ وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا۟ شُرَكَآءِىَ ٱلَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ
فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا۟ لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم مَّوْبِقًا ﴿٥٢﴾ وَرَءَا ٱلْمُجْرِمُونَ
ٱلنَّارَ فَظَنُّوٓا۟ أَنَّهُم مُّوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا۟ عَنْهَا مَصْرِفًا ﴿٥٣﴾

مال وفرزندان آرایش زندگانی دنیاست وحسناتِ پاینده شایسته نزدِ پروردگارتو ازجهت پاداش بهتراند و ازجهت امیدداشتن خوب تراند (٤٦). وآن روز که کوه هارا روان می‌کنیم وزمین را نمایان می بینی و همه ایشان را گرد می‌آوریم پس ازایشان هیچ کسی را فرو نمی گذاریم (٤٧). وروبروآورده شوند پیش پروردگار توصف کشیده گوییم هرآئینه پیش ما آمدید چنانکه شمارا نخستین بار آفریده بودیم بلکه می پنداشتید که برای شما وعده‌گاهی نخواهیم مقرر کرد (٤٨). ونامهٔ اعمال درمیان نهاده شود پس گناه کاران را ترسان ببینی ازآنچه درآن است ومی گویند ای وای برمااین چه کتابی است که هیچ عمل خورد ونه بزرگ را نمی گذارد مگر آن را احاطه کرده است و هرچه را کرده بودند حاضر بیابند وپروردگارتو برهیچ کسی ستم نکند (٤٩). ویادکن چون به فرشتگان گفتیم سجده کنید آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس بود از جن پس ازفرمان پروردگار خود بیرون شد ای مردمان آیا اورا وفرزندان اورا به جای من دوستان می گیرید حال آنکه ایشان شمارا دشمن‌اند، شیطان ستمکاران را بد عوض است (٥٠). ایشان را وقت آفریدن آسمان ها وزمین حاضر نکرده بودم ونه وقت آفریدن خود ایشان ومن هرگز گمراه کنندگان رامددکار ویاورخود نساخته‌ام (٥١). وروزی که خدای تعالی میفرماید ایَ مشرکان صدا کنید شریکان مرا که گمان می بردید پس آنجماعت را صدا کنند وآن جماعت صدای ایشان را قبول نکنند و درمیان ایشان[٧] مهلکه ودشمنی را ساختیم (٥٢). و گناهگاران آتش (جهنم) را ببینند آنگاه دریابند که ایشان خواهد درآن افتادگانند وازآن جای بازگشتی نیابند (٥٣).

(٧) یعنی وادی ازوادیهای دوزخ تایکی بدیگری نتواند رسید.

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ لِلنَّاسِ مِن كُلِّ مَثَلٍۚ وَكَانَ
ٱلْإِنسَٰنُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا ﴿٥٤﴾ وَمَا مَنَعَ ٱلنَّاسَ أَن يُؤْمِنُوٓاْ
إِذْ جَآءَهُمُ ٱلْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُواْ رَبَّهُمْ إِلَّآ أَن تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ
ٱلْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ ٱلْعَذَابُ قُبُلًا ﴿٥٥﴾ وَمَا نُرْسِلُ ٱلْمُرْسَلِينَ
إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَۚ وَيُجَٰدِلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِٱلْبَٰطِلِ
لِيُدْحِضُواْ بِهِ ٱلْحَقَّۖ وَٱتَّخَذُوٓاْ ءَايَٰتِي وَمَآ أُنذِرُواْ هُزُوًا ﴿٥٦﴾
وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ
مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُۚ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ
وَفِيٓ ءَاذَانِهِمْ وَقْرًاۖ وَإِن تَدْعُهُمْ إِلَى ٱلْهُدَىٰ فَلَن يَهْتَدُوٓاْ إِذًا
أَبَدًا ﴿٥٧﴾ وَرَبُّكَ ٱلْغَفُورُ ذُو ٱلرَّحْمَةِۖ لَوْ يُؤَاخِذُهُم بِمَا كَسَبُواْ
لَعَجَّلَ لَهُمُ ٱلْعَذَابَۚ بَل لَّهُم مَّوْعِدٌ لَّن يَجِدُواْ مِن دُونِهِۦ
مَوْئِلًا ﴿٥٨﴾ وَتِلْكَ ٱلْقُرَىٰٓ أَهْلَكْنَٰهُمْ لَمَّا ظَلَمُواْ وَجَعَلْنَا
لِمَهْلِكِهِم مَّوْعِدًا ﴿٥٩﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَىٰهُ لَآ أَبْرَحُ حَتَّىٰٓ
أَبْلُغَ مَجْمَعَ ٱلْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ
بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَٱتَّخَذَ سَبِيلَهُۥ فِي ٱلْبَحْرِ سَرَبًا ﴿٦١﴾

وبه راستی دراین قرآن برای مردمان از هر نوع داستانی گوناگون بیان کردیم وآدمی بیشترازهمه چیزدر خصومت هست (٥٤). و مردمان را از آنکه ایمان آورند چون بیامد به ایشان هدایت واز آنکه طلب آمرزش کنند ازپروردگار خود بازنداشت مگربه انتظار آنکه بیاید به ایشان روش پیشینیان یا به ایشان عقوبت گونا گون بیاید (٥٥). ونمی فرستیم پیامبران را مگربشارت دهنده وترساننده و کافران به ناحق وبیهوده خصومت میکنند تا بسبب آن سخن حق را بلغزانند وآیات مرا وچیزی را که به آن ترسانیده شدند به تمسخر گرفتند (٥٦). وکیست ستمکارترازکسی که به آیات پروردگار خویش پند داده شد پس ازآن رویگردان گشت وآنچه را پیش فرستاده است دو دستِ او فراموش کند هرآئینه ما بردلهای ایشان پرده ها افکنده‌ایم تا قرآن را نفهمند وساختیم درگوشهای ایشان گرانی وا گر ایشان را به سوی هدایت بخوانی پس آنگاه هرگز راه نیابند (٥٧). وپروردگار تو آمرزنده صاحب رحمت است ا گر ایشان را به آنچه کرده اند مؤاخذه می‌کرد عذاب را به شتاب برایشان می فرستاد، بلکه (حق این است که) برای ایشان میعادی هست که هرگز غیر از آن پناهی را نیابند (٥٨). وآن دِهها را چون ستم کردند هلاك کردیم وبرای هلاك ایشان میعادی معین کردیم (٥٩). ویادکن چون موسیٰ نوجوانِ خود را گفت پیوسته راه میروم تا آنکه به محل جمع شدن دودریا برسم یا مدت های درازی بروم (٦٠). پس چون به محل جمع شدن دودریا رسیدند ماهی خودرا فراموش کردند پس راه خودرا دردریا شکافان گرفت (٦١).

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَىٰهُ ءَاتِنَا غَدَآءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِن سَفَرِنَا
هَٰذَا نَصَبًا ﴿٦٢﴾ قَالَ أَرَءَيْتَ إِذْ أَوَيْنَآ إِلَى ٱلصَّخْرَةِ فَإِنِّى نَسِيتُ
ٱلْحُوتَ وَمَآ أَنسَىٰنِيهُ إِلَّا ٱلشَّيْطَٰنُ أَنْ أَذْكُرَهُۥ ۚ وَٱتَّخَذَ سَبِيلَهُۥ
فِى ٱلْبَحْرِ عَجَبًا ﴿٦٣﴾ قَالَ ذَٰلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ ۚ فَٱرْتَدَّا عَلَىٰٓ ءَاثَارِهِمَا
قَصَصًا ﴿٦٤﴾ فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَآ ءَاتَيْنَٰهُ رَحْمَةً مِّنْ عِندِنَا
وَعَلَّمْنَٰهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا ﴿٦٥﴾ قَالَ لَهُۥ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰٓ أَن
تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا ﴿٦٦﴾ قَالَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِىَ
صَبْرًا ﴿٦٧﴾ وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِۦ خُبْرًا ﴿٦٨﴾ قَالَ
سَتَجِدُنِىٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ صَابِرًا وَلَآ أَعْصِى لَكَ أَمْرًا ﴿٦٩﴾ قَالَ
فَإِنِ ٱتَّبَعْتَنِى فَلَا تَسْـَٔلْنِى عَن شَىْءٍ حَتَّىٰٓ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا
﴿٧٠﴾ فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَا رَكِبَا فِى ٱلسَّفِينَةِ خَرَقَهَا ۖ قَالَ أَخَرَقْتَهَا
لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْـًٔا إِمْرًا ﴿٧١﴾ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ
لَن تَسْتَطِيعَ مَعِىَ صَبْرًا ﴿٧٢﴾ قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِى بِمَا نَسِيتُ وَلَا
تُرْهِقْنِى مِنْ أَمْرِى عُسْرًا ﴿٧٣﴾ فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَا لَقِيَا غُلَٰمًا فَقَتَلَهُۥ
قَالَ أَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةًۢ بِغَيْرِ نَفْسٍ لَّقَدْ جِئْتَ شَيْـًٔا نُّكْرًا ﴿٧٤﴾

پس چون گذشتند موسیٰ نوجوان خودرا گفت برای ما(طعام) چاشت مارا بیاور هرآئینه ازاین سفر خود رنج یافتیم (٦٢). گفت آیا دیدی چون به آن سنگ تکیه زده آرام گرفتیم پس من ماهی را (یعنی آنجا) فراموش کردم وفراموش نساخت مرا از آنکه قصه آن را یادکنم مگر شیطان وراه خود دردریا به شیوهٔ عجیبی گرفت (٦٣). موسیٰ گفت این بود آنچه می جستیم پس برنشان قدم هایشان جستجو کنان باز گشتند (٦٤). پس بنده ای را ازبندگان ما که اورا رحمتی دادیم ازنزدِ خود یافتند واورا ازنزدِ خود علمی آموختیم[8] (٦٥). موسیٰ اورا گفت آیاپیروی توکنم به شرط آنکه به من (نیز) بیاموزی ازاره یابی ای که آموزش یافته ای (٦٦). گفت هرآئینه تو بامن شکیبایی کردن نمی‌توانی (٦٧). وچگونه شکیبایی کنی برچیزیکه درنگرفته‌ای آنرا از روی دانش (٦٨). گفت مرا شکیبا خواهی یافت اگر خدابخواهد و باتو درهیچ فرمانی خلاف نمی کنم (٦٩). گفت پس اگر پیروی من می‌کنی پس ازمن ازهیچ چیز سوال مکن تا آنکه خودم ازآن باتوسخن گویم (٧٠). پس راه رفتند تاوقتی که چون برکشتی سوار شدند (خضر) آنرا شکافت گفت (موسیٰ) آیا شکافتی کشتی را تا سرنشینانش را غرق کنی به راستی چیزی (بس) ناگوار را آوردی (٧١). گفت آیا نگفته بودم که تو بامن شکیبایی کردن نتوانی (٧٢). موسیٰ گفت مرا به آنچه فراموش کردم بازخواست مکن ودرکارم برمن سخت مگیر (٧٣). پس راهسپارشدند تاوقتی که بانوجواني برخورد کردند پس (خضر) اورا بکشت گفت (موسیٰ) آیا انسانی بی گناه را بغیر قصاص نفسی کشتی بی گمان چیزی ناپسندیده را آوردی (٧٤).

(٨) یعنی خضررایافتند.

۞ قَالَ أَلَمۡ أَقُل لَّكَ إِنَّكَ لَن تَسۡتَطِيعَ مَعِيَ صَبۡرٗا ﴿٧٥﴾ قَالَ إِن سَأَلۡتُكَ عَن شَيۡءِۭ بَعۡدَهَا فَلَا تُصَٰحِبۡنِيۖ قَدۡ بَلَغۡتَ مِن لَّدُنِّي عُذۡرٗا ﴿٧٦﴾ فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَآ أَتَيَآ أَهۡلَ قَرۡيَةٍ ٱسۡتَطۡعَمَآ أَهۡلَهَا فَأَبَوۡاْ أَن يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارٗا يُرِيدُ أَن يَنقَضَّ فَأَقَامَهُۥۖ قَالَ لَوۡ شِئۡتَ لَتَّخَذۡتَ عَلَيۡهِ أَجۡرٗا ﴿٧٧﴾ قَالَ هَٰذَا فِرَاقُ بَيۡنِي وَبَيۡنِكَۚ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأۡوِيلِ مَا لَمۡ تَسۡتَطِع عَّلَيۡهِ صَبۡرًا ﴿٧٨﴾ أَمَّا ٱلسَّفِينَةُ فَكَانَتۡ لِمَسَٰكِينَ يَعۡمَلُونَ فِي ٱلۡبَحۡرِ فَأَرَدتُّ أَنۡ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَآءَهُم مَّلِكٞ يَأۡخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصۡبٗا ﴿٧٩﴾ وَأَمَّا ٱلۡغُلَٰمُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤۡمِنَيۡنِ فَخَشِينَآ أَن يُرۡهِقَهُمَا طُغۡيَٰنٗا وَكُفۡرٗا ﴿٨٠﴾ فَأَرَدۡنَآ أَن يُبۡدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيۡرٗا مِّنۡهُ زَكَوٰةٗ وَأَقۡرَبَ رُحۡمٗا ﴿٨١﴾ وَأَمَّا ٱلۡجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَٰمَيۡنِ يَتِيمَيۡنِ فِي ٱلۡمَدِينَةِ وَكَانَ تَحۡتَهُۥ كَنزٞ لَّهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَٰلِحٗا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَن يَبۡلُغَآ أَشُدَّهُمَا وَيَسۡتَخۡرِجَا كَنزَهُمَا رَحۡمَةٗ مِّن رَّبِّكَۚ وَمَا فَعَلۡتُهُۥ عَنۡ أَمۡرِيۚ ذَٰلِكَ تَأۡوِيلُ مَا لَمۡ تَسۡطِع عَّلَيۡهِ صَبۡرٗا ﴿٨٢﴾ وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَن ذِي ٱلۡقَرۡنَيۡنِۖ قُلۡ سَأَتۡلُواْ عَلَيۡكُم مِّنۡهُ ذِكۡرًا ﴿٨٣﴾

گفت آیا نگفته بودم به توکه هرآئینه تو بامن شکیبایی کردن نتوانی (٧٥). گفت موسیٰ اگر بعد ازین تورا ازچیزی بپرسم پس بامن همراهی مکن بی گمان ازجانب من بحد عذر رسیدی (٧٦). پس راه رفتند تا وقتیکه به اهل دهی آمدند ازاهل آن دِه خوراك طلب کردند پس اهل دِه قبول ننمودند که ایشان را مهمانی کنند پس یافتند درآنجا دیواری که میخواست بیفتد پس آنرا راست ساخت گفت (موسیٰ) اگرمیخواستی البته برتعمیر این دیوار مزدی می گرفتی (٧٧). گفت اینست جدایی درمیان من وتو خبرخواهم داد ترا به آنچه برآن شکیبایی کردن نتوانستی (٧٨). امّاکشتی پس ازآن درویشان چند بود که دردریا کار می کردند پس خواستم که آنرا معیوب کنم وپیش روی ایشان پادشاهی بود که هرکشتی درست را به زور می‌گرفت (٧٩). واما آن نوجوان پس پدرو مادر وی مسلمان بودند پس ترسیدیم ازآن که برایشان در سرکشی وکفر غالب آید (٨٠). پس خواستیم که عوض دهد ایشان را پروردگارایشان بهتر ازوی ازروی پاکیزگی ونزدیك ترازجهت شفقت (٨١). واما آن دیوار پس ازدونوجوان یتیم درشهر بود و زیرآن گنجی از ایشان بود و پدرایشان نیکوکار بود پس خواست پروردگار توکه این نوجوانان به نهایت قوت خویش برسند و گنج خود را برآورند ازروی مهربانی از پروردگارتو و آن را ازرای خود نکردم اینست سِرِّ آنچه برآن شکیبایی کردن نتوانستی (٨٢). وسوال می‌کنند تورا از ذوالقرنین بگوخواهم خواند برشما ازحال وی خبری (٨٣).

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُۥ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَءَاتَيۡنَٰهُ مِن كُلِّ شَيۡءٖ سَبَبٗا ﴿٨٤﴾ فَأَتۡبَعَ سَبَبًا
﴿٨٥﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ مَغۡرِبَ ٱلشَّمۡسِ وَجَدَهَا تَغۡرُبُ فِي عَيۡنٍ حَمِئَةٖ
وَوَجَدَ عِندَهَا قَوۡمٗاۖ قُلۡنَا يَٰذَا ٱلۡقَرۡنَيۡنِ إِمَّآ أَن تُعَذِّبَ وَإِمَّآ أَن تَتَّخِذَ
فِيهِمۡ حُسۡنٗا ﴿٨٦﴾ قَالَ أَمَّا مَن ظَلَمَ فَسَوۡفَ نُعَذِّبُهُۥ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِۦ
فَيُعَذِّبُهُۥ عَذَابٗا نُّكۡرٗا ﴿٨٧﴾ وَأَمَّا مَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَلَهُۥ جَزَآءً
ٱلۡحُسۡنَىٰۖ وَسَنَقُولُ لَهُۥ مِنۡ أَمۡرِنَا يُسۡرٗا ﴿٨٨﴾ ثُمَّ أَتۡبَعَ سَبَبًا ﴿٨٩﴾ حَتَّىٰٓ
إِذَا بَلَغَ مَطۡلِعَ ٱلشَّمۡسِ وَجَدَهَا تَطۡلُعُ عَلَىٰ قَوۡمٖ لَّمۡ نَجۡعَل لَّهُم مِّن
دُونِهَا سِتۡرٗا ﴿٩٠﴾ كَذَٰلِكَۖ وَقَدۡ أَحَطۡنَا بِمَا لَدَيۡهِ خُبۡرٗا ﴿٩١﴾ ثُمَّ
أَتۡبَعَ سَبَبًا ﴿٩٢﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ بَيۡنَ ٱلسَّدَّيۡنِ وَجَدَ مِن دُونِهِمَا قَوۡمٗا
لَّا يَكَادُونَ يَفۡقَهُونَ قَوۡلٗا ﴿٩٣﴾ قَالُواْ يَٰذَا ٱلۡقَرۡنَيۡنِ إِنَّ يَأۡجُوجَ
وَمَأۡجُوجَ مُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَهَلۡ نَجۡعَلُ لَكَ خَرۡجًا عَلَىٰٓ أَن
تَجۡعَلَ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَهُمۡ سَدّٗا ﴿٩٤﴾ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيۡرٞ فَأَعِينُونِي
بِقُوَّةٍ أَجۡعَلۡ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُمۡ رَدۡمًا ﴿٩٥﴾ ءَاتُونِي زُبَرَ ٱلۡحَدِيدِۖ حَتَّىٰٓ إِذَا سَاوَىٰ
بَيۡنَ ٱلصَّدَفَيۡنِ قَالَ ٱنفُخُواْۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَعَلَهُۥ نَارٗا قَالَ ءَاتُونِيٓ أُفۡرِغۡ عَلَيۡهِ
قِطۡرٗا ﴿٩٦﴾ فَمَا ٱسۡطَٰعُوٓاْ أَن يَظۡهَرُوهُ وَمَا ٱسۡتَطَٰعُواْ لَهُۥ نَقۡبٗا ﴿٩٧﴾

هرآئینه ما او را درزمین دسترسی دادیم و اورا از هرچیزوسیله ای دادیم (٨٤). پس درپی وسیله ای افتاد[٩] (٨٥). تاآنکه چون به محل فرورفتن آفتاب رسید دریافت آنرا که درچشمه گل ولای فرو می‌رود و نزدیك آن چشمه گروهی را یافت گفتیم ای ذوالقرنین (اختیار بدست تست) یا (اینست که) عقوبت کنی یا درمیان ایشان معامله نیکو بگیری[١٠] (٨٦). گفت أما کسیکه ستم کرد پس اورا به عذاب خواهیم کرد آنگاه به سوی پروردگار خویش بازگردانیده شود پس اورا به عذاب سخت عذاب کند (٨٧). واما آنکه ایمان آورده وکارشایسته کرده باشد پس اورا پاداش نیکو است و دربارهٔ اودرکار خویش سخنی آسان خواهیم گفت (٨٨). بازدرپی وسیله ای افتاد (٨٩). تا آنگاه که چون به جایگاه برآمدن خورشید رسید یافت که آن برگروهی بر می‌آید که برای ایشان ازجهت آفتاب هیچ پرده ای نساخته ایم (٩٠). قصه چنین بود وهرآئینه درگرفته ایم به آنچه نزدیك وی بود از روی خبرداری (٩١). بازدرپی وسیله ای افتاد (٩٢). تاوقتیکه چون درمیان دوسدّ رسید سوی این دوسدّ گروهی را یافت که نزدیك نیستند ازآنکه سخنی را بفهمند (٩٣). گفتند این گروه ای ذوالقرنین هرآئینه یاجوج وماجوج درزمین فساد کنندگانند پس آیا مقرر کنیم برای تو هزینه ای به شرط آنکه درمیان ما وایشان سدّی بسازی (٩٤). گفت آنچه مرا درآن پروردگار من دسترسی داده است بهتر است پس مرا باتوان بازو مدد کنید تا میان شماو ایشان حجابی محکم بسازم (٩٥). پیش من پاره‌های آهن را بیارید آنگاه که مابین آن دوکوه را برابر ساخت گفت آتش بدمید تاآنکه چون آن آهن را آتش ساخت گفت بیاورید پیش من تا بالای این روئین گداخته را بریزم (٩٦). پس یاجوج وماجوج نتوانستند که برآن بالاروند واورا سوراخ کردن نتوانستند (٩٧).

---

(٩) یعنی بحسب نظرمردمان.

(١٠) مترجم گوید واین کنایت است ازقدرتِ اوبرین دوکار.

قَالَ هَٰذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي ۖ فَإِذَا جَآءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُۥ دَكَّآءَ ۖ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي
حَقًّا ﴿٩٨﴾ ۞ وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ ۖ وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ
فَجَمَعْنَٰهُمْ جَمْعًا ﴿٩٩﴾ وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَٰفِرِينَ عَرْضًا ﴿١٠٠﴾
ٱلَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَآءٍ عَن ذِكْرِي وَكَانُوا۟ لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا
﴿١٠١﴾ أَفَحَسِبَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ أَن يَتَّخِذُوا۟ عِبَادِي مِن دُونِيٓ أَوْلِيَآءَ ۚ إِنَّآ
أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَٰفِرِينَ نُزُلًا ﴿١٠٢﴾ قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُم بِٱلْأَخْسَرِينَ أَعْمَٰلًا
﴿١٠٣﴾ ٱلَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ
صُنْعًا ﴿١٠٤﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمْ وَلِقَآئِهِۦ فَحَبِطَتْ
أَعْمَٰلُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَزْنًا ﴿١٠٥﴾ ذَٰلِكَ جَزَآؤُهُمْ جَهَنَّمُ
بِمَا كَفَرُوا۟ وَٱتَّخَذُوٓا۟ ءَايَٰتِي وَرُسُلِي هُزُوًا ﴿١٠٦﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟
ٱلصَّٰلِحَٰتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّٰتُ ٱلْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ﴿١٠٧﴾ خَٰلِدِينَ فِيهَا
لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا ﴿١٠٨﴾ قُل لَّوْ كَانَ ٱلْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَٰتِ رَبِّي لَنَفِدَ
ٱلْبَحْرُ قَبْلَ أَن تَنفَدَ كَلِمَٰتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِۦ مَدَدًا ﴿١٠٩﴾ قُلْ إِنَّمَآ
أَنَا۠ بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ ۖ فَمَن كَانَ يَرْجُوا۟
لِقَآءَ رَبِّهِۦ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَٰلِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِۦٓ أَحَدًۢا ﴿١١٠﴾

گفت این (صنعت) نعمتی ازپروردگار من است پس چون وعدهٔ پروردگار من بیاید[١١] آنرا هموار کند وهست وعدهٔ پروردگار من راست (٩٨). وبگذاریم بعض ایشان را آن روزکه دربعض دیگر درهم آمیزند ودرصور دمیده شود پس ایشان را کاملاً بهم آوریم (٩٩). و روبروآوریم دوزخ را آن روزپیش کافران روبرو آوردن (١٠٠). آنانکه چشم های ایشان ازیاد من درپرده بود وسخن شنیدن را نمی توانستند (١٠١). (یعنی ازشدت بغض) آیاپنداشتند کافران که دوست گرفتن ایشان بندگان مرا به جای من که موجب عقوبت نباشد هرآئینه ما دوزخ رابرای کافران منزل‌گاه آماده ساخته ایم (١٠٢). بگو آیا شمارا به آنانکه زیانکارترین مردم‌اند از روی عمل خبر دهیم (١٠٣). این جماعت آنانند که سعی ایشان در زندگانی دنیا برباد شد وایشان گمان می کنند که درعمل خودشان نیکوکاری می کنند (١٠٤). این جماعت آنانند که به آیات پروردگار خویش وبه ملاقات او کافر شدند پس اعمال ایشان نابود شد پس برپا نخواهیم ساخت برای ایشان روزقیامت هیچ وزنی[١٢] (١٠٥). این است که جزای ایشان دوزخ باشد بسبب آنکه کافر شدند وآیات مرا و پیامبران مرا به تمسخر گرفتند (١٠٦). هرآئینه آنانکه ایمان آورده اند وکارهای شایسته کرده‌اند جایگاه پذیرایی ایشان باغهای فرودس است (١٠٧). درآنجا جاویدان باشند ازآنجا بازگشتن را نجویند (١٠٨). بگو اگر دریا سیاهی باشد برای نوشتن سخنان پروردگار من البته دریا تمام شود پیش ازآنکه سخنان پروردگار من بآخررسد اگرچه به کمك مانند آن دریادریایی دیگر را بیاوریم (١٠٩). بگو جزاین نیست که من آدمی‌ام مانند شما به سوی من وحی فرستاده می شود که معبود شما همان معبودی یکتا است پس هرکه ملاقات پروردگار خود را توقع دارد باید که کار پسندیده بکند و درعبادت پروردگار خویش هیچ کسی را شریك نیاورد (١١٠).

---

(١١) یعنی نزدیك شود قیامت.

(١٢) مترجم گوید واین کنایت است ازخواری وبی قدری.

سُورَةُ مَرْيَمَ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

كٓهيعٓصٓ ﴿١﴾ ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُۥ زَكَرِيَّآ ﴿٢﴾ إِذْ
نَادَىٰ رَبَّهُۥ نِدَآءً خَفِيًّا ﴿٣﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّى وَهَنَ ٱلْعَظْمُ مِنِّى
وَٱشْتَعَلَ ٱلرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنۢ بِدُعَآئِكَ رَبِّ شَقِيًّا
﴿٤﴾ وَإِنِّى خِفْتُ ٱلْمَوَٰلِىَ مِن وَرَآءِى وَكَانَتِ ٱمْرَأَتِى
عَاقِرًا فَهَبْ لِى مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا ﴿٥﴾ يَرِثُنِى وَيَرِثُ مِنْ
ءَالِ يَعْقُوبَ ۖ وَٱجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا ﴿٦﴾ يَٰزَكَرِيَّآ إِنَّا
نُبَشِّرُكَ بِغُلَٰمٍ ٱسْمُهُۥ يَحْيَىٰ لَمْ نَجْعَل لَّهُۥ مِن قَبْلُ سَمِيًّا
﴿٧﴾ قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِى غُلَٰمٌ وَكَانَتِ ٱمْرَأَتِى عَاقِرًا
وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ ٱلْكِبَرِ عِتِيًّا ﴿٨﴾ قَالَ كَذَٰلِكَ قَالَ
رَبُّكَ هُوَ عَلَىَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِن قَبْلُ وَلَمْ تَكُ
شَيْـًٔا ﴿٩﴾ قَالَ رَبِّ ٱجْعَل لِّىٓ ءَايَةً ۚ قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا
تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَ لَيَالٍ سَوِيًّا ﴿١٠﴾ فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِۦ مِنَ
ٱلْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰٓ إِلَيْهِمْ أَن سَبِّحُوا۟ بُكْرَةً وَعَشِيًّا ﴿١١﴾

بنام خداى بخشاينده مهربان.

كَهٰيٰعَصَ (١). اين ياد كَرد بخشايش پروردگارتو بربنده خود زكريا است (٢). چون پروردگار خود را به ندايى پنهان به دعاخواند (٣). گفت اى پروردگار من هرآئينه استخوان ازبدن من سست شده است وسرم ازسفيد مويى شعله گشته است ودردعاى تو اى پروردگار من نااميد نبوده ام (٤). وهرآئينه من پس ازخود ازنزديكانم مى ترسم وهست زن من نازاى پس مرا از نزديك خود وارثى عطا كن (٥). كه از من ميراث گيرد و ميراث گيرد از اولادِ يعقوب واورا اى پروردگار من مرد پسنديده بكن (٦). گفتيم اى زكريا هرآئينه ما تورا به طفلى كه نام اويحيى است بشارت ميدهيم پيش ازين هيچ هم نام اورا پيدا نكرديم (٧). گفت اى پرورد گار من چگونه پيدا شود براى من طفلى وهست زن من نازاى وهرآئينه از سبب كلان سالى بنهايتِ ضعف رسيده‌ام (٨). گفت وعده هم چنين است گفت پروردگار تواين كار برمن آسان است و هرآئينه تراپيش ازين وتو چيزى نبودى آفريدم (٩). گفت اى پروردگار من براى من نشانه اى معين كن فرمود نشانه توآنست كه بامردمان سه شبانه روزدر عين حال تندرستى سخن نتوانى گفتن (١٠). پس برقوم خود ازمحراب عبادت بيرون آمد پس اشاره كرد به سوى ايشان كه صبح وشام تسبيح گوييد[١] (١١).

(١) مترجم گويد القصه چون يحيى متولد شدو دوساله گشت.

يَٰيَحۡيَىٰ خُذِ ٱلۡكِتَٰبَ بِقُوَّةٖۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ ٱلۡحُكۡمَ صَبِيّٗا ﴿١٢﴾
وَحَنَانٗا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَوٰةٗۖ وَكَانَ تَقِيّٗا ﴿١٣﴾ وَبَرَّۢا بِوَٰلِدَيۡهِ وَلَمۡ
يَكُن جَبَّارًا عَصِيّٗا ﴿١٤﴾ وَسَلَٰمٌ عَلَيۡهِ يَوۡمَ وُلِدَ وَيَوۡمَ يَمُوتُ
وَيَوۡمَ يُبۡعَثُ حَيّٗا ﴿١٥﴾ وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ مَرۡيَمَ إِذِ ٱنتَبَذَتۡ
مِنۡ أَهۡلِهَا مَكَانٗا شَرۡقِيّٗا ﴿١٦﴾ فَٱتَّخَذَتۡ مِن دُونِهِمۡ حِجَابٗا
فَأَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرٗا سَوِيّٗا ﴿١٧﴾ قَالَتۡ إِنِّيٓ
أَعُوذُ بِٱلرَّحۡمَٰنِ مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيّٗا ﴿١٨﴾ قَالَ إِنَّمَآ أَنَا۠ رَسُولُ
رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَٰمٗا زَكِيّٗا ﴿١٩﴾ قَالَتۡ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي
غُلَٰمٞ وَلَمۡ يَمۡسَسۡنِي بَشَرٞ وَلَمۡ أَكُ بَغِيّٗا ﴿٢٠﴾ قَالَ كَذَٰلِكِ
قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٞۖ وَلِنَجۡعَلَهُۥٓ ءَايَةٗ لِّلنَّاسِ وَرَحۡمَةٗ
مِّنَّاۚ وَكَانَ أَمۡرٗا مَّقۡضِيّٗا ﴿٢١﴾ ۞ فَحَمَلَتۡهُ فَٱنتَبَذَتۡ بِهِۦ
مَكَانٗا قَصِيّٗا ﴿٢٢﴾ فَأَجَآءَهَا ٱلۡمَخَاضُ إِلَىٰ جِذۡعِ ٱلنَّخۡلَةِ
قَالَتۡ يَٰلَيۡتَنِي مِتُّ قَبۡلَ هَٰذَا وَكُنتُ نَسۡيٗا مَّنسِيّٗا ﴿٢٣﴾
فَنَادَىٰهَا مِن تَحۡتِهَآ أَلَّا تَحۡزَنِي قَدۡ جَعَلَ رَبُّكِ تَحۡتَكِ سَرِيّٗا ﴿٢٤﴾
وَهُزِّيٓ إِلَيۡكِ بِجِذۡعِ ٱلنَّخۡلَةِ تُسَٰقِطۡ عَلَيۡكِ رُطَبٗا جَنِيّٗا ﴿٢٥﴾

گفتیم ای یحیی (احکام) کتاب را باقوّت واستواری بگیر و درحال کودکی دانائی دادیمش (١٢). و شفقتی ازنزدیك خود وطهارت نفس دادیمش و پرهیزگار بود (١٣). ونیکوکردار به پدرومادر خود بود وگردن کشُ گنهکار نبود (١٤). وسلام باد بروی روزیکه متولد شد و روزیکه بمیرد وروزیکه برانگیخته شود (١٥). و درکتاب مریم را یاد کن چون ازاهل خود به گوشه‌ای شرقی (ازبیت المقدس) یکسوشد (١٦). پس میان خود وایشان پرده‌ای گرفت پس به سوی او روح خود را فرستادیم[٢] پس به صورت بشری درست اندام پیش مریم ظاهر شد (١٧). گفت هرآئینه من به خدا از تو اگر پرهیزگارباشی پناه میگیرم (١٨). گفت جزاین نیست که من فرستادهٔ پروردگارتوهستم تا تورا کودکی پاکیزه عطاکنم (١٩). گفت چگونه برای من طفلی پیدا شود حال آنکه دست نرسانیده است بمن هیچ آدمی وهرگز زناکار نبودم (٢٠). گفت وعدهٔ حق هم چنین است فرمود پروردگار تو که این برمن آسان است ومی‌خواهیم که این طفل را نشانه ای برای مردمان وبخشایشی ازجانب خود بسازیم و این (تصمیم) کاری انجام یافتنی است (٢١). پس به شکم آن طفل را بارگرفت پس مریم بسبب آن حمل بجایی دورازمردم یکسو شد (٢٢). پس آوردش دردِ زه به سوی تنه درخت خرما مریم گفت ای کاش پیش ازین مرده بودم و فراموش شده ازخاطر رفته می بودم (٢٣). پس آواز داد اورا (طفل یا جبرئیل والله اعلم) ازجانب پایین اوکه اندوه مخور هرآئینه پروردگار تو پایین توجویی پیدا کرده است (٢٤). وبه سوی خویش تنهٔ درخت خرما را تکان دِه تا برسر تو خرمای تازه (بالفعل از درخت) چیده بیفکند (٢٥).

(٢) یعنی جبرئیل علیه السلام را.

فَكُلِي وَٱشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًاۖ فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ ٱلْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِيٓ إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَٰنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ ٱلْيَوْمَ إِنسِيًّا ﴿٢٦﴾ فَأَتَتْ بِهِۦ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُۥۖ قَالُواْ يَٰمَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْـًٔا فَرِيًّا ﴿٢٧﴾ يَٰٓأُخْتَ هَٰرُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ ٱمْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا ﴿٢٨﴾ فَأَشَارَتْ إِلَيْهِۖ قَالُواْ كَيْفَ نُكَلِّمُ مَن كَانَ فِي ٱلْمَهْدِ صَبِيًّا ﴿٢٩﴾ قَالَ إِنِّي عَبْدُ ٱللَّهِ ءَاتَىٰنِيَ ٱلْكِتَٰبَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ﴿٣٠﴾ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنتُ وَأَوْصَٰنِي بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱلزَّكَوٰةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ﴿٣١﴾ وَبَرًّۢا بِوَٰلِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ﴿٣٢﴾ وَٱلسَّلَٰمُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدتُّ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ﴿٣٣﴾ ذَٰلِكَ عِيسَى ٱبْنُ مَرْيَمَۖ قَوْلَ ٱلْحَقِّ ٱلَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٣٤﴾ مَا كَانَ لِلَّهِ أَن يَتَّخِذَ مِن وَلَدٍۖ سُبْحَٰنَهُۥٓۚ إِذَا قَضَىٰٓ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ﴿٣٥﴾ وَإِنَّ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَٱعْبُدُوهُۚ هَٰذَا صِرَٰطٌ مُّسْتَقِيمٌ ﴿٣٦﴾ فَٱخْتَلَفَ ٱلْأَحْزَابُ مِنۢ بَيْنِهِمْۖ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٣٧﴾ أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَاۖ لَٰكِنِ ٱلظَّٰلِمُونَ ٱلْيَوْمَ فِي ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٣٨﴾

پس بخور و بیا شام و آسوده چشم شو پس اگر ازآدمیان کسی را ببینی پس بگو هرآئینه من برای خدا روزه را نذر کرده ام پس امروزباهیچ انسانی سخن نخواهم گفت (٢٦). پس عیسیٰ را برداشته پیش قوم خود آورد گفتند ای مریم به راستی چیزی زشت را آوردی (٢٧). ای خواهر هارون پدرتو مردی بد نبود و مادرتو زن بدکاره نبود (٢٨). پس مریم به آن (بطفل) خود اشاره کرد گفتند چگونه سخن بگوییم باکسیکه در گهواره درحال کودکی است (٢٩). گفت (عیسیٰ) من بندهٔ خدا هستم مرا کتاب داده است ومرا پیامبر گردانیده است (٣٠). وخدا با برکت گردانده مرا هرجا که باشم و مرا به نماز و زکوٰة مادامِیکه زنده باشم حکم فرموده است (٣١). و(گردانده) مرا نیکوکار به مادرم ومرا گردن کش بدبخت قرارنداده است (٣٢). وسلام برمن باد روزیکه متولد شدم وروزیکه بمیرم وروزیکه زنده برانگیخته شوم (٣٣). اینست قصه عیسیٰ پسرمریم (مراد میدارم) سخن راست را که درآن مردمان اختلاف می ورزند (٣٤). لایق خدا نیست آنکه هیچ فرزندی گیرد پاکی اورا است چون انجام کاری را بخواهد جزاین نیست که میگویدش بشو پس می شود (٣٥). وگفت عیسیٰ هرآئینه خدا پروردگار منست و پروردگار شما پس عبادت اوکنید اینست راه راست (٣٦). پس گروهها میان خویش اختلاف کردند پس وای برکافران ازحاضر شدن روزبزرگ (٣٧). چه قدر شنوا باشند و چه قدربینا باشند روزی که بیایند پیش ما لیکن این ستم کاران امروز درگمراهی ظاهراند (٣٨).

وَأَنذِرۡهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡحَسۡرَةِ إِذۡ قُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ وَهُمۡ فِي غَفۡلَةٖ وَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ
٣٩ إِنَّا نَحۡنُ نَرِثُ ٱلۡأَرۡضَ وَمَنۡ عَلَيۡهَا وَإِلَيۡنَا يُرۡجَعُونَ ٤٠ وَٱذۡكُرۡ
فِي ٱلۡكِتَٰبِ إِبۡرَٰهِيمَۚ إِنَّهُۥ كَانَ صِدِّيقٗا نَّبِيًّا ٤١ إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ يَٰٓأَبَتِ
لِمَ تَعۡبُدُ مَا لَا يَسۡمَعُ وَلَا يُبۡصِرُ وَلَا يُغۡنِي عَنكَ شَيۡـٔٗا ٤٢ يَٰٓأَبَتِ
إِنِّي قَدۡ جَآءَنِي مِنَ ٱلۡعِلۡمِ مَا لَمۡ يَأۡتِكَ فَٱتَّبِعۡنِيٓ أَهۡدِكَ صِرَٰطٗا
سَوِيّٗا ٤٣ يَٰٓأَبَتِ لَا تَعۡبُدِ ٱلشَّيۡطَٰنَۖ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ كَانَ لِلرَّحۡمَٰنِ
عَصِيّٗا ٤٤ يَٰٓأَبَتِ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يَمَسَّكَ عَذَابٞ مِّنَ ٱلرَّحۡمَٰنِ
فَتَكُونَ لِلشَّيۡطَٰنِ وَلِيّٗا ٤٥ قَالَ أَرَاغِبٌ أَنتَ عَنۡ ءَالِهَتِي
يَٰٓإِبۡرَٰهِيمُۖ لَئِن لَّمۡ تَنتَهِ لَأَرۡجُمَنَّكَۖ وَٱهۡجُرۡنِي مَلِيّٗا ٤٦ قَالَ
سَلَٰمٌ عَلَيۡكَۖ سَأَسۡتَغۡفِرُ لَكَ رَبِّيٓۖ إِنَّهُۥ كَانَ بِي حَفِيّٗا ٤٧
وَأَعۡتَزِلُكُمۡ وَمَا تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَأَدۡعُواْ رَبِّي عَسَىٰٓ أَلَّآ
أَكُونَ بِدُعَآءِ رَبِّي شَقِيّٗا ٤٨ فَلَمَّا ٱعۡتَزَلَهُمۡ وَمَا يَعۡبُدُونَ مِن
دُونِ ٱللَّهِ وَهَبۡنَا لَهُۥٓ إِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَۖ وَكُلّٗا جَعَلۡنَا نَبِيّٗا ٤٩
وَوَهَبۡنَا لَهُم مِّن رَّحۡمَتِنَا وَجَعَلۡنَا لَهُمۡ لِسَانَ صِدۡقٍ عَلِيّٗا ٥٠
وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ مُوسَىٰٓۚ إِنَّهُۥ كَانَ مُخۡلَصٗا وَكَانَ رَسُولٗا نَّبِيّٗا ٥١

وایشان را که درغفلتند و ایمان نمی آورند بترسان از (فرارسیدن) روز پشیمانی وچون کار به انجام رسانیده یکسره شود (٣٩). هرآئینه ما زمین را وهرکسی را که برزمین است وارث می شویم وبه سوی مابازگردانیده می شوند (٤٠). ویاد کن درکتاب ابراهیم را هرآئینه وی پیامبری راست کردار بود (٤١). یاد کن چون پدرخود را گفت ای پدرمن چرا عبادت می‌کنی چیزی را که نمی شنود ونمی بیند و ازتو چیزی را دفع نمی کند (٤٢). ای پدرمن هرآئینه پیش من ازعلم آمده است آنچه پیش تو نیامده است پس پیروی من کن تا تورا به راه راست دلالت کنم (٤٣). ای پدر من شیطان را عبادت مکن هرآئینه شیطان نافرمان (خدا) هست (٤٤). ای پدرمن می‌ترسم ازآنکه به توعقوبتی از(خدا) رحمان برسد پس قرین شیطان باشی (٤٥). گفت آیا تو ازمعبودانِ من رویگردانی ای ابراهیم؟ اگربازنیایی البته تورا سنگسار کنم ومدتی دراز ترك صحبت من کن (٤٦). گفت سلام علیك برای تو ازپروردگار خویش آمرزش خواهم طلبید هرآئینه وی برمن مهربان هست (٤٧). وکناره گیرم ازشما وازآ نچه را که غیرازخدا می پرستید و پروردگار خود را عبادت خواهم کرد امید آنست که بسبب پرستش پروردگارخود بدبخت نباشم (٤٨). پس چون کناره گرفت ازایشان وازآنچه به جای خدا می‌پرستیدند وی را اسحق ویعقوب وهریکی را پیامبرساختیم (٤٩). وایشان را چیزها ازبخشش خود عطا کردیم وبرای ایشان ذکر جمیل بنهایت بزرگی مقررداشتیم (٥٠). ودرکتاب موسیٰ را یاد کن هرآئینه وی خالص کرده شده بود وفرستاده‌ای پیامبربود (٥١).

وَنَٰدَيۡنَٰهُ مِن جَانِبِ ٱلطُّورِ ٱلۡأَيۡمَنِ وَقَرَّبۡنَٰهُ نَجِيّٗا ﴿٥٢﴾ وَوَهَبۡنَا لَهُۥ مِن
رَّحۡمَتِنَآ أَخَاهُ هَٰرُونَ نَبِيّٗا ﴿٥٣﴾ وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ إِسۡمَٰعِيلَۚ إِنَّهُۥ كَانَ
صَادِقَ ٱلۡوَعۡدِ وَكَانَ رَسُولٗا نَّبِيّٗا ﴿٥٤﴾ وَكَانَ يَأۡمُرُ أَهۡلَهُۥ بِٱلصَّلَوٰةِ
وَٱلزَّكَوٰةِ وَكَانَ عِندَ رَبِّهِۦ مَرۡضِيّٗا ﴿٥٥﴾ وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ إِدۡرِيسَۚ إِنَّهُۥ
كَانَ صِدِّيقٗا نَّبِيّٗا ﴿٥٦﴾ وَرَفَعۡنَٰهُ مَكَانًا عَلِيًّا ﴿٥٧﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمَ
ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ مِن ذُرِّيَّةِ ءَادَمَ وَمِمَّنۡ حَمَلۡنَا مَعَ نُوحٖ وَمِن
ذُرِّيَّةِ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡرَٰٓءِيلَ وَمِمَّنۡ هَدَيۡنَا وَٱجۡتَبَيۡنَآۚ إِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ
ءَايَٰتُ ٱلرَّحۡمَٰنِ خَرُّواْۤ سُجَّدٗاۤ وَبُكِيّٗا ۩ ﴿٥٨﴾ ۞ فَخَلَفَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ
خَلۡفٌ أَضَاعُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَٱتَّبَعُواْ ٱلشَّهَوَٰتِۖ فَسَوۡفَ يَلۡقَوۡنَ غَيًّا
﴿٥٩﴾ إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَأُوْلَٰٓئِكَ يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ
وَلَا يُظۡلَمُونَ شَيۡـٔٗا ﴿٦٠﴾ جَنَّٰتِ عَدۡنٍ ٱلَّتِي وَعَدَ ٱلرَّحۡمَٰنُ عِبَادَهُۥ
بِٱلۡغَيۡبِۚ إِنَّهُۥ كَانَ وَعۡدُهُۥ مَأۡتِيّٗا ﴿٦١﴾ لَّا يَسۡمَعُونَ فِيهَا لَغۡوًا إِلَّا
سَلَٰمٗاۖ وَلَهُمۡ رِزۡقُهُمۡ فِيهَا بُكۡرَةٗ وَعَشِيّٗا ﴿٦٢﴾ تِلۡكَ ٱلۡجَنَّةُ ٱلَّتِي
نُورِثُ مِنۡ عِبَادِنَا مَن كَانَ تَقِيّٗا ﴿٦٣﴾ وَمَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمۡرِ رَبِّكَۖ لَهُۥ
مَا بَيۡنَ أَيۡدِينَا وَمَا خَلۡفَنَا وَمَا بَيۡنَ ذَٰلِكَۚ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيّٗا ﴿٦٤﴾

وازجانبِ راست کوه طور اورا ندا کردیم و او را رازگویان نزدیك ساختیم (٥٢). و اورا ازبخشش خود برادرش هارون را پیامبری عطاکردیم (٥٣). ویادکن درکتاب اسمعیل را هرآئینه وی راست وعده بود وفرستاده‌ای پیامبر بود (٥٤). و خانواده اش را به نماز و زکوٰة می‌فرمود ونزد پروردگار خویش پسندیده بود (٥٥). وادریس را درکتاب یادکن هرآئینه وی پیامبری راست کردار بود (٥٦). و اورا بمکانی بلند برداشتیم (٥٧). این جماعت آنانند که خدا برایشان اززمرهٔ پیامبران ازفرزندان آدم انعام کرد وازنسل آنانکه بانوح برداشتیم واز ذُرّیت ابراهیم و یعقوب وازجمله آنانکه ایشان را راه راست نمودیم وبرگزیدیم چون خوانده می‌شد برایشان آیات خُدا سجده کنان وگریان می‌افتادند (٥٨). پس جانشین شد بعد ازایشان ناخلفی چند که نمازرا ترك کردند و خواهش‌ها را پیروی کردند پس جزای گمراهی خواهند یافت (٥٩). لیکن هرکه توبه کرد وایمان آورد و کارشایسته بعمل آورد پس آن جماعت دربهشت درآیند وبرایشان هیچ ستم کرده نشود (٦٠). بوستانهای همیشه ماندن که خدا بندگان خود را نادیده وعده داده است هرآئینه وعده او آینده هست (٦١). آنجاهیچ سخن بیهوده نشنوند لیکن سلام شنوند وبرای ایشان روزی ایشان در آنجا صبح و شام بُوَد (٦٢). اینست آن بهشت که عطاکنیم ازبندگان خویش آن را که پرهیزگاربود (٦٣). و(فرشتگان گفتند که) فرونمی‌آییم مگر به حکم پروردگار تو او راست (علم) آنچه پیش ماست[3] وآنچه عقب ماست[4] وآنچه درمیان این است و پروردگار تو فراموش کار نیست (٦٤).

(۳) یعنی قیامت.
(٤) یعنی ازابتدای خلق آسمان وزمین.

رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا فَٱعۡبُدۡهُ وَٱصۡطَبِرۡ لِعِبَٰدَتِهِۦۚ
هَلۡ تَعۡلَمُ لَهُۥ سَمِيّٗا ﴿٦٥﴾ وَيَقُولُ ٱلۡإِنسَٰنُ أَءِذَا مَا مِتُّ لَسَوۡفَ
أُخۡرَجُ حَيًّا ﴿٦٦﴾ أَوَلَا يَذۡكُرُ ٱلۡإِنسَٰنُ أَنَّا خَلَقۡنَٰهُ مِن قَبۡلُ
وَلَمۡ يَكُ شَيۡـٔٗا ﴿٦٧﴾ فَوَرَبِّكَ لَنَحۡشُرَنَّهُمۡ وَٱلشَّيَٰطِينَ ثُمَّ
لَنُحۡضِرَنَّهُمۡ حَوۡلَ جَهَنَّمَ جِثِيّٗا ﴿٦٨﴾ ثُمَّ لَنَنزِعَنَّ مِن كُلِّ
شِيعَةٍ أَيُّهُمۡ أَشَدُّ عَلَى ٱلرَّحۡمَٰنِ عِتِيّٗا ﴿٦٩﴾ ثُمَّ لَنَحۡنُ أَعۡلَمُ بِٱلَّذِينَ
هُمۡ أَوۡلَىٰ بِهَا صِلِيّٗا ﴿٧٠﴾ وَإِن مِّنكُمۡ إِلَّا وَارِدُهَاۚ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ
حَتۡمٗا مَّقۡضِيّٗا ﴿٧١﴾ ثُمَّ نُنَجِّي ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْ وَّنَذَرُ ٱلظَّٰلِمِينَ
فِيهَا جِثِيّٗا ﴿٧٢﴾ وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ قَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَيُّ ٱلۡفَرِيقَيۡنِ خَيۡرٞ مَّقَامٗا وَأَحۡسَنُ نَدِيّٗا ﴿٧٣﴾
وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّن قَرۡنٍ هُمۡ أَحۡسَنُ أَثَٰثٗا وَرِءۡيٗا ﴿٧٤﴾
قُلۡ مَن كَانَ فِي ٱلضَّلَٰلَةِ فَلۡيَمۡدُدۡ لَهُ ٱلرَّحۡمَٰنُ مَدًّاۚ حَتَّىٰٓ إِذَا رَأَوۡاْ
مَا يُوعَدُونَ إِمَّا ٱلۡعَذَابَ وَإِمَّا ٱلسَّاعَةَ فَسَيَعۡلَمُونَ مَنۡ هُوَ شَرّٞ
مَّكَانٗا وَأَضۡعَفُ جُندٗا ﴿٧٥﴾ وَيَزِيدُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ٱهۡتَدَوۡاْ هُدٗىۗ
وَٱلۡبَٰقِيَٰتُ ٱلصَّٰلِحَٰتُ خَيۡرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابٗا وَخَيۡرٞ مَّرَدًّا ﴿٧٦﴾

اوست پروردگار آسمان ها وزمین وآنچه میان اینهاست پس اورا عبادت کن و برعبادت وی صبرکن آیا میدانی برای او همنامی (یعنی مانندی) (٦٥). ومیگوید آدمی (یعنی آدمی کافر) آیا چون بمیرم البته زنده بیرون آورده خواهم شد (٦٦). آیا آدمی یاد نمی آورَد که ما اورا پیش ازاین ونبود هیچ چیزی آفریدیم (٦٧). پس قسم به پروردگارِ تو که البته این منکران بعث را با شیاطین برانگیزیم باز ایشان را گرداگرد دوزخ به زانودرافتاده حاضر کنیم (٦٨). باز از هرامتی آن را که ازایشان جرأتمندودرنافرمانی سخت ترست برخدا برکشیم (٦٩). بازالبته ما به آنانکه سزاوارترانند به درآمدن دوزخ داناتریم (٧٠). و ازشماهیچ کس نیست مگر برآن گذرنده است این وعده (لازم) بر پروردگارتو قضای حتمی است (٧١). باز متقیان را نجات دهیم و ظالمان را در آنجابزانو درافتاده بگذاریم (٧٢). وچون آیات ما به روشنی برایشان خوانده می شود کافران گویند مسلمانان را کدام یك ازاین دوگروه در مرتبه بهتراست و ازروی مجلس نیکوتراست[٥] (٧٣). وچه بسیار نسلها راکه پیش ازایشان بودند هلاك کردیم که ایشان باعتبار رخت خانه وازروی نموداری بهتر بودند (٧٤). بگو هرکه درگمراهی‌باشد پس اورا خدا افزون میدهد افزون دادنی (یعنی ازروی استدراج) تا وقتیکه چون ببینند آنچه راکه ترسانیده شدند یاعقوبت را ویاقیامت را پس خواهند دانست کدام یك درمرتبه بدتراست وباعتبار لشکر ناتوان تراست (٧٥). و خدا راه یابان را هدایت زیاده میدهد وحسنات پاینده شایسته نزد پروردگار توازروی جزا بهترند وازجهت بازگشت نیکو ترند (٧٦).

(٥) یعنی بعزت دنیامغرورشدند.

أَفَرَءَيْتَ ٱلَّذِى كَفَرَ بِـَٔايَٰتِنَا وَقَالَ لَأُوتَيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا ﴿٧٧﴾ أَطَّلَعَ ٱلْغَيْبَ أَمِ ٱتَّخَذَ عِندَ ٱلرَّحْمَٰنِ عَهْدًا ﴿٧٨﴾ كَلَّا ۚ سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُۥ مِنَ ٱلْعَذَابِ مَدًّا ﴿٧٩﴾ وَنَرِثُهُۥ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا ﴿٨٠﴾ وَٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِ ٱللَّهِ ءَالِهَةً لِّيَكُونُوا۟ لَهُمْ عِزًّا ﴿٨١﴾ كَلَّا ۚ سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا ﴿٨٢﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّآ أَرْسَلْنَا ٱلشَّيَٰطِينَ عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ تَؤُزُّهُمْ أَزًّا ﴿٨٣﴾ فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ ۖ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا ﴿٨٤﴾ يَوْمَ نَحْشُرُ ٱلْمُتَّقِينَ إِلَى ٱلرَّحْمَٰنِ وَفْدًا ﴿٨٥﴾ وَنَسُوقُ ٱلْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا ﴿٨٦﴾ لَّا يَمْلِكُونَ ٱلشَّفَٰعَةَ إِلَّا مَنِ ٱتَّخَذَ عِندَ ٱلرَّحْمَٰنِ عَهْدًا ﴿٨٧﴾ وَقَالُوا۟ ٱتَّخَذَ ٱلرَّحْمَٰنُ وَلَدًا ﴿٨٨﴾ لَّقَدْ جِئْتُمْ شَيْـًٔا إِدًّا ﴿٨٩﴾ تَكَادُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنشَقُّ ٱلْأَرْضُ وَتَخِرُّ ٱلْجِبَالُ هَدًّا ﴿٩٠﴾ أَن دَعَوْا۟ لِلرَّحْمَٰنِ وَلَدًا ﴿٩١﴾ وَمَا يَنۢبَغِى لِلرَّحْمَٰنِ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا ﴿٩٢﴾ إِن كُلُّ مَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ إِلَّآ ءَاتِى ٱلرَّحْمَٰنِ عَبْدًا ﴿٩٣﴾ لَّقَدْ أَحْصَىٰهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا ﴿٩٤﴾ وَكُلُّهُمْ ءَاتِيهِ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فَرْدًا ﴿٩٥﴾

آیادیدی آن را که بآیاتِ ما کافرشد وگفت البته مرا[٦] مال وفرزند داده شود (۷۷). آیا برغیب مطلع شده است یا ازنزد خدا عهدی را گرفته است (۷۸). چنین نیست، خواهیم نوشت آنچه را که می گوید وبراو عذاب را افزون دهیم افزون دادنی (یعنی مستمر پیاپی) (۷۹). وآنچه را می گوید از وی می گیریم وپیش ماتنها بیاید (۸۰). ومعبودانی را به جای خدا گرفتند تا ایشان مایه عزت واحترام برا یشان باشند (۸۱). چنین نیست، پرستشِ معبودان خود را منکر خواهندشد وبرایشان دشمن خواهند شد (۸۲). آیا ندیدی که شیاطین را برکافران فرستادیم که می‌جنبانیدند ایشان را جنبانیدنی (۸۳). پس به زیان ایشان شتاب مکن جزاین نیست که مدت می شماریم برای ایشان شمارکردنی (یعنی مدت اجلشان را) (۸٤). روزیکه متقیان را به سوی رحمن بصورت گروه برانگیزیم (۸۵). و گناه کاران را به سوی دوزخ تشنه کام میرانیم (۸٦). نتوانند شفاعت کردن الّاکسیکه نزد خدا عهدی را گرفته است[۷] (۸۷). وگفتند خدا فرزند گرفته است (۸۸). (فرمود ایشان را) به یقین چیزی زشتی را آوردید (۸۹). نزدیك است که آسمان‌ها ازین سخن پاره پاره شوند وزمین بشکافد وکوهها درهم شکسته فروریزند (۹۰). بسبب آنکه به خدا فرزندی را نسبت دادند (۹۱). ونه سزد خدا را که فرزند گیرد (۹۲). نیست هیچ یك ازآنکه درآسمان‌ها وزمین‌اند مگر پیش رحمن بنده شده آینده است (۹۳). به راستی ایشان را فرا گرفته است وشمارکرده است ایشان راچنان که بایدشمرد (۹٤). وهریك ازایشان پیش وی روزقیامت تنها آینده است (۹۵).

(٦) یعنی درقیامت.
(۷) یعنی مسلمان شده ووعده ثواب را مستحق گشته.

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَيَجۡعَلُ لَهُمُ ٱلرَّحۡمَٰنُ وُدّٗا ﴿٩٦﴾ فَإِنَّمَا يَسَّرۡنَٰهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ ٱلۡمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِۦ قَوۡمٗا لُّدّٗا ﴿٩٧﴾ وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّن قَرۡنٍ هَلۡ تُحِسُّ مِنۡهُم مِّنۡ أَحَدٍ أَوۡ تَسۡمَعُ لَهُمۡ رِكۡزَۢا ﴿٩٨﴾

سُورَةُ طه

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

طه ﴿١﴾ مَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡقُرۡءَانَ لِتَشۡقَىٰٓ ﴿٢﴾ إِلَّا تَذۡكِرَةٗ لِّمَن يَخۡشَىٰ ﴿٣﴾ تَنزِيلٗا مِّمَّنۡ خَلَقَ ٱلۡأَرۡضَ وَٱلسَّمَٰوَٰتِ ٱلۡعُلَى ﴿٤﴾ ٱلرَّحۡمَٰنُ عَلَى ٱلۡعَرۡشِ ٱسۡتَوَىٰ ﴿٥﴾ لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا وَمَا تَحۡتَ ٱلثَّرَىٰ ﴿٦﴾ وَإِن تَجۡهَرۡ بِٱلۡقَوۡلِ فَإِنَّهُۥ يَعۡلَمُ ٱلسِّرَّ وَأَخۡفَى ﴿٧﴾ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ لَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ ﴿٨﴾ وَهَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ مُوسَىٰٓ ﴿٩﴾ إِذۡ رَءَا نَارٗا فَقَالَ لِأَهۡلِهِ ٱمۡكُثُوٓاْ إِنِّيٓ ءَانَسۡتُ نَارٗا لَّعَلِّيٓ ءَاتِيكُم مِّنۡهَا بِقَبَسٍ أَوۡ أَجِدُ عَلَى ٱلنَّارِ هُدٗى ﴿١٠﴾ فَلَمَّآ أَتَىٰهَا نُودِيَ يَٰمُوسَىٰٓ ﴿١١﴾ إِنِّيٓ أَنَا۠ رَبُّكَ فَٱخۡلَعۡ نَعۡلَيۡكَ إِنَّكَ بِٱلۡوَادِ ٱلۡمُقَدَّسِ طُوٗى ﴿١٢﴾

هرآئینه آنانکه ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته انجام داده‌اند خدا برای ایشان دوستی را[٨] پیدا خواهد کرد (٩٦). جزاین نیست که قرآن را به زبانِ تو آسان ساختیم تا به آن متقیان را مژده دهی و به آن گروه ستیزندگان را بترسانی (٩٧). وچه بسیار نسلها را پیش ازایشان هلاك کردیم آیا هیچ کسی را ازایشان می بینی یا ازایشان آوازی آهسته می‌شنوی (٩٨).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

طٰهٰ (١). قرآن را برتو نازل نکردیم که به رنج افتی (٢). لیکن فروفرستادیم برای پند دادن کسی را که بترسد (٣). فروفرستاده است ازجانب کسیکه زمین و آسمانهای بلند را آفریده است (٤). وی بسیار بخشاینده است برعرش قرار گرفت (٥). اورا است آنچه درآسمانها وآنچه درزمین است وآنچه درمیان اینهاست وآنچه زیرخاكِ نمناك است (٦). واگرآشکار کنی سخن را پس هرآئینه وی سخن پنهان را وپنهان تررا میداند[١] (٧). خدا آنست که هیچ معبود برحقی جزاو نیست نامهای نیکو برای اوست (٨). وآیا بتوخبرِ موسیٰ آمده است (٩). چون آتشی را دید پس خانواده خود را گفت درنگ کنید هرآئینه من آتشی را دیده‌ام امید دارم که پیش شماازآن آتش شعله ای بیاورم یا برآن آتش راه نمایی بیابم (١٠). پس چون نزدیك آتش بیامد آواز داده شد که ای موسیٰ (١١). هرآئینه من پروردگار تو هستم پس کفشهای خود را ازپا بیرون آور چرا که تو به وادی پاك طوی هستی (١٢).

---

(٨) یعنی بایك دیگردوست باشند.

(١) یعنی جهررابطریق اولیٰ میداند.

وَأَنَا ٱخْتَرْتُكَ فَٱسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰٓ ١٣ إِنَّنِىٓ أَنَا ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠
فَٱعْبُدْنِى وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِذِكْرِىٓ ١٤ إِنَّ ٱلسَّاعَةَ ءَاتِيَةٌ
أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍۭ بِمَا تَسْعَىٰ ١٥ فَلَا يَصُدَّنَّكَ
عَنْهَا مَن لَّا يُؤْمِنُ بِهَا وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ فَتَرْدَىٰ ١٦ وَمَا تِلْكَ
بِيَمِينِكَ يَٰمُوسَىٰ ١٧ قَالَ هِىَ عَصَاىَ أَتَوَكَّؤُا۟ عَلَيْهَا
وَأَهُشُّ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِى وَلِىَ فِيهَا مَـَٔارِبُ أُخْرَىٰ ١٨ قَالَ أَلْقِهَا
يَٰمُوسَىٰ ١٩ فَأَلْقَىٰهَا فَإِذَا هِىَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ ٢٠ قَالَ خُذْهَا
وَلَا تَخَفْ ۖ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا ٱلْأُولَىٰ ٢١ وَٱضْمُمْ يَدَكَ
إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَآءَ مِنْ غَيْرِ سُوٓءٍ ءَايَةً أُخْرَىٰ ٢٢ لِنُرِيَكَ
مِنْ ءَايَٰتِنَا ٱلْكُبْرَى ٢٣ ٱذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ ٢٤ قَالَ
رَبِّ ٱشْرَحْ لِى صَدْرِى ٢٥ وَيَسِّرْ لِىٓ أَمْرِى ٢٦ وَٱحْلُلْ عُقْدَةً مِّن
لِّسَانِى ٢٧ يَفْقَهُوا۟ قَوْلِى ٢٨ وَٱجْعَل لِّى وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِى ٢٩ هَٰرُونَ
أَخِى ٣٠ ٱشْدُدْ بِهِۦٓ أَزْرِى ٣١ وَأَشْرِكْهُ فِىٓ أَمْرِى ٣٢ كَىْ نُسَبِّحَكَ
كَثِيرًا ٣٣ وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا ٣٤ إِنَّكَ كُنتَ بِنَا بَصِيرًا ٣٥ قَالَ قَدْ
أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَٰمُوسَىٰ ٣٦ وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَىٰٓ ٣٧

ومن برگزیدم تورا پس به سوی آنچه وحی فرستاده می شود گوش بنه (١٣). هرآئینه من خدایم هیچ معبودی برحق غیراز من نیست پس عبادتِ من بکن ونمازرا برای یاد کردن من برپاکن (١٤). هرآئینه قیامت آمدنی است میخواهم که وقت آن را پنهان دارم تا هر شخصی دربرابرتلاش وکوشش آنچه می کند جزا داده شود (١٥). پس تورا از باورداشتن آن کسی که برآن ایمان ندارد وپیروی کرده است خواهش نفس خود را بازندارد آنگاه هلاك شوی (١٦). وچیست این که بدستِ راست توست ای موسیٰ؟ (١٧). گفت این عصای من است برآن تکیه می دهم و با آن برای گوسفندان خود برگ میریزم و مرا درین عصا کارهای دیگر نیز هست (١٨). فرمود ای موسیٰ آنرا بیفکن (١٩). آنگاه آنر انداخت پس ناگهان ماری شد که می شتافت (٢٠). فرمود آنرا بگیر و مترس، اورابشکل نخستین او بازخواهیم گردانید (٢١). ودستِ خودرا به سوی بغل خود بهم آور تا سفید شده بیرون آید بدون هیچ عیبی نشانه دیگر (٢٢). میخواهیم که تورا بعضی از نشانه های بزرگ خویش بنماییم (٢٣). برو به سوی فرعون هرآئینه وی ازحد گذشته است (٢٤). گفت ای پروردگار من برای من سینهٔ‌ام را گشاده کن (٢٥). وبرای من کارم را آسان کن (٢٦). گره را اززبانم بگشای (٢٧). تاسخنم را بفهمند (٢٨). وبرای من وزیری ازأهل من مقررکن (٢٩). هارون برادر مرا (٣٠). بسبب اوتوانایی مرا محکم کن (٣١). واورا درکارمن شریك کن (٣٢). تاتورا تسبیح بسیار گوییم (٣٣). ویاد تو را بسیارکنیم (٣٤). هرآئینه تو به احوال ما بینا هستی (٣٥). گفت هرآئینه ای موسیٰ خواسته‌ات برآورده شد (٣٦). وهرآئینه برتویك باردیگر احسان کردیم (٣٧).

إِذۡ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰٓ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰٓ ﴿٣٨﴾ أَنِ ٱقۡذِفِيهِ فِي ٱلتَّابُوتِ فَٱقۡذِفِيهِ فِي ٱلۡيَمِّ فَلۡيُلۡقِهِ ٱلۡيَمُّ بِٱلسَّاحِلِ يَأۡخُذۡهُ عَدُوّٞ لِّي وَعَدُوّٞ لَّهُۥۚ وَأَلۡقَيۡتُ عَلَيۡكَ مَحَبَّةٗ مِّنِّي وَلِتُصۡنَعَ عَلَىٰ عَيۡنِيٓ ﴿٣٩﴾ إِذۡ تَمۡشِيٓ أُخۡتُكَ فَتَقُولُ هَلۡ أَدُلُّكُمۡ عَلَىٰ مَن يَكۡفُلُهُۥۖ فَرَجَعۡنَٰكَ إِلَىٰٓ أُمِّكَ كَيۡ تَقَرَّ عَيۡنُهَا وَلَا تَحۡزَنَۚ وَقَتَلۡتَ نَفۡسٗا فَنَجَّيۡنَٰكَ مِنَ ٱلۡغَمِّ وَفَتَنَّٰكَ فُتُونٗاۚ فَلَبِثۡتَ سِنِينَ فِيٓ أَهۡلِ مَدۡيَنَ ثُمَّ جِئۡتَ عَلَىٰ قَدَرٖ يَٰمُوسَىٰ ﴿٤٠﴾ وَٱصۡطَنَعۡتُكَ لِنَفۡسِي ﴿٤١﴾ ٱذۡهَبۡ أَنتَ وَأَخُوكَ بِـَٔايَٰتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكۡرِي ﴿٤٢﴾ ٱذۡهَبَآ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ ﴿٤٣﴾ فَقُولَا لَهُۥ قَوۡلٗا لَّيِّنٗا لَّعَلَّهُۥ يَتَذَكَّرُ أَوۡ يَخۡشَىٰ ﴿٤٤﴾ قَالَا رَبَّنَآ إِنَّنَا نَخَافُ أَن يَفۡرُطَ عَلَيۡنَآ أَوۡ أَن يَطۡغَىٰ ﴿٤٥﴾ قَالَ لَا تَخَافَآۖ إِنَّنِي مَعَكُمَآ أَسۡمَعُ وَأَرَىٰ ﴿٤٦﴾ فَأۡتِيَاهُ فَقُولَآ إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرۡسِلۡ مَعَنَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَلَا تُعَذِّبۡهُمۡۖ قَدۡ جِئۡنَٰكَ بِـَٔايَةٖ مِّن رَّبِّكَۖ وَٱلسَّلَٰمُ عَلَىٰ مَنِ ٱتَّبَعَ ٱلۡهُدَىٰٓ ﴿٤٧﴾ إِنَّا قَدۡ أُوحِيَ إِلَيۡنَآ أَنَّ ٱلۡعَذَابَ عَلَىٰ مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿٤٨﴾ قَالَ فَمَن رَّبُّكُمَا يَٰمُوسَىٰ ﴿٤٩﴾ قَالَ رَبُّنَا ٱلَّذِيٓ أَعۡطَىٰ كُلَّ شَيۡءٍ خَلۡقَهُۥ ثُمَّ هَدَىٰ ﴿٥٠﴾ قَالَ فَمَا بَالُ ٱلۡقُرُونِ ٱلۡأُولَىٰ ﴿٥١﴾

چون وحی فرستادیم به سوی مادرت آنچه وحی کردنی بود (٣٨). (به این مضمون) این طفل را درصندوق بافکن پس صندوق را دردریا بیفکن تابیفکند اورا دریا بکناره بگیردش دشمن من ودشمن او وبر(روی) توقبول ودوستی ازجانب خویش بیفکندم و خواستم که زیر نظارت چشم من پرورده شوی (٣٩). چون خواهر تو می رفت پس می‌گفت آیا راهنمایی کنم شمارا برکسیکه نگهبانی این طفل کند پس تورا به سوی مادرتو بازآوردیم تاچشم وی خنك شود واندوهگین نباشد و شخصی را بکشتی پس تورا ازاندوه خلاص ساختیم وآزمودیم تورا آزمودنی پس سالهای چند در أهل مدین درنگ کردی بازموافق تقدیرالهی ای موسیٰ آمدی (٤٠). وتورا برای خویش پرورده ام (٤١). تو وبرادرت بانشانه های من بروید و در یاد من سستی نکنید (٤٢). به سوی فرعون بروید هرآئینه وی ازحدگذشته است (٤٣). پس باوی سخن نرم بگویید باشد که پندپذیر شود یابترسد (٤٤). گفتند ای پروردگارما هرآئینه ما می‌ترسیم ازآنکه برما تجاوز کند یا ازحد بگذرد (٤٥). گفت مترسید هرآئینه من باشمایم می‌شنوم ومی بینم (٤٦). پس بروید پیش وی پس بگویید هرآئینه ما فرستادگانِ پروردگار توهستیم پس باما بنی‌إسرائیل را بفرست وایشان را عذاب مکن هرآئینه پیش تونشانه‌ای ازجانب پروردگارتو آورده‌ایم وسلامتی کسی را است که پیروی راهِ هدایت کند (٤٧). هرآئینه به سوی ما وحی فرستاده شد که عذاب بر کسی باشد که تکذیب کند وروی گردان شود[٢] (٤٨). فرعون گفت پس کیست پروردگار شما ای موسیٰ (٤٩). گفت پروردگارماآنست که هر چیزی را صورت خالص او داد بازراه نمودش (بطلب معاش خودش) (٥٠). گفت پس حال قرنهای نخستین چیست (٥١).

(٢) القصه این پیغام رسانیدند.

قَالَ عِلْمُهَا عِندَ رَبِّى فِى كِتَٰبٍ ۖ لَّا يَضِلُّ رَبِّى وَلَا يَنسَى ﴿٥٢﴾ ٱلَّذِى
جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنزَلَ مِنَ
ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَخْرَجْنَا بِهِۦٓ أَزْوَٰجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّىٰ ﴿٥٣﴾ كُلُوا۟
وَٱرْعَوْا۟ أَنْعَٰمَكُمْ ۗ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّأُو۟لِى ٱلنُّهَىٰ ﴿٥٤﴾ ۞ مِنْهَا
خَلَقْنَٰكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ ﴿٥٥﴾ وَلَقَدْ
أَرَيْنَٰهُ ءَايَٰتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ ﴿٥٦﴾ قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا
مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَٰمُوسَىٰ ﴿٥٧﴾ فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِۦ
فَٱجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَّا نُخْلِفُهُۥ نَحْنُ وَلَآ أَنتَ مَكَانًا
سُوًى ﴿٥٨﴾ قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ ٱلزِّينَةِ وَأَن يُحْشَرَ ٱلنَّاسُ ضُحًى
﴿٥٩﴾ فَتَوَلَّىٰ فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُۥ ثُمَّ أَتَىٰ ﴿٦٠﴾ قَالَ لَهُم
مُّوسَىٰ وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا۟ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُم بِعَذَابٍ ۖ
وَقَدْ خَابَ مَنِ ٱفْتَرَىٰ ﴿٦١﴾ فَتَنَٰزَعُوٓا۟ أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ وَأَسَرُّوا۟
ٱلنَّجْوَىٰ ﴿٦٢﴾ قَالُوٓا۟ إِنْ هَٰذَٰنِ لَسَٰحِرَٰنِ يُرِيدَانِ أَن يُخْرِجَاكُم
مِّنْ أَرْضِكُم بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ ٱلْمُثْلَىٰ ﴿٦٣﴾
فَأَجْمِعُوا۟ كَيْدَكُمْ ثُمَّ ٱئْتُوا۟ صَفًّا ۚ وَقَدْ أَفْلَحَ ٱلْيَوْمَ مَنِ ٱسْتَعْلَىٰ ﴿٦٤﴾

ربع الحزب ٣٢

گفت علم آن نزد پروردگارمن درکتابی است که پروردگارمن خطا نکند ونه فراموش کند (٥٢). اوآنست که برای شما زمین را فرش ساخت و برای شما درآن راه‌ها روان کرد و ازآسمان آب را فروفرستاد پس به آن آب انواع مختلف ازنبات بیرون آوردیم (٥٣). گفتیم بخورید و چهارپایانِ خودرا بچرانید هرآئینه درین امر برای خردمندان نشانه‌هاست (٥٤). شمارا اززمین آفریدیم وشمارا درزمین بازدرآوریم وازز‌مین شمارا باردیگر بیرون کشیم (٥٥). وبه راستی فرعون را تمام نشانه‌های خویش نمودیم پس تکذیب کرد وقبول نکرد (٥٦). گفت ای موسیٰ آیا آمده‌ای تا ما را اززمین ما باجادوی خود بیرون کنی (٥٧). پس هرآئینه پیش توجادویی مانند آن بیاوریم پس معین کن میان ماومیان خود بجایی میانه شهر وعده گاهی که آنرا ما ونه تو خلافش نکنیم (مقبول هردوطرف باشد) (٥٨). گفت وعده گاه شما روزآرایش است وآنکه مردمان وقت چاشت جمع کرده شوند (٥٩). پس فرعون بازگشت پس مکرخود را جمع کرد بازبیامد (٦٠). موسیٰ ساحران را گفت وای برشما برخدا دروغ را افتراء مکنید آنگاه شمارا به عذاب هلاك سازد وبه درستی که به مطلب نرسید هرکه افتراء کرد (٦١). پس ساحران درباره کارخود درمیان خویش گفتگو کردند و راز را پنهان گفتند (٦٢). گفتند البته این دوشخص ساحرند می‌خواهند که شمارا ازسرزمین شما به سحر خود بیرون کنند ومی خواهند که دین شایسته‌ٔ شمارا دور کنند (٦٣). پس اسباب سحر خود را بهم آورید باز صف کشیده بیایید وهرآئینه امروز هرکه غالب آمد رستگارشد(٦٤).

قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِمَّآ أَن تُلۡقِيَ وَإِمَّآ أَن نَّكُونَ أَوَّلَ مَنۡ أَلۡقَىٰ ٦٥ قَالَ بَلۡ
أَلۡقُواْۖ فَإِذَا حِبَالُهُمۡ وَعِصِيُّهُمۡ يُخَيَّلُ إِلَيۡهِ مِن سِحۡرِهِمۡ أَنَّهَا
تَسۡعَىٰ ٦٦ فَأَوۡجَسَ فِي نَفۡسِهِۦ خِيفَةٗ مُّوسَىٰ ٦٧ قُلۡنَا لَا تَخَفۡ إِنَّكَ
أَنتَ ٱلۡأَعۡلَىٰ ٦٨ وَأَلۡقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلۡقَفۡ مَا صَنَعُوٓاْۖ إِنَّمَا صَنَعُواْ
كَيۡدُ سَٰحِرٖۖ وَلَا يُفۡلِحُ ٱلسَّاحِرُ حَيۡثُ أَتَىٰ ٦٩ فَأُلۡقِيَ ٱلسَّحَرَةُ سُجَّدٗا
قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ هَٰرُونَ وَمُوسَىٰ ٧٠ قَالَ ءَامَنتُمۡ لَهُۥ قَبۡلَ أَنۡ ءَاذَنَ
لَكُمۡۖ إِنَّهُۥ لَكَبِيرُكُمُ ٱلَّذِي عَلَّمَكُمُ ٱلسِّحۡرَۖ فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيۡدِيَكُمۡ
وَأَرۡجُلَكُم مِّنۡ خِلَٰفٖ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمۡ فِي جُذُوعِ ٱلنَّخۡلِ وَلَتَعۡلَمُنَّ
أَيُّنَآ أَشَدُّ عَذَابٗا وَأَبۡقَىٰ ٧١ قَالُواْ لَن نُّؤۡثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَآءَنَا مِنَ
ٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلَّذِي فَطَرَنَاۖ فَٱقۡضِ مَآ أَنتَ قَاضٍۖ إِنَّمَا تَقۡضِي هَٰذِهِ
ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَآ ٧٢ إِنَّآ ءَامَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغۡفِرَ لَنَا خَطَٰيَٰنَا وَمَآ أَكۡرَهۡتَنَا
عَلَيۡهِ مِنَ ٱلسِّحۡرِۗ وَٱللَّهُ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰٓ ٧٣ إِنَّهُۥ مَن يَأۡتِ رَبَّهُۥ مُجۡرِمٗا
فَإِنَّ لَهُۥ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحۡيَىٰ ٧٤ وَمَن يَأۡتِهِۦ مُؤۡمِنٗا قَدۡ
عَمِلَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلدَّرَجَٰتُ ٱلۡعُلَىٰ ٧٥ جَنَّٰتُ عَدۡنٖ
تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ وَذَٰلِكَ جَزَآءُ مَن تَزَكَّىٰ ٧٦

گفتند ای موسیٰ یا اینست که توافکنی یعنی (عصارا) ویا ما اوّل کسیکه افکند باشیم (٦٥). گفت بلکه شما افکنید پس ناگهان ریسمانهای ایشان وعصاهای ایشان پیش موسیٰ بسبب سحر ایشان نمودارشد که می دوند (٦٦). پس موسیٰ در دل خود ترسی را یافت (٦٧). گفتیم مترس هرآئینه تویی غالب (٦٨). وبیفکن آنچه دردست راست توست تا فروبرد آنچه را که ساحران ساخته اند هر آئینه آنچه ساخته اند جادوی جادو کننده است وساحر رستگارنمی‌شود هرجاکه رود (القصه هم چنین شد) (٦٩). پس انداخته شدند ساحران سجده کنان گفتند به پروردگار هارون وموسیٰ ایمان آوردیم (٧٠). گفت (فرعون) آیا باورداشتید اوراپیش ازآنکه شمارا دستوری دهم هرآئینه وی بزرگ شماست که شمارا سحر آموخته است هرآئینه دست های شما وپاهای شمارا یکی از جانب راست ودیگری ازجانب چپ بِبُرَم والبته شمارا برتنه های درخت خرما بردارکشم والبته خواهید دانست که کدام یك ازما عذاب او سخت تراست وپاینده تراست (٧١). گفتند هرگز تورا برآنچه پیش مازدلایل آمده است ترجیح ندهیم وتوراً برخدایی که ما را آفرید ترجیح ندهیم پس حکم کن هرچه تو حکم کننده باشی جزاین نیست که درین زندگانی دنیا حکم کنی (٧٢). هرآئینه ما به پروردگار خویش ایمان آورده ایم تا برای ما گناهانِ مارا بیامرزد وآنچه ما را جبرکردی برآنکه سحر کنیم وخدا بهتراست وپاینده تراست (٧٣). هرآئینه هرکه پیش پروردگار خویش گنهکار بیاید پس اورا است دوزخ نمیرد درآنجا ونه زنده شود (٧٤). وهرکسی که پیش اومسلمان شده بیاید وعملهای شایسته کرده باشد پس این جماعت برای ایشان درجه های بلند است (٧٥). بوستانهای همیشه ماندن که زیرآنها جویها می رود جاویدان در آنجا واینست پاداش هرکه پاك شده است (٧٦).

وَلَقَدْ أَوْحَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِى فَٱضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا
فِى ٱلْبَحْرِ يَبَسًا لَّا تَخَٰفُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ ﴿٧٧﴾ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ
بِجُنُودِهِۦ فَغَشِيَهُم مِّنَ ٱلْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ ﴿٧٨﴾ وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُۥ
وَمَا هَدَىٰ ﴿٧٩﴾ يَٰبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ قَدْ أَنجَيْنَٰكُم مِّنْ عَدُوِّكُمْ وَوَٰعَدْنَٰكُمْ
جَانِبَ ٱلطُّورِ ٱلْأَيْمَنَ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ ٱلْمَنَّ وَٱلسَّلْوَىٰ ﴿٨٠﴾ كُلُوا۟ مِن
طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقْنَٰكُمْ وَلَا تَطْغَوْا۟ فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِى ۖ
وَمَن يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِى فَقَدْ هَوَىٰ ﴿٨١﴾ وَإِنِّى لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ
وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحًا ثُمَّ ٱهْتَدَىٰ ﴿٨٢﴾ ۞ وَمَآ أَعْجَلَكَ عَن
قَوْمِكَ يَٰمُوسَىٰ ﴿٨٣﴾ قَالَ هُمْ أُو۟لَآءِ عَلَىٰٓ أَثَرِى وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ
رَبِّ لِتَرْضَىٰ ﴿٨٤﴾ قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنۢ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ
ٱلسَّامِرِىُّ ﴿٨٥﴾ فَرَجَعَ مُوسَىٰٓ إِلَىٰ قَوْمِهِۦ غَضْبَٰنَ أَسِفًا ۚ قَالَ
يَٰقَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعْدًا حَسَنًا ۚ أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ ٱلْعَهْدُ
أَمْ أَرَدتُّمْ أَن يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُم
مَّوْعِدِى ﴿٨٦﴾ قَالُوا۟ مَآ أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلْكِنَا وَلَٰكِنَّا حُمِّلْنَآ
أَوْزَارًا مِّن زِينَةِ ٱلْقَوْمِ فَقَذَفْنَٰهَا فَكَذَٰلِكَ أَلْقَى ٱلسَّامِرِىُّ ﴿٨٧﴾

وهرآئینه به سوی موسیٰ وحی فرستادیم که وقت شب بندگان مرا ببر پس برای ایشان راهی خشك دردریا بساز ازدریافتن دشمن مترس ونه ازغرق شدن پروا کن (٧٧). پس فرعون ایشان را بالشکرهای خویش دنبال گیری کرد پس پوشانید ایشان را ازدریا آنچه ایشان را پوشانید (٧٨). و فرعون قوم خود را گمراه کرد وراه ننمود (٧٩). گفتیم ای بنی اسرائیل هر آئینه شمارا از دشمنان شما نجات دادیم و شمارا[٣] بجانب راست (کوه) طور وعده دادیم و برشما ترنجبین وپرنده بلدرچین (سمانی) فروفرستادیم (٨٠). گفتیم ازلذاید آنچه شمارا روزی دادیم بخورید و در آن روزی ازحد مگذرید آنگاه برشماخشم من ثابت شود وهرکه بروی خشم من ثابت شد به یقین هلاك شد (٨١). وهرآئینه من کسی را که توبه کرد و ایمان آورد وکارشایسته کرد بازراه راست یافت آمرزنده ام (٨٢). ای موسی چه[٤] چیز تورا برآن وا داشت که برقوم خود پیشی گیری؟ (٨٣). گفت قوم من ایشان بدنبال من بوده به سوی توای پروردگار من شتافتم تاخوشنود شوی (٨٤). گفت خداهر آئینه قوم تورا پس ازتو در فتنه انداختیم وسامری ایشان را گمراه ساخت (٨٥). پس موسیٰ به سوی قوم خود خشم گرفته اندوه خورده بازگشت گفت ای قوم من آیا وعده نداده بود شمارا پروردگار شما وعده نیك آیا درازشد برشما مدت[٥] یا خواستید که برشما خشمی ازپروردگار شما واجب شود پس وعدهٔ مرا خلاف کردید (٨٦). گفتند وعدهٔ تورا به اختیارِ خویش خلاف نکردیم ولیکن مارا (تحمیل کرده شد) تابارها ازپیرایهٔ قوم قبط برداشتیم پس آنرا افکندیم[٦] وسامری هم چنین افکند (٨٧).

---

(٣) یعنی بدادن تورات.

(٤) مترجم گوید چون موسیٰ باهفتاد کس ازقوم خود بجانب طورمتوجه شدحضرت موسیٰ ازهمه سبقت کرد خطاب رسید والله اعلم.

(٥) یعنی مدت مفارقت من.

(٦) یعنی درآتش.

فَأَخۡرَجَ لَهُمۡ عِجۡلٗا جَسَدٗا لَّهُۥ خُوَارٞ فَقَالُواْ هَٰذَآ إِلَٰهُكُمۡ
وَإِلَٰهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ ﴿٨٨﴾ أَفَلَا يَرَوۡنَ أَلَّا يَرۡجِعُ إِلَيۡهِمۡ قَوۡلٗا
وَلَا يَمۡلِكُ لَهُمۡ ضَرّٗا وَلَا نَفۡعٗا ﴿٨٩﴾ وَلَقَدۡ قَالَ لَهُمۡ هَٰرُونُ
مِن قَبۡلُ يَٰقَوۡمِ إِنَّمَا فُتِنتُم بِهِۦۖ وَإِنَّ رَبَّكُمُ ٱلرَّحۡمَٰنُ فَٱتَّبِعُونِي
وَأَطِيعُوٓاْ أَمۡرِي ﴿٩٠﴾ قَالُواْ لَن نَّبۡرَحَ عَلَيۡهِ عَٰكِفِينَ حَتَّىٰ يَرۡجِعَ
إِلَيۡنَا مُوسَىٰ ﴿٩١﴾ قَالَ يَٰهَٰرُونُ مَا مَنَعَكَ إِذۡ رَأَيۡتَهُمۡ ضَلُّوٓاْ ﴿٩٢﴾
أَلَّا تَتَّبِعَنِۖ أَفَعَصَيۡتَ أَمۡرِي ﴿٩٣﴾ قَالَ يَبۡنَؤُمَّ لَا تَأۡخُذۡ بِلِحۡيَتِي
وَلَا بِرَأۡسِيٓۖ إِنِّي خَشِيتُ أَن تَقُولَ فَرَّقۡتَ بَيۡنَ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ
وَلَمۡ تَرۡقُبۡ قَوۡلِي ﴿٩٤﴾ قَالَ فَمَا خَطۡبُكَ يَٰسَٰمِرِيُّ ﴿٩٥﴾ قَالَ
بَصُرۡتُ بِمَا لَمۡ يَبۡصُرُواْ بِهِۦ فَقَبَضۡتُ قَبۡضَةٗ مِّنۡ أَثَرِ
ٱلرَّسُولِ فَنَبَذۡتُهَا وَكَذَٰلِكَ سَوَّلَتۡ لِي نَفۡسِي ﴿٩٦﴾ قَالَ
فَٱذۡهَبۡ فَإِنَّ لَكَ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ أَن تَقُولَ لَا مِسَاسَۖ وَإِنَّ لَكَ
مَوۡعِدٗا لَّن تُخۡلَفَهُۥۖ وَٱنظُرۡ إِلَىٰٓ إِلَٰهِكَ ٱلَّذِي ظَلۡتَ عَلَيۡهِ
عَاكِفٗاۖ لَّنُحَرِّقَنَّهُۥ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُۥ فِي ٱلۡيَمِّ نَسۡفًا ﴿٩٧﴾ إِنَّمَآ
إِلَٰهُكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ وَسِعَ كُلَّ شَيۡءٍ عِلۡمٗا ﴿٩٨﴾

باز برای ایشان گوساله را کالبدی که اورا آواز گوساله بود بیرون آورد پس اتباع سامری گفتند اینست پروردگار شما و پروردگار موسیٰ پس موسی فراموش کرده است (٨٨). آیا این گمراهان نمی بینند که به ایشان سخنی را بازنمی گرداند وبرای ایشان اختیار هیچ زیانی ونه سودی را ندارد (٨٩). وهرآئینه ایشان را هارون پیش ازین گفته بود ای قوم من جزاین نیست که باین گوساله مبتلا شده‌اید وهرآئینه پروردگار شماخدا است پس پیروی من کنید وانقیاد حکم من نمایید (٩٠). گفتند پیوسته براین گوساله مجاور خواهیم بود تاوقتیکه موسیٰ به سوی ما بازگردد (٩١). (موسیٰ آمده) گفت ای هارون چه چیزبازداشت تورا چون ایشان را دیدی که گمراه شدند (٩٢). ازآنکه پیروی من کنی[٧] آیاخلاف حکم من کردی (٩٣). گفت ای پسرِمادرِمن ریش مرا مگیر ونه موی سرمرا هرآئینه من ازآنکه گویی جدایی افگندی درمیان فرزندان یعقوب ترسیدم و سخن مرا نگاه نداشتی (٩٤). موسیٰ گفت پس حال تو چیست ای سامری (٩٥). گفت بینا شدم به آنچه سایر مردم به آن بینا نشدند پس مشتی خاك ازنقش پای فرستاده (یعنی جبرئیل) گرفتم پس آنرا افکندم[٨] وبه همین صورت نفسم (این کاررا) برایم آراسته جلوه داد (٩٦). گفت پس برو هرآئینه تورا در زندگانی سزا اینست که بگویی دست رسانیدن ممکن نیست[٩] وهرآئینه توراوعدهٔ دیگر است که درحق تو خلاف کرده نشود وببین به سوی معبود خود که برآن مجاورشده بودی البته آن را بسوزانیم پس حتما پراکنده سازیم آن را دردریا پراکنده ساختن (٩٧). جزاین نیست که معبود شماخدا است آنکه هیچ معبود برحقی به جزاو نیست بهرچیز ازروی دانش فرارسیده است (٩٨).

---

(٧) یعنی بقتال اهلِ ضلال.
(٨) یعنی درکالبدی که از زرساخته بود بشکل گوساله.
(٩) یعنی اگرباکسی همنشین می شد هردوراتب می گرفت.

كَذَٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيۡكَ مِنۡ أَنۢبَآءِ مَا قَدۡ سَبَقَۚ وَقَدۡ ءَاتَيۡنَٰكَ مِن لَّدُنَّا
ذِكۡرٗا ﴿٩٩﴾ مَّنۡ أَعۡرَضَ عَنۡهُ فَإِنَّهُۥ يَحۡمِلُ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وِزۡرًا
﴿١٠٠﴾ خَٰلِدِينَ فِيهِۖ وَسَآءَ لَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ حِمۡلٗا ﴿١٠١﴾ يَوۡمَ يُنفَخُ
فِي ٱلصُّورِۚ وَنَحۡشُرُ ٱلۡمُجۡرِمِينَ يَوۡمَئِذٖ زُرۡقٗا ﴿١٠٢﴾ يَتَخَٰفَتُونَ
بَيۡنَهُمۡ إِن لَّبِثۡتُمۡ إِلَّا عَشۡرٗا ﴿١٠٣﴾ نَّحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذۡ يَقُولُ
أَمۡثَلُهُمۡ طَرِيقَةً إِن لَّبِثۡتُمۡ إِلَّا يَوۡمٗا ﴿١٠٤﴾ وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡجِبَالِ
فَقُلۡ يَنسِفُهَا رَبِّي نَسۡفٗا ﴿١٠٥﴾ فَيَذَرُهَا قَاعٗا صَفۡصَفٗا ﴿١٠٦﴾
لَّا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجٗا وَلَآ أَمۡتٗا ﴿١٠٧﴾ يَوۡمَئِذٖ يَتَّبِعُونَ ٱلدَّاعِيَ
لَا عِوَجَ لَهُۥۖ وَخَشَعَتِ ٱلۡأَصۡوَاتُ لِلرَّحۡمَٰنِ فَلَا تَسۡمَعُ إِلَّا هَمۡسٗا
﴿١٠٨﴾ يَوۡمَئِذٖ لَّا تَنفَعُ ٱلشَّفَٰعَةُ إِلَّا مَنۡ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَرَضِيَ لَهُۥ
قَوۡلٗا ﴿١٠٩﴾ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِۦ
عِلۡمٗا ﴿١١٠﴾ ۞ وَعَنَتِ ٱلۡوُجُوهُ لِلۡحَيِّ ٱلۡقَيُّومِۖ وَقَدۡ خَابَ مَنۡ حَمَلَ
ظُلۡمٗا ﴿١١١﴾ وَمَن يَعۡمَلۡ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَا يَخَافُ
ظُلۡمٗا وَلَا هَضۡمٗا ﴿١١٢﴾ وَكَذَٰلِكَ أَنزَلۡنَٰهُ قُرۡءَانًا عَرَبِيّٗا وَصَرَّفۡنَا
فِيهِ مِنَ ٱلۡوَعِيدِ لَعَلَّهُمۡ يَتَّقُونَ أَوۡ يُحۡدِثُ لَهُمۡ ذِكۡرٗا ﴿١١٣﴾

(یا محمد) این چنین حکایت می کنیم برتو ازاخبار آنچه گذشته است وهرآئینه تورا ازنزد خویش پندی داده ایم (۹۹). هرکه ازآن روی بگرداند پس وی درروزقیامت باری را[۱۰] بردارد (۱۰۰). جاویدان درآن (بارکشیدن) و وی بد باری برایشان در روزقیامت است (۱۰۱). روزی که درصور دمیده شود وگناهکاران را آن روزکبودچشم گشته برانگیزیم (۱۰۲). درمیان خویش پنهان حرف زنند که درنگ نکردید (یعنی دردنیا) مگر ده شبانه روز (۱۰۳). ماداناتریم به حقیقت آنچه می‌گویند چون بگوید بهترین ایشان در روش درنگ نکرده‌اید مگریك روز (۱۰٤). و تورا ازکوهها می پرسند بگو آنهارا پرورد گار من پراکنده کند پراکنده کردنی (۱۰٥). پس آنها رامیدانی هموار بگذارد (۱۰٦). درآنجاهیچ نشیبی وفرازی نبینی (۱۰۷). آن روز ازپی آوازکننده روند[۱۱] هیچ کجی نباشد آن اتباع را و آوازهابرای خدا پست شوند پس نشنوی مگرآواز آهسته (پچ پچ) (۱۰۸). آن روز شفاعت سود نبخشد مگربرای کسیکه اورا خدا دستوری داده است وسخن اورا از روی گفتار پسند کرده است[۱۲] (۱۰۹). میداند آنچه پیش روی آدمیان است وآنچه پس پشت ایشان است وآدمیان خدا را از روی دانش درنگیرند (۱۱۰). و چهره‌های مردمان برای زنده خبرگیرنده نیایش کنند هرآئینه هرکسی ستمی برداشته باشد ناکام شود (۱۱۱). وهرکسی که بجا آورد کارهای شایسته درحالی که اومومن باشد پس وی ازستمی ونه ازنقصانی نترسد (۱۱۲). وهمچنین کتاب را قرآن عربی نازل کردیم وازهشدار(ها) درآن گونا گون بیان کردیم تاباشد که پرهیزگارشوند یا درحق ایشان پندی را پدیدآورد (۱۱۳).

---

(۱۰) یعنی گناهی را.

(۱۱) یعنی انقیاداسرافیل کنند.

(۱۲) یعنی مسلمان باشد.

فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡحَقُّۗ وَلَا تَعۡجَلۡ بِٱلۡقُرۡءَانِ مِن قَبۡلِ أَن
يُقۡضَىٰٓ إِلَيۡكَ وَحۡيُهُۥۖ وَقُل رَّبِّ زِدۡنِي عِلۡمٗا ﴿١١٤﴾ وَلَقَدۡ عَهِدۡنَآ
إِلَىٰٓ ءَادَمَ مِن قَبۡلُ فَنَسِيَ وَلَمۡ نَجِدۡ لَهُۥ عَزۡمٗا ﴿١١٥﴾ وَإِذۡ قُلۡنَا
لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ أَبَىٰ ﴿١١٦﴾
فَقُلۡنَا يَٰٓـَٔادَمُ إِنَّ هَٰذَا عَدُوّٞ لَّكَ وَلِزَوۡجِكَ فَلَا يُخۡرِجَنَّكُمَا
مِنَ ٱلۡجَنَّةِ فَتَشۡقَىٰٓ ﴿١١٧﴾ إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعۡرَىٰ
﴿١١٨﴾ وَأَنَّكَ لَا تَظۡمَؤُاْ فِيهَا وَلَا تَضۡحَىٰ ﴿١١٩﴾ فَوَسۡوَسَ إِلَيۡهِ
ٱلشَّيۡطَٰنُ قَالَ يَٰٓـَٔادَمُ هَلۡ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ ٱلۡخُلۡدِ وَمُلۡكٖ
لَّا يَبۡلَىٰ ﴿١٢٠﴾ فَأَكَلَا مِنۡهَا فَبَدَتۡ لَهُمَا سَوۡءَٰتُهُمَا وَطَفِقَا
يَخۡصِفَانِ عَلَيۡهِمَا مِن وَرَقِ ٱلۡجَنَّةِۚ وَعَصَىٰٓ ءَادَمُ رَبَّهُۥ فَغَوَىٰ
﴿١٢١﴾ ثُمَّ ٱجۡتَبَٰهُ رَبُّهُۥ فَتَابَ عَلَيۡهِ وَهَدَىٰ ﴿١٢٢﴾ قَالَ ٱهۡبِطَا مِنۡهَا
جَمِيعَۢاۖ بَعۡضُكُمۡ لِبَعۡضٍ عَدُوّٞۖ فَإِمَّا يَأۡتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدٗى
فَمَنِ ٱتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشۡقَىٰ ﴿١٢٣﴾ وَمَنۡ أَعۡرَضَ
عَن ذِكۡرِي فَإِنَّ لَهُۥ مَعِيشَةٗ ضَنكٗا وَنَحۡشُرُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ
أَعۡمَىٰ ﴿١٢٤﴾ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرۡتَنِيٓ أَعۡمَىٰ وَقَدۡ كُنتُ بَصِيرٗا ﴿١٢٥﴾

پس بلند قدرست خداپادشاه راستین، بخواندنِ قرآن پیش ازآن که وحی آن برتو انجام پذیرد شتاب مکن وبگو ای پروردگار من مرا دانشی بیفزا (۱۱٤). وهرآئینه به سوی آدم پیش ازین حکم فرستادیم پس فراموش کرد و برای اوقصد محکم نیافتیم (۱۱٥). ویادکن فرشتگان را چون گفتیم که برای آدم (علیه السلام) سجده کنید پس سجده کردند مگرابلیس قبول نکرد (۱۱٦). پس گفتیم ای آدم هرآئینه این تورا و همسرت را دشمن است پس باید که شمارا ازبهشت بیرون نکند که آنگاه رنج کشی (۱۱۷). هرآئینه تورا دربهشت هست این که گرسنه نشوی درآنجاو برهنه نشوی (۱۱۸). وآنکه آنجا تو تشنه نشوی وگرمی آفتاب نیابی (۱۱۹). پس شیطان به سوی آدم وسوسه انداخت گفت ای آدم آیا تورا بردرختی همیشه بودن وبرپادشاهی که کهنه نگردد دلالت کنم (۱۲۰). پس ازآن درخت خوردند پس بر ایشان شرمگاهِ ایشان ظاهر شد ودر گرفتند که برخویش ازبرگِ درختان بهشت می‌چسپانیدند وآدم پروردگارخود را نافرمانی کرد پس راه را گم کرد (۱۲۱). باز پروردگاراو برگزیدش پس (برحمت) بروی بازگشت وراه نمود (۱۲۲). گفت هردوشماهمگی از بهشت درحالی که بعض اولاد شما بعض دیگررا دشمن باشند فرو روید پس اگر بشما از جانب من هدایتی بیاید پس هرکه پیروی هدایت من کند گمراه نشود ورنج نکشد (۱۲۳). وهرکه ازیادکردن من روی گردان شود پس اورا زندگانی تنگ بود واورا روزقیامت نابینا برانگیزیم (۱۲٤). گوید ای پروردگار من چرا مرا نابینا برانگیختی وهرآئینه پیش ازین بینابودم (۱۲٥).

قَالَ كَذَٰلِكَ أَتَتْكَ ءَايَٰتُنَا فَنَسِيتَهَا ۖ وَكَذَٰلِكَ ٱلْيَوْمَ تُنسَىٰ ﴿١٢٦﴾
وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنۢ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ ۚ وَلَعَذَابُ ٱلْءَاخِرَةِ
أَشَدُّ وَأَبْقَىٰٓ ﴿١٢٧﴾ أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ ٱلْقُرُونِ
يَمْشُونَ فِى مَسَٰكِنِهِمْ ۗ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّأُو۟لِى ٱلنُّهَىٰ ﴿١٢٨﴾
وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى ﴿١٢٩﴾
فَٱصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ ٱلشَّمْسِ
وَقَبْلَ غُرُوبِهَا ۖ وَمِنْ ءَانَآئِ ٱلَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ ٱلنَّهَارِ لَعَلَّكَ
تَرْضَىٰ ﴿١٣٠﴾ وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِۦٓ أَزْوَٰجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ
ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ۚ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ﴿١٣١﴾ وَأْمُرْ أَهْلَكَ
بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱصْطَبِرْ عَلَيْهَا ۖ لَا نَسْـَٔلُكَ رِزْقًا ۖ نَّحْنُ نَرْزُقُكَ ۗ وَٱلْعَٰقِبَةُ
لِلتَّقْوَىٰ ﴿١٣٢﴾ وَقَالُوا۟ لَوْلَا يَأْتِينَا بِـَٔايَةٍ مِّن رَّبِّهِۦٓ ۚ أَوَلَمْ تَأْتِهِم
بَيِّنَةُ مَا فِى ٱلصُّحُفِ ٱلْأُولَىٰ ﴿١٣٣﴾ وَلَوْ أَنَّآ أَهْلَكْنَٰهُم بِعَذَابٍ
مِّن قَبْلِهِۦ لَقَالُوا۟ رَبَّنَا لَوْلَآ أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ
ءَايَٰتِكَ مِن قَبْلِ أَن نَّذِلَّ وَنَخْزَىٰ ﴿١٣٤﴾ قُلْ كُلٌّ مُّتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا۟ ۖ
فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَٰبُ ٱلصِّرَٰطِ ٱلسَّوِىِّ وَمَنِ ٱهْتَدَىٰ ﴿١٣٥﴾

گوید همچنین بتو آیه های ماآمد پس ازآن تغافل کردی وهمچنین امروز درحق تو تغافل کرده شود (١٢٦). وهمچنین آن را سزامیدهیم که ازحد گذشت و بآیاتِ پروردگار خود ایمان نیاورد وهرآئینه عذابِ آخرت سخت‌تر وپاینده تراست (١٢٧). آیا ایشان را آنکه چه بسیار پیش ایشان ازطبقات مردمان هلاك کردیم راه ننمود درمنازل آن هلاك شدگان می روند هرآئینه درین امر خداوندانِ خِرد را نشانه هاست (١٢٨). و اگر سخنی که سابقاً صادر شد ازپروردگارتو نبودی و وقتی معین نبودی هرآئینه عذاب لازم می‌شد (١٢٩). پس صبر کن برآنچه می‌گویند وباحمد پروردگار خویش تسبیح گو پیش ازبرآمدن آفتاب وپیش ازغروب آن ونیزبعض اوقات شب واطرافِ روز تسبیح گو تا باشد که توخشنودشوی (١٣٠). وچشم خودرا مدوز به زینتِ زندگاني دنیاکه گروه‌هایی راازآنان به آن بهرمند ساخته‌ایم تا ایشان را درآن بیازماییم وروزی پروردگار تو بهترست وپاینده تراست (١٣١). وخانواده ات را به نماز فرمان دِه وشکیبایی کن (برادای آن) ازتو روزی نمی‌طلبیم ما تورا روزی میدهیم وعاقبت خیر برای اهل تقویٰ است (١٣٢). و کافران گفتند چرا پیش ما نشانه‌ای ازجانب پروردگار خویش نمی آورد آیا به ایشان دلیل واضحی ازجنس آنچه درکتابهای پیشین است نیامده[١٣]؟ (١٣٣). و اگرما ایشان را بعقوبتی پیش ازفرستادن پیامبر هلاك می‌کردیم البته می‌گفتند ای پروردگار ما چرا به سوی ما پیامبری را نفرستادی تاپیروی آیات تومی‌کردیم پیش ازآنکه خوارشویم ورسواگردیم (١٣٤). بگوهمه چشم به راهند پس شما نیز چشم به راه باشید پس خواهید دانست چه کسانند اهل راهِ راست وچه کسانی هدایت، یافته اند (١٣٥).

---

(١٣) یعنی قرآن مشتمل است برقصص وغیر آن موافق کتب سابقه.

سُورَةُ الأَنبِيَاءِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِى غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ ﴿١﴾ مَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِم مُّحْدَثٍ إِلَّا ٱسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ ﴿٢﴾ لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ ۗ وَأَسَرُّوا۟ ٱلنَّجْوَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ هَلْ هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ ۖ أَفَتَأْتُونَ ٱلسِّحْرَ وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ ﴿٣﴾ قَالَ رَبِّى يَعْلَمُ ٱلْقَوْلَ فِى ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ ۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٤﴾ بَلْ قَالُوٓا۟ أَضْغَٰثُ أَحْلَٰمٍۭ بَلِ ٱفْتَرَىٰهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِـَٔايَةٍ كَمَآ أُرْسِلَ ٱلْأَوَّلُونَ ﴿٥﴾ مَآ ءَامَنَتْ قَبْلَهُم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَٰهَآ ۖ أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾ وَمَآ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِىٓ إِلَيْهِمْ ۖ فَسْـَٔلُوٓا۟ أَهْلَ ٱلذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٧﴾ وَمَا جَعَلْنَٰهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ ٱلطَّعَامَ وَمَا كَانُوا۟ خَٰلِدِينَ ﴿٨﴾ ثُمَّ صَدَقْنَٰهُمُ ٱلْوَعْدَ فَأَنجَيْنَٰهُمْ وَمَن نَّشَآءُ وَأَهْلَكْنَا ٱلْمُسْرِفِينَ ﴿٩﴾ لَقَدْ أَنزَلْنَآ إِلَيْكُمْ كِتَٰبًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ ۖ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٠﴾
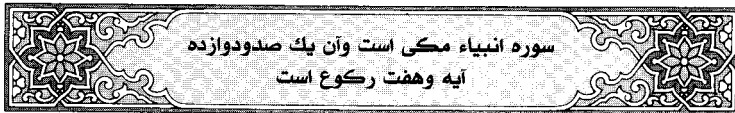
بنام خدای بخشاینده مهربان.

به مردمان (هنگام) حساب ایشان نزدیك شد حال آنکه ایشان درغفلت روی گردانند (۱). به ایشان هیچ پندی نو ازجانب پروردگار ایشان نمی آید مگر اینکه آن را به شوخی می شنوند وبه بازی میگیرند (۲). غافل شده دل های ایشان وپنهان رازگفتند کسانی که ظالمان بودند که نیست این شخص مگر آدمی مانند شما آیا درحالی که (حقیقت را) می بینید به جادو روی می‌آورید؟ (۳). پیامبر گفت پروردگارمن می‌داند هر سخنی را که درآسمان وزمین باشد واوشنوای داناست (٤). بلکه گفتند این قرآن خواب های پریشان استبلکه‌می‌گویندآنرابربسته‌استبلکه‌می‌گویند‌اوشاعراست‌پس‌باید‌که‌پیش‌مانشانه‌ای بیاورد چنان که به آن نخستینیان[1]فرستاده شدند (٥). پیش ازایشان هیچ دِهِی که آن را هلاك کردیم ایمان نیاورده بودند آیا پس ایشان ایمان می آورند؟ (٦). و پیش ازتو نفرستادیم مگرمردانی را که به ایشان وحی می فرستادیم پس اهل علم را بپرسید اگرشما نمی دانید (۷). ونساختیم پیامبران را مجسمه‌ها که طعام نخورند وجاوید باشندگان نبودند (۸). باز درحق ایشان وعده را راست کردیم پس ایشان را برهانیدیم وهرکه راخواستیم و ازحدگذرندگان را هلاك کردیم (۹). هرآئینه فروفرستادیم به سوی شماکتابی که دراو پندشما هست آیانمی فهمید (۱۰).

(۱) مترجم گوید مرادازنشانهٔ عقوبت عام می داشتند مثل طوفان قوم نوح وبادصرصرقوم هود والله اعلم.

وَكَمْ قَصَمْنَا مِن قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا
ءَاخَرِينَ ﴿١١﴾ فَلَمَّآ أَحَسُّواْ بَأْسَنَآ إِذَا هُم مِّنْهَا يَرْكُضُونَ ﴿١٢﴾
لَا تَرْكُضُواْ وَٱرْجِعُوٓاْ إِلَىٰ مَآ أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَٰكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ
تُسْـَٔلُونَ ﴿١٣﴾ قَالُواْ يَٰوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ﴿١٤﴾ فَمَا زَالَت تِّلْكَ
دَعْوَىٰهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَٰهُمْ حَصِيدًا خَٰمِدِينَ ﴿١٥﴾ وَمَا خَلَقْنَا
ٱلسَّمَآءَ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَٰعِبِينَ ﴿١٦﴾ لَوْ أَرَدْنَآ أَن نَّتَّخِذَ
لَهْوًا لَّٱتَّخَذْنَٰهُ مِن لَّدُنَّآ إِن كُنَّا فَٰعِلِينَ ﴿١٧﴾ بَلْ نَقْذِفُ بِٱلْحَقِّ
عَلَى ٱلْبَٰطِلِ فَيَدْمَغُهُۥ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ ٱلْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ
﴿١٨﴾ وَلَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَنْ عِندَهُۥ لَا يَسْتَكْبِرُونَ
عَنْ عِبَادَتِهِۦ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ﴿١٩﴾ يُسَبِّحُونَ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ
لَا يَفْتُرُونَ ﴿٢٠﴾ أَمِ ٱتَّخَذُوٓاْ ءَالِهَةً مِّنَ ٱلْأَرْضِ هُمْ يُنشِرُونَ ﴿٢١﴾
لَوْ كَانَ فِيهِمَآ ءَالِهَةٌ إِلَّا ٱللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَٰنَ ٱللَّهِ رَبِّ ٱلْعَرْشِ
عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٢٢﴾ لَا يُسْـَٔلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْـَٔلُونَ ﴿٢٣﴾ أَمِ ٱتَّخَذُواْ
مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةً قُلْ هَاتُواْ بُرْهَٰنَكُمْ هَٰذَا ذِكْرُ مَن مَّعِيَ وَذِكْرُ
مَن قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ٱلْحَقَّ فَهُم مُّعْرِضُونَ ﴿٢٤﴾

چه بسيارشهرهايی راكه (ساكنانشان) ستمكاربودنددرهم شكستيم وبعدازآن گروهِ ديگر را پديدآورديم (۱۱). پس چون ديدند عذاب ما را ناگهان ايشان ازآنجا می‌دويدند (۱۲). (گفتيم) مگريزيد و به سوی مكانی باز گرديد كه شمارا درآن آسودگی داده شد و به سوی خانه های خويش تاباشد كه شما پرسيده شويد[۲] (۱۳). گفتند ای وای برماهرآئينه ما ستمگار بوديم (۱٤). پس پيوسته گفتارايشان اين بود تاآنكه ايشان را مثل زراعت درويده شده مانند آتش فرومرده گردانيديم (۱۵). وآسمان وزمين را وآنچه درميان آنهااست برای شوخی وبازی نيافريده ايم (۱٦). اگرمی‌خواستيم كه بسازيم بازيچه‌ای[۳] البته اگر (می‌خواستيم چنين) كنيم آن رافراخورخود برمی گرفتيم[٤] (۱۷). بلكه حق را برباطل می افكنيم پس آن را درهم می شكند پس ناگهان باطل نابود شود و وای برشما است ازآن چه بيان می كنيد (۱۸). و هركسی كه درآسمان‌هاوزمين است برای اوست وآنانكه نزديك اويند[۵] ازعبادت او سركشی نمی كند ونه مانده می شوند (۱۹). شب وروز تسبيح می گويند سستی نمی ورزند (۲۰). آيااين چنين معبودانی ازموجودات زمين[٦] گرفته‌اند كه ايشان را بعدازموت بازبرانگيزانند[۷] (۲۱). اگر درآسمان و زمين معبودانی چند غيرازخدا می بود هردوتباه می‌شدند پاكی خدايی را است خداوند عرش ازآنچه صفت می كنند (۲۲). پرسيده نمی شود خدا ازآنچه می كند وايشان پرسيده می شوند (۲۳). آيامعبودانی به جای خدا گرفته‌اند بگو دليل خودرا بياوريد اينست كتاب آنانكه بامن هستند وكتاب آنانكه پيش ازمن بودند بلكه اكثر ايشان حق را نمی دانند پس ايشان رويگردانند (۲٤).

---

(۲) يعنی بغمخوارگی قوم احوال شما را پرسند.

(۳) يعنی زن وفرزند.

(٤) يعنی مجرد می‌بودند واين مناقضه لطيفه است حاصل آنكه در رسل اين استبعادجاری نيست كه چرا آدمی رسول باشد بلكه آن را در تنزيه از زن وفرزند می‌توان تقرير كرد كه اگرخدا را زن وفرزند می بودند مجرد وواجب الوجود جامع اوصاف كمال می بودند والله اعلم.

(۵) يعنی ملأاعلی.

(٦) يعنی ازذهب وفضه.

(۷) مرادازين كلام رداست برعبادت اصنام.

وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ
إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ ﴿٢٥﴾ وَقَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَلَدٗاۗ سُبۡحَٰنَهُۥۚ
بَلۡ عِبَادٞ مُّكۡرَمُونَ ﴿٢٦﴾ لَا يَسۡبِقُونَهُۥ بِٱلۡقَوۡلِ وَهُم
بِأَمۡرِهِۦ يَعۡمَلُونَ ﴿٢٧﴾ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡ
وَلَا يَشۡفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ٱرۡتَضَىٰ وَهُم مِّنۡ خَشۡيَتِهِۦ مُشۡفِقُونَ
﴿٢٨﴾ ۞ وَمَن يَقُلۡ مِنۡهُمۡ إِنِّيٓ إِلَٰهٞ مِّن دُونِهِۦ فَذَٰلِكَ نَجۡزِيهِ
جَهَنَّمَۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢٩﴾ أَوَلَمۡ يَرَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ
أَنَّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ كَانَتَا رَتۡقٗا فَفَتَقۡنَٰهُمَاۖ وَجَعَلۡنَا
مِنَ ٱلۡمَآءِ كُلَّ شَيۡءٍ حَيٍّۚ أَفَلَا يُؤۡمِنُونَ ﴿٣٠﴾ وَجَعَلۡنَا فِي ٱلۡأَرۡضِ
رَوَٰسِيَ أَن تَمِيدَ بِهِمۡ وَجَعَلۡنَا فِيهَا فِجَاجٗا سُبُلٗا لَّعَلَّهُمۡ
يَهۡتَدُونَ ﴿٣١﴾ وَجَعَلۡنَا ٱلسَّمَآءَ سَقۡفٗا مَّحۡفُوظٗاۖ وَهُمۡ عَنۡ
ءَايَٰتِهَا مُعۡرِضُونَ ﴿٣٢﴾ وَهُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ وَٱلشَّمۡسَ
وَٱلۡقَمَرَۖ كُلّٞ فِي فَلَكٖ يَسۡبَحُونَ ﴿٣٣﴾ وَمَا جَعَلۡنَا لِبَشَرٖ مِّن قَبۡلِكَ
ٱلۡخُلۡدَۖ أَفَإِيْن مِّتَّ فَهُمُ ٱلۡخَٰلِدُونَ ﴿٣٤﴾ كُلُّ نَفۡسٖ ذَآئِقَةُ
ٱلۡمَوۡتِۗ وَنَبۡلُوكُم بِٱلشَّرِّ وَٱلۡخَيۡرِ فِتۡنَةٗۖ وَإِلَيۡنَا تُرۡجَعُونَ ﴿٣٥﴾

ربع الحزب ٣٣

وهیچ پیامبری را پیش ازتو نفرستادیم مگرآنکه به او وحی می کردیم که هیچ معبود برحقی غیراز من نیست پس مراپرستش کنید (۲۵). وگفتند خدا فرزند گرفته است او پاك (ومنزه) است بلکه (آنانکه درحق ایشان این گمان را دارند) بند گانِ گرامی اند (۲٦). درهیچ سخنی براوپیشی نمی گیرند وایشان بفرمان وی کارمی کنند (۲۷). خداآنچه راکه درپیش روی ایشان است وآنچه راکه پس پشت ایشان است میداند وشفاعت نمی کنند الّابرای کسیکه خداخوشنودشده است وایشان همیشه ازترسِ خدا هراسانند (۲۸). وهرکس که ازایشان بگوید که من معبودم جزازخدا، اورا دوزخ سزا می دهیم ستمکاران را همچنین سزامی‌دهیم (۲۹). آیا ندیدند کافران که آسمان ها وزمین بسته بودند پس این هارا وا کردیم[۸] وهرچیز زنده را ازآب پیداکردیم وآیاایمان نمی آورند (۳۰). ودرزمین کوه هارا ازبرای احتراز ازآنکه ایشان را بجنباند پیداکردیم و درآنجا راه هایی گشاده تاباشد که ایشان راه یابند پیداکردیم (۳۱). وآسمان را سقفی محفوظ ساختیم وایشان ازنشانه های آسمان رویگردانند (۳۲). واوست آنکه شب و روز وخورشید وماه را آفرید هریکی ازستاره ها در مداری شنا می‌کند (۳۳). ومابرای هیچ انسانی پیش ازتو زندگی جاویدان قرارندادیم آیا اگر توبمیری ایشان همیشه باشندگانند؟ (۳٤). هرشخص چشندهٔ مرگ است و شمارا به سختی وآسودگی به خاطر امتحان مبتلامی‌کنیم وبه سوی ما بازگردانیده شوید (۳۵).

(۸) مترجم گوید وا کردن آسمان ها نازل کردن باران است وواکردن زمین رویانیدن گیاه ازوی است.

وَإِذَا رَءَاكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَٰذَا ٱلَّذِي يَذۡكُرُ ءَالِهَتَكُمۡ وَهُم بِذِكۡرِ ٱلرَّحۡمَٰنِ هُمۡ كَٰفِرُونَ ﴿٣٦﴾ خُلِقَ ٱلۡإِنسَٰنُ مِنۡ عَجَلٖۚ سَأُوْرِيكُمۡ ءَايَٰتِي فَلَا تَسۡتَعۡجِلُونِ ﴿٣٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿٣٨﴾ لَوۡ يَعۡلَمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَن وُجُوهِهِمُ ٱلنَّارَ وَلَا عَن ظُهُورِهِمۡ وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ ﴿٣٩﴾ بَلۡ تَأۡتِيهِم بَغۡتَةٗ فَتَبۡهَتُهُمۡ فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ ﴿٤٠﴾ وَلَقَدِ ٱسۡتُهۡزِئَ بِرُسُلٖ مِّن قَبۡلِكَ فَحَاقَ بِٱلَّذِينَ سَخِرُواْ مِنۡهُم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ﴿٤١﴾ قُلۡ مَن يَكۡلَؤُكُم بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ مِنَ ٱلرَّحۡمَٰنِۚ بَلۡ هُمۡ عَن ذِكۡرِ رَبِّهِم مُّعۡرِضُونَ ﴿٤٢﴾ أَمۡ لَهُمۡ ءَالِهَةٞ تَمۡنَعُهُم مِّن دُونِنَاۚ لَا يَسۡتَطِيعُونَ نَصۡرَ أَنفُسِهِمۡ وَلَا هُم مِّنَّا يُصۡحَبُونَ ﴿٤٣﴾ بَلۡ مَتَّعۡنَا هَٰٓؤُلَآءِ وَءَابَآءَهُمۡ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡعُمُرُۗ أَفَلَا يَرَوۡنَ أَنَّا نَأۡتِي ٱلۡأَرۡضَ نَنقُصُهَا مِنۡ أَطۡرَافِهَآۚ أَفَهُمُ ٱلۡغَٰلِبُونَ ﴿٤٤﴾

وچون کافران تورا ببينند تورا مگر به تمسخر نمی گيرند می گويند آياين شخص است که ياد می‌کند (يعنی به اهانت) وايشان يادخدا را منکراند (۳٦). آدمی ازشتاب آفريده شد[۹] شما رانشانه های خويش خواهم نمود پس به شتاب ازمن طلب مکنيد (۳۷). ومی گويند اگر راست ميگوييد اين وعده کی خواهد بود؟ (۳۸). اگر کافران بدانند صورت حالِ آن وقت را که ازچهره‌های خويش آتش را بازنتوانندداشت ونه ازپشت های خويش ونه ايشان نصرت داده شوند (چنين نمی گفتند) (۳۹). بلکه قيامت به ايشان ناگهان بيايد پس ايشان راحيران گرداند پس نمی توانند آنرا دفع کنند و نه ايشان مهلت داده شوند (٤۰). وهرآئينه تمسخر کرده شد به پيامبران پيش ازتو پس به آنانکه تمسخر کردند ازايشان آنچه به آن استهزا می‌کردند درگرفت (٤۱). بگو چه کسی شما را در شب و روز ازعقوبتِ خدا نگهبانی می‌کند بلکه ايشان از ياد پروردگار خويش روی گردانند (٤۲). آياايشان معبودانی دارند غيرازماکه ايشان را ازمصايب نگاه می‌دارند نصرت دادن خويش را نمی‌توانند ونه ايشان ازعقوبت ما (به جمعيتِ خود) محفوظ مانند (٤۳). بلکه ايشان را وپدران ايشان را بهره مند ساخته‌ايم تاوقتيکه برايشان مدت عمر درازشد آيانمی بينند که ما زمين دارالحرب را درگرفت می‌کنيم آن را از دامنه هايش می‌کاهيم آيا ايشان غلبه کنندگانند[۱۰] (٤٤).

---

(۹) اين کنايت است ازغلبهٔ استعجال برآدمی والله اعلم.

(۱۰) يعنی به اسلام اسلم وغفارپيش ازهجرت (اززمين کفر کاسته شد).

قُلْ إِنَّمَآ أُنذِرُكُم بِٱلْوَحْيِ ۚ وَلَا يَسْمَعُ ٱلصُّمُّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ ﴿٤٥﴾ وَلَئِن مَّسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَٰوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ﴿٤٦﴾ وَنَضَعُ ٱلْمَوَٰزِينَ ٱلْقِسْطَ لِيَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْـًٔا ۖ وَإِن كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا ۗ وَكَفَىٰ بِنَا حَٰسِبِينَ ﴿٤٧﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ٱلْفُرْقَانَ وَضِيَآءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾ ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِٱلْغَيْبِ وَهُم مِّنَ ٱلسَّاعَةِ مُشْفِقُونَ ﴿٤٩﴾ وَهَٰذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنزَلْنَٰهُ ۚ أَفَأَنتُمْ لَهُۥ مُنكِرُونَ ﴿٥٠﴾ ۞ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَآ إِبْرَٰهِيمَ رُشْدَهُۥ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِۦ عَٰلِمِينَ ﴿٥١﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِۦ مَا هَٰذِهِ ٱلتَّمَاثِيلُ ٱلَّتِىٓ أَنتُمْ لَهَا عَٰكِفُونَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا۟ وَجَدْنَآ ءَابَآءَنَا لَهَا عَٰبِدِينَ ﴿٥٣﴾ قَالَ لَقَدْ كُنتُمْ أَنتُمْ وَءَابَآؤُكُمْ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٥٤﴾ قَالُوٓا۟ أَجِئْتَنَا بِٱلْحَقِّ أَمْ أَنتَ مِنَ ٱللَّٰعِبِينَ ﴿٥٥﴾ قَالَ بَل رَّبُّكُمْ رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ٱلَّذِى فَطَرَهُنَّ وَأَنَا۠ عَلَىٰ ذَٰلِكُم مِّنَ ٱلشَّٰهِدِينَ ﴿٥٦﴾ وَتَٱللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَٰمَكُم بَعْدَ أَن تُوَلُّوا۟ مُدْبِرِينَ ﴿٥٧﴾

نصف الحزب ٣٣

بگوجزاین نیست که شمارا با وحی می ترسانم وکران چون ترسانیده می‌شوند آوازِ را نمی‌شنوند (٤٥). و اگر به ایشان اندکی از عقوبت پروردگار تو رسد هرآئینه گویند ای وای برما هر آئینه ما ستمکاران بودیم (٤٦). وترازوی عدل را روزقیامت درمیان نهیم پس برهیچ کس هیچ چیزی ستم کرده نشود و اگر عمل هم وزن دانهٔ سپندان (خردل) باشد آن را حاضر کنیم وماحساب کننده بسیم (٤٧). وبه راستی که موسیٰ وهارون را کتاب فیصله کننده وروشنی وپندی برای پرهیزکاران دادیم (٤٨). آنانکه ازپروردگار خویش غایبانه می‌ترسند وایشان ازقیامت ترسندگانند (٤٩). واین قرآن پندی هست بابرکت آن را فروفرستادیم آیا شما به آن منکراید (٥٠). وبه راستی که ابراهیم را راه یابی او پیش ازاین دادیم وبه احوال اودانا بودیم (٥١). چون به پدرش وقومش گفت چیست این مجسمه هایی که شما دائما به عبادتشان مشغولید (٥٢). گفتند پدران خودرا عبادت کنندگانش یافته ایم (٥٣). گفت به راستی که شما و پدران شما درگمراهی ظاهر بودید (٥٤). گفتند آیا برایمان حق آورده‌ای یاتو ازبازی گرانی (٥٥). گفت بلکه پروردگارشما خداوند آسمان‌ها وزمین است آنکه اینها را آفرید ومن براین سخن ازگواهانم (٥٦). وبه خدا قسم که البته بتانِ شمارا بعد ازآن که پشت داده روی بگردانید تدبیری خواهم اندیشید (٥٧).

فَجَعَلَهُمْ جُذَٰذًا إِلَّا كَبِيرًا لَّهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ
﴿٥٨﴾ قَالُوا۟ مَن فَعَلَ هَٰذَا بِـَٔالِهَتِنَآ إِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٥٩﴾
قَالُوا۟ سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُۥٓ إِبْرَٰهِيمُ ﴿٦٠﴾ قَالُوا۟ فَأْتُوا۟
بِهِۦ عَلَىٰٓ أَعْيُنِ ٱلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ ﴿٦١﴾ قَالُوٓا۟ ءَأَنتَ
فَعَلْتَ هَٰذَا بِـَٔالِهَتِنَا يَٰٓإِبْرَٰهِيمُ ﴿٦٢﴾ قَالَ بَلْ فَعَلَهُۥ كَبِيرُهُمْ
هَٰذَا فَسْـَٔلُوهُمْ إِن كَانُوا۟ يَنطِقُونَ ﴿٦٣﴾ فَرَجَعُوٓا۟ إِلَىٰٓ
أَنفُسِهِمْ فَقَالُوٓا۟ إِنَّكُمْ أَنتُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٦٤﴾ ثُمَّ نُكِسُوا۟
عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَٰٓؤُلَآءِ يَنطِقُونَ ﴿٦٥﴾ قَالَ
أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكُمْ شَيْـًٔا وَلَا
يَضُرُّكُمْ ﴿٦٦﴾ أُفٍّ لَّكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ ۖ
أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا۟ حَرِّقُوهُ وَٱنصُرُوٓا۟ ءَالِهَتَكُمْ إِن كُنتُمْ
فَٰعِلِينَ ﴿٦٨﴾ قُلْنَا يَٰنَارُ كُونِى بَرْدًا وَسَلَٰمًا عَلَىٰٓ إِبْرَٰهِيمَ
﴿٦٩﴾ وَأَرَادُوا۟ بِهِۦ كَيْدًا فَجَعَلْنَٰهُمُ ٱلْأَخْسَرِينَ ﴿٧٠﴾ وَنَجَّيْنَٰهُ
وَلُوطًا إِلَى ٱلْأَرْضِ ٱلَّتِى بَٰرَكْنَا فِيهَا لِلْعَٰلَمِينَ ﴿٧١﴾ وَوَهَبْنَا
لَهُۥٓ إِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً ۖ وَكُلًّا جَعَلْنَا صَٰلِحِينَ ﴿٧٢﴾

پس آنهارا ریزه ریزه ساخت مگر بتِ بزرگ راازیشان تاباشد که به سوی اوایشان باز گردند (۵۸). گفتند چه کسی این کار را بامعبودان ماکرده است هرآئینه وی ازستمکاران است (۵۹). گفتند شنیدیم جوانی را که به اوابراهیم گفته می‌شد از آنها (به بدی) یادمی‌کرد (۶۰). گفتند اورا به حضور چشمهای مردمان بیاورید تاباشد که ایشان گواهی دهند (٦۱). گفتند ای ابراهیم آیا تو بامعبودان ما چنین کرده ای؟ (٦۲). گفت بلکه آن را این بتِ بزرگ ایشان کرده است پس اگرسخن می گویند ازآنان بپرسید (٦۳). پس آنان به خود آمدند پس گفتند بایکدیگر هرآئینه ستمکار شمااید (٦٤). پس برسرهای خویش نگونسار شدند (واین کنایت ست ازملزم شدن) به راستی تومیدانی که ایشان سخن نمی گویند (٦٥). گفت آیا عبادت می کنید به جای خدا چیزی را که هیچ نفعی ونه هیچ زیانی به شما نمی رساند (٦٦). افّ برشماوبر آنچه که شما می‌پرستید به جای خدا آیانمی فهمید (٦٧). بایك دیگر گفتند که بسوزانید اورا و خدایان خودرا نصرت دهید اگر کننده اید[11] (٦٨). گفتیم ای آتش بر ابراهیم سرد شو وسلامتی باش (٦٩). و(آنان) درحق وی نیرنگ خطرناك خواستند پس ما ایشان را زیان کارترین مردم نمودیم (۷۰). و ابراهیم را برهانیدیم و لوط را به سوی زمینی که درآن برای جهانیان برکت نهادیم[12] (۷۱). وبه او اسحق عطا کردیم (نیز) عطاء کردیم یعقوب را که نبیرهٔ ابراهیم بود وهمه را نیکوکار ساختیم (۷۲).

(۱۱) القصه درآتش انداختند.

(۱۲) یعنی سرزمین شام.

وَجَعَلْنَٰهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَآ إِلَيْهِمْ فِعْلَ
ٱلْخَيْرَٰتِ وَإِقَامَ ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءَ ٱلزَّكَوٰةِ ۖ وَكَانُوا۟ لَنَا
عَٰبِدِينَ ﴿٧٣﴾ وَلُوطًا ءَاتَيْنَٰهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَٰهُ مِنَ
ٱلْقَرْيَةِ ٱلَّتِى كَانَت تَّعْمَلُ ٱلْخَبَٰٓئِثَ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا۟ قَوْمَ سَوْءٍ
فَٰسِقِينَ ﴿٧٤﴾ وَأَدْخَلْنَٰهُ فِى رَحْمَتِنَآ ۖ إِنَّهُۥ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ
﴿٧٥﴾ وَنُوحًا إِذْ نَادَىٰ مِن قَبْلُ فَٱسْتَجَبْنَا لَهُۥ فَنَجَّيْنَٰهُ
وَأَهْلَهُۥ مِنَ ٱلْكَرْبِ ٱلْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾ وَنَصَرْنَٰهُ مِنَ ٱلْقَوْمِ
ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَآ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا۟ قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَٰهُمْ
أَجْمَعِينَ ﴿٧٧﴾ وَدَاوُۥدَ وَسُلَيْمَٰنَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِى ٱلْحَرْثِ
إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ ٱلْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَٰهِدِينَ ﴿٧٨﴾
فَفَهَّمْنَٰهَا سُلَيْمَٰنَ ۚ وَكُلًّا ءَاتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا ۚ وَسَخَّرْنَا
مَعَ دَاوُۥدَ ٱلْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَٱلطَّيْرَ ۚ وَكُنَّا فَٰعِلِينَ ﴿٧٩﴾
وَعَلَّمْنَٰهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِتُحْصِنَكُم مِّنۢ بَأْسِكُمْ ۖ
فَهَلْ أَنتُمْ شَٰكِرُونَ ﴿٨٠﴾ وَلِسُلَيْمَٰنَ ٱلرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِى بِأَمْرِهِۦٓ
إِلَى ٱلْأَرْضِ ٱلَّتِى بَٰرَكْنَا فِيهَا ۚ وَكُنَّا بِكُلِّ شَىْءٍ عَٰلِمِينَ ﴿٨١﴾

وایشان را پیشوایانی گردانیدیم که به فرمان ما راه می‌نمودند وانجام دادن نیکیها وبرپاداشتن نماز ودادنِ زکوٰة را به آنان وحی کردیم وعبادت کنندگان مابودند (۷۳). ولوط را حکمت و علم دادیم و اورا از (مردم) دِهِی که کارهای ناپاك می کرد برهانیدیم هرآئینه ایشان قوم نافرمان بودند (۷٤). واورا دررحمت خویش درآوردیم هرآئینه وی ازشایسته کاران بود (۷٥). ونوح را یاد کن چون ندا کردپیش ازاین پس دعای اورا قبول کردیم پس اورا وکسان اورا از اندوه بزرگ نجات دادیم (۷٦). واورا برقومی که تکذیب کردند آیات مارا نصرت دادیم هرآئینه ایشان گروهی بد بودند پس همگی ایشان را غرق کردیم(۷۷). و داود و سلیمان را یا دکن چون درباره ٔ زراعتی که چون بوقت شب گوسفندان گروهی درآنجا چریده بودند حکم می کردند و ما برحکم ایشان حاضر[۱۳] بودیم (۷۸). پس طریق فیصله کردن خصومت را به سلیمان فهمانیدیم وهر یکی را حکمت ودانش داده بودیم با داود کوه ها را مسخر گردانیدیم که با اوتسبیح می گفتند ومرغان را نیز مسخر ساختیم وما کننده بودیم (۷۹). واوراساختنِ لباسی برای شما بیاموختیم تاکه شمارا ازضرر کارزار شما نگاه دارد[۱٤] پس آیا شکر کننده هستید (۸۰). وبرای سلیمان باد تندوَزِنده رامسخر ساختیم که می رفت به فرمان وَی به سوی زمینی که درآن برکت نهادیم (یعنی شام) وبه هر چیز دانا بودیم (۸۱).

(۱۳) یعنی گوسفندانِ قومی درزراعت قومی دیگر بوقتِ شب درآمدند وچریدند داود علیه السلام حکم کرد بدادن گوسفندان عوض زراعت سلیمان حکم کرداین قوم را به اصلاح زراعت وآن قوم را بانتفاع از شیر گوسفندان تاوقتیکه زراعت بحال خود رسد حکم سلیمان درست تر بود والله اعلم.

(۱٤) یعنی ساختن زره.

وَمِنَ ٱلشَّيَٰطِينِ مَن يَغُوصُونَ لَهُۥ وَيَعۡمَلُونَ عَمَلٗا دُونَ
ذَٰلِكَۖ وَكُنَّا لَهُمۡ حَٰفِظِينَ ﴿٨٢﴾ ۞وَأَيُّوبَ إِذۡ نَادَىٰ
رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلضُّرُّ وَأَنتَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ﴿٨٣﴾
فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ فَكَشَفۡنَا مَا بِهِۦ مِن ضُرّٖۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ أَهۡلَهُۥ
وَمِثۡلَهُم مَّعَهُمۡ رَحۡمَةٗ مِّنۡ عِندِنَا وَذِكۡرَىٰ لِلۡعَٰبِدِينَ
﴿٨٤﴾ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِدۡرِيسَ وَذَا ٱلۡكِفۡلِۖ كُلّٞ مِّنَ ٱلصَّٰبِرِينَ
﴿٨٥﴾ وَأَدۡخَلۡنَٰهُمۡ فِي رَحۡمَتِنَآۖ إِنَّهُم مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٨٦﴾
وَذَا ٱلنُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَٰضِبٗا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقۡدِرَ عَلَيۡهِ
فَنَادَىٰ فِي ٱلظُّلُمَٰتِ أَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي
كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٨٧﴾ فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ وَنَجَّيۡنَٰهُ
مِنَ ٱلۡغَمِّۚ وَكَذَٰلِكَ نُـۨجِي ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٨٨﴾ وَزَكَرِيَّآ
إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥ رَبِّ لَا تَذَرۡنِي فَرۡدٗا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡوَٰرِثِينَ
﴿٨٩﴾ فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ وَوَهَبۡنَا لَهُۥ يَحۡيَىٰ وَأَصۡلَحۡنَا
لَهُۥ زَوۡجَهُۥٓۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِ
وَيَدۡعُونَنَا رَغَبٗا وَرَهَبٗاۖ وَكَانُواْ لَنَا خَٰشِعِينَ ﴿٩٠﴾

وازدیوان جماعتی را که غواصی می کردند برای وی مسخر ساختیم وکاری غیراز آن نیز می کردند وایشان را نگاه دارنده بودیم (۸۲). و یادکن ایوب را چون بجناب پروردگار خویش ندا کرد به آنکه مرا رنج رسیده است وتو مهربان ترین مهربانانی (۸۳). پس دعای اورا قبول کردیم پس آنچه ازرنج باوی بود دور ساختیم و اورافرزندان او ومانند ایشان همراه ایشان بسبب مهربانی ازنزد خویش عطاکردیم وتاعبادت کنندگان را پندی بُوَد (۸٤). ویادکن اسمعیل و ادریس وذوالکفل را هریکی ازایشان ازصبر کنندگان بُود (۸٥). و ایشان را در رحمت خود درآوردیم هرآئینه ایشان ازنیکوکاران بودند (۸٦). ویادکن ذوالنون راچون خشمگین رفت[۱٥] پس گمان کرد که بروی[۱٦] تنگ نمی گیریم پس درتاریکیها نداکرد به آن که هیچ معبود برحقی غیر از تو نیست پاکی تورا است هرآئینه من ازستمکاران بودم (۸۷). پس دعای اورا قبول کردیم وازغم نجات دادیمش وهمچنین مسلمانان را نجات می دهیم (۸۸). و زکریا را یادکن چون به جناب پروردگار خود ندا کرد ای پروردگار من مرا تنهامگذار وتو بهترین وارثانی (۸۹). پس دعای اورا قبول کردیم و اورا یحییٰ بخشیدیم وهمسرش رابرای اونیکوساختیم هرآئینه این پیامبران شتاب می کردند درنیکی‌ها و مارا درحال امید و خوف می‌خواندند وبرای ما نیازمند بودند (۹۰).

---

(۱٥) یعنی برقوم خود بغیراذن الهی والله اعلم.

(۱٦) القصه حوت اورابحلق درکشید.

وَٱلَّتِىٓ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِن رُّوحِنَا
وَجَعَلْنَٰهَا وَٱبْنَهَآ ءَايَةً لِّلْعَٰلَمِينَ ﴿٩١﴾ إِنَّ هَٰذِهِۦٓ
أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَٰحِدَةً وَأَنَا۠ رَبُّكُمْ فَٱعْبُدُونِ ﴿٩٢﴾
وَتَقَطَّعُوٓا۟ أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ ۖ كُلٌّ إِلَيْنَا رَٰجِعُونَ ﴿٩٣﴾
فَمَن يَعْمَلْ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ
لِسَعْيِهِۦ وَإِنَّا لَهُۥ كَٰتِبُونَ ﴿٩٤﴾ وَحَرَٰمٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ
أَهْلَكْنَٰهَآ أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٩٥﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا فُتِحَتْ
يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُم مِّن كُلِّ حَدَبٍ يَنسِلُونَ ﴿٩٦﴾
وَٱقْتَرَبَ ٱلْوَعْدُ ٱلْحَقُّ فَإِذَا هِىَ شَٰخِصَةٌ أَبْصَٰرُ ٱلَّذِينَ
كَفَرُوا۟ يَٰوَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِى غَفْلَةٍ مِّنْ هَٰذَا بَلْ كُنَّا
ظَٰلِمِينَ ﴿٩٧﴾ إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ
حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمْ لَهَا وَٰرِدُونَ ﴿٩٨﴾ لَوْ كَانَ
هَٰٓؤُلَآءِ ءَالِهَةً مَّا وَرَدُوهَا ۖ وَكُلٌّ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٩٩﴾
لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ ﴿١٠٠﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ
سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا ٱلْحُسْنَىٰٓ أُو۟لَٰٓئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ ﴿١٠١﴾

ویادکن زنی را که شرمگاهِ خودرا به عفت نگاه داشت پس درآن روح خودرا دمیدیم واورا وپسرش را نشانه‌ای برای جهانیان ساختیم (۹۱). گفتیم هرآئینه اینست ملتِ شما ملت یکتاومن پروردگار شما هستم پس عبادت من کنید[۱۷] (۹۲). ومتفرق شدند امت‌ها درکارخود[۱۸] درمیان خویش هر یك به سوی مارجوع کنندگانند (۹۳). پس هرکسی که ازجنس کارهای شایسته بکند درحالی که اومومن باشد پس ازکوشش اوناسپاسی نخواهدشد وهرآئینه ما برای اونیکیهایش را می نویسیم (۹٤). ومحال است برهردِهی که اورا هلاك کردیم آنکه بازگردند (یعنی بدنیا) (۹۵). تاوقتیکه چون قیدیاجوج وماجوج گشاده شود وایشان ازهربلندی بشتابند (۹٦). و وعدهٔ راست نزدیك برسد پس ناگهان حال اینست بالادوخته شود چشم های کافران گویند وای برما هرآئینه ازاین حال درغفلت بودیم بلکه ستمکار بودیم (۹۷). هرآئینه شما وآنچه می‌پرستید به جای خدا (یعنی بتان) آتش انگیز دوزخ باشید شمابر آن داخل شونده اید (۹۸). اگر اینها معبودانی می بودند به دوزخ داخل نمی شدند و همه ایشان آنجا جاویدان باشند (۹۹). آنجا ایشان را ناله باشد وایشان آنجاهیچ نشنوند (۱۰۰). هرآئینه آنانکه سابقاً برای ایشان ازجانب مانیکویی مقررشد این جماعت ازدوزخ دور کرده می شوند (۱۰۱).

(۱۷) یعنی اصل دین که توحید باشد یکی است وهمه متفق اند واختلاف درفروع می باشد.

(۱۸) یعنی دراصل دین.

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا ۖ وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ
خَالِدُونَ ﴿١٠٢﴾ لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ
الْمَلَائِكَةُ هَٰذَا يَوْمُكُمُ الَّذِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿١٠٣﴾
يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ ۚ كَمَا بَدَأْنَا
أَوَّلَ خَلْقٍ نُّعِيدُهُ ۚ وَعْدًا عَلَيْنَا ۚ إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿١٠٤﴾ وَلَقَدْ
كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا
عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿١٠٥﴾ إِنَّ فِي هَٰذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ
عَابِدِينَ ﴿١٠٦﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ
﴿١٠٧﴾ قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ ۖ فَهَلْ
أَنتُم مُّسْلِمُونَ ﴿١٠٨﴾ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ ۖ
وَإِنْ أَدْرِي أَقَرِيبٌ أَم بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ ﴿١٠٩﴾ إِنَّهُ يَعْلَمُ
الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ﴿١١٠﴾ وَإِنْ أَدْرِي
لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١١١﴾ قَالَ رَبِّ احْكُم
بِالْحَقِّ ۗ وَرَبُّنَا الرَّحْمَٰنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ﴿١١٢﴾

سُورَةُ الحَجّ

آواز دوزخ را نشنوند وایشان درآنچه نَفْسهای ایشان خواهد جاویدانند (۱۰۲). ایشان را آن ترس بزرگ اندوهگین نسازد وفرشتگان به استقبالشان آیند (گویند) اینست آن روزتان که به شما وعده داده می شد (۱۰۳). روزیکه آسمان رامانندِ پیچیدنِ طومار وقتِ نوشتن نامه ها درپیچیم چنانکه اوّل آفرینش راآغاز کردیم دیگربار (نیز) برمی‌گردانیم وعده‌ای لازم برماماست هرآئینه ماکننده ایم (۱۰٤). وهرآئینه درزبور بعدازتورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته‌ام[19] به ارث می برند (۱۰۵). هرآئینه درآنچه گفته شد گروه عابدان را کفایت است (۱۰٦). وتوراجزمایهٔ مهربانی برای جهانیان نفرستاده‌ایم (۱۰۷). بگو جزاین نیست که وحی به سوی من فرستاده می شود که معبود شما خدای یکتاست پس آیاگردن نهنده هستید (۱۰۸). پس اگر اعراض کنند پس بگو شمارابروجهی خبردارساختم که همه برابر باشید ونمی دانم که آنچه وعده داده میشوید نزدیك است یا دوراست (۱۰۹). هرآئینه خدا می‌داندآشکار را ازسخن و می داند آنچه را پنهان می کنید (۱۱۰). ونمی دانم شاید آن برای شماآزمونی وبهره مندی تامدتی باشد (۱۱۱). پیامبر گفت ای پروردگار من به راستی حکم کن وپرورگار مابخشاینده است ازوی مدد طلب کرده می شود برآنچه بیان می‌کنید (۱۱۲).

(۱۹) یعنی درآخر زمان پیامبری مبعوث شود وامت اوبرهرسرزمین غالب شود والله اعلم.

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمْۚ إِنَّ زَلْزَلَةَ ٱلسَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٞ
١ يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّآ أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ
كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى ٱلنَّاسَ سُكَٰرَىٰ وَمَا هُم
بِسُكَٰرَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ ٱللَّهِ شَدِيدٞ ٢ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن
يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٖ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَٰنٖ مَّرِيدٖ ٣
كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُۥ مَن تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُۥ يُضِلُّهُۥ وَيَهْدِيهِ
إِلَىٰ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ ٤ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٖ
مِّنَ ٱلْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَٰكُم مِّن تُرَابٖ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٖ
ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٖ ثُمَّ مِن مُّضْغَةٖ مُّخَلَّقَةٖ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٖ لِّنُبَيِّنَ
لَكُمْۚ وَنُقِرُّ فِي ٱلْأَرْحَامِ مَا نَشَآءُ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى ثُمَّ
نُخْرِجُكُمْ طِفْلٗا ثُمَّ لِتَبْلُغُوٓاْ أَشُدَّكُمْۖ وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ
وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰٓ أَرْذَلِ ٱلْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنۢ
بَعْدِ عِلْمٖ شَيْـٔٗاۚ وَتَرَى ٱلْأَرْضَ هَامِدَةٗ فَإِذَآ أَنزَلْنَا عَلَيْهَا
ٱلْمَآءَ ٱهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنۢبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجِۭ بَهِيجٖ ٥

بنام خدای بخشاینده مهربان.

ای مردمان ازپروردگار خویش بترسید هرآئینه زلزلهٔ وهنگامهٔ قیامت چیزی بزرگی است (۱). روزی که آن را ببینید هرشیر دهنده از طفلی که شیرمی‌دهدش غافل شود و هرزنِ باردار بارِشکم خودرا بنهد وببینی مردمان را مست، حال آنکه مست نیستند ولیکن عذاب خدا سخت است (۲). وازمردمان کسی هست که درشأنِ خدا بغیر دانش گفتگو می کند وپیروی هرشیطان متمرد را می نماید (۳). درقضای الهی بروی نوشته شده است که هرکس دوست داری اوکند پس او گمراه کندش و به سوی عذابِ آتش راه نمایدش (٤). ای مردمان اگر از رستاخیز درشك‌اید پس هرآئینه ما شمارا ازخاك باز ازنطفه باز از خون بسته باز از گوشت پاره صورت داده وغیر صورت داده آفریدیم (می گوییم) تا واضح سازیم برای شما و دررحمها چیزی را که می خواهیم تامیعاد معین قرار می‌دهیم بازبیرون می آوریم شمارا کودکی باز تربیت می‌کنیم تا بنهایت جوانی خود برسید وازشما کسی بُوَد که میرانده شود وازشما کسی بود که به بدترین عمر بازگردانیده شود تا چیزی را بعدازآن که می‌دانست نداند ومی بینی زمین را خشك شده پس وقتیکه برآن آب را فروفرستادیم جنبش کند وبیفزاید و ازهرقسمی رونق دار برویاند (٥).

ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ وَأَنَّهُۥ يُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَأَنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٦ وَأَنَّ ٱلسَّاعَةَ ءَاتِيَةٞ لَّا رَيۡبَ فِيهَا وَأَنَّ ٱللَّهَ يَبۡعَثُ مَن فِي ٱلۡقُبُورِ ٧ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَلَا هُدٗى وَلَا كِتَٰبٖ مُّنِيرٖ ٨ ثَانِيَ عِطۡفِهِۦ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۖ لَهُۥ فِي ٱلدُّنۡيَا خِزۡيٞۖ وَنُذِيقُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عَذَابَ ٱلۡحَرِيقِ ٩ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتۡ يَدَاكَ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَيۡسَ بِظَلَّٰمٖ لِّلۡعَبِيدِ ١٠ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَعۡبُدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ حَرۡفٖۖ فَإِنۡ أَصَابَهُۥ خَيۡرٌ ٱطۡمَأَنَّ بِهِۦۖ وَإِنۡ أَصَابَتۡهُ فِتۡنَةٌ ٱنقَلَبَ عَلَىٰ وَجۡهِهِۦ خَسِرَ ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةَۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡخُسۡرَانُ ٱلۡمُبِينُ ١١ يَدۡعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُۥ وَمَا لَا يَنفَعُهُۥۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلضَّلَٰلُ ٱلۡبَعِيدُ ١٢ يَدۡعُواْ لَمَن ضَرُّهُۥٓ أَقۡرَبُ مِن نَّفۡعِهِۦۚ لَبِئۡسَ ٱلۡمَوۡلَىٰ وَلَبِئۡسَ ٱلۡعَشِيرُ ١٣ إِنَّ ٱللَّهَ يُدۡخِلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَفۡعَلُ مَا يُرِيدُ ١٤ مَن كَانَ يَظُنُّ أَن لَّن يَنصُرَهُ ٱللَّهُ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ فَلۡيَمۡدُدۡ بِسَبَبٍ إِلَى ٱلسَّمَآءِ ثُمَّ لۡيَقۡطَعۡ فَلۡيَنظُرۡ هَلۡ يُذۡهِبَنَّ كَيۡدُهُۥ مَا يَغِيظُ ١٥

این همه به سبب آنست که خداهمان است برحق وآنکه وی مُردگان را زنده می کند وآنکه وی برهمه چیز تواناست (٦). وآنکه قیامت آمدنی است هیچ شکّی درآن نیست وآنکه خدا آنان را که درگورها باشند برانگیزد (۷). وازمردمان کسی هست که درشانِ خدا بغیر دانش وبغیر هدایت وبغیر کتاب روشن گفتگومی‌کند (۸). پیچیده صفحه گردن خودرا[۱] تا ازراهِ خدا گمراه کند اورا دردنیا رسوایی است و اورا روزِقیامت عذابِ سوزان بچشانیم (۹). (گویم) این به سبب آن اعمال است که دو دست تو فرستادش و به سبب آن است که خدا بر بندگان ستم کننده نیست (۱۰). وازمردمان کسی هست که با دو دلی خدا را برکناره پرستش می کند پس اگر اورا نعمتی برسد به آن عبادت آرام گیرد و اگر او رابلایی برسد برروی خود برگردد، دنیا وآخرت را باخت این همان زیانِ ظاهر است (۱۱). به نیایش می‌خواند به جای خدا چیزی را که زیان نرساندش ونه سود دهدش این همان گمراهی دور است (۱۲). میخواند کسی را که زیان او ازسود او نزدیك تراست هرآئینه بدسَرْوَری است وبد یاری است (۱۳). هر آئینه خدا آنان را که ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته کرده‌اند دربوستانهایی که زیرآنها جویها میرود درمی آورد هرآئینه خدا آنچه می خواهد می‌کند (١٤). هرکه پنداشته باشد که خدا پیامبر را دردنیا وآخرت نصرت نخواهد داد پس باید ریسمانی بجانب بالا بیاویزد بازباید که قطع نماید پس ببیند آیا این تدبیرِ اوچیزی را که به خشم آورده دورمی‌کند[۲] (۱۵).

(۱) یعنی تکبرکنان.
(۲) یعنی اگرازین غصّه بمیردهیچ ضرر نکند.

وَكَذَٰلِكَ أَنزَلۡنَٰهُ ءَايَٰتِۭ بَيِّنَٰتٖ وَأَنَّ ٱللَّهَ يَهۡدِي مَن يُرِيدُ
﴿١٦﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلصَّٰبِـِٔينَ وَٱلنَّصَٰرَىٰ
وَٱلۡمَجُوسَ وَٱلَّذِينَ أَشۡرَكُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ يَفۡصِلُ بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَ
ٱلۡقِيَٰمَةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ ﴿١٧﴾ أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ
يَسۡجُدُۤ لَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱلشَّمۡسُ
وَٱلۡقَمَرُ وَٱلنُّجُومُ وَٱلۡجِبَالُ وَٱلشَّجَرُ وَٱلدَّوَآبُّ وَكَثِيرٞ مِّنَ
ٱلنَّاسِۖ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيۡهِ ٱلۡعَذَابُۗ وَمَن يُهِنِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن
مُّكۡرِمٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَفۡعَلُ مَا يَشَآءُ۩ ﴿١٨﴾ ۞ هَٰذَانِ خَصۡمَانِ
ٱخۡتَصَمُواْ فِي رَبِّهِمۡۖ فَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ قُطِّعَتۡ لَهُمۡ ثِيَابٞ
مِّن نَّارٖ يُصَبُّ مِن فَوۡقِ رُءُوسِهِمُ ٱلۡحَمِيمُ ﴿١٩﴾ يُصۡهَرُ بِهِۦ
مَا فِي بُطُونِهِمۡ وَٱلۡجُلُودُ ﴿٢٠﴾ وَلَهُم مَّقَٰمِعُ مِنۡ حَدِيدٖ ﴿٢١﴾ كُلَّمَآ
أَرَادُوٓاْ أَن يَخۡرُجُواْ مِنۡهَا مِنۡ غَمٍّ أُعِيدُواْ فِيهَا وَذُوقُواْ عَذَابَ
ٱلۡحَرِيقِ ﴿٢٢﴾ إِنَّ ٱللَّهَ يُدۡخِلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ
جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ يُحَلَّوۡنَ فِيهَا مِنۡ
أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٖ وَلُؤۡلُؤٗاۖ وَلِبَاسُهُمۡ فِيهَا حَرِيرٞ ﴿٢٣﴾

وهمچنین قرآن را آیاتِ روشن فروفرستادیم وبدانید که خداراه می نماید هرکه را خواهد (۱٦). هرآئینه آنان که ایمان آورده‌اند وآنانکه یهود شدند وستاره پرستان وترسایان وگبران و مشرکان به درستی که خدای تعالی روزقیامت فیصله خواهد کرد میان ایشان هرآئینه خدابرهر چیز مطلع است (۱۷). آیاندیده‌ای که خدای تعالی را سجده می کنند آنانکه درآسمان هااند وآنانکه درزمین‌اند وخورشید وماه وستارگان وکوه ها و درختان و چهارپایان وبسیاری ازمردمان وبسیارکس هستند که برایشان عذاب ثابت شده است وهرکه را خدا خوار کند پس اوراهیچ گرامی دارنده ای نیست هرآئینه خدامی‌کند آنچه می‌خواهد (۱۸). این دوفریق دشمنان یکدیگراند درشان پروردگار خویش خصومت کردند پس آنانکه کافر شدند برای ایشان جامه ها ازآتش قطع کرده شد بالای سرایشان آبِ گرم ریخته شود (۱۹). به آن هرچه در شکم‌های ایشان باشد وپوست‌ها نیز گداخته گردد (۲۰). وبرای کوفتن ایشان گرزها ازآهن مهیّا باشد (۲۱). هرگاهی که خواهند ازدوزخ برآیند خلاص شوند آنجا ازاندوه بازگردانیده شوند وگفته شود عذاب سوزان را بچشید (۲۲). هرآئینه خدا آنان راکه ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته کرده‌اند دربوستانها یی درمی آورد که درزیرِ آنها جویها میرود پیرایه آنان درآنجا به دستبندهایی زرین ومروارید آراسته شوند ولباس ایشان درآنجا ابریشم بُوَد (۲۳).

وَهُدُوٓاْ إِلَى ٱلطَّيِّبِ مِنَ ٱلۡقَوۡلِ وَهُدُوٓاْ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلۡحَمِيدِ ﴿٢٤﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ ٱلَّذِي جَعَلۡنَٰهُ لِلنَّاسِ سَوَآءً ٱلۡعَٰكِفُ فِيهِ وَٱلۡبَادِۚ وَمَن يُرِدۡ فِيهِ بِإِلۡحَادِۢ بِظُلۡمٖ نُّذِقۡهُ مِنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ ﴿٢٥﴾ وَإِذۡ بَوَّأۡنَا لِإِبۡرَٰهِيمَ مَكَانَ ٱلۡبَيۡتِ أَن لَّا تُشۡرِكۡ بِي شَيۡـٔٗا وَطَهِّرۡ بَيۡتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلۡقَآئِمِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ ﴿٢٦﴾ وَأَذِّن فِي ٱلنَّاسِ بِٱلۡحَجِّ يَأۡتُوكَ رِجَالٗا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٖ يَأۡتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٖ ﴿٢٧﴾ لِّيَشۡهَدُواْ مَنَٰفِعَ لَهُمۡ وَيَذۡكُرُواْ ٱسۡمَ ٱللَّهِ فِيٓ أَيَّامٖ مَّعۡلُومَٰتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنۢ بَهِيمَةِ ٱلۡأَنۡعَٰمِۖ فَكُلُواْ مِنۡهَا وَأَطۡعِمُواْ ٱلۡبَآئِسَ ٱلۡفَقِيرَ ﴿٢٨﴾ ثُمَّ لۡيَقۡضُواْ تَفَثَهُمۡ وَلۡيُوفُواْ نُذُورَهُمۡ وَلۡيَطَّوَّفُواْ بِٱلۡبَيۡتِ ٱلۡعَتِيقِ ﴿٢٩﴾ ذَٰلِكَۖ وَمَن يُعَظِّمۡ حُرُمَٰتِ ٱللَّهِ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّهُۥ عِندَ رَبِّهِۦۗ وَأُحِلَّتۡ لَكُمُ ٱلۡأَنۡعَٰمُ إِلَّا مَا يُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡۖ فَٱجۡتَنِبُواْ ٱلرِّجۡسَ مِنَ ٱلۡأَوۡثَٰنِ وَٱجۡتَنِبُواْ قَوۡلَ ٱلزُّورِ ﴿٣٠﴾

وبه (گفتن)[٣] سخن زیباوپاکیزه رهنمود میگردند وبه راه خدای ستوده راهنمایی شوند (٢٤). هرآئینه آنانکه کافرشدند وازراهِ خدا واز مسجدِ حرامکه آن را برای مردمان یکسان کردهایم درآنجا چه مقیم وچه صحرانشینبازمیدارند وکسی که ازروی ستم درآنجا کجروی خواهد، او را ازعذاب دردناك می چشانیم (٢٥). ویادکن چون برای ابراهیم موضع خانه کعبه را معین ساختیم (این سخن گفته) که بامن هیچ چیزی را شریك مقررمکن وخانهٔ مرا برای طواف کنندگان و ایستادگان ورکوع کنندگان وسجودکنندگان پاك کن[٤] (٢٦). ودرمیان مردمان به حج اعلان کن تا پیش تو پیاده وسوار برهرشتری لاغر بیایند این شترانِ لاغر ازهرراه دور می آیند (٢٧). تامنافعی را که دارند حضور یابند ونام خدارا درروزها چند دانسته شده[٥] یاد کنند برذبح آنچه خدای تعالی ایشان رااز قسمِ چهار پایان مواشی روزی داده است پس ازآن بخورید ودرمانده درویش را بخورانید (٢٨). بازباید که چرکِ تن خودرا دور کنند ونذرهای خود را به وفا رسانند وبه خانهٔ قدیم[٦] (یعنی کعبه) طواف نمایند (٢٩). (حکم) اینست وهرکه شعائر خدارا تعظیم کند پس این تعظیم کردن اورانزدیكِ پروردگار او بهتراست وحلال کرده شد برای شمامواشی[٧] مگر آنچه خوانده خواهد شد برشما[٨] پس ازپلیدی بتان احتراز کنید وازسخن دروغ[٩] (نیز) دورمانید (٣٠).

---

(٣) یعنی دردنیا.
(٤) یعنی برای نمازگزاران.
(٥) یعنی یوم نحر وایّام تشریق.
(٦) یعنی کعبه زیراکه اوّل بناشد بعدازان بیت المقدس.
(٧) یعنی شتروگاو وبزوگوسفند.
(٨) یعنی میته وخونِ مسفوح.
(٩) یعنی گواهی دروغ.

حُنَفَآءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِۦ ۚ وَمَن يُشْرِكْ بِٱللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ
ٱلسَّمَآءِ فَتَخْطَفُهُ ٱلطَّيْرُ أَوْ تَهْوِى بِهِ ٱلرِّيحُ فِى مَكَانٍ سَحِيقٍ
﴿٣١﴾ ذَٰلِكَ ۖ وَمَن يُعَظِّمْ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى ٱلْقُلُوبِ ﴿٣٢﴾
لَكُمْ فِيهَا مَنَٰفِعُ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَآ إِلَى ٱلْبَيْتِ ٱلْعَتِيقِ
﴿٣٣﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكًا لِّيَذْكُرُوا۟ ٱسْمَ ٱللَّهِ عَلَىٰ
مَا رَزَقَهُم مِّنۢ بَهِيمَةِ ٱلْأَنْعَٰمِ ۗ فَإِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ فَلَهُۥٓ
أَسْلِمُوا۟ ۗ وَبَشِّرِ ٱلْمُخْبِتِينَ ﴿٣٤﴾ ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتْ
قُلُوبُهُمْ وَٱلصَّٰبِرِينَ عَلَىٰ مَآ أَصَابَهُمْ وَٱلْمُقِيمِى ٱلصَّلَوٰةِ
وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣٥﴾ وَٱلْبُدْنَ جَعَلْنَٰهَا لَكُم مِّن شَعَٰٓئِرِ
ٱللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ ۖ فَٱذْكُرُوا۟ ٱسْمَ ٱللَّهِ عَلَيْهَا صَوَآفَّ ۖ فَإِذَا وَجَبَتْ
جُنُوبُهَا فَكُلُوا۟ مِنْهَا وَأَطْعِمُوا۟ ٱلْقَانِعَ وَٱلْمُعْتَرَّ ۚ كَذَٰلِكَ سَخَّرْنَٰهَا
لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٣٦﴾ لَن يَنَالَ ٱللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَآؤُهَا
وَلَٰكِن يَنَالُهُ ٱلتَّقْوَىٰ مِنكُمْ ۚ كَذَٰلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا۟
ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمْ ۗ وَبَشِّرِ ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٣٧﴾ ۞ إِنَّ ٱللَّهَ يُدَٰفِعُ
عَنِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ ﴿٣٨﴾

درحالیکه حق گرا ومخلص خدا وغیر شرك آورنده به او باشید وهرکسی که باخدا شریك مقررکند پس گویا که ازآسمان فرود افتاد پس اورامرغان (مردار خوار) بربایند یا او را باد بمکانی دور[۱۰] فروافکند (۳۱). (حکم) اینست وهرکس که شعائر خدارا تعظیم کند پس این تعظیم ازتقوی دلهاست (۳۲). شمارا درآن مواشی فائده‌هایی است تامیعادی معیّن باز جای (قربان) گاهش به بیت العتیق است (۳۳). وبرای هرامتی روش قربانی کردن مقرر داشته ایم تا نام خدا را برآنچه ایشان را ازچهارپایان حلال گوشت داده است یاد کنند پس معبود شما معبودی یکتاست پس برای او منقادشوید و(یامحمد) نیایش کنندگان را بشارت ده (۳٤). کسانی که چون خدا یادکرده شود دل‌های ایشان ترسان گردد ونیز صبر کنندگان را برآنچه به ایشان برسد وبرپا دارندگان نمازرا وآنان را که ازآنچه روزی دادیم به ایشان خرج می کنند (۳۵). وشترانِ قربانی را برای شما ازشعائر خدا گردانیده‌ایم شمارا درآنها خیر است پس نامِ خدارا برنحر آنها یادکنید درحالیکه برچهارپای ایستاده اند پس چون پهلوهای آنها به زمین افتد بخورید ازآنها ودرویشِ بی سوال را وسوال کننده را بخورانید همچنین چهار پایان رابرای شما رام گردانیدیم تاباشید که شکرکنید (۳٦). نمی رسد بخدا گوشتهای قربانی‌ها ونه خونهای اینها ولیکن بوی پرهیزگاری ازشما می رسد هم چنین رام گردانید قربانی هارابرای شما تا خدا را به بزرگی یادکنید به شکر آنکه شمارا راه نمود ونیکوکاران را بشارت ده (۳۷). هرآئینه خدا ازمسلمانان[۱۱] دفاع می کند هرآئینه خدا هرخیانت کننده ناسپاس را دوست نمی دارد (۳۸).

(۱۰) حاصل آنست که هلاك شدبوجهی که امید نجات نماند.

(۱۱) یعنی ضرر اعداء ایشان را.

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَٰتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا۟ ۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴿٣٩﴾ ٱلَّذِينَ أُخْرِجُوا۟ مِن دِيَٰرِهِم بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّآ أَن يَقُولُوا۟ رَبُّنَا ٱللَّهُ ۗ وَلَوْلَا دَفْعُ ٱللَّهِ ٱلنَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّهُدِّمَتْ صَوَٰمِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَٰتٌ وَمَسَٰجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا ٱسْمُ ٱللَّهِ كَثِيرًا ۗ وَلَيَنصُرَنَّ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥٓ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَقَوِىٌّ عَزِيزٌ ﴿٤٠﴾ ٱلَّذِينَ إِن مَّكَّنَّٰهُمْ فِى ٱلْأَرْضِ أَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُا۟ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَمَرُوا۟ بِٱلْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا۟ عَنِ ٱلْمُنكَرِ ۗ وَلِلَّهِ عَٰقِبَةُ ٱلْأُمُورِ ﴿٤١﴾ وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودُ ﴿٤٢﴾ وَقَوْمُ إِبْرَٰهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ ﴿٤٣﴾ وَأَصْحَٰبُ مَدْيَنَ ۖ وَكُذِّبَ مُوسَىٰ ۖ فَأَمْلَيْتُ لِلْكَٰفِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ ۖ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٤﴾ فَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَٰهَا وَهِىَ ظَالِمَةٌ فَهِىَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَّشِيدٍ ﴿٤٥﴾ أَفَلَمْ يَسِيرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَآ أَوْ ءَاذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا ۖ فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى ٱلْأَبْصَٰرُ وَلَٰكِن تَعْمَى ٱلْقُلُوبُ ٱلَّتِى فِى ٱلصُّدُورِ ﴿٤٦﴾

دستور جهاد داده شد آنانرا که کفار با ایشان جنگ می کنند بسبب آنکه برایشان ستم رفته است وهرآئینه خدابرنصرت دادن ایشان تواناست (۳۹). (دستور جهاد داده شد) آنان را که ایشان ازخانه ها یشان به ناحق بیرون آورده شد ند مگر به سبب آنکه می گفتند پروردگار ماخداست واگر دفع کردن خدا نبود مردمان را بعضی را بدست بعضی دیگر ویران کرده می شد خلوتهای رهبانان وعبادت خانه‌های نصاریٰ وعبادت خانه های یهود وعبادت خانه های مسلمانان که درآن جایها نام خدا بسیار یاد کرده می شود والبته نصرت خواهد داد خدا کسی را که قصدِ نصرت دین وی کند وهرآئینه خداتوانای غالب است (نصرت خواهد داد) (٤٠). کسانی را که اگر ایشان را درزمین دسترس دهیم نماز را برپا دارند و زکوٰة را بدهند وبه کار پسندیده فرمان دهند واز کارِ ناپسندیده منع کنند وسرانجام همه کارها[۱۲] برای خداست (٤١). واگر توراتکذیب می کنند پس به راستی که پیش ازایشان قوم نوح وعاد وثمود (نیز به پیامبرانشان) تکذیب کردند (٤٢). و(نیزچنین کردند) قوم ابراهیم وقوم لوط (٤٣). واهل مدین (نیزچنین کردند) و موسیٰ تکذیب کرده شد پس مهلت دادم این کافران را باز ایشان را گرفت کردم پس عقوبتِ من چگونه بود (٤٤). پس چه بسیار شهرهارا درحالی که وی ستمکاربود آن را هلاك ساختیم پس وی افتاده است برسقف های خود وبسیارچاه بیکارمانده وبسامحلی بلند خراب شده (٤٥). آیاسیرنکرده‌اند درزمین تاایشان را دلهایی بُوَد که باآنها فهم کنند یاگوشهایی که باآنها بشنوند هرآئینه حال اینست که چشم‌ها نابینا نمی‌شوند ولیکن آن دلها که در سینه‌ها هستند نابینا می‌شوند (٤٦).

---

(۱۲) درین آیت دلالت است برصحتِ خلافتِ خلفای اربعه زیراکه ایشان ازمهاجرین اولین بودند ومتمکن شدند درزمین پس لازم آید که اقامت صلوة وایتاء زکوٰة وامر به معروف ونهی از منکر ازایشان بظهور رسد وتمکین في الأرض چون بآن خصال جمع شود همان است خلافت نبوت.

وَيَسۡتَعۡجِلُونَكَ بِٱلۡعَذَابِ وَلَن يُخۡلِفَ ٱللَّهُ وَعۡدَهُۥۚ وَإِنَّ يَوۡمًا عِندَ رَبِّكَ كَأَلۡفِ سَنَةٖ مِّمَّا تَعُدُّونَ ﴿٤٧﴾ وَكَأَيِّن مِّن قَرۡيَةٍ أَمۡلَيۡتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٞ ثُمَّ أَخَذۡتُهَا وَإِلَيَّ ٱلۡمَصِيرُ ﴿٤٨﴾ قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّمَآ أَنَا۠ لَكُمۡ نَذِيرٞ مُّبِينٞ ﴿٤٩﴾ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ ﴿٥٠﴾ وَٱلَّذِينَ سَعَوۡاْ فِيٓ ءَايَٰتِنَا مُعَٰجِزِينَ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَحِيمِ ﴿٥١﴾ وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٖ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّآ إِذَا تَمَنَّىٰٓ أَلۡقَى ٱلشَّيۡطَٰنُ فِيٓ أُمۡنِيَّتِهِۦ فَيَنسَخُ ٱللَّهُ مَا يُلۡقِي ٱلشَّيۡطَٰنُ ثُمَّ يُحۡكِمُ ٱللَّهُ ءَايَٰتِهِۦۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ﴿٥٢﴾ لِّيَجۡعَلَ مَا يُلۡقِي ٱلشَّيۡطَٰنُ فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ وَٱلۡقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمۡۗ وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَفِي شِقَاقِۭ بَعِيدٖ ﴿٥٣﴾ وَلِيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَيُؤۡمِنُواْ بِهِۦ فَتُخۡبِتَ لَهُۥ قُلُوبُهُمۡۗ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهَادِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ﴿٥٤﴾ وَلَا يَزَالُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي مِرۡيَةٖ مِّنۡهُ حَتَّىٰ تَأۡتِيَهُمُ ٱلسَّاعَةُ بَغۡتَةً أَوۡ يَأۡتِيَهُمۡ عَذَابُ يَوۡمٍ عَقِيمٍ ﴿٥٥﴾

وازتو عذاب را زود می‌طلبند وهرگز خدا وعدهٔ خودرا خلاف نخواهد کرد وهرآئینه یك روز نزد پروردگارتو مانند هزارسال است ازآنچه می‌شمرید[۱۳] (٤٧). وچه بسیار شهرهاکه به آنها درحالی که (اهل) آن ستمکاربود مهلت دادیم باز آنهارا گرفتار کردم و بازگشت به سوی من است (٤٨). بگو ای مردمان جز این نیست که من برای شما ترسانندهٔ آشکارم (٤٩). پس آنانکه ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته کرده اند ایشان را آمرزش وروزی نیك است (٥٠). وآنان که مقابله کنان در(انکار) آیاتِ ما کوشیدند ایشان اهل دوزخ هستند (٥١). و ما پیش ازتو هیچ رسولی ونه هیچ نبي را نفرستاده ایم مگر چون آرزوی بخاطر بست شیطان چیزی درآرزوی وی افکند پس دوباره خدا دورمی کند آنچه راکه شیطان انداخته است خدا آیات خود را محکم می کند وخدا دانا باحکمت است[۱٤] (٥٢). تا خدا بگرداند آنچه راکه شیطان افکند آزموني درحق آنانکه دردلهای ایشان بیماری است وآنان که دلهای ایشان سخت است وهرآئینه ستمکاران درمخالفت دور و درازاند (٥٣). وتاآنان که ایشان را علم داده شده است بدانند که آن وحی ازجانبِ پروردگار تو راست است پس به آن ایمان آورند پس برای خدا دل های ایشان نیایش کنند وهرآئینه خدا مسلمانان را به سوی راه راست هدایت دهنده است (٥٤). وهمیشه کافران ازآن وحی درشبهه باشند تاوقتیکه به ایشان قیامت ناگهان بیاید یا به ایشان عقوبت روز بس نحس بیاید گریبانشان رابگیرد(٥٥).

---

(۱۳) یعنی اگرخواهدکارهزارسال دریك روز تمام کند پس این بسبب عجز نیست بلکه بنابرمصالحی که جز اوکسی نمیداند.

(۱٤) مترجم گوید مثلًا آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخواب دیدند که هجرت کرده‌اند به زمینی که نخل بسیار دارد پس گمان بجانبِ یمامه وهجر رفت ودرنفس الامر مدینه بود، مثلا آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخواب دیدند که به مکه درآمده حلق وقصر میکنند پس گمان آمد که درهمان سال این معنی واقع شود و درنفس الامر بعدازسالهای چند متحقق شدو درامثال این صورت امتحان مخلصان ومنافقان درمیان می آید والله اعلم.

ٱلۡمُلۡكُ يَوۡمَئِذٖ لِّلَّهِ يَحۡكُمُ بَيۡنَهُمۡۚ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ﴿٥٦﴾ وَٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا فَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ
مُّهِينٞ ﴿٥٧﴾ وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوٓاْ
أَوۡ مَاتُواْ لَيَرۡزُقَنَّهُمُ ٱللَّهُ رِزۡقًا حَسَنٗاۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ
خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ﴿٥٨﴾ لَيُدۡخِلَنَّهُم مُّدۡخَلٗا يَرۡضَوۡنَهُۥۗ
وَإِنَّ ٱللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٞ ﴿٥٩﴾ ۞ذَٰلِكَۖ وَمَنۡ عَاقَبَ بِمِثۡلِ
مَا عُوقِبَ بِهِۦ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيۡهِ لَيَنصُرَنَّهُ ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ
لَعَفُوٌّ غَفُورٞ ﴿٦٠﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ يُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي
ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِ وَأَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعُۢ
بَصِيرٞ ﴿٦١﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدۡعُونَ
مِن دُونِهِۦ هُوَ ٱلۡبَٰطِلُ وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ ﴿٦٢﴾
أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَتُصۡبِحُ ٱلۡأَرۡضُ
مُخۡضَرَّةًۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٞ ﴿٦٣﴾ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ ﴿٦٤﴾

پادشاهی آن روزفقط برای خدا است میان ایشان حکم کند پس آنان که ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته کرده‌اند دربوستانهای نعمت باشند (٥٦). وآنانکه کافر شده اند وآیاتِ مارا تکذیب کرده‌اند آن جماعت ایشان را عذاب خوارکننده باشد (٥٧). وآنانکه در راه خدا هجرت کرده‌اند سپس کشته شده اند یا به مرگ طبیعی مرده اند البته روزی دهد ایشان را خداروزی نیك[١٥] وهرآئینه خدا وی بهترینِ روزی دهندگان است (٥٨). البته ایشان را به جایگاهی که خوشنود شوند از آن درآورد وهرآئینه خدا دانای بردباراست (٥٩). (حکم) این است وهرکسی که دست به ستم وجنایت زند به همان اندازه که بدو ستم وجنایت شده است، سپس دوباره بروی ستم وجنایت کرده شود هرآئینه او را خدا نصرت خواهد داد هرآئینه خدا بخشاینده آمرزگاراست (٦٠). این نصرت بسبب آنست که خدا شب را درروز درمی‌آورد و روزرادرشب در می‌آورد وبه سبب آنست که خداشنوای بیناست (٦١). این نصرت از آنست که خدا همان است ثابت وبرحق وآنچه کافران به جای وی می خوانند همان است باطل و به سبب آنست که خدا همان است بلند مرتبه بزرگ قدر (٦٢). آیاندیدی که خدا ازآسمان آبی را فرود آورد پس زمین سرسبز شود هر آئینه خدا لطف کننده داناست (٦٣). برای او است آنچه درآسمانهاست وآنچه درزمین است وهرآئینه خدا همان است بی نیاز ستوده کار (٦٤).

(١٥) یعنی دربهشت.

أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱلۡفُلۡكَ تَجۡرِي فِي ٱلۡبَحۡرِ بِأَمۡرِهِۦ وَيُمۡسِكُ ٱلسَّمَآءَ أَن تَقَعَ عَلَى ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِٱلنَّاسِ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ ﴿٦٥﴾ وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَحۡيَاكُمۡ ثُمَّ يُمِيتُكُمۡ ثُمَّ يُحۡيِيكُمۡۗ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَكَفُورٞ ﴿٦٦﴾ لِّكُلِّ أُمَّةٖ جَعَلۡنَا مَنسَكًا هُمۡ نَاسِكُوهُۖ فَلَا يُنَٰزِعُنَّكَ فِي ٱلۡأَمۡرِۚ وَٱدۡعُ إِلَىٰ رَبِّكَۖ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدٗى مُّسۡتَقِيمٖ ﴿٦٧﴾ وَإِن جَٰدَلُوكَ فَقُلِ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا تَعۡمَلُونَ ﴿٦٨﴾ ٱللَّهُ يَحۡكُمُ بَيۡنَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فِيمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ ﴿٦٩﴾ أَلَمۡ تَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۗ إِنَّ ذَٰلِكَ فِي كِتَٰبٍۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ﴿٧٠﴾ وَيَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ سُلۡطَٰنٗا وَمَا لَيۡسَ لَهُم بِهِۦ عِلۡمٞۗ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِن نَّصِيرٖ ﴿٧١﴾ وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ تَعۡرِفُ فِي وُجُوهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلۡمُنكَرَۖ يَكَادُونَ يَسۡطُونَ بِٱلَّذِينَ يَتۡلُونَ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِنَاۗ قُلۡ أَفَأُنَبِّئُكُم بِشَرّٖ مِّن ذَٰلِكُمُۚ ٱلنَّارُ وَعَدَهَا ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ﴿٧٢﴾

آیاندیده‌ای که خدا مسخر گرداند برای شماآنچه درزمین است ومسخر ساخت کشتی‌ها راکه دردریا به فرمان او میرود آسمان را نگاه میدارد ازآنکه برزمین بیفتد مگر بدستور او هرآئینه خدا درحق مردمان بخشاینده مهربان است (٦٥). واوست آنکه شمارا زنده کرد باز شمارا می میراند باز شمارا زنده کند هرآئینه آدمی ناسپاس است (٦٦). برای هر امتی شریعتی را مقرر کرده‌ایم که ایشان برآن عمل کننده‌اند پس باید که با تو دراین کار نزاع نکنند وبه سوی پروردگارت دعوت کن هرآئینه تو بر راهی راست هستی (٦٧). واگر باتو مکابره نمایند بگو خدا دانا تراست به آنچه می کنید (٦٨). درمیان شما خداحکم خواهد کرد روزقیامت درآنچه درآن اختلاف می کنید[١٦] (٦٩). آیا ندانستی که خدامی‌داند هرچه درآسمان وزمین است هرآئینه این همه درکتابی ثبت است به تحقیق این همه برخدا آسان است (٧٠). وعبادت می‌کنند به جای خدا چیزی را که خدا حجتی برآن فرو نفرستاده است وچیزی را که ایشان را بَرثبوت آن دانش نیست وستمکاران را هیچ یاری دهنده‌ای نیست (٧١). وچون آیات روشن ما برایشان خوانده می شود در رویهای این کافران ناخوشی را می شناسی نزدیك می شوند ازآنکه برآنان که برایشان آیات مارا می‌خوانند حمله کنند بگوآیا شمارا به ناخوشتر ازاین خبردهم آن دوزخ است که خدا آن را به کافران وعده داده است و وی بدجایی است (٧٢).

---

(١٦) مترجم گوید درین آیت اشاره است بآنکه اختلاف شرائع بسبب اختلاف عصوراست وهمه شرائع حق است ودرزمان خودمعمول به است پس نزاع به حقیقت بآنهانباید کرد.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَٱسْتَمِعُوا۟ لَهُۥٓ ۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ
تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَن يَخْلُقُوا۟ ذُبَابًا وَلَوِ ٱجْتَمَعُوا۟ لَهُۥ ۖ
وَإِن يَسْلُبْهُمُ ٱلذُّبَابُ شَيْـًٔا لَّا يَسْتَنقِذُوهُ مِنْهُ ۚ ضَعُفَ
ٱلطَّالِبُ وَٱلْمَطْلُوبُ ﴿٧٣﴾ مَا قَدَرُوا۟ ٱللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِۦٓ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ
لَقَوِىٌّ عَزِيزٌ ﴿٧٤﴾ ٱللَّهُ يَصْطَفِى مِنَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةِ رُسُلًا
وَمِنَ ٱلنَّاسِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌۢ بَصِيرٌ ﴿٧٥﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ
أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ۗ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرْجَعُ ٱلْأُمُورُ ﴿٧٦﴾ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱرْكَعُوا۟ وَٱسْجُدُوا۟ وَٱعْبُدُوا۟ رَبَّكُمْ
وَٱفْعَلُوا۟ ٱلْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۩ ﴿٧٧﴾ وَجَٰهِدُوا۟ فِى
ٱللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِۦ ۚ هُوَ ٱجْتَبَىٰكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ
فِى ٱلدِّينِ مِنْ حَرَجٍ ۚ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَٰهِيمَ ۚ هُوَ سَمَّىٰكُمُ
ٱلْمُسْلِمِينَ مِن قَبْلُ وَفِى هَٰذَا لِيَكُونَ ٱلرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ
وَتَكُونُوا۟ شُهَدَآءَ عَلَى ٱلنَّاسِ ۚ فَأَقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُوا۟ ٱلزَّكَوٰةَ
وَٱعْتَصِمُوا۟ بِٱللَّهِ هُوَ مَوْلَىٰكُمْ ۖ فَنِعْمَ ٱلْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ ٱلنَّصِيرُ ﴿٧٨﴾

سَجْدَة

سُورَةُ المُؤْمِنُونَ

ای مردمان مثلی زده می شود پس آن را بشنوید هرآئینه آنانکه به جای خدا می‌خوانید هرگز مگسی را نمی توانند آفرید اگرچه برای آن همگی جمع شوند واگر ازایشان مگس چیزی را برُباید آنرا ازمگس نمی توانند خلاص کرد ناتوان شد طالب و مطلوب[۱۷] (۷۳). خدا را تعظیم نکردند حق تعظیم اوهرآئینه خدا توانا غالب است (۷٤). خدا برمی‌گزیند فرستاده ها از فرشتگان واز مردمان هرآئینه خدا شنوا بیناست (۷٥). می‌داند آنچه پیش روی ایشان است وآنچه پشت سر ایشان است (یعنی آینده وگذشته ایشان را می داند) وبه سوی خدا کارها بازگردانیده می شوند (۷٦). ای مسلمانان رکوع کنید وسجده بجا آورید و پروردگارخود را عبادت نمایید کارنیك انجام دهید باشد که رستگارشوید (۷۷). ودرراه خدا چنانکه سزاوارجهادکردن برای اوست جهاد کنید وی شمارا برگزیده است و برشما دردین هیچ تنگی ودشواریی قرارنداده است مشروع کرد دین پدرشما ابراهیم را خدا شمارا پیش ازین مسلمان نام نهاد[۱۸] ودر قرآن نیز تا پیامبر برشما گواه باشد و شما گواه باشید برمردمان پس‌نماز را برپادارید و زکوٰة را بدهید و چنگ زنید به خدا اوست مددکار شما پس نیك مددکار ونیك یاری دهنده است (۷۸).

---

(۱۷) یعنی عابد ومعبود.

(۱۸) یعنی درکتب سابقه.

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

قَدْ أَفْلَحَ ٱلْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ ٱلَّذِينَ هُمْ فِى صَلَاتِهِمْ خَٰشِعُونَ ﴿٢﴾ وَٱلَّذِينَ هُمْ عَنِ ٱللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ﴿٣﴾ وَٱلَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَوٰةِ فَٰعِلُونَ ﴿٤﴾ وَٱلَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَٰفِظُونَ ﴿٥﴾ إِلَّا عَلَىٰٓ أَزْوَٰجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿٦﴾ فَمَنِ ٱبْتَغَىٰ وَرَآءَ ذَٰلِكَ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْعَادُونَ ﴿٧﴾ وَٱلَّذِينَ هُمْ لِأَمَٰنَٰتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَٰعُونَ ﴿٨﴾ وَٱلَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَٰتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٩﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْوَٰرِثُونَ ﴿١٠﴾ ٱلَّذِينَ يَرِثُونَ ٱلْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿١١﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ مِن سُلَٰلَةٍ مِّن طِينٍ ﴿١٢﴾ ثُمَّ جَعَلْنَٰهُ نُطْفَةً فِى قَرَارٍ مَّكِينٍ ﴿١٣﴾ ثُمَّ خَلَقْنَا ٱلنُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا ٱلْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا ٱلْمُضْغَةَ عِظَٰمًا فَكَسَوْنَا ٱلْعِظَٰمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَٰهُ خَلْقًا ءَاخَرَ فَتَبَارَكَ ٱللَّهُ أَحْسَنُ ٱلْخَٰلِقِينَ ﴿١٤﴾ ثُمَّ إِنَّكُم بَعْدَ ذَٰلِكَ لَمَيِّتُونَ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ تُبْعَثُونَ ﴿١٦﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَآئِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ ٱلْخَلْقِ غَٰفِلِينَ ﴿١٧﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

به راستی مسلمانان رستگارشدند (١). آنانکه ایشان درنماز خویش خشوع کننده اند (٢). وآنان که ایشان ازبیهوده رویگردانند (٣). وآنان که ایشان زکوٰة را ادا کننده اند (٤). وآنانکه ایشان شرمگاههای خودرا نگاه دارنده‌اند (٥). مگر برهمسران خویش یا برکنیزانی که ملك دست ایشان است پس هر آئینه اینان نکوهیده نیستند (٦). پس هرکه غیرازاین طلب کند آنجماعت ازحدگذرنده‌اند (٧). وآنان که ایشان امانت‌های خودرا وپیمان خودرا رعایت کننده‌اند (٨). وآنانکه ایشان برنمازهای خود محافظت می‌کنند (٩). آن جماعت وارثان ایشانند (١٠). کسانی که (عاقبت کار) بهشت فردوس را بدست آورند ایشان آنجاجاوید باشندگانند (١١). وبه راستی آدمی را از خلاصه‌ای از گل آفریدیم (١٢). باز آدمی را نطفه‌ای در قرارگاه استوار ساختیم (١٣). باز آن نطفه را خونِ بسته ساختیم باز آن خونِ بسته راگوشت پارهٔ ساختیم پس آن گوشت پاره را استخوانهایی ساختیم سپس برآن استخوانها گوشت را پوشانیدیم باز اورا آفریدیم آفرینشی دیگر[1] پس خدا بزرگ است بهترین آفرینندگان است (١٤). بازهرآئینه شما بعد ازین البته مردگانید (١٥). بازهرآئینه شما روزقیامت برانگیخته گردید (١٦). وهرآئینه بالای شما هفت آسمان آفریدیم وما ازآفرینش بی خبر نبودیم (١٧).

(١) یعنی نفخ روح وروئیدن ناخن وموی.

وَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءَۢ بِقَدَرٖ فَأَسۡكَنَّٰهُ فِي ٱلۡأَرۡضِۖ وَإِنَّا عَلَىٰ
ذَهَابِۭ بِهِۦ لَقَٰدِرُونَ ١٨ فَأَنشَأۡنَا لَكُم بِهِۦ جَنَّٰتٖ مِّن نَّخِيلٖ
وَأَعۡنَٰبٖ لَّكُمۡ فِيهَا فَوَٰكِهُ كَثِيرَةٞ وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ ١٩ وَشَجَرَةٗ
تَخۡرُجُ مِن طُورِ سَيۡنَآءَ تَنۢبُتُ بِٱلدُّهۡنِ وَصِبۡغٖ لِّلۡأٓكِلِينَ ٢٠
وَإِنَّ لَكُمۡ فِي ٱلۡأَنۡعَٰمِ لَعِبۡرَةٗۖ نُّسۡقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمۡ فِيهَا
مَنَٰفِعُ كَثِيرَةٞ وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ ٢١ وَعَلَيۡهَا وَعَلَى ٱلۡفُلۡكِ تُحۡمَلُونَ
٢٢ وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ فَقَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ
مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥٓۚ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٢٣ فَقَالَ ٱلۡمَلَؤُاْ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ مَا هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يُرِيدُ أَن يَتَفَضَّلَ عَلَيۡكُمۡ
وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَٰٓئِكَةٗ مَّا سَمِعۡنَا بِهَٰذَا فِيٓ ءَابَآئِنَا
ٱلۡأَوَّلِينَ ٢٤ إِنۡ هُوَ إِلَّا رَجُلُۢ بِهِۦ جِنَّةٞ فَتَرَبَّصُواْ بِهِۦ حَتَّىٰ حِينٖ
٢٥ قَالَ رَبِّ ٱنصُرۡنِي بِمَا كَذَّبُونِ ٢٦ فَأَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡهِ أَنِ ٱصۡنَعِ
ٱلۡفُلۡكَ بِأَعۡيُنِنَا وَوَحۡيِنَا فَإِذَا جَآءَ أَمۡرُنَا وَفَارَ ٱلتَّنُّورُ فَٱسۡلُكۡ
فِيهَا مِن كُلّٖ زَوۡجَيۡنِ ٱثۡنَيۡنِ وَأَهۡلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيۡهِ
ٱلۡقَوۡلُ مِنۡهُمۡۖ وَلَا تُخَٰطِبۡنِي فِي ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ إِنَّهُم مُّغۡرَقُونَ ٢٧

وآب را ازآسمان باندازه فروفرستادیم پس اورادرزمین جای دادیم وهرآئینه ما بردُورکردنِ آن توانابیم (۱۸). پس به آن آب برای شما بوستهانهایی ازدرختان خرما وانگور بیافریدیم که برای شما درآن بوستانها میوه های بسیار پیدا شود واز آن میخورید[۲] (۱۹). وآفریدیم درختی که بیرون می‌آید ازطور سینا (یعنی درختِ زیتون) میروید بوجهی که حاصل شود روغن و خورش طعام برای خورندگان (۲۰). وهرآئینه شمارادرچهارپایان پندی هست شمارا ازآنچه درشکمهای ایشان است می‌نوشانیم وشما را درآن چهار پایان منفعت‌های بسیار است وبعضی از اینهارا می‌خورید (۲۱). وبرچهار پایان وبرکشتی‌ها سوار کرده می شوید (۲۲). وهرآئینه نوح را به سوی قوم او فرستادیم پس گفت ای قوم من خدارا عبادت کنید شمارا هیچ معبود برحقی غیراز او نیست آیا نمی ترسید (۲۳). پس سران واشرافی که ازقوم او کافربودند گفتند این شخص نیست مگر آدمی مانند شما می خواهد که برشما ریاست پیدا کند و اگر خدا خواستی هرآئینه فرشتگان را فروفرستادی این ماجرا را درپدران نخستینِ خویش نشنیده‌ایم (۲٤). این شخص نیست مگر مردی که به وی عارضهٔ دیوانگی است پس تامدتی انتظار وی کنید (۲۵). گفت ای پروردگار من درقبالِ آنکه مرا دروغگو شمردند یاری‌ام کن (۲٦). پس وحی فرستادیم به سوی وی که کشتی را زیرنظر ما وبه فرمانِ ما بساز پس چون آید فرمانِ ما وجوش زند تنور پس درکشتی ازهرجنسی دو عدد (نرو‌ماده) را درآور ودرآوراهل خود را مگرکسی ازآنان راکه وعدهٔ (حق) ازپیش براومقررشده است و سخن مگو بامن دربارهٔ آنان که ستم کرده‌اند هرآئینه ایشان غرق شدگانند (۲۷).

(۲) یعنی بطریق قُوت.

فَإِذَا ٱسْتَوَيْتَ أَنتَ وَمَن مَّعَكَ عَلَى ٱلْفُلْكِ فَقُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى نَجَّىٰنَا مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢٨﴾ وَقُل رَّبِّ أَنزِلْنِى مُنزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنتَ خَيْرُ ٱلْمُنزِلِينَ ﴿٢٩﴾ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ أَنشَأْنَا مِنۢ بَعْدِهِمْ قَرْنًا ءَاخَرِينَ ﴿٣١﴾ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ أَنِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥٓ ۖ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٣٢﴾ وَقَالَ ٱلْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَكَذَّبُوا۟ بِلِقَآءِ ٱلْءَاخِرَةِ وَأَتْرَفْنَٰهُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا مَا هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ ﴿٣٣﴾ وَلَئِنْ أَطَعْتُم بَشَرًا مِّثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذًا لَّخَٰسِرُونَ ﴿٣٤﴾ أَيَعِدُكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنتُمْ تُرَابًا وَعِظَٰمًا أَنَّكُم مُّخْرَجُونَ ﴿٣٥﴾ ۞ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ ﴿٣٦﴾ إِنْ هِىَ إِلَّا حَيَاتُنَا ٱلدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿٣٧﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُۥ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٣٨﴾ قَالَ رَبِّ ٱنصُرْنِى بِمَا كَذَّبُونِ ﴿٣٩﴾ قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَّيُصْبِحُنَّ نَٰدِمِينَ ﴿٤٠﴾ فَأَخَذَتْهُمُ ٱلصَّيْحَةُ بِٱلْحَقِّ فَجَعَلْنَٰهُمْ غُثَآءً ۚ فَبُعْدًا لِّلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤١﴾ ثُمَّ أَنشَأْنَا مِنۢ بَعْدِهِمْ قُرُونًا ءَاخَرِينَ ﴿٤٢﴾

پس چون تووهمراهانت برکشتی راست بنشینی پس بگو همهٔ ستایش آن خدای را است که مارا ازگروهِ ستمکاران نجات داد (۲۸). وبگوای پروردگارمن مرا درمنزلی مبارك فرود آور وتو بهترین فرود آورندگانی (۲۹). هرآئینه دراین ماجرا نشانه‌هااست وهرآئینه ماامتحان کنندگان بودیم (۳۰). باز بعدازایشان نسلی دیگر را بیافریدیم (۳۱). پس میانِ ایشان پیامبری را ازقبیلهٔ ایشان (بااین پیام) فرستادیم که عبادت خدا کنید شمارا هیچ معبود برحقی غیرازاو نیست آیا نمی ترسید (۳۲). ورَئیسان ازقوم او آنان که کافرشدند و ملاقات سرای آخرت را دروغ شمردند و ایشان را درزندگانی دنیا آسودگی داده بودیم گفتند نیست این شخص مگر آدمی مانند شما است می خورد ازآنچه شما ازآن می خورید ومی‌آشامد ازآنچه شما می‌آشامید (۳۳). و اگر ازبشری مانند خویش را پیروی کنید هرآئینه شما آنگاه زیان کارباشید (۳٤). آیا شمارا وعده می‌دهد که چون شما بمیرید وخاك واستخوان شوید هرآئینه شما (دوباره) بیرون آورده خواهیدشد (۳۵). آنچه وعده داده می‌شوید دوراست (۳٦). زندگانی نیست مگرزندگانی این جهانی مامی‌میریم وزنده می شویم وبرانگیخته نخواهیم شد[۳] (۳۷). نیست این شخص مگر مردی که برخدا دروغ را افترا کرده و ماتصدیق کننده او نیستیم (۳۸). گفت ای پروردگار من مرا درقبالِ آن که دروغگو شمردند نصرت ده و یاری‌ام کن (۳۹). گفت پس ازاندك زمانی پشیمان خواهند شد (٤۰). پس ایشانرا آوازسخت طِبق وعدهٔ راست در گرفت، پس ایشان را خاشاك درهم شکسته گردانیدیم پس گروه ستمکاران را دوری باد (٤۱). باز بعداز ایشان قرنهای دیگررا پیدا کردیم (٤۲).

---

(۳) یعنی بعضی می میرد وبعضی زنده می شود.

مَا تَسۡبِقُ مِنۡ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسۡتَـٔۡخِرُونَ ﴿٤٣﴾ ثُمَّ أَرۡسَلۡنَا رُسُلَنَا
تَتۡرَاۖ كُلَّ مَا جَآءَ أُمَّةٗ رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُۖ فَأَتۡبَعۡنَا بَعۡضَهُم بَعۡضٗا
وَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَحَادِيثَۚ فَبُعۡدٗا لِّقَوۡمٖ لَّا يُؤۡمِنُونَ ﴿٤٤﴾ ثُمَّ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ
وَأَخَاهُ هَٰرُونَ بِـَٔايَٰتِنَا وَسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٍ ﴿٤٥﴾ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦ
فَٱسۡتَكۡبَرُواْ وَكَانُواْ قَوۡمًا عَالِينَ ﴿٤٦﴾ فَقَالُوٓاْ أَنُؤۡمِنُ لِبَشَرَيۡنِ مِثۡلِنَا
وَقَوۡمُهُمَا لَنَا عَٰبِدُونَ ﴿٤٧﴾ فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُواْ مِنَ ٱلۡمُهۡلَكِينَ
﴿٤٨﴾ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ لَعَلَّهُمۡ يَهۡتَدُونَ ﴿٤٩﴾ وَجَعَلۡنَا
ٱبۡنَ مَرۡيَمَ وَأُمَّهُۥٓ ءَايَةٗ وَءَاوَيۡنَٰهُمَآ إِلَىٰ رَبۡوَةٖ ذَاتِ قَرَارٖ وَمَعِينٖ
﴿٥٠﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلرُّسُلُ كُلُواْ مِنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَٱعۡمَلُواْ صَٰلِحًاۖ إِنِّي بِمَا
تَعۡمَلُونَ عَلِيمٞ ﴿٥١﴾ وَإِنَّ هَٰذِهِۦٓ أُمَّتُكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَأَنَا۠ رَبُّكُمۡ
فَٱتَّقُونِ ﴿٥٢﴾ فَتَقَطَّعُوٓاْ أَمۡرَهُم بَيۡنَهُمۡ زُبُرٗاۖ كُلُّ حِزۡبِۭ بِمَا لَدَيۡهِمۡ
فَرِحُونَ ﴿٥٣﴾ فَذَرۡهُمۡ فِي غَمۡرَتِهِمۡ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٥٤﴾ أَيَحۡسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم
بِهِۦ مِن مَّالٖ وَبَنِينَ ﴿٥٥﴾ نُسَارِعُ لَهُمۡ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِۚ بَل لَّا يَشۡعُرُونَ
﴿٥٦﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ هُم مِّنۡ خَشۡيَةِ رَبِّهِم مُّشۡفِقُونَ ﴿٥٧﴾ وَٱلَّذِينَ هُم
بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ يُؤۡمِنُونَ ﴿٥٨﴾ وَٱلَّذِينَ هُم بِرَبِّهِمۡ لَا يُشۡرِكُونَ ﴿٥٩﴾

سبقت نمی‌کند هیچ گروهی ازمیعادِ مقررِ خود ونه باز پس میمانند (٤٣). باز پیامبران خودرا پی درپی فرستادیم هرگاه به امتی پیامبرِ اوآمد اورا تکذیب کردند پس بعضی را ازآنهادرپی بعضی درآوردیم (یعنی درهلاك) وامت‌هارا افسانه‌ها ساختیم پس دوری باد گروهی را که ایمان نمی آورند (٤٤). باز موسیٰ وبرادراوهارون را بانشانه های خویش وبادلیلی ظاهر فرستادیم (٤٥). به سوی فرعون وجماعت اُو پس سرکشی کردند وگروه تکبر کننده بودند (٤٦). پس گفتند آیا ایمان آوریم بدوآدمی مانند خویش درحالی که قوم ایشان خدمت گزار ماهستند (٤٧). پس ایشان را تکذیب کردند پس ازهلاك شدگان شدند (٤٨). وهرآئینه موسیٰ را کتاب دادیم باشد که ایشان راه یابند (٤٩). وپسر مریم ومادرش رانشانه‌ای ساختیم وایشان را به زمینی بلند دارای استقرار ودارای آبِ روان جای دادیم (٥٠). گفتیم ای پیامبران بخورید از غذاهای پاکیزه وکار نیکو انجام دهید هرآئینه من به آنچه عمل می کنید دانایم (٥١). وهرآئینه این است ملت شما ملت یکتا ومن پروردگار شمایم پس ازمن بترسید (٥٢). پس امتان کارخود را درمیان خویش پاره پاره متفرق ساختند هرگروهی به آنچه نزد اوست شادمان است (٥٣). پس تامدتی ایشان را درغفلت ایشان بگذار (٥٤). آیا می پندارند که آنچه ایشان را به آن ازمال وفرزندان امداد می کنیم (٥٥). برای ایشان درتلاش نیکیهاییم؟ (چنین نیست) بلکه نمی‌دانند[٤] (٥٦). هرآئینه آنان که ایشان از ترس پروردگار خویش هراسانند (٥٧). وآنان که ایشان به آیاتِ پروردگار خویش ایمان می آورند (٥٨). وآنانکه ایشان به پروردگار خویش شریك مقرر نمی‌کنند(٥٩).

(٤) یعنی نعمت نیست بلکه استدراج است.

وَٱلَّذِينَ يُؤْتُونَ مَآ ءَاتَواْ وَّقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَٰجِعُونَ ﴿٦٠﴾ أُوْلَٰٓئِكَ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلْخَيْرَٰتِ وَهُمْ لَهَا سَٰبِقُونَ ﴿٦١﴾ وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَاۖ وَلَدَيْنَا كِتَٰبٌ يَنطِقُ بِٱلْحَقِّۚ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٢﴾ بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَٰذَا وَلَهُمْ أَعْمَٰلٌ مِّن دُونِ ذَٰلِكَ هُمْ لَهَا عَٰمِلُونَ ﴿٦٣﴾ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِٱلْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْـَٔرُونَ ﴿٦٤﴾ لَا تَجْـَٔرُواْ ٱلْيَوْمَۖ إِنَّكُم مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ ﴿٦٥﴾ قَدْ كَانَتْ ءَايَٰتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنتُمْ عَلَىٰٓ أَعْقَٰبِكُمْ تَنكِصُونَ ﴿٦٦﴾ مُسْتَكْبِرِينَ بِهِۦ سَٰمِرًا تَهْجُرُونَ ﴿٦٧﴾ أَفَلَمْ يَدَّبَّرُواْ ٱلْقَوْلَ أَمْ جَآءَهُم مَّا لَمْ يَأْتِ ءَابَآءَهُمُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٦٨﴾ أَمْ لَمْ يَعْرِفُواْ رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُۥ مُنكِرُونَ ﴿٦٩﴾ أَمْ يَقُولُونَ بِهِۦ جِنَّةُۢۚ بَلْ جَآءَهُم بِٱلْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَٰرِهُونَ ﴿٧٠﴾ وَلَوِ ٱتَّبَعَ ٱلْحَقُّ أَهْوَآءَهُمْ لَفَسَدَتِ ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّۚ بَلْ أَتَيْنَٰهُم بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِم مُّعْرِضُونَ ﴿٧١﴾ أَمْ تَسْـَٔلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌۖ وَهُوَ خَيْرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ﴿٧٢﴾ وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٧٣﴾ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْأٓخِرَةِ عَنِ ٱلصِّرَٰطِ لَنَٰكِبُونَ ﴿٧٤﴾

وآنان که میدهند آنچه میدهند و دلهای ایشان ترسانست برای آنکه ایشان به سوی پروردگارخویش بازخواهندگشت (۶۰). این جماعت درنیکی‌هابه شتاب می کوشند وایشان درانجام آنها سبقت کننده‌اند (۶۱). وتکلیف نمیدهیم هیچ کس را مگر بقدر طاقت او ونزد ماکتابیست که سخن گوید به راستی[۵] وبرایشان ستم کرده نشود (۶۲). بلکه دل های ایشان ازین سخن درغفلت است وبرای ایشان عملهاست غیر[۶] ازاین که ایشان آن را کننده اند (درغفلت خویش مانند) (۶۳). تاوقتیکه چون آسودگان ایشان را بعذاب گرفتارساختیم ناگهان ایشان فریاد می کردند (۶۴). (گفتیم) فریاد مکنید امروز هرآئینه شما ازسوی مایاری وکمك داده نمیشوید (۶۵). به راستی خوانده می‌شدآیاتِ من برشما پس شما برپاشنه‌های خود بازمی‌گشتید (۶۶). درحالی که تکبر کنان برآن قرآن با فسانه مشغول شده ترك می‌کردید (۶۷). آیا تأمل نکرده‌اند دراین سخن یا آمده است به ایشان آنچه به پدران نخستین ایشان نیامده بود (۶۸). آیاپیامبر خودرا نشناختند پس ایشان بااو ناآشنا هستند (۶۹). آیا میگویند به وی دیوانگی‌ای هست بلکه پیش ایشان سخن راست را آورده است وبیشترین ایشان خواهان حق نیستند (۷۰). و اگر خدای تعالی آرزوهای ایشان را پیروی می‌کرد هرآئینه نظام آسمانهاوزمین وهرکسی که درآنهااست دَرهَم می ریخت بلکه آوردیم برای ایشان پند ایشان را پس ایشان ازپند خویش رویگردانند (۷۱). آیا ازایشان مزدی میخواهی پس پاداش پروردگار تو بهتراست واو بهترینِ روزی دهندگانست (۷۲). و هرآئینه تو ایشان را به سوی راه راست می خوانی (۷۳). وهرآئینه آنانکه به آخرت ایمان نمی‌آورند ازآن راه یکسوشونده‌اند (۷۴).

---

(۵) یعنی نامهٔ اعمال.
(۶) یعنی غیر انکار قرآن.

۞ وَلَوۡ رَحِمۡنَٰهُمۡ وَكَشَفۡنَا مَا بِهِم مِّن ضُرّٖ لَّلَجُّواْ فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ
يَعۡمَهُونَ ﴿٧٥﴾ وَلَقَدۡ أَخَذۡنَٰهُم بِٱلۡعَذَابِ فَمَا ٱسۡتَكَانُواْ لِرَبِّهِمۡ
وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ﴿٧٦﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا فَتَحۡنَا عَلَيۡهِم بَابٗا ذَا عَذَابٖ شَدِيدٍ
إِذَا هُمۡ فِيهِ مُبۡلِسُونَ ﴿٧٧﴾ وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنشَأَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ
وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَۚ قَلِيلٗا مَّا تَشۡكُرُونَ ﴿٧٨﴾ وَهُوَ ٱلَّذِي ذَرَأَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ
وَإِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ ﴿٧٩﴾ وَهُوَ ٱلَّذِي يُحۡيِۦ وَيُمِيتُ وَلَهُ ٱخۡتِلَٰفُ
ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ﴿٨٠﴾ بَلۡ قَالُواْ مِثۡلَ مَا قَالَ
ٱلۡأَوَّلُونَ ﴿٨١﴾ قَالُوٓاْ أَءِذَا مِتۡنَا وَكُنَّا تُرَابٗا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا
لَمَبۡعُوثُونَ ﴿٨٢﴾ لَقَدۡ وُعِدۡنَا نَحۡنُ وَءَابَآؤُنَا هَٰذَا مِن قَبۡلُ
إِنۡ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿٨٣﴾ قُل لِّمَنِ ٱلۡأَرۡضُ وَمَن
فِيهَآ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ﴿٨٤﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ أَفَلَا
تَذَكَّرُونَ ﴿٨٥﴾ قُلۡ مَن رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ ٱلسَّبۡعِ وَرَبُّ ٱلۡعَرۡشِ
ٱلۡعَظِيمِ ﴿٨٦﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٨٧﴾ قُلۡ مَنۢ
بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيۡءٖ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيۡهِ إِن
كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ﴿٨٨﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ فَأَنَّىٰ تُسۡحَرُونَ ﴿٨٩﴾

واگر برایشان رحم می کردیم وآنچه به ایشان است ازسختی برمیداشتیم البته پیوسته دربیراهی خود سرگشته می شدند (۷۵). وبه راستی ایشان را به عذاب گرفتار کردیم پس نیایش به پروردگار خود نکردند و نه زاری می‌کردند (۷٦). (درغفلت خویش ماندند) تاوقتیکه چون برایشان دری دارای عذاب سخت بگشادیم ناگهان ایشان درآنجا ناامید شوندگانند (۷۷). واوست آنکه برای شماشنوایی ودیده‌ها ودل‌هارا بیافرید، اندکی سپاس می‌گزارید (۷۸). واوست آنکه شمارا درزمین پیدا کرد وبه سوی اوبرانگیخته خواهید شد (۷۹). واوست آنکه زنده می‌کند ومی میراند و آمدورفت شب و روز به فرمان اوست آیا نمی فهمید (۸۰). بلکه گفتند مانند آنچه پیشینیان گفته بودند (۸۱). گفتند آیاچون بمیریم وخاك واستخوانهایی شویم آیا ما برانگیخته خواهیم شد (۸۲). به راستی به این سخن مارا وپدران مارا پیش ازین وعده داده شد این نیست مگر افسانه‌های پیشینیان (۸۳). بگو اگر می‌دانید زمین وآنچه درآنست از آنِ کیستند؟! (۸٤). خواهند گفت این همه خدای را است بگو آیا پندپذیرنمی‌شوید (۸۵). بگوکیست پروردگار آسمانهای هفت‌گانه و پروردگار عرش بزرگ؟ (۸٦). خواهند گفت (این همه) خدای را است بگوآیاپس نمی‌ترسید (۸۷). بگوکیست آنکه پادشاهی هرچیز به دست اوست واو کسی است که پناه می دهد (هرکه رابخواهد) وکسی را (نمیتوان) از (عذاب) او پناه داد (بگویید) اگر می‌دانید (۸۸). خواهند گفت این همه ازآنِ خدا است بگو پس ازکجا فریب داده می‌شوید؟ (۸۹).

بَلْ أَتَيْنَٰهُم بِٱلْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَٰذِبُونَ ﴿٩٠﴾ مَا ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ مِن
وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُۥ مِنْ إِلَٰهٍۚ إِذًا لَّذَهَبَ كُلُّ إِلَٰهِۭ بِمَا خَلَقَ
وَلَعَلَا بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍۚ سُبْحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٩١﴾
عَٰلِمِ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٩٢﴾ قُل رَّبِّ
إِمَّا تُرِيَنِّى مَا يُوعَدُونَ ﴿٩٣﴾ رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِى فِى ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ
﴿٩٤﴾ وَإِنَّا عَلَىٰٓ أَن نُّرِيَكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَٰدِرُونَ ﴿٩٥﴾ ٱدْفَعْ بِٱلَّتِى
هِىَ أَحْسَنُ ٱلسَّيِّئَةَۚ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ﴿٩٦﴾ وَقُل رَّبِّ
أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَٰتِ ٱلشَّيَٰطِينِ ﴿٩٧﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن
يَحْضُرُونِ ﴿٩٨﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَحَدَهُمُ ٱلْمَوْتُ قَالَ رَبِّ
ٱرْجِعُونِ ﴿٩٩﴾ لَعَلِّىٓ أَعْمَلُ صَٰلِحًا فِيمَا تَرَكْتُۚ كَلَّآۚ إِنَّهَا
كَلِمَةٌ هُوَ قَآئِلُهَاۖ وَمِن وَرَآئِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٠٠﴾
فَإِذَا نُفِخَ فِى ٱلصُّورِ فَلَآ أَنسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَآءَلُونَ
﴿١٠١﴾ فَمَن ثَقُلَتْ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٢﴾ وَمَنْ
خَفَّتْ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ فِى جَهَنَّمَ
خَٰلِدُونَ ﴿١٠٣﴾ تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ ٱلنَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَٰلِحُونَ ﴿١٠٤﴾

بلکه به ایشان سخن راست را آورده ایم وهرآئینه ایشان دروغ می‌گویند (۹۰). خدا هیچ فرزندی نگرفته است و همراه اوهیچ معبود برحقی نیست (اگرباشد) آنگاه هرمعبودی چیزی که آفریده بود می بُرد والبته غالب می آمد بعضی از ایشان بربعضی، خدای را بپاکی صفت می‌کنم ازآنچه بیان می‌کنند (۹۱). داننده ٔ پنهان وآشکار است برترست ازآنچه شريك می آورند (۹۲). بگوای پروردگار من اگربنمایی مرا آنچه ترسانیده می شوند (۹۳). ای پروردگار من پس مرا درگروه ستمکاران داخل مکن (۹٤). وهرآئینه ما برآنکه تورا آنچه وعده می دهیم به ایشان بنماییم قطعا تواناییم (۹٥). وبدی را بخصلتی که آن بهتراست دفع کن ما به آنچه بیان می‌کنند داناتریم (۹٦). وبگو(یا محمد) ای پروردگارمن از وسوسه های شیاطین برتو پناه می‌برم (۹۷). و ای پروردگارم ازآنکه پیش من حاضر شوند به توپناه می‌برم (۹۸). (درغفلت خویش باشند) تاوقتیکه چون کسی را ازایشان مرگ بیاید گوید ای پروردگار من مرا بازگردانید (۹۹). تااین که کار نیکو کنم درسرایی که بگذاشتمش نه چنین باشد هرآئینه این سخنی است که وی گوینده آنست و پیش ایشان تاروزیکه برانگیخته شوند حجابی باشد (۱۰۰). پس چون دمیده شود در صور پس خویشاوندیها میان ایشان آن روز نباشد و نه بایکدیگر سوال وجواب کنند (۱۰۱). پس هرکس که کفه‌های ترازوی او گران آید پس آن جماعت ایشانند رستگاران (۱۰۲). وهرکسی که کفه‌های ترازوی او سبك شد پس آن جماعت آنانند که به خودشان زیان کرده‌اند که دردوزخ جاویدانند (۱۰۳). چهره های ایشان را آتش می سوزاند وایشان آنجا ترش روی هستند (۱۰٤).

أَلَمۡ تَكُنۡ ءَايَٰتِي تُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ فَكُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿١٠٥﴾ قَالُواْ رَبَّنَا غَلَبَتۡ عَلَيۡنَا شِقۡوَتُنَا وَكُنَّا قَوۡمٗا ضَآلِّينَ ﴿١٠٦﴾ رَبَّنَآ أَخۡرِجۡنَا مِنۡهَا فَإِنۡ عُدۡنَا فَإِنَّا ظَٰلِمُونَ ﴿١٠٧﴾ قَالَ ٱخۡسَـُٔواْ فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ ﴿١٠٨﴾ إِنَّهُۥ كَانَ فَرِيقٞ مِّنۡ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ﴿١٠٩﴾ فَٱتَّخَذۡتُمُوهُمۡ سِخۡرِيًّا حَتَّىٰٓ أَنسَوۡكُمۡ ذِكۡرِي وَكُنتُم مِّنۡهُمۡ تَضۡحَكُونَ ﴿١١٠﴾ إِنِّي جَزَيۡتُهُمُ ٱلۡيَوۡمَ بِمَا صَبَرُوٓاْ أَنَّهُمۡ هُمُ ٱلۡفَآئِزُونَ ﴿١١١﴾ قَٰلَ كَمۡ لَبِثۡتُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ عَدَدَ سِنِينَ ﴿١١٢﴾ قَالُواْ لَبِثۡنَا يَوۡمًا أَوۡ بَعۡضَ يَوۡمٖ فَسۡـَٔلِ ٱلۡعَآدِّينَ ﴿١١٣﴾ قَٰلَ إِن لَّبِثۡتُمۡ إِلَّا قَلِيلٗاۖ لَّوۡ أَنَّكُمۡ كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ﴿١١٤﴾ أَفَحَسِبۡتُمۡ أَنَّمَا خَلَقۡنَٰكُمۡ عَبَثٗا وَأَنَّكُمۡ إِلَيۡنَا لَا تُرۡجَعُونَ ﴿١١٥﴾ فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡحَقُّۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡكَرِيمِ ﴿١١٦﴾ وَمَن يَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ لَا بُرۡهَٰنَ لَهُۥ بِهِۦ فَإِنَّمَا حِسَابُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦٓۚ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ﴿١١٧﴾ وَقُل رَّبِّ ٱغۡفِرۡ وَٱرۡحَمۡ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ﴿١١٨﴾

سُورَةُ النُّورِ

(گویم) آیا برشما خوانده نمی‌شد آیاتِ من پس آن را تکذیب می کردید (۱۰۵). گفتند ای پروردگارما برما بدبختیِ ما غالب آمد و گروهی گمراه بودیم (۱۰٦). ای پروردگار ما بیرون آورمارا ازاینجاپس اگر به کفر برگردیم پس هرآئینه ماستمکار باشیم (۱۰۷). خدا می فرماید داخل شویددرآن به رسوایی و بامن سخن مگویید (۱۰۸). هرآئینه گروهی ازبندگان بودند که می‌گفتند ای پروردگارما ایمان آورده‌ایم پس مارابیامرز وبرمارحمت کن وتو بهترین بخشایندگانی (۱۰۹). پس به مسخره گرفتید ایشان را تاحدیکه یاد مراازدل شما بردند وشما برایشان میخندیدید (۱۱۰). هرآئینه من ایشان را امروز دربرابر صبر ایشان پاداش دادم به آنکه به مراد رسندگان ایشانند (۱۱۱). خدا گوید چقدر درزمین بحساب شمار سالها درنگ کردید؟ (۱۱۲). گویند یك روزیا بخشی از روز درنگ کردیم پس بپرس از شمارکنندگان (۱۱۳). گوید خدا توقف نکرده‌اید مگراندکی اگرشما بودیدکه می‌دانستید (۱۱٤). آیا پنداشتید که شمارا بیهوده آفریدیم وآنکه شما به سوی ما باز گردانیده نشوید (۱۱۵). پس برتراست خدا، پادشاه ثابت هیچ معبود برحقی غیرازاو نیست پروردگار عرش گرامی قدر است (۱۱٦). هرکس که بخواند باخدا معبودِ دیگری را که وی را برثبوت آن (معبود) هیچ حجتی نیست پس جزاین نیست که حساب او نزد پروردگار اوست، هرآئینه کافران رستگار نمی‌شوند (۱۱۷). وبگوای پروردگار من بیامرز وببخشای وتو بهترین بخشایندگانی (۱۱۸).

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

سُورَةٌ أَنزَلْنَٰهَا وَفَرَضْنَٰهَا وَأَنزَلْنَا فِيهَآ ءَايَٰتٍۭ بَيِّنَٰتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ
﴿١﴾ ٱلزَّانِيَةُ وَٱلزَّانِى فَٱجْلِدُوا۟ كُلَّ وَٰحِدٍ مِّنْهُمَا مِا۟ئَةَ جَلْدَةٍ ۖ وَلَا تَأْخُذْكُم
بِهِمَا رَأْفَةٌ فِى دِينِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ ۖ وَلْيَشْهَدْ
عَذَابَهُمَا طَآئِفَةٌ مِّنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾ ٱلزَّانِى لَا يَنكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً
وَٱلزَّانِيَةُ لَا يَنكِحُهَآ إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ ۚ وَحُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ
﴿٣﴾ وَٱلَّذِينَ يَرْمُونَ ٱلْمُحْصَنَٰتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا۟ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَآءَ
فَٱجْلِدُوهُمْ ثَمَٰنِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا۟ لَهُمْ شَهَٰدَةً أَبَدًا ۚ وَأُو۟لَٰٓئِكَ
هُمُ ٱلْفَٰسِقُونَ ﴿٤﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُوا۟ مِنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا۟ فَإِنَّ
ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٥﴾ وَٱلَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَٰجَهُمْ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ
شُهَدَآءُ إِلَّآ أَنفُسُهُمْ فَشَهَٰدَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَٰدَٰتٍۭ بِٱللَّهِ ۙ إِنَّهُۥ لَمِنَ
ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٦﴾ وَٱلْخَٰمِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ ٱللَّهِ عَلَيْهِ إِن كَانَ مِنَ ٱلْكَٰذِبِينَ
﴿٧﴾ وَيَدْرَؤُا۟ عَنْهَا ٱلْعَذَابَ أَن تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَٰدَٰتٍۭ بِٱللَّهِ ۙ إِنَّهُۥ لَمِنَ
ٱلْكَٰذِبِينَ ﴿٨﴾ وَٱلْخَٰمِسَةَ أَنَّ غَضَبَ ٱللَّهِ عَلَيْهَآ إِن كَانَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ
﴿٩﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُۥ وَأَنَّ ٱللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ ﴿١٠﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

این سوره ایست که آنرا فروفرستادیم وآنرا فرض ساختیم و درآن آیاتِ روشن فرودآوردیم تااین که شما پندگیرید (۱). زن زنا کننده ومرد زنا کننده پس هریکی ازایشان را صد دُرَّه (شلاّق) بزنید وباید که شمارا برایشان شفقت درجاری کردن شرع خدا درنگیرد اگر به خدا وروز آخر ایمان آورده اید وباید که جماعتی از مسلمانان به عقوبت ایشان حاضر شوند (۲). مرد زنا کننده نکاح نمی کند مگر زن زنا کننده یا شرك آورنده را وزن زنا کننده رابزنی نمی گیرد مگر مرد زناکننده یا مشرك وحرام ساخته شده نکاح زانیه برمسلمانان [1] (۳). آنان که تهمت زنا می زنند زنانِ پرهیزگاررا باز چهار گواه نمی آورند ایشان را هشتاد دُرّه (شلاّق) بزنید و گواهی ایشان را هیچ گاه قبول مکنید واین جماعت فاسقان ایشانند (٤). مگر آنانکه توبه کردند بعد ازاین و کارِ خود را به صلاح آوردند پس هرآئینه خدا آمرزندهٔ مهربان است (٥). وآنانکه زنانِ خودرا تهمت زنا می‌زنند وایشان را مگر نفسهایشان گواهان نباشد پس گواهی هریکی ازایشان (این) است که چهار بار به نام خدا سوگند یادکند که هرآئینه وی ازراست گویان است (٦). وگواهی پنجم (به این صفت) که لعنت خدا براوباد اگرازدروغ گویان باشد (۷). وبازمی‌گرداند ازآن زن عقوبت را آنکه گواهی دهد چهار بار که سوگند به خدا هرآئینه وی (شوهرش) ازدروغ گویان است (۸). (وگواهی دهد) بار پنجم (به این صفت) که خشمِ خدا براو باد اگر (شوهرش) ازراست گویان باشد (۹). واگر فضل خدا ورحمت او برشما نمی بود وآنکه خدا توبه پذیرندهٔ باحکمت است (چه چیزها که نمی شد) [2] (۱۰).

---

(۱) مترجم گوید ازین آیه معلوم شد که زانیه مقّره به زنا را نکاح نتوان کرد وهمین است مذهب أحمد و تاویل آیه نزد ابی حنیفه و شافعی آنست که حرام کرده شد شرك وزنا برمسلمانان یاگویند خاص است به قومی یاگویند منسوخ است.

(۲) مترجم گوید درغزوه بنی مصطلق حضرت عائشه رضی الله عنها متهم شده ومنافقان دراشاعت بد نامی سعی کردند جماعتی اظهار براءت نمودند وجماعتی توقف نمودند خدای تعالی براءت صدیقه را نازل فرمود وذمِ منافقان ومدح براءت کنندگان وتهدید توقف کنندگان بیان فرمود.

إِنَّ ٱلَّذِينَ جَآءُو بِٱلْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ ٱمْرِئٍ مِّنْهُم مَّا ٱكْتَسَبَ مِنَ ٱلْإِثْمِ وَٱلَّذِى تَوَلَّىٰ كِبْرَهُۥ مِنْهُمْ لَهُۥ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١﴾ لَّوْلَآ إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ ٱلْمُؤْمِنُونَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا۟ هَٰذَآ إِفْكٌ مُّبِينٌ ﴿١٢﴾ لَّوْلَا جَآءُو عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَآءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا۟ بِٱلشُّهَدَآءِ فَأُو۟لَٰٓئِكَ عِندَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلْكَٰذِبُونَ ﴿١٣﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُۥ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِى مَآ أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٤﴾ إِذْ تَلَقَّوْنَهُۥ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُم مَّا لَيْسَ لَكُم بِهِۦ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُۥ هَيِّنًا وَهُوَ عِندَ ٱللَّهِ عَظِيمٌ ﴿١٥﴾ وَلَوْلَآ إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُم مَّا يَكُونُ لَنَآ أَن نَّتَكَلَّمَ بِهَٰذَا سُبْحَٰنَكَ هَٰذَا بُهْتَٰنٌ عَظِيمٌ ﴿١٦﴾ يَعِظُكُمُ ٱللَّهُ أَن تَعُودُوا۟ لِمِثْلِهِۦٓ أَبَدًا إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١٧﴾ وَيُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلْءَايَٰتِ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٨﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ ٱلْفَٰحِشَةُ فِى ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٩﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُۥ وَأَنَّ ٱللَّهَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٠﴾

هرآئینه آنانکه ازشما تهمت را آوردند جماعتی اند این تهمت را درحق خویش بد مپندارید بلکه آن برای شما بهتراست هرکسی را ازایشان ازگناه که مرتکب شده است سهمی است وآنکه دامَن آن تهمت را ازایشان زد اورا عذاب بزرگ [۳] است (۱۱). چرا نشد که مردان مسلمان وزنان مسلمان چون آن را شنیدید گمان نیك درحق خویش می کردند ومی‌گفتند این افترائیست ظاهر (۱۲). چرا براین سخن چهار گواه نیاوردند پس چون گواهان را نیاوردند پس آن جماعت نزد خدا ایشان دروغ گویانند (۱۳). واگر فضل خدا ورحمت او دردنیا و آخرت برشما نمی بود هرآئینه به شما درآنچه که سخن می گفتید دربارهٔ آن عذاب بزرگی میرسید (۱٤). چون آن را به زبانهای خویش فرامی‌گرفتید و به دهان‌های خویش می گفتند سخنی که به حقیقت آن شمارا دانش نبود و آن را آسان می‌پنداشتید واو نزدِ خدابزرگ بود [٤](۱۵). وچرا وقتیکه آن را شنیدید گفتید ما را نَرسدکه آن (سخن) رابرزبان آوریم تورا به پاکی یاد می کنیم خدایا این سخن افترائیست بزرگ (۱٦). خداشماراپند می‌دهد باز مانند این هرگز بعمل نیاورید اگرمسلمان هستید (۱۷). وخدابرای شما آیات را بیان می کند وخدا دانای باحکمت است (۱۸). هرآئینه آنان که دوست می‌دارند که فاحشه درمیان مسلمانان منتشر شود برایشان عقوبت دردناك دردنیا وآخرت است وخدامی‌داند وشما نمی دانید (۱۹). واگر فضل خدا و رحمت اوبرشما نمی بود وآنکه خدا بخشندهٔ مهربانست (چه چیزها که نمی شد) (۲۰).

---

(۳) یعنی عبدالله بن أُبیّ منافق.

(٤) یعنی جمعی که می گفتند فلان وفلان چنین میگویند وما ندیده‌ایم وبه تحقیق نمی دانیم.

۞ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ وَمَن يَتَّبِعۡ
خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِ فَإِنَّهُۥ يَأۡمُرُ بِٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِۚ وَلَوۡلَا
فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ مَا زَكَىٰ مِنكُم مِّنۡ أَحَدٍ أَبَدٗا وَلَٰكِنَّ
ٱللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ٢١ وَلَا يَأۡتَلِ أُوْلُواْ ٱلۡفَضۡلِ
مِنكُمۡ وَٱلسَّعَةِ أَن يُؤۡتُوٓاْ أُوْلِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينَ وَٱلۡمُهَٰجِرِينَ
فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۖ وَلۡيَعۡفُواْ وَلۡيَصۡفَحُوٓاْۗ أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ
لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ٢٢ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَرۡمُونَ ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ
ٱلۡغَٰفِلَٰتِ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ لُعِنُواْ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَلَهُمۡ عَذَابٌ
عَظِيمٞ ٢٣ يَوۡمَ تَشۡهَدُ عَلَيۡهِمۡ أَلۡسِنَتُهُمۡ وَأَيۡدِيهِمۡ وَأَرۡجُلُهُم بِمَا
كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٢٤ يَوۡمَئِذٖ يُوَفِّيهِمُ ٱللَّهُ دِينَهُمُ ٱلۡحَقَّ وَيَعۡلَمُونَ أَنَّ
ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ ٱلۡمُبِينُ ٢٥ ٱلۡخَبِيثَٰتُ لِلۡخَبِيثِينَ وَٱلۡخَبِيثُونَ
لِلۡخَبِيثَٰتِۖ وَٱلطَّيِّبَٰتُ لِلطَّيِّبِينَ وَٱلطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَٰتِۚ
أُوْلَٰٓئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَۖ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ ٢٦ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَدۡخُلُواْ بُيُوتًا غَيۡرَ بُيُوتِكُمۡ حَتَّىٰ تَسۡتَأۡنِسُواْ
وَتُسَلِّمُواْ عَلَىٰٓ أَهۡلِهَاۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ٢٧

ای مسلمانان ازپی گامهای شیطان مروید وهرکه پیروی گامهای شیطان کند پس هرآئینه وی به بی حیایی وکارناپسندیده امرمی‌کند واگر فضل خدا و رحمت او برشما نمی‌بود هیچ کسی ازشما هرگز پاك نشدی ولیکن خدا پاك می سازد هرکه راخواهد وخدا شنوای داناست (۲۱). وباید که صاحبانِ فضل وتوانگر ازشما سوگند نخورند برآنکه خویشاوندان وبینوایان ومهاجرین درراه خدا را چیزی ندهند وباید که عفوکنند و درگذرند آیا دوست نمی دارید که خداشمارا بیامرزد وخدا آمرزندهٔ مهربان است [٥] (۲۲). هرآئینه آنان که زنان پاك دامنِ بي خبرِ مسلمان را تهمت زنا می‌زنند دردنیا وآخرت لعنت کرده شدند وبرایشان عذابِ بزرگ است (۲۳). روزیکه برایشان زبانهای ایشان ودست‌های ایشان وپاهای ایشان به آنچه می کردند گواهی می‌دهند (٢٤). آن روز خدای تعالی به ایشان پاداش ایشان را با انصاف به تمام وکمال می‌دهد وبدانند که خدا او حقّ ظاهراست (٢٥). زنانِ ناپاك لایق به مردان ناپاك هستند ومردانِ ناپاك لایق به زنانِ ناپاك هستند وزنان پاك لایق به مردانِ پاك هستند ومردانِ پاك لایق به زنانِ پاك هستند، این جماعت ازآنچه مردم می گویند بری هستند برایشان آمرزش وروزیِ نیکو است (٢٦). ای مسلمانان به خانه هایی غیر خانه های خویش درنیایید تاآنکه اجازه طلبید و براهل آن سلام کنید این برای شما بهتراست باشدکه پندپذیرشوید (۲۷).

(٥) درین تعریض است به ابوبکرصدیق چون قسم خورده بود که مِسطَح را بعدازاین هیچ ندهد چون وی یکی ازدشنام دهندگان بود.

فَإِن لَّمْ تَجِدُوا۟ فِيهَآ أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ ۖ
وَإِن قِيلَ لَكُمُ ٱرْجِعُوا۟ فَٱرْجِعُوا۟ ۖ هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ ۚ وَٱللَّهُ بِمَا
تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨﴾ لَّيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَدْخُلُوا۟ بُيُوتًا
غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَٰعٌ لَّكُمْ ۚ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا
تَكْتُمُونَ ﴿٢٩﴾ قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا۟ مِنْ أَبْصَٰرِهِمْ وَيَحْفَظُوا۟
فُرُوجَهُمْ ۚ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرٌۢ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿٣٠﴾
وَقُل لِّلْمُؤْمِنَٰتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَٰرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ
فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا ۖ وَلْيَضْرِبْنَ
بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ ۖ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ
أَوْ ءَابَآئِهِنَّ أَوْ ءَابَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَآئِهِنَّ أَوْ أَبْنَآءِ بُعُولَتِهِنَّ
أَوْ إِخْوَٰنِهِنَّ أَوْ بَنِىٓ إِخْوَٰنِهِنَّ أَوْ بَنِىٓ أَخَوَٰتِهِنَّ أَوْ نِسَآئِهِنَّ
أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُنَّ أَوِ ٱلتَّٰبِعِينَ غَيْرِ أُو۟لِى ٱلْإِرْبَةِ مِنَ
ٱلرِّجَالِ أَوِ ٱلطِّفْلِ ٱلَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا۟ عَلَىٰ عَوْرَٰتِ ٱلنِّسَآءِ ۖ
وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ ۚ وَتُوبُوٓا۟
إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٣١﴾

پس اگر درآنجا هیچ کس را نیافتیدپس در آنجا داخل نشوید تاآنکه شمارا اجازه داده شود واگر به شما گفته شود که باز گردید پس بازگردید آن برای شما پاك تراست وخدابه آنچه عمل می کنید داناست (٢٨). برشما گناهی نیست درآنکه به خانه هایی غیرمسکونی که درآنجا کالایی دارید درآیید [٦] وخدا آنچه راکه آشکار می کنید وآنچه که پوشیده می دارید می داند (٢٩). بگو به مردان مسلمان که چشم های خودرا بپوشند و شرمگاه های خود را نگاه دارند این ایشان را پاکیزه تراست هرآئینه به آنچه عمل می کنند خداخبرداراست (٣٠). وبگو زنان مسلمان را که چشم های خودرا بپوشند و شرمگاه های خودرا نگاه دارند و آرایش خودرا آشکارنکنند [٧] مگرآنچه ظاهر است ازآن (مواضع) وباید که فروگذارند چادرهای خودرا برگریبانهای خود و آرایش خودرا مگر برشوهران خویش (ظاهر) ننمایند یا پدرانِ خویش یاپدرانِ شوهران خویش یاپسران خویش یا پسران شوهران خویش یا برادران خویش یا پسران برادران خویش یا پسران خواهران خویش یا زنان خویش یا آنچه مالك اوشده است دستهای ایشان (یعنی غلامان) یا کهنسالانی که صاحب شهوت نباشند از مردان یا طفلانی که هنوز مطلع نشده‌اند برشرمگاه های زنان ونباید زمین را باپاهایشان بزنند تادانسته شود آنچه اززیورخویش پنهان می‌کنند ای مسلمانان همگی به سوی خدارجوع کنید بُوَدکه رستگارشوید [٨] (٣١).

(٦) یعنی رباط وقف.

(٧) یعنی مواضع زیور را.

(٨) حاصل این آیه آنست که مواضع زینت دوقسم است آنچه درسترآن حرج بودوآنوجه وکفین بود وآنچه درسترآن حرج نیست مانند سروگردن وعضد وذراع وساق پس ستروجه وکفین ازاجنبیان فرض نیست بلکه سنت است وسترغیرآن ازاجنبیان فرض است نه ازمحارم، قول صحیح نزد علماء همین است که وجه جزء مهم است که زن ازآن مردرادر فتنه می اندازدباید که بپوشند چنانچه درحدیث عائشة رضی الله عنها وغیرازاو آمده است مراجعه شود به تفسیر ابن کثیر (٣/ ٢٨٤).

وَأَنكِحُوا۟ ٱلْأَيَـٰمَىٰ مِنكُمْ وَٱلصَّـٰلِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَآئِكُمْ ۚ إِن
يَكُونُوا۟ فُقَرَآءَ يُغْنِهِمُ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ ۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٣٢﴾
وَلْيَسْتَعْفِفِ ٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ ۗ
وَٱلَّذِينَ يَبْتَغُونَ ٱلْكِتَـٰبَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَـٰنُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ
عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا ۖ وَءَاتُوهُم مِّن مَّالِ ٱللَّهِ ٱلَّذِىٓ ءَاتَىٰكُمْ ۚ وَلَا تُكْرِهُوا۟
فَتَيَـٰتِكُمْ عَلَى ٱلْبِغَآءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا۟ عَرَضَ ٱلْحَيَوٰةِ
ٱلدُّنْيَا ۚ وَمَن يُكْرِههُّنَّ فَإِنَّ ٱللَّهَ مِنۢ بَعْدِ إِكْرَٰهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٣٣﴾
وَلَقَدْ أَنزَلْنَآ إِلَيْكُمْ ءَايَـٰتٍ مُّبَيِّنَـٰتٍ وَمَثَلًا مِّنَ ٱلَّذِينَ خَلَوْا۟
مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٣٤﴾ ۞ ٱللَّهُ نُورُ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ
مَثَلُ نُورِهِۦ كَمِشْكَوٰةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ ۖ ٱلْمِصْبَاحُ فِى زُجَاجَةٍ ۖ
ٱلزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّىٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَـٰرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ
لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِىٓءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ ۚ
نُّورٌ عَلَىٰ نُورٍ ۗ يَهْدِى ٱللَّهُ لِنُورِهِۦ مَن يَشَآءُ ۚ وَيَضْرِبُ ٱللَّهُ ٱلْأَمْثَـٰلَ
لِلنَّاسِ ۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ ﴿٣٥﴾ فِى بُيُوتٍ أَذِنَ ٱللَّهُ أَن تُرْفَعَ
وَيُذْكَرَ فِيهَا ٱسْمُهُۥ يُسَبِّحُ لَهُۥ فِيهَا بِٱلْغُدُوِّ وَٱلْـَٔاصَالِ ﴿٣٦﴾

ربع الحزب ٣٦

وبه زنان بی شوهر (مردان بی زن آزاد مسلمان را) ازقوم خویش وشایستگان را از غلامان خویش وکنیزان خویش به ازدواج یك دیگر در آورید اگر فقیر باشند خدا ازفضل خود ایشان راتوانگرکند وخدا بسیاردهندهٔ داناست (٣٢). وآنانکه اسباب نکاح نمی یابند باید که بر پاکدامنی مقید باشند تاآنکه خدااز فضل خویش ایشان را توانگرکند وآنانکه مکاتبت رااز غلامانی که دست های شما مالك آن شده است می طلبند پس آنهارا اگر درایشان شایستگی بدانید مکاتَب کنید ومکاتبان را ازمال خدا که به شما ارزانی داشته است بدهید و کنیزکان خودرا برزنا اجبار مکنید اگرایشان پرهیزکاری خواهند تامتاع زندگانی دنیا بدست آورید و هرکه ایشان را اجبارکند پس هرآئینه خدا(آن کنیزکان را) بعد اجبار کردن برایشان آمرزندهٔ مهربان است (٣٣). وهرآئینه به سوی شما آیه های روشن را ومثالی ازحال آنانکه پیش ازشما گذشتند وپندی برای پرهیزکاران فرودآوردیم (٣٤). خدا نور آسمانها وزمین است وصف نورِ وی (درقلب مسلمانان) مانند طاقی که درآن چراغی است [٩] آن چراغ درشیشه ای است [١٠] آن شیشه گویاستارهٔ درخشنده‌ای است که افروخته می شود ازروغن درختی بابرکت که عبارت ازدرخت زیتونی است نه به سمت مشرق ونه بجانب مغرب می‌روید نزدیك است که روغن وی روشنی بدهداگرچه آتشی آن را نرسیده باشد، روشنی برروشنی است خدا به نورش هرکه را خواهد هدایت می نماید و خدا برای مردمان مثلها بیان می‌فرماید وخدا بهَر چیز داناست [١١] (٣٥). درخانه‌هایی که خدا دستور داده است که بلند کرده شود و درآنجا نام او به پاکی یاد کرده شود، درآنجاخدارا صبح وشام یاد می کنند (٣٦).

---

(٩) یعنی فتیله روشن است.

(١٠) یعنی درقندیل است.

(١١) حاصل این مثل تشبیه نوری است که بسبب مواظبت برطهارت وعبادت دردل مسلمانان حاصل می‌شود بنورچراغی که در غایت درخشندگی باشد وبجهت مواظبت به آن اشعار می فرماید.

رِجَالٞ لَّا تُلۡهِيهِمۡ تِجَٰرَةٞ وَلَا بَيۡعٌ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَإِقَامِ ٱلصَّلَوٰةِ
وَإِيتَآءِ ٱلزَّكَوٰةِ يَخَافُونَ يَوۡمٗا تَتَقَلَّبُ فِيهِ ٱلۡقُلُوبُ وَٱلۡأَبۡصَٰرُ ﴿٣٧﴾
لِيَجۡزِيَهُمُ ٱللَّهُ أَحۡسَنَ مَا عَمِلُواْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضۡلِهِۦۗ وَٱللَّهُ
يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيۡرِ حِسَابٖ ﴿٣٨﴾ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَعۡمَٰلُهُمۡ كَسَرَابِۭ
بِقِيعَةٖ يَحۡسَبُهُ ٱلظَّمۡـَٔانُ مَآءً حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَهُۥ لَمۡ يَجِدۡهُ شَيۡـٔٗا
وَوَجَدَ ٱللَّهَ عِندَهُۥ فَوَفَّىٰهُ حِسَابَهُۥۗ وَٱللَّهُ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ﴿٣٩﴾
أَوۡ كَظُلُمَٰتٖ فِي بَحۡرٖ لُّجِّيّٖ يَغۡشَىٰهُ مَوۡجٞ مِّن فَوۡقِهِۦ مَوۡجٞ مِّن فَوۡقِهِۦ
سَحَابٞۚ ظُلُمَٰتُۢ بَعۡضُهَا فَوۡقَ بَعۡضٍ إِذَآ أَخۡرَجَ يَدَهُۥ لَمۡ يَكَدۡ
يَرَىٰهَاۗ وَمَن لَّمۡ يَجۡعَلِ ٱللَّهُ لَهُۥ نُورٗا فَمَا لَهُۥ مِن نُّورٍ ﴿٤٠﴾ أَلَمۡ تَرَ أَنَّ
ٱللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱلطَّيۡرُ صَٰٓفَّٰتٖۖ كُلّٞ
قَدۡ عَلِمَ صَلَاتَهُۥ وَتَسۡبِيحَهُۥۗ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِمَا يَفۡعَلُونَ ﴿٤١﴾ وَلِلَّهِ مُلۡكُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلۡمَصِيرُ ﴿٤٢﴾ أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُزۡجِي
سَحَابٗا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيۡنَهُۥ ثُمَّ يَجۡعَلُهُۥ رُكَامٗا فَتَرَى ٱلۡوَدۡقَ يَخۡرُجُ مِنۡ
خِلَٰلِهِۦ وَيُنَزِّلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن جِبَالٖ فِيهَا مِنۢ بَرَدٖ فَيُصِيبُ بِهِۦ مَن يَشَآءُ
وَيَصۡرِفُهُۥ عَن مَّن يَشَآءُۖ يَكَادُ سَنَا بَرۡقِهِۦ يَذۡهَبُ بِٱلۡأَبۡصَٰرِ ﴿٤٣﴾

مردانیکه ایشان را هیچ تجارت ونه خرید و فروش ازیادِ خدا و برپاداشتن نماز ودادن زکوٰة بازندارد ازآن روزی می ترسند که دلها ودیده‌ها در آن (روز) نگران شوند (۳۷). تاایشان را خدابه عوض بهترین آنچه عمل کردند پاداش دهد وتاایشان را خدا ازفضل خویش زیاده دهد وخدا هرکه را بخواهد روزی بی شمار می دهد (۳۸). وآنانکه کافرشدند اعمال ایشان مانند سرابیست به میدانی هموار که تشنه آبی می پندارد‌ش تاوقتیکه چون نزدیك آن بیاید چیزی نیابدش وخدارا نزد آن یابد پس به او حساب وَی را تمام رسانید وخدا زودگیرندهٔ حساب است [۱۲] (۳۹). یامانند تاریکی‌ها دردریاییِ‌عمیق که این بحر را موجی ازبالای آن موج دیگری می پوشد ازبالای آن ابری تاریکی‌هاست بعض آن بالای بعض دیگر چون بیرون آرد دستِ خود را نزدیك نیست که ببیندش وهرکه او را خداروشنی نداد پس اورا هیچ روشنی [۱۳] نیست (٤۰). آیا ندیدی هرکسی که درآسمانها وزمین است ومرغان بال گشاده خدا را به پاکی یاد می‌کنند (خدا) نیایش وتسبیح هریك ازآنان را دانسته است وخدا داناست به آنچه می کنند (٤۱). وپادشاهی آسمانها وزمین از آنِ خدا است وبازگشت به سوی خداست (٤۲). آیاندیدی که خدا ابررا روان می‌کند باز میان آن جمع می‌نماید بازتو درتو میسازدش پس قطره را که ازمیان آن بیرون می آید می بینی و ازجانب بالا ازکوه‌هاکه ژاله را آنجاست فرود می‌آورد پس بهرکه خواهد میرساندش و ازهر که می خواهد بازمیداردش درخشندگی برقِ آن ابر نزدیك است که چشمهارا دور کند (٤۳).

(۱۲) حاصل این مَثَل آنست که اعمالِ کافر نابُود شود ودرآخرت آنرا هیچ ثوابی نباشد.

(۱۳) حاصل این مَثَل آنست که برکافرظلمات بهیمیت متراکم شده است وانوارملکیت ازوی بکلی معدوم شده است.

يُقَلِّبُ ٱللَّهُ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُو۟لِى ٱلْأَبْصَٰرِ ﴿٤٤﴾ وَٱللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَآبَّةٍ مِّن مَّآءٍ ۖ فَمِنْهُم مَّن يَمْشِى عَلَىٰ بَطْنِهِۦ وَمِنْهُم مَّن يَمْشِى عَلَىٰ رِجْلَيْنِ وَمِنْهُم مَّن يَمْشِى عَلَىٰٓ أَرْبَعٍ ۚ يَخْلُقُ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤٥﴾ لَّقَدْ أَنزَلْنَآ ءَايَٰتٍ مُّبَيِّنَٰتٍ ۚ وَٱللَّهُ يَهْدِى مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٤٦﴾ وَيَقُولُونَ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ مِّنْهُم مِّنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ ۚ وَمَآ أُو۟لَٰٓئِكَ بِٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾ وَإِذَا دُعُوٓا۟ إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُم مُّعْرِضُونَ ﴿٤٨﴾ وَإِن يَكُن لَّهُمُ ٱلْحَقُّ يَأْتُوٓا۟ إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ ﴿٤٩﴾ أَفِى قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَمِ ٱرْتَابُوٓا۟ أَمْ يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُۥ ۚ بَلْ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٥٠﴾ إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ ٱلْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوٓا۟ إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَن يَقُولُوا۟ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۚ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ﴿٥١﴾ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَخْشَ ٱللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْفَآئِزُونَ ﴿٥٢﴾ ۞ وَأَقْسَمُوا۟ بِٱللَّهِ جَهْدَ أَيْمَٰنِهِمْ لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ ۖ قُل لَّا تُقْسِمُوا۟ ۖ طَاعَةٌ مَّعْرُوفَةٌ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٥٣﴾

نصف الحزب ٣٦

خدا شب وروز را می‌گرداند هرآئینه دراین امر صاحبان بصیرت را عبرتیست (٤٤).
وخدا هرجبنده‌ای را ازآب آفرید پس ازینهاست آنکه برشکم خود می رود وازینهاست آن
که بردوپاي میرود وازینهاست آنکه برچهارپای میرود خدا هرچه خواهد می‌آفریند هرآئینه
خدا برهرچیز تواناست (٤٥). هرآئینه آیاتِ روشن را فرود آوردیم وخدا هرکه را خواهد به
سوی راه راست هدایت می کند (٤٦). ومی گویند (منافقان) به خدا وبه رسول ایمان
آوردیم وفرمانبرداری نمودیم باز گروهی ازایشان بعد ازاین روی می‌گرداند و ایشان
مومنان نیستند (٤٧). وچون به سوی خداورسول اوخوانده می‌شوند تا میان ایشان حکم
فرماید ناگهان جماعتی ازایشان رویگردانند (٤٨). واگرحق باآنان باشد گردن نهاده به نزد
اومی‌آیند (٤٩). آیا دردلهای ایشان بیماریست یادرشك افتادند یا می‌ترسند ازآنکه
خداورسول او برایشان ستم کند بلکه این جماعت ستمکاران ایشانند (٥٠). به تاکید سخن
مسلمانان چون ایشان به سوی خدا و رسول او خوانده می‌شوند تا میان ایشان حکم کند
فقط این است که گویند شنیدیم وفرمان بردیم واین جماعت ایشان رستگارانند (٥١).
وهرکسی که خداورسول اورا فرمان برداری کند وازخدا بترسد وازعذاب اوحذرکند پس
این جماعت به مراد رسندگان ایشانند (٥٢). و به خدا قسم خوردند به موکدترین قسمهای
خود که اگربفرمایی ایشانرا البته ازوطن خود بیرون روند بگو قسم مخورید فرمانبرداری
پسندیده مطلوب است هرآئینه به آنچه عمل می‌کنید خداخبرداراست (٥٣).

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُم مَّا حُمِّلْتُمْ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿٥٤﴾ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥٥﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٥٦﴾ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٥٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُم مِّنَ الظَّهِيرَةِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُم بَعْضُكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥٨﴾

بگو فرمانبرداری خدا بکنید وفرمانبرداری پیامبرکنید پس اگر روی بگردانید پس جزاین نیست که برپیامبر است آنچه بروی لازم کرده شد وبرشماست آنچه برشمالازم کرده شد واگر فرمانبرداری اوکنید هدایت یابید ونیست برپیامبر مگرپیغام رسانیدن آشکار (٥٤). خدا آنان راکه ازشما ایمان آورده‌اند و عمل‌های شایسته کرده‌اند وعده داده است که البته ایشان را درزمین خلیفه سازد چنانکه آنان را که پیش ازایشان بودند خلیفه ساخته بود [١٤] والبته برای ایشان دین ایشان را که پسندیده است برای ایشان محکم کند والبته ترس ایشان را پس ازآن به ایمنی تبدیل کند، مرا پرستش کنند بامن چیزی را شریك مقررنکنند وهرکه بعد ازاین ناسپاسی کند پس ایشان آن جماعت فاسقانند [١٥] (٥٥). و نمازرا برپا دارید و زکوٰة را بدهید و پیامبررا فرمانبرداری کنید باشدکه برشما رحم کرده شود (٥٦). هرگز کافران را درزمین عاجزکننده مپندار وجای ایشان آتش است وآن بد بازگشت است (٥٧). ای مسلمانان باید ازشما آنانکه دست های شما مالك ایشان شده است [١٦] وآنانکه به حدبلوغ ازشما نرسیده‌اند سه نوبت اجازه طلبند پیش از نماز فجر ووقتیکه جامه های خودرا درنیم روزفرومی نهید وپس از نماز عشاء این سه وقت خلوتست برای شما برشما ونه برایشان هیچ گناهی بعد ازینها نیست درآیندگانند برشما بعضی ازشما بربعضی دیگر همچنین خدابرای شما آیات را بیان می کند وخدا دانندهٔ باحکمت است [١٧] (٥٨).

(١٤) یعنی چنانکه بنی اسرائیل رابعد از عمالقه پادشاه گرداند.

(١٥) یعنی چنانکه قاتلان حضرت عثمان کردند مترجم گوید تفسیر این آیت درحدیث آمده «انّ الخلافة بعدی ثلاثون سنَة» (هرآئینه خلافت پس ازمن سی سال است) والله اعلم.

(١٦) یعنی غلامان وکنیزان.

(١٧) حاصل آن است که محارم واطفال نیزدرین ساعات استیذان کنندزیرا که مردمان درین ساعات جامه ازتن می کشند وعریان می شوند محصول سخن آنست که برای محارم واطفال آنان را عریان دیدن درست نیست والله اعلم.

وَإِذَا بَلَغَ ٱلۡأَطۡفَٰلُ مِنكُمُ ٱلۡحُلُمَ فَلۡيَسۡتَـٔۡذِنُواْ كَمَا
ٱسۡتَـٔۡذَنَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمۡ
ءَايَٰتِهِۦۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ٥٩ وَٱلۡقَوَٰعِدُ مِنَ ٱلنِّسَآءِ
ٱلَّٰتِي لَا يَرۡجُونَ نِكَاحٗا فَلَيۡسَ عَلَيۡهِنَّ جُنَاحٌ أَن يَضَعۡنَ
ثِيَابَهُنَّ غَيۡرَ مُتَبَرِّجَٰتِۭ بِزِينَةٖۖ وَأَن يَسۡتَعۡفِفۡنَ خَيۡرٞ
لَّهُنَّۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ٦٠ لَّيۡسَ عَلَى ٱلۡأَعۡمَىٰ حَرَجٞ وَلَا
عَلَى ٱلۡأَعۡرَجِ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡمَرِيضِ حَرَجٞ وَلَا عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ
أَن تَأۡكُلُواْ مِنۢ بُيُوتِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ ءَابَآئِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ
أُمَّهَٰتِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ إِخۡوَٰنِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ أَخَوَٰتِكُمۡ
أَوۡ بُيُوتِ أَعۡمَٰمِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ عَمَّٰتِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ
أَخۡوَٰلِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ خَٰلَٰتِكُمۡ أَوۡ مَا مَلَكۡتُم
مَّفَاتِحَهُۥٓ أَوۡ صَدِيقِكُمۡۚ لَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَن
تَأۡكُلُواْ جَمِيعًا أَوۡ أَشۡتَاتٗاۚ فَإِذَا دَخَلۡتُم بُيُوتٗا فَسَلِّمُواْ
عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ تَحِيَّةٗ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ مُبَٰرَكَةٗ طَيِّبَةٗۚ كَذَٰلِكَ
يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ٦١

وچون طفلان ازشما به حدِبلوغ رسند باید که اجازه طلب کنند چنانکه اجازه می طلبیدندآنانکه پیش ازایشان بودند همچنین خدا برای شماآیاتِ خودرا بیان می کند وخدا دانای باحکمت است (٥٩). وکلان سالان اززنان که توقع نکاح ندارند پس برایشان گناهی نیست درآنکه جامه های خودرا بدون ظاهرکردن آرایشی فرونهند وپرهیزکاری کردنشان برای ایشان بهتراست وخداشنوای داناست (٦٠). برنابیناگناهی نیست ونه برلنگ گناهی است و بربیمار گناهی نیست ونه برذات شما گناهی است درآنکه بخورید ازخانه های خویش یاخانه هایپدران خویش یاخانههای مادران خویش یاخانه های برادران خویش یاخانه های خواهران خویش یاخانه های عموهای خویش یا خانههای عمّه های خویش یاخانههای خالوهای خویش یاخانه های خاله های خویش یا خانه ای که کلید های او بتصرف شماست [۱۸] یاخانههای دوستتان نیست برشما هیچ گناهی درآنکه بخورید همه باهم یامتفرق [۱۹] پس چون بخانه ها درآیید پس سلام گویید برقوم خویش دعای خیر با برکت پاکیزه ازنزد خدا است همچنین خدابرای شما آیات رابیان می کند باشدکه بفهمید(٦١).

(۱۸) یعنی نگاهبان و وکیل حفظ اوباشید.

(۱۹) یعنی اذنی که ازرسم وعادت مفهوم است کفایت می کند وحاجت اذن صریح نیست والله اعلم.

إِنَّمَا ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَإِذَا كَانُوا۟ مَعَهُۥ عَلَىٰٓ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا۟ حَتَّىٰ يَسْتَـْٔذِنُوهُ ۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسْتَـْٔذِنُونَكَ أُو۟لَـٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ۚ فَإِذَا ٱسْتَـْٔذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَن لِّمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَٱسْتَغْفِرْ لَهُمُ ٱللَّهَ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٦٢﴾ لَّا تَجْعَلُوا۟ دُعَآءَ ٱلرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَآءِ بَعْضِكُم بَعْضًا ۚ قَدْ يَعْلَمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنكُمْ لِوَاذًا ۚ فَلْيَحْذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٣﴾ أَلَآ إِنَّ لِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ قَدْ يَعْلَمُ مَآ أَنتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا۟ ۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌۢ ﴿٦٤﴾

سُورَةُ الفُرْقَانِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَـٰنِ ٱلرَّحِيمِ

تَبَارَكَ ٱلَّذِى نَزَّلَ ٱلْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِۦ لِيَكُونَ لِلْعَـٰلَمِينَ نَذِيرًا ﴿١﴾ ٱلَّذِى لَهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٌ فِى ٱلْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَىْءٍ فَقَدَّرَهُۥ تَقْدِيرًا ﴿٢﴾

جزاین نیست که مسلمانان آنانند که به خدا ورسول او ایمان آوردند وچون باشند باوی برکاری که مقتضی اجتماع ایشان است نروند تاآنکه از وی اجازه طلبند هرآئینه آنانکه ازتو اجازه می طلبند ایشان آنان هستند که به خدا و به رسول او ایمان آورده اند پس اگر ازتوبرای (انجام) بعضی کارخودشان اجازه طلبند هرکه راخواهی ازیشان اجازه ده و برای ایشان ازخدا آمرزش طلب کن هرآئینه خدا آمرزنده ٔ مهربانست (٦٢). فراخواندنِ پیامبر را درمیان خویش مانند فراخواندنِ همدیگرمشمارید هرآئینه خداآنان را که ازشما به پنهانی بیرون می‌روند پناه جویان می‌داند پس باید که بترسند آنانکه خلاف حکم پیامبر می کنند ازآنکه بدیشان بلایی برسد یا به ایشان عذاب درد ناك برسد (٦٣). آ گاه شو هرآئینه برای خدا است آنچه درآسمانها وزمین است روشی را که شمابرآنید میداند وروزیکه به سوی او گردانیده شوند ایشان را به آنچه عمل کرده اند خبردهد وخدابه هرچیز داناست (٦٤).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

بسیاربابرکت است آنکه قرآن را بربنده ٔ خویش فرود آورد تابرای جهانیان ترسانده باشد (١). آنکه اورا است پادشاهی آسمان ها وزمین وهیچ فرزندی نگرفته است وهیچ شریك اورادرپادشاهی نیست و هرچیزی را بیافرید پس آن را دقیقا اندازه گیری وکاملا برآوردکرده است (٢).

وَٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةً لَّا يَخۡلُقُونَ شَيۡـٔٗا وَهُمۡ يُخۡلَقُونَ
وَلَا يَمۡلِكُونَ لِأَنفُسِهِمۡ ضَرّٗا وَلَا نَفۡعٗا وَلَا يَمۡلِكُونَ مَوۡتٗا
وَلَا حَيَوٰةٗ وَلَا نُشُورٗا ٣ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّآ
إِفۡكٌ ٱفۡتَرَىٰهُ وَأَعَانَهُۥ عَلَيۡهِ قَوۡمٌ ءَاخَرُونَۖ فَقَدۡ جَآءُو ظُلۡمٗا
وَزُورٗا ٤ وَقَالُوٓاْ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٱكۡتَتَبَهَا فَهِيَ تُمۡلَىٰ
عَلَيۡهِ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلٗا ٥ قُلۡ أَنزَلَهُ ٱلَّذِي يَعۡلَمُ ٱلسِّرَّ
فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّهُۥ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ٦
وَقَالُواْ مَالِ هَٰذَا ٱلرَّسُولِ يَأۡكُلُ ٱلطَّعَامَ وَيَمۡشِي فِي
ٱلۡأَسۡوَاقِ لَوۡلَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مَلَكٞ فَيَكُونَ مَعَهُۥ نَذِيرًا ٧
أَوۡ يُلۡقَىٰٓ إِلَيۡهِ كَنزٌ أَوۡ تَكُونُ لَهُۥ جَنَّةٞ يَأۡكُلُ مِنۡهَاۚ وَقَالَ
ٱلظَّٰلِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلٗا مَّسۡحُورًا ٨ ٱنظُرۡ
كَيۡفَ ضَرَبُواْ لَكَ ٱلۡأَمۡثَٰلَ فَضَلُّواْ فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ
سَبِيلٗا ٩ تَبَارَكَ ٱلَّذِيٓ إِن شَآءَ جَعَلَ لَكَ خَيۡرٗا مِّن ذَٰلِكَ
جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ وَيَجۡعَل لَّكَ قُصُورَۢا ١٠ بَلۡ
كَذَّبُواْ بِٱلسَّاعَةِۖ وَأَعۡتَدۡنَا لِمَن كَذَّبَ بِٱلسَّاعَةِ سَعِيرًا ١١

و کافران غیرازخدا آن معبودان را گرفتند که چیزی را نمی‌آفرینند وخودشان آفریده می‌شوند و نمی توانند برای خویش زیانی ونه سودی ونمی‌توانند مرگ را ونه زندگانی را ونه برانگیختن را (۳). و گفتند کافران این قرآن مگردروغی نیست که آن را بربافته است واورا برافترای وی گروه دیگر یاری داده‌اند پس ستم ودروغ را به درستی که به عمل آوردند (٤). و گفتند قرآن افسانه‌های پیشینیان است که آنرا برای خودنوشته است پس آن صبح و شام بروَی خوانده می شود [۱] (٥). بگو آنراکسیکه پنهان را که درآسمان ها وزمین است میداند فرود آورده است هرآئینه وی آمرزندهٔ مهربان هست (٦). وگفتند این پیامبررا چیست که طعام میخورد ودربازارها میرود چرا به سوی وی فرشته ای فرستاده نشد تاهمراه وی ترساننده باشد (۷). یاچرا ازآسمان به سوی وی گنجی افکنده نشده است یاچرا اوراباغی نیست که ازآن بخورد و ستمکاران گفتند پیروی نمی کنید مگرمرد جادو زده را (۸). ببین چگو نه درحق تو مَثَلها می زدند پس گمراه شدند پس هیچ راهی را نمی یابند (۹). بزرگواراست آنکه اگرخواهد تورا بهتراز این بوستانهایی که میرود زیرآنها جویها و تورا کاخهای بلند (یعنی دردنیا) بدهد (۱۰). بلکه قیامت را تکذیب کردند وبرای کسیکه تکذیب قیامت کند دوزخ را آماده ساختیم (۱۱).

(۱) یعنی تایادگیرد.

إِذَا رَأَتْهُم مِّن مَّكَانٍۭ بَعِيدٍ سَمِعُوا۟ لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا ﴿١٢﴾
وَإِذَآ أُلْقُوا۟ مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقَرَّنِينَ دَعَوْا۟ هُنَالِكَ ثُبُورًا
﴿١٣﴾ لَّا تَدْعُوا۟ ٱلْيَوْمَ ثُبُورًا وَٰحِدًا وَٱدْعُوا۟ ثُبُورًا كَثِيرًا ﴿١٤﴾
قُلْ أَذَٰلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ ٱلْخُلْدِ ٱلَّتِى وُعِدَ ٱلْمُتَّقُونَ ۚ كَانَتْ
لَهُمْ جَزَآءً وَمَصِيرًا ﴿١٥﴾ لَّهُمْ فِيهَا مَا يَشَآءُونَ خَٰلِدِينَ ۚ
كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ وَعْدًا مَّسْـُٔولًا ﴿١٦﴾ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا
يَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنتُمْ أَضْلَلْتُمْ عِبَادِى
هَٰٓؤُلَآءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا۟ ٱلسَّبِيلَ ﴿١٧﴾ قَالُوا۟ سُبْحَٰنَكَ مَا كَانَ
يَنۢبَغِى لَنَآ أَن نَّتَّخِذَ مِن دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَآءَ وَلَٰكِن مَّتَّعْتَهُمْ
وَءَابَآءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا۟ ٱلذِّكْرَ وَكَانُوا۟ قَوْمًۢا بُورًا ﴿١٨﴾
فَقَدْ كَذَّبُوكُم بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا
وَلَا نَصْرًا ۚ وَمَن يَظْلِم مِّنكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا ﴿١٩﴾
وَمَآ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ إِلَّآ إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ
ٱلطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِى ٱلْأَسْوَاقِ ۗ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ
لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ ۗ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا ﴿٢٠﴾

چون دوزخ ایشان را ازمسافتِ دوربببیند از وی آواز خشم خوردن وجوش وخروش را بشنوند(۱۲). وچون ازآن دوزخ بمکانی تنگ دست وپابسته انداخته شوند آنجا برعلیه خویش دعای هلاك شدن را کنند (۱۳). وگوییم امروز بیك هلاك شدن بد دعا نکنید وبه هلاك بسیار بد دعا کنید (۱٤). بگو آیا این بهتراست یا بهشت جاویدآنکه به متقیان وعده داده شده است ایشان را پاداش وجای بازگشت باشد (۱۵). ایشان را است درآنجا آنچه می‌خواهند، جاویدان، وعدهٔ ای حتمی برپروردگار تو هست که طلبیده شده است (۱٦). وآن روز که خدا ایشان را جمع کند وآنچه راکه بغیراز خدا می‌پرستند پس گوید آیا این بندگان مرا شما گمراه کردید یاایشان خود راه را خطا کرده اند (۱۷). گویند تورا به پاکی یاد می کنیم سزاوار نباشد مارا که هیچ دوست بجز تو گیریم ولیکن بهره مند ساختی ایشان را وپدران ایشان را تا آنکه پند را فراموش کردند وگروهی هلاك ونابود شدند (۱۸). (گوییم ای گروه کافران) به درستی که شما را این معبودان درآنچه می گفتید تکذیب کردند پس جلوگیری عذاب نمی توانید ونه یاری دادن را وهرکه ازشما ستم کند عذاب بزرگ بچشانیمش (۱۹). و پیش ازتو پیامبران را نفرستادیم مگر به این صفت که ایشان طعام می‌خورند ومی‌رفتند دربازارها و بعضی شمارا درحق بعضی دیگر ابتلایی قرار دادیم آیاصبر می کنید، و پروردگار توبینا هست (۲۰).

۞ وَقَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَرۡجُونَ لِقَآءَنَا لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡنَا ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ
أَوۡ نَرَىٰ رَبَّنَاۗ لَقَدِ ٱسۡتَكۡبَرُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ وَعَتَوۡ عُتُوّٗا كَبِيرٗا
﴿٢١﴾ يَوۡمَ يَرَوۡنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ لَا بُشۡرَىٰ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُجۡرِمِينَ وَيَقُولُونَ
حِجۡرٗا مَّحۡجُورٗا ﴿٢٢﴾ وَقَدِمۡنَآ إِلَىٰ مَا عَمِلُواْ مِنۡ عَمَلٖ فَجَعَلۡنَٰهُ
هَبَآءٗ مَّنثُورًا ﴿٢٣﴾ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِ يَوۡمَئِذٍ خَيۡرٞ مُّسۡتَقَرّٗا
وَأَحۡسَنُ مَقِيلٗا ﴿٢٤﴾ وَيَوۡمَ تَشَقَّقُ ٱلسَّمَآءُ بِٱلۡغَمَٰمِ وَنُزِّلَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ
تَنزِيلًا ﴿٢٥﴾ ٱلۡمُلۡكُ يَوۡمَئِذٍ ٱلۡحَقُّ لِلرَّحۡمَٰنِۚ وَكَانَ يَوۡمًا عَلَى
ٱلۡكَٰفِرِينَ عَسِيرٗا ﴿٢٦﴾ وَيَوۡمَ يَعَضُّ ٱلظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيۡهِ يَقُولُ
يَٰلَيۡتَنِي ٱتَّخَذۡتُ مَعَ ٱلرَّسُولِ سَبِيلٗا ﴿٢٧﴾ يَٰوَيۡلَتَىٰ لَيۡتَنِي لَمۡ
أَتَّخِذۡ فُلَانًا خَلِيلٗا ﴿٢٨﴾ لَّقَدۡ أَضَلَّنِي عَنِ ٱلذِّكۡرِ بَعۡدَ إِذۡ جَآءَنِيۗ
وَكَانَ ٱلشَّيۡطَٰنُ لِلۡإِنسَٰنِ خَذُولٗا ﴿٢٩﴾ وَقَالَ ٱلرَّسُولُ يَٰرَبِّ
إِنَّ قَوۡمِي ٱتَّخَذُواْ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ مَهۡجُورٗا ﴿٣٠﴾ وَكَذَٰلِكَ
جَعَلۡنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوّٗا مِّنَ ٱلۡمُجۡرِمِينَۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيٗا
وَنَصِيرٗا ﴿٣١﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡلَا نُزِّلَ عَلَيۡهِ ٱلۡقُرۡءَانُ جُمۡلَةٗ
وَٰحِدَةٗۚ كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِۦ فُؤَادَكَۖ وَرَتَّلۡنَٰهُ تَرۡتِيلٗا ﴿٣٢﴾

و آنانکه ملاقات مارا توقع ندارند گفتند چرا برما فرشتگان فروفرستاده نشد یا چرا پروردگار خودرا نمی بینیم به درستی که گرفتارکبر شدند در زعم خویش و سرکشی کردند سرکشيِ بزرگ (۲۱). روزی که فرشتگان را ببینند آن روز گنهکاران را هیچ مژده نیست وگویند که بازداشته شوند بازداشتن موکد (یعنی جزحرمان نصیبی ندارند) (۲۲). وبه سوی آن چه ازکردار عمل کردند متوجه شدیم پس آن را مانند ذرّه هایی پراکنده ساختیم [۲] (۲۳). اهل بهشت آن روزازجهت قرارگاه بهترند وبه اعتبار جای استراحت نیکوترند (۲٤). و روزیکه آسمان بسبب ابر بشکافد و فرشتگان فرودآورده شوند فرودآوردنی [۳] (۲٥). پادشاهيِ حقیقی آن روزخدارا است وآن روز برکافران روزی دشوار باشد (۲٦). وروزی که ستمکار دو دست خودرا بگزد می گوید ای کاش من همراه پیامبر راهی [٤] می گرفتم (۲۷). ای وای برمن کاش که فلان را [٥] دوست نمی گرفتم (۲۸). هرآئینه وی مرا ازپند بعد ازآنکه بمن آمده بود گمراه کرد و شیطان درمحنت آدمی را تنهاگذارنده هست (۲۹). و گفت پیامبر ای پروردگار من هرآئینه قوم من این قرآن را رها کردند (۳۰). وهمچنین برای هر پیامبری دشمنان ازگناهکاران ساخته ایم و پروردگار تو راه نما ونصرت دهنده بس است (۳۱). و گفتند کافران چرا قرآن بیك دفعه برپیامبر فرود آورده نشد همچنین بدفعات آوردیم تا به آن دل تورا استوارسازیم و آن رابه آهستگی خواندیم(۳۲).

(۲) یعنی برباد کردیم.
(۳) یعنی آسمان برهیئت معتادخود باشد امابرناگاه منشق شود والله اعلم.
(٤) تمناکننده عقبه بن ابي معیط بود که اطاعت أبی بن خلف کرد چنانچه درسبب نزول آیه بیان کرده اند.
(٥) یعنی أبی بن خلف وماننداو را.

وَلَا يَأۡتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ وَأَحۡسَنَ تَفۡسِيرًا
﴿٣٣﴾ ٱلَّذِينَ يُحۡشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمۡ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُوْلَٰٓئِكَ
شَرٞ مَّكَانٗا وَأَضَلُّ سَبِيلٗا ﴿٣٤﴾ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ
وَجَعَلۡنَا مَعَهُۥٓ أَخَاهُ هَٰرُونَ وَزِيرٗا ﴿٣٥﴾ فَقُلۡنَا ٱذۡهَبَآ
إِلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا فَدَمَّرۡنَٰهُمۡ تَدۡمِيرٗا ﴿٣٦﴾
وَقَوۡمَ نُوحٖ لَّمَّا كَذَّبُواْ ٱلرُّسُلَ أَغۡرَقۡنَٰهُمۡ وَجَعَلۡنَٰهُمۡ لِلنَّاسِ
ءَايَةٗۖ وَأَعۡتَدۡنَا لِلظَّٰلِمِينَ عَذَابًا أَلِيمٗا ﴿٣٧﴾ وَعَادٗا وَثَمُودَاْ
وَأَصۡحَٰبَ ٱلرَّسِّ وَقُرُونَۢا بَيۡنَ ذَٰلِكَ كَثِيرٗا ﴿٣٨﴾ وَكُلّٗا
ضَرَبۡنَا لَهُ ٱلۡأَمۡثَٰلَۖ وَكُلّٗا تَبَّرۡنَا تَتۡبِيرٗا ﴿٣٩﴾ وَلَقَدۡ أَتَوۡاْ عَلَى
ٱلۡقَرۡيَةِ ٱلَّتِيٓ أُمۡطِرَتۡ مَطَرَ ٱلسَّوۡءِۚ أَفَلَمۡ يَكُونُواْ يَرَوۡنَهَاۚ
بَلۡ كَانُواْ لَا يَرۡجُونَ نُشُورٗا ﴿٤٠﴾ وَإِذَا رَأَوۡكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ
إِلَّا هُزُوًا أَهَٰذَا ٱلَّذِي بَعَثَ ٱللَّهُ رَسُولًا ﴿٤١﴾ إِن كَادَ
لَيُضِلُّنَا عَنۡ ءَالِهَتِنَا لَوۡلَآ أَن صَبَرۡنَا عَلَيۡهَاۚ وَسَوۡفَ
يَعۡلَمُونَ حِينَ يَرَوۡنَ ٱلۡعَذَابَ مَنۡ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٢﴾ أَرَءَيۡتَ
مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ أَفَأَنتَ تَكُونُ عَلَيۡهِ وَكِيلًا ﴿٤٣﴾

ونیارند کافران پیش توهیچ داستانی مگر پیش توجوابی راست و نیکوتر دربیان بیاریم (۳۳). کسانی که برچهره های خویش به سوی دوزخ محشور شوند، این جماعت بدترند به اعتبار مکان و راه را گمراه ترند (٣٤). وبه راستی که موسیٰ را کتاب دادیم و همراه او برادر او هارون را وزیر ساختیم (۳٥). پس گفتیم بروید به سوی آن قوم که آیات مارا تکذیب کردند پس آن قوم را به سختی هلاك ساختیم (٣٦). وقوم نوح را چون پیامبران را دروغگو شمردند آنان را غرق ساختیم و ایشان رابرای مردمان نشانه گردانیدیم، و برای ستمکاران عذاب درد ناك مهیّا کردیم (۳۷). وعادوثمود واهل رسّ را ونسلها بسیاری درمیان ایشان هلاك ساختیم (۳۸). وبرای هرکدام مَثَلها زدیم وهریکی (ازآنان) را به سختی نابودکردیم (۳۹). وبه درستی که کافران به دهی که بارانیده شد بروی بارانِ بد(یعنی باران سنگ) رسیدند آیا آن را نمی دیدند بلکه توقع برانگیختن را نمی داشتند (٤٠). وچون تورا ببینند تورا نگیرند مگربه مسخره آیااین شخص است آنکه خدای تعالی پیامبرفرستادش (٤١). هرآئینه نزدیك بود که مارا ازپرستشِ خدایانِ ما گمراه کند اگر آن نبودی که برآن‌ها شکیبایی کردیم وخواهند دانست چون عذاب را بینند که کیست راه را اشتباه رونده‌تر (٤٢). آیادیدی آن را که معبودش را خواهش نفس خودگرفته است آیاتو بروَی نگهبان میشوی (٤٣).

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ ۚ إِنْ هُمْ إِلَّا
كَٱلْأَنْعَٰمِ ۖ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٤﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ
ٱلظِّلَّ وَلَوْ شَآءَ لَجَعَلَهُۥ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا ٱلشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا
﴿٤٥﴾ ثُمَّ قَبَضْنَٰهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا ﴿٤٦﴾ وَهُوَ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ
ٱلَّيْلَ لِبَاسًا وَٱلنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ ٱلنَّهَارَ نُشُورًا ﴿٤٧﴾ وَهُوَ
ٱلَّذِىٓ أَرْسَلَ ٱلرِّيَٰحَ بُشْرًۢا بَيْنَ يَدَىْ رَحْمَتِهِۦ ۚ وَأَنزَلْنَا مِنَ
ٱلسَّمَآءِ مَآءً طَهُورًا ﴿٤٨﴾ لِّنُحْـِۧىَ بِهِۦ بَلْدَةً مَّيْتًا وَنُسْقِيَهُۥ
مِمَّا خَلَقْنَآ أَنْعَٰمًا وَأَنَاسِىَّ كَثِيرًا ﴿٤٩﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَٰهُ بَيْنَهُمْ
لِيَذَّكَّرُوا۟ فَأَبَىٰٓ أَكْثَرُ ٱلنَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ﴿٥٠﴾ وَلَوْ شِئْنَا
لَبَعَثْنَا فِى كُلِّ قَرْيَةٍ نَّذِيرًا ﴿٥١﴾ فَلَا تُطِعِ ٱلْكَٰفِرِينَ وَجَٰهِدْهُم
بِهِۦ جِهَادًا كَبِيرًا ﴿٥٢﴾ ۞ وَهُوَ ٱلَّذِى مَرَجَ ٱلْبَحْرَيْنِ هَٰذَا
عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَٰذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا
وَحِجْرًا مَّحْجُورًا ﴿٥٣﴾ وَهُوَ ٱلَّذِى خَلَقَ مِنَ ٱلْمَآءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُۥ
نَسَبًا وَصِهْرًا ۗ وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا ﴿٥٤﴾ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ
مَا لَا يَنفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ ۗ وَكَانَ ٱلْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِۦ ظَهِيرًا ﴿٥٥﴾

آیامی پنداری که بیشترین ایشان می شنوند یامی فهمند ایشان جز مانند چهارپایان نیستند بلکه ایشان باعتبار راه گمراه ترند (٤٤). آیا به سوی پروردگار خود ندیدی که سایه را چگونه دراز کرد [٦] واگر می خواست آن راساکن می ساخت باز آفتاب را برَوی راه نما [٧] برگماشتیم (٤٥). باز سایه را به سوی خویش فراگرفتیم فرا گرفتن آسان (٤٦). واوست آنکه شب را برای شما پوششی گردانید وخواب را راحتی وروز راوقتِ برخاستن نموده است (یعنی بیداری برای جنبش وکوشش معاش وغیره) (٤٧). واوست آنکه بادهارا پیش از رحمت خویش مژده دهنده فرستاد وازآسمان آب پاك را فرود آوردیم (٤٨). تا به آن شهر مرده را زنده سازیم وتا آن را به چهارپایان ومردمان بسیاری را ازآنچه ما آفریده ایم بنوشانیم (٤٩). وهرآئینه پند درمیان ایشان گوناگون بیان کردیم تاپندپذیر شوند پس بیشترین مردمان قبول نکردند مگرناسپاسی را (٥٠). واگرمی خواستیم درهر دهی ترسانندهای میفرستادیم (٥١). پس کافران را فرمان مبر وبا ایشان به قرآن جهادکن جهادِی بزرگ (٥٢). واوست آنکه دو دریا را درآمیخت این یك آبِ شیرین خوشگوار است وآن دیگر شوربدمزه ومیان هر دوحجابی وسدی محکم ساخت (٥٣). واوست آنکه از آب آدمی را آفرید پس آن را پیوند خویشاوندي نسب وخویشاوندي قرابت دامادی قرارداد پروردگارتوتواناست (٥٤). وغیراز خداچیزی را می پرستند که ایشان را نفع نمی دهد ونه بدیشان ضرر رساند وکافر برمخالفت پروردگار خود هم پشت (شیطان) است (٥٥).

(٦) یعنی بعد اسفارقبل ازغروب آفتاب یادراوّل روز.
(٧) یعنی بهر صفت که آفتاب تقاضا میکند میرود.

وَمَآ أَرْسَلْنَٰكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٥٦﴾ قُلْ مَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ
مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَن شَآءَ أَن يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلًا ﴿٥٧﴾ وَتَوَكَّلْ
عَلَى ٱلْحَىِّ ٱلَّذِى لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِۦ ۚ وَكَفَىٰ بِهِۦ
بِذُنُوبِ عِبَادِهِۦ خَبِيرًا ﴿٥٨﴾ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ
وَمَا بَيْنَهُمَا فِى سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ ٱسْتَوَىٰ عَلَى ٱلْعَرْشِ ۚ ٱلرَّحْمَٰنُ
فَسْـَٔلْ بِهِۦ خَبِيرًا ﴿٥٩﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱسْجُدُوا۟ لِلرَّحْمَٰنِ قَالُوا۟
وَمَا ٱلرَّحْمَٰنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ۩ ﴿٦٠﴾ تَبَارَكَ
ٱلَّذِى جَعَلَ فِى ٱلسَّمَآءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَٰجًا وَقَمَرًا
مُّنِيرًا ﴿٦١﴾ وَهُوَ ٱلَّذِى جَعَلَ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَنْ أَرَادَ
أَن يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ﴿٦٢﴾ وَعِبَادُ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلَّذِينَ يَمْشُونَ
عَلَى ٱلْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ ٱلْجَٰهِلُونَ قَالُوا۟ سَلَٰمًا
﴿٦٣﴾ وَٱلَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَٰمًا ﴿٦٤﴾ وَٱلَّذِينَ
يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ ۖ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ
غَرَامًا ﴿٦٥﴾ إِنَّهَا سَآءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٦٦﴾ وَٱلَّذِينَ إِذَآ
أَنفَقُوا۟ لَمْ يُسْرِفُوا۟ وَلَمْ يَقْتُرُوا۟ وَكَانَ بَيْنَ ذَٰلِكَ قَوَامًا ﴿٦٧﴾

وتورا مگر بشارت دهنده وبیم دهنده نفرستادیم (٥٦). بگو برتبلیغ قرآن هیچ مزدی ازشما نمی طلبم لیکن هرکه خواهد که به سوی پروردگارخویش راه گیرد (گو بگیرد راهی) (٥٧). وتوکل کُن برآن زنده ای که نمی میرد و ستایش او بپاکی یادکن، وی بگناهان بندگانش آگاه بس است (٥٨). آنکه آسمانها وزمین را وآنچه راکه درمیان آنهاست درشش روز بیافرید باز برعرش مستقرشد، اوست بخشاینده پس ازحال وی دانایی را بپرس (٥٩). وچون به کافران گفته میشود که رحمن را سجده کنید گویند و رحمن چیست آیا سجده کنیم چیزی را که تو مارا میفرمایی این سخن برگریزش ایشان اضافه کرد (٦٠). بزرگواراست آنکه درآسمان بُرجها را ساخت درآن چراغی را (یعنی خورشید را) وماهِ روشنی دهنده ای را ساخت (٦١). واوست آنکه شب وروز را جانشین یك دیگر برای کسیکه پندگرفتن خواهد یا شکرگزاری کردن خواهد مقررداشت (٦٢). وبندگان خدا آنانند که برزمین به آهستگی میروند (٨) وچون سخن گویند به ایشان نادانان گویند برشما سلام باد (٦٣). وآنانکه برای پروردگار خویش سجده کنان وقیام کنان شب می گذارند (٦٤). وآنانکه می گویند ای پروردگار ما ازما عذاب دوزخ را بازدار هرآئینه عذاب دوزخ لازم شونده است (٦٥). هرآئینه دوزخ بدآرام گاهی وبدمقامی است (٦٦). وآنانکه چون خرج کنند اسراف ننمایند و تنگی نگیرند وعطای ایشان میان جانِبَین معتدل باشد (٦٧).

---

(٨) یعنی تواضع برایشان غالب است.

وَٱلَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ ٱلنَّفْسَ
ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ ۚ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ
يَلْقَ أَثَامًا ﴿٦٨﴾ يُضَٰعَفْ لَهُ ٱلْعَذَابُ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَيَخْلُدْ
فِيهِۦ مُهَانًا ﴿٦٩﴾ إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَٰلِحًا
فَأُوْلَٰٓئِكَ يُبَدِّلُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِهِمْ حَسَنَٰتٍ ۗ وَكَانَ ٱللَّهُ
غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٧٠﴾ وَمَن تَابَ وَعَمِلَ صَٰلِحًا فَإِنَّهُۥ يَتُوبُ
إِلَى ٱللَّهِ مَتَابًا ﴿٧١﴾ وَٱلَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ ٱلزُّورَ وَإِذَا مَرُّواْ
بِٱللَّغْوِ مَرُّواْ كِرَامًا ﴿٧٢﴾ وَٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُواْ بِـَٔايَٰتِ
رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّواْ عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا ﴿٧٣﴾ وَٱلَّذِينَ يَقُولُونَ
رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَٰجِنَا وَذُرِّيَّٰتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَٱجْعَلْنَا
لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿٧٤﴾ أُوْلَٰٓئِكَ يُجْزَوْنَ ٱلْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُواْ
وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَٰمًا ﴿٧٥﴾ خَٰلِدِينَ فِيهَا ۚ
حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٧٦﴾ قُلْ مَا يَعْبَؤُاْ بِكُمْ رَبِّي
لَوْلَا دُعَآؤُكُمْ ۖ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا ﴿٧٧﴾

سُورَةُ الشُّعَرَاءِ

وآنانکه باخدامعبود دیگری را نمی‌پرستند و هیچ نفسی را که خدا حرام کرده است مگربحق نمی کُشند وزنانکنند وهرکه این کاررا بکند به عقوبتِ دشوار برخُورَد (٦٨). بر اوعذاب روزِ قیامت دوچند کرده شود وآنجا خوارکرده شده همیشه ماند (٦٩). مگر آنکه توبه کرد وایمان آورد وعمل شایسته نمود پس آنجماعت خدا بدیهای ایشان را به نیکی ها تبدیل می‌کند وهست خدا آمرزندهٔ مهربان (٧٠). وهرکه توبه کند وکارشایسته بجا آوردپس هرآئینه وی چنانکه باید به خدا رجوع کرده است (٧١). وآنانکه گواهی دروغ نمی دهند وچون بگذرند بربیهوده به روشِ بزرگان بگذرند (٧٢). وآنانکه چون بآیاتِ پروردگارشان پندداده می شوند بشنیدنِ آن کروکور نیفتند [٩] (٧٣). وآنانکه می گویند ای پروردگارِما مارا اززنان ما وازفرزندانِ ما روشنيِ چشم ببخش ومارا پیشوای متقیان قراردِه (٧٤). آن جماعت مقام بلند جزا داده شوند به خاطر آنکه صبر کردند، درآن بدعای خیروسلام برخوردار کرده شوند (٧٥). جاویدان باشند درآنجا، بهشت نيك آرام گاه است ونيك مقام است (٧٦). بگو پروردگار من به شما اعتنا نمی کند اگر عبادتِ شما نباشد پس به درستی که تکذیب کردید پس البته جزای آن لازم باشد (٧٧).

---

(٩) یعنی بلکه دیده و شنیده سجده کنند.

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

طسٓمٓ ﴿١﴾ تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُبِينِ ﴿٢﴾ لَعَلَّكَ بَٰخِعٌ نَّفْسَكَ أَلَّا
يَكُونُوا۟ مُؤْمِنِينَ ﴿٣﴾ إِن نَّشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ ءَايَةً فَظَلَّتْ
أَعْنَٰقُهُمْ لَهَا خَٰضِعِينَ ﴿٤﴾ وَمَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّنَ ٱلرَّحْمَٰنِ مُحْدَثٍ
إِلَّا كَانُوا۟ عَنْهُ مُعْرِضِينَ ﴿٥﴾ فَقَدْ كَذَّبُوا۟ فَسَيَأْتِيهِمْ أَنۢبَٰٓؤُا۟ مَا كَانُوا۟
بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٦﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا۟ إِلَى ٱلْأَرْضِ كَمْ أَنۢبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ
كَرِيمٍ ﴿٧﴾ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٨﴾ وَإِنَّ
رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٩﴾ وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰٓ أَنِ ٱئْتِ ٱلْقَوْمَ
ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٠﴾ قَوْمَ فِرْعَوْنَ ۚ أَلَا يَتَّقُونَ ﴿١١﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّىٓ أَخَافُ
أَن يُكَذِّبُونِ ﴿١٢﴾ وَيَضِيقُ صَدْرِى وَلَا يَنطَلِقُ لِسَانِى فَأَرْسِلْ
إِلَىٰ هَٰرُونَ ﴿١٣﴾ وَلَهُمْ عَلَىَّ ذَنۢبٌ فَأَخَافُ أَن يَقْتُلُونِ ﴿١٤﴾ قَالَ
كَلَّا ۖ فَٱذْهَبَا بِـَٔايَٰتِنَآ ۖ إِنَّا مَعَكُم مُّسْتَمِعُونَ ﴿١٥﴾ فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ
فَقُولَآ إِنَّا رَسُولُ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٦﴾ أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ
﴿١٧﴾ قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ
﴿١٨﴾ وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ ٱلَّتِى فَعَلْتَ وَأَنتَ مِنَ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿١٩﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

طٰسٓمٓ (١). این آیاتِ کتابِ روشن است (٢). شاید تو خویشتن را هلاك کننده ای به سبب آنکه مسلمان نمی شوند (٣). اگر بخواهیم برایشان ازآسمان نشانه ای فرودآوریم پس گردنهای ایشان پیش آن نیایش کننده شود (٤). و بدیشان هیچ پندی جدید ازجانب خداوند رحمن نمی آید مگر ازآن رویگرداننده می باشند (٥). پس ثابت شدکه ایشان تکذیب کردند پس خواهد به ایشان عاقبت آنچه که بآن تمسخر می کردند آمد (٦). آیا به سوی زمین ندیده‌اند چه قدر درآن ازهر جنس نیك رویانیدیم (٧). هرآئینه درین ماجرا نشانه ای است وبیشترین ایشان مسلمانان نیستند (٨). وهرآئینه پروردگار تو همان غالب مهربان است (٩). وآنگاه که پروردگارتو موسیٰ را آواز داد که پیشِ گروهِ ستمکاران برو (١٠). پیش قوم فرعون آیا پرهیزکاری نمی کنند (١١). گفت ای پروردگار من هرآئینه من می‌ترسم ازآنکه مراتکذیب کنند (١٢). وسینه‌ام تنگ شود وزبانم جاری نگردد پس به هارون رسالت بفرست (١٣). وقوم فرعون را برمن گناهی است پس می ترسم که مرا بکشند (١٤). گفت چنین نباشد پس هردوبروید بانشانه‌های ما هرآئینه ما باشما شنونده‌ایم (١٥). پس به فرعون بیایید پس بگویید هرآئینه مافرستاده پروردگار جهانیانیم (١٦). (بااین پیغام) که همراه ما بنی اسرائیل را بفرست (١٧). (فرعون) گفت (ای موسیٰ) آیا نپرورانديم تورا درمیان اهل خویش درحال طفلی ودرمیان ما ازعمر خودسالها گُذراندی (١٨). وآن کردار خود را که ازتو بعمل آمد کردی و توازنا سپاسانی (١٩).

قَالَ فَعَلْتُهَآ إِذًا وَأَنَا۠ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ ﴿٢٠﴾ فَفَرَرْتُ مِنكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ
فَوَهَبَ لِى رَبِّى حُكْمًا وَجَعَلَنِى مِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿٢١﴾ وَتِلْكَ نِعْمَةٌ
تَمُنُّهَا عَلَىَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ﴿٢٢﴾ قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ ٱلْعَٰلَمِينَ
﴿٢٣﴾ قَالَ رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَآ ۖ إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ
﴿٢٤﴾ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُۥٓ أَلَا تَسْتَمِعُونَ ﴿٢٥﴾ قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ ءَابَآئِكُمُ
ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٢٦﴾ قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ ٱلَّذِىٓ أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ
﴿٢٧﴾ قَالَ رَبُّ ٱلْمَشْرِقِ وَٱلْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَآ ۖ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ
﴿٢٨﴾ قَالَ لَئِنِ ٱتَّخَذْتَ إِلَٰهًا غَيْرِى لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ ٱلْمَسْجُونِينَ
﴿٢٩﴾ قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَىْءٍ مُّبِينٍ ﴿٣٠﴾ قَالَ فَأْتِ بِهِۦٓ إِن كُنتَ
مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٣١﴾ فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِىَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿٣٢﴾
وَنَزَعَ يَدَهُۥ فَإِذَا هِىَ بَيْضَآءُ لِلنَّٰظِرِينَ ﴿٣٣﴾ قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُۥٓ
إِنَّ هَٰذَا لَسَٰحِرٌ عَلِيمٌ ﴿٣٤﴾ يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُم
بِسِحْرِهِۦ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿٣٥﴾ قَالُوٓا۟ أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَٱبْعَثْ فِى ٱلْمَدَآئِنِ
حَٰشِرِينَ ﴿٣٦﴾ يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ ﴿٣٧﴾ فَجُمِعَ ٱلسَّحَرَةُ
لِمِيقَٰتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿٣٨﴾ وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنتُم مُّجْتَمِعُونَ ﴿٣٩﴾

گفت آن کردار را آنگاه کردم که من از گمراهان بودم (٢٠). پس چون ازعقوبتِ شما بترسیدم ازپیش شما گریختم پس پروردگار من مرا دانش عطاکرد ومرااز پیامبران گردانید (٢١). وآیااین نعمتی است که منت می نهی برمن که بنی اسرائیل را [١] بنده گرفتی (٢٢). گفت فرعون وچیست پروردگار جهانیان؟ (٢٣). گفت موسیٰ پروردگار آسمان ها وزمین وآنچه درمیان اینهاست اگریقین آور نده‌اید (٢٤). گفت (فرعون) آنانراکه دوروبر اوبودند آیانمی شنوید (٢٥). گفت موسیٰ پروردگار شما و پروردگار پدرانِ پیشین شماست (٢٦). گفت فرعون هرآئینه پیامبرشما که به سوی شما فرستاده شده دیوانه است (٢٧). گفت موسیٰ پروردگار مشرق ومغرب وآنچه درمیان اینهاست اگردرمی‌یابید (٢٨). گفت اگر غیر مرا خدا گرفتی البته تراز زندانیان قراردهم (٢٩). گفت آیا (به زندان) کنی اگرچه پیش توچیزی روشن بیاورم (٣٠). (فرعون) گفت اگر ازراستگویانی آن رابیاور (٣١). پس عصای خودرا بینداخت پس ناگهان وی اژدهای آشکارشد (٣٢). ودست خودرا برآورد پس ناگهان دست وی برای بینندگان سفید شد (٣٣). گفت فرعون به اطرافیانش هرآئینه این شخص جادوگریست دانا (٣٤). میخواهد که شمارا ازسرزمین شما بِسِحرخود بیرون کند پس مرا چه می فرمایید (٣٥). گفتند او وبرادرش را بازداشت کن ودرشهرها نقیبان را بفرست (٣٦). تاپیش توهرجادوگرِ داناي را بیاورند (٣٧). پس ساحران بمیعادِ روزی معیّن جمع کرده شدند (٣٨). وبه مردمان گفته شد آیاشما جمع شونده‌اید (٣٩).

---

(١) یعنی بنده گرفتن بنی اسرائیل نعمت نبود پس همچنین پرورش کردن که به آن ضرورت بود نعمت نباشد.

لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ ٱلسَّحَرَةَ إِن كَانُواْ هُمُ ٱلْغَٰلِبِينَ ﴿٤٠﴾ فَلَمَّا جَآءَ ٱلسَّحَرَةُ
قَالُواْ لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ ٱلْغَٰلِبِينَ ﴿٤١﴾ قَالَ نَعَمْ
وَإِنَّكُمْ إِذًا لَّمِنَ ٱلْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٢﴾ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰٓ أَلْقُواْ مَآ أَنتُم مُّلْقُونَ
﴿٤٣﴾ فَأَلْقَوْاْ حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُواْ بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ
ٱلْغَٰلِبُونَ ﴿٤٤﴾ فَأَلْقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِىَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ
﴿٤٥﴾ فَأُلْقِىَ ٱلسَّحَرَةُ سَٰجِدِينَ ﴿٤٦﴾ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٤٧﴾
رَبِّ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ﴿٤٨﴾ قَالَ ءَامَنتُمْ لَهُۥ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ ۖ إِنَّهُۥ
لَكَبِيرُكُمُ ٱلَّذِى عَلَّمَكُمُ ٱلسِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۚ لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ
وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَٰفٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٩﴾ قَالُواْ لَا ضَيْرَ ۖ إِنَّآ
إِلَىٰ رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ ﴿٥٠﴾ إِنَّا نَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَٰيَٰنَآ أَن كُنَّآ
أَوَّلَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٥١﴾ ۞ وَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِىٓ إِنَّكُم
مُّتَّبَعُونَ ﴿٥٢﴾ فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِى ٱلْمَدَآئِنِ حَٰشِرِينَ ﴿٥٣﴾ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ
لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ ﴿٥٤﴾ وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَآئِظُونَ ﴿٥٥﴾ وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَٰذِرُونَ
﴿٥٦﴾ فَأَخْرَجْنَٰهُم مِّن جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٧﴾ وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٥٨﴾
كَذَٰلِكَ ۖ وَأَوْرَثْنَٰهَا بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ﴿٥٩﴾ فَأَتْبَعُوهُم مُّشْرِقِينَ ﴿٦٠﴾

باشدکه ماساحران را پیروی کنیم اگرایشان غالب شوند (٤٠). پس چون ساحران حاضر شدند فرعون را گفتند آیا اگرماغالب شویم مارامزدی بُوَد؟ (٤١). گفت آری وهرآئینه شما آنگاه از مقربان باشید (٤٢). موسیٰ به ایشان گفت بیفکنید آنچه راکه شماافکننده اید (٤٣). پس انداختند ریسمانهای خودرا وعصاهای خودرا وگفتند قسم به بزرگی فرعون هرآئینه ما البته غالبیم (٤٤). پس موسیٰ عصای خودرا انداخت پس ناگهان وَی فرومی برد آنچه بی حقیقت به دروغ آورده بودند (٤٥). پس ساحران سجده کنان (به زمین) انداخته شدند (٤٦). گفتند به پروردگار جهانیان ایمان آورده ایم (٤٧). پروردگار موسیٰ وهارون (٤٨). (فرعون) گفت آیا (به موسی) پیش ازآنکه اجازت دَهَم شمارا ایمان آوردید هرآئینه وی رهبر شما است آنکه شماراجادو بیاموخت پس خواهید دانست البته بِبُرَم دستهای شمارا وپاهای شمارایکی ازجانب راست ودیگری ازجانب چپ والبته همگی شمارا بردار آویزم (٤٩). گفتند هیچ باکی وزیانی نیست هرآئینه ما به سوی پروردگار خویش رجوع کنندگانیم (٥٠). هرآئینه ماامیدواریم که پرردگار ما برای ما گناهان مارا ازروی آنکه اوّلین مسلمانان بوده ایم بیامرزد (٥١). وبه سوی مُوسیٰ وحی فرستادیم که بندگان مراشبانه بِبر هرآئینه شماتعقیب کرده شوید (٥٢). پس فرعون درشهرها گردآورندگان را فرستاد (٥٣). هرآئینه بنی اسرائیل گروهی اندك هستند (٥٤). وهرآئینه ایشان مارا به خشم آورده‌اند (٥٥). وهرآئینه ماجماعتی مسلّح ایم (٥٦). (خدا وند می فرماید) پس قوم فرعون راازبوستانها وچشمه ها (٥٧). وگنجها ومنزل نیك بیرون راندیم (٥٨). همچنین (کردیم) و این چیزها رابه بنی‌اسرائیل میراث دادیم (٥٩). پس وقت اشراق (یعنی برآمدن خورشید) تعقیب ایشان کردند(٦٠).

فَلَمَّا تَرَٰٓءَا ٱلْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَٰبُ مُوسَىٰٓ إِنَّا لَمُدْرَكُونَ ﴿٦١﴾
قَالَ كَلَّآ ۖ إِنَّ مَعِىَ رَبِّى سَيَهْدِينِ ﴿٦٢﴾ فَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنِ
ٱضْرِب بِّعَصَاكَ ٱلْبَحْرَ ۖ فَٱنفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَٱلطَّوْدِ ٱلْعَظِيمِ
﴿٦٣﴾ وَأَزْلَفْنَا ثَمَّ ٱلْءَاخَرِينَ ﴿٦٤﴾ وَأَنجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُۥٓ أَجْمَعِينَ
﴿٦٥﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا ٱلْءَاخَرِينَ ﴿٦٦﴾ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً ۖ وَمَا كَانَ
أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٦٧﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٦٨﴾
وَٱتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَٰهِيمَ ﴿٦٩﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِۦ مَا تَعْبُدُونَ
﴿٧٠﴾ قَالُوا۟ نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عَٰكِفِينَ ﴿٧١﴾ قَالَ هَلْ
يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ ﴿٧٢﴾ أَوْ يَنفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ ﴿٧٣﴾ قَالُوا۟
بَلْ وَجَدْنَآ ءَابَآءَنَا كَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٧٤﴾ قَالَ أَفَرَءَيْتُم مَّا كُنتُمْ
تَعْبُدُونَ ﴿٧٥﴾ أَنتُمْ وَءَابَآؤُكُمُ ٱلْأَقْدَمُونَ ﴿٧٦﴾ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّىٓ
إِلَّا رَبَّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٧٧﴾ ٱلَّذِى خَلَقَنِى فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿٧٨﴾ وَٱلَّذِى هُوَ
يُطْعِمُنِى وَيَسْقِينِ ﴿٧٩﴾ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿٨٠﴾ وَٱلَّذِى
يُمِيتُنِى ثُمَّ يُحْيِينِ ﴿٨١﴾ وَٱلَّذِىٓ أَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لِى خَطِيٓـَٔتِى
يَوْمَ ٱلدِّينِ ﴿٨٢﴾ رَبِّ هَبْ لِى حُكْمًا وَأَلْحِقْنِى بِٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٨٣﴾

پس چون یکدیگر رادیدندهردوگروه گفتند یارانِ موسیٰ هرآئینه به مارسیدند (٦١). موسیٰ گفت چنین نیست هرآئینه بامن پروردگارمن است مرا راه خواهدنمود (٦٢). پس به سوی موسیٰ وحی فرستادیم که به عصای خود دریارا بزن پس دریا بشکافت پس هرپارهای مانند کوه بزرگ شد (٦٣). وآن دیگران را آنجا نزدیك آوردیم (٦٤). وموسیٰ وآنان را که همراه وی بودند همگی را نجات دادیم (٦٥). سپس آن دیگران را غرق ساختیم (٦٦). هرآئینه دراین ماجرا نشانهای هست، وبیشترین ایشان مسلمانان نبودند (٦٧). وبی گمان پروردگار توالبته همان غالب مهربان است (٦٨). وبرایشان خبرابراهیم را بخوان (٦٩). چون به پدر خود و قوم خود گفت چه چیزرامی پرستید؟ (٧٠). گفتند بتان را می پرستیم پس برایشان مجاورت کننده میباشیم (٧١). گفت آیا آواز شمارا چون میخوانید میشنوند؟ (٧٢). یاسودی به شمابخشند یازیان میرسانند؟ (٧٣). گفتند (نه) بلکه پدران خودرا بر چنین شیوهای یافتهایم (٧٤). گفت آیااندیشیدهاید آنچه راکه می پرستیدید؟ (٧٥). شما و پدران پیشین شما (٧٦). پس بدانیدکه آنهادشمنان من هستند مگر پروردگار جهانیان (٧٧). آنکه مرا بیافرید پس اوست که مرا هدایت می کند (٧٨). وآنکه اومرا طعام میخوراند ومرا میآشاماند (٧٩). وچون بیمار شوم پس او مرا شفامیدهد (٨٠). وآنکه مرامی میراند بازمرا زنده می گرداند (٨١). وآنکه امیدوارم که گناهانم را در روزجزا برایم بیامرزد (٨٢). پروردگارا مرا حکمت عطاکن و مرابشایستگان پیوسته دار (٨٣).

وَٱجْعَل لِّى لِسَانَ صِدْقٍ فِى ٱلْـَٔاخِرِينَ ﴿٨٤﴾ وَٱجْعَلْنِى مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ
ٱلنَّعِيمِ ﴿٨٥﴾ وَٱغْفِرْ لِأَبِىٓ إِنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ ﴿٨٦﴾ وَلَا تُخْزِنِى يَوْمَ
يُبْعَثُونَ ﴿٨٧﴾ يَوْمَ لَا يَنفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا مَنْ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلْبٍ
سَلِيمٍ ﴿٨٩﴾ وَأُزْلِفَتِ ٱلْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٩٠﴾ وَبُرِّزَتِ ٱلْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ
﴿٩١﴾ وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿٩٢﴾ مِن دُونِ ٱللَّهِ هَلْ يَنصُرُونَكُمْ
أَوْ يَنتَصِرُونَ ﴿٩٣﴾ فَكُبْكِبُوا۟ فِيهَا هُمْ وَٱلْغَاوُۥنَ ﴿٩٤﴾ وَجُنُودُ إِبْلِيسَ
أَجْمَعُونَ ﴿٩٥﴾ قَالُوا۟ وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ ﴿٩٦﴾ تَٱللَّهِ إِن كُنَّا لَفِى
ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٩٧﴾ إِذْ نُسَوِّيكُم بِرَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٩٨﴾ وَمَآ أَضَلَّنَآ إِلَّا
ٱلْمُجْرِمُونَ ﴿٩٩﴾ فَمَا لَنَا مِن شَٰفِعِينَ ﴿١٠٠﴾ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ ﴿١٠١﴾ فَلَوْ
أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٢﴾ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً ۖ وَمَا كَانَ
أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾ كَذَّبَتْ
قَوْمُ نُوحٍ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿١٠٥﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٠٦﴾
إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٠٧﴾ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٠٨﴾ وَمَآ أَسْـَٔلُكُمْ
عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِىَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٠٩﴾ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ
وَأَطِيعُونِ ﴿١١٠﴾ ۞ قَالُوٓا۟ أَنُؤْمِنُ لَكَ وَٱتَّبَعَكَ ٱلْأَرْذَلُونَ ﴿١١١﴾

الحزب ٣٨

وبرایم در پسینیان آوازه نیك بگذار (۸٤). ومرا ازوارثان بهشت بانعمت قراردِه (۸۵). وپدرِ مرا بیامرز هرآئینه وَی ازگمراهان بود (۸٦). ومرا روزی که مردمان برانگیخته شوند رسوا مکن (۸۷). روزی که مال و فرزندان سودی نمی رساند (۸۸). مگر کسی (صاحب فائده بُوَد) که دلی پاك نزدخدا آورد (۸۹). وبهشت برای متقیان نزدیك آورده شود (۹۰). ودوزخ برای گمراهان ظاهر کرده شود (۹۱). و گفته شود به ایشان کجا است آنچه می پرستیدید (۹۲). به جای خدا؟ آیانصرت میدهند شمارا یاخودانتقام می کشند (۹۳). پس بتان و گمراهان پیاپی سرنگون به دوزخ افکنده میشوند (۹٤). وهمگی‌لشکرهای شیطان (۹۵). گویند درحالیکه ایشان درآنجابایك دیگر مکابره می کنند (۹٦). قسم به خداهرآئینه مادرگمراهی ظاهر بودیم (۹۷). چون شمارا باپروردگار جهانیان برابر می‌ساختیم (۹۸). و مارا گمراه نکردند مگر بدکاران (۹۹). پس ماراهیچ شفاعت کننده ای نیست (۱۰۰). ونه دوست مهربانی (۱۰۱). پس ای کاش برایمان یکبار (بازگشت) می بود پس از مسلمانان شویم (۱۰۲). هرآئینه درین ماجرا نشانه ای هست، وبیشترین ایشان مسلمانان نیستند (۱۰۳). وهرآئینه پروردگار توهمان غالب و مهربان است (۱۰٤). قوم نوح پیامبران را دروغگو شمردند (۱۰۵). چون برادرایشان نوح به ایشان گفت آیانمی ترسید؟ (۱۰٦). هرآئینه من برای شما پیامبر با امانتم (۱۰۷). پس ازخدا بترسید و فرمانبرداری من کنید (۱۰۸). وبرتبلیغ رسالت ازشما هیچ مزدی سوال نمی‌کنم نیست پاداش من مگر برپروردگار جهانیان (۱۰۹). پس ازخدا بترسید وفرمانبرداری من کنید (۱۱۰). گفتند آیا ایمان برتو آوریم حال آنکه فرومایگان ازتو پیروی کرده اند (۱۱۱).

قَالَ وَمَا عِلۡمِي بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿١١٢﴾ إِنۡ حِسَابُهُمۡ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّيۖ لَوۡ تَشۡعُرُونَ ﴿١١٣﴾ وَمَآ أَنَا۠ بِطَارِدِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١١٤﴾ إِنۡ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٞ مُّبِينٞ ﴿١١٥﴾ قَالُواْ لَئِن لَّمۡ تَنتَهِ يَٰنُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمَرۡجُومِينَ ﴿١١٦﴾ قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوۡمِي كَذَّبُونِ ﴿١١٧﴾ فَٱفۡتَحۡ بَيۡنِي وَبَيۡنَهُمۡ فَتۡحٗا وَنَجِّنِي وَمَن مَّعِيَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١١٨﴾ فَأَنجَيۡنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ فِي ٱلۡفُلۡكِ ٱلۡمَشۡحُونِ ﴿١١٩﴾ ثُمَّ أَغۡرَقۡنَا بَعۡدُ ٱلۡبَاقِينَ ﴿١٢٠﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿١٢١﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٢٢﴾ كَذَّبَتۡ عَادٌ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿١٢٣﴾ إِذۡ قَالَ لَهُمۡ أَخُوهُمۡ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾ إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٞ ﴿١٢٥﴾ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٢٦﴾ وَمَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٢٧﴾ أَتَبۡنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ ءَايَةٗ تَعۡبَثُونَ ﴿١٢٨﴾ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمۡ تَخۡلُدُونَ ﴿١٢٩﴾ وَإِذَا بَطَشۡتُم بَطَشۡتُمۡ جَبَّارِينَ ﴿١٣٠﴾ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٣١﴾ وَٱتَّقُواْ ٱلَّذِيٓ أَمَدَّكُم بِمَا تَعۡلَمُونَ ﴿١٣٢﴾ أَمَدَّكُم بِأَنۡعَٰمٖ وَبَنِينَ ﴿١٣٣﴾ وَجَنَّٰتٖ وَعُيُونٍ ﴿١٣٤﴾ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ﴿١٣٥﴾ قَالُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡنَآ أَوَعَظۡتَ أَمۡ لَمۡ تَكُن مِّنَ ٱلۡوَٰعِظِينَ ﴿١٣٦﴾

گفت (نوح) وچه میدانم به آنچه می کردند (١١٢). حساب ایشان نیست مگر بر پروردگارمن، اگر بدانید (١١٣). و من دورکننده ٔ مسلمانان نیستم (١١٤). من جز ترساننده ٔ آشکار نیستم (١١٥). گفتند ای نوح اگر دست برنداری البته ازسنگسار شدگان خواهیدشد (١١٦). گفت ای پروردگار من هرآئینه قوم من مرا دروغگو شمردند (١١٧). پس فیصله کن میان من ومیان ایشان چنانکه فیصله باید ومرا وآنان راکه همراه من از مسلمانان هستند نجات بخش (١١٨). پس اوراوآنان راکه همراه اُوبودند درکشتیِ پُر کرده شده نجات دادیم (١١٩). سپس بعد ازین باقی ماندگان را غرق ساختیم (١٢٠). هرآئینه درین ماجرانشانه‌ای است، واکثرایشان مسلمان نیستند (١٢١). وهرآئینه پروردگار توهمان غالب مهربان است (١٢٢). قبیله ٔ عاد پیامبران را تکذیب کردند (١٢٣). چون برادرایشان هود به ایشان گفت آیا نمی‌ترسید؟ (١٢٤). هرآئینه من برای شما پیامبر باامانتم (١٢٥). پس ازخدا بترسید و فرمانبرداریِ من کنید (١٢٦). وبرتبلیغ رسالت ازشما هیچ مزدی سوال نمی کنم پاداش من نیست مگر برپروردگار جهانیان (١٢٧). آیابه هر بلندی علامتی بی فائده می سازید (١٢٨). ومحلهای استوار می سازید به امیدآنکه جاودان خواهید ماند (١٢٩). وچون [به کیفر] دست می گشایید، ستمکارانه دست می گشایید (١٣٠). پس ازخدا بترسید وفرمانبرداری من کنید (١٣١). وازکسیکه امداد کرد شما را به آنچه می دانید بترسید (١٣٢). شمارا باچهارپایان و فرزندان امداد کرده است (١٣٣). و(با) بوستانها وچشمه ها (١٣٤). هرآئینه من برشماازعذاب روز بزرگ می ترسم (١٣٥). گفتند برما یکسان است که خواه پنددهی یا ازپند دهندگان نباشی (١٣٦).

إِنْ هَٰذَآ إِلَّا خُلُقُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿١٣٧﴾ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿١٣٨﴾ فَكَذَّبُوهُ
فَأَهْلَكْنَٰهُمْ ۗ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾
وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٤٠﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿١٤١﴾ إِذْ
قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَٰلِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٤٢﴾ إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٤٣﴾
فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٤٤﴾ وَمَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِىَ
إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٤٥﴾ أَتُتْرَكُونَ فِى مَا هَٰهُنَآ ءَامِنِينَ ﴿١٤٦﴾
فِى جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٤٧﴾ وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ ﴿١٤٨﴾
وَتَنْحِتُونَ مِنَ ٱلْجِبَالِ بُيُوتًا فَٰرِهِينَ ﴿١٤٩﴾ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ
﴿١٥٠﴾ وَلَا تُطِيعُوٓا۟ أَمْرَ ٱلْمُسْرِفِينَ ﴿١٥١﴾ ٱلَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِى ٱلْأَرْضِ
وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿١٥٢﴾ قَالُوٓا۟ إِنَّمَآ أَنتَ مِنَ ٱلْمُسَحَّرِينَ ﴿١٥٣﴾ مَآ أَنتَ
إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بِـَٔايَةٍ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿١٥٤﴾ قَالَ
هَٰذِهِۦ نَاقَةٌ لَّهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿١٥٥﴾ وَلَا تَمَسُّوهَا
بِسُوٓءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥٦﴾ فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا۟
نَٰدِمِينَ ﴿١٥٧﴾ فَأَخَذَهُمُ ٱلْعَذَابُ ۗ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً ۖ وَمَا كَانَ
أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١٥٨﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٥٩﴾

این جزشیوهٔ پیشینیان نیست (۱۳۷). وما عذاب کرده نخواهیم شد (۱۳۸). پس تکذیبش کردند پس ایشان را هلاك ساختیم هرآئینه دراین ماجرانشانه ای هست، وبیشترین ایشان مسلمان نبودند (۱۳۹). وهرآئینه پروردگارتوهمان غالب مهربان است (۱٤٠). قبیلهٔ ثمودپیامبران را دروغگو شمردند (۱٤۱). چون برادرایشان صالح به ایشان گفت آیا نمی‌ترسید؟ (۱٤۲). هرآئینه من برای شما پیامبرباامانتم (۱٤۳). پس ازخدا بترسید وفرمانبرداری من کنید (۱٤٤). وبرتبلیغ رسالت ازشما هیچ مزدی سوال نمی‌کنم، پاداش من نیست مگربر پروردگار جهانیان (۱٤٥). آیا درآنچه اینجاست ایمن گذاشته خواهید شد (۱٤٦). دربوستانها وچشمه ها (۱٤۷). وکِشتها ودرختان خرمایی که شگوفهٔ آن نازك است (۱٤۸). وازکوه ها خانه‌های ماهرانه می‌تراشید (۱٤۹). پس ازخدا بترسید وفرمانبرداری من کنید (۱٥٠). وفرمانِ ازحد گذرندگان را اطاعت مَکُنِید (۱٥۱). آنانکه فساد می‌کنند درزمین واصلاح نمی نمایند (۱٥۲). گفتند جزاین نیست که توازجادوشدگانی (۱٥۳). تو مگر آدمی مانند ما نیستی پس اگر از راست گویانی نشانه‌ای بیار (۱٥٤). گفت این ماده شتریست وی را یك نوبت آب خوردن است ونیز شمارانوبت روزی معین است (۱٥٥). واورابعقوبت دست مرسانید که آنگاه شمارا عذابِ روزِ بزرگ دربگیرد (۱٥٦). پس آنرا پی زدند پس پشیمان گشتند (۱٥۷). پس ایشان را عذاب درگرفت هرآئینه درین ماجرانشانه‌ای هست، وبیشترین ایشان مسلمان نبودند (۱٥۸). وهرآئینه پروردگار توهمان غالب مهربان است (۱٥۹).

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿١٦٠﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ
﴿١٦١﴾ إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٦٢﴾ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٦٣﴾ وَمَآ
أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِىَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٦٤﴾
أَتَأْتُونَ ٱلذُّكْرَانَ مِنَ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٦٥﴾ وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُم
مِّنْ أَزْوَٰجِكُم ۚ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ ﴿١٦٦﴾ قَالُوا۟ لَئِن لَّمْ تَنتَهِ يَٰلُوطُ
لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُخْرَجِينَ ﴿١٦٧﴾ قَالَ إِنِّى لِعَمَلِكُم مِّنَ ٱلْقَالِينَ ﴿١٦٨﴾
رَبِّ نَجِّنِى وَأَهْلِى مِمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٩﴾ فَنَجَّيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥٓ أَجْمَعِينَ ﴿١٧٠﴾
إِلَّا عَجُوزًا فِى ٱلْغَٰبِرِينَ ﴿١٧١﴾ ثُمَّ دَمَّرْنَا ٱلْـَٔاخَرِينَ ﴿١٧٢﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم
مَّطَرًا ۖ فَسَآءَ مَطَرُ ٱلْمُنذَرِينَ ﴿١٧٣﴾ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم
مُّؤْمِنِينَ ﴿١٧٤﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٧٥﴾ كَذَّبَ أَصْحَٰبُ
لْـَٔيْكَةِ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿١٧٦﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾ إِنِّى لَكُمْ
رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٧٨﴾ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٧٩﴾ وَمَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ
مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِىَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٨٠﴾ ۞ أَوْفُوا۟ ٱلْكَيْلَ وَلَا
تَكُونُوا۟ مِنَ ٱلْمُخْسِرِينَ ﴿١٨١﴾ وَزِنُوا۟ بِٱلْقِسْطَاسِ ٱلْمُسْتَقِيمِ ﴿١٨٢﴾
وَلَا تَبْخَسُوا۟ ٱلنَّاسَ أَشْيَآءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا۟ فِى ٱلْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿١٨٣﴾

ربع الحزب ٣٨

قوم لوط پیامبران را دروغگو شمردند (۱٦۰). چون برادرایشان لوط به ایشان گفت آیانمی ترسید؟ (۱٦۱). هرآئینه من برای شما پیامبر باامانتم (۱٦۲). پس ازخدا بترسید وفرمان من برید (۱٦۳). وبرتبلیغ رسالت ازشما هیچ مزدی سوال نمی کنم، نیست پاداش من مگر بر پروردگار جهانیان (۱٦٤). آیا ازمیان جهانیان (بقصد قضای شهوت) به سوی مردان میروید (۱٦٥). وآنچه راکه برای شما آفریده است پروردگارشما اززنان شما می گذارید بلکه شما گروهی ازحدگذشته‌اید (۱٦٦). گفتند ای لُوط اگر دست برنداری هرآئینه ازبیرون کردگان باشی (۱٦۷). گفت هرآئینه من ازدشمنان (این) کارتان هستم (۱٦۸). پروردگارا مرا واهلِ مرا ازوبال آنچه می کنند نجات ده (۱٦۹). پس او وخانواده‌اش را همگی نجات دادیم (۱۷۰). مگر پیرزنی که ازباقی ماندگان بود (۱۷۱). سپس آن دیگران را هلاك ساختیم (۱۷۲). وبرایشان بارانی (ازبلا) بارانیدیم پس باران ترسانیدگان بَد است (۱۷۳). هرآئینه درین ماجرا نشانه ای است، وبیشترین ایشان مسلمان نبودند (۱۷٤). وهرآئینه پرودگارتو همان غالب مهربان است (۱۷٥). باشندگانی که پیامبران را دروغگو شمردند (۱۷٦). چون شعیب به ایشان گفت آیانمی ترسید؟ (۱۷۷). هرآئینه من برای شماپیامبَرباامانتم (۱۷۸). پس ازخدا بترسید وفرمان من برید (۱۷۹). وبرتبلیغ رسالت ازشما هیچ مزدی سوال نمی کنم، پاداشِ من نیست مگربر پروردگار جهانیان (۱۸۰). پیمانه را تمام پیمایید واز زیان دهندگان مباشید (۱۸۱). وبا ترازوی درست وزن کنید (۱۸۲). وبه مردمان چیزهای ایشان را ناقص ندهیدودراین سرزمین درتباهی مکوشید(۱۸۳).

وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٨٤﴾ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ﴿١٨٥﴾ وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿١٨٦﴾ فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٨٧﴾ قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨٨﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ ۚ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٨٩﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٩٠﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٩١﴾ وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٩٢﴾ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿١٩٣﴾ عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ ﴿١٩٤﴾ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ ﴿١٩٥﴾ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٩٦﴾ أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةً أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٩٧﴾ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ﴿١٩٨﴾ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿١٩٩﴾ كَذَٰلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٢٠٠﴾ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٢٠١﴾ فَيَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٠٢﴾ فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ ﴿٢٠٣﴾ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿٢٠٤﴾ أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ﴿٢٠٥﴾ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٢٠٦﴾

وازخدا بترسید که شمارا وخلایق نخستینیان را آفرید (۱۸٤). گفتند جزاین نیست که توازجادوشدگانی (۱۸۵). وتومگر آدمی مانندما نیستی وهرآئینه تورا ازدروغ گویان می‌پنداریم (۱۸٦). پس برما پاره‌ای ازآسمان بیکفن اگرازراست گویانی (۱۸۷). گفت پروردگار من به آنچه می‌کنید داناتراست (۱۸۸). پس اورا تکذیب کردند پس ایشان را عذاب روزسایبان [۲] فروگرفت هرآئینه وی عذابِ روزِ بزرگ بود (۱۸۹). هرآئینه دراین ماجرا نشانه ای هست وبیشترین ایشان مسلمان نبودند (۱۹۰). وهرآئینه پروردگار توهمان غالب مهربان است (۱۹۱). وهرآئینه قرآن فرود آورده‌ٔ پروردگار جهانیان است (۱۹۲). فرود آوردش روح الامین (یعني جبرئیل) (۱۹۳). بردل تو تا شوی ازترسانندگان (۱۹٤). بزبان عربی روشن (۱۹۵). وهرآئینه خبر وی در صحیفه های پیشینیان است (۱۹٦). آیا برای ایشان نشانه‌ای نیست آنکه اورا (حقانیت قرآن را) عالمان بنی اسرائیل می دانند؟ (۱۹۷). واگر قرآن رابر بعضی عجمیان فرود می آوردیم (۱۹۸). پس آن رابرایشان می‌خواند به آن باورنمی کردند (۱۹۹). همچنین انکاررا دردلهای گنهکاران درآوردیم (۲۰۰). به قرآن ایمان نمی آورند تاآنکه عذاب درد ناك ببینند (۲۰۱). پس ناگهان به ایشان بیاید درحالیکه ایشان بی خبرباشند (۲۰۲). پس گویند آیا مهلت داده میشویم؟ (۲۰۳). آیاعذابِ مارا به شتاب می طلبند (۲۰٤). آیادیدی که اگر سالها ایشان را بهره مندسازیم (۲۰۵). بازبدیشان آنچه ترسانیده می شدند بیاید (۲۰٦).

---

(۲) یعنی آتش بشکل سایبان ظاهر شد وهلاك ساخت.

مَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يُمَتَّعُونَ ٢٠٧ وَمَآ أَهۡلَكۡنَا مِن قَرۡيَةٍ إِلَّا
لَهَا مُنذِرُونَ ٢٠٨ ذِكۡرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ٢٠٩ وَمَا تَنَزَّلَتۡ بِهِ
ٱلشَّيَٰطِينُ ٢١٠ وَمَا يَنۢبَغِي لَهُمۡ وَمَا يَسۡتَطِيعُونَ ٢١١ إِنَّهُمۡ عَنِ
ٱلسَّمۡعِ لَمَعۡزُولُونَ ٢١٢ فَلَا تَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتَكُونَ
مِنَ ٱلۡمُعَذَّبِينَ ٢١٣ وَأَنذِرۡ عَشِيرَتَكَ ٱلۡأَقۡرَبِينَ ٢١٤ وَٱخۡفِضۡ
جَنَاحَكَ لِمَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٢١٥ فَإِنۡ عَصَوۡكَ فَقُلۡ إِنِّي
بَرِيٓءٞ مِّمَّا تَعۡمَلُونَ ٢١٦ وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱلۡعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ ٢١٧ ٱلَّذِي
يَرَىٰكَ حِينَ تَقُومُ ٢١٨ وَتَقَلُّبَكَ فِي ٱلسَّٰجِدِينَ ٢١٩ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ
ٱلۡعَلِيمُ ٢٢٠ هَلۡ أُنَبِّئُكُمۡ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ ٱلشَّيَٰطِينُ ٢٢١ تَنَزَّلُ عَلَىٰ
كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٖ ٢٢٢ يُلۡقُونَ ٱلسَّمۡعَ وَأَكۡثَرُهُمۡ كَٰذِبُونَ ٢٢٣
وَٱلشُّعَرَآءُ يَتَّبِعُهُمُ ٱلۡغَاوُۥنَ ٢٢٤ أَلَمۡ تَرَ أَنَّهُمۡ فِي كُلِّ وَادٖ
يَهِيمُونَ ٢٢٥ وَأَنَّهُمۡ يَقُولُونَ مَا لَا يَفۡعَلُونَ ٢٢٦ إِلَّا ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَذَكَرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا وَٱنتَصَرُواْ مِنۢ
بَعۡدِ مَا ظُلِمُواْۗ وَسَيَعۡلَمُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ أَيَّ مُنقَلَبٖ يَنقَلِبُونَ ٢٢٧

سُورَةُ النَّمۡلِ

بهره مند بودن ایشان ازسرایشان چه چیز را دفع کند؟ (٢٠٧). وهیچ دهی را هلاك نکردیم الاّ اورابیم کنندگان بودند (٢٠٨). بجهتِ پنددادن وستمکار نبودیم (٢٠٩). وقرآن را شیطانان فرود نیاوردند (٢١٠). وسزاوار ایشان نیست ونمی توانند (٢١١). هرآئینه شیطانان از شنیدن دُور داشته شوند [٣] (٢١٢). پس باخدا معبود دیگری را مخوان آنگاه ازعذاب شوندگان باشی (٢١٣). وخویشاوندان نزدیكِ خودرا بترسان (٢١٤). بازوی خودرا [٤] برای آنانکه پیروی توکردند ازمسلمانان پست کُن (٢١٥). پس اگر تورا نافرمانی کنند پس بگو هرآئینه من بیزارم ازآنچه شما می‌کنید (٢١٦). وبرغالب مهربان توکل کُن (٢١٧). آنکه چون برمی خیزی (یعنی وقتِ تهجد) می بیند (٢١٨). وگشتن تورا [٥] درمیان سجده کنندگان [٦] می بیند (٢١٩). هرآئینه وی همان شنوای دانا است (٢٢٠). آیا شمارا خبردهم که برچه کس شیطانان فرود می‌آیند (٢٢١). برهردروغگوی گنهکاری فرود می‌آیند (٢٢٢). گوش می‌نهند وبیشترین ایشان دروغ گویانند (٢٢٣). وشاعرانندکه از ایشان پیروی می‌کنند (٢٢٤). آیانمی بینی که ایشان درهرمیدانی سرگردان می شوند (٢٢٥). وآنکه ایشان آنچه می‌گویند نمی‌کنند [٧] (٢٢٦). مگرآنانکه ایمان آورده اند وعملهای شایسته کرده‌اند خداوند را بسیاریادکرده‌اند وپیروز گشتند بعد ازآنکه ستم دیده بودند وظالمان خواهند دانست که به کدام بازگشتگاه بازخواهند گشت (٢٢٧).

---

(٣) یعنی ازشنیدنِ کلام ملائکه.

(٤) یعنی تواضع کن.

(٥) یعنی ازقیام برکوع وازرکوع بسجود.

(٦) یعنی نمازگذاران.

(٧) یعنی بهر مضمون مبالغه می کنند.

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

طسٓۚ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡقُرۡءَانِ وَكِتَابٖ مُّبِينٍ ١ هُدٗى وَبُشۡرَىٰ
لِلۡمُؤۡمِنِينَ ٢ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم
بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ ٣ إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمۡ
أَعۡمَٰلَهُمۡ فَهُمۡ يَعۡمَهُونَ ٤ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَهُمۡ سُوٓءُ ٱلۡعَذَابِ
وَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ هُمُ ٱلۡأَخۡسَرُونَ ٥ وَإِنَّكَ لَتُلَقَّى ٱلۡقُرۡءَانَ مِن
لَّدُنۡ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ٦ إِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهۡلِهِۦٓ إِنِّيٓ ءَانَسۡتُ نَارٗا سَـَٔاتِيكُم
مِّنۡهَا بِخَبَرٍ أَوۡ ءَاتِيكُم بِشِهَابٖ قَبَسٖ لَّعَلَّكُمۡ تَصۡطَلُونَ ٧ فَلَمَّا جَآءَهَا
نُودِيَ أَنۢ بُورِكَ مَن فِي ٱلنَّارِ وَمَنۡ حَوۡلَهَا وَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ رَبِّ
ٱلۡعَٰلَمِينَ ٨ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّهُۥٓ أَنَا ٱللَّهُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٩ وَأَلۡقِ عَصَاكَۚ
فَلَمَّا رَءَاهَا تَهۡتَزُّ كَأَنَّهَا جَآنّٞ وَلَّىٰ مُدۡبِرٗا وَلَمۡ يُعَقِّبۡۚ يَٰمُوسَىٰ لَا تَخَفۡ
إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ ٱلۡمُرۡسَلُونَ ١٠ إِلَّا مَن ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسۡنَۢا بَعۡدَ
سُوٓءٖ فَإِنِّي غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١١ وَأَدۡخِلۡ يَدَكَ فِي جَيۡبِكَ تَخۡرُجۡ بَيۡضَآءَ مِنۡ
غَيۡرِ سُوٓءٖۖ فِي تِسۡعِ ءَايَٰتٍ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَقَوۡمِهِۦٓۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمٗا فَٰسِقِينَ
١٢ فَلَمَّا جَآءَتۡهُمۡ ءَايَٰتُنَا مُبۡصِرَةٗ قَالُواْ هَٰذَا سِحۡرٞ مُّبِينٞ ١٣

بنام خدای بخشاینده مهربان.

طسٓ. این ها آیاتِ قرآن وکتاب روشن است (۱). هدایت ومژده برای مسلمانان است (۲). آنانکه نماز را برپامیدارند و زکوٰة را میدهند وایشان به آخرت یقین میآورند (۳). آنانکه به آخرت ایمان نمی آورند برای ایشان کردارهای ایشان را آراستهایم پس ایشان سرگردان میشوند (٤). این جماعت آنانندکه برای ایشان سختیِ عذاب است وآنانند کهایشان درآخرت زیان کارترند (٥). وهرآئینه تو قرآن ازنزدِ خدای استوارکار دانا داده می شوی (٦). یادکُن آنگاه که موسیٰ باخانوادهاش گفت هرآئینه من آتشی دیده ام برای شماازآن خبری خواهم آورد یا برایتان شعله ای واخگری چند فرا گرفته خواهم آورد، باشد که شماگرمی حاصل کنید (۷). پس چون به آن آتش رسید به او ندا داده شد که برکت داده شد کسی را که درآتش است وکسی را که پیرامون آن است وپاکی برای خدای پروردگار جهانیان است [1] (۸). ای موسیٰ هرآئینه (سخن اینست که) منِ خدای غالب باحکمتم (۹). وبیفکن عصای خودرا پس چون دید که عصا میجنبدگویا وی ماریست پشت داده روی بگردانید وبازنگشت گفتیم ای موسیٰ مترس هرآئینه نزدِ من پیامبران نمی ترسند (۱۰). مگر آنکه ستم کرد بازبه عوض آن بعد از بدی نیکی کرد پس هرآئینه من آمرزندهٔ مهربانم (۱۱). ودستِ خودرا بگریبانِ خود درآر تاسفید بدون عیب بیرون آید (باین دونشانه که داخل اند) درنُه معجزه به سوی فرعون وقوم او برو هرآئینه ایشان گروه فاسقان بودند (۱۲). پس آنگاه که به ایشان نشانه هاي ماروشن شده آمد گفتند این سحر ظاهر است (۱۳).

(۱) مترجم گوید کسیکه درآتش است ملائکه که درآن نورمصور بصورت آتش بودند ملائکه دیگر که فرود تر ازایشان بودند والله اعلم.

وَجَحَدُوا۟ بِهَا وَٱسْتَيْقَنَتْهَآ أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا ۚ فَٱنظُرْ كَيْفَ
كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُفْسِدِينَ ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُۥدَ وَسُلَيْمَٰنَ عِلْمًا ۖ
وَقَالَا ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى فَضَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ ٱلْمُؤْمِنِينَ
﴿١٥﴾ وَوَرِثَ سُلَيْمَٰنُ دَاوُۥدَ ۖ وَقَالَ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ عُلِّمْنَا مَنطِقَ
ٱلطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِن كُلِّ شَىْءٍ ۖ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلْفَضْلُ ٱلْمُبِينُ ﴿١٦﴾
وَحُشِرَ لِسُلَيْمَٰنَ جُنُودُهُۥ مِنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ وَٱلطَّيْرِ فَهُمْ
يُوزَعُونَ ﴿١٧﴾ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَتَوْا۟ عَلَىٰ وَادِ ٱلنَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلنَّمْلُ ٱدْخُلُوا۟ مَسَٰكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَٰنُ وَجُنُودُهُۥ وَهُمْ
لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٨﴾ فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِىٓ
أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ ٱلَّتِىٓ أَنْعَمْتَ عَلَىَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَىَّ وَأَنْ أَعْمَلَ
صَٰلِحًا تَرْضَىٰهُ وَأَدْخِلْنِى بِرَحْمَتِكَ فِى عِبَادِكَ ٱلصَّٰلِحِينَ
﴿١٩﴾ وَتَفَقَّدَ ٱلطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِىَ لَآ أَرَى ٱلْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ
مِنَ ٱلْغَآئِبِينَ ﴿٢٠﴾ لَأُعَذِّبَنَّهُۥ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَا۟ذْبَحَنَّهُۥٓ
أَوْ لَيَأْتِيَنِّى بِسُلْطَٰنٍ مُّبِينٍ ﴿٢١﴾ فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ
أَحَطتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِۦ وَجِئْتُكَ مِن سَبَإٍۭ بِنَبَإٍ يَقِينٍ ﴿٢٢﴾

وانکار کردند آنهارا ازروی ستمکاری وتکبر و آنها را دلهای ایشان باور داشته بُود پس بنگر آخرکارِ مفسدان چگونه بود (١٤). وهرآئینه داود وسلیمان را علم دادیم وگفتند ستایش آن خدایی را است که مارا بربسیاری ازبندگان مومن خویش فضل داد (١٥). وسلیمان میراث‌بَر داود شد وگفت ای مردمان مارا گفتارِمرغان آموخته شد ومارا ازهر نعمتی داده شد هرآئینه این فضلِ ظاهر است (١٦). وبرای سلیمان لشکرهای او ازجن وآدمیان ومُرغان گِرد آورده شد پس این جماعت بعضی را تا رسیدن بعضی دیگرایستاد کرده می‌شدند (١٧). تاوقتیکه چون بمیدان موران رسیدند موری گفت اي مورچگان به خانه های خود درآیید تانادانسته شمارا سلیمان ولشکرهای او درهم نشکند (١٨). پس ازگفتارمورچه خندان تبسم کرد وگفت ای پروردگارمن الهام کن مرا که شکراین نعمت توکنم که انعام کرده ای برمن وبرپدرومادرِ من والهام کن مرا که بجا آورم کردارِ شایسته که به آن خشنود شوی وبه رحمتِ خود درزمرهٔ بندگانِ شایسته خویش مرا در آور(١٩). واحوال مرغان را جستجو کرد پس گفت چیست مرا که هدهد را نمی بینم یاهست ازغایب شدگان (٢٠). البته اورا عقوبت کنم عقوبت سخت یاالبته اورا ذبح کنم یا این است که پیش من حجتِ ظاهری بیارد (٢١). پس (هُدهد) مدتی نه چندان دِیر درنگ کرد پس گفت به چیزی احاطه یافته ام که (تو) به آن احاطه نداشته ای وپیش تواز قبیلهٔ سبا خبریقین آورده‌ام (٢٢).

إِنِّي وَجَدتُّ ٱمْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِن كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا
عَرْشٌ عَظِيمٌ ﴿٢٣﴾ وَجَدتُّهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ
مِن دُونِ ٱللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ أَعْمَٰلَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ ٱلسَّبِيلِ
فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٢٤﴾ أَلَّا يَسْجُدُوا۟ لِلَّهِ ٱلَّذِى يُخْرِجُ ٱلْخَبْءَ فِى
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿٢٥﴾ ٱللَّهُ
لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ ۩ ﴿٢٦﴾ ۞ قَالَ سَنَنظُرُ
أَصَدَقْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ ٱلْكَٰذِبِينَ ﴿٢٧﴾ ٱذْهَب بِّكِتَٰبِى هَٰذَا
فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَٱنظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾ قَالَتْ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلْمَلَؤُا۟ إِنِّىٓ أُلْقِىَ إِلَىَّ كِتَٰبٌ كَرِيمٌ ﴿٢٩﴾ إِنَّهُۥ مِن سُلَيْمَٰنَ وَإِنَّهُۥ
بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ﴿٣٠﴾ أَلَّا تَعْلُوا۟ عَلَىَّ وَأْتُونِى مُسْلِمِينَ ﴿٣١﴾
قَالَتْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلْمَلَؤُا۟ أَفْتُونِى فِىٓ أَمْرِى مَا كُنتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّىٰ
تَشْهَدُونِ ﴿٣٢﴾ قَالُوا۟ نَحْنُ أُو۟لُوا۟ قُوَّةٍ وَأُو۟لُوا۟ بَأْسٍ شَدِيدٍ وَٱلْأَمْرُ
إِلَيْكِ فَٱنظُرِى مَاذَا تَأْمُرِينَ ﴿٣٣﴾ قَالَتْ إِنَّ ٱلْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا۟ قَرْيَةً
أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوٓا۟ أَعِزَّةَ أَهْلِهَآ أَذِلَّةً ۖ وَكَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٣٤﴾
وَإِنِّى مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِم بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌۢ بِمَ يَرْجِعُ ٱلْمُرْسَلُونَ ﴿٣٥﴾

سجدة
ثلاثة أرباع الحزب ٣٨

هرآئینه من یافتم که زنی برایشان پادشاهی میکند و اورا ازهر نعمتی داده شده است واورا تختی بزرگ است (۲۳). یافتم که او و قوم او خورشید را به جای خدا سجده می کنند وشیطان برای ایشان کردارهای ایشانرا آراسته است پس ایشان را ازراه بازداشت پس ایشان راه نمی‌یابند (۲٤). (به آن سو) که سجده کنند آن خدای را که پوشیده را بیرون می‌آرد که درآسمانها وزمین است ومی داندآنچه پنهان می داریدوآنچه آشکار می‌کنید (۲۵). خداآنست که هیچ معبودِ برحقی غیراو نیست پروردگارِ عرشِ بزرگ است (۲٦). سلیمان گفت خواهیم دید آیا راست گفتی یاهستی ازدروغ گویان (۲۷). این نامه مرا ببر پس بینداز آنرا به سوی ایشان باز روی بگردان ازایشان پس بنگر چه پاسخی بازمی دهند (۲۸). هرآئینه به سوی من نامه ای گرامی انداخته شد (۲۹). هرآئینه این نامه ازجانب سلیمان است وهرآئینه این نامه بنام خدای بخشاینده مهربان است (۳۰). (بااین مضمون) که برمن تکبر مکنید وپیش من مسلمان شده بیایید (۳۱). (بلقیس) گفت ای جماعت اشراف درکارم مرانظر دهید، من فیصله کننده هیچ کاری نبوده ام تاوقتیکه شما پیش من حاضر نشوید (۳۲). گفتند ماخداوندانِ توانایی هستیم وخداوندانِ کارزارِ سختیم وتدبیر کار مفوض با تُست پس بنگرچه فرمان می دهی (۳۳). گفت هرآئینه پادشاهان چون بدهی درآیند آنرا خراب می‌کنند و عزیزترین اهل آن را خوارترین میگردانند وهمچنین می کنند (۳٤). وهرآئینه من فرستنده‌ام به سوی ایشان تحفه ای‌پس بینندهٔام به چه چیز فرستادگان بازمی‌آیند (۳۵).

فَلَمَّا جَآءَ سُلَيۡمَٰنَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٖ فَمَآ ءَاتَىٰنِۦَ ٱللَّهُ خَيۡرٞ مِّمَّآ
ءَاتَىٰكُمۚ بَلۡ أَنتُم بِهَدِيَّتِكُمۡ تَفۡرَحُونَ ٣٦ ٱرۡجِعۡ إِلَيۡهِمۡ فَلَنَأۡتِيَنَّهُم
بِجُنُودٖ لَّا قِبَلَ لَهُم بِهَا وَلَنُخۡرِجَنَّهُم مِّنۡهَآ أَذِلَّةٗ وَهُمۡ صَٰغِرُونَ ٣٧
قَالَ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَؤُاْ أَيُّكُمۡ يَأۡتِينِي بِعَرۡشِهَا قَبۡلَ أَن يَأۡتُونِي مُسۡلِمِينَ
٣٨ قَالَ عِفۡرِيتٞ مِّنَ ٱلۡجِنِّ أَنَا۠ ءَاتِيكَ بِهِۦ قَبۡلَ أَن تَقُومَ مِن مَّقَامِكَۖ
وَإِنِّي عَلَيۡهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٞ ٣٩ قَالَ ٱلَّذِي عِندَهُۥ عِلۡمٞ مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ أَنَا۠
ءَاتِيكَ بِهِۦ قَبۡلَ أَن يَرۡتَدَّ إِلَيۡكَ طَرۡفُكَۚ فَلَمَّا رَءَاهُ مُسۡتَقِرًّا عِندَهُۥ
قَالَ هَٰذَا مِن فَضۡلِ رَبِّي لِيَبۡلُوَنِيٓ ءَأَشۡكُرُ أَمۡ أَكۡفُرُۖ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا
يَشۡكُرُ لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيّٞ كَرِيمٞ ٤٠ قَالَ نَكِّرُواْ لَهَا
عَرۡشَهَا نَنظُرۡ أَتَهۡتَدِيٓ أَمۡ تَكُونُ مِنَ ٱلَّذِينَ لَا يَهۡتَدُونَ ٤١ فَلَمَّا
جَآءَتۡ قِيلَ أَهَٰكَذَا عَرۡشُكِۖ قَالَتۡ كَأَنَّهُۥ هُوَۚ وَأُوتِينَا ٱلۡعِلۡمَ مِن قَبۡلِهَا
وَكُنَّا مُسۡلِمِينَ ٤٢ وَصَدَّهَا مَا كَانَت تَّعۡبُدُ مِن دُونِ ٱللَّهِۖ إِنَّهَا كَانَتۡ مِن
قَوۡمٖ كَٰفِرِينَ ٤٣ قِيلَ لَهَا ٱدۡخُلِي ٱلصَّرۡحَۖ فَلَمَّا رَأَتۡهُ حَسِبَتۡهُ لُجَّةٗ
وَكَشَفَتۡ عَن سَاقَيۡهَاۚ قَالَ إِنَّهُۥ صَرۡحٞ مُّمَرَّدٞ مِّن قَوَارِيرَۗ قَالَتۡ رَبِّ
إِنِّي ظَلَمۡتُ نَفۡسِي وَأَسۡلَمۡتُ مَعَ سُلَيۡمَٰنَ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٤٤

پس چون آن فرستاده پیش سلیمان آمد گفت (سلیمان) آیا امداد می کنید مرابمالی پس آنچه خدای تعالی مرا عطا کرده است بهتر است ازآنچه شما را عطا کرده است بلکه شما بتحفهٔ خویش شادمان می‌شوید (۳٦). باز گرد به سوی ایشان پس البته (برای مقابله) با آنان سپاهیان خواهیم آورد که ایشان را طاقت بمقابلهٔ آن نباشد البته ایشان را ازدِه خوارو رسواشدگان بیرون کنیم وایشان خوارباشند (۳۷). گفت [۲] سلیمان ای اعیان دربار کدام یك ازشما پیش من تخت اورا پیش ازآن که نزدِ من مسلمان شده بیایند می‌آورد (۳۸). تَهمتَنی ازجن گفت من بیارمش نزدِ تو پیش ازآنکه برخیزی ازجای خود وهرآئینه من برآن عرش توانای باامانتم (۳۹). گفت شخصی که نزدِ او ازکتاب الهی علم بود من نزد تو بیارمش پیش ازآنکه به سوی تو چشم تو بازگردد پس چون سلیمان آنرا قرارگرفته نزدیك خویش دید گفت این خارق عادت ازفضل پروردگار من است تاامتحان کند مرا آیا شکرگزاری می کنم یاناسپاسی می نمایم وهرکه شکر گزاری کند پس جزاین نیست که شکر گزاری میکند برای نفع خویش وهرکه ناسپاسی کرد پس پروردگار من بی نیاز کَرَم کننده است (٤٠). (سلیمان) گفت برای امتحان این زن تخت اورا متغیر سازید بنگریم آیاراهِ شناخت می یابد یامی‌شود ازآنانکه راه نمی یابند (٤١). پس چون (بلقیس) بیامد گفته شدآیاچنین است تخت توگفت گویا وی همان است وداده شد مارادانش (به حقانیت سلیمان) پیش ازاین امر وفرمانبردار بودیم (٤٢). وسلیمان آن [۳] زن را ازآنچه بجز خدا عبادت می‌کرد بازداشت هرآئینه وی ازگروه کافران بود (٤٣). به آن (زن) گفته شد که درآی به این قصر پس چون آنرا دید حوض آب پنداشتش وازدوساق خود جامه برداشت گفت سلیمان این است قصری بی نقش وساده درخشان ساخته شده ازشیشه گفت (بلقیس) ای پروردگار من هرآئینه من ستم کرده‌ام برخویش وهمراه سلیمان برای خدا پروردگار جهانیان اسلام آوردم (٤٤).

(۲) مترجم گوید سلیمان علیه السلام خواست که بلقیس را معجزه نماید وعقل وجمال اورا ادراك فرماید تاآگر مناسب داند بنکاح در آرد، پس تدبیري ساخت والله اعلم.

(۳) مترجم سلیمان علیه السلام را فاعل صدّها قرار داده است واکثر مفسرین می گویند که فاعل صدّها «ما» «المصدریه یاالموصوله» است ومعنی آیت اینطور میشود که بازداشت آن زن را ازعبادت خداآنچه عبادت میکرد غیر از خدا والله اعلم مصحح.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَآ إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَٰلِحًا أَنِ ٱعْبُدُواْ ٱللَّهَ
فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٥﴾ قَالَ يَٰقَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ
بِٱلسَّيِّئَةِ قَبْلَ ٱلْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمْ
تُرْحَمُونَ ﴿٤٦﴾ قَالُواْ ٱطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَ قَالَ طَٰٓئِرُكُمْ
عِندَ ٱللَّهِ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ ﴿٤٧﴾ وَكَانَ فِى ٱلْمَدِينَةِ
تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿٤٨﴾
قَالُواْ تَقَاسَمُواْ بِٱللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُۥ وَأَهْلَهُۥ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِۦ
مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِۦ وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ ﴿٤٩﴾ وَمَكَرُواْ
مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٠﴾ فَٱنظُرْ
كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَّا دَمَّرْنَٰهُمْ وَقَوْمَهُمْ
أَجْمَعِينَ ﴿٥١﴾ فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةًۢ بِمَا ظَلَمُوٓاْ إِنَّ
فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٥٢﴾ وَأَنجَيْنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ﴿٥٣﴾ وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِۦٓ أَتَأْتُونَ
ٱلْفَٰحِشَةَ وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ ﴿٥٤﴾ أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ ٱلرِّجَالَ
شَهْوَةً مِّن دُونِ ٱلنِّسَآءِ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿٥٥﴾

به راستی به سوی ثمود برادرایشان صالح را فرستادیم که خدارا عبادت کنید پس ناگهان آن قوم دوگروه شدند بایکدیگر خصومت می کردند (٤٥). (صالح) گفت ای قوم من چرا سختی را پیش از راحتی شتابان طلب می کنید چرا ازخدا طلب آمرزش نمی کنید باشد که برشما رحم کرده شود (٤٦). گفتند ازتو و ازآنانکه همراه توهستند شگون بد گرفتیم گفت شگون بدشما نزدِ خداست [٤] بلکه شما قومی هستید که امتحان کرده می‌شوید (٤٧). ودرآن شهر نُه گروه بودند که درزمین فساد می کردند واصلاح نمی نمودند (٤٨). بایك دیگر قسم خداخورده، گفتند که البته برصالح واهل خانه او شبیخون زنیم باز البته وارث اورا خواهیم گفت که وقت هلاك شدن اهل او حاضر نبودیم وهرآئینه ماراست گوییم (٤٩). وحیله کردند بنوعی از حیله وتدبیر کردیم مانوعی ازتدبیر وایشان نمی‌دانستند (٥٠). پس بنگر چگونه بودسرانجام حیلهٔ ایشان که ما ایشان وقوم ایشان همگی را هلاك کردیم (٥١). پس این است خانه های ایشان خالی مانده به سبب ظلم ایشان هرآئینه درین ماجرا نشانه ای هست گروهی راکه میدانند (٥٢). وآنان را که ایمان آوردند وپرهیز گاری می‌کردند نجات دادیم (٥٣). وفرستادیم لوط راچون گفت به قوم خود آیا بعمل می آورید کار بی‌حیایی را وشما می بینید (٥٤). آیا شما به جای زنان با مردان به ارادهٔ شهوت می‌آیید بلکه شما قومی نادانید (٥٥).

(٤) یعنی مصائب بروفق تقدیر الهی جاری میشود.

۞ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوۡمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ أَخۡرِجُوٓاْ ءَالَ
لُوطٖ مِّن قَرۡيَتِكُمۡۖ إِنَّهُمۡ أُنَاسٞ يَتَطَهَّرُونَ ٥٦ فَأَنجَيۡنَٰهُ
وَأَهۡلَهُۥٓ إِلَّا ٱمۡرَأَتَهُۥ قَدَّرۡنَٰهَا مِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ ٥٧ وَأَمۡطَرۡنَا
عَلَيۡهِم مَّطَرٗاۖ فَسَآءَ مَطَرُ ٱلۡمُنذَرِينَ ٥٨ قُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ
وَسَلَٰمٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ ٱلَّذِينَ ٱصۡطَفَىٰٓۗ ءَآللَّهُ خَيۡرٌ أَمَّا يُشۡرِكُونَ
٥٩ أَمَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ
مَآءٗ فَأَنۢبَتۡنَا بِهِۦ حَدَآئِقَ ذَاتَ بَهۡجَةٖ مَّا كَانَ لَكُمۡ أَن
تُنۢبِتُواْ شَجَرَهَآۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ بَلۡ هُمۡ قَوۡمٞ يَعۡدِلُونَ ٦٠
أَمَّن جَعَلَ ٱلۡأَرۡضَ قَرَارٗا وَجَعَلَ خِلَٰلَهَآ أَنۡهَٰرٗا وَجَعَلَ
لَهَا رَوَٰسِيَ وَجَعَلَ بَيۡنَ ٱلۡبَحۡرَيۡنِ حَاجِزًاۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ
بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٦١ أَمَّن يُجِيبُ ٱلۡمُضۡطَرَّ إِذَا
دَعَاهُ وَيَكۡشِفُ ٱلسُّوٓءَ وَيَجۡعَلُكُمۡ خُلَفَآءَ ٱلۡأَرۡضِۗ
أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ قَلِيلٗا مَّا تَذَكَّرُونَ ٦٢ أَمَّن يَهۡدِيكُمۡ فِي
ظُلُمَٰتِ ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ وَمَن يُرۡسِلُ ٱلرِّيَٰحَ بُشۡرَۢا بَيۡنَ يَدَيۡ
رَحۡمَتِهِۦٓۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ تَعَٰلَى ٱللَّهُ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٦٣

پس جواب قوم او نبود مگر آنکه گفتند اهل خانهٔ لوط را از دهِ خویش بیرون کنید هرآئینه ایشان مردماني پاكيزه طلبند (٥٦). پس اورا وخانواده اش را نجات داديم مگر زنش كه اورا ازباقی ماندگان تعیین کردیم (٥٧). برسرایشان بارانی (بلا) بارانیدیم پس باران ترساننده شدگان بَدَست (٥٨). بگوسپاس خدای راست وسلام برآن بندگانِ اوكه ايشان را برگزیده است آیاخدابهتر است یاآنچه شریك می آورند (٥٩). (نه بلكه می پرسیم) كیست آنكه آسمانها وزمين را آفريده وبراى شما ازآسمان آبی فرودآورده پس رویانیدیم به (سبب) آن بوستانهایی را با تازگی ممکن نبود شمارا که درخت‌های آن را برویانید آیا معبودی هست با خدا بلكه ایشان گروهی‌اند که کج میروند (٦٠). (نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه ساخت زمین را قرارگاهی وپیداکرد درمیان زمین جویها وبرای زمین کوه ها بیافرید ومیان دودریا حجابی را بیافرید آیامعبودی دیگر باخدا هست بلكه بیشترین ایشان نمی دانند (٦١). (نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه قبول می کند (دعای شخص) درمانده را چون بخواندش وسختی را بردارد وشمارا جانشین نخستینیان درزمین بسازد آیامعبودی دیگر باخدا هست اندکی پند می‌پذیرید (٦٢). (نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه شمارا درتاریکی های بیابان ودریا راه می نماید وچه کسی بادها را مژده دهنده پیش دستِ رحمت خود می‌فرستد آیا معبودی باخدا هست خدا ازآنكه شريك می‌گیرند برتراست (٦٣).

أَمَّن يَبْدَؤُاْ ٱلْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ وَمَن يَرْزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِۗ
أَءِلَٰهٌ مَّعَ ٱللَّهِۚ قُلْ هَاتُواْ بُرْهَٰنَكُمْ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٦٤﴾ قُل
لَّا يَعْلَمُ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ٱلْغَيْبَ إِلَّا ٱللَّهُۚ وَمَا يَشْعُرُونَ
أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿٦٥﴾ بَلِ ٱدَّٰرَكَ عِلْمُهُمْ فِي ٱلْأٓخِرَةِۚ بَلْ هُمْ فِي
شَكٍّ مِّنْهَاۖ بَلْ هُم مِّنْهَا عَمُونَ ﴿٦٦﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَءِذَا
كُنَّا تُرَٰبًا وَءَابَآؤُنَآ أَئِنَّا لَمُخْرَجُونَ ﴿٦٧﴾ لَقَدْ وُعِدْنَا هَٰذَا
نَحْنُ وَءَابَآؤُنَا مِن قَبْلُ إِنْ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٦٨﴾
قُلْ سِيرُواْ فِي ٱلْأَرْضِ فَٱنظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُجْرِمِينَ
﴿٦٩﴾ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُن فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ ﴿٧٠﴾
وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٧١﴾ قُلْ عَسَىٰٓ
أَن يَكُونَ رَدِفَ لَكُم بَعْضُ ٱلَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ﴿٧٢﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ
لَذُو فَضْلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَإِنَّ
رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٤﴾ وَمَا مِنْ غَآئِبَةٍ
فِي ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَٰبٍ مُّبِينٍ ﴿٧٥﴾ إِنَّ هَٰذَا ٱلْقُرْءَانَ
يَقُصُّ عَلَىٰ بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ أَكْثَرَ ٱلَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٧٦﴾

(نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه آفرینش راآغاز می‌کند باز دگر بار بازگرداندش وکیست آنکه شمارا ازآسمان وزمین روزی می‌دهد آیا معبودی باخدا هست بگو حجت خودرا اگرراست گویید بیاورید (٦٤). بگو هرکس که درآسمانها وزمین است غیب را نمیداند مگر خدا ونمیدانند که کی برانگیخته شوند (٦٥). بلکه پی درپی متوجه شد علم ایشان دربارهٔ (روز) آخرت تدریجا برباد رفت [٥] بلکه ایشان از (روز) آخرت درشك هستند بلکه ایشان ازآخرت نابینایند (٦٦). و کافران گفتند آیاچون خاك شویم وپدران ما نیز آیا ما بیرون آورده شدگانیم (یعنی ازقبور) (٦٧). به راستی ما وپدرانِ مارا پیش ازین به این امر وعده داده شد، نیست این مگر افسانه های پیشینیان (٦٨). بگو درزمین بگردید پس بنگرید سر انجام کارگنهکاران چگونه بُود (٦٩). و برایشان اندوه مخور و درتنگدلی ازمکرِبَدِ ایشان مباش (٧٠). ومی گویند کی خواهد بود این وعده اگرراست گویید (٧١). بگوشاید برخی از آنچه راکه به شتاب می طلبید [٦] به شما نزدیك شده باشد (٧٢). وهرآئینه پروردگارتو برمردمان خداوند فضل است ولیکن بیشترین ایشان شکر نمی کنند (٧٣). وهرآئینه پروردگارتو آنچه راکه سینه‌های ایشان پنهان می‌کنند وآنچه راکه ظاهر می نمایند میداند (٧٤). ونیست هیچ پوشیده‌ای درآسمان وزمین مگر درکتاب روشن نوشته است (٧٥). هرآئینه این قرآن بر بنی اسرائیل بیشتر آنچه ایشان درآن اختلاف می ورزند بیان می‌کند(٧٦).

---

(٥) یعنی تابه آنکه منقطع گشت.

(٦) یعنی عقوبتِ دنیا.

وَإِنَّهُۥ لَهُدًى وَرَحۡمَةٌ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٧٧﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَقۡضِي بَيۡنَهُم بِحُكۡمِهِۦۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿٧٨﴾ فَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۖ إِنَّكَ عَلَى ٱلۡحَقِّ ٱلۡمُبِينِ ﴿٧٩﴾ إِنَّكَ لَا تُسۡمِعُ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَلَا تُسۡمِعُ ٱلصُّمَّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوۡاْ مُدۡبِرِينَ ﴿٨٠﴾ وَمَآ أَنتَ بِهَٰدِي ٱلۡعُمۡيِ عَن ضَلَٰلَتِهِمۡۖ إِن تُسۡمِعُ إِلَّا مَن يُؤۡمِنُ بِـَٔايَٰتِنَا فَهُم مُّسۡلِمُونَ ﴿٨١﴾ ۞ وَإِذَا وَقَعَ ٱلۡقَوۡلُ عَلَيۡهِمۡ أَخۡرَجۡنَا لَهُمۡ دَآبَّةً مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ تُكَلِّمُهُمۡ أَنَّ ٱلنَّاسَ كَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿٨٢﴾ وَيَوۡمَ نَحۡشُرُ مِن كُلِّ أُمَّةٖ فَوۡجٗا مِّمَّن يُكَذِّبُ بِـَٔايَٰتِنَا فَهُمۡ يُوزَعُونَ ﴿٨٣﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُو قَالَ أَكَذَّبۡتُم بِـَٔايَٰتِي وَلَمۡ تُحِيطُواْ بِهَا عِلۡمًا أَمَّاذَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿٨٤﴾ وَوَقَعَ ٱلۡقَوۡلُ عَلَيۡهِم بِمَا ظَلَمُواْ فَهُمۡ لَا يَنطِقُونَ ﴿٨٥﴾ أَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّا جَعَلۡنَا ٱلَّيۡلَ لِيَسۡكُنُواْ فِيهِ وَٱلنَّهَارَ مُبۡصِرًاۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ﴿٨٦﴾ وَيَوۡمَ يُنفَخُ فِي ٱلصُّورِ فَفَزِعَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا مَن شَآءَ ٱللَّهُۚ وَكُلٌّ أَتَوۡهُ دَٰخِرِينَ ﴿٨٧﴾ وَتَرَى ٱلۡجِبَالَ تَحۡسَبُهَا جَامِدَةٗ وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ ٱلسَّحَابِۚ صُنۡعَ ٱللَّهِ ٱلَّذِيٓ أَتۡقَنَ كُلَّ شَيۡءٍۚ إِنَّهُۥ خَبِيرُۢ بِمَا تَفۡعَلُونَ ﴿٨٨﴾

وهرآئینه وی برای مسلمانان هدایت ورحمت است (۷۷). هرآئینه پروردگار تومیان ایشان به حکم خود فیصله کند واو غالب دانا است (۷۸). پس برخدا توکل کن هرآئینه تو بردین راست روشن هستی (۷۹). هرآئینه تو مردگان را نمی توانی شنوَانید وکران را آواز نمی توانی شنوانید وقتیکه پشت داده روی بگردانند (۸۰). ونیستی تو راه نماینده ٔ کوران تا از گمراهی خویش بازآیند نمی شنوانی مگر کسی را که به آیه‌های‌ما ایمان آورده است پس این جماعت گردن نهندگانند (۸۱). وچون وعده ٔ عذاب برایشان متحقق شود برای ایشان جانوری اززمین بیرون می آوریم که سخن گوید به ایشان به آنکه مردمان بآیاتِ مایقین نمی آوردند (۸۲). وآن روز که از هرامتی طائفه‌ای را ازآنانکه آیات مارا دروغ می شمردند برانگیزیم پس بعضی را ازایشان تارسیدنِ بعضی دیگر ایستاده کرده میشود (۸۳). تا آن وقتیکه چون حاضر آیند خدا گوید آیا آیاتِ مرا تکذیب کردید و به آن ازروی دانش درنگرفته بودید یاچه کار می‌کردید (۸٤). وعده ٔ عذاب برایشان ثابت شد بسبب ستم کردن ایشان پس آن جماعت سخن نگویند (۸٥). آیا ندیده‌اند که ما شب را تا درآن آرام گیرند پیدا کرده ایم وروز را روشن پیدا کرده ایم هرآئینه درین امر نشانه هاست برای قومی که باورمی دارند (۸٦). ویادکن آن روز را که در صور دمیده می شود پس آنانکه درآسمانهایند وآنانکه درزمین‌اند هراسان گردند مگر کسیکه خدا خواسته است وهمه پیش خدا خوارشده بیایند (۸۷). وببینی کوهها را آنهارا برجای ایستاده پنداری حال‌آنکه آنهامی‌روند مانند رفتنِ ابر آفرینش آن خدایی که هرچیز را استوار ساخت هرآئینه وی به آنچه می کنید خبرداراست(۸۸).

مَن جَآءَ بِٱلۡحَسَنَةِ فَلَهُۥ خَيۡرٞ مِّنۡهَا وَهُم مِّن فَزَعٖ يَوۡمَئِذٍ ءَامِنُونَ ﴿٨٩﴾ وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَكُبَّتۡ وُجُوهُهُمۡ فِي ٱلنَّارِ هَلۡ تُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّمَآ أُمِرۡتُ أَنۡ أَعۡبُدَ رَبَّ هَٰذِهِ ٱلۡبَلۡدَةِ ٱلَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُۥ كُلُّ شَيۡءٖۖ وَأُمِرۡتُ أَنۡ أَكُونَ مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ﴿٩١﴾ وَأَنۡ أَتۡلُوَاْ ٱلۡقُرۡءَانَۖ فَمَنِ ٱهۡتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهۡتَدِي لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن ضَلَّ فَقُلۡ إِنَّمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُنذِرِينَ ﴿٩٢﴾ وَقُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ فَتَعۡرِفُونَهَاۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ﴿٩٣﴾

سُورَةُ القَصَصِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

طسٓمٓ ﴿١﴾ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُبِينِ ﴿٢﴾ نَتۡلُواْ عَلَيۡكَ مِن نَّبَإِ مُوسَىٰ وَفِرۡعَوۡنَ بِٱلۡحَقِّ لِقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ فِرۡعَوۡنَ عَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَجَعَلَ أَهۡلَهَا شِيَعٗا يَسۡتَضۡعِفُ طَآئِفَةٗ مِّنۡهُمۡ يُذَبِّحُ أَبۡنَآءَهُمۡ وَيَسۡتَحۡيِۦ نِسَآءَهُمۡۚ إِنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ﴿٤﴾ وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى ٱلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَنَجۡعَلَهُمۡ أَئِمَّةٗ وَنَجۡعَلَهُمُ ٱلۡوَٰرِثِينَ ﴿٥﴾

هرکس که نیکی بیاورد پس اورا بهتر ازآن باشد وایشان ازخوفناکی آن روز ایمن باشند (۸۹). وهرکس که بدی بیاورد چهره های ایشان درآتش نگونسار کرده شود جزا داده نمی‌شوید مگر دربرابر آنچه که عمل می کردید (۹۰). (یا محمد) بگو جزاین نیست که مرا فرموده شدکه خداونداین شهر را (یعنی مکه را) عبادت کنم آنکه آنرا محترم ساخت و هر چیز بتصرّف اوست، ومرا فرموده شد که از مسلمانان باشم (۹۱). وفرموده شدآنکه قرآن را بخوانم پس هرکس که راه یافت پس جزاین نیست که برای نفع خویشتن راه می یابد وهرکه گمراه شد بگو جزاین نیست که من ازبیم کنندگانم (۹۲). وبگوستایش خدای راست که شمارا آیاتِ خود خواهد نمود پس آنهارا بشناسید و پروردگار تو بی خبر ازآنچه می کنید نیست (۹۳).

سوره قصص مکی است وآن هشتادوهشت آیه ونه رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

طسٓمٓ (۱). این آیات کتاب روشن است (۲). از خبرِ موسیٰ وفرعون برای گروهی که باورمیدارند به راستی برتومی‌خوانیم (۳). هرآئینه فرعون درزمین تکبرکرد و اهل آن راگروه گروه ساخت جماعتی را ازایشان زبون می‌گرفت، پسران ایشان را می کُشت و دختران ایشان را زنده می گذاشت هرآئینه وی از مفسدان بود (٤). ومی خواهیم برآنان که زبون گرفته شده‌اند درزمین منّت نهیم ایشان را نعمت فراوان دهیم و ایشان را پیشواسازیم وایشان را وارث کنیم (٥).

وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي ٱلْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَٰمَٰنَ وَجُنُودَهُمَا
مِنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَحْذَرُونَ ﴿٦﴾ وَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰٓ أُمِّ مُوسَىٰٓ
أَنْ أَرْضِعِيهِ ۖ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي ٱلْيَمِّ وَلَا تَخَافِي
وَلَا تَحْزَنِيٓ ۖ إِنَّا رَآدُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿٧﴾
فَٱلْتَقَطَهُۥٓ ءَالُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا ۗ إِنَّ
فِرْعَوْنَ وَهَٰمَٰنَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا۟ خَٰطِـِٔينَ ﴿٨﴾
وَقَالَتِ ٱمْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنٍ لِّي وَلَكَ ۖ لَا تَقْتُلُوهُ
عَسَىٰٓ أَن يَنفَعَنَآ أَوْ نَتَّخِذَهُۥ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾
وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَٰرِغًا ۖ إِن كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِۦ لَوْلَآ
أَن رَّبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠﴾ وَقَالَتْ
لِأُخْتِهِۦ قُصِّيهِ ۖ فَبَصُرَتْ بِهِۦ عَن جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ
﴿١١﴾ ۞ وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ ٱلْمَرَاضِعَ مِن قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ
عَلَىٰٓ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُۥ لَكُمْ وَهُمْ لَهُۥ نَٰصِحُونَ
﴿١٢﴾ فَرَدَدْنَٰهُ إِلَىٰٓ أُمِّهِۦ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ
أَنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣﴾

وایشان را درزمین دسترس دهیم وفرعون وهامان ولشکرهای ایشان را از زبون گرفتگان آنچه می ترسیدند بنماییم (٦). والهام فرستادیم به سوی مادرموسیٰ اینکه شیربده اورا پس چون بروَی بترسی اورا در دریا بینداز ومترس واندوه مخور هرآئینه ما به سوی تو بازرسانندهٔ اوهستیم واورا ازپیامبران گرداننده‌ایم (۷). پس آن را اهل خانهٔ فرعون برگرفتند تاآخر کار برای ایشان دشمن وسبب اندوه شود هرآئینه فرعون وهامان ولشکرهای ایشان خطا کننده بودند (۸). وزن فرعون گفت این طفل برای من وتو خنکی چشم است اورا مکشید بُوَد که مارا نفع دهد یا اورا فرزند گیریم وایشان حقیقت حال را نمی دانستند (۹). ودل مادر موسیٰ از صبر خالی گشت هرآئینه نزدیك بود که آن قصّه را آشکار کند اگرمانمی بستیم بردل اورشته [1] ای تا از باور دارندگان باشد (۱۰). و به خواهرش گفت به دنبالش برو پس اورا ازدوردید در حالیکه قوم فرعون نمی دانستند (۱۱). وپیش از (آمدن) خواهر موسی شیرهمه دایگان را بر موسی حرام ساختیم پس خواهرش گفت آیا شما را براهل خانه‌ای که خبرداری این طفل کنند برای شما راهنمایم وایشان برای اونیك خواهانند (۱۲). پس اورا به سوی مادراو بازگردانیدیم تا چشم وی خنك شود واندوه نخورد وتابداند که وعده خدا راست است ولیکن بیشترین مردمان نمی دانند (۱۳).

(۱) یعنی صبر نمی دادیم.

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُۥ وَٱسۡتَوَىٰٓ ءَاتَيۡنَٰهُ حُكۡمٗا وَعِلۡمٗاۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿١٤﴾ وَدَخَلَ ٱلۡمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ غَفۡلَةٖ مِّنۡ أَهۡلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيۡنِ يَقۡتَتِلَانِ هَٰذَا مِن شِيعَتِهِۦ وَهَٰذَا مِنۡ عَدُوِّهِۦۖ فَٱسۡتَغَٰثَهُ ٱلَّذِي مِن شِيعَتِهِۦ عَلَى ٱلَّذِي مِنۡ عَدُوِّهِۦ فَوَكَزَهُۥ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيۡهِۖ قَالَ هَٰذَا مِنۡ عَمَلِ ٱلشَّيۡطَٰنِۖ إِنَّهُۥ عَدُوّٞ مُّضِلّٞ مُّبِينٞ ﴿١٥﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمۡتُ نَفۡسِي فَٱغۡفِرۡ لِي فَغَفَرَ لَهُۥٓۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٦﴾ قَالَ رَبِّ بِمَآ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ فَلَنۡ أَكُونَ ظَهِيرٗا لِّلۡمُجۡرِمِينَ ﴿١٧﴾ فَأَصۡبَحَ فِي ٱلۡمَدِينَةِ خَآئِفٗا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا ٱلَّذِي ٱسۡتَنصَرَهُۥ بِٱلۡأَمۡسِ يَسۡتَصۡرِخُهُۥۚ قَالَ لَهُۥ مُوسَىٰٓ إِنَّكَ لَغَوِيّٞ مُّبِينٞ ﴿١٨﴾ فَلَمَّآ أَنۡ أَرَادَ أَن يَبۡطِشَ بِٱلَّذِي هُوَ عَدُوّٞ لَّهُمَا قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ أَتُرِيدُ أَن تَقۡتُلَنِي كَمَا قَتَلۡتَ نَفۡسَۢا بِٱلۡأَمۡسِۖ إِن تُرِيدُ إِلَّآ أَن تَكُونَ جَبَّارٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا تُرِيدُ أَن تَكُونَ مِنَ ٱلۡمُصۡلِحِينَ ﴿١٩﴾ وَجَآءَ رَجُلٞ مِّنۡ أَقۡصَا ٱلۡمَدِينَةِ يَسۡعَىٰ قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّ ٱلۡمَلَأَ يَأۡتَمِرُونَ بِكَ لِيَقۡتُلُوكَ فَٱخۡرُجۡ إِنِّي لَكَ مِنَ ٱلنَّٰصِحِينَ ﴿٢٠﴾ فَخَرَجَ مِنۡهَا خَآئِفٗا يَتَرَقَّبُۖ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢١﴾

وچون بنهایت جوانی خود رسید ودرست اندام شد اورا حکمت ودانش دادیم ونیکوکاران را همچنین پاداش می‌دهیم (١٤). ودر شهر بروقت بیخبری اهل آن درآمد پس آنجا دو شخص را که بایکدیگر جنگ می کردند یافت آن یك ازقوم موسیٰ بود وآن دیگر ازدشمنان وی پس طلب کمك کرد شخصی که ازقوم او بود برآن دیگری که ازدشمنانش بود پس اورا موسیٰ مشت زد پس بکشتش گفت این ازکارِ شیطان است هرآئینه شیطان دشمن گمراه کنندهٔ آشکاراست (١٥). گفت ای پروردگارم هرآئینه من برخویش ستم کردم پس مرا بیامرز پس بیامرزیدش هرآئینه وی آمرزندهٔ مهربان است (١٦). گفت ای پروردگار من بحق انعام کردنِ تو برمن هرگز مددکار گنهکاران نخواهم بُود (١٧). پس گشت کرد درشهر ترسان ونگران (از مجازات) پس ناگهان شخصی که ازاو دیروز کمك طلب کرده بود باز به فریاد رسی میخواندش موسیٰ به أو گفت هرآئینه توگمراه آشکاری (١٨). پس چون خواست که دست دراز کند به شخصی که وی دشمن موسیٰ ودشمن فریادکننده بودگفت فریاد کننده ای موسیٰ آیامیخواهی که مرا بکشی چنانکه شخصی را دیروز کشتی نمی‌خواهی مگر آنکه درزمین ستمکاری باشی ونمی‌خواهی که از نیکوکاران [۲] باشی (١٩). وشخصی ازآخر شهر شتابان آمد گفت ای موسیٰ هرآئینه رئیسان مشورت می کنند درحق تو تا تورا بکشند پس بیرون روهرآئینه من برای تواز نیك خواهانم (٢٠). پس بیمناك ازآن شهر درحالی که نگران بود بیرون آمد ای پروردگار من مرا ازگروه ستمگاران نجات دِه(٢١).

(۲) یعنی چون موسیٰ اورا گفت توگمراه آشکاری فهمید که برسر من غضب کرده می آید.

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَآءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّيٓ أَن يَهْدِيَنِي سَوَآءَ
ٱلسَّبِيلِ ﴿٢٢﴾ وَلَمَّا وَرَدَ مَآءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ
ٱلنَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِن دُونِهِمُ ٱمْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِۖ قَالَ
مَا خَطْبُكُمَاۖ قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ ٱلرِّعَآءُۖ وَأَبُونَا
شَيْخٌ كَبِيرٌ ﴿٢٣﴾ فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰٓ إِلَى ٱلظِّلِّ فَقَالَ
رَبِّ إِنِّي لِمَآ أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿٢٤﴾ فَجَآءَتْهُ إِحْدَىٰهُمَا
تَمْشِي عَلَى ٱسْتِحْيَآءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ
أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَاۚ فَلَمَّا جَآءَهُۥ وَقَصَّ عَلَيْهِ ٱلْقَصَصَ قَالَ
لَا تَخَفْۖ نَجَوْتَ مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢٥﴾ قَالَتْ إِحْدَىٰهُمَا
يَٰٓأَبَتِ ٱسْتَـْٔجِرْهُۖ إِنَّ خَيْرَ مَنِ ٱسْتَـْٔجَرْتَ ٱلْقَوِيُّ ٱلْأَمِينُ
﴿٢٦﴾ قَالَ إِنِّيٓ أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ٱبْنَتَيَّ هَٰتَيْنِ عَلَىٰٓ أَن
تَأْجُرَنِي ثَمَٰنِيَ حِجَجٍۖ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِندِكَۖ
وَمَآ أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَۚ سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ
ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٢٧﴾ قَالَ ذَٰلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَۖ أَيَّمَا ٱلْأَجَلَيْنِ
قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَٰنَ عَلَيَّۖ وَٱللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٢٨﴾

ووقتیکه به سوی شهر مدین متوجه شد گفت امیدوارم ازپروردگار خویش که مرا براه راست هدایت فرماید (۲۲). ووقتیکه به آب مدین رسید برآن آب طائفه ای را ازمردمان که مواشی را آب می‌نوشانیدند وپایین ترازآنان دو زن را یافت که مواشی خود را باز میدارند گفت (موسیٰ) به آن دو زن چیست حال شماگفتند ماآب نمی‌نوشانیم تاآنکه شبانان مواشی‌را بازگردانند وپدرما پیر، کلان سال است (۲۳). پس موسی برای این هر دو آب نوشانید باز روی به سوی سایه آورد پس گفت ای پروردگار من هرآئینه من به آنچه به سوی من ازنعمت فرود آوردی محتاجم (۲٤). پس به موسیٰ یکی ازین دو زن آمد درحالی که به شرم راه میرفت گفت هرآئینه پدرمن میخواند تورا تا مزدِ آنکه برای ما آب دادی بتودهد پس چون موسیٰ بیامد نزد او وپیش او قصّه را حکایت کرد گفت مترس ازقومِ ستمکاران نجات یافتی (۲۵). یکی ازین دو دختر گفت ای پدرمن او را اجیر بگیر هرآئینه بهترین کسیکه بخدمت گیری شخصی توانا با امانت باشد (۲٦). گفت هرآئینه من میخواهم که یکی ازین دو دخترِ خود را به ازدواج تو درآورم بشرط آنکه هشت سال خدمت من کنی پس اگر ده سال را تمام کنی پس آن تبرّع است ازنزدِ تو ونمی‌خواهم که برتو مشقت افکنم مرا اگرخداخواسته است ازشایستگان خواهی یافت (۲۷). موسیٰ گفت این است پیمان میان من ومیان تو هرکدام ازین دومدّت که اداکنم تجاوز برمن نباشد وخدا بر آنچه می‌گوییم گواه است (۲۸).

ثلاثة أرباع الحزب ٣٩

۞ فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى ٱلۡأَجَلَ وَسَارَ بِأَهۡلِهِۦٓ ءَانَسَ مِن جَانِبِ ٱلطُّورِ نَارٗاۖ قَالَ لِأَهۡلِهِ ٱمۡكُثُوٓاْ إِنِّيٓ ءَانَسۡتُ نَارٗا لَّعَلِّيٓ ءَاتِيكُم مِّنۡهَا بِخَبَرٍ أَوۡ جَذۡوَةٖ مِّنَ ٱلنَّارِ لَعَلَّكُمۡ تَصۡطَلُونَ ﴿٢٩﴾ فَلَمَّآ أَتَىٰهَا نُودِيَ مِن شَٰطِيِٕ ٱلۡوَادِ ٱلۡأَيۡمَنِ فِي ٱلۡبُقۡعَةِ ٱلۡمُبَٰرَكَةِ مِنَ ٱلشَّجَرَةِ أَن يَٰمُوسَىٰٓ إِنِّيٓ أَنَا ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٣٠﴾ وَأَنۡ أَلۡقِ عَصَاكَۚ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهۡتَزُّ كَأَنَّهَا جَآنّٞ وَلَّىٰ مُدۡبِرٗا وَلَمۡ يُعَقِّبۡۚ يَٰمُوسَىٰٓ أَقۡبِلۡ وَلَا تَخَفۡۖ إِنَّكَ مِنَ ٱلۡأٓمِنِينَ ﴿٣١﴾ ٱسۡلُكۡ يَدَكَ فِي جَيۡبِكَ تَخۡرُجۡ بَيۡضَآءَ مِنۡ غَيۡرِ سُوٓءٖ وَٱضۡمُمۡ إِلَيۡكَ جَنَاحَكَ مِنَ ٱلرَّهۡبِۖ فَذَٰنِكَ بُرۡهَٰنَانِ مِن رَّبِّكَ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦٓۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمٗا فَٰسِقِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلۡتُ مِنۡهُمۡ نَفۡسٗا فَأَخَافُ أَن يَقۡتُلُونِ ﴿٣٣﴾ وَأَخِي هَٰرُونُ هُوَ أَفۡصَحُ مِنِّي لِسَانٗا فَأَرۡسِلۡهُ مَعِيَ رِدۡءٗا يُصَدِّقُنِيٓۖ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ ﴿٣٤﴾ قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجۡعَلُ لَكُمَا سُلۡطَٰنٗا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيۡكُمَاۚ بِـَٔايَٰتِنَآ أَنتُمَا وَمَنِ ٱتَّبَعَكُمَا ٱلۡغَٰلِبُونَ ﴿٣٥﴾

پس چون موسیٰ آن میعادرا به پایان رسانید و با اهل خود روان شد از جانب کوه طور آتشی را دید گفت به اهل خود توقف کنید هرآئینه آتشی را دیده‌ام امید دارم که برایتان ازآنجاخبری بیاورم یابیارم شعله ای ازآتش بُوَد که شما گرمی حاصل کنید (۲۹). پس چون نزدیك آتش آمد آواز داده شد ازکرانهٔ راست میدان درجایگاه بابرکت ازمیان درخت که ای موسیٰ هرآئینه من خدایم پروردگار جهانیان (۳۰). وآنکه بیفکن عصای خودرا پس چون دید که عصا حرکت می کندگویا وی ماریست پشت داده روی بگردانید وباز نگشت گفتیم ای موسیٰ پیش آی ومترس هرآئینه تو از ایمنانی (۳۱). دست خودرا درگریبان خود درآر تابیرون آید سفید شده بدون هیچ علتی وبهم آر به سوی خود بازوی خود را از ترس [۳] پس این هردو دونشانه ازجانب پروردگارتو فرود آمده اند به سوی فرعون وجماعتِ او هرآئینه ایشان گروهِ بدکار بودند (۳۲). گفت ای پروردگار من هرآئینه من ازایشان شخصی را کشته‌ام پس می‌ترسم که مرا بکشند (۳۳). وبرادرمن هارون ازمن فصیح تراست ازجهت زبان پس اورا همراه من مدد کننده بفرست که مرا باوردارد هرآئینه من می‌ترسم ازآنکه مرا تکذیب کنند (۳٤). گفت خدا محکم خواهیم کرد بازوی تورا به برادر تو و شمارا غلبه خواهیم داد پس نتوانند به قصد اذیت کردن به سوی شما رسید بسبب نشانه‌های ما، شما وآنانکه پیرویِ شما کرده‌اند غالب خواهید شد (۳۵).

(۳) یعنی برای دفع ترسی که بسبب ظهورِ خوارق پیدا شده.

فَلَمَّا جَآءَهُم مُّوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَا بَيِّنَٰتٍ قَالُواْ مَا هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ
مُّفۡتَرٗى وَمَا سَمِعۡنَا بِهَٰذَا فِيٓ ءَابَآئِنَا ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿٣٦﴾
وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّيٓ أَعۡلَمُ بِمَن جَآءَ بِٱلۡهُدَىٰ مِنۡ عِندِهِۦ وَمَن
تَكُونُ لَهُۥ عَٰقِبَةُ ٱلدَّارِۚ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٣٧﴾
وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَأُ مَا عَلِمۡتُ لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ
غَيۡرِي فَأَوۡقِدۡ لِي يَٰهَٰمَٰنُ عَلَى ٱلطِّينِ فَٱجۡعَل لِّي صَرۡحٗا لَّعَلِّيٓ
أَطَّلِعُ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُۥ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ﴿٣٨﴾
وَٱسۡتَكۡبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُۥ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَظَنُّوٓاْ
أَنَّهُمۡ إِلَيۡنَا لَا يُرۡجَعُونَ ﴿٣٩﴾ فَأَخَذۡنَٰهُ وَجُنُودَهُۥ فَنَبَذۡنَٰهُمۡ
فِي ٱلۡيَمِّۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤٠﴾
وَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَئِمَّةٗ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلنَّارِۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ
لَا يُنصَرُونَ ﴿٤١﴾ وَأَتۡبَعۡنَٰهُمۡ فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا لَعۡنَةٗۖ
وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ هُم مِّنَ ٱلۡمَقۡبُوحِينَ ﴿٤٢﴾ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا
مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ مِنۢ بَعۡدِ مَآ أَهۡلَكۡنَا ٱلۡقُرُونَ ٱلۡأُولَىٰ
بَصَآئِرَ لِلنَّاسِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ لَّعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٣﴾

پس چون موسیٰ برایشان نشانه های روشن مارا آورد گفتند این مگر جادوی بربسته نیست این را در پدران نخستین خویش نشنیده ایم (٣٦). وگفت موسیٰ پروردگار من داناترست به هرکه هدایت ازنزدِ او آورده‌است وبه هرکه اورا عاقبت پسندیده درآخرت است هرآئینه ستمکاران رستگار نمی‌شوند (٣٧). و فرعون گفت ای سرکردگان برای شما هیچ معبودی غیر از خود ندانسته‌ام پس ای هامان آتش برافروز برای من برگِل (يعني خشت بساز) پس بناکن برای من برجی باشد که من از معبود موسیٰ مطلع شوم وهرآئینه من اورا ازدروغ گویان می پندارم (٣٨). وفرعون ولشکرهای او درزمین بغیر حق تکبر کردند وگمان کردند که ایشان به سوی ما باز گردانیده نشوند (٣٩). پس اورا ولشکر های اورا گرفتیم پس ایشان را دردریا افکندیم پس بنگر سر انجام ستمکاران چگونه بود (٤٠). وایشان را پیشوایانی گردانیدیم که به سوی آتش میخوانند وروز قیامت نصرت داده نشوند (٤١). وازپیِ ایشان دراین دنیا لعنت را فرستادیم وبه روز قیامت ایشان ازدور ساختگان باشند (٤٢). به درستی که، موسیٰ را بعد ازآن که قرنهای نخستین را هلاك ساختیم به عنوان دلائلی برای مردمان کتاب دادیم وهدایت وبخشایش تابُوَد که ایشان پندپذیر شوند (٤٣).

وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ ٱلْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَى ٱلْأَمْرَ وَمَا كُنتَ
مِنَ ٱلشَّٰهِدِينَ ﴿٤٤﴾ وَلَٰكِنَّآ أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ
ٱلْعُمُرُ ۚ وَمَا كُنتَ ثَاوِيًا فِىٓ أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُوا۟ عَلَيْهِمْ
ءَايَٰتِنَا وَلَٰكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿٤٥﴾ وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ
ٱلطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَٰكِن رَّحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا
مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٦﴾
وَلَوْلَآ أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا۟
رَبَّنَا لَوْلَآ أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ ءَايَٰتِكَ وَنَكُونَ
مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾ فَلَمَّا جَآءَهُمُ ٱلْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا۟
لَوْلَآ أُوتِىَ مِثْلَ مَآ أُوتِىَ مُوسَىٰٓ ۚ أَوَلَمْ يَكْفُرُوا۟ بِمَآ أُوتِىَ
مُوسَىٰ مِن قَبْلُ ۖ قَالُوا۟ سِحْرَانِ تَظَٰهَرَا وَقَالُوٓا۟ إِنَّا بِكُلٍّ كَٰفِرُونَ
﴿٤٨﴾ قُلْ فَأْتُوا۟ بِكِتَٰبٍ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَآ أَتَّبِعْهُ
إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٤٩﴾ فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُوا۟ لَكَ فَٱعْلَمْ
أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَآءَهُمْ ۚ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ ٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ بِغَيْرِ
هُدًى مِّنَ ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٥٠﴾

وچون (کار) وحی را با موسیٰ به انجام رسانیدیم تودر جانب غربی (میقات ما باموسیٰ) ازحاضران نبودی (٤٤). ولیکن ما قرنها را یعنی بعد از موسیٰ آفریدیم پس درازشد برایشان عمر وتو باشنده نبودی دراهل مدین که آیات مارا برایشان بخوانی ولیکن فرستنده ما بودیم (٤٥). وتو به جانب طور نبودی چون آوازدادیم ولیکن وحی آمد ازروی بخشایش پروردگار تو تابترسانی گروهی را که نیامده بُود بدیشان هیچ ترساننده پیش ازتو بُوَد که ایشان پندپذیر شوند (٤٦). واگر آن نبود که بدیشان عقوبتی برسد بسبب آنکه دست های ایشان پیش فرستاده است پس گویند ای پروردگارما چرا نفرستادی به سوی ما پیامبری را تاپیروی آیات توکنیم و از مسلمانان باشیم (پیامبران را نمی فرستادیم) (٤٧). پس چون به ایشان وحی راست ازنزدِ ما آمد گفتند این پیامبر چرا مانند آنچه به موسیٰ داده شد داده نشد آیا به آنچه موسیٰ را پیش ازین داده شده کافر نشده‌اند گفتند دوساحراند که موافق یك دیگر شده اند [٤] وگفتند هرآئینه ما همه رامنکریم (٤٨). بگو پس کتابی فرود آمده ازنزدِ خدا که وی راه نماینده تر ازین دو باشد بیاورید، تاپیرویِ اوکنم اگرراست گویید (٤٩). پس اگر سخن تورا قبول نکنند پس بدان که جزاین نیست که خواهشات نفس های خود را پیروی می کنند وکیست گمراه تر ازکسیکه پیروی خواهش نفس خودکند بدون راهنمایی خدا، هرآئینه خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی کند (٥٠).

---

(٤) یعنی تورات وقرآن.

الحِزْبُ ٤٠

۞ وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ ٱلْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥١﴾ ٱلَّذِينَ
ءَاتَيْنَٰهُمُ ٱلْكِتَٰبَ مِن قَبْلِهِۦ هُم بِهِۦ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾ وَإِذَا يُتْلَىٰ
عَلَيْهِمْ قَالُوٓا۟ ءَامَنَّا بِهِۦٓ إِنَّهُ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّنَآ إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلِهِۦ
مُسْلِمِينَ ﴿٥٣﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُم مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا۟ وَيَدْرَءُونَ
بِٱلْحَسَنَةِ ٱلسَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٥٤﴾ وَإِذَا سَمِعُوا۟
ٱللَّغْوَ أَعْرَضُوا۟ عَنْهُ وَقَالُوا۟ لَنَآ أَعْمَٰلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَٰلُكُمْ سَلَٰمٌ
عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِى ٱلْجَٰهِلِينَ ﴿٥٥﴾ إِنَّكَ لَا تَهْدِى مَنْ أَحْبَبْتَ
وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَهْدِى مَن يَشَآءُ ۚ وَهُوَ أَعْلَمُ بِٱلْمُهْتَدِينَ ﴿٥٦﴾
وَقَالُوٓا۟ إِن نَّتَّبِعِ ٱلْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفْ مِنْ أَرْضِنَآ ۚ أَوَلَمْ
نُمَكِّن لَّهُمْ حَرَمًا ءَامِنًا يُجْبَىٰٓ إِلَيْهِ ثَمَرَٰتُ كُلِّ شَىْءٍ رِّزْقًا
مِّن لَّدُنَّا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٧﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِن
قَرْيَةٍۭ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا ۖ فَتِلْكَ مَسَٰكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَن مِّنۢ
بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا ۖ وَكُنَّا نَحْنُ ٱلْوَٰرِثِينَ ﴿٥٨﴾ وَمَا كَانَ رَبُّكَ
مُهْلِكَ ٱلْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِىٓ أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُوا۟ عَلَيْهِمْ
ءَايَٰتِنَا ۚ وَمَا كُنَّا مُهْلِكِى ٱلْقُرَىٰٓ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَٰلِمُونَ ﴿٥٩﴾

وهرآئینه ما پی درپی برای ایشان این قرآن را آوردیم تابُوَد که ایشان پندپذیرند (۵۱). آنانکه ایشان را پیش ازقرآن کتاب داده ایم ایشان به قرآن ایمان می آورند (۵۲). وچون قرآن برایشان خوانده میشود گویند به آن ایمان آوردیم هرآئینه وی ازجانب پروردگار ما راست است هرآئینه ما پیش ازنزول قرآن فرمانبردار بودیم (۵۳). اینانند که پاداششان به آنکه بردباری ورزیدند دوبرابرداده شود و بخصلت نیك، بدی را دفع می کنند وازآنچه ایشان را روزی داده‌ایم خرج می کنند (٥٤). وچون سخن بیهوده را بشنوند ازآن روی بگردانند وگویند ما راراست کردارهای ما وشمارا است کردارهای شماسلام برشماباد صحبت جاهلان [٥] را نمی‌خواهیم (٥٥). (یا محمد) هرآئینه تو هدایت نمی‌نمایی هرکه را دوست می‌داری ولیکن خدا هدایت می نماید هرکه راخواهد واو به راه یافتگان داناتراست (٥٦). وگفتند (بعض اهل مکه) اگر باتو پیروی هدایت کنیم اززمین خود ربوده شویم [٦] آیا ایشان را درحرمی باامن جای ندادیم به سوی وی میوه ها ازهر جنس روزی ازنزدِ ما رسانیده میشود ولیکن بیشترین ایشان نمی‌دانند (٥٧). وچه بسا از شهرها که در سرخوشی اززیست خود ازحد در گذشتند هلاك کردیم پس این خانه های سکونت ایشان است که بعد ازآنان سکنی داده نشده اند مگر اندکی ما بدست آرندهٔ میراثِ ایشان بودیم (٥٨). وهرگز پروردگارتو هلاك کنندهٔ دهها نیست تاآنکه در کانون ومرکز آن پیامبری را بفرستد که برایشان آیاتِ ما را بخواند وهرگز نیستیم هلاك کنندهٔ دِه ها مگر درآن حال که اهل آنها ستمکارباشند (٥٩).

(٥) مترجم گوید یهود پیش ازآنکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم به مدینه هجرت کند ونسخ یهودیت تصریح فرماید معتقد قرآن بودند ومی گفتند عرب را قرآن لازم است.

(٦) یعنی مردمان اخراج کنند.

وَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَيۡءٖ فَمَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتُهَاۚ وَمَا عِندَ
ٱللَّهِ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰٓۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ﴿٦٠﴾ أَفَمَن وَعَدۡنَٰهُ وَعۡدًا حَسَنٗا
فَهُوَ لَٰقِيهِ كَمَن مَّتَّعۡنَٰهُ مَتَٰعَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا ثُمَّ هُوَ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ
مِنَ ٱلۡمُحۡضَرِينَ ﴿٦١﴾ وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ فَيَقُولُ أَيۡنَ شُرَكَآءِيَ
ٱلَّذِينَ كُنتُمۡ تَزۡعُمُونَ ﴿٦٢﴾ قَالَ ٱلَّذِينَ حَقَّ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلُ رَبَّنَا
هَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ أَغۡوَيۡنَآ أَغۡوَيۡنَٰهُمۡ كَمَا غَوَيۡنَاۖ تَبَرَّأۡنَآ إِلَيۡكَۖ
مَا كَانُوٓاْ إِيَّانَا يَعۡبُدُونَ ﴿٦٣﴾ وَقِيلَ ٱدۡعُواْ شُرَكَآءَكُمۡ فَدَعَوۡهُمۡ
فَلَمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَهُمۡ وَرَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَۚ لَوۡ أَنَّهُمۡ كَانُواْ يَهۡتَدُونَ
﴿٦٤﴾ وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ فَيَقُولُ مَاذَآ أَجَبۡتُمُ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿٦٥﴾
فَعَمِيَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَنۢبَآءُ يَوۡمَئِذٖ فَهُمۡ لَا يَتَسَآءَلُونَ ﴿٦٦﴾ فَأَمَّا
مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَعَسَىٰٓ أَن يَكُونَ مِنَ ٱلۡمُفۡلِحِينَ
﴿٦٧﴾ وَرَبُّكَ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُ وَيَخۡتَارُۗ مَا كَانَ لَهُمُ ٱلۡخِيَرَةُۚ سُبۡحَٰنَ
ٱللَّهِ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ﴿٦٨﴾ وَرَبُّكَ يَعۡلَمُ مَا تُكِنُّ
صُدُورُهُمۡ وَمَا يُعۡلِنُونَ ﴿٦٩﴾ وَهُوَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ لَهُ
ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلۡأُولَىٰ وَٱلۡأٓخِرَةِۖ وَلَهُ ٱلۡحُكۡمُ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ﴿٧٠﴾

وهرچه شمارا از هرنوعی داده شد پس بهره مندیِ زندگانی دنیا وآرایش او است وآنچه نزدِ خداست بهتر وپاینده تراست آیانمی فهمید؟ (٦٠). آیاکسیکه وعده دادیمش وعدهٔ نیك پس او دریابندهٔ آنست مانند کسی است که به منفعت زندگانی دنیا بهره مند ساختیمش بازوی روزقیامت ازحاضر کردگان است [۷] (٦١). وروزیکه ایشان را آواز دهد پس گوید کجایند آن شریکان من که شماگمان می‌کردید (٦٢). گویند آنانکه برایشان حکم عذاب ثابت شد [۸] ای پروردگار ما این جماعت هستند که ایشان را گمراه کردیم چنانکه خود گمراه شدیم [۹] (ازآنان) به نزد تو تبرّی می جوییم، ایشان (درواقع) مارانمی پرستیدند (٦٣). وگفته شود شریکان خودرا بخوانید پس ایشان را بخوانند پس ایشان دعای ایشان را قبول نکنند وعذاب را ببینند وتمنا کنند ای کاش ایشان راه یاب می بودند (٦٤). وروزیکه خدا ایشان را آواز دهد پس گوید پیامبران را چه جواب دادید ؟ (٦٥). پس خبرها آن روز برایشان مشتبه شود پس ایشان ازیك دیگر سوال نکنند [۱۰] (٦٦). پس امّاکسیکه توبه نموده وایمان آورده وکارشایسته انجام داده باشد پس امید است که ازرستگاران باشد (٦٧). وپروردگار تو هرآنچه را بخواهد می آفریند وبرمی گزیند هرکه ر اخواهد ایشان اختیار ندارند، پاکی خدای راست وبرتراست ازآنچه که شریك می آورند (٦٨). وپروردگارتو آنچه راکه سینه های ایشان پنهان می دارد وآنچه را آشکار می‌کنند میداند (٦٩). واوست خدا، هیچ معبود برحقّی غیرازاو نیست برای اوست ستایش دردنیا وآخرت برای او است فرمانروایی وبه سوی اوباز گردانیده شوید (٧٠).

---

(۷) یعنی در عذاب.

(۸) یعنی رئیسان کفر.

(۹) یعنی بغیرِ اکراه.

(۱۰) یعنی جواب باصواب نیابند.

قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِن جَعَلَ ٱللَّهُ عَلَيْكُمُ ٱلَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ مَنْ إِلَٰهٌ غَيْرُ ٱللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَآءٍ ۖ أَفَلَا تَسْمَعُونَ ﴿٧١﴾ قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِن جَعَلَ ٱللَّهُ عَلَيْكُمُ ٱلنَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ مَنْ إِلَٰهٌ غَيْرُ ٱللَّهِ يَأْتِيكُم بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ ۖ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٧٢﴾ وَمِن رَّحْمَتِهِۦ جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا۟ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا۟ مِن فَضْلِهِۦ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَآءِىَ ٱلَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٧٤﴾ وَنَزَعْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا۟ بُرْهَٰنَكُمْ فَعَلِمُوٓا۟ أَنَّ ٱلْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَفْتَرُونَ ﴿٧٥﴾ ۞ إِنَّ قَٰرُونَ كَانَ مِن قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ ۖ وَءَاتَيْنَٰهُ مِنَ ٱلْكُنُوزِ مَآ إِنَّ مَفَاتِحَهُۥ لَتَنُوٓأُ بِٱلْعُصْبَةِ أُو۟لِى ٱلْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُۥ قَوْمُهُۥ لَا تَفْرَحْ ۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْفَرِحِينَ ﴿٧٦﴾ وَٱبْتَغِ فِيمَآ ءَاتَىٰكَ ٱللَّهُ ٱلدَّارَ ٱلْءَاخِرَةَ ۖ وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ ٱلدُّنْيَا ۖ وَأَحْسِن كَمَآ أَحْسَنَ ٱللَّهُ إِلَيْكَ ۖ وَلَا تَبْغِ ٱلْفَسَادَ فِى ٱلْأَرْضِ ۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْمُفْسِدِينَ ﴿٧٧﴾

ربع الحزب ٤٠

بگو آیادیدید که اگر خدای تعالی برشما شب را پاینده گرداند تاروزِ قیامت کیست معبودی غیر ازخدا که پیش شماروشنی را بیارد آیا نمی‌شنوید؟ (۷۱). بگوآیا دیدید که اگر خدای تعالی برشما روز را پاینده گرداند تا روزقیامت کیست معبودی غیر ازخدا که برای شما شبی را که آرام گیرید درآن بیارد آیانمی بینید؟ (۷۲). وازرحمتِ خود برای شما شب وروز را ساخت تا درشب آرام گیرید وتا ازفضل او روزی طلب کنید [۱۱] وتاشکرگزاری کنید (۷۳). وروزیکه ایشانرا آواز دهد پس گوید کجایند آن شریکانِ من که گمان می‌کردید (۷٤). وازهرامتی گواهی را بیرون کشیم [۱۲] پس گوییم قوم را دلیلتان رابیاورید پس بدانند که حق به جانب خداست وگم شود ازایشان آنچه افترامی‌کردند (۷۵). هرآئینه قارون از قومِ موسیٰ بود پس بر ایشان تجاوز کرد واورا ازگنجها آن قدر که کلید های اوگرانی می‌کرد جماعت صاحب توانایی را عطا کرده بودیم چون به او قوم او گفت شاد مشو هرآئینه خدا شاد شوندگان را دوست نمی دارد (۷٦). ودرآنچه خدا تورا عطا کرده است صلاح سرای آخرت بجوی ونصیب خود را از دنیا [۱۳] فراموش مکن ونیکوکاری کن چنانکه خدابرتو احسان کرده است وفساد را درزمین مجو هرآئینه خدا فساد کنندگان را دوست نمی دارد (۷۷).

---

(۱۱) یعنی درروز.
(۱۲) یعنی هرپیامبری برقوم خودگواهی دهد.
(۱۳) یعنی دردنیا عمل صالح بجاآر.

قَالَ إِنَّمَآ أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلۡمٍ عِندِيٓۚ أَوَلَمۡ يَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ قَدۡ أَهۡلَكَ مِن قَبۡلِهِۦ مِنَ ٱلۡقُرُونِ مَنۡ هُوَ أَشَدُّ مِنۡهُ قُوَّةٗ وَأَكۡثَرُ جَمۡعٗاۚ وَلَا يُسۡـَٔلُ عَن ذُنُوبِهِمُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٧٨ فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوۡمِهِۦ فِي زِينَتِهِۦۖ قَالَ ٱلَّذِينَ يُرِيدُونَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا يَٰلَيۡتَ لَنَا مِثۡلَ مَآ أُوتِيَ قَٰرُونُ إِنَّهُۥ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٖ ٧٩ وَقَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ وَيۡلَكُمۡ ثَوَابُ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لِّمَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗاۚ وَلَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلصَّٰبِرُونَ ٨٠ فَخَسَفۡنَا بِهِۦ وَبِدَارِهِ ٱلۡأَرۡضَ فَمَا كَانَ لَهُۥ مِن فِئَةٖ يَنصُرُونَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُنتَصِرِينَ ٨١ وَأَصۡبَحَ ٱلَّذِينَ تَمَنَّوۡاْ مَكَانَهُۥ بِٱلۡأَمۡسِ يَقُولُونَ وَيۡكَأَنَّ ٱللَّهَ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦ وَيَقۡدِرُۖ لَوۡلَآ أَن مَّنَّ ٱللَّهُ عَلَيۡنَا لَخَسَفَ بِنَاۖ وَيۡكَأَنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ٨٢ تِلۡكَ ٱلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ نَجۡعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوّٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فَسَادٗاۚ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلۡمُتَّقِينَ ٨٣ مَن جَآءَ بِٱلۡحَسَنَةِ فَلَهُۥ خَيۡرٞ مِّنۡهَاۖ وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَلَا يُجۡزَى ٱلَّذِينَ عَمِلُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ إِلَّا مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٨٤

گفت جزاین نیست که مرا مال فراوان داده شده است بنابردانشی که نزدِ من است آیاندانست که خدا پیش از او از نسلها کسانی را که از او توانمندتروmال اندوزتر بودند هلاك کرد وگنهکاران ازگناهان ایشان [۱٤] پرسیده نمی شوند (۷۸). پس برقوم خود درآرایش خویش بیرون آمد آنانکه زندگانی دُنیارا طلب می‌کردند گفتند ای کاش ما (نیز) مانند آنچه به قارون داده شده است داشته باشیم هرآئینه وی صاحب نصیب بزرگ است (۷۹). وگفتند آنانکه ایشان را علم داده شد وای برشما ثوابِ خدا آنکس را که ایمان آورد وکار شایسته کرد بهتراست واین سخن راجز بُردباران نمی پذیرند (۸۰). پس قارون وسرای اورا به زمین فرو بردیم پس برای اوهیچ گروهی که اورا غیر خدا نصرت دهند نبود وخودش نیز ازنصرت یافتگان نبود (۸۱). وگشتند آنانکه منزلتِ اورا دیروز آرزومي‌کردند می‌گفتند ای عجب که خدا رزق را برای هرکه خواهد ازبندگان خویش گشاده می‌کند وتنگ می سازد برای هرکه خواهد واگر آن نبود که خدا برما انعام کرد هرآئینه مارا فروبردی ای عجب که کافران رستگار نمی‌شوند (۸۲). این سرای آخرت است که آن را برای آنانکه دنبال استکبار درزمین وفساد نیستند مقررمی‌کنیم وحسنِ عاقبت برای پرهیزکاران است (۸۳). هرکه نیکی بیاورد پس اورا بهترازآن است وهرکس که بدی بیاورد پس آنانکه به عمل آوردند خطاها جزا داده نمی‌شوند مگر (برأساس) آنچه می کردند (۸٤).

---

(۱٤) یعنی درصورت لزوم پاداش مجال عذرنیست والله اعلم.

إِنَّ ٱلَّذِى فَرَضَ عَلَيۡكَ ٱلۡقُرۡءَانَ لَرَآدُّكَ إِلَىٰ مَعَادٖۚ قُل رَّبِّىٓ
أَعۡلَمُ مَن جَآءَ بِٱلۡهُدَىٰ وَمَنۡ هُوَ فِى ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٨٥ وَمَا كُنتَ
تَرۡجُوٓاْ أَن يُلۡقَىٰٓ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبُ إِلَّا رَحۡمَةٗ مِّن رَّبِّكَۖ فَلَا
تَكُونَنَّ ظَهِيرٗا لِّلۡكَٰفِرِينَ ٨٦ وَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنۡ ءَايَٰتِ
ٱللَّهِ بَعۡدَ إِذۡ أُنزِلَتۡ إِلَيۡكَۖ وَٱدۡعُ إِلَىٰ رَبِّكَۖ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ
ٱلۡمُشۡرِكِينَ ٨٧ وَلَا تَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَۘ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ
كُلُّ شَيۡءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجۡهَهُۥۚ لَهُ ٱلۡحُكۡمُ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٨٨

سُورَةُ العَنكَبُوتِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓمٓ ١ أَحَسِبَ ٱلنَّاسُ أَن يُتۡرَكُوٓاْ أَن يَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا وَهُمۡ
لَا يُفۡتَنُونَ ٢ وَلَقَدۡ فَتَنَّا ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۖ فَلَيَعۡلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ
صَدَقُواْ وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱلۡكَٰذِبِينَ ٣ أَمۡ حَسِبَ ٱلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ
ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن يَسۡبِقُونَاۚ سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ ٤ مَن كَانَ يَرۡجُواْ
لِقَآءَ ٱللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ ٱللَّهِ لَأٓتٖۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٥ وَمَن
جَٰهَدَ فَإِنَّمَا يُجَٰهِدُ لِنَفۡسِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٦

نصف الحزب ٤٠

هرآئینه خدایی که برتو قرآن را نازل کرد البته باز گرداننده است تورا به سوی بازگشت گاهی[۱۵] بگو پروردگار من به هرکس که هدایت را آورد وبه هرکس که وی در گمراهی ظاهر است داناتراست (۸۵). وتوقع نمی‌داشتی که به سوی تو کتاب فرود آورده شود لیکن به رحمتی ازپروردگارتو (فرو فرستاده شد) پس هرگز مددکارِ کافران مشو (۸٦). وکافران تورا از تبلیغ آیاتِ خدا بعد ازآنکه فرود آورده شد به سوی تو بازندارند وبه سوی پروردگار خویش دعوت کن وهرگز ازمشرکان مباش (۸۷). وباخدا معبود دیگری را مخوان هیچ معبود برحقی غیر ازاو نیست هرچیز هلاك شونده است مگر او، مراورا است فرمانروایی وبه سوی اوبازگردانیده می شوید (۸۸).

سوره عنکبوت مکی است وآن شصت ونه آیه وهفت رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

الٓم (۱). آیا مردمان پنداشتند که رها می‌شوند به محض آنکه بگویند ایمان آورده‌ایم وایشان امتحان کرده نشوند (۲). به درستی که امتحان کردیم آنان را که پیش ازایشان بودند پس البته خدا آنانرا که راست گفتند متمیز می کند والبته دروغ گویان را (نیز) متمیز می کند (۳). آیا آنانکه مرتکب بدیها می‌شوند گمان کردند که برما پیش دستی می کنند بدچیزی است که به آن حکم می کنند (٤). هرکس که ملاقات خدا را امید داشته باشد پس هرآئینه میعاد خداالبته آینده است واوست شنوای‌دانا (٥). وهرکس که جهاد می کند جزاین نیست که جهاد میکند برای نفع خویش هرآئینه خدا از جهانیان بی نیاز است (٦).

(۱۵) یعنی آخرت.

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنۡهُمۡ سَيِّـَٔاتِهِمۡ
وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَحۡسَنَ ٱلَّذِي كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ۝٧ وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ
بِوَٰلِدَيۡهِ حُسۡنٗاۖ وَإِن جَٰهَدَاكَ لِتُشۡرِكَ بِي مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٞ
فَلَا تُطِعۡهُمَآۚ إِلَيَّ مَرۡجِعُكُمۡ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ۝٨
وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُدۡخِلَنَّهُمۡ فِي ٱلصَّٰلِحِينَ
۝٩ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ فَإِذَآ أُوذِيَ فِي ٱللَّهِ جَعَلَ
فِتۡنَةَ ٱلنَّاسِ كَعَذَابِ ٱللَّهِۖ وَلَئِن جَآءَ نَصۡرٞ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ
إِنَّا كُنَّا مَعَكُمۡۚ أَوَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِأَعۡلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ ٱلۡعَٰلَمِينَ
۝١٠ وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ
۝١١ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّبِعُواْ سَبِيلَنَا
وَلۡنَحۡمِلۡ خَطَٰيَٰكُمۡ وَمَا هُم بِحَٰمِلِينَ مِنۡ خَطَٰيَٰهُم مِّن
شَيۡءٍۖ إِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ۝١٢ وَلَيَحۡمِلُنَّ أَثۡقَالَهُمۡ وَأَثۡقَالٗا مَّعَ
أَثۡقَالِهِمۡۖ وَلَيُسۡـَٔلُنَّ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عَمَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ
۝١٣ وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ فَلَبِثَ فِيهِمۡ أَلۡفَ سَنَةٍ
إِلَّا خَمۡسِينَ عَامٗا فَأَخَذَهُمُ ٱلطُّوفَانُ وَهُمۡ ظَٰلِمُونَ ۝١٤

وآنانکه ایمان آورده‌اندو کارهای شایسته کرده‌اند البته ازایشان خطاهای ایشان را محوکنیم والبته ایشان را به نیکوترین آنچه می کردند پاداش میدهیم (۷). وآدمی را نسبت به پدرومادرش به نیك رفتاری امر کردیم واگرکوشش کنند باتو تاآنکه شریك آوری بامن آنچه راکه تورا به حقیقت آن دانشی نیست پس فرمانبرداری ایشان مکن به سوی من است بازگشت شما پس شمارا به آنچه می کردید خبر می دهم (۸). وآنانکه ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته کرده‌اند البته ایشان را در زمرهٔ شایستگان در می آوریم (۹). وازمردمان کسی هست که می‌گوید به خدا ایمان آوردیم پس چون اورا درراه خدا آزار داده شد رنج دادنِ مردمان را مانندِ عذاب خدا می‌شمرد واگر فتحی ازنزدِ پروردگارتو بیاید حتما گویند هرآئینه ما باشما بودیم آیا خدا داناتر نیست به آنچه درسینه های جهانیان است (۱۰). والبته خدا آنان را که ایمان آورده‌اند میداند والبته منافقان را (نیز) میداند (۱۱). و کافران به مسلمانان گفتند پیرویِ راهِ ماکنید والبته ما گناهانِ شما را بر می‌داریم ونیستند ایشان بردارندهٔ چیزی ازگناهان آن جماعت هرآئینه ایشان دروغگویانند (۱۲).. والبته بارهای خویش وبارهایی را همراه بارهای خویش بردارند والبته روزقیامت ازآنچه افترا می‌کردند [۱] سوال کرده می‌شوند (۱۳). وبیگمان نوح را به سوی قوم او فرستادیم درایشان هزارسال مگر پنجاه سال ماند پس ایشان راطوفان درگرفت وایشان ستمکاربودند (۱٤).

(۱) یعنی بارِگمراه شدن وگمراه کردن بردارندوبارتابعان ازسرایشان دفع نکند.

فَأَنجَيۡنَٰهُ وَأَصۡحَٰبَ ٱلسَّفِينَةِ وَجَعَلۡنَٰهَآ ءَايَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٥﴾ وَإِبۡرَٰهِيمَ إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱتَّقُوهُۖ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ﴿١٦﴾ إِنَّمَا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡثَٰنٗا وَتَخۡلُقُونَ إِفۡكًاۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَمۡلِكُونَ لَكُمۡ رِزۡقٗا فَٱبۡتَغُواْ عِندَ ٱللَّهِ ٱلرِّزۡقَ وَٱعۡبُدُوهُ وَٱشۡكُرُواْ لَهُۥٓۖ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ﴿١٧﴾ وَإِن تُكَذِّبُواْ فَقَدۡ كَذَّبَ أُمَمٞ مِّن قَبۡلِكُمۡۖ وَمَا عَلَى ٱلرَّسُولِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ﴿١٨﴾ أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ كَيۡفَ يُبۡدِئُ ٱللَّهُ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥٓۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ﴿١٩﴾ قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ بَدَأَ ٱلۡخَلۡقَۚ ثُمَّ ٱللَّهُ يُنشِئُ ٱلنَّشۡأَةَ ٱلۡأٓخِرَةَۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ﴿٢٠﴾ يُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ وَيَرۡحَمُ مَن يَشَآءُۖ وَإِلَيۡهِ تُقۡلَبُونَ ﴿٢١﴾ وَمَآ أَنتُم بِمُعۡجِزِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِۖ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٖ ﴿٢٢﴾ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَلِقَآئِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ يَئِسُواْ مِن رَّحۡمَتِي وَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿٢٣﴾

پس نوح واهل کشتی را نجات دادیم وکشتی را نشانه ای برای جهانیان ساختیم (۱۵). و(فرستادیم) إبراهیم را وقتیکه به قوم خود گفت پرستش خدا کنید وازوی بترسید این برای شما اگرمی دانید بهتر است (۱٦). جزاین نیست که به جای خدا بتان را می پرستید ودروغ را برمی‌بندید هرآئینه آنانکه غیرازخدا را پرستش می‌کنید به شماروزی دادن نمی توانند پس ازنزدِ خدا روزی را طلب کنید واورا پرستش کنید وبرای او شکر بجا آورید به سوی اوباز گردانیده خواهید شد (۱۷). واگر تکذیب می‌کنند پس به درستی که امت های پیش ازشما تکذیب کرده بودند ونیست بر پیامبر مگرپیغام رسانیدن آشکار (۱۸). آیاندیده‌اند که خدا چگونه آفرینش را آغاز می کند باز بار دیگر آفرینش را بازگرداند هرآئینه این کار برخدا آسان است (۱۹). بگو در زمین بگردید پس بنگرید چگونه آفرینش را آغازکرد بازخدا آن پیدایش بازپسین را پیداکند هرآئینه خدا برهرچیز تواناست (۲۰). هرکس راکه بخواهد عذاب می کند وهرکه را بخواهد رحم می کند وبه سوی اوبازگردانیده خواهید شد (۲۱). وشما نه درزمین ونه درآسمان عاجز کننده (خدا) نیستید وشمارا هیچ دوستی ونه یاری دهنده‌ای بجز خدا نیست (۲۲). وآنانکه بآیاتِ خدا وبه ملاقاتِ او کافر شدند آن جماعت ازرحمت من نا امید شدند وآن جماعت بر ایشان عذاب درد ناك است (۲۳).

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُواْ ٱقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ
فَأَنجَىٰهُ ٱللَّهُ مِنَ ٱلنَّارِۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ
﴿٢٤﴾ وَقَالَ إِنَّمَا ٱتَّخَذْتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ أَوْثَٰنًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ
فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَاۖ ثُمَّ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم
بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا وَمَأْوَىٰكُمُ ٱلنَّارُ
وَمَا لَكُم مِّن نَّٰصِرِينَ ﴿٢٥﴾ ۞ فَـَٔامَنَ لَهُۥ لُوطٌ وَقَالَ
إِنِّى مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّىٓۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٢٦﴾
وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ إِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِى ذُرِّيَّتِهِ
ٱلنُّبُوَّةَ وَٱلْكِتَٰبَ وَءَاتَيْنَٰهُ أَجْرَهُۥ فِى ٱلدُّنْيَاۖ وَإِنَّهُۥ
فِى ٱلْءَاخِرَةِ لَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٢٧﴾ وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِۦٓ
إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ ٱلْفَٰحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنْ أَحَدٍ
مِّنَ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٢٨﴾ أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ ٱلرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ
ٱلسَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِى نَادِيكُمُ ٱلْمُنكَرَۖ فَمَا كَانَ جَوَابَ
قَوْمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُواْ ٱئْتِنَا بِعَذَابِ ٱللَّهِ إِن كُنتَ مِنَ
ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٢٩﴾ قَالَ رَبِّ ٱنصُرْنِى عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْمُفْسِدِينَ ﴿٣٠﴾

ثلاثة أرباع الحزب ٤٠

پس جواب قوم ابراهیم نبود مگر آنکه گفتند اورا بکشید یا اورا بسوزانید پس خدا اورا ازآتش نجات داد هرآئینه دراین ماجرا نشانه هاست برای گروهی که باور میدارند (۲٤). وگفت ابراهیم جزاین نیست که به جای خدا بتان را بجهتِ دوستی درمیان خویش درزندگانی دنیا گرفته اید باز روز قیامت بعضی از شما بعضی دیگر را انکارمی کنید وبعضی از شما به بعضی دیگر لعنت می فرستد وجای شما دوزخ است وشمارا هیچ یاری دهنده‌ای نیست (۲٥). پس لوط ابراهیم را باورداشت وگفت (ابراهیم) هرآئینه من به سوی پروردگار خویش هجرت کننده ام هرآئینه وی غالب باحکمت است (۲٦). اورا اسحق ویعقوب بخشیدیم ودراولادِ وَی پیامبری وکتاب را مقررداشتیم و او را پاداش اودردنیا دادیم وهرآئینه وی درآخرت ازشایسته گان است (۲۷). ولوط را فرستادیم وقتیکه به قوم خود گفت هرآئینه شما کار بی‌حیایی را بعمل می آورید که هیچ کس‌از جهانیان در (ارتکاب) آن ازشماپیشی نگرفته است (۲۸). آیا شما به قصد شهوت به مردان می آیید وطریق را قطع می کنید در مجلس خویش کارناپسندیده به عمل می آورید پس جواب قوم او نبود مگر آنکه گفتند پیش ما عذاب خدارا بیاور اگر از راست گویان هستی (۲۹). گفت ای پروردگار من مرا برقوم مفسدان نصرت دِه (۳۰).

وَلَمَّا جَآءَتْ رُسُلُنَآ إِبْرَٰهِيمَ بِٱلْبُشْرَىٰ قَالُوٓا۟ إِنَّا مُهْلِكُوٓا۟ أَهْلِ هَٰذِهِ ٱلْقَرْيَةِ ۖ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا۟ ظَٰلِمِينَ ﴿٣١﴾ قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا ۚ قَالُوا۟ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَن فِيهَا ۖ لَنُنَجِّيَنَّهُۥ وَأَهْلَهُۥٓ إِلَّا ٱمْرَأَتَهُۥ كَانَتْ مِنَ ٱلْغَٰبِرِينَ ﴿٣٢﴾ وَلَمَّآ أَن جَآءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِىٓءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا۟ لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ ۖ إِنَّا مُنَجُّوكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا ٱمْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ ٱلْغَٰبِرِينَ ﴿٣٣﴾ إِنَّا مُنزِلُونَ عَلَىٰٓ أَهْلِ هَٰذِهِ ٱلْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ بِمَا كَانُوا۟ يَفْسُقُونَ ﴿٣٤﴾ وَلَقَد تَّرَكْنَا مِنْهَآ ءَايَةًۢ بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٣٥﴾ وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ وَٱرْجُوا۟ ٱلْيَوْمَ ٱلْءَاخِرَ وَلَا تَعْثَوْا۟ فِى ٱلْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٣٦﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ ٱلرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا۟ فِى دَارِهِمْ جَٰثِمِينَ ﴿٣٧﴾ وَعَادًا وَثَمُودَا۟ وَقَد تَّبَيَّنَ لَكُم مِّن مَّسَٰكِنِهِمْ ۖ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ أَعْمَٰلَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَكَانُوا۟ مُسْتَبْصِرِينَ ﴿٣٨﴾

ووقتيكه فرستادگانِ ما پيش ابراهيم مژده را آوردند گفتند هرآئينه ما هلاك كنندهٔ اهل اين دِهيم هرآئينه اهل اين ده ستمكار بودند (۳۱). گفت ابراهيم هرآئينه درآنجا لوط است گفتند ما به هركه آنجاست دانا تريم البته او و اهل اورا نجات دهيم مگر زن او را كه ازباقى ماندگان باشد (۳۲). ووقتيكه فرستادگان ما پيش لوط آمدند بسبب ايشان اندوهگين كرده شد وبسبب ايشان تنگدل شد و آن فرستادگان گفتند مترس واندوه مخور هرآئينه مانجات دهندهٔ تو و اهل توايم مگر زن تو ازباقى ماندگان باشد (۳۳). هرآئينه ما براهل اين ده عقوبتى را ازآسمان فرودآورندهايم بسبب آنكه بدكارى مى كردند (۳٤). وهرآئينه ازآن دِه نشانهٔاى واضح براى گروهى كه درمىيابند گذاشتيم (۳٥). وبه سوى مدين برادرِ ايشان شعيب را فرستاديم پس گفت اى قوم من عبادت خدا كنيد وبه روز آخرت توقع داريد وهرسو در زمين فساد كنان مگرديد (۳٦). پس اورا تكذيب كردند پس ايشان را زلزله در گرفت پس درخانه هاى خويش مرده افتاده بامداد كردند (۳۷). وعاد وثمودرا هلاك كرديم وهرآئينه واضح شده است براى شما بعضى از مساكن ايشان وشيطان كارهايشان را بر ايشان آراسته جلوه داد پس ايشان را از راه درحالى كه بينابودند بازداشت (۳۸).

وَقَٰرُونَ وَفِرۡعَوۡنَ وَهَٰمَٰنَۖ وَلَقَدۡ جَآءَهُم مُّوسَىٰ بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَٱسۡتَكۡبَرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا كَانُواْ سَٰبِقِينَ ﴿٣٩﴾ فَكُلًّا أَخَذۡنَا بِذَنۢبِهِۦۖ فَمِنۡهُم مَّنۡ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِ حَاصِبٗا وَمِنۡهُم مَّنۡ أَخَذَتۡهُ ٱلصَّيۡحَةُ وَمِنۡهُم مَّنۡ خَسَفۡنَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ وَمِنۡهُم مَّنۡ أَغۡرَقۡنَاۚ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيَظۡلِمَهُمۡ وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ﴿٤٠﴾ مَثَلُ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡلِيَآءَ كَمَثَلِ ٱلۡعَنكَبُوتِ ٱتَّخَذَتۡ بَيۡتٗاۖ وَإِنَّ أَوۡهَنَ ٱلۡبُيُوتِ لَبَيۡتُ ٱلۡعَنكَبُوتِۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ﴿٤١﴾ إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ مِن شَيۡءٖۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿٤٢﴾ وَتِلۡكَ ٱلۡأَمۡثَٰلُ نَضۡرِبُهَا لِلنَّاسِۖ وَمَا يَعۡقِلُهَآ إِلَّا ٱلۡعَٰلِمُونَ ﴿٤٣﴾ خَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٤٤﴾ ٱتۡلُ مَآ أُوحِيَ إِلَيۡكَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَۖ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِۗ وَلَذِكۡرُ ٱللَّهِ أَكۡبَرُۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تَصۡنَعُونَ ﴿٤٥﴾

(ونیز قارون وفرعون وهامان را هلاك کردیم) وهرآئینه موسیٰ به نشانه های واضح به ایشان آمده بود پس درزمین تکبر کردند وسبقت کنندگان نبودند (۳۹). پس هریکی را به وبالِ گناهش گرفتار کردیم پس ازایشان کسی بود که فرستادیم بروی بادِسنگ بار وازایشان کسی بودکه اورا آواز سخت در گرفت وازایشان کسی بود به زمین فرو بردیمش وازایشان کسی بود که غرق ساختیم وهرگز خدابرآن نبود که برایشان ظلم کند ولیکن ایشان برخویشتن ستم می‌کردند (٤٠). وصف آنانکه دوستان گرفته اند غیر از خدا همچوداستان عنکبوت است که خانه ای فراگرفت وهرآئینه سست ترین خانه ها خانهٔ عنکبوت است اگرمی دانستند [۲] (٤١). هرآئینه خدا حال هر چیزی را که به جزوی می‌پرستند ازهرچه باشد میداند واوست غالب باحکمت (٤٢). واین داستان ها است که آنها را برای مردمان بیان می کنیم وآن را نمی فهمند مگر دانایان (٤٣). خدا آسمان‌ها وزمین را به تدبیر درست آفرید هرآئینه درین کار برای مسلمانان نشانهٔای است (٤٤). (یا محمد) آنچه به سوی تو وحی فرستاده شده ازکتاب بخوان ونمازرا برپادار هرآئینه نماز ازکاربیحیایی وفعل ناپسندیده جلو گیری میکند والبته یادکردن خدا ازهمه بزرگ تراست وخدا آنچه میکنید میداند (٤٥).

---

(۲) مترجم گوید حاصل مثل آنست که ایشان ببتان پناه برده اندوبتان به ایشان هیچ نفع نرسانند چنانکه خانهٔ عنکبوت هیچ فائده نمی دهد.

۞ وَلَا تُجَٰدِلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ إِلَّا بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ إِلَّا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡۖ وَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيۡنَا وَأُنزِلَ إِلَيۡكُمۡ وَإِلَٰهُنَا وَإِلَٰهُكُمۡ وَٰحِدٞ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ ﴿٤٦﴾ وَكَذَٰلِكَ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَۚ فَٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يُؤۡمِنُونَ بِهِۦۖ وَمِنۡ هَٰٓؤُلَآءِ مَن يُؤۡمِنُ بِهِۦۚ وَمَا يَجۡحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا ٱلۡكَٰفِرُونَ ﴿٤٧﴾ وَمَا كُنتَ تَتۡلُواْ مِن قَبۡلِهِۦ مِن كِتَٰبٖ وَلَا تَخُطُّهُۥ بِيَمِينِكَۖ إِذٗا لَّٱرۡتَابَ ٱلۡمُبۡطِلُونَ ﴿٤٨﴾ بَلۡ هُوَ ءَايَٰتُۢ بَيِّنَٰتٞ فِي صُدُورِ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَۚ وَمَا يَجۡحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٤٩﴾ وَقَالُواْ لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ ءَايَٰتٞ مِّن رَّبِّهِۦۖ قُلۡ إِنَّمَا ٱلۡأٓيَٰتُ عِندَ ٱللَّهِ وَإِنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٞ مُّبِينٌ ﴿٥٠﴾ أَوَلَمۡ يَكۡفِهِمۡ أَنَّآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ يُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحۡمَةٗ وَذِكۡرَىٰ لِقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ﴿٥١﴾ قُلۡ كَفَىٰ بِٱللَّهِ بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡ شَهِيدٗاۖ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱلۡبَٰطِلِ وَكَفَرُواْ بِٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ﴿٥٢﴾

وبا اهل کتاب مگر بخصلتی که وی نیك است مکابره مکنید مگر با آنانکه ازایشان ستم کردند وبگویید به آنچه فرود آورده شد به سوی ما ایمان آوردیم و به آنچه فرود آورده شد به سوی شماو معبود ما ومعبود شمایکی است وما تنها فرمانبرداراوهستیم (٤٦). (وچنانکه کتاب های سابق فرود آورده بودیم) همچنان به سوی توکتاب را فرود آوردیم پس آنانکه ایشان را کتاب دادیم به آن ایمان می آورند وازعرب کسی است که ایمان می آورد به آن وانکارنمی کنند آیات مارا مگر کافران (٤٧). وپیش ازنزول قرآن هیچ کتابی را نمی خواندی هیچ کتابی را بدست راست خود نمی نوشتی آنگاه این بدکیشان درشك می افتادند (٤٨). بلکه قرآن آیات روشن است محفوظ درسینه های آنانکه ایشان را علم داده شد وآیات مارا انکار نمی کنند مگر ستمکاران [۳] (٤٩). وگفتند چرا براین پیامبر نشانه هایی از جانب پروردگار وی فرستاده نشد؟ بگو نشانه ها تنها نزد خدا است من فقط ترسانندهٔ آشکارم (٥٠). آیا ایشان را کفایت نکرده است آنکه فرستادیم برتو کتاب که برایشان خوانده میشود هرآئینه درین (کار) برای قومی که باورمیدارند البته رحمت وپندی است (٥١). بگو خدا میانِ من ومیانِ شما گواه بس است میداند آنچه درآسمان ها وزمین است وآنانکه به باطل گرویدند وبخدا کافر شدند ایشان زیان کاران اند (٥٢).

(۳) مترجم گوید بعض مفسران گفته اندکه مراد از ﴿ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ﴾ به تنهاذات حضرت پیامبرست صلی الله علیه وسلم والله اعلم.

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِٱلْعَذَابِ ۚ وَلَوْلَآ أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَآءَهُمُ ٱلْعَذَابُ
وَلَيَأْتِيَنَّهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٣﴾ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِٱلْعَذَابِ
وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌۢ بِٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٥٤﴾ يَوْمَ يَغْشَىٰهُمُ ٱلْعَذَابُ
مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا۟ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ
﴿٥٥﴾ يَٰعِبَادِىَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِنَّ أَرْضِى وَٰسِعَةٌ فَإِيَّٰىَ فَٱعْبُدُونِ
﴿٥٦﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ ٱلْمَوْتِ ۖ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٥٧﴾ وَٱلَّذِينَ
ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُبَوِّئَنَّهُم مِّنَ ٱلْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِى
مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا ۚ نِعْمَ أَجْرُ ٱلْعَٰمِلِينَ ﴿٥٨﴾ ٱلَّذِينَ
صَبَرُوا۟ وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٥٩﴾ وَكَأَيِّن مِّن دَآبَّةٍ لَّا تَحْمِلُ
رِزْقَهَا ٱللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ ۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٦٠﴾ وَلَئِن
سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ
لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ ۖ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ﴿٦١﴾ ٱللَّهُ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ مِنْ
عِبَادِهِۦ وَيَقْدِرُ لَهُۥٓ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ ﴿٦٢﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُم
مَّن نَّزَّلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَحْيَا بِهِ ٱلْأَرْضَ مِنۢ بَعْدِ مَوْتِهَا
لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ ۚ قُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٣﴾

وعذاب را ازتو به شتاب می طلبند واگر میعادِ معیّنی نبودی البته بدیشان عذاب برسید والبته ناگهان به ایشان درحالی که ایشان ندانند بیاید (٥٣). عذاب را ازتو به شتاب طلب میکنند وهرآئینه دوزخ به یقین کافران را دربرگیرنده است (٥٤). روزیکه ایشان را عذاب ازبالای ایشان واز زیرپاهای ایشان فروپوشاند وخدا بگوید جزای آنچه راکه میکردید بچشید (٥٥). ای [٤] بندگانِ مسلمان من هرآئینه زمینِ من گشاده است پس خاص مرا عبادت کنید (٥٦). هر شخص چشنده ٔ مرگ است باز به سوی ما بازگردانیده شوید (٥٧). وآنانکه ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته کرده‌اند البته ایشان را ازبهشت به محل‌های بلند فرود آوریم که زیرآن جویها میرود جاویدان در آنجا (می مانند) پاداش عمل کنندگان چه نیك است (٥٨). همانانکه صبر کردند وبر پروردگار خویش توکل میکنند (٥٩). وبساجانور که روزی خود را برنمی‌دارد خدا اورا وشما را نیز روزی میدهد واو شنوای دانا است (٦٠). واگر ازایشان بپرسی چه کسی آسمان‌هاوزمین را آفرید و خورشید وماه را رام گردانید البته می‌گویند خدا پس چگونه ازراهِ توحید برگردانده میشوند (٦١). خدا روزی را برای هرکس که بخواهد ازبندگانِ خویش فراخ میکند وبرای هرکس که بخواهد تنگ می سازد هرآئینه خدا به هرچیز داناست (٦٢). واگر ازایشان بپرسی چه کسی ازآسمان آب را فرود آورد پس به آن زمین را بعدازمردن آن زنده ساخت البته بگویند خدا بگوستایش خدای راست بلکه بیشترین ایشان نمی‌فهمند (٦٣).

---

(٤) مترجم گوید خدای تعالی ترغیب میفرماید برهجرت به حبشه ومدینه باین آیات.

وَمَا هَٰذِهِ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَآ إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ ۚ وَإِنَّ ٱلدَّارَ ٱلْءَاخِرَةَ لَهِىَ ٱلْحَيَوَانُ ۚ لَوْ كَانُوا۟ يَعْلَمُونَ ﴿٦٤﴾ فَإِذَا رَكِبُوا۟ فِى ٱلْفُلْكِ دَعَوُا۟ ٱللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ فَلَمَّا نَجَّىٰهُمْ إِلَى ٱلْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ﴿٦٥﴾ لِيَكْفُرُوا۟ بِمَآ ءَاتَيْنَٰهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا۟ ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا ءَامِنًا وَيُتَخَطَّفُ ٱلنَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ ۚ أَفَبِٱلْبَٰطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ ٱللَّهِ يَكْفُرُونَ ﴿٦٧﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِٱلْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُۥٓ ۚ أَلَيْسَ فِى جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَٰفِرِينَ ﴿٦٨﴾ وَٱلَّذِينَ جَٰهَدُوا۟ فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَمَعَ ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٦٩﴾

سُورَةُ الرُّومِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓمٓ ﴿١﴾ غُلِبَتِ ٱلرُّومُ ﴿٢﴾ فِىٓ أَدْنَى ٱلْأَرْضِ وَهُم مِّنۢ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ ﴿٣﴾ فِى بِضْعِ سِنِينَ ۗ لِلَّهِ ٱلْأَمْرُ مِن قَبْلُ وَمِنۢ بَعْدُ ۚ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ ٱلْمُؤْمِنُونَ ﴿٤﴾ بِنَصْرِ ٱللَّهِ ۚ يَنصُرُ مَن يَشَآءُ ۖ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٥﴾

ربع الحزب ٤١

وزندگانی این دنیا جزلهو ولعب وبیهوده نیست هرآئینه سرای آخرت آنست سرای زندگانی (حقیقی) اگرمی دانستند (٦٤). پس ایشان چون درکشتی‌ها سوار شوند به جنابِ خدا خالص کنان برای وی عبادت را دعا کنند پس وقتیکه ایشانرا (از خطر دریا) به سوی زمین خشك نجات داد ناگهان ایشان شریك می آورند (٦٥). تاناسپاسی کنند به آنچه ایشانرا عطا کردیم وتابهره مند شوند [٥] پس زود (حقیقت حال را) خواهند دانست (٦٦). آیاندیده‌اند که ما حرمی با امن را مقررداشته ایم حال آنکه مردمان از دوروبر ایشان ربوده میشوند آیا به باطل باورمی‌دارند وبه نعمتِ خدا ناسپاسی میکنند (٦٧). وکیست ستمکارتر ازکسی که برخدا دروغی را افتراءکرد یا سخنِ راست راچون پیش او آمد دروغ انگارد آیا دردوزخ جایگاه کافران نیست؟ (٦٨). وآنانکه جهاد کردند در راه ما البته دلالت کنیم ایشان را براه های خود وهرآئینه خدا بانیکوکاران است (٦٩).

سوره روم مکی است وآن شصت
آیه وشش رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

الٓمٓ (١). قوم روم مغلوب شدند [١] (٢). درنزدیك ترین سر زمین [٢] وایشان پس از مغلوب شدنِ شان غالب خواهند شد (٣). درمدت چندسال، خدای راست فرمان پیش ازاین وپس ازاین وآن روز مسلمانان شادمان شوند (٤). به نصرتِ خدا، نصرت میدهد هرکه را خواهد واو غالب مهربان است (٥).

---

(٥) یعنی به دوستی یکدیگر بسببِ اجتماع برشرك بهره مند شوند.

(١) مترجم گوید فارس برروم غالب شدند وبعضِ بلاد وسرحد را درتصرف خود آوردند چون این خبر بمکه رسید اهل اسلام اندوهگین شدند زیرا که ایشان اهل کتاب بودند وکفار شادمان گشتند زیراکه ایشان واهل فارس امیان بودند خدای تعالی آیات نازل فرمود وبه غلبهٔ روم براهل فارس بشارت داد واین در چندسال بعد از هجرت متحقق شد واین قصه یکی ازدلائل نبوت است.

(٢) یعنی درسر حدِ خود.

وَعْدَ ٱللَّهِ ۖ لَا يُخْلِفُ ٱللَّهُ وَعْدَهُۥ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ
﴿٦﴾ يَعْلَمُونَ ظَٰهِرًا مِّنَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ ٱلْءَاخِرَةِ هُمْ
غَٰفِلُونَ ﴿٧﴾ أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا۟ فِىٓ أَنفُسِهِم ۗ مَّا خَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَآ إِلَّا بِٱلْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا
مِّنَ ٱلنَّاسِ بِلِقَآئِ رَبِّهِمْ لَكَٰفِرُونَ ﴿٨﴾ أَوَلَمْ يَسِيرُوا۟ فِى
ٱلْأَرْضِ فَيَنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۚ كَانُوٓا۟
أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا۟ ٱلْأَرْضَ وَعَمَرُوهَآ أَكْثَرَ مِمَّا
عَمَرُوهَا وَجَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ ۖ فَمَا كَانَ ٱللَّهُ
لِيَظْلِمَهُمْ وَلَٰكِن كَانُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٩﴾ ثُمَّ كَانَ
عَٰقِبَةَ ٱلَّذِينَ أَسَٰٓـُٔوا۟ ٱلسُّوٓأَىٰٓ أَن كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَكَانُوا۟
بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ ﴿١٠﴾ ٱللَّهُ يَبْدَؤُا۟ ٱلْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
﴿١١﴾ وَيَوْمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يُبْلِسُ ٱلْمُجْرِمُونَ ﴿١٢﴾ وَلَمْ يَكُن لَّهُم مِّن
شُرَكَآئِهِمْ شُفَعَٰٓؤُا۟ وَكَانُوا۟ بِشُرَكَآئِهِمْ كَٰفِرِينَ
﴿١٣﴾ وَيَوْمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَتَفَرَّقُونَ ﴿١٤﴾ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ
ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَهُمْ فِى رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ ﴿١٥﴾

خدا وعده کرده است، خدا وعده اش را خلاف نمی کند ولیکن اکثر مردمان نمی‌دانند (٦). از (تدبیر) زند گانی دنیا (تنها) ظاهر را می دانند وایشان از آخرت بی خبرند (٧). آیا درنفسهای خود تأمل نکرده‌اند که خدا آسمان ها وزمین را وآنچه درمیانِ آن هردواست نیافریده است مگر به تدبیر درست وبه تعیین میعادِی مقرر وهرآئینه بسیاری از مردمان به ملاقاتِ پروردگار خویش ناباورند (٨). آیا درزمین نگشته‌اند پس بنگرند که سر انجام آنانکه پیش ازایشان بودند چگونه شد؟ ازایشان توانا تر بودند وزمین را شونیدند و آن را بیشتر از آباد کردن ایشان آن زمین را آباد کردند وآمدند بدیشان پیامبران ایشان به معجزها پس خدا برآن نبود که برایشان ستم کند ولیکن ایشان برخویشتن ستم میکردند (٩). باز سرانجام آن کسان که بدی کردند بدترشد از آنکه آیاتِ خدارا تکذیب کردند وبه آن استهزامی‌کردند (١٠). خدا آفرینش را آغازمی‌کند بازدوباره بازش می‌گرداند باز به سوی او باز گردانیده می شوید (١١). وروزیکه قیامت برپا می شود گنهگاران غمزده خاموش مانند ونا امید میشوند (١٢). وبرای ایشان ازشریکانِ ایشان هیچ شفاعت کنندگان نباشد وبه شریکان خویش ناباور باشند (١٣). وروزی که قیامت برپا می شود آن روز مردمان پراگنده می‌شوند (١٤). اماآنانکه ایمان آورده‌اند وکردارهای شایسته کرده‌اند پس ایشان در بهشت خوشحال کرده می شوند (١٥).

وَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَلِقَآيِٕ ٱلْأَخِرَةِ
فَأُوْلَٰٓئِكَ فِي ٱلْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ﴿١٦﴾ فَسُبْحَٰنَ ٱللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ
وَحِينَ تُصْبِحُونَ ﴿١٧﴾ وَلَهُ ٱلْحَمْدُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ
وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ ﴿١٨﴾ يُخْرِجُ ٱلْحَيَّ مِنَ ٱلْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ
ٱلْمَيِّتَ مِنَ ٱلْحَيِّ وَيُحْيِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَاۚ وَكَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ
﴿١٩﴾ وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنْ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ إِذَآ أَنتُم بَشَرٌ
تَنتَشِرُونَ ﴿٢٠﴾ وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ
أَزْوَٰجًا لِّتَسْكُنُوٓاْ إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَّوَدَّةً وَرَحْمَةًۚ
إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأيَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾ وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦ
خَلْقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَٱخْتِلَٰفُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَٰنِكُمْۚ
إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأيَٰتٍ لِّلْعَٰلِمِينَ ﴿٢٢﴾ وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦ مَنَامُكُم
بِٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ وَٱبْتِغَآؤُكُم مِّن فَضْلِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
لَأيَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٢٣﴾ وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦ يُرِيكُمُ ٱلْبَرْقَ
خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنَزِّلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَيُحْيِۦ بِهِ ٱلْأَرْضَ
بَعْدَ مَوْتِهَآۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأيَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٢٤﴾

وامّاآنانکه کافر شده‌اند وآیاتِ ما وملاقاتِ آخرت را تکذیب کرده‌اند پس بدانندکه ایشان درعذاب حاضر کرده میشوند (۱٦). پس به پاکی خدارا یاد کنید چون درشامگاه وبامداد درمی‌آیید (۱۷). وستایش درآسمان‌ها وزمین او راست و(نیز) آخر روز وبه هنگام نیمروزتان [۳] (۱۸). زنده را ازمرده برمی‌آورد ومرده را از زنده برمی‌آورد زمین را بعد مردن آن زنده میسازد وهمچنین (ازگورها) برآورده خواهید شد (۱۹). ازنشانه‌های خدا آن است که شمارا ازخاك آفرید باز ناگهان شما مردمانی شدید که بأمورِ زندگی خویش پراگنده می‌پردازید (۲۰). و(نیز) ازنشانه های خدا آن است که برای شماازجنس شما همسرانی را بیافرید تا به آنها آرام گیرید ومیانِ شما دوستی ومهربانی پیداکرد هرآئینه درین کارنشانه هاست برای گروهی که تأمل میکنند (۲۱). و(نیز) ازنشانه های اوست آفریدن آسمان ها وزمین وگوناگون بودن زبانهای شماورنگهای شما هرآئینه درین کار برای دانشوران نشانه‌هااست (۲۲). وازنشانه‌های اوست خواب شمادرشب وروز وطلب کردنِ شَما ازفضلِ او (یعنی روزی) هرآئینه درین کار برای قومیکه می شنوند نشانه‌هااست (۲۳). و(نیز) ازنشانه های اوست که به شما برق را برای ترسانیدن ورغبت دادن می‌نماید وازآسمان آب را فرود می‌آورد پس بسببِ آن زمین را بعدِ مردنِ آن زنده میکند هرآئینه درین کار برای قومی که می فهمند نشانه‌هااست (۲٤).

(۳) مترجم گوید مرادآنست که درهروقتی ازین اوقات دلائلِ تنزیه او از رذائل واتصافِ او بمحامد متجدد میگردد پس مامور شدند بصلوٰة والله اعلم.

وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَن تَقُومَ ٱلسَّمَآءُ وَٱلۡأَرۡضُ بِأَمۡرِهِۦۚ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمۡ
دَعۡوَةٗ مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ إِذَآ أَنتُمۡ تَخۡرُجُونَ ٢٥ وَلَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِۖ كُلّٞ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ ٢٦ وَهُوَ ٱلَّذِي يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ
يُعِيدُهُۥ وَهُوَ أَهۡوَنُ عَلَيۡهِۚ وَلَهُ ٱلۡمَثَلُ ٱلۡأَعۡلَىٰ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٢٧ ضَرَبَ لَكُم مَّثَلٗا
مِّنۡ أَنفُسِكُمۡۖ هَل لَّكُم مِّن مَّا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُم مِّن
شُرَكَآءَ فِي مَا رَزَقۡنَٰكُمۡ فَأَنتُمۡ فِيهِ سَوَآءٞ تَخَافُونَهُمۡ
كَخِيفَتِكُمۡ أَنفُسَكُمۡۚ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ
يَعۡقِلُونَ ٢٨ بَلِ ٱتَّبَعَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ أَهۡوَآءَهُم بِغَيۡرِ عِلۡمٖۖ
فَمَن يَهۡدِي مَنۡ أَضَلَّ ٱللَّهُۖ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ٢٩ فَأَقِمۡ
وَجۡهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفٗاۚ فِطۡرَتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِي فَطَرَ ٱلنَّاسَ عَلَيۡهَاۚ
لَا تَبۡدِيلَ لِخَلۡقِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلۡقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ
ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٣٠ ۞ مُنِيبِينَ إِلَيۡهِ وَٱتَّقُوهُ وَأَقِيمُواْ
ٱلصَّلَوٰةَ وَلَا تَكُونُواْ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ٣١ مِنَ ٱلَّذِينَ فَرَّقُواْ
دِينَهُمۡ وَكَانُواْ شِيَعٗاۖ كُلُّ حِزۡبِۭ بِمَا لَدَيۡهِمۡ فَرِحُونَ ٣٢

و(نیز) ازنشانه های خداست که آسمان وزمین به حکمِ او (درجای) می‌ایستند بازچون شمارا به صدایی بخواند ناگهان شما اززمین برایید (۲۵). هرکه وهرچه درآسمان ها وزمین است ازآنِ اوست هریکی برای اوفرمانبردارند (۲٦). واوست آنکه آفرینش را آغاز میکند باز دوباره برمی‌گرداندش واین دوباره برگرداندن بروی آسان تراست وبرای او صفتِ بلند تر درآسمان ها وزمین است واو غالب باحکمت است (۲۷). برای شما مثالی ازحال خود شما بیان کرد آیاهست برای شما از بندگانی که مالكِ ایشانست دست های شما هیچ شریکانی درآنچه شمارا عطا کردیم تاشما درآن یکسان باشید از ایشان می ترسید مانندِ ترسیدن شما ازقومِ خویش همچنین بیان می کنیم نشانه ها را برای قومی که می فهمند[٤] (۲۸). بلکه ستمکاران خواهش‌های خودرا بغیر علم پیروی کرده اند پس کیست کسی راکه خدا بیراه گذاشته است هدایت کند؟ وایشان را هیچ یاری دهنده ای نیست (۲۹). پس روی خود را باحق گرایی‌تمام به سوی این دین استوار بگردان پیروی کن دین خدا را که مردمان را بروَی پیداکرد برای دینِ خدا دگرگوني نیست این است دین درست ولیکن اکثر مردمان نمیدانند (۳۰). انابت کنان به أو (عبادت) کنید وبترسید ازوَی و نمازرا برپادارید واز مشرکان مباشید (۳۱). ازآنانکه دین خودرا پرا کنده ساختند وگروه گروه شدند مباشید هر گروهی به آنچه نزد خود دارند خورسندند (۳۲).

---

(٤) حاصل مَثَل آنست که مملوك بامالك برابر نمی شود پس مملوكِ خدا را شریكِ اونتوان گفت.

وَإِذَا مَسَّ ٱلنَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْاْ رَبَّهُم مُّنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَآ أَذَاقَهُم
مِّنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُم بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾ لِيَكْفُرُواْ بِمَآ
ءَاتَيْنَٰهُمْۚ فَتَمَتَّعُواْ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣٤﴾ أَمْ أَنزَلْنَا عَلَيْهِمْ
سُلْطَٰنًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُواْ بِهِۦ يُشْرِكُونَ ﴿٣٥﴾ وَإِذَآ أَذَقْنَا
ٱلنَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُواْ بِهَاۖ وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ
إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ ﴿٣٦﴾ أَوَلَمْ يَرَوْاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ
وَيَقْدِرُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٣٧﴾ فَـَٔاتِ ذَا ٱلْقُرْبَىٰ
حَقَّهُۥ وَٱلْمِسْكِينَ وَٱبْنَ ٱلسَّبِيلِۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ
وَجْهَ ٱللَّهِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ﴿٣٨﴾ وَمَآ ءَاتَيْتُم مِّن رِّبًا
لِّيَرْبُوَاْ فِيٓ أَمْوَٰلِ ٱلنَّاسِ فَلَا يَرْبُواْ عِندَ ٱللَّهِۖ وَمَآ ءَاتَيْتُم مِّن
زَكَوٰةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ ٱللَّهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُضْعِفُونَ ﴿٣٩﴾
ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْۖ هَلْ مِن
شُرَكَآئِكُم مَّن يَفْعَلُ مِن ذَٰلِكُم مِّن شَيْءٍۚ سُبْحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ
عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٤٠﴾ ظَهَرَ ٱلْفَسَادُ فِي ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ
أَيْدِي ٱلنَّاسِ لِيُذِيقَهُم بَعْضَ ٱلَّذِي عَمِلُواْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤١﴾

وچون به مردمان سختی رسد پروردگار خود را به درگاه او انابت کنان بخوانند باز چون ایشان را ازجانب خود آسایشی بچشاند ناگهان طائفه‌ای ازایشان به پروردگار خود شریك می آورند (۳۳). تاسرانجام دربارهٔ آنچه به آنان بخشیدیم ناسپاسی کنند پس بهره مند شوید حقیقت حال را زود خواهید دانست (٣٤). آیا برایشان دلیلی را فرود آوردیم پس آن دلیل برای ایشان به آنچه باخدا شریك می آورند سخن میگوید (۳۵). وچون مردمان را بخشایشی بچشانیم به آن شادمان شوند واگر بدیشان سختی برسد بسبب آنچه دست های ایشان پیش فرستاده است ناگهان ایشان نومید می شوند (٣٦). آیا ندیدند که خدا کشاده میکند روزی را برای هرکه میخواهد وتنگ میکند برای هرکه میخواهد هرآئینه درین (امر) نشانه‌ها است برای قومی که ایمان می آورند (۳۷). پس به خویشاوند حقش رابده و(نیز) حق مسکین و ره‌گذررا بده این دادن بهترست برای کسانیکه رضای خدا را می‌طلبند واین جماعت ایشانند رستگاران (۳۸). وآنچه داده باشید ازسود تابیفزاید دراموال مردمان پس وی نزد خدا نمی افزاید وآنچه داده باشید ازصدقه رضای خدارا طلب می‌کنید پس این جماعت ایشانند فزونی یا فتگان [٥] (۳۹). خداوند کسی است که شمارا بیافرید باز شمارا روزی داد باز شمارا بمیراند باز شمارا زنده می گرداند آیا ازشریکانِ شما کسی هست که ازین کارها چیزی بکند پاکی اوراست و(ازآنچه) شریك‌می آورند بلندتر است (٤٠). از عمل کِرد دست های مردم فساد دربیابان ودردریا آشکارشد تابچشاند ایشان را جزای بعض آنچه عمل کردند بُوَد که ایشان باز گردند [٦] (٤١).

(٥) مترجم گوید مالی را که بشرط زیادت میدهند ربا نام نهاده شد.

(٦) یعنی قحط، غرق وسائرِ مصائب جزای قتلِ بنی آدم می باشد.

قُلْ سِيرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ فَٱنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ عَـٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلُ ۚ
كَانَ أَكْثَرُهُم مُّشْرِكِينَ ﴿٤٢﴾ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ ٱلْقَيِّمِ مِن
قَبْلِ أَن يَأْتِىَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِ ۖ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ ﴿٤٣﴾ مَن
كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُۥ ۖ وَمَنْ عَمِلَ صَـٰلِحًا فَلِأَنفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ ﴿٤٤﴾
لِيَجْزِىَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ مِن فَضْلِهِۦٓ ۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ
ٱلْكَـٰفِرِينَ ﴿٤٥﴾ وَمِنْ ءَايَـٰتِهِۦٓ أَن يُرْسِلَ ٱلرِّيَاحَ مُبَشِّرَٰتٍ وَلِيُذِيقَكُم
مِّن رَّحْمَتِهِۦ وَلِتَجْرِىَ ٱلْفُلْكُ بِأَمْرِهِۦ وَلِتَبْتَغُوا۟ مِن فَضْلِهِۦ وَلَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ ﴿٤٦﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَآءُوهُم
بِٱلْبَيِّنَـٰتِ فَٱنتَقَمْنَا مِنَ ٱلَّذِينَ أَجْرَمُوا۟ ۖ وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ
ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِى يُرْسِلُ ٱلرِّيَـٰحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُۥ
فِى ٱلسَّمَآءِ كَيْفَ يَشَآءُ وَيَجْعَلُهُۥ كِسَفًا فَتَرَى ٱلْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ
خِلَـٰلِهِۦ ۖ فَإِذَآ أَصَابَ بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦٓ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ
﴿٤٨﴾ وَإِن كَانُوا۟ مِن قَبْلِ أَن يُنَزَّلَ عَلَيْهِم مِّن قَبْلِهِۦ لَمُبْلِسِينَ
﴿٤٩﴾ فَٱنظُرْ إِلَىٰٓ ءَاثَـٰرِ رَحْمَتِ ٱللَّهِ كَيْفَ يُحْىِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَآ ۚ
إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْىِ ٱلْمَوْتَىٰ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾

بگو درزمین گردش کنید پس بنگرید سر انجام آنانکه پیش ازایشان بودند چگونه شد؟ بیشترین ایشان مشرك بودند (٤٢). پس روی خودرا برای دین درست استوارکن پیش ازآنکه بیاید روزی که آن راازجانب خداوند باز گشتی نیست آن روز متفرق شوند (٤٣). هرکس که کافرشد پس بروی است ضررِ کفرِ او وهرکس که کارِ شایسته کرده باشد پس این جماعت برای خویشتن آرامگاه تهیّه می‌کنند (٤٤). تا (خداوند) آنان راکه ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته کرده‌اند ازفضل خود پاداش دهد هرآئینه وی کافران را دوست نمیدارد (٤٥). وازنشانه های خداآنست که بادهارا مژده دهنده می فرستد وبرای آنکه شمارا ازرحمت خود بچشاند (یعنی باران دهد) وبرای آنکه کشتی‌ها بفرمانِ او جاری شوند وبرای آنکه ازفضلِ او (یعنی روزی) طلب کنید وبرای آنکه شما شکر کنید (٤٦). وهرآئینه پیش ازتو پیامبران را به سوی قومِ ایشان فرستادیم پس پیش قومِ خود نشانه‌ها آوردند پس ازآنانکه نافرماني کردند انتقام کشیدیم وياری دادنِ مسلمانان برعهده مابود (٤٧). خدا کسی است که بادهارا می‌فرستد پس ابررا برانگیزانند پس بگستراند آن ابر را در آسمان چنانکه خواهد وبگرداندش پاره پاره پس می بینی قطراتِ باران را که از میانِ آن بیرون می‌آیند پس چون رساندش بهرکس که می خواهد از بندگان خود ناگهان ایشان شادمان شوند (٤٨). واگرچه پیش ازآن که فرود آورده شود برایشان باران ناامید بودند (٤٩). پس به آثارِ رحمتِ خدا بنگر چگونه زمین را بعد مرده بودنِ آن زنده میکند هرآئینه وی البته زنده کنندهٔ مُردگان است واو برهمه چیز تواناست (٥٠).

وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَّظَلُّوا۟ مِنۢ بَعْدِهِۦ يَكْفُرُونَ ﴿٥١﴾ فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ ٱلْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوْا۟ مُدْبِرِينَ ﴿٥٢﴾ وَمَآ أَنتَ بِهَٰدِ ٱلْعُمْىِ عَن ضَلَٰلَتِهِمْ ۖ إِن تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِـَٔايَٰتِنَا فَهُم مُّسْلِمُونَ ﴿٥٣﴾ ۞ ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَكُم مِّن ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً ۚ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۖ وَهُوَ ٱلْعَلِيمُ ٱلْقَدِيرُ ﴿٥٤﴾ وَيَوْمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يُقْسِمُ ٱلْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا۟ غَيْرَ سَاعَةٍ ۚ كَذَٰلِكَ كَانُوا۟ يُؤْفَكُونَ ﴿٥٥﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْعِلْمَ وَٱلْإِيمَٰنَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِى كِتَٰبِ ٱللَّهِ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْبَعْثِ ۖ فَهَٰذَا يَوْمُ ٱلْبَعْثِ وَلَٰكِنَّكُمْ كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٥٦﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَّا يَنفَعُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٥٧﴾ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِى هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٍ ۚ وَلَئِن جِئْتَهُم بِـَٔايَةٍ لَّيَقُولَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ ﴿٥٨﴾ كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٩﴾ فَٱصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ ۖ وَلَا يَسْتَخِفَّنَّكَ ٱلَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ﴿٦٠﴾

ثلاثة أرباع الحزب ٤١

واگر بادی را فرستیم پس آن کشت را زرد شده ببینند البته پس ازآن ناسپاس می‌شوند (۵۱). پس هرآئینه تو مردگان را نمی شنوانی و(نیز) نمی توانی به کران چون پشت داده روی بگردانند آوازبشنوانی (۵۲). وتوراه نماینده کوران ازگمراهی ایشان نیستی نمی شنوانی مگر کسی را که آیاتِ مارا باور میدارد پس آنجماعت فرمانبردارند (۵۳). خداوند همان کسی است که (در آغاز) شمارا ازناتوانی آفرید باز مَرشما را بعد ازناتوانی توانایی داد باز مَرشمارا بعد ازتوانایی ناتوانی وسفید مویی داد می آفریند هرچه میخواهد واو دانا توانا است (٥٤). وروزی که قیامت برپاشود گنهگاران سوگند می‌خورند که توقف نکرده‌اند یعنی دردنیا بجز ساعتی همچنین ازراه برگردانیده میشدند [۷] (٥٥). و آنانکه ایشان را علم وایمان داده شده است گفتند هرآئینه توقف کرده‌اید بروفق کتابِ خداتاروزِ رستاخیز پس اینست روزِ رستاخیز ولیکن شما نمی‌دانستید (٥٦). پس آن روز ظالمان را عذر خواهی ایشان سود ندهد ونه از ایشان توبه طلب کرده شود (٥٧). وهرآئینه برای مردمان درین قرآن از هر مثلی بیان کردیم واگر پیش ایشان نشانه‌ای بیاری البته کافران گویند شما مگربیهوده گویان نیستید (٥٨). همچنین خدا بردل های آنانکه نمیدانند مُهرمی نهد (٥٩). پس صبر کن هرآئینه وعدهٔ خداراست است و خشمگین و سبکسار نکنند تورا آنانکه یقین نمی آورند (٦٠).

(۷) یعنی چون عقوباتِ مخلّده رامعاینه کردند دنیارا به مانند ساعتی خیال نمودند برعکس آنکه درحیات دنیا دنیارا به مثابه خلود خیال میکردند والله اعلم.

سُورَةُ لُقْمَانَ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓمٓ ﴿١﴾ تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ ٱلْحَكِيمِ ﴿٢﴾ هُدًى وَرَحْمَةً
لِّلْمُحْسِنِينَ ﴿٣﴾ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم
بِٱلْءَاخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٤﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ ۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ
هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ﴿٥﴾ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشْتَرِى لَهْوَ ٱلْحَدِيثِ
لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ
عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٦﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَٰتُنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا
كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِىٓ أُذُنَيْهِ وَقْرًا ۖ فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٧﴾
إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمْ جَنَّٰتُ ٱلنَّعِيمِ ﴿٨﴾
خَٰلِدِينَ فِيهَا ۖ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقًّا ۚ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٩﴾ خَلَقَ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ۖ وَأَلْقَىٰ فِى ٱلْأَرْضِ رَوَٰسِىَ أَن تَمِيدَ
بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَآبَّةٍ ۚ وَأَنزَلْنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَنۢبَتْنَا
فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ﴿١٠﴾ هَٰذَا خَلْقُ ٱللَّهِ فَأَرُونِى مَاذَا
خَلَقَ ٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦ ۚ بَلِ ٱلظَّٰلِمُونَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿١١﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

الٓم (۱). این آیه های کتاب باحکمت است (۲). برای نیکوکاران هدایت وبخشایش است (۳). آنانکه نمازرا برپامیدارند و زکوٰة را میدهند وایشان به آخرت یقین میدارند (٤). این جماعت ازپروردگار خود برهدایت‌اند واین جماعت ایشان رستگاران اند (٥). وازمردمان کسی هست که می ستاند سخن بیهوده را [1] تا مردم را ازراهِ خدا بغیر (هیچ) علم گمراه کند وآن رابه ریشخند گیرد این جماعت ایشان راست عذابِ خوار کننده (٦). وچون برین شخص آیاتِ ما خوانده شود تکبر کنان روی بگرداند گویا که آن را نشیده است گویا درهردوگوشِ وی گرانی است پس اورا به عذابی درد ناك خبرده (۷). هرآئینه آنانکه ایمان آورده‌اند وکردارهای شایسته کرده‌اند ایشان را (باغهای) بهشتهایی پر نعمت است (۸). که در آنجا جاویدانند وعده داده است خدا وعدهٔ راست واو غالب باحکمت است (۹). خداوند آسمان هارا بغیر ستون هایی که ببینید آنهارا آفرید ودرزمین کوه‌های استوار را افکند تازمین شمارا نلرزاند و در زمین ازهر نوع جانوران پراگنده کرد وازآسمان آبی را فرود آوردیم پس درزمین ازهر جنسِ ارزشمند رویانیدیم (۱۰). این آفرینش خدا است پس مرا بنمایید آنانکه جز او هستند چه چیز آفریده‌اند بلکه ستمکاران در گمراهی ظاهرند(۱۱).

(۱) یعنی مثلِ قصهٔ رستم واسفند یار.

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا لُقْمَٰنَ ٱلْحِكْمَةَ أَنِ ٱشْكُرْ لِلَّهِ ۚ وَمَن يَشْكُرْ فَإِنَّمَا
يَشْكُرُ لِنَفْسِهِۦ ۖ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِىٌّ حَمِيدٌ ﴿١٢﴾ وَإِذْ قَالَ
لُقْمَٰنُ لِٱبْنِهِۦ وَهُوَ يَعِظُهُۥ يَٰبُنَىَّ لَا تُشْرِكْ بِٱللَّهِ ۖ إِنَّ ٱلشِّرْكَ
لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ﴿١٣﴾ وَوَصَّيْنَا ٱلْإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُۥ
وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَٰلُهُۥ فِى عَامَيْنِ أَنِ ٱشْكُرْ لِى وَلِوَٰلِدَيْكَ
إِلَىَّ ٱلْمَصِيرُ ﴿١٤﴾ وَإِن جَٰهَدَاكَ عَلَىٰٓ أَن تُشْرِكَ بِى مَا لَيْسَ
لَكَ بِهِۦ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۖ وَصَاحِبْهُمَا فِى ٱلدُّنْيَا مَعْرُوفًا ۖ
وَٱتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَىَّ ۚ ثُمَّ إِلَىَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم
بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٥﴾ يَٰبُنَىَّ إِنَّهَآ إِن تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ
خَرْدَلٍ فَتَكُن فِى صَخْرَةٍ أَوْ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ أَوْ فِى ٱلْأَرْضِ يَأْتِ
بِهَا ٱللَّهُ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿١٦﴾ يَٰبُنَىَّ أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ وَأْمُرْ
بِٱلْمَعْرُوفِ وَٱنْهَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ وَٱصْبِرْ عَلَىٰ مَآ أَصَابَكَ ۖ إِنَّ ذَٰلِكَ
مِنْ عَزْمِ ٱلْأُمُورِ ﴿١٧﴾ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِى ٱلْأَرْضِ
مَرَحًا ۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿١٨﴾ وَٱقْصِدْ فِى مَشْيِكَ
وَٱغْضُضْ مِن صَوْتِكَ ۚ إِنَّ أَنكَرَ ٱلْأَصْوَٰتِ لَصَوْتُ ٱلْحَمِيرِ ﴿١٩﴾

وبه راستی که لقمان را حکمت عطا کردیم (گفتیم) که خدارا شکر کن وهرکس که شکر کند پس جزاین نیست که شکر میکند برای نفع خود وهرکس که ناسپاسی کند پس هرآئینه خدا بی نیازستوده کاراست (۱۲). ویادکن چون لقمان به پسرش درحالیکه اُو آن را پندمیداد گفت ای پسركِ من باخدا شريك مقرر مكن هرآئينه شرك ستمی بزرگ است (۱۳). وانسان را نِسبت به پدرومادرِ وی (به نیکی) سفارش کرده‌ایم درشکم برداشته است او را مادر وی درحال سستی بالای سستی دیگر [۲] وازشیربازکردنِ اودردوسال است به این سفارش کرده‌ایم که شکر گزاری مرا وپدرومادر خودرا بکن باز گشت به سوی من است (١٤). واگر کوشش کنند باتو برآنکه شريك مقرر کنی بامن چیزی را که نیست تورا به آن دانش پس فرمانبرداری ایشان مکن وباایشان درمعیشت دنیا با وجه پسندیده معاشرت کن وراهِ کسی را در پیش بگیر که به جانب من إنابت کرده است باز رجوع شما به سوی من است پس شمارا به آنچه می کردید خبردهم (١٥). لقمان گفت ای پسركِ من هرآئینه اگر باشد خطيئة هم سنگ دانه سپندان پس درمیان سنگی یا در آسمان ها یا در زمین باشد (بهر حال) آن راخدا حاضر کند هرآئینه خدا باريك بين خبر دارست (١٦). ای پسركِ من نماز را برپا دار وبکار پسندیده فرمان دِه وازناپسندیده منع کن وبرهر آنچه به توبرسد صبرکن هرآئینه این ازکارهای مقصودست (۱۷). ورخساره خود را از مردمان متاب (یعنی رومتاب ازجهت تکبروبی اعتنائی) ودرزمین خرامان راه مرو هرآئینه خدا هرنازنده خود ستاینده را دوست نمیدارد (۱۸). ودررفتار خود میانه روی کن وآواز خودرا فرود آر هرآئینه بدترین آوازها آوازِخران باشد (۱۹).

---

(۲) یعنی هروقت سست تر میشود والله اعلم.

أَلَمْ تَرَوْا۟ أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ وَأَسْبَغَ
عَلَيْكُمْ نِعَمَهُۥ ظَٰهِرَةً وَبَاطِنَةً ۗ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِى ٱللَّهِ
بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَٰبٍ مُّنِيرٍ ﴿٢٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّبِعُوا۟
مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُوا۟ بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَآ ۚ أَوَلَوْ كَانَ
ٱلشَّيْطَٰنُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ ﴿٢١﴾ ۞ وَمَن يُسْلِمْ
وَجْهَهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ ٱسْتَمْسَكَ بِٱلْعُرْوَةِ ٱلْوُثْقَىٰ ۗ
وَإِلَى ٱللَّهِ عَٰقِبَةُ ٱلْأُمُورِ ﴿٢٢﴾ وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُۥٓ ۚ
إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوٓا۟ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ
﴿٢٣﴾ نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٢٤﴾
وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ ۚ قُلِ
ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٥﴾ لِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلْأَرْضِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْغَنِىُّ ٱلْحَمِيدُ ﴿٢٦﴾ وَلَوْ أَنَّمَا فِى ٱلْأَرْضِ
مِن شَجَرَةٍ أَقْلَٰمٌ وَٱلْبَحْرُ يَمُدُّهُۥ مِنۢ بَعْدِهِۦ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ
مَّا نَفِدَتْ كَلِمَٰتُ ٱللَّهِ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٧﴾ مَّا خَلْقُكُمْ
وَلَا بَعْثُكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَٰحِدَةٍ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌۢ بَصِيرٌ ﴿٢٨﴾

الحزب ٤٢

آیا ندیدید که خدا رام گردانید برای شما آنچه درآسمان هاast وآنچه درزمین است وبرشما نعمت های خود را آشکار وپنهان فرود آورد وازمردمان کسی هست که دربارهٔ خدا بغیر دانش وبغیر هدایت وبغیر کتاب روشن مکابره میکند (۲۰). وچون به ایشان گفته شود که از چیزی پیروی کنید که خدا فرودآورده است گویند بلکه چیزی را پیروی می کنیم که برآن پدرانِ خود را یافتیم آیا پیروی میکنند اگرچه شیطان ایشان را به سوی عذابِ دوزخ می خواند (۲۱). وهرکه روی خودرا به سوی خدا و وی نیکوکارست متوجه ساخت پس هرآئینه بدست آویزی محکم دست زده است وبازگشتِ کارها به سوی خداست (۲۲). وهرکه کافرشود پس تورا کفرِوَی اندوهگین نکند رجوع ایشان به سوی ماست پس خبردارکنیم ایشان راباآنچه میکردند هرآئینه خدا داناست به خصلتی که درسینه هاباشد (۲۳). ایشان رااندکی بهره مند می سازیم بازبه بیچارگی ایشان را به سوی عذابِ سخت برانیم (۲٤). واگر سوال کنی ازایشان چه کس آسمان ها وزمین را بیافرید البته بگویند خدا آفرید بگو ستایش خدای راست بلکه أکثر ایشان نمی دانند (۲٥). آنچه درآسمان ها وزمین است از آنِ خدا است هرآئینه خدا همانست بی نیاز ستوده (۲٦). واگر آنچه درزمین است ازدرختان قلم ها شوند ودریا جوهر بود که آنرا بعدازین دریا هفت دریای دیگر یاریگر شوند سخنانِ خدا بپایان نرسند هرآئینه خدا غالب باحکمت است (۲۷). نیست آفریدن شما ونه برانگیختن شما الاّ مانند آفریدن وبرانگیختنِ یکتن هرآئینه خدا شنوا بیناست (۲۸).

أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُولِجُ ٱلَّيْلَ فِى ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِى ٱلَّيْلِ وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ ۖ كُلٌّ يَجْرِىٓ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٩﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ ٱلْبَٰطِلُ وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْعَلِىُّ ٱلْكَبِيرُ ﴿٣٠﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱلْفُلْكَ تَجْرِى فِى ٱلْبَحْرِ بِنِعْمَتِ ٱللَّهِ لِيُرِيَكُم مِّنْ ءَايَٰتِهِۦٓ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٣١﴾ وَإِذَا غَشِيَهُم مَّوْجٌ كَٱلظُّلَلِ دَعَوُا۟ ٱللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ فَلَمَّا نَجَّىٰهُمْ إِلَى ٱلْبَرِّ فَمِنْهُم مُّقْتَصِدٌ ۚ وَمَا يَجْحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ ﴿٣٢﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُوا۟ رَبَّكُمْ وَٱخْشَوْا۟ يَوْمًا لَّا يَجْزِى وَالِدٌ عَن وَلَدِهِۦ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَن وَالِدِهِۦ شَيْـًٔا ۚ إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ ۖ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِٱللَّهِ ٱلْغَرُورُ ﴿٣٣﴾ إِنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥ عِلْمُ ٱلسَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ ٱلْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِى ٱلْأَرْحَامِ ۖ وَمَا تَدْرِى نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا ۖ وَمَا تَدْرِى نَفْسٌۢ بِأَىِّ أَرْضٍ تَمُوتُ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌۢ ﴿٣٤﴾

سُورَةُ السَّجْدَةِ

آیاندیدی که خدا درمی آورد شب را در روز ودرمی آورد روز را درشب ورام گردانید خورشید وماه را هریکی تامدتی معین میرود وآیا ندیدی که خدا به آنچه می کنید خبردارست (۲۹). این کارها بسبب آن است که خدا همونست حق وثابت وبسبب آنست که آنچه می پرستند به جزوی بی اصل و باطل است وبسبب آنست که خدا همونست بلند مرتبه بزرگ قدر (۳۰). آیاندیدی که کشتی ها دردریا به فضلِ خدا میرود تا شمارا بعضی نشانه‌های خویش بنماید هرآئینه درین (ماجرا) هر صبر کننده سپاس دارنده را نشانه هاست (۳۱). وچون ایشان را موجی مانند سایبان ها در گیرد خدارا بخوانند برای او عبادت را خالص کرده پس آنگاه که ایشان را بسوی بیابان نجات داد پس بعضی از ایشان میانه رو باشند وآیاتِ مارا انکارنمی کنند مگر هر عهد شکننده ناسپاس (۳۲). ای مردمان از پروردگارِ خویش بترسید وحذر کنید ازروزی که کفایت نکند هیچ پدری از پسر خویش ونه فرزندی کفایت کننده باشَد چیزی را از پدر خویش هرآئینه وعدهٔ خدا راست است پس شمارا زندگانی دنیا فریب ندهد وشمارا شیطان فریبنده نسبت به خدا فریب ندهد (۳۳). هرآئینه خدا نزدِ اوست علم قیامت وباران را فرود میفرستد وآنچه در رحمها ی باشد میداند ونمیداند هیچ شخصی که فردا چه کار خواهد کرد وهیچ شخصی نمی داند که بکدام سر زمین خواهد مُرد هرآئینه خدا دانا خبر داراست (۳٤).

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓمٓ ﴿١﴾ تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٢﴾ أَمْ يَقُولُونَ ٱفْتَرَىٰهُ بَلْ هُوَ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٣﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِى سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ ٱسْتَوَىٰ عَلَى ٱلْعَرْشِ مَا لَكُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَلِىٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٤﴾ يُدَبِّرُ ٱلْأَمْرَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ إِلَى ٱلْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِى يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُۥٓ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ ﴿٥﴾ ذَٰلِكَ عَٰلِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٦﴾ ٱلَّذِىٓ أَحْسَنَ كُلَّ شَىْءٍ خَلَقَهُۥ وَبَدَأَ خَلْقَ ٱلْإِنسَٰنِ مِن طِينٍ ﴿٧﴾ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُۥ مِن سُلَٰلَةٍ مِّن مَّآءٍ مَّهِينٍ ﴿٨﴾ ثُمَّ سَوَّىٰهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِن رُّوحِهِۦ وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمْعَ وَٱلْأَبْصَٰرَ وَٱلْأَفْـِٔدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿٩﴾ وَقَالُوٓا۟ أَءِذَا ضَلَلْنَا فِى ٱلْأَرْضِ أَءِنَّا لَفِى خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُم بِلِقَآءِ رَبِّهِمْ كَٰفِرُونَ ﴿١٠﴾ ۞ قُلْ يَتَوَفَّىٰكُم مَّلَكُ ٱلْمَوْتِ ٱلَّذِى وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿١١﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

الٓمٓ (۱). فرود آوردنِ کتاب که هیچ شکیّ درآن روا نیست از جانب پروردگار جهانیان است (۲). آیامی گویند آنرا بربافته است بلکه وی راست است از جانبِ پروردگار تو آمده تا بترسانی قومی را که نیامده است به ایشان هیچ ترساننده ای پیش ازتو تا باشد که ایشان راه یابند (۳). خدا کسی است که آسمان ها وزمین را وهرآنچه ما بین آنهاست درشش روز آفرید بازقرار گرفت برعرش نیست شمارا جزاو هیچ دوستی ونه شفاعت کننده ای آیا پند پذیر نمی شوید (٤). کاررا تدبیر میکند فرودآورده ازآسمان به سوی زمین بازبالا میرود آن کار به سوی خدا در روزیکه هست مقدار آن هزارسال از آنچه که می شمارید [1] (٥). این است صفت داننده ٔ نهان وآشکار غالب مهربان (٦). کسی که به نیك ترین وجه ساخت هرچیزی را که آفریدش وآفرینش آدمی را ازگِل آغاز کرد (۷). باز نسل اورا ازخلاصه ای ازآبِ خوار پیداکرد (۸). بازدرست اندام کردش و در وی روح خود را دمید وپیدا کردبرای شماگوش وچشم ها ودل ها اندکی شکرمی کنید (۹). وگفتند چون درزمین گم شویم آیا ما در آفرینشِ نو خواهیم بود بلکه ایشان به ملاقاتِ پرورد گارِ خویش کافرانند (۱۰). بگو ملك الموت قبضِ روح شمامی کند که برشما گماشته شده است باز به سوی پروردگارِ خویش گردانیده شوید (۱۱).

(۱) یعنی اگرمردمان نزولِ تدبیر وعروجِ او را تصور کنند درکم ازهزار سال خیال ننمایند وآن همه پیش خدای تعالی دریك روز تمام می شود غرض آن است که اوهامِ ایشان به قدرتِ او نمی رسند والله اعلم.

وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا۟ رُءُوسِهِمْ عِندَ رَبِّهِمْ
رَبَّنَآ أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَٱرْجِعْنَا نَعْمَلْ صَٰلِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ
﴿١٢﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَءَاتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَىٰهَا وَلَٰكِنْ حَقَّ
ٱلْقَوْلُ مِنِّى لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ ٱلْجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ أَجْمَعِينَ
﴿١٣﴾ فَذُوقُوا۟ بِمَا نَسِيتُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَآ إِنَّا نَسِينَٰكُمْ ۖ
وَذُوقُوا۟ عَذَابَ ٱلْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾ إِنَّمَا يُؤْمِنُ
بِـَٔايَٰتِنَا ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا۟ بِهَا خَرُّوا۟ سُجَّدًا وَسَبَّحُوا۟ بِحَمْدِ
رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ۩ ﴿١٥﴾ تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ
عَنِ ٱلْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ
يُنفِقُونَ ﴿١٦﴾ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّآ أُخْفِىَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ
جَزَآءًۢ بِمَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿١٧﴾ أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا ۚ
لَّا يَسْتَوُۥنَ ﴿١٨﴾ أَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَلَهُمْ
جَنَّٰتُ ٱلْمَأْوَىٰ نُزُلًۢا بِمَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ فَسَقُوا۟
فَمَأْوَىٰهُمُ ٱلنَّارُ ۖ كُلَّمَآ أَرَادُوٓا۟ أَن يَخْرُجُوا۟ مِنْهَآ أُعِيدُوا۟ فِيهَا
وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا۟ عَذَابَ ٱلنَّارِ ٱلَّذِى كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ﴿٢٠﴾

سَجْدَة

و(تعجب کنی) اگر بنگری هنگامی که گناهکاران سرهایشان رانگو نسار افکنده باشند نزد پروردگارِ خویش (گویند) ای پروردگارما دیدیم وشنیدیم پس بازگردان ماراتابکنیم کارشایسته هرآئینه ما یقین کننده ایم (۱۲). واگرمی خواستیم البته هر شخصی را هدایتِ او می دادیم ولیکن ثابت شده است ازجانب من وعده که هرآئینه دوزخ را ازجنیان وآدمیان همگی پرکنم (۱۳). پس بچشید (این عذاب را) بسبب آنکه ملاقاتِ این روزِ خودرا فراموش کردید هرآئینه مانیز شمارا فراموش کردیم وعذابِ دایم را بسبب آنچه می کردید بچشید (۱٤). جزاین نیست که ایمان می آورند به آیاتِ ما آنانکه چون به آن پند داده می شوند نگونسار افتند سجده کنان وبپاکی باستایش پروردگارِ خویش را یادکنند وایشان تکبر نمی کنند (۱٥). پهلوهای ایشان ازخوابگاهها دورمی‌ماند [۲] پروردگار خود را بترس وامیدواری میخوانند وازآنچه روزی داده ایم ایشانرا خرج میکنند (۱٦). پس هیچ نفسی نمیداند چه چیزپنهان داشته شدبرای ایشان ازخنکی چشم پاداش به آنچه می کردند (۱۷). آیاکسی که مومن باشد مانندِ کسی هست که فاسق باشد بگوبرابر نمی شوند (۱۸). اماآنانکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند پس ایشان را بطریق مهمانی بهشت ها جای ماندن است بسبب آنچه میکردند (۱۹). واماآنانکه فاسق بودند پس جای ایشان دوزخ است هرگاهی که خواهند که ازآنجا بیرون آیند درآن بازگردانیده شوند وبه ایشان گفته شود بچشید عذاب آتشی را که آن را تکذیب می کردید (۲۰).

(۲) کنایه است ازشب بیداری برای عبادت ودعا وتضرع، مصحح.

وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ ٱلْعَذَابِ ٱلْأَدْنَىٰ دُونَ ٱلْعَذَابِ ٱلْأَكْبَرِ
لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢١﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ ثُمَّ
أَعْرَضَ عَنْهَآ ۚ إِنَّا مِنَ ٱلْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا
مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ فَلَا تَكُن فِى مِرْيَةٍ مِّن لِّقَآئِهِۦ ۖ وَجَعَلْنَٰهُ
هُدًى لِّبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ﴿٢٣﴾ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا
لَمَّا صَبَرُوا۟ ۖ وَكَانُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا يُوقِنُونَ ﴿٢٤﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ
يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُوا۟ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ
﴿٢٥﴾ أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّنَ ٱلْقُرُونِ
يَمْشُونَ فِى مَسَٰكِنِهِمْ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ ۚ أَفَلَا يَسْمَعُونَ
﴿٢٦﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّا نَسُوقُ ٱلْمَآءَ إِلَى ٱلْأَرْضِ ٱلْجُرُزِ فَنُخْرِجُ
بِهِۦ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَٰمُهُمْ وَأَنفُسُهُمْ ۚ أَفَلَا يُبْصِرُونَ
﴿٢٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلْفَتْحُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٢٨﴾
قُلْ يَوْمَ ٱلْفَتْحِ لَا يَنفَعُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِيمَٰنُهُمْ وَلَا هُمْ
يُنظَرُونَ ﴿٢٩﴾ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَٱنتَظِرْ إِنَّهُم مُّنتَظِرُونَ ﴿٣٠﴾

سُورَةُ الأَحْزَابِ

والبته ایشان را عذاب نزدیك بچشانیم (یعنی دردنیا) غیر از عذاب بزرگ، باشد که ایشان بازگردند (۲۱). وکیست ستمگارترازکسی که به آیاتِ پرورد گارخویش پندداده شده باز ازآن روی بگردانید هرآئینه ما از گناهکاران انتقام گیرنده ایم (۲۲). به راستی که موسیٰ را کتاب دادیم پس درشك از دریافت (موسی) آنرا مباش ما آن را هدایت برای بنی اسرائیل گردانیدیم (۲۳). واز ایشان پیشوایاني که راه می نمودند به فرمان ما مقرر کردیم وقتیکه صبر کردند وبه آیاتِ ما یقین می آوردند (٤ ۲). هرآئینه پروردگارتو روز قیامت میانِ ایشان در آنچه درآن اختلاف میکردند فیصله می کند (۲۵). آیا واضح نشد برای ایشان که چه قدر از نسلها پیش ازایشان هلاك کردیم ایشان درخانه های آن جماعت میروند هرآئینه درین کارنشانه هاست آیانمی شنوند (۲٦). آیا ندیده‌اند که ما آب را به سوی زمین بی گیاه روان می کنیم پس بسبب آن زراعتَ را بیرون می آوریم که ازآن زراعت چهار پایانِ ایشان وخودایشان نیز میخورند آیانمی بینند (۲۷). ومیگویند کی خواهد بود این فتح اگرشما راست گویید (۲۸). بگو روزفتح کافران را ایمان آوردنِ ایشان سود ندهد ونه ایشان مهلت داده شوند (۲۹). پس ازایشان روی بگردان وانتظار بکن هرآئینه ایشان نیز منتظرند (۳۰).

نصف الحزب ٤٢

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ ٱتَّقِ ٱللَّهَ وَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَۚ إِنَّ
ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ١ وَٱتَّبِعۡ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيۡكَ
مِن رَّبِّكَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرًا ٢ وَتَوَكَّلۡ
عَلَى ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا ٣ مَّا جَعَلَ ٱللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن
قَلۡبَيۡنِ فِي جَوۡفِهِۦۚ وَمَا جَعَلَ أَزۡوَٰجَكُمُ ٱلَّٰٓـِٔي تُظَٰهِرُونَ
مِنۡهُنَّ أُمَّهَٰتِكُمۡۚ وَمَا جَعَلَ أَدۡعِيَآءَكُمۡ أَبۡنَآءَكُمۡۚ ذَٰلِكُمۡ قَوۡلُكُم
بِأَفۡوَٰهِكُمۡۖ وَٱللَّهُ يَقُولُ ٱلۡحَقَّ وَهُوَ يَهۡدِي ٱلسَّبِيلَ ٤
ٱدۡعُوهُمۡ لِأٓبَآئِهِمۡ هُوَ أَقۡسَطُ عِندَ ٱللَّهِۚ فَإِن لَّمۡ تَعۡلَمُوٓاْ ءَابَآءَهُمۡ
فَإِخۡوَٰنُكُمۡ فِي ٱلدِّينِ وَمَوَٰلِيكُمۡۚ وَلَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٞ فِيمَآ
أَخۡطَأۡتُم بِهِۦ وَلَٰكِن مَّا تَعَمَّدَتۡ قُلُوبُكُمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ
غَفُورًا رَّحِيمًا ٥ ٱلنَّبِيُّ أَوۡلَىٰ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ مِنۡ أَنفُسِهِمۡۖ
وَأَزۡوَٰجُهُۥٓ أُمَّهَٰتُهُمۡۗ وَأُوْلُواْ ٱلۡأَرۡحَامِ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلَىٰ بِبَعۡضٖ
فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُهَٰجِرِينَ إِلَّآ أَن تَفۡعَلُوٓاْ إِلَىٰٓ
أَوۡلِيَآئِكُم مَّعۡرُوفٗاۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِي ٱلۡكِتَٰبِ مَسۡطُورٗا ٦
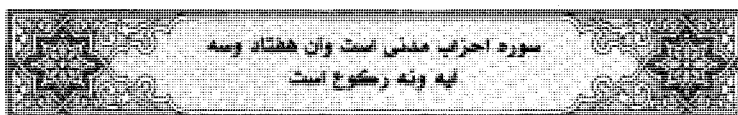
بنام خدای بخشاینده مهربان.

ای پیامبر ازخدا بترس وکافران ومنافقان را فرمانبرداری مکن هرآئینه خدا دانای باحکمت است (۱). وچیزی راکه وحی فرستاده میشود به سوی تواز جانبِ پروردگارت پیروی کن هرآئینه خدا به آنچه میکنید خبر داراست (۲). وبرخدا توکل کن وخدا به عنوان کارساز بس است (۳). خدای تعالی برای هیچ مردی دو دل درداخل بدنِ او نیافریده است [1] وآن زنانِ شمارا که مورد ظهار قرار میدهید مادرانِ شما قرار نداده است ونه ساخته است پسر خواندگانِ شمارا پسرانِ شما این سخنِ شماست که میگویید به دهان خویش وخدا می گوید سخن راست واو به راه دلالت میکند (٤). پسر خواندگان را به پدرانِ ایشان نسبت کنید این نزد خدا راست تراست پس اگرندانید پدران ایشانرا پس دردین برادرانِ شمایند وآزاد کردگان شمایند [2] و برشما در لفظی که خطا کرده باشید به تکلم آن گناهی نیست ولیکن گناه آن است که قصد کرد دلهای شما وهست خدا آمرزنده مهربان (٥). پیامبر به تصرف درامور مسلمین ازذات های ایشان سزاوار تراست وزنانِ پیامبر مادرانِ ایشانند [3] وخویشاوندان بعضِ ایشان به بعضی دیگر در حکمِ خدا از سایر مسلمانان وهجرت کنندگان نزدیك تراند مگر آنکه به سوی دوستانِ خود کار نیکی انجام دهید این حکم درلوح محفوظ نوشته شده [4] است (٦).

---

(۱) مترجم گوید که درین آیات ردّاست برقول کافری که میگوید مرا دو دل دادهاند وبرآنچه اهل جاهلیت مقرر کرده بودند که مظاهره مثل مادر حرام ابدی شود وتعریض است به جواب طعن کافران ومنافقان نسبت به آن حضرت صلی الله علیه وسلم چون زینب را ازدواج فرمود که زن پسر خوانده را بزنی گرفت.

(۲) یعنی پس باین لقب بخوانید.

(۳) یعنی در حرمت نکاح.

(٤) یعنی صلهٔ ارحام واجب است وتوارث به هجرت واسلام منسوخ شد بسبب توارث به قرابت وارحام.

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ مِيثَـٰقَهُمْ وَمِنكَ وَمِن نُّوحٍ وَإِبْرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَى ٱبْنِ مَرْيَمَ ۖ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَـٰقًا غَلِيظًا ﴿٧﴾ لِّيَسْـَٔلَ ٱلصَّـٰدِقِينَ عَن صِدْقِهِمْ ۚ وَأَعَدَّ لِلْكَـٰفِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٨﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱذْكُرُوا۟ نِعْمَةَ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَآءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٩﴾ إِذْ جَآءُوكُم مِّن فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ ٱلْأَبْصَـٰرُ وَبَلَغَتِ ٱلْقُلُوبُ ٱلْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِٱللَّهِ ٱلظُّنُونَا۠ ﴿١٠﴾ هُنَالِكَ ٱبْتُلِىَ ٱلْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا۟ زِلْزَالًا شَدِيدًا ﴿١١﴾ وَإِذْ يَقُولُ ٱلْمُنَـٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِى قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ إِلَّا غُرُورًا ﴿١٢﴾ وَإِذْ قَالَت طَّآئِفَةٌ مِّنْهُمْ يَـٰٓأَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَٱرْجِعُوا۟ ۚ وَيَسْتَـْٔذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ ٱلنَّبِىَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِىَ بِعَوْرَةٍ ۖ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا ﴿١٣﴾ وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِم مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا۟ ٱلْفِتْنَةَ لَـَٔاتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا۟ بِهَآ إِلَّا يَسِيرًا ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ كَانُوا۟ عَـٰهَدُوا۟ ٱللَّهَ مِن قَبْلُ لَا يُوَلُّونَ ٱلْأَدْبَـٰرَ ۚ وَكَانَ عَهْدُ ٱللَّهِ مَسْـُٔولًا ﴿١٥﴾

ویادکن چون ازپیامبران عهدِ ایشان را گرفتیم وازتوبگرفتیم وازنوح وابراهیم وموسیٰ وعیسیٰ پسر مریم وازایشان عهد محکم گرفتیم (۷). تاخدای تعالی آن راست گویان رااز راستی ایشان بپرسد وبرای کافران عذاب درد ناك [(٥)] مهیاکرده است (۸). ای مسلمانان نعمت خدارا برخویش یادکنید وقتی که برسر شمالشکرها آمد ند پس برایشان باد را ولشکرهایی که آنهارا ندیدید فرستادیم وخدا به آنچه می کنید بینا هست (۹). چون برشما ازجانبِ بالای شما واز جانبِ پائین شما آمدند وچون خیره ماندند دیدها ودلها بچنبر گردنها رسید و نسبت به خدا گمان میکردید گمانهای مختلف (۱۰). آنجا مسلمانان امتحان کرده شدند وجنبانیده شدند جنبانیدنِ سخت (۱۱). وچون منافقان وآنانکه دردل های ایشان بیماریست می گفتند که خدا ورسولِ جزوعده‌های دروغین بمانداده‌اند (۱۲). وچون طائفه‌ای ازایشان گفتند ای اهل مدینه (اینجا) سرای ماندن شما نیست پس باز گردید وگروهی ازایشان ازجناب پیامبر دستور می طلبند می گویند هرآئینه خانه‌های ما نامضبوط است وآن خانه های نامضبوط نیستند مگر گریختن را نمی خواهند (۱۳). واگر برسر ایشان ازنواحی آن درآمده می شد پس طلب کرده می‌شد ازایشان خانه جنگی البته آن را انجام میدادند وتوقف نمی کردند درآن فتنه مگر اندکی [(٦)] (١٤). وبه راستی باخدا پیش ازین عهد بسته بودند که پشت‌هارا برنگردانند و عهد وپیمان خدا پرسیده شده هست (١٥).

---

(٥) مترجم گوید کفار در غزوهٔ احزاب بر مدینه هجوم کردند وآن حضرت صلی الله علیه وسلم به خندق متحصن شدند واز منافقان سخنانِ نفاق سرزدشدو مخلصان استقامت ورزیدند وآخر فتح اسلام واقع شد خدای تعالی درذَمِ منافقان ومدحِ مومنان ومنت نهادن برایشان نازل ساخت.

(٦) مترجم گوید حاصلِ کلام آنست که درجهاد توقف می کنند واگرجنگ موافق خواهشات آنان می شد توقف نمیکردند.

قُل لَّن يَنفَعَكُمُ ٱلۡفِرَارُ إِن فَرَرۡتُم مِّنَ ٱلۡمَوۡتِ أَوِ ٱلۡقَتۡلِ وَإِذٗا لَّا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلٗا ﴿١٦﴾ قُلۡ مَن ذَا ٱلَّذِي يَعۡصِمُكُم مِّنَ ٱللَّهِ إِنۡ أَرَادَ بِكُمۡ سُوٓءًا أَوۡ أَرَادَ بِكُمۡ رَحۡمَةٗۚ وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا ﴿١٧﴾ ۞قَدۡ يَعۡلَمُ ٱللَّهُ ٱلۡمُعَوِّقِينَ مِنكُمۡ وَٱلۡقَآئِلِينَ لِإِخۡوَٰنِهِمۡ هَلُمَّ إِلَيۡنَاۖ وَلَا يَأۡتُونَ ٱلۡبَأۡسَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٨﴾ أَشِحَّةً عَلَيۡكُمۡۖ فَإِذَا جَآءَ ٱلۡخَوۡفُ رَأَيۡتَهُمۡ يَنظُرُونَ إِلَيۡكَ تَدُورُ أَعۡيُنُهُمۡ كَٱلَّذِي يُغۡشَىٰ عَلَيۡهِ مِنَ ٱلۡمَوۡتِۖ فَإِذَا ذَهَبَ ٱلۡخَوۡفُ سَلَقُوكُم بِأَلۡسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى ٱلۡخَيۡرِۚ أُوْلَـٰٓئِكَ لَمۡ يُؤۡمِنُواْ فَأَحۡبَطَ ٱللَّهُ أَعۡمَٰلَهُمۡۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٗا ﴿١٩﴾ يَحۡسَبُونَ ٱلۡأَحۡزَابَ لَمۡ يَذۡهَبُواْۖ وَإِن يَأۡتِ ٱلۡأَحۡزَابُ يَوَدُّواْ لَوۡ أَنَّهُم بَادُونَ فِي ٱلۡأَعۡرَابِ يَسۡـَٔلُونَ عَنۡ أَنۢبَآئِكُمۡۖ وَلَوۡ كَانُواْ فِيكُم مَّا قَٰتَلُوٓاْ إِلَّا قَلِيلٗا ﴿٢٠﴾ لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ لِّمَن كَانَ يَرۡجُواْ ٱللَّهَ وَٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَ وَذَكَرَ ٱللَّهَ كَثِيرٗا ﴿٢١﴾ وَلَمَّا رَءَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلۡأَحۡزَابَ قَالُواْ هَٰذَا مَا وَعَدَنَا ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَصَدَقَ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥۚ وَمَا زَادَهُمۡ إِلَّآ إِيمَٰنٗا وَتَسۡلِيمٗا ﴿٢٢﴾

بگو شمارا گریختن اگربگریزید ازمرگ یا ازکشته شدن سود ندهد وآن هنگام مگر اندکی بهره مند ساخته نشوید (۱٦). بگوکیست آنکه نگاه دارد شمارا ازتصرفِ خدا اگر درحق شماسختی‌ای را بخواهد یا درحق شما نعمتی را بخواهد وبرای خویش جز خدا دوستی ونه یاری دهنده ای نیابند (۱۷). هرآئینه خدا بازدارندگان را ازشما میداند وگویندگان را به بردرانِ خویش که به سوی ما بیایید و بکارزار مگر اندکی حاضر نمی شوند (۱۸). بخل کنان نسبت به شما [۷] پس چون ترس بیاید ببینی که ایشان درمی‌نگرند به سوی تو درحالیکه می گردد چشم های ایشان مانند کسی که ازسختی موت بیهوش کرده شود پس چون ترس برود برشما به زبان های تیز زبان درازی کنند بخل کنان برمال این جماعت ایمان نیاوردند پس خدا کردارهای ایشان را نابود ساخت واین کار برخدا آسان هست (۱۹). می پندارند که لشکر های کفار نرفته اند واگر لشکرها بیایند تمناکنند ای کاش ایشان درمیانِ اعراب صحرا نشین بودند از اخبار شما سوال می کردند [۸] واگر درمیان شما باشند مگر اندکی کارزار نکنند (۲۰). به راستی شمارا به پیامبر خدا پیروی نیك است کسی راکه ثوابِ خدا را توقع می داشت و روزِ آخر راامید میداشت وخدارا بسیار یاد کرد (۲۱). وچون مسلمانان لشکرهارا دیدند گفتند این است آنچه مارا خدا وپیامبراو وعده داده بود و خدا ورسول او راست گفت واین ماجرا درحق ایشان نیفزود مگر باور داشتن وگردن نهادن را (۲۲).

(۷) یعنی درحق شما.

(۸) یعنی ازهر آینده ورونده.

مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ رِجَالٞ صَدَقُواْ مَا عَٰهَدُواْ ٱللَّهَ عَلَيۡهِۖ فَمِنۡهُم مَّن
قَضَىٰ نَحۡبَهُۥ وَمِنۡهُم مَّن يَنتَظِرُۖ وَمَا بَدَّلُواْ تَبۡدِيلٗا ٢٣ لِّيَجۡزِيَ
ٱللَّهُ ٱلصَّٰدِقِينَ بِصِدۡقِهِمۡ وَيُعَذِّبَ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ إِن شَآءَ أَوۡ
يَتُوبَ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ٢٤ وَرَدَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ بِغَيۡظِهِمۡ لَمۡ يَنَالُواْ خَيۡرٗاۚ وَكَفَى ٱللَّهُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ
ٱلۡقِتَالَۚ وَكَانَ ٱللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزٗا ٢٥ وَأَنزَلَ ٱلَّذِينَ ظَٰهَرُوهُم مِّنۡ
أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ مِن صَيَاصِيهِمۡ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلرُّعۡبَ
فَرِيقٗا تَقۡتُلُونَ وَتَأۡسِرُونَ فَرِيقٗا ٢٦ وَأَوۡرَثَكُمۡ أَرۡضَهُمۡ
وَدِيَٰرَهُمۡ وَأَمۡوَٰلَهُمۡ وَأَرۡضٗا لَّمۡ تَطَـُٔوهَاۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ
شَيۡءٖ قَدِيرٗا ٢٧ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ إِن كُنتُنَّ تُرِدۡنَ
ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيۡنَ أُمَتِّعۡكُنَّ وَأُسَرِّحۡكُنَّ
سَرَاحٗا جَمِيلٗا ٢٨ وَإِن كُنتُنَّ تُرِدۡنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَٱلدَّارَ
ٱلۡأٓخِرَةَ فَإِنَّ ٱللَّهَ أَعَدَّ لِلۡمُحۡسِنَٰتِ مِنكُنَّ أَجۡرًا عَظِيمٗا ٢٩
يَٰنِسَآءَ ٱلنَّبِيِّ مَن يَأۡتِ مِنكُنَّ بِفَٰحِشَةٖ مُّبَيِّنَةٖ يُضَٰعَفۡ
لَهَا ٱلۡعَذَابُ ضِعۡفَيۡنِۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٗا ٣٠

از مسلمانان مردانی‌اند که راست کردند آنچه باخدا برآن عهد بسته بودند پس ازایشان کسی هست که قرار داد خود را بانجام رسانید [۹] وازایشان کسی هست که انتظارمی کندوتبدیل نکردند (یعنی عهد وپیمان را) به هیچ وجه تبدیلی ای (۲۳). تا خدا راست گویان را در برابر راستی ایشان پاداش دهد ومنافقان را اگر خواهد عذاب کند یا برحمت برایشان بازگردد هرآئینه خدا آمرزنده مهربان هست (۲٤). وخدا کافران را باخشمِ ایشان بازگردانید هیچ منفعتی نیافتند و خدا از طرف مسلمانان جنگ را کفایت کرد وخدا توانا غالب است (۲۵). وآنانرا که مدد گاری این لشکر ها کرده بودند ازاهل کتاب [۱۰] ازقلعه های ایشان فرود آورد ودر دل های ایشان خوف افکند طائفه‌ای‌را می‌کشتید وطائفه‌ای را اسیرمی گرفتید (۲٦). وعاقبت کار زمین ایشان وخانه های ایشان ومال های ایشان را به شما داد ونیز عاقبت کار زمینی را که نفرسوده اید آنرا [۱۱] به شما داد خدا برهمه چیز توانا هست (۲۷). ای [۱۲] پیامبر به زنان خود بگو اگر زندگانی دنیا وآرایش آن را خواسته باشید پس بیایید تاچیزی مناسب به شما دهم وشمارا رهاکنم رهاکردنِ نیك (۲۸). واگر خدا وپیامبر اورا وسرای آخرت را می‌خواهید پس هرآئینه خدا برای زنان نیکوکار ازشما پاداش بزرگ آماده ساخته است (۲۹). ای زنان پیامبر هرکس که ازشما بدکاری ظاهر [۱۳] را به عمل آورد دوچند کرده می شود بروی عذاب دوچندان این کار برخداآسان هست (۳۰).

---

(۹) یعنی شهید شد.

(۱۰) یعنی بنی قریظه را فرود آورد.

(۱۱) یعنی خیبر.

(۱۲) مترجم گوید ازواج آنحضرت چیزی که نزد آنحضرت نبود اززینتِ دنیا طلب می کردند خدای تعالی ایشانرا پندداد وزجر فرمود واحکام معاشرت را برای ایشان نازل فرمود وزینب رضی الله تعالی عنها در عقدِ زید بود درمیان ایشان ناسازگاری پدید آمد ورفته رفته بطلاق منجر شد و بعد از انقضای عدت خدای تعالی اورا داخل ازواج طاهرات گردانید منافقان زبان طعن گشادند که زنِ پسر خود را بزنی گرفت خدای تعالی در بیان آنکه پسر خوانده حکم پسر ندارد این آیات را نازل فرمود.

(۱۳) مترجم گوید مراد این جا ایذای پیامبراست بزبان درازی.

۞ وَمَن يَقْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتَعْمَلْ صَٰلِحًا نُّؤْتِهَآ
أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ﴿٣١﴾ يَٰنِسَآءَ ٱلنَّبِيِّ
لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ ٱلنِّسَآءِ إِنِ ٱتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِٱلْقَوْلِ
فَيَطْمَعَ ٱلَّذِى فِى قَلْبِهِۦ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ﴿٣٢﴾ وَقَرْنَ
فِى بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ ٱلْجَٰهِلِيَّةِ ٱلْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ
ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتِينَ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَطِعْنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ إِنَّمَا
يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجْسَ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ
تَطْهِيرًا ﴿٣٣﴾ وَٱذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِى بُيُوتِكُنَّ مِنْ
ءَايَٰتِ ٱللَّهِ وَٱلْحِكْمَةِ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ﴿٣٤﴾
إِنَّ ٱلْمُسْلِمِينَ وَٱلْمُسْلِمَٰتِ وَٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ
وَٱلْقَٰنِتِينَ وَٱلْقَٰنِتَٰتِ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلصَّٰدِقَٰتِ وَٱلصَّٰبِرِينَ
وَٱلصَّٰبِرَٰتِ وَٱلْخَٰشِعِينَ وَٱلْخَٰشِعَٰتِ وَٱلْمُتَصَدِّقِينَ
وَٱلْمُتَصَدِّقَٰتِ وَٱلصَّٰٓئِمِينَ وَٱلصَّٰٓئِمَٰتِ وَٱلْحَٰفِظِينَ
فُرُوجَهُمْ وَٱلْحَٰفِظَٰتِ وَٱلذَّٰكِرِينَ ٱللَّهَ كَثِيرًا
وَٱلذَّٰكِرَٰتِ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٣٥﴾

وهرکس ازشما فرمانبرداری خدا وپیامبرش را کند وکارِنیك کند اورا پاداش او دوبار میدهیم وبرای او روزی نیك مهیاکنیم (۳۱). ای همسران پیامبر شما مانند هیچ یك از سایرِ زنان نیستید اگر پرهیز گاری کنید پس درسخن گفتن ملایمت مکنید که آنگاه طمع کند کسی که دردل اوبیماریست وسخن نیکو بگویید (۳۲). ودر خانه‌های خویش بمانید واظهارِ تجمل مکنید مانند اظهارِ تجمل که درجاهلیت پیشین بود و نمازرا برپادارید وزکوة را بدهید وفرمانبرداری خدا ورسولِ اوکنید جزاین نیست که خدا می خواهد تا که ازشماپلیدی را ای اهل بیت دورکند وتاپاك کند شمارا پاك کردنی (۳۳). وآنچه خوانده می‌شود درخانه های شما ازآیت های خداواز حکمت یادکنید هرآئینه خدا لطف کننده خبر دار هست (۳٤). هرآئینه مردانِ مسلمان وزنانِ مسلمان ومردان باوردارنده وزنان باوردارنده ومردان اطاعت کننده وزنان اطاعت کننده ومردان راست گوینده وزنان راست گوینده ومردان شکیبایی‌کننده وزنان شکیبایی‌کننده ومردان فروتنی‌نماینده وزنان فروتنی نماینده ومردان صدقه دهنده وزنان صدقه دهنده ومردان روزه دارنده وزنان روزه دارنده ومردان محافظت کننده شرمگاه خود را وزنانِ محافظت کننده ومردان یادکننده خدا را بسیار وزنان یادکننده خدای تعالی برای ایشان آمرزش وپاداش بزرگ مهیا کرده است(۳٥).

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَمْرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ ٱلْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ ۗ وَمَن يَعْصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَٰلًا مُّبِينًا ﴿٣٦﴾ وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِىٓ أَنْعَمَ ٱللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَٱتَّقِ ٱللَّهَ وَتُخْفِى فِى نَفْسِكَ مَا ٱللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى ٱلنَّاسَ وَٱللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَىٰهُ ۖ فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَٰكَهَا لِكَىْ لَا يَكُونَ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِىٓ أَزْوَٰجِ أَدْعِيَآئِهِمْ إِذَا قَضَوْا۟ مِنْهُنَّ وَطَرًا ۚ وَكَانَ أَمْرُ ٱللَّهِ مَفْعُولًا ﴿٣٧﴾ مَّا كَانَ عَلَى ٱلنَّبِىِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ ٱللَّهُ لَهُۥ ۖ سُنَّةَ ٱللَّهِ فِى ٱلَّذِينَ خَلَوْا۟ مِن قَبْلُ ۚ وَكَانَ أَمْرُ ٱللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا ﴿٣٨﴾ ٱلَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَٰلَٰتِ ٱللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُۥ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا ٱللَّهَ ۗ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ حَسِيبًا ﴿٣٩﴾ مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَآ أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَٰكِن رَّسُولَ ٱللَّهِ وَخَاتَمَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ ۗ وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمًا ﴿٤٠﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱذْكُرُوا۟ ٱللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ﴿٤١﴾ وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٤٢﴾ هُوَ ٱلَّذِى يُصَلِّى عَلَيْكُمْ وَمَلَٰٓئِكَتُهُۥ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ ۚ وَكَانَ بِٱلْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا ﴿٤٣﴾

ونیست هیچ مومن وهیچ مومنه را چون خدا ورسولِ او کاری را مقرر کند آنکه ایشان را درکارِخویش اختیار باشد وهرکس که خدا ورسول اورا نافرمانی کند پس بدرستیکه گمراه شد گمراهی ظاهر [۱٤] (۳٦). ویادکن چون می گفتی با شخصی که انعام کرده است خدا بروی ونیز انعام کرده ای تو بروی (یعنی آزادی او) که برخود همسر خود را نگاه دار وازخدا بترس وپنهان میکردی در دلت آنچه خداپدید آرنده ٔ اوست وازمردمان می‌ترسیدی وخداسزاوارتراست بآنکه ازوی بترسی پس وقتیکه زیداززینب حاجت خودرا به انجام رسانید (یعنی طلاق داد) زینب را به تو بزنی دادیم تانباشد بر مسلمانان هیچ تنگی در نکاح کردنِ زنانِ پسر خواندگانشان چون ازایشان حاجت را بآخر رسانند ومراد خدا البته کردنی [۱۵] هست (۳۷). برپیامبر هیچ تنگی نیست در آنچه حلال ساخته است خدا برای او مانند آئین خدا در حق آنانکه پیش ازین گذشتند وکار خدا اندازه مقرر کرده شده پیش از وجود هست (۳۸). (مانند آئین خدا در حق) آنانکه پیغام های خدارا میرسانند واز وی می ترسند ونمی ترسنداز هیچکس مگر از خدا وخدا حساب کننده بس است (۳۹). محمد پدر هیچ کس از مردان شما نیست ولیکن پیامبرِ خدا است وآخر پیامبران است [۱٦] وخدا بهر چیز دانا هست (٤۰). ای مسلمانان خدارا یا دکنید یاد کردني بسيار (٤۱). واو را صبح وشام به پاکی بخوانید (٤۲). اوست آنکه برشما رحمت میفرستد وبرشما فرشتگان او دعای رحمت میکنند تا شمارا ازتاریکی ها به سوی روشنی برآورد وخدا به مسلمانان مهربان هست (٤۳).

---

(۱٤) مترجم گوید درین آیت تعریض است بآن قصه که آنحضرت صلی الله علیه وسلم نخست زینب را برای زید خطبه فرمود وآنرا زینب وبرادرش مکروه داشتند واین معنی مناسب حال ایشان نبود والله اعلم.

(۱۵) مترجم گوید درین آیت تعریض است بآن قصه که در خاطر مبارك آنحضرت صلی الله علیه وسلم می گذشت که اگردرمیانِ زید وزینب مفارقت واقع شود آنرا درسلكِ ازواجِ طاهرات داخل نمایند لیکن برای رعایت مراسمِ نیکوخواهی بحسن معاشرت زید را دلالت می فرمود.

(۱٦) یعنی بعدازوی هیچ پیامبرنباشد.

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُۥ سَلَٰمٌۚ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا ﴿٤٤﴾ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلنَّبِيُّ إِنَّآ أَرْسَلْنَٰكَ شَٰهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٤٥﴾ وَدَاعِيًا
إِلَى ٱللَّهِ بِإِذْنِهِۦ وَسِرَاجًا مُّنِيرًا ﴿٤٦﴾ وَبَشِّرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم
مِّنَ ٱللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا ﴿٤٧﴾ وَلَا تُطِعِ ٱلْكَٰفِرِينَ وَٱلْمُنَٰفِقِينَ
وَدَعْ أَذَىٰهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا ﴿٤٨﴾
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نَكَحْتُمُ ٱلْمُؤْمِنَٰتِ ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ
مِن قَبْلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُّونَهَاۖ
فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ﴿٤٩﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ
إِنَّآ أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَٰجَكَ ٱلَّٰتِيٓ ءَاتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ
يَمِينُكَ مِمَّآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّٰتِكَ
وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَٰلَٰتِكَ ٱلَّٰتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَٱمْرَأَةً
مُّؤْمِنَةً إِن وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ ٱلنَّبِيُّ أَن يَسْتَنكِحَهَا
خَالِصَةً لَّكَ مِن دُونِ ٱلْمُؤْمِنِينَۗ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا
عَلَيْهِمْ فِيٓ أَزْوَٰجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُمْ لِكَيْلَا
يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٥٠﴾

دعای خیر ایشان [۱۷] روزیکه به خدا ملاقات کنند سلام است برای ایشان پاداش‌نیك آماده کرده است (٤٤). ای پیامبر هرآئینه ما توراگواهی دهنده ومژده دهنده وترساننده فرستادیم (٤٥). وبه عنوان دعوت کنندهٔ به سوی خدا به طبق فرمان او وبه عنوان چراغ روشن (٤٦). ومسلمان را به آنکه ایشانرا از جانب خدا بخشایش بزرگ باشد بشارت ده (٤٧). وکافران ومنافقان را فرمان مبر ورنجانیدن ایشانرا از نظر اعتبار بگذار وتوکل کن بر خدا وخدا کارساز بس است (٤٨). ای مسلمانان چون زنان مومنان را نکاح کنید باز ایشان را پیش ازآنکه به ایشان دست برسانید طلاق دهید پس شمارا براین زنان هیچ عدتی نیست که آن را به شمارید پس این مطلقات را متعه دهید وبگذارید آن ها راگذاشتن نیك (٤٩). ای پیامبر هرآئینه ما حلال کردیم برای توآن زنان تورا که مهرایشان را داده‌ای وکنیزکانی که مالك ایشان شده است دست تواز آنچه خدا برتو عائد ساخته است [۱۸] وحلال کردیم برای تو دختران عموی تورا ودختران عمه های تورا ودختران خالوی تورا ودختران خاله های تورا آنانکه باتو هجرت کرده اند وحلال کردیم برای تو زن مسلمان را اگر بخشد خود را برای پیامبر [۱۹] اگر خواهد پیامبر که آن را به زنی گیرد خاص برای تو است غیر از مسلمانان هرآئینه دانستیم آنچه فرض ساخته ایم برایشان در حق زنان ایشان ودر حق کنیزانی که مالك آنست دستهای ایشان (سهل کردیم) تا نباشد برتو هیچ تنگی وخدا آمرزنده مهربان هست [۲۰] (٥٠).

---

(۱۷) یعنی از جانب خدا وفرشتگان.

(۱۸) یعنی ازکفار بتو رسانیده است.

(۱۹) یعنی بغیر مهردر نکاح آید.

(۲۰) یعنی درباب نکاح چیزهاای است که برامت فرض شد و نه برآنحضرت.

۞ تُرْجِى مَن تَشَآءُ مِنْهُنَّ وَتُـْٔوِىٓ إِلَيْكَ مَن تَشَآءُ ۖ وَمَنِ ٱبْتَغَيْتَ
مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ۚ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰٓ أَن تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ
وَلَا يَحْزَنَّ وَيَرْضَيْنَ بِمَآ ءَاتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ ۚ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ
مَا فِى قُلُوبِكُمْ ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا ﴿٥١﴾ لَّا يَحِلُّ لَكَ
ٱلنِّسَآءُ مِنۢ بَعْدُ وَلَآ أَن تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَٰجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ
حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ ۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ
شَىْءٍ رَّقِيبًا ﴿٥٢﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَدْخُلُوا۟ بُيُوتَ ٱلنَّبِىِّ
إِلَّآ أَن يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرَ نَـٰظِرِينَ إِنَىٰهُ وَلَـٰكِنْ
إِذَا دُعِيتُمْ فَٱدْخُلُوا۟ فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَٱنتَشِرُوا۟ وَلَا مُسْتَـْٔنِسِينَ
لِحَدِيثٍ ۚ إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ يُؤْذِى ٱلنَّبِىَّ فَيَسْتَحْىِۦ مِنكُمْ ۖ
وَٱللَّهُ لَا يَسْتَحْىِۦ مِنَ ٱلْحَقِّ ۚ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَـٰعًا فَسْـَٔلُوهُنَّ
مِن وَرَآءِ حِجَابٍ ۚ ذَٰلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ ۚ
وَمَا كَانَ لَكُمْ أَن تُؤْذُوا۟ رَسُولَ ٱللَّهِ وَلَآ أَن تَنكِحُوٓا۟ أَزْوَٰجَهُۥ
مِنۢ بَعْدِهِۦٓ أَبَدًا ۚ إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ عِندَ ٱللَّهِ عَظِيمًا ﴿٥٣﴾
إِن تُبْدُوا۟ شَيْـًٔا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمًا ﴿٥٤﴾

موقوف داری هرکرا خواهی ازایشان وجای دهی نزدیك خویش هرکرا خواهی واگر خواهش کنی زنی را ازآنجمله که آنهارا یکسو کرده‌ای پس هیچ گناهی برتو نیست این رخصت دادن قریب تراست به آنکه خنك شود چشم های ایشان واندوه نخورندوخوشنود شوند به آنچه به ایشان بدهی وخدا می‌داند آنچه دردل‌های شماست وخدا دانا بُردبار هست (٥١). تورا زنان بعدازین [٢١] حلال نیستند ونه حلال است آنکه بدل کنی به جای ایشان زنان دیگررا واگرچه تورا حسنِ ایشان به شگفت آرد مگر آنچه دستِ تو مالك شد وخدا بر همه چیز نگهبان [٢٢] هست (٥٢). ای مسلمانان درنیایید به خانه های پیامبر مگر وقتی که شمارا برای طعامی دستوری داده شود نه انتظار کنان پخته شدن طعام را ولیکن چون خوانده شوید درآیید پس چون طعام خوردید پرا گنده شوید ونه آرام گیران برای سخنی هرآئینه این کار پیامبر را میرنجاند پس ازشما شرم می‌کند وخدا از سخن راست شرم نمیدارد وچون اززنان پیامبر رختی طلب کنید پس آنرا از ایشان از پسِ پرده طلب کنید این خصلت پاك تراست برای دلهای شماو دل های ایشان وسزاوارنیست شمارا که پیامبر خدارا برنجانید ونه آنکه زنان اورا پس ازوَی هرگز نکاح کنید، هرآئینه این کار نزدِ خدا گناه بزرگ هست (٥٣). اگر چیزی را آشکار کنید یا آنرا پنهان دارید پس هرآئینه خدا بهر چیز دانا هست (٥٤).

(٢١) یعنی بعد ازین دوصنف: زن مهاجر قریشی بامهر یازنی که بدون مهر خود رابه پیامبر بخشد.
(٢٢) مترجم گوید که این آیت ناسخ آیت سابقه است.

لَّا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِيٓ ءَابَآئِهِنَّ وَلَآ أَبْنَآئِهِنَّ وَلَآ إِخْوَٰنِهِنَّ وَلَآ
أَبْنَآءِ إِخْوَٰنِهِنَّ وَلَآ أَبْنَآءِ أَخَوَٰتِهِنَّ وَلَا نِسَآئِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ
أَيْمَٰنُهُنَّۗ وَٱتَّقِينَ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٖ شَهِيدًا
٥٥ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيْهِ وَسَلِّمُواْ تَسْلِيمًا ٥٦ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُؤْذُونَ
ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فِي ٱلدُّنْيَا وَٱلْأٓخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا
مُّهِينًا ٥٧ وَٱلَّذِينَ يُؤْذُونَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ بِغَيْرِ
مَا ٱكْتَسَبُواْ فَقَدِ ٱحْتَمَلُواْ بُهْتَٰنًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ٥٨
يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزْوَٰجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَآءِ ٱلْمُؤْمِنِينَ
يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّۚ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰٓ أَن يُعْرَفْنَ فَلَا
يُؤْذَيْنَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ٥٩ ۞ لَّئِن لَّمْ يَنتَهِ ٱلْمُنَٰفِقُونَ
وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَٱلْمُرْجِفُونَ فِي ٱلْمَدِينَةِ
لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَآ إِلَّا قَلِيلًا ٦٠ مَّلْعُونِينَۖ
أَيْنَمَا ثُقِفُوٓاْ أُخِذُواْ وَقُتِّلُواْ تَقْتِيلًا ٦١ سُنَّةَ ٱللَّهِ فِي
ٱلَّذِينَ خَلَوْاْ مِن قَبْلُۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ تَبْدِيلًا ٦٢

نصف الحزب ٤٣

هیچ گناه برزنان نیست درپرده نپوشیدن پیش پدران خویش ونه پیش پسران خویش ونه برادران خویش ونه پسران برادران خویش ونه پسران خواهران خویش ونه زنان هم جنس خویش [۲۳] ونه آنچه مالك آن شده دست های ایشان وای زنان از خدا بترسید هرآئینه خدا برهمه چیزگواه هست (٥٥). هرآئینه خدا وفر شتگانِ او برپیامبر درود میفرستند ای‌مسلمانان بروی درود فرستید وسلام گویید سلام گفتنی (٥٦). هرآئینه آنانکه خدا وپیامبر اورا می‌رنجانند خدا ایشان رادردنیَا وآخرت لعنت کرد وبرای ایشان عذاب خوار کننده ای مهیاساخت (٥٧). وآنانکه مردان مسلمان وزنان مسلمان را بغیر گناهی که بعمل آورده باشند میرنجانند پس هرآئینه باربهتان وگناه ظاهر را برداشتند (٥٨). ای پیامبر بگو به زنان خود ودختران خود وبه زنان مسلمانان که برخود چادرهای خودرا فرو پوشند این نزدیك تراست به آنکه شناخته شوند پس ایذا داده نشوند وخدا آمرزنده مهربان [۲٤] هست (٥٩). اگر بازنآیند منافقان وآنانکه دردل های ایشان بیماری است وخبربد فاش کنندگان در مدینه [۲٥] البته تو را برایشان برگماریم بازهمسایه نباشند باتو درمدینه مگر زمانی اندك [۲٦] (٦٠). لعنت کرده شدگان هرجاکه یافته شوند اسیر گرفته شوند وکشته شوند کشتن بسیار (٦١). مانند روشِ خدا درآنانکه پیش ازین گذشتند وهرگز در روشِ خدا تغییری را نیابی(٦٢).

---

(۲۳) یعنی زنان پاك دامن نه بدکار.

(۲٤) یعنی عفت ایشان ظاهر شود وفاسقی تعرض ایشان نکند والله اعلم.

(۲٥) یعنی ازکردارهای خود.

(۲٦) یعنی جلا وطن کرده شوند.

يَسْـَٔلُكَ ٱلنَّاسُ عَنِ ٱلسَّاعَةِۖ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ ٱللَّهِۚ وَمَا يُدْرِيكَ
لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ﴿٦٣﴾ إِنَّ ٱللَّهَ لَعَنَ ٱلْكَٰفِرِينَ وَأَعَدَّ
لَهُمْ سَعِيرًا ﴿٦٤﴾ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًاۖ لَّا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا
﴿٦٥﴾ يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي ٱلنَّارِ يَقُولُونَ يَٰلَيْتَنَآ أَطَعْنَا ٱللَّهَ
وَأَطَعْنَا ٱلرَّسُولَا۠ ﴿٦٦﴾ وَقَالُواْ رَبَّنَآ إِنَّآ أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَآءَنَا
فَأَضَلُّونَا ٱلسَّبِيلَا۠ ﴿٦٧﴾ رَبَّنَآ ءَاتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ ٱلْعَذَابِ
وَٱلْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا ﴿٦٨﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ
ءَاذَوْاْ مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ ٱللَّهُ مِمَّا قَالُواْۚ وَكَانَ عِندَ ٱللَّهِ وَجِيهًا ﴿٦٩﴾
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ
لَكُمْ أَعْمَٰلَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ
فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾ إِنَّا عَرَضْنَا ٱلْأَمَانَةَ عَلَى ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلْأَرْضِ وَٱلْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَن يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا
ٱلْإِنسَٰنُۖ إِنَّهُۥ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ﴿٧٢﴾ لِّيُعَذِّبَ ٱللَّهُ ٱلْمُنَٰفِقِينَ
وَٱلْمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلْمُشْرِكِينَ وَٱلْمُشْرِكَٰتِ وَيَتُوبَ ٱللَّهُ
عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٧٣﴾

مردمان تورا از قیامت سوال می کنند بگو جزاین نیست که معرفت آن نزد خداست و(توچه میدانی) وچه چیز خبر داد تورا شایدکه هم فرا رسیدن قیامت درزمان نزدیك باشد (٦٣). هرآئینه خدا کافران را لعنت کرده است وبرای ایشان آتش آماده ساخته است (٦٤). جاویدان در آنجا همیشه مانند هیچ دوستی ونه یاری دهنده ای نیا بند (٦٥). روزی که چهره های ایشان در آتش گردانیده شود گویند ای کاش ما خدارا فرمان می بردیم و پیامبررا فرمان می بردیم (٦٦). وگویند ای پروردگار ماهرآئینه ما مهتران وبزرگان خودرا فرمانبردیم پس ما را ازراه گمراه ساختند (٦٧). ای پرورد گارما ایشان را دوچند ازعذاب بده وایشان را به لعنتی بزرگ (وسخت) لعنت کن (٦٨). ای مسلمانان مانند آنانکه موسیٰ را رنجانیدند مباشید پس خدا تعالی اورا ازآنچه گفته بودند پاك ساخت وموسیٰ نزد خدا با آبرو [٢٧] بود (٦٩). ای مسلمانان ازخدا بترسید وسخن استوار بگویید (٧٠). تابصلاح آورد کردار های شمارا و برای شما گناهانِ شمارا بیامرزد وهرکه فرمان خدا ورسولِ اورا برد پس هرآئینه به پیروزی بزرگ مطلب یاب شد (٧١). هرآئینه ما امانت را [٢٨] برآسمان ها وبرزمین وبرکوه ها عرضه داشتیم پس قبول نکر دند که آن را بردارند وازآن ترسیدند انسان آنرا برداشت هرآئینه وی ستمگار نادان [٢٩] هست (٧٢). تا (شود آخر کار) آنکه خدای تعالی مردان منافق وزنان منافق را ومردان مشرك وزنان مشرك را عذاب کند و خدا برمردان مسلمان وزنان مسلمان به رحمت رجوع کند وخدا آمرزنده مهربان هست (٧٣).

(٢٧) مترجم گوید یعنی موسیٰ وقت غسل پرده میکردجُهَّال بنی اسرائیل گفتند که او آدرست روزی بحسب اتفاق برکنارهٔ آب غسل میکرد و جامه های خودرا برسنگ نهاده بود به فرمان خدای تعالی آن سنگ روان شد موسیٰ عقب سنگ دوید تاآنکه جماعتی ازبنی اسرائیل اورا عریان وبرهنه دیدندو گفتند ادرت ندارد وادرت انتفاخ خصیه را گویند والله اعلم.

(٢٨) یعنی استعداد وتکلیف [واختیار یاارادهٔ] به اوامر ونواهی والله اعلم.

(٢٩) یعنی بالفعل عدالت وعلم ندارد وقابلیت آنهارا دارد والله اعلم.

سُورَةُ سَبَإٍ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى لَهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ وَلَهُ ٱلْحَمْدُ فِى ٱلْءَاخِرَةِ ۚ وَهُوَ ٱلْحَكِيمُ ٱلْخَبِيرُ ﴿١﴾ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِى ٱلْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنزِلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ۚ وَهُوَ ٱلرَّحِيمُ ٱلْغَفُورُ ﴿٢﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَا تَأْتِينَا ٱلسَّاعَةُ ۖ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّى لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَٰلِمِ ٱلْغَيْبِ ۖ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِى ٱلْأَرْضِ وَلَآ أَصْغَرُ مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكْبَرُ إِلَّا فِى كِتَٰبٍ مُّبِينٍ ﴿٣﴾ لِّيَجْزِىَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٤﴾ وَٱلَّذِينَ سَعَوْ فِىٓ ءَايَٰتِنَا مُعَٰجِزِينَ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رِّجْزٍ أَلِيمٌ ﴿٥﴾ وَيَرَى ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْعِلْمَ ٱلَّذِىٓ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ هُوَ ٱلْحَقَّ وَيَهْدِىٓ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَمِيدِ ﴿٦﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّكُمْ لَفِى خَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿٧﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

همه سپاس وستایش خدای راست که بدست اوست آنچه درآسمان هااست وآنچه درزمین است ومراو راست سپاس وستایش درآخرت واو باحکمت آگاه است (١). آنچه به زمین درمی آید وآنچه ازوی برمی آید وآنچه ازآسمان فرود می آید وآنچه در وی بالامیرود میداند واو مهربان آمرزنده است (٢). وکافران گفتند قیامت پیش ما نخواهد آمد بگوآری قسم به پروردگار من البته به شما خواهد آمد پروردگاری که داننده ٔ پوشیده است ازوی هم وزن ذرّه ای درآسمان ها ونه درزمین غائب نمی شود ونه خُرد تر ازآن ونه بزرگ تر مگر در کتاب ظاهر ثبت است (٣). تا آنان را که ایمان آورده‌اند وعمل‌های شایسته کرده‌اند پاداش دهد آن جماعت برای ایشان آمرزش وروزی گرامی است (٤). وآنانکه در ردِّ آیاتِ ما مقابله کنان سعی کردند آن جماعت برای ایشان عذابی ازعقوبت درد ناك است (٥). وآنانکه ایشانرا علم داده شده است می بینند چیزی را که فرود آورده شد به سوی تو ازجانبِ پروردگارِ توراست است وهدایت کننده به سوی راه خدای غالب ستوده کار (٦). وکافران بایکدیگر گفتند آیا شمارا برمردی دلالت کنیم که به شما خبر میدهد که چون پاره پاره کرده شوید تمام پاره پاره شدن هرآئینه شما درآفرینشی نوباشید (٧).

أَفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَم بِهِۦ جِنَّةُۢۗ بَلِ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ
فِي ٱلۡعَذَابِ وَٱلضَّلَٰلِ ٱلۡبَعِيدِ ٨ أَفَلَمۡ يَرَوۡاْ إِلَىٰ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ
وَمَا خَلۡفَهُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِن نَّشَأۡ نَخۡسِفۡ بِهِمُ ٱلۡأَرۡضَ
أَوۡ نُسۡقِطۡ عَلَيۡهِمۡ كِسَفٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ
لِّكُلِّ عَبۡدٖ مُّنِيبٖ ٩ ۞ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ مِنَّا فَضۡلٗاۖ
يَٰجِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُۥ وَٱلطَّيۡرَۖ وَأَلَنَّا لَهُ ٱلۡحَدِيدَ ١٠ أَنِ ٱعۡمَلۡ
سَٰبِغَٰتٖ وَقَدِّرۡ فِي ٱلسَّرۡدِۖ وَٱعۡمَلُواْ صَٰلِحًاۖ إِنِّي بِمَا تَعۡمَلُونَ
بَصِيرٞ ١١ وَلِسُلَيۡمَٰنَ ٱلرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهۡرٞ وَرَوَاحُهَا شَهۡرٞۖ
وَأَسَلۡنَا لَهُۥ عَيۡنَ ٱلۡقِطۡرِۖ وَمِنَ ٱلۡجِنِّ مَن يَعۡمَلُ بَيۡنَ يَدَيۡهِ بِإِذۡنِ
رَبِّهِۦۖ وَمَن يَزِغۡ مِنۡهُمۡ عَنۡ أَمۡرِنَا نُذِقۡهُ مِنۡ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ ١٢
يَعۡمَلُونَ لَهُۥ مَا يَشَآءُ مِن مَّحَٰرِيبَ وَتَمَٰثِيلَ وَجِفَانٖ كَٱلۡجَوَابِ
وَقُدُورٖ رَّاسِيَٰتٍۚ ٱعۡمَلُوٓاْ ءَالَ دَاوُۥدَ شُكۡرٗاۚ وَقَلِيلٞ مِّنۡ عِبَادِيَ
ٱلشَّكُورُ ١٣ فَلَمَّا قَضَيۡنَا عَلَيۡهِ ٱلۡمَوۡتَ مَا دَلَّهُمۡ عَلَىٰ مَوۡتِهِۦٓ
إِلَّا دَآبَّةُ ٱلۡأَرۡضِ تَأۡكُلُ مِنسَأَتَهُۥۖ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ ٱلۡجِنُّ
أَن لَّوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ٱلۡغَيۡبَ مَا لَبِثُواْ فِي ٱلۡعَذَابِ ٱلۡمُهِينِ ١٤

ثلاثة أرباع الحزب ٤٣

آیا برخدا دروغ بربسته است یا به اوجنونی هست بلکه آنانکه به آخرت ایمان نمی آورند در عقوبت ودرگمراهی دور باشند (۸). آیا به سوی آنچه پیش روی ایشانست وآنچه پس پشت ایشانست ازآسمان وزمین ندیدند اگرخواهیم ایشان را به زمین فروبریم یا برایشان پاره هایی ازآسمان بافکنیم هرآئینه درین کارهربندهٔ رجوع کننده را نشانه است (۹). وهرآئینه داود را ازنزد خود بزرگی دادیم گفتیم ای کوه ها و(ای) مرغان همراه اودر تسبیح گفتن همنوا باشید وبرای او آهن را نرم گردانیدیم (۱۰). (فرمودیم) که بساز زره های کشاده واندازه نگاه دار دربافتن حلقه ها وای اهل بیتِ داود کردار شایسته به عمل آورید هرآئینه من به آنچه میکنید بینااَم (۱۱). وبرای سلیمان باد را مسخر ساختیم سیرِاوّل روزِ او یکماهه راه بود وسیرِ آخر روزِ اونیز یکماهه راه بود وبرای او چشمهٔ مِس روان ساختیم و ازدیوان کسی را که کار میکرد پیش او به حکم پروردگار خویش مسخر ساختیم وهرکه ازدیوان ازحکم ما کجی کند اورا پاره ای ازعقوبتِ دوزخ بچشانیم (۱۲). برای او آنچه میخواست از قلعه ها وتمثالها وکاسه هایی چون حوض‌ها ودیگ های ثابت درجاهای خود میساختند گفتیم ای آل داود سپاسداری را به عمل آورید وازبند گان من اندك کسی شکر گزارنده است (۱۳). پس چون بر وی مرگ را مقرر کردیم جزکرِم چوب خوارکه عصایش رامی خورد آنان رابه مرگ او راه ننمود پس چون بافتاد واضح شد پیش دیوان که اگر غیب را میدانستند در عذاب خوار کننده درنگ نمی کردند (۱٤).

لَقَدۡ كَانَ لِسَبَإٖ فِي مَسۡكَنِهِمۡ ءَايَةٞۖ جَنَّتَانِ عَن يَمِينٖ وَشِمَالٖۖ
كُلُواْ مِن رِّزۡقِ رَبِّكُمۡ وَٱشۡكُرُواْ لَهُۥۚ بَلۡدَةٞ طَيِّبَةٞ وَرَبٌّ غَفُورٞ
﴿١٥﴾ فَأَعۡرَضُواْ فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ سَيۡلَ ٱلۡعَرِمِ وَبَدَّلۡنَٰهُم بِجَنَّتَيۡهِمۡ
جَنَّتَيۡنِ ذَوَاتَيۡ أُكُلٍ خَمۡطٖ وَأَثۡلٖ وَشَيۡءٖ مِّن سِدۡرٖ قَلِيلٖ
﴿١٦﴾ ذَٰلِكَ جَزَيۡنَٰهُم بِمَا كَفَرُواْۖ وَهَلۡ نُجَٰزِيٓ إِلَّا ٱلۡكَفُورَ ﴿١٧﴾
وَجَعَلۡنَا بَيۡنَهُمۡ وَبَيۡنَ ٱلۡقُرَى ٱلَّتِي بَٰرَكۡنَا فِيهَا قُرٗى ظَٰهِرَةٗ
وَقَدَّرۡنَا فِيهَا ٱلسَّيۡرَۖ سِيرُواْ فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا ءَامِنِينَ ﴿١٨﴾
فَقَالُواْ رَبَّنَا بَٰعِدۡ بَيۡنَ أَسۡفَارِنَا وَظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ فَجَعَلۡنَٰهُمۡ
أَحَادِيثَ وَمَزَّقۡنَٰهُمۡ كُلَّ مُمَزَّقٍۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ
شَكُورٖ ﴿١٩﴾ وَلَقَدۡ صَدَّقَ عَلَيۡهِمۡ إِبۡلِيسُ ظَنَّهُۥ فَٱتَّبَعُوهُ إِلَّا
فَرِيقٗا مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٢٠﴾ وَمَا كَانَ لَهُۥ عَلَيۡهِم مِّن سُلۡطَٰنٍ
إِلَّا لِنَعۡلَمَ مَن يُؤۡمِنُ بِٱلۡأٓخِرَةِ مِمَّنۡ هُوَ مِنۡهَا فِي شَكّٖۗ
وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٍ حَفِيظٞ ﴿٢١﴾ قُلِ ٱدۡعُواْ ٱلَّذِينَ زَعَمۡتُم مِّن
دُونِ ٱللَّهِ لَا يَمۡلِكُونَ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي
ٱلۡأَرۡضِ وَمَا لَهُمۡ فِيهِمَا مِن شِرۡكٖ وَمَا لَهُۥ مِنۡهُم مِّن ظَهِيرٖ ﴿٢٢﴾

هرآئینه برای قوم سبا در مسکنهای ایشان نشانهٔ ای بود (مرایشانرا بود) دو بوستان از جانبِ راست واز جانبِ چپ گفتیم از رزق پرورد گارتان بخورید وبرای اوشکر گزارید شمارا شهری پاکیزه وپروردگار آمرزنده هست (۱۵). پس رویگردانیدند [۱] پس برایشان سیلی تند ویرانگر [۲] فرستادیم وایشان را به جای دوبوستانِ ایشان دو بوستانی دیگر عوض دادیم خداوند میوه های بدمزه وخداوند درخت گز وچیزی اندك ازدرخت کنار (۱٦). ایشان را بسبب ناسپاسی ایشان این سزا دادیم وسزای بد مگر ناسپاس را نمیدهیم (۱۷). وپیدا کردیم میانِ ایشان ومیانِ آن ده ها که برکت نهاده ایم درآن [۳] ده هایی متصل بایکدیگر ودرآن ده ها آمدورفت را مقرر کردیم گفتیم درین دِه ها شب ها وروزها ایمن شده بگردید (۱۸). پس گفتند [٤] ای پروردگار ما بین سفر های ما فاصله بگذار وستم کردند برخویش پس ایشان را افسانه ها گردانیدیم وپاره پاره ساختیم ایشان را پاره پارهِ سخت وکامل، هرآئینه درین ماجرا هر صبر کننده شکر گذارنده را نشانه هاست (۱۹). وبه راستی که شیطان درحق ایشان اندیشهٔ خودرا راست یافت پس پیروی اوکردند مگر از مسلمانان گروهی اندك (۲۰). وشیطان را برایشان هیچ غلبه ای نبود (لیکن مبتلا گردانیدیم) تا کسی را که ایمان می آورد به آخرت ازآن کسی که وی در شك است ازوی بازشناسانیم وپروردگار تو برهرچیز نگهبان است (۲۱). بگو آنان را که به جای خدا گمان میکنید (به فریاد) بخوانید مالك هم وزنِ یك ذره درآسمان ها ونه درزمین نیستند وایشان را درآسمان ها وزمین هیچ شرکتی نیست وخدارا ازایشان هیچ یاری دهنده ای نیست (۲۲).

---

(۱) یعنی از شکر.
(۲) یعنی سیلی که به پشته ها بندکرده بودند.
(۳) یعنی شام.
(٤) یعنی به زبانِ حال.

وَلَا تَنفَعُ ٱلشَّفَٰعَةُ عِندَهُۥٓ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُۥ ۚ حَتَّىٰٓ إِذَا فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِمْ قَالُوا۟ مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ ۖ قَالُوا۟ ٱلْحَقَّ ۖ وَهُوَ ٱلْعَلِىُّ ٱلْكَبِيرُ ﴿٢٣﴾ ۞ قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ قُلِ ٱللَّهُ ۖ وَإِنَّآ أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾ قُل لَّا تُسْـَٔلُونَ عَمَّآ أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْـَٔلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٥﴾ قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِٱلْحَقِّ وَهُوَ ٱلْفَتَّاحُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٢٦﴾ قُلْ أَرُونِىَ ٱلَّذِينَ أَلْحَقْتُم بِهِۦ شُرَكَآءَ ۖ كَلَّا ۚ بَلْ هُوَ ٱللَّهُ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٢٧﴾ وَمَآ أَرْسَلْنَٰكَ إِلَّا كَآفَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٢٩﴾ قُل لَّكُم مِّيعَادُ يَوْمٍ لَّا تَسْتَـْٔخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ ﴿٣٠﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَن نُّؤْمِنَ بِهَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ وَلَا بِٱلَّذِى بَيْنَ يَدَيْهِ ۗ وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ ٱلْقَوْلَ يَقُولُ ٱلَّذِينَ ٱسْتُضْعِفُوا۟ لِلَّذِينَ ٱسْتَكْبَرُوا۟ لَوْلَآ أَنتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ﴿٣١﴾

وسفارش نزد خدای تعالی سودنکند مگربرای کسیکه برایش اجازه داده باشد [٥] (اهل محشر مضطرب شوند) تاآنگاه که چون اضطراب ونگرانی ازدلهای ایشان دور کرده شود گویند چه چیز فرموده است پروردگارشما، (ملأ اعلی) گویند که سخن راست فرموده است واو بلند مرتبه بزرگ قدر است (۲۳). بگو چه کسی شمارا ازآسمان هاو زمین روزی میدهد (باز) بگو خدامیدهد وهرآئینه مایاشما بر هدایتیم یا درگمراهی ظاهر [٦] (۲٤). بگو شما ازگناه ما سوال کرده نخواهید شد وما (نیز) سوال کرده نخواهیم شد از آنچه شمامی کنید (۲٥). بگو پروردگارِما میان ما جمع خواهد کرد باز میان ما (یعنی میان ما وشما) براستی حکم کند واو حکم کنندهٔ دانا است (۲٦). بگو مرا آنانکه ایشان را باخدا ملحق کرده شریك ساخته اید بنمایید چنین نیست بلکه خدا اوست غالب باحکمت (۲۷). ونفرستادیم تورا الاّبرای همه مردمان مژده دهنده وترساننده ولیکن اکثر مردمان نمیدانند (۲۸). ومی گویند این وعده کی‌بوجود آید اگر شما راست گویید (۲۹). بگو برای شماست وعدهٔ روزیکه بازپس نمانید ازآن ساعتی ونه پیش دستی کنید (۳۰). وکافران گفتند (یعنی مشرکان) هرگز این قرآن را ونه آن کتاب را که پیش ازوی بود باورنداریم وتعجب کنی ای بیننده اگر ببینی چون ستمکاران ایستاده کرده شوند نزد پرورد گارخویش باز بعضی از ایشان سخن را [۷] به سوی بعض میگرداند می‌گویند آنانکه ناتوان گرفته شد ایشان را به آنانکه سرکشی کردند اگر شما نمی بودید هرآئینه ما مسلمان می‌شدیم (۳۱).

---

(٥) یعنی اذنِ شفاعت داد.

(٦) یعنی حتما یا مامؤمنان یاشما مشرکان یکی ازمان درهدایت ودیگری درگمراهی است.

(۷) یعنی سؤال وجواب کنند.

قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُوٓاْ أَنَحۡنُ صَدَدۡنَٰكُمۡ عَنِ ٱلۡهُدَىٰ بَعۡدَ إِذۡ جَآءَكُمۖ بَلۡ كُنتُم مُّجۡرِمِينَ ٣٢ وَقَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ بَلۡ مَكۡرُ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ إِذۡ تَأۡمُرُونَنَآ أَن نَّكۡفُرَ بِٱللَّهِ وَنَجۡعَلَ لَهُۥٓ أَندَادٗاۚ وَأَسَرُّواْ ٱلنَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَۚ وَجَعَلۡنَا ٱلۡأَغۡلَٰلَ فِيٓ أَعۡنَاقِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۖ هَلۡ يُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٣٣ وَمَآ أَرۡسَلۡنَا فِي قَرۡيَةٖ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتۡرَفُوهَآ إِنَّا بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ ٣٤ وَقَالُواْ نَحۡنُ أَكۡثَرُ أَمۡوَٰلٗا وَأَوۡلَٰدٗا وَمَا نَحۡنُ بِمُعَذَّبِينَ ٣٥ قُلۡ إِنَّ رَبِّي يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٣٦ وَمَآ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُكُم بِٱلَّتِي تُقَرِّبُكُمۡ عِندَنَا زُلۡفَىٰٓ إِلَّا مَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ جَزَآءُ ٱلضِّعۡفِ بِمَا عَمِلُواْ وَهُمۡ فِي ٱلۡغُرُفَٰتِ ءَامِنُونَ ٣٧ وَٱلَّذِينَ يَسۡعَوۡنَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا مُعَٰجِزِينَ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ٱلۡعَذَابِ مُحۡضَرُونَ ٣٨ قُلۡ إِنَّ رَبِّي يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦ وَيَقۡدِرُ لَهُۥۚ وَمَآ أَنفَقۡتُم مِّن شَيۡءٖ فَهُوَ يُخۡلِفُهُۥۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ٣٩

گفتند سرکشان به ناتوانان آیاما شمارا از هدایت بعد از آنکه به شما آمد بازداشتیم بلکه خودتان گناه کار بودید (۳۲). وگفتند ناتوانان سرکشان را نه، بلکه مارا مکر شب وروز [۸] چون مارا میفرمودید که به خدا کافرشویم و برای او همتایان را مقرر کنیم بازداشت وهمه ایشان پشیمانی در دل دارند چون عذاب را ببینند وطوقها در گردنهای کافران باندازیم سزا داده نمی شوند مگر به وفق آنچه می کردند (۳۳). ودرهیچ دهی بیم کننده را نفرستادیم مگر گفتند مُنَعَّمَانِ آن ده هرآئینه ما به آنچه فرستاده شدید به آن نامعتقدیم (۳٤). وگفتند ما باعتبارِ اموال واولاد زیاده تریم ونیستیم ما عذاب کرده شدگان (۳٥). بگو هرآئینه پروردگار من کشاده میکند روزی رابرای هرکه خواهد وتنگ میکند برای هرکه خواهد ولیکن اکثر مردمان نمیدانند (۳٦). واموال شما ونه اولادِ شما آن چیزی نیستند که شمارا نزد ما بمرتبهٔ قربت مقرب گرداند لیکن مقرب آنست که ایمان آورد و کردار شایسته انجام داد پس آن جماعت برای ایشان پاداش دوچند است به مقابله آنکه عمل کردند وایشان درکوشك های بلند ایمن باشند (۳۷). وآنانکه در ردّ آیات ما مقابله کنان سعی میکنند آن جماعت در عذاب حاضر کرده شوند (۳۸). بگو هرآئینه پروردگار من کشاده می کند روزی را برای هرکه خواهد ازبند گانِ خودوتنگ می سازد برای هرکه خواهد وهرچه خرج کنیدازهر جنس که باشد پس خدا عوضِ آن دهد واوبهترین روزی دهندگانست(۳۹).

(۸) یعنی مکرشماکه پیوسته درسعی آن بودید.

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَٰٓئِكَةِ أَهَٰٓؤُلَآءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا۟
يَعْبُدُونَ ﴿٤٠﴾ قَالُوا۟ سُبْحَٰنَكَ أَنتَ وَلِيُّنَا مِن دُونِهِمۖ بَلْ كَانُوا۟
يَعْبُدُونَ ٱلْجِنَّۖ أَكْثَرُهُم بِهِم مُّؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾ فَٱلْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ
بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَّفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ ذُوقُوا۟ عَذَابَ
ٱلنَّارِ ٱلَّتِى كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿٤٢﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٍ
قَالُوا۟ مَا هَٰذَآ إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَن يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ ءَابَآؤُكُمْ
وَقَالُوا۟ مَا هَٰذَآ إِلَّآ إِفْكٌ مُّفْتَرًىۚ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لِلْحَقِّ لَمَّا
جَآءَهُمْ إِنْ هَٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٤٣﴾ وَمَآ ءَاتَيْنَٰهُم مِّن كُتُبٍ
يَدْرُسُونَهَاۖ وَمَآ أَرْسَلْنَآ إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِن نَّذِيرٍ ﴿٤٤﴾ وَكَذَّبَ
ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا۟ مِعْشَارَ مَآ ءَاتَيْنَٰهُمْ فَكَذَّبُوا۟
رُسُلِىۖ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٥﴾ ۞ قُلْ إِنَّمَآ أَعِظُكُم بِوَٰحِدَةٍۖ أَن
تَقُومُوا۟ لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَٰدَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا۟ۚ مَا بِصَاحِبِكُم مِّن
جِنَّةٍۚ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُم بَيْنَ يَدَىْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٤٦﴾ قُلْ
مَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْۖ إِنْ أَجْرِىَ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِۖ وَهُوَ عَلَىٰ
كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ ﴿٤٧﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّى يَقْذِفُ بِٱلْحَقِّ عَلَّٰمُ ٱلْغُيُوبِ ﴿٤٨﴾

وروزی که خدا همگی ایشان را برانگیزد باز بگوید به فرشتگان آیا ایشان شمارا عبادت می کردند (٤۰). (فرشتگان) گویند پاکی تورا است توکارسازمایی به جای ایشان بلکه ایشان دیوان را [۹] عبادت میکردند اکثر ایشان به دیوان اعتقاد داشتند (٤۱). پس امروز بعضی از شمابرای بعضی سود رسانیدن ونه زیان رسانیدن نمی تواند ومی فرماییم ستمکاران را عذاب آتشی را که شما آن را تکذیب می کردید بچشید (٤۲). وچون برایشان آیاتِ ما روشن آمده خوانده می شود گویند بایکدیگرنیست این پیامبر مگرمردی که میخواهد شمارا از آنچه می پرستیدند پدرانِ شما بازدارد وگویند این قرآن مگردروغی بربافته نیست وکافران گویند چون سخن راست بدیشان بیامد نیست این مگر سحرِ ظاهر (٤۳). ومشرکانِ عرب را کتاب ها ندادیم که آن را بخوانند وبه سوی ایشان پیش ازتوهیچ ترساننده ای نفرستادیم (٤٤). آنانکه پیش ازایشان بودند تکذیب کردند واین مشرکان به یك دَهُمِ آنچه داده بودیم به پیشینیان نرسیده اند پس پیامبرانِ مرا تکذیب کردند پس عقوبت من چگونه بود؟ (٤٥). بگوجزاین نیست که شمارا بیك کلمه پندمیدهم که برخیزید برای خدا دوگان دوگان ویك یك باز تأمل کنید که به یارشما هیچ جنونی نیست، نیست او مگر برای شماپیش از آمدنِ عذاب سخت بیم کننده (٤٦). بگو آنچه ازشما سوال کرده باشم از مُزد پس آن برای شما است نیست پاداش من مگربرخدا واو برهمه چیز گواه است (٤۷). بگو هرآئینه پروردگار من (از علمِ غیب) وحیِ راست را فرومی فرستد آن پروردگاری که دانای پوشیده هاست (٤۸).

(۹) یعنی عبادتِ ملائکه که بجهت وسوسه شیاطین بود پس گویا عبادت شیاطین کردند.

قُلْ جَآءَ ٱلْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ ٱلْبَٰطِلُ وَمَا يُعِيدُ ﴿٤٩﴾ قُلْ إِن ضَلَلْتُ فَإِنَّمَآ أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِى ۖ وَإِنِ ٱهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحِىٓ إِلَىَّ رَبِّىٓ ۚ إِنَّهُۥ سَمِيعٌ قَرِيبٌ ﴿٥٠﴾ وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذْ فَزِعُوا۟ فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا۟ مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٥١﴾ وَقَالُوٓا۟ ءَامَنَّا بِهِۦ وَأَنَّىٰ لَهُمُ ٱلتَّنَاوُشُ مِن مَّكَانٍۭ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾ وَقَدْ كَفَرُوا۟ بِهِۦ مِن قَبْلُ ۖ وَيَقْذِفُونَ بِٱلْغَيْبِ مِن مَّكَانٍۭ بَعِيدٍ ﴿٥٣﴾ وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِم مِّن قَبْلُ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا۟ فِى شَكٍّ مُّرِيبٍۭ ﴿٥٤﴾

سُورَةُ فَاطِرٍ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ جَاعِلِ ٱلْمَلَٰٓئِكَةِ رُسُلًا أُو۟لِىٓ أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَ ۚ يَزِيدُ فِى ٱلْخَلْقِ مَا يَشَآءُ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾ مَّا يَفْتَحِ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا ۖ وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُۥ مِنۢ بَعْدِهِۦ ۚ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٢﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱذْكُرُوا۟ نِعْمَتَ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ ۚ هَلْ مِنْ خَٰلِقٍ غَيْرُ ٱللَّهِ يَرْزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ ۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ ﴿٣﴾

بگو آمد سخنِ راست، ومعبود باطل آفرینشِ نونمیکند ونه دیگر بار آفریند (٤۹). بگو اگر گمراه شدم پس جزاین نیست که گمراه شوم برنفس خویش واگرراه یابم پس بسبب آنست که به سوی من پروردگارم وحی فرستد هرآئینه وی شنوای نزدیك است (٥٠). و(تعجب کنی) اگر ببینی چون مضطرب ونگران شوند پس از عذاب خلاص شدن نباشد واز جایی نزدیك گرفته شوند [۱۰] (٥۱). وگویند آنگاه به قرآن ایمان آوردیم وازکجا ایشان را بُوَد بدست آوردنِ ایمان ازجای دور (یعنی محال است) (٥۲). وحالانکه به قرآن پیش ازین کافر بودند واز مکان دور نادیده می اندازند (٥۳). وجدایی افکنده شد میانِ ایشان ومیانِ آنچه می خواستند چنانچه کرده شد به امثالِ ایشان پیش ازین هرآئینه ایشان درشك قوی بودند (٥٤).

سوره فاطر مکی است وآن چهل و پنج آیه و پنج رکوع است
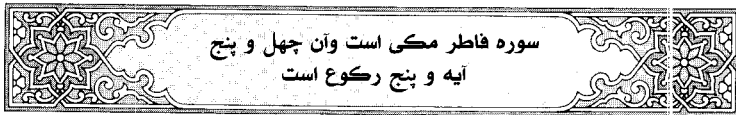
بنام خدای بخشاینده مهربان.

همه سپاس وستایش خدای راست آفریننده آسمان ها وزمین سازنده فرشتگان را فرستاد گانی دارای بالها دو گانه دو گانه وسه گانه سه گانه وچهار گانه چهار گانه زیاده میکند در آفرینش هرچه خواهد هرآئینه خدا برهرچیز تواناست (۱). آنچه خدا برای مردمان ازرحمت کشده سازد پس آن را هیچ بازدارنده ای نیست وآنچه بازدارد پس آنرا پس از وی هیچ کشاینده ای نیست واو غالب باحکمت است (۲). ای مردمان نعمتِ خدارا برخویش یادکنید آیاهیچ آفریننده ای غیرازخدا هست که شمارا از آسمان وزمین روزی میدهد نیست هیچ معبودی برحق مگروی پس ازکجا برگردانیده می شوید (۳).

(۱۰) یعنی گرفتا، شوند بآسانی.

وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ ۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرْجَعُ ٱلْأُمُورُ
﴿٤﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ ۖ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا
وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِٱللَّهِ ٱلْغَرُورُ ﴿٥﴾ إِنَّ ٱلشَّيْطَٰنَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَٱتَّخِذُوهُ
عَدُوًّا ۚ إِنَّمَا يَدْعُوا۟ حِزْبَهُۥ لِيَكُونُوا۟ مِنْ أَصْحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ ﴿٦﴾ ٱلَّذِينَ
كَفَرُوا۟ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُم
مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿٧﴾ أَفَمَن زُيِّنَ لَهُۥ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ فَرَءَاهُ حَسَنًا ۖ فَإِنَّ
ٱللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَآءُ وَيَهْدِى مَن يَشَآءُ ۖ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ
حَسَرَٰتٍ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌۢ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿٨﴾ وَٱللَّهُ ٱلَّذِىٓ أَرْسَلَ
ٱلرِّيَٰحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَٰهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ ٱلْأَرْضَ
بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ كَذَٰلِكَ ٱلنُّشُورُ ﴿٩﴾ مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلْعِزَّةَ فَلِلَّهِ ٱلْعِزَّةُ جَمِيعًا ۚ
إِلَيْهِ يَصْعَدُ ٱلْكَلِمُ ٱلطَّيِّبُ وَٱلْعَمَلُ ٱلصَّٰلِحُ يَرْفَعُهُۥ ۚ وَٱلَّذِينَ
يَمْكُرُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۖ وَمَكْرُ أُو۟لَٰٓئِكَ هُوَ يَبُورُ
﴿١٠﴾ وَٱللَّهُ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَٰجًا ۚ
وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِۦ ۚ وَمَا يُعَمَّرُ مِن مُّعَمَّرٍ
وَلَا يُنقَصُ مِنْ عُمُرِهِۦٓ إِلَّا فِى كِتَٰبٍ ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٌ ﴿١١﴾

واگر تورا تکذیب کنند پس هرآئینه تکذیب کرده شدند پیامبران پیش ازتو وبه سوی خدا کارها بازگردانیده میشود (٤). ای مردمان هرآئینه وعدهٔ خداراست است پس شمارا زندگانی دنیا فریفته نکند و شمارا نسبت به خدا شیطان فریب دهنده نفریبد (٥). هرآئینه شیطان دشمن شما است پس اورا دشمن گیرید جزاین نیست که تابعانِ خود را می‌خواند تا ازاهل دوزخ باشند (٦). آنانکه کافرشدند ایشان رااست عذاب سخت وآنانکه ایمان آورده‌اند وعمل‌های شایسته کرده‌اند ایشان آمرزش وپاداش بزرگ دارند (٧). آیاکسی که برای او عملِ زشت او آراسته کرده شد پس آنرا نیك دید (مثل مومنِ صالح باشد؟) پس هرآئینه خدا گمراه می کند هرکرا خواهد وراه می‌نماید هرکراخواهد پس نباید که نفست از حسرت خوردن برایشان از بین برود هرآئینه خدا به آنچه می کنند دانا است (٨). وخدا آنست که بادهارا فرستاد پس آن بادها ابررا برانگیختند پس ابررا به سوی شهر مرده روان کردیم پس به آن ابر زمین را بعد از مرده بودنِ آن زنده ساختیم همچنین خواهد بود برانگیختن مرد گان (٩). هرکه ارجمندی خواهد پس همگی ارجمندی خدای راست بالامیرود بسوی او سخنِ پاکیزه وعمل صالح را خدا بلند می گرداند وآنانکه فتنه ها می‌اندیشند ایشان راست عذاب سخت وبد اندیشی ایشان همون نابود شود (١٠). وخدا شمارا ازخاك باز از نطفه آفرید باز شمارا جفت مرد وزن گردانید ودرشکم برنمیدارد هیچ ماده ای ونمی زاید مگربه علم خدا وزندگانی داده نمی شود هیچ درازعمری را وکم کرده نمی شود ازعمرِ وی الا درکتاب ثبت است هرآئینه این کاربرخداآسان است (١١).

وَمَا يَسْتَوِي ٱلْبَحْرَانِ هَٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَآئِغٌ شَرَابُهُۥ وَهَٰذَا
مِلْحٌ أُجَاجٌ ۖ وَمِن كُلٍّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ
حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا ۖ وَتَرَى ٱلْفُلْكَ فِيهِ مَوَاخِرَ لِتَبْتَغُوا۟ مِن فَضْلِهِۦ
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٢﴾ يُولِجُ ٱلَّيْلَ فِى ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ
ٱلنَّهَارَ فِى ٱلَّيْلِ وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ ۖ كُلٌّ يَجْرِى
لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ ٱلْمُلْكُ ۚ وَٱلَّذِينَ
تَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ مَا يَمْلِكُونَ مِن قِطْمِيرٍ ﴿١٣﴾ إِن
تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا۟ دُعَآءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا۟ مَا ٱسْتَجَابُوا۟ لَكُمْ ۖ
وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ ۚ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ
﴿١٤﴾ ۞ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ أَنتُمُ ٱلْفُقَرَآءُ إِلَى ٱللَّهِ ۖ وَٱللَّهُ هُوَ ٱلْغَنِىُّ

ٱلْحَمِيدُ ﴿١٥﴾ إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٦﴾
وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴿١٧﴾ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۚ وَإِن
تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَىْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰٓ ۗ
إِنَّمَا تُنذِرُ ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِٱلْغَيْبِ وَأَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ ۚ
وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِۦ ۚ وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلْمَصِيرُ ﴿١٨﴾

وبرابر نیستند [1] دو دریااین یك شیرین درنهایت شیرینی است آب او خوش گوارست وآن دیگر شور به تلخی مائل است وازهریکی گوشت تازه میخورید وبرمی‌آورید زیوری که آن را می پوشید و کشتی هارا در دریا شگافندهٔ آب می بینی تا ازفضل او روزی طلب کنید وتابُوَد که شما شکر گویید (۱۲). درمی‌آورد شب را در روز ودرمی‌آورد روز را درشب ورام ساخت خورشید وماه را هریکی به میعادی معین میرود اینست خدا پرورد گارشما مراوراست پادشاهی وآنانکه می‌پرستید بجز وی مقدار پوست خسته خرمایی (هم) مالك نیستند (۱۳). اگر ایشان را بخوانید خواندنِ شما را نمی شنوند واگر به فرض بشنوند برایتان إجابت نکنند وروز قیامت شریك مقرر کردنِ شمارا منکر می شوند وتوراهیچ کس مانندِ دانا [2] خبر ندهد (۱٤). ای مردمان شما به خدا محتاجید وخدا همونست بی احتیاج ستوده کار (۱۵). اگر بخواهد شمارا نابود سازد وآفرینشی نو می‌آورد (۱٦). واین کار برخدا دشوار نیست (۱۷). وهیچ بردارنده باردیگری را برنمی دارد واگر گران بارکسی را به سوی بارخویش بخواند ازآن بار چیزی برداشته نشود اگرچه آن کس خویشاوند باشد جزاین نیست که بیم میکنی آنان را که ازپرورد گار خویش غایبانه می‌ترسند و نمازرا برپاداشته‌اند وهرکه پاك شد پس جزاین نیست که برای نفع خویش پاك میشود و بازگشت به سوی خداست (۱۸).

(۱) یعنی بایکدیگر مخلوط نمی شوند.

(۲) مترجم گوید ﴿وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ﴾ بمنزله مثل است چون سخن بلیغ گویند وتحقیق بنهایت رساننداین کلمه را گویند.

وَمَا يَسْتَوِي ٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْبَصِيرُ ۝١٩ وَلَا ٱلظُّلُمَٰتُ وَلَا ٱلنُّورُ
۝٢٠ وَلَا ٱلظِّلُّ وَلَا ٱلْحَرُورُ ۝٢١ وَمَا يَسْتَوِي ٱلْأَحْيَآءُ وَلَا
ٱلْأَمْوَٰتُۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَآءُۖ وَمَآ أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي
ٱلْقُبُورِ ۝٢٢ إِنْ أَنتَ إِلَّا نَذِيرٌ ۝٢٣ إِنَّآ أَرْسَلْنَٰكَ بِٱلْحَقِّ بَشِيرًا
وَنَذِيرًاۚ وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ ۝٢٤ وَإِن يُكَذِّبُوكَ
فَقَدْ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ
وَبِٱلزُّبُرِ وَبِٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُنِيرِ ۝٢٥ ثُمَّ أَخَذْتُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۖ
فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ۝٢٦ أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ
مَآءً فَأَخْرَجْنَا بِهِۦ ثَمَرَٰتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَٰنُهَاۚ وَمِنَ ٱلْجِبَالِ
جُدَدُۢ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَٰنُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ ۝٢٧
وَمِنَ ٱلنَّاسِ وَٱلدَّوَآبِّ وَٱلْأَنْعَٰمِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَٰنُهُۥ كَذَٰلِكَۗ
إِنَّمَا يَخْشَى ٱللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ ٱلْعُلَمَٰٓؤُاْۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ ۝٢٨
إِنَّ ٱلَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَٰبَ ٱللَّهِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنفَقُواْ مِمَّا
رَزَقْنَٰهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَٰرَةً لَّن تَبُورَ ۝٢٩ لِيُوَفِّيَهُمْ
أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ غَفُورٌ شَكُورٌ ۝٣٠

و نابینا وبینا برابرنیستند (۱۹). ونه تاریکی ها ونه روشنی (۲۰). ونه سایه ونه بادِگرم (۲۱). وبرابر نمی شوند زند گان ونه مُرد گان هرآئینه خدامی‌شنواند هرکراخواهد ونیستی توشنواننده کسی را که درگور باشد (۲۲). وتو جز ترساننده نیستی (۲۳). هرآئینه ما تورا بدین راست فرستاده ایم بشارت دهنده وبیم کننده وهیچ امتی نیست مگر گذشته است درآن بیم کننده (٢٤). واگر تورا تکذیب کنند پس به راستی که تکذیب کردند آنانکه پیش ازایشان بودند بدیشان پیامبرانِ ایشان به نشانه‌های واضح وبنامه های الهی وبکتابِ روشن آمدند (۲۵). باز کافران را گرفتار کردم پس عقوبتِ من چگونه بود؟ (٢٦). آیاندیدی که خدا ازآسمان آبی را فرودآورد پس بسبب آن میوه های گونا گون رنگهای آن برآوردیم وازکوه ها قطعاتی است برنگ های گوناگون، سفید وسرخ ونهایت سیاه (۲۷). وهمچنان از مردمان وجانوران وچهارپایان رنگهای آن گوناگون است جزاین نیست که می‌ترسند از خدا علماء از بندگان اوهرآئینه خدا غالب آمرزنده است (۲۸). هرآئینه آنانکه کتابِ خدارا تلاوت می کنند وبرپاداشته اندنمازرا و از آنچه ایشان را روزی دادیم پنهان وآشکار خرج کرده اند امید بسودایی دارند که هرگز کاستی نمی پذیرد (۲۹). تاپاداشهای ایشان را به تمام وکمال بدهد واز فضلِ خود ایشان را زیاده دهد هرآئینه او آمرزنده ٔ قدردان است (۳۰).

وَٱلَّذِىٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ هُوَ ٱلۡحَقُّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ
يَدَيۡهِۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِعِبَادِهِۦ لَخَبِيرُۢ بَصِيرٞ ﴿٣١﴾ ثُمَّ أَوۡرَثۡنَا ٱلۡكِتَٰبَ
ٱلَّذِينَ ٱصۡطَفَيۡنَا مِنۡ عِبَادِنَاۖ فَمِنۡهُمۡ ظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ وَمِنۡهُم
مُّقۡتَصِدٞ وَمِنۡهُمۡ سَابِقُۢ بِٱلۡخَيۡرَٰتِ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ هُوَ
ٱلۡفَضۡلُ ٱلۡكَبِيرُ ﴿٣٢﴾ جَنَّٰتُ عَدۡنٖ يَدۡخُلُونَهَا يُحَلَّوۡنَ
فِيهَا مِنۡ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٖ وَلُؤۡلُؤٗاۖ وَلِبَاسُهُمۡ فِيهَا حَرِيرٞ ﴿٣٣﴾
وَقَالُواْ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِىٓ أَذۡهَبَ عَنَّا ٱلۡحَزَنَۖ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٞ
شَكُورٌ ﴿٣٤﴾ ٱلَّذِىٓ أَحَلَّنَا دَارَ ٱلۡمُقَامَةِ مِن فَضۡلِهِۦ لَا يَمَسُّنَا
فِيهَا نَصَبٞ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٞ ﴿٣٥﴾ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَهُمۡ
نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقۡضَىٰ عَلَيۡهِمۡ فَيَمُوتُواْ وَلَا يُخَفَّفُ عَنۡهُم مِّنۡ
عَذَابِهَاۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِى كُلَّ كَفُورٖ ﴿٣٦﴾ وَهُمۡ يَصۡطَرِخُونَ
فِيهَا رَبَّنَآ أَخۡرِجۡنَا نَعۡمَلۡ صَٰلِحًا غَيۡرَ ٱلَّذِى كُنَّا نَعۡمَلُۚ
أَوَلَمۡ نُعَمِّرۡكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَآءَكُمُ ٱلنَّذِيرُۖ
فَذُوقُواْ فَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِن نَّصِيرٍ ﴿٣٧﴾ إِنَّ ٱللَّهَ عَٰلِمُ
غَيۡبِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿٣٨﴾

وآنچه به سوی تو از قرآن وحی فرستادیم اوست حقیقت باوردارنده آنچه پیش ازوی است هرآئینه خدابه بندگان خود خبر دارُ بیناست (۳۱). باز به آنان قرآن را میراث دادیم که ایشان را ازبندگان خود برگزیدیم [۳] پس بعضِ ایشان برنفس خود ستمگاراست وبعض ایشان میانه رواست وبعض ایشان به نیکی‌ها بحکم خدا سبقت کننده است این فضل بزرگ است (۳۲). به بوستان‌های همیشه ماندن درآیند آن جا ایشان را زیور داده شود آنجاازقسم النگو ودستوانه های طلاو مروارید زیور داده شوند ولباس آنها جامهٔ ابریشمی باشد (۳۳). وگفتند همه ستایش خدای راست که ازمااندوه را دورکرد هرآئینه پروردگار ما آمرزنده قدر شناس است (۳٤). آنکه مارا به سرای همیشه ماندن از فضلِ خود فرود آورد بما آنجا هیچ رنجی نرسد وبما آنجا هیچ ماندگی نرسد (۳٥). وآنانکه کافرشدند ایشان راست آتشِ دوزخ نه برایشان حکم کرده شود تابمیرند ونه ازایشان چیزی ازعذابِ دوزخ سبك کرده شود همچنین هرناسپاس را سزا میدهیم (۳٦). واهل دوزخ درآنجا فریادکنند که ای پروردگار ما بیرون آرمارا تابکنیم کار شایسته غیر از آنچه می‌کردیم گوییم آیا شمارا آنقدر زندگانی ندادیم که پندپذیر شود درآن هرکه پند پذیرفتن خواهد وآمد به شما ترساننده پس بچشید پس ستمکاران را هیچ یاری دهنده ای نیست (۳۷). هرآئینه خدادانندهٔ پنهان آسمان ها وزمین است هرآئینه وی به مکنونِ سینه ها داناست (۳۸).

---

(۳) یعنی ازپیامبر صلی الله علیه وسلم به امت محمدیه رسید والله اعلم.

هُوَ ٱلَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَٰٓئِفَ فِي ٱلْأَرْضِ ۚ فَمَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُۥ ۖ وَلَا يَزِيدُ ٱلْكَٰفِرِينَ كُفْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا ۖ وَلَا يَزِيدُ ٱلْكَٰفِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا ﴿٣٩﴾ قُلْ أَرَءَيْتُمْ شُرَكَآءَكُمُ ٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا۟ مِنَ ٱلْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ أَمْ ءَاتَيْنَٰهُمْ كِتَٰبًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَتٍ مِّنْهُ ۚ بَلْ إِن يَعِدُ ٱلظَّٰلِمُونَ بَعْضُهُم بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا ﴿٤٠﴾ ۞ إِنَّ ٱللَّهَ يُمْسِكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ أَن تَزُولَا ۚ وَلَئِن زَالَتَآ إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنۢ بَعْدِهِۦٓ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿٤١﴾ وَأَقْسَمُوا۟ بِٱللَّهِ جَهْدَ أَيْمَٰنِهِمْ لَئِن جَآءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى ٱلْأُمَمِ ۖ فَلَمَّا جَآءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿٤٢﴾ ٱسْتِكْبَارًا فِي ٱلْأَرْضِ وَمَكْرَ ٱلسَّيِّئِ ۚ وَلَا يَحِيقُ ٱلْمَكْرُ ٱلسَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِۦ ۚ فَهَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ ٱلْأَوَّلِينَ ۚ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ ٱللَّهِ تَبْدِيلًا ۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ ٱللَّهِ تَحْوِيلًا ﴿٤٣﴾ أَوَلَمْ يَسِيرُوا۟ فِي ٱلْأَرْضِ فَيَنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَكَانُوٓا۟ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً ۚ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعْجِزَهُۥ مِن شَيْءٍ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلْأَرْضِ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا ﴿٤٤﴾

ثلاثة أرباع الحزب ٤٤

وی آنست که شمارا درزمین جانشینان گردانید پس هرکه کافر شود پس ضررِ کفر او بروی‌ست ونمی افزاید درحقِ کافران کفر ایشان نزد پروردگارشان مگر غضب را ونمی افزاید درحقِ کافران کفرایشان مگر زیان را (۳۹). بگوآیا شریکانِ مقرر کردهٔ خود را دیدید آنانکه می پرستید به جز خدا بنمایید مراچه چیز اززمین آفریده‌اند آیاایشانرا شرکتی درآسمان هاست نه بلکه آیا دادیم ایشان را کتابی پس ایشان ازآن برحجتی‌اند بلکه ستمگاران بعضی ازایشان بعضی را مگر ازروی فریب وعده نمیدهند (٤٠). هرآئینه خدا آسمان ها وزمین را ازآنکه ازجای خود بلغزند نگاه میدارد واگربلغزند آنهارا هیچ کسی بعد ازخدا [٤] نگاه ندارد هرآئینه او برد بار آمرزگار است (٤١). وقسم خوردند بخدا سخت ترین قسم های خود را که اگر به ایشان ترساننده ای بیاید البته راه یافته تر ازهریك امتی خواهند بود پس چون به ایشان ترساننده آمد درحق ایشان جز گریز را نیفزود (٤٢). (این) بسبب سرکشی درزمین ونیرنگ زشتی بود که وزیدند ووبال بداندیشی قبیح مگر به اهلِ او فرود نمی آید پس منتظر نیستند مگر آئین عقوبت پیشینیان را پس برای آیین خدا تبدیلی را نخواهی یافت وبرای آیین خدا تغییری را نخواهی یافت (٤٣). آیا درزمین نگشته اند تاببینند سر انجام کار آنان‌راکه پیش ازایشان بودند چگونه شد وآن جماعت ازایشان زیاده تر بودند درقوت وهرگز نیست که خدارا هیچ چیزی درآسمان ها ونه درزمین عاجز کند هرآئینه او داناتوانا هست (٤٤).

---

(٤) یعنی غیرازخدا.

وَلَوْ يُؤَاخِذُ ٱللَّهُ ٱلنَّاسَ بِمَا كَسَبُوا۟ مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظَهْرِهَا
مِن دَآبَّةٍ وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ فَإِذَا
جَآءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِۦ بَصِيرًۢا ﴿٤٥﴾

سُورَةُ يسٓ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يسٓ ﴿١﴾ وَٱلْقُرْءَانِ ٱلْحَكِيمِ ﴿٢﴾ إِنَّكَ لَمِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿٣﴾ عَلَىٰ
صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٤﴾ تَنزِيلَ ٱلْعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ ﴿٥﴾ لِتُنذِرَ قَوْمًا
مَّآ أُنذِرَ ءَابَآؤُهُمْ فَهُمْ غَٰفِلُونَ ﴿٦﴾ لَقَدْ حَقَّ ٱلْقَوْلُ عَلَىٰٓ أَكْثَرِهِمْ
فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٧﴾ إِنَّا جَعَلْنَا فِىٓ أَعْنَٰقِهِمْ أَغْلَٰلًا فَهِىَ إِلَى
ٱلْأَذْقَانِ فَهُم مُّقْمَحُونَ ﴿٨﴾ وَجَعَلْنَا مِنۢ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا
وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَٰهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿٩﴾ وَسَوَآءٌ
عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠﴾ إِنَّمَا تُنذِرُ
مَنِ ٱتَّبَعَ ٱلذِّكْرَ وَخَشِىَ ٱلرَّحْمَٰنَ بِٱلْغَيْبِ ۖ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ
وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ﴿١١﴾ إِنَّا نَحْنُ نُحْىِ ٱلْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا۟
وَءَاثَٰرَهُمْ ۚ وَكُلَّ شَىْءٍ أَحْصَيْنَٰهُ فِىٓ إِمَامٍ مُّبِينٍ ﴿١٢﴾

و اگر خدا مردمان را به کیفر آنچه میکردند گرفتار می کرد برپشتِ زمین هیچ جانوری را نگذاشتی ولیکن ایشانرا تامیعادی معین موقوف میدارد پس چون میعاد ایشان آید پس هرآئینه خدا به بندگان خود بینا هست (٤٥).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

یٰسٓ (١). قسم به قرآنِ باحکمت (٢). هرآئینه تو به یقین ازپیامبرانی (٣). برراهِ راستی (٤). فروفر ستادهٔ (خدا) غالب مهربان (را مراد دارم) (٥). تا قومی را که پدرانِ ایشان ترسانیده نشده وخود ایشان غافلند بترسانید [١] (٦). هرآئینه وعدهٔ عذاب براکثر ایشان ثابت شد پس اکثر ایشان ایمان نمی آورند (٧). هرآئینه ما در گردن های ایشان طوق ها قرار دادیم پس آن طوقها تا زنخها وچانه ها باشند پس سرهای ایشان (برأثرآن) روی به بالانگاه داشته میشود (٨). وپیش روی ایشان دیواری وپسِ پشت ایشان دیواری قرار داده‌ایم باز ایشان را فروپوشانده‌ایم پس ایشان هیچ نبینند [٢] (٩). وبرایشان برابراست که بیم کنی ایشانرا یا ایشان را بیم نکنی ایمان نیاورند (١٠). جزاین نیست که می ترسانی کسی را که پیروی پندکند وغایبانه ازخدا بترسد پس اورابه آمرزش وپادا شی گرامی بشارت ده (١١). هرآئینه ما مردگان را زنده می گردانیم ومی نویسیم آنچه پیش فرستاده‌اند [٣] و نقش پایهای ایشان را می‌نویسیم وهر چیزی را در کتاب ظاهر [٤] شمرده‌ایم (١٢).

---

(١) یعنی دربنی اسماعیل هیچ پیامبری مبعوث نشده بود.
(٢) مترجم گوید این هردو آیت تمثیل وتصویر یاس ایشان است از شناختن حق.
(٣) یعنی ازاعمال خیروشر.
(٤) یعنی لوحِ محفوظ.

وَٱضۡرِبۡ لَهُم مَّثَلًا أَصۡحَٰبَ ٱلۡقَرۡيَةِ إِذۡ جَآءَهَا ٱلۡمُرۡسَلُونَ
١٣ إِذۡ أَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡهِمُ ٱثۡنَيۡنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزۡنَا بِثَالِثٖ فَقَالُوٓاْ
إِنَّآ إِلَيۡكُم مُّرۡسَلُونَ ١٤ قَالُواْ مَآ أَنتُمۡ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُنَا
وَمَآ أَنزَلَ ٱلرَّحۡمَٰنُ مِن شَيۡءٍ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا تَكۡذِبُونَ ١٥ قَالُواْ
رَبُّنَا يَعۡلَمُ إِنَّآ إِلَيۡكُمۡ لَمُرۡسَلُونَ ١٦ وَمَا عَلَيۡنَآ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ
ٱلۡمُبِينُ ١٧ قَالُوٓاْ إِنَّا تَطَيَّرۡنَا بِكُمۡۖ لَئِن لَّمۡ تَنتَهُواْ لَنَرۡجُمَنَّكُمۡ
وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٞ ١٨ قَالُواْ طَٰٓئِرُكُم مَّعَكُمۡۚ أَئِن
ذُكِّرۡتُمۚ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ مُّسۡرِفُونَ ١٩ وَجَآءَ مِنۡ أَقۡصَا ٱلۡمَدِينَةِ
رَجُلٞ يَسۡعَىٰ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱتَّبِعُواْ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٢٠ ٱتَّبِعُواْ
مَن لَّا يَسۡـَٔلُكُمۡ أَجۡرٗا وَهُم مُّهۡتَدُونَ ٢١ وَمَا لِيَ لَآ أَعۡبُدُ
ٱلَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٢٢ ءَأَتَّخِذُ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةً
إِن يُرِدۡنِ ٱلرَّحۡمَٰنُ بِضُرّٖ لَّا تُغۡنِ عَنِّي شَفَٰعَتُهُمۡ شَيۡـٔٗا
وَلَا يُنقِذُونِ ٢٣ إِنِّيٓ إِذٗا لَّفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ٢٤ إِنِّيٓ ءَامَنتُ
بِرَبِّكُمۡ فَٱسۡمَعُونِ ٢٥ قِيلَ ٱدۡخُلِ ٱلۡجَنَّةَۖ قَالَ يَٰلَيۡتَ قَوۡمِي
يَعۡلَمُونَ ٢٦ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ ٱلۡمُكۡرَمِينَ ٢٧

و برای ایشان قصه اهل ده را بیان‌کن چون به آن ده پیامبران آمدند (۱۳). آنگاه که فرستادیم به سوی ایشان دوکس را پس تکذیب کردند ایشان را پس به سومی قوت دادیم پس هرسه کس گفتند هرآئینه ما به سوی شما فرستادگانیم (١٤). اهل ده گفتند نیستید شما مگر آدمی مانندِ ما و رحمن هیچ چیزی فرونفرستاده است نیستید شما مگر دروغ میگویید (۱۵). گفتند پروردگار ما میداند که هرآئینه ما به سوی شما فرستادگانیم (١٦). وبرما جز پیغام رسانیدن ظاهر نیست (۱۷). گفتند هرآئینه ما شگون بد گرفتیم به شما اگر بازنیایید البته شمارا سنگ سارکنیم والبته به شما ازجانب ما عقوبتِ درد ناك برسد (۱۸). گفتند شگون بد شما همراه شما است آیا اگر شما را پند داده شود برشگون بدحمل کنید بلکه شما گروهی ازحد گذشته اید (۱۹). وازدور ترین محل های آن شهر مردی شتابان آمد گفت ای قومِ من پیامبران را پیروی کنید (۲۰). کسی را که از شما هیچ مزدی نمی طلبد پیروی کنید وایشان راه یافتگانند (۲۱). وچیست مرا که عبادت معبودی را نکنم که بیافرید مرا وبه سوی وی بازگردانیده خواهید شد (۲۲). آیا به جای او معبودانی گیرم که اگربخواهد خدای تعالی درحق من زیانی شفاعتِ ایشان ازمن چیزی را دفع نکند وایشان مرا خلاص نکنند (۲۳). هرآئینه من آنگاه درگمراهی ظاهر باشم (٢٤). هرآئینه من به پروردگار شما ایمان آورده‌ام پس ازمن [٥] بشنوید (۲۵). اورا گفته شد درآی به بهشت گفت ای کاش قومِ من میدانستند (٢٦). که مرا پرورد گارمن به چه چیزبیامرزید ومرا ازنواختگان ساخت (۲۷).

(٥) مترجم گوید اهل ده آنرا شهید ساختند والله اعلم.

۞ وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَىٰ قَوۡمِهِۦ مِنۢ بَعۡدِهِۦ مِن جُندٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا
كُنَّا مُنزِلِينَ ﴿٢٨﴾ إِن كَانَتۡ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ فَإِذَا هُمۡ خَٰمِدُونَ
﴿٢٩﴾ يَٰحَسۡرَةً عَلَى ٱلۡعِبَادِۚ مَا يَأۡتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُواْ بِهِۦ
يَسۡتَهۡزِءُونَ ﴿٣٠﴾ أَلَمۡ يَرَوۡاْ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّنَ ٱلۡقُرُونِ
أَنَّهُمۡ إِلَيۡهِمۡ لَا يَرۡجِعُونَ ﴿٣١﴾ وَإِن كُلّٞ لَّمَّا جَمِيعٞ لَّدَيۡنَا مُحۡضَرُونَ
﴿٣٢﴾ وَءَايَةٞ لَّهُمُ ٱلۡأَرۡضُ ٱلۡمَيۡتَةُ أَحۡيَيۡنَٰهَا وَأَخۡرَجۡنَا مِنۡهَا حَبّٗا
فَمِنۡهُ يَأۡكُلُونَ ﴿٣٣﴾ وَجَعَلۡنَا فِيهَا جَنَّٰتٖ مِّن نَّخِيلٖ
وَأَعۡنَٰبٖ وَفَجَّرۡنَا فِيهَا مِنَ ٱلۡعُيُونِ ﴿٣٤﴾ لِيَأۡكُلُواْ مِن ثَمَرِهِۦ
وَمَا عَمِلَتۡهُ أَيۡدِيهِمۡۚ أَفَلَا يَشۡكُرُونَ ﴿٣٥﴾ سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِي
خَلَقَ ٱلۡأَزۡوَٰجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنۢبِتُ ٱلۡأَرۡضُ وَمِنۡ أَنفُسِهِمۡ
وَمِمَّا لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٣٦﴾ وَءَايَةٞ لَّهُمُ ٱلَّيۡلُ نَسۡلَخُ مِنۡهُ ٱلنَّهَارَ
فَإِذَا هُم مُّظۡلِمُونَ ﴿٣٧﴾ وَٱلشَّمۡسُ تَجۡرِي لِمُسۡتَقَرّٖ لَّهَاۚ
ذَٰلِكَ تَقۡدِيرُ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَٱلۡقَمَرَ قَدَّرۡنَٰهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ
عَادَ كَٱلۡعُرۡجُونِ ٱلۡقَدِيمِ ﴿٣٩﴾ لَا ٱلشَّمۡسُ يَنۢبَغِي لَهَآ أَن تُدۡرِكَ
ٱلۡقَمَرَ وَلَا ٱلَّيۡلُ سَابِقُ ٱلنَّهَارِۚ وَكُلّٞ فِي فَلَكٖ يَسۡبَحُونَ ﴿٤٠﴾

وبرقوم او بعدازو هيچ لشكرى ازآسمان فرود نياورديم وما فرود آرنده لشكر نيستيم (٢٨). عقوبتِ ايشان مگر يك فريادِ تند نبود پس ناگهان ايشان چون آتش فرومرده خاموش شدند [٦] (٢٩). اى واى بربند گان نمى آيدبديشان هيچ فرستاده مگر با او تمسخر مى كردند (٣٠). آيا نديدند چه قدر پيش ازايشان از طبقاتِ مردمان كه آن جماعت به سوى ايشان بازنمى آيند هلاك ساختيم (٣١). وجزاين نيست كه همگى شان (براى حساب) در نزد ما جمع وحاضر كرده خواهند شد (٣٢). ونشانه اى هست براى ايشان آن زمين مرده كه زنده گردانيديم وبرآورديم ازآن دانه پس ازآن دانه ميخورند (٣٣). ودرزمين بوستان ها ازدرختانِ خرما ودرختان انگور آفريديم ودرآن بوستان ها چشمه ها روان ساختيم (٣٤). تا ازميوه آنچه مذكورشد و(نيز) از عمل آوردهٔ دستهايشان بخورند آيا پس شكر نمى كنند (٣٥). پاكست آنكه تمام اجناس را از آنچه ميرويانَدش زمين وازجنسِ آدميان واز آنچه ايشان نمى دانند آفريد (٣٦). ونشانه اى هست برايشان شب ازوى روز را مانند پوست مى كشيم پس ناگهان ايشان در تاريكى آيند (٣٧). وآفتاب براهى كه قرار گاهِ ويست ميرود اين اندازهٔ خداى غالب دانا است (٣٨). وماه را براى او منزل ها مقرر كرديم تاآن كه مانند چوب كهنه خوشهٔ خرما بازگردد (٣٩). نه خورشيد مى سزدش كه دريابد ماه را ونه شب سبقت كننده است برروز [٧] وهريكى ازخورشيد وماه وستاره‌هادرآسمانى سير ميكنند (٤٠).

(٦) يعنى همه برجاى سرد گشتند ومردند، مصحح.

(٧) يعنى پيش ازانقضاى روزنمى آيد.

وَءَايَةٌ لَّهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِى ٱلْفُلْكِ ٱلْمَشْحُونِ ﴿٤١﴾ وَخَلَقْنَا لَهُم مِّن مِّثْلِهِۦ مَا يَرْكَبُونَ ﴿٤٢﴾ وَإِن نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنقَذُونَ ﴿٤٣﴾ إِلَّا رَحْمَةً مِّنَّا وَمَتَٰعًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿٤٤﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّقُوا۟ مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٥﴾ وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ ءَايَةٍ مِّنْ ءَايَٰتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا۟ عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٤٦﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنفِقُوا۟ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ قَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَنُطْعِمُ مَن لَّوْ يَشَآءُ ٱللَّهُ أَطْعَمَهُۥٓ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٤٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٤٨﴾ مَا يَنظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَٰحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَآ إِلَىٰٓ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ﴿٥٠﴾ وَنُفِخَ فِى ٱلصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ ٱلْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ ﴿٥١﴾ قَالُوا۟ يَٰوَيْلَنَا مَنۢ بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا ۜ هَٰذَا مَا وَعَدَ ٱلرَّحْمَٰنُ وَصَدَقَ ٱلْمُرْسَلُونَ ﴿٥٢﴾ إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَٰحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٥٣﴾ فَٱلْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْـًٔا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٤﴾

ونشانه ای هست برایشان که ما قوم بنی آدم را درکشتی پُرکرده شده برداشتیم (٤١). وآفریدیم برای ایشان مانندِ کشتی آنچه برآن سوارمی شوند [٨] (٤٢). واگر بخواهیم ایشان را غرق کنیم پس هیچ فریاد رس برای ایشان نباشد ونه ایشان رها کرده شوند (٤٣). لیکن رحمت کردیم ازجانب خود وتامدتی بهره مند ساختیم (٤٤). وچون به ایشان گفته شود که بترسید از عقوبتی که پیش دستهای شما باشد واز عقوبتی که پس پشت شماباشد، باشد که برشما رحم کرده شود (٤٥). (اعراض کنند) وبدیشان هیچ نشانه ای از پروردگار ایشان نمی آید الاّ ازآن رویگردان باشند (٤٦). وچون به ایشان گفته شود که خرج کنید از آنچه شمارا خدای تعالی روزی داده است کافران به مسلمانان گویند آیا کسی را خوراك دهیم که اگرخدای تعالی می خواست اورا خوراك می داد نیستید شما مگر درگمراهی ظاهر (٤٧). وکافران می گویند کَی باشد این وعده اگر راست گویید (٤٨). انتظار نمی کشند مگریك نعرهٔ تند را که ایشان را بگیرد وایشان خصومت کنان باشند (٤٩). پس وصیت کردن نتوانند ونه به اهل خود بازگردند (٥٠). ودر صور دمیده شود پس ناگهان ایشان ازقبرها به سوی پروردگار خویش بشتابند (٥١). گویند ای وای برما چه کسی مارا ازخواب گاهِ ما برخیزانید (آری) این هما نست که وعده داده بود خدای تعالی وپیامبران راست گفتند (٥٢). نباشد این واقعه مگرنعرهٔ تندی پس ناگهان ایشان (همگی) نزد ما جمع وحاضر کرده خواهند شد (٥٣). پس امروزستم کرده نخواهد شد برهیچ کسی هیچ ستمی وجزا داده نخواهید شدالاّ به وفق آنچه میکردید (٥٤).

---

(٨) یعنی شتروفیل. [وما شین وقطار وهواپیما وغیره درحال حاضر].

إِنَّ أَصۡحَٰبَ ٱلۡجَنَّةِ ٱلۡيَوۡمَ فِي شُغُلٖ فَٰكِهُونَ ﴿٥٥﴾ هُمۡ وَأَزۡوَٰجُهُمۡ
فِي ظِلَٰلٍ عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِ مُتَّكِـُٔونَ ﴿٥٦﴾ لَهُمۡ فِيهَا فَٰكِهَةٞ
وَلَهُم مَّا يَدَّعُونَ ﴿٥٧﴾ سَلَٰمٞ قَوۡلٗا مِّن رَّبّٖ رَّحِيمٖ ﴿٥٨﴾ وَٱمۡتَٰزُواْ
ٱلۡيَوۡمَ أَيُّهَا ٱلۡمُجۡرِمُونَ ﴿٥٩﴾ ۞ أَلَمۡ أَعۡهَدۡ إِلَيۡكُمۡ يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ
أَن لَّا تَعۡبُدُواْ ٱلشَّيۡطَٰنَۖ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ ﴿٦٠﴾ وَأَنِ
ٱعۡبُدُونِيۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ ﴿٦١﴾ وَلَقَدۡ أَضَلَّ مِنكُمۡ
جِبِلّٗا كَثِيرًاۖ أَفَلَمۡ تَكُونُواْ تَعۡقِلُونَ ﴿٦٢﴾ هَٰذِهِۦ جَهَنَّمُ ٱلَّتِي
كُنتُمۡ تُوعَدُونَ ﴿٦٣﴾ ٱصۡلَوۡهَا ٱلۡيَوۡمَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ ﴿٦٤﴾
ٱلۡيَوۡمَ نَخۡتِمُ عَلَىٰٓ أَفۡوَٰهِهِمۡ وَتُكَلِّمُنَآ أَيۡدِيهِمۡ وَتَشۡهَدُ أَرۡجُلُهُم
بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ﴿٦٥﴾ وَلَوۡ نَشَآءُ لَطَمَسۡنَا عَلَىٰٓ أَعۡيُنِهِمۡ
فَٱسۡتَبَقُواْ ٱلصِّرَٰطَ فَأَنَّىٰ يُبۡصِرُونَ ﴿٦٦﴾ وَلَوۡ نَشَآءُ لَمَسَخۡنَٰهُمۡ
عَلَىٰ مَكَانَتِهِمۡ فَمَا ٱسۡتَطَٰعُواْ مُضِيّٗا وَلَا يَرۡجِعُونَ
﴿٦٧﴾ وَمَن نُّعَمِّرۡهُ نُنَكِّسۡهُ فِي ٱلۡخَلۡقِۚ أَفَلَا يَعۡقِلُونَ ﴿٦٨﴾
وَمَا عَلَّمۡنَٰهُ ٱلشِّعۡرَ وَمَا يَنۢبَغِي لَهُۥٓۚ إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ وَقُرۡءَانٞ مُّبِينٞ
﴿٦٩﴾ لِّيُنذِرَ مَن كَانَ حَيّٗا وَيَحِقَّ ٱلۡقَوۡلُ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٧٠﴾

ربع الحزب ٤٥

هرآئینه اهل بهشت امروز درکاری هستند شادمانند (٥٥). ایشان وهمسر انشان درسایه ها بر تخت هاتکیه زده‌اند (٥٦). ایشان رااست دربهشت میوه وایشان رااست آنچه می طلبند (٥٧). گفته شود سلام باد ازجانب پرورد گار مهربان (٥٨). و(بگوییم) امروز ای گناه کاران جدا شوید (٥٩). آیا به سوی شما ای اولادِ آدم حکم نفرستاده بودم که شیطان را مپرستید هرآئینه وی شمارا دشمنِ آشکاراست (٦٠). وآنکه مرا بپرستید این راه راست است (٦١). وهرآئینه شیطان ازقوم شما خلقِ بسیاری را گمراه ساخت آیانمی دانستید (٦٢). این (همان) دوزخی است که به شما وعده داده می‌شد (٦٣). امروز به (سزای) کفرتان به آن درآیید (٦٤). امروز مُهر نهیم بردهان های ایشان وسخن گوید باما دست های ایشان وگواهی دهد پاهای ایشان به آنچه می کردند (٦٥). واگر بخواهیم چشم های ایشان را نابودکنیم پس به سوی راه سبقت کنند پس ازکجا ببینند؟ (٦٦). واگر بخواهیم ایشان را برجای ایشان مسخ کنیم پس ازآن جا گذشتن نتوانند وباز نگردند (٦٧). وهرکه را عمر دراز میدهیم نگونسار می کنیمش درآفرینش آیا درنمی یابند (٦٨). ونیاموختیم این پیامبر را شعر وسزاوار اونیست آن مگرپندی وقرآنی آشکار نیست (٦٩). تا هرکه راکه زنده (دل) باشد بترساند [۹] وحجت بر کافران ثابت شود (٧٠).

(۹) یعنی صاحبِ فهم [وایمان] باشد.

أَوَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّا خَلَقْنَا لَهُم مِّمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَآ أَنْعَٰمًا فَهُمْ لَهَا
مَٰلِكُونَ ﴿٧١﴾ وَذَلَّلْنَٰهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ
﴿٧٢﴾ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَٰفِعُ وَمَشَارِبُ ۖ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَٱتَّخَذُوا۟
مِن دُونِ ٱللَّهِ ءَالِهَةً لَّعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ ﴿٧٤﴾ لَا يَسْتَطِيعُونَ
نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُندٌ مُّحْضَرُونَ ﴿٧٥﴾ فَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ
إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٦﴾ أَوَلَمْ يَرَ ٱلْإِنسَٰنُ أَنَّا
خَلَقْنَٰهُ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ ﴿٧٧﴾ وَضَرَبَ لَنَا
مَثَلًا وَنَسِىَ خَلْقَهُۥ ۖ قَالَ مَن يُحْىِ ٱلْعِظَٰمَ وَهِىَ رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾
قُلْ يُحْيِيهَا ٱلَّذِىٓ أَنشَأَهَآ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ
﴿٧٩﴾ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُم مِّنَ ٱلشَّجَرِ ٱلْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَآ أَنتُم
مِّنْهُ تُوقِدُونَ ﴿٨٠﴾ أَوَلَيْسَ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ
بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُم ۚ بَلَىٰ وَهُوَ ٱلْخَلَّٰقُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٨١﴾
إِنَّمَآ أَمْرُهُۥٓ إِذَآ أَرَادَ شَيْـًٔا أَن يَقُولَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ﴿٨٢﴾
فَسُبْحَٰنَ ٱلَّذِى بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَىْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

سُورَةُ الصَّافَّاتِ

آیاندیدند که ما برای ایشان از آنچه ساخته است دست های ماچهارپایان را آفریدیم پس ایشان آنهارا مالکانند (۷۱). وبرای ایشان چهار پایان را رام ساختیم پس بعضی ازآن سواری ایشانست وبعضی ازآن را میخورند (۷۲). وبرایشان درچهار پایان منفعت هاوآشامیدنیها است آیا شکر نمی گزارند (۷۳). و غیر از خدا معبودانی را گرفتند تاباشد که ایشان یاری داده شوند (۷٤). یاری کردنِ ایشان را نتوانند واین (بتان) برای ایشان لشکری حاضر کرده شده اند (۷٥). پس سخن ایشان تورا اندوه‌گین نکند هرآئینه ما میدانیم آنچه پنهان میکنند وآنچه آشکارمی نمایند (۷٦). آیا ندانسته است آدمی که ما اورا ازنطفه ای آفریدیم پس ناگهان وی خصومت کننده آشکار شد (۷۷). وبرای ما مثلی زد وآفرینش خودرا فراموش کرد گفت چه کسی استخوان هارا در حالی که آن پوسیده است زنده می‌کند (۷۸). بگوزنده می کندش آن کس که اورا اوّل بار آفرید واوبهر قسم آفرینش داناست (۷۹). آنکه برای شما ازدرخت سبز آتش را پیداکرد پس ناگهان شما ازآن درخت آتش می افروزید (۸۰). آیا آنکه آفرید آسمان ها وزمین را توانا نیست برآنکه بیآفریند مانند ایشان بلی واو آفرینندهٔ دانا است (۸۱). جزاین نیست که فرمانِ خدا چون بخواهد آفریدن چیزی را این است که بگویدش بشو پس می شود (۸۲). پس پاك است آنکه پادشاهی هرچیز بدستِ اوست وبه سوی اوباز گردانیده می شوید (۸۳).

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلصَّٰٓفَّٰتِ صَفًّا ﴿١﴾ فَٱلزَّٰجِرَٰتِ زَجْرًا ﴿٢﴾ فَٱلتَّٰلِيَٰتِ ذِكْرًا ﴿٣﴾ إِنَّ إِلَٰهَكُمْ لَوَٰحِدٌ ﴿٤﴾ رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ ٱلْمَشَٰرِقِ ﴿٥﴾ إِنَّا زَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنْيَا بِزِينَةٍ ٱلْكَوَاكِبِ ﴿٦﴾ وَحِفْظًا مِّن كُلِّ شَيْطَٰنٍ مَّارِدٍ ﴿٧﴾ لَّا يَسَّمَّعُونَ إِلَى ٱلْمَلَإِ ٱلْأَعْلَىٰ وَيُقْذَفُونَ مِن كُلِّ جَانِبٍ ﴿٨﴾ دُحُورًا ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ﴿٩﴾ إِلَّا مَنْ خَطِفَ ٱلْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُۥ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ﴿١٠﴾ فَٱسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَم مَّنْ خَلَقْنَآ ۚ إِنَّا خَلَقْنَٰهُم مِّن طِينٍ لَّازِبٍۭ ﴿١١﴾ بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ ﴿١٢﴾ وَإِذَا ذُكِّرُوا۟ لَا يَذْكُرُونَ ﴿١٣﴾ وَإِذَا رَأَوْا۟ ءَايَةً يَسْتَسْخِرُونَ ﴿١٤﴾ وَقَالُوٓا۟ إِنْ هَٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾ أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿١٦﴾ أَوَءَابَآؤُنَا ٱلْأَوَّلُونَ ﴿١٧﴾ قُلْ نَعَمْ وَأَنتُمْ دَٰخِرُونَ ﴿١٨﴾ فَإِنَّمَا هِىَ زَجْرَةٌ وَٰحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنظُرُونَ ﴿١٩﴾ وَقَالُوا۟ يَٰوَيْلَنَا هَٰذَا يَوْمُ ٱلدِّينِ ﴿٢٠﴾ هَٰذَا يَوْمُ ٱلْفَصْلِ ٱلَّذِى كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ﴿٢١﴾ ۞ ٱحْشُرُوا۟ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ وَأَزْوَٰجَهُمْ وَمَا كَانُوا۟ يَعْبُدُونَ ﴿٢٢﴾ مِن دُونِ ٱللَّهِ فَٱهْدُوهُمْ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلْجَحِيمِ ﴿٢٣﴾ وَقِفُوهُمْ ۖ إِنَّهُم مَّسْـُٔولُونَ ﴿٢٤﴾
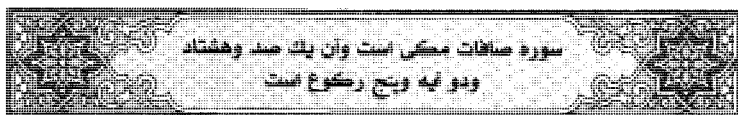
بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به جماعتی (ازملائکه) که صف میکشند صف کشیدنی [۱] (۱). پس قسم به جماعتی که میرانند راندنی [۲] (۲). پس قسم به جماعتی که کتاب را (چنانکه باید) تلاوت میکنند (۳). هرآئینه معبود شمایکی است (٤). اوپروردگارِ آسمان هاوزمین وآنچه درمیان این هاست واوپروردگارِ مشرق ها است [۳] (۵). هرآئینه ما آسمانِ دنیا را به زینت ستاره ها آرایش دادیم (٦). وآنرا ازهر شیطان سرکش نگاهداشتیم (۷). (مقصد آنکه) گوش نه نهند شیاطین به سوی ملاء اعلیٰ وازهر جانب زده میشوند (۸). بجهت آنکه رانده شوند وایشان را پیوسته عذاب دایم است (۹). مگر کسی که برباید [٤] ربودنی پس ازپی او شعلهٔ ای سوزنده افتد (۱۰). پس استفسارکن ازایشان آیا ایشان سخت ترانددر آفرینش یا کسیکه ما آفریده ایم [۵] هرآئینه ما ایشانرا از گل چسپنده آفریده‌ایم (۱۱). بلکه تعجب کردی [٦] وایشان تمسخر میکنند (۱۲). وچون پندداده شوند پندنمی گیرند (۱۳). وچون ببینند نشانه ای را تمسخر می‌کنند (١٤). وگفتند این (قرآن) مگر سحرِ ظاهر نیست (١٥). آیا چون بمیریم وخاك واستخوانهایی باشیم آیا ما البته برا نگیخته شویم؟ (١٦). آیا پدرانِ نخستین ما برانگیخته شوند؟ (۱۷). بگو آری وشماخوار باشید (۱۸). پس جزاین نیست که آن برانگیختن یك نعرهٔ تند باشد پس ناگهان ایشان بنگرند (۱۹). وگویند ای وای برما اینست روزجزا (۲۰). (گفته شود) این است روز فیصله کردن قضایا که آنرا تکذیب می کردید (۲۱). (گفته شود) ای ملائکه ستمکاران را باهمراهانشان [۷] وبا آنچه غیر از خدا می‌پرستیدند جمع آوری کنید (۲۲). پس ایشان را به سوی راه دوزخ دلالت کنید (۲۳). وبازدارید ایشان را هرآئینه ایشان سوال کرده خواهند شد (۲٤).

---

(۱) مترجم گوید یعنی نزدیك پرورد گارخود.
(۲) مترجم گوید یعنی شیاطین را والله اعلم.
(۳) یعنی ومغرب هانیز.
(٤) یعنی کلمه ای را ازکلمات ملاء اعلیٰ یکباررربودن.
(۵) یعنی ملائکه وجن وسماوات وغیر آن.
(٦) یعنی ازحال کافران.
(۷) یعنی با شیاطین والله اعلم.

مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ ﴿٢٥﴾ بَلْ هُمُ ٱلْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ ﴿٢٦﴾ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ
عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَآءَلُونَ ﴿٢٧﴾ قَالُوٓا۟ إِنَّكُمْ كُنتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ ٱلْيَمِينِ ﴿٢٨﴾
قَالُوا۟ بَل لَّمْ تَكُونُوا۟ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٩﴾ وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُم مِّن سُلْطَٰنٍۭ
بَلْ كُنتُمْ قَوْمًا طَٰغِينَ ﴿٣٠﴾ فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَآ ۖ إِنَّا لَذَآئِقُونَ ﴿٣١﴾
فَأَغْوَيْنَٰكُمْ إِنَّا كُنَّا غَٰوِينَ ﴿٣٢﴾ فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِى ٱلْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ
﴿٣٣﴾ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَفْعَلُ بِٱلْمُجْرِمِينَ ﴿٣٤﴾ إِنَّهُمْ كَانُوٓا۟ إِذَا قِيلَ لَهُمْ
لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٣٥﴾ وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُوٓا۟ ءَالِهَتِنَا
لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍۭ ﴿٣٦﴾ بَلْ جَآءَ بِٱلْحَقِّ وَصَدَّقَ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿٣٧﴾ إِنَّكُمْ
لَذَآئِقُوا۟ ٱلْعَذَابِ ٱلْأَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ
﴿٣٩﴾ إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلْمُخْلَصِينَ ﴿٤٠﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ ﴿٤١﴾
فَوَٰكِهُ ۖ وَهُم مُّكْرَمُونَ ﴿٤٢﴾ فِى جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ﴿٤٣﴾ عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَٰبِلِينَ
﴿٤٤﴾ يُطَافُ عَلَيْهِم بِكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍۭ ﴿٤٥﴾ بَيْضَآءَ لَذَّةٍ لِّلشَّٰرِبِينَ
﴿٤٦﴾ لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنزَفُونَ ﴿٤٧﴾ وَعِندَهُمْ قَٰصِرَٰتُ
ٱلطَّرْفِ عِينٌ ﴿٤٨﴾ كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ ﴿٤٩﴾ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ
بَعْضٍ يَتَسَآءَلُونَ ﴿٥٠﴾ قَالَ قَآئِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّى كَانَ لِى قَرِينٌ ﴿٥١﴾

چیست شمارا که بایکدیگریاری نمی کنید؟ (۲۵). بلکه ایشان امروز گردن نهادگانند (٢٦). وروآوردند بعض ایشان بر بعضی از یکدیگر سوال کنان (۲۷). گویند هرآئینه شما پیش ما از جانب راست [۸] می آمدید (۲۸). گویند بلکه شما مسلمانان نبودید (۲۹). ومارا برشما هیچ تسلطی نبود بلکه شما گروهی ازحدگذشته بودید (۳۰). پس بر ما لازم شد سخن پروردگار ماکه البته ماچشندهٔ عذاب باشیم (۳۱). پس شمارا گمراه کردیم هرآئینه ما گمراه بودیم (۳۲). پس به راستی همه ایشان آن روز درعذاب باهم شریك باشند (۳۳). هرآئینه ما باگناه گاران همچنین می کنیم (٣٤). هرآئینه ایشان (چنان) بودند که چون گفته می شد بدیشان که هیچ معبودی برحق مگر خدا نیست سرکشی میکردند (۳۵). ومی گفتند آیاما معبودانِ خود را به خاطر (سخن) شاعری دیوانه ترك گوییم (٣٦). بلکه پیامبر سخن درست را آورد سائر پیامبرانرا باورداشت (۳۷). هرآئینه شما چشندهٔ عذاب دردناك باشید (۳۸). وجزبه آنچه می‌کردید جزا داده نخواهید شد (۳۹). مگر بندگان خالص ساختهٔ خدا [۹] (٤٠). این جماعت ایشان را روزی مقرر است (٤١). انواع میوه وایشان نواختگانند (٤٢). دربهشت های پُرنازو نعمت (٤٣). برتخت ها رو به روی یکدیگر (نشته اند) (٤٤). برایشان جامی از شراب روان گردانیده می شود (٤٥). سفید رنگ لذت دهنده برای نوشندگان است (٤٦). نه درآن شرابِ تباه کاری باشدونه ایشان ازآن شراب مست کرده شوند (٤٧). ونزدیك ایشان زنان فرواندازنده چشم فراخ چشمان باشند (٤٨). گویاایشان بیضه های (شترمرغ) درپرده پوشیده‌اند (٤٩). پس بعضی از اهلِ بهشت بربعضی دیگر استفسار کنان روی آورند (٥٠). ازایشان گوینده ای گفت هرآئینه مرا هم نشینی بود (٥١).

---

(۸) یعنی وازجانب چپ نیز بجهت گمراه کردن والله اعلم.

(۹) یعنی آنانکه پاك ساخته شدند ازشرك وغیره.

يَقُولُ أَءِنَّكَ لَمِنَ ٱلْمُصَدِّقِينَ ﴿٥٢﴾ أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا
لَمَدِينُونَ ﴿٥٣﴾ قَالَ هَلْ أَنتُم مُّطَّلِعُونَ ﴿٥٤﴾ فَٱطَّلَعَ فَرَءَاهُ فِى سَوَآءِ
ٱلْجَحِيمِ ﴿٥٥﴾ قَالَ تَٱللَّهِ إِن كِدتَّ لَتُرْدِينِ ﴿٥٦﴾ وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّى
لَكُنتُ مِنَ ٱلْمُحْضَرِينَ ﴿٥٧﴾ أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ ﴿٥٨﴾ إِلَّا مَوْتَتَنَا
ٱلْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿٥٩﴾ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ﴿٦٠﴾
لِمِثْلِ هَٰذَا فَلْيَعْمَلِ ٱلْعَٰمِلُونَ ﴿٦١﴾ أَذَٰلِكَ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ
ٱلزَّقُّومِ ﴿٦٢﴾ إِنَّا جَعَلْنَٰهَا فِتْنَةً لِّلظَّٰلِمِينَ ﴿٦٣﴾ إِنَّهَا شَجَرَةٌ
تَخْرُجُ فِىٓ أَصْلِ ٱلْجَحِيمِ ﴿٦٤﴾ طَلْعُهَا كَأَنَّهُۥ رُءُوسُ ٱلشَّيَٰطِينِ
﴿٦٥﴾ فَإِنَّهُمْ لَءَاكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِـُٔونَ مِنْهَا ٱلْبُطُونَ ﴿٦٦﴾ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ
عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ ﴿٦٧﴾ ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى ٱلْجَحِيمِ ﴿٦٨﴾
إِنَّهُمْ أَلْفَوْا۟ ءَابَآءَهُمْ ضَآلِّينَ ﴿٦٩﴾ فَهُمْ عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِمْ يُهْرَعُونَ ﴿٧٠﴾
وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٧١﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِم
مُّنذِرِينَ ﴿٧٢﴾ فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُنذَرِينَ ﴿٧٣﴾
إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلْمُخْلَصِينَ ﴿٧٤﴾ وَلَقَدْ نَادَىٰنَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ
ٱلْمُجِيبُونَ ﴿٧٥﴾ وَنَجَّيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥ مِنَ ٱلْكَرْبِ ٱلْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾

که (ازروی انکار) می گفت آیاتو ازباوردارند گانی [۱۰] (٥٢). آیا چون بمیریم وخاك واستخوانهایی چند شویم آیا ماجزا داده خواهیم شد (٥٣). بازگفت آیا شمادرمی نگرید [۱۱] (٥٤). پس درنگریست آنگاه آن همنشینِ خود را در وسط دوزخ دید (٥٥). گفت بخدا قسم هرآئینه نزدیك بودی بآنکه مرا هلاك کنی (٥٦). واگر بخشایشِ پرورد گار من نبود البته از حاضر کردگان (در عذاب) می شدم (٥٧). آیاپس ما نخواهیم مرد (٥٨). مگر مردن اوّل مان وماعذاب کرده شدگان نیستیم (٥٩). هرآئینه این است پیروزیٔ بزرگ (٦٠). برای این چنین نعمت پس باید که عمل کنند عمل کنند گان (٦١). آیا برای پذیرائی آنچه مذکور شدنیکوتراست یادرختِ زقوم؟ (٦٢). هرآئینه ما زقوم را عقوبتی برای ستمکاران ساختیم (٦٣). هرآئینه وی درختیست که در قعر دوزخ برمی آید (٦٤). خوشهٔ آن مانند سرهای شیطانها است (٦٥). پس هرآئینه دوزخیان ازآن درخت بخورند پس ازآن شکم هارا پُرکنند (٦٦). سپس برآن (خوراك) آمیزه ای ازآب گرم دارند (٦٧). باز هرآئینه بازگشتِ ایشان بسوی دوزخ بود [۱۲] (٦٨). هرآئینه ایشان پدرانِ خودرا گمراه یافتند (٦٩). پس ایشان برپی پدرانِ خودبسرعت رانده میشوند (٧٠). وهرآئینه پیش ازایشان اکثر پیشینیان گمراه شده بودند (٧١). وهرآئینه درمیانِ ایشان ترسانندگان فرستادیم (٧٢). پس ببین سر انجام بیم کرد گان چگونه شد (٧٣). مگر بندگان خالص ساختهٔ خدا (٧٤). وهرآئینه نوح ما را آواز داد پس ما نیك قبول کنندهٔ دعاییم (٧٥). واورا واهلِ اورا از اندوه بزرگ رهانیدیم (٧٦).

(۱۰) یعنی حشر را.

(۱۱) یعنی دوزخیان را.

(۱۲) یعنی بعد از خوردن ونوشیدن ایشان را به دوزخ بازبرند.

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُۥ هُمُ ٱلْبَاقِينَ ﴿٧٧﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِى ٱلْـَٔاخِرِينَ ﴿٧٨﴾ سَلَٰمٌ
عَلَىٰ نُوحٍ فِى ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٧٩﴾ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٨٠﴾ إِنَّهُۥ
مِنْ عِبَادِنَا ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٨١﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا ٱلْـَٔاخَرِينَ ﴿٨٢﴾ ۞ وَإِنَّ مِن
شِيعَتِهِۦ لَإِبْرَٰهِيمَ ﴿٨٣﴾ إِذْ جَآءَ رَبَّهُۥ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٤﴾ إِذْ قَالَ
لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِۦ مَاذَا تَعْبُدُونَ ﴿٨٥﴾ أَئِفْكًا ءَالِهَةً دُونَ ٱللَّهِ تُرِيدُونَ
﴿٨٦﴾ فَمَا ظَنُّكُم بِرَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٨٧﴾ فَنَظَرَ نَظْرَةً فِى ٱلنُّجُومِ ﴿٨٨﴾
فَقَالَ إِنِّى سَقِيمٌ ﴿٨٩﴾ فَتَوَلَّوْا۟ عَنْهُ مُدْبِرِينَ ﴿٩٠﴾ فَرَاغَ إِلَىٰٓ ءَالِهَتِهِمْ
فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٩١﴾ مَا لَكُمْ لَا تَنطِقُونَ ﴿٩٢﴾ فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًۢا
بِٱلْيَمِينِ ﴿٩٣﴾ فَأَقْبَلُوٓا۟ إِلَيْهِ يَزِفُّونَ ﴿٩٤﴾ قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ
﴿٩٥﴾ وَٱللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ قَالُوا۟ ٱبْنُوا۟ لَهُۥ بُنْيَٰنًا فَأَلْقُوهُ
فِى ٱلْجَحِيمِ ﴿٩٧﴾ فَأَرَادُوا۟ بِهِۦ كَيْدًا فَجَعَلْنَٰهُمُ ٱلْأَسْفَلِينَ ﴿٩٨﴾
وَقَالَ إِنِّى ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّى سَيَهْدِينِ ﴿٩٩﴾ رَبِّ هَبْ لِى مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ
﴿١٠٠﴾ فَبَشَّرْنَٰهُ بِغُلَٰمٍ حَلِيمٍ ﴿١٠١﴾ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ ٱلسَّعْىَ قَالَ يَٰبُنَىَّ
إِنِّىٓ أَرَىٰ فِى ٱلْمَنَامِ أَنِّىٓ أَذْبَحُكَ فَٱنظُرْ مَاذَا تَرَىٰ ۚ قَالَ يَٰٓأَبَتِ
ٱفْعَلْ مَا تُؤْمَرُ ۖ سَتَجِدُنِىٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿١٠٢﴾

ثلاثة أرباع الحزب ٤٥

وتنهاذرية اورا باقی گذا شتیم (۷۷). وبروی ثنای نیك در پس ماندگان گذاشتیم (۷۸). در (میان) جهانیان بر نوح سلام باد (۷۹). هرآئینه ما همچنین به نیکوکاران پاداش میدهیم (۸۰). هرآئینه اوازبندگان گرویدهٔ مااست (۸۱). باز دیگران را غرق ساختیم (۸۲). وهرآئینه ابراهیم ازاتباع نوح بود (۸۳). چون پیش پروردگارخود بِدِل مبراازعیب (یعنی ازدوده شرك وشك) آمد (۸٤). چون به پدرخود وبقومِ خود گفت چه چیزرا عبادت می کنید (۸٥). آیا به رای فاسدِ خود معبودان را به جای خدا می جویید (۸٦). پس گمانِ شما به پروردگار عالم ها چیست؟ (۸۷). پس ابراهیم یك نگاه به ستاره‌ها نگریست (۸۸). پس گفت هرآئینه من بیمارم (۸۹). پس ازوی پشت گردانده بازگشتند (۹۰). پس به سوی معبودان ایشان پنهان متوجه شد پس گفت آیا نمی خورید (۹۱). چیست شمارا که سخن نمی گویید (۹۲). پس متوجه شدبرایشان درحالیکه می زد زدنی به قوت (۹۳). پس (مردم هم) به ابراهیم شتاب کنان روی آوردند (۹٤). ابراهیم گفت چیزی را که خود می تراشید می پرستید (۹٥). وخدا شمارا وآنچه می کنید پیداکرد (۹٦). بایکدیگر گفتند برای ابراهیم عمارتی بناکنید پس اورا درآتش بسیار بافگنید (۹۷). پس باوی توطئه را قصد کردند پس ایشان را زیرترین قرار دادیم (۹۸). وابراهیم گفت که هرآئینه من به سوی پروردگار خود رونده ام مرا راه خواهد نمود (۹۹). ای پروردگار من مرا ازشایسته کاران عطاکن (۱۰۰). پس اورا به نوجوانی بُردبار بشارت دادیم (۱۰۱). پس چون آن طفل بآن سنی رسید که همراه والدش سعی تواندکرد ابراهیم گفت ای پسركِ من هرآئینه من درخواب می بینم که من ترا ذبح میکنم پس درنگر تاچه چیز بخاطر تومیرسد گفت ای پدر من آنچه تورا فرموده میشود بکن مرا اگر خدا خواسته است از شکیبایی کنند گان خواهی یافت (۱۰۲).

فَلَمَّآ أَسْلَمَا وَتَلَّهُۥ لِلْجَبِينِ ﴿١٠٣﴾ وَنَٰدَيْنَٰهُ أَن يَٰٓإِبْرَٰهِيمُ ﴿١٠٤﴾
قَدْ صَدَّقْتَ ٱلرُّءْيَآ ۚ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿١٠٥﴾ إِنَّ
هَٰذَا لَهُوَ ٱلْبَلَٰٓؤُا۟ ٱلْمُبِينُ ﴿١٠٦﴾ وَفَدَيْنَٰهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ ﴿١٠٧﴾ وَتَرَكْنَا
عَلَيْهِ فِى ٱلْءَاخِرِينَ ﴿١٠٨﴾ سَلَٰمٌ عَلَىٰٓ إِبْرَٰهِيمَ ﴿١٠٩﴾ كَذَٰلِكَ نَجْزِى
ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿١١٠﴾ إِنَّهُۥ مِنْ عِبَادِنَا ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١١١﴾ وَبَشَّرْنَٰهُ
بِإِسْحَٰقَ نَبِيًّا مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١١٢﴾ وَبَٰرَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰٓ إِسْحَٰقَ ۚ
وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِۦ مُبِينٌ ﴿١١٣﴾ وَلَقَدْ مَنَنَّا
عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ﴿١١٤﴾ وَنَجَّيْنَٰهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ ٱلْكَرْبِ
ٱلْعَظِيمِ ﴿١١٥﴾ وَنَصَرْنَٰهُمْ فَكَانُوا۟ هُمُ ٱلْغَٰلِبِينَ ﴿١١٦﴾ وَءَاتَيْنَٰهُمَا
ٱلْكِتَٰبَ ٱلْمُسْتَبِينَ ﴿١١٧﴾ وَهَدَيْنَٰهُمَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلْمُسْتَقِيمَ
﴿١١٨﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِى ٱلْءَاخِرِينَ ﴿١١٩﴾ سَلَٰمٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ
وَهَٰرُونَ ﴿١٢٠﴾ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿١٢١﴾ إِنَّهُمَا
مِنْ عِبَادِنَا ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٢﴾ وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾
إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِۦٓ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾ أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ
ٱلْخَٰلِقِينَ ﴿١٢٥﴾ ٱللَّهَ رَبَّكُمْ وَرَبَّ ءَابَآئِكُمُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿١٢٦﴾

پس چون هردو منقاد شدند پدر فرزندِ خود را برجانبِ پیشانی بافکند (۱۰۳). وابراهیم را آوازدادیم که ای ابراهیم (۱۰٤). هرآئینه خواب را راست تعبیر کردی هرآئینه نیکوکاران را همچنین پاداش میدهیم (۱۰۵). هرآئینه این ماجراامتحان ظاهرست (۱۰٦). وبه عوض او گوسفندی مهیابرای ذبح بزرگ جثه دادیم (۱۰۷). وبروی ثنای نیك درپس ماند گان گذاشتیم (۱۰۸). بر ابراهیم سلام باد (۱۰۹). هم چنین نیکوکاران را پاداش میدهیم (۱۱۰). هرآئینه وی ازبندگان گرویدهٔ ماست (۱۱۱). اورا باسحق پیامبری از شایستگان بشارت دادیم (۱۱۲). وبر ابراهیم وبر اسحق برکت دادیم وازاولاد ایشان بعضی نیکوکارست وبعضی ستم کننده آشکار برخویشتن است (۱۱۳). به راستی ما برموسیٰ وهارون احسان کردیم (۱۱٤). وایشان وقوم ایشان را ازاندوه بزرگ نجات دادیم (۱۱۵). وایشانرا نصرت دادیم پس همانان غالبان بودند (۱۱٦). وایشان را کتاب واضح دادیم (۱۱۷). وایشانرا براه راست دلالت کردیم (۱۱۸). وبرایشان ثنای نیك در پس ماند گان باقی گذاشتیم (۱۱۹). سلام برموسیٰ وهارون باد (۱۲۰). هرآئینه ما همچنین نیکوکاران را پاداش میدهیم (۱۲۱). هرآئینه ایشان ازبندگان گرویدهٔ مایند (۱۲۲). وهرآئینه الیاس ازفرستادگان بود (۱۲۳). چون بقوم خود گفت آیا پرهیزگاری نمی کنید (۱۲٤). آیا بَعل را پرستش می کنید (وبَعل نام بتی است) ونیکوترین آفرینندگانرا ترك میکنید (۱۲۵). خدا پرورد گارشما وپرورد گارپدران نخستین شما را ترك می کنید (۱۲٦).

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٢٧﴾ إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلْمُخْلَصِينَ ﴿١٢٨﴾
وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي ٱلْآخِرِينَ ﴿١٢٩﴾ سَلَٰمٌ عَلَىٰٓ إِلْ يَاسِينَ ﴿١٣٠﴾ إِنَّا
كَذَٰلِكَ نَجْزِي ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿١٣١﴾ إِنَّهُۥ مِنْ عِبَادِنَا ٱلْمُؤْمِنِينَ
﴿١٣٢﴾ وَإِنَّ لُوطًا لَّمِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٣﴾ إِذْ نَجَّيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥٓ أَجْمَعِينَ
﴿١٣٤﴾ إِلَّا عَجُوزًا فِي ٱلْغَٰبِرِينَ ﴿١٣٥﴾ ثُمَّ دَمَّرْنَا ٱلْآخَرِينَ ﴿١٣٦﴾ وَإِنَّكُمْ
لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِم مُّصْبِحِينَ ﴿١٣٧﴾ وَبِٱلَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٣٨﴾ وَإِنَّ
يُونُسَ لَمِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٩﴾ إِذْ أَبَقَ إِلَى ٱلْفُلْكِ ٱلْمَشْحُونِ ﴿١٤٠﴾
فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ ٱلْمُدْحَضِينَ ﴿١٤١﴾ فَٱلْتَقَمَهُ ٱلْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ
﴿١٤٢﴾ فَلَوْلَآ أَنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلْمُسَبِّحِينَ ﴿١٤٣﴾ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِۦٓ إِلَىٰ يَوْمِ
يُبْعَثُونَ ﴿١٤٤﴾ ۞ فَنَبَذْنَٰهُ بِٱلْعَرَآءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿١٤٥﴾ وَأَنۢبَتْنَا
عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّن يَقْطِينٍ ﴿١٤٦﴾ وَأَرْسَلْنَٰهُ إِلَىٰ مِاْئَةِ أَلْفٍ أَوْ
يَزِيدُونَ ﴿١٤٧﴾ فَـَٔامَنُوا۟ فَمَتَّعْنَٰهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١٤٨﴾ فَٱسْتَفْتِهِمْ
أَلِرَبِّكَ ٱلْبَنَاتُ وَلَهُمُ ٱلْبَنُونَ ﴿١٤٩﴾ أَمْ خَلَقْنَا ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ إِنَٰثًا
وَهُمْ شَٰهِدُونَ ﴿١٥٠﴾ أَلَآ إِنَّهُم مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ﴿١٥١﴾ وَلَدَ
ٱللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَٰذِبُونَ ﴿١٥٢﴾ أَصْطَفَى ٱلْبَنَاتِ عَلَى ٱلْبَنِينَ ﴿١٥٣﴾

پس دروغگو پنداشتند اورا پس هرآئینه آن جماعت حاضر کردگانند [13] (۱۲۷). مگر بندگان خالص کرده خدا (۱۲۸). وبر الیاس ثنای نیك در پس ماندگان گذاشتیم (۱۲۹). سلام بر الیاس باد (۱۳۰). هرآئینه ما نیکوکاران را هم چنین پاداش میدهیم (۱۳۱). هرآئینه وی از بندگان گرویدهٔ ما بود (۱۳۲). وهرآئینه لوط ازفرستاد گان بود (۱۳۳). یادکن چون او و اهل خانه او همگی را نجات دادیم (۱۳٤). مگر پیرزنی که ازباقی ماندگان بود (۱۳۵). باز آن دیگران را هلاك ساختیم (۱۳٦). وهرآئینه شما برمساکنِ آن قوم صبح کنان گذر میکنید (۱۳۷). وبوقت شب نیز آیا درنمی‌یابید (۱۳۸). وهرآئینه یونس ازفرستادگان بود (۱۳۹). چون به سوی کشتی پُرکرده شده گریخت (۱٤۰). پس بااهل کشتی قرعه انداخت پس از مغلوبان شد (۱٤۱). پس اوراماهی فروبرد واو (کاری را کننده بود که موجب) ملامت شده بود (۱٤۲). پس اگرنه آنست که وی ازتسبیح کنند گان می بود (۱٤۳). البته درشکمِ ماهی باقی می ماند تاروزیکه مردمان برانگیخته شوند (۱٤٤). پس اورا به زمین بی گیاه پرتافتیم واو بیمار بود (۱٤۵). وبرسراودرختی ازقسمِ کدو رویانیدیم (۱٤٦). واورا به سوی صدهزار یا بیشترازآن فرستادیم (۱٤۷). پس ایمان آوردند پس ایشان را تامدتی بهره مند ساختیم (۱٤۸). پس استفسار کن ازمشرکان آیاپروردگارتورا دخترانست وایشان را پسران است؟ (۱٤۹). آیا فرشتگان را زنها آفریدیم وایشان حاضر بودند (۱۵۰). آگاه باش هرآئینه ایشان ازدروغ گویی خود می گویند (۱۵۱). که بزادخدای تعالی و هرآئینه ایشان دروغ گویانند (۱۵۲). آیا دختران را برپسران اختیار کرد؟ (۱۵۳).

---

(۱۳) یعنی دردوزخ.

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿١٥٤﴾ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٥﴾ أَمْ لَكُمْ سُلْطَٰنٌ مُّبِينٌ ﴿١٥٦﴾
فَأْتُوا۟ بِكِتَٰبِكُمْ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿١٥٧﴾ وَجَعَلُوا۟ بَيْنَهُۥ وَبَيْنَ ٱلْجِنَّةِ
نَسَبًا ۚ وَلَقَدْ عَلِمَتِ ٱلْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٥٨﴾ سُبْحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا
يَصِفُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٠﴾ فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ﴿١٦١﴾
مَآ أَنتُمْ عَلَيْهِ بِفَٰتِنِينَ ﴿١٦٢﴾ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ ٱلْجَحِيمِ ﴿١٦٣﴾ وَمَا مِنَّآ إِلَّا
لَهُۥ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ ﴿١٦٤﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ ٱلصَّآفُّونَ ﴿١٦٥﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ ٱلْمُسَبِّحُونَ
﴿١٦٦﴾ وَإِن كَانُوا۟ لَيَقُولُونَ ﴿١٦٧﴾ لَوْ أَنَّ عِندَنَا ذِكْرًا مِّنَ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿١٦٨﴾ لَكُنَّا
عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٩﴾ فَكَفَرُوا۟ بِهِۦ ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿١٧٠﴾ وَلَقَدْ
سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿١٧١﴾ إِنَّهُمْ لَهُمُ ٱلْمَنصُورُونَ ﴿١٧٢﴾
وَإِنَّ جُندَنَا لَهُمُ ٱلْغَٰلِبُونَ ﴿١٧٣﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٤﴾ وَأَبْصِرْهُمْ
فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿١٧٥﴾ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٧٦﴾ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ
فَسَآءَ صَبَاحُ ٱلْمُنذَرِينَ ﴿١٧٧﴾ وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٨﴾ وَأَبْصِرْ
فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿١٧٩﴾ سُبْحَٰنَ رَبِّكَ رَبِّ ٱلْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
﴿١٨٠﴾ وَسَلَٰمٌ عَلَى ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿١٨١﴾ وَٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٨٢﴾

سُورَةُ صٓ

چیست شمارا چگونه حکم می کنید؟! (١٥٤). آیا نمی اندیشید (١٥٥). آیاشمارا حجتی واضح است؟ (١٥٦). پس کتاب خود را بیارید اگر راست گو هستید (١٥٧). وکافران میان خدای تعالی ومیان جنیان خویشی را مقرر کردند وهرآئینه دانسته‌اندجنیان که ایشان البته حاضر کردگانند [١٤] (١٥٨). خدا ازآن چه بیان میکنند پاك است (١٥٩). مگر بندگان خالص کرده‌ٔ خدا [١٥] (١٦٠). پس هرآئینه شماای کافران وآنچه می پرستید [١٦] (١٦١). نیستید گمراه کننده بر عبادت آن معبود باطل (کسی را) (١٦٢). مگر کسی را که او درآینده‌ٔ دوزخ است (در علم الهی) (١٦٣). وفرشتگان گفتند نیست هیچکس ازما مگر اوراجائیست مقرر (١٦٤). وهرآئینه ما صف کشندگانیم (١٦٥). وهرآئینه ما تسبیح گویندگانیم (١٦٦). وهرآئینه کافران عرب میگفتند (١٦٧). اگر پیش ما خبری ازپیشینیان می بود (١٦٨). البته بندگان خالص ساخته‌ٔ خدا می شدیم (١٦٩). باز بآن قرآن کافرشدند پس عاقبت کاررا خواهند دانست (١٧٠). وهرآئینه سابقاً وعده‌ٔ ما برای بندگان فرستاده ما صادرشده است (١٧١). هرآئینه پیامبران ایشان نصرت دادگان اند (١٧٢). وهرآئینه لشکر ماالبته ایشانند غالب (١٧٣). پس ازایشان تا مدتی روی‌بگردان (١٧٤). وایشان را بنگر پس ایشان نیز خواهند دید (١٧٥). آیا این کافران عذاب مارابشتاب می طلبند (١٧٦). پس چون عذاب بمیدانِ ایشان فرود آید بامدادِ بیم کردگان بدباشد (١٧٧). وازایشان تامدتی روی‌بگردان (١٧٨). وایشان را بنگر پس ایشان نیز خواهند دید (١٧٩). پاکی است پرورد گار تورا خداوندِ غلبه ازآنچه این جماعت بیان می کنند (١٨٠). وسلام بر فرستاد گانِ خدا باد (١٨١). وسپاس وستائش برای خدا پرورد گار عالم ها است (١٨٢).

---

(١٤) یعنی برای حساب وعذاب.

(١٥) یعنی بیان مخلصان موافقِ واقع است.

(١٦) یعنی بتان.

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

صٓۚ وَٱلۡقُرۡءَانِ ذِي ٱلذِّكۡرِ ١ بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي عِزَّةٖ وَشِقَاقٖ ٢
كَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِن قَبۡلِهِم مِّن قَرۡنٖ فَنَادَواْ وَّلَاتَ حِينَ مَنَاصٖ ٣ وَعَجِبُوٓاْ
أَن جَآءَهُم مُّنذِرٞ مِّنۡهُمۡۖ وَقَالَ ٱلۡكَٰفِرُونَ هَٰذَا سَٰحِرٞ كَذَّابٌ ٤
أَجَعَلَ ٱلۡأٓلِهَةَ إِلَٰهٗا وَٰحِدًاۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيۡءٌ عُجَابٞ ٥ وَٱنطَلَقَ ٱلۡمَلَأُ
مِنۡهُمۡ أَنِ ٱمۡشُواْ وَٱصۡبِرُواْ عَلَىٰٓ ءَالِهَتِكُمۡۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيۡءٞ يُرَادُ ٦
مَا سَمِعۡنَا بِهَٰذَا فِي ٱلۡمِلَّةِ ٱلۡأٓخِرَةِ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا ٱخۡتِلَٰقٌ ٧ أَءُنزِلَ
عَلَيۡهِ ٱلذِّكۡرُ مِنۢ بَيۡنِنَاۚ بَلۡ هُمۡ فِي شَكّٖ مِّن ذِكۡرِيۚ بَل لَّمَّا يَذُوقُواْ عَذَابِ
٨ أَمۡ عِندَهُمۡ خَزَآئِنُ رَحۡمَةِ رَبِّكَ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡوَهَّابِ ٩ أَمۡ لَهُم مُّلۡكُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَاۖ فَلۡيَرۡتَقُواْ فِي ٱلۡأَسۡبَٰبِ ١٠ جُندٞ
مَّا هُنَالِكَ مَهۡزُومٞ مِّنَ ٱلۡأَحۡزَابِ ١١ كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ
وَعَادٞ وَفِرۡعَوۡنُ ذُو ٱلۡأَوۡتَادِ ١٢ وَثَمُودُ وَقَوۡمُ لُوطٖ وَأَصۡحَٰبُ
لۡـَٔيۡكَةِۚ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلۡأَحۡزَابُ ١٣ إِن كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ ٱلرُّسُلَ
فَحَقَّ عِقَابِ ١٤ وَمَا يَنظُرُ هَٰٓؤُلَآءِ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ مَّا لَهَا
مِن فَوَاقٖ ١٥ وَقَالُواْ رَبَّنَا عَجِّل لَّنَا قِطَّنَا قَبۡلَ يَوۡمِ ٱلۡحِسَابِ ١٦

بنام خدای بخشاینده مهربان.

صٓ قسم به قرآن خداوندِ پند (که آنچه بآن دعوت میکنی راست است) (۱). بلکه کافران درسرکشی ومخالفت اند (۲). پیش ازایشان چقدر قرنهارا هلاك کردیم پس فریاد برآوردند وآن وقت خلاصی نبود (۳). و ازآنکه بیامد به ایشان بیم کننده ای ازقوم ایشان تعجب کردند و گفتند این کافران این شخص جادوگر دروغگوئیست (٤). آیا معبودان متعدد را یك معبود گردانید هرآئینه این چیزی عجیب است (٥). واشراف ازایشان (بایکدیگرگویان) رهسپار شدند که بروید و بر عبادت معبودان خود شکیبایی کنید هرآئینه این دین نوفتنه است که اراده کرده شده است (٦). این قول را دردین اخیر [۱] نشنیده ایم این مگرافتراء نیست (۷). آیا از میان ما قرآن براو نازل شده است؟ بلکه این کافران درشك‌اند از پندمن بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده اند (۸). آیانزد ایشانست خزانه های رحمت پروردگار غالب بخشاینده تو (۹). آیاایشانراست پادشاهی آسمان ها وزمین وآنچه درمیان آنها است پس بایدکه (چنگ زنان) به ریسمانها (به آسمان) بالا روند [۲] (۱۰). لشکری هست آنجا شکست داده شده ازجمله گروه ها [۳] (۱۱). پیش ازایشان قوم نوح وعاد وفرعون خداوند میخها تکذیب کردند [٤] (۱۲). وثمود وقوم لوط ساکنانِ ایکه (تکذیب کردند) ایشان گروه های بسیار وقوی بودند (۱۳). نیست هیچ کس ازایشان مگر پیامبران را تکذیب کرد پس عقوبت من حتمی شد (۱٤). وانتظار نمی برند کفار این عصر مگریك نعرهٔ تند را یعنی نفخه قیامت که آنرا هیچ توقف نباشد (۱٥). وگفتند (بطریق استهزا) ای پروردگار ما پیش انداز برای ما سرنوشت ما را از عقوبت پیش از روزِ حساب (۱٦).

---

(۱) یعنی قرآن آخر که ما آن را دریا فتیم والله اعلم.

(۲) یعنی بریسمان آویخته هم نمی توانند که بآسمان روند پس چطور رسند به پادشاهی والله اعلم.

(۳) یعنی ازجنس گروه هاکه باانبیاء مخالفت کردند.

(٤) یعنی به میخ تعذیب می کرد.

ٱصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَٱذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُۥدَ ذَا ٱلْأَيْدِ ۖ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ ﴿١٧﴾ إِنَّا سَخَّرْنَا ٱلْجِبَالَ مَعَهُۥ يُسَبِّحْنَ بِٱلْعَشِيِّ وَٱلْإِشْرَاقِ ﴿١٨﴾ وَٱلطَّيْرَ مَحْشُورَةً ۖ كُلٌّ لَّهُۥٓ أَوَّابٌ ﴿١٩﴾ وَشَدَدْنَا مُلْكَهُۥ وَءَاتَيْنَٰهُ ٱلْحِكْمَةَ وَفَصْلَ ٱلْخِطَابِ ﴿٢٠﴾ ۞ وَهَلْ أَتَىٰكَ نَبَؤُا۟ ٱلْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا۟ ٱلْمِحْرَابَ ﴿٢١﴾ إِذْ دَخَلُوا۟ عَلَىٰ دَاوُۥدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ ۖ قَالُوا۟ لَا تَخَفْ ۖ خَصْمَانِ بَغَىٰ بَعْضُنَا عَلَىٰ بَعْضٍ فَٱحْكُم بَيْنَنَا بِٱلْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَٱهْدِنَآ إِلَىٰ سَوَآءِ ٱلصِّرَٰطِ ﴿٢٢﴾ إِنَّ هَٰذَآ أَخِى لَهُۥ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِىَ نَعْجَةٌ وَٰحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِى فِى ٱلْخِطَابِ ﴿٢٣﴾ قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِۦ ۖ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ ٱلْخُلَطَآءِ لَيَبْغِى بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ ۗ وَظَنَّ دَاوُۥدُ أَنَّمَا فَتَنَّٰهُ فَٱسْتَغْفَرَ رَبَّهُۥ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ۩ فَغَفَرْنَا لَهُۥ ذَٰلِكَ ۖ وَإِنَّ لَهُۥ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَـَٔابٍ ﴿٢٥﴾ يَٰدَاوُۥدُ إِنَّا جَعَلْنَٰكَ خَلِيفَةً فِى ٱلْأَرْضِ فَٱحْكُم بَيْنَ ٱلنَّاسِ بِٱلْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ ٱلْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌۢ بِمَا نَسُوا۟ يَوْمَ ٱلْحِسَابِ ﴿٢٦﴾

صبر کن بر آنچه میگویند و بنده ماداود خداوند قوت را یادکن هرآئینه او رجوع کننده بود [(٥)] (۱۷). هرآئینه همراه اوکوه هارا رام ساخت به وقت شام وصباح تسبیح میگفتند (۱۸). ومرغانرا بهم آورده رام ساختیم هریکی برای اوفرمانبردار بود (۱۹). وپادشاهی اورا محکم کردیم حکمت وسخن واضح دادیمش (۲۰). و [(٦)] آیا پیش توخبرگروهِ خصومت کننده بایکدیگر آمده است چون ازدیوار جسته داخل مسجد شدند (۲۱). چون برداود وارد شدند پس ازایشان ترسید گفتند مترس ما دوخصومت کننده ایم یکی به دیگری ستم کرده است پس میان مابراستی حکم کن وجور مکن ودلالت کن مارا براه راست (۲۲). این برادر من است او راست نودونه میش مرا یك میش است پس این شخص بمن گفت بسپاراین یك میش را وبامن درسخن گفتن درشتی کرد (۲۳). داود گفت هرآئینه برتو بخواستنِ میشِ توتابهم آرد بامیشهای خود ستم کرد وهرآئینه بسیاری ازشریکان ستم می کنند بعض ایشان بربعضی دیگر مگرآنانکه ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته کرده‌اند واندك‌اند ایشان ودانست داود که ما اورا آزموده‌ایم پس طلبِ آمرزش کرد ازپرورد گار خود وسجده کنان بیفتاد وبخدا بازگشت (۲٤). پس آن لغزش اورا بیامرزیدیم وهرآئینه اورانزد ما قربت است وبازگشت نیکو است (۲٥). گفتیم ای داود هرآئینه تراجانشین (پادشاه) درزمین ساختیم پس میانِ مردمان براستی حکم کن وپیروی خواهش نفس را که آن گمراه کند تورا ازراهِ خدا مکن هرآئینه آنانکه ازراهِ خدا گمراه می شوند ایشان رااست عذابِ سخت بسبب آنکه روزحساب را فراموش کردند (۲٦).

---

(٥) یعنی به سوی خدا.

(٦) مترجم گوید که داود علیه السلام نودونه زن داشت مع هذازن دیگر که در خطبهٔ شخصی یا درنکاح اوبود درخواست کرد خدای تعالی فرشتگان را بجهت تنبیه داود بشکل خصوم متمثل ساخت اشارت باین قصه است درین آیات (این روایت از اسرائیلیات است قابل اعتبار نیست مصحح) والله اعلم.

وَمَا خَلَقْنَا ٱلسَّمَآءَ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَٰطِلًا ۚ ذَٰلِكَ ظَنُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ۚ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنَ ٱلنَّارِ ﴿٢٧﴾ أَمْ نَجْعَلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ كَٱلْمُفْسِدِينَ فِى ٱلْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ ٱلْمُتَّقِينَ كَٱلْفُجَّارِ ﴿٢٨﴾ كِتَٰبٌ أَنزَلْنَٰهُ إِلَيْكَ مُبَٰرَكٌ لِّيَدَّبَّرُوٓا۟ ءَايَٰتِهِۦ وَلِيَتَذَكَّرَ أُو۟لُوا۟ ٱلْأَلْبَٰبِ ﴿٢٩﴾ وَوَهَبْنَا لِدَاوُۥدَ سُلَيْمَٰنَ ۚ نِعْمَ ٱلْعَبْدُ ۖ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ ﴿٣٠﴾ إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِٱلْعَشِىِّ ٱلصَّٰفِنَٰتُ ٱلْجِيَادُ ﴿٣١﴾ فَقَالَ إِنِّىٓ أَحْبَبْتُ حُبَّ ٱلْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّى حَتَّىٰ تَوَارَتْ بِٱلْحِجَابِ ﴿٣٢﴾ رُدُّوهَا عَلَىَّ ۖ فَطَفِقَ مَسْحًۢا بِٱلسُّوقِ وَٱلْأَعْنَاقِ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَٰنَ وَأَلْقَيْنَا عَلَىٰ كُرْسِيِّهِۦ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ﴿٣٤﴾ قَالَ رَبِّ ٱغْفِرْ لِى وَهَبْ لِى مُلْكًا لَّا يَنۢبَغِى لِأَحَدٍ مِّنۢ بَعْدِىٓ ۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلْوَهَّابُ ﴿٣٥﴾ فَسَخَّرْنَا لَهُ ٱلرِّيحَ تَجْرِى بِأَمْرِهِۦ رُخَآءً حَيْثُ أَصَابَ ﴿٣٦﴾ وَٱلشَّيَٰطِينَ كُلَّ بَنَّآءٍ وَغَوَّاصٍ ﴿٣٧﴾ وَءَاخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِى ٱلْأَصْفَادِ ﴿٣٨﴾ هَٰذَا عَطَآؤُنَا فَٱمْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٩﴾ وَإِنَّ لَهُۥ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَـَٔابٍ ﴿٤٠﴾ وَٱذْكُرْ عَبْدَنَآ أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّى مَسَّنِىَ ٱلشَّيْطَٰنُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ﴿٤١﴾ ٱرْكُضْ بِرِجْلِكَ ۖ هَٰذَا مُغْتَسَلٌۢ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿٤٢﴾

وآسمان و زمین را وآنچه درمیان این هاست بیهوده نیافریدیم این گمان کافران است پس وای کافران را ازعقوبت آتش (۲۷). آیامیسازیم آنان را که ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند مانند فساد کنندگان درزمین آیامی سازیم پرهیزگاران رامانند بدکاران (۲۸). این قرآن کتابیست بابرکت که اورابسوی تو فرود آوردیم تا مردمان درآیات او تأمل کنند وتا خردمندان پند گیرند (۲۹). وبه داود سلیمان را عطاکردیم نیکوبنده بود سلیمان هرآئینه او به خدا رجوع کننده بود (۳۰). یادکن چون اوراوقت شامگاه اسپان تیزرو نموده شد (۳۱). پس گفت هرآئینه این اسپان را دوست داشتم ازقبیل رغبت بمال اعراض کنان ازذکر پروردگار خودتاآنکه آفتاب درپرده پنهان شد [۷] (۳۲). این اسپانرا برمن بازگردانید پس شروع کرد دست رسانیدن بساقهاو گردن ها [۸] (۳۳). وهرآئینه سلیمان را آزمودیم وبرتخت اوکالبدی انداختیم باز بخدا رجوع کرد [۹] (۳٤). گفت ای پروردگارمن مرا بیامرز ومراآن پادشاهی به بخش که جز من هیچکس را نسزد هرآئینه تویی بخشاینده (۳۵). پس برای او باد را مسخر گردانیدیم به فرمان اوبآهستگی روان شده هرجاکه خواسته باشد میرفت (۳٦). ودیوان را مسخر گردانیدیم هرعمارت بناکننده وهرفرورونده بدریا (۳۷). ودیوانِ دیگررادست وپابهم بسته درزنجیرها مسخر گردانیدیم (۳۸). گفتیم این است بَخشش ما پس عطا کن یانگاهدار بغیر آنکه باتو حساب کرده شود (۳۹). وهرآئینه او نزد مامقرّب است وبازگشت نیکواست (٤۰). ویادکن بندهٔ ما ایوب را چون به پرورد گارخود نداکرد که مراشیطان برنجوری ودرد دست رسانیده است (٤۱). گفتیم بزن زمین را به پای خود ناگهان آن چشمه باشد که مهیابرای غسل سرد وآشامیدنی باشد (٤۲).

---

(۷) یعنی نماز عصر فوت شد.

(۸) یعنی ذبح کرده وساق های آنهارا بریده ازجهت غیرت برذکر خدای تعالی والله اعلم.

(۹) مترجم گوید سلیمان علیه السلام ازامراء خود ناراحت شد وبخاطر آورد وگفت که امشب باصدزن خود جماع کنم وهرزنی پسری زاید وهریکی شهسواری باشد جهاد کننده مرا احتیاج به امرا نافتد فرشته گفت انشاء الله بگوسلیمان سهو کردپس هیچ زنی حامله نشد مگر یك زنی که طفل ناقص الخلقت زاد وآن طفل را بر تخت سلیمان انداختند سلیمان علیه السلام متنبه شد و رجوع به رب العزت کرد والله اعلم.

[این قصة در صحیح بخاری آمده ولی بدون ذکر اینکه سلیمان علیه السلام این کار را بخاطر استغناء از أمراء خود انجام داد وبدون ذکر طفل ناقص الخلقت که برتخت سلیمان انداخته شد به صحیح بخاری مع فتح الباری مراجعه شود (٦/٤٥٨) ح ٣٤٢٤، مصحح].

وَوَهَبۡنَا لَهُۥٓ أَهۡلَهُۥ وَمِثۡلَهُم مَّعَهُمۡ رَحۡمَةٗ مِّنَّا وَذِكۡرَىٰ لِأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ
﴿٤٣﴾ وَخُذۡ بِيَدِكَ ضِغۡثٗا فَٱضۡرِب بِّهِۦ وَلَا تَحۡنَثۡۗ إِنَّا وَجَدۡنَٰهُ صَابِرٗاۚ نِّعۡمَ
ٱلۡعَبۡدُ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٞ ﴿٤٤﴾ وَٱذۡكُرۡ عِبَٰدَنَآ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ أُوْلِي
ٱلۡأَيۡدِي وَٱلۡأَبۡصَٰرِ ﴿٤٥﴾ إِنَّآ أَخۡلَصۡنَٰهُم بِخَالِصَةٖ ذِكۡرَى ٱلدَّارِ ﴿٤٦﴾
وَإِنَّهُمۡ عِندَنَا لَمِنَ ٱلۡمُصۡطَفَيۡنَ ٱلۡأَخۡيَارِ ﴿٤٧﴾ وَٱذۡكُرۡ إِسۡمَٰعِيلَ
وَٱلۡيَسَعَ وَذَا ٱلۡكِفۡلِۖ وَكُلّٞ مِّنَ ٱلۡأَخۡيَارِ ﴿٤٨﴾ هَٰذَا ذِكۡرٞۚ وَإِنَّ لِلۡمُتَّقِينَ
لَحُسۡنَ مَـَٔابٖ ﴿٤٩﴾ جَنَّٰتِ عَدۡنٖ مُّفَتَّحَةٗ لَّهُمُ ٱلۡأَبۡوَٰبُ ﴿٥٠﴾ مُتَّكِـِٔينَ
فِيهَا يَدۡعُونَ فِيهَا بِفَٰكِهَةٖ كَثِيرَةٖ وَشَرَابٖ ﴿٥١﴾ ۞ وَعِندَهُمۡ قَٰصِرَٰتُ
ٱلطَّرۡفِ أَتۡرَابٌ ﴿٥٢﴾ هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوۡمِ ٱلۡحِسَابِ ﴿٥٣﴾ إِنَّ هَٰذَا
لَرِزۡقُنَا مَا لَهُۥ مِن نَّفَادٍ ﴿٥٤﴾ هَٰذَاۚ وَإِنَّ لِلطَّٰغِينَ لَشَرَّ مَـَٔابٖ
﴿٥٥﴾ جَهَنَّمَ يَصۡلَوۡنَهَا فَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ ﴿٥٦﴾ هَٰذَا فَلۡيَذُوقُوهُ حَمِيمٞ
وَغَسَّاقٞ ﴿٥٧﴾ وَءَاخَرُ مِن شَكۡلِهِۦٓ أَزۡوَٰجٌ ﴿٥٨﴾ هَٰذَا فَوۡجٞ
مُّقۡتَحِمٞ مَّعَكُمۡ لَا مَرۡحَبَۢا بِهِمۡۚ إِنَّهُمۡ صَالُواْ ٱلنَّارِ ﴿٥٩﴾ قَالُواْ
بَلۡ أَنتُمۡ لَا مَرۡحَبَۢا بِكُمۡۖ أَنتُمۡ قَدَّمۡتُمُوهُ لَنَاۖ فَبِئۡسَ ٱلۡقَرَارُ ﴿٦٠﴾
قَالُواْ رَبَّنَا مَن قَدَّمَ لَنَا هَٰذَا فَزِدۡهُ عَذَابٗا ضِعۡفٗا فِي ٱلنَّارِ ﴿٦١﴾

واوراهل خانه اوومانند آن همراه ایشان عطاکردیم بخشایشی ازنزد خود وپندی برای خداوندانِ خرد (٤٣). وگفتیم بدست خود دسته شاخها بگیر پس بزن بآن [١٠] وخلاف سوگند مکن هرآئینه ماأورا شکیبا یافتیم ایوب نیك بنده بود هرآئینه او بخدا رجوع کننده بود [١١] (٤٤). وبند گان ماابراهیم واسحق ویعقوب را یادکن خداوندان دست ها وچشم ها [١٢] (٤٥). هرآئینه مایکروساختیم ایشانرا برای خصلتی پاك که یادکردن آخرت است (٤٦). وهرآئینه ایشان نزد ما ازبرگزیدگان نیکان بودند (٤٧). واسماعیل والیسع وذوالکفل را یادکن وهریکی ازنیکان بودند (٤٨). این قرآن پندی هست وهرآئینه پرهیزگاران را بازگشت نیك است (٤٩). بوستانهای دایم است کشاده کرده دروازه ها برای ایشان (٥٠). تکیه کنان درآنجا، آنجامیوهٔ بسیار وشراب را می طلبند (٥١). ونزد ایشان زنان فرودآرِنده چشم، هم عمر بایکدیگر باشند (٥٢). این است آنچه شمارا برای روز حساب وعده داده میشود (٥٣). هرآئینه این رزق ماست آنرا هیچ زوالی نباشد (٥٤). این است جزا وهر آئینه ازحدگذشتگان را بد بازگشتی باشد (٥٥). که دوزخ است آنجا درآیند پس بد آرامگاه است (٥٦). این عذاب آب گرم وزرداب است پس باید که آنرا بچشند (٥٧). وعذابی دیگر مانند این انواع مختلف است (٥٨). این [١٣] قومیست درآینده به آتش همراه شما متبوعان گویند زمین کشاده مباد برایشان هرآئینه ایشان درآیندگان آتش اند (٥٩). تابعان گویند بلکه بر شمازمین کشاده مباد شما عذاب را برای ما پیش آوردید پس دوزخ بد قرارگاهی است (٦٠). گویند ای پرورد گارما هرکس که این (کفر) را برای ما تقدیم کرد، در آتش عذابی دوچندان درحق اوبیفزای (٦١).

---

(١٠) یعنی زن خودرا.

(١١) یعنی أیوب علیه السلام سوگند خورده بودکه زن خودراصدضربه بزند خدای تعالی بروی سهل ساخت.

(١٢) یعنی علم وعمل هردوبکمال داشتند والله اعلم.

(١٣) چون تابعان خواهند که بدوزخ درآیند متبوعان را گفته شود.

وَقَالُوا۟ مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُم مِّنَ ٱلْأَشْرَارِ ﴿٦٢﴾ أَتَّخَذْنَٰهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ ٱلْأَبْصَٰرُ ﴿٦٣﴾ إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ ٱلنَّارِ ﴿٦٤﴾ قُلْ إِنَّمَآ أَنَا۠ مُنذِرٌ ۖ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا ٱللَّهُ ٱلْوَٰحِدُ ٱلْقَهَّارُ ﴿٦٥﴾ رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ٱلْعَزِيزُ ٱلْغَفَّٰرُ ﴿٦٦﴾ قُلْ هُوَ نَبَؤٌا۟ عَظِيمٌ ﴿٦٧﴾ أَنتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ﴿٦٨﴾ مَا كَانَ لِىَ مِنْ عِلْمٍۭ بِٱلْمَلَإِ ٱلْأَعْلَىٰٓ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٦٩﴾ إِن يُوحَىٰٓ إِلَىَّ إِلَّآ أَنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٧٠﴾ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّى خَٰلِقٌۢ بَشَرًا مِّن طِينٍ ﴿٧١﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُۥ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِى فَقَعُوا۟ لَهُۥ سَٰجِدِينَ ﴿٧٢﴾ فَسَجَدَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿٧٣﴾ إِلَّآ إِبْلِيسَ ٱسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٧٤﴾ قَالَ يَٰٓإِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَن تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَىَّ ۖ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ ٱلْعَالِينَ ﴿٧٥﴾ قَالَ أَنَا۠ خَيْرٌ مِّنْهُ ۖ خَلَقْتَنِى مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُۥ مِن طِينٍ ﴿٧٦﴾ قَالَ فَٱخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿٧٧﴾ وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِىٓ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلدِّينِ ﴿٧٨﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِىٓ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٧٩﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ ٱلْمُنظَرِينَ ﴿٨٠﴾ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْوَقْتِ ٱلْمَعْلُومِ ﴿٨١﴾ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٢﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ ٱلْمُخْلَصِينَ ﴿٨٣﴾

وگفتند اهل دوزخ چیست مارا که نمی بینیم مردانی را که ایشانرا ازبدان [١٤] می شمردیم (٦٢). (آنانکه) ما ایشان را مسخره میگرفتیم (اینجانیستند) یا ازایشان دیده ها برگشته است (٦٣). هرآئینه این راست است مراد ازآن خصومت کردنِ اهل دوزخ بایکدیگر است (٦٤). بگوجزاین نیست که من ترساننده‌ام ونیست هیچ معبود برحقی مگر خدای یگانهِ زیادقوتمند (٦٥). پروردگار آسمان ها وزمین وآنچه میان این هاست غالب آمرزگار (٦٦). بگواین خبری بزرگ است (٦٧). شماازوی رویگردانندهاید (٦٨). مراهیچ دانش بحال این جماعت نیست بلند قدر ازفرشتگان چون بایکدیگر سوال وجواب میکنند (٦٩). وحی فرستاده نمی شود به سوی من مگر آنکه من ترسانندهٔ آشکارم (٧٠). ویادکن چون پروردگارتو به فرشتگان گفت هرآئینه من آدمی را ازگِل آفریننده ام (٧١). پس چون راست کنم اورا ودروی از روح خود بدمم پس اورا سجده کنان درافتید (٧٢). پس کُلاً همگی فرشتگان سجده کردند (٧٣). مگر شیطان سرکشی کرد وازکافران شد (٧٤). گفت خدا ای شیطان چه چیزبازداشت توراازآنکه سجده کنی چیزی را که آفریدمش بدودستِ خودآیاتکبر کردی یا به حقیقت ازبلند قدران هستی (٧٥). گفت من ازوی بهترم مراازآتش آفریدی واورا ازگِل آفریدی (٧٦). گفت ازبهشت بیرون شو هرآئینه تورانده شده ای (٧٧). وهرآئینه برتو لعنت من باد تا روزجزا (٧٨). گفت ای پرورد گار من پس مرا تاآنروز که برانگیخته شوند مردمان مهلت ده (٧٩). گفت هرآئینه توازمهلت داده شد گانی (٨٠). تا روزآن وقت معین (٨١). گفت شیطان پس قسم بعزت توکه البته همه ایشانرا گمراه کنم (٨٢). الاّبند گان خالص کردهٔ توراازایشان (٨٣).

---

(١٤) یعنی فقراء مسلمین.

قَالَ فَٱلْحَقُّ وَٱلْحَقَّ أَقُولُ ﴿٨٤﴾ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٥﴾ قُلْ مَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُتَكَلِّفِينَ ﴿٨٦﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَٰلَمِينَ ﴿٨٧﴾ وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُۥ بَعْدَ حِينٍۭ ﴿٨٨﴾

سُورَةُ الزُّمَرِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَكِيمِ ﴿١﴾ إِنَّآ أَنزَلْنَآ إِلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ فَٱعْبُدِ ٱللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ ٱلدِّينَ ﴿٢﴾ أَلَا لِلَّهِ ٱلدِّينُ ٱلْخَالِصُ ۚ وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِهِۦٓ أَوْلِيَآءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَآ إِلَى ٱللَّهِ زُلْفَىٰٓ إِنَّ ٱللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِى مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى مَنْ هُوَ كَٰذِبٌ كَفَّارٌ ﴿٣﴾ لَّوْ أَرَادَ ٱللَّهُ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا لَّٱصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۚ سُبْحَٰنَهُۥ ۖ هُوَ ٱللَّهُ ٱلْوَٰحِدُ ٱلْقَهَّارُ ﴿٤﴾ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ بِٱلْحَقِّ ۖ يُكَوِّرُ ٱلَّيْلَ عَلَى ٱلنَّهَارِ وَيُكَوِّرُ ٱلنَّهَارَ عَلَى ٱلَّيْلِ ۖ وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ ۖ كُلٌّ يَجْرِى لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ أَلَا هُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْغَفَّٰرُ ﴿٥﴾

فرمود پس این سخن راست است و سخن راست میگویم (٨٤). البته دوزخ را ازتووازآنانکه پیروی تو کنند از همگی ایشان پرکنم (٨٥). بگو برتبلیغ قرآن ازشما هیچ مزدی را سوال نمی کنم ونیستم ازتکلف کنند گان [١٥] (٨٦). نیست قرآن مگرپندی برای جهانیان (٨٧). والبته صدق آنرابعد زمانی خواهید دانست (٨٨).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

فروفرستادنِ این کتاب از جانب خدای غالب باحکمت است (١). هرآئینه ما کتاب را بسوی تو براستی فروفرستادیم پس خدارا عبادت کن پرستش را برای او خالص‌کرده (٢). آگاه باش [١] پرستش کردن خالص مرخدارا است [٢] وآنانکه بجز خدا دوستان گرفتند (و گفتند) عبادت نمی کنیم ایشان را مگربرای آنکه مارا به خدا درمرتبه قرب نزدیك سازند هرآئینه خداحکم میکند میان ایشان در آنچه ایشان درآن اختلاف دارند هرآئینه خدا راه نمی نماید کسی را که اودروغگوی بسیارناسپاس است (٣). ا گر خدا خواستی که فرزند گیرد البته ازآنجمله که خلق کرده است چیزی را که میخواست بر گزیدی پاکی اوراست اوست خدای یگانه باقوت (٤). آسمان ها وزمین را بتدبیر درست آفرید می پیچاند شب را بروز وروزرا برشب می پیچاند خورشید وماه را رام ساخت هریکی درزمان معین میرود آ گاه باش او غالب آمرزنده است (٥).

(١٥) یعنی دعوی وحی نکنم بغیر تحقیق.

(١) یعنی مقبول نزد اوست.

(٢) یعنی بغیر شرك.

خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَٰحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنزَلَ لَكُم
مِّنَ ٱلْأَنْعَٰمِ ثَمَٰنِيَةَ أَزْوَٰجٍ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمْ
خَلْقًا مِّنۢ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَٰتٍ ثَلَٰثٍ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ
ٱلْمُلْكُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُصْرَفُونَ ﴿٦﴾ إِن تَكْفُرُوا۟ فَإِنَّ
ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ ٱلْكُفْرَ وَإِن تَشْكُرُوا۟ يَرْضَهُ
لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ
فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿٧﴾
۞ وَإِذَا مَسَّ ٱلْإِنسَٰنَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُۥ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُۥ نِعْمَةً
مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُوٓا۟ إِلَيْهِ مِن قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَندَادًا لِّيُضِلَّ
عَن سَبِيلِهِۦ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَٰبِ ٱلنَّارِ
﴿٨﴾ أَمَّنْ هُوَ قَٰنِتٌ ءَانَآءَ ٱلَّيْلِ سَاجِدًا وَقَآئِمًا يَحْذَرُ ٱلْءَاخِرَةَ
وَيَرْجُوا۟ رَحْمَةَ رَبِّهِۦ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي ٱلَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَٱلَّذِينَ
لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُو۟لُوا۟ ٱلْأَلْبَٰبِ ﴿٩﴾ قُلْ يَٰعِبَادِ ٱلَّذِينَ
ءَامَنُوا۟ ٱتَّقُوا۟ رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا۟ فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنْيَا حَسَنَةٌ
وَأَرْضُ ٱللَّهِ وَٰسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى ٱلصَّٰبِرُونَ أَجْرَهُم بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿١٠﴾

ثلاثة أرباع الحزب ٤٦

شمارا ازيك شخص آفريد باز ازآن شخص زنش را بيافريد وبراى شما ازچهارپايان هشت قسم فروفرستاد [۳] مى آفريند شمارا درشكم هاى مادران شمايك نوع آفريدن بعدازآفريدن ديگر درتاريكى هاى سه گانه [٤] اين است خدا پروردگار شما پادشاهى اوراست نيست هيچ معبودى برحق مگر او پس از كجاگردانيده ميشويد (٦). اگرناسپاسى كنيد پس هر آئينه خدا ازشما بى نيازست درحق بندگان خود ناسپاسى را نمى پسندد و اگرسپاسدارى كنيد او را براى شما پسندكند وهيچ بردارنده بارِ ديگررا برندارد بازبسوى پروردگار شما بازگشت شماست پس شمارا به آنچه مى كرديد خبر مى دهد هرآئينه اودانا بمكنونِ سينه ها است (٧). وچون آدمى را رنجى برسد بجناب پرورد گارخود رجوع كرده بسوى او دعا كند بازچون نعمتى ازنزد خود عطا كندش آنچه راكه دعا ميكرد بجهت اوپيش ازين فراموش سازد ومقرر كند براى خدا همتايانى راتا ازراهِ خدا گمراه كند بگو بكفر خود اندك زمانى بهره‌مند باش هرآئينه تو ازاهل دوزخى (٨). (آياآن ناسپاس مشرك بهتراست) يا كسيكه اوعبادت كننده است درساعتهايى ازشب سجده كنان وايستاده شده ازآخرت مى‌ترسد ورحمت پروردگار خود را اميدميدارد بگوآيا برابر ميشوند آنانكه مى دانند وآنانكه نميدانند جزاين نيست كه خداوندان خرد پندپذير ميشوند (٩). بگو (يامحمد) ازطرف من اى بندگان من كه ايمان آورده ايد ازپروردگار خود بترسيد مرآنانراكه نيكوكارى كردند درين دنيا حالت نيك باشد وزمين خدا كشاده است جزاين نيست كه تمام داده ميشودصابران را مزدايشان بيشمار [٥] (١٠).

(۳) يعنى نروماده شتروگاو وگوسفند وبز والله اعلم.
(٤) يعنى مشيمه ورحم وبطن والله اعلم.
(٥) درين آيت تعريض است بهجرتِ حبشه.

قُلۡ إِنِّيٓ أُمِرۡتُ أَنۡ أَعۡبُدَ ٱللَّهَ مُخۡلِصٗا لَّهُ ٱلدِّينَ ﴿١١﴾ وَأُمِرۡتُ لِأَنۡ أَكُونَ
أَوَّلَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ﴿١٢﴾ قُلۡ إِنِّيٓ أَخَافُ إِنۡ عَصَيۡتُ رَبِّي عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ
﴿١٣﴾ قُلِ ٱللَّهَ أَعۡبُدُ مُخۡلِصٗا لَّهُۥ دِينِي ﴿١٤﴾ فَٱعۡبُدُواْ مَا شِئۡتُم مِّن دُونِهِۦۗ
قُلۡ إِنَّ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ وَأَهۡلِيهِمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ
أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡخُسۡرَانُ ٱلۡمُبِينُ ﴿١٥﴾ لَهُم مِّن فَوۡقِهِمۡ ظُلَلٞ مِّنَ ٱلنَّارِ
وَمِن تَحۡتِهِمۡ ظُلَلٞۚ ذَٰلِكَ يُخَوِّفُ ٱللَّهُ بِهِۦ عِبَادَهُۥۚ يَٰعِبَادِ فَٱتَّقُونِ ﴿١٦﴾
وَٱلَّذِينَ ٱجۡتَنَبُواْ ٱلطَّٰغُوتَ أَن يَعۡبُدُوهَا وَأَنَابُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ لَهُمُ ٱلۡبُشۡرَىٰۚ
فَبَشِّرۡ عِبَادِ ﴿١٧﴾ ٱلَّذِينَ يَسۡتَمِعُونَ ٱلۡقَوۡلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحۡسَنَهُۥٓۚ
أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَىٰهُمُ ٱللَّهُۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ﴿١٨﴾
أَفَمَنۡ حَقَّ عَلَيۡهِ كَلِمَةُ ٱلۡعَذَابِ أَفَأَنتَ تُنقِذُ مَن فِي ٱلنَّارِ ﴿١٩﴾
لَٰكِنِ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ رَبَّهُمۡ لَهُمۡ غُرَفٞ مِّن فَوۡقِهَا غُرَفٞ مَّبۡنِيَّةٞ تَجۡرِي
مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ وَعۡدَ ٱللَّهِۖ لَا يُخۡلِفُ ٱللَّهُ ٱلۡمِيعَادَ ﴿٢٠﴾ أَلَمۡ تَرَ
أَنَّ ٱللَّهَ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَسَلَكَهُۥ يَنَٰبِيعَ فِي ٱلۡأَرۡضِ ثُمَّ
يُخۡرِجُ بِهِۦ زَرۡعٗا مُّخۡتَلِفًا أَلۡوَٰنُهُۥ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَىٰهُ مُصۡفَرّٗا ثُمَّ
يَجۡعَلُهُۥ حُطَٰمًاۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكۡرَىٰ لِأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ﴿٢١﴾

بگو هرآئینه مرا فرموده شده که خدا را عبادت کنم خالص ساخته برای اوپرستش (۱۱). ومرا فردموده شده به آنکه نخستین مسلمانان باشم (۱۲). بگو هرآئینه من اگر نافرمانی پرورد گارخود کنم از عذاب روزِ بزرگ میترسم (۱۳). بگو خدارا عبادت میکنم خالص ساخته برای اوپرستش خودرا [٦] (١٤). پس هرکرا خواهید غیر از خدا عبادت کنید بگوهرآئینه زیان کاران آنانند که خویشتن را واهلِ خود را روز قیامت درزیان دادند [٧] آگاه باش این (ماجرا) همانست زیان ظاهر (١٥). ایشان راازبالای ایشان سایبانها ازآتش باشد وازززیرایشان نیز سایبانهااین عذاب میترساندخدا بآن بند گان خود را ای بند گان من ازمن بترسید (١٦). وآنانکه ازبت احتراز کردند ازآنکه اورا عبادت کنند به سوی خدا رجوع کردند ایشانراست مژده پس بند گان مرا مژده ده (١٧). کسانیکه سخن را می شنوند پس نیکوترین آن را پیروی می نمایند ایشانند آنانکه ایشانرا خدا هدایت کرده است و ایشان خداوندان خردند (١٨). پس آیا کسی که بروی وعدهٔ عذاب ثابت شد آیاتوآن دوزخی را توانی خلاص کرد (١٩). لیکن آنانکه ازپروردگار خود ترسیدند ایشانرااست محل های بلند بالای آن محلهای دیگر عمارت کرده شده، زیر آنها جویها میرود وعده کرده است خدا، خدا وعده را خلاف نمی کند (٢٠). آیا ندیدی که خدا ازآسمان آب فروفرستاد پس درآورد آن را به چشمه هادرزمین باز بسبب آن کشت را گونا گون اقسامِ او برمی آرد باز خشك میشود پس آنرازرد شده می بینی باز آنرا ریزه ریزه میکند هرآئینه دراین (ماجرا) خداوندانِ خرد را پندی هست (٢١).

(٦) یعنی از شرك.

(٧) یعنی هلاك کردند خود را واهلِ خانهٔ خود را به ضلال واضلال.

أَفَمَن شَرَحَ ٱللَّهُ صَدْرَهُۥ لِلْإِسْلَٰمِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِۦ ۚ فَوَيْلٌ
لِّلْقَٰسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ ٱللَّهِ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٢٢﴾
ٱللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ ٱلْحَدِيثِ كِتَٰبًا مُّتَشَٰبِهًا مَّثَانِىَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ
جُلُودُ ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ
إِلَىٰ ذِكْرِ ٱللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ هُدَى ٱللَّهِ يَهْدِى بِهِۦ مَن يَشَآءُ ۚ وَمَن
يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنْ هَادٍ ﴿٢٣﴾ أَفَمَن يَتَّقِى بِوَجْهِهِۦ سُوٓءَ
ٱلْعَذَابِ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۚ وَقِيلَ لِلظَّٰلِمِينَ ذُوقُوا۟ مَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ
﴿٢٤﴾ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَأَتَىٰهُمُ ٱلْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ
لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٥﴾ فَأَذَاقَهُمُ ٱللَّهُ ٱلْخِزْىَ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا ۖ وَلَعَذَابُ
ٱلْءَاخِرَةِ أَكْبَرُ ۚ لَوْ كَانُوا۟ يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِى
هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٧﴾ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا
غَيْرَ ذِى عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٢٨﴾ ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيهِ
شُرَكَآءُ مُتَشَٰكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا ۚ
ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٩﴾ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُم
مَّيِّتُونَ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ عِندَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ ﴿٣١﴾

آیاکسی که خدا سینهٔ اورا برای دین اسلام کشاده کرده است پس او بر روشنی ازجانب پرورد گارخودباشد (مانند سخت دلان است) پس وای آنانرا که دل های ایشان ازیادکردن خدا سخت است ایشان درگمراهی ظاهر اند (۲۲). خدا بهترین سخن را، نازل ساخت کتابی که بعض اومانند دیگر است آیات مکرر دوتو [۸] موی خیز میشود از شنیدن آن پوست های آنانکه ازپرورد گار خود میترسند بعدازآن پوست های ایشان ودل های ایشان هنگام ذکر خدا نرم میشود این است هدایتِ خدا، راه می نماید به آن هرکرا خواهد وهرکرا خدا گمراه کند پس اورا هیچ راه نماینده ای نیست (۲۳). آیاکسی که به روی خود ازسختی عذاب روزقیامت احترازمی کند [۹] (ما نندکسی است که چنین نیست؟) وگفته شود ستمکاران را وبال آنچه را میکردید بچشید (۲٤). بدروغ نسبت کردند آنانکه پیش ازایشان بودند پس بیامد بدیشان عذاب از آنجاکه نمی دانستند (۲۵). پس خدا ایشانرا خواری درزند گانی دنیا چشانید وهرآئینه عقوبتِ آخرت سخت تراست اگرمی دانستند (۲٦). وهرآئینه برای مردمان درین قرآن ازهر نوع داستان بیان کردیم بُوَد که ایشان پند گیرند (۲۷). (فرود آوردیم) قرآن عربی بی عیب را باشد که ایشان پرهیزگاری کنند (۲۸). خدا مثال بنده ای که در وی شریکان مختلف‌اند بیان کرد وبندهٔ خالص برای مردی آیا برابراند درصفت ستایش خدای راست بلکه بیشترایشان نمیدانند [۱۰] (۲۹). (یا محمد) هرآئینه تو خواهی مُرد و هرآئینه ایشان خواهند مُرد (۳۰). بازالبته شما روزقیامت نزد پروردگار خویش بایکدیگر خصومت خواهید کرد (۳۱).

---

(۸) یعنی وعده یا وعید وانذاریا بشارت.

(۹) یعنی غیر از چهره اش چیزی نیابد که عذاب را بآن نگه دارد وما نندا‌هل نجات باشد.

(۱۰) یعنی یك بنده که چند کس مالك اوباشند ضائع شود هم چنین کسی که معبودان بسیاررا پرستش میکند ضائع است وبنده ای که خالص برای یك کس است آن یك کس متولی جمیع امور اوباشد همچنین کسیکه موحد باشد ومخلص، خدا کارساز اوست والله اعلم.

۞ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَبَ عَلَى ٱللَّهِ وَكَذَّبَ بِٱلصِّدْقِ إِذْ جَآءَهُۥٓ ۚ أَلَيْسَ فِى جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَٰفِرِينَ ﴿٣٢﴾ وَٱلَّذِى جَآءَ بِٱلصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِۦٓ ۙ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُتَّقُونَ ﴿٣٣﴾ لَهُم مَّا يَشَآءُونَ عِندَ رَبِّهِمْ ۚ ذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٣٤﴾ لِيُكَفِّرَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ ٱلَّذِى عَمِلُوا۟ وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ ٱلَّذِى كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿٣٥﴾ أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُۥ ۖ وَيُخَوِّفُونَكَ بِٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦ ۚ وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنْ هَادٍ ﴿٣٦﴾ وَمَن يَهْدِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن مُّضِلٍّ ۗ أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِى ٱنتِقَامٍ ﴿٣٧﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ ۚ قُلْ أَفَرَءَيْتُم مَّا تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ إِنْ أَرَادَنِىَ ٱللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَٰشِفَٰتُ ضُرِّهِۦٓ أَوْ أَرَادَنِى بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَٰتُ رَحْمَتِهِۦ ۚ قُلْ حَسْبِىَ ٱللَّهُ ۖ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ ٱلْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٣٨﴾ قُلْ يَٰقَوْمِ ٱعْمَلُوا۟ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّى عَٰمِلٌ ۖ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٤٠﴾

پس کیست ستمگارتر ازکسی که دروغ بربست برخدا و دین راست را چون باو بیامد دروغ پنداشت آیا دردوزخ جایی برای کافران نیست (٣٢). وآنکه دین راست را آورد وباورداشت آن را آن جماعت ایشان متقیانند (٣٣). ایشان راست نزد پروردگار ایشان آنچه خواهند این جزای نیکوکاران است (٣٤). تا خداازایشان دور کند بدترین آنچه کردند وایشان را مزدایشان بحسب نیکوترین آنچه می کردند بدهد (٣٥). آیا خدا کارسازبندهٔ خود بس نیست وتورا می‌ترسانند بآنانکه غیر خدایند وهرکرا خدا گمراه کند پس اوراهیچ راه نماینده ای نیست (٣٦). وهر کرا خدا راه نماید پس اورا هیچ گمراه کننده ای نیست آیا خدا غالب خداوند انتقام نیست؟ (٣٧). وا گر ایشان را بپرسی کِه آفرید آسمان ها وزمین را البته بگویند خداآفرید بگو آیا دیدید آن را که می پرستید غیر از خدا اگر خواهد درحق من خدای تعالی سختی راآیااین بتان دفع کنندهٔ سختی أو هستند یا اگر خواهد درحق من بخشایش آیا این بتان بازدارندهٔ بخشایشِ او هستند بگو مراخدا بس است بروی توکل می کنند توکل کنندگان (٣٨). بگوای قوم من عمل کنید بروضعِ خودهرآئینه من نیز عمل کننده ام بروضعِ خود پس خواهید دانست (٣٩). کسی را که بیایدش عذابی که رسواکندش وبر وی عذاب دایم فرودآید (٤٠).

إِنَّآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ لِلنَّاسِ بِٱلۡحَقِّۖ فَمَنِ ٱهۡتَدَىٰ
فَلِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيۡهَاۖ وَمَآ أَنتَ عَلَيۡهِم
بِوَكِيلٍ ﴿٤١﴾ ٱللَّهُ يَتَوَفَّى ٱلۡأَنفُسَ حِينَ مَوۡتِهَا وَٱلَّتِي
لَمۡ تَمُتۡ فِي مَنَامِهَاۖ فَيُمۡسِكُ ٱلَّتِي قَضَىٰ عَلَيۡهَا ٱلۡمَوۡتَ
وَيُرۡسِلُ ٱلۡأُخۡرَىٰٓ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمًّىۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ
يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾ أَمِ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ شُفَعَآءَۚ قُلۡ
أَوَلَوۡ كَانُواْ لَا يَمۡلِكُونَ شَيۡـٔٗا وَلَا يَعۡقِلُونَ ﴿٤٣﴾ قُل
لِّلَّهِ ٱلشَّفَٰعَةُ جَمِيعٗاۖ لَّهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ ثُمَّ
إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ﴿٤٤﴾ وَإِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَحۡدَهُ ٱشۡمَأَزَّتۡ
قُلُوبُ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِۖ وَإِذَا ذُكِرَ ٱلَّذِينَ مِن
دُونِهِۦٓ إِذَا هُمۡ يَسۡتَبۡشِرُونَ ﴿٤٥﴾ قُلِ ٱللَّهُمَّ فَاطِرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِ عَٰلِمَ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ أَنتَ تَحۡكُمُ بَيۡنَ عِبَادِكَ
فِي مَا كَانُواْ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ﴿٤٦﴾ وَلَوۡ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ مَا فِي
ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا وَمِثۡلَهُۥ مَعَهُۥ لَٱفۡتَدَوۡاْ بِهِۦ مِن سُوٓءِ ٱلۡعَذَابِ
يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ وَبَدَا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مَا لَمۡ يَكُونُواْ يَحۡتَسِبُونَ ﴿٤٧﴾

هرآئینه ما برتو کتاب را برای مردمان براستی فرود آوردیم پس هرکه راه یاب شد پس به نفع او ست وهرکه گمراه شد پس جزاین نیست که به ضرر خود گمراه میشود وتو برایشان نگهبان نیستی (٤١). خدای تعالی هنگام موت قبض ارواح آنها میکند وآن روح که نمرده است در خواب او قبض آن میکند پس آن را که حکم موت کرده است بر وی نگاه میدارد وآن دیگررا تاوقتی معین می گذارد هرآئینه درین (أمر) برای قومی که تأمل می کنند نشانه هایی است (٤٢). آیا غیر ازخدا شفاعت کنندگاني گرفته اند؟ بگو (ایشان را که گرفتید) اگرچه نمی توانستندهیچ کاری ونمی دانستند (٤٣). بگو شفاعت همگی دراختیار خداست مر اورا پادشاهی آسمان ها وزمین است باز به سوی اوگردانیده خواهید شد (٤٤). وچون خداتنها یادکرده شود دل‌های آنانکه ایمان نمی‌آور ند بآخرت متنفرشود وچون یادکرده شوند آنانکه بجزاوهستند ناگاه ایشان شادمان می شوند (٤٥). بگو بارخدایا ای پیداکنندهٔ آسمان ها وزمین دانندهٔ نهان وآشکار تو میان بندگان خود در چیزیکه ایشان درآن اختلاف میکردند حکم می کنی (٤٦). واگر آنانراکه ستم‌کردند همگی آنچه درزمین است ومانندآن همراه آن باشد البته به خاطر سختی عذاب روزِ قیامت آنراعوض گردان خود سازند وظاهر شود برای ایشان از جانب خدا آنچه گمان نمی داشتند (٤٧).

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُواْ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٤٨﴾ فَإِذَا مَسَّ ٱلْإِنسَٰنَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَٰهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَآ أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلْمٍۭ ۚ بَلْ هِىَ فِتْنَةٌ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٩﴾ قَدْ قَالَهَا ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَمَآ أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَكْسِبُونَ ﴿٥٠﴾ فَأَصَابَهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُواْ ۚ وَٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنْ هَٰٓؤُلَآءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُواْ وَمَا هُم بِمُعْجِزِينَ ﴿٥١﴾ أَوَلَمْ يَعْلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾ ۞ قُلْ يَٰعِبَادِىَ ٱلَّذِينَ أَسْرَفُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُواْ مِن رَّحْمَةِ ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًا ۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٥٣﴾ وَأَنِيبُوٓاْ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُواْ لَهُۥ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿٥٤﴾ وَٱتَّبِعُوٓاْ أَحْسَنَ مَآ أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٥٥﴾ أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَٰحَسْرَتَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَّطتُ فِى جَنۢبِ ٱللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ ٱلسَّٰخِرِينَ ﴿٥٦﴾

وبرای ایشان جزای بدآنچه کرده بودند ظاهر شد وایشان را آنچه بدان استهزاء میکردند درگیرد (٤٨). پس چون آدمی راسختی برسد مارا بخواند بازچون اورا نعمتی ازطرف خود بدهیم گوید جزاین نیست که این نعمت مرا بنابر دانشی که در منست داده شده است بلکه این نعمت آزمایشی است ولیکن اکثر ایشان نمی دانند (٤٩). هرآئینه این سخن را آنانکه پیش ازایشان بودند گفتند پس ازایشان آنچه میکردند بلا را دفع نکرد (٥٠). پس بدیشان عقوبت های آنچه می کردند رسید وآنانکه ازین جماعت ستم کردند خواهد رسید بدیشان عقوبت‌های آنچه می کردند وایشان عاجز کننده نیستند (٥١). آیا ندانسته‌اند که خدا رزق را برای هرکه میخواهد کشاده میسازد و برای هرکه می خواهد تنگ میکند هرآئینه درین کارنشانه هاست قومی را که ایمان می آورند (٥٢). بگو (ازطرف من) ای آن بندگان من که برخود ازحد تجاوز کردند ازرحمتِ خدا ناامید مشوید هرآئینه خدا گناهان را همه می آمرزد هرآئینه خدا او آمرزگار مهربان است (٥٣). وبه سوی پروردگارخویش رجوع کنید واورا پیش ازآن که بیاید به شما عقوبت منقاد شوید باز مدد کرده نشوید (٥٤). ونیکوترین آنچه را که فرو فرستاده شد به سوی شما از جانب پرورد گار شما پیروی کنید پیش ازآن که به شما عذاب ناگهان بیاید وشما خبر دار نباشید (٥٥). (بخدا رجوع کنید واتباع قرآن نمایید بجهت ترس از) آنکه شخصی گوید وای پشیمانی من بر تقصیر کردنِ من درحق خدا وهرآئینه من ازتمسخر کنند گان بودم (٥٦).

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ ٱللَّهَ هَدَىٰنِي لَكُنتُ مِنَ ٱلْمُتَّقِينَ ﴿٥٧﴾ أَوْ تَقُولَ
حِينَ تَرَى ٱلْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ ٱلْمُحْسِنِينَ
﴿٥٨﴾ بَلَىٰ قَدْ جَآءَتْكَ ءَايَٰتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَٱسْتَكْبَرْتَ وَكُنتَ
مِنَ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٥٩﴾ وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ تَرَى ٱلَّذِينَ كَذَبُوا۟ عَلَى
ٱللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ ۚ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ
﴿٦٠﴾ وَيُنَجِّي ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوْا۟ بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ ٱلسُّوٓءُ
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦١﴾ ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَيْءٍ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ
شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿٦٢﴾ لَّهُۥ مَقَالِيدُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۗ وَٱلَّذِينَ
كَفَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ ﴿٦٣﴾ قُلْ
أَفَغَيْرَ ٱللَّهِ تَأْمُرُوٓنِّيٓ أَعْبُدُ أَيُّهَا ٱلْجَٰهِلُونَ ﴿٦٤﴾ وَلَقَدْ
أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ
لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلْخَٰسِرِينَ ﴿٦٥﴾ بَلِ
ٱللَّهَ فَٱعْبُدْ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ﴿٦٦﴾ وَمَا قَدَرُوا۟ ٱللَّهَ حَقَّ
قَدْرِهِۦ وَٱلْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَٱلسَّمَٰوَٰتُ
مَطْوِيَّٰتٌۢ بِيَمِينِهِۦ ۚ سُبْحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٧﴾

یا گوید ا گرخدا مرا هدایت کردی البته از متقیان می شدم (٥٧). یا گوید وقتی که عذاب را معاینه کند کاش مرا رجوعی باشد [١١] تا ازنیکوکاران باشم (٥٨). (آنگاه خدا می فرماید) آری پیش توآیاتِ من آمد پس آنرا دروغ پنداشتی وتکبر کردی واز کافران بودی (٥٩). وروز قیامت ببینی آنها را که دروغ بستند برخدا ببینی چهره های ایشان سیاه شده است آیا در دوزخ جای برای متکبران نیست؟ (٦٠). وخدا متقیان را قرین رستگاری خویش شده نجات دهد نرسد بدیشان سختی ونه اندوهگین شوند (٦١). خداآفریننده هرچیزاست واوبرهرچیز خبر گیرنده است (٦٢). مراوراست کلید های آسمان ها وزمین [١٢] وآنانکه به آیت های خدا کافرشدند این جماعت همانان زیان کاران اند (٦٣). بگو آیا می فرمایید بمن که غیر خدا را پرستش کنم ای نادانان (٦٤). وهرآئینه وحی فرستاده شد (یا محمد) به سوی تو وبه سوی آنانکه پیش ازتو بودند که اگر شریك خدا مقرر کنی البته عمل تو نابود گردد والبته اززیان کاران شوی (٦٥). بلکه خدا را فقط عبادت کن وازسپاسداران بشو (٦٦). وخدارا حقِ شناختن او نشناختند وروزقیامت همه زمین درقبضه او باشد وآسمان ها در دست راست او پیچیده شوند پاکی اوراست وبرتراست ازآنکه شریك اومقررمیکنند (٦٧).

---

(١١) یعنی به دنیا.

(١٢) یعنی مختار ومتصرف اوست.

وَنُفِخَ فِى ٱلصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِى ٱلْأَرْضِ إِلَّا مَن شَآءَ ٱللَّهُ ۖ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنظُرُونَ ﴿٦٨﴾ وَأَشْرَقَتِ ٱلْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ ٱلْكِتَٰبُ وَجِاْىٓءَ بِٱلنَّبِيِّۦنَ وَٱلشُّهَدَآءِ وَقُضِىَ بَيْنَهُم بِٱلْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٩﴾ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٧٠﴾ وَسِيقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَٰبُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَآ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ ءَايَٰتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا ۚ قَالُوا۟ بَلَىٰ وَلَٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ ٱلْعَذَابِ عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٧١﴾ قِيلَ ٱدْخُلُوٓا۟ أَبْوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَا ۖ فَبِئْسَ مَثْوَى ٱلْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾ وَسِيقَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوْا۟ رَبَّهُمْ إِلَى ٱلْجَنَّةِ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَٰبُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَٱدْخُلُوهَا خَٰلِدِينَ ﴿٧٣﴾ وَقَالُوا۟ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى صَدَقَنَا وَعْدَهُۥ وَأَوْرَثَنَا ٱلْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ ٱلْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَآءُ ۖ فَنِعْمَ أَجْرُ ٱلْعَٰمِلِينَ ﴿٧٤﴾

ودر صور دمیده شود پس هرکه در آسمان ها وهرکه درزمین است بمیرد مگر آنکه خدا خواسته است باز درصورباردیگر دمیده شود پس ناگهان ایشان ایستادگانند می‌نگرند (٦٨). وزمین به نور پرورد گارخود روشن شود ونامهٔ اعمال نهاده شود وپیامبران وگواهان آورده شوند ومیان آدمیان براستی حکم کرده شود وایشان ستم کرده نشوند (٦٩). هر شخصی را جزای آنچه کرده است تمام داده شود وخدا دانا ترست به آنچه می کنند (٧٠). و کافران بسوی دوزخ گروه گروه روان کرده شوند تاوقتی که چون بیایند نزدیك دوزخ دروازه های آن باز کرده شود وگویند ایشان را نگهبانان دوزخ آیا به شما پیامبران از جنس شما نیامده بودند برشما آیاتِ پروردگارشمارا می‌خواندند شمارا ازملاقاتِ این روز شما می ترسانیدند گفتند آری ولیکن حکم عذاب برکافران متحقق شد (٧١). گفته شود درآیید به دروازهای دوزخ جاویدان درآنجاپس (دوزخ) بد جایگاه متکبران است (٧٢). وآنانکه ترسیدند از پرورد گار خویش به سوی بهشت گروه گروه روان کرده شوند تاوقتیکه چون بیایند نزدیكِ بهشت و دروازه های آن باز کرده شود گویند ایشانرا نگاهبانان بهشت سلام برشما باد خوشحال شدید پس به بهشت جاویدان در آیید (٧٣). وگویند سپاس خدایی راست که باما وعدهٔ خودرا راست کرد ومارا ازبهشت زمین عطا کرد هرجاکه خواهیم جای میگیریم پس بهشت نیك مزدِ کارکنندگان است (٧٤).

وَتَرَى ٱلْمَلَـٰٓئِكَةَ حَآفِّينَ مِنْ حَوْلِ ٱلْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ ۖ وَقُضِىَ بَيْنَهُم بِٱلْحَقِّ وَقِيلَ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَـٰلَمِينَ ﴿٧٥﴾

سُورَةُ غَافِرٍ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَـٰنِ ٱلرَّحِيمِ

حمٓ ﴿١﴾ تَنزِيلُ ٱلْكِتَـٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْعَلِيمِ ﴿٢﴾ غَافِرِ ٱلذَّنۢبِ وَقَابِلِ ٱلتَّوْبِ شَدِيدِ ٱلْعِقَابِ ذِى ٱلطَّوْلِ ۖ لَآ إِلَـٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ إِلَيْهِ ٱلْمَصِيرُ ﴿٣﴾ مَا يُجَـٰدِلُ فِىٓ ءَايَـٰتِ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ فَلَا يَغْرُرْكَ تَقَلُّبُهُمْ فِى ٱلْبِلَـٰدِ ﴿٤﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَٱلْأَحْزَابُ مِنۢ بَعْدِهِمْ ۖ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍۭ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ ۖ وَجَـٰدَلُوا۟ بِٱلْبَـٰطِلِ لِيُدْحِضُوا۟ بِهِ ٱلْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ ۖ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ﴿٥﴾ وَكَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ أَنَّهُمْ أَصْحَـٰبُ ٱلنَّارِ ﴿٦﴾ ٱلَّذِينَ يَحْمِلُونَ ٱلْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُۥ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِۦ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ۖ رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَىْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَٱغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا۟ وَٱتَّبَعُوا۟ سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ ٱلْجَحِيمِ ﴿٧﴾

نصف الحزب ٤٧

وفرشتگان را گردا گردشده دوربرعرش ببینی تسبیح میگویند به ستایش پروردگار خویش ومیان ایشان براستی حکم کرده شود [١٣] وگفته شود ستایش برای خدای پروردگار عالم ها است (٧٥).
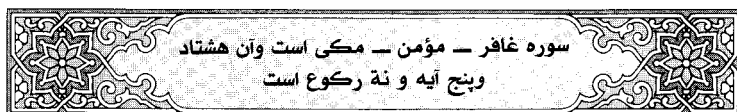
بنام خدای بخشاینده مهربان.

حٰمٓ (١). فروفرستادن کتاب ازجانب خدای غالب داناست (٢). آمرزندهٔ گناه وپذیرندهٔ توبه سخت کننده عقوبت خداوندِ توانگری، نیست هیچ معبودی بر حق مگر او بازگشت به سوی اوست (٣). درآیت های خدا به جز کافران مکابره نمی کنند پس تورا آمدورفت ایشان در شهرها درفریب نیندازد (٤). پیش ازایشان قوم نوح وجماعت های دیگر بعدازقوم نوح تکذیب کردند وهرجماعتی به پیامبرخود قصد کرد تا آنرا بگیرند ومکابره کردند به شبهاتِ بیهوده تا به آن سخن درست را ناچیز سازند پس ایشان را گرفتم پس عقوبتِ من چگونه بود (٥). وهم چنین حکم پروردگار تو برکافران که ایشان اهل دوزخ اند ثابت شد (٦). آنانکه عرش را برمیدارند وآنانکه گرداگرد عرش‌اند به ستایش پروردگارخویش تسبیح میگویند وبه او ایمان می آورند وبرای مومنان آمرزش میخواهند میگویند ای پروردگار ما فرا گرفتی همه چیز را به بخشایش ودانش پس آنان را که توبه کردند وپیروی راه تونمودند بیامرز وایشان رااز عذاب دوزخ نگاهدار (٧).

(١٣) یعنی در اختصام ملاء اعلی.

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّٰتِ عَدْنٍ ٱلَّتِى وَعَدتَّهُمْ وَمَن صَلَحَ
مِنْ ءَابَآئِهِمْ وَأَزْوَٰجِهِمْ وَذُرِّيَّٰتِهِمْ ۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلْعَزِيزُ
ٱلْحَكِيمُ ﴿٨﴾ وَقِهِمُ ٱلسَّيِّـَٔاتِ ۚ وَمَن تَقِ ٱلسَّيِّـَٔاتِ
يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُۥ ۚ وَذَٰلِكَ هُوَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ﴿٩﴾ إِنَّ
ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ يُنَادَوْنَ لَمَقْتُ ٱللَّهِ أَكْبَرُ مِن مَّقْتِكُمْ
أَنفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى ٱلْإِيمَٰنِ فَتَكْفُرُونَ ﴿١٠﴾ قَالُوا۟ رَبَّنَآ
أَمَتَّنَا ٱثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا ٱثْنَتَيْنِ فَٱعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ
إِلَىٰ خُرُوجٍ مِّن سَبِيلٍ ﴿١١﴾ ذَٰلِكُم بِأَنَّهُۥٓ إِذَا دُعِىَ ٱللَّهُ
وَحْدَهُۥ كَفَرْتُمْ ۖ وَإِن يُشْرَكْ بِهِۦ تُؤْمِنُوا۟ ۚ فَٱلْحُكْمُ لِلَّهِ
ٱلْعَلِىِّ ٱلْكَبِيرِ ﴿١٢﴾ هُوَ ٱلَّذِى يُرِيكُمْ ءَايَٰتِهِۦ وَيُنَزِّلُ لَكُم مِّنَ
ٱلسَّمَآءِ رِزْقًا ۚ وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَن يُنِيبُ ﴿١٣﴾ فَٱدْعُوا۟ ٱللَّهَ
مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْكَٰفِرُونَ ﴿١٤﴾ رَفِيعُ
ٱلدَّرَجَٰتِ ذُو ٱلْعَرْشِ يُلْقِى ٱلرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ
مِنْ عِبَادِهِۦ لِيُنذِرَ يَوْمَ ٱلتَّلَاقِ ﴿١٥﴾ يَوْمَ هُم بَٰرِزُونَ ۖ لَا يَخْفَىٰ
عَلَى ٱللَّهِ مِنْهُمْ شَىْءٌ ۚ لِّمَنِ ٱلْمُلْكُ ٱلْيَوْمَ ۖ لِلَّهِ ٱلْوَٰحِدِ ٱلْقَهَّارِ ﴿١٦﴾

ای پرورد گارما وایشانرا به بوستانهای جاودان که وعده کرده ای به ایشان درآر ودرآرنیز هرکه شایسته کار باشدازپدرانِ ایشان وزنانِ ایشان وفرزندانِ ایشان هرآئینه تویی غالب باحکمت (٨). وایشانرا ازعقوبت ها نگاهدار وهرکرانگاه داری ازعقوبت ها درآن روز پس هرآئینه رحم کرده ای بروی واین (نگاهداشتن) هما نست پیروزی بزرگ (٩). هرآئینه آنانکه کافر شدند آوازداده شوند به تحقیق که دشمنی خدا (در حق شما) ازدشمنی شماباخودتان بیشتراست. چراکه به ایمان فراخوانده می شدید آنگاه کفرمی ورزیدید (١٠). گویند ای پروردگار ما مارا دوبار میراندی ومارادوبار زنده گردانیدی پس به گناهان خود اعتراف کردیم پس آیا به سوی بیرون رفتن راهی هست یعنی حیله ای هست [١] (١١). این عذاب بسبب آنست که چون خداتنها یادکرده میشد انکار میکردید واگر با او شریك مقرر کرده میشد باور میداشتید پس فرمان برای خدای بلند قدر بزر گوار راست (١٢). اوست آنکه شمارا نشانه های خود مینماید وبرای شما ازآسمان رزق را فرومیفرستد پندپذیر نمی‌شود مگر کسیکه بخدا رجوع میکند (١٣). پس خدا را یادکنید، برای او عبادت را یك جهت ساخته اگرچه کافران ناخوش دارند (١٤). او بلند کنندهٔ مرتبه ها است خداوندِ عرش است، می فرستد روح (جبریل) راازفرمان خود بر هرکه خواهد ازبندگان خود تا آن بنده را ازروز ملاقات بترساند (١٥). روزیکه ایشان بیرون آیند [٢] برخدا ازایشان چیزی پوشیده نباشد (خدا می فرماید) کِراست پادشاهی امروز (بازخود جواب می دهد) برای خدای یگانهٔ غالب است (١٦).

---

(١) یعنی گویند باخدا وفرشتگان.

(٢) یعنی ازقبور.

ٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَىٰ كُلُّ نَفۡسِۭ بِمَا كَسَبَتۡۚ لَا ظُلۡمَ ٱلۡيَوۡمَۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ﴿١٧﴾ وَأَنذِرۡهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡأٓزِفَةِ إِذِ ٱلۡقُلُوبُ لَدَى ٱلۡحَنَاجِرِ كَٰظِمِينَۚ مَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ حَمِيمٖ وَلَا شَفِيعٖ يُطَاعُ ﴿١٨﴾ يَعۡلَمُ خَآئِنَةَ ٱلۡأَعۡيُنِ وَمَا تُخۡفِي ٱلصُّدُورُ ﴿١٩﴾ وَٱللَّهُ يَقۡضِي بِٱلۡحَقِّۖ وَٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَقۡضُونَ بِشَيۡءٍۗ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ﴿٢٠﴾ ۞ أَوَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ كَانُواْ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَانُواْ هُمۡ أَشَدَّ مِنۡهُمۡ قُوَّةٗ وَءَاثَارٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ بِذُنُوبِهِمۡ وَمَا كَانَ لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن وَاقٖ ﴿٢١﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَانَت تَّأۡتِيهِمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَكَفَرُواْ فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُۚ إِنَّهُۥ قَوِيّٞ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَا وَسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٍ ﴿٢٣﴾ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَهَٰمَٰنَ وَقَٰرُونَ فَقَالُواْ سَٰحِرٞ كَذَّابٞ ﴿٢٤﴾ فَلَمَّا جَآءَهُم بِٱلۡحَقِّ مِنۡ عِندِنَا قَالُواْ ٱقۡتُلُوٓاْ أَبۡنَآءَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ وَٱسۡتَحۡيُواْ نِسَآءَهُمۡۚ وَمَا كَيۡدُ ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ ﴿٢٥﴾

ثلاثة أرباع الحزب ٤٧

امروز هر شخصی بحسب آنچه کرده است پاداش داده شود امروز هیچ ستم نیست هرآئینه خدا زود حساب گیرنده است (١٧). وایشان راازروز قیامت آنگاه که دلها نزدیك حلقومها (چنبرِ گردن) باشند پُرشده ازغم بترسان، ستمگاران را هیج دوستی نیست ونه شفاعت کننده ای که سخن اوقبول کرده شود (١٨). خداخیانت‌چشم هارا وآنچه پنهان میدارند سینه‌ها میداند (١٩). وخدا براستی حکم میکند وآنانکه کافران به جای خدا ایشان را می پرستند به چیزی حکم نمی کنند هرآئینه خدا همون شنوابینا است (٢٠). آیا درزمین سیر نکرده اند تابنگرند آخر کار آنانکه پیش ازایشان بودند چگونه بود، بودند زیاده ترازایشان به قوت وبه نشانه ها درزمین [٣] پس ایشانرا خدابگناها نشان گرفتارکرد و ایشان را از خدا هیچ پناه دهنده ای نبود (٢١). این عقوبت بسبب آن بودکه بایشان پیامبران ایشان به‌نشانه‌ها می‌آمدند پس ایشان کافر شدند پس خدا ایشانرا گرفتار کرد هرآئینه خداتوانا سخت عقوبت است (٢٢). به راستیکه موسیٰ را به نشانه های خویش وحجت ظاهر فرستادیم (٢٣). به سوی فرعون وهامان وقارون پس گفتند جادوگری دروغگواست (٢٤). پس چون به‌ایشان به پیغام راست ازنزدیك ما آمد گفتند پسران آنان راکه ایمان آورده‌اند همراه او بکشید زنان ایشان را زنده بگذارید حیله سازِی کافران نیست مگر درتباهی (٢٥).

(٣) یعنی محل‌هاو قلعه ها بسیار بناکردند.

وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ ذَرُونِيٓ أَقۡتُلۡ مُوسَىٰ وَلۡيَدۡعُ رَبَّهُۥٓۖ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يُبَدِّلَ دِينَكُمۡ أَوۡ أَن يُظۡهِرَ فِي ٱلۡأَرۡضِ ٱلۡفَسَادَ ﴿٢٦﴾ وَقَالَ مُوسَىٰٓ إِنِّي عُذۡتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُم مِّن كُلِّ مُتَكَبِّرٖ لَّا يُؤۡمِنُ بِيَوۡمِ ٱلۡحِسَابِ ﴿٢٧﴾ وَقَالَ رَجُلٞ مُّؤۡمِنٞ مِّنۡ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ يَكۡتُمُ إِيمَٰنَهُۥٓ أَتَقۡتُلُونَ رَجُلًا أَن يَقُولَ رَبِّيَ ٱللَّهُ وَقَدۡ جَآءَكُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ مِن رَّبِّكُمۡۖ وَإِن يَكُ كَٰذِبٗا فَعَلَيۡهِ كَذِبُهُۥۖ وَإِن يَكُ صَادِقٗا يُصِبۡكُم بَعۡضُ ٱلَّذِي يَعِدُكُمۡۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَنۡ هُوَ مُسۡرِفٞ كَذَّابٞ ﴿٢٨﴾ يَٰقَوۡمِ لَكُمُ ٱلۡمُلۡكُ ٱلۡيَوۡمَ ظَٰهِرِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَمَن يَنصُرُنَا مِنۢ بَأۡسِ ٱللَّهِ إِن جَآءَنَاۚ قَالَ فِرۡعَوۡنُ مَآ أُرِيكُمۡ إِلَّا مَآ أَرَىٰ وَمَآ أَهۡدِيكُمۡ إِلَّا سَبِيلَ ٱلرَّشَادِ ﴿٢٩﴾ وَقَالَ ٱلَّذِيٓ ءَامَنَ يَٰقَوۡمِ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُم مِّثۡلَ يَوۡمِ ٱلۡأَحۡزَابِ ﴿٣٠﴾ مِثۡلَ دَأۡبِ قَوۡمِ نُوحٖ وَعَادٖ وَثَمُودَ وَٱلَّذِينَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡۚ وَمَا ٱللَّهُ يُرِيدُ ظُلۡمٗا لِّلۡعِبَادِ ﴿٣١﴾ وَيَٰقَوۡمِ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ يَوۡمَ ٱلتَّنَادِ ﴿٣٢﴾ يَوۡمَ تُوَلُّونَ مُدۡبِرِينَ مَا لَكُم مِّنَ ٱللَّهِ مِنۡ عَاصِمٖۗ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنۡ هَادٖ ﴿٣٣﴾

وگفت فرعون ای یاران بگذارید مرا تا موسیٰ را بکشم وباید که پروردگار خویش را دعا کند هرآئینه من ازآنکه دین شمارا تبدیل کند یا پدید آورد در زمین فساد را می ترسم (٢٦). وگفت موسیٰ هرآئینه من به پروردگارخود وپروردگار شما ازشرهرمتکبری که باور نمیدارد روزِحساب را پناه گرفتم (٢٧). وگفت مردی مسلمان ازخویشانِ فرعون که ایمانِ خود را پنهان میداشت آیا مردی را بسبب آنکه میگویدپرورد گار من خداست می کشید وهرآئینه پیش شما نشانه ها ازجانب پرروردگارشما آورده است و اگربفرض دروغگو باشد پس وبالِ دروغگویی اوبراوست واگرراست گوباشد البته به شما بعض آنچه شمارا وعده میدهد برسد هرآئینه خدا کسی راکه ازحد گذرنده ٔ دروغ گو باشد راه نمی نماید (٢٨). ای قوم من شمارا پادشاهی امروز غالب شده درزمین است پس که مارا ازعذاب خدا اگربیایدبما نصرت دهد فرعون گفت مصلحت نمی دهم شمارا مگر آنچه ادراك میکنم ودلالت نمی کنم شمارا مگر براهِ راستی (٢٩). وشخصی که ایمان آورده بود گفت ای قومِ من هرآئینه من برشما ازمانند روزَجماعت های پیشین می ترسم (٣٠). مانند صورتِ حالِ قوم نوح وعادوثمود وآنانکه بعدازایشان بودند وخدا بربندگان اراده ستم نمی کند (٣١). وای قومِ من هرآئینه برشماازروز آواز دادن بایکدیگر می ترسم (٣٢). روزیکه پشت داده روی بگردانید، شمارا از خدا هیچ نگاه دارنده نَبُوَد وهرکرا خدا گمراه سازد پس اورا هیچ راه نماینده ای نیست (٣٣).

وَلَقَدْ جَآءَكُمْ يُوسُفُ مِن قَبْلُ بِٱلْبَيِّنَٰتِ فَمَا زِلْتُمْ فِى شَكٍّ مِّمَّا جَآءَكُم بِهِۦ حَتَّىٰٓ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَن يَبْعَثَ ٱللَّهُ مِنۢ بَعْدِهِۦ رَسُولًا ۚ كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابٌ ﴿٣٤﴾ ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِىٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَٰنٍ أَتَىٰهُمْ ۖ كَبُرَ مَقْتًا عِندَ ٱللَّهِ وَعِندَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ۚ كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ﴿٣٥﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَٰهَٰمَٰنُ ٱبْنِ لِى صَرْحًا لَّعَلِّىٓ أَبْلُغُ ٱلْأَسْبَٰبَ ﴿٣٦﴾ أَسْبَٰبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّى لَأَظُنُّهُۥ كَٰذِبًا ۚ وَكَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ وَصُدَّ عَنِ ٱلسَّبِيلِ ۚ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِى تَبَابٍ ﴿٣٧﴾ وَقَالَ ٱلَّذِىٓ ءَامَنَ يَٰقَوْمِ ٱتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ ٱلرَّشَادِ ﴿٣٨﴾ يَٰقَوْمِ إِنَّمَا هَٰذِهِ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا مَتَٰعٌ وَإِنَّ ٱلْءَاخِرَةَ هِىَ دَارُ ٱلْقَرَارِ ﴿٣٩﴾ مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰٓ إِلَّا مِثْلَهَا ۖ وَمَنْ عَمِلَ صَٰلِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُو۟لَٰٓئِكَ يَدْخُلُونَ ٱلْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٤٠﴾

وهرآئینه پیش ازین به شما یوسف با نشانه ها آمده بود پس همیشه ازآنچه آنرا آورده بود پیش شما در شك بودید تاوقتیکه چون بمرد گفتید نخواهد خدا بعد ازوی پیامبری را فرستاد همچنین خدا کسی را که او از حد درگذرنده شك آرنده است گمراه میکند (٣٤). آنانراکه مکابره می کنند درآیاتِ خدا بغیر حجتی که پیش ایشان آمده باشد سخت ناپسند شداین مکابرهٔ ایشان نزد خدا ونزد آنانکه ایمان آوردند همچنین خدا برهردل متکبر سرکش مُهرمی نهد (٣٥). وفرعون گفت ای هامان برای من کوشکی بساز تاباشد که براهها برسم (٣٦). راه های آسمان ها تا به سوی پروردگارموسیٰ درنگرم وهرآئینه دروغگو می پندارمش وهمچنین درنظر فرعون عمل بد او آراسته شد از راه صواب بازداشته شد وحیله‌سازی فرعون نبود مگردرتباهی (٣٧). وآنکه ایمان آورده بود گفت ای قوم من پیروی من کنید تا شمارا براه راست دلالت کنم (٣٨). ای قوم من جزاین نیست که این زندگانی اندك بهره ای است وهرآئینه آخرت همونست سرای همیشه بودن (٣٩). هرکه کارِ بد بعمل آورد جزا داده نخواهد شد الآمانندِ آن وهرکه بجاآورد کارِشایسته خواه از جنس مرد یا از جنس زن درحالی که او مومن بود پس درایند آن جماعت به بهشت ایشان را آن جا رزق بی شمار داده شود (٤٠).

۞ وَيَٰقَوۡمِ مَا لِيٓ أَدۡعُوكُمۡ إِلَى ٱلنَّجَوٰةِ وَتَدۡعُونَنِيٓ إِلَى ٱلنَّارِ ٤١ تَدۡعُونَنِي لِأَكۡفُرَ بِٱللَّهِ وَأُشۡرِكَ بِهِۦ مَا لَيۡسَ لِي بِهِۦ عِلۡمٞ وَأَنَا۠ أَدۡعُوكُمۡ إِلَى ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡغَفَّٰرِ ٤٢ لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدۡعُونَنِيٓ إِلَيۡهِ لَيۡسَ لَهُۥ دَعۡوَةٞ فِي ٱلدُّنۡيَا وَلَا فِي ٱلۡأٓخِرَةِ وَأَنَّ مَرَدَّنَآ إِلَى ٱللَّهِ وَأَنَّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ هُمۡ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ ٤٣ فَسَتَذۡكُرُونَ مَآ أَقُولُ لَكُمۡۚ وَأُفَوِّضُ أَمۡرِيٓ إِلَى ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ ٤٤ فَوَقَىٰهُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِ مَا مَكَرُواْۖ وَحَاقَ بِـَٔالِ فِرۡعَوۡنَ سُوٓءُ ٱلۡعَذَابِ ٤٥ ٱلنَّارُ يُعۡرَضُونَ عَلَيۡهَا غُدُوّٗا وَعَشِيّٗاۚ وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ أَدۡخِلُوٓاْ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ أَشَدَّ ٱلۡعَذَابِ ٤٦ وَإِذۡ يَتَحَآجُّونَ فِي ٱلنَّارِ فَيَقُولُ ٱلضُّعَفَٰٓؤُاْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا كُنَّا لَكُمۡ تَبَعٗا فَهَلۡ أَنتُم مُّغۡنُونَ عَنَّا نَصِيبٗا مِّنَ ٱلنَّارِ ٤٧ قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا كُلّٞ فِيهَآ إِنَّ ٱللَّهَ قَدۡ حَكَمَ بَيۡنَ ٱلۡعِبَادِ ٤٨ وَقَالَ ٱلَّذِينَ فِي ٱلنَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ٱدۡعُواْ رَبَّكُمۡ يُخَفِّفۡ عَنَّا يَوۡمٗا مِّنَ ٱلۡعَذَابِ ٤٩

و ای قومِ من چیست مراکه شمارا به سوی نجات میخوانم وشما مرا به سوی دوزخ میخوانید (٤١). مرا به سوی آن میخوانید که بخدا کافر شوم وبه او چیزی را که نیست مرا بحقیقت آن علم شریك مقرر کنم حال آنکه من شمارا به سوی (خدا) غالب آمرزگار میخوانم (٤٢). بی شبهه چیزی که شما مرا به سوی آن میخوانید آن چیزرا قبول کردن دعا نیست نه دردنیا ونه درآخرت وبی شبهه بازگشت ما به سوی خداست وبی شبهه ازحد گذشتگان ایشان اهل دوزخ اند (٤٣). پس آنچه می گویم به شما یادخواهید کرد وامر خود را بخدا می سپارم هرآئینه خدا به احوال بند گان بینااست (٤٤). پس اوراخداازسختی های آنچه مکر کرده بودند ایشان را نگاهداشت وبه خویشانِ فرعون عذاب سخت فراگرفت (٤٥). برآتش بامداد وشام برآن حاضر کرده میشوند وروزی که قیامت قایم شود گوییم خویشانِ فرعون را درسخت ترین عذاب درآورید (٤٦). ویادکن چون باهم مجادله میکنند دردوزخ پس ناتوانان گویند سر کشان را هرآئینه ماتابع شما بودیم پس آیا شما ازسرِمایك حصه ای از عقوبتِ آتش دفع کننده هستید (٤٧). سرکشان گویند هرآئینه ما همه درآتشیم هرآئینه خدا درمیانِ بندگان فیصله کرده است (٤٨). وآنانکه درآتش‌اند گویند نگاهبانانِ دوزخ را که بجناب پروردگارخویش دعاکنید تا ازما حصهٔ یك روزی را ازعذاب سبك کند (٤٩).

قَالُوٓاْ أَوَلَمۡ تَكُ تَأۡتِيكُمۡ رُسُلُكُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِۖ قَالُواْ بَلَىٰۚ
قَالُواْ فَٱدۡعُواْۗ وَمَا دُعَٰٓؤُاْ ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٍ ﴿٥٠﴾
إِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا
وَيَوۡمَ يَقُومُ ٱلۡأَشۡهَٰدُ ﴿٥١﴾ يَوۡمَ لَا يَنفَعُ ٱلظَّٰلِمِينَ مَعۡذِرَتُهُمۡۖ
وَلَهُمُ ٱللَّعۡنَةُ وَلَهُمۡ سُوٓءُ ٱلدَّارِ ﴿٥٢﴾ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى
ٱلۡهُدَىٰ وَأَوۡرَثۡنَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱلۡكِتَٰبَ ﴿٥٣﴾ هُدٗى
وَذِكۡرَىٰ لِأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ﴿٥٤﴾ فَٱصۡبِرۡ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ
حَقّٞ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ بِٱلۡعَشِيِّ
وَٱلۡإِبۡكَٰرِ ﴿٥٥﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ
بِغَيۡرِ سُلۡطَٰنٍ أَتَىٰهُمۡ إِن فِي صُدُورِهِمۡ إِلَّا كِبۡرٞ
مَّا هُم بِبَٰلِغِيهِۚ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ
ٱلۡبَصِيرُ ﴿٥٦﴾ لَخَلۡقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ أَكۡبَرُ مِنۡ
خَلۡقِ ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٥٧﴾
وَمَا يَسۡتَوِي ٱلۡأَعۡمَىٰ وَٱلۡبَصِيرُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ
ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَلَا ٱلۡمُسِيٓءُۚ قَلِيلٗا مَّا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾

نگاهبانان گویند آیا به شما پیامبران شما به معجزه ها نمی آمدند گویند آری، نگاهبانان گویند پس شما دعاکنید و دعای کافران نیست مگردرتباهی (٥٠). هرآئینه ما پیامبرانِ خویش را نصرت می دهیم وآنان را که ایمان آوردند در زندگانی دنیا ونیز روزیکه گواهان [٤] قایم شوند (٥١). روزیکه ستمگاران را عذرآوردنِ ایشان سود ندهد وایشانرا لعنت است وایشانرا عقوبتِ آن سرای است (٥٢). وهرآئینه موسیٰ را هدایت دادیم وبنی اسرائیل را وارثِ کتاب ساختیم (٥٣). برای راه نمودن وپنددادن خداوندانِ خِرَد (٥٤). پس صبر کن هرآئینه وعدهٔ خدا راست است و برای گناهِ خود آمرزش طلب کن وباستایش پروردگارخود به شام وبامداد تسبیح گو (٥٥). هرآئینه آنانکه درآیت های خدا بغیر حجتی که آمده باشد به ایشان مکابره میکنند نیست درسینه های ایشان مگر ارادهٔ غلبه که ایشان بآن رسنده نیستند پس ازخدا پناه طلب کن هرآئینه خدا او شنوای‌بینا است (٥٦). هرآئینه آفریدنِ آسمان ها وزمین از آفریدن آدمیان [٥] بزرگ تراست ولیکن اکثر مردمان نمیدانند (٥٧). ونابینا وبینا برابرنیستند وآنانکه ایمان آورده‌اند وکارهای‌شایسته کرده اند بابدکار برابرنیستند، اندکی پندپذیرمی شوید (٥٨).

---

(٤) یعنی فرشتگان گواهی دهند.

(٥) یعنی اعادهٔ ایشان.

إِنَّ ٱلسَّاعَةَ لَأَاتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٥٩﴾ وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدْعُونِىٓ أَسْتَجِبْ لَكُمْ ۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِى سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ﴿٦٠﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيْلَ لِتَسْكُنُوا۟ فِيهِ وَٱلنَّهَارَ مُبْصِرًا ۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦١﴾ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمْ خَٰلِقُ كُلِّ شَىْءٍ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ ﴿٦٢﴾ كَذَٰلِكَ يُؤْفَكُ ٱلَّذِينَ كَانُوا۟ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿٦٣﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ قَرَارًا وَٱلسَّمَآءَ بِنَآءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَرَزَقَكُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ ۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمْ ۖ فَتَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٦٤﴾ هُوَ ٱلْحَىُّ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَٱدْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ ۗ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٦٥﴾ ۞ قُلْ إِنِّى نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ ٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَمَّا جَآءَنِىَ ٱلْبَيِّنَٰتُ مِن رَّبِّى وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٦٦﴾

هرآئینه قیامت آمدنی است درآن شکی نیست ولیکن اکثر مردمان باورنمیدارند (٥٩). وپروردگار شما گفت دعاکنید بجنابِ من تا دعای شمارا قبول کنم هرآئینه آنانکه ازعبادتِ من تکبر می کنند به دوزخ خوارشده داخل خواهند شد (٦٠). خدا آنست که برای شما شب را آفرید تا درآن آرام گیرید وروزرا بوجهی آفرید که درآن دیدن یکدیگر باشد هرآئینه خدا برمردمان خداوندِ فضل است ولیکن اکثر مردمان شکر نمی کنند (٦١). اینست خدا پرورد گارشما آفریننده ٔ هرچیز نیست هیچ معبودبرحقی بجزوی پس چگونه برگردانیده میشوید (٦٢). همچنین برگردانیده می شوند آنانکه بآیاتِ خدا انکار میکردند (٦٣). خدا آنست که برای شما زمین را قرار گاه وآسمان را سقف ساخت وشمارا صورت بست پس صورت‌های شما را نیکو ساخت وشمارا ازپاکیزه ها روزی داد این است خدا پروردگارشما پس بسیار بابرکت است خدای پروردگار جهانیان (٦٤). اوست زنده، نیست هیچ معبود برحقی مگر او پس اورا عبادت کنید یك جهت ساخته برای او عبادت را ستایش برای خدای پروردگارعالمها است (٦٥). بگوهرآئینه من ازآنکه آنان را که شمامی پرستید بجز خدا عبادت کنم منع کرده شدم چون آمد بمن نشانه ها از جانب پروردگار من وفرموده شد مراکه به پرورد گار عالمها منقادشوم (٦٦).

هُوَ ٱلَّذِى خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوٓاْ أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُواْ شُيُوخًا ۚ وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ مِن قَبْلُ ۖ وَلِتَبْلُغُوٓاْ أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾ هُوَ ٱلَّذِى يُحْىِۦ وَيُمِيتُ ۖ فَإِذَا قَضَىٰٓ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ﴿٦٨﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِىٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ أَنَّىٰ يُصْرَفُونَ ﴿٦٩﴾ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِٱلْكِتَٰبِ وَبِمَآ أَرْسَلْنَا بِهِۦ رُسُلَنَا ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٧٠﴾ إِذِ ٱلْأَغْلَٰلُ فِىٓ أَعْنَٰقِهِمْ وَٱلسَّلَٰسِلُ يُسْحَبُونَ ﴿٧١﴾ فِى ٱلْحَمِيمِ ثُمَّ فِى ٱلنَّارِ يُسْجَرُونَ ﴿٧٢﴾ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ تُشْرِكُونَ ﴿٧٣﴾ مِن دُونِ ٱللَّهِ ۖ قَالُواْ ضَلُّواْ عَنَّا بَل لَّمْ نَكُن نَّدْعُواْ مِن قَبْلُ شَيْـًٔا ۚ كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٧٤﴾ ذَٰلِكُم بِمَا كُنتُمْ تَفْرَحُونَ فِى ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ وَبِمَا كُنتُمْ تَمْرَحُونَ ﴿٧٥﴾ ٱدْخُلُوٓاْ أَبْوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَا ۖ فَبِئْسَ مَثْوَى ٱلْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٦﴾ فَٱصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ ۚ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ ٱلَّذِى نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ﴿٧٧﴾

اوست آنکه شمارا ازخاك آفرید باز ازنطفهٔ منی بازازخون بسته باز شمارا کودك شده بیرون می‌آورد باز باقی میگذارد تابرسید به نهایت قوت خود باز باقی میگذارد تا شوید پیرِکلان سال وبعضی از شماکسی هست که قبض روح او پیش ازین کرده شود وباقی میگذارد تا برسید بمدتی معین وتابُوَدکه بفهمید (٦٧). اوست آنکه زنده می کند ومی میراند پس چون بخواهد (پیداکردن) چیزی را پس جزاین نیست که می گویدش بشو پس می‌شود (٦٨). آیا به سوی آنانکه درآیاتِ خدا مکابره میکنند ندیدی چگونه گردانیده می شوند (٦٩). آنانکه کتاب وآنچه را که فرستادیم بآن پیامبرانِ خود را تکذیب کردند حقیقتِ حال خواهند دانست (٧٠). وقتیکه طوقها درگردن‌های ایشان باشند وزنجیرهانیز کشیده شوند (٧١). درآب گرم بازدرآتش پرتافته شوند (٧٢). باز ایشان را گفته شود کجاست آنچه شریك مقرر میکردید (٧٣). غیر از خدا گویند ازنظرما گم شدند بلکه هرگز پیش ازین چیزی را نمی پرستیدیم همچنین خدا کافران را گمراه میکند (٧٤). این عقوبت بسبب آنست که درزمین به ناحق شادمان می شدید وبسبب آنست که می نازیدید (٧٥). به دروازهای دوزخ درآیید جاویدان آنجا پس (دوزخ) بدجای متکبران است (٧٦). پس صبر کن (ای محمد) هرآئینه وعدهٔ خداراست است پس اگر تورا بعض آنچه وعده میدهیم ایشان را بنماییم (فبها) یا اگر قبض روح تو کنیم پس به سوی ما کافران بازگردانیده شوند (٧٧).

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُم مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُم مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ ۗ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَن يَأْتِيَ بِـَٔايَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۚ فَإِذَا جَآءَ أَمْرُ ٱللَّهِ قُضِيَ بِٱلْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ ٱلْمُبْطِلُونَ ﴿٧٨﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَنْعَٰمَ لِتَرْكَبُوا۟ مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٩﴾ وَلَكُمْ فِيهَا مَنَٰفِعُ وَلِتَبْلُغُوا۟ عَلَيْهَا حَاجَةً فِى صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى ٱلْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿٨٠﴾ وَيُرِيكُمْ ءَايَٰتِهِۦ فَأَىَّ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ تُنكِرُونَ ﴿٨١﴾ أَفَلَمْ يَسِيرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ فَيَنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۚ كَانُوٓا۟ أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَءَاثَارًا فِى ٱلْأَرْضِ فَمَآ أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ ﴿٨٢﴾ فَلَمَّا جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ فَرِحُوا۟ بِمَا عِندَهُم مِّنَ ٱلْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٨٣﴾ فَلَمَّا رَأَوْا۟ بَأْسَنَا قَالُوٓا۟ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَحْدَهُۥ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِۦ مُشْرِكِينَ ﴿٨٤﴾ فَلَمْ يَكُ يَنفَعُهُمْ إِيمَٰنُهُمْ لَمَّا رَأَوْا۟ بَأْسَنَا ۖ سُنَّتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِى قَدْ خَلَتْ فِى عِبَادِهِۦ ۖ وَخَسِرَ هُنَالِكَ ٱلْكَٰفِرُونَ ﴿٨٥﴾

وهرآئينه پيامبران را پيش ازتو فرستاديم ازايشان كسى هست كه قصه اش را برتو نخوانده‌ايم وهيچ پيامبررا نبُوَد كه نشانه اى بيارد مگر بفرمان خدا پس وقتيكه فرمان خدا آمد به راستى فيصله كرده شود وآنجابيهوده گويان زيان كارشدند (۷۸). خداآنست كه براى شما حيوانات را بيافريد تا بربعض آنها سوار شويد وبعض آنهارا ميخوريد (۷۹). وشمارا درچهارپايان منفعت هااست وتابرسيد سوارشده برآنهابه مقصدى كه درسينه هاى شما مستقر شده است وبرچهارپايان ونيز بركشتى‌ها برداشته ميشويد (۸۰). وخدا شمارا نشانه هاى خود مينمايد پس كدام يك ازنشانه هاى خدارا انكار ميكنيد (۸۱). آيا درزمين سيرنكرده اند تابنگرند آخر كار آنانكه پيش ازايشان بودند چگونه بود، بودند بيشتر ازايشان وزياده تر به قوت وبه نشانه‌ها درزمين پس دفع نكرد ازايشان آنچه كسب ميكردند (۸۲). پس وقتى كه به سوى ايشان پيامبران ايشان بامعجزه ها آمدند به آنچه نزديك ايشان بود از دانش شادمان شدند [٦] ودرگرفت ايشان را آنچه بآن استهزاء مى‌كردند (۸۳). پس وقتيكه عقوبت مارا ديدند گفتند خداى را تنها باورداشتيم وبه آنچه كه آنرا شريك مى كرديم منكر شديم (۸٤). پس هرگز ايشان را ايمانِ ايشان وقتيكه عقوبت مارا ديدند نفع ندهد آئين خدا كه در بند گان او گذشته است (چنين است) وآنجا كافران زيان‌كار شدند (۸۵).

---

(٦) يعنى علمِ معاش.

سُورَةُ فُصِّلَتْ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

حمٓ ﴿١﴾ تَنزِيلٌ مِّنَ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ﴿٢﴾ كِتَٰبٌ فُصِّلَتْ ءَايَٰتُهُۥ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٣﴾ بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿٤﴾ وَقَالُوا۟ قُلُوبُنَا فِىٓ أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَآ إِلَيْهِ وَفِىٓ ءَاذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنۢ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَٱعْمَلْ إِنَّنَا عَٰمِلُونَ ﴿٥﴾ قُلْ إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰٓ إِلَىَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ فَٱسْتَقِيمُوٓا۟ إِلَيْهِ وَٱسْتَغْفِرُوهُ ۗ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ ﴿٦﴾ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلْءَاخِرَةِ هُمْ كَٰفِرُونَ ﴿٧﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٨﴾ ۞ قُلْ أَئِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِٱلَّذِى خَلَقَ ٱلْأَرْضَ فِى يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُۥٓ أَندَادًا ۚ ذَٰلِكَ رَبُّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٩﴾ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَٰسِىَ مِن فَوْقِهَا وَبَٰرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَآ أَقْوَٰتَهَا فِىٓ أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَآءً لِّلسَّآئِلِينَ ﴿١٠﴾ ثُمَّ ٱسْتَوَىٰٓ إِلَى ٱلسَّمَآءِ وَهِىَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ٱئْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَآ أَتَيْنَا طَآئِعِينَ ﴿١١﴾

نصف الحزب ٤٨

بنام خدای بخشاینده مهربان.

حمٓ (١). این فروفرستادن ازجانب خدای بخشاینده مهربان است (٢). این کتابیست واضح ساخته شدآیاتِ اودرحالیکه قرآن عربی است برای قومی که میدانند (٣). درحالیکه مژده دهنده وترساننده است پس اکثر مردمان رویگردان شدند پس ایشان نمی شنوند (٤). وگفتند دل های ما ازآنچه میخوانی مارا به سوی آن درپرده‌هاست ودرگوش‌های ما گرانی است ومیان ما ومیان تو حجابی است پس کارکن هرآئینه ما کارکننده ایم [١] (٥). بگوجزاین نیست که من مانند شما آدمی‌ام وحی کرده میشود به سوی من اینکه معبود شما معبود یگانه است پس راست به سوی او متوجه شوید واز اوطلبِ آمرزش کنید، و وای برای آن مشرکان (٦). آنانکه زکوٰة را نمیدهند وایشان به آخرت نامعتقدند (٧). هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند برای ایشان مزدِ غیر مقطوع است (٨). بگوآیاشما نامعتقد می شوید به کسی که زمین را دردوروز آفرید وبرای او همتایانی را مقرر میکنید، اینست پرورد گارعالمها (٩). ودرزمین کوه ها بالای آن پیداکرد ودرآن برکت نهاد ودر آن قُوتِ اهلِ آن رادرتتمه چهار روز اندازه کرد بیان واضح کرده شد برای سوال کنند گان (١٠). باز به سوی آسمان متوجه شد واو دود بود گفت اورا و زمین را نیز بخوشی یا ناخوشی [٢] بیایید گفتند هردو بخوشی آمدیم (١١).

---

(١) یعنی، هریکی ازما به طریق خود عمل کند.

(٢) یعنی منقاد حکم من شوید والله اعلم.

فَقَضَىٰهُنَّ سَبۡعَ سَمَٰوَاتٖ فِى يَوۡمَيۡنِ وَأَوۡحَىٰ فِى كُلِّ سَمَآءٍ أَمۡرَهَاۚ
وَزَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنۡيَا بِمَصَٰبِيحَ وَحِفۡظٗاۚ ذَٰلِكَ تَقۡدِيرُ ٱلۡعَزِيزِ
ٱلۡعَلِيمِ ﴿١٢﴾ فَإِنۡ أَعۡرَضُواْ فَقُلۡ أَنذَرۡتُكُمۡ صَٰعِقَةٗ مِّثۡلَ صَٰعِقَةِ
عَادٖ وَثَمُودَ ﴿١٣﴾ إِذۡ جَآءَتۡهُمُ ٱلرُّسُلُ مِنۢ بَيۡنِ أَيۡدِيهِمۡ وَمِنۡ
خَلۡفِهِمۡ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّا ٱللَّهَۖ قَالُواْ لَوۡ شَآءَ رَبُّنَا لَأَنزَلَ مَلَٰٓئِكَةٗ
فَإِنَّا بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ ﴿١٤﴾ فَأَمَّا عَادٞ فَٱسۡتَكۡبَرُواْ فِى
ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَقَالُواْ مَنۡ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةًۖ أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ
ٱلَّذِى خَلَقَهُمۡ هُوَ أَشَدُّ مِنۡهُمۡ قُوَّةٗۖ وَكَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا يَجۡحَدُونَ
﴿١٥﴾ فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِيحٗا صَرۡصَرٗا فِىٓ أَيَّامٖ نَّحِسَاتٖ لِّنُذِيقَهُمۡ
عَذَابَ ٱلۡخِزۡىِ فِى ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَعَذَابُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَخۡزَىٰۖ وَهُمۡ
لَا يُنصَرُونَ ﴿١٦﴾ وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيۡنَٰهُمۡ فَٱسۡتَحَبُّواْ ٱلۡعَمَىٰ عَلَى
ٱلۡهُدَىٰ فَأَخَذَتۡهُمۡ صَٰعِقَةُ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡهُونِ بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ
﴿١٧﴾ وَنَجَّيۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ﴿١٨﴾ وَيَوۡمَ يُحۡشَرُ أَعۡدَآءُ ٱللَّهِ
إِلَى ٱلنَّارِ فَهُمۡ يُوزَعُونَ ﴿١٩﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا مَا جَآءُوهَا شَهِدَ عَلَيۡهِمۡ
سَمۡعُهُمۡ وَأَبۡصَٰرُهُمۡ وَجُلُودُهُم بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿٢٠﴾

پس آنها را هفت آسمان در دو روزدیگر ساخت ودرهرآسمانی تدبیر آن را وحی فرستاد وآسمانِ دنیا را به چراغ ها [٣] بیاراستیم ونگاهداشتیم [٤] این تدبیر خدای غالب دانا است (١٢). پس اگر رویگردان شوند بگو شماراازعقوبتی مانند عقوبتِ عاد و ثمود ترسانیدم (١٣). وقتیکه بدیشان پیامبران ازپیش روی ایشان واز پس پشتِ ایشان آمدند که عبادت مکنید مگر خدای را گفتند اگر خواستی پروردگارما فروفرستادی فرشتگانرا پس هرآئینه ما به آنچه فرستاده شدید به آن نا معتقدیم (١٤). اماقوم عاد پس درزمین به ناحق تکبر کردند وگفتند کیست زیاده ترازما به قوت آیا ندیدند که آن خدایی که بیافرید ایشان را او ازایشان به قوت زیاده تراست وایشان بآیاتِ ما انکار می کردند (١٥). پس برایشان بادی تند در روزهای شوم فرستادیم تا ایشانرا عذاب رسوایی در زند گانی دنیا بچشانیم وهرآئینه عذاب آخرت رسواکننده تراست وایشان نصرت داده نشوند (١٦). واماثمود پس ایشان را راه نمودیم پس نابینایی را برراه یابی اختیار کردند پس ایشان را عقوبتِ سخت عذابِ خواری درگرفت بسبب آنچه میکردند (١٧). وآنان را که ایمان آوردند وپرهیزگاری میکردند نجات‌دادیم (١٨). وآن روز که دشمنانِ خدا (روان ساخته) به سوی آتش گرد آورده می شوند، پس ایشان باین حال باشند که بعضی را تابرسیدن بعضی دیگر ایستاده کرده میشود (١٩). تاوقتیکه چون نزدیك دوزخ بیایند برایشان گوش ایشان وچشمهای ایشان وپوست های ایشان گواهی می دهد به آنچه می کردند (٢٠).

---

(٣) یعنی ستاره ها.

(٤) یعنی ازشیاطین.

وَقَالُواْ لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدتُّمْ عَلَيْنَا قَالُوٓاْ أَنطَقَنَا ٱللَّهُ ٱلَّذِىٓ أَنطَقَ كُلَّ شَىْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢١﴾ وَمَا كُنتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَن يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَآ أَبْصَٰرُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَٰكِن ظَنَنتُمْ أَنَّ ٱللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٢﴾ وَذَٰلِكُمْ ظَنُّكُمُ ٱلَّذِى ظَنَنتُم بِرَبِّكُمْ أَرْدَىٰكُمْ فَأَصْبَحْتُم مِّنَ ٱلْخَٰسِرِينَ ﴿٢٣﴾ فَإِن يَصْبِرُواْ فَٱلنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ وَإِن يَسْتَعْتِبُواْ فَمَا هُم مِّنَ ٱلْمُعْتَبِينَ ﴿٢٤﴾ ۞ وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَآءَ فَزَيَّنُواْ لَهُم مَّا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ ٱلْقَوْلُ فِىٓ أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِم مِّنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ إِنَّهُمْ كَانُواْ خَٰسِرِينَ ﴿٢٥﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَا تَسْمَعُواْ لِهَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ وَٱلْغَوْاْ فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ ﴿٢٦﴾ فَلَنُذِيقَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ ٱلَّذِى كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾ ذَٰلِكَ جَزَآءُ أَعْدَآءِ ٱللَّهِ ٱلنَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ ٱلْخُلْدِ جَزَآءًۢ بِمَا كَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿٢٨﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ رَبَّنَآ أَرِنَا ٱلَّذَيْنِ أَضَلَّانَا مِنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ ٱلْأَسْفَلِينَ ﴿٢٩﴾

وپوست های خودرا گفتند چرا برما گواهی دادید گویند گویاکرد ماراآن خدایی که هر چیزرا گویاکرده است واو اوّل بار شمارا بیافرید وبه سوی اوباز گردانیده شوید (٢١). وپنهان نمی شدید (هنگام ارتکاب معاصی از خوف) آنکه گواهی دهد برشما گوش شما وچشم های شما وپوست های شما ولیکن پنداشتید که خدا بسیاری ازآنچه می کنید نمیداند (٢٢). واین گمانِ شما که درحقِ پرورد گار خویش به غلط اندیشه کردید شمارا هلاك کرد پس زیان کارگشتید (٢٣). پس ا گر صبر کنند پس آتش خوابگاه ایشان است و اگرعفوطلبند پس ایشان عفو کرده شدگان نیستند (٢٤). و برای ایشان همنشینان برگماشتیم [٥] پس آن همنشینان برای ایشان آراسته کردند آنچه پیش روی ایشانست وآنچه پس پشت ایشانست [٦] وبرایشان وعدهٔ عذاب متحقق شده درامتانیکه پیش ازایشان گذشته‌اند از جن و آدمیان ثابت شد هرآئینه ایشان زیان کاربودند (٢٥). وکافران گفتند این قرآن را مشنوید وسخن بیهوده گویید دراثناء خواندنِ آن تاکه شما غالب شوید (٢٦). پس البته کافران را عذاب سخت بچشانیم والبته ایشانرا بحسب بدترین آنچه می کردند جزا می دهیم (٢٧). این آتش جزای دشمنانِ خدا است ایشان را درآنجا منزل علی الدوام باشد به (کیفر) آنکه بآیاتِ ما انکار میکردند سزادادیم (٢٨). وکافران گویند ای پروردگار ما ماراآن دوکس [٧] که گمراه ساختند مارا از جنسِ جن وازجنسِ انس بنما تا آن هردو را زیر قدم های خود در آوریم تاپست وپامال شوند (٢٩).

---

(٥) یعنی از شیاطین والله اعلم.

(٦) یعنی وسوسه انداختند که دنیاقابل رغبت است وآخرت قابل رغبت نیست والله اعلم.

(٧) یعنی آن دو فریق.

إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسْتَقَٰمُواْ تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ
ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ أَلَّا تَخَافُواْ وَلَا تَحْزَنُواْ وَأَبْشِرُواْ بِٱلْجَنَّةِ
ٱلَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾ نَحْنُ أَوْلِيَآؤُكُمْ فِي ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا
وَفِي ٱلْءَاخِرَةِ ۖ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِيٓ أَنفُسُكُمْ وَلَكُمْ
فِيهَا مَا تَدَّعُونَ ﴿٣١﴾ نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ ﴿٣٢﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ
قَوْلًا مِّمَّن دَعَآ إِلَى ٱللَّهِ وَعَمِلَ صَٰلِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ
ٱلْمُسْلِمِينَ ﴿٣٣﴾ وَلَا تَسْتَوِي ٱلْحَسَنَةُ وَلَا ٱلسَّيِّئَةُ ۚ ٱدْفَعْ
بِٱلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا ٱلَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُۥ عَدَٰوَةٌ كَأَنَّهُۥ
وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَمَا يُلَقَّىٰهَآ
إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿٣٥﴾ وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيْطَٰنِ نَزْغٌ
فَٱسْتَعِذْ بِٱللَّهِ ۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٣٦﴾ وَمِنْ ءَايَٰتِهِ
ٱلَّيْلُ وَٱلنَّهَارُ وَٱلشَّمْسُ وَٱلْقَمَرُ ۚ لَا تَسْجُدُواْ لِلشَّمْسِ
وَلَا لِلْقَمَرِ وَٱسْجُدُواْ لِلَّهِ ٱلَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ
إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٣٧﴾ فَإِنِ ٱسْتَكْبَرُواْ فَٱلَّذِينَ عِندَ
رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُۥ بِٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْـَٔمُونَ ۩ ﴿٣٨﴾

هرآئينه آنانكه گفتند پروردگار ما خداست باز قايم ماندند، فرشتگان [(٨)] برايشان فرود مى آيند كه مترسيد واندوه مخوريدوخوش حال شويد به بهشتى كه وعده داده مى شديد (٣٠). ما در زند گانى دنيا ودرآخرت نيز دوستان شماييم و براى شما درينجا آنچه را كه دلتان بخواهد هست وبرايتان در آنجاآنچه راكه درخواست كنيد هست (٣١). (به عنوان) مهمانى ازجانب (خداى) آمرزگارمهربان (٣٢). و كيست نيكوتر باعتبار سخن ازشخصى كه دعوت كرد مردمان را به سوى خدا وكار شايسته انجام داد و گفت هرآئينه من ازمسلمانانم (٣٣). ونيكى وبدى برابرنيست به شيوه اى كه آن بهتراست پاسخ دِه پس ناگاه آن كس كه ميان تووميان وى دشمنى است گويا وى دوست خويشاوند است (٣٤). وبه اين شيوه نايل نمى شوند مگر آنانكه صبر كردند به اين شيوه مگر صاحبِ نصيب بزرگ نايل نمى گردد (٣٥). وا گر ترا وسوسه بازگردانندهٔ آمده از شيطان باز گرداند پس به خدا پناه بر هرآئينه خدا شنواى دانا است (٣٦). وشب و روز وخورشيد وماه از نشانه هاى اوست براى خورشيد وهم براى ماه سجده نكنيد وبراى خدايى سجده كنيد كه اين چيز هارا آفريد ا گر شماهستيد فقط اورا عبادت مى كنيد (٣٧). پس اگرتكبر كنند كافران (چه باك) پس آنانكه نزديك پروردگارتواند اورا شب و روز به پاكى ياد مى كنند وايشان مانده نمى شوند (٣٨).

(٨) يعنى نزديكِ موت.

وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنَّكَ تَرَى ٱلْأَرْضَ خَٰشِعَةً فَإِذَآ أَنزَلْنَا عَلَيْهَا ٱلْمَآءَ
ٱهْتَزَّتْ وَرَبَتْ ۚ إِنَّ ٱلَّذِىٓ أَحْيَاهَا لَمُحْىِ ٱلْمَوْتَىٰٓ ۚ إِنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ
قَدِيرٌ ﴿٣٩﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِىٓ ءَايَٰتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَآ ۗ أَفَمَن
يُلْقَىٰ فِى ٱلنَّارِ خَيْرٌ أَم مَّن يَأْتِىٓ ءَامِنًا يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۚ ٱعْمَلُوا۟ مَا شِئْتُمْ ۖ
إِنَّهُۥ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤٠﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِٱلذِّكْرِ لَمَّا جَآءَهُمْ ۖ
وَإِنَّهُۥ لَكِتَٰبٌ عَزِيزٌ ﴿٤١﴾ لَّا يَأْتِيهِ ٱلْبَٰطِلُ مِنۢ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ
خَلْفِهِۦ ۖ تَنزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ﴿٤٢﴾ مَّا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ
لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ
﴿٤٣﴾ وَلَوْ جَعَلْنَٰهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَّقَالُوا۟ لَوْلَا فُصِّلَتْ ءَايَٰتُهُۥٓ ۖ
ءَا۬عْجَمِىٌّ وَعَرَبِىٌّ ۗ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ هُدًى وَشِفَآءٌ ۖ وَٱلَّذِينَ
لَا يُؤْمِنُونَ فِىٓ ءَاذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ
يُنَادَوْنَ مِن مَّكَانٍۭ بَعِيدٍ ﴿٤٤﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ
فَٱخْتُلِفَ فِيهِ ۗ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِىَ
بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّهُمْ لَفِى شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ ﴿٤٥﴾ مَّنْ عَمِلَ صَٰلِحًا
فَلِنَفْسِهِۦ ۖ وَمَنْ أَسَآءَ فَعَلَيْهَا ۗ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّٰمٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿٤٦﴾

وازنشانه های اوآنست که می بینی زمین را فرسوده پس وقتیکه برسرِآن آب را فرود آوردیم به جنبش آمدوبلند شد هرآئینه آنکه زمین را زنده کرده است البته زنده کنندهٔ مردگانست هرآئینه اوبرهمه چیز تواناست (٣٩). هرآئینه آنانکه درآیاتِ ما کج روی میکنند بر ما پوشیده نیستند آیا کسی که درآتش انداخته شود بهتراست یا کسی که ایمن شده روز قیامت بیاید هرچه خواهید بکنید هرآئینه خدا به آنچه می کنید بیناست (٤٠). هرآئینه آنانکه به قرآن وقتیکه بدیشان آمد کافرشدند (پوشیده نیستند ازما) و بتحقیق آن کتابی گرامی قدر است (٤١). به او باطل از پیش روی او وهم ازپس پشتِ او راه نمی یابد ازخدای دانای ستوده فرستاده شده است (٤٢). (یا محمد) گفته نمی شود تورا مگر آنچه گفته شدہ بود به پیامبرانِ پیش ازتو هرآئینه پروردگارتو خداوند آمرزش است وخداوند عقوبتِ درد ناك است (٤٣). وا گر این کتاب را قرآنی بزبان عجم می کردیم هرآئینه می گفتند (کافرانِ عرب) چرا آیاتِ او واضح کرده نشد آیا قرآن عجمی است ومخاطب عربی !! بگوقرآن برای مسلمانان هدایت وشفااست وآنانکه ایمان نمی آورند درگوش های ایشان گرانی است وقرآن برایشان مایهٔ کوریست این جماعت (به مَثَل چنانند) که ازجای دور آواز داده میشوند (٤٤). وهرآئینه موسیٰ را کتاب دادیم پس درآن اختلاف کرده شد واگر کلمهٔ تقدیر سابق صادر شده از پروردگارِتو نبودی البته درمیان ایشان فیصله کرده می‌شد وهرآئینه ایشان از قرآن درشك قوی اند (٤٥). هرکه کارنیك انجام دهد پس برای نفع خودش وهرکه بدکاری کند پس وبال برویست وپرودگارتو بربندگان ستم کننده نیست (٤٦).

۞ إِلَيۡهِ يُرَدُّ عِلۡمُ ٱلسَّاعَةِۚ وَمَا تَخۡرُجُ مِن ثَمَرَٰتٖ مِّنۡ أَكۡمَامِهَا وَمَا تَحۡمِلُ مِنۡ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلۡمِهِۦۚ وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ أَيۡنَ شُرَكَآءِي قَالُوٓاْ ءَاذَنَّٰكَ مَا مِنَّا مِن شَهِيدٖ ﴿٤٧﴾ وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَدۡعُونَ مِن قَبۡلُۖ وَظَنُّواْ مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٖ ﴿٤٨﴾ لَّا يَسۡـَٔمُ ٱلۡإِنسَٰنُ مِن دُعَآءِ ٱلۡخَيۡرِ وَإِن مَّسَّهُ ٱلشَّرُّ فَيَـُٔوسٞ قَنُوطٞ ﴿٤٩﴾ وَلَئِنۡ أَذَقۡنَٰهُ رَحۡمَةٗ مِّنَّا مِنۢ بَعۡدِ ضَرَّآءَ مَسَّتۡهُ لَيَقُولَنَّ هَٰذَا لِي وَمَآ أَظُنُّ ٱلسَّاعَةَ قَآئِمَةٗ وَلَئِن رُّجِعۡتُ إِلَىٰ رَبِّيٓ إِنَّ لِي عِندَهُۥ لَلۡحُسۡنَىٰۚ فَلَنُنَبِّئَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِمَا عَمِلُواْ وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنۡ عَذَابٍ غَلِيظٖ ﴿٥٠﴾ وَإِذَآ أَنۡعَمۡنَا عَلَى ٱلۡإِنسَٰنِ أَعۡرَضَ وَنَـَٔا بِجَانِبِهِۦ وَإِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ فَذُو دُعَآءٍ عَرِيضٖ ﴿٥١﴾ قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِن كَانَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ ثُمَّ كَفَرۡتُم بِهِۦ مَنۡ أَضَلُّ مِمَّنۡ هُوَ فِي شِقَاقِۭ بَعِيدٖ ﴿٥٢﴾ سَنُرِيهِمۡ ءَايَٰتِنَا فِي ٱلۡأٓفَاقِ وَفِيٓ أَنفُسِهِمۡ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمۡ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّۗ أَوَلَمۡ يَكۡفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ ﴿٥٣﴾ أَلَآ إِنَّهُمۡ فِي مِرۡيَةٖ مِّن لِّقَآءِ رَبِّهِمۡۗ أَلَآ إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَيۡءٖ مُّحِيطُۢ ﴿٥٤﴾

معرفت قیامت به سوی خدا حواله کرده میشود وبیرون نمی آید اجناس میوه ها ازغلاف های خود وهیچ ماده درشکم بارنمی‌گیرد وبارشکم را نمی نهد مگر بدانستِ خدا وروزیکه خدا ایشان را آواز دهد که کجایند شریکان من؟ گویند تورا خبردادیم که ازماهیچ کس گواهی دهندهٔ شریکان (باتو) نیست (٤٧). وازنظر ایشان آنچه می پرستیدند پیش ازین گم شد ودریابند که ایشان را هیچ راه رهایی نیست (٤٨). آدمی از طلبِ خیر مانده نمی شود و اگر سختی برسدش پس ناامید طمع برنده است (٤٩). اگر اورا بخشایشی ازجانبِ خود بعدازسختی‌ای که رسیده باشد بِوَی بچشانیم البته گوید که این برای من است [۹] ونمی پندارم که قیامت قایم شود و اگربالفرض مرا به سوی پروردگارمن باز گردانیده شود هرآئینه مرا نزدیكِ اوحالت خوش باشد پس البته کافران را به آنچه میکردند خبردارمی کنیم والبته ایشان راازعقوبتِ سخت بچشانیم (٥٠). وچون برآدمی انعام کنیم روی بگرداند و پُرغرور دور شود وچون رنج برسدش پس صاحب دعای بسیاراست (٥١). بگو آیا دیدید که اگر قرآن ازجانب خدا باشد باز به آن کافرشوید کیست گمراه تر از شخصی که در مخالفت دوراز صواب باشد (٥٢). ایشان را نشانه‌های خود در اطرافِ عالم ودرنفسهایشان نیز خواهیم نمایاند تاآنکه واضح شود برایشان که این سخن راست است آیا پروردگار تورا بس نیست آنکه اوبرهرچیز آگاه است (٥٣). آ گاه شو هرآئینه ایشان از ملاقات پرورد گارِخویش در شبهه اند آگاه شو هرآئینه خدا به همه چیزاحاطه دارد (٥٤).

---

(۹) یعنی خاطر جمع کندوخوف ازدلِ اوزایل شود والله اعلم.

سُورَةُ الشُّورَىٰ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

حمٓ ﴿١﴾ عٓسٓقٓ ﴿٢﴾ كَذَٰلِكَ يُوحِىٓ إِلَيْكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكَ
ٱللَّهُ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٣﴾ لَهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۖ
وَهُوَ ٱلْعَلِىُّ ٱلْعَظِيمُ ﴿٤﴾ تَكَادُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرْنَ مِن فَوْقِهِنَّ ۚ
وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِى
ٱلْأَرْضِ ۗ أَلَآ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٥﴾ وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُوا۟
مِن دُونِهِۦٓ أَوْلِيَآءَ ٱللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ وَمَآ أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ
﴿٦﴾ وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لِّتُنذِرَ أُمَّ ٱلْقُرَىٰ وَمَنْ
حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ ٱلْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ ۚ فَرِيقٌ فِى ٱلْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِى
ٱلسَّعِيرِ ﴿٧﴾ وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَٰحِدَةً وَلَٰكِن يُدْخِلُ مَن
يَشَآءُ فِى رَحْمَتِهِۦ ۚ وَٱلظَّٰلِمُونَ مَا لَهُم مِّن وَلِىٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٨﴾ أَمِ
ٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِهِۦٓ أَوْلِيَآءَ ۖ فَٱللَّهُ هُوَ ٱلْوَلِىُّ وَهُوَ يُحْىِ ٱلْمَوْتَىٰ وَهُوَ
عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿٩﴾ وَمَا ٱخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِن شَىْءٍ فَحُكْمُهُۥٓ
إِلَى ٱللَّهِ ۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبِّى عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿١٠﴾
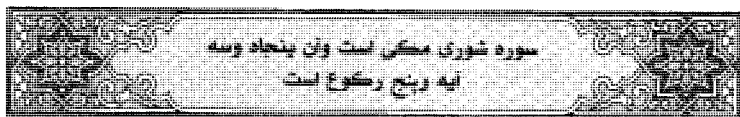
بنام خدای بخشاینده مهربان.

حٰمٓ (١). عٓسٓقٓ (٢). همچنین خدای غالب باحکمت به سوی تو و به سوی کسانیکه پیش ازتوبودند وحی میفرستد (٣). آنچه درآسمانها وآنچه درزمین است از آنِ خدا است واو بلند مرتبه بزرگ قدر است (٤). نزدیك است که آسمان ها از فرازشان بشگافند [١] وفرشتگان تسبیح میگویند به حمد پرورد گارخویش وآمرزش طلب می کنند برای آنانکه درزمین اند آگاه شو هرآئینه خدا او آمرزگار مهربان است (٥). کسانی که جزاو دوستانی گرفته اند، خدا برایشان نگهبان است وتوبرایشان متعهد نیستی (٦). وهمچنین به سوی توقرآن عربی را وحی فرستادیم تا اهل مکه را وآنان را که گردا گردِ آن هستند بترسانی واز روزقیامت بترسانی که درآن هیچ شکّی نیست گروهی در بهشت وگروهی دردوزخ باشند (٧). واگر خدا می‌خواست ایشان را یك امت قرا رمی داد ولیکن هرکرا بخواهد دررحمتِ خود درمی‌آورد و ستمگاران هیچ یارویاوری برای آنها نیست (٨). آیا جزازخدا دوستان گرفته اند پس خداهمونست کارساز وهمون فقط مردگان را زنده میکند واوبر هرچیز تواناست (٩). وآنچه درآن اختلاف کردید هرچه باشد پس فیصله اش به خدا حواله می گردد این است خدا پروردگارمن براوتوکل کردم به سوی اورجوع می کنم (١٠).

(١) یعنی ازهیبتِ الهی والله اعلم.

فَاطِرُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ جَعَلَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا
وَمِنَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ أَزۡوَٰجٗا يَذۡرَؤُكُمۡ فِيهِۚ لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞۖ وَهُوَ
ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ﴿١١﴾ لَهُۥ مَقَالِيدُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ يَبۡسُطُ
ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُۚ إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ﴿١٢﴾

ربع الحزب ٤٩

۞ شَرَعَ
لَكُم مِّنَ ٱلدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِۦ نُوحٗا وَٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ وَمَا
وَصَّيۡنَا بِهِۦٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰٓۖ أَنۡ أَقِيمُواْ ٱلدِّينَ
وَلَا تَتَفَرَّقُواْ فِيهِۚ كَبُرَ عَلَى ٱلۡمُشۡرِكِينَ مَا تَدۡعُوهُمۡ إِلَيۡهِۚ ٱللَّهُ
يَجۡتَبِيٓ إِلَيۡهِ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِيٓ إِلَيۡهِ مَن يُنِيبُ ﴿١٣﴾ وَمَا تَفَرَّقُوٓاْ
إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۚ وَلَوۡلَا كَلِمَةٞ سَبَقَتۡ
مِن رَّبِّكَ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى لَّقُضِيَ بَيۡنَهُمۡۚ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ أُورِثُواْ
ٱلۡكِتَٰبَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ لَفِي شَكّٖ مِّنۡهُ مُرِيبٖ ﴿١٤﴾ فَلِذَٰلِكَ
فَٱدۡعُۖ وَٱسۡتَقِمۡ كَمَآ أُمِرۡتَۖ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَهُمۡۖ وَقُلۡ
ءَامَنتُ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِن كِتَٰبٖۖ وَأُمِرۡتُ لِأَعۡدِلَ بَيۡنَكُمُۖ
ٱللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمۡۖ لَنَآ أَعۡمَٰلُنَا وَلَكُمۡ أَعۡمَٰلُكُمۡۖ لَا حُجَّةَ
بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمُۖ ٱللَّهُ يَجۡمَعُ بَيۡنَنَاۖ وَإِلَيۡهِ ٱلۡمَصِيرُ ﴿١٥﴾

آفریننده ٔ آسمان ها وزمین است برای شماازجنس شما زنان را پیداکرد واز جنس چهار پایان انواع گوناگون پیداکرد شمارا بااین تدبیر پرا کنده میکند مانندِ او (هیچ) چیزی نیست واو شنوای بینا است (۱۱). و کلید های آسمان ها وزمین برای اوست روزی را برای هرکسی که بخواهد وسعت میدهد وبرای هر کس که بخواهد تنگ میکند هرآئینه اوبهر چیز دانااست (۱۲). مقرر کرد برای شما ازآئین آنچه به‌اقامتِ آن نوح را امرکرده بود وآنچه به سوی تو وحی فرستادیم وآنچه به‌اقامتِ آن ابراهیم وموسیٰ وعیسیٰ را باین مضمون امرکردیم که دین را قائم کنید ودرآن متفرق نشوید دشوار آمد برمشرکان آنچه ایشان را بآن میخوانی، خدا هرکه را بخواهد به سوی خود برمی گزیند و به سوی خود هر که را که رجوع میکند هدایت مینماید [۲] (۱۳). وامتّها پرا گنده نشدند مگربعدازآن کِه بدیشان علم ودانش آمد ازروی حسد در بین آنها و اگر نمی بود سخنی که قبلاً ازپرورد گارتو صادر شدْ که تا زمانی معین مهلت داده شوند البته میانِ ایشان فیصله کرده میشد وهرآئینه آنانکه ایشان را کتاب آسمانی بعدازانبیاء داده شد البته به شدت درآن شبهه وشك دارند (١٤). پس به سوی دین دعوت کن وچنانچه امرشده اي پایدارباش وازخواهش های این کافران پیروی مکن وبگو به تمام آنچه فرود آورد خدا از هرکتاب که هست ایمان آوردم وامرشده‌ام که میانِ شما عدل وانصاف را جاری کنم خدا پروردگارمااست وپروردگار شمااست عملهای ما برای مااست وعملهای شما برای شمااست گفتگو یی بین ماو شما نیست خدا بین ماو شما جمع می کند [۳] وبازگشت به سوی اوست (۱۵).

---

(۲) یعنی به سوی حق، حاصل آن است که انبیاء علیهم السلام دراصولِ دین متفق اندواختلافِ شرائع فقط در فروع است والله اعلم.

(۳) یعنی روزقیامت.

وَٱلَّذِينَ يُحَآجُّونَ فِي ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا ٱسۡتُجِيبَ لَهُۥ حُجَّتُهُمۡ
دَاحِضَةٌ عِندَ رَبِّهِمۡ وَعَلَيۡهِمۡ غَضَبٞ وَلَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٌ
﴿١٦﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ وَٱلۡمِيزَانَۗ وَمَا يُدۡرِيكَ
لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ قَرِيبٞ ﴿١٧﴾ يَسۡتَعۡجِلُ بِهَا ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ
بِهَاۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مُشۡفِقُونَ مِنۡهَا وَيَعۡلَمُونَ أَنَّهَا ٱلۡحَقُّۗ
أَلَآ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُمَارُونَ فِي ٱلسَّاعَةِ لَفِي ضَلَٰلِۭ بَعِيدٍ ﴿١٨﴾
ٱللَّهُ لَطِيفُۢ بِعِبَادِهِۦ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُۖ وَهُوَ ٱلۡقَوِيُّ ٱلۡعَزِيزُ
﴿١٩﴾ مَن كَانَ يُرِيدُ حَرۡثَ ٱلۡأٓخِرَةِ نَزِدۡ لَهُۥ فِي حَرۡثِهِۦۖ وَمَن
كَانَ يُرِيدُ حَرۡثَ ٱلدُّنۡيَا نُؤۡتِهِۦ مِنۡهَا وَمَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ
مِن نَّصِيبٍ ﴿٢٠﴾ أَمۡ لَهُمۡ شُرَكَٰٓؤُاْ شَرَعُواْ لَهُم مِّنَ ٱلدِّينِ
مَا لَمۡ يَأۡذَنۢ بِهِ ٱللَّهُۚ وَلَوۡلَا كَلِمَةُ ٱلۡفَصۡلِ لَقُضِيَ بَيۡنَهُمۡۗ
وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿٢١﴾ تَرَى ٱلظَّٰلِمِينَ
مُشۡفِقِينَ مِمَّا كَسَبُواْ وَهُوَ وَاقِعُۢ بِهِمۡۗ وَٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فِي رَوۡضَاتِ ٱلۡجَنَّاتِۖ لَهُم
مَّا يَشَآءُونَ عِندَ رَبِّهِمۡۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَضۡلُ ٱلۡكَبِيرُ ﴿٢٢﴾

وآنانکه دردین خدا بعد ازآنکه قبول کرده شدفرمان او مجادله می کنند [٤] مجادله ایشان نزد پروردگارشان باطل است وبرایشان غضب وخشم است وبرایشان عذاب سخت است (۱٦). خداآنست که کتاب را به راستی وترازو را نیز فرود آورد وچه چیز تورا برحقیقتِ امر مطلع ساخت شاید که آمدنِ قیامت نزدیك باشد (۱۷). قیامت را زود طلب میکنند آنانکه بهآن ایمان ندارند وآنانکه باورداشته اند ازان ترسانند ومیدانند که آن راست وحقیقت است آگاه شو هرآئینه آنانکه درآمدن قیامت مجادله می کنند هرآئینه درگمراهی دُور هستند (۱۸). خدا بربندگان خود مهربان است روزی میدهد هرکه را خواهد واو توانای غالب است (۱۹). هرکه خواسته باشدکِشت آخرت را برای اودرکشتِ او بیفزاییم وهرکه کِشتِ دنیارا خواسته باشد اورا بعضی از دنیا بدهیم واورا درآخرت هیچ نصیبی نیست (۲۰). آیا کافران را شریکانی هستند که برای ایشان ازدین مقرر کردند آنچه که خدا آن را نفرموده است و اگر وعدهٔ فیصله کردن نبودی البته میانِ ایشان فیصله کرده میشد هرآئینه ستمکاران برایشان عذاب درد ناك است (۲۱). ببینی ستمکاران را ترسان ازجزای آنچه به عمل آورده اند وآن البته رسنده است به ایشان وآنانکه ایمان آورده اند وکارهای شایسته کرده اند در بوستان هاوسبزه زارها باشند، ایشان را آنچه درخواست کنند نزد پروردگار خویش باشد این فضلِ بزرگ است (۲۲).

---

(٤) یعنی جمعی دراسلام داخل شدند والله اعلم.

ذَٰلِكَ ٱلَّذِى يُبَشِّرُ ٱللَّهُ عِبَادَهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ ۗ
قُل لَّآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا ٱلْمَوَدَّةَ فِى ٱلْقُرْبَىٰ ۗ وَمَن يَقْتَرِفْ
حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُۥ فِيهَا حُسْنًا ۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٢٣﴾ أَمْ يَقُولُونَ
ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا ۖ فَإِن يَشَإِ ٱللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ ۗ وَيَمْحُ ٱللَّهُ
ٱلْبَٰطِلَ وَيُحِقُّ ٱلْحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦٓ ۚ إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿٢٤﴾
وَهُوَ ٱلَّذِى يَقْبَلُ ٱلتَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِۦ وَيَعْفُوا۟ عَنِ ٱلسَّيِّـَٔاتِ
وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٢٥﴾ وَيَسْتَجِيبُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟
ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِۦ ۚ وَٱلْكَٰفِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ
شَدِيدٌ ﴿٢٦﴾ ۞ وَلَوْ بَسَطَ ٱللَّهُ ٱلرِّزْقَ لِعِبَادِهِۦ لَبَغَوْا۟ فِى ٱلْأَرْضِ
وَلَٰكِن يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَآءُ ۚ إِنَّهُۥ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرٌۢ بَصِيرٌ ﴿٢٧﴾ وَهُوَ
ٱلَّذِى يُنَزِّلُ ٱلْغَيْثَ مِنۢ بَعْدِ مَا قَنَطُوا۟ وَيَنشُرُ رَحْمَتَهُۥ ۚ وَهُوَ ٱلْوَلِىُّ ٱلْحَمِيدُ
﴿٢٨﴾ وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦ خَلْقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَآبَّةٍ ۚ
وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَآءُ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾ وَمَآ أَصَٰبَكُم مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا
كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا۟ عَن كَثِيرٍ ﴿٣٠﴾ وَمَآ أَنتُم بِمُعْجِزِينَ
فِى ٱلْأَرْضِ ۖ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِىٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٣١﴾

نصف الحزب ٤٩

این آن ثواب است که خدا به آن بند گان خود را که ایمان آوردهاند وکارهای شایسته کردهاند مژده میدهد بگو ازشما برتبلیغ قرآن هیچ مزدی نمی طلبم لیکن باید که دوستی درمیان خویشاوندان پیش گیرید [٥] وهرکه نیکی بکند برای اودرآن پاداش نیکی می افزاییم هرآئینه خدا آمرزگار قدرشناس است (۲۳). آیا میگویند پیامبر برخدا دروغ را افترا کرده است پس اگر خدا خواهد بردلِ تو مُهرنهد وخدا بیهوده را نابود می سازد ودین درست را به سخن های خود اثبات می کند هرآئینه خدا به آنچه درسینه هاست داناست (٢٤). واوست آنکه توبه را از بند گان خود قبول میکند و از جرمها درمی گذرد وآنچه راکه می‌کنید میداند (٢٥). ودعای کسانی راکه ایمان آورده اند وکارهای شایسته کردهاند قبول می کند و ایشان را ازفضل خود زیاده میدهد وکافران برای ایشان عذاب سخت است (٢٦). واگر خدا روزی را بر بندگانش فراخ می گرداند البته درزمین فساد میکردند ولیکن به اندازهٔآنچه می خواهد فرودمی‌آورد هرآئینه خدابه بندگان خود دانای بیناست (۲۷). واوست آنکه باران را بعدازآنکه ناامیدشدند فرود می‌آورد ورحمتِ خود را پرا کنده میسازد واو کارساز ستوده کار است (۲۸). وازنشانه های اوآفریدن آسمان ها وزمین است وآفریدن آنچه دراین هردوازجانوران پراکنده کرده است واوبر جمع آوری ایشان وقتیکه بخواهد تواناست (۲۹). وهرچه بشما از مصیبت ها برسد پس ازدست آوردخودتان است وازبسیاری درمیگذرد (۳۰). وشما درزمین عاجز کننده نیستید وبرایتان جز خدا هیچ کارسازی ونصرت دهنده ای نیست (۳۱).

(٥) یعنی بامن صلهٔ رحمی کنید وایذانرسانید.

وَمِنْ ءَايَـٰتِهِ ٱلْجَوَارِ فِى ٱلْبَحْرِ كَٱلْأَعْلَـٰمِ ﴿٣٢﴾ إِن يَشَأْ يُسْكِنِ ٱلرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَىٰ ظَهْرِهِۦٓ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَـَٔايَـٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٣٣﴾ أَوْ يُوبِقْهُنَّ بِمَا كَسَبُوا۟ وَيَعْفُ عَن كَثِيرٍ ﴿٣٤﴾ وَيَعْلَمَ ٱلَّذِينَ يُجَـٰدِلُونَ فِىٓ ءَايَـٰتِنَا مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٍ ﴿٣٥﴾ فَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَىْءٍ فَمَتَـٰعُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا ۖ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٣٦﴾ وَٱلَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَـٰٓئِرَ ٱلْإِثْمِ وَٱلْفَوَٰحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا۟ هُمْ يَغْفِرُونَ ﴿٣٧﴾ وَٱلَّذِينَ ٱسْتَجَابُوا۟ لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَـٰهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣٨﴾ وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَابَهُمُ ٱلْبَغْىُ هُمْ يَنتَصِرُونَ ﴿٣٩﴾ وَجَزَٰٓؤُا۟ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا ۖ فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِ ۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلظَّـٰلِمِينَ ﴿٤٠﴾ وَلَمَنِ ٱنتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِۦ فَأُو۟لَـٰٓئِكَ مَا عَلَيْهِم مِّن سَبِيلٍ ﴿٤١﴾ إِنَّمَا ٱلسَّبِيلُ عَلَى ٱلَّذِينَ يَظْلِمُونَ ٱلنَّاسَ وَيَبْغُونَ فِى ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ ۚ أُو۟لَـٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤٢﴾ وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ ٱلْأُمُورِ ﴿٤٣﴾ وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن وَلِىٍّ مِّنۢ بَعْدِهِۦ ۗ وَتَرَى ٱلظَّـٰلِمِينَ لَمَّا رَأَوُا۟ ٱلْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّن سَبِيلٍ ﴿٤٤﴾

وازنشانه های او کشتی های مانندِ کوه ها دردریا روان است (۳۲). اگرخواهد باد را باز می دارد پس کشتی ها برپشت دریا ایستاده شود هرآئینه درین امر برای هرصبر کنندهٔ شکرگزارنده نشانه هاست (۳۳). یا اگرخواهد اهل کشتی هارا هلاك كند بسبب آنچه کردند واز بسیار تقصیرات درمیگذرد (٣٤). (تاانتقام کشدازایشان) وتا آنانکه خصومت می‌کنند درآیاتِ ما بدانند که ایشان راهیچ جای فرار (از عذاب) نیست (۳۵). پس هر آنچه که به شما داده شدْه است بهرهٔ زند گانی دنیاست وآنچه نزد خداست برای کسانیکه ایمان آورده اند و بر پروردگار خود توکل می‌کنند بهتر وماندگارتر است (٣٦). کسانیکه ازگناهان کبیره واز زشت کاریها پرهیزمی‌کنند وچون ایشان خشمگین شوند گذشت می‌کنند (۳۷). وآنانکه فرمان پروردگارخود را قبول کردند ونماز را برپاداشتند وکارایشان بایکدیگر ازسرِ مشورت باشد وازآنچه ایشان را روزی دادیم خرج می کنند (۳۸). وآنانکه چون تجاوزی به ایشان برسد، ایشان انتقام می کشند [٦] (۳۹). وسزای بدی بدی‌ای مانندِآن است پس هرکسی که درگذرد وقضیه رابه صلاح آورد پس پاداشِ اوبرخداست هرآئینه خدا ظالمان را دوست نمی دارد (٤٠). وهرآئینه کسی که انتقام گیرد بعد مظلوم شدنِ خود پس آن جماعت رابرایشان هیچ راه ملامت نیست (٤١). جزاین نیست که راه ملامت برآن جماعت است که برمردمان ظلم می کنند ودرزمین به ناحق فساد می طلبند آن جماعت بر ایشان عذاب درد ناك است (٤٢). وهرکه صبر کند وبیامرزد هرآئینه این صفت [۷] ازکارهای مقصوداست (٤٣). وهر که را خدا گمراه کند پس اوراهیچ کارسازی بعدازوی نیست ستمکاران چون عذاب را معاینه کنند ببینی می گویند آیا به سوی بازگشت هیچ راهی هست (٤٤).

(٦) مترجم گوید یعنی ا گربر ضعیفی ظالم تعدی کند بزرگانِ قبیله متفق شوند وانتقام گیرند والله اعلم.

(۷) مترجم گوید مغفرت در حقِ خود عزیمت است وانتقام رخصت ودر حقِ ضعفاء قوم انتقام لازم است مگر آن که ضعفاء درگذ رند والله اعلم.

وَتَرَىٰهُمۡ يُعۡرَضُونَ عَلَيۡهَا خَٰشِعِينَ مِنَ ٱلذُّلِّ يَنظُرُونَ
مِن طَرۡفٍ خَفِيّٖۗ وَقَالَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ
خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ وَأَهۡلِيهِمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ أَلَآ إِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ
فِي عَذَابٖ مُّقِيمٖ ﴿٤٥﴾ وَمَا كَانَ لَهُم مِّنۡ أَوۡلِيَآءَ يَنصُرُونَهُم
مِّن دُونِ ٱللَّهِۗ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن سَبِيلٍ ﴿٤٦﴾ ٱسۡتَجِيبُواْ
لِرَبِّكُم مِّن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَ يَوۡمٞ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِۚ مَا لَكُم
مِّن مَّلۡجَإٖ يَوۡمَئِذٖ وَمَا لَكُم مِّن نَّكِيرٖ ﴿٤٧﴾ فَإِنۡ أَعۡرَضُواْ
فَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ عَلَيۡهِمۡ حَفِيظًاۖ إِنۡ عَلَيۡكَ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُۗ وَإِنَّآ إِذَآ
أَذَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِنَّا رَحۡمَةٗ فَرِحَ بِهَاۖ وَإِن تُصِبۡهُمۡ سَيِّئَةُۢ
بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡ فَإِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ كَفُورٞ ﴿٤٨﴾ لِّلَّهِ مُلۡكُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ يَهَبُ لِمَن يَشَآءُ إِنَٰثٗا
وَيَهَبُ لِمَن يَشَآءُ ٱلذُّكُورَ ﴿٤٩﴾ أَوۡ يُزَوِّجُهُمۡ ذُكۡرَانٗا وَإِنَٰثٗاۖ
وَيَجۡعَلُ مَن يَشَآءُ عَقِيمًاۚ إِنَّهُۥ عَلِيمٞ قَدِيرٞ ﴿٥٠﴾ ۞ وَمَا كَانَ
لِبَشَرٍ أَن يُكَلِّمَهُ ٱللَّهُ إِلَّا وَحۡيًا أَوۡ مِن وَرَآيِٕ حِجَابٍ أَوۡ يُرۡسِلَ
رَسُولٗا فَيُوحِيَ بِإِذۡنِهِۦ مَا يَشَآءُۚ إِنَّهُۥ عَلِيٌّ حَكِيمٞ ﴿٥١﴾

ثلاثة أرباع الحزب ٤٩

وایشان را ببینی پیش آورده شوند نزدیكِ دوزخ متواضع شده از خواری به گوشهٔ چشم نیم کشاده می‌نگرند وگفتند اهل ایمان هرآئینه زیان کاران کسانی هستند که خویشتن را وخویشاوندانِ خود را روزقیامت زیان دادند آگاه شو هرآئینه ستمکاران درعذاب دایم باشند (٤٥). وایشان را کارسازان که ایشان را نصرت دهند بجز خدا نباشد وهرکه را خدا گمراه کند پس هیچ راه (نجاتی) برای اونیست (٤٦). فرمان پروردگار خود را قبول کنید پیش ازآنکه بیاید روزیکه آن رااز‌جانب خدا بازگشت نیست آن روز شماراهیچ پناهگاهی نیست وبرای شما هیچ بازخواست کننده ای نیست (٤٧). پس اگرروی بگردانند پس تورا برایشان نگهبان نفرستاده ایم، برتو جزرسانیدن (پیام إلهی) نیست وهرآئینه ماچون آدمی را ازجانب خود رحمتی بچشانیم به آن شادمان شود واگر به آدمیان مصیبتی برسد بسبب آن است که دست های ایشان فرستاده است پس هرآئینه آدمی ناسپاس است (٤٨). پادشاهی آسمان‌هاوزمین ازآنِ خدا است هر چه می خواهد می آفریند، عطا می کند دختران هرکه‌را خواهد وپسران عطامی‌کند هرکه را خواهد (٤٩). یا برای ایشان پسران ودختران را جمع می کند وهرکه را خواهد نازا میسازد هرآئینه اودانا ی توانا است (٥٠). و هیچ آدمی را ممکن نیست که خدابا او سخن گوید مگر باشارت یااز پس پرده یا فرشته را بفرستد پس نازل کند بحکم خدا آنچه خدا خواسته است هرآئینه خدابلند مرتبهٔ باحکمت است [٨] (٥١).

(٨) مترجم گوید اشارت: واین عبارت از دیدن خواب است وازالقای علم درخاطر بطریق الهام وازپسِ پرده عبارت ازآن است که آواز شنود وکسی را نبیند و قسم ثالث آنست که فرشته بصورت آدمی متمثل شود وسخن گوید والله اعلم.

وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا ۚ مَا كُنتَ تَدْرِى مَا ٱلْكِتَٰبُ
وَلَا ٱلْإِيمَٰنُ وَلَٰكِن جَعَلْنَٰهُ نُورًا نَّهْدِى بِهِۦ مَن نَّشَآءُ مِنْ عِبَادِنَا ۚ
وَإِنَّكَ لَتَهْدِىٓ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٥٢﴾ صِرَٰطِ ٱللَّهِ ٱلَّذِى لَهُۥ
مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۗ أَلَآ إِلَى ٱللَّهِ تَصِيرُ ٱلْأُمُورُ ﴿٥٣﴾

سُورَةُ الزُّخْرُفِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

حمٓ ﴿١﴾ وَٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُبِينِ ﴿٢﴾ إِنَّا جَعَلْنَٰهُ قُرْءَٰنًا عَرَبِيًّا
لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٣﴾ وَإِنَّهُۥ فِىٓ أُمِّ ٱلْكِتَٰبِ لَدَيْنَا
لَعَلِىٌّ حَكِيمٌ ﴿٤﴾ أَفَنَضْرِبُ عَنكُمُ ٱلذِّكْرَ صَفْحًا
أَن كُنتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ ﴿٥﴾ وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِن نَّبِىٍّ فِى
ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٦﴾ وَمَا يَأْتِيهِم مِّن نَّبِىٍّ إِلَّا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ
﴿٧﴾ فَأَهْلَكْنَآ أَشَدَّ مِنْهُم بَطْشًا وَمَضَىٰ مَثَلُ ٱلْأَوَّلِينَ
﴿٨﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ
خَلَقَهُنَّ ٱلْعَزِيزُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٩﴾ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ
مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠﴾

وهمچنین به سوی تو قرآن را ازکلامِ خود وحی فرستادیم تو نمیدانستی که چیست کتاب و نمیدانستی که چیست ایمان و لیکن وحی را روشنی ساخته ایم به آن هرکه‌را میخواهیم از بند گانِ خویش راه می نماییم وهرآئینه تو به سوی راه راست هدایت می کنی (۵۲). راهِ خدایی که آنچه در آسمان هاست وآنچه درزمین است ازآنِ اوست آ گاه شوکِه کارها به سوی خدا بازمیروند (۵۳).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

حٰمٓ (۱). قسم به کتاب واضح (۲). به یقین که ما این کتاب را قرآن عربی گرداندیم باشد که شما بفهمید (۳). وهرآئینه این کتاب درلوح محفوظ نزدِ ما ثبت است به درستیکه این کتاب بلند قدروباحکمت است [1] (٤). آیا ازشما اعراض کرده پند رابازداریم برای آن که گروهی ازحد رفته هستید (٥). ودرپیشینیان بسیار پیامبران را فرستادیم (٦). وبه ایشان هیچ پیامبری نمی آمد الّا به او استهزا میکردند (۷). پس شدیدتر ازقریش را [2] به جرم سرکشی هلاك کردیم وداستان نخستینیان مذکورشد (۸). و اگرازایشان سوال کنی که چه کس آسمان ها وزمین را بیافرید البته گویند که آنهارا خدای غالب دانا بیافرید (۹). وی آنست که برای شما زمین را بستری ساخت وبرای شما درزمین راه ها قرارداد تاباشد که شماراه یابید (۱۰).

(۱) مترجم گوید قسم خوردن به چیزی برای اثباتِ همان چیز یالازم آنچیز کنایت است بآنکه آنچیز خود دلیل خوداست چنانکه گویند «قسم بلبِ میگون تو وزلفِ شبگونِ توکه تو معشوقِ دلربائی» والله اعلم.

(۲) یعنی عادوثمود که از قریش قوی تربودند.

وَٱلَّذِى نَزَّلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءًۢ بِقَدَرٍ فَأَنشَرْنَا بِهِۦ بَلْدَةً مَّيْتًا ۚ
كَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ ﴿١١﴾ وَٱلَّذِى خَلَقَ ٱلْأَزْوَٰجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ
لَكُم مِّنَ ٱلْفُلْكِ وَٱلْأَنْعَٰمِ مَا تَرْكَبُونَ ﴿١٢﴾ لِتَسْتَوُۥا۟ عَلَىٰ ظُهُورِهِۦ
ثُمَّ تَذْكُرُوا۟ نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا ٱسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا۟ سُبْحَٰنَ
ٱلَّذِى سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُۥ مُقْرِنِينَ ﴿١٣﴾ وَإِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا
لَمُنقَلِبُونَ ﴿١٤﴾ وَجَعَلُوا۟ لَهُۥ مِنْ عِبَادِهِۦ جُزْءًا ۚ إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ
لَكَفُورٌ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾ أَمِ ٱتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَىٰكُم
بِٱلْبَنِينَ ﴿١٦﴾ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَٰنِ مَثَلًا
ظَلَّ وَجْهُهُۥ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿١٧﴾ أَوَمَن يُنَشَّؤُا۟ فِى
ٱلْحِلْيَةِ وَهُوَ فِى ٱلْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ ﴿١٨﴾ وَجَعَلُوا۟ ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ
ٱلَّذِينَ هُمْ عِبَٰدُ ٱلرَّحْمَٰنِ إِنَٰثًا ۚ أَشَهِدُوا۟ خَلْقَهُمْ ۚ سَتُكْتَبُ
شَهَٰدَتُهُمْ وَيُسْـَٔلُونَ ﴿١٩﴾ وَقَالُوا۟ لَوْ شَآءَ ٱلرَّحْمَٰنُ مَا عَبَدْنَٰهُم ۗ
مَّا لَهُم بِذَٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ ۖ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْ ءَاتَيْنَٰهُمْ
كِتَٰبًا مِّن قَبْلِهِۦ فَهُم بِهِۦ مُسْتَمْسِكُونَ ﴿٢١﴾ بَلْ قَالُوٓا۟ إِنَّا
وَجَدْنَآ ءَابَآءَنَا عَلَىٰٓ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم مُّهْتَدُونَ ﴿٢٢﴾

ووی آنست که ازآسمان آبی را باندازه فرودآورد پس به‌آن سرزمین مُرده را زنده کردیم همچنین برآورده خواهید شد [۳] (۱۱). ووی آنست که تمام اقسام حیوانات را بیافرید وبرای شما ازکشتی ها وازچهارپایان چیزی را که برآن سوار می شوید ساخت (۱۲). تاراست برپشت های مرکوب بنشینید سپس نعمتِ پروردگارِخود را وقتی که راست نشستید برآن یاد کنید وبگویید پاکست آن ذاتی که برای مااین مرکوب را مسخرساخت وما برآن توانا نبودیم (۱۳). وهرآئینه ما به سوی پروردگارخویش رجوع کنندگانیم (١٤). وبرای خدا ازبندگان او اولاد قرار دادند هرآئینه آدمی ناسپاس ظاهراست (١٥). آیاخدااز مخلوقاتِ خود دختران را فرا گرفت و شمارا به پسران برگزیده است (١٦). وچون یکی ازایشان بتولد آنچه برای رحمن مثل ساخته است مژده داده شود [٤] روی اوسیاه گردد واوغمگین باشد (۱۷). آیاآنراکه در زیور پرورده می‌شود واو درصفِ خصومت ودشمنی ظاهر نمی گردد (۱۸). وفرشتگان را که آنان بندگان رحمٰن اند زنها قراردادند آیا هنگام آفرینش ایشان حاضر بودند این گواهی ایشان نوشته خواهد شد وپرسیده خواهندشد (۱۹). وگفتند (کافران) اگر رحمٰن می خواست این فرشتگان را پرستش نمیکردیم ایشان را باین ادعا دانش نیست، ایشان مگردروغ گو نیستند (۲۰). آیا ایشانرا کتابی پیش ازقرآن داده ایم پس ایشان بآن کتاب چنگ زننده اند (هرگزنه) (۲۱). بلکه گفتند هرآئینه ما پدرانِ خود را بردینی یافتیم وهرآئینه مابرپی (اتباع) ایشان راه یافتگانیم (۲۲).

---

(۳) یعنی ازقبور.

(٤) یعنی به تولد دختری والله اعلم.

وَكَذَٰلِكَ مَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ فِي قَرۡيَةٖ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتۡرَفُوهَآ إِنَّا وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا عَلَىٰٓ أُمَّةٖ وَإِنَّا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم مُّقۡتَدُونَ ﴿٢٣﴾ ۞ قَٰلَ أَوَلَوۡ جِئۡتُكُم بِأَهۡدَىٰ مِمَّا وَجَدتُّمۡ عَلَيۡهِ ءَابَآءَكُمۡۖ قَالُوٓاْ إِنَّا بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ ﴿٢٤﴾ فَٱنتَقَمۡنَا مِنۡهُمۡۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ ﴿٢٥﴾ وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦٓ إِنَّنِي بَرَآءٞ مِّمَّا تَعۡبُدُونَ ﴿٢٦﴾ إِلَّا ٱلَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُۥ سَيَهۡدِينِ ﴿٢٧﴾ وَجَعَلَهَا كَلِمَةَۢ بَاقِيَةٗ فِي عَقِبِهِۦ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ﴿٢٨﴾ بَلۡ مَتَّعۡتُ هَٰٓؤُلَآءِ وَءَابَآءَهُمۡ حَتَّىٰ جَآءَهُمُ ٱلۡحَقُّ وَرَسُولٞ مُّبِينٞ ﴿٢٩﴾ وَلَمَّا جَآءَهُمُ ٱلۡحَقُّ قَالُواْ هَٰذَا سِحۡرٞ وَإِنَّا بِهِۦ كَٰفِرُونَ ﴿٣٠﴾ وَقَالُواْ لَوۡلَا نُزِّلَ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانُ عَلَىٰ رَجُلٖ مِّنَ ٱلۡقَرۡيَتَيۡنِ عَظِيمٍ ﴿٣١﴾ أَهُمۡ يَقۡسِمُونَ رَحۡمَتَ رَبِّكَۚ نَحۡنُ قَسَمۡنَا بَيۡنَهُم مَّعِيشَتَهُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۚ وَرَفَعۡنَا بَعۡضَهُمۡ فَوۡقَ بَعۡضٖ دَرَجَٰتٖ لِّيَتَّخِذَ بَعۡضُهُم بَعۡضٗا سُخۡرِيّٗاۗ وَرَحۡمَتُ رَبِّكَ خَيۡرٞ مِّمَّا يَجۡمَعُونَ ﴿٣٢﴾ وَلَوۡلَآ أَن يَكُونَ ٱلنَّاسُ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ لَّجَعَلۡنَا لِمَن يَكۡفُرُ بِٱلرَّحۡمَٰنِ لِبُيُوتِهِمۡ سُقُفٗا مِّن فِضَّةٖ وَمَعَارِجَ عَلَيۡهَا يَظۡهَرُونَ ﴿٣٣﴾

وهمچنین پیش ازتودرهیچ دِهی ترساننده ای را نفرستادیم مگرگفتند منعمانِ آن ده هرآئینه ما پدران خودرا بردینی یافتیم وهرآئینه مابرپی ایشان متابعت کنندگانیم (۲۳). گفت (پیامبر) آیا متابعتِ پدران مینمایید اگرچه آورده باشم برایتان دینی که زیاده ترراه نماینده است ازآنچه برآن پدران خود را یافتید گفتند هرآئینه مابه‌آنچه فرستاده شدید به آن، کافرهستیم (٢٤). پس ازایشان انتقام گرفتیم پس درنگر چگونه بود عاقبت تکذیب کنندگان (۲۵). ویادکن چون ابراهیم به پدرخود وقومِ خود گفت هرآئینه من بیزارم ازآنچه شما پرستش می کنید (۲٦). الّا آن کسی که مرا بیافرید پس هرآئینه اومرا هدایت خواهد کرد (۲۷). وخدای تعالی کلمهٔ توحید را سخنی باقی مانده درفرزندانِ او قرارداد تاباشدکه کافران رجوع کنند [٥] (۲۸). بلکه ایشان را و پدران ایشان را بهره مند ساختم تاوقیتکه بدیشان دین راست وپیامبر ظاهر آمد (۲۹). وآنگاه که بدیشان دین راست آمد گفتند این جادوی‌است وهرآئینه مابدان کافرهستیم (۳۰). وگفتند چرا این قرآن برمردی بزرگ ازاهل این دودِه فروفرستاده نشد [٦] (۳۱). آیاایشان رحمتِ پروردگار تورا قسمت می کنند ما میانِ ایشان زیستمایهٔ ایشان را درزند گانی‌دنیا قسمت کرده ایم وبعض ایشان را بر بعضی بلند مرتبه ساختیم تاکه بعض ایشان بعضی را خدمتگزار گیرد [۷] ورحمتِ پروردگارتو بهترست ازآنچه جمع میکنند (۳۲). واگر احتمال آن نمی بود که مردمان همه یك امت میشوند البته برای خانه های کساني که به خدا رحمان کفرمی ورزند، سیمین سقفهایی قرارمی دادیم و(نیز) نردبانهایی که برآن بالابروند (۳۳).

---

(٥) یعنی انبیاء واولیا در اولاد حضرت ابراهیم علیه السلام پیداشدند.
(٦) یعنی بر یکی ازثروتمندان مکه وطائف والله اعلم.
(۷) یعنی بچشم حقارت نباید ننگرد والله اعلم.

وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَٰبًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِـُٔونَ ﴿٣٤﴾ وَزُخْرُفًا وَإِن كُلُّ ذَٰلِكَ لَمَّا مَتَٰعُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَٱلْـَٔاخِرَةُ عِندَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٣٥﴾ وَمَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ ٱلرَّحْمَٰنِ نُقَيِّضْ لَهُۥ شَيْطَٰنًا فَهُوَ لَهُۥ قَرِينٌ ﴿٣٦﴾ وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ ﴿٣٧﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَنَا قَالَ يَٰلَيْتَ بَيْنِى وَبَيْنَكَ بُعْدَ ٱلْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ ٱلْقَرِينُ ﴿٣٨﴾ وَلَن يَنفَعَكُمُ ٱلْيَوْمَ إِذ ظَّلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِى ٱلْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿٣٩﴾ أَفَأَنتَ تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ أَوْ تَهْدِى ٱلْعُمْىَ وَمَن كَانَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٤٠﴾ فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُم مُّنتَقِمُونَ ﴿٤١﴾ أَوْ نُرِيَنَّكَ ٱلَّذِى وَعَدْنَٰهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِم مُّقْتَدِرُونَ ﴿٤٢﴾ فَٱسْتَمْسِكْ بِٱلَّذِىٓ أُوحِىَ إِلَيْكَ ۖ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٤٣﴾ وَإِنَّهُۥ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ ۖ وَسَوْفَ تُسْـَٔلُونَ ﴿٤٤﴾ وَسْـَٔلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رُّسُلِنَآ أَجَعَلْنَا مِن دُونِ ٱلرَّحْمَٰنِ ءَالِهَةً يُعْبَدُونَ ﴿٤٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِي۟هِۦ فَقَالَ إِنِّى رَسُولُ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٤٦﴾ فَلَمَّا جَآءَهُم بِـَٔايَٰتِنَآ إِذَا هُم مِّنْهَا يَضْحَكُونَ ﴿٤٧﴾

وبرای خانه های ایشان نیز دروازه هایی ازنقره وتخت هایی که برآن تکیه زده بنشینند (۳٤). وتجمل بسیار ساختیم، ونیست همه این مگر اندك بهره مندی زندگانی دنیا، وآخرت نزد پرورد گارتو برای متقیان است (۳۵). وهرکه ازیاد رحمٰن غافل شود برگماریم برای اوشیطانی پس آن شیطان اورا همنشین بُوَد (۳٦). وهرآئینه شیاطین آدمیان را ازراه بازمیدارند وآدمیان می پندارند که ایشان راه یافتگانند (۳۷). تاآنوقت که چون آدمی پیش ما بیاید باشیطان خود گوید ای کاش درمیان من ودرمیان تومسافتِ مشرق ومغرب بودی پس تو بدهمنشینی هستی (۳۸). و(گوییم) شمارا امروز سود ندهد ازبس که ستم کرده اید آنکه شما درعذاب باهم شریك باشید (۳۹). (یا محمد) آیا تو میتوانی شنوانیدن کران را یا راه میتوانی نمودن کوران را وآن کس را که در گمراهی ظاهراست (٤۰). پس اگرازین عالم تورا ببریم پس البته ماازین جماعت انتقام گیرندگانیم (٤۱). یا اینست که تورا بنماییم آنچه به ایشان وعده دادیم پس هرآئینه ما برایشان تواناییم (٤۲). پس به آنچه وحی فرستاده شد به سوی تو چنگ زن هرآئینه تو برراه راستی (٤۳). وهرآئینه قرآن برای تو وبرای قوم تو پنداست وشماسوال کرده خواهید شد (٤٤). وبپرس احوال آنان‌راکه فرستاده بودیم پیش ازتو ازپیامبرانِ خود آیا قرارداده بودیم معبودانی دیگر غیراز خدا که آنهارا پرستش کرده شود (٤۵). بدرستیکه موسیٰ را به نشانه های خود به سوی فرعون واشرافِ قومِ او فرستادیم پس گفت هرآئینه من پیامبر پرورد گارِ عالمهایم (٤٦). پس آن هنگام که به ایشان بانشانه‌های ما آمد نا گهان به آن نشانه‌ها می‌خندیدند (٤۷).

وَمَا نُرِيهِم مِّنْ ءَايَةٍ إِلَّا هِىَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا ۖ وَأَخَذْنَٰهُم بِٱلْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤٨﴾ وَقَالُوا۟ يَٰٓأَيُّهَ ٱلسَّاحِرُ ٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ ٱلْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنكُثُونَ ﴿٥٠﴾ وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِى قَوْمِهِۦ قَالَ يَٰقَوْمِ أَلَيْسَ لِى مُلْكُ مِصْرَ وَهَٰذِهِ ٱلْأَنْهَٰرُ تَجْرِى مِن تَحْتِىٓ ۖ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٥١﴾ أَمْ أَنَا۠ خَيْرٌ مِّنْ هَٰذَا ٱلَّذِى هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ ﴿٥٢﴾ فَلَوْلَآ أُلْقِىَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّن ذَهَبٍ أَوْ جَآءَ مَعَهُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ مُقْتَرِنِينَ ﴿٥٣﴾ فَٱسْتَخَفَّ قَوْمَهُۥ فَأَطَاعُوهُ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا۟ قَوْمًا فَٰسِقِينَ ﴿٥٤﴾ فَلَمَّآ ءَاسَفُونَا ٱنتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَٰهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٥﴾ فَجَعَلْنَٰهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْءَاخِرِينَ ﴿٥٦﴾ ۞ وَلَمَّا ضُرِبَ ٱبْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ ﴿٥٧﴾ وَقَالُوٓا۟ ءَأَٰلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ ۚ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًۢا ۚ بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ﴿٥٨﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَٰهُ مَثَلًا لِّبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ﴿٥٩﴾ وَلَوْ نَشَآءُ لَجَعَلْنَا مِنكُم مَّلَٰٓئِكَةً فِى ٱلْأَرْضِ يَخْلُفُونَ ﴿٦٠﴾

ربع الحزب ٥٠

و به ایشان هیچ نشانه ای نمی نمودیم مگر وی بزرگ تربود ازقرین خود وایشانرا به عقوبت گرفتار کردیم باشد که ایشان رجوع کنند (٤٨). وگفتند ای جادوگر برای ماپروردگار خود را به عهدی که با تودارد دعاکن هرآئینه ماراه یافتگانیم [۸] (٤٩). پس آنهنگام که ازایشان عقوبت را دورکردیم ناگهان ایشان عهد می‌شکنند (٥٠). وفرعون درمیان قوم خود آوازداد گفت ای قوم من آیا پادشاهی مصر و این جویها که میرود اززیر قصر من ازآنِ من نیست آیا نمی بینید؟ (٥١). (نه) بلکه من بهترم ازین شخص که وی خوارست ونزدیك نیست که سخن واضح گوید [۹] (٥٢). پس چرا فرود آورده نشد برین شخص دست بندهایی از زر یا چرا همراه اوفرشتگان مجتمع شده نیامدند (٥٣). پس قوم خود را بی عقل کرد پس فرمان اورا قبول کردند هر آئینه ایشان گروه فاسق بودند (٥٤). پس آن هنگام که مارا بخشم آوردند ازایشان انتقام گرفتیم پس همگی ایشان را غرق ساختیم (٥٥). پس ایشانرا داستانی برای آیندگان قراردادیم (٥٦). وآنگاه [۱۰] که داستان به پسر مریم زده شد نا گهان قوم توازین داستان (به ریشخند) آوازبلند می کنند (٥٧). وگفتند آیا معبودان مابهترند یا عیسیٰ، آن مثل را برای تو جز به جدال نزدند بلکه ایشان قومی خصومت کننده اند (٥٨). نیست عیسیٰ مگربنده ای که بروی انعام کرده ایم واورا برای بنی اسرائیل نشانه‌ای قرار دادیم (٥٩). واگرمیخواستیم البته قرارمی‌دادیم به جای شما فرشتگان را که درزمین خلیفه شوند (٦٠).

---

(۸) یعنی مسلمان شویم.

(۹) یعنی درزبان حضرت موسیٰ علیه السلام لکنت بود والله اعلم.

(۱۰) مترجم گوید براین مسئله که هیچکس غیر خدای تعالی معبود نیست مشرکان ایراد کردند که ترسایان عیسیٰ رامی پرستند واگروی نیز معبود نبود ما راضی شدیم که آلهه مابا عیسیٰ باشند وگمان کردند که بحجت غالب آمدند خدای تعالی کشفِ شبهه فرمود والله اعلم.

وَإِنَّهُۥ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَٱتَّبِعُونِ ۚ هَٰذَا صِرَٰطٌ
مُّسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ ۖ إِنَّهُۥ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ
﴿٦٢﴾ وَلَمَّا جَآءَ عِيسَىٰ بِٱلْبَيِّنَٰتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُم بِٱلْحِكْمَةِ
وَلِأُبَيِّنَ لَكُم بَعْضَ ٱلَّذِى تَخْتَلِفُونَ فِيهِ ۖ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ
﴿٦٣﴾ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ رَبِّى وَرَبُّكُمْ فَٱعْبُدُوهُ ۚ هَٰذَا صِرَٰطٌ مُّسْتَقِيمٌ
﴿٦٤﴾ فَٱخْتَلَفَ ٱلْأَحْزَابُ مِنۢ بَيْنِهِمْ ۖ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا۟
مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ أَلِيمٍ ﴿٦٥﴾ هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا ٱلسَّاعَةَ أَن
تَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٦﴾ ٱلْأَخِلَّآءُ يَوْمَئِذٍۭ
بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا ٱلْمُتَّقِينَ ﴿٦٧﴾ يَٰعِبَادِ لَا خَوْفٌ
عَلَيْكُمُ ٱلْيَوْمَ وَلَآ أَنتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٦٨﴾ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا
وَكَانُوا۟ مُسْلِمِينَ ﴿٦٩﴾ ٱدْخُلُوا۟ ٱلْجَنَّةَ أَنتُمْ وَأَزْوَٰجُكُمْ
تُحْبَرُونَ ﴿٧٠﴾ يُطَافُ عَلَيْهِم بِصِحَافٍ مِّن ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ ۖ
وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ ٱلْأَنفُسُ وَتَلَذُّ ٱلْأَعْيُنُ ۖ وَأَنتُمْ فِيهَا
خَٰلِدُونَ ﴿٧١﴾ وَتِلْكَ ٱلْجَنَّةُ ٱلَّتِىٓ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ
تَعْمَلُونَ ﴿٧٢﴾ لَكُمْ فِيهَا فَٰكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِّنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٣﴾

وهرآئینه عیسیٰ نشانه ای برای قیامت است پس هرگز درقیامت شك مكنید (بگو یا محمد) پیروی من کنید اینست راه راست (٦١). وشیطان شمارا بازندارد هرآئینه اودرحق شمادشمن ظاهراست (٦٢). وآنگاه که عیسی بامعجزه ها آمد گفت برای شما حکمت را آورده‌ام وآمده‌ام تابیان کنم برای شما بعض آنچه درآن اختلاف می کنید پس ازخدا بترسید وازمن اطاعت کنید (٦٣). هرآئینه خدا پروردگار من و پروردگار شماست پس اورا بپرستید این است راه راست (٦٤). پس جماعت ها درمیان خویش اختلاف کردند پس وای آنان را که ستم کردند ازعقوبتِ روزِ دردناك (٦٥). انتظار نمی کنند مگرقیامت را که بدیشان نا گهان بیاید درحالیکه ایشان بی خبر باشند (٦٦). آنروز دوستان بعض ایشان بابعض دیگر دشمن باشند مگر پرهیزگاران (٦٧). (گفته شود) ای بندگانِ من امروز برشما هیچ ترسي نیست و نه شما اندوهگین شوید (٦٨). آن کسانیکه به آیت های ما ایمان آوردند ومسلمان بودند (٦٩). (گفته شود) شماوزنان شما خوشحال شده به بهشت درآیید (٧٠). گردانیده شود برایشان کاسه های پهن از زر و کوزه‌ها نیز و دربهشت آنچه نفس ها خواهش کنند باشد وازدیدن اوچشم‌ها لذت ببرند وشما درآنجا جاویدان باشید (٧١). واین آن بهشت است که شمارا بسبب آنچه عمل می کردید عطا کرده شد (٧٢). برای شما درآنجامیوه بسیار است که ازآن میخورید (٧٣).

إِنَّ ٱلْمُجْرِمِينَ فِى عَذَابِ جَهَنَّمَ خَٰلِدُونَ ﴿٧٤﴾ لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٥﴾ وَمَا ظَلَمْنَٰهُمْ وَلَٰكِن كَانُوا۟ هُمُ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٧٦﴾ وَنَادَوْا۟ يَٰمَٰلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ ۖ قَالَ إِنَّكُم مَّٰكِثُونَ ﴿٧٧﴾ لَقَدْ جِئْنَٰكُم بِٱلْحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَٰرِهُونَ ﴿٧٨﴾ أَمْ أَبْرَمُوٓا۟ أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ ﴿٧٩﴾ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَىٰهُم ۚ بَلَىٰ وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ ﴿٨٠﴾ قُلْ إِن كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ وَلَدٌ فَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلْعَٰبِدِينَ ﴿٨١﴾ سُبْحَٰنَ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ رَبِّ ٱلْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٨٢﴾ فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا۟ وَيَلْعَبُوا۟ حَتَّىٰ يُلَٰقُوا۟ يَوْمَهُمُ ٱلَّذِى يُوعَدُونَ ﴿٨٣﴾ وَهُوَ ٱلَّذِى فِى ٱلسَّمَآءِ إِلَٰهٌ وَفِى ٱلْأَرْضِ إِلَٰهٌ ۚ وَهُوَ ٱلْحَكِيمُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٨٤﴾ وَتَبَارَكَ ٱلَّذِى لَهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِندَهُۥ عِلْمُ ٱلسَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٥﴾ وَلَا يَمْلِكُ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ ٱلشَّفَٰعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ بِٱلْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ ۖ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ﴿٨٧﴾ وَقِيلِهِۦ يَٰرَبِّ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ قَوْمٌ لَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾ فَٱصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَٰمٌ ۚ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾

هرآئینه گنهکاران درعذابِ دوزخ جاویدان اند (۷٤). ازایشان عقوبت سست کرده نمی شود وایشان درآن عذاب نااميد شده خاموش باشند (۷٥). وبر ایشان ستم نکردیم ولیکن ایشان ستمکاران بودند (۷٦). وآوازدهندکه ای مالك باید که پرورد گارتو برما به مرگ حکم کند، مالك گوید هرآئینه شما همیشه باشندگانید (۷۷). به درستیکه برایتان حق را آورده ایم ولیکن اکثر شما حق را ناخو ش دارید (۷۸). آیا برکاری عزم مصمم کرده اند پس هرآئینه مانیز عزم مصمم کنندگانیم (۷۹). آیامی پندارند که ما راز و (سخن) سرگوشی ایشانرا نمی شنویم آری می‌شنویم وفرستادگانِ ما نزدیك ایشان می نویسند (۸۰). بگو اگر به فرض رحمٰن را فرزندی باشد پس من نخستین عبادت کنندگان باشم (۸۱). پروردگارآسمان‌ها وزمین خداوندِعرش ازآنچه بیان می کنند پاکست (۸۲). پس بگذارایشان را تا درباطل بحث کنند وبازی پیش‌گیرندتاآنکه به آن روزخود که ایشان را وعده داده میشود ملاقات کنند (۸۳). واوست آنکه درآسمان معبود است و(نیز) در زمین معبود است واو باحکمت دانا است (۸٤). وبسیاربابرکت است آنکه پاشاهی آسمان هاوزمین وآنچه درمیان هردواست برای اواست وعلم قیامت نزد اوست وبه سوی او بازگردانیده شوید (۸٥). و آنانکه کفار آنهارا به جای خدا به پرستش می خوانند اختیار شفاعت ندارند مگر کسی (چنین حقّی دارَد) که گواهی راست داده باشد وایشان میدانند [۱۱] (۸٦). وا گر ازایشان سوال کنی که کدام کس ایشانرا بیافرید البته گویند خدا آفریده است پس چگونه (ازعبادت خدا) برگردانیده میشوند (۸۷). و (بسا آگاهی از) دعای پیامبر که ای پروردگارمن هرآئینه ایشان گروهی هستند که ایمان نمی آورند (۸۸). پس (فرمودیم) رویگردان ازایشان وبگوسلامِ وداع پس خواهند دانست (۸۹).

(۱۱) یعنی اهل توحید را شفاعت کنند.

سُورَةُ الدُّخَانِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

حمٓ ﴿١﴾ وَٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُبِينِ ﴿٢﴾ إِنَّآ أَنزَلْنَٰهُ فِى لَيْلَةٍ مُّبَٰرَكَةٍۚ
إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ﴿٣﴾ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ﴿٤﴾ أَمْرًا
مِّنْ عِندِنَآۚ إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿٥﴾ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَۚ إِنَّهُۥ هُوَ
ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٦﴾ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَآۖ
إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ ﴿٧﴾ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْىِۦ وَيُمِيتُۖ رَبُّكُمْ
وَرَبُّ ءَابَآئِكُمُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٨﴾ بَلْ هُمْ فِى شَكٍّ يَلْعَبُونَ ﴿٩﴾
فَٱرْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِى ٱلسَّمَآءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ ﴿١٠﴾ يَغْشَى ٱلنَّاسَۖ
هَٰذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١﴾ رَّبَّنَا ٱكْشِفْ عَنَّا ٱلْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ
﴿١٢﴾ أَنَّىٰ لَهُمُ ٱلذِّكْرَىٰ وَقَدْ جَآءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿١٣﴾ ثُمَّ
تَوَلَّوْا۟ عَنْهُ وَقَالُوا۟ مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ ﴿١٤﴾ إِنَّا كَاشِفُوا۟ ٱلْعَذَابِ قَلِيلًاۚ
إِنَّكُمْ عَآئِدُونَ ﴿١٥﴾ يَوْمَ نَبْطِشُ ٱلْبَطْشَةَ ٱلْكُبْرَىٰٓ إِنَّا مُنتَقِمُونَ
﴿١٦﴾ ۞ وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَآءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ
﴿١٧﴾ أَنْ أَدُّوٓا۟ إِلَىَّ عِبَادَ ٱللَّهِۖ إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٨﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

حٰمٓ (۱). قسم به کتاب واضح (۲). که هرآئینه ما این کتاب را درشب مبارك [۱] نازل کردیم هرآئینه ما ترساننده بودیم (۳). درآن شب مبارك هرکار باحکمت فیصله کرده میشود (٤). آنرا ازنزدخویش بوحی فرودآوردیم هرآئینه ما فرستنده بودیم [۲] (٥). بسبب بخشایش ازنزدِ پروردگار توهرآئینه او شنوای‌دانا است (٦). پروردگار آسمانها وزمین وآنچه درمیان این هردواست اگر شما یقین کننده هستید (۷). هیچ معبود برحقّی مگراو نیست زنده میکند ومی میراند پروردگار شمااست وپروردگار پدران پیشین شمااست (۸). بلکه کافران در شك اند بازی می کنند (۹). پس روزی را منتظر باش که آسمان دودی ظاهر بیاورد (۱۰). که مردمان را فروگیرد این عذابی دردناك است (۱۱). (گویند) ای پروردگار ما ازماعذاب را دورکن هرآئینه مسلمان میشویم (۱۲). چگونه‌ایشان را پند گرفتن بُوَد و بتحقیق که بدیشان پیامبر ظاهر آمده بود (۱۳). باز ازاو روی‌گردانیدند وگفتند این شخص آموخته شدهٔ دیوانه است (١٤). هرآئینه ما اندکی دور کنندهٔ عذابیم هرآئینه شما به (کفر) بازخواهیدگشت (١٥). روزی که درگرفت کنیم (به) آن درگرفت بزرگ هرآئینه ماانتقام گیرنده ایم [۳] (١٦). وبه راستی ما پیش ازایشان قوم فرعون را امتحان کردیم و بدیشان پیامبری گرامی قدر آمد (۱۷). (باین سخن که) به من بند گان خدارا [٤] واگذار کنید هرآئینه من برای شما پیامبر باامانتم (۱۸).

---

(۱) یعنی لیلة القدر.

(۲) یعنی برپیامبر آن‌رافرود آوردیم.

(۳) مترجم گوید این وعده متحقق شد خدای تعالی قریش را در قحط انداخت تاآنکه ازشدتِ گرسنگی یاازکثرت بخار در جَوّ چون دودی محسوس می شدوایشان بخدای تعالی رجوع کردند خدای تعالی قحط را دور فرمود بازبرکفر اصرار کردند خدای تعالی روزبدر ازایشان انتقام گرفت که هفتادکس را از رؤساء ایشان کُشت وهفتاد کس را اسیر گردانید والله اعلم.

(٤) یعنی بنی اسرائیل را بمن حواله کنید وبنده مگیرید.

وَأَن لَّا تَعْلُوا۟ عَلَى ٱللَّهِ ۖ إِنِّىٓ ءَاتِيكُم بِسُلْطَٰنٍ مُّبِينٍ ﴿١٩﴾ وَإِنِّى عُذْتُ
بِرَبِّى وَرَبِّكُمْ أَن تَرْجُمُونِ ﴿٢٠﴾ وَإِن لَّمْ تُؤْمِنُوا۟ لِى فَٱعْتَزِلُونِ ﴿٢١﴾
فَدَعَا رَبَّهُۥٓ أَنَّ هَٰٓؤُلَآءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ ﴿٢٢﴾ فَأَسْرِ بِعِبَادِى لَيْلًا إِنَّكُم
مُّتَّبَعُونَ ﴿٢٣﴾ وَٱتْرُكِ ٱلْبَحْرَ رَهْوًا ۖ إِنَّهُمْ جُندٌ مُّغْرَقُونَ ﴿٢٤﴾ كَمْ
تَرَكُوا۟ مِن جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ ﴿٢٥﴾ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٢٦﴾ وَنَعْمَةٍ
كَانُوا۟ فِيهَا فَٰكِهِينَ ﴿٢٧﴾ كَذَٰلِكَ ۖ وَأَوْرَثْنَٰهَا قَوْمًا ءَاخَرِينَ ﴿٢٨﴾ فَمَا
بَكَتْ عَلَيْهِمُ ٱلسَّمَآءُ وَٱلْأَرْضُ وَمَا كَانُوا۟ مُنظَرِينَ ﴿٢٩﴾ وَلَقَدْ
نَجَّيْنَا بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ مِنَ ٱلْعَذَابِ ٱلْمُهِينِ ﴿٣٠﴾ مِن فِرْعَوْنَ ۚ إِنَّهُۥ
كَانَ عَالِيًا مِّنَ ٱلْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾ وَلَقَدِ ٱخْتَرْنَٰهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَى
ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٣٢﴾ وَءَاتَيْنَٰهُم مِّنَ ٱلْءَايَٰتِ مَا فِيهِ بَلَٰٓؤٌا۟ مُّبِينٌ ﴿٣٣﴾
إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَيَقُولُونَ ﴿٣٤﴾ إِنْ هِىَ إِلَّا مَوْتَتُنَا ٱلْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ
بِمُنشَرِينَ ﴿٣٥﴾ فَأْتُوا۟ بِـَٔابَآئِنَآ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٣٦﴾ أَهُمْ
خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۚ أَهْلَكْنَٰهُمْ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا۟
مُجْرِمِينَ ﴿٣٧﴾ وَمَا خَلَقْنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَٰعِبِينَ
﴿٣٨﴾ مَا خَلَقْنَٰهُمَآ إِلَّا بِٱلْحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾

وبرخدا سرکشی مکنید هرآئینه من پیش شما حجتِ ظاهر می آورم (۱۹). وهرآئینه من به پروردگارخود و پروردگارشما پناه گرفتم ازآنکه مرا سنگسار کنید (۲۰). واگر مرا باورنمی دارید پس ازمن یکسو شوید (۲۱). پس دعاکرد بجناب پروردگار خود که این جماعت قوم گنهکارانند (۲۲). (پس گفتیم) بندگانِ مرا وقت شب ببر هر آئینه شما تعقیب کرده می شوید (۲۳). ودریارا آرامیده بگذار هرآئینه این جماعت لشکری غرق شده است (٢٤). بسیار ازبوستان ها وچشمه ها گذاشتند (۲٥). وکِشتها ومحلِ گرامی (٢٦). نعمتی با رفاهیت که درآن محظوظ وشادمان بودند (۲۷). همچنین شد واین چیزهارابه گروهی دیگر میراث دادیم (۲۸). پس نگریست بر آنان آسمان وزمین و مهلت داده نشدند (۲۹). وهرآئینه ما بنی اسرائیل را از عذاب خوارکننده خلاص کردیم (۳۰). که ازجانب فرعون بود هرآئینه فرعون سرکشی از اسرافکاران بود (۳۱). وهرآئینه بنی اسرائیل را دانسته بر جهانیان برگزیدیم (۳۲). و ایشان را ازقسم معجزات آنچه درآن امتحانِ ظاهر بود دادیم (۳۳). هرآئینه این جماعت حتما می گویند (٣٤). که عاقبت کارجزهمین موت نخستینِ ما نیست و ما برانگیخته نخواهیم شد (۳٥). پس پدران مارا اگر راست گویان هستید بیاورید (٣٦). آیااین جماعت بهتراند یاقوم تبع (حمیری) وآنانکه پیش ازایشان بودند آنهارا هلاك ساختیم هر آئینه آنها گنهکار بودند (۳۷). وآسمان ها وزمین را وآنچه درمیان هردواست بازی کنان نیافریدیم (۳۸). این هردو را نیافریدیم مگربتدبیرِ درست ولیکن اکثرایشان نمیدانند (۳۹).

إِنَّ يَوْمَ ٱلْفَصْلِ مِيقَـٰتُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٠﴾ يَوْمَ لَا يُغْنِى مَوْلًى
عَن مَّوْلًى شَيْـًٔا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤١﴾ إِلَّا مَن رَّحِمَ ٱللَّهُ ۚ
إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٤٢﴾ إِنَّ شَجَرَتَ ٱلزَّقُّومِ ﴿٤٣﴾ طَعَامُ
ٱلْأَثِيمِ ﴿٤٤﴾ كَٱلْمُهْلِ يَغْلِى فِى ٱلْبُطُونِ ﴿٤٥﴾ كَغَلْىِ
ٱلْحَمِيمِ ﴿٤٦﴾ خُذُوهُ فَٱعْتِلُوهُ إِلَىٰ سَوَآءِ ٱلْجَحِيمِ ﴿٤٧﴾ ثُمَّ
صُبُّوا۟ فَوْقَ رَأْسِهِۦ مِنْ عَذَابِ ٱلْحَمِيمِ ﴿٤٨﴾ ذُقْ إِنَّكَ
أَنتَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْكَرِيمُ ﴿٤٩﴾ إِنَّ هَـٰذَا مَا كُنتُم بِهِۦ تَمْتَرُونَ
﴿٥٠﴾ إِنَّ ٱلْمُتَّقِينَ فِى مَقَامٍ أَمِينٍ ﴿٥١﴾ فِى جَنَّـٰتٍ وَعُيُونٍ
﴿٥٢﴾ يَلْبَسُونَ مِن سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَقَـٰبِلِينَ ﴿٥٣﴾
كَذَٰلِكَ وَزَوَّجْنَـٰهُم بِحُورٍ عِينٍ ﴿٥٤﴾ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ
فَـٰكِهَةٍ ءَامِنِينَ ﴿٥٥﴾ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا ٱلْمَوْتَ إِلَّا
ٱلْمَوْتَةَ ٱلْأُولَىٰ ۖ وَوَقَىٰهُمْ عَذَابَ ٱلْجَحِيمِ ﴿٥٦﴾ فَضْلًا مِّن
رَّبِّكَ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ﴿٥٧﴾ فَإِنَّمَا يَسَّرْنَـٰهُ بِلِسَانِكَ
لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾ فَٱرْتَقِبْ إِنَّهُم مُّرْتَقِبُونَ ﴿٥٩﴾

سُورَةُ الجَاثِيَةِ

هرآئینه روزقیامت میعادِ همگی ایشانست (٤٠). روزی که هیچ دوستی ازدوستِ دیگر چیزی را دفع نکند ونه ایشان نصرت داده شوند (٤١). مگر آنکه خدابراو رحم کرد هرآئینه خداغالب مهربان است (٤٢). هرآئینه درخت زقوم (٤٣). خوراك گنهکاراست (٤٤). مثلِ مِسِ گداخته شده در شکم ها بجوشد (٤٥). مانند جوشیدن آب گرم (٤٦). (گوییم ای فرشتگان) بگیرید این گنهکاررا پس به سختی به سوی میانهٔ دوزخ بکشیدش (٤٧). باز بالای سراوازآب گرم که عقوبت است بریزید (٤٨). (گوییم) بچش هرآئینه تویی (بزعم خود) بزرگوار گرامی قدر (٤٩). هرآئینه این است آنچه درآن شبهه می کردید (٥٠). هرآئینه متقیان درجایگاه باامن باشند (٥١). دربوستان هاوچشمه ها (٥٢). ازحریرنازك وحریرلك روبروی یکدیگر شده بپوشند (٥٣). حال این چنین باشد وایشان را باحورِ کشاده چشم جفت کنیم (٥٤). آنجا هرمیوه را ایمن شده بطلبند (٥٥). آنجامرگ را نچشند غیرازچشیدن مرگِ نخستین را وایشان را خداازعذاب دوزخ نگاه داشت (٥٦). بسبب بخشایش ازجانبِ پروردگارتو این پیروزی بزرگ است (٥٧). جزاین نیست که قرآن را به زبان تو آسان گرداندیم تابُوَد که ایشان پند پذیر شوند (٥٨). پس منتظر باش هرآئینه ایشان نیز منتظراند (٥٩).

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

حمٓ ١ تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَكِيمِ ٢ إِنَّ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلْأَرْضِ لَءَايَٰتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ ٣ وَفِى خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِن دَآبَّةٍ ءَايَٰتٌ
لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ٤ وَٱخْتِلَٰفِ ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ وَمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ
مِن رِّزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ ءَايَٰتٌ لِّقَوْمٍ
يَعْقِلُونَ ٥ تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِٱلْحَقِّ فَبِأَىِّ حَدِيثٍۭ بَعْدَ
ٱللَّهِ وَءَايَٰتِهِۦ يُؤْمِنُونَ ٦ وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ٧ يَسْمَعُ ءَايَٰتِ
ٱللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ
٨ وَإِذَا عَلِمَ مِنْ ءَايَٰتِنَا شَيْـًٔا ٱتَّخَذَهَا هُزُوًا أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ
مُّهِينٌ ٩ مِّن وَرَآئِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِى عَنْهُم مَّا كَسَبُوا۟ شَيْـًٔا
وَلَا مَا ٱتَّخَذُوا۟ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوْلِيَآءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ١٠ هَٰذَا
هُدًى وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رِّجْزٍ أَلِيمٌ ١١
۞ ٱللَّهُ ٱلَّذِى سَخَّرَ لَكُمُ ٱلْبَحْرَ لِتَجْرِىَ ٱلْفُلْكُ فِيهِ بِأَمْرِهِۦ وَلِتَبْتَغُوا۟
مِن فَضْلِهِۦ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ١٢ وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى
ٱلْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ١٣

ثلاثة أرباع الحزب ٥٠

بنام خدای بخشاینده مهربان.

حٰمٓ (١). فروفرستادن این کتاب ازجانب خدای غالب باحکمت است (٢). هرآئینه درآسمانها وزمین برای باوردارندگان نشانه هایی است (٣). ودرآفرینشِ شماودرآفرینش آنچه ازجانوران پراگنده می سازد برای قومی که یقین میکنند نشانه هایی است (٤). ودرآمد ورفت شب و روز ودرآنکه خدا ازآسمان روزی فرودآورد [1] پس زنده کرد بسبب باران زمین را بعد از مرده بودنِ آن ودرگردانیدن بادها برای قومی که درمی یابند نشانه هایی است (٥). این نشانه های خداست آن را برتو به راستی میخوانیم پس بکدام سخن بعد از پند خدا وآیت های اوایمان می آورند (٦). وای بر هردروغ گوی گنهکار (٧). که آیاتِ خدارا می شنود که خوانده میشود بروی باز بااستکبار (برکفر چنان) پای می‌فشارد که گویا آنرانشنیده است پس اورا به عذابی‌درد ناك مژده ده (٨). وچون برچیزی ازآیاتِ ما واقف شد آن را آن جماعت به تمسخر گیرد برای ایشان عذاب خوارکننده است (٩). پشت سر ایشان دوزخ است و آنچه کسب کرده‌اند نفعی به آنها نمی رساند نیز آنچه دوستان گرفته اند غیر از خدا (چیزی را) دفع نکنند وبرای ایشان عذاب بزرگ است (١٠). این قرآن هدایت است وآنانکه کافرشدند به آیاتِ پروردگارخویش برای ایشان عذابِ درد ناك ازجنس عقوبتِ سخت است (١١). خدای آنست که برای شما دریا را مُسَخَّر کرد تا کشتی ها درآن بفرمانِ او روان شود وتا ازفضلِ او طلبِ معیشت کنید باشد که شما شکرگزاری کنید (١٢). وبرای شما آنچه درآسمان ها وآنچه در زمین است مسخر کرد همگی از پدید آورده اواست هرآئینه درین ماجرا برای گروهی که تفکر میکنند نشانه هایی است (١٣).

(١) یعنی باران.

قُل لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ يَغْفِرُوا۟ لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ ٱللَّهِ لِيَجْزِىَ قَوْمًۢا بِمَا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾ مَنْ عَمِلَ صَٰلِحًا فَلِنَفْسِهِۦ ۖ وَمَنْ أَسَآءَ فَعَلَيْهَا ۖ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿١٥﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحُكْمَ وَٱلنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَفَضَّلْنَٰهُمْ عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٦﴾ وَءَاتَيْنَٰهُم بَيِّنَٰتٍ مِّنَ ٱلْأَمْرِ ۖ فَمَا ٱخْتَلَفُوٓا۟ إِلَّا مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْعِلْمُ بَغْيًۢا بَيْنَهُمْ ۚ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِى بَيْنَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُوا۟ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٧﴾ ثُمَّ جَعَلْنَٰكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ ٱلْأَمْرِ فَٱتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَآءَ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨﴾ إِنَّهُمْ لَن يُغْنُوا۟ عَنكَ مِنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔا ۚ وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ ۖ وَٱللَّهُ وَلِىُّ ٱلْمُتَّقِينَ ﴿١٩﴾ هَٰذَا بَصَٰٓئِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْ حَسِبَ ٱلَّذِينَ ٱجْتَرَحُوا۟ ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن نَّجْعَلَهُمْ كَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَوَآءً مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ ۚ سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٢١﴾ وَخَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ بِٱلْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍۭ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٢﴾

به مسلمانان بگو که ازآن جماعت که توقع روزهای خدارا ندارند [۲] درگذر کنند تا خداگروهی را به حسب آنچه میکردند سزادهد (١٤). هرکس که کارشایسته انجام دهد پس برای نفع خودش وهرکه بدکاری کند پس وبال براوست باز به سوی پرورد گارخویش بازگردانیده خواهید شد (١٥). وبه یقین که بنی اسرائیل راکتاب ودانش‌مندی وپیامبری دادیم و ایشان راازنعمت های پاکیزه روزی دادیم وایشان را بر جهانیان فضیلت دادیم (١٦). وایشان را نشانه هایی واضح دربابِ دین دادیم پس اختلاف نکردند مگر بعدازآنکه بدیشان دانش آمد ازروی تعدّی بایکدیگر هرآئینه پروردگارتو میان ایشان روزقیامت درآنچه اختلاف می‌کردند درآن فیصله می‌کند (١٧). باز تورا برراه ظاهر ازدین گرداندیم پس آنرا پیروی کن وخواهشات آنانرا که نمیدانند پیروی مکن (١٨). هرآئینه ایشان از توچیزی رااز‌عقوبتِ خدا دور نخواهند کرد وهرآئینه ستمکاران بعض ایشان کارسازان بعض دیگراند وخدا کارساز متقیانست (١٩). این قرآن دلیل های واضح برای مردمان است وهدایت وبخشایش است برای گروهی که یقین می کنند (٢٠). آیا پنداشتند آنانکه جرمها کردند که قراردهیم ایشان را مانند آنانکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند؟! که زندگانی ایشان ومُردن ایشان یکسان باشد این حکم ایشان بدحکمی است (٢١). وخدا آسمان ها وزمین را بتدبیر درست آفرید وتاعاقبت کار جزا داده شود هر شخصی بحسب آنچه عمل کرده است وبرایشان ستم کرده نمی شود (٢٢).

(۲) یعنی معتقد نیستند که حوادث جزای اعمالِ ایشان باشد.

أَفَرَءَيْتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ وَأَضَلَّهُ ٱللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِۦ
وَقَلْبِهِۦ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِۦ غِشَٰوَةً فَمَن يَهْدِيهِ مِنۢ بَعْدِ ٱللَّهِ ۚ أَفَلَا
تَذَكَّرُونَ ﴿٢٣﴾ وَقَالُوا۟ مَا هِىَ إِلَّا حَيَاتُنَا ٱلدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَآ
إِلَّا ٱلدَّهْرُ ۚ وَمَا لَهُم بِذَٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ ۖ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿٢٤﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ
عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّآ أَن قَالُوا۟ ٱئْتُوا۟ بِـَٔابَآئِنَآ إِن
كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٢٥﴾ قُلِ ٱللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَىٰ
يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ وَيَوْمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَخْسَرُ ٱلْمُبْطِلُونَ ﴿٢٧﴾
وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً ۚ كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰٓ إِلَىٰ كِتَٰبِهَا ٱلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ
تَعْمَلُونَ ﴿٢٨﴾ هَٰذَا كِتَٰبُنَا يَنطِقُ عَلَيْكُم بِٱلْحَقِّ ۚ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ
مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٩﴾ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ
فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِى رَحْمَتِهِۦ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْفَوْزُ ٱلْمُبِينُ ﴿٣٠﴾ وَأَمَّا
ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ أَفَلَمْ تَكُنْ ءَايَٰتِى تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَٱسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنتُمْ قَوْمًا
مُّجْرِمِينَ ﴿٣١﴾ وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ وَٱلسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا
قُلْتُم مَّا نَدْرِى مَا ٱلسَّاعَةُ إِن نَّظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ ﴿٣٢﴾

آیا کسی را دیدی که معبود خودرا خواهش نفس خود گرفته است اوراخدا باوجود دانشی که داشت گمراه کرد وبرگوش اودل او مُهر نهاد وبرچشم او پرده نهاد پس کیست که راه نماید اورا پس از خدا آیاپند نمی‌گیرید (۲۳). وگفتند زندگانی مگر همین زندگانی این جهانی نیست مامی‌میریم وزنده میشویم ومارا جز زمانه هلاك نمی‌کند وایشان را باین ماجرا هیچ دانشي نیست ایشان نیستند مگرگمان می‌کنند (٢٤). وچون برایشان آیت های ماواضح آمده خوانده شود شبهه ایشان نباشد مگرآنکه گویند پدران مارا اگر راست گو هستید بیاورید (۲٥). بگو خدا شمارا زنده میکند باز شمارا می‌میراند باز شمارا بروزقیامت جمع می‌کند هیچ شبهه ای درآن نیست ولیکن اکثر مردمان نمی‌دانند (٢٦). پادشاهی آسمان هاوزمین برای خدای است وروزی که قیامت قایم شود آن روز تباه کاران زیان کارشوند (۲۷). وهرگروهی را بزانودر آمده ببینی هرگروهی را به سوی نامهٔ اعمال او خوانده شود (یعنی برای سوال وجواب مهیاشده گوییم) امروز جزا داده شود شمارا بحسب آنچه میکردید (۲۸). (گوییم) این نامهٔ اعمال ما است که برشما به راستی اظهار حقیقت میکند هرآئینه ما آنچه شماعمل می کردید می‌نوشتیم (۲۹). پس اما آنانکه ایمان آورده اند وکارهای شایسته کرده اند پس ایشان را پروردگارایشان دررحمت خود در آورد این پیروزی ظاهر است (۳۰). واما آنانکه کافرشدند (ایشانرا گوییم) آیا برشماآیاتِ من خوانده نمی‌شد پس تکبر کردید وقوم گنهکار بودید (۳۱). وچون گفته شد که وعدهٔ خداراست است وقیامت هیچ شکّی درآن نیست گفتید نمیدانیم چیست قیامت آن را مگر باحتمالِ ضعیف تصور نمی کنیم و ما یقین کنندگان نیستیم (۳۲).

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا عَمِلُواْ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٣٣﴾ وَقِيلَ ٱلْيَوْمَ نَنسَىٰكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا وَمَأْوَىٰكُمُ ٱلنَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّٰصِرِينَ ﴿٣٤﴾ ذَٰلِكُم بِأَنَّكُمُ ٱتَّخَذْتُمْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا ۚ فَٱلْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٣٥﴾ فَلِلَّهِ ٱلْحَمْدُ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَرَبِّ ٱلْأَرْضِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٣٦﴾ وَلَهُ ٱلْكِبْرِيَآءُ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٣٧﴾

سُورَةُ الأَحْقَافِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

حمٓ ﴿١﴾ تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَكِيمِ ﴿٢﴾ مَا خَلَقْنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَآ إِلَّا بِٱلْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ عَمَّآ أُنذِرُواْ مُعْرِضُونَ ﴿٣﴾ قُلْ أَرَءَيْتُم مَّا تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَرُونِى مَاذَا خَلَقُواْ مِنَ ٱلْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ ۖ ٱئْتُونِى بِكِتَٰبٍ مِّن قَبْلِ هَٰذَآ أَوْ أَثَٰرَةٍ مِّنْ عِلْمٍ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٤﴾ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُۥٓ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ وَهُمْ عَن دُعَآئِهِمْ غَٰفِلُونَ ﴿٥﴾

وبرای ایشان عقوبت های آنچه به آن عمل کرده بودند ظاهر شد و ایشان را آنچه به آن استهزامی‌کردند درگرفت (۳۳). وگفته شود امروز شمارا فراموش کنیم چنانکه ملاقات این روزخودرا فراموش کردید وجای شما دوزخ است و شمارا هیچ نصرت دهنده ای نیست (۳٤). این عذاب بسبب آنست که شما آیات خدارا به تمسخر گرفتید وشمارا زندگانی دنیا فریفته کرد پس امروز ازدوزخ بیرون کرده نشوند ونه ازایشان رضامندی خدا طلب کرده شود (۳٥). پس ستایش برای خدای پروردگار آسمانها وپروردگارزمین پروردگار عالم ها است (۳٦). . بزرگی درآسمان هاوزمین برای اوست واو غالب باحکمت است (۳۷).
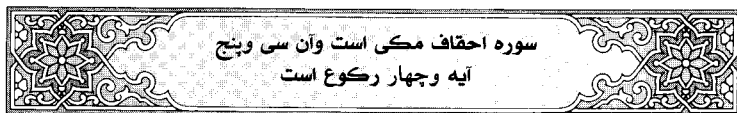
بنام خدای بخشاینده مهربان.

حٰمٓ (۱). فروفرستادنِ کتاب از خدای غالب باحکمت است (۲). آسمان ها وزمین وآنچه را که درمیان هردو است نیافریدیم مگر به تدبیر درست وبه میعادی معین وآنانکه کافر شدند ازآنچه ترسانیده شد ایشان را رویگردانند (۳). بگوآیا دیدید آنچه راکه جزخدا می پرستید بنمایید مرا چه چیز اززمین آفریده‌اند یاایشانرا درآسمان‌ها شرکتیست برایم کتابی که پیش ازین آمده باشد یابقیه ای ازعلم اگر راست گو هستید بیاورید (٤). وکیست گمراه تر ازکسی که بجز خداکسی را بخواند که دعااش را تاروزقیامت اجابت نکند واین معبودانِ باطل ازخواندن ایشان غافل اند (٥).

وَإِذَا حُشِرَ ٱلنَّاسُ كَانُواْ لَهُمۡ أَعۡدَآءٗ وَكَانُواْ بِعِبَادَتِهِمۡ كَٰفِرِينَ ﴿٦﴾ وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ قَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمۡ هَٰذَا سِحۡرٞ مُّبِينٌ ﴿٧﴾ أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۖ قُلۡ إِنِ ٱفۡتَرَيۡتُهُۥ فَلَا تَمۡلِكُونَ لِي مِنَ ٱللَّهِ شَيۡـًٔاۖ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِۖ كَفَىٰ بِهِۦ شَهِيدَۢا بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡۖ وَهُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٨﴾ قُلۡ مَا كُنتُ بِدۡعٗا مِّنَ ٱلرُّسُلِ وَمَآ أَدۡرِي مَا يُفۡعَلُ بِي وَلَا بِكُمۡۖ إِنۡ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ وَمَآ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٞ مُّبِينٞ ﴿٩﴾ قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِن كَانَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ وَكَفَرۡتُم بِهِۦ وَشَهِدَ شَاهِدٞ مِّنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ عَلَىٰ مِثۡلِهِۦ فَـَٔامَنَ وَٱسۡتَكۡبَرۡتُمۡۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٠﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَوۡ كَانَ خَيۡرٗا مَّا سَبَقُونَآ إِلَيۡهِۚ وَإِذۡ لَمۡ يَهۡتَدُواْ بِهِۦ فَسَيَقُولُونَ هَٰذَآ إِفۡكٞ قَدِيمٞ ﴿١١﴾ وَمِن قَبۡلِهِۦ كِتَٰبُ مُوسَىٰٓ إِمَامٗا وَرَحۡمَةٗۚ وَهَٰذَا كِتَٰبٞ مُّصَدِّقٞ لِّسَانًا عَرَبِيّٗا لِّيُنذِرَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُحۡسِنِينَ ﴿١٢﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ﴿١٣﴾ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِ خَٰلِدِينَ فِيهَا جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿١٤﴾

وچون مردمان جمع کرده شوندهمین معبودهای آنها دشمنانشان باشند به عبادت ایشان منکر باشند (٦). هنگامی که آیات روشنگرما برآنها خوانده شود این کافران سخن درست را چون بدیشان بیامد گویند این سحر آشکار است (٧). بلکه میگویند آنراپیامبر بربسته است بگو اگر آنرا بربسته ام پس شما برای من ازخدا چیزی را نمی توانید خدا به گفتگوی شما درقرآن دانا تراست خدااظهار حق کننده میان من و شما بس است واو آمرزگار مهربان است (٨). بگو من نوآمده ازپیامبران نیستم ونمی دانم چه کرده خواهد شد بامن وباشما (یعنی دردنیا) پیروی نمی کنم الّا آنچه به سوی من وحی فرستاده میشود ونیستم من مگرترساننده ٔ آشکار (٩). بگوآیا دیدید اگر قرآن ازنزد خدا باشد وبه آن منکر شدید وگواهی ازبنی اسرائیل برقرآن گواهی داده باشد پس وی ایمان آورد وشما سرکشی کردید (البته ستمکار باشید) هرآئینه خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی نماید (١٠). وکافران به مسلمانان گفتند اگردین بهتر بودی برای ما به سوی آن سبقت نکردند وچون به آن راه نیافتند پس خواهند گفت این دروغی قدیم است (١١). وپیش ازقرآن کتاب موسیٰ پیشوا و رحمت بود و این کتابیست باور دارنده که به زبان عربی آمده است برای آنکه ستمکاران را بترساند وبرای نیکوکاران مژده است (١٢). هرآئینه آنانکه گفتند پروردگار ماخداست باز (برآن) استقامت کردند پس هیچ ترسی برایشان نیست ونه ایشان اندوه خورند (١٣). این جماعت اهل بهشت اند درآن جاویدان باشند پاداش داده شوند بحسب آنچه می کردند (١٤).

وَوَصَّيْنَا ٱلْإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيْهِ إِحْسَٰنًا ۖ حَمَلَتْهُ أُمُّهُۥ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا ۖ وَحَمْلُهُۥ وَفِصَٰلُهُۥ ثَلَٰثُونَ شَهْرًا ۚ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُۥ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِىٓ أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ ٱلَّتِىٓ أَنْعَمْتَ عَلَىَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَىَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَٰلِحًا تَرْضَىٰهُ وَأَصْلِحْ لِى فِى ذُرِّيَّتِىٓ ۖ إِنِّى تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّى مِنَ ٱلْمُسْلِمِينَ ﴿١٥﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا۟ وَنَتَجَاوَزُ عَن سَيِّـَٔاتِهِمْ فِىٓ أَصْحَٰبِ ٱلْجَنَّةِ ۖ وَعْدَ ٱلصِّدْقِ ٱلَّذِى كَانُوا۟ يُوعَدُونَ ﴿١٦﴾ وَٱلَّذِى قَالَ لِوَٰلِدَيْهِ أُفٍّ لَّكُمَآ أَتَعِدَانِنِىٓ أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ ٱلْقُرُونُ مِن قَبْلِى وَهُمَا يَسْتَغِيثَانِ ٱللَّهَ وَيْلَكَ ءَامِنْ إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿١٧﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ ٱلْقَوْلُ فِىٓ أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِم مِّنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا۟ خَٰسِرِينَ ﴿١٨﴾ وَلِكُلٍّ دَرَجَٰتٌ مِّمَّا عَمِلُوا۟ ۖ وَلِيُوَفِّيَهُمْ أَعْمَٰلَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٩﴾ وَيَوْمَ يُعْرَضُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ عَلَى ٱلنَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَٰتِكُمْ فِى حَيَاتِكُمُ ٱلدُّنْيَا وَٱسْتَمْتَعْتُم بِهَا فَٱلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ ٱلْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِى ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ وَبِمَا كُنتُمْ تَفْسُقُونَ ﴿٢٠﴾

وانسان را به نیکوکاری درحق پدرو مادر سفارش کردیم مادراو به دشواری اورا درشکم برداشته است و (کمترین مدت) بارگرفتن اوواز شیرباز گرفتن او سی ماه است وزنده ماند تاوقتیکه چون رسید بکمال قوت خود و رسید بچهل سال گفت ای پروردگارمن مرا الهام کن تا درمقابل نعمت تو که انعام کرده‌ای برمن وبرپدرومادر من شکرگویم وتاکارنیك کنم که ازآن خوشنود شوی وبرای من در فرزندان من اصلاح کن هرآئینه من به سوی تو رجوع کردم وهرآئینه من از مسلمانانم (١٥). این جماعت آنانندکه ازایشان نیکوترین آنچه عمل کرده اند قبول می کنیم وازجرمهای ایشان درگذریم دراهل بهشت باشند به وفق وعده راستینی که وعده داده می شدند (١٦). وآنشخص که به پدرومادر خود گفت دل تنگ شدم نسبت به شماآیا مرا وعده میدهید که برآورده شوم [١] وبه راستی قرن های از مردم پیش ازمن گذشته اند [٢] وآن هردو بجناب خدا فریاد میکنند میگویند وای برتومسلمان شو هرآئینه وعدهٔ خداراست است پس گوید این وعده مگرافسانه‌های پیشینیان نیست (١٧). این جماعت آنانند که برایشان وعدهٔ عذاب ثابت شد ازجملهٔ امت هایی که پیش ازایشان از جنیان وآدمیان گذشته‌اند هرآئینه ایشان زیان کار بودند (١٨). وهریکی را مرتبه هاست به وفق آنچه عمل کردند وتا خداایشان را جزای اعمال ایشان تمام دهد و به ایشان ستم کرده نشود (١٩). وروزیکه کافران برآتش پیش آورده شوند (گفته شود) نعمت های خودرا درزندگانی دنیای خویش ضایع کردید وبه آن بهره‌مند شدید پس امروز شمارا به سزای آنکه در زمین به ناحق تکبر می کردید وبه (سبب) آنکه بدکاری میکردید به عذاب ذلت کیفر می دهیم [٣] (٢٠).

---

(١) یعنی ازقبر.

(٢) یعنی هیچکس ازایشان باززنده نشد والله اعلم.

(٣) مترجم گوید این تصویراست حال سعید وشقی را پس سعید حق خدای تعالی و حق ابوین بجامی آورد وبانواع نعمتها محظوظ میشود درجمیع امور بحق تعالی رجوع میکند وشقی جمع می کند میان کفرو عقوق والدین وانکار معاد وصورتِ سعید منطبق است برحضرت ابوبکر صدیق وغیرایشان نیز والله اعلم.

۞ وَٱذۡكُرۡ أَخَا عَادٍ إِذۡ أَنذَرَ قَوۡمَهُۥ بِٱلۡأَحۡقَافِ وَقَدۡ خَلَتِ ٱلنُّذُرُ
مِنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَمِنۡ خَلۡفِهِۦٓ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّا ٱللَّهَ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ
عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ﴿٢١﴾ قَالُوٓاْ أَجِئۡتَنَا لِتَأۡفِكَنَا عَنۡ ءَالِهَتِنَا فَأۡتِنَا
بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٢٢﴾ قَالَ إِنَّمَا ٱلۡعِلۡمُ عِندَ ٱللَّهِ
وَأُبَلِّغُكُم مَّآ أُرۡسِلۡتُ بِهِۦ وَلَٰكِنِّيٓ أَرَىٰكُمۡ قَوۡمٗا تَجۡهَلُونَ ﴿٢٣﴾ فَلَمَّا
رَأَوۡهُ عَارِضٗا مُّسۡتَقۡبِلَ أَوۡدِيَتِهِمۡ قَالُواْ هَٰذَا عَارِضٞ مُّمۡطِرُنَاۚ
بَلۡ هُوَ مَا ٱسۡتَعۡجَلۡتُم بِهِۦۖ رِيحٞ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿٢٤﴾ تُدَمِّرُ كُلَّ
شَيۡءِۭ بِأَمۡرِ رَبِّهَا فَأَصۡبَحُواْ لَا يُرَىٰٓ إِلَّا مَسَٰكِنُهُمۡۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي
ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدۡ مَكَّنَّٰهُمۡ فِيمَآ إِن مَّكَّنَّٰكُمۡ فِيهِ
وَجَعَلۡنَا لَهُمۡ سَمۡعٗا وَأَبۡصَٰرٗا وَأَفۡـِٔدَةٗ فَمَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُمۡ سَمۡعُهُمۡ
وَلَآ أَبۡصَٰرُهُمۡ وَلَآ أَفۡـِٔدَتُهُم مِّن شَيۡءٍ إِذۡ كَانُواْ يَجۡحَدُونَ بِـَٔايَٰتِ
ٱللَّهِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ﴿٢٦﴾ وَلَقَدۡ أَهۡلَكۡنَا
مَا حَوۡلَكُم مِّنَ ٱلۡقُرَىٰ وَصَرَّفۡنَا ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ﴿٢٧﴾
فَلَوۡلَا نَصَرَهُمُ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ قُرۡبَانًا ءَالِهَةَۢۖ
بَلۡ ضَلُّواْ عَنۡهُمۡۚ وَذَٰلِكَ إِفۡكُهُمۡ وَمَا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ﴿٢٨﴾

وبرادر قوم عاد را یادکن چون قوم خودرا به سرزمین احقاف بترسانید وهرآئینه ترسانندگان پیش روی وَی وپس از وی گذشته بودند [٤] (به این معنی) که مگرخدارا عبادت مکنید هرآئینه من برشما ازعقوبتِ روز بزرگ میترسم (۲۱). گفتند آیاآمده‌ای پیش ما تا مارا ازپرستشِ معبودان مان بازداری پس آنچه راکه وعده میدهی مارا اگر ازراست گویان هستی برایمان بیار (۲۲). گفت جزاین نیست که علم نزد خداست ومیرسانم به شما آنچه به او فرستاده شدم ولیکن می بینم که شما گروهی هستید که نادانی میکنید (۲۳). پس چون آن عقوبت را بصورت ابری روآورده به میدان های ایشان دیدند گفتند این برما ابریست باراننده بلکه به حقیقت آن چیزیست که آنرا به شتاب طلب کردید بادیست که درآن عقوبتِ درد ناك است (۲٤). (این باد) هرچیزرا به فرمانِ پرورد گارخویش برهم زند پس گشتند به این صفت که بجز خانه های ایشان دیده نمی شد اینچنین گروه گناهگاران را جزا میدهیم (۲٥). وبه راستی قوم عاد را جای‌داده بودیم درآنچه که شمارا درآن جای نداده ایم وبرای قوم عاد گوش وچشمها ودل هاقرار داده بودیم پس ازایشان گوشِ ایشان ونه چشمهای ایشان ونه دلهای ایشان چیزی را دفع نکرد ازبسکه نشانه های خدا را انکار می‌کردند و به‌ایشان آنچه به آن تمسخرمی کردند فرا گرفت (۲٦). وبه راستی آنچه دوروبر شما است ازشهرها هلاك کردیم ونشانه ها را گونا گون پدید آوردیم، باشد که ایشان بازگردند (۲۷). پس چرا ایشان راآنانکه معبودان گرفتند غیر ازخدا به خاطر تقرب به خدا نصرت ندادند بلکه ازنظرِ ایشان گم شدند وهمین است دروغِ ایشان وآنچه برمی بافتند (۲۸).

(٤) یعنی ازهر جانب باین مضمون.

وَإِذْ صَرَفْنَآ إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ ٱلْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ ٱلْقُرْءَانَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوٓاْ أَنصِتُواْۖ فَلَمَّا قُضِىَ وَلَّوْاْ إِلَىٰ قَوْمِهِم مُّنذِرِينَ ﴿٢٩﴾ قَالُواْ يَٰقَوْمَنَآ إِنَّا سَمِعْنَا كِتَٰبًا أُنزِلَ مِنۢ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِىٓ إِلَى ٱلْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٣٠﴾ يَٰقَوْمَنَآ أَجِيبُواْ دَاعِىَ ٱللَّهِ وَءَامِنُواْ بِهِۦ يَغْفِرْ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣١﴾ وَمَن لَّا يُجِبْ دَاعِىَ ٱللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُۥ مِن دُونِهِۦٓ أَوْلِيَآءُۚ أُوْلَٰٓئِكَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٣٢﴾ أَوَلَمْ يَرَوْاْ أَنَّ ٱللَّهَ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَلَمْ يَعْىَ بِخَلْقِهِنَّ بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن يُحْـِۧىَ ٱلْمَوْتَىٰۚ بَلَىٰٓ إِنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿٣٣﴾ وَيَوْمَ يُعْرَضُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ عَلَى ٱلنَّارِ أَلَيْسَ هَٰذَا بِٱلْحَقِّۖ قَالُواْ بَلَىٰ وَرَبِّنَاۚ قَالَ فَذُوقُواْ ٱلْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٤﴾ فَٱصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُوْلُواْ ٱلْعَزْمِ مِنَ ٱلرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِل لَّهُمْۚ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوٓاْ إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍۭۚ بَلَٰغٌۚ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا ٱلْقَوْمُ ٱلْفَٰسِقُونَ ﴿٣٥﴾

سُورَةُ مُحَمَّدٍ

ویادکن چون به سوی تو جماعتی راازجن متوجه ساختیم قرآن را می شنیدند پس چون پیش پیامبر حاضر شدند بایکدیگر گفتند خاموش باشید پس چون تمام کرده شد بیم کنان به سوی قوم خود بازگشتند [٥] (٢٩). گفتند ای قوم ماهرآئینه ما کتابی را که فرود آورده شد بعدازموسیٰ شنیدیم باور دارندهٔ آنچه پیش ازاوبود به سوی دین راست هدایت می کند و (نیز) به سوی راه راست (٣٠). ای قومِ ما سخنِ دعوت کننده را به سوی خدا قبول کنید به او ایمان آورید تا خدا برای شما بعض گناهان شمارا بیامرزد وشمارا ازعذاب دردناك پناه دهد (٣١). وهر که گفتهٔ دعوت کننده به خدارا قبول نکند پس درزمین عاجز کننده نیست و اورا جز خدا دوستانی نیست آن جماعت درگمراهی ظاهرند (٣٢). آیا ندانستند اینکه خدایی که آسمان هاوزمین را آفریده است وماانده نشددرآفریدنِ آنها، تواناست برآنکه مُردگان را زنده کند آری چنین است هرآئینه اوبرهرچیز توانا است (٣٣). وروزی که کافران برآتش پیش آورده شوند (گفته شود) آیا این وعدهٔ درست نیست، گویند آری قسم به پروردگار مادُرُست است گوید پس عقوبت را بسبب آنکه کافر بودید بچشید (٣٤). پس صبر کن چنانکه صاحبان همّتِ عالی ازپیامبران صبر کرده بودند عقوبت را برای ایشان به شتاب طلب مکن روزیکه آنچه وعده داده میشود ایشانرا ببینند چنانستی که ایشان [٦] مگر یك ساعت از روز نمانده بودند این پیغام رسانیدن است پس جز قوم بدکاران هلاك کرده نخواهند شد (٣٥).

---

(٥) مترجم گوید چند کس از جن پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمدند وآنحضرت صلی الله علیه وسلم درآن وقت نماز فجر می گذارد دربطنِ نخله پس ایشان قرآن استماع کردند چون بازگشتند به قوم خود آنان را انذار نمودند اشارت باین قصه است درین آیات.

(٦) یعنی دردنیا.

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَٰلَهُمْ ﴿١﴾ وَٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَءَامَنُواْ بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ ٱلْحَقُّ مِن
رَّبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّـَٔاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ ﴿٢﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
ٱتَّبَعُواْ ٱلْبَٰطِلَ وَأَنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّبَعُواْ ٱلْحَقَّ مِن رَّبِّهِمْ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ
ٱللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَٰلَهُمْ ﴿٣﴾ فَإِذَا لَقِيتُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَضَرْبَ ٱلرِّقَابِ حَتَّىٰٓ
إِذَآ أَثْخَنتُمُوهُمْ فَشُدُّواْ ٱلْوَثَاقَ فَإِمَّا مَنًّۢا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَآءً حَتَّىٰ تَضَعَ ٱلْحَرْبُ
أَوْزَارَهَا ذَٰلِكَ وَلَوْ يَشَآءُ ٱللَّهُ لَٱنتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَٰكِن لِّيَبْلُوَاْ بَعْضَكُم
بِبَعْضٍ وَٱلَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَٰلَهُمْ ﴿٤﴾ سَيَهْدِيهِمْ
وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ ﴿٥﴾ وَيُدْخِلُهُمُ ٱلْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ ﴿٦﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ
ءَامَنُوٓاْ إِن تَنصُرُواْ ٱللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ﴿٧﴾ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
فَتَعْسًا لَّهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَٰلَهُمْ ﴿٨﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ
فَأَحْبَطَ أَعْمَٰلَهُمْ ﴿٩﴾ ۞ أَفَلَمْ يَسِيرُواْ فِي ٱلْأَرْضِ فَيَنظُرُواْ كَيْفَ كَانَ
عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ دَمَّرَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَٰفِرِينَ أَمْثَٰلُهَا ﴿١٠﴾ ذَٰلِكَ
بِأَنَّ ٱللَّهَ مَوْلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَأَنَّ ٱلْكَٰفِرِينَ لَا مَوْلَىٰ لَهُمْ ﴿١١﴾

نصف الحزب ٥١

بنام خدای بخشاینده مهربان.

آنانکه کافرشدند مردمان را از راه خدا بازداشتند خدا اعمالِ ایشانرا تباه وبرباد کرد (١). وآنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و به آنچه فرود آورده شد بر محمد (صلی الله علیه وسلم) واینکه آن حق است ازپرورد گار ایشان آمده معتقد شدند جرمهای ایشانرا ازایشان دورساخت وحال ایشان را بصلاح آورد (٢). این بسبب آنست که کافران ازباطل پیروی کردند ومومنان دین راست را که ازجانب پرورد گار ایشانست پیروی کردند همچنین خدا برای مردمان داستانهای ایشان را بیان میکند (٣). پس چون باکافران برخورد کنید پس گردن هارا تاوقتیکه چون خونریزی بسیار کردید درایشان بزنید پس قید را محکم کنید پس بعد ازین به احسان خلاص کردن است ویامالی به عوض گرفتن تاآنکه (أهل) جنگ سلاح خودرا [١] بنهد اینست حکم واگر خدا می‌خواست خود ازایشان انتقام می‌گرفت ولیکن میخواهد که بعض شمارا به بعضی امتحان کند وآنانکه کشته شدند درراهِ خدا پس عمل ایشان را برباد نخواهد کرد (٤). ایشانرا راه خواهد نمود وحال ایشانرا نیك خواهد کرد (٥). وایشان را به بهشتی که شناسانیده است ایشان را به آن درخواهد آورد (٦). ای مسلمانان اگر دین خدارا نصرت دهید خداشمارا نصرت دهد وقدمهای شمارا ثابت کند (٧). وآنانکه کافرشدند پس ایشان را هلاکی باد وخدا اعمال ایشان را برباد کرد (٨). این بسبب آنست که ایشان چیزی را که فرودآورده است خدا ناپسند کردند پس خدا اعمال ایشانرا برباد کرد (٩). آیا درزمین نگشتة اند تابنگرند چگونه بود انجام آنانکه پیش ازایشان بودند خدا ایشان را نابود ساخت وبرای کافران چند مانند این عقوبت است (١٠). این بسبب آنست که خداکارسازِ مسلمانان است وبسبب آنست که کافران راهیچ کارسازی ایشانرا نیست (١١).

(١) یعنی جنگ موقوف شود و احتیاج سلاح نماند والله اعلم.

إِنَّ ٱللَّهَ يُدْخِلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن
تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ ۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ ٱلْأَنْعَٰمُ
وَٱلنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ ﴿١٢﴾ وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ هِىَ أَشَدُّ قُوَّةً مِّن قَرْيَتِكَ
ٱلَّتِىٓ أَخْرَجَتْكَ أَهْلَكْنَٰهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ ﴿١٣﴾ أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن
رَّبِّهِۦ كَمَن زُيِّنَ لَهُۥ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ وَٱتَّبَعُوٓا۟ أَهْوَآءَهُم ﴿١٤﴾ مَّثَلُ ٱلْجَنَّةِ ٱلَّتِى
وُعِدَ ٱلْمُتَّقُونَ ۖ فِيهَآ أَنْهَٰرٌ مِّن مَّآءٍ غَيْرِ ءَاسِنٍ وَأَنْهَٰرٌ مِّن لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ
طَعْمُهُۥ وَأَنْهَٰرٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٍ لِّلشَّٰرِبِينَ وَأَنْهَٰرٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى ۖ وَلَهُمْ
فِيهَا مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ ۖ كَمَنْ هُوَ خَٰلِدٌ فِى ٱلنَّارِ وَسُقُوا۟
مَآءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَآءَهُمْ ﴿١٥﴾ وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰٓ إِذَا
خَرَجُوا۟ مِنْ عِندِكَ قَالُوا۟ لِلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْعِلْمَ مَاذَا قَالَ ءَانِفًا ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ
ٱلَّذِينَ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَٱتَّبَعُوٓا۟ أَهْوَآءَهُمْ ﴿١٦﴾ وَٱلَّذِينَ ٱهْتَدَوْا۟
زَادَهُمْ هُدًى وَءَاتَىٰهُمْ تَقْوَىٰهُمْ ﴿١٧﴾ فَهَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا ٱلسَّاعَةَ
أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً ۖ فَقَدْ جَآءَ أَشْرَاطُهَا ۚ فَأَنَّىٰ لَهُمْ إِذَا جَآءَتْهُمْ
ذِكْرَىٰهُمْ ﴿١٨﴾ فَٱعْلَمْ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ وَٱسْتَغْفِرْ لِذَنۢبِكَ
وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ ۗ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَىٰكُمْ ﴿١٩﴾

هرآئینه خدا آنان را که ایمان آورده‌اندوکارهای شایسته کرده‌اند به بوستانهایی که میرود زیرِآن ها جویها داخل می‌کند وآنانکه کافرشدند بهره برمیگیرند و میخورند چنانکه چهارپایان میخورند وآتش جای ایشانست (۱۲). وچه بسیار ازدهِ ها که قوی تربود ازدهِ تو که تورا جلا وطن کرد ایشانرا هلاك ساختیم پس هیچ نصرت دهنده ای برای ایشان نبود (۱۳). آیا کسیکه بر طریقهٔ روشن باشد از پروردگار خویش مانندِ آن کس است که آراسته کرده شد در نظرِ اوبدکاریش وخواهش های خودرا پیروی کرده است (١٤). صفتِ بهشتی که متقیانرا وعده داده شد اینست که درآن بهشت جویها است ازآب که بدیرماندگی متغیر نشده وجویها است ازشیر که مزهٔ اوبرنگشته وجویها است ازمَی آشامندگان را لذت بخش وجویها است ازعسلِ صاف کرده شده وبرای ایشان آن جا ازهر جنس میوه ها است وبرای ایشان آمرزش ازپروردگار ایشان است (آیااین جماعت) مانند آنست که همیشه در آتش باشد وآب گرم نوشانیده شوند پس روده های ایشانرا پاره پاره ساخت (١٥). و [۲] ازمردمان کسی هست که به سوی تو گوش می نهد تا وقتیکه چون ازنزد تو بیرون روند گویند به آنانکه ایشانرا علم عطاکرده شد چه چیز گفت پیامبر الحال آن جماعت آنانند که خدابردل های ایشان مُهر نهاده است وخواهش‌های نفس‌های خودرا پیروی کردند (١٦). وکسانی که راه یاب شدند خدا بر هدایت ایشان افزود وتقوای ایشانرا به آنان عنایت کرد (۱۷). پس منتظر نیستند مگر قیامت را که بدیشان نا گهان بیاید پس به درستی که علاماتِ قیامت آمده است پس ازکجابرای ایشان پند گرفتن باشد وقتیکه قیامت ایشان بیاید (۱۸). پس یقین کن که هیچ معبودی برحق مگرخدا نیست وبرای گناهانِ خود آمرزش طلب کن وبرای مردان مسلمان وزنان مسلمان نیز وخدا جای آمدورفتِ شما را وجای ماندن شما را [۳] میداند (۱۹).

(۲) مترجم گوید ازاین جاتاآخر سوره درباب تهدید مردم ضعیف الایمان نازل شد.

(۳) حاصل این آیات ذم آن شخص است که بمجلس علم درآید وبفهم حقیقتِ آن نرسد بسبب هجومِ هوای نفس بردل اومحتاج استفسارِ دیگران گردد ومثل این شخص را تخویف است بقیامت والله اعلم.

وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَوۡلَا نُزِّلَتۡ سُورَةٞۖ فَإِذَآ أُنزِلَتۡ سُورَةٞ
مُّحۡكَمَةٞ وَذُكِرَ فِيهَا ٱلۡقِتَالُ رَأَيۡتَ ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ
يَنظُرُونَ إِلَيۡكَ نَظَرَ ٱلۡمَغۡشِيِّ عَلَيۡهِ مِنَ ٱلۡمَوۡتِۖ فَأَوۡلَىٰ لَهُمۡ
﴿٢٠﴾ طَاعَةٞ وَقَوۡلٞ مَّعۡرُوفٞۚ فَإِذَا عَزَمَ ٱلۡأَمۡرُ فَلَوۡ صَدَقُواْ ٱللَّهَ
لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡ ﴿٢١﴾ فَهَلۡ عَسَيۡتُمۡ إِن تَوَلَّيۡتُمۡ أَن تُفۡسِدُواْ
فِي ٱلۡأَرۡضِ وَتُقَطِّعُوٓاْ أَرۡحَامَكُمۡ ﴿٢٢﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَعَنَهُمُ
ٱللَّهُ فَأَصَمَّهُمۡ وَأَعۡمَىٰٓ أَبۡصَٰرَهُمۡ ﴿٢٣﴾ أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلۡقُرۡءَانَ
أَمۡ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقۡفَالُهَآ ﴿٢٤﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱرۡتَدُّواْ عَلَىٰٓ أَدۡبَٰرِهِم
مِّنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلۡهُدَى ٱلشَّيۡطَٰنُ سَوَّلَ لَهُمۡ وَأَمۡلَىٰ
لَهُمۡ ﴿٢٥﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لِلَّذِينَ كَرِهُواْ مَا نَزَّلَ ٱللَّهُ
سَنُطِيعُكُمۡ فِي بَعۡضِ ٱلۡأَمۡرِۖ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ إِسۡرَارَهُمۡ ﴿٢٦﴾
فَكَيۡفَ إِذَا تَوَفَّتۡهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَضۡرِبُونَ وُجُوهَهُمۡ
وَأَدۡبَٰرَهُمۡ ﴿٢٧﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ ٱتَّبَعُواْ مَآ أَسۡخَطَ ٱللَّهَ
وَكَرِهُواْ رِضۡوَٰنَهُۥ فَأَحۡبَطَ أَعۡمَٰلَهُمۡ ﴿٢٨﴾ أَمۡ حَسِبَ
ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَن لَّن يُخۡرِجَ ٱللَّهُ أَضۡغَٰنَهُمۡ ﴿٢٩﴾

ومسلمانان میگویند چرا سوره ای فروفرستاده نشد؟ پس چون فرستاده شود سوره ای؟ واضح المعنی و دران قتال ذکر کرده شود ببینی آنان را که دردل های ایشان بیماری است می‌نگرند به سوی تومانندِ نظر کردن کسیکه اورا بسبب حضورِموت بیهوشی رسیده باشد پس وای برای ایشان (۲۰). (حال ایشان بحسب ظاهر) فرمانبرداری و سخنِ نیکوگفتن است پس چون کار مصمم شود، ا گروعدهٔ خودرا باخدا راست کردند برای ایشان بهتر بودی (۲۱). پس ای ضعیف ایمانان اگرمتولی امورِ مردمان شوید البته نزدیك‌اید ازآنکه درزمین تباه کاری کنید وقطع قبیله داری نمایید (۲۲). این جماعت آنانند که ایشانرا خدا لعنت کرد پس ایشانرا کر ساخت و چشمهای ایشانرا کورکرد (۲۳). آیا درقرآن تأمل نمی کنند یابردل‌ها قفل‌های آن‌هااست (۲٤). هرآئینه آنانکه برجانب پشت های خویش برگشتند پس ازآنکه برای ایشان راه هدایت ظاهر شد شیطان برای ایشان آراسته کرده است وایشانرا مهلت داده است (۲٥). این همه بسبب آنست که ایشان گفتند باآنانکه ناپسند کرده اند چیزی راکه خدافرستاده است [٤] فرمانبرداری شما دربعض کارها خواهیم کرد وخدا سخنِ پنهان گفتن ایشانرا میداند (۲٦). پس چگونه باشد حال وقتی که فرشتگان قبضِ روح ایشان کنند روی های ایشانرا و پشتهای ایشانرا میزنند (۲۷). این عقوبت بسبب آنست که ایشان پیروی چیزی کردند که خدا را بخشم آورد وخوشنودی اورا ناپسند کردند پس خدا اعمال ایشانرا ضایع کرد (۲۸). آیا پنداشته اند آنانکه دردلهای ایشان بیماریست که خدا کینه های ایشانرا ظاهر نخواهد کرد (۲۹).

---

(٤) یعنی منافقان بایهود.

وَلَوْ نَشَآءُ لَأَرَيْنَٰكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُم بِسِيمَٰهُمْۚ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِى لَحْنِ ٱلْقَوْلِۚ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَٰلَكُمْ ﴿٣٠﴾ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ ٱلْمُجَٰهِدِينَ مِنكُمْ وَٱلصَّٰبِرِينَ وَنَبْلُوَا۟ أَخْبَارَكُمْ ﴿٣١﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَصَدُّوا۟ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَشَآقُّوا۟ ٱلرَّسُولَ مِنۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلْهُدَىٰ لَن يَضُرُّوا۟ ٱللَّهَ شَيْـًٔا وَسَيُحْبِطُ أَعْمَٰلَهُمْ ﴿٣٢﴾ ۞ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَطِيعُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُوا۟ ٱلرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوٓا۟ أَعْمَٰلَكُمْ ﴿٣٣﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَصَدُّوا۟ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا۟ وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَهُمْ ﴿٣٤﴾ فَلَا تَهِنُوا۟ وَتَدْعُوٓا۟ إِلَى ٱلسَّلْمِ وَأَنتُمُ ٱلْأَعْلَوْنَ وَٱللَّهُ مَعَكُمْ وَلَن يَتِرَكُمْ أَعْمَٰلَكُمْ ﴿٣٥﴾ إِنَّمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌۚ وَإِن تُؤْمِنُوا۟ وَتَتَّقُوا۟ يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْـَٔلْكُمْ أَمْوَٰلَكُمْ ﴿٣٦﴾ إِن يَسْـَٔلْكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبْخَلُوا۟ وَيُخْرِجْ أَضْغَٰنَكُمْ ﴿٣٧﴾ هَٰٓأَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ تُدْعَوْنَ لِتُنفِقُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ فَمِنكُم مَّن يَبْخَلُۖ وَمَن يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلُ عَن نَّفْسِهِۦۚ وَٱللَّهُ ٱلْغَنِىُّ وَأَنتُمُ ٱلْفُقَرَآءُۚ وَإِن تَتَوَلَّوْا۟ يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوٓا۟ أَمْثَٰلَكُم ﴿٣٨﴾

وا گرمیخواستیم ایشان رابتو نشان می دادیم پس ایشانرا به قیافهٔ ایشان می شناختی [٥] والبته ایشانرا دراسلوبِ سخن می شناسی وخدا اعمال شمارا میداند (۳۰). والبته شمارا امتحان کنیم تا مجاهدان را ازشماوصابران را بشناسیم واحوال شمارا بیازماییم (۳۱). هرآئینه آنانکه کافر شدند وازراه خدا بازداشتند وباپیامبر بعدازآنکه راهِ هدایت برای ایشان واضح شد مخالفت کردند خدارا هیچ زیان نرسانند وخداعملهای ایشانرا تباه خواهد کرد (۳۲). ای مسلمانان خدارا فرمان برید وپیامبررا فرمان برید عملهای خودرا [٦] باطل مکنید (۳۳). هر آئینه آنانکه کافر شدند وازراهِ خدا بازداشتند بازبمردند درحالیکه ایشان کافربودند پس هرگز خداایشان را نخواهد آمرزید (۳٤). پس سستی نکنید وبه سوی صلح نخوانید وشمایید غالب وخدا باشمااست وهرگز عملهای شمارا ضایع نخواهد ساخت (۳٥). جزاین نیست که زند گانی دنیا بازیست و بیهودگی است واگرایمان آورید وپرهیزگاری کنید مزدهای شمارا به شما بدهد ازشمامال‌های شمارا نمی طلبد [۷] (۳٦). اگر ازشمامال‌های شمارا بطلبد پس مبالغه کند درسوال آنگاه بخل کنید وآن بخل کینه های شمارا بیرون آورد (۳۷). آگاه شوید شما ای جماعت که خوانده میشوید تا درراه خدا خرج کنید پس ازشماکسی هست که بخل میکند [۸] وهرکه بخل می کند جزاین نیست که برخویشتن بخل میکند وخداتوانگر است وشما محتاجید و اگررویگردان شوید گروهی دیگر را غیر از شما بَدَل می آورد باز آن جماعت مانند شما نباشند (۳۸).

(٥) یعنی ظلمت نفاق برروی ایشان هویدا می شد والله اعلم.

(٦) یعنی به ارتداد و به ریاوسمعه.

(۷) یعنی جمیع مال را.

(۸) یعنی منفعت انفاق را ازخود بازمیدارد.

سُورَةُ الفَتْحِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا ﴿١﴾ لِّيَغْفِرَ لَكَ ٱللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنۢبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُۥ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَٰطًا مُّسْتَقِيمًا ﴿٢﴾ وَيَنصُرَكَ ٱللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا ﴿٣﴾ هُوَ ٱلَّذِىٓ أَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ فِى قُلُوبِ ٱلْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوٓا۟ إِيمَٰنًا مَّعَ إِيمَٰنِهِمْ ۗ وَلِلَّهِ جُنُودُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٤﴾ لِّيُدْخِلَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّـَٔاتِهِمْ ۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عِندَ ٱللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٥﴾ وَيُعَذِّبَ ٱلْمُنَٰفِقِينَ وَٱلْمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلْمُشْرِكِينَ وَٱلْمُشْرِكَٰتِ ٱلظَّآنِّينَ بِٱللَّهِ ظَنَّ ٱلسَّوْءِ ۚ عَلَيْهِمْ دَآئِرَةُ ٱلسَّوْءِ ۖ وَغَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ ۖ وَسَآءَتْ مَصِيرًا ﴿٦﴾ وَلِلَّهِ جُنُودُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٧﴾ إِنَّآ أَرْسَلْنَٰكَ شَٰهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٨﴾ لِّتُؤْمِنُوا۟ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ ۚ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٩﴾
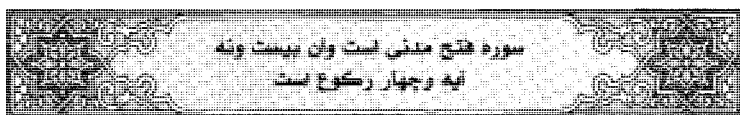
بنام خدای بخشاینده مهربان.

هرآئینه ما برای تو فتح ظاهر وآشکاری رافراهم ساخته ایم [١] (١). عاقبت فتح آنست که خدا تورا آنچه که سابق گذشت ازگناه تو وآنچه پس مانده است بیامرزد ونعمتِ خودرا برتو تمام کند وتا تورا راه راست بنماید (٢). وتا خدا تورا به نصرتِ قوی نصرت دهد (٣). اوست آنکه اطمینان را دردل های مسلمانان فرودآورد تا ایمان ایشان باایمان سابق ایشان زیاده شود ولشکرهای آسمان ها وزمین برای خدا است خدا دانای باحکمت است (٤). عاقبت نزول سکینه آنست که مردانِ مسلمان را وزنانِ مسلمان را درآورد به بوستانهاییکه زیرآنهاجویها میرود جاویدان آنجا و ازایشان جرمهای ایشان را زایل کند واین امر نزد خدا پیروزي بزرگ است (٥). وتا مردانِ منافق وزنانِ منافق را ومردانِ مشرك وزنانِ مشرك را که گمان کنندهاند برخداگمان بد عذاب کند برایشان باد مصیبتِ بد وخدا برایشان بخشم آمد وایشانرا لعنت کرد و برای ایشان دوزخ را آماده ساخت و دوزخ بد جایگاهی است (٦). لشکرهای آسمانها وزمین ازآنِ خدا است وخدا غالبِ باحکمت هست (٧). هرآئینه ما تورا اظهارِ حق کننده وبشارت دهنده وترساننده فرستادیم (٨). تا ای مسلمانان به خداورسول او ایمان آورید تا دین خدارا نصرت دهید وبه بزرگی او اعتقاد کنید واورا بامدادوشامگاه بپاکی یاد کنید (٩).

---

(١) مترجم گوید آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخواب دیدند که گویاآنحضرت با اصحابش درمکه داخل شدند و به اطمینانِ خاطر بحلق وقصر مشغول اند پس آن سال بقصد عمره متوجه کعبه شدند وچون بحدیبیه رسیدندکفار قریش ازوصول بکعبه جلوگیری کردند وبعد از تشویش بسیار باکفار صلح کرده بغیر از زیارت کعبه بازگشتند خدای تعالی آن عمل راازایشان قبول فرمود ازآن بیعت که در اثنای تشویش بجهت تاکید عزم بآنحضرت صلی الله علیه وسلم کرده بودند راضی شده بثواب آن عمل فتوح بسیار نصیب ایشان گردانید بخصوص فتح خیبر که بعد ازین سفر بلاتراخی واقع شده بود و غنایم خیبر را مخصوص بحاضران بیعت گردانید وغیرایشانرا ازآن غزوه منع نمود ومضمون رؤیاسال آینده بظهور رسید پس دربابِ وعدهٔ فتوح وردّ شبهه منافقان بسبب تعویق مضمون رؤیا وبیان حکمت تعویق وتهدید متخلفان ازسفر حدیبیه و بیان خوشنودی خود را به اهلِ بیعت این سوره را نازل فرمود والله اعلم.

إِنَّ ٱلَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ ٱللَّهَ يَدُ ٱللَّهِ فَوْقَ
أَيْدِيهِمْ فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِۦ ۖ وَمَنْ أَوْفَىٰ
بِمَا عَٰهَدَ عَلَيْهُ ٱللَّهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٠﴾ سَيَقُولُ
لَكَ ٱلْمُخَلَّفُونَ مِنَ ٱلْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَآ أَمْوَٰلُنَا وَأَهْلُونَا
فَٱسْتَغْفِرْ لَنَا ۚ يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِم مَّا لَيْسَ فِى قُلُوبِهِمْ ۚ قُلْ
فَمَن يَمْلِكُ لَكُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ
نَفْعًۢا ۚ بَلْ كَانَ ٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًۢا ﴿١١﴾ بَلْ ظَنَنتُمْ أَن لَّن
يَنقَلِبَ ٱلرَّسُولُ وَٱلْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰٓ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيِّنَ ذَٰلِكَ فِى
قُلُوبِكُمْ وَظَنَنتُمْ ظَنَّ ٱلسَّوْءِ وَكُنتُمْ قَوْمًۢا بُورًا ﴿١٢﴾ وَمَن لَّمْ يُؤْمِنۢ
بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ فَإِنَّآ أَعْتَدْنَا لِلْكَٰفِرِينَ سَعِيرًا ﴿١٣﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ يَغْفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ ۚ
وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿١٤﴾ سَيَقُولُ ٱلْمُخَلَّفُونَ إِذَا
ٱنطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ ۖ يُرِيدُونَ
أَن يُبَدِّلُوا۟ كَلَٰمَ ٱللَّهِ ۚ قُل لَّن تَتَّبِعُونَا كَذَٰلِكُمْ قَالَ ٱللَّهُ مِن قَبْلُ ۖ
فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا ۚ بَلْ كَانُوا۟ لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٥﴾

هرآئینه آنان‌که باتو بیعت میکنند جزاین نیست که باخدا بیعت میکنند دستِ خداست بالای دست های ایشان پس هرکه عهد بشکند پس جزاین نیست که بضررِ نفس خود می‌شکند وهرکه آنچه راکه برآن باخدا عهد کرده است تمام کند پس خواهد اورا پاداش بزرگ داد (١٠). پس ماندگان ازاعراب [٢] باتو خواهند گفت مارا اموالِ ماوفرزندان ما مشغول کرد پس برای ما طلب آمرزش کن، به زبان های خود میگویند آنچه دردل های ایشان نیست بگو اگر خدا اراده کند ضرری به شما برساند یا نفعی به شما برساند چه کسی می تواند ازخدا چیزی مانع شود بلکه خدا به آنچه می کنید خبردار هست (١١). نه بلکه گمان کردید که پیامبر ومسلمانان به سوی اهل خانهٔ خویش هرگز بازنخواهد گشت و این گمان در دل های شما آراسته کرده شد وگمان کردید گمان بد وقومی هلاك شده گشتید (١٢). وهر کسی‌که بخدا وپیامبراو ایمان نیاورد پس هرآئینه ما برای این کافران آتش را آماده کرده‌ایم (١٣). و پادشاهی آسمان ها وزمین برای خدا است هرکه را خواهد می آمرزد وهرکه را خواهد عذاب میکند وخدا آمرزگار مهربان است (١٤). پس ماندگان خواهند باتو گفت وقتیکه به سوی غنیمت ها روانه شوید [٣] تا آنرا بدست آورید بگذارید مارا تاازپی شمارویم میخواهند که وعدهٔ خدارا مخالفت کنند بگوپیروی مانخواهید کرد خدا پیش ازین همچنین فرموده است پس خواهند گفت نه بلکه باما حسد میکنید بلکه همیشه مگراندکی نمی فهمیدند (١٥).

(٢) یعنی آنانکه درسفر حدیبیه موافقت نکردند والله اعلم.
(٣) یعنی غنیمت های خیبر.

قُل لِّلْمُخَلَّفِينَ مِنَ ٱلْأَعْرَابِ سَتُدْعَوْنَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُوْلِى بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَٰتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ ۖ فَإِن تُطِيعُوا۟ يُؤْتِكُمُ ٱللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا ۖ وَإِن تَتَوَلَّوْا۟ كَمَا تَوَلَّيْتُم مِّن قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٦﴾ لَّيْسَ عَلَى ٱلْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى ٱلْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى ٱلْمَرِيضِ حَرَجٌ ۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ يُدْخِلْهُ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ ۖ وَمَن يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٧﴾ ۞ لَّقَدْ رَضِىَ ٱللَّهُ عَنِ ٱلْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ ٱلشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِى قُلُوبِهِمْ فَأَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَٰبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿١٨﴾ وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا ۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٩﴾ وَعَدَكُمُ ٱللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَٰذِهِۦ وَكَفَّ أَيْدِىَ ٱلنَّاسِ عَنكُمْ وَلِتَكُونَ ءَايَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَٰطًا مُّسْتَقِيمًا ﴿٢٠﴾ وَأُخْرَىٰ لَمْ تَقْدِرُوا۟ عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ ٱللَّهُ بِهَا ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرًا ﴿٢١﴾ وَلَوْ قَٰتَلَكُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَوَلَّوُا۟ ٱلْأَدْبَٰرَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿٢٢﴾ سُنَّةَ ٱللَّهِ ٱلَّتِى قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلُ ۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ تَبْدِيلًا ﴿٢٣﴾

بگو (يا محمد) پس ماندگان را ازاعراب كه شما به سوى كارزار قومى جنگجوى نيرومند خوانده خواهيد شد [٤] كه جنگ كنيد باايشان ياآنكه مسلمان شوند پس اگر فرمانبردارى كنيد خداشمارا پاداش بدهد واگررويگردان شويد چنانكه پيش ازين روريگردان شده بوديد خدا شمارا عذاب دهد عذابِ درد ناك (١٦). برنابينا گناهى نيست ونه برلنگ گناهى ونه بربيمار گناهى است [٥] وهر كس كه خدا ورسولِ اورا فرمان برد به بوستانهايى كه ميرود زيرِ آن ها جويها درآوردش وهركه رويگردان شود عذاب كند او را به عذاب درد ناك (١٧). هرآئينه خدا از مسلمانان وقتيكه باتوزيرِ درخت بيعت ميكردند خوشنود شد پس آنچه دردل‌هاى ايشانست معلوم ساخت پس اطمينانِ بر دل ايشان فرود آورد وايشان را فتحى نزديك ثواب داد (١٨). وغنيمت هاى بسياركه آنرا بدست آورند [٦] وخدا غالب باحكمت هست (١٩). خدا شمارا غنيمت هاى بسيار كه بدست آوريد آنهارا وعده داده است پس براى شمااين غنيمت را [٧] زود عطا كرد دست هاى مردمان راازشما بازداشت [٨] وتا براى مسلمانان نشانه‌اى باشد وتا خدا شمارا راه راست بنمايد [٩] (٢٠). وخداغنيمت هاى ديگرنيز وعده داد كه هنوز برآن دست نيافته‌ايد به تحقيق خدا آنهارا دانسته است خدا برهمه چيزتوانا [١٠] هست (٢١). واگر كافران باشما جنگ ميكردند البته پشتها را به سوى شما ميگردانيدند باز كارسازى نمى يافتند و نه نصرت دهنده اى (٢٢). مانندِ آيين خداكه گذشته است پيش ازين وآيين خدارا تبديلى نخواهى يافت (٢٣).

---

(٤) يعنى فارس وروم واين معنى درزمان حضرت ابوبكر وحضرت عمر رضى الله عنهما متحقق شد والله اعلم.

(٥) يعنى درتخلف ازمثل اين سفر والله اعلم.

(٦) يعنى غنايم خيبر وغيره.

(٧) يعنى غنايم خيبر.

(٨) يعنى در حديبيه.

(٩) يعنى كفار قريش جمع شدند كه بآنحضرت صلى الله عليه وسلم تشويشى رسانند خداى تعالى دست ايشان را ازقتال باز داشت وقضيه را بصلح انجاميد.

(١٠) يعنى غنايم فارس وروم.

وَهُوَ ٱلَّذِى كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُم بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنۢ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٢٤﴾ هُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَصَدُّوكُمْ عَنِ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ وَٱلْهَدْىَ مَعْكُوفًا أَن يَبْلُغَ مَحِلَّهُۥ ۚ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ وَنِسَآءٌ مُّؤْمِنَٰتٌ لَّمْ تَعْلَمُوهُمْ أَن تَطَـُٔوهُمْ فَتُصِيبَكُم مِّنْهُم مَّعَرَّةٌۢ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۖ لِّيُدْخِلَ ٱللَّهُ فِى رَحْمَتِهِۦ مَن يَشَآءُ ۚ لَوْ تَزَيَّلُوا۟ لَعَذَّبْنَا ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٢٥﴾ إِذْ جَعَلَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ فِى قُلُوبِهِمُ ٱلْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ ٱلْجَٰهِلِيَّةِ فَأَنزَلَ ٱللَّهُ سَكِينَتَهُۥ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَعَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ ٱلتَّقْوَىٰ وَكَانُوٓا۟ أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمًا ﴿٢٦﴾ لَّقَدْ صَدَقَ ٱللَّهُ رَسُولَهُ ٱلرُّءْيَا بِٱلْحَقِّ ۖ لَتَدْخُلُنَّ ٱلْمَسْجِدَ ٱلْحَرَامَ إِن شَآءَ ٱللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ ۖ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا۟ فَجَعَلَ مِن دُونِ ذَٰلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿٢٧﴾ هُوَ ٱلَّذِىٓ أَرْسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلْهُدَىٰ وَدِينِ ٱلْحَقِّ لِيُظْهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ ۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدًا ﴿٢٨﴾

واوست آنکه دست های کافران را ازشماودست های شمارا ازکافران بازداشت درمیان مکه بعدازآنکه شمارا برایشان پیروزمند ساخت وخدا به آنچه می کنید بینا هست [۱۱] (۲٤). این کفار قریش آنانند که کافرشدند وشمارا ازمسجدِ حرام بازداشتند وقربانی را ازآنکه برسد به جای خود بازداشتند وا گر مردانِ مسلمان وزنانِ مسلمان نبودند که نمیدانید ایشان را (اگرنبودی خوف آنکه) ایشانرا پامال وهلاك سازید پس به شماگناهی بغیر دانست [۱۲] میرسد خدا (فتح را مؤخر کرد) تاکه هرکه راخواهد برحمتِ خود در آورد اگر ازهم جدا می‌بودند (این هردو فریق) البته کافران را عذاب میکردیم عذاب دردناك (۲٥). آنگاه که کافران دردل‌های خویش غیرتِ را ازجنس غیرتِ جاهلیت مصمم کردند پس خدا اطمینان خود را برپیامبر خود وبرمسلمانان فرودآورد وبرایشان سخن پرهیزگاری را ثابت کرد وسزاوار به آن واهل آن بودند خدا بهر چیزدانا [۱۳] هست (۲٦). هر آئینه خداخواب پیامبر خودرا مطابق واقع تحقق بخشید به این مضمون که البته به مسجدِ حرام اگر خدابخواهد ایمن شده موی سرهای خود را تراشیده وکوتاه کرده بدون ترس داخل خواهید شد پس دانست آنچه شما ندانستید پس پیش ازین فتحی نزدیك را میسرکرد (۲۷). اوست آنکه پیامبر خود را به هدایت ودین راست فرستاد تا بر همه ادیان غالب کندش وخدا اظهارِ حق کننده بس است (۲۸).

---

(۱۱) تعریض است بآن قصه که بعد انعقاد صلح هفتاد تن ازاوباش قریش خواستند که بیخبر بر صحابه هجوم آرند صحابه همه را اسیر کرده پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم آوردند آنحضرت عفوفرمود این ظاهرانزد بنده ضعیف است وصحیح آنست که این آیت بشارتست بفتح مکه وآوردن لفظ ماضی ازجهت تحقیق وقوع بشارتست والله اعلم.

(۱۲) یعنی تصدیق رؤیا بالفعل متحقق شدی وفتح عاجل میسر گشتی والله اعلم.

(۱۳) یعنی جماعتی ازمسلمانان به این صلح خیلی ناراحت بودند ولی آخر الامر خدای تعالی اطمینان رابدل ایشان انداخت تابمرضی آنحضرت صلی الله علیه وسلم رضا مند شدند والله اعلم.

مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ ٱللَّهِ ۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلْكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيْنَهُمْ ۖ تَرَىٰهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضْوَٰنًا ۖ سِيمَاهُمْ فِى وُجُوهِهِم مِّنْ أَثَرِ ٱلسُّجُودِ ۚ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِى ٱلتَّوْرَىٰةِ ۚ وَمَثَلُهُمْ فِى ٱلْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْـَٔهُۥ فَـَٔازَرَهُۥ فَٱسْتَغْلَظَ فَٱسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِۦ يُعْجِبُ ٱلزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ ٱلْكُفَّارَ ۗ وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِنْهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًۢا ﴿٢٩﴾

سورة الحجرات

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تُقَدِّمُوا۟ بَيْنَ يَدَىِ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ۖ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَرْفَعُوٓا۟ أَصْوَٰتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ ٱلنَّبِىِّ وَلَا تَجْهَرُوا۟ لَهُۥ بِٱلْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَٰلُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٢﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَٰتَهُمْ عِندَ رَسُولِ ٱللَّهِ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱمْتَحَنَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ ۚ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٣﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِن وَرَآءِ ٱلْحُجُرَٰتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٤﴾

ربع الحزب ٥٢

محمد (صلی الله علیه وسلم) پیامبر خداست وآنانکه همراه اویند برکافران سخت اند درمیان خود مهربان اند می بینی ایشان را رکوع کننده سجده نماینده فضل را ازخداوخوشنودی را می طلبند نشانهٔ صلاح ایشان ازاثر سجده در چهره های ایشان است آنچه مذکور میشود داستانِ ایشانست درتورات وداستانِ ایشان درانجیل مانند زراعتی هستند که شاخهای خود را برآورد پس آن را قوی کرد پس سطبر شد پس بایستاد برساقهای خود زراعت کنندگان را [١٤] بِشِگفت می‌آورد تا بسبب دیدن ایشان کافرانرا بخشم آورد خدا آنانراکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند ازایشان آمرزش وپاداش بزرگ وعده داده است (٢٩).

سوره حجرات مدنی است وآن هیجده آیه ودو رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان[*]

ای مسلمانان فراروی خداورسولِ او پیش دستی مکنید وازخدا بترسید هرآئینه خدا شنوای‌داناست (١). ای مسلمانان آوازهای خودرا بالای آواز پیامبر بلند مکنید ومانند بلند سخن گفتن شما باهمدیگر بااوبلند سخن مگویید برای احتراز ازآنکه عمل های شما نابود شود وشما خبردار نباشید (٢). هرآئینه آنانکه آوازهای خودرا نزد پیامبر خدا پست میکنند آن جماعت آنانند که خدادل های ایشانرا برای ظهور تقویٰ آزموده است ایشانرا آمرزش وپاداش بزرگ است (٣). هرآئینه آنانکه تورا ازپسِ پشت حجره ها آوازمیدهند اکثرایشان نمی فهمند (٤).

---

(١٤) حاصلِ مثل آنست که اسلام دراوّل حال ضعیف بود و مسلمانان کم بودند رفته رفته غالب وبسیار شدند عاقبت حال غلبهٔ اسلام آن است که خدای تعالی کافران را به خشم آرد.

(*) مترجم گوید خدای تعالی این سوره را برای تعلیم آداب فرودآوردکه از حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم درامرونهی پیشدستی نکنند وآنحضرت را بآواز بلند خطاب نکنند واگر فاسق چیزی گوید بغیر تفتیش حال او امضای عزیمت نه نمایندکه در نتیجه آن میان ایشان خانه جنگی واقع شود ونتوانندآنرا اصلاح کنند وروبروی به پشیمانی شوند وازاستهزاء بایکدیگر ولقب بدنهادن وغیبت کردن وظن بد کردن وبعلوِ نسب بردیگران فخر کردن منع کرد وضعیف الایمان را برضعیف الایمان تنبیه فرمود والله اعلم.

وَلَوۡ أَنَّهُمۡ صَبَرُواْ حَتَّىٰ تَخۡرُجَ إِلَيۡهِمۡ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ
رَّحِيمٞ ٥ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن جَآءَكُمۡ فَاسِقُۢ بِنَبَإٖ فَتَبَيَّنُوٓاْ أَن
تُصِيبُواْ قَوۡمَۢا بِجَهَٰلَةٖ فَتُصۡبِحُواْ عَلَىٰ مَا فَعَلۡتُمۡ نَٰدِمِينَ ٦
وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ فِيكُمۡ رَسُولَ ٱللَّهِۚ لَوۡ يُطِيعُكُمۡ فِي كَثِيرٖ مِّنَ ٱلۡأَمۡرِ لَعَنِتُّمۡ
وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ حَبَّبَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡإِيمَٰنَ وَزَيَّنَهُۥ فِي قُلُوبِكُمۡ وَكَرَّهَ
إِلَيۡكُمُ ٱلۡكُفۡرَ وَٱلۡفُسُوقَ وَٱلۡعِصۡيَانَۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلرَّٰشِدُونَ ٧
فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَنِعۡمَةٗۚ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ٨ وَإِن طَآئِفَتَانِ
مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱقۡتَتَلُواْ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَهُمَاۖ فَإِنۢ بَغَتۡ إِحۡدَىٰهُمَا
عَلَى ٱلۡأُخۡرَىٰ فَقَٰتِلُواْ ٱلَّتِي تَبۡغِي حَتَّىٰ تَفِيٓءَ إِلَىٰٓ أَمۡرِ ٱللَّهِۚ فَإِن فَآءَتۡ
فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَهُمَا بِٱلۡعَدۡلِ وَأَقۡسِطُوٓاْۖ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ
٩ إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِخۡوَةٞ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَ أَخَوَيۡكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ
لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ١٠ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا يَسۡخَرۡ قَوۡمٞ مِّن قَوۡمٍ
عَسَىٰٓ أَن يَكُونُواْ خَيۡرٗا مِّنۡهُمۡ وَلَا نِسَآءٞ مِّن نِّسَآءٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُنَّ خَيۡرٗا
مِّنۡهُنَّۖ وَلَا تَلۡمِزُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَلَا تَنَابَزُواْ بِٱلۡأَلۡقَٰبِۖ بِئۡسَ ٱلِٱسۡمُ
ٱلۡفُسُوقُ بَعۡدَ ٱلۡإِيمَٰنِۚ وَمَن لَّمۡ يَتُبۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ١١

واگرایشان تاوقتی که به سوی ایشان بیرون می‌آمدی صبر می‌کردند برای ایشان بهتر می بود وخدا آمرزگار مهربانست [۱] (٥). ای مسلمانان اگر پیش شما فاسقی خبری را بیاورد پس تحقیق کنید برای احتراز ازآنکه قومی را بنادانی ضرررسانید پس برآنچه عمل کردید پشیمان شوید (٦). وبدانید که درمیانِ شما رسولِ خدااست اگر فرمانبرد شمارا دربسیاری ازکارهابرنج درافتید ولیکن خدا نزد شماایمان را دوست گردانید وآنرادردلهای شما آراسته کرد، پیشِ شماکفر وفسق و نافرمانی را ناخوش گردانید این جماعت ایشانند راه یافتگان (۷). به فضل ونعمتی ازسوی خدا وخدا دانای باحکمت است (۸). واگردوگروه ازمسمانان بایکدیگر جنگ کنند پس میانِ ایشان صلح کنید پس اگرتجاوز کرد یکی ازین دوگروه بردیگری پس باآن گروه که تجاوز میکند جنگ کنید تاآنکه به سوی حکمِ خدا رجوع کند پس اگر رجوع کرد پس میانِ ایشان باانصاف صلح کنید وداد دهید هرآئینه خدا داد دهندگان را دوست میدارد (۹). جزاین نیست که مسلمانان برادران يك ديگراند پس میان دو برادرِ خویش صلح کنید وازخدا بترسید تا برشما رحم کرده شود (۱۰). ای مسلمانان گروهی گروهی دیگر را به ریشخند نگیرد احتمال است که آن گروه ازایشان درنفس الامر بهترباشند و نه زنانی زنانی دیگر را به ریشخند گیرد احتمال است که آن زنان ازایشان در واقع بهتر باشند و ازهمدیگرعیب جویی مکنید ویکدیگر را به لقب های بدمخوانید فاسقی بعد ازایمان آوردن بدنامی است وهرکه توبه نکرد پس آن جماعت ایشانند ستمکاران [۲] (۱۱).

(۱) مترجم گوید این تعریض است بحال قومی ازبنی تمیم که بجهت مهمی پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمدند وچون در مسجد نیافتند ونمیدانستند که درکدام حجره تشریف دارند نزدیك حجره هابآواز بلند صدا کردن را شروع کردند والله اعلم.

(۲) یعنی بگناهی که درجاهلیت کرده باشند بعدازاسلام نشانِ سندنباید ساخت.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱجْتَنِبُواْ كَثِيرًا مِّنَ ٱلظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ ٱلظَّنِّ
إِثْمٌۖ وَلَا تَجَسَّسُواْ وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًاۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن
يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ
تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَٰكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَٰكُمْ
شُعُوبًا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ ٱللَّهِ أَتْقَىٰكُمْۚ إِنَّ ٱللَّهَ
عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١٣﴾ ۞ قَالَتِ ٱلْأَعْرَابُ ءَامَنَّاۖ قُل لَّمْ تُؤْمِنُواْ وَلَٰكِن
قُولُوٓاْ أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ ٱلْإِيمَٰنُ فِي قُلُوبِكُمْۖ وَإِن تُطِيعُواْ ٱللَّهَ
وَرَسُولَهُۥ لَا يَلِتْكُم مِّنْ أَعْمَٰلِكُمْ شَيْـًٔاۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤﴾
إِنَّمَا ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُواْ
وَجَٰهَدُواْ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ
ٱلصَّٰدِقُونَ ﴿١٥﴾ قُلْ أَتُعَلِّمُونَ ٱللَّهَ بِدِينِكُمْ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلْأَرْضِۚ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٦﴾ يَمُنُّونَ
عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُواْۖ قُل لَّا تَمُنُّواْ عَلَيَّ إِسْلَٰمَكُمۖ بَلِ ٱللَّهُ يَمُنُّ
عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَىٰكُمْ لِلْإِيمَٰنِ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿١٧﴾ إِنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ
غَيْبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِۚ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾

نصف الحزب ٥٢

ای مسلمانان ازبسیاری گمانِ بد احتراز کنید هرآئینه بعض بد گمانی گناه است وجاسوسی مکنید وبعضی از شما بعضی را غیبت نکند آیا کسی ازشما دوست میدارد که گوشت برادر خود را که مرده باشد بخورد پس آن را زشت می پندارید وازخدا بترسید هرآئینه خداتوبه پذیرندهٔ مهربانست (١٢). ای مردمان هرآئینه شمارا ازیك مرد ویك زن آفریدیم وشمارا جماعت‌هاوقبیله‌ها گرداندیم تابایکدیگر آشنا شوید هرآئینه گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزگارترینِ شمااست هرآئینه خدا دانای خبرداراست (١٣). اعراب گفتند ایمان آوردیم بگوایمان بحقیقت نیاوردیدولیکن بگویید منقادشده ایم وهنوز ایمان به دل‌های شما درنیامده است واگرفرمانبرداری خداورسول اوکنید شمارا ازجزای اعمالِ شما چیزی کم ندهد هرآئینه خداآمزرگار مهربانست (١٤). جزاین نیست که مومنان به حقیقت آنانند که ایمان بخداوپیامبراو آوردند بازشك نکردند وباموالِ خود وجان های خود درراه خدا جهاد نمودند آن جماعت ایشانند راست گویان (١٥). بگوآیا خدا را به دینِ خود خبردارمی‌کنید وخدا آنچه درآسمانها است وآنچه درزمین است میداند وخدا بهر چیز دانا است (١٦). منّت می نهند برتو به آنکه مسلمان شده‌اند بگو برمن به اسلام خود منّت منهید بلکه خدا برشما به آنکه هدایت کرد شمارا به ایمان منّت می نهد اگر راست گوهستید (١٧). هرآئینه خدا پنهانِ آسمان هاوزمین را میداند وخدابیناست به آنچه می کنید (١٨).

سُورَةُ قٓ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

قٓ ۚ وَٱلْقُرْءَانِ ٱلْمَجِيدِ ﴿١﴾ بَلْ عَجِبُوٓا۟ أَن جَآءَهُم مُّنذِرٌ مِّنْهُمْ
فَقَالَ ٱلْكَٰفِرُونَ هَٰذَا شَىْءٌ عَجِيبٌ ﴿٢﴾ أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ۖ ذَٰلِكَ
رَجْعٌۢ بَعِيدٌ ﴿٣﴾ قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنقُصُ ٱلْأَرْضُ مِنْهُمْ ۖ وَعِندَنَا كِتَٰبٌ
حَفِيظٌۢ ﴿٤﴾ بَلْ كَذَّبُوا۟ بِٱلْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ فَهُمْ فِىٓ أَمْرٍ مَّرِيجٍ ﴿٥﴾
أَفَلَمْ يَنظُرُوٓا۟ إِلَى ٱلسَّمَآءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَٰهَا وَزَيَّنَّٰهَا
وَمَا لَهَا مِن فُرُوجٍ ﴿٦﴾ وَٱلْأَرْضَ مَدَدْنَٰهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَٰسِىَ
وَأَنۢبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍۭ بَهِيجٍ ﴿٧﴾ تَبْصِرَةً وَذِكْرَىٰ لِكُلِّ عَبْدٍ
مُّنِيبٍ ﴿٨﴾ وَنَزَّلْنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً مُّبَٰرَكًا فَأَنۢبَتْنَا بِهِۦ جَنَّٰتٍ
وَحَبَّ ٱلْحَصِيدِ ﴿٩﴾ وَٱلنَّخْلَ بَاسِقَٰتٍ لَّهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ ﴿١٠﴾ رِّزْقًا
لِّلْعِبَادِ ۖ وَأَحْيَيْنَا بِهِۦ بَلْدَةً مَّيْتًا ۚ كَذَٰلِكَ ٱلْخُرُوجُ ﴿١١﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ
قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَٰبُ ٱلرَّسِّ وَثَمُودُ ﴿١٢﴾ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَٰنُ
لُوطٍ ﴿١٣﴾ وَأَصْحَٰبُ ٱلْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ ۚ كُلٌّ كَذَّبَ ٱلرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ
﴿١٤﴾ أَفَعَيِينَا بِٱلْخَلْقِ ٱلْأَوَّلِ ۚ بَلْ هُمْ فِى لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٥﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

قٓ وقسم به قرآن بابزرگی (که توپیامبر خدایی) (۱). بلکه تعجب کردند کافران ازآنکه ازقوم ایشان بدیشان ترسانندهای آمد پس آن کافران گفتند این چیزی است عجیب (۲). آیا چون بمیریم وخاك شویم (حشر کرده شویم) این بازگردانیدن دور ازعقل است (۳). هرآئینه دانستهایم آنچه زمین ازایشان [1] کم میکند ونزد ماکتابیست نگاهدارنده [2] (٤). بلکه سخن راست را وقتیکه بدیشان بیامد تکذیب کردند پس ایشان درکاری شوریده اند (٥). آیا به سوی آسمان بالای خود ندیدهاند چگونه آن را بناکردهایم وآنرا آراسته کرده ایم ودرآن هیچ شگافی نیست (٦). وزمین را گستردیم و درآن کوهها افگندیم و درآن ازهر نوع خوش آینده رویانیدیم (۷). برای راه نمودن وپند دادن هربندهٔ رجوع کننده (۸). وازآسمان آب بابرکت فرودآوردیم پس بسبب آن بوستانهاودانه که آن را درو میکنند رویانیدیم (۹). ودرختانِ خرما بلند بالابرآمده آنرامیوه تودرتو انباشته است (۱۰). روزی برای بندگان وبه آن شهر مرده را زنده ساختیم ازگور برآمدن همچنین باشد (۱۱). پیش ازایشان قوم نوح واهل رَسّ وثمود تکذیب کردند (۱۲). وعاد وفرعونوبرادرانِ لوط نیز (۱۳). واهل اَیکه وقوم تُبَّع هریکی پیامبران را تکذیب کردند پس وعدهٔ عذاب من ثابت شد (۱٤). آیا درآفرینش نخستین عاجزشده بودیم بلکه ایشان ازآفرینش نو درشبهه هستند (۱٥).

---

(۱) یعنی آنچه میخورد زمین ازبدن ایشان.
(۲) یعنی لوحِ محفوظ.

وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ وَنَعۡلَمُ مَا تُوَسۡوِسُ بِهِۦ نَفۡسُهُۥۖ وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ إِلَيۡهِ مِنۡ حَبۡلِ ٱلۡوَرِيدِ ﴿١٦﴾ إِذۡ يَتَلَقَّى ٱلۡمُتَلَقِّيَانِ عَنِ ٱلۡيَمِينِ وَعَنِ ٱلشِّمَالِ قَعِيدٞ ﴿١٧﴾ مَّا يَلۡفِظُ مِن قَوۡلٍ إِلَّا لَدَيۡهِ رَقِيبٌ عَتِيدٞ ﴿١٨﴾ وَجَآءَتۡ سَكۡرَةُ ٱلۡمَوۡتِ بِٱلۡحَقِّۖ ذَٰلِكَ مَا كُنتَ مِنۡهُ تَحِيدُ ﴿١٩﴾ وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِۚ ذَٰلِكَ يَوۡمُ ٱلۡوَعِيدِ ﴿٢٠﴾ وَجَآءَتۡ كُلُّ نَفۡسٖ مَّعَهَا سَآئِقٞ وَشَهِيدٞ ﴿٢١﴾ لَّقَدۡ كُنتَ فِي غَفۡلَةٖ مِّنۡ هَٰذَا فَكَشَفۡنَا عَنكَ غِطَآءَكَ فَبَصَرُكَ ٱلۡيَوۡمَ حَدِيدٞ ﴿٢٢﴾ وَقَالَ قَرِينُهُۥ هَٰذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ ﴿٢٣﴾ أَلۡقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٖ ﴿٢٤﴾ مَّنَّاعٖ لِّلۡخَيۡرِ مُعۡتَدٖ مُّرِيبٍ ﴿٢٥﴾ ٱلَّذِي جَعَلَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَأَلۡقِيَاهُ فِي ٱلۡعَذَابِ ٱلشَّدِيدِ ﴿٢٦﴾ ۞ قَالَ قَرِينُهُۥ رَبَّنَا مَآ أَطۡغَيۡتُهُۥ وَلَٰكِن كَانَ فِي ضَلَٰلِۭ بَعِيدٖ ﴿٢٧﴾ قَالَ لَا تَخۡتَصِمُواْ لَدَيَّ وَقَدۡ قَدَّمۡتُ إِلَيۡكُم بِٱلۡوَعِيدِ ﴿٢٨﴾ مَا يُبَدَّلُ ٱلۡقَوۡلُ لَدَيَّ وَمَآ أَنَا۠ بِظَلَّٰمٖ لِّلۡعَبِيدِ ﴿٢٩﴾ يَوۡمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ ٱمۡتَلَأۡتِ وَتَقُولُ هَلۡ مِن مَّزِيدٖ ﴿٣٠﴾ وَأُزۡلِفَتِ ٱلۡجَنَّةُ لِلۡمُتَّقِينَ غَيۡرَ بَعِيدٍ ﴿٣١﴾ هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٖ ﴿٣٢﴾ مَّنۡ خَشِيَ ٱلرَّحۡمَٰنَ بِٱلۡغَيۡبِ وَجَآءَ بِقَلۡبٖ مُّنِيبٍ ﴿٣٣﴾ ٱدۡخُلُوهَا بِسَلَٰمٖۖ ذَٰلِكَ يَوۡمُ ٱلۡخُلُودِ ﴿٣٤﴾ لَهُم مَّا يَشَآءُونَ فِيهَا وَلَدَيۡنَا مَزِيدٞ ﴿٣٥﴾

ثلاثة أرباع الحزب ٥٢

وهرآئینه آدمی را آفریدیم ومیدانیم چیزی را که نفسِ او بخاطر میگذراندش و ما به وی ازشاهرگ (یعنی رگ گردن) نزدیك تریم (١٦). آنگاه که فرا گیرند دوفرا گیرنده به پهلوی راست نشیننده وبه پهلوی چپ نشیننده [٣] (١٧). به زبان نمی آورد آدمی هیچ سخنی مگر نزدیك او نگهبانیست مهیا [٤] (١٨). وسختیِ موت براستی بیامد اینست آنچه ازآن کناره گیری میکردی (١٩). ودرصور دمیده شود روز وعدهٔ عذاب این است (٢٠). وهر شخصی همراه اوروان کننده ای وگواهی دهنده ای بیامد [٥] (٢١). (گوییم) هرآئینه دربی خبری بودی ازین ماجرا پس ازتو پردهٔ تورا برداشتیم پس چشم توامروزتیزبین است (٢٢). وفرشته همنشین او گفت اینست آنکه نزدیك من حاضر کرده شده بود (٢٣). (گوییم) ای دوفرشته دردوزخ هرناسپاس سرکش را بافکنید [٦] (٢٤). منع کنندهٔ مال ازحد درگذرندهٔ شك آورنده (٢٥). آنکه باخدا معبودی دیگر مقرر کرد پس او را درعذاب سخت بافکنید (٢٦). همنشین او گفت [٧] ای پروردگارمن این شخص را گمراه نکردم ولیکن وی در گمراهیِ دور بود (٢٧). فرمود پیش من خصومت مکنید حالانکه پیش ازین به سوی شما وعدهٔ عذاب فرستاده بودم (٢٨). (آن) وعده در نزد من تغییر داده نمی شود ومن بربندگان ستم کننده نیستم (٢٩). روزی که دوزخ را بگوییم آیا پرشدی؟ ودوزخ گوید آیا هیچ زیاده ازین هست [٨]؟ (٣٠). وبهشت برای متقیان نزدیك گردانیده شود نه دور (٣١). (گوییم) این است آنچه شمارا وعده داده میشد نزدیك کرده شده برای هر رجوع کنندهٔ نگاهدارنده (٣٢). برای هرکسیکه ازخدا نادیده بترسد وبادل متوجه شده پیش آمد (٣٣). (گوییم) دربهشت همراه سلامتی داخل شوید اینست روزهمیشه جاویدان (٣٤). برای ایشان دربهشت آنچه خواهند است ونزدیك ما ازآن زیاده است (٣٥).

---

(٣) یعنی کراماً کاتبین والله اعلم.

(٤) یعنی اگرکلمه حق باشد فرشتهٔ دست راست مینویسد واگرکلمه باطل باشد فرشتهٔ دست چپ می نویسد والله اعلم.

(٥) مراد جنس روان کننده وگواهی دهنده است.

(٦) مترجم گوید عادت پادشاهانست که اسیررا پیش ایشان دوکس گرفته می آورند ازین جهت دو فرشته را خطاب شود.

(٧) یعنی شیاطین ازانس وجن والله اعلم.

(٨) یعنی هر چند درواندازند زیاده طلب کند والله اعلم.

وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّن قَرۡنٍ هُمۡ أَشَدُّ مِنۡهُم بَطۡشٗا فَنَقَّبُواْ
فِي ٱلۡبِلَٰدِ هَلۡ مِن مَّحِيصٍ ﴿٣٦﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكۡرَىٰ لِمَن
كَانَ لَهُۥ قَلۡبٌ أَوۡ أَلۡقَى ٱلسَّمۡعَ وَهُوَ شَهِيدٞ ﴿٣٧﴾ وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ وَمَا مَسَّنَا
مِن لُّغُوبٖ ﴿٣٨﴾ فَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ
قَبۡلَ طُلُوعِ ٱلشَّمۡسِ وَقَبۡلَ ٱلۡغُرُوبِ ﴿٣٩﴾ وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَسَبِّحۡهُ
وَأَدۡبَٰرَ ٱلسُّجُودِ ﴿٤٠﴾ وَٱسۡتَمِعۡ يَوۡمَ يُنَادِ ٱلۡمُنَادِ مِن مَّكَانٖ قَرِيبٖ
﴿٤١﴾ يَوۡمَ يَسۡمَعُونَ ٱلصَّيۡحَةَ بِٱلۡحَقِّۚ ذَٰلِكَ يَوۡمُ ٱلۡخُرُوجِ ﴿٤٢﴾ إِنَّا
نَحۡنُ نُحۡيِۦ وَنُمِيتُ وَإِلَيۡنَا ٱلۡمَصِيرُ ﴿٤٣﴾ يَوۡمَ تَشَقَّقُ ٱلۡأَرۡضُ
عَنۡهُمۡ سِرَاعٗاۚ ذَٰلِكَ حَشۡرٌ عَلَيۡنَا يَسِيرٞ ﴿٤٤﴾ نَّحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَقُولُونَۖ
وَمَا أَنتَ عَلَيۡهِم بِجَبَّارٖۖ فَذَكِّرۡ بِٱلۡقُرۡءَانِ مَن يَخَافُ وَعِيدِ ﴿٤٥﴾

سُورَةُ الذَّارِيَاتِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلذَّٰرِيَٰتِ ذَرۡوٗا ﴿١﴾ فَٱلۡحَٰمِلَٰتِ وِقۡرٗا ﴿٢﴾ فَٱلۡجَٰرِيَٰتِ يُسۡرٗا ﴿٣﴾
فَٱلۡمُقَسِّمَٰتِ أَمۡرًا ﴿٤﴾ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٞ ﴿٥﴾ وَإِنَّ ٱلدِّينَ لَوَٰقِعٞ ﴿٦﴾

وپیش ازایشان امت ها بسیارهلاك کردیم که قوی تربودند ایشان از اینجماعت دردست درازی پس جستجو کردند درشهرها که هیچ گریزگاهی هست (٣٦). هرآئینه درین امر کسی را که دلی دارد یاگوش نهد متوجه شده پنداست (٣٧). وهرآئینه آسمان‌ها وزمین را وآنچه درمیان هر دوهست درشش روز آفریدیم وبماهیچ خستگی نرسید (٣٨). پس به آنچه میگویند صبر کن وبپاکی همراه ستایش پروردگارخویش را پیش ازبرآمدن آفتاب وپیش ازغروب یادکن (٣٩). ودربعض اوقات شب به پاکی خدارا یادکن وعقب نمازنیز (٤٠). واین قصّه را بشنو روزیکه آواز دهنده ازجای نزدیك آوازدهد [٩] (٤١). روزیکه بشنوند نعره تند بغیر تردد آن روز بیرون آمدن (ازقبر) است (٤٢). هرآئینه ما زنده می‌کنیم ومی‌میرانیم وبه سوی ماست بازگشت (٤٣). روزیکه زمین ازسرایشان بشگافد بیرون آیند شتابان، این برانگیختن برما آسان است (٤٤). مامیدانیم آنچه می گویند ونیستی تو برایشان قهر کننده، پس پند دِه به قرآن هرکه‌را از وعدهٔ عذابِ من میترسد (٤٥).

سوره ذاریات مکی است وآن شصت
آیه وسه رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به بادهاي که پراکنده کنندهٔ خاك اند پراکنده کردنی (١). پس قسم به ابرهای بردارندهٔ بارِ آب (٢). پس قسم بکشتی‌های آسان رو (٣). پس قسم به فرشتگانِ تقسیم کنندهٔ کار [١] (٤). هرآئینه آنچه وعده داده می شوید راست است (٥). وهرآئینه جزای اعمال بودنیست (٦).

---

(٩) این تصویری است آنرا که همه دراستماع ندا مساوی باشند والله اعلم.
(١) یعنی ارزاق وبلاهارا.

وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلۡحُبُكِ ﴿٧﴾ إِنَّكُمۡ لَفِي قَوۡلٖ مُّخۡتَلِفٖ ﴿٨﴾ يُؤۡفَكُ عَنۡهُ مَنۡ أُفِكَ ﴿٩﴾ قُتِلَ ٱلۡخَرَّٰصُونَ ﴿١٠﴾ ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي غَمۡرَةٖ سَاهُونَ ﴿١١﴾ يَسۡـَٔلُونَ أَيَّانَ يَوۡمُ ٱلدِّينِ ﴿١٢﴾ يَوۡمَ هُمۡ عَلَى ٱلنَّارِ يُفۡتَنُونَ ﴿١٣﴾ ذُوقُواْ فِتۡنَتَكُمۡ هَٰذَا ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ تَسۡتَعۡجِلُونَ ﴿١٤﴾ إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٍ ﴿١٥﴾ ءَاخِذِينَ مَآ ءَاتَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَبۡلَ ذَٰلِكَ مُحۡسِنِينَ ﴿١٦﴾ كَانُواْ قَلِيلٗا مِّنَ ٱلَّيۡلِ مَا يَهۡجَعُونَ ﴿١٧﴾ وَبِٱلۡأَسۡحَارِ هُمۡ يَسۡتَغۡفِرُونَ ﴿١٨﴾ وَفِيٓ أَمۡوَٰلِهِمۡ حَقّٞ لِّلسَّآئِلِ وَٱلۡمَحۡرُومِ ﴿١٩﴾ وَفِي ٱلۡأَرۡضِ ءَايَٰتٞ لِّلۡمُوقِنِينَ ﴿٢٠﴾ وَفِيٓ أَنفُسِكُمۡۚ أَفَلَا تُبۡصِرُونَ ﴿٢١﴾ وَفِي ٱلسَّمَآءِ رِزۡقُكُمۡ وَمَا تُوعَدُونَ ﴿٢٢﴾ فَوَرَبِّ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ إِنَّهُۥ لَحَقّٞ مِّثۡلَ مَآ أَنَّكُمۡ تَنطِقُونَ ﴿٢٣﴾ هَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ضَيۡفِ إِبۡرَٰهِيمَ ٱلۡمُكۡرَمِينَ ﴿٢٤﴾ إِذۡ دَخَلُواْ عَلَيۡهِ فَقَالُواْ سَلَٰمٗاۖ قَالَ سَلَٰمٞ قَوۡمٞ مُّنكَرُونَ ﴿٢٥﴾ فَرَاغَ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦ فَجَآءَ بِعِجۡلٖ سَمِينٖ ﴿٢٦﴾ فَقَرَّبَهُۥٓ إِلَيۡهِمۡ قَالَ أَلَا تَأۡكُلُونَ ﴿٢٧﴾ فَأَوۡجَسَ مِنۡهُمۡ خِيفَةٗۖ قَالُواْ لَا تَخَفۡۖ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَٰمٍ عَلِيمٖ ﴿٢٨﴾ فَأَقۡبَلَتِ ٱمۡرَأَتُهُۥ فِي صَرَّةٖ فَصَكَّتۡ وَجۡهَهَا وَقَالَتۡ عَجُوزٌ عَقِيمٞ ﴿٢٩﴾ قَالُواْ كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿٣٠﴾

قسم به آسمان دارای راه ها [٢] (٧). هرآئينه شمادر سخنی دربارهٔ (وحی) باهم اختلاف دارنده هستيد (٨). هركه درعلم الهی ازخير مطرود است ازقرآن بازگردانيده ميشود (٩). دروغگويانرا لعنت كرده شد (١٠). آنانكه ايشان دربی‌خبری فراموش كنندگان اند (١١). می پرسند روزجزا كَی خواهد بود (١٢). (آری) آنروزكه ايشانرا درآتش عذاب داده ميشود (١٣). (گوييم) عقوبت خود را بچشيد اينست آنچه آنرا بشتاب طلب ميكرديد (١٤). هرآئينه متقيان دربوستانها وچشمه هاباشند (١٥). بدست آرنده آنچه ايشانرا پروردگار ايشان داد هرآئينه ايشان پيش ازين نيكوكار بودند (١٦). به اين صفت بودند كه اندكی ازشب می خوابيدند (١٧). وبوقت سحر ايشان طلب آمرزش می نمودند (١٨). ودراموال ايشان حصّه ای مقرر برای سوال كننده وبرای تنگدست كم سوال بود (١٩). ودرزمين برای يقين كنندگان نشانه هااست (٢٠). ودرذات های شما نشانه هااست آيانمی نگريد (٢١). ودرآسمان رزق شما است وآنچه شمارا وعده داده ميشود [٣] (٢٢). پس قسم به پروردگارآسمان وزمين هرآئينه اين خبرراست است مانند آنكه شما سخن ميگوييد [٤] (٢٣). آيا پيش توخبر مهمانان گرامیِ ابراهيم آمده است (٢٤). چون برابراهيم درآمدند پس سلام گفتند جواب سلام داد (به دل گفت) ايشان گروهی ناشناخته هستند (٢٥). پس متوجه شد به سوی اهل خانهٔ خود پس كباب گوساله فربه آورد (٢٦). پس آنرا به ايشان نزديك ساخت گفت آيا نمی خوريد؟ (٢٧). پس (چون نخوردند) درخاطر خود ازايشان ترسی يافت گفتند مترس و به فرزندی دانا بشارت دادند (٢٨). پس زن ابراهيم بانگ زنان پيش آمد وسيلی ای برچهره اش نواخت وگفت (آيابزايد) پيرزنی نازا (٢٩). فرشتگان گفتند پروردگارتو همچنين فرمود هرآئينه او باحكمت دانا است (٣٠).

(٢) يعنی صورتهای مختلف دارند مانند شكل شير وشكل بره وشكل عقرب والله اعلم.

(٣) يعنی پيش ازوجود خارجی در عالم ملكوت رزق وعقوبت وامثال آن مقدر ميشود والله اعلم.

(٤) يعنی چنانكه درگفتن خود يقين داريد كه ماالبته ميگوييم همچنين باين خبريقين بايد آورد والله اعلم.

۞ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿٣١﴾ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ ﴿٣٢﴾ لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن طِينٍ ﴿٣٣﴾ مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ ﴿٣٤﴾ فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣٥﴾ فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٦﴾ وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِّلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٣٧﴾ وَفِي مُوسَىٰ إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٣٨﴾ فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ﴿٣٩﴾ فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿٤٠﴾ وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ ﴿٤١﴾ مَا تَذَرُ مِن شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ ﴿٤٢﴾ وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٤٣﴾ فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنظُرُونَ ﴿٤٤﴾ فَمَا اسْتَطَاعُوا مِن قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنتَصِرِينَ ﴿٤٥﴾ وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٤٦﴾ وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْيدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ﴿٤٧﴾ وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ ﴿٤٨﴾ وَمِن كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٤٩﴾ فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ ۖ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٥٠﴾ وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ ۖ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٥١﴾

ابراهیم گفت پس مقصد شمای فرستادگان چیست؟ (۳۱). گفتند هرآئینه ما به سوی گروهی گناهگار فرستاده شده‌ایم (۳۲). تا برسرایشان سنگ باری ازگل فروریزیم (۳۳). که نزد پروردگار تو برای اسرافکاران نشانمند شده است (٣٤). پس کسانی که در آنجا ازمومنان بودند بیرون آوردیم (۳٥). پس درآنجاغیر از یك خانه ازمسلمانان (٥) نیافتیم (٣٦). ودرآن شهر برای آنانکه ازعذاب درد ناك می ترسند (٦) نشانه ای گذاشتیم (۳۷). ودرقصّهٔ موسیٰ نشانه است چون به سوی فرعون به دلیل واضح فرستادیمش (۳۸). پس همراه سپاهیان خود رویگردان شد (۷) و گفت جادوگریست یادیوانه (۳۹). پس اورا ولشکر های اورا گرفتیم پس ایشان را دردریا افکندیم واو سزاوار ملامت بود (٤٠). و در قصّهٔ عاد نشانه است چون برایشان بادی بی منفعت رافرستادیم (٤١). هیچ چیزرا که برسد بوی نگذارد مگر آن را مانندِ استخوان پوسیده سازد (٤٢). ودرقصّهٔ ثمود نشانه است چون ایشانرا گفته شد تامدتی بهره مند باشید (٤٣). پس ایشان را نعرهٔ تند درگرفت درحالیکه ایشان میدیدند (٤٤). پس برخاستن نتوانستند و انتقام کشندگان نبودند (٤٥). وپیش ازین قوم نوح را هلاك ساختیم هرآئینه ایشان گروهی بدکار بودند (٤٦). وآسمان را به قوت بناکردیم وهرآئینه ما توانائیم (٤٧). وزمین را گسترانیدیم پس نیکوگستراننده ایم (٤٨). واز هرچیزی دوقسم آفریدیم تاشماپند پذیر شوید (۸) (٤٩). (پیامبر گوید) پس به سوی خدا بگریزید هرآئینه من برای شما ازجانب اوترسانندهٔ آشکارم (٥٠). وباخدا معبودی دیگررا مقرر مکنید هرآئینه من برای شماازجانب اوترسانندهٔ آشکارم (٥١).

---

(٥) یعنی خانهٔ حضرت لوط والله اعلم.
(٦) یعنی آثارِآن سنگباران موجود است والله اعلم.
(۷) یعنی لشکر خود.
(۸) یعنی اعلی وادنی (وترش وشیرین ونر وماده وشب وروز...).

كَذَٰلِكَ مَآ أَتَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا قَالُواْ سَاحِرٌ أَوۡ مَجۡنُونٌ
(٥٢) أَتَوَاصَوۡاْ بِهِۦۚ بَلۡ هُمۡ قَوۡمٞ طَاغُونَ (٥٣) فَتَوَلَّ عَنۡهُمۡ فَمَآ أَنتَ
بِمَلُومٖ (٥٤) وَذَكِّرۡ فَإِنَّ ٱلذِّكۡرَىٰ تَنفَعُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ (٥٥) وَمَا خَلَقۡتُ
ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ (٥٦) مَآ أُرِيدُ مِنۡهُم مِّن رِّزۡقٖ وَمَآ أُرِيدُ
أَن يُطۡعِمُونِ (٥٧) إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلرَّزَّاقُ ذُو ٱلۡقُوَّةِ ٱلۡمَتِينُ (٥٨)
فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ ذَنُوبٗا مِّثۡلَ ذَنُوبِ أَصۡحَٰبِهِمۡ فَلَا يَسۡتَعۡجِلُونِ
(٥٩) فَوَيۡلٞ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن يَوۡمِهِمُ ٱلَّذِي يُوعَدُونَ (٦٠)

سُورَةُ الطُّورِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلطُّورِ (١) وَكِتَٰبٖ مَّسۡطُورٖ (٢) فِي رَقّٖ مَّنشُورٖ (٣) وَٱلۡبَيۡتِ
ٱلۡمَعۡمُورِ (٤) وَٱلسَّقۡفِ ٱلۡمَرۡفُوعِ (٥) وَٱلۡبَحۡرِ ٱلۡمَسۡجُورِ (٦) إِنَّ
عَذَابَ رَبِّكَ لَوَٰقِعٞ (٧) مَّا لَهُۥ مِن دَافِعٖ (٨) يَوۡمَ تَمُورُ ٱلسَّمَآءُ
مَوۡرٗا (٩) وَتَسِيرُ ٱلۡجِبَالُ سَيۡرٗا (١٠) فَوَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ
(١١) ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي خَوۡضٖ يَلۡعَبُونَ (١٢) يَوۡمَ يُدَعُّونَ إِلَىٰ نَارِ
جَهَنَّمَ دَعًّا (١٣) هَٰذِهِ ٱلنَّارُ ٱلَّتِي كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ (١٤)

همچنین نزدیك آنانکه پیش ازایشان بودند هیچ پیامبری نیامده است مگر گفتند جادوگریست یا دیوانه است (۵۲). آیابایکدیگر به انکار وصیت کرده‌اند بلکه ایشان گروه سرکش اند (۵۳). پس ازایشان روی بازگردان پس توملامت کرده شده نیستی (٥٤). وپند دِه هرآئینه پنددادن مومنان را سودمیدهد (۵۵). ونیافریده‌ام جن وانس را مگربرای آنکه مرا بپرستند (٥٦). ازایشان رزق را نمی خواهم ونمی خواهم که مراطعام دهند (۵۷). هرآئینه خدا همونست رزق دهنده (همان) توانمند استوار [۹](۵۸). پس هرآئینه آنان را که ستم کرده اند نصیبی است (یعنی ازعقوبت) مانند نصیبهٔ یارانِ گذشته ایشان پس بایدکه ازمن بشتاب طلب نکنند (۵۹). پس وای کافران را ازآن روزِایشان که وعده داده میشوند (٦٠).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به کوه طور (۱). وقسم به کتاب نوشته شده (۲). درکاغذ کشاده [۱] (۳). وقسم بخانهٔ معمور [۲] (٤). وقسم به سقف برافراشته شده [۳] (۵). وقسم به دریا پرکرده شده (٦). هرآئینه عذاب پروردگارتو بودنیست (۷). اوراهیچ دفع کننده ای نیست (۸). روزیکه جنبش کند آسمان جنبش کردنی (۹). وروان شود کوه ها روان شدنی (۱۰). پس آنروز وای به حال تکذیب کنندگان (۱۱). آنانکه ایشان به بیهوده گویی بازی می کنند (۱۲). روزیکه به سختی به سوی آتش دوزخ روان کرده شوند روان کردنی (۱۳). اینست آتشی که شما آن را تکذیب میکردید (١٤).

(۹) یعنی آدمیان بنده می گیرند تادرامور زندگی به آنان معاونت کنند بخلاف خدا (که بی نیازاست) والله اعلم.
(۱) یعنی تورات یا قرآن.
(۲) یعنی آنکه درآسمان است.
(۳) یعنی آسمان.

أَفَسِحْرٌ هَٰذَآ أَمْ أَنتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿١٥﴾ ٱصْلَوْهَا فَٱصْبِرُوٓا۟ أَوْ لَا تَصْبِرُوا۟ سَوَآءٌ عَلَيْكُمْ ۖ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾ إِنَّ ٱلْمُتَّقِينَ فِى جَنَّٰتٍ وَنَعِيمٍ ﴿١٧﴾ فَٰكِهِينَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَىٰهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ ٱلْجَحِيمِ ﴿١٨﴾ كُلُوا۟ وَٱشْرَبُوا۟ هَنِيٓـًٔۢا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾ مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ ۖ وَزَوَّجْنَٰهُم بِحُورٍ عِينٍ ﴿٢٠﴾ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَٱتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَٰنٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَآ أَلَتْنَٰهُم مِّنْ عَمَلِهِم مِّن شَىْءٍ ۚ كُلُّ ٱمْرِئٍۭ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ ﴿٢١﴾ وَأَمْدَدْنَٰهُم بِفَٰكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢٢﴾ يَتَنَٰزَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَّا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ ﴿٢٣﴾ ۞ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ ﴿٢٤﴾ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَآءَلُونَ ﴿٢٥﴾ قَالُوٓا۟ إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِىٓ أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ﴿٢٦﴾ فَمَنَّ ٱللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَىٰنَا عَذَابَ ٱلسَّمُومِ ﴿٢٧﴾ إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلُ نَدْعُوهُ ۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْبَرُّ ٱلرَّحِيمُ ﴿٢٨﴾ فَذَكِّرْ فَمَآ أَنتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ ﴿٢٩﴾ أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِۦ رَيْبَ ٱلْمَنُونِ ﴿٣٠﴾ قُلْ تَرَبَّصُوا۟ فَإِنِّى مَعَكُم مِّنَ ٱلْمُتَرَبِّصِينَ ﴿٣١﴾

ربع الحزب ٥٣

آیا سحراست این یاشما درنمی‌نگرید (۱۵). درآیید به این آتش پس صبر کنید یا نکنید برشما برابراست جزاین نیست که جزا داده خواهید شد بحسب آنچه می‌کردید (۱٦). هرآئینه متقیان دربوستانها ونعمت‌هاباشند (۱۷). خوشحال شده بسبب آنکه ایشانرا پروردگار ایشان نعمت داد و بسبب آنکه ایشانرا ازعذاب دوزخ نگهداشت (۱۸). بخورید و بنوشید گوارا به پاداش آنچه میکردید (۱۹). تکیه زده برتخت های برابریکدیگر گسترده و ایشانرا بحوران کشاده چشم جفت کنیم (۲۰). وآنانکه ایمان آوردند واولادِ ایشان با ایمان برپی ایشان رفتند اولاد ایشانرا به ایشان برسانیم ایشانرا ازپاداش عملِ ایشان چیزی نقصان نکنیم هر مردی به آنچه عمل کرد درگروباشد (۲۱). وپی درپی ایشانرا میوه وگوشت ازجنسی که طلب کنند عطاکنیم (۲۲). آنجاپیالهٔ شراب را ازدست یکدیگر می‌گیرند نه بیهوده گویی درآن باشد ونه‌گناهی (۲۳). وبرایشان نوجوانانی چند ازایشان آمدورفت کنند گویاآن نوجوانان مروارید درپرده پنهان‌اند (۲٤). و روی آورد بعض ایشان بربعضی ازیك دیگرسوال کنان (۲۵). گفتند هرآئینه ما پیش ازین درمیانِ اهل خانهٔ خود ترسان بودیم (۲٦). پس مارا خدا نعمتِ فراوان داد ومارا ازعذاب بادگرم نگاهداشت (۲۷). هرآئینه ماپیش ازین اورا عبادت میکردیم هرآئینه او احسان کننده مهربان است (۲۸). (یا محمد) پس پند ده پس توبفضل پروردگاخودکاهن نیستی ونه دیوانه (۲۹). بلکه میگویند آیا شاعراست درحقِ او حوادثِ زمانه را انتظار کشیم (۳۰). بگو انتظار بکشید هرآئینه من باشما ازانتظار کشندگانم (۳۱).

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَٰمُهُم بِهَٰذَآ ۚ أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ﴿٣٢﴾ أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُۥ ۚ بَل لَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٣﴾ فَلْيَأْتُوا۟ بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِۦٓ إِن كَانُوا۟ صَٰدِقِينَ ﴿٣٤﴾ أَمْ خُلِقُوا۟ مِنْ غَيْرِ شَىْءٍ أَمْ هُمُ ٱلْخَٰلِقُونَ ﴿٣٥﴾ أَمْ خَلَقُوا۟ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ ۚ بَل لَّا يُوقِنُونَ ﴿٣٦﴾ أَمْ عِندَهُمْ خَزَآئِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ ٱلْمُصَيْطِرُونَ ﴿٣٧﴾ أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ ۖ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُم بِسُلْطَٰنٍ مُّبِينٍ ﴿٣٨﴾ أَمْ لَهُ ٱلْبَنَٰتُ وَلَكُمُ ٱلْبَنُونَ ﴿٣٩﴾ أَمْ تَسْـَٔلُهُمْ أَجْرًا فَهُم مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ ﴿٤٠﴾ أَمْ عِندَهُمُ ٱلْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ﴿٤١﴾ أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا ۖ فَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ هُمُ ٱلْمَكِيدُونَ ﴿٤٢﴾ أَمْ لَهُمْ إِلَٰهٌ غَيْرُ ٱللَّهِ ۚ سُبْحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٤٣﴾ وَإِن يَرَوْا۟ كِسْفًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ سَاقِطًا يَقُولُوا۟ سَحَابٌ مَّرْكُومٌ ﴿٤٤﴾ فَذَرْهُمْ حَتَّىٰ يُلَٰقُوا۟ يَوْمَهُمُ ٱلَّذِى فِيهِ يُصْعَقُونَ ﴿٤٥﴾ يَوْمَ لَا يُغْنِى عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْـًٔا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤٦﴾ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ عَذَابًا دُونَ ذَٰلِكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٧﴾ وَٱصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا ۖ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٤٨﴾ وَمِنَ ٱلَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَٰرَ ٱلنُّجُومِ ﴿٤٩﴾

سُورَةُ النَّجْمِ

آیا ایشان را به این عقیده عقل های ایشان میفرماید یا ایشان گروهی سرکش‌اند (۳۲). آیامیگویند قرآن را بربسته است نه بلکه ایمان نمی آورند (۳۳). پس بایدکه سخنی مانند این بیارند اگر راست گوهستند (۳٤). آیا ایشان بغیر آفریننده آفریده شدند یاایشان خود آفریدگاراند (۳٥). آیا آسمان‌هاوزمین را آفریده‌اند بلکه ایشان باورنمی کنند (۳٦). آیانزد ایشان خزانه‌های پروردگارتست یا ایشان چیره هستند(۳۷). آیا ایشان رانردبانی هست که برآن بالا رفته می‌شنوند پس بایدکه شنونده ٔ ایشان دلیل ظاهر را بیارد (۳۸). آیا برای خدا دختران وبرای شما پسران پیدامی شوند (۳۹). آیا ازایشان مزدی بررسالت طلب میکنی پس ایشان ازغرامت گرانبار شده‌اند (٤۰). آیانزد ایشان علمِ غیب است پس ایشان‌اند مینویسند (٤۱). آیا بداندیشی می‌خواهند پس کافران ایشان درضررِ بَداندیشی گرفتار شده (٤۲). آیاایشان را بجزخدا معبودی هست پاکی خداراست ازآنکه شریك مقرر میکنند (٤۳). و اگر یك پاره رااز آسمان افتاده ببینند گویند این ابریست برهم نشسته (٤٤). پس ایشان راتاآنکه به آن روزخود ملاقات کنند که درآن بیهوش کرده شوند بگذار (٤٥). روزی که ازایشان مکرِ ایشان چیزی را دفع نکند ونه ایشان نصرت داده شوند (٤٦). وهرآئینه ستمکاران را عذابیست غیر از این ولیکن اکثر ایشان نمیدانند (٤۷). وصبر کن بانتظار حکم پروردگار خود هرآئینه توبحضور چشم مایی وبپاکی باستایش پروردگارخود را وقتیکه به صبح برخیزی یادکن (٤۸). وبعض اوقات شب خدارا بپاکی یادکن وعقب غائب شدن ستاره هانیز (٤۹).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ﴿١﴾ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ﴿٢﴾ وَمَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿٣﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ﴿٤﴾ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ﴿٥﴾ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ ﴿٦﴾ وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ ﴿٧﴾ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ ﴿٨﴾ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ﴿٩﴾ فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ ﴿١٠﴾ مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ ﴿١١﴾ أَفَتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ ﴿١٢﴾ وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ﴿١٣﴾ عِندَ سِدْرَةِ الْمُنتَهَىٰ ﴿١٤﴾ عِندَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ ﴿١٥﴾ إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ ﴿١٦﴾ مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ ﴿١٧﴾ لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ ﴿١٨﴾ أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ ﴿١٩﴾ وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ ﴿٢٠﴾ أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ ﴿٢١﴾ تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ ﴿٢٢﴾ إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنتُمْ وَآبَاؤُكُم مَّا أَنزَلَ اللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَانٍ ۚ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنفُسُ ۖ وَلَقَدْ جَاءَهُم مِّن رَّبِّهِمُ الْهُدَىٰ ﴿٢٣﴾ أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ﴿٢٤﴾ فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ ﴿٢٥﴾ ۞ وَكَم مِّن مَّلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِن بَعْدِ أَن يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَن يَشَاءُ وَيَرْضَىٰ ﴿٢٦﴾

نصف الحزب ٥٣
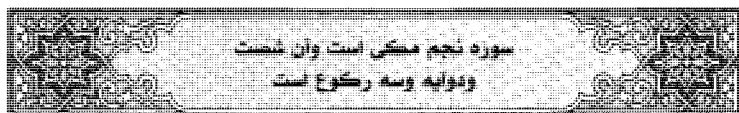
بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به ستاره چون فروافتد (۱). گمراه نشد این یارشما [۱] راه را گم نکرده است (۲). واز روی خواهش نفس سخن نمی گوید (۳). نیست قرآن مگروحی که به سوی اوفرستاده میشود (٤). اورافرشتهٔ بسیار باقوّت آموخته است (٥). (فرشته ای) نیرومند پس (فراارویش) راست ایستاد (٦). و او به کنارهٔ بلند آسمان بود (۷). بازنزدیك شدوفرودآمد (۸). پس رسید بمسافتِ دوکمان یا ازآن نزدیك تر (۹). پس پیغام رسانید به سوی بندهٔ خداآنچه راکه رسانید (۱۰). دل پیامبر درآنچه دید ناراستی نیفزود (۱۱). آیاشما گفتگو میکنید باپیامبردرآنچه می بیند (۱۲). به راستی که او را (این فرشته را) یك باردیگر دیده بود (۱۳). درنزد سدرة المنتهیٰ (١٤). بهشت آرامگاه نزدیك آن سِدرَه است (١٥). (فرشته را دید) وقتی که می پوشید سِدرَه راآنچه می پوشید [۲] (١٦). چشم پیامبر کجروی نکرد واز مقصد تجاوز ننمود (۱۷). به راستی بعض نشانه های بزرگ پروردگار خود را معاینه کرد (۱۸). آیا لات را وعزی را دیدید (۱۹). منات سومی بی قدررا (۲۰). آیا برای شما پسر وبرای خدا دختر باشد (۲۱). این قسمت آنگاه قسمت بی انصاف باشد (۲۲). نیست این مگرنامهای چند که آنرا شماوپدرانِ شما مقرر کرده‌اید خدابرثبوت آنها هیچ دلیلی فرود نیاورده است پیروی نمی کنند مگروَهْم فاسد وچیزی را که نفسها خواهش می کند، وبه راستی ایشان راازپروردگارایشان هدایت آمده است (۲۳). آیا آدمی را آنچه که آرزو میکند میسراست(٢٤). پس آنجهان واین جهان ازآنِ خدا است (٢٥). وچه بسیار فرشته‌اند درآسمان ها که شفاعتِ ایشان چیزی را نفع نمی بخشد مگر بعدازآنکه خدا اجازت دهد ورضامند شود برای هرکه خواهد (٢٦).

---

(۱) یعنی محمد صلی الله علیه وسلم.

(۲) یعنی وقتیکه انوار الهی ازهر جانب سِدرَه را احاطه کرد واین درشب معراج بود والله اعلم.

إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْأَخِرَةِ لَيُسَمُّونَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ تَسْمِيَةَ ٱلْأُنثَىٰ ﴿٢٧﴾
وَمَا لَهُم بِهِۦ مِنْ عِلْمٍ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَإِنَّ ٱلظَّنَّ لَا يُغْنِى مِنَ
ٱلْحَقِّ شَيْـًٔا ﴿٢٨﴾ فَأَعْرِضْ عَن مَّن تَوَلَّىٰ عَن ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا ٱلْحَيَوٰةَ
ٱلدُّنْيَا ﴿٢٩﴾ ذَٰلِكَ مَبْلَغُهُم مِّنَ ٱلْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن
سَبِيلِهِۦ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ ٱهْتَدَىٰ ﴿٣٠﴾ وَلِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى
ٱلْأَرْضِ لِيَجْزِىَ ٱلَّذِينَ أَسَٰٓـُٔوا۟ بِمَا عَمِلُوا۟ وَيَجْزِىَ ٱلَّذِينَ أَحْسَنُوا۟
بِٱلْحُسْنَى ﴿٣١﴾ ٱلَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَٰٓئِرَ ٱلْإِثْمِ وَٱلْفَوَٰحِشَ إِلَّا ٱللَّمَمَ
إِنَّ رَبَّكَ وَٰسِعُ ٱلْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنشَأَكُم مِّنَ ٱلْأَرْضِ
وَإِذْ أَنتُمْ أَجِنَّةٌ فِى بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوٓا۟ أَنفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ
بِمَنِ ٱتَّقَىٰٓ ﴿٣٢﴾ أَفَرَءَيْتَ ٱلَّذِى تَوَلَّىٰ ﴿٣٣﴾ وَأَعْطَىٰ قَلِيلًا وَأَكْدَىٰٓ
﴿٣٤﴾ أَعِندَهُۥ عِلْمُ ٱلْغَيْبِ فَهُوَ يَرَىٰٓ ﴿٣٥﴾ أَمْ لَمْ يُنَبَّأْ بِمَا فِى صُحُفِ
مُوسَىٰ ﴿٣٦﴾ وَإِبْرَٰهِيمَ ٱلَّذِى وَفَّىٰٓ ﴿٣٧﴾ أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ
﴿٣٨﴾ وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنسَٰنِ إِلَّا مَا سَعَىٰ ﴿٣٩﴾ وَأَنَّ سَعْيَهُۥ سَوْفَ يُرَىٰ
﴿٤٠﴾ ثُمَّ يُجْزَىٰهُ ٱلْجَزَآءَ ٱلْأَوْفَىٰ ﴿٤١﴾ وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ ٱلْمُنتَهَىٰ ﴿٤٢﴾
وَأَنَّهُۥ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَىٰ ﴿٤٣﴾ وَأَنَّهُۥ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا ﴿٤٤﴾

هرآئینه آنانکه آخرت را باور نمیدارند فرشتگان را به نام دختران می نامند (۲۷). وایشانرا به ثبوت آن هیچ دانشی نیست مگر وَهْم را پیروی نمی کنند وهرآئینه وَهْم وگمان ازشناخت حقیقت چیزی را نفع نمیدهد (۲۸). پس ازکسیکه ازیاد ما اعراض کند وجز زند گانی دنیارانخواهد روی بگردان (۲۹). این منتهای دانش آنان است [۳] هرآئینه پروردگارتو بهرکه گمراه شد از راه او داناست واو دانا ست بهرکه راه یافت (۳۰). وآنچه درآسمان ها وآنچه درزمین است برای خدااست تاعاقبت کار جزا دهد آنانرا که بدکاری کردند بحسب آنچه عمل نمودند وآنان را که نیکوکاری کردند به خصلت نیك پاداش دهد (۳۱). آنانکه ازکبایر گناهان وبی حیایی‌ها جز گناهان صغیره پرهیزگاری می کنند هرآئینه پروردگار تو بسیارآمرزنده است او به احوال شما وقتی که شمارا از زمین پیداکرد ووقتیکه شما درشکم های مادرانِ خویش بچه های بودید دانا تر است پس خویشتن را ستایش مکنید خدا به کسیکه پرهیزگاری کرد دانا تراست (۳۲). آیا کسی راکه رویگردان شد دیدی (۳۳). واندکی ازمال داد و سخت دل شد (۳٤). آیانزد اوست علم غیب پس گویا اوهر چیز را بچشم می بیند (۳۵). آیا خبرداده نشد به آنچه در صحیفه‌های موسیٰ بود (۳٦). وابراهیم که وفادار بود (۳۷). (مضمونش آنکه) هیچ بردارنده بارِگناهِ دیگررا برنخواهد داشت (۳۸). وآنکه آدمی را نرسد مگر آنچه عمل کرده است (۳۹). وآنکه سعی آدمی دیده خواهد شد (٤۰). سپس به آن جزایی هرچه تمامتر خواهند داد (٤۱). وآنکه باز گشت به سوی پروردگارتواست (٤۲). وآنکه او خنداند وگریانَد (٤۳). وآنکه او میراند واو زنده گرداند (٤٤).

(۳) یعنی این است نهایتِ علمِ ایشان.

وَأَنَّهُۥ خَلَقَ ٱلزَّوْجَيْنِ ٱلذَّكَرَ وَٱلْأُنثَىٰ ﴿٤٥﴾ مِن نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ ﴿٤٦﴾ وَأَنَّ عَلَيْهِ ٱلنَّشْأَةَ ٱلْأُخْرَىٰ ﴿٤٧﴾ وَأَنَّهُۥ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ ﴿٤٨﴾ وَأَنَّهُۥ هُوَ رَبُّ ٱلشِّعْرَىٰ ﴿٤٩﴾ وَأَنَّهُۥٓ أَهْلَكَ عَادًا ٱلْأُولَىٰ ﴿٥٠﴾ وَثَمُودَاْ فَمَآ أَبْقَىٰ ﴿٥١﴾ وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُواْ هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغَىٰ ﴿٥٢﴾ وَٱلْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ ﴿٥٣﴾ فَغَشَّىٰهَا مَا غَشَّىٰ ﴿٥٤﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكَ تَتَمَارَىٰ ﴿٥٥﴾ هَٰذَا نَذِيرٌ مِّنَ ٱلنُّذُرِ ٱلْأُولَىٰٓ ﴿٥٦﴾ أَزِفَتِ ٱلْأَزِفَةُ ﴿٥٧﴾ لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ ٱللَّهِ كَاشِفَةٌ ﴿٥٨﴾ أَفَمِنْ هَٰذَا ٱلْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ ﴿٥٩﴾ وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ ﴿٦٠﴾ وَأَنتُمْ سَٰمِدُونَ ﴿٦١﴾ فَٱسْجُدُواْ لِلَّهِ وَٱعْبُدُواْ ۩ ﴿٦٢﴾

سُورَةُ القَمَرِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱقْتَرَبَتِ ٱلسَّاعَةُ وَٱنشَقَّ ٱلْقَمَرُ ﴿١﴾ وَإِن يَرَوْاْ ءَايَةً يُعْرِضُواْ وَيَقُولُواْ سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ ﴿٢﴾ وَكَذَّبُواْ وَٱتَّبَعُوٓاْ أَهْوَآءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقِرٌّ ﴿٣﴾ وَلَقَدْ جَآءَهُم مِّنَ ٱلْأَنۢبَآءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ﴿٤﴾ حِكْمَةٌۢ بَٰلِغَةٌ فَمَا تُغْنِ ٱلنُّذُرُ ﴿٥﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ ٱلدَّاعِ إِلَىٰ شَىْءٍ نُّكُرٍ ﴿٦﴾

وآنكه او (خدا) دوقسم نروماده را آفريد (٤٥). ازنطفه چون در رحم ريخته شود (٤٦). وآنكه بر عهدهٔ اوست دوباره پيداكردن (٤٧). وآنكه اوتوانگر ساخت وسرمايه داد (٤٨). وآنكه همونست پروردگار ستارهٔ شعرىٰ (٤٩). وآنكه او عاد نخستين را هلاك ساخت (٥٠). وثمود را هلاك كرد پس هيچ كس را باقى نگذاشت (٥١). وقومِ نوح را پيش ازين هلاك كرد هرآئينه ايشان ستمكارتر وازحدگذشته تر بودند (٥٢). وشهر موتفكه را برزمين افكند (٥٣). پس پوشانيد بروى آنچه پوشانيد [٤] (٥٤). پس به كدام يك ازنعمت هاى پروردگارت (اى آدمى) شك ميكنى (٥٥). اين پيامبر ترساننده ازجنس ترسانندگان پيشين است (٥٦). قيامت نزديك آمد (٥٧). اورا جز خداهيچ ظاهر كننده اىنيست (٥٨). آيا ازين سخن تعجب مى كنيد (٥٩). ومى خنديد وگريه نمى كنيد (٦٠). وشما در غفلت هَوَسراني بسر ميبريد (٦١). پس براى خدا سجده كنيد وپرستش نماييد (٦٢).

سوره قمر مكى است وان پنجاه وپنج آيه وسه ركوع است

بنام خداى بخشاينده مهربان.

قيامت نزديك آمد وماه بشگافت [١] (١). واگر كافران نشانه اى را ببينند اعراض كنند وگويند سحريست قوى (٢). وتكذيب كردند وخواهش هاى خود را پيروى كردند وهرچيزى (دروقت خود) به غايتى مى انجامد (٣). به راستى كه آمده است بديشان ازخبرها آنچه درآن پنداست (٤). (وآمده است) دانشى سرشار پس هشدارها سودى نمى بخشد (٥). پس ازايشان اعراض كن آنروزكه دعوت كننده به سوى چيزى ناخوشآيند دعوت كند (٦).

---

(٤) يعنى سنگباران كرد.

(١) اشارتست بآن قصّه كه كافران ازحضرت پيامبر صلى الله عليه وسلم معجزه طلب كردند خداى تعالى ماه را دو قطعه ساخت يكى بركوه ابوقبيس وقطعه ديگر بركوه قعيقعان والله اعلم.

خُشَّعًا أَبۡصَٰرُهُمۡ يَخۡرُجُونَ مِنَ ٱلۡأَجۡدَاثِ كَأَنَّهُمۡ جَرَادٞ مُّنتَشِرٞ ٧
مُّهۡطِعِينَ إِلَى ٱلدَّاعِۖ يَقُولُ ٱلۡكَٰفِرُونَ هَٰذَا يَوۡمٌ عَسِرٞ ٨ ۞ كَذَّبَتۡ
قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ فَكَذَّبُواْ عَبۡدَنَا وَقَالُواْ مَجۡنُونٞ وَٱزۡدُجِرَ ٩ فَدَعَا
رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَغۡلُوبٞ فَٱنتَصِرۡ ١٠ فَفَتَحۡنَآ أَبۡوَٰبَ ٱلسَّمَآءِ بِمَآءٖ مُّنۡهَمِرٖ
١١ وَفَجَّرۡنَا ٱلۡأَرۡضَ عُيُونٗا فَٱلۡتَقَى ٱلۡمَآءُ عَلَىٰٓ أَمۡرٖ قَدۡ قُدِرَ ١٢
وَحَمَلۡنَٰهُ عَلَىٰ ذَاتِ أَلۡوَٰحٖ وَدُسُرٖ ١٣ تَجۡرِي بِأَعۡيُنِنَا جَزَآءٗ لِّمَن كَانَ
كُفِرَ ١٤ وَلَقَد تَّرَكۡنَٰهَآ ءَايَةٗ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ١٥ فَكَيۡفَ كَانَ
عَذَابِي وَنُذُرِ ١٦ وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ١٧
كَذَّبَتۡ عَادٞ فَكَيۡفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ١٨ إِنَّآ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِيحٗا
صَرۡصَرٗا فِي يَوۡمِ نَحۡسٖ مُّسۡتَمِرّٖ ١٩ تَنزِعُ ٱلنَّاسَ كَأَنَّهُمۡ أَعۡجَازُ نَخۡلٖ
مُّنقَعِرٖ ٢٠ فَكَيۡفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ٢١ وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ
لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ٢٢ كَذَّبَتۡ ثَمُودُ بِٱلنُّذُرِ ٢٣ فَقَالُوٓاْ أَبَشَرٗا
مِّنَّا وَٰحِدٗا نَّتَّبِعُهُۥٓ إِنَّآ إِذٗا لَّفِي ضَلَٰلٖ وَسُعُرٍ ٢٤ أَءُلۡقِيَ ٱلذِّكۡرُ عَلَيۡهِ
مِنۢ بَيۡنِنَا بَلۡ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٞ ٢٥ سَيَعۡلَمُونَ غَدٗا مَّنِ ٱلۡكَذَّابُ ٱلۡأَشِرُ
٢٦ إِنَّا مُرۡسِلُواْ ٱلنَّاقَةِ فِتۡنَةٗ لَّهُمۡ فَٱرۡتَقِبۡهُمۡ وَٱصۡطَبِرۡ ٢٧

درحالیکه چشمهای ایشان فروهشته باشد (آن روز) از قبرها برآیند گویاایشان ملخِ پراگنده اند (۷). شتاب کنان به سوی آن دعوت کننده، کافران گویند این روزی دشوار است (۸). پیش ازایشان قوم نوح تکذیب کردند پس بندهٔ مارا تکذیب کردند وگفتند دیوانه است وبااوسخن درشت‌گفته شد (۹). پس به جناب پروردگار خود دعاکرد که من مغلوب شده ام پس انتقام بگیر (۱۰). پس درهای آسمان را به آبی بسیارریزنده گشودیم (۱۱). وازرمین چشمه ها را روان کردیم پس آب ازهر جانب بنابر امری‌که مقدر شده بود [۲] جمع شد (۱۲). ونوح را بر (کشتی) ساخته شده از تخته ها ومیخها سوار کردیم (۱۳). زیرنظر چشم‌های ما میرفت، این پاداش کسی بود که به اوناسپاسی کرده بودند [۳] (١٤). به راستی که این عقوبت رانشانه‌ای گذاشتیم پس هیچ پندگیرنده‌ای هست (۱٥). پس عقوبتِ من وترسانیدن های من چگونه بود؟ (١٦). وهرآئینه قرآن را آسان کردیم تاپندگیرند پس آیاهیچ پندپذیرنده ای هست؟ (۱۷). قوم عاد تکذیب کردند پس عذابِ من وترسانیدن های من چگونه بود؟ (۱۸). هرآینه ما برایشان بادِتند را درروز شوم به غایت سخت فرستادیم (۱۹). مردمان را برمیکند گویاایشان تنه های درختانِ خرمای ازبیخ برکنده اند (۲۰). پس عقوبت من وترسانیدن های من چگونه بود؟ (۲۱). وهرآئینه قرآن را آسان کرده ایم تاپند بگیرند پس آیاهیچ پند پذیرنده ای هست (۲۲). قوم ثمود ترسانندگانرا تکذیب کردند (۲۳). پس گفتند آیایك آدمی راازقوم خویش پیروی کنیم؟ هرآئینه ماآنگاه درگمراهی ودیوانگی باشیم (٢٤). آیا ازمیانِ ما وحی به او نازل کرده شد مردی نه بلکه او دروغگویی خود پسنداست (۲٥). فردا خواهند دانست کیست‌دروغگوی خود پسند (٢٦). هرآئینه ما ماده شتررا بجهت آزمایش ایشان فرستنده ایم پس ای صالح منتظر ایشان باش وصبر پیش گیر (۲۷).

---

(۲) یعنی هلاك قوم او.

(۳) یعنی برای انتقام خصومت کنان.

وَنَبِّئْهُمْ أَنَّ ٱلْمَآءَ قِسْمَةٌۢ بَيْنَهُمْ ۖ كُلُّ شِرْبٍ مُّحْتَضَرٌ ﴿٢٨﴾ فَنَادَوْا۟ صَاحِبَهُمْ
فَتَعَاطَىٰ فَعَقَرَ ﴿٢٩﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِى وَنُذُرِ ﴿٣٠﴾ إِنَّآ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ
صَيْحَةً وَٰحِدَةً فَكَانُوا۟ كَهَشِيمِ ٱلْمُحْتَظِرِ ﴿٣١﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا ٱلْقُرْءَانَ
لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ ﴿٣٢﴾ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍۭ بِٱلنُّذُرِ ﴿٣٣﴾ إِنَّآ أَرْسَلْنَا
عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّآ ءَالَ لُوطٍ ۖ نَّجَّيْنَٰهُم بِسَحَرٍ ﴿٣٤﴾ نِّعْمَةً مِّنْ عِندِنَا ۚ
كَذَٰلِكَ نَجْزِى مَن شَكَرَ ﴿٣٥﴾ وَلَقَدْ أَنذَرَهُم بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا۟ بِٱلنُّذُرِ
﴿٣٦﴾ وَلَقَدْ رَٰوَدُوهُ عَن ضَيْفِهِۦ فَطَمَسْنَآ أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا۟ عَذَابِى
وَنُذُرِ ﴿٣٧﴾ وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقِرٌّ ﴿٣٨﴾ فَذُوقُوا۟
عَذَابِى وَنُذُرِ ﴿٣٩﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا ٱلْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ ﴿٤٠﴾
وَلَقَدْ جَآءَ ءَالَ فِرْعَوْنَ ٱلنُّذُرُ ﴿٤١﴾ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَٰهُمْ
أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿٤٢﴾ أَكُفَّارُكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أُو۟لَٰٓئِكُمْ أَمْ لَكُم بَرَآءَةٌ
فِى ٱلزُّبُرِ ﴿٤٣﴾ أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرٌ ﴿٤٤﴾ سَيُهْزَمُ ٱلْجَمْعُ
وَيُوَلُّونَ ٱلدُّبُرَ ﴿٤٥﴾ بَلِ ٱلسَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَٱلسَّاعَةُ أَدْهَىٰ وَأَمَرُّ ﴿٤٦﴾
إِنَّ ٱلْمُجْرِمِينَ فِى ضَلَٰلٍ وَسُعُرٍ ﴿٤٧﴾ يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِى ٱلنَّارِ عَلَىٰ
وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا۟ مَسَّ سَقَرَ ﴿٤٨﴾ إِنَّا كُلَّ شَىْءٍ خَلَقْنَٰهُ بِقَدَرٍ ﴿٤٩﴾

وایشانرا خبردارکن که آب درمیانِ ایشان مقسوم است هر آنکه حصه آب نوبت اوست به آن حاضر شود (۲۸). پس یارخود را آواز دادند پس دست درازی کردومجروح ساخت (۲۹). عقوبت من وترسانیدن های من پس چگونه بود؟ (۳۰). هرآئینه ما برایشان یك نعره فرستادیم پس مانند حظیره [٤] درهم شکسته که حظیره ساز آنرابنا کرده باشد شدند (۳۱). وهرآئینه قرآن رابرای آنکه پندگیرند آسان گردانیدیم پس آیاهیچ پندگیرنده ای است (۳۲). قوم لوط ترسانندگان را تکذیب کردند (۳۳). هرآئینه برایشان بادِسنگبار را فرستادیم مگراهل خانهٔ لوط که ایشان را وقت سحر نجات دادیم (۳٤). به مهربانی ازنزدیك خویش همچنین پاداش میدهیم هرکسی را که شکرگزاری کرد (۳٥). وبه راستی که لوط ایشانرا ازعقوبت ماترسانیده بود پس درآن ترسانیدنها مجادله کردند (۳٦). وبه راستی که سخن گفتند تا لوط راازحفظ مهمانانِ او غفلت دهند پس چشم های ایشانرا محوکردیم پس (گفتیم) عذاب مرا وترسانیدنهای مرا بچشید (۳۷). وهرآئینه ایشانرا بامداد عقوبتی جای گیرنده برهم زد (۳۸). پس (گفتیم) عذاب مرا وترسانیدنهای مرا بچشید (۳۹). وهرآئینه قرآن رابرای آنکه پندگیرند آسان گردانیدیم پس آیا هیچ پندگیرنده ای هست (٤۰). وبه یقین ترسانندگان به نزد فرعونیان آمدند (٤۱). همگی نشانه های مارا تکذیب کردند پس ایشانرا مانند درگرفتن غالب قوی گرفتیم (٤۲). آیاکافران شما ای قریش ازین جماعت ها بهتراند یا شمارا درکتابهای پیشین حکم خلاصی است (٤۳). آیامی‌گویند ماجماعتی انتقام گیرندهایم (٤٤). این جماعت را شکست داده خواهد شد وایشان پشت بگردانند (٤٥). بلکه قیامت وعده‌گاهِ ایشانست وقیامت سخت تر وتلخ تراست (٤٦). هرآئینه گنهکاران درگمراهی ودیوانگی اند (٤۷). یادکن روزی را که کشیده شوند در دوزخ برروی های ایشان (گویم) عذاب دوزخ را بچشید (٤۸). هرآئینه ماهرچیزرا باندازهٔ مقرر پیداکردیم (٤۹).

---

(٤) مترجم گوید حظیره احاطه است که ازشاخهای خشك و خاربرای گوسفند بنا کنند وآن بمرورزمان پایمال مواشی میگرددخدای تعالی بآن پایمال شده تشبیه داد.

وَمَآ أَمۡرُنَآ إِلَّا وَٰحِدَةٞ كَلَمۡحِۭ بِٱلۡبَصَرِ ﴿٥٠﴾ وَلَقَدۡ أَهۡلَكۡنَآ
أَشۡيَاعَكُمۡ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ﴿٥١﴾ وَكُلُّ شَيۡءٖ فَعَلُوهُ فِي ٱلزُّبُرِ
﴿٥٢﴾ وَكُلُّ صَغِيرٖ وَكَبِيرٖ مُّسۡتَطَرٌ ﴿٥٣﴾ إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ
فِي جَنَّٰتٖ وَنَهَرٖ ﴿٥٤﴾ فِي مَقۡعَدِ صِدۡقٍ عِندَ مَلِيكٖ مُّقۡتَدِرِۭ ﴿٥٥﴾

سُورَةُ الرَّحۡمَٰن

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱلرَّحۡمَٰنُ ﴿١﴾ عَلَّمَ ٱلۡقُرۡءَانَ ﴿٢﴾ خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ ﴿٣﴾ عَلَّمَهُ ٱلۡبَيَانَ ﴿٤﴾
ٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُ بِحُسۡبَانٖ ﴿٥﴾ وَٱلنَّجۡمُ وَٱلشَّجَرُ يَسۡجُدَانِ ﴿٦﴾
وَٱلسَّمَآءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ ٱلۡمِيزَانَ ﴿٧﴾ أَلَّا تَطۡغَوۡاْ فِي ٱلۡمِيزَانِ ﴿٨﴾
وَأَقِيمُواْ ٱلۡوَزۡنَ بِٱلۡقِسۡطِ وَلَا تُخۡسِرُواْ ٱلۡمِيزَانَ ﴿٩﴾ وَٱلۡأَرۡضَ
وَضَعَهَا لِلۡأَنَامِ ﴿١٠﴾ فِيهَا فَٰكِهَةٞ وَٱلنَّخۡلُ ذَاتُ ٱلۡأَكۡمَامِ ﴿١١﴾
وَٱلۡحَبُّ ذُو ٱلۡعَصۡفِ وَٱلرَّيۡحَانُ ﴿١٢﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
﴿١٣﴾ خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ مِن صَلۡصَٰلٖ كَٱلۡفَخَّارِ ﴿١٤﴾ وَخَلَقَ ٱلۡجَآنَّ مِن
مَّارِجٖ مِّن نَّارٖ ﴿١٥﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٦﴾ رَبُّ
ٱلۡمَشۡرِقَيۡنِ وَرَبُّ ٱلۡمَغۡرِبَيۡنِ ﴿١٧﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٨﴾

ونیست حکم ما مگریك کلمه مانندبه هم زدن چشم [٥] (٥٠). وبه راستی که امثال شمارا هلاك ساختیم پس آیاهیچ پندگیرنده ای است (٥١). وهرچیزی که کرده اند درنامه های اعمال مکتوب است (٥٢). و هرکوچكوبزرگ نوشته شده است [٦] (٥٣). هرآئینه پرهیزگاران دربوستانها وچشمه هاباشند (٥٤). در مجلس راستی نزد پادشاه توانا باشند (٥٥).

سوره رحمن مدنی است وآن هفتادوهشت آیه وسه رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

خدا (١). قرآن را آموخت (٢). آدمی را آفرید (٣). اورا سخن گفتن آموخت (٤). خورشید وماه به حساب مقرر میروند (٥). وگیاه ودرخت سجده میکنند (٦). وآسمان را برافراشت وترازو را فرودآورد (٧). به مقصد آنکه درترازو ازحد تجاوز مکنید (٨). وراست سنجید به انصاف ودرترازو نقصان مکنید (٩). وزمین را برای آدمیان گسترد (١٠). درآن زمین میوه است ودرختان دارای غلاف ها خرماست (١١). و(درآن زمین) دانه برگ دار است ریحان خوشبوئیست [١] (١٢). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب میکنید [٢] (١٣). آدمی را ازگِل خشك مانند سفال آفرید (١٤). وجن را ازشعلهٔ آتش آفرید (١٥). پس کدام یكازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب میکنید (١٦). پروردگار دومشرق وپروردگار دو مغرباست [٣] (١٧). پس کدام یكازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب میکنید (١٨).

---

(٥) یعنی درسرعت وجود، مراد آسان بودن است.
(٦) یعنی درلوح محفوظ.
(١) مترجم گوید اشاره بآنست که برگ حبوب غذائیه علف دواب ایشان میشود پس این نعمت جدا گانه ای است.
(٢) [ای] جن وانس.
(٣) یعنی درزمستان آفتاب مشرق ومغرب دیگری دارد و در تابستان مشرق ومغرب دیگر.

مَرَجَ ٱلْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ﴿١٩﴾ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ ﴿٢٠﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢١﴾ يَخْرُجُ مِنْهُمَا ٱللُّؤْلُؤُ وَٱلْمَرْجَانُ ﴿٢٢﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٣﴾ وَلَهُ ٱلْجَوَارِ ٱلْمُنشَـَٔاتُ فِى ٱلْبَحْرِ كَٱلْأَعْلَـٰمِ ﴿٢٤﴾
فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٥﴾ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿٢٦﴾ وَيَبْقَىٰ وَجْهُ
رَبِّكَ ذُو ٱلْجَلَـٰلِ وَٱلْإِكْرَامِ ﴿٢٧﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٨﴾
يَسْـَٔلُهُۥ مَن فِى ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِى شَأْنٍ ﴿٢٩﴾ فَبِأَيِّ
ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٠﴾ سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ ٱلثَّقَلَانِ ﴿٣١﴾ فَبِأَيِّ
ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٢﴾ يَـٰمَعْشَرَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ إِنِ ٱسْتَطَعْتُمْ
أَن تَنفُذُوا۟ مِنْ أَقْطَارِ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ فَٱنفُذُوا۟ ۚ لَا تَنفُذُونَ
إِلَّا بِسُلْطَـٰنٍ ﴿٣٣﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٤﴾ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا
شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنتَصِرَانِ ﴿٣٥﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا
تُكَذِّبَانِ ﴿٣٦﴾ فَإِذَا ٱنشَقَّتِ ٱلسَّمَآءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَٱلدِّهَانِ
﴿٣٧﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٨﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُسْـَٔلُ عَن
ذَنۢبِهِۦٓ إِنسٌ وَلَا جَآنٌّ ﴿٣٩﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٠﴾
يُعْرَفُ ٱلْمُجْرِمُونَ بِسِيمَـٰهُمْ فَيُؤْخَذُ بِٱلنَّوَٰصِى وَٱلْأَقْدَامِ ﴿٤١﴾

گذاشت دودریاراتابهم جمع شوند (۱۹). میان این هردوحجابیست که یکی بردیگری تجاوز نمیکند (۲۰). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۲۱). ازین دودریا مرواریدومرجان برمی آید (۲۲). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۲۳). کشتی‌های روان شونده برافراشته دردریا مانندکوه ها برای خدا است (۲٤). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۲۵). هر کس که برزمین هست فانی شود (۲٦). وروی پروردگارتو خداوند بزرگی وانعام باقی می ماند (۲۷). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می‌کنید (۲۸). ازخدا هرکه درآسمانها وزمین است سوال میکند هرروزی خدا در کاری است [٤] (۲۹). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۳۰). ازهمه فارغ شده برای شما ای جن وانس متوجه شویم (۳۱). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۳۲). ای گروه جن وانس اگرمی‌توانید که ازکناره های آسمان‌هاوزمین بیرون روید پس بیرون روید مگر به توانی بیرون نخواهد رفت [٥] (۳۳). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب میکنید (۳٤). برشما شعلۀای ازآتش ودودی نیز فرستاده خواهد شد پس مقابله نتوانید کرد (۳۵). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۳٦). پس چون آسمان بشگافد پس مثل گُل سرخ همچون روغن گداخته شود (۳۷). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۳۸). پس آن روز هیچ آدمی وجنی از گناهش سوال نشود (۳۹). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (٤۰). گنهکاران به قیافه‌هایشان شناخته شوند پس به موی پیشانی‌ها وبه پا ها گرفته شود (٤۱).

(٤) یعنی در نعمت دادن یاعذاب دادن یا سعادت دادن ویاشقاوت دادن و زنده کردن یا میراندن.
(٥) یعنی وآن قوت کجا است.

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٢﴾ هَٰذِهِۦ جَهَنَّمُ ٱلَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا ٱلْمُجْرِمُونَ ﴿٤٣﴾ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ ءَانٍ ﴿٤٤﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٥﴾ وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ جَنَّتَانِ ﴿٤٦﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٧﴾ ذَوَاتَآ أَفْنَانٍ ﴿٤٨﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٩﴾ فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ ﴿٥٠﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥١﴾ فِيهِمَا مِن كُلِّ فَٰكِهَةٍ زَوْجَانِ ﴿٥٢﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٣﴾ مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ فُرُشٍۭ بَطَآئِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ ۚ وَجَنَى ٱلْجَنَّتَيْنِ دَانٍ ﴿٥٤﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٥﴾ فِيهِنَّ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَآنٌّ ﴿٥٦﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٧﴾ كَأَنَّهُنَّ ٱلْيَاقُوتُ وَٱلْمَرْجَانُ ﴿٥٨﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٩﴾ هَلْ جَزَآءُ ٱلْإِحْسَٰنِ إِلَّا ٱلْإِحْسَٰنُ ﴿٦٠﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦١﴾ وَمِن دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ﴿٦٢﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٣﴾ مُدْهَآمَّتَانِ ﴿٦٤﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٥﴾ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ ﴿٦٦﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٧﴾ فِيهِمَا فَٰكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ ﴿٦٨﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٩﴾

پس کدام یك ازنعمتهای پروردگارتان را تکذیب می کنید (٤٢). این است آن دوزخ که گنهگاران آن را تکذیب می کردند (٤٣). میان آن آتش ومیان آب گرم جوشیده دورمی زنند (٤٤). پس کدام یك ازنعمت های پروردگار خویش را تکذیب می کنید (٤٥). وبرای کسی که ازایستادن بحضور پروردگارخویش ترسیده است دوبوستان است (٤٦). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (٤٧). دو بوستان دارای شاخه های بسیار (٤٨). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (٤٩). درآن دوبوستان دو چشمه میروند (٥٠). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (٥١). درآن دوبوستان ازهرمیوه دو قسم باشد (٥٢). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگارخویش را تکذیب می کنید (٥٣). تکیه زده برفرش‌هایی که آستِرآن ازحریر ضخیم باشد ومیوهٔ آن دوبوستان نزدیك بُوَد [٦] (٥٤). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (٥٥). درآن (کاخها) حورانی باشند فروواندازنده چشم که پیش ازایشان دست هیچ انس وجنّی به آنها نرسیده است (٥٦). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (٥٧). گویاآن حوران یاقوت ومرجان‌اند (٥٨). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگارخویش را تکذیب می کنید (٥٩). پاداش نیکوکاری جز انعام بسیار نیست (٦٠). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (٦١). وغیرازاین دوبوستان دیگرباشند (٦٢). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش‌را تکذیب می کنید (٦٣). دوبوستان سبزکه ازغایتِ سبزی بسیاهی میزنند (٦٤). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (٦٥). درآن دوبوستان دوچشمه جوشنده باشند (٦٦). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (٦٧). درآن دوبوستان میوه ودرختان خرما وانار باشند (٦٨). پس کدام یك‌ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (٦٩).

(٦) یعنی به سهولت توان گرفت.

فِيهِنَّ خَيْرَٰتٌ حِسَانٌ ﴿٧٠﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧١﴾ حُورٌ مَّقْصُورَٰتٌ فِى ٱلْخِيَامِ ﴿٧٢﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٣﴾ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَآنٌّ ﴿٧٤﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٥﴾ مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ ﴿٧٦﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٧﴾ تَبَٰرَكَ ٱسْمُ رَبِّكَ ذِى ٱلْجَلَٰلِ وَٱلْإِكْرَامِ ﴿٧٨﴾

سُورَةُ الوَاقِعَةِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِذَا وَقَعَتِ ٱلْوَاقِعَةُ ﴿١﴾ لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ ﴿٢﴾ خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ ﴿٣﴾ إِذَا رُجَّتِ ٱلْأَرْضُ رَجًّا ﴿٤﴾ وَبُسَّتِ ٱلْجِبَالُ بَسًّا ﴿٥﴾ فَكَانَتْ هَبَآءً مُّنۢبَثًّا ﴿٦﴾ وَكُنتُمْ أَزْوَٰجًا ثَلَٰثَةً ﴿٧﴾ فَأَصْحَٰبُ ٱلْمَيْمَنَةِ مَآ أَصْحَٰبُ ٱلْمَيْمَنَةِ ﴿٨﴾ وَأَصْحَٰبُ ٱلْمَشْـَٔمَةِ مَآ أَصْحَٰبُ ٱلْمَشْـَٔمَةِ ﴿٩﴾ وَٱلسَّٰبِقُونَ ٱلسَّٰبِقُونَ ﴿١٠﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلْمُقَرَّبُونَ ﴿١١﴾ فِى جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ﴿١٢﴾ ثُلَّةٌ مِّنَ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ وَقَلِيلٌ مِّنَ ٱلْآخِرِينَ ﴿١٤﴾ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ ﴿١٥﴾ مُّتَّكِـِٔينَ عَلَيْهَا مُتَقَٰبِلِينَ ﴿١٦﴾

ربع الحزب ٥٤

درآن کاخها زنانِ برگزیده زیبا باشند (۷۰). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۷۱). حوران نگاهداشته شده درخیمها (۷۲). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۷۳). به آنها پیش ازایشان هیچ آدمی جماع نکرده است و نه هیچ جنی (۷٤). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۷٥). بربالشهای سبز وبساط های نیك تکیه زده باشند (۷٦). پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۷۷). نام پروردگارتو خداوندبزرگی وانعام بابرکت است (۷۸).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

یادکن آنگاه که متحقق شود قیامت (۱). وقوع آن را هیچ نفس دروغ گوینده نیست [۱] (۲). جماعتی را پست کننده است طائفه ای را بلندکننده است (۳). آنگاه که زمین جنبانیده شود جنبانیدنِ سخت (٤). وکوهها ریزه ریزه کرده شود ریزه ریزه کردنی (٥). پس مانند غبار پراگنده شود (٦). وشما سه قسم شوید (۷). پس اهل سعادت چه حال دارند اهل سعادت (۸). واهل شقاوت چه حال دارنداهل شقاوت (۹). وپیش روندگان خود ایشانندپیش روندگان (۱۰). آن پیش روندگان ایشانند نزدیك کردگان (۱۱). دربوستانهای نعمت باشند (۱۲). سابقان جمعی یسیر ازپیشینیان‌اند [۲] (۱۳). واندك شماره از پسینیان هستند [۳] (۱٤). برتخت‌های زربافته نشسته باشند (۱٥). تکیه زده برآن روبروی یکدیگر اند (۱٦).

---

(۱) یعنی همه مسلمان شوند کفر وافتراآنجا نباشد.

(۲) یعنی ازامم سابقه.

(۳) یعنی ازامت محمدیه.

يَطُوفُ عَلَيۡهِمۡ وِلۡدَٰنٞ مُّخَلَّدُونَ ﴿١٧﴾ بِأَكۡوَابٖ وَأَبَارِيقَ وَكَأۡسٖ مِّن مَّعِينٖ ﴿١٨﴾ لَّا يُصَدَّعُونَ عَنۡهَا وَلَا يُنزِفُونَ ﴿١٩﴾ وَفَٰكِهَةٖ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ ﴿٢٠﴾ وَلَحۡمِ طَيۡرٖ مِّمَّا يَشۡتَهُونَ ﴿٢١﴾ وَحُورٌ عِينٞ ﴿٢٢﴾ كَأَمۡثَٰلِ ٱللُّؤۡلُوِ ٱلۡمَكۡنُونِ ﴿٢٣﴾ جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿٢٤﴾ لَا يَسۡمَعُونَ فِيهَا لَغۡوٗا وَلَا تَأۡثِيمًا ﴿٢٥﴾ إِلَّا قِيلٗا سَلَٰمٗا سَلَٰمٗا ﴿٢٦﴾ وَأَصۡحَٰبُ ٱلۡيَمِينِ مَآ أَصۡحَٰبُ ٱلۡيَمِينِ ﴿٢٧﴾ فِي سِدۡرٖ مَّخۡضُودٖ ﴿٢٨﴾ وَطَلۡحٖ مَّنضُودٖ ﴿٢٩﴾ وَظِلّٖ مَّمۡدُودٖ ﴿٣٠﴾ وَمَآءٖ مَّسۡكُوبٖ ﴿٣١﴾ وَفَٰكِهَةٖ كَثِيرَةٖ ﴿٣٢﴾ لَّا مَقۡطُوعَةٖ وَلَا مَمۡنُوعَةٖ ﴿٣٣﴾ وَفُرُشٖ مَّرۡفُوعَةٍ ﴿٣٤﴾ إِنَّآ أَنشَأۡنَٰهُنَّ إِنشَآءٗ ﴿٣٥﴾ فَجَعَلۡنَٰهُنَّ أَبۡكَارًا ﴿٣٦﴾ عُرُبًا أَتۡرَابٗا ﴿٣٧﴾ لِّأَصۡحَٰبِ ٱلۡيَمِينِ ﴿٣٨﴾ ثُلَّةٞ مِّنَ ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿٣٩﴾ وَثُلَّةٞ مِّنَ ٱلۡأٓخِرِينَ ﴿٤٠﴾ وَأَصۡحَٰبُ ٱلشِّمَالِ مَآ أَصۡحَٰبُ ٱلشِّمَالِ ﴿٤١﴾ فِي سَمُومٖ وَحَمِيمٖ ﴿٤٢﴾ وَظِلّٖ مِّن يَحۡمُومٖ ﴿٤٣﴾ لَّا بَارِدٖ وَلَا كَرِيمٍ ﴿٤٤﴾ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَبۡلَ ذَٰلِكَ مُتۡرَفِينَ ﴿٤٥﴾ وَكَانُواْ يُصِرُّونَ عَلَى ٱلۡحِنثِ ٱلۡعَظِيمِ ﴿٤٦﴾ وَكَانُواْ يَقُولُونَ أَئِذَا مِتۡنَا وَكُنَّا تُرَابٗا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَبۡعُوثُونَ ﴿٤٧﴾ أَوَ ءَابَآؤُنَا ٱلۡأَوَّلُونَ ﴿٤٨﴾ قُلۡ إِنَّ ٱلۡأَوَّلِينَ وَٱلۡأٓخِرِينَ ﴿٤٩﴾ لَمَجۡمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَٰتِ يَوۡمٖ مَّعۡلُومٖ ﴿٥٠﴾

برایشان نوجوانانِ جاویدان آمدورفت میکنند (۱۷). باآب خورها وابریق ها وپیالههایی ازشراب جاری (۱۸). نه ایشانرا ازآن شراب سر درد داده شود ونه بیهوش شوند (۱۹). وآمد ورفت کنند بامیوه ازهرجنس که اختیار کنند (۲۰). وباگوشت مرغان ازهر جنس که پسندکنند (۲۱). برایشان حوران کشاده چشم است (۲۲). مانند مروارید پوشیده شده (۲۳). پاداش دهیم بحسب آنچه میکردند (۲٤). نشنوند دربهشت سخن بیهوده ونه حرفی که گناه باشد (۲٥). لیکن این سخن بشنوند که هریکی سلام میگوید (۲٦). واهل سعادت چه حال دارند اهل سعادت (۲۷). دردرختان کُنارِ بیخار (۲۸). ودردرختان موز تودرتوثمرهٔ آن (۲۹). ودرسایهٔ دراز (۳۰). ودرآب ریخته شده (۳۱). ودرمیوهٔ بسیار (۳۲). نه به پایان رسد ونه ازآن منع کرده شود (۳۳). وفرشهای برافراشته شده (۳٤). هر آئینه ما حوران رایك نوع آفریدن آفریدیم (۳٥). پس ایشانرا دوشیزه (بکر) گرداندیم (۳٦). نزد شوهران محبوب شونده [٤] هم عمر بایکدیگر (۳۷). برای اصحاب یمین (۳۸). جماعتی بسیار از پیشینیاناند (۳۹). وجماعتی بسیار از پسینیاناند (٤۰). واهل شقاوت چه حال دارند اهل شقاوت (٤۱). دربادگرم وآبگرم باشند (٤۲). ودرسایه دود سیاه (٤۳). که نه خنك باشد ونه باعزت بُوَد (٤٤). هرآئینه ایشان پیش ازین به نازپرورده بودند (٤٥). وبرگناه بزرگ (یعنی شرك) مداومت میکردند (٤٦). ومی گفتند آیا چون بمیریم وخاك شویم واستخوانی چند باشیم آیاما برانگیخته شویم (٤۷). آیاپدران نخستین مابرانگیخته شوند (٤۸). بگوهرآئینه پیشینیان وپسینیان (٤۹). البته درمیعاد روزمقرر جمع کرده شوند (٥۰).

---

(٤) یعنی ازهر نظر مورد پسندباشند.

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا ٱلضَّآلُّونَ ٱلْمُكَذِّبُونَ ﴿٥١﴾ لَأَكِلُونَ مِن شَجَرٍ مِّن زَقُّومٍ ﴿٥٢﴾
فَمَالِـُٔونَ مِنْهَا ٱلْبُطُونَ ﴿٥٣﴾ فَشَٰرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ ٱلْحَمِيمِ ﴿٥٤﴾ فَشَٰرِبُونَ
شُرْبَ ٱلْهِيمِ ﴿٥٥﴾ هَٰذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ ٱلدِّينِ ﴿٥٦﴾ نَحْنُ خَلَقْنَٰكُمْ فَلَوْلَا
تُصَدِّقُونَ ﴿٥٧﴾ أَفَرَءَيْتُم مَّا تُمْنُونَ ﴿٥٨﴾ ءَأَنتُمْ تَخْلُقُونَهُۥٓ أَمْ نَحْنُ
ٱلْخَٰلِقُونَ ﴿٥٩﴾ نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ ٱلْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿٦٠﴾
عَلَىٰٓ أَن نُّبَدِّلَ أَمْثَٰلَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِى مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾ وَلَقَدْ
عَلِمْتُمُ ٱلنَّشْأَةَ ٱلْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾ أَفَرَءَيْتُم مَّا تَحْرُثُونَ
﴿٦٣﴾ ءَأَنتُمْ تَزْرَعُونَهُۥٓ أَمْ نَحْنُ ٱلزَّٰرِعُونَ ﴿٦٤﴾ لَوْ نَشَآءُ لَجَعَلْنَٰهُ
حُطَٰمًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ ﴿٦٥﴾ إِنَّا لَمُغْرَمُونَ ﴿٦٦﴾ بَلْ نَحْنُ
مَحْرُومُونَ ﴿٦٧﴾ أَفَرَءَيْتُمُ ٱلْمَآءَ ٱلَّذِى تَشْرَبُونَ ﴿٦٨﴾ ءَأَنتُمْ أَنزَلْتُمُوهُ
مِنَ ٱلْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ ٱلْمُنزِلُونَ ﴿٦٩﴾ لَوْ نَشَآءُ جَعَلْنَٰهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا
تَشْكُرُونَ ﴿٧٠﴾ أَفَرَءَيْتُمُ ٱلنَّارَ ٱلَّتِى تُورُونَ ﴿٧١﴾ ءَأَنتُمْ أَنشَأْتُمْ
شَجَرَتَهَآ أَمْ نَحْنُ ٱلْمُنشِـُٔونَ ﴿٧٢﴾ نَحْنُ جَعَلْنَٰهَا تَذْكِرَةً وَمَتَٰعًا
لِّلْمُقْوِينَ ﴿٧٣﴾ فَسَبِّحْ بِٱسْمِ رَبِّكَ ٱلْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾ ۞ فَلَآ أُقْسِمُ
بِمَوَٰقِعِ ٱلنُّجُومِ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّهُۥ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿٧٦﴾

بازهرآئینه شما ای گمراهان تکذیب کنندگان (٥١). خواهید ازدرختان زقوم خورد (٥٢). پس از آن شکم هارا پرخواهیدکرد (٥٣). پس خواهید برآن طعام ازآب گرم آشامید (٥٤). پس خواهید آشامید مانند آشامیدن شتران مبتلا به بیماری تشنگی (٥٥). اینست مهمان ایشان روز جزاء (٥٦). ماآفریدیم شمارا پس چرا باورنمی کنید (یعنی اعاده را) (٥٧). آیامی بینید آنچه را که میریزید (دررحم زنان)؟ [٥] (٥٨). آیاشما آن را می‌آفرینید یا ماآفریننده‌ایم [٦] (٥٩). ما مرگ را مقدّر کرده‌ایم وما عاجز کرده شده نیستیم (٦٠). ازآنکه همانندشمارا جایگزین کنیم وشمارا درعالمی که نمیدانید بیافرینیم (٦١). وهرآئینه آفرینش نخستین را دانسته‌اید پس چراپندنمی‌گیرید (٦٢). آیا دیدید آنچه را که می کارید (٦٣). آیاشما میرویانید آن را یا ما رویاننده‌ایم (٦٤). اگر خواهیم بگردانیم آن زراعت راگیاهی درهم شکسته به تعجب مانده گویید (٦٥). هرآئینه ماغرامت کشندگانیم (٦٦). بلکه ما محروم ماندگانیم (٦٧). آیا پس دیدید آن آب را که می‌آشامید (٦٨). آیاشما فرودآورده‌اید آن را از ابر یا ما فرودآرندگانیم (٦٩). ا گرخواهیم آنرا شورمی گردانیم پس چرا شکر نمی کنید (٧٠). آیاپس دیدید آن آتش را که روشن می کنید (ازمیان شاخ درخت برمی‌آرید) (٧١). آیاشما آفریده‌ایددرخت آن را یاماآفریننده‌ایم (٧٢). ما آن درخت را (مایهٔ) پند ومنفعت برای مسافران ساختیم (٧٣). پس پروردگاربزرگ خودرا به پاکی یادکن (٧٤). پس به افتادن ستارها سوگند میخورم [٧] (٧٥). وهرآئینه این قسمی است بزرگ اگر بدانید (٧٦).

---

(٥) یعنی منی را.

(٦) یعنی تغییر میدهیم منی راازحالی به حالی تاآدمي پیدامی شود والله اعلم.

(٧) یعنی شهابها والله اعلم.

إِنَّهُۥ لَقُرۡءَانٞ كَرِيمٞ ٧٧ فِي كِتَٰبٖ مَّكۡنُونٖ ٧٨ لَّا يَمَسُّهُۥٓ إِلَّا ٱلۡمُطَهَّرُونَ ٧٩ تَنزِيلٞ مِّن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٨٠ أَفَبِهَٰذَا ٱلۡحَدِيثِ أَنتُم مُّدۡهِنُونَ ٨١ وَتَجۡعَلُونَ رِزۡقَكُمۡ أَنَّكُمۡ تُكَذِّبُونَ ٨٢ فَلَوۡلَآ إِذَا بَلَغَتِ ٱلۡحُلۡقُومَ ٨٣ وَأَنتُمۡ حِينَئِذٖ تَنظُرُونَ ٨٤ وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ إِلَيۡهِ مِنكُمۡ وَلَٰكِن لَّا تُبۡصِرُونَ ٨٥ فَلَوۡلَآ إِن كُنتُمۡ غَيۡرَ مَدِينِينَ ٨٦ تَرۡجِعُونَهَآ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٨٧ فَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ ٱلۡمُقَرَّبِينَ ٨٨ فَرَوۡحٞ وَرَيۡحَانٞ وَجَنَّتُ نَعِيمٖ ٨٩ وَأَمَّآ إِن كَانَ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلۡيَمِينِ ٩٠ فَسَلَٰمٞ لَّكَ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلۡيَمِينِ ٩١ وَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ ٱلۡمُكَذِّبِينَ ٱلضَّآلِّينَ ٩٢ فَنُزُلٞ مِّنۡ حَمِيمٖ ٩٣ وَتَصۡلِيَةُ جَحِيمٍ ٩٤ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ حَقُّ ٱلۡيَقِينِ ٩٥ فَسَبِّحۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلۡعَظِيمِ ٩٦

سُورَةُ الحَدِيدِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ١ لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ٢ هُوَ ٱلۡأَوَّلُ وَٱلۡأٓخِرُ وَٱلظَّٰهِرُ وَٱلۡبَاطِنُۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ ٣

هرآئينه اين كتاب قرآنی گراميقدر است (۷۷). دركتاب پوشيده نوشته شده است (۷۸). كه به آن جز پاك كردگان دست نمی رسانند [۸] (۷۹). از جانب پروردگار جهانيان فرستاده شده است (۸۰). آيا به اين سخن انكار كننده ايد؟ (۸۱). و (سپاس) روزيتان را تكذيب كردن قرار می دهيد (۸۲). پس آنگاه كه روح شخصی نزد گلو رسد (۸۳). وشما آنگاه می بينيد (٨٤). وما به اونسبت به شما نزديك تريم وليكن نمی نگريد (۸٥). پس اگر غير مقهور حكم الهی هستيد (٨٦). چرا آن روح را به بدن بازنگردانيد اگرراست می گوييد [۹] (۸۷). پس اگر مرده از مقربان بارگاه الهی باشد (۸۸). پس اورا راحت وگل‌خوشبوو بوستان نعمت است (۸۹). واما اگر ازاهل سعادت باشد (۹۰). پس توراازاهل سعادت سلامت است ای مخاطب (۹۱). واما اگر از تكذيب كنندگان وگمراهان باشد (۹۲). پس اورا مهمانی ازآب گرم است (۹۳). واورا به دوزخ درآوردن است (۹٤). هرآئينه اين خبردرست بی شبهه ای است (۹٥). پس پروردگار بزرگ خودرا به پاكی يادكن (۹٦).

بنام خدای بخشاينده مهربان.

هر آنچه درآسمان‌ها وزمين است خدا را به پاكی ياد می كنند واو غالب دانا است (۱). پادشاهی آسمانها وزمين برای اوست زنده ميكند ومی ميراند واوبرهرچيز توانا است (۲). او نخستينِ همه است واو آخرينِ همه است واو آشكار است واو پنهان واوبهرچيز داناست (۳).

(۸) يعنی درلوح محفوظ.
(۹) مترجم گويد لفظ لولا داخل است بر ترجعونها واعادهٔ آن برای تاكيد است.

هُوَ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ فِى سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ ٱسْتَوَىٰ
عَلَى ٱلْعَرْشِ ۚ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِى ٱلْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنزِلُ مِنَ
ٱلسَّمَآءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ۖ وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ ۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
بَصِيرٌ ﴿٤﴾ لَّهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرْجَعُ ٱلْأُمُورُ
﴿٥﴾ يُولِجُ ٱلَّيْلَ فِى ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِى ٱلَّيْلِ ۚ وَهُوَ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ
ٱلصُّدُورِ ﴿٦﴾ ءَامِنُوا۟ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَأَنفِقُوا۟ مِمَّا جَعَلَكُم
مُّسْتَخْلَفِينَ فِيهِ ۖ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مِنكُمْ وَأَنفَقُوا۟ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿٧﴾
وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ ۙ وَٱلرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا۟ بِرَبِّكُمْ وَقَدْ
أَخَذَ مِيثَٰقَكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٨﴾ هُوَ ٱلَّذِى يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِۦٓ
ءَايَٰتٍۭ بَيِّنَٰتٍ لِّيُخْرِجَكُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ ۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ بِكُمْ
لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٩﴾ وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنفِقُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَٰثُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ لَا يَسْتَوِى مِنكُم مَّنْ أَنفَقَ مِن قَبْلِ ٱلْفَتْحِ
وَقَٰتَلَ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ ٱلَّذِينَ أَنفَقُوا۟ مِنۢ بَعْدُ وَقَٰتَلُوا۟ ۚ
وَكُلًّا وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلْحُسْنَىٰ ۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١٠﴾ مَّن ذَا
ٱلَّذِى يُقْرِضُ ٱللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَٰعِفَهُۥ لَهُۥ وَلَهُۥٓ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١١﴾

اوست آنکه آسمان ها وزمین را درشش روز آفرید باز برعرش مستقرشد می داند آنچه را که داخل می شود به زمین وآنچه را که ازآن برمی آید وآنچه ازآسمان فرودمی آید وآنچه اندرآن بالامیرود واوباشما است هرجاکه باشید وخدا به آنچه میکنید بینا است (٤). پادشاهی آسمان هاوزمین برای اوست وبه سوی خدابازگردانیده میشود (٥). درمی‌آورد شب را درروز ودرمی‌آورد روزرا درشب واو به راز سینه‌ها دانااست (٦). بخداورسول او ایمان آورید وازجملهٔ آن مال که شمارا جانشین دیگران دروی قرار داده است خرج کنید پس آنانکه ایمان آورده‌اند ازشما و خرج کرده اند ایشانرا مزدِ بزرگ است (٧). وچیست شمارا که ایمان نمی آورید به خدا درحالیکه رسول شمارا دعوت می کند که به پروردگار خویش ایمان آورید وهرآئینه ازشما عهد گرفته است [1] اگرهستید باوردارنده (٨). واوست آنکه بر بندهٔ خود آیاتِ واضح فرومیفرستد تا شمارا ازتاریکی‌ها به سوی روشنی بیرون آورد هرآئینه خدا برشما بخشاینده مهربان است (٩). وشمارا چیست که درراه خدا خرج نمی کنید و پس گذاشتهٔ آسمان ها وزمین [2] خدای‌راست برابرنیست ازشما آنکه خرج کرد پیش ازفتح مکه و قتال کرد (وآنکه این چنین عمل بعد ازفتح مکه کرده باشد) آن جماعت درمرتبه بزرگ ترند ازآنانکه خرج کردند بعد از فتح وقتال کردند وهریکی را خدا وعده داده است حالتِ نیك وخدا به آنچه میکنید خبرداراست (١٠). کیست آنکه خدارا قرض دهد قرض دادن نیك پس آن قرض رابرای او دو برابر اداکند و اورا پاداش گرامی قدر است (١١).

(۱) یعنی روزألست بربکم.
(۲) یعنی هرکسیکه بمیردآنچه بگذارد ملكِ خداباشد پس بآن بخل کردن نهایت زشت است.

يَوْمَ تَرَى ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ يَسْعَىٰ نُورُهُم بَيْنَ أَيْدِيهِمْ
وَبِأَيْمَٰنِهِم بُشْرَىٰكُمُ ٱلْيَوْمَ جَنَّٰتٌ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ
فِيهَا ۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ﴿١٢﴾ يَوْمَ يَقُولُ ٱلْمُنَٰفِقُونَ وَٱلْمُنَٰفِقَٰتُ
لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱنظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِن نُّورِكُمْ قِيلَ ٱرْجِعُوا۟ وَرَآءَكُمْ
فَٱلْتَمِسُوا۟ نُورًا ۖ فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَّهُۥ بَابٌۢ بَاطِنُهُۥ فِيهِ ٱلرَّحْمَةُ
وَظَٰهِرُهُۥ مِن قِبَلِهِ ٱلْعَذَابُ ﴿١٣﴾ يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُن مَّعَكُمْ ۖ قَالُوا۟ بَلَىٰ
وَلَٰكِنَّكُمْ فَتَنتُمْ أَنفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَٱرْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ ٱلْأَمَانِىُّ
حَتَّىٰ جَآءَ أَمْرُ ٱللَّهِ وَغَرَّكُم بِٱللَّهِ ٱلْغَرُورُ ﴿١٤﴾ فَٱلْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنكُمْ
فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ۚ مَأْوَىٰكُمُ ٱلنَّارُ ۖ هِىَ مَوْلَىٰكُمْ ۖ
وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ ﴿١٥﴾ ۞ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَن تَخْشَعَ
قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ ٱللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ ٱلْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا۟ كَٱلَّذِينَ
أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ مِن قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ ٱلْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ ۖ وَكَثِيرٌ
مِّنْهُمْ فَٰسِقُونَ ﴿١٦﴾ ٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ يُحْىِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ قَدْ بَيَّنَّا
لَكُمُ ٱلْءَايَٰتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٧﴾ إِنَّ ٱلْمُصَّدِّقِينَ وَٱلْمُصَّدِّقَٰتِ
وَأَقْرَضُوا۟ ٱللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَٰعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١٨﴾

یادکن روزیکه ببینی مردان مسلمان و زنانِ مسلمان را (باین صفت) که می شتابدنور ایشان پیشاروی ایشان و سمت های راست ایشان (گفته شود) شماراامروز بوستان‌هایی که میرود زیر آنها جویها مژده باد جاوید باشید آنجا این مطلب یابی بزرگ است (۱۲). روزیکه مردانِ منافق وزنانِ منافق گویند به مسلمانان به سوی ما بنظر شفقت نگرید تا ازنور شما روشنی گیریم گفته شود پس به پشت خویش (به دنیا) بازگردید پس روشنی را [3] بجویید پس درمیانِ ایشان دیواری بناکرده شود که اورا دروازه‌ای باشد که از سوی درون آن رحمت وازجهت بیرون آن دیوار عذاب است (۱۳). منافقان مسلمانان را آوازدهند آیا ما همراه شما نبودیم گفتند آری ولیکن شما خویشتن را دربلا افکندید وانتظار کردید [4] وشك آوردید وآرزوها شمارا فریفته کرد تاآنکه فرمان خدا [5] برسید وفریب دادشمارا درفرمانبرداری خداشیطان فریبنده (۱٤). پس امروز ازشمافدیهٔ فراگرفته نشود ونه ازکافران گرفته شود، جای شماآتش است همان آتش لائقِ شما است و وی بد باز گشتی است (۱۵). آیا مسلمانان را وقت آن نرسیده است که دل‌های ایشان وقتِ یاد کردن خداووقت یادآوردن آنچه آمده است ازوحی‌الهی نیایش کند ونباشند مانند آنانکه داده شده است ایشان راکتاب پیش ازین پس برایشان مدت درازگشت پس دل های ایشان سخت شد وبسیاری ازایشان بدکاران‌اند (۱٦). بدانید که خدا زمین را بعد ازمرده بودنِ آن زنده میکند هرآئینه بیان کردیم برای شمانشانه‌ها باشد که شما دریابید (۱۷). هرآئینه مردان خیرات دهنده وزنان خیرات دهنده وآنانکه خدارا قرض داده‌اند قرض نیك ایشان را دو برابر داده شود و برای ایشان پاداش گرامی قدر است (۱۸).

---

(۳) مترجم گوید یعنی دردنیا روید تحصیل نورکنید که این جاتحصیل نور نیست والله اعلم.
(٤) یعنی هزیمت مسلمانان را.
(۵) یعنی اجل.

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصِّدِّيقُونَۖ وَٱلشُّهَدَآءُ عِندَ رَبِّهِمۡ لَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ وَنُورُهُمۡۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَحِيمِ ﴿١٩﴾ ٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا لَعِبٞ وَلَهۡوٞ وَزِينَةٞ وَتَفَاخُرُۢ بَيۡنَكُمۡ وَتَكَاثُرٞ فِي ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَوۡلَٰدِۖ كَمَثَلِ غَيۡثٍ أَعۡجَبَ ٱلۡكُفَّارَ نَبَاتُهُۥ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَىٰهُ مُصۡفَرّٗا ثُمَّ يَكُونُ حُطَٰمٗاۖ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابٞ شَدِيدٞ وَمَغۡفِرَةٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٞۚ وَمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلۡغُرُورِ ﴿٢٠﴾ سَابِقُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ وَجَنَّةٍ عَرۡضُهَا كَعَرۡضِ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ أُعِدَّتۡ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦۚ ذَٰلِكَ فَضۡلُ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ﴿٢١﴾ مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مِّن قَبۡلِ أَن نَّبۡرَأَهَآۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ﴿٢٢﴾ لِّكَيۡلَا تَأۡسَوۡاْ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمۡ وَلَا تَفۡرَحُواْ بِمَآ ءَاتَىٰكُمۡۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٍ ﴿٢٣﴾ ٱلَّذِينَ يَبۡخَلُونَ وَيَأۡمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلۡبُخۡلِۗ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ ﴿٢٤﴾

وآنانکه بخدا و پیامبران او ایمان آورده‌اند آن جماعت ایشانند صدیقان وشهیدان نزد پروردگارخویش ایشانراست پاداش ایشان ونورایشان وآنانکه کافرشدند وآیاتِ مارا تکذیب کردند آن جماعت اهل دوزخ‌اند (۱۹). بدانید که زندگانی دنیا بازیچه وبیهودگی وآرایش است وخودستایی است درمیان شما و درمال‌ها وفرزندان ازیکدیگرزیاده طلبی است مانند بارانی که به شگفت آورد زراعت کنندگان را روییدن آن باز خشك شود پس آن را ببینی بازدرهم شکسته گردد ودرآخرت عذاب سخت است ونیز ازجانب خدا آمرزش وخوشنودیست و نیست زندگانی دنیا مگر بهره‌ای که باعث فریب باشد (۲۰). به سوی آمرزشی ازجانب پروردگارتان سبقت کنید وبه سوی بهشتی که پهنایی اومانند پهنایی آسمان وزمین باشد برای آنانکه ایمان می آورند به خدا و پیامبران او آماده کرده شد اینست فضل خدا میدهدش بهرکه خواهد وخداوندصاحب فضل بزرگ است (۲۱). هیچ مصیبتی در زمین ونه در جان‌های شما نرسید مگر نوشته شده است درکتابی پیش ازآنکه آن مصیبت را بیافرینیم هرآئینه این کار بر خداآسان است (۲۲). (خبرداده‌ایم) تا برآنچه ازدست شما رفت اندوه نخورید وتا به آنچه عطا کرد شمارا شادمان نشوید و خدای تعالی هرتکبر کننده خودستاینده را دوست نمیدارد (۲۳). (دوست نمیدارد) آنانراکه بخل میکنند ومردمان را به بخل می فرمایند وهرکه رویگردان شود هرآئینه خدا همان بی نیازِ ستوده است (۲٤).

لَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا رُسُلَنَا بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَأَنزَلۡنَا مَعَهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ
وَٱلۡمِيزَانَ لِيَقُومَ ٱلنَّاسُ بِٱلۡقِسۡطِۖ وَأَنزَلۡنَا ٱلۡحَدِيدَ فِيهِ
بَأۡسٞ شَدِيدٞ وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥ وَرُسُلَهُۥ
بِٱلۡغَيۡبِۚ إِنَّ ٱللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٞ ٢٥ وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحٗا وَإِبۡرَٰهِيمَ
وَجَعَلۡنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا ٱلنُّبُوَّةَ وَٱلۡكِتَٰبَۖ فَمِنۡهُم مُّهۡتَدٖۖ
وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ ٢٦ ثُمَّ قَفَّيۡنَا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم
بِرُسُلِنَا وَقَفَّيۡنَا بِعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَ وَءَاتَيۡنَٰهُ ٱلۡإِنجِيلَۖ وَجَعَلۡنَا
فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ رَأۡفَةٗ وَرَحۡمَةٗۚ وَرَهۡبَانِيَّةً
ٱبۡتَدَعُوهَا مَا كَتَبۡنَٰهَا عَلَيۡهِمۡ إِلَّا ٱبۡتِغَآءَ رِضۡوَٰنِ ٱللَّهِ
فَمَا رَعَوۡهَا حَقَّ رِعَايَتِهَاۖ فَـَٔاتَيۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنۡهُمۡ أَجۡرَهُمۡۖ
وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ ٢٧ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ
وَءَامِنُواْ بِرَسُولِهِۦ يُؤۡتِكُمۡ كِفۡلَيۡنِ مِن رَّحۡمَتِهِۦ وَيَجۡعَل لَّكُمۡ نُورٗا
تَمۡشُونَ بِهِۦ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٢٨ لِّئَلَّا يَعۡلَمَ
أَهۡلُ ٱلۡكِتَٰبِ أَلَّا يَقۡدِرُونَ عَلَىٰ شَيۡءٖ مِّن فَضۡلِ ٱللَّهِ وَأَنَّ
ٱلۡفَضۡلَ بِيَدِ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ٢٩

هرآئینه پیامبران خودرا به نشانه‌های واضح وهمراه ایشان کتاب وترازو را فرستادیم تا مردمان به انصاف عمل کنند او آهن را که درآن مایهٔ جنگ سخت ومنفعت های دیگر برای مردمان است فرودآوردیم وتا خدا کسی راکه (دین) خداوپیامبران اورا غایبانه نصرت می دهد معلوم بدارد هرآئینه خداتوانای غالب است (۲۵). وبه راستی که نوح وابراهیم را فرستادیم ودر اولاد ایشان پیامبری وکتاب را نهادیم پس بعض ایشان راه یابنده است وبسیاری ازایشان بدکارانند (۲٦). باز ازپی ایشان پیامبران خودرا فرستادیم عیسیٰ پسر مریم را ازپی آوردیم وانجیل دادیمش ودردل های تابعانِ او مهربانی وبخشایش نهادیم وگوشه نشینی‌ای که خود پیدا کرده بودند آن را ما آنرا برایشان فرض نکرده بودیم لیکن به طلب خوشنودی خدا اختراع کردند پس آنرا نگاهداشت نکردند حقِ نگهداشتنِ آن پس آنان را که ایمان آوردند ازایشان [٦] پاداش ایشان را عطا کردیم وبسیاری ازایشان بدکارانند (۲۷). ای آنانکه ایمان آورده‌اید به پیامبران سابق ازخدا بترسید وبه پیامبراو [۷] ایمان آورید تاشمارا دوحصه ازرحمت خود بدهد وتاشمارا نوری بدهد که به آن راه روید وتاشمارا بیامرزد وخداآمرزگار مهربان است (۲۸). (خدابه این امر خبرداد) تا اهل کتاب بدانند که ایشان برچیزی ازفضل خدا قادر نیستند وبدانند که فضل بدست خداست آن را بهرکه خواهد میدهد وخدا صاحب فضل بزرگ است (۲۹).

(٦) یعنی به محمد صلی الله علیه وسلم.
(۷) یعنی به محمد صلی الله علیه وسلم.

سورة المجادلة

بسم الله الرحمن الرحيم

قَدْ سَمِعَ ٱللَّهُ قَوْلَ ٱلَّتِى تُجَٰدِلُكَ فِى زَوْجِهَا وَتَشْتَكِىٓ إِلَى ٱللَّهِ وَٱللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَآ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌۢ بَصِيرٌ ﴿١﴾ ٱلَّذِينَ يُظَٰهِرُونَ مِنكُم مِّن نِّسَآئِهِم مَّا هُنَّ أُمَّهَٰتِهِمْ ۖ إِنْ أُمَّهَٰتُهُمْ إِلَّا ٱلَّٰٓـِٔى وَلَدْنَهُمْ ۚ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنكَرًا مِّنَ ٱلْقَوْلِ وَزُورًا ۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ ﴿٢﴾ وَٱلَّذِينَ يُظَٰهِرُونَ مِن نِّسَآئِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا۟ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَن يَتَمَآسَّا ۚ ذَٰلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِۦ ۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٣﴾ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِن قَبْلِ أَن يَتَمَآسَّا ۖ فَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ۚ ذَٰلِكَ لِتُؤْمِنُوا۟ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ۚ وَتِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ ۗ وَلِلْكَٰفِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحَآدُّونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ كُبِتُوا۟ كَمَا كُبِتَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۚ وَقَدْ أَنزَلْنَآ ءَايَٰتٍۭ بَيِّنَٰتٍ ۚ وَلِلْكَٰفِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٥﴾ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ ٱللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوٓا۟ ۚ أَحْصَىٰهُ ٱللَّهُ وَنَسُوهُ ۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ ﴿٦﴾
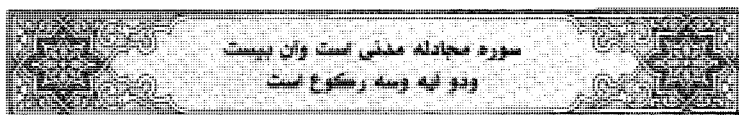
بنام خدای بخشاینده مهربان.

[۱]هرآئینه شنید خدای تعالی سخن آن زن را که گفتگو میکردبا تو درباره شوهر خود وپیش خدا شکایت میکرد وخدامی شنود گفتگو کردن شمارا هرآئینه خداشنوای بیناست (۱). آنانکه ازشما بازنان خود [۲] ظهار میکنند آن زنان مادران ایشان نیستند، مادران ایشان نیستندمگر آنانکه ایشان را زاده‌اند وهرآئینه این ظهار کنندگان سخن ناپسندودروغ میگویند وهرآئینه خدا عفوکننده ٔ آمرزگاراست (۲). وآنانکه بازنان خود ظهارمی‌کنند سپس درمخالفت آنچه گفتند رجوع میکنند پس آزاد کردنِ برده ای پیش ازآنکه زن ومردبایکدیگردست رسانند [۳] واجب است این حکم پندداده میشود شمارا به آن وخدا به آنچه میکنید خبردارست (۳). پس هرکه برده ای را نیابد پس بروی روزه داشتنِ دوماه پی در پی پیش ازآنکه هردوبایکدیگر دست رسانند واجب است پس هرکه این را نتواند پس طعام دادن شصت فقیر لازم است، این حکم برای آنست که به خداو پیامبراو منقادشوید واین احکام حد مقرر کرده ٔ خداست و کافران را عذاب دردناك باشد (٤). هرآئینه آنانکه باخدا و رسول او مخالفت میکنند ایشان خوارکرده شدند چنانکه آنان را که پیش ازایشان بودند خوارکرده شدند وهرآئینه آیاتِ واضح فرودآوردیم وکافران را عذاب خوار کننده است (٥). روزیکه خدا همگی ایشانرا برانگیزد پس ایشانرا خبردهد به آنچه کرده بودند خداآنرایاد داشت کرد وایشان آن را فراموش کردند وخدابرهمه چیز مطلع است (٦).

---

(۱) زنی را شوهراوگفت «انتِ عليّ كظهر أُمىّ» توبر من مانند پشت مادرمنی، آن زن پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم این ماجرا را عرض کرد فرمودند که حرام شدی آن زن که عیال بسیار ومال اندك داشت عرض کرد خدای تعالی این آیه را فرستاد.

(۲) یعنی تشبیه می دهند زنان خودرا به پشت مادر.

(۳) یعنی جماع کنند.

أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۖ مَا يَكُونُ مِن
نَّجۡوَىٰ ثَلَٰثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمۡ وَلَا خَمۡسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمۡ وَلَآ أَدۡنَىٰ
مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكۡثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمۡ أَيۡنَ مَا كَانُواْۖ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا
عَمِلُواْ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ ٧ أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ
نُهُواْ عَنِ ٱلنَّجۡوَىٰ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُواْ عَنۡهُ وَيَتَنَٰجَوۡنَ بِٱلۡإِثۡمِ
وَٱلۡعُدۡوَٰنِ وَمَعۡصِيَتِ ٱلرَّسُولِۖ وَإِذَا جَآءُوكَ حَيَّوۡكَ بِمَا لَمۡ يُحَيِّكَ
بِهِ ٱللَّهُ وَيَقُولُونَ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ لَوۡلَا يُعَذِّبُنَا ٱللَّهُ بِمَا نَقُولُۚ حَسۡبُهُمۡ
جَهَنَّمُ يَصۡلَوۡنَهَاۖ فَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ٨ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا
تَنَٰجَيۡتُمۡ فَلَا تَتَنَٰجَوۡاْ بِٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِ وَمَعۡصِيَتِ ٱلرَّسُولِ
وَتَنَٰجَوۡاْ بِٱلۡبِرِّ وَٱلتَّقۡوَىٰۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِيٓ إِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ ٩ إِنَّمَا
ٱلنَّجۡوَىٰ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ لِيَحۡزُنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَيۡسَ بِضَآرِّهِمۡ
شَيۡـًٔا إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١٠ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا قِيلَ لَكُمۡ تَفَسَّحُواْ فِي ٱلۡمَجَٰلِسِ فَٱفۡسَحُواْ يَفۡسَحِ
ٱللَّهُ لَكُمۡۖ وَإِذَا قِيلَ ٱنشُزُواْ فَٱنشُزُواْ يَرۡفَعِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ
وَٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ دَرَجَٰتٖۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ١١

آیا ندیدی که خدا آنچه درآسمان ها وآنچه درزمین است میداند هیچ رازگوی سه شخص بایکدیگر نمی باشد مگر اینکه خداچهارم ایشان است وهیچ رازگویی پنج شخص نمی باشد مگر خدا ششمِ ایشان است ونه کمتر ازین ونه زیاده مگر خداباایشانست هرکجاباشند باز ایشان را روزِقیامت به آنچه کرده‌اند خبر می‌دهد هرآئینه خدا برهر چیز داناست (۷). آیاندیدی آن‌کسانی‌راکه منع کرده شدند از رازگفتن بایکدیگر [٤] سپس بازمیگردند درآنچه ازآن منع کرده شدندوبیکدیگررازمیگویند درباب گناه وتعدی ونافرمانی‌پیامبر وچون بیایند پیش‌تودعاکنند تورا به‌آن کلمه که توراخدا به آن [٥] دعانکرده است و دردل های خویش میگویند چرا خدامارا عذاب نمیکند بسبب آنچه میگوییم [٦] ایشانرا دوزخ بس است درآیند آن جا پس بدجائیست دوزخ (۸). ای مسلمانان چون بایکدیگر رازگویید پس رازمگویید درباب گناه وتعدی ونافرمانِی پیامبر ورازگویید درباب نیکوکاری وپرهیزگاری وبترسید ازخدایی که به سوی اوحشر کرده خواهید شد (۹). جزاین نیست که رازگفتن‌بد ازکارشیطان است تا مسلمانان را اندوهیگن کند ونیست هیچ زیان رساننده به ایشان مگر باراده‌ٔ خدا، و مؤمنان بایدکه برخدا توکل کنند (۱۰). ای مؤمنان چون گفته شود شمارا که گشاده بنشینید در مجلس‌ها پس جای را گشاده کنید تا خدا برای شما (هرمشکلی را) بگشاید وچون گفته شود برخیزید پس برخیزید تا خدامرتبه آنان را که ایمان آورده اند ازشما بلندکند ونیزآنانکه ایشانرا علم عطا کرده شده است به مرتبه هایند وخدا به آنچه میکنید باخبر است (۱۱).

---

(٤) یعنی یهود که رازایشان درایذای مسلمین بود والله اعلم.

(٥) یعنی بجای السلام علیك السام علیك گویند یعنی مرگ برتوباد.

(٦) یعنی اگر پیامبرراست است بایستی که مارا عذاب می رسید والله اعلم.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نَٰجَيۡتُمُ ٱلرَّسُولَ فَقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيۡ نَجۡوَىٰكُمۡ
صَدَقَةٗۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ لَّكُمۡ وَأَطۡهَرُۚ فَإِن لَّمۡ تَجِدُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ
﴿١٢﴾ ءَأَشۡفَقۡتُمۡ أَن تُقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيۡ نَجۡوَىٰكُمۡ صَدَقَٰتٖۚ فَإِذۡ لَمۡ تَفۡعَلُواْ
وَتَابَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمۡ فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ
وَرَسُولَهُۥۚ وَٱللَّهُ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ﴿١٣﴾ ۞ أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ تَوَلَّوۡاْ
قَوۡمًا غَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مَّا هُم مِّنكُمۡ وَلَا مِنۡهُمۡ وَيَحۡلِفُونَ عَلَى ٱلۡكَذِبِ
وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ﴿١٤﴾ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمۡ عَذَابٗا شَدِيدًاۖ إِنَّهُمۡ سَآءَ مَا كَانُواْ
يَعۡمَلُونَ ﴿١٥﴾ ٱتَّخَذُوٓاْ أَيۡمَٰنَهُمۡ جُنَّةٗ فَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ فَلَهُمۡ
عَذَابٞ مُّهِينٞ ﴿١٦﴾ لَّن تُغۡنِيَ عَنۡهُمۡ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُهُم مِّنَ ٱللَّهِ
شَيۡـًٔاۚ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿١٧﴾ يَوۡمَ يَبۡعَثُهُمُ
ٱللَّهُ جَمِيعٗا فَيَحۡلِفُونَ لَهُۥ كَمَا يَحۡلِفُونَ لَكُمۡۖ وَيَحۡسَبُونَ أَنَّهُمۡ
عَلَىٰ شَيۡءٍۚ أَلَآ إِنَّهُمۡ هُمُ ٱلۡكَٰذِبُونَ ﴿١٨﴾ ٱسۡتَحۡوَذَ عَلَيۡهِمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ
فَأَنسَىٰهُمۡ ذِكۡرَ ٱللَّهِۚ أُوْلَٰٓئِكَ حِزۡبُ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ أَلَآ إِنَّ حِزۡبَ ٱلشَّيۡطَٰنِ
هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ﴿١٩﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحَآدُّونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ٱلۡأَذَلِّينَ
﴿٢٠﴾ كَتَبَ ٱللَّهُ لَأَغۡلِبَنَّ أَنَا۠ وَرُسُلِيٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٞ ﴿٢١﴾

ربع الحزب ٥٥

ای مؤمنان چون خواهید که باپیامبر راز گویید پس پیش ازراز گفتن خود نخست خیرات بدهید این کار برای شما بهتر وپاکیزه تراست پس اگر نیافتید هرآئینه خداآمرزگار مهربانست [۷] (۱۲). آیاترسیدید ازآنکه پیش از رازگفتن خود خیرات دهید پس چون نکردید و خدا ازشما درگذشت پس نمازرا برپادارید وزکوٰة را بدهید وخدا ورسول اورا فرمانبرداری کنید وخدا به آنچه میکنید خبردارست (۱۳). آیا آنان را که دوستی کردند باقومی که خدا برایشان [۸] غضب کرده است ندیدی این منافقان ازشما نیستند ونه ازیهود وسوگند میخورند به دروغ درحالیکه ایشان میدانند (۱٤). خدابرای ایشان عذابی سخت آماده ساخته است هرآئینه بداست آنچه میکردند (۱۵). سوگندهای خودرا سِپَر گرفته اند پس مردم را ازراه خدا بازداشتند پس برای ایشان عذاب خوار کننده است (۱٦). اموال ایشان ونه فرزندان ایشان هرگز آنهارا از عذاب خدا باز نخواهد داشت این جماعت اهل دوزخ اند، ایشان درآنجاجاویدان باشند (۱۷). روزیکه خدا همگی ایشانرا برانگیزد پس سوگند میخورند بحضور اوچنانکه بحضور شما سوگند میخورند ومی پندارند که ایشان برچیزی هستند آگاه‌شوهرآئینه ایشانند دروغگویان (۱۸). شیطان برایشان غالب آمده است پس ازخاطر ایشان یاد خدارا برده است این جماعت لشکر شیطان‌اند آگاه شو همانا لشکر شیطان ایشانند زیان کاران (۱۹). هرآئینه آنانکه باخداورسول او مخالفت میکنند این جماعت درجملهٔ خوارترین مردم‌اند (۲۰). خدا حکم کرد که البته من و پیامبران من غالب شویم هرآئینه خدا توانای غالب است (۲۱).

(۷) مترجم گوید این حکم منسوخ است بآیتی که می آید والله اعلم.

(۸) یعنی منافقان بایهود دوستی کردند والله اعلم.

لَّا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ يُوَآدُّونَ مَنْ حَآدَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَوْ كَانُوٓا۟ ءَابَآءَهُمْ أَوْ أَبْنَآءَهُمْ أَوْ إِخْوَٰنَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ كَتَبَ فِى قُلُوبِهِمُ ٱلْإِيمَٰنَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ ۖ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا ۚ رَضِىَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا۟ عَنْهُ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ حِزْبُ ٱللَّهِ ۚ أَلَآ إِنَّ حِزْبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ﴿٢٢﴾

سُورَةُ الحَشْرِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۖ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿١﴾ هُوَ ٱلَّذِىٓ أَخْرَجَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ مِن دِيَٰرِهِمْ لِأَوَّلِ ٱلْحَشْرِ ۚ مَا ظَنَنتُمْ أَن يَخْرُجُوا۟ ۖ وَظَنُّوٓا۟ أَنَّهُم مَّانِعَتُهُمْ حُصُونُهُم مِّنَ ٱللَّهِ فَأَتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا۟ ۖ وَقَذَفَ فِى قُلُوبِهِمُ ٱلرُّعْبَ ۚ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُم بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِى ٱلْمُؤْمِنِينَ فَٱعْتَبِرُوا۟ يَٰٓأُو۟لِى ٱلْأَبْصَٰرِ ﴿٢﴾ وَلَوْلَآ أَن كَتَبَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمُ ٱلْجَلَآءَ لَعَذَّبَهُمْ فِى ٱلدُّنْيَا ۖ وَلَهُمْ فِى ٱلْءَاخِرَةِ عَذَابُ ٱلنَّارِ ﴿٣﴾

نخواهی یافت قومی را که بخدا وروز آخرت ایمان دارند باین صفت که دوستی کنند باکسیکه باخداورسول او خلاف کرده است واگرچه آن جماعت پدران ایشان یاپسران ایشان یابرادرانِ ایشان یا خویشاوندانِ ایشان باشند آن مومنان که باکافران دوستی ندارند خدادردل های ایشان ایمان را نوشته است و ایشان را بفیضِ غیبی ازجانب خود قوت داده است و ایشان را به بوستان ها یی که زیرآن جویها جاری است درآورد، درآنجا جاویدان اند خداازایشان خوشنود شد وایشان ازخدا خوشنود شدند ایشانند لشکر خدا آگاه شوید هرآئینه لشکر خدا همانان رستگاران اند (۲۲).

سوره حشر مدنی است وآن بیست وچهار آیه وسه رکوع است
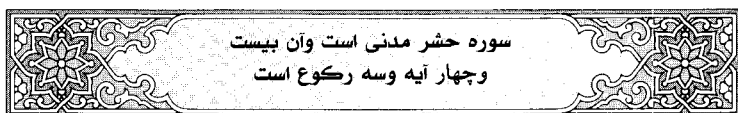
بنام خدای بخشاینده مهربان.

[۱]به پاکی یاد کرد خدای را آنچه در آسمان ها وآنچه درزمین است واوست غالب باحکمت (۱). اوست آنکه آنان را که کافرشدند ازاهل کتاب از خانه های ایشان در اوّل جمع کردن لشکر بیرون راند، گمان نداشتید شما ای مسلمانان که بیرون روند وآن کافران گمان میکردند که قلعه‌های ایشان نگاه دارندهٔ ایشان ازعقوبتِ خدا باشد پس عقوبتِ خدا ازآن جا یی برایشان آمدکه گمان نمی کردند و دردل‌های ایشان ترس را افکند که خانه‌های خودرا بدست‌های خویش وبدست‌های مسلمانان خراب میکردند پس ای صاحبانِ بصیرت عبرت گیرید (۲). واگر آن نبود که خدا جلاوطنی را برایشان نوشت هرآئینه ایشانرا دردنیا [۲]عقوبت میکرد وایشان را درآخرت عذابِ آتش است (۳).

---

(۱) مترجم گوید که آن حضرت صلی الله علیه وسلم چون به مدینه آمدند بابنی نضیر صلح کردند وایشان بسبب شقاوت ازلی سعی عداوت آنحضرت صلی الله علیه وسلم پیش گرفتند آنحضرت صلی الله علیه وسلم اراده فرمود که آن جماعت را جلاوطن فرماید منافقان آن ملعونان را پیغام فرستادند که شما قتال کنید ودر جنگ استواری ورزید که مارفیق شماایم خدای تعالی برخلاف اراده منافقان دراول جمع کردن لشکر بریهودالقا رُعب فرمودتاعاجز آمدند وجلاوطنی اختیار کردند وسخن اهلِ نفاق را نشنیدند وبقتال وتکرار جمع رجال اتفاق نیفتادواموال ایشان فَئ شدوفئ آنراگویند که بغیر قتال بدست مسلمانان افتد خدای تعالی منت بر مسلمانان نهادحکم فَئ بیان فرمود وازارادهٔ منافقان خبر داد والله اعلم.

(۲) بنوعی دیگر والله اعلم.

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَآقُّوا۟ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ ۖ وَمَن يُشَآقِّ ٱللَّهَ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ
ٱلْعِقَابِ ﴿٤﴾ مَا قَطَعْتُم مِّن لِّينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَآئِمَةً عَلَىٰٓ
أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ ٱللَّهِ وَلِيُخْزِىَ ٱلْفَٰسِقِينَ ﴿٥﴾ وَمَآ أَفَآءَ ٱللَّهُ
عَلَىٰ رَسُولِهِۦ مِنْهُمْ فَمَآ أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ
وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُۥ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ ۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ
قَدِيرٌ ﴿٦﴾ مَّآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ مِنْ أَهْلِ ٱلْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ
وَلِذِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَٰمَىٰ وَٱلْمَسَٰكِينِ وَٱبْنِ ٱلسَّبِيلِ كَىْ لَا يَكُونَ
دُولَةًۢ بَيْنَ ٱلْأَغْنِيَآءِ مِنكُمْ ۚ وَمَآ ءَاتَىٰكُمُ ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ
وَمَا نَهَىٰكُمْ عَنْهُ فَٱنتَهُوا۟ ۚ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ۖ إِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ
﴿٧﴾ لِلْفُقَرَآءِ ٱلْمُهَٰجِرِينَ ٱلَّذِينَ أُخْرِجُوا۟ مِن دِيَٰرِهِمْ وَأَمْوَٰلِهِمْ
يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضْوَٰنًا وَيَنصُرُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ ۚ
أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّٰدِقُونَ ﴿٨﴾ وَٱلَّذِينَ تَبَوَّءُو ٱلدَّارَ وَٱلْإِيمَٰنَ مِن
قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِى صُدُورِهِمْ
حَاجَةً مِّمَّآ أُوتُوا۟ وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ ۚ
وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِۦ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ﴿٩﴾

این عذاب بسبب آنست که ایشان باخداورسول او مخالفت کردند وهر که باخدا مخالفت کند پس هرآئینه خداسخت عقوبت است (٤). آنچه ازدرختِ خرما بریدید یا آن را ایستاده بربیخ و ریشه‌های آن گذاشتید پس به فرمان خدابود وتا بدکاران را خوار کند [۳] (٥). وآنچه خدابر پیامبر خود ازاموال (بنی نضیر) عائد گردانید پس شما برآن اسپان و شتران را نتاخته بودید ولیکن خدا پیامبران خودرا برهرکه خواهد غالب میگرداند وخدا برهرچیز تواناست (٦). آنچه خدا برپیامبر خود ازاموال ساکنان قریه‌ها عائد گردانید پس برای خدا وپیامبر وخویشاوندان [٤] ویتیمان وفقیران وراه گذراست (بیان فرمودیم) تا آن دستگردان درمیان توانگران شما نباشد وهرچه پیامبر شمارا بدهد آن را بگیرید وهرچه شمارا ازان منع کند بازایستید وازخدا بترسید هرآئینه خداسخت عقوبت است (٧). آن فَیٔ برای فقیران هجرت کننده است آنانکه ایشان ازخانه هایشان و اموالِ ایشان بیرون کرده شدند از پروردگار خویش نعمت وخوشنودی را می طلبند وخدا وپیامبررا نصرت میدهند این جماعت همان راست گویان هستند (٨). ونیز آنان که جای گرفتند بدارالاسلام [٥] وجای پیداکردند درایمان پیش از مهاجران دوست میدارند هرکه هجرت میکند به سوی ایشان ونمی یابند درخاطرِ خود دغدغه ازطرف آنچه داده شد مهاجران را ودیگران را برخویشتن ترجیح میدهند و اگرچه ایشانرا احتیاج باشد وهرکه نگاهداشته شدازحرصِ نفسِ خویش پس آنجماعت ایشان رستگارانند (٩).

---

(۳) یعنی قطع درخت میوه دار وقت جهاد جائز است وترك آن نیز جائز والله اعلم.

(٤) یعنی خویشاوندان پیامبررا.

(٥) یعنی به مدینه.

وَالَّذِينَ جَاءُو مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا
الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ
آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٠﴾ ۞ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ
نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا
وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ
﴿١١﴾ لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ
وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُوَلُّنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنْصَرُونَ ﴿١٢﴾ لَأَنْتُمْ
أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ
لَا يَفْقَهُونَ ﴿١٣﴾ لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرًى مُحَصَّنَةٍ
أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ ۚ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ ۚ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا
وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٤﴾ كَمَثَلِ
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ۖ ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ
أَلِيمٌ ﴿١٥﴾ كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا
كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾

وکسانی که بعد مهاجران و انصار آمدند می‌گویند ای پروردگار ما مارا و برادران مارا که به ایمان آوردن برما سبقت کردند بیامرز ودردل های ما هیچ کینه نسبت به آنانکه ایمان آورده اند قرارمَدِه ای پروردگار ما هرآئینه تو بخشاینده ٔ مهربانی [٦] (١٠). آیاندیدی آنان راکه منافق شدند میگویند آن برادرانِ خودرا که کافرند ازاهل کتاب اگر بیرون کرده شوید البته ما نیز همراه شما بیرون شویم و فرمان هیچکس را هرگز در حق شما قبول نمی کنیم و اگرجنگ کرده شودبا شما البته شمارا نصرت دهیم وخداگواهی میدهد که ایشان دروغگویانند (١١). اگر بیرون کرده شوند همراه ایشان (منافقان) بیرون نمی روند و اگرجنگ کرده شود با ایشان ایشانرا نصرت ندهند و اگر به فرض ایشانرا نصرت دهند البته پشت های خودرا بعد ازآن بازگردانند سپس ایشانرا مدد کرده نشود (١٢). هرآئینه شمااى مسلمانان دردل‌های ایشان ازخدا بارعب ترید این بسبب آنست که ایشان قومی هستند که نمی فهمند [٧] (١٣). همگی باشما جنگ نمی کنند مگردر ده هائی که برآن حصار ساخته باشند یا ازپشت دیوار، جنگ ایشان درمیان خودشان سخت است ایشان را همدست می پنداری حال آنکه دلهای ایشان پراکنده است این بسبب آنست که ایشان قومی هستند که درنمی یابند [٨] (١٤). داستانِ ایشان مانند داستان آنانست که پیش ازایشان بودند درنزدیکی وبالِ گناهِ خودرا چشیدند و ایشانرا عذاب دردناك است [٩] (١٥). داستانِ منافقان بااهل کتاب مانند داستانِ شیطان است چون آدمی را گفت کافر شوپس چون کافرشد گفت هرآئینه من ازتو بیزارم هرآئینه من ازخداوند پروردگار جهانیان میترسم (١٦).

(٦) مترجم گوید ازین آیت معلوم شد که درفَیء هر مسلمان را حق است پس احوج فالاحوج را (به ترتیب اولویت) باید دادتاآنکه مال فَیء کفایت کند والله اعلم.

(٧) یعنی از عذاب خدا که مؤجل است پرواندارند والله اعلم.

(٨) یعنی بایکدیگر خانه جنگی‌ها دارند مصلحت ایشان یکی نیست والله اعلم.

(٩) یعنی چنانکه اهل بدر مغلوب ومنهزم شدند ایشان نیزمنهزم گشتند والله اعلم.

فَكَانَ عَٰقِبَتَهُمَآ أَنَّهُمَا فِي ٱلنَّارِ خَٰلِدَيۡنِ فِيهَاۚ وَذَٰلِكَ جَزَٰٓؤُاْ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلۡتَنظُرۡ نَفۡسٞ مَّا قَدَّمَتۡ لِغَدٖۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ﴿١٨﴾ وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ نَسُواْ ٱللَّهَ فَأَنسَىٰهُمۡ أَنفُسَهُمۡۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ﴿١٩﴾ لَا يَسۡتَوِيٓ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ وَأَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِۚ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِ هُمُ ٱلۡفَآئِزُونَ ﴿٢٠﴾ لَوۡ أَنزَلۡنَا هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ عَلَىٰ جَبَلٖ لَّرَأَيۡتَهُۥ خَٰشِعٗا مُّتَصَدِّعٗا مِّنۡ خَشۡيَةِ ٱللَّهِۚ وَتِلۡكَ ٱلۡأَمۡثَٰلُ نَضۡرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾ هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِۖ هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٢٢﴾ هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡقُدُّوسُ ٱلسَّلَٰمُ ٱلۡمُؤۡمِنُ ٱلۡمُهَيۡمِنُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡجَبَّارُ ٱلۡمُتَكَبِّرُۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ﴿٢٣﴾ هُوَ ٱللَّهُ ٱلۡخَٰلِقُ ٱلۡبَارِئُ ٱلۡمُصَوِّرُۖ لَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ يُسَبِّحُ لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿٢٤﴾

سُورَةُ المُمتَحنَةِ

پس عاقبت کاراین شیطان واین آدمی آن شد که ایشان درآتش باشند جاویدان در آن جا، واین جزای ستمکاران است (۱۷). ای مسلمانان ازخدا بترسید وبایدکه هر شخص تأمل کند که چه چیز برای فردا [۱۰] پیش فرستاده است وازخدا بترسید، هرآئینه خدا به آنچه می‌کنید خبرداراست (۱۸). ومباشید مانند آنانکه خدارا فراموش کردند پس خدا تدبیر حالِ ایشانرا ازخاطرِ ایشان فراموش گردانید این جماعت ایشانند بدکاران (۱۹). اهل دوزخ واهل بهشت برابرنیستند اهل بهشت همیشان رستگارانند (۲۰). اگر این قرآن را برکوهی فرود می آوردیم هرآئینه آنرانیایش کرده، پاره پاره ازخوف خدا میدیدی واین داستان‌هارا برای مردمان بیان می‌کنیم تاایشان تأمل کنند (۲۱). اوست آن خدایی که جزاو هیچ معبود برحقی نیست داننده‌ٔ نهان وآشکاراو بخشاینده‌ٔ مهربان است (۲۲). اوست آن خدایی که جزاو هیچ معبود برحقی نیست پادشاهِ نهایت پاك سلامت ازهمه عیب امن دهنده‌ٔ نگاهبانِ غالبِ خود اختیار بزرگوار خدای را پاکی است از آنچه ایشان شریك مقرر میکنند (۲۳). اوست خدای آفریدگار نوپدید آرنده‌ٔ نگارنده، اوراست نامهای نیك، به پاکی یاد میکند اوراهرچه درآسمان ها وزمین است واو غالب باحکمت است (۲٤).

(۱۰) یعنی برای روزقیامت.

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَآءَ تُلْقُونَ
إِلَيْهِم بِٱلْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُواْ بِمَا جَآءَكُم مِّنَ ٱلْحَقِّ يُخْرِجُونَ ٱلرَّسُولَ
وَإِيَّاكُمْ أَن تُؤْمِنُواْ بِٱللَّهِ رَبِّكُمْ إِن كُنتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَٰدًا فِي سَبِيلِي
وَٱبْتِغَآءَ مَرْضَاتِيۚ تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِٱلْمَوَدَّةِ وَأَنَا۠ أَعْلَمُ بِمَآ أَخْفَيْتُمْ
وَمَآ أَعْلَنتُمْۚ وَمَن يَفْعَلْهُ مِنكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ ﴿١﴾ إِن
يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُواْ لَكُمْ أَعْدَآءً وَيَبْسُطُوٓاْ إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم
بِٱلسُّوٓءِ وَوَدُّواْ لَوْ تَكْفُرُونَ ﴿٢﴾ لَن تَنفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُكُمْۚ
يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣﴾ قَدْ كَانَتْ
لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِيٓ إِبْرَٰهِيمَ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ إِذْ قَالُواْ لِقَوْمِهِمْ إِنَّا
بُرَءَٰٓؤُاْ مِنكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا
وَبَيْنَكُمُ ٱلْعَدَٰوَةُ وَٱلْبَغْضَآءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤْمِنُواْ بِٱللَّهِ وَحْدَهُۥٓ إِلَّا قَوْلَ
إِبْرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَآ أَمْلِكُ لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن شَيْءٍۖ
رَّبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ ٱلْمَصِيرُ ﴿٤﴾ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا
فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ وَٱغْفِرْ لَنَا رَبَّنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٥﴾

سوره ممتحنه مکی است وآن سیزده آیه ودو رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

[۱] ای مسلمانان دشمنانِ مرا و دشمنانِ خودرا دوستان مگیرید که با آنهامهربانی کنید وهرآئینه ایشان به آنچه آمده است به شما ازدینِ راست کافرشده اند پیامبر وهمچنین شمارا از وطن بیرون میکنند به علّت آنکه به خدا پروردگارتان ایمان آوردهاید، (آنهارا دوست مگیرید) اگر از سرزمین خود برای جهاد درراه من وبه طلب رضامندی من بیرون آمده اید پنهان به سوی ایشان پیغام دوستی میفرستید حال آنکه من آنچه پنهان میکنید میدانم وآنچه آشکار می‌نمایید وهرکه ازشما این کار را بکند هرآئینه راه هموار را گم کرده است (۱). اگر کافران شمارا بیابند درحقِ شما دشمن باشند وبه سوی شما دستهای خود وزبان های خودرا به اذیت بگشایند ودوست دارند که کافر شوید (۲). شمارا خویشاوندانِ شما ونه فرزندانِ شما روزقیامت سودنخواهند داد، خدادرمیانِ شما فیصله خواهدکرد، وخدا به آنچه میکنید بیناست (۳). هرآئینه هست برای شما الگوی نیك باابراهیم وآنانکه همراه اوبودند چون قوم خودرا گفتند هرآئینه ما ازشما وازآنچه جزخدا می پرستید بیزاریم، کافر شدیم به شما ومیانِ ماومیانِ شما دشمنی وناخوشی همیشه پدید آمد تاوقتیکه به خدای تنها ایمان آورید (شمارا الگوی نیك است باابراهیم) مگر درقول ابراهیم که به پدرش (گفت) که آمرزش طلب خواهم کرد برای تو وازخدا چیزی برای تو نمی‌توانم [۲] ابراهیم گفت ای پروردگارما برتوتوکل کردیم وبه سوی تورجوع نمودیم وبه سوی تست بازگشت (٤). ای پروردگارما ما را زیردستِ کافران قرارمَدِه ای پروردگارما مارا بیامرز هرآئینه تویی غالب باحکمت (٥).

---

(۱) مترجم گوید آنحضرت صلی الله علیه وسلم خواستند که بفتح مکه متوجه شوند ومی خواستند کسی اهل مکه را از قصد آنحضرت مطلع نکند تاناگهان برسرایشان رسند یکی از صحابه بطرف ایشان نامه ای نوشت وبرقصد آنحضرت مطلع ساخت خدای تعالی آنحضرت صلی الله علیه وسلم را اطلاع داد تاآن نامه راازراه باز آوردند وخدای تعالی درباب منع ازدوستیِ کفار این آیات را نازل ساخت.

(۲) یعنی درین قول اقتداء به ابراهیم نبایدکرد واستغفار برای کافر درست نیست والله اعلم.

لَقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِيهِمۡ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ لِّمَن كَانَ يَرۡجُواْ ٱللَّهَ وَٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَۚ
وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ ٦ ۞ عَسَى ٱللَّهُ أَن يَجۡعَلَ بَيۡنَكُمۡ
وَبَيۡنَ ٱلَّذِينَ عَادَيۡتُم مِّنۡهُم مَّوَدَّةٗۚ وَٱللَّهُ قَدِيرٞۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ
٧ لَّا يَنۡهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ لَمۡ يُقَٰتِلُوكُمۡ فِي ٱلدِّينِ وَلَمۡ يُخۡرِجُوكُم
مِّن دِيَٰرِكُمۡ أَن تَبَرُّوهُمۡ وَتُقۡسِطُوٓاْ إِلَيۡهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ
٨ إِنَّمَا يَنۡهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ قَٰتَلُوكُمۡ فِي ٱلدِّينِ وَأَخۡرَجُوكُم مِّن
دِيَٰرِكُمۡ وَظَٰهَرُواْ عَلَىٰٓ إِخۡرَاجِكُمۡ أَن تَوَلَّوۡهُمۡۚ وَمَن يَتَوَلَّهُمۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ
هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٩ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا جَآءَكُمُ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ مُهَٰجِرَٰتٖ
فَٱمۡتَحِنُوهُنَّۖ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِإِيمَٰنِهِنَّۖ فَإِنۡ عَلِمۡتُمُوهُنَّ مُؤۡمِنَٰتٖ فَلَا
تَرۡجِعُوهُنَّ إِلَى ٱلۡكُفَّارِۖ لَا هُنَّ حِلّٞ لَّهُمۡ وَلَا هُمۡ يَحِلُّونَ لَهُنَّۖ وَءَاتُوهُم
مَّآ أَنفَقُواْۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ أَن تَنكِحُوهُنَّ إِذَآ ءَاتَيۡتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّۚ
وَلَا تُمۡسِكُواْ بِعِصَمِ ٱلۡكَوَافِرِ وَسۡـَٔلُواْ مَآ أَنفَقۡتُمۡ وَلۡيَسۡـَٔلُواْ مَآ أَنفَقُواْۚ
ذَٰلِكُمۡ حُكۡمُ ٱللَّهِ يَحۡكُمُ بَيۡنَكُمۡۖ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ١٠ وَإِن فَاتَكُمۡ
شَيۡءٞ مِّنۡ أَزۡوَٰجِكُمۡ إِلَى ٱلۡكُفَّارِ فَعَاقَبۡتُمۡ فَـَٔاتُواْ ٱلَّذِينَ ذَهَبَتۡ
أَزۡوَٰجُهُم مِّثۡلَ مَآ أَنفَقُواْۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِيٓ أَنتُم بِهِۦ مُؤۡمِنُونَ ١١

هرآئینه شمارا به جماعت مذکوره اقتداء نیك هست کسی را ازشماکه ملاقات خدا وروزآخرت را امید دارد وهرکه رویگردان شود پس هرآئینه خدا بی نیاز ستوده کاراست (٦). نزدیك است خدا ازآنکه درمیان شما ودرمیان آنانکه دشمنی داشته ایدبا آنها دوستی [٣] قراردهد وخداتواناست وخداآمرزگار مهربانست (٧). خداشمارا ازمواصلتِ آنانکه جنگ نکرده اند باشما در باره دین وبیرون نکرده اند شمارا ازخانه های شما منع نمیکند ازآنکه به ایشان احسان کنید ودرحقِ ایشان انصاف کنید هرآئینه خدا انصاف کنندگان را دوست میدارد (٨). همانا منع میکند خدا شمارا ازمواصلتِ آنانکه باشمادر دین جنگ کرده اند وشمارا ازخانه هایتان بیرون کرده اند ومعاونتِ دیگران در بیرون کردن شما کرده‌اند منع میکند) ازآنکه باایشان دوستی کنید وهرکه با ایشان دوستی کند پس آن جماعت همیشان ستمکارانند (٩). ای [٤] مسلمانان چون بیایند پیش شما زنانِ مسلمان هجرت کرده پس ایشانرا امتحان کنید [٥] خدا به ایمان ایشان داناتراست پس ا گر ایشان را مسلمان دانید ایشان را به سوی کافران باز نفرستید نه این زنان برای کافران حلال اند ونه آن کافران برای این زنان حلال اند و به شوهران آنچه خرج کردند بدهید [٦] وبرشما گناه نیست که به ایشان نکاح کنید چون مهرایشان را بدهید دست آویز زنانِ نامسلمان را [٧] نگاه ندارید وطلب کنید آنچه شما خرج کردید وباید که مشرکان طلب کنند آنچه خرج کرده اند [٨] اینست حکم خدا میان شما فیصله میکند وخدا دانای باحکمت است (١٠). واگراز دست شما کسی اززنان شما به سوی کافران برود پس غنیمت بدست آوردید پس بدهید آنان را که رفته باشند زنان ایشان مانند آنچه خرج کرده باشند وبترسید ازخدایی که شمااورا باور دارنده اید [٩] (١١).

---

(٣) یعنی ایشان را توفیق اسلام دهد.

(٤) مترجم گوید در صلح حدیبیه بعضی از زنان کفار هجرت کرده بمدینه می آمدندوبعضی از زنان مسلمین مرتد گشته بکفار ملحق میشدند خدای تعالی حکم این جماعت بیان فرمود والله اعلم.

(٥) یعنی قسم دهید ایشان را که به سبب ناخوشیِ شوهران خودیا بسبب عشق مردان دیگرنیامده اند [فقط بخاطر اسلام هجرت کرده اند]. والله اعلم.

(٦) یعنی مهری که شوهران کفار داده بودند بازگردانید والله اعلم.

(٧) یعنی برنکاح زن کافر ادامه نباید داد والله اعلم.

(٨) یعنی اگرزنی مرتد شده بامشرکان ملحق شود مهرِ اوباید طلبید و اگرزنی مسلمان شده هجرت کند مهر او را باید داد والله اعلم.

(٩) مترجم گوید که اگرکفار معاهد باشندوزنی مرتد به ا یشان ملحق گرددازیشان مهر باید طلبید چنا نکه درآیت سابقه معلوم شد اگرکفار حربیان باشنداز غنائمِ اموالِ ایشان شوهر آن مرتده را مهر باید داد، بعد فتح مکه این همه احکام مرتفع شدند نزد این فقیر نسخ این احکام ثابت نشده است پس ا گر مثل حالتیکه درصلح حدیبیه بودباز رودهد ازروی تحقیق برهمین احکام عمل کرده شود والله اعلم.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِذَا جَآءَكَ ٱلْمُؤْمِنَٰتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰٓ أَن لَّا يُشْرِكْنَ بِٱللَّهِ
شَيْـًٔا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَٰدَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ
بِبُهْتَٰنٍ يَفْتَرِينَهُۥ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي
مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَٱسْتَغْفِرْ لَهُنَّ ٱللَّهَ ۖ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ
﴿١٢﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَتَوَلَّوْا۟ قَوْمًا غَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ
يَئِسُوا۟ مِنَ ٱلْـَٔاخِرَةِ كَمَا يَئِسَ ٱلْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَٰبِ ٱلْقُبُورِ ﴿١٣﴾

سُورَةُ الصَّفِّ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلْأَرْضِ ۖ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ
﴿١﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٢﴾
كَبُرَ مَقْتًا عِندَ ٱللَّهِ أَن تَقُولُوا۟ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ
ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِهِۦ صَفًّا كَأَنَّهُم
بُنْيَٰنٌ مَّرْصُوصٌ ﴿٤﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِۦ يَٰقَوْمِ لِمَ
تُؤْذُونَنِي وَقَد تَّعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيْكُمْ ۖ فَلَمَّا زَاغُوٓا۟
أَزَاغَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُمْ ۚ وَٱللَّهُ لَا يَهْدِي ٱلْقَوْمَ ٱلْفَٰسِقِينَ ﴿٥﴾

ای پیامبر چون نزدِ توزنانِ مسلمان بیایند که باتو بیعت کنند باین شرط که باخدا چیزی را شریك مقرر نکنند ودزدی نکنند وزنانکنند واولاد خودرا نکشند وپیش نیارند سخن دروغ که آن را درمیان دستهای خویش ودرمیانِ پاهای خویش بربسته باشند [۱۰] وتورا درکارنیك نافرمانی نکنند پس ازایشان بیعت قبول کن وبرای ایشان ازخدا طلب آمرزش کن هرآئینه خدا آمرزگار مهربانست (۱۲). ای مسلمانان باگروهی که خشم گرفته است خدا برآنها دوستی نکنید آنجماعت از ثواب آخرت ناامیدشده اند چنانکه کافران از اهل گور ناامید شده اند [۱۱] (۱۳).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

خدا را به پاکی یادکرد آنچه درآسمان ها وآنچه درزمین است واوست غالبُ باحکمت (۱). ای مسلمانان چرامی‌گویید آنچه انجام نمی دهید (۲). بسیار ناپسندیده است نزدِ خدا آنکه بگویید چیزی را که نمی کنید [۱] (۳). هرآئینه خدا آنان را که جنگ میکنند درراه خدا صف بَسته دوست میدارد گویاایشان عمارتی هستند محکم به یکدیگر چسپیده (٤). ویادکن چون موسی به قوم خود گفت ای قوم من چرا مرامیرنجانید حال آنکه به یقین می دانید که من به سوی شما فرستادهٔ خدایم پس وقتیکه کجروی کردند خدا دل های ایشان را کج ساخت وخدا قوم بدکاران را هدایت نمی کند (٥).

---

(۱۰) یعنی فرزند کسی را به دیگری منسوب نکنند والله اعلم.

(۱۱) یعنی خدای تعالی حکم بعذاب ایشان کرده است پس هرگز ایمان نیارند وثواب نیابند چنانچه کافران بعدِ مردن برکفر توقع ثواب ندارند والله اعلم.

(۱) یعنی باخداعهد کنید و به وفا نرسانید.

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ٱبْنُ مَرْيَمَ يَٰبَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ إِنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيْكُم مُّصَدِّقًا لِّمَا
بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ ٱلتَّوْرَىٰةِ وَمُبَشِّرًۢا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنۢ بَعْدِي ٱسْمُهُۥٓ أَحْمَدُ ۖ فَلَمَّا
جَآءَهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ قَالُوا۟ هَٰذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٦﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى
ٱللَّهِ ٱلْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَىٰٓ إِلَى ٱلْإِسْلَٰمِ ۚ وَٱللَّهُ لَا يَهْدِي ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ
﴿٧﴾ يُرِيدُونَ لِيُطْفِـُٔوا۟ نُورَ ٱللَّهِ بِأَفْوَٰهِهِمْ وَٱللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِۦ وَلَوْ كَرِهَ
ٱلْكَٰفِرُونَ ﴿٨﴾ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرْسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلْهُدَىٰ وَدِينِ ٱلْحَقِّ لِيُظْهِرَهُۥ
عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْمُشْرِكُونَ ﴿٩﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ
تِجَٰرَةٍ تُنجِيكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿١٠﴾ تُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتُجَٰهِدُونَ
فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمْوَٰلِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ ۚ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١١﴾
يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ وَمَسَٰكِنَ
طَيِّبَةً فِي جَنَّٰتِ عَدْنٍ ۚ ذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ﴿١٢﴾ وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا ۖ نَصْرٌ
مِّنَ ٱللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ ۗ وَبَشِّرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ كُونُوٓا۟
أَنصَارَ ٱللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ٱبْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّـۧنَ مَنْ أَنصَارِيٓ إِلَى ٱللَّهِ ۖ
قَالَ ٱلْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنصَارُ ٱللَّهِ ۖ فَـَٔامَنَت طَّآئِفَةٌ مِّنۢ بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ
وَكَفَرَت طَّآئِفَةٌ ۖ فَأَيَّدْنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا۟ ظَٰهِرِينَ ﴿١٤﴾

ویادکن چون عیسیٰ پسر مریم گفت ای بنی اسرائیل هرآئینه من پیامبر خدا به سوی شما هستم باوردارندهٔ آنچه ازتورات پیشا روی من است وبشارت دهنده به پیامبری که بعد ازمن بیاید نام او احمد باشد پس چون احمد (صلی الله علیه وسلم) با معجزه ها پیش ایشان آمد گفتند این سحر ظاهراست (٦). وکیست ستمگارتر ازکسیکه برخدا دروغ را بربست درحالیکه او به سوی اسلام خوانده می‌شود وخدا گروه ستمگاران را راه نمی نماید (۷). این کافران میخواهند که نورخدارا به دهن های خویش فرونشانند وخداتمام کنندهٔ نور خوداست ا گرچه کافران ناخوش دارند (۸). اوست آنکه پیامبر خودرا به هدایت ودین حق فرستاد تا آن را برهمهٔ ادیان غالب کند اگرچه مشرکان ناخوش دارند (۹). ای مسلمانان آیا شمارا به تجارتی دلالت کنم که شمارا ازعذابِ دردناك برهاند (۱۰). به خدا ورسول او ایمان آورید و درراه خدابااموال وجان های خود جهادکنید این برای شما بهترست اگر بدانید (۱۱). (ا گر این چنین کنید) برای شما گناهان شمارا بیامرزد وشمارا به بوستانهایی که میرود زیر آنها جویها وبه محل‌هایی پاکیزه دربهشت‌های جاودان درآورد اینست پیروزیِ بزرگ (۱۲). و(بدهد) نعمتی دیگر که آنرا دوست میدارید آن نعمت نصرت ازجانب خداوفتح قریب الحصول است ومسلمانان را مژده بده (۱۳). ای مؤمنان نصرت دهندگانِ دین خدا باشید چنانکه عیسیٰ پسر مریم بایارانِ خاص خود گفت کیستند نصرت دهندگانِ من به سوی خدامتوجه شده آن یارانِ خاص گفتند، ماییم نصرت دهندگانِ خدا [۲] پس جمعی از بنی اسرائیل ایمان آوردند وجمعی کافرماندند پس مومنان را بر دشمنانِ ایشان قوت دادیم پس غالب شدند (١٤).

---

(۲) پس در ترویج دین عیسیٰ سعی کردند.

سُورَةُ الجُمُعَةِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ٱلْمَلِكِ ٱلْقُدُّوسِ ٱلْعَزِيزِ
ٱلْحَكِيمِ ﴿١﴾ هُوَ ٱلَّذِى بَعَثَ فِى ٱلْأُمِّيِّۦنَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا۟ عَلَيْهِمْ
ءَايَٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا۟
مِن قَبْلُ لَفِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٢﴾ وَءَاخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا۟ بِهِمْ ۚ
وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٣﴾ ذَٰلِكَ فَضْلُ ٱللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَآءُ ۚ وَٱللَّهُ
ذُو ٱلْفَضْلِ ٱلْعَظِيمِ ﴿٤﴾ مَثَلُ ٱلَّذِينَ حُمِّلُوا۟ ٱلتَّوْرَىٰةَ ثُمَّ لَمْ
يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ ٱلْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًۢا ۚ بِئْسَ مَثَلُ ٱلْقَوْمِ
ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ ۚ وَٱللَّهُ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ
﴿٥﴾ قُلْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ هَادُوٓا۟ إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَآءُ لِلَّهِ مِن
دُونِ ٱلنَّاسِ فَتَمَنَّوُا۟ ٱلْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٦﴾ وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُۥٓ
أَبَدًۢا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ۚ وَٱللَّهُ عَلِيمٌۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٧﴾ قُلْ
إِنَّ ٱلْمَوْتَ ٱلَّذِى تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُۥ مُلَٰقِيكُمْ ۖ ثُمَّ تُرَدُّونَ
إِلَىٰ عَٰلِمِ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

خدارا آنچه درآسمان ها وآنچه درزمین است خداوندِ پادشاهِ نهایت پاك، غالب باحکمت را به پاکی یادمی کند (١). اوست کسی که درمیان ناخواندگان [١] پیامبری از خود ایشان برانگیخت برایشان آیات اورا میخواند وایشان را پاك می کند ایشان را کتاب و دانش می آموزد و هرآئینه ایشان پیش ازین درگمراهیِ ظاهر بودند (٢). ونیز آن پیامبررادرقومی دیگرازبنی آدم که هنوز نپیوسته اندبامسلمانان مبعوث کرد [٢] و اوست غالب باحکمت (٣). این فضل خدا است میدهدش بهرکه خواهد وخدا صاحب فضل بزرگ است (٤). مثال آنانکه تورات برآنان (تکلیف) نهاده شد باز آن را برنداشتند [٣] مانندِ مثال خراست که کتاب هارا حمل می کند بداست داستان قومی که آیات خدارا تکذیب کردند وخدا گروه ستمکاران را راه نمی‌نماید (٥). بگو ای یهودیان اگرگمان دارید که شما دوستان خدایید به جز سایر مردمان پس مرگ را آرزو کنید اگر راستگو هستید (٦). وآنراهرگز آرزو نخواهند کرد بسبب آنچه دست های ایشان پیش فرستاده است وخدا به ستمگاران داناست (٧). بگوهرآئینه مرگی که ازآن می گریزید البته وی به شما می رسد سپس به سوی دانندهٔ نهان وآشکار باز گردانیده خواهید شد پس شمارا به آنچه می‌کردید خبر می‌دهد (٨).

(١) یعنی عرب.
(٢) فارس یعنی سائرِ عجم.
(٣) یعنی به وفق آن عمل نکردند.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَوٰةِ مِن يَوۡمِ ٱلۡجُمُعَةِ فَٱسۡعَوۡاْ إِلَىٰ ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَذَرُواْ ٱلۡبَيۡعَۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ﴿٩﴾ فَإِذَا قُضِيَتِ ٱلصَّلَوٰةُ فَٱنتَشِرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِ ٱللَّهِ وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا لَّعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ﴿١٠﴾ وَإِذَا رَأَوۡاْ تِجَٰرَةً أَوۡ لَهۡوًا ٱنفَضُّوٓاْ إِلَيۡهَا وَتَرَكُوكَ قَآئِمٗاۚ قُلۡ مَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ مِّنَ ٱللَّهۡوِ وَمِنَ ٱلتِّجَٰرَةِۚ وَٱللَّهُ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ﴿١١﴾

سُورَةُ المُنَافِقُونَ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِذَا جَآءَكَ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ قَالُواْ نَشۡهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُۥ وَٱللَّهُ يَشۡهَدُ إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ لَكَٰذِبُونَ ﴿١﴾ ٱتَّخَذُوٓاْ أَيۡمَٰنَهُمۡ جُنَّةٗ فَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۚ إِنَّهُمۡ سَآءَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿٢﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ ءَامَنُواْ ثُمَّ كَفَرُواْ فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ فَهُمۡ لَا يَفۡقَهُونَ ﴿٣﴾ ۞ وَإِذَا رَأَيۡتَهُمۡ تُعۡجِبُكَ أَجۡسَامُهُمۡۖ وَإِن يَقُولُواْ تَسۡمَعۡ لِقَوۡلِهِمۡۖ كَأَنَّهُمۡ خُشُبٞ مُّسَنَّدَةٞۖ يَحۡسَبُونَ كُلَّ صَيۡحَةٍ عَلَيۡهِمۡۚ هُمُ ٱلۡعَدُوُّ فَٱحۡذَرۡهُمۡۚ قَٰتَلَهُمُ ٱللَّهُۖ أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ﴿٤﴾

ربع الحزب ٥٦

ای مؤمنان چون در روز جمعه برای نماز اذان داده شود پس به سوی (عبادت و) یاد خدا بشتابید وخریدوفروش را رهاکنید، اگربدانید این برایتان بهتراست (۹). پس چون نماز تمام کرده شود متفرق شوید در زمین وازفضل خدا طلب کنید وخدارا بسیار یادکنید تا شما رستگار شوید (۱۰). (وآن مسلمانان) چون کاروانی یا بازی را ببینند متفرق شده به سوی آن متوجه میشوند، وتورا ایستاده [٤] رهاکنند بگو آنچه نزدِ خداست ازبازی واز تجارت بهتراست وخدابهترین روزی دهندگانست [٥] (۱۱).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

[١]چون منافقان پیش توبیایند گویند گواهی میدهیم که تو پیامبر خدایی وخدا میداند که تو پیامبر اویی وخدا گواهی میدهد که منافقان دروغ گویند (۱). قسم های خودرا سپرگرفتند پس (مردم) راازراه خدا باز داشتند، هرآئینه بداست آنچه ایشان می کردند (۲). این بسبب آنست که ایشان ایمان آوردند بازکافرشدند پس بردل های ایشان مهر نهاده شد پس ایشان نمی فهمند (۳). وچون ایشان را ببینی بدنها یشان تورا بهشگفتی وادارد و اگربگویند به سخن ایشان گوش بدهی گویاایشان چوبهایی تکیه داده به دیواراند، هرآواز تند را هلاکی برخود می پندارند ایشانند دشمن پس ازایشان بترس ایشانرا خدا لعنت کرد ازکجا گردانیده میشوند (٤).

---

(٤) یعنی در خطبه.

(٥) مترجم گوید این آیت عتاب است بربعضی از اصحاب و اشارت است بآن قصّه که کاروانی ازشام آمددراثناء خطبه ایشان آنرا دیده متفرق شدند ودرخدمت آنحضرت صلی الله علیه وسلم نماندندمگر دوازده شخص که حضرت ابوبکر وعمر ازآنجمله بودند والله اعلم.

(١) مترجم گوید رئیس منافقان در سفری سخنان نفاق انگیزی برزبان آورد آن را شخصی ازانصار به عرض آنحضرت صلی الله علیه وسلم رسانید منافقان بمجلس شریف آمده قسم خوردندکه مرتکب آن کلمات نشده انداین سوره درحکایت آن اقوال وتهدید وتکذیب ایشان نازل شد.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْاْ يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ ٱللَّهِ لَوَّوْاْ رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُم مُّسْتَكْبِرُونَ ٥ سَوَآءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَهُمْ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلْفَٰسِقِينَ ٦ هُمُ ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنفِقُواْ عَلَىٰ مَنْ عِندَ رَسُولِ ٱللَّهِ حَتَّىٰ يَنفَضُّواْ وَلِلَّهِ خَزَآئِنُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَلَٰكِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ ٧ يَقُولُونَ لَئِن رَّجَعْنَآ إِلَى ٱلْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ ٱلْأَعَزُّ مِنْهَا ٱلْأَذَلَّ وَلِلَّهِ ٱلْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِۦ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَٰكِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ٨ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَٰلُكُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُكُمْ عَن ذِكْرِ ٱللَّهِ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ ٩ وَأَنفِقُواْ مِن مَّا رَزَقْنَٰكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِىَ أَحَدَكُمُ ٱلْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَآ أَخَّرْتَنِىٓ إِلَىٰٓ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ١٠ وَلَن يُؤَخِّرَ ٱللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَآءَ أَجَلُهَا وَٱللَّهُ خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ ١١

سُورَةُ التَّغَابُنِ

وچون گفته شود منافقان را بیایید تا پیامبر خدا برای شما طلب آمرزش کند سرهای خودرا می پیچانند وایشان را ببینی که تکبرکنان روی می گردانند (٥). درحق آنان یکسانست که آمرزش طلب کنی برای ایشان یا آمرزش نه طلبی برای ایشان خدا ایشان را نخواهد آمرزید هرآئینه خدا گروه فاسقان را هدایت نمی کند (٦). ایشانند آنان که میگویند (یاران خودرا) برآنانکه نزد رسول خدایند [٢] خرج مکنید تا پراگنده شوند حال آنکه خزانه های آسمانهاوزمین ازآنِ خداست ولیکن منافقان نمی دانند (٧). میگویند اگر به مدینه بازگردیم البته گرامی‌تران فرومایه تران راازمدینه بیرون می کنند [٣] و حال آنکه عزَّت وبزرگی خاص خدا وپیامبراو ومسلمانان است ولیکن منافقان نمیدانند (٨). ای مسلمانان اموالِ شما وهم فرزندانِ شما شمارا از یادِ خدا غافل نگرداند وهرکه چنین (کاری) کند پس آن جماعت ایشانند که زیان کارند (٩). وازآنچه که عطا کرده‌ایم شمارا خرج کنید پیش ازآن که به یکی ازشما مرگ بیاید پس بگوید ای پروردگار من کاش میگذاشتی (سرگذشت) مراتامدتی اندك به تأخیر می‌انداختند تا صدقه می دادم وازصالحان می‌شدم (١٠). وهرگز خدا کسی را چون اجلش فرارسد مهلت نمی‌دهد وخدا به آنچه میکنید خبرداراست (١١).

---

(٢) یعنی برفقرای مهاجرین.

(٣) یعنی توانگرانِ اهلِ نفاق فقراء مسلمین را.

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۖ لَهُ ٱلْمُلْكُ وَلَهُ ٱلْحَمْدُ ۖ
وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾ هُوَ ٱلَّذِى خَلَقَكُمْ فَمِنكُمْ كَافِرٌ وَمِنكُم
مُّؤْمِنٌ ۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢﴾ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ
بِٱلْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ ۖ وَإِلَيْهِ ٱلْمَصِيرُ ﴿٣﴾ يَعْلَمُ
مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ۚ وَٱللَّهُ
عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿٤﴾ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَؤُا۟ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِن قَبْلُ
فَذَاقُوا۟ وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٥﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُۥ كَانَت تَّأْتِيهِمْ
رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ فَقَالُوٓا۟ أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا۟ وَتَوَلَّوا۟ ۚ وَّٱسْتَغْنَى
ٱللَّهُ ۚ وَٱللَّهُ غَنِىٌّ حَمِيدٌ ﴿٦﴾ زَعَمَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ أَن لَّن يُبْعَثُوا۟ ۚ قُلْ بَلَىٰ
وَرَبِّى لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ ۚ وَذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٧﴾
فَـَٔامِنُوا۟ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَٱلنُّورِ ٱلَّذِىٓ أَنزَلْنَا ۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ
﴿٨﴾ يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ ٱلْجَمْعِ ۖ ذَٰلِكَ يَوْمُ ٱلتَّغَابُنِ ۗ وَمَن يُؤْمِنۢ بِٱللَّهِ
وَيَعْمَلْ صَٰلِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّـَٔاتِهِۦ وَيُدْخِلْهُ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن
تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا ۚ ذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ﴿٩﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

آنچه درآسمان ها وآنچه درزمین است خدارا به پاکی یادمیکند پادشاهی، ازآنِ اوست وستایش مخصوص اوست واوبرهمه چیز تواناست (١). اوست آنکه شمارا آفرید پس بعضی ازشما کافر وبعضی ازشما مومن‌اند وخدا به آنچه می کنید بیناست (٢). آسمان ها وزمین رابه تدبیرِ درست آفرید وشمارا صورت بست پس صورتهای شمارا نیك ساخت و باز گشت به سوی اوست (٣). آنچه درآسمان ها وزمین است میداند وآنچه پنهان میدارید وآنچه آشکارمی کنید میداند وخدا به مکنون سینه‌ها داناست (٤). آیا خبرآنانکه پیش ازین کافربودند بشما نیامده است پس نتیجه کار خود را چشیدند وبرای آنان عذابی درد ناك است (٥). این عذاب بسبب آنست که پیش ایشان پیامبران ایشان بامعجزه ها می‌آمدند پس گفتند آیا آدمیان مارا راه نمایند پس کافر شدند ورویگردانیدند وخدابی‌نیازاست وخدا بی نیاز ستوده شده است (٦). کافران پنداشتند که برانگیخته نخواهند شد بگوآری قسم به پروردگار من البته برانگیخته می شوید باز شمارا به آنچه می‌کردید خبرداده شود واین برخداآسان است (٧). پس به خدا ورسول او ونوری که فرو فرستاده ایم ایمان بیآورید [١] وخدا به آنچه می کنید خبرداراست (٨). (خبر داده شودشمارا) وقتیکه در روز قیامت شمارا جمع می کند آنروز روز ظهور زیان بعضی نسبت به بعضی باشد وهرکه ایمان آورد بخداوکارشایسته بکند بدی های اورا ازاو دورکند و به بوستان هایی که می رود زیرآنها جویها داخل می کند جاویدان درآنجا همیشه بمانند اینست پیروزی بزرگ (٩).

(١) یعنی قرآن.

وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَكَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَآ أُو۟لَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ
خَٰلِدِينَ فِيهَا ۖ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ ﴿١٠﴾ مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ
إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۗ وَمَن يُؤْمِنۢ بِٱللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُۥ ۚ وَٱللَّهُ بِكُلِّ
شَىْءٍ عَلِيمٌ ﴿١١﴾ وَأَطِيعُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُوا۟ ٱلرَّسُولَ ۚ فَإِن
تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا ٱلْبَلَٰغُ ٱلْمُبِينُ ﴿١٢﴾ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ
إِلَّا هُوَ ۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُؤْمِنُونَ ﴿١٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِنَّ مِنْ أَزْوَٰجِكُمْ وَأَوْلَٰدِكُمْ عَدُوًّا
لَّكُمْ فَٱحْذَرُوهُمْ ۚ وَإِن تَعْفُوا۟ وَتَصْفَحُوا۟ وَتَغْفِرُوا۟
فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤﴾ إِنَّمَآ أَمْوَٰلُكُمْ وَأَوْلَٰدُكُمْ
فِتْنَةٌ ۚ وَٱللَّهُ عِندَهُۥٓ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٥﴾ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ مَا ٱسْتَطَعْتُمْ
وَٱسْمَعُوا۟ وَأَطِيعُوا۟ وَأَنفِقُوا۟ خَيْرًا لِّأَنفُسِكُمْ ۗ وَمَن يُوقَ
شُحَّ نَفْسِهِۦ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ﴿١٦﴾ إِن تُقْرِضُوا۟
ٱللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَٰعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۚ وَٱللَّهُ شَكُورٌ
حَلِيمٌ ﴿١٧﴾ عَٰلِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿١٨﴾

سُورَةُ الطَّلَاقِ

وآنانکه کافر شدند وآیات مارا تکذیب کردند آن جماعت اهل دوزخ اند جاویدان در آنجا وبدجاییست دورخ (۱۰). نمی رسد هیچ مصیبتی مگر به حکم خداوهرکه بخدا رجوع کند دل اورا هدایت کند وخدا بهرچیز داناست (۱۱). وخدا را فرمانبرداری کنید ورسول را فرمانبرداری کنید پس اگر رویگردان شوید پس جزاین نیست که برپیامبرما پیغام رسانیدن آشکاراست (۱۲). خداآنست که هیچ معبود بر حقی جزاو نیست وبرخدا بایدکه مومنان توکل کنند (۱۳). ای مؤمنان هرآئینه بعضی از همسران شما وبعضی فرزندان شما درحق شما دشمنان اند پس ازایشان بترسید [۲] واگر درگذر کنید وروی بگردانید وبیامرزید پس هرآئینه خدا آمرزگار مهربانست (۱٤). جزاین نیست که اموال شماو فرزندانتان امتحان است وخدا پاداش بزرگ نزِد اوست (۱۵). پس ازخدا آن قدرکه توانید بترسید وسخن بشنوید وفرمانبرداری کنید وخرج کنید برای خودتان بهتر باشد وهرکه ازبخلِ نفسِ خود نگاهداشته شود پس آن جماعت همیشان رستگارانند (۱٦). اگرقرض دهید خدارا، قرضِ نیکو آن را برایتان دوچندان کند وشمارا بیامرزد وخدا قدرشناس بردباراست (۱۷). دانندهٔ پنهان وآشکار غالب باحکمت است (۱۸).

(۲) یعنی آنکه بربخل حمل کنند.

نصف الحزب ٥٦

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُواْ ٱلْعِدَّةَ ۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ رَبَّكُمْ ۖ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنۢ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّآ أَن يَأْتِينَ بِفَٰحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ ۚ وَتِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ ۚ وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ ٱللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُۥ ۚ لَا تَدْرِى لَعَلَّ ٱللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَٰلِكَ أَمْرًا ﴿١﴾ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُواْ ذَوَىْ عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُواْ ٱلشَّهَٰدَةَ لِلَّهِ ۚ ذَٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهِۦ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ ۚ وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يَجْعَل لَّهُۥ مَخْرَجًا ﴿٢﴾ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ۚ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُۥٓ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ بَٰلِغُ أَمْرِهِۦ ۚ قَدْ جَعَلَ ٱللَّهُ لِكُلِّ شَىْءٍ قَدْرًا ﴿٣﴾ وَٱلَّٰٓـِٔى يَئِسْنَ مِنَ ٱلْمَحِيضِ مِن نِّسَآئِكُمْ إِنِ ٱرْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَٰثَةُ أَشْهُرٍ وَٱلَّٰٓـِٔى لَمْ يَحِضْنَ ۚ وَأُوْلَٰتُ ٱلْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَن يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ ۚ وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يَجْعَل لَّهُۥ مِنْ أَمْرِهِۦ يُسْرًا ﴿٤﴾ ذَٰلِكَ أَمْرُ ٱللَّهِ أَنزَلَهُۥٓ إِلَيْكُمْ ۚ وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّـَٔاتِهِۦ وَيُعْظِمْ لَهُۥٓ أَجْرًا ﴿٥﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

ای پیامبر (بگوامت خودرا) چون طلاق دادن زنان را اراده کنید پس ایشانرا دراول عدّه ایشان طلاق دهید [(۱)]. وعدّه را شمار کنید وازخدا پروردگارخویش بترسید ایشان را ازخانه های ایشان بیرون مکنید وباید که ایشان بیرون نروند مگرآنکه کار بی‌حیایی آشکارا بعمل آورند واین حدهامقررکردهٔ خداست وهرکه ازحدهای خدا تجاوز کند پس برنفس خویش ستم کرد تو نمیدانی شاید که خدا بعدازطلاق کاری را [(۲)] بوجود بیاورد (۱). پس چون مطلقات بمیعادخود نزدیك رسند پس ایشان را بوجه پسندیده نگاهدارید یا ازایشان بوجه پسندیده جداشوید ودوکس صاحب تقویٰ راازقوم خود گواه گیرید وشهادت رابرای خدا راست اداکنید این حکم پندداده می شود به آن هرکه به خدا وبه روزآخر مومن باشد وهرکه ازخدا بترسد (خدا) برای او راه نجات فراهم می کند (۲). و اورا ازآنجا که گمان نمی‌کند رزق می دهد وهرکه برخدا توکل کند پس خدا اورا بس است هرآئینه خدا حکمش را به اجرا می‌گذارد هرآئینه خدا هرچیز رابه اندازه ساخته است (۳). وکسانی اززنانتان که ازحیض نا امیدشده‌اند [(۳)] اگر به شبهه افتاده‌اید پس عدّه ایشان سه ماه است وآنانکه بسن حیض نرسیده اند نیز عدّه ایشان سه ماه است وصاحبان حمل عدت ایشان آن است که حمل خود را بنهند وهرکه ازخدا بترسد برای او درکاراو آسانی را پدید آورد (٤). این حکمِ خداست که آن را به سوی شما فرود آورد وهرکه ازخدا بترسد بدیهای او را ازوی دور کند وپاداش زیاده دهد (٥).

---

(۱) یعنی درطهری که نزدیکی نکرده باشید.

(۲) یعنی موافقت پدید آیدو مراجعت کند والله اعلم.

(۳) یعنی ازمطلقات.

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنتُم مِّن وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَآرُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا۟ عَلَيْهِنَّ ۚ وَإِن كُنَّ أُو۟لَٰتِ حَمْلٍ فَأَنفِقُوا۟ عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ ۚ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَـَٔاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ ۖ وَأْتَمِرُوا۟ بَيْنَكُم بِمَعْرُوفٍ ۖ وَإِن تَعَاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُۥٓ أُخْرَىٰ ﴿٦﴾ لِيُنفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِۦ ۖ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُۥ فَلْيُنفِقْ مِمَّآ ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ ۚ لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَآ ءَاتَىٰهَا ۚ سَيَجْعَلُ ٱللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا ﴿٧﴾ وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِۦ فَحَاسَبْنَٰهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَٰهَا عَذَابًا نُّكْرًا ﴿٨﴾ فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَٰقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا ﴿٩﴾ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۖ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ يَٰٓأُو۟لِى ٱلْأَلْبَٰبِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ۚ قَدْ أَنزَلَ ٱللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا ﴿١٠﴾ رَّسُولًا يَتْلُوا۟ عَلَيْكُمْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ مُبَيِّنَٰتٍ لِّيُخْرِجَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ ۚ وَمَن يُؤْمِنۢ بِٱللَّهِ وَيَعْمَلْ صَٰلِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا ۖ قَدْ أَحْسَنَ ٱللَّهُ لَهُۥ رِزْقًا ﴿١١﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَ سَبْعَ سَمَٰوَٰتٍ وَمِنَ ٱلْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ ٱلْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ ٱللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَىْءٍ عِلْمًۢا ﴿١٢﴾

زنان مطلقه را جایی که شماسکونت دارید به اندازه طاقت خود ساکن کنید وایشان را ایذا مرسانید تا برایشان تنگ گیرید و اگرباشند صاحبانِ حمل پس برایشان انفاق کنید تاآنکه حمل خود را بنهند پس اگرشیر دهند بفرمان شما پس مزد ایشان را بدهید وبایکدیگر درمیان خویش بوجه پسندیده کارفرمایی کنید و اگر مضایقه کردید به فرموده ٔ او زنی دیگر شیرخواهد داد (٦). بایدکه خرج کند صاحب وسعت ازوسعتِ خود وآنکه رزق بروی تنگ کرده شد پس باید که او خرج کند ازآنچه خدا اورا، عطا کرده است، خدا هیچ کس را تکلیف نمی کند مگر بحسب آنچه اورا داده است خدابعد ازتنگ دستی آسایش را پدید خواهد آورد (۷). وبَسا قریه که ازفرمان پروردگار خویش وازفرمان پیامبران او تجاوز کرد پس حساب کردیم به او حسابی سخت وعقوبت کردیم اورا عقوبتی دشوار (۸). پس سزای عمل خود را چشید وسرانجام کاراو زیان کاری بود (۹). خدای تعالی برای ایشان عذاب سخت را مهیا کرده است پس ای صاحبان خرد ازخدا بترسید ای مسلمانان هرآئینه خدا به سوی شما کتابی فرود آورده است (۱۰). (فرستاده‌است) پیامبری را که برشما آیاتِ خدا را واضح آمده میخواند تا آنان را که ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته کرده‌اند ازتاریکی ها به سوی روشنی برآورد وهرکه بخدا ایمان آورد و کارشایسته بکند درآوردش به بوستان‌هایی که میرود زیر آنها جویها همیشه درآنجا جاویدان به راستی خدا رزق وروزی اورانیك گردانیده است (۱۱). خداآنست که هفت آسمان را آفرید و (آفرید) زمین را (نیزا) مانند آنها، تدبیرِ کاردرمیان آسمانهاوزمین پیوسته فرودمی آید تابدانید که خدابر همه چیز تواناست ونیز بدانید که خدا هرچیز را باعتبار علم احاطه کرده است (۱۲).

سُورَةُ التَّحْرِيمِ

ثلاثة أرباع الحزب ٥٦

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَآ أَحَلَّ ٱللَّهُ لَكَۖ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَٰجِكَۚ وَٱللَّهُ
غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١ قَدْ فَرَضَ ٱللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَٰنِكُمْۚ وَٱللَّهُ مَوْلَىٰكُمْۖ وَهُوَ
ٱلْعَلِيمُ ٱلْحَكِيمُ ٢ وَإِذْ أَسَرَّ ٱلنَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَٰجِهِۦ حَدِيثٗا فَلَمَّا
نَبَّأَتْ بِهِۦ وَأَظْهَرَهُ ٱللَّهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُۥ وَأَعْرَضَ عَنۢ بَعْضٖۖ فَلَمَّا
نَبَّأَهَا بِهِۦ قَالَتْ مَنْ أَنۢبَأَكَ هَٰذَاۖ قَالَ نَبَّأَنِيَ ٱلْعَلِيمُ ٱلْخَبِيرُ ٣ إِن
تَتُوبَآ إِلَى ٱللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَاۖ وَإِن تَظَٰهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ
هُوَ مَوْلَىٰهُ وَجِبْرِيلُ وَصَٰلِحُ ٱلْمُؤْمِنِينَۖ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ بَعْدَ ذَٰلِكَ
ظَهِيرٌ ٤ عَسَىٰ رَبُّهُۥٓ إِن طَلَّقَكُنَّ أَن يُبْدِلَهُۥٓ أَزْوَٰجًا خَيْرٗا مِّنكُنَّ
مُسْلِمَٰتٖ مُّؤْمِنَٰتٖ قَٰنِتَٰتٖ تَٰٓئِبَٰتٍ عَٰبِدَٰتٖ سَٰٓئِحَٰتٖ ثَيِّبَٰتٖ
وَأَبْكَارٗا ٥ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قُوٓاْ أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارٗا
وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَٰٓئِكَةٌ غِلَاظٞ شِدَادٞ
لَّا يَعْصُونَ ٱللَّهَ مَآ أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ٦ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ لَا تَعْتَذِرُواْ ٱلْيَوْمَۖ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ٧

بنام خدای بخشاینده مهربان.

[۱]ای پیامبر چراحرام می کنی چیزی را که خدابرای تو حلال ساخته است خوشنودِی زنان خودرا می طلبی وخدا آمرزگار مهربان است (۱). هرآئینه خدابرای شما گشادن سوگندهای شمارا مشروع ساخته است [۲] وخداکارساز شمااست واو دانای باحکمت است (۲). ویادکن چون پیامبر بابعضی همسرانش سخنی را پنهان گفت پس چون آن سخن را افشاء کرد وخدای تعالی پیامبررا برافشای آن سخن مطلع ساخت پیامبر بعض آن سخن را شناسا کرد واز بعض اعراض کرد، پس وقتیکه آن را به افشای راز آن زن خبردار کرد گفت چه کسی تورا به افشای این راز خبرداد، پیامبر فرمود مرا خدای دانای خبرداد (۳). ای دو زن پیامبر [۳] اگر به سوی خدا رجوع کنید (خوش باشد) هرآئینه دل های شما کج شده است و اگرباهم متفق شوید براو (برنجانیدن پیامبر) پس هرآئینه خداکارساز اوست و جبرئیل ومردمان شایسته ازمسلمانان ونیز فرشتگان بعد ازین مددگاراند (٤). اگر پیامبرشمارا طلاق دهد نزدیك است که پروردگاراو به او زنانِ دیگر بهتر ازشما عوض دهد گردن نهادگان باور دارندگان دعاکنندگان توبه نمایندگان عبادت بجاآرندگان روزه دارندگان شوهر دیدگان وشوهر نادیدگان (٥). ای مؤمنان خویشتن راواهل خانهٔ خودرا ازآتشی که هیزم آن مردمان وسنگ ها باشند، نگاهدارید برآن آتش فرشتگانِ درشت خو سخت رو موکل‌اند خدارا درآنچه ایشانرا فرموده است نافرمانی نمی کنند و هرچه ایشانرا حکم میشود انجام می دهند (٦). (آنروزگوییم) ای کافران عذر پیش نیارید امروزجزاین نیست که جزاداده می شویدشما بحسب آنچه میکردید (۷).

---

(۱) مترجم گوید که آنحضرت صلی الله علیه وسلم ماریه قبطیه راسریهٔ خود ساخته وهمسران آنحضرت غیرت کردند آنحضرت صلی الله علیه وسلم برای تسلّی ایشان ماریه را برخود حرام گردانید وآنحضرت سِرّی ازاسرارِ خودبابعض همسران اظهار فرموده در کتمانِ آن مبالغه کردآن زوجه بدیگری اظهار نمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بطریق وحی برافشای آن سر مطلع شدند وبنوعی ازرمزآن قصه درمیان نهادند وعتاب فرمودند خدای تعالی درباب پند ازواج طاهرات وتهدید ایشان این آیات را نازل ساخت والله اعلم.

(۲) یعنی به ادای کفاره.

(۳) یعنی حفصه وعائشة رضی الله عنهما والله اعلم.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ تُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ تَوۡبَةٗ نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمۡ
أَن يُكَفِّرَ عَنكُمۡ سَيِّـَٔاتِكُمۡ وَيُدۡخِلَكُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي
مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ يَوۡمَ لَا يُخۡزِي ٱللَّهُ ٱلنَّبِيَّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
مَعَهُۥۖ نُورُهُمۡ يَسۡعَىٰ بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَبِأَيۡمَٰنِهِمۡ يَقُولُونَ رَبَّنَآ
أَتۡمِمۡ لَنَا نُورَنَا وَٱغۡفِرۡ لَنَآۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٨
يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ جَٰهِدِ ٱلۡكُفَّارَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱغۡلُظۡ عَلَيۡهِمۡۚ
وَمَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ٩ ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا
لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱمۡرَأَتَ نُوحٖ وَٱمۡرَأَتَ لُوطٖۖ كَانَتَا تَحۡتَ
عَبۡدَيۡنِ مِنۡ عِبَادِنَا صَٰلِحَيۡنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمۡ يُغۡنِيَا عَنۡهُمَا
مِنَ ٱللَّهِ شَيۡـٔٗا وَقِيلَ ٱدۡخُلَا ٱلنَّارَ مَعَ ٱلدَّٰخِلِينَ ١٠
وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱمۡرَأَتَ فِرۡعَوۡنَ إِذۡ
قَالَتۡ رَبِّ ٱبۡنِ لِي عِندَكَ بَيۡتٗا فِي ٱلۡجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِن فِرۡعَوۡنَ
وَعَمَلِهِۦ وَنَجِّنِي مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ١١ وَمَرۡيَمَ ٱبۡنَتَ
عِمۡرَٰنَ ٱلَّتِيٓ أَحۡصَنَتۡ فَرۡجَهَا فَنَفَخۡنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا
وَصَدَّقَتۡ بِكَلِمَٰتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِۦ وَكَانَتۡ مِنَ ٱلۡقَٰنِتِينَ ١٢

ای مسلمانان به سوی خدا رجوع کنید رجوع خالص، امیدهست از پروردگارشما که ازشماگناهان شمارا محو کند وشمارا به بوستانها یی که میرود زیرآنها جویها درآورد روزیکه خدا پیامبر وآنان راکه ایمان آورده‌اند همراه او رسوا نکند، نورِایشان پیشِ دستهای ایشان وبجانب های راستِ ایشان میرود میگویند ای پروردگارما برای ما نور مارا تمام دِه ومارابیامرز، هرآئینه تو برهرچیز توانایی (۸). ای پیامبر باکافران وبامنافقان نیز جهاد کن ودرشت شو برایشان وجای ایشان دوزخ است ووی بدجایی است (۹). خدامثالی را برای‌آنانکه کافرشدند زن نوح را و زن لوط را آورد که زیر نکاح دوبندهٔ شایسته از بندگان ما بودند که پس خیانت کردند به آن دوبنده پس ایشان ازآن دو زن چیزی را ازعذاب خدا دفع نکردند وگفته شد هردوتا را درآتش دوزخ با داخل شوندگان داخل شوید (۱۰). وخدامثالی را برای آنانکه ایمان آوردند زن فرعون را آورد چون گفت ای پروردگار من برای من نزدِ خود خانه‌ای دربهشت بناکن ومرا ازفرعون وکاراو نجات دِه ومرا ازقوم ستمگاران نجات دِه (۱۱). ومریم دخترِ عمران را آنکه فرج خودرا نگاهداشت پس در آن روحِ خودرا دمیدیم وسخنان پروردگار خود را وکتاب های‌اورا باورداشت واز فرمانبردارندگان بود [٤] (۱۲).

(٤) یعنی روح حضرت عیسیٰ دررحم مریم درآمد وفرج کنایت است ازرحم.

سُورَةُ المُلْكِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

تَبَٰرَكَ ٱلَّذِى بِيَدِهِ ٱلْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلْمَوْتَ وَٱلْحَيَوٰةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۚ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْغَفُورُ ﴿٢﴾ ٱلَّذِى خَلَقَ سَبْعَ سَمَٰوَٰتٍ طِبَاقًا ۖ مَّا تَرَىٰ فِى خَلْقِ ٱلرَّحْمَٰنِ مِن تَفَٰوُتٍ ۖ فَٱرْجِعِ ٱلْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ ﴿٣﴾ ثُمَّ ٱرْجِعِ ٱلْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنقَلِبْ إِلَيْكَ ٱلْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ ﴿٤﴾ وَلَقَدْ زَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنْيَا بِمَصَٰبِيحَ وَجَعَلْنَٰهَا رُجُومًا لِّلشَّيَٰطِينِ ۖ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ ٱلسَّعِيرِ ﴿٥﴾ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ ۖ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ ﴿٦﴾ إِذَآ أُلْقُوا۟ فِيهَا سَمِعُوا۟ لَهَا شَهِيقًا وَهِىَ تَفُورُ ﴿٧﴾ تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ ٱلْغَيْظِ ۖ كُلَّمَآ أُلْقِىَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَآ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ ﴿٨﴾ قَالُوا۟ بَلَىٰ قَدْ جَآءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ ٱللَّهُ مِن شَىْءٍ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِى ضَلَٰلٍ كَبِيرٍ ﴿٩﴾ وَقَالُوا۟ لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِىٓ أَصْحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ ﴿١٠﴾ فَٱعْتَرَفُوا۟ بِذَنۢبِهِمْ فَسُحْقًا لِّأَصْحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ ﴿١١﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِٱلْغَيْبِ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿١٢﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

بسیار بابرکت است آنخدا که پادشاهی بدست اوست واو برهمه چیز تواناست (۱). آنخدا که موت وحیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یك ازشما درعمل نکوتراست واو غالب آمرزگار است (۲). آنخداکه هفت آسمان را (تودرتو) طبقه طبقه آفرید نبینی ای بیننده درآفرینش خدا هیچ بی ضابطگی پس چشم را باز گردان آیا هیچ شکستگی می‌بینی (۳). پس چشم را دوباره باز گردان تاباز آید چشم به سوی تو خوارشده مانده گشته (٤). وبه راستی که آسمانِ نزدیك را به چراغ ها زینت دادیم وآن چراغ ها را آلاتِ رجم شیاطین گردانیدیم وبرای شیاطین عذاب دوزخ آماده کردیم (٥). وبرای آنانکه به پروردگارخود کافرشدند عذابِ دوزخ است وآن بدجاییست (٦). وقتیکه ایشان در دوزخ افکنده‌شوند آوازی بشنوند مانند آوازخر وآن (دوزخ) جوش میزند (۷). نزدیك است پاره پاره شودازخشم، هرگاه گروهی به دوزخ افکنده شود نگاهبانانِ دوزخ ازآن گروه سوال کنند آیا به سوی شما هیچ پیامبر بیم دهنده نیامده بود (۸). گویند آری به سوی ماترساننده آمده بود پس تکذیب کردیم وگفتیم خداهیچ چیزرا فرودنیاورده است شما جز درگمراهی بزرگ نیستید (۹). وگویند اگرما می‌شنیدیم یا می فهمیدیم درزمرهٔ اهل دوزخ داخل نمی‌شدیم (۱۰). پس به گناه خویش اقرار کردند پس بر اهل دوزخ لعنت باد (۱۱). هرآئینه آنانکه ازپروردگار خویش غایبانه می‌ترسند برای ایشان آمرزش وپاداش بزرگ است (۱۲).

وَأَسِرُّواْ قَوْلَكُمْ أَوِ ٱجْهَرُواْ بِهِۦٓۖ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿١٣﴾ أَلَا
يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلْخَبِيرُ ﴿١٤﴾ هُوَ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ
ذَلُولًا فَٱمْشُواْ فِى مَنَاكِبِهَا وَكُلُواْ مِن رِّزْقِهِۦۖ وَإِلَيْهِ ٱلنُّشُورُ ﴿١٥﴾
ءَأَمِنتُم مَّن فِى ٱلسَّمَآءِ أَن يَخْسِفَ بِكُمُ ٱلْأَرْضَ فَإِذَا هِىَ تَمُورُ ﴿١٦﴾
أَمْ أَمِنتُم مَّن فِى ٱلسَّمَآءِ أَن يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًاۖ فَسَتَعْلَمُونَ
كَيْفَ نَذِيرِ ﴿١٧﴾ وَلَقَدْ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿١٨﴾
أَوَلَمْ يَرَوْاْ إِلَى ٱلطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَٰٓفَّٰتٍ وَيَقْبِضْنَۚ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا
ٱلرَّحْمَٰنُۚ إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَىْءٍۭ بَصِيرٌ ﴿١٩﴾ أَمَّنْ هَٰذَا ٱلَّذِى هُوَ جُندٌ لَّكُمْ
يَنصُرُكُم مِّن دُونِ ٱلرَّحْمَٰنِۚ إِنِ ٱلْكَٰفِرُونَ إِلَّا فِى غُرُورٍ ﴿٢٠﴾ أَمَّنْ هَٰذَا
ٱلَّذِى يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُۥۚ بَل لَّجُّواْ فِى عُتُوٍّ وَنُفُورٍ ﴿٢١﴾ أَفَمَن
يَمْشِى مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِۦٓ أَهْدَىٰٓ أَمَّن يَمْشِى سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَٰطٍ
مُّسْتَقِيمٍ ﴿٢٢﴾ قُلْ هُوَ ٱلَّذِىٓ أَنشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمْعَ وَٱلْأَبْصَٰرَ
وَٱلْأَفْـِٔدَةَۚ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿٢٣﴾ قُلْ هُوَ ٱلَّذِى ذَرَأَكُمْ فِى
ٱلْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلْوَعْدُ إِن كُنتُمْ
صَٰدِقِينَ ﴿٢٥﴾ قُلْ إِنَّمَا ٱلْعِلْمُ عِندَ ٱللَّهِ وَإِنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢٦﴾

وسخن خود را پنهان کنید یاآن را آشکار گویید هرآئینه خدا به آنچه درسینه‌ها باشد داناست (۱۳). آیا کسی که آفرید نمی داند واو باریك بین خبرداراست؟ (۱٤). اوست آنکه زمین را برای شما رام ساخت پس درنواحی آن راه روید وازرزق خدا بخورید وبه سوی اوست برانگیختن (۱٥). آیا ازکسی که درآسمان است ایمن شده‌اید ازآنکه شمارا به زمین فروبرد پس نا گهان زمین می جنبد (۱٦). آیا ازکسی که درآسمان است ایمن شده‌اید ازآنکه برشما بادِ سنگباررا بفرستد پس خواهید دانست ترسانیدن من چگونه است؟ (۱۷). به راستی که آنانکه پیش ازایشان بودند تکذیب کردند پس عقوبت من چگونه شد (۱۸). آیا برفرازشان به پرندگان که (درپروازندو) گاهی بالهای خودراگسترده وگاهی فرومی بنددننگرسته اند! جزخدای رحمان (کسی) آنهارا نگاه نمیدارد هرآئینه اوبهر چیز بیناست (۱۹). آیا کیست آنکه وی برای شما لشکر است شمارا بجز خدا نصرت میدهد کافران جز درفریب نیستند (۲۰). آیاکیست آنکه شمارا روزی دهد اگر خدا رزق خودرا بازگیرد بلکه درسرکشی ورمیدگی محکم پیوسته‌اند (۲۱). آیا کسیکه افتاده برروی خود برود راه یافته تراست یاکسی که راست ایستاده برراه راست میرود [1] (۲۲). بگواوست آنکه شمارا بیافرید وبرای شما شنوایی وچشم‌ها ودل‌ها پدید آورد اندکی شکر می‌کنید (۲۳). بگواوست که شمارا درزمین پراکنده ساخت و به سوی اوبرانگیخته خواهید شد (۲٤). وکافران میگویند وعده چه وقت باشد اگر راستگویید (۲٥). بگو جزاین نیست که علم نزدِ خداست وغیر این نیست که من بیم دهندهٔ آشکارم (۲٦).

(۱) مترجم گوید این مثل است کافرومومن را والله اعلم.

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيٓـَٔتْ وُجُوهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَقِيلَ هَـٰذَا ٱلَّذِى كُنتُم بِهِۦ تَدَّعُونَ ﴿٢٧﴾ قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِىَ ٱللَّهُ وَمَن مَّعِىَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَن يُجِيرُ ٱلْكَـٰفِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٨﴾ قُلْ هُوَ ٱلرَّحْمَـٰنُ ءَامَنَّا بِهِۦ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا ۖ فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِى ضَلَـٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٢٩﴾ قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَآؤُكُمْ غَوْرًا فَمَن يَأْتِيكُم بِمَآءٍ مَّعِينٍۭ ﴿٣٠﴾

سُورَةُ القَلَمِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَـٰنِ ٱلرَّحِيمِ

نٓ ۚ وَٱلْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ﴿١﴾ مَآ أَنتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ ﴿٢﴾ وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ ﴿٣﴾ وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿٤﴾ فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ ﴿٥﴾ بِأَييِّكُمُ ٱلْمَفْتُونُ ﴿٦﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ وَهُوَ أَعْلَمُ بِٱلْمُهْتَدِينَ ﴿٧﴾ فَلَا تُطِعِ ٱلْمُكَذِّبِينَ ﴿٨﴾ وَدُّوا۟ لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ ﴿٩﴾ وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ ﴿١٠﴾ هَمَّازٍ مَّشَّآءٍۭ بِنَمِيمٍ ﴿١١﴾ مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ﴿١٢﴾ عُتُلٍّۭ بَعْدَ ذَٰلِكَ زَنِيمٍ ﴿١٣﴾ أَن كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ ﴿١٤﴾ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَـٰتُنَا قَالَ أَسَـٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿١٥﴾ سَنَسِمُهُۥ عَلَى ٱلْخُرْطُومِ ﴿١٦﴾

ربع الحزب ٥٧

وآنگاه که آن وعده را نزدیك شده ببینند ناخوش کرده شود [٢] روی آنانکه کافرشدند وگفته شود این است آنچه اورا می طلبیدید (۲۷). بگوآیادیدید اگر خدا مرا وآنان راکه همراه من‌اند هلاك کند یا برما رحمت کند (بهرحال) پس که کافران را ازعذاب دردناك نجات دهد (۲۸). بگواوست بخشاینده به اوایمان آوردیم وبروی توکل نمودیم پس خواهید دانست که کیست در گمراهی ظاهر (۲۹). بگو آیا دیدید اگر آب شما فرو رفته شود پس کیست که برای شما آب روان را بیاورد (۳۰).

سوره قلم مکی است وآن پنجاه ودو آیه ودو رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

نَ، قسم بقلم (اعلی) وبه آنچه می نویسند (فرشتگان) (۱). تو به فضل پروردگارت دیوانه نیستی (۲). وهرآئینه تُورا مزد بی نهایت است (۳). وهرآئینه تو برخوی بزرگی هستی (٤). پس خواهی دید وایشان نیز خواهند دید (٥). که به کدام یك ازشما دیوانگی است (٦). هرآئینه پروردگار تو به کسیکه ازراه او گمراه شد داناتراست و اونیز به راه یافتگان داناتراست (۷). پس تکذیب کنندگان را فرمان مبر (۸). آرزوکردند که ملایمت کنی تاایشان نیز ملایمت کنند (۹). وهر بسیار سوگند خورنده محقررا اطاعت مکن (۱۰). (هر) عیب جوی بسخن چینی رونده (۱۱). (هر) بخل کننده به مال تجاوز گرِ گناهگار (۱۲). (هر)سخت روی بعد ازین همه ملحق بقوم نه ازاصل ایشان [١] (۱۳). بسبب آنکه صاحب مال وفرزندان هست (١٤). (تکذیب کرد) چون خوانده شود بروی آیه های ماگوید افسانهٔ پیشینیان است (١٥). بربینی او داغ خواهیم نهاد [٢] (١٦).

(۲) یعنی سیاه کرده شود.

(۱) یعنی سنت خدا آنست که مردم بداصل غالباً متصف باین صفاتِ رذیله باشند.

(۲) کنایت است ازرسوا کردن.

إِنَّا بَلَوْنَٰهُمْ كَمَا بَلَوْنَآ أَصْحَٰبَ ٱلْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا۟ لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ ﴿١٧﴾ وَلَا
يَسْتَثْنُونَ ﴿١٨﴾ فَطَافَ عَلَيْهَا طَآئِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَآئِمُونَ ﴿١٩﴾ فَأَصْبَحَتْ
كَٱلصَّرِيمِ ﴿٢٠﴾ فَتَنَادَوْا۟ مُصْبِحِينَ ﴿٢١﴾ أَنِ ٱغْدُوا۟ عَلَىٰ حَرْثِكُمْ إِن كُنتُمْ
صَٰرِمِينَ ﴿٢٢﴾ فَٱنطَلَقُوا۟ وَهُمْ يَتَخَٰفَتُونَ ﴿٢٣﴾ أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا ٱلْيَوْمَ عَلَيْكُم
مِّسْكِينٌ ﴿٢٤﴾ وَغَدَوْا۟ عَلَىٰ حَرْدٍ قَٰدِرِينَ ﴿٢٥﴾ فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوٓا۟ إِنَّا لَضَآلُّونَ
﴿٢٦﴾ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿٢٧﴾ قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ
﴿٢٨﴾ قَالُوا۟ سُبْحَٰنَ رَبِّنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ﴿٢٩﴾ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ
يَتَلَٰوَمُونَ ﴿٣٠﴾ قَالُوا۟ يَٰوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا طَٰغِينَ ﴿٣١﴾ عَسَىٰ رَبُّنَآ أَن يُبْدِلَنَا
خَيْرًا مِّنْهَآ إِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا رَٰغِبُونَ ﴿٣٢﴾ كَذَٰلِكَ ٱلْعَذَابُ ۖ وَلَعَذَابُ ٱلْءَاخِرَةِ
أَكْبَرُ ۚ لَوْ كَانُوا۟ يَعْلَمُونَ ﴿٣٣﴾ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ﴿٣٤﴾
أَفَنَجْعَلُ ٱلْمُسْلِمِينَ كَٱلْمُجْرِمِينَ ﴿٣٥﴾ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٦﴾ أَمْ لَكُمْ
كِتَٰبٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ﴿٣٧﴾ إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ﴿٣٨﴾ أَمْ لَكُمْ أَيْمَٰنٌ عَلَيْنَا
بَٰلِغَةٌ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ ﴿٣٩﴾ سَلْهُمْ أَيُّهُم بِذَٰلِكَ
زَعِيمٌ ﴿٤٠﴾ أَمْ لَهُمْ شُرَكَآءُ فَلْيَأْتُوا۟ بِشُرَكَآئِهِمْ إِن كَانُوا۟ صَٰدِقِينَ ﴿٤١﴾ يَوْمَ
يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٤٢﴾

هرآئینه ما ایشانرا آزمودیم چنانکه صاحبانِ بوستان را آزموده بودیم چون قسم خوردند که حتماً بوستان را بوقت بامداد درو کنند (۱۷). وانشاء الله نگفتند (۱۸). پس آن بوستان را بلایی از سوی پروردگار تو فراگرفت [۳] وایشان خفته بودند (۱۹). پس مانند زراعت بریده شده شد (۲۰). پس بایکدیگر هنگام صبح آواز دادند (۲۱). که به کشت خود اگر دروکننده اید بامداد روید (۲۲). پس به راه افتادند درحالی که به پنهانی سخن می گفتند (۲۳). این که امروز برشما هیچ فقیری دربوستان داخل نشود (۲٤). وصبح زود توانا (بخاطرمنع بینوایان) به آن (باغ) رسیدند (۲۵). پس آنگاه که آن بوستانرا دیدند گفتند هرآئینه ما راه را گم کرده ایم [٤] (۲٦). نه بلکه ما محروم شدگانیم (۲۷). بهترین ایشان گفت آیا نگفته بودم شمارا که چراتسبیح نمی گویید [٥] (۲۸). گفتند پروردگار خود را به پاکی یادمی‌کنیم هرآئینه ماستمکاربودیم (۲۹). پس روی آوردند بعضی از ایشان بر بعضی دیگر ملامت کنان (۳۰). گفتند ای وای بر ما هرآئینه ما از حدگذشتگان بودیم (۳۱). امیداست که پروردگارما مارا بوستانی بهترازین عوض دهد هرآئینه ما به سوی پروردگار خود توقع دارندگانیم (۳۲). همچنین است عذاب البته عذاب آخرت بزرگ تراست کاش می‌دانستند (۳۳). هرآئینه برای متقیان نزدِ پروردگار ایشان بوستانهای نعمت باشند (۳٤). آیا مسلمانان را مانند گنهگاران گردانیم (۳۵). چیست شمارا چگونه حکم می کنید (۳٦). آیانزد شماکتابی هست که درآن (این مضمون را) تلاوت میکنید (۳۷). که هرآئینه برای شما باشد درآن آنچه راکه اختیار میکنید (۳۸). آیاشمارا برذمه ما عهدهای محکم است که حکم آن تابه قیامت باقی باشد (به این مضمون) که هرآئینه برای شما است آنچه که مقرر می کنید (۳۹). ازمشرکان بپرس کدام یك ازایشان باین امر متعهد است (٤۰). آیا این مشرکان راشریکان هستند پس بایدکه شریکان خودرا بیاورند اگر راستگوهستند (٤۱). روزیکه جامه ازساق برداشته شود وایشان به سوی سجده خوانده شوند پس (سجده) نتوانند (٤۲).

---

(۳) یعنی آتش درگرفت.

(٤) یعنی این بوستان دیگراست بوستان ما نیست.

(٥) یعنی رجوع بخدا کنید.

خَٰشِعَةً أَبْصَٰرُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌۖ وَقَدْ كَانُواْ يُدْعَوْنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ وَهُمْ سَٰلِمُونَ ﴿٤٣﴾ فَذَرْنِي وَمَن يُكَذِّبُ بِهَٰذَا ٱلْحَدِيثِۖ سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٤﴾ وَأُمْلِي لَهُمْۚ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿٤٥﴾ أَمْ تَسْـَٔلُهُمْ أَجْرًا فَهُم مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ ﴿٤٦﴾ أَمْ عِندَهُمُ ٱلْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ﴿٤٧﴾ فَٱصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُن كَصَاحِبِ ٱلْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ ﴿٤٨﴾ لَّوْلَآ أَن تَدَٰرَكَهُۥ نِعْمَةٌ مِّن رَّبِّهِۦ لَنُبِذَ بِٱلْعَرَآءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ ﴿٤٩﴾ فَٱجْتَبَٰهُ رَبُّهُۥ فَجَعَلَهُۥ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٥٠﴾ وَإِن يَكَادُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَٰرِهِمْ لَمَّا سَمِعُواْ ٱلذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُۥ لَمَجْنُونٌ ﴿٥١﴾ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَٰلَمِينَ ﴿٥٢﴾

سُورَةُ الحَاقَّةِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱلْحَآقَّةُ ﴿١﴾ مَا ٱلْحَآقَّةُ ﴿٢﴾ وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا ٱلْحَآقَّةُ ﴿٣﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌۢ بِٱلْقَارِعَةِ ﴿٤﴾ فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُواْ بِٱلطَّاغِيَةِ ﴿٥﴾ وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُواْ بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ﴿٦﴾ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَٰنِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًاۖ فَتَرَى ٱلْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَىٰ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ ﴿٧﴾ فَهَلْ تَرَىٰ لَهُم مِّنۢ بَاقِيَةٍ ﴿٨﴾

نیایش [٦] برچشمهای ایشان ظاهر باشد ایشان را خواری فراگیرد به یقین ایشان به سوی سجده خوانده می شدنددرحالیکه ایشان سلامت بودند (٤٣). پس مرا باکسیکه این سخن را تکذیب میکرد بگذار به تدریج آنان را ازآن راهی که نمیدانند خواهیم گرفت (٤٤). وایشان را مهلت خواهم داد هرآئینه حیلهٔ من محکم است (٤٥). آیا ازین جماعت مزد می طلبی پس ایشان ازتاوان گرانبارند (٤٦). آیانزدِ این جماعت علم غیب است پس ایشان می نویسند (٤٧). پس به انتظار حکم پروردگار خود صبر کن و مانند صاحب ماهی مباش [٧] هنگامی که دعا کرد درحالی که اوپُرازغم شده بود (٤٨). اگر او را رحمتی ازجانب پروردگارش تدارك نمی کرد البته برزمین بی گیاه افگنده میشد واو بدحال بودی [٨] (٤٩). پس پروردگارش اورا برگزید پس او را ازجملهٔ صالحان گردانید (٥٠). وهرآئینه کافران نزدیك اند که تورا به چشم های تیز خود بلغزانند چون قرآن را شنید ند [٩] ومی‌گویند هرآئینه این پیامبر دیوانه است (٥١). وبه حقیقت این قرآن نیست مگر پندی برای جهانیان (٥٢).
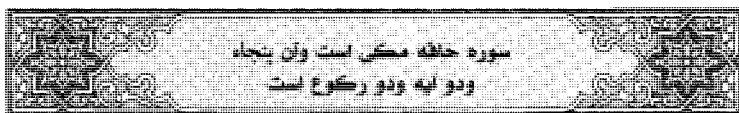
بنام خدای بخشاینده مهربان.

قیامت (١). چیست آن قیامت (٢). وچه چیز تورا خبردارکرد که چیست آن قیامت [١] (٣). قبیله ثمود وعاد قیامت را تکذیب کردند (٤). اماثمود پس ایشان به نعرهٔ تند هلاك کرده شدند (٥). واماعاد پس ایشان به باد سخت ازحد درگذشته هلاك کرده شدند (٦). خدا برگماشت آن باد را برعاد هفت شب وهشت روز نهایت نحس پس ای بیننده آن قوم عاد رادر آن شب ها وروزها به زمین افتاده می بینی گویا ایشان تنه های درختان خرما هستندکه ازکهنگی ازهم پاشیده شده اند (٧). پس آیا ازایشان هیچ اثری می بینی (٨).

(٦) در صحیحین آمده ولفظ حدیث ازبخاری است که أبو سعید خدری رضی الله عنه روایت می کند ازرسول الله صلی الله علیه وسلم که فرمودند روز قیامت ظاهر نماید پروردگار ماساق خودرا پس سجده کنان افتند تمام اهل ایمان ازمرد و زن وسجده نتواند کسیکه دردنیابجهت ریاوسمعه سجده می‌کرد پس کوشش می کند که سجده کند ولی بآن قادر نمیشود زیرا که پشت اویك طبق مثل تخته راست میشود.

(٧) یعنی یونس علیه السلام.

(٨) لیکن رحمت دررسید وبدحال نشد.

(٩) واین کنایه است از شدت عداوت ایشان.

(١) مترجم گوید ظاهر نزدیك بنده آنست که معنی آیت این است: عقوبتِ ثابت چیست آن عقوبتِ ثابت چه چیز مطلع ساخت توراکه ٔچیست آن عقوبتِ ثابت بعد ازآن چند عقوبتِ گذشته رابیان فرمود.

وَجَآءَ فِرْعَوْنُ وَمَن قَبْلَهُۥ وَٱلْمُؤْتَفِكَٰتُ بِٱلْخَاطِئَةِ ﴿٩﴾ فَعَصَوْا۟ رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَّابِيَةً ﴿١٠﴾ إِنَّا لَمَّا طَغَا ٱلْمَآءُ حَمَلْنَٰكُمْ فِى ٱلْجَارِيَةِ ﴿١١﴾ لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَآ أُذُنٌ وَٰعِيَةٌ ﴿١٢﴾ فَإِذَا نُفِخَ فِى ٱلصُّورِ نَفْخَةٌ وَٰحِدَةٌ ﴿١٣﴾ وَحُمِلَتِ ٱلْأَرْضُ وَٱلْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَٰحِدَةً ﴿١٤﴾ فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ ٱلْوَاقِعَةُ ﴿١٥﴾ وَٱنشَقَّتِ ٱلسَّمَآءُ فَهِىَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ ﴿١٦﴾ وَٱلْمَلَكُ عَلَىٰٓ أَرْجَآئِهَا ۚ وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَٰنِيَةٌ ﴿١٧﴾ يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنكُمْ خَافِيَةٌ ﴿١٨﴾ فَأَمَّا مَنْ أُوتِىَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ فَيَقُولُ هَآؤُمُ ٱقْرَءُوا۟ كِتَٰبِيَهْ ﴿١٩﴾ إِنِّى ظَنَنتُ أَنِّى مُلَٰقٍ حِسَابِيَهْ ﴿٢٠﴾ فَهُوَ فِى عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ ﴿٢١﴾ فِى جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿٢٢﴾ قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ ﴿٢٣﴾ كُلُوا۟ وَٱشْرَبُوا۟ هَنِيٓـًٔۢا بِمَآ أَسْلَفْتُمْ فِى ٱلْأَيَّامِ ٱلْخَالِيَةِ ﴿٢٤﴾ وَأَمَّا مَنْ أُوتِىَ كِتَٰبَهُۥ بِشِمَالِهِۦ فَيَقُولُ يَٰلَيْتَنِى لَمْ أُوتَ كِتَٰبِيَهْ ﴿٢٥﴾ وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَهْ ﴿٢٦﴾ يَٰلَيْتَهَا كَانَتِ ٱلْقَاضِيَةَ ﴿٢٧﴾ مَآ أَغْنَىٰ عَنِّى مَالِيَهْ ۜ ﴿٢٨﴾ هَلَكَ عَنِّى سُلْطَٰنِيَهْ ﴿٢٩﴾ خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ ٱلْجَحِيمَ صَلُّوهُ ﴿٣١﴾ ثُمَّ فِى سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَٱسْلُكُوهُ ﴿٣٢﴾ إِنَّهُۥ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ ٱلْعَظِيمِ ﴿٣٣﴾ وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلْمِسْكِينِ ﴿٣٤﴾ فَلَيْسَ لَهُ ٱلْيَوْمَ هَٰهُنَا حَمِيمٌ ﴿٣٥﴾

وفرعون وآنانکه پیش ازوی بودند واهل موتفکات نیزمرتکب گناه شدند (۹). پس فرستادهٔ پرورد گار خود را نافرمانی کردند پس خدا آن جماعت را درگرفت درگرفتن عظیمی (۱۰). هرآئینه ماوقتیکه آب ازحد گذشت شمارا برکشتی روان سوارکردیم (۱۱). تا این امر رابرای شما پندی قرار دهیم ویاد دارد آن راگوش یاد دارنده (۱۲). پس چون درصور دمیده شود یك بار دمیدن (۱۳). وزمین و کوه ها برداشته شود پس کوفته شود آنها یکبار کوفتن (١٤). پس آنروز متحقق شود قیامت (١٥). وآسمان بشگافد پس آنروز آسمان سست شده باشد (١٦). وفرشتگان برکناره های آسمان باشند وتخت پروردگار تورا آنروز هشت فرشته بالای خویش بردارند (۱۷). آنروز پیش آورده شوید ازحال شما هیچ سِرّی پنهان نماند (۱۸). پس اما کسی که نامهٔ اعمال او به دست راست او داده شد پس گوید نامهٔ اعمال مرا بگیرید بخوانید (۱۹). هرآئینه من معتقد بودم که من بحساب خود خواهم رسید (۲۰). پس آن شخص درزندگانی پسندیده ای باشد (۲۱). دربهشتی بلند (۲۲). که میوهٔ آن قریب الحصول است (۲۳). (گفته شود) بخورید وبیاشامیدخوردن وآشامیدن گوارا بسبب آنچه در روزهای گذشته پیش فرستاده بودید (٢٤). واماآنکه داده شد نامهٔ اعمال اوبدست چپش پس گوید ای کاش نامهٔ اعمال من به من داده نمی شد (٢٥). ای کاش نمیدانستم حساب من چیست (٢٦). ای کاش مرگ تمام کنندهٔ کار بود (۲۷). مال من به من هیچ نفع نرساند (۲۸). از من پادشاهی من زایل شد (۲۹). (گفته شود ای فرشتگان) اورا بگیرید پس طوق به گرد نش کنید (۳۰). سپس او رادردوزخ داخل کنید (۳۱). سپس اورا در زنجیری که درازی آن هفتاد گزباشد ببندید (۳۲). هرآئینه این شخص به خدای بزرگ ایمان نمیداشت (۳۳). ومردمان رابرطعام دادن فقیر رغبت نمیداد (٣٤). پس این شخص را امروز اینجاخویشاوندی نیست (٣٥).

وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنۡ غِسۡلِينٖ ﴿٣٦﴾ لَّا يَأۡكُلُهُۥٓ إِلَّا ٱلۡخَٰطِـُٔونَ ﴿٣٧﴾ فَلَآ أُقۡسِمُ
بِمَا تُبۡصِرُونَ ﴿٣٨﴾ وَمَا لَا تُبۡصِرُونَ ﴿٣٩﴾ إِنَّهُۥ لَقَوۡلُ رَسُولٖ كَرِيمٖ ﴿٤٠﴾ وَمَا هُوَ
بِقَوۡلِ شَاعِرٖۚ قَلِيلٗا مَّا تُؤۡمِنُونَ ﴿٤١﴾ وَلَا بِقَوۡلِ كَاهِنٖۚ قَلِيلٗا مَّا تَذَكَّرُونَ
﴿٤٢﴾ تَنزِيلٞ مِّن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٤٣﴾ وَلَوۡ تَقَوَّلَ عَلَيۡنَا بَعۡضَ ٱلۡأَقَاوِيلِ ﴿٤٤﴾
لَأَخَذۡنَا مِنۡهُ بِٱلۡيَمِينِ ﴿٤٥﴾ ثُمَّ لَقَطَعۡنَا مِنۡهُ ٱلۡوَتِينَ ﴿٤٦﴾ فَمَا مِنكُم
مِّنۡ أَحَدٍ عَنۡهُ حَٰجِزِينَ ﴿٤٧﴾ وَإِنَّهُۥ لَتَذۡكِرَةٞ لِّلۡمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾ وَإِنَّا
لَنَعۡلَمُ أَنَّ مِنكُم مُّكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾ وَإِنَّهُۥ لَحَسۡرَةٌ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ
﴿٥٠﴾ وَإِنَّهُۥ لَحَقُّ ٱلۡيَقِينِ ﴿٥١﴾ فَسَبِّحۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلۡعَظِيمِ ﴿٥٢﴾

سُورَةُ المَعَارِج

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

سَأَلَ سَآئِلُۢ بِعَذَابٖ وَاقِعٖ ﴿١﴾ لِّلۡكَٰفِرِينَ لَيۡسَ لَهُۥ دَافِعٞ ﴿٢﴾
مِّنَ ٱللَّهِ ذِي ٱلۡمَعَارِجِ ﴿٣﴾ تَعۡرُجُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَٱلرُّوحُ إِلَيۡهِ
فِي يَوۡمٖ كَانَ مِقۡدَارُهُۥ خَمۡسِينَ أَلۡفَ سَنَةٖ ﴿٤﴾ فَٱصۡبِرۡ صَبۡرٗا جَمِيلًا
﴿٥﴾ إِنَّهُمۡ يَرَوۡنَهُۥ بَعِيدٗا ﴿٦﴾ وَنَرَىٰهُ قَرِيبٗا ﴿٧﴾ يَوۡمَ تَكُونُ ٱلسَّمَآءُ
كَٱلۡمُهۡلِ ﴿٨﴾ وَتَكُونُ ٱلۡجِبَالُ كَٱلۡعِهۡنِ ﴿٩﴾ وَلَا يَسۡـَٔلُ حَمِيمٌ حَمِيمٗا ﴿١٠﴾

و (این شخص را) هیچ طعامی غیر از چرك وخون نیست (٣٦). که جز گناهکاران آنرا نخورند (٣٧). پس قسم میخورم به آنچه می بینید (٣٨). وآنچه نمی بینید (٣٩). هرآئینه این (قرآن) گفتار فرشتهٔ بزرگوار است (٤٠). وآن گفتار شاعری نیست اندکی ایمان می آورید (٤١). وگفتارکاهنی نیست اندکی پند می پذیرید (٤٢). ازجانب پروردگار جهانیان است (٤٣). واگر پیامبربرما بعض سخن هارا افترامی بست (٤٤). هرآئینه ازدست راست اورا می گرفتیم (٤٥). سپس رگ دل اورا می بریدیم [٢] (٤٦). پس هیچکس ازشما ازو دفاع کننده [٣] نیست (٤٧). وهرآئینه قرآن پرهیزگاران را پندی است (٤٨). وهرآئینه مامیدانیم که بعضی از شما تکذیب کننده اید (٤٩). وهرآئینه قرآن برکافران حسرت است (٥٠). وهرآئینه قرآن حقیقت درست است (٥١). پس پروردگار بزرگوار خود را به پاکی یادکن (٥٢).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

طلب کرد طلب کننده عقوبتی فرودآینده (١). برکافران (فرودآینده) اوراهیچ بازدارندهای [١] نیست (٢). (فرودآینده) ازجانب خدا دارای مرتبه هاکه برآن صعود کرده شود (٣). فرشتگان وروح نیز [٢] به سوی خدا درروزی که هست مقدارآن پنجاه هزار سال بالامی روند (٤). پس صبر کن صبر نیك (٥). هرآئینه کافران آن روز را دورمی بینند (٦). ومانزدیك می‌بینیمش (٧). روزی که آسمان مانند مس گداخته شود (٨). وکوه ها مانند پشم رنگین شوند (٩). وهیچ خویشاوند خویشاوند دیگررا نپرسد (١٠).

(٢) مترجم گوید عادت جَلّاد آنست که دست راست اسیر رابدست چپ خود بگیرد وشمشیر بگردن او نهد لهذا باین اسلوب گفته شد.

(٣) یعنی عقوبت مارا.

سوره معارج

(١) یعنی گفتند ﴿مَتَىٰ هَٰذَا ٱلْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ﴾.

(٢) یعنی جبرئیل علیه السلام.

يُبَصَّرُونَهُمْ يَوَدُّ ٱلْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِى مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ ﴿١١﴾ وَصَٰحِبَتِهِۦ وَأَخِيهِ ﴿١٢﴾ وَفَصِيلَتِهِ ٱلَّتِى تُـْٔوِيهِ ﴿١٣﴾ وَمَن فِى ٱلْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنجِيهِ ﴿١٤﴾ كَلَّآ إِنَّهَا لَظَىٰ ﴿١٥﴾ نَزَّاعَةً لِّلشَّوَىٰ ﴿١٦﴾ تَدْعُوا۟ مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٧﴾ وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰٓ ﴿١٨﴾ ۞ إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ خُلِقَ هَلُوعًا ﴿١٩﴾ إِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ جَزُوعًا ﴿٢٠﴾ وَإِذَا مَسَّهُ ٱلْخَيْرُ مَنُوعًا ﴿٢١﴾ إِلَّا ٱلْمُصَلِّينَ ﴿٢٢﴾ ٱلَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَآئِمُونَ ﴿٢٣﴾ وَٱلَّذِينَ فِىٓ أَمْوَٰلِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ ﴿٢٤﴾ لِّلسَّآئِلِ وَٱلْمَحْرُومِ ﴿٢٥﴾ وَٱلَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ ٱلدِّينِ ﴿٢٦﴾ وَٱلَّذِينَ هُم مِّنْ عَذَابِ رَبِّهِم مُّشْفِقُونَ ﴿٢٧﴾ إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ ﴿٢٨﴾ وَٱلَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَٰفِظُونَ ﴿٢٩﴾ إِلَّا عَلَىٰٓ أَزْوَٰجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿٣٠﴾ فَمَنِ ٱبْتَغَىٰ وَرَآءَ ذَٰلِكَ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْعَادُونَ ﴿٣١﴾ وَٱلَّذِينَ هُمْ لِأَمَٰنَٰتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَٰعُونَ ﴿٣٢﴾ وَٱلَّذِينَ هُم بِشَهَٰدَٰتِهِمْ قَآئِمُونَ ﴿٣٣﴾ وَٱلَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٣٤﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ فِى جَنَّٰتٍ مُّكْرَمُونَ ﴿٣٥﴾ فَمَالِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ ﴿٣٦﴾ عَنِ ٱلْيَمِينِ وَعَنِ ٱلشِّمَالِ عِزِينَ ﴿٣٧﴾ أَيَطْمَعُ كُلُّ ٱمْرِئٍ مِّنْهُمْ أَن يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ ﴿٣٨﴾ كَلَّآ إِنَّا خَلَقْنَٰهُم مِّمَّا يَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾ فَلَآ أُقْسِمُ بِرَبِّ ٱلْمَشَٰرِقِ وَٱلْمَغَٰرِبِ إِنَّا لَقَٰدِرُونَ ﴿٤٠﴾

ثلاثة أرباع الحزب ٥٧

وایشان را نزدیکان ایشان به آنها نشان داده شود، گنهگار آرزوکند که از عذاب آنروز فرزندان خودرا به عوض دهد (۱۱). وهمچنین‌زن خودرا وبرادر خودرا (۱۲). ونیز قبیله‌اش را که اورا جای میدهد (۱۳). ونیز همگی هرکه درزمین است تاشاید این عوض دادن اورا نجات دهد (۱٤). هرگز، به تحقیق که دوزخ آتشی است شعله زننده (۱۵). پوست سررابرکشنده است (۱٦). کسی را که اعراض کرد و رویگردان شد میخواند (۱۷). ومال جمع نمود پس نگاهداشت (۱۸). هرآئینه آدمی ناشکیبنده آفریده شده است (۱۹). چون به او مصیبت برسد جزع وفزع کننده است (۲۰). وچون به او رفاهیت برسد بخل نماینده است (۲۱). مگر نماز گزاران (۲۲). آنانکه ایشان برنمازخویش همیشه پایبندند (۲۳). وآنانکه دراموال ایشان قسمتی مقرر هست (۲٤). برای سائل و محروم (۲۵). وآنانکه روز جزاء را باورمیدارند (۲٦). وآنانکه ایشان ازعذاب پروردگارخود ترسند (۲۷). هرآئینه عذاب پروردگارایشان چنان است که ازآن ایمن نتوان شد (۲۸). وآنانکه ایشان اندام نهانی خودرا نگاهدارندگانند (۲۹). مگر برزنان خود یا کنیزکانی که دستهای ایشان مالك آنها شده است پس هرآئینه این فریق ملامت کرده شده نیستند (۳۰). پس هرکه طلب کند غیر از این، پس آن جماعت ایشانند ازحدگذشتگان (۳۱). آنانکه ایشان امانت های خودرا وعهد های خودرا رعایت کنندگانند (۳۲). وآنانکه ایشان به گواهی های خود متعهد شوندگانند (۳۳). وآنانکه ایشان برنمازخودمحافظت کنندگانند (۳٤). این جماعت دربوستان ها اکرام کرده شوند (۳۵). پس چیست کافران را که به سوی توشتابان اند (۳٦). ازجانب راست وازجانب چپ گروه گروه شده (۳۷). آیاطمع میکند هرشخصی ازایشان که به بوستان نعمت داخل کرده شود (۳۸). چنین نیست، هرآئینه ماآفریده ایم ایشانرا ازآنچه میدانند [۳] (۳۹). پس قسم میخورم به پروردگار مشرق ها ومغرب ها که هرآئینه ماتوانائیم (٤۰).

(۳) یعنی ازمنی.

عَلَىٰٓ أَن نُّبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿٤١﴾ فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا۟ وَيَلْعَبُوا۟ حَتَّىٰ يُلَٰقُوا۟ يَوْمَهُمُ ٱلَّذِى يُوعَدُونَ ﴿٤٢﴾ يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ ٱلْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ ﴿٤٣﴾ خَٰشِعَةً أَبْصَٰرُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ۚ ذَٰلِكَ ٱلْيَوْمُ ٱلَّذِى كَانُوا۟ يُوعَدُونَ ﴿٤٤﴾

سُورَةُ نُوحٍ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِنَّآ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِۦٓ أَنْ أَنذِرْ قَوْمَكَ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١﴾ قَالَ يَٰقَوْمِ إِنِّى لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢﴾ أَنِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ وَٱتَّقُوهُ وَأَطِيعُونِ ﴿٣﴾ يَغْفِرْ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ إِنَّ أَجَلَ ٱللَّهِ إِذَا جَآءَ لَا يُؤَخَّرُ ۖ لَوْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّى دَعَوْتُ قَوْمِى لَيْلًا وَنَهَارًا ﴿٥﴾ فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَآءِىٓ إِلَّا فِرَارًا ﴿٦﴾ وَإِنِّى كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوٓا۟ أَصَٰبِعَهُمْ فِىٓ ءَاذَانِهِمْ وَٱسْتَغْشَوْا۟ ثِيَابَهُمْ وَأَصَرُّوا۟ وَٱسْتَكْبَرُوا۟ ٱسْتِكْبَارًا ﴿٧﴾ ثُمَّ إِنِّى دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ﴿٨﴾ ثُمَّ إِنِّىٓ أَعْلَنتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا ﴿٩﴾ فَقُلْتُ ٱسْتَغْفِرُوا۟ رَبَّكُمْ إِنَّهُۥ كَانَ غَفَّارًا ﴿١٠﴾

برآنکه بهترازایشان راجایگزین کنیم وما عاجز نیستیم (۴۱). پس (یا محمد) ایشان را بگذار به بیهودگی درآیند وبازی کنند تاآنکه برخورند بآنروز خود که ایشان را وعده داده میشود (۴۲). روزیکه برآیند ازقبرها شتابان گویاایشان به سوی نشانه میدوند (۴۳). ترس بردیده‌های ایشان ظاهر شده باشد ایشانرا خواری درگیرد اینست آن روزکه ایشان را وعده داده میشد (۴۴).

سوره نوح مکی است وآن بیست وهشت آیه ودو رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

هرآئینه ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که بترسان قوم خودرا پیش ازآنکه بدیشان عقوبتی درد ناك بیاید (۱). گفت ای قوم من هرآئینه من برای شماترساننده ظاهرم (۲). (باین مضمون) که خدارا عبادت کنید وازاو بترسید وازمن اطاعت کنید (۳). تا گناهان شمارا برای شما بیامرزد وشمارا تاوقتی مقرر موقوف دارد هرآئینه وقتِ مقرر کردهٔ خداچون بیاید هرگز آنرا تأخیر داده نشود اگر میدانید (۴). گفت ای پروردگار من هرآئینه من قوم خودرا شب وروز دعوت کردم (۵). پس خواندن من در حق ایشان جز گریختن را زیاده نکرد (۶). وهرآئینه هرگاه که من ایشانرا دعوت کردم تا به ایشان بیامرزی، انگشتان خود را درگوش‌های خویش درآوردند و جامه‌های خویش را بخود پیچیدند وبرکفر مداومت کردند و سرکشی نمودند، سرکشیِ تمام (۷). بازهرآئینه من ایشان را بآواز بلند دعوت کردم (۸). بازهرآئینه من به ایشان آشکارگفتم وپنهان گفتم ایشان را نیز پنهان گفتنی (۹). پس گفتم ازپروردگار خود طلب آمرزش کنید هرآئینه اوهست آمرزنده (۱۰).

يُرْسِلِ ٱلسَّمَآءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا ﴿١١﴾ وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَٰلٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّٰتٍ وَيَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَٰرًا ﴿١٢﴾ مَّا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ﴿١٣﴾ وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ﴿١٤﴾ أَلَمْ تَرَوْا۟ كَيْفَ خَلَقَ ٱللَّهُ سَبْعَ سَمَٰوَٰتٍ طِبَاقًا ﴿١٥﴾ وَجَعَلَ ٱلْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ ٱلشَّمْسَ سِرَاجًا ﴿١٦﴾ وَٱللَّهُ أَنۢبَتَكُم مِّنَ ٱلْأَرْضِ نَبَاتًا ﴿١٧﴾ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ﴿١٨﴾ وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ بِسَاطًا ﴿١٩﴾ لِّتَسْلُكُوا۟ مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا ﴿٢٠﴾ قَالَ نُوحٌ رَّبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِى وَٱتَّبَعُوا۟ مَن لَّمْ يَزِدْهُ مَالُهُۥ وَوَلَدُهُۥٓ إِلَّا خَسَارًا ﴿٢١﴾ وَمَكَرُوا۟ مَكْرًا كُبَّارًا ﴿٢٢﴾ وَقَالُوا۟ لَا تَذَرُنَّ ءَالِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا ﴿٢٣﴾ وَقَدْ أَضَلُّوا۟ كَثِيرًا ۖ وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا ضَلَٰلًا ﴿٢٤﴾ مِّمَّا خَطِيٓـَٰٔتِهِمْ أُغْرِقُوا۟ فَأُدْخِلُوا۟ نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا۟ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ أَنصَارًا ﴿٢٥﴾ وَقَالَ نُوحٌ رَّبِّ لَا تَذَرْ عَلَى ٱلْأَرْضِ مِنَ ٱلْكَٰفِرِينَ دَيَّارًا ﴿٢٦﴾ إِنَّكَ إِن تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا۟ عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوٓا۟ إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا ﴿٢٧﴾ رَّبِّ ٱغْفِرْ لِى وَلِوَٰلِدَىَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيْتِىَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ ۖ وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا تَبَارًۢا ﴿٢٨﴾

تا برشما باران را ریزنده بفرستد (۱۱). وپی درپی شمارا اموال وفرزندان دهد وشمارا بوستان‌ها بدهد وبرای شما جویها پدید آورد (۱۲). چه شده است شمارا که برای خدا بزرگی را معتقد نمی شوید (۱۳). حال آنکه شمارا در مراحل مختلف آفریده است (١٤). آیا ندیدیدچگونه خدا هفت آسمان را (تودرتو) طبقة طبقة آفرید (١٥). و ماه را درمیان اینهافروزنده ساخت و خورشید را چراغ درخشنده ساخت (١٦). وخدا شمارا از زمین رویانید نوعی ازرویانیدن (۱۷). سپس دوباره شمارا به زمین برگرداند ودوباره شمارا بیرون آورد نوعی از بیرون آوردن (۱۸). و خدا برای شما زمین را فرش گسترده ای ساخت (۱۹). تا درآن زمین براه های گشاده بِرَوید (۲۰). گفت نوح ای پروردگار من هرآئینه این جماعت نافرمانی من کردند وپیروی کسی را نمودند که زیاده نکرد در حق وی مال او وفرزند او مگر زیانرا [۱] (۲۱). وحیله کردند رئیسان حیله‌ای عظیم (۲۲). وگفتند هرگز معبودان خود را ترك مکنید وهرگز وَدّ وسواع ویغوث ویعوق ونسررا ترك مکنید [۲] (۲۳). وبه راستی که بسیاری را گمراه کردند وخدایا ستمکاران را بجزگمراهی زیاده مَدِه (٢٤). بسبب گناهان‌شان غرق کرده شدند پس ایشان را به آتش واردکردند پس برای خویش بجز خدا هیچ نصرت دهنده ای نیافتند (٢٥). وگفت نوح ای پروردگارمن برزمین ازکافران هیچ ساکن شونده ای مگذار (٢٦). هرآئینه اگر تو ایشان را بگذاری بندگان تورا گمراه می سازند و بجز بدکار ناسپاس را نزایند (۲۷). ای پروردگارمن مرا وپدرومادر مرا و هر کسی راکه داخل شود بخانه من ایمان آورده وجمیع مؤمنین ومومنات را بیامرز و ستمکاران را جز هلاکت زیاده مده (۲۸).

---

(۱) یعنی برؤسای کفار.
(۲) واین پنج بت بودند.

سُورَةُ الجِنِّ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ ٱسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ ٱلْجِنِّ فَقَالُوٓا۟ إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا ﴿١﴾ يَهْدِيٓ إِلَى ٱلرُّشْدِ فَـَٔامَنَّا بِهِۦ ۖ وَلَن نُّشْرِكَ بِرَبِّنَآ أَحَدًا ﴿٢﴾ وَأَنَّهُۥ تَعَٰلَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا ٱتَّخَذَ صَٰحِبَةً وَلَا وَلَدًا ﴿٣﴾ وَأَنَّهُۥ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى ٱللَّهِ شَطَطًا ﴿٤﴾ وَأَنَّا ظَنَنَّآ أَن لَّن تَقُولَ ٱلْإِنسُ وَٱلْجِنُّ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا ﴿٥﴾ وَأَنَّهُۥ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ ٱلْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ ٱلْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ﴿٦﴾ وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا۟ كَمَا ظَنَنتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ ٱللَّهُ أَحَدًا ﴿٧﴾ وَأَنَّا لَمَسْنَا ٱلسَّمَآءَ فَوَجَدْنَٰهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا ﴿٨﴾ وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَٰعِدَ لِلسَّمْعِ ۖ فَمَن يَسْتَمِعِ ٱلْـَٔانَ يَجِدْ لَهُۥ شِهَابًا رَّصَدًا ﴿٩﴾ وَأَنَّا لَا نَدْرِيٓ أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَن فِي ٱلْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا ﴿١٠﴾ وَأَنَّا مِنَّا ٱلصَّٰلِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَٰلِكَ ۖ كُنَّا طَرَآئِقَ قِدَدًا ﴿١١﴾ وَأَنَّا ظَنَنَّآ أَن لَّن نُّعْجِزَ ٱللَّهَ فِي ٱلْأَرْضِ وَلَن نُّعْجِزَهُۥ هَرَبًا ﴿١٢﴾ وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا ٱلْهُدَىٰٓ ءَامَنَّا بِهِۦ ۖ فَمَن يُؤْمِنۢ بِرَبِّهِۦ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا ﴿١٣﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

[۱] بگو به سوی من وحی فرستاده شد که جماعتی ازجن گوش نهادند پس گفتند هرآئینه ما قرآنی عجیبی شنیدیم (۱). که به سوی راه راست دلالت میکند پس به آن ایمان آوردیم وبا پروردگارخویش هیچ احدی را شریك مقررنخواهیم کرد (۲). وبتحقیق (بیان کردند آن جنیان) که بلند است بزرگی پروردگارما زنی وفرزندی نگرفته است (۳). وآنکه جاهلان ما برخدادروغ را افترا می کرد ند (٤). وآنکه ماپندا شتیم که هرگز بنی آدم وجنیان برخدا سخن دروغ را نگویند (٥). وآنکه مردانی از بنی آدم پناه میگرفتند به مردانی از جن پس درحق آن جنیان سرکشی را [۲] زیاده کردند (٦). و آنکه آدمیان گمان کردند چنانکه شما گمان کردیدکه هرگز خدا هیچ کس را [۳] نفرستد (۷). وآنکه ما دست به آسمان رسانیدیم پس یافتیم که آسمان به پاسبانان محکم وبستاره های فرودآینده پرکرده شده است (۸). وآنکه ما پیش ازین به جایهایی ازآسمان برای شنیدن می‌نشستیم [٤] پس هرکه الآن گوش بنهد برای خودستاره‌ای مهیا ساخته بیابد (۹). وآنکه مانمی‌دانیم آیابلایی اراده کرده شده درحق آنانکه درزمین‌اند یا پروردگار ایشان درحق ایشان خیررا اراده کرده است (۱۰). وآنکه ازماجمعی شایسته کاران اند و جمعی ازما غیراز اینند، وما فرقه های مختلف بودیم (۱۱). وآنکه مادانستیم که هرگز نمی‌توانیم خدا رادرزمین عاجز کنیم واو راازجهت گریختن عاجز کنیم (۱۲). وآنکه چون ما شنیدیم هدایت را به آن ایمان آوردیم پس هرکه ایمان آورد به پروردگار خویش پس او ازهیچ نقصانی وهمچنین ازهیچ ستمی نترسد (۱۳).

---

(۱) مترجم گوید روزیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم نماز صبح را بیرون مکه میخواندند جماعتی ازجن قراءة ایشان را استماع کردند وایمان آوردند خدای تعالی ازایمان ایشان وگفتگوی ایشان باقوم خود درین سوره خبرداد تا قوله: ﴿وَأَلَّوِ ٱسْتَقَٰمُواْ﴾ الآية. والله اعلم.

(۲) اشارت است بآنکه در جاهلیت چون بجایی فرود می آمدند میگفتند اعوذ بسید هذاالوادی من سفهاء قومه.

(۳) یعنی پیامبرنفرستد.

(٤) یعنی برای شنیدن کلام ملائکه.

وَأَنَّا مِنَّا ٱلْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا ٱلْقَٰسِطُونَ ۖ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُو۟لَٰٓئِكَ
تَحَرَّوْا۟ رَشَدًا ﴿١٤﴾ وَأَمَّا ٱلْقَٰسِطُونَ فَكَانُوا۟ لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ﴿١٥﴾
وَأَلَّوِ ٱسْتَقَٰمُوا۟ عَلَى ٱلطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَٰهُم مَّآءً غَدَقًا ﴿١٦﴾ لِّنَفْتِنَهُمْ
فِيهِ ۚ وَمَن يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِۦ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ﴿١٧﴾ وَأَنَّ
ٱلْمَسَٰجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا۟ مَعَ ٱللَّهِ أَحَدًا ﴿١٨﴾ وَأَنَّهُۥ لَمَّا قَامَ عَبْدُ ٱللَّهِ
يَدْعُوهُ كَادُوا۟ يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ﴿١٩﴾ قُلْ إِنَّمَآ أَدْعُوا۟ رَبِّى وَلَآ أُشْرِكُ
بِهِۦٓ أَحَدًا ﴿٢٠﴾ قُلْ إِنِّى لَآ أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ﴿٢١﴾ قُلْ إِنِّى
لَن يُجِيرَنِى مِنَ ٱللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِن دُونِهِۦ مُلْتَحَدًا ﴿٢٢﴾ إِلَّا بَلَٰغًا
مِّنَ ٱللَّهِ وَرِسَٰلَٰتِهِۦ ۚ وَمَن يَعْصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَإِنَّ لَهُۥ نَارَ جَهَنَّمَ
خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا ﴿٢٣﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا رَأَوْا۟ مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ
مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا ﴿٢٤﴾ قُلْ إِنْ أَدْرِىٓ أَقَرِيبٌ مَّا تُوعَدُونَ
أَمْ يَجْعَلُ لَهُۥ رَبِّىٓ أَمَدًا ﴿٢٥﴾ عَٰلِمُ ٱلْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِۦٓ
أَحَدًا ﴿٢٦﴾ إِلَّا مَنِ ٱرْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ فَإِنَّهُۥ يَسْلُكُ مِنۢ بَيْنِ
يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِۦ رَصَدًا ﴿٢٧﴾ لِّيَعْلَمَ أَن قَدْ أَبْلَغُوا۟ رِسَٰلَٰتِ
رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَىْءٍ عَدَدًۢا ﴿٢٨﴾

وآنکه جمعی ازما مسلمانند وجمعی ازما گنهکارانند پس هرکه مسلمان شد پس آن جماعت راه راست را قصد کردند (١٤). واما گنهگاران پس هیزم برای دوزخ باشند (١٥). و (نیز بگویا محمد که وحی فرستاده شده است به سوی من) اینکه بنی آدم اگرراست می ایستادند برراه راست البته ایشانرا آب بسیار مینوشانیدیم (١٦). تا ایشانرا به آن [٥] امتحان کنیم وهرکه اعراض کند ازیاد کردن پروردگار خود او را بعذابی سخت مبتلای کند (١٧). وآنکه مسجد هامخصوص برای خداست پس باخدا هیچکس را عبادت مکنید (١٨). وآنکه چون بندهٔ خدا ایستاد [٦] که خدا را عبادت کند نزدیك بود که جنیان که برآن بنده یکی بردیگرچسپیده شوند [٧] (١٩). بگو جزاین نیست که پروردگارخود را عبادت میکنم وبااوهیچ کس را شریك مقرر نمی کنم (٢٠). بگوهرآئینه من درحق شما توان ضرر رسانیدن ندارم ونمی توانم شمارا به راه راست إلزام کنم (٢١). بگو هرآئینه هیچکس مراازعقوبت خدا پناه ندهد وجزاو هرگز پناهی نیابم (٢٢). ولیکن (بجاآورم) خبر رسانیدن ازجانب خداوتبلیغ پیغامهای او را (انجام دهم) هرکه خدا وپیامبر او را نافرمانی کند پس هرآئینه برای اوست آتش دوزخ درآنجا همیشه جاویدان است (٢٣). (درغفلت خودباشند) تاوقتیکه چون ببینند آنچه ایشانرا وعده داده میشود پس خواهند دانست چه کسی یارانش ضعیف تر وتعدادشان کمتراست (٢٤). بگونمیدانم آیا نزدیك است آنچه شمارا وعده داده میشود یا پروردگارمن برای او میعادیمقرر کند (٢٥). دانندهٔ غیبِ است پس برعلم غیب خود هیچکس را مطلع نمی سازد (٢٦). مگر کسی که اورا به پیامبری برگزید پس هرآئینه خدا پیش دست های وی واز پشت وی فرشتگان نگاهبان را روان میکند (٢٧). تا معلوم بدارد خدا که بتحقیق پیغامهای پروردگار خودرا [٨] رسانیده اند وخدا ازهرجهت برآنچه نزدِ ایشانست احاطه کرده است و هر چیز را ازروی شمار فرا گرفته است (٢٨).

---

(٥) یعنی ارزانی می شدوقحط نمی آمد.
(٦) یعنی محمد صلی الله علیه وسلم.
(٧) یعنی ازحرص براستماع قرآن.
(٨) یعنی تاتبلیغ درخارج متحقق گردد زیرا که علم آن ست والله اعلم.

سُورَةُ المُزَّمِّلِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلْمُزَّمِّلُ ﴿١﴾ قُمِ ٱلَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢﴾ نِّصْفَهُۥٓ أَوِ ٱنقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ﴿٣﴾ أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ ٱلْقُرْءَانَ تَرْتِيلًا ﴿٤﴾ إِنَّا سَنُلْقِى عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا ﴿٥﴾ إِنَّ نَاشِئَةَ ٱلَّيْلِ هِىَ أَشَدُّ وَطْـًٔا وَأَقْوَمُ قِيلًا ﴿٦﴾ إِنَّ لَكَ فِى ٱلنَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ﴿٧﴾ وَٱذْكُرِ ٱسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا ﴿٨﴾ رَّبُّ ٱلْمَشْرِقِ وَٱلْمَغْرِبِ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَٱتَّخِذْهُ وَكِيلًا ﴿٩﴾ وَٱصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَٱهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ﴿١٠﴾ وَذَرْنِى وَٱلْمُكَذِّبِينَ أُو۟لِى ٱلنَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا ﴿١١﴾ إِنَّ لَدَيْنَآ أَنكَالًا وَجَحِيمًا ﴿١٢﴾ وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٣﴾ يَوْمَ تَرْجُفُ ٱلْأَرْضُ وَٱلْجِبَالُ وَكَانَتِ ٱلْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا ﴿١٤﴾ إِنَّآ أَرْسَلْنَآ إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَٰهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَآ أَرْسَلْنَآ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا ﴿١٥﴾ فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ ٱلرَّسُولَ فَأَخَذْنَٰهُ أَخْذًا وَبِيلًا ﴿١٦﴾ فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ ٱلْوِلْدَٰنَ شِيبًا ﴿١٧﴾ ٱلسَّمَآءُ مُنفَطِرٌۢ بِهِۦ كَانَ وَعْدُهُۥ مَفْعُولًا ﴿١٨﴾ إِنَّ هَٰذِهِۦ تَذْكِرَةٌ فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلًا ﴿١٩﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

[١] ایمردجامه برخود پیچده [٢] (١). قیام لیل کن مگراند کی [٣] (٢). قیام نیم شب کن یااندکی ازنیم شب کم کن (٣). یااندکی برنیم شب بیفزا و قرآن را بواضح خواندن ترتیل کن (٤). هرآئینه ما برتوفرمانی دشوارُ [٤] وسنگین نازل خواهیم کرد (٥). هرآئینه قیام شب درموافقت زبان بادل زیاده تراست ودرتلفظ الفاظ درست تراست (٦). هرآئینه تورا در روز شغلی بسیار است (٧). و نام پروردگارخود را یادکن وچنانکه باید روی به سوی او (ازهمه چیز) دل بکَنْ (٨). پروردگارمشرق ومغرب است جزاو هیچ معبودی برحق نیست پس اورا کارساز گیر (٩). وصبر کن برآنچه می گویند وترك کن ایشان را ترك کردنِ نیکو (١٠). ومرا با تکذیب کنندگان صاحبان آسایش بگذار وایشانرا اندکی مهلت دِه (١١). هرآئینه نزدِ ماقیدهای گران وآتش افروخته هست (١٢). وطعام گلوگیر وعذاب درد ناك است (١٣). روزیکه زمین وکوه ها بجنبد وکوه‌هامانند تلِ ریگِ ازهم پاشیده شده شود (١٤). هرآئینه ما به سوی شما پیامبری گواهی دهنده برشما فرستادیم چنانکه به سوی فرعون پیامبری را فرستاده بودیم (١٥). پس فرعون آن پیامبررا نافرمانی کرد پس اورا درگرفتیم درگرفتن سخت (١٦). پس ا گر کافرشوید چگونه درپناه شوید ازروزی که اطفال را پیرگرداند (١٧). آسمان درآن روز شگافته باشد وعدهٔ خداالبته شدنی هست (١٨). هرآئینه این پنداست پس هرکه خواهد به سوی پروردگارخویش راه بگیرد (١٩).

(١) مترجم گوید درابتدای اسلام خدای تعالی قیام لیل برآن حضرت صلی الله علیه وسلم وبر مسلمانان موکد گردانید وچون این معنی برایشان نهایت دشوار آمد بعد یك سال رخصت نازل فرمود ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ﴾ الی آخر السورة تاهرکه خواهد قیام کند وهرکه خواهد نکند وهرقدرکه خواهد بخواند والله أعلم.

(٢) یعنی بسبب هیبت وحی.

(٣) یعنی ا گر شبهانکنی گناه نباشد والله اعلم.

(٤) یعنی دعوت کفار به اسلام.

۞ إِنَّ رَبَّكَ يَعۡلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدۡنَىٰ مِن ثُلُثَيِ ٱلَّيۡلِ وَنِصۡفَهُۥ وَثُلُثَهُۥ وَطَآئِفَةٞ
مِّنَ ٱلَّذِينَ مَعَكَۚ وَٱللَّهُ يُقَدِّرُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَۚ عَلِمَ أَن لَّن تُحۡصُوهُ فَتَابَ
عَلَيۡكُمۡۖ فَٱقۡرَءُواْ مَا تَيَسَّرَ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِۚ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنكُم مَّرۡضَىٰ
وَءَاخَرُونَ يَضۡرِبُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ يَبۡتَغُونَ مِن فَضۡلِ ٱللَّهِ وَءَاخَرُونَ
يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۖ فَٱقۡرَءُواْ مَا تَيَسَّرَ مِنۡهُۚ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ
ٱلزَّكَوٰةَ وَأَقۡرِضُواْ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗاۚ وَمَا تُقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكُم مِّنۡ خَيۡرٖ تَجِدُوهُ
عِندَ ٱللَّهِ هُوَ خَيۡرٗا وَأَعۡظَمَ أَجۡرٗاۚ وَٱسۡتَغۡفِرُواْ ٱللَّهَۖ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمُۢ ٢٠

سُورَةُ المُدَّثِّر

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمُدَّثِّرُ ١ قُمۡ فَأَنذِرۡ ٢ وَرَبَّكَ فَكَبِّرۡ ٣ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرۡ ٤
وَٱلرُّجۡزَ فَٱهۡجُرۡ ٥ وَلَا تَمۡنُن تَسۡتَكۡثِرُ ٦ وَلِرَبِّكَ فَٱصۡبِرۡ ٧ فَإِذَا نُقِرَ
فِي ٱلنَّاقُورِ ٨ فَذَٰلِكَ يَوۡمَئِذٖ يَوۡمٌ عَسِيرٌ ٩ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ غَيۡرُ يَسِيرٖ ١٠
ذَرۡنِي وَمَنۡ خَلَقۡتُ وَحِيدٗا ١١ وَجَعَلۡتُ لَهُۥ مَالٗا مَّمۡدُودٗا ١٢ وَبَنِينَ
شُهُودٗا ١٣ وَمَهَّدتُّ لَهُۥ تَمۡهِيدٗا ١٤ ثُمَّ يَطۡمَعُ أَنۡ أَزِيدَ ١٥ كَلَّآۖ إِنَّهُۥ
كَانَ لِأٓيَٰتِنَا عَنِيدٗا ١٦ سَأُرۡهِقُهُۥ صَعُودًا ١٧ إِنَّهُۥ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ١٨

هرآئینه پروردگارتو میداند که توبرمی‌خیزی نزدیك به دو سوّم شب ونیم شب یك سوّم شب ونیز برمی‌خیزند جماعتی از آنانکه همراه تواند وخدا اندازه میکند شب وروز را، خدا دانست که شما قیام لیل را [٥] احاطه نمی توانید کرد پس (به رحمت) برشما بازگشت پس آنچه راکه میسّر باشدازقرآن بخوانید، دانست خدا که خواهند بود بعضی ازشما بیماران ودیگران که سفر می کنند درزمین ازفضل خدا طلب (روزی) می نمایند ودیگران که کارزار میکنند درراه خدا پس آنچه راکه آسان باشد ازقرآن بخوانید ونمازرا برپادارید وزکوٰت را بدهید وخدا را وام دهید وام دادن نیك [٦] وآنچه پیش میفرستید برای خویشتن ازعمل نیك آنرا نزد خدا بهتر خواهید یافت وبزرگتر باعتبار پاداش وازخدا طلب آمرزش کنید هرآئینه خدا آمرزگار مهربانست [٧] (٢٠).

سوره مدثر مکی است وآن پنجاه وشش آیه ودو رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

ای مردجامه برخود پیچیده [١] (١). برخیز پس بترسان (٢). و پس پروردگار خود را به بزرگی یادکن (٣). وجامهای خود راپاك ساز (٤). وپلیدی را دورکن (٥). ونباید که چیزی بدهی (درعوض) زیاده طلب کنی [٢] (٦). وبرای (حکم) پروردگارخویش پس شکیبایی‌کن (٧). پس وقتیکه در صور دمیده شود (٨). پس آنروز روزی دشوارباشد (٩). بر کافران (وقت) آسان نیست (١٠). مرا باکسیکه آفریدم تنها بگذار (١١). واو را مال فراوان دادم (١٢). وفرزندان به مجالس حاضر شونده (١٣). ووسعت دادم اوراوسعت دادنی (١٤). بازطمع می کند که زیاده دهم (١٥). چنین نیست، هرآئینه او بود بآیات ماستیزنده (١٦). او را به مشقت غیر قابل تحمّل تکلیف خواهم داد (١٧). هرآئینه وی تأمل کرد واندازه مقرر نمود (١٨).

---

(٥) یعنی مواظبت نمیتوانیدکرد.

(٦) یعنی مال را خرج کنید درجهاد به امید ثواب آخرت والله اعلم.

(٧) مترجم گویداین آیت بعد از یك سال نازل شد وآنحضرت صلی الله علیه وسلم را درهمین سوره ملحق کردند بجهت مناسبت و لهذا باسایر سوره دراسلوب نمی‌ماند والله اعلم.

(١) یعنی ازهیبت وحی.

(٢) یعنی هدیه بردن به رئیسی تا وی زیاده ازقیمت هدیه رعایت کند، ازاخلاق رذیله است.

فَقُتِلَ كَيۡفَ قَدَّرَ ١٩ ثُمَّ قُتِلَ كَيۡفَ قَدَّرَ ٢٠ ثُمَّ نَظَرَ ٢١ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ٢٢ ثُمَّ أَدۡبَرَ وَٱسۡتَكۡبَرَ ٢٣ فَقَالَ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ يُؤۡثَرُ ٢٤ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا قَوۡلُ ٱلۡبَشَرِ ٢٥ سَأُصۡلِيهِ سَقَرَ ٢٦ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا سَقَرُ ٢٧ لَا تُبۡقِي وَلَا تَذَرُ ٢٨ لَوَّاحَةٞ لِّلۡبَشَرِ ٢٩ عَلَيۡهَا تِسۡعَةَ عَشَرَ ٣٠ وَمَا جَعَلۡنَآ أَصۡحَٰبَ ٱلنَّارِ إِلَّا مَلَٰٓئِكَةٗۖ وَمَا جَعَلۡنَا عِدَّتَهُمۡ إِلَّا فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ لِيَسۡتَيۡقِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ وَيَزۡدَادَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِيمَٰنٗا وَلَا يَرۡتَابَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَلِيَقُولَ ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ وَٱلۡكَٰفِرُونَ مَاذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلٗاۚ كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُۚ وَمَا يَعۡلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَۚ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكۡرَىٰ لِلۡبَشَرِ ٣١ كَلَّا وَٱلۡقَمَرِ ٣٢ وَٱلَّيۡلِ إِذۡ أَدۡبَرَ ٣٣ وَٱلصُّبۡحِ إِذَآ أَسۡفَرَ ٣٤ إِنَّهَا لَإِحۡدَى ٱلۡكُبَرِ ٣٥ نَذِيرٗا لِّلۡبَشَرِ ٣٦ لِمَن شَآءَ مِنكُمۡ أَن يَتَقَدَّمَ أَوۡ يَتَأَخَّرَ ٣٧ كُلُّ نَفۡسِۭ بِمَا كَسَبَتۡ رَهِينَةٌ ٣٨ إِلَّآ أَصۡحَٰبَ ٱلۡيَمِينِ ٣٩ فِي جَنَّٰتٖ يَتَسَآءَلُونَ ٤٠ عَنِ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ٤١ مَا سَلَكَكُمۡ فِي سَقَرَ ٤٢ قَالُواْ لَمۡ نَكُ مِنَ ٱلۡمُصَلِّينَ ٤٣ وَلَمۡ نَكُ نُطۡعِمُ ٱلۡمِسۡكِينَ ٤٤ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ ٱلۡخَآئِضِينَ ٤٥ وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوۡمِ ٱلدِّينِ ٤٦ حَتَّىٰٓ أَتَىٰنَا ٱلۡيَقِينُ ٤٧

پس اورا لعنت باد، چگونه اندازه کرد (۱۹). باردگر براو لعنت باد چگونه اندازه کرد (۲۰). بازدرنگریست (۲۱). باز روترش کرد وپیشانی درهم کشید (۲۲). بازپشت گردانیدو تکبر کرد [۳] (۲۳). پس گفت نیست قرآن مگرجادویی که ازساحران نقل کرده میشود (۲٤). نیست این قرآن مگر کلام آدمی (۲۵). اورا به دوزخ درخواهم آورد (۲٦). وتوچه می دانی که چیست دوزخ؟ (۲۷). باقی نمی گذارد وترك نمی کند (۲۸). آدمیان را سوزنده است (۲۹). بردوزخ نوزده کَس گماشته اند [٤] (۳۰). ونساختیم ماموران دوزخ را مگر فرشتگان وشمارِایشان را نساخته ایم مگر بلا درحقِ کافران تا اهل کتاب یقین کنند وتا مسلمانان درایمان خود افزوني یابند وتا اهل کتاب ومسلمانان شك نکنند وتا آنانکه دردل های ایشان بیماریست وکافران بگویند خدا چه چیز اراده کرده است باین داستان همچنین گمراه می کند خدا هر که را خواهد وهدایت می نماید هر که را بخواهد ولشکرهای پروردگار تورا جز اوتبارك و تعالی نمی‌داند واین جز پندی برای بنی آدم نیست (۳۱). چنین نیست و قسم به ماه (۳۲). قسم به شب چون پشت برگرداند (۳۳). قسم به صبح چون روشن شود (۳٤). هرآئینه دوزخ یکی از چیزهای بزرگ است (۳۵). ترسانندهٔ بنی آدم (۳٦). (ترساننده است) برای هرکه خواهد ازشما گام پیش نهد یا پس ماند (۳۷). هر شخصی به آنچه کرد درگرواست (۳۸). مگر اهل (سعادت و) راست (۳۹). دربوستهانهاباشند سؤال کنند (٤۰). ازگنهگاران (٤۱). چه چیز شمارا دردوزخ درآورد (٤۲). گویند ازنمازگزاران نبودیم (٤۳). و فقیررا طعام نمی دادیم (٤٤). وبه انکاردرمی آمدیم بادرآیندگان (٤۵). وبودیم روزجزاء را تکذیب می کردیم (٤٦). تاوقتیکه بما مرگ آمد (٤۷).

(۳) مترجم گوید این تصویراست حال کافررا که خدای تعالی اورانعمت‌هاداده باشد واومصرّ باشد برکفر ﴿ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ۞ ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ﴾ تصویر حال تأمل وترددداست والله اعلم.

(٤) مترجم گوید این آیت اشارت است به ردّ شبهه کفاردر شمار تسعة عشر آنحضرت صلی الله علیه وسلم آنرادرهمین سوره ملحق فرمودند بجهت مناسبت و لهذا باسایرسوره نمی ماند دراسلوب والله اعلم.

فَمَا تَنفَعُهُمۡ شَفَٰعَةُ ٱلشَّٰفِعِينَ ﴿٤٨﴾ فَمَا لَهُمۡ عَنِ ٱلتَّذۡكِرَةِ مُعۡرِضِينَ
﴿٤٩﴾ كَأَنَّهُمۡ حُمُرٞ مُّسۡتَنفِرَةٞ ﴿٥٠﴾ فَرَّتۡ مِن قَسۡوَرَةِۭ ﴿٥١﴾ بَلۡ يُرِيدُ
كُلُّ ٱمۡرِيٕٖ مِّنۡهُمۡ أَن يُؤۡتَىٰ صُحُفٗا مُّنَشَّرَةٗ ﴿٥٢﴾ كَلَّاۖ بَل لَّا يَخَافُونَ
ٱلۡأٓخِرَةَ ﴿٥٣﴾ كَلَّآ إِنَّهُۥ تَذۡكِرَةٞ ﴿٥٤﴾ فَمَن شَآءَ ذَكَرَهُۥ ﴿٥٥﴾ وَمَا يَذۡكُرُونَ
إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُۚ هُوَ أَهۡلُ ٱلتَّقۡوَىٰ وَأَهۡلُ ٱلۡمَغۡفِرَةِ ﴿٥٦﴾

سُورَةُ القِيَامَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

لَآ أُقۡسِمُ بِيَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ ﴿١﴾ وَلَآ أُقۡسِمُ بِٱلنَّفۡسِ ٱللَّوَّامَةِ ﴿٢﴾ أَيَحۡسَبُ
ٱلۡإِنسَٰنُ أَلَّن نَّجۡمَعَ عِظَامَهُۥ ﴿٣﴾ بَلَىٰ قَٰدِرِينَ عَلَىٰٓ أَن نُّسَوِّيَ بَنَانَهُۥ ﴿٤﴾ بَلۡ
يُرِيدُ ٱلۡإِنسَٰنُ لِيَفۡجُرَ أَمَامَهُۥ ﴿٥﴾ يَسۡـَٔلُ أَيَّانَ يَوۡمُ ٱلۡقِيَٰمَةِ ﴿٦﴾ فَإِذَا بَرِقَ
ٱلۡبَصَرُ ﴿٧﴾ وَخَسَفَ ٱلۡقَمَرُ ﴿٨﴾ وَجُمِعَ ٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُ ﴿٩﴾ يَقُولُ ٱلۡإِنسَٰنُ
يَوۡمَئِذٍ أَيۡنَ ٱلۡمَفَرُّ ﴿١٠﴾ كَلَّا لَا وَزَرَ ﴿١١﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوۡمَئِذٍ ٱلۡمُسۡتَقَرُّ ﴿١٢﴾ يُنَبَّؤُاْ
ٱلۡإِنسَٰنُ يَوۡمَئِذِۭ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ﴿١٣﴾ بَلِ ٱلۡإِنسَٰنُ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦ بَصِيرَةٞ ﴿١٤﴾
وَلَوۡ أَلۡقَىٰ مَعَاذِيرَهُۥ ﴿١٥﴾ لَا تُحَرِّكۡ بِهِۦ لِسَانَكَ لِتَعۡجَلَ بِهِۦٓ ﴿١٦﴾ إِنَّ عَلَيۡنَا
جَمۡعَهُۥ وَقُرۡءَانَهُۥ ﴿١٧﴾ فَإِذَا قَرَأۡنَٰهُ فَٱتَّبِعۡ قُرۡءَانَهُۥ ﴿١٨﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيۡنَا بَيَانَهُۥ ﴿١٩﴾

نصف الحزب ٥٨

پس ایشانرا شفاعتِ شفاعت کنند گان سود ندهد (٤٨). پس چه شده است ایشان را ازپند (قرآن) رویگردان شوند (٤٩). گویاایشان گور خران رمنده اند (٥٠). که ازشیری گریخته باشند (٥١). بلکه هر شخصی ازایشان میخواهد که نامه های گشاده داده شود [٥] (٥٢). هرگز، بلکه ازآخرت نمی ترسند (٥٣). هرگز، به درستیکه قرآن پنداست (٥٤). پس هرکه خواهد آن را بخواند (٥٥). ویاد نمی کنند بندگان مگر وقتی که خدا خواسته باشد اوست سزاوار به آنکه ازوی بترسند واوست سزاوار آن که بیامرزد (٥٦).

سوره قیامت مکی است وآن چهل آیه ودو رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

به روزقیامت قسم میخورم (١). وبه نفس بسیارملامت کننده [١] قسم میخورم (٢). آیا انسان می پندارد که استخوانهای او را جمع نمی‌کنیم (٣). آری (چنین می کنیم) درحالیکه توانائیم برآنکه سرانگشت های او را نیزدرست کنیم (٤). بلکه آدمی میخواهد که در پیش روی خود [٢] معصیت کند (٥). می پرسد روزقیامت کی خواهد بود (٦). پس وقتیکه چشم خیره شود (٧). وماه تیره گردد (٨). وخورشید وماه یکجاجمع کرده شود (٩). آدمی آنروز بگوید که گریز گاه کجاست (١٠). هر گز، هیچ پناهی نیست (١١). در آن روز قرارگاه به سوی پروردگار توست (١٢). آن روز آدمی را به حقیقت حال آنچه پیش فرستاده وپس گذاشته بود [٣] خبرداده شود (١٣). بلکه آدمی برای الزام خود حجتی است (١٤). ا گرچه عذرهای خودرا پیش آورد (١٥). [٤](یا محمد) به تکرار قرآن باعجله زبان خود را حرکت نده، تا آنرا زود یادآوری (١٦). هرآئینه جمع کردنِ آن در سینهٔ تو برعهده ماست ونیز آسان کردنِ خواندنِ آن برعهده ماست (١٧). پس چون آنرا خواندیم در خواندن از او پیروی کن (١٨). بازهر آئینه واضح کردن آن بر عهده ما [٥] است (١٩).

---

(٥) یعنی می گویند باید که کتاب برهریك نازل شود.
(١) که آدمی البته مبعوث خواهد شد.
(٢) یعنی آمدنی است.
(٣) مثل صدقه جاریه وعلم باقی.
(٤) مترجم گوید چون جبرئیل پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم وحی می آورد آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخاطر حفظ آن اهتمام زیاد می فرمود وهم بحضور جبرئیل قبل از انقضاء وحی تکرار می نمود تاازخاطر مبارك نرود خدای تعالی باین معنی اشارت فرمود.
(٥) مترجم گوید ظاهر نزد بنده آنست که معنی آیت چنین باشد: هرآئینه وعده لازم است برماجمع کردن قرآن در مصاحف وحفظ وقرائت آن عصراً بعد عصر وایضاح او به تفسیر معانی آن، خدای تعالی بوسیله شیخین رضی الله عنهما آنرا جمع کرده درهر زمانی قاریان را توفیق داد که حافظ شوند به تجوید بخوانند ودرهر زمانی مفسران را توفیق دادکه در تفسیر آن سعی نمایند والله اعلم.

كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ ٱلْعَاجِلَةَ ﴿٢٠﴾ وَتَذَرُونَ ٱلْءَاخِرَةَ ﴿٢١﴾ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ
﴿٢٢﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ﴿٢٣﴾ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ ﴿٢٤﴾ تَظُنُّ أَن يُفْعَلَ بِهَا
فَاقِرَةٌ ﴿٢٥﴾ كَلَّآ إِذَا بَلَغَتِ ٱلتَّرَاقِيَ ﴿٢٦﴾ وَقِيلَ مَنْۜ رَاقٍ ﴿٢٧﴾ وَظَنَّ أَنَّهُ ٱلْفِرَاقُ
﴿٢٨﴾ وَٱلْتَفَّتِ ٱلسَّاقُ بِٱلسَّاقِ ﴿٢٩﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ ٱلْمَسَاقُ ﴿٣٠﴾ فَلَا
صَدَّقَ وَلَا صَلَّىٰ ﴿٣١﴾ وَلَٰكِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿٣٢﴾ ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦ يَتَمَطَّىٰٓ
﴿٣٣﴾ أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ ﴿٣٤﴾ ثُمَّ أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰٓ ﴿٣٥﴾ أَيَحْسَبُ ٱلْإِنسَٰنُ
أَن يُتْرَكَ سُدًى ﴿٣٦﴾ أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّن مَّنِيٍّ يُمْنَىٰ ﴿٣٧﴾ ثُمَّ كَانَ
عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ ﴿٣٨﴾ فَجَعَلَ مِنْهُ ٱلزَّوْجَيْنِ ٱلذَّكَرَ
وَٱلْأُنثَىٰٓ ﴿٣٩﴾ أَلَيْسَ ذَٰلِكَ بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن يُحْـِۧىَ ٱلْمَوْتَىٰ ﴿٤٠﴾

سُورَةُ الإِنسَانِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

هَلْ أَتَىٰ عَلَى ٱلْإِنسَٰنِ حِينٌ مِّنَ ٱلدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْـًٔا مَّذْكُورًا ﴿١﴾ إِنَّا خَلَقْنَا
ٱلْإِنسَٰنَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَٰهُ سَمِيعًۢا بَصِيرًا ﴿٢﴾ إِنَّا
هَدَيْنَٰهُ ٱلسَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ﴿٣﴾ إِنَّآ أَعْتَدْنَا لِلْكَٰفِرِينَ سَلَٰسِلَا۟
وَأَغْلَٰلًا وَسَعِيرًا ﴿٤﴾ إِنَّ ٱلْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ﴿٥﴾

هر گز، (ای کافران) بلکه دنیارا دوست میدارید (۲۰). وآخرت را ترك می نمایید (۲۱). در آن روز بعضی چهره ها تازه باشند (۲۲). به سوی پرورد گارخود نظر کننده باشند (۲۳). وبعضی چهره ها در آنروز پیشانی درهم کشیده باشند (۲٤). توقع کنند که بر ایشان مصیبتی آورده شود (۲٥). هر گز، وقتیکه روح به چنبر گردن برسد (۲٦). وگفته شود کیست سحر کننده (۲۷). وبه یقین دانست که اینوقت وقت جداشدن روح است (۲۸). ویکساقِ مُحتضربساق دیگر [٦] پیچید (۲۹). آن روز، روان کردن به سوی پروردگارتوست (۳۰). پس (آدمی) نه باور داشت ونه نماز گزارد (۳۱). ولیکن دروغ انگاشت و رویگردان شد (۳۲). سپس به سوی اهل خانه خود خرامان شده برفت (۳۳). وای برتو پس وای برتو (۳٤). باز (دیگرمیگوییم) وای برتو پس وای برتو (۳٥). آیا انسان می پندارد که بی هدف گذاشته شود؟ (۳٦). آیا نطفه ای ازمنی که دررحم ریخته میشد نبود؟ (۳۷). باز خون بسته ای بود پس خدا بیافرید سپس درست اندام کرد (۳۸). پس ازآن منی دوقسم مرد و زن را ساخت (۳۹). آیا این خدا توانا نیست برآنکه مُردگان را زنده کند؟ (٤۰).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

به راستی که آمده است برآدمی مدتی اززمان که چیزی ذکر کرده شده نبود (۱). هر آئینه ما آدمی را ازیکپارهٔ منی درهم آمیخته ازچند چیز آفریدیم [۱] که او را بیآزماییم پس او را شنوای بینا ساختیم (۲). هرآئینه ما آدمی را برراه دلالت کردیم، خواه شکر گذار وخواه ناسپاس باشد (۳). هرآئینه ما برای کافران زنجیرهاوطوقها وآتش افروخته را آماده ساخته ایم (٤). هرآئینه نیکوکاران ازپیالهٔ شراب که آمیزش آن آب چشمه کافور باشد می نوشند (٥).

---

(٦) یعنی درپای حرکت نماند.

(۱) یعنی منی مرد ومنی زن وخون حیض را ازحالی به حالی دیگر گردانیم.

عَيۡنٗا يَشۡرَبُ بِهَا عِبَادُ ٱللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفۡجِيرٗا ﴿٦﴾ يُوفُونَ بِٱلنَّذۡرِ وَيَخَافُونَ
يَوۡمٗا كَانَ شَرُّهُۥ مُسۡتَطِيرٗا ﴿٧﴾ وَيُطۡعِمُونَ ٱلطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ مِسۡكِينٗا
وَيَتِيمٗا وَأَسِيرًا ﴿٨﴾ إِنَّمَا نُطۡعِمُكُمۡ لِوَجۡهِ ٱللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمۡ جَزَآءٗ وَلَا شُكُورًا
﴿٩﴾ إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوۡمًا عَبُوسٗا قَمۡطَرِيرٗا ﴿١٠﴾ فَوَقَىٰهُمُ ٱللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ
ٱلۡيَوۡمِ وَلَقَّىٰهُمۡ نَضۡرَةٗ وَسُرُورٗا ﴿١١﴾ وَجَزَىٰهُم بِمَا صَبَرُواْ جَنَّةٗ وَحَرِيرٗا ﴿١٢﴾
مُّتَّكِـِٔينَ فِيهَا عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِۖ لَا يَرَوۡنَ فِيهَا شَمۡسٗا وَلَا زَمۡهَرِيرٗا ﴿١٣﴾
وَدَانِيَةً عَلَيۡهِمۡ ظِلَٰلُهَا وَذُلِّلَتۡ قُطُوفُهَا تَذۡلِيلٗا ﴿١٤﴾ وَيُطَافُ عَلَيۡهِم بِـَٔانِيَةٖ
مِّن فِضَّةٖ وَأَكۡوَابٖ كَانَتۡ قَوَارِيرَا۠ ﴿١٥﴾ قَوَارِيرَاْ مِن فِضَّةٖ قَدَّرُوهَا تَقۡدِيرٗا ﴿١٦﴾
وَيُسۡقَوۡنَ فِيهَا كَأۡسٗا كَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِيلًا ﴿١٧﴾ عَيۡنٗا فِيهَا تُسَمَّىٰ سَلۡسَبِيلٗا
﴿١٨﴾ ۞ وَيَطُوفُ عَلَيۡهِمۡ وِلۡدَٰنٞ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيۡتَهُمۡ حَسِبۡتَهُمۡ لُؤۡلُؤٗا مَّنثُورٗا
﴿١٩﴾ وَإِذَا رَأَيۡتَ ثَمَّ رَأَيۡتَ نَعِيمٗا وَمُلۡكٗا كَبِيرًا ﴿٢٠﴾ عَٰلِيَهُمۡ ثِيَابُ سُندُسٍ
خُضۡرٞ وَإِسۡتَبۡرَقٞۖ وَحُلُّوٓاْ أَسَاوِرَ مِن فِضَّةٖ وَسَقَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡ شَرَابٗا
طَهُورًا ﴿٢١﴾ إِنَّ هَٰذَا كَانَ لَكُمۡ جَزَآءٗ وَكَانَ سَعۡيُكُم مَّشۡكُورًا ﴿٢٢﴾ إِنَّا
نَحۡنُ نَزَّلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡقُرۡءَانَ تَنزِيلٗا ﴿٢٣﴾ فَٱصۡبِرۡ لِحُكۡمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعۡ
مِنۡهُمۡ ءَاثِمًا أَوۡ كَفُورٗا ﴿٢٤﴾ وَٱذۡكُرِ ٱسۡمَ رَبِّكَ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلٗا ﴿٢٥﴾

چشمه ای که می‌آشامند ازآن بندگان مقرب خدا روان کنند آن را روان کردنی [۲] (٦). به نذر وفامیکنند وازروزیکه مشقت آن فاش باشد می ترسند (۷). وطعام را باوجود احتیاج به آن به فقیر ویتیم وزندانی می دهند (۸). (میگویند) جزاین نیست که شمارا برای رضای خدا طعام میدهیم ازشما نه مزدی ونه سپاسگذاری می طلبیم (۹). هرآئینه ما ازپروردگار خود در روز ترش روی نهایت سخت می ترسیم (۱۰). پس خدا ایشان را ازسختی آنروز نگهداشت وایشانرا تازگی وخوشحالی رسانید (۱۱). وایشان را درمقابل صبر ایشان بوستان وجامهٔ ابریشمی پاداش داد (۱۲). آنجا برتخت ها تکیه زده باشند آنجا نه گرمی خورشید را ونه سرمای تند را بینند (۱۳). وبرایشان سایه های آن بوستان نزدیك شده باشد وسهل الحصول کرده شود میوهای آن آسان کردنی (١٤). برایشان به جامهایی ازنقره وباجامهایی که بلورین باشند گردانده شود (۱٥). (مراد میدارم) بلورین ازنقره اندازه ساقیان کرده باشند آنرا اندازه کردنی (١٦). وایشانرا آنجاجام شرابی نوشانیده شود که آمیزش آن آب چشمه زنجبیل هست (۱۷). چشمه ایست در بهشت که نام آن سلسبیل نهاده می‌شود (۱۸). وبرایشان نوجوانان جاویدان، (برای خدمت) دورمی زنند چون ایشان را ببینی پنداری که ایشان مروارید افشانده شده اند (۱۹). وچون آنجا نگاه کنی نعمت فراوان وپادشاهی بزرگ ببینی (۲۰). برایشان جامه های سبز ازدیبای نازك باشد و نیز برایشان دیبای ضخیم باشد وایشان را زیور پوشانیده شود دست بندها از نقره و پروردگار ایشان ایشانرا شراب نهایت پاك بنوشاند (۲۱). هر آئینه این نعمت برای شما پاداش در مقابل اعمال است و سعی شما قبول کرده شده است (۲۲). هرآئینه ما قرآن را فرود آوردیم برتو فرودآوردنی (۲۳). پس برحکم پروردگارخود شکیبایی کن واززمرهٔ بنی آدم هیچ گنهکاری را یا هیچ ناسپاسی را فرمان مبر (٢٤). ونام پروردگار خود را صبح و شام یادکن (۲٥).

(۲) یعنی جویی ازآن هرجا که خواهند ببرند والله اعلم.

وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَٱسۡجُدۡ لَهُۥ وَسَبِّحۡهُ لَيۡلٗا طَوِيلًا ﴿٢٦﴾ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ يُحِبُّونَ ٱلۡعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَآءَهُمۡ يَوۡمٗا ثَقِيلٗا ﴿٢٧﴾ نَّحۡنُ خَلَقۡنَٰهُمۡ وَشَدَدۡنَآ أَسۡرَهُمۡۖ وَإِذَا شِئۡنَا بَدَّلۡنَآ أَمۡثَٰلَهُمۡ تَبۡدِيلًا ﴿٢٨﴾ إِنَّ هَٰذِهِۦ تَذۡكِرَةٞۖ فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلٗا ﴿٢٩﴾ وَمَا تَشَآءُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمٗا ﴿٣٠﴾ يُدۡخِلُ مَن يَشَآءُ فِي رَحۡمَتِهِۦۚ وَٱلظَّٰلِمِينَ أَعَدَّ لَهُمۡ عَذَابًا أَلِيمَۢا ﴿٣١﴾

سُورَةُ المُرْسَلَاتِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلۡمُرۡسَلَٰتِ عُرۡفٗا ﴿١﴾ فَٱلۡعَٰصِفَٰتِ عَصۡفٗا ﴿٢﴾ وَٱلنَّٰشِرَٰتِ نَشۡرٗا ﴿٣﴾ فَٱلۡفَٰرِقَٰتِ فَرۡقٗا ﴿٤﴾ فَٱلۡمُلۡقِيَٰتِ ذِكۡرًا ﴿٥﴾ عُذۡرًا أَوۡ نُذۡرًا ﴿٦﴾ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَٰقِعٞ ﴿٧﴾ فَإِذَا ٱلنُّجُومُ طُمِسَتۡ ﴿٨﴾ وَإِذَا ٱلسَّمَآءُ فُرِجَتۡ ﴿٩﴾ وَإِذَا ٱلۡجِبَالُ نُسِفَتۡ ﴿١٠﴾ وَإِذَا ٱلرُّسُلُ أُقِّتَتۡ ﴿١١﴾ لِأَيِّ يَوۡمٍ أُجِّلَتۡ ﴿١٢﴾ لِيَوۡمِ ٱلۡفَصۡلِ ﴿١٣﴾ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا يَوۡمُ ٱلۡفَصۡلِ ﴿١٤﴾ وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ﴿١٥﴾ أَلَمۡ نُهۡلِكِ ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿١٦﴾ ثُمَّ نُتۡبِعُهُمُ ٱلۡأٓخِرِينَ ﴿١٧﴾ كَذَٰلِكَ نَفۡعَلُ بِٱلۡمُجۡرِمِينَ ﴿١٨﴾ وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ﴿١٩﴾

وبعضی ساعات ازشب برای او نمازبخوان واورا وقت دراز از شب بپاکی یادکن (۲٦). هرآئینه این کافران دنیا را دوست می دارند وروزِگِران را پس پشت خوذ ترك میکنند (۲۷). ما ایشان را آفریدیم و رگ وبندهای اندام ایشان را محکم کردیم وچون بخواهیم قومی مانند ایشان را جای آنان جایگزین می‌کنیم (۲۸). هر آئینه این پنداست پس هرکه خواهد به سوی پروردگارخود راه را بگیرد (۲۹). ونمی خواهید مگر آنکه خدا خواهد هرآئینه خدا دانای باحکمت هست (۳۰). هرکراخواهد دررحمتِ خود داخل میکند و برای ستمکاران عقوبتی دردناك آماده کرده است (۳۱).
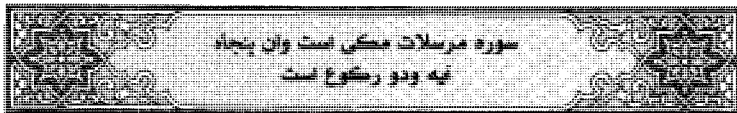
بنام خدای بخشاینده مهربان.

به بادهای فرستاده شده بوجه نیك قسم (۱). پس به بادهای تند وَزَندِه به شدت قسم (۲). وبه بادهای منتشر کنندهٔ ابر به پراگنده کردن قسم (۳). پس به بادهای ازهم جدا کنندِهٔ ابر به پاره پاره نمودن قسم (٤). پس به جماعات فرشتگان فرود آورنده وحی قسم (٥). برای دفع عذر یابرای ترسانیدن (٦). هرآئینه آنچه شمارا وعده داده میشود البته بودنی است (۷). پس وقتیکه ستارها بی نورکرده شوند (۸). و وقتیکه آسمان شگافته شود (۹). ووقتیکه کوهها پاره پاره کرده شود (۱۰). ووقتیکه پیامبران را به میعادی معین جمع کرده شود [1] (۱۱). برای کدام روز پیامبرانرا موقوف داشته شد (۱۲). برای روز فیصله کردن (۱۳). وچه چیز خبرداد تورا که چیست روز فیصله کردن؟ (١٤). وای آن روز برتکذیب کنندگان (۱٥). آیا نخستینیان را هلاك نکرده‌ایم (۱٦). بعد ازآن پسینیان را درپی ایشان آوریم (۱۷). باگنهکاران همچنین میکنیم (۱۸). وای آنروز برتکذیب کنندگان (۱۹).

(۱) متحقق گرددآنچه متحقق شدنی است.

أَلَمْ نَخْلُقكُّم مِّن مَّآءٍ مَّهِينٍ ﴿٢٠﴾ فَجَعَلْنَٰهُ فِى قَرَارٍ مَّكِينٍ ﴿٢١﴾ إِلَىٰ قَدَرٍ
مَّعْلُومٍ ﴿٢٢﴾ فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ ٱلْقَٰدِرُونَ ﴿٢٣﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٤﴾
أَلَمْ نَجْعَلِ ٱلْأَرْضَ كِفَاتًا ﴿٢٥﴾ أَحْيَآءً وَأَمْوَٰتًا ﴿٢٦﴾ وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَٰسِىَ
شَٰمِخَٰتٍ وَأَسْقَيْنَٰكُم مَّآءً فُرَاتًا ﴿٢٧﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٨﴾
ٱنطَلِقُوٓا۟ إِلَىٰ مَا كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ﴿٢٩﴾ ٱنطَلِقُوٓا۟ إِلَىٰ ظِلٍّ ذِى ثَلَٰثِ
شُعَبٍ ﴿٣٠﴾ لَّا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِى مِنَ ٱللَّهَبِ ﴿٣١﴾ إِنَّهَا تَرْمِى بِشَرَرٍ
كَٱلْقَصْرِ ﴿٣٢﴾ كَأَنَّهُۥ جِمَٰلَتٌ صُفْرٌ ﴿٣٣﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٤﴾
هَٰذَا يَوْمُ لَا يَنطِقُونَ ﴿٣٥﴾ وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ ﴿٣٦﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ
لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٧﴾ هَٰذَا يَوْمُ ٱلْفَصْلِ ۖ جَمَعْنَٰكُمْ وَٱلْأَوَّلِينَ ﴿٣٨﴾ فَإِن كَانَ
لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ ﴿٣٩﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٠﴾ إِنَّ ٱلْمُتَّقِينَ
فِى ظِلَٰلٍ وَعُيُونٍ ﴿٤١﴾ وَفَوَٰكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٤٢﴾ كُلُوا۟ وَٱشْرَبُوا۟ هَنِيٓـًٔا
بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٤٤﴾ وَيْلٌ
يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٥﴾ كُلُوا۟ وَتَمَتَّعُوا۟ قَلِيلًا إِنَّكُم مُّجْرِمُونَ ﴿٤٦﴾ وَيْلٌ
يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٧﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱرْكَعُوا۟ لَا يَرْكَعُونَ ﴿٤٨﴾
وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾ فَبِأَىِّ حَدِيثٍۭ بَعْدَهُۥ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٠﴾

آیا شمارا ازآب (منی) حقیر نیافریده ایم (۲۰). پس آن آب را درجای محکم نهادیم (۲۱). تااندازهٔ معین (۲۲). پس ما اندازه کردیم پس نیکواندازه کنندهگانیم (۲۳). وای آن روز برتکذیب کنندگان (۲٤). آیا زمین را جمع کننده آدمیان نساختهایم (۲۵). زندگان ومُردگان (۲٦). ودرزمین کوه های بلند آفریدیم وشمارا آب شیرین نوشانیدیم (۲۷). وای آن روز بر تکذیب کنندگان (۲۸). (گفته شود) به سوی چیزی که آن را تکذیب میکردید بروید (۲۹). (گفته شود) به سوی سایه صاحب سه قسمت بروید (۳۰). نه سایه سرد باشد ونه ازگرمی آتش کفایت کند (۳۱). هرآئینه آن آتش شرارههایی مانند قصر می افکند (۳۲). گویا آن شرارهها شتران زرداند (۳۳). وای آن روز برتکذیب کنندگان (۳٤). این روز روزیست که سخن نگویند (۳۵). ونه اجازه داده شود ایشان را تاعذر پیش نمایند (۳٦). وای آن روز برتکذیب کنندگان (۳۷). این روز روز فیصله کردن است شمارا باپیشینیان جمع کردیم (۳۸). پس اگرشمارا حیله ای هست پس درحق من حیله کُنِید (۳۹). وای آن روز برتکذیب کنندگان (٤۰). هرآئینه متقیان درسایهها ودرچشمه ها باشند (٤۱).ودرمیوه ها از آنچه که رغبت کنند (٤۲). (بگوییم) بخورید وبنوشید خوردن ونوشیدنِ گوارا بسبب آنچه میکردید (٤۳). هرآئینه ما پاداش نیکوکاران را همچنین میدهیم (٤٤). وای آن روز برتکذیب کنندگان (٤۵). (ای دروغ انگاران) بخوریدوبهرهمند باشید اندکی هرآئینه شما گنهکارید (٤٦). وای آن روز برتکذیب کنندگان (٤۷). وچون ایشانرا گفته شود نمازگزارید نمازنمی گزارند (٤۸). وای آن روز برتکذیب کنندگان (٤۹). پس بکدام سخن بعد ازقرآن ایمان خواهند آورد (۵۰).

سُورَةُ النَّبَإِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

عَمَّ يَتَسَآءَلُونَ ﴿١﴾ عَنِ ٱلنَّبَإِ ٱلْعَظِيمِ ﴿٢﴾ ٱلَّذِى هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ﴿٣﴾
كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿٤﴾ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿٥﴾ أَلَمْ نَجْعَلِ ٱلْأَرْضَ مِهَٰدًا ﴿٦﴾
وَٱلْجِبَالَ أَوْتَادًا ﴿٧﴾ وَخَلَقْنَٰكُمْ أَزْوَٰجًا ﴿٨﴾ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا
﴿٩﴾ وَجَعَلْنَا ٱلَّيْلَ لِبَاسًا ﴿١٠﴾ وَجَعَلْنَا ٱلنَّهَارَ مَعَاشًا ﴿١١﴾ وَبَنَيْنَا
فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ﴿١٢﴾ وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا ﴿١٣﴾ وَأَنزَلْنَا مِنَ
ٱلْمُعْصِرَٰتِ مَآءً ثَجَّاجًا ﴿١٤﴾ لِّنُخْرِجَ بِهِۦ حَبًّا وَنَبَاتًا ﴿١٥﴾ وَجَنَّٰتٍ
أَلْفَافًا ﴿١٦﴾ إِنَّ يَوْمَ ٱلْفَصْلِ كَانَ مِيقَٰتًا ﴿١٧﴾ يَوْمَ يُنفَخُ فِى ٱلصُّورِ
فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ﴿١٨﴾ وَفُتِحَتِ ٱلسَّمَآءُ فَكَانَتْ أَبْوَٰبًا ﴿١٩﴾ وَسُيِّرَتِ
ٱلْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ﴿٢٠﴾ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ﴿٢١﴾ لِّلطَّٰغِينَ
مَـَٔابًا ﴿٢٢﴾ لَّٰبِثِينَ فِيهَآ أَحْقَابًا ﴿٢٣﴾ لَّا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا
﴿٢٤﴾ إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ﴿٢٥﴾ جَزَآءً وِفَاقًا ﴿٢٦﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا۟
لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ﴿٢٧﴾ وَكَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا كِذَّابًا ﴿٢٨﴾ وَكُلَّ شَىْءٍ
أَحْصَيْنَٰهُ كِتَٰبًا ﴿٢٩﴾ فَذُوقُوا۟ فَلَن نَّزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ﴿٣٠﴾

سوره نبإ مکی است وآن چهل آیه ودو رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

ازچه چیزی کافران ازیکدیگر سوال میکنند؟ (۱). (آری سوال میکنند) ازخبری بزرگ (۲). که ایشان درآن اختلاف دارند [۱] (۳). نه هرگز!، خواهند دانست (٤). باز (میگوییم) نه!، خواهند دانست (٥). آیا زمین را فرش نساخته ایم (٦). و(نساخته ایم) کوه هارا میخها (۷). وشمارا جفت (نروماده) آفریدیم (۸). وخواب شمارا مایه راحت قراردادیم (۹). وشب را پوششی ساختیم (۱۰). وروز را (وقت کسب) معیشت گرداندیم (۱۱). وبالای شما هفت آسمان محکم بناکردیم (۱۲). وچراغی درخشنده آفریدیم [۲] (۱۳). و ازابرهاآب ریزان فرود آوردیم (١٤). تا بسبب آن (آب) دانه وگیاه را برویانیم (۱٥). وبوستان های درهم پیچیده را (١٦). هرآئینه روز فیصله کردن به هنگامی معیّن است (۱۷). روزی که دمیده می‌شود درصور پس گروه گروه شده می آیید (۱۸). وآسمان شگافته شود پس دروازه‌ها باشد (۱۹). وروان کرده شوند کوه‌ها پس مانند سراب باشند (۲۰). هرآئینه دوزخ انتظار کننده‌است (۲۱). برای سرکَشان مرجع وبازگشت هست (۲۲). درآیند به دوزخ درآنجا مدت‌های دراز اقامت کنندگان (۲۳). آنجاخنکی را نچشند ونه آشامیدنی را (٢٤). مگر آب گرم وخون وچرك را (٢٥). جزا داده شد جزاء موافق (کردارش) (٢٦). هرآئینه ایشان حساب را توقع نمیداشتند (۲۷). وآیاتِ مارا تکذیب می کردند تکذیب کردنی (۲۸). وهرچیزی را بطریق نوشتن ضبط کردیم (۲۹). پس بچشید پس زیاده نخواهیم داد شمارا مگر عقوبت (۳۰).

(۱) مرادبعث و قیامت است.

(۲) یعنی خورشید.

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿٣١﴾ حَدَآئِقَ وَأَعْنَٰبًا ﴿٣٢﴾ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ﴿٣٣﴾ وَكَأْسًا دِهَاقًا ﴿٣٤﴾ لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّٰبًا ﴿٣٥﴾ جَزَآءً مِّن رَّبِّكَ عَطَآءً حِسَابًا ﴿٣٦﴾ رَّبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ٱلرَّحْمَٰنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا ﴿٣٧﴾ يَوْمَ يَقُومُ ٱلرُّوحُ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ صَفًّا لَّا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحْمَٰنُ وَقَالَ صَوَابًا ﴿٣٨﴾ ذَٰلِكَ ٱلْيَوْمُ ٱلْحَقُّ فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ مَـَٔابًا ﴿٣٩﴾ إِنَّآ أَنذَرْنَٰكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنظُرُ ٱلْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ ٱلْكَافِرُ يَٰلَيْتَنِى كُنتُ تُرَٰبًا ﴿٤٠﴾

سُورَةُ النَّازِعَاتِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلنَّٰزِعَٰتِ غَرْقًا ﴿١﴾ وَٱلنَّٰشِطَٰتِ نَشْطًا ﴿٢﴾ وَٱلسَّٰبِحَٰتِ سَبْحًا ﴿٣﴾ فَٱلسَّٰبِقَٰتِ سَبْقًا ﴿٤﴾ فَٱلْمُدَبِّرَٰتِ أَمْرًا ﴿٥﴾ يَوْمَ تَرْجُفُ ٱلرَّاجِفَةُ ﴿٦﴾ تَتْبَعُهَا ٱلرَّادِفَةُ ﴿٧﴾ قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ﴿٨﴾ أَبْصَٰرُهَا خَٰشِعَةٌ ﴿٩﴾ يَقُولُونَ أَءِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِى ٱلْحَافِرَةِ ﴿١٠﴾ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمًا نَّخِرَةً ﴿١١﴾ قَالُوا۟ تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ﴿١٢﴾ فَإِنَّمَا هِىَ زَجْرَةٌ وَٰحِدَةٌ ﴿١٣﴾ فَإِذَا هُم بِٱلسَّاهِرَةِ ﴿١٤﴾ هَلْ أَتَىٰكَ حَدِيثُ مُوسَىٰٓ ﴿١٥﴾ إِذْ نَادَىٰهُ رَبُّهُۥ بِٱلْوَادِ ٱلْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿١٦﴾

هرآئینه متقیان را مطلب یابی باشد (۳۱). بوستانها ودرختان انگور باشد (۳۲). وزنان دوشیزه هم عمر بایکدیگر (۳۳). وپیالهٔ شرابِ پرکرده شده (٣٤). نشنوند آنجاسخن بیهوده وهم دروغ انگاشتن را نشنوند (۳۵). پاداش دادن کافی ازجانب پروردگارتوست (٣٦). پروردگار آسمان هاوزمین وآنچه مابین اینها است خدای بخشاینده از (هیبت) وی سخن نمی توانند بگویند (۳۷). روزیکه بایستد روح وسایر فرشتگان صف زده، سخن نمی‌گویند حاضران محشر مگر کسیکه خدا او را دستوری داده باشد وسخن درست گفته باشد [۳] (۳۸). این روز متحقق است پس هرکه خواهد به سوی پروردگار خود جای رجوع بگیرد (۳۹). هرآئینه ما شمارا ترسانیدیم ازعقوبت نزدیك آینده در روزی که ببیند آدمی آنچه دو دست وی پیش فرستاده بود و کافر می‌گوید ای کاش من خاك می‌شدم (٤٠).

سوره نازعات مکی است وآن چهل و شش آیه ودو رکوع است
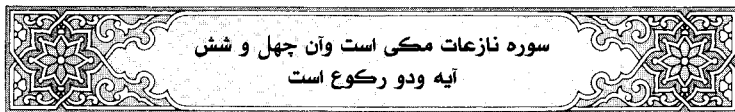
بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به جماعات فرشتگان که بطور سختی (ارواح کافران را) نزع میکنند [۱] (۱). قسم به جماعات فرشتگان که بیرون می آورند بیرون آوردنی (ارواح مؤمنان را) [۲] (۲). قسم به فرشتگان که شنا می‌کنند شناکردنی [۳] (۳). پس قسم به فرشتگان که سبقت میکنند سبقت کردنی [٤] (٤). قسم به جماعات فرشتگان که هرکاری را تدبیر میکنند (آنچه گفته میشود بود نیست) (٥). روزی که بجنبد جنبنده (٦). ازپس وی درآید از پس درآینده [٥] (٧). یك جمع دلهاآنروزترسان باشد (٨). بردیده های آن جماعت خواری هویدا شده باشد (٩). میگویند کافران آیا ما به حالت نخستین باز گردانیده می شویم (١٠). آیا چون استخوانهای پوسیده شویم باززنده می شویم (١١). گفتند آن رجوع ماآنگاه رجوع زیان دهنده باشد (١٢). پس جزاین نیست که آن واقعه یك آواز تندست (١٣). پس نا گهان ایشان برروی زمین آمده باشند (١٤). آیا پیش توخبر موسی آمده است (١٥). چون پروردگاراو بوادی پاك طوی اورا آوازداد (١٦).

(۳) یعنی سخن حق.
(۱) یعنی یك عدهٔ ارواح را به سختی.
(۲) یعنی یك عدهٔ دیگر را بطریق سهولت.
(۳) یعنی در هوا شنا کننده.
(٤) یعنی ازیکدیگر سبقت گیرنده.
(٥) یعنی نفخهٔ اولی وپس نفخهٔ ثانیه بوجود آید.

ٱذۡهَبۡ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ ١٧ فَقُلۡ هَل لَّكَ إِلَىٰٓ أَن تَزَكَّىٰ ١٨ وَأَهۡدِيَكَ
إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخۡشَىٰ ١٩ فَأَرَىٰهُ ٱلۡأٓيَةَ ٱلۡكُبۡرَىٰ ٢٠ فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ ٢١ ثُمَّ
أَدۡبَرَ يَسۡعَىٰ ٢٢ فَحَشَرَ فَنَادَىٰ ٢٣ فَقَالَ أَنَا۠ رَبُّكُمُ ٱلۡأَعۡلَىٰ ٢٤ فَأَخَذَهُ
ٱللَّهُ نَكَالَ ٱلۡأٓخِرَةِ وَٱلۡأُولَىٰٓ ٢٥ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبۡرَةٗ لِّمَن يَخۡشَىٰٓ ٢٦
ءَأَنتُمۡ أَشَدُّ خَلۡقًا أَمِ ٱلسَّمَآءُۚ بَنَىٰهَا ٢٧ رَفَعَ سَمۡكَهَا فَسَوَّىٰهَا ٢٨
وَأَغۡطَشَ لَيۡلَهَا وَأَخۡرَجَ ضُحَىٰهَا ٢٩ وَٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ ذَٰلِكَ دَحَىٰهَآ ٣٠
أَخۡرَجَ مِنۡهَا مَآءَهَا وَمَرۡعَىٰهَا ٣١ وَٱلۡجِبَالَ أَرۡسَىٰهَا ٣٢ مَتَٰعٗا لَّكُمۡ
وَلِأَنۡعَٰمِكُمۡ ٣٣ فَإِذَا جَآءَتِ ٱلطَّآمَّةُ ٱلۡكُبۡرَىٰ ٣٤ يَوۡمَ يَتَذَكَّرُ ٱلۡإِنسَٰنُ
مَا سَعَىٰ ٣٥ وَبُرِّزَتِ ٱلۡجَحِيمُ لِمَن يَرَىٰ ٣٦ فَأَمَّا مَن طَغَىٰ ٣٧ وَءَاثَرَ
ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا ٣٨ فَإِنَّ ٱلۡجَحِيمَ هِيَ ٱلۡمَأۡوَىٰ ٣٩ وَأَمَّا مَنۡ خَافَ
مَقَامَ رَبِّهِۦ وَنَهَى ٱلنَّفۡسَ عَنِ ٱلۡهَوَىٰ ٤٠ فَإِنَّ ٱلۡجَنَّةَ هِيَ ٱلۡمَأۡوَىٰ
٤١ يَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلسَّاعَةِ أَيَّانَ مُرۡسَىٰهَا ٤٢ فِيمَ أَنتَ مِن
ذِكۡرَىٰهَآ ٤٣ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنتَهَىٰهَآ ٤٤ إِنَّمَآ أَنتَ مُنذِرُ مَن يَخۡشَىٰهَا
٤٥ كَأَنَّهُمۡ يَوۡمَ يَرَوۡنَهَا لَمۡ يَلۡبَثُوٓاْ إِلَّا عَشِيَّةً أَوۡ ضُحَىٰهَا ٤٦

سُورَةُ عَبَسَ

که به سوی فرعون برو هرآئینه وی ازحد گذشته است (۱۷). پس بگوهیچ میل است تورا به آنکه پاکیزه شوی (۱۸). وتورا به سوی پروردگار تو راه نمایم پس بترسی (۱۹). پس به فرعون آن معجزهٔ بزرگ را [٦] نشان داد (۲۰). پس تکذیب کرد ونافرمانی کرد (۲۱). پس ازآن مجلس بازگشت تدبیرکنان (۲۲). پس قوم خودرا جمع کرد پس ندا زد (۲۳). پس گفت من پروردگار بزر گوار شمایم (٢٤). پس خدا او را بعذابِ آخرت ودنیا گرفتار کرد (۲٥). هرآینه درین خبر برای هرکه بترسد پندی هست (٢٦). آیاشما درآفرینش محکم‌ترید یا آسمان؟ خدا آن آسمان را بناکرد (۲۷). ارتفاع او را بلند ساخت پس آن را درست ساخت (۲۸). وشبِ او را تاریك کرد وروشنيِ روز او را بظهور آورد (۲۹). وزمین را بعد ازآفریدن آسمان هموار کرد [۷] (۳۰). از زمین آب او را وچراگاه اورا بیرون آورد (۳۱). وکوه هارا استوارنمود (۳۲). برای منفعت شما وچهار پایان شما (۳۳). پس وقتیکه حادثهٔ بزرگ (یعنی قیامت) بیاید (٣٤). روزیکه آدمی آنچه عمل کرده بود یادکند (۳٥). وظاهر کرده شود دوزخ برای هرکه دیدنش خواهد (ثواب یا عقاب متحقق گردد) (٣٦). اماکسیکه ازحد گذشته باشد (۳۷). وزندگانی این جهانی را برگزیده باشد (۳۸). پس هرآئینه دوزخ همان جایگاه اوست (۳۹). واماکسیکه ازایستادن بحضور پروردگارخویش ترسیده باشد ونفس را از شهوات بازداشته باشد (٤٠). پس هرآئینه بهشت همان منزلگاه اوست (٤١). توراازقیامت می پرسند که تحقق آن کَی باشد؟ (٤٢). توازعلم آن درچه مقامی (٤٣). منتهای علم آن به سوی پروردگارتوست (٤٤). جزاین نیست که توترساننده ای کسی را که ازوی بترسد (٤٥). روزیکه آن را ببینند چنانستی که گویا ایشان به دنیا درنگ نکرده بودند مگر (برابر) شام گاهی یایك صبحگاهی ازآن نمانده‌اند (٤٦).

(٦) یعنی عصا ویدبیضا.

(۷) مترجم گوید معنی هموار کردن همین ا ست که میفرماید.

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

عَبَسَ وَتَوَلَّىٰٓ ﴿١﴾ أَن جَآءَهُ ٱلْأَعْمَىٰ ﴿٢﴾ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُۥ يَزَّكَّىٰٓ ﴿٣﴾
أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنفَعَهُ ٱلذِّكْرَىٰٓ ﴿٤﴾ أَمَّا مَنِ ٱسْتَغْنَىٰ ﴿٥﴾ فَأَنتَ لَهُۥ تَصَدَّىٰ
﴿٦﴾ وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّىٰ ﴿٧﴾ وَأَمَّا مَن جَآءَكَ يَسْعَىٰ ﴿٨﴾ وَهُوَ يَخْشَىٰ ﴿٩﴾
فَأَنتَ عَنْهُ تَلَهَّىٰ ﴿١٠﴾ كَلَّآ إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ﴿١١﴾ فَمَن شَآءَ ذَكَرَهُۥ ﴿١٢﴾ فِى صُحُفٍ
مُّكَرَّمَةٍ ﴿١٣﴾ مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍۭ ﴿١٤﴾ بِأَيْدِى سَفَرَةٍ ﴿١٥﴾ كِرَامٍۭ بَرَرَةٍ ﴿١٦﴾
قُتِلَ ٱلْإِنسَٰنُ مَآ أَكْفَرَهُۥ ﴿١٧﴾ مِنْ أَىِّ شَىْءٍ خَلَقَهُۥ ﴿١٨﴾ مِن نُّطْفَةٍ
خَلَقَهُۥ فَقَدَّرَهُۥ ﴿١٩﴾ ثُمَّ ٱلسَّبِيلَ يَسَّرَهُۥ ﴿٢٠﴾ ثُمَّ أَمَاتَهُۥ فَأَقْبَرَهُۥ ﴿٢١﴾ ثُمَّ إِذَا
شَآءَ أَنشَرَهُۥ ﴿٢٢﴾ كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَآ أَمَرَهُۥ ﴿٢٣﴾ فَلْيَنظُرِ ٱلْإِنسَٰنُ إِلَىٰ طَعَامِهِۦٓ
﴿٢٤﴾ أَنَّا صَبَبْنَا ٱلْمَآءَ صَبًّا ﴿٢٥﴾ ثُمَّ شَقَقْنَا ٱلْأَرْضَ شَقًّا ﴿٢٦﴾ فَأَنۢبَتْنَا فِيهَا
حَبًّا ﴿٢٧﴾ وَعِنَبًا وَقَضْبًا ﴿٢٨﴾ وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا ﴿٢٩﴾ وَحَدَآئِقَ غُلْبًا ﴿٣٠﴾ وَفَٰكِهَةً
وَأَبًّا ﴿٣١﴾ مَّتَٰعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَٰمِكُمْ ﴿٣٢﴾ فَإِذَا جَآءَتِ ٱلصَّآخَّةُ ﴿٣٣﴾ يَوْمَ يَفِرُّ
ٱلْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ﴿٣٤﴾ وَأُمِّهِۦ وَأَبِيهِ ﴿٣٥﴾ وَصَٰحِبَتِهِۦ وَبَنِيهِ ﴿٣٦﴾ لِكُلِّ
ٱمْرِئٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ﴿٣٧﴾ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ
﴿٣٨﴾ ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ ﴿٣٩﴾ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ﴿٤٠﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

روترش کرد واعراض نمود (۱). از آنکه پیش اونابینا بیامد [۱] (۲). وچه چیز خبردار کرد ترا شاید وی پاك می شد (۳). یاپند می‌شنید پس آن پندشنیدن اورا نفع میداد (٤). اما کسی که توانگر است (٥). پس تو به سوی او روی می‌آوری (٦). وبرتو درآن که پاك نشود زیان نیست (۷). واماکسی که پیش توشتابان بیامد (۸). واو (ازخدای‌خود) ترسان بود (۹). پس تواز وی غفلت میکنی (۱۰). نه! هرآئینه این آیاتِ قرآن پندست (۱۱). پس هرکه می‌خواهد آن (قران) را یاد کند (۱۲). هرآئینه آیاتِ قرآن درنامه های گرامی ثبت است (۱۳). بلند مرتبه پاك کرده شده (١٤). به دست های نویسند گان (١٥). بزرگ منش نیك کردار [۲] (١٦). لعنت کرده شد آدمی چقدر ناسپاس است (۱۷). خدااز‌چه چیز او را آفریده است؟ (۱۸). ازنطفهٔ منی او را آفریده‌است؟ پس او رابه اندازهٔ معین ساخته است (۱۹). بازراهِ برآمد (خیروشرّرا) آسان نمودش (۲۰). سپس بمیراندش پس درگور کردش (۲۱). بازوقتیکه خواست او را زنده میگرداند (۲۲). هرگز، بعمل نیاورد آنچه او را فرمود (۲۳). پس انسان باید که به طعام خود بنگرد (٢٤). به آنکه ما آب را از آسمان بگونه شگفتی بارانیدیم (٢٥). بازشگافتیم زمین را شگافتنی (٢٦). پس درآن زمین دانه را رویانیدیم (۲۷). وانگورو سبزی هارا (۲۸). وزیتون ودر ختان خرمارا (۲۹). وباغها ی پردرخت وانبوه را (۳۰). ومیوه و علف دواب را (۳۱). برای منفعت شماوچهار پایان شما (۳۲). پس وقتیکه آوازسخت بیاید (۳۳). روزیکه مرد ازبرادر خود بگریزد (٣٤). وازمادر وازپدرخود (۳٥). واز زن خود و فرزندان خود (٣٦). هر مردی را از ایشان آن روز شغلیست که کفایت میکندش (۳۷). یکپاره چهره ها آن روز روشن باشد (۳۸). خندان وشادان باشد (۳۹). ویکپاره چهره ها آنروز برآنها غبار باشد (٤٠).

(۱) نابینایی ازفقراء صحابه بمجلس آنحضرت صلی الله علیه وسلم درآمد وبه سوالهای مکرر تشویش پیداکرد وآنحضرت صلی الله علیه وسلم در حال دعوتِ به اشراف عرب مشغول بودند پس آنرا مکروه داشتند واعراض نمودند خدای تعالی اورا به خُلق عظیم دلالت فرمود.

(۲) یعنی فرشتگان ازلوح نقل می کنند.

تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ ﴿٤١﴾ أُولَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْكَفَرَةُ ٱلْفَجَرَةُ ﴿٤٢﴾

سُورَةُ التَّكْوِيرِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِذَا ٱلشَّمْسُ كُوِّرَتْ ﴿١﴾ وَإِذَا ٱلنُّجُومُ ٱنكَدَرَتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا ٱلْجِبَالُ سُيِّرَتْ ﴿٣﴾ وَإِذَا ٱلْعِشَارُ عُطِّلَتْ ﴿٤﴾ وَإِذَا ٱلْوُحُوشُ حُشِرَتْ ﴿٥﴾ وَإِذَا ٱلْبِحَارُ سُجِّرَتْ ﴿٦﴾ وَإِذَا ٱلنُّفُوسُ زُوِّجَتْ ﴿٧﴾ وَإِذَا ٱلْمَوْءُۥدَةُ سُئِلَتْ ﴿٨﴾ بِأَيِّ ذَنۢبٍ قُتِلَتْ ﴿٩﴾ وَإِذَا ٱلصُّحُفُ نُشِرَتْ ﴿١٠﴾ وَإِذَا ٱلسَّمَآءُ كُشِطَتْ ﴿١١﴾ وَإِذَا ٱلْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ﴿١٢﴾ وَإِذَا ٱلْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ﴿١٣﴾ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّآ أَحْضَرَتْ ﴿١٤﴾ فَلَآ أُقْسِمُ بِٱلْخُنَّسِ ﴿١٥﴾ ٱلْجَوَارِ ٱلْكُنَّسِ ﴿١٦﴾ وَٱلَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ﴿١٧﴾ وَٱلصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ﴿١٨﴾ إِنَّهُۥ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿١٩﴾ ذِى قُوَّةٍ عِندَ ذِى ٱلْعَرْشِ مَكِينٍ ﴿٢٠﴾ مُّطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ ﴿٢١﴾ وَمَا صَاحِبُكُم بِمَجْنُونٍ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ رَءَاهُ بِٱلْأُفُقِ ٱلْمُبِينِ ﴿٢٣﴾ وَمَا هُوَ عَلَى ٱلْغَيْبِ بِضَنِينٍ ﴿٢٤﴾ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَٰنٍ رَّجِيمٍ ﴿٢٥﴾ فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ﴿٢٦﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَٰلَمِينَ ﴿٢٧﴾ لِمَن شَآءَ مِنكُمْ أَن يَسْتَقِيمَ ﴿٢٨﴾ وَمَا تَشَآءُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٢٩﴾

غالب آید برآنها تاریکی (٤١). این جماعت همان کافران بدکارند (٤٢).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

وهنگامیکه خورشید پیچیده شود (١). وهنگامیکه ستارها تیره شوند (٢). وهنگامیکه کوه‌ها روان کرده شوند (٣). وهنگامیکه ماده شتران بارداررامعطل گذاشته شود (٤). وهنگامیکه جانورانِ وحشی جمع کرده شوند (٥). و وقتیکه دریاها مثل آتش افروخته شوند (٦). ووقتیکه ارواح رابا اجساد جمع کرده شود (٧). ووقتیکه دختری را که زنده درگور کرده بودند پرسیده شود (٨). بچه گناه کشته شد (٩). ووقتیکه نامه های اعمال کشاده شوند (١٠). ووقتیکه آسمان پوست برکنده شود[1] (١١). وهنگامیکه دوزخ برافروخته شود (١٢). ووقتیکه بهشت نزدیك ساخته شود (١٣). بداند هرشخص آنچه حاضر ساخته است (١٤). پس بستاره های بازگردنده قسم میخورم (١٥). سیارگانی رونده غائب شونده[2] (١٦). وقسم به شب چون بازگردد (١٧). وقسم به صبح چون بدمد (١٨). هرآئینه این قرآن گفتار فرستاده ای گرامی قدراست (١٩). صاحب توانایی باوقارنزدِ خداوند عرش (٢٠). فرمانبرداری کرده شده درملکوتِ آسمان سپس متصف به امانت است (٢١). واین یارِشما دیوانه نیست (٢٢). وهرآئینه یارِشما آن فرشته را بکرانه ظاهر آسمان دیده بود (٢٣). و یارشمابرعلم پنهان بخل کننده نیست (٢٤). وقرآن گفتار شیطان رانده شده نیست (٢٥). پس کجامیروید؟ (٢٦). قرآن جز پند برای جهانیان نیست (٢٧). برای هرکه اززمره شما بخواهد که راست کردار شود (٢٨). ونمی خواهید مگر وقتیکه خدا پروردگار جهانیان بخواهد (٢٩).

(١) یعنی سرخ شودمانند برّه که پوست او راکشیده باشند.

(٢) مترجم گوید زحل و مشتری و مریخ وزهره وعطارد پنج ستاره متحیره‌اند چون سیرکرده به مقامی رسند ازآن بازمی‌گردند و به مقامی که طی کرده بودند اقبال نمایند چون وقت قریب آید غائب شوند والله اعلم.

سُورَةُ الانفِطَارِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

إِذَا ٱلسَّمَآءُ ٱنفَطَرَتْ ﴿١﴾ وَإِذَا ٱلْكَوَاكِبُ ٱنتَثَرَتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا ٱلْبِحَارُ فُجِّرَتْ ﴿٣﴾ وَإِذَا ٱلْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ﴿٤﴾ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ ﴿٥﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلْإِنسَٰنُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ ٱلْكَرِيمِ ﴿٦﴾ ٱلَّذِى خَلَقَكَ فَسَوَّىٰكَ فَعَدَلَكَ ﴿٧﴾ فِىٓ أَىِّ صُورَةٍ مَّا شَآءَ رَكَّبَكَ ﴿٨﴾ كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِٱلدِّينِ ﴿٩﴾ وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَٰفِظِينَ ﴿١٠﴾ كِرَامًا كَٰتِبِينَ ﴿١١﴾ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿١٢﴾ إِنَّ ٱلْأَبْرَارَ لَفِى نَعِيمٍ ﴿١٣﴾ وَإِنَّ ٱلْفُجَّارَ لَفِى جَحِيمٍ ﴿١٤﴾ يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ ٱلدِّينِ ﴿١٥﴾ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَآئِبِينَ ﴿١٦﴾ وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا يَوْمُ ٱلدِّينِ ﴿١٧﴾ ثُمَّ مَآ أَدْرَىٰكَ مَا يَوْمُ ٱلدِّينِ ﴿١٨﴾ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْـًٔا ۖ وَٱلْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ ﴿١٩﴾

سُورَةُ المُطَفِّفِينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ﴿١﴾ ٱلَّذِينَ إِذَا ٱكْتَالُوا۟ عَلَى ٱلنَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ﴿٢﴾ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَو وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ﴿٣﴾ أَلَا يَظُنُّ أُو۟لَٰٓئِكَ أَنَّهُم مَّبْعُوثُونَ ﴿٤﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

هنگامیکه آسمان بشگافد (۱). ووقتیکه ستارگان ازهم بریزند (۲). وهنگامیکه دریاها بنهایت شدت روان کرده شوند (۳). وهنگامیکه گورها شگافته شوند (٤). بداند هر نفسی آنچه فرستاده بود و آنچه بازپس گذاشته بود (٥). ای انسان چه چیز تورا به پروردگار بزرگوارت فریفت (٦). کسی که تورا بیافرید پس تورا درست اندام کرد پس تورا معتدل قامت (درست) کرد (۷). درهر صورتی که خواست تورا ترکیب کرد (۸). نه!، بلکه جزای اعمال را تکذیب می‌کردید (۹). وهرآئینه برشما گماشته شده‌اندنگاهبان (۱۰). نویسندگان گرامی قدر (۱۱). میدانند آنچه می کنید (۱۲). هرآئینه نیکوکاران درنعمت باشند (۱۳). وهرآئینه گناهکاران دردوزخ باشند (١٤). به دوزخ روز جزای اعمال درآیند (١٥). وازآن جا غائب نباشند (١٦). وچه چیز تورا ای آدمی مطلع ساخت که روزجزا چیست؟ (۱۷). باز (میگوییم) چه چیز تورا مطلع ساخت که روزجزا چیست؟ (۱۸). روزیست که هیچکس برای هیچکس هیچ فائده رسانیدن نتواند وفرمان آن روز فقط از خدا باشد (۱۹).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

وای به حال کاهندگان حقوق مردم (۱). آنانکه چون برای خود پیمانه ازمردمان بگیرند به (سختی) تمام بگیرند (۲). وچون خواهند که ایشانرا پیمانه بدهند یا ایشان را سنجیده بدهند زیان رسانند (۳). آیا نمیدانند این جماعت که ایشان برانگیخته خواهند شد (٤).

لِيَوۡمٍ عَظِيمٖ ٥ يَوۡمَ يَقُومُ ٱلنَّاسُ لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٦ كَلَّآ إِنَّ كِتَٰبَ
ٱلۡفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٖ ٧ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا سِجِّينٞ ٨ كِتَٰبٞ مَّرۡقُومٞ ٩
وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ١٠ ٱلَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوۡمِ ٱلدِّينِ ١١ وَمَا يُكَذِّبُ
بِهِۦٓ إِلَّا كُلُّ مُعۡتَدٍ أَثِيمٍ ١٢ إِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ءَايَٰتُنَا قَالَ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ
١٣ كَلَّاۖ بَلۡۜ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ١٤ كَلَّآ إِنَّهُمۡ عَن رَّبِّهِمۡ

يَوۡمَئِذٖ لَّمَحۡجُوبُونَ ١٥ ثُمَّ إِنَّهُمۡ لَصَالُواْ ٱلۡجَحِيمِ ١٦ ثُمَّ يُقَالُ هَٰذَا
ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ١٧ كَلَّآ إِنَّ كِتَٰبَ ٱلۡأَبۡرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ ١٨
وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا عِلِّيُّونَ ١٩ كِتَٰبٞ مَّرۡقُومٞ ٢٠ يَشۡهَدُهُ ٱلۡمُقَرَّبُونَ ٢١
إِنَّ ٱلۡأَبۡرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ٢٢ عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِ يَنظُرُونَ ٢٣ تَعۡرِفُ فِي
وُجُوهِهِمۡ نَضۡرَةَ ٱلنَّعِيمِ ٢٤ يُسۡقَوۡنَ مِن رَّحِيقٖ مَّخۡتُومٍ ٢٥ خِتَٰمُهُۥ
مِسۡكٞۚ وَفِي ذَٰلِكَ فَلۡيَتَنَافَسِ ٱلۡمُتَنَٰفِسُونَ ٢٦ وَمِزَاجُهُۥ مِن
تَسۡنِيمٍ ٢٧ عَيۡنٗا يَشۡرَبُ بِهَا ٱلۡمُقَرَّبُونَ ٢٨ إِنَّ ٱلَّذِينَ أَجۡرَمُواْ كَانُواْ
مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يَضۡحَكُونَ ٢٩ وَإِذَا مَرُّواْ بِهِمۡ يَتَغَامَزُونَ ٣٠
وَإِذَا ٱنقَلَبُوٓاْ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِمُ ٱنقَلَبُواْ فَكِهِينَ ٣١ وَإِذَا رَأَوۡهُمۡ قَالُوٓاْ
إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَضَآلُّونَ ٣٢ وَمَآ أُرۡسِلُواْ عَلَيۡهِمۡ حَٰفِظِينَ ٣٣

در روز بزرگ (٥). روزیکه مردمان پیش پروردگار جهانیان می ایستند (٦). حقا به راستی نامهٔ اعمال گنهکاران درسجین داخل شود (٧). وچه چیز مطلع ساخت تورا که چیست سجین؟ (٨). کتابیست نوشته شده (٩). وای آن روز برتکذیب کنندگان (١٠). آنانکه روز جزا را تکذیب میکنند (١١). وتکذیب نمی کند آن را مگر هرستمکار گنهکار (١٢). چون بروی آیات ما خوانده شود گوید افسانه‌های پیشینیان است (١٣). چنین نیست، بلکه بردل های ایشان آنچه می کردند زنگ بسته است (١٤). چنین نیست، هرآئینه ایشان ازدیدار پروردگار خویش آنروز محجوب باشند (١٥). بازهرآئینه ایشان درآیندگان دوزخ باشند (١٦). باز گفته شود ایشان را اینست آنچه شما آنرا تکذیب می کردید (١٧). حقا به راستی نامهٔ اعمال نیکوکاران درعلیین داخل شود (١٨). و چه چیز مطلع ساخت تورا که علیون چیست؟ (١٩). کتابیست نوشته شده (٢٠). که حاضر شوند نزد آن مقربین بارگاه الهی (٢١). هرآئینه نیکوکاران درنعمت باشند (٢٢). بر تختهانشسته بهر جانب نظر میکنند (٢٣). در چهره های ایشان تازگی نعمت را بشناسی (٢٤). نوشانیده شوند ازشراب خالص مهرشده (٢٥). (بجای موم) مهراومُشك باشد وبه همین شراب پاك باید که رغبت کنندگان رغبت کنند (٢٦). وآمیختنی آن از آب تسنیم باشد (٢٧). (مراد میدارم) چشمه‌ای که ازآن مقربین خدا می نوشند (٢٨). هرآئینه گنهکاران به مسلمانان می خندیدند (٢٩). وچون به مسلمانان میگذشتند بایکدیگر اشارات تمسخرو حقارت میزدند (٣٠). وچون به اهل خانهٔ خود بازمی‌گشتند شادمان شده بازمی گشتند (٣١). وچون میدیدند مسلمانان رامیگفتند هرآئینه ایشان گمراهند (٣٢). وبرآنان (مسلمانان) نگهبانان فرستاده نشده بودند (٣٣).

فَٱلْيَوْمَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مِنَ ٱلْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ﴿٣٤﴾ عَلَى ٱلْأَرَآئِكِ يَنظُرُونَ ﴿٣٥﴾ هَلْ ثُوِّبَ ٱلْكُفَّارُ مَا كَانُوا۟ يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾

سُورَةُ الانشِقَاقِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِذَا ٱلسَّمَآءُ ٱنشَقَّتْ ﴿١﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا ٱلْأَرْضُ مُدَّتْ ﴿٣﴾ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ﴿٤﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٥﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلْإِنسَٰنُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَٰقِيهِ ﴿٦﴾ فَأَمَّا مَنْ أُوتِىَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ ﴿٧﴾ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴿٨﴾ وَيَنقَلِبُ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦ مَسْرُورًا ﴿٩﴾ وَأَمَّا مَنْ أُوتِىَ كِتَٰبَهُۥ وَرَآءَ ظَهْرِهِۦ ﴿١٠﴾ فَسَوْفَ يَدْعُوا۟ ثُبُورًا ﴿١١﴾ وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا ﴿١٢﴾ إِنَّهُۥ كَانَ فِىٓ أَهْلِهِۦ مَسْرُورًا ﴿١٣﴾ إِنَّهُۥ ظَنَّ أَن لَّن يَحُورَ ﴿١٤﴾ بَلَىٰٓ إِنَّ رَبَّهُۥ كَانَ بِهِۦ بَصِيرًا ﴿١٥﴾ فَلَآ أُقْسِمُ بِٱلشَّفَقِ ﴿١٦﴾ وَٱلَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ﴿١٧﴾ وَٱلْقَمَرِ إِذَا ٱتَّسَقَ ﴿١٨﴾ لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ ﴿١٩﴾ فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ ٱلْقُرْءَانُ لَا يَسْجُدُونَ ۩ ﴿٢١﴾ بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ يُكَذِّبُونَ ﴿٢٢﴾ وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ﴿٢٣﴾ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٤﴾

ثلاثة أرباع الحزب ٥٩

پس امروز مسلمانان برکافران میخندند (٣٤). برتخت هانشسته بهر جانب نظر میکنند (٣٥). آیا به کافران سزای آنچه میکردند جزاداده شد؟ (٣٦).

سوره انشقاق مکی است وآن بیست وپنج آیه است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

هنگامیکه آسمان بشگافد (١). وفرمان پروردگارخود را گوش کند وآسمان سزاوارِ گوش کردن است (٢). وهنگامیکه زمین کشیده شود (٣). وبیرون اندازدآنچه درآن باشدوخالی شود [1] (٤). وفرمان پروردگارخود را گوش کند وزمین سزاوارِ گوش کردن است (یعنی حساب روزآخرت بودنی است) (٥). ای انسان هرآئینه تاملاقاتِ پروردگار خود درتلاشی سخت خواهی بود پس به لقای پروردگار خود خواهی رسید (٦). پس اما هرکه نامهٔ اعمال اوبدست راستش داده شد (٧). پس بااوحساب کرده شود حساب آسان (٨). و به سوی اهل خانهٔ خود شادمان شده بازگردد (٩). واماهرکه نامهٔ اعمال اواز پس پشتش داده شد (١٠). پس هلاك را یاد خواهد کرد (١١). وبه دوزخ درخواهدآمد (١٢). هرآئینه او در دنیا دراهل خانهٔ خود شادمان بود (١٣). هرآئینه گمان کرده بود که به سوی خدایتعالی رجوع‌نمی‌کند (١٤). آری (رجوع کردن متحقق است) هرآئینه پروردگاراو به احوال اوبینا بود (١٥). پس بسرخی کنارهٔ آسمان اوّل شب سوگند میخورم (١٦). وبشب وآنچه شب آنراجمع کرده است قسم میخورم (١٧). وبه ماه قسم میخورم چون تمام شود (١٨). خواهید رسیدبحالی بعد از حالی [2] (١٩). پس چیست این کافران را که ایمان نمی آورند؟ (٢٠). وچون برایشان قرآن خوانده شود سجده نمی کنند (٢١). بلکه این کافران دروغ می انگاشتند (٢٢). وخدا بآنچه دردل خودنگاه میدارند داناتراست (٢٣). پس ایشان را به عذابی دردناك خبردِه (٢٤).

(١) یعنی اموات را بیرون بیندازد والله اعلم.

(٢) یعنی هول موت بعد ازآن سوالِ منکرونکیر بعد ازآن حشر و حساب و مرور برصراط بعد ازآن دوزخ یا بهشت والله اعلم.

إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍۭ ﴿٢٥﴾

سورة البروج

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلْبُرُوجِ ﴿١﴾ وَٱلْيَوْمِ ٱلْمَوْعُودِ ﴿٢﴾ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ ﴿٣﴾ قُتِلَ أَصْحَٰبُ ٱلْأُخْدُودِ ﴿٤﴾ ٱلنَّارِ ذَاتِ ٱلْوَقُودِ ﴿٥﴾ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ ﴿٦﴾ وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِٱلْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ﴿٧﴾ وَمَا نَقَمُوا۟ مِنْهُمْ إِلَّآ أَن يُؤْمِنُوا۟ بِٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَمِيدِ ﴿٨﴾ ٱلَّذِى لَهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ ﴿٩﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ فَتَنُوا۟ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا۟ فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ ٱلْحَرِيقِ ﴿١٠﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمْ جَنَّٰتٌ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ ۚ ذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْكَبِيرُ ﴿١١﴾ إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ﴿١٢﴾ إِنَّهُۥ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ ﴿١٣﴾ وَهُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلْوَدُودُ ﴿١٤﴾ ذُو ٱلْعَرْشِ ٱلْمَجِيدُ ﴿١٥﴾ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ ﴿١٦﴾ هَلْ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ٱلْجُنُودِ ﴿١٧﴾ فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ ﴿١٨﴾ بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ فِى تَكْذِيبٍ ﴿١٩﴾ وَٱللَّهُ مِن وَرَآئِهِم مُّحِيطٌۢ ﴿٢٠﴾ بَلْ هُوَ قُرْءَانٌ مَّجِيدٌ ﴿٢١﴾ فِى لَوْحٍ مَّحْفُوظٍۭ ﴿٢٢﴾

لیکن آنانکه ایمان آوردند وکردارهای شایسته کردند برایشان پاداش بی نهایت است (۲۵).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به آسمانِ دارای برجها [۱] (۱). وقسم به روزِ موعود [۲] (۲). وقسم به روزیکه درهفته [۳] حاضر میشود (۳). اهل خندق ها هلاك کرده شدند (٤). از (خندقهاپر) ازآتش دارای هیزم بسیار (٥). هنگامیکه ایشان برکنارهٔ آن (خندق ها) نشسته بودند (٦). وایشان به آنچه بامسلمانان میکردند حاضر بودند (۷). وازایشان ایرادی جز این خصلت نگرفتند که به خدای غالب ستوده کار ایمان آورده‌بودند (۸). آنکه برای او پادشاهی آسمان هاوزمین است وخدا برهمه چیز مطلع است [٤] (۹). هرآئینه آنانکه عقوبت کردند مردان مسلمان وزنان مسلمان را بازتوبه ننمودند پس برای ایشان عذاب دوزخ است وبرای ایشان عذاب سوختن است (۱۰). هرآئینه آنانکه ایمان آوردند و کردارهای شایسته کردند ایشانراست بوستانهایی که میرود زیر آنها جویها اینست پیروزی بزرگ (۱۱). هر آئینه گرفتِ پروردگارتو بسا سخت است (۱۲). هرآئینه اوآفرینش نو را آغاز میکند ودوباره می آفریند (۱۳). واوست آمرزگاردوستدار (١٤). اوخداوند عرش گرامیقدراست (١٥). بسیار کننده است هرچیزی را که خواهد (١٦). آیا به توخبر لشکرها آمده است (۱۷). که فرعون وثمودباشند (۱۸). بلکه کافران در تکذیبند (۱۹). و خدا از گردا گرد ایشان گیرنده است (۲۰). بلکه این قرآن گرامیقدراست (۲۱). درلوح محفوظ نوشته شده است (۲۲).

---

(۱) یعنی برجهای دوازده‌گانه.

(۲) یعنی روز قیامت.

(۳) یعنی روز جمعه یا قسم بروزیکه حاجیان به آنروز حاضر میشوند یعنی روز عرفه هرآئینه مجازات متحقق است.

(٤) مترجم گوید پادشاهی ظالم رعیت خودرا تکلیف کفر کرد و چون کافر نشدند خندقهارا بآتش پرکرد و ایشانرا بآتش افکند خدای تعالی آن آتش رابرپادشاه وهم نشینان او مسلط ساخت تاآز خندق پریده، همه را پاك بسوخت والله اعلم.

سُورَةُ الطَّارِقِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلسَّمَآءِ وَٱلطَّارِقِ ﴿١﴾ وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا ٱلطَّارِقُ ﴿٢﴾ ٱلنَّجْمُ ٱلثَّاقِبُ ﴿٣﴾ إِن كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ﴿٤﴾ فَلْيَنظُرِ ٱلْإِنسَٰنُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٥﴾ خُلِقَ مِن مَّآءٍ دَافِقٍ ﴿٦﴾ يَخْرُجُ مِنۢ بَيْنِ ٱلصُّلْبِ وَٱلتَّرَآئِبِ ﴿٧﴾ إِنَّهُۥ عَلَىٰ رَجْعِهِۦ لَقَادِرٌ ﴿٨﴾ يَوْمَ تُبْلَى ٱلسَّرَآئِرُ ﴿٩﴾ فَمَا لَهُۥ مِن قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿١٠﴾ وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلرَّجْعِ ﴿١١﴾ وَٱلْأَرْضِ ذَاتِ ٱلصَّدْعِ ﴿١٢﴾ إِنَّهُۥ لَقَوْلٌ فَصْلٌ ﴿١٣﴾ وَمَا هُوَ بِٱلْهَزْلِ ﴿١٤﴾ إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٥﴾ وَأَكِيدُ كَيْدًا ﴿١٦﴾ فَمَهِّلِ ٱلْكَٰفِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْدًۢا ﴿١٧﴾

سُورَةُ الأَعْلَىٰ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

سَبِّحِ ٱسْمَ رَبِّكَ ٱلْأَعْلَى ﴿١﴾ ٱلَّذِى خَلَقَ فَسَوَّىٰ ﴿٢﴾ وَٱلَّذِى قَدَّرَ فَهَدَىٰ ﴿٣﴾ وَٱلَّذِىٓ أَخْرَجَ ٱلْمَرْعَىٰ ﴿٤﴾ فَجَعَلَهُۥ غُثَآءً أَحْوَىٰ ﴿٥﴾ سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنسَىٰٓ ﴿٦﴾ إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُ إِنَّهُۥ يَعْلَمُ ٱلْجَهْرَ وَمَا يَخْفَىٰ ﴿٧﴾ وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَىٰ ﴿٨﴾ فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ ٱلذِّكْرَىٰ ﴿٩﴾ سَيَذَّكَّرُ مَن يَخْشَىٰ ﴿١٠﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به آسمان وبه شب آینده (۱). وچه چیز تورا مطلع ساخت که شب پدید آینده چیست؟ (۲). (همان) ستاره درخشنده است (۳). نیست هیچ شخصی مگر بروی (فرشته ای) نگهبانی است (٤). پس باید که انسان ببیند ازچه چیز آفریده شده است (٥). ازآبی جهنده آفریده شده است (٦). که ازمیان پشت (مرد) واستخوان های سینه (زن) برمی آید (۷). بی گمان خدا بر دوباره آفریدن انسان تواناست (۸). روزیکه اسرار (مردمان) آشکارمی شود (۹). پس او را طاقتی ونصرت دهنده ای نباشد (۱۰). قسم به آسمان باران دار (۱۱). وقسم به زمین شگاف بردار [۱] (۱۲). به یقین قرآن سخن واضح است (۱۳). و(قرآن) سخنی بیهوده نیست (١٤). هرآئینه کافران سخت بداندیشی میکنند (١٥). ومن نیز (درمقابل ایشان) تدبیر میکنم تدبیر کردنی [۲] (١٦). پس به کافران مهلت بده ایشان را اندك زمانی فروگذار (۱۷).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

نام پروردگار بزرگوارت را به پاکی یادکن (۱). آنکه بیافرید پس درست اندام کرد (۲). اندازه کردپس هدایت نمود [۱] (۳). وآنکه گیاه تازه را برآورد (٤). باز آنرا خشك شده سیاه گشته گرداند (٥). تورا (قرآن) تعلیم خواهیم کرد پس فراموش نخواهی کرد (٦). مگر آنچه خداخواسته است هرآئینه خدا آشکار وپنهان را میداند [۲] (۷). وتورا به معرفتِ شریعتِ آسان توفیق خواهیم داد (۸). پس پند دهِ اگر پند دادن سود می دهد (۹). هرکه می ترسد (ازخدا) پند خواهد پذیرفت (۱۰).

سوره طارق

(۱) یعنی تادانه بیرون آید.

(۲) واین وعده روز بدر متحقق شد.

سوره اعلی

(۱) یعنی جمیع مخلوقات را اندازه کرده بحسب آن اندازه در مخلوقات تصرف فرمود تاهمان صورت به روی کارآمد پس این تصرف را بهدایت تعبیر فرمود والله اعلم.

(۲) مترجم گوید فراموش گردانیدن این آیه از خاطر مبارك آن حضرت صلی الله علیه وسلم نوعی ازنسخ است والله اعلم.

وَيَتَجَنَّبُهَا ٱلۡأَشۡقَى ﴿١١﴾ ٱلَّذِي يَصۡلَى ٱلنَّارَ ٱلۡكُبۡرَىٰ ﴿١٢﴾ ثُمَّ لَا يَمُوتُ
فِيهَا وَلَا يَحۡيَىٰ ﴿١٣﴾ قَدۡ أَفۡلَحَ مَن تَزَكَّىٰ ﴿١٤﴾ وَذَكَرَ ٱسۡمَ رَبِّهِۦ فَصَلَّىٰ ﴿١٥﴾
بَلۡ تُؤۡثِرُونَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا ﴿١٦﴾ وَٱلۡأٓخِرَةُ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰٓ ﴿١٧﴾ إِنَّ
هَٰذَا لَفِي ٱلصُّحُفِ ٱلۡأُولَىٰ ﴿١٨﴾ صُحُفِ إِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ ﴿١٩﴾

سُورَةُ الغَاشِيَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

هَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ٱلۡغَٰشِيَةِ ﴿١﴾ وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٍ خَٰشِعَةٌ ﴿٢﴾ عَامِلَةٞ
نَّاصِبَةٞ ﴿٣﴾ تَصۡلَىٰ نَارًا حَامِيَةٗ ﴿٤﴾ تُسۡقَىٰ مِنۡ عَيۡنٍ ءَانِيَةٖ ﴿٥﴾ لَّيۡسَ
لَهُمۡ طَعَامٌ إِلَّا مِن ضَرِيعٖ ﴿٦﴾ لَّا يُسۡمِنُ وَلَا يُغۡنِي مِن جُوعٖ ﴿٧﴾ وُجُوهٞ
يَوۡمَئِذٖ نَّاعِمَةٞ ﴿٨﴾ لِّسَعۡيِهَا رَاضِيَةٞ ﴿٩﴾ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٖ ﴿١٠﴾ لَّا تَسۡمَعُ
فِيهَا لَٰغِيَةٗ ﴿١١﴾ فِيهَا عَيۡنٞ جَارِيَةٞ ﴿١٢﴾ فِيهَا سُرُرٞ مَّرۡفُوعَةٞ ﴿١٣﴾ وَأَكۡوَابٞ
مَّوۡضُوعَةٞ ﴿١٤﴾ وَنَمَارِقُ مَصۡفُوفَةٞ ﴿١٥﴾ وَزَرَابِيُّ مَبۡثُوثَةٌ ﴿١٦﴾ أَفَلَا يَنظُرُونَ
إِلَى ٱلۡإِبِلِ كَيۡفَ خُلِقَتۡ ﴿١٧﴾ وَإِلَى ٱلسَّمَآءِ كَيۡفَ رُفِعَتۡ ﴿١٨﴾ وَإِلَى
ٱلۡجِبَالِ كَيۡفَ نُصِبَتۡ ﴿١٩﴾ وَإِلَى ٱلۡأَرۡضِ كَيۡفَ سُطِحَتۡ ﴿٢٠﴾
فَذَكِّرۡ إِنَّمَآ أَنتَ مُذَكِّرٞ ﴿٢١﴾ لَّسۡتَ عَلَيۡهِم بِمُصَيۡطِرٍ ﴿٢٢﴾

وازآن پند بدبخت ترین مردمان اجتناب می کند (۱۱). آنکه به آتش بزرگ درخواهدآمد (۱۲). باز نمی میرد درآ نجا ونه زنده باشد (۱۳). هرآئینه هرکه پاك شد رستگارشد (١٤). ونام پروردگار خود را یاد کرد پس نماز خواند (۱۵). بلکه زندگانی این جهان را اختیار میکنید (١٦). وآخرت بهتر وپاینده تراست (۱۷). هرآئینه این سخن در صحیفه های نخستین هم مذکور بود (۱۸). صحیفه های ابراهیم وموسیٰ (۱۹).

سوره غاشیه مکی است وآن بیست وشش آیه است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

آیا به تو خبر قیامت آمده است (۱). یك عدهٔ چهره ها آنروزخوار باشند (۲). کار کننده محنت کشنده باشند (۳). به آتش افروخته شده درآیند (٤). آب نوشانیده شوند از چشمهٔ بسیار گرم (۵). ایشانرا هیچ طعامی جز از ضریع نباشد (٦). که فربه نکند ودفع گرسنگی نه نماید [1] (۷). یك عدهٔ چهره ها آنروز تازه باشند (۸). به سعی خود رضا مند شده باشند (۹). دربهشت بٙرین باشند (۱۰). درآن هیچ سخن بیهوده نشنوی (۱۱). درآن‌جا چشمهٔ روان باشد (۱۲). درآن جا تخت های بلند باشد (۱۳). وکوزه های نهاده شده (١٤). وبالشهای برابر یکدیگر گذاشته شده (۱۵). وفرش های نفیس پهن کرده باشد (١٦). آیا به سوی شتران نمی نگرند چگو نه آفریده شدند (۱۷). وبه سوی آسمان که چگونه برافراشته شده؟ (۱۸). وبه سوی کوه هاکه چگونه برقرار گردیده؟ (۱۹). وبه سوی زمین که چگونه گسترده شده است (۲۰). پس پند دِه جزاین نیست که توپند دهنده ای (۲۱). برایشان گماشته شده نیستی (۲۲).

(۱) ضریع نام گیاه خاردارست.

إِلَّا مَن تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ ﴿٢٣﴾ فَيُعَذِّبُهُ ٱللَّهُ ٱلْعَذَابَ ٱلْأَكْبَرَ ﴿٢٤﴾
إِنَّ إِلَيْنَآ إِيَابَهُمْ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُم ﴿٢٦﴾

سُورَةُ الفَجْرِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلْفَجْرِ ﴿١﴾ وَلَيَالٍ عَشْرٍ ﴿٢﴾ وَٱلشَّفْعِ وَٱلْوَتْرِ ﴿٣﴾ وَٱلَّيْلِ إِذَا يَسْرِ ﴿٤﴾
هَلْ فِى ذَٰلِكَ قَسَمٌ لِّذِى حِجْرٍ ﴿٥﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ﴿٦﴾
إِرَمَ ذَاتِ ٱلْعِمَادِ ﴿٧﴾ ٱلَّتِى لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِى ٱلْبِلَٰدِ ﴿٨﴾ وَثَمُودَ ٱلَّذِينَ
جَابُوا۟ ٱلصَّخْرَ بِٱلْوَادِ ﴿٩﴾ وَفِرْعَوْنَ ذِى ٱلْأَوْتَادِ ﴿١٠﴾ ٱلَّذِينَ طَغَوْا۟ فِى
ٱلْبِلَٰدِ ﴿١١﴾ فَأَكْثَرُوا۟ فِيهَا ٱلْفَسَادَ ﴿١٢﴾ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ
عَذَابٍ ﴿١٣﴾ إِنَّ رَبَّكَ لَبِٱلْمِرْصَادِ ﴿١٤﴾ فَأَمَّا ٱلْإِنسَٰنُ إِذَا مَا ٱبْتَلَىٰهُ
رَبُّهُۥ فَأَكْرَمَهُۥ وَنَعَّمَهُۥ فَيَقُولُ رَبِّىٓ أَكْرَمَنِ ﴿١٥﴾ وَأَمَّآ إِذَا مَا ٱبْتَلَىٰهُ
فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُۥ فَيَقُولُ رَبِّىٓ أَهَٰنَنِ ﴿١٦﴾ كَلَّا ۖ بَل لَّا تُكْرِمُونَ
ٱلْيَتِيمَ ﴿١٧﴾ وَلَا تَحَٰٓضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلْمِسْكِينِ ﴿١٨﴾ وَتَأْكُلُونَ
ٱلتُّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا ﴿١٩﴾ وَتُحِبُّونَ ٱلْمَالَ حُبًّا جَمًّا ﴿٢٠﴾ كَلَّآ إِذَا
دُكَّتِ ٱلْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿٢١﴾ وَجَآءَ رَبُّكَ وَٱلْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٢﴾

لیکن هرکه روی بگرداند وکافرشود (۲۳). پس خدا اورا به عقوبت بزرگ عذاب می دهد (۲٤). هرآئینه رجوع ایشان به سوی مااست (۲۵). بازهرآئینه حساب ایشان برماست (۲٦).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به صبح (۱). وبه شب های ده گانه [۱] (۲). وقسم به جفت وطاق [۲] (۳). وقسم به شب چون روان شود (٤). آیادرین (امر) سوگندی معتبر برای صاحب خرد [۳] هست (۵). آیاندیدی که پروردگار تو باقوم عاد چگو نه معامله کرد؟ (٦). ارم دارای قدهای بلند (۷). که همانند آن درشهرها آفریده نشده است (۸). و(چگونه معامله کرد) باقوم ثمود که سنگهای بزرگ را در وادِیِ قریٰ تراشیده بودند (۹). و بافرعون صاحب میخها چگونه معامله کرد [٤] (۱۰). همه این جماعتها آنانندکه درشهرها سرکشی کردند (۱۱). پس درآنجافساد را بسیار به عمل آوردند (۱۲). پس سرانجام، پروردگار تو برسرایشان یك دفعه عذاب فروریخت (۱۳). هرآئینه پروردگارت در کمین گاه است (۱٤). پس اما انسان چون پروردگارش اورا امتحان کندش پس گرامی کندش ونعمت دهدش پس گوید پروردگارم مرا گرامی ساخت (۱۵). واما چون امتحان کندش پس تنگ سازد بروی رزق او را گوید پروردگارم مرا خوار کرده‌است (۱٦). چنین نیست، بلکه یتیم را گرامی نمیدارید (۱۷). ویکدیگررا برطعام دادن فقیر تشویق نمی کنید (۱۸). وبه شدّت مال میراث را میخورید [۵] (۱۹). ومال را دوست میدارید دوست داشتن بسیار [٦] (۲۰). چنین نیست (که میگویید)، چون زمین پی در پی هموار [۷] کرده شود (۲۱). وپروردگار تو بیاید وفرشتگان (نیز) صف در صف بیایند (۲۲).

---

(۱) یعنی عشرهٔ ذو الحجة.
(۲) یعنی بعض نماز جفت است و بعض طاق.
(۳) که خدا جزا دهندهٔ بندگان براعمال ایشان است.
(٤) یعنی به چهار میخ بسته عقوبت میکرد.
(۵) یعنی زنان و یتیمان راحق ایشان نمیدهید وحق ایشان را بمال خود جمع می کنید.
(٦) یعنی اسباب اکرام الهی در اکرام یتیم واطعام مسکین است آنرامی باید کردوشما باین صفت هستید که یتیمان راحق ایشان نمی‌دهید وحق ایشانرا بمال خود جمع میکنید.
(۷) یعنی کوهها وتپه ها را باسایر زمین برابر کرده شود.

وَجِاْيٓءَ يَوْمَئِذٍۭ بِجَهَنَّمَۚ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ ٱلْإِنسَٰنُ وَأَنَّىٰ لَهُ ٱلذِّكْرَىٰ ﴿٢٣﴾ يَقُولُ يَٰلَيْتَنِى قَدَّمْتُ لِحَيَاتِى ﴿٢٤﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُعَذِّبُ عَذَابَهُۥٓ أَحَدٌ ﴿٢٥﴾ وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُۥٓ أَحَدٌ ﴿٢٦﴾ يَٰٓأَيَّتُهَا ٱلنَّفْسُ ٱلْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ ٱرْجِعِىٓ إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾ فَٱدْخُلِى فِى عِبَٰدِى ﴿٢٩﴾ وَٱدْخُلِى جَنَّتِى ﴿٣٠﴾

سُورَةُ البَلَدِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

لَآ أُقْسِمُ بِهَٰذَا ٱلْبَلَدِ ﴿١﴾ وَأَنتَ حِلٌّۢ بِهَٰذَا ٱلْبَلَدِ ﴿٢﴾ وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ ﴿٣﴾ لَقَدْ خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ فِى كَبَدٍ ﴿٤﴾ أَيَحْسَبُ أَن لَّن يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ﴿٥﴾ يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُّبَدًا ﴿٦﴾ أَيَحْسَبُ أَن لَّمْ يَرَهُۥٓ أَحَدٌ ﴿٧﴾ أَلَمْ نَجْعَل لَّهُۥ عَيْنَيْنِ ﴿٨﴾ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ﴿٩﴾ وَهَدَيْنَٰهُ ٱلنَّجْدَيْنِ ﴿١٠﴾ فَلَا ٱقْتَحَمَ ٱلْعَقَبَةَ ﴿١١﴾ وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا ٱلْعَقَبَةُ ﴿١٢﴾ فَكُّ رَقَبَةٍ ﴿١٣﴾ أَوْ إِطْعَٰمٌ فِى يَوْمٍ ذِى مَسْغَبَةٍ ﴿١٤﴾ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ﴿١٥﴾ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ﴿١٦﴾ ثُمَّ كَانَ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَتَوَاصَوْا۟ بِٱلصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا۟ بِٱلْمَرْحَمَةِ ﴿١٧﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلْمَيْمَنَةِ ﴿١٨﴾

ربع الحزب ٦٠

وآنروز دوزخ آورده شود انسان آنروز یادکند واورانفع آن یادکردن کجاباشد (۲۳). گوید ای کاش من عملِ نیك برای این زندگانِی جاودانيِ خویش می فرستادم (۲٤). پس آنروز هیچ کسی را چون عذاب او خدا عذاب نمی دهد (۲۵). وبزنجیرنبندد‌مانندبستن او به هیچکس [۱] (۲٦). (گفته شود روحِ مومن راوقتِ مرگ) ای نفس آرام گیرنده (۲۷). باز گرد به سوی پروردگارخویش خوشنود شده وازتونیز خوشنودگشته (۲۸). پس به زمرهٔ بندگان خاص من داخل شو (۲۹). وبه بهشت من داخل شو (۳۰).

سوره بلد مکی است وآن بیست آیه است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم میخورم باین شهر (یعنی مکّه مکرّمة) (۱). وتو به این شهر در خواهی آمد [۱] (۲). وقسم میخورم به پدر (آدم) وبه هرچه زاده است [۲] (۳). هرآئینه انسان رادرمشقت آفریدیم [۳] (٤). آیا انسان گمان می کند که هیچکس بروی قادر نیست (۵). میگوید مال (توبرتو) فراوانی هزینه کردم (٦). آیامی پندارد که اورا هیچکس ندیده است (۷). آیا برای اودوچشم را نیا فریده ایم؟ (۸). وزبان ودولب را (۹). واورا بردوراه دلالت کردیم [٤] (۱۰). پس درنیامد گذرگاه سخت (۱۱). وچه چیز مطلع ساخت تورا که چیست گذرگاه سخت [۵]؟ (۱۲). آزاد کردن برده است (۱۳). یا خوراك دادن در روز گرسنگی (۱٤). یتیم خویشاوند را (۱۵). یابینوای فقیر ناتوان را (۱٦). بعدازآن ازآنانکه ایمان آورده اند باشد وهمدیگررا به شکیبایی وصیت کرده اند وهمدیگررا به شفقت برخلق خدا وصیت کرده‌اند (۱۷). این جماعت ایشان اهل نیك بختی اند (۱۸).

سوره فجر

(۱) بوجهی واقع شود که هیچ کس غیراوبرآن قادر نیست والله اعلم.

سوره بلد

(۱) یعنی تراقتال درمکه حلال خواهد شد.

(۲) یعنی آدم وجمیع ذریت او.

(۳) یعنی عادت انسان است که بقوت خود فخرمی کند ونبیند که چه قدر ناتوانی ها میکشد و نیز ببذل مال فخرمی کندونمی داندکه خدا اورامی بیند که بی نهایت حقیر و بخیل است.

(٤) یعنی خیر و شر.

(۵) یعنی بحقیقت قوت آنست که این اعمال بجاآرد.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿١٩﴾ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤْصَدَةٌ ﴿٢٠﴾

سُورَةُ الشَّمْسِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ﴿١﴾ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا ﴿٢﴾ وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا ﴿٣﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ﴿٤﴾ وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ﴿٥﴾ وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا ﴿٦﴾ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ﴿٧﴾ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ﴿٨﴾ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ﴿٩﴾ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ﴿١٠﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ﴿١١﴾ إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا ﴿١٢﴾ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ﴿١٣﴾ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوَّاهَا ﴿١٤﴾ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ﴿١٥﴾

سُورَةُ اللَّيْلِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ ﴿١﴾ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ ﴿٢﴾ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَىٰ ﴿٣﴾ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ ﴿٤﴾ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ ﴿٥﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ ﴿٦﴾ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ ﴿٧﴾ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ ﴿٨﴾ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ ﴿٩﴾

وآنانکه به آیاتِ ما کافر شدند ایشان اهل بدبختی اند (۱۹). برایشان آتشی ازهرجهت فراگیر گماشته شود (۲۰).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به خورشید وروشنیِ او (۱). وقسم به ماه چون ازپی آفتاب درآید [۱] (۲). وقسم به روز چون آفتاب را نمایان کند (۳). وقسم به شب چون آفتاب را بپوشاند (٤). وقسم به آسمان وبه آنکه آن رابنا کرد (٥). وقسم به زمین وآنکه آنرابگسترد (٦). وقسم به نفس آدمی وآنکه به آن درست اندام داد (۷). پس خدا دردلش شناخت گناه اورا وتقوای اورا انداخت (۸). به یقین هرکه پاك ساخت نفس را رستگارشد (۹). وبه یقین هر کسی که آنرا فرومایه داشت زیانکار شد (۱۰). قوم ثمود بسبب سرکشی خود تکذیب کردند (۱۱). وقتیکه بدبخت ترین آن قوم برخاست (۱۲). پس پیامبر خدا به ایشان گفت بگذاریدماده شتریرا که خدا آفریده است وآب خوردنِ اورا متعرض نشوید (۱۳). پس پیامبررا تکذیب کردند پس ماده شتر را بکشتند پس پروردگار ایشان برایشان بسبب معصیت ایشان عقوبت فرود آورد پس عقوبت را برسرایشان [۲] هموار کرد (١٤). وخدا ازانجام آن عقوبت نمی ترسد (١٥).
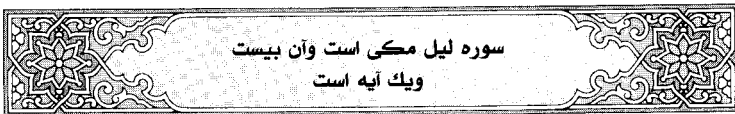
بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به شب چون بپوشاند (۱). وقسم به روز چون ظاهر شود (۲). وقسم بذاتیکه نر وماده را آفرید (۳). که هرآئینه سعی شمامختلف است (٤). پس اما هرکه عطا کرد وپرهیز گاری نمود (٥). وپاداش نیك را باورداشت (٦). پس اورابرای رسیدن به سرای آسایش توفیق می دهیم (۷). واما هرکه بخل کرد و خودرا بی نیاز شمرد (۸). وپاداش نیك را تکذیب کرد (۹).

---

(۱) یعنی بشب چهاردهم.
(۲) یعنی به همه رسانید.

فَسَنُيَسِّرُهُۥ لِلْعُسْرَىٰ ﴿١٠﴾ وَمَا يُغْنِى عَنْهُ مَالُهُۥٓ إِذَا تَرَدَّىٰٓ ﴿١١﴾ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ ﴿١٢﴾ وَإِنَّ لَنَا لَلْءَاخِرَةَ وَٱلْأُولَىٰ ﴿١٣﴾ فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ ﴿١٤﴾ لَا يَصْلَىٰهَآ إِلَّا ٱلْأَشْقَى ﴿١٥﴾ ٱلَّذِى كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٦﴾ وَسَيُجَنَّبُهَا ٱلْأَتْقَى ﴿١٧﴾ ٱلَّذِى يُؤْتِى مَالَهُۥ يَتَزَكَّىٰ ﴿١٨﴾ وَمَا لِأَحَدٍ عِندَهُۥ مِن نِّعْمَةٍ تُجْزَىٰٓ ﴿١٩﴾ إِلَّا ٱبْتِغَآءَ وَجْهِ رَبِّهِ ٱلْأَعْلَىٰ ﴿٢٠﴾ وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ ﴿٢١﴾

سُورَةُ الضُّحَى

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلضُّحَىٰ ﴿١﴾ وَٱلَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ ﴿٢﴾ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ﴿٣﴾ وَلَلْءَاخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ ٱلْأُولَىٰ ﴿٤﴾ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰٓ ﴿٥﴾ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَـَٔاوَىٰ ﴿٦﴾ وَوَجَدَكَ ضَآلًّا فَهَدَىٰ ﴿٧﴾ وَوَجَدَكَ عَآئِلًا فَأَغْنَىٰ ﴿٨﴾ فَأَمَّا ٱلْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ﴿٩﴾ وَأَمَّا ٱلسَّآئِلَ فَلَا تَنْهَرْ ﴿١٠﴾ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ﴿١١﴾

سُورَةُ الشَّرْحِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴿١﴾ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ﴿٢﴾

پس اورا برای رسیدن به سرای دشواری توفیق می دهیم (۱۰). مال او وقتیکه نگونسار افتد ازوی هیچ دفع نکند (۱۱). هرآئینه راه نمودن برما است (۱۲). وهرآئینه آن جهان واین جهان برای مااست (۱۳). پس شمارا ازآتشی که شعله میزند ترسانیدم (١٤). به آن آتش مگر بدبخت ترین مردم درنیاید (۱٥). آنکه تکذیب کرد و رویگردان شد (١٦). ودور نگه داشته خواهد شدازآن آتش پرهیزگارترین مردم (۱۷). آنکه مال خود را میدهد تاپاك دل گردد (۱۸). ونیست هیچ کس را نزد او نعمتی که جزا داده شود (۱۹). لیکن به طلب رضای پروردگار خود میدهد (۲۰). حتما بزودی خوشنود خواهد شد (۲۱).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

[۱]قسم به هنگام چاشت (۱). وقسم به شب چون بپوشد (۲). تورا پروردگار تو فرونگذاشت وخشم نگرفته است (۳). و هرآئینه آخرت برایت بهتر ازدنیا خواهد بود (٤). والبته پروردگارتو نعمت خواهد دادتورا پس خوشنود خواهی شد (٥). آیا تورا یتیم نیافت پس جای داد (٦). وتوراراه گم کرده [۲] یافت پس راه نمود (۷). وتوراتنگدست یافت پس توانگر ساخت (۸). پس امایتیم را پس ستم مکن (۹). واما سائل را پس به سختی مران (۱۰). وامابه نعمت پروردگارخود پس خبردِه (۱۱).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

آیا سینه تورا برایت نگشاده ایم (۱). وازتو بار(سنگین) تورا برنداشتیم (۲).

---

(۱) مترجم گوید که چندروزوحی نیامده بود کفار گفتند (وَدَّعَهُ رَبّهُ وَقَلاهُ) خدای تعالی برای تسلی او این سوره را فروفرستاد.

(۲) یعنی تو شریعت نمیدانستی والله اعلم.

ٱلَّذِىٓ أَنقَضَ ظَهْرَكَ ﴿٣﴾ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿٤﴾ فَإِنَّ مَعَ ٱلْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾
إِنَّ مَعَ ٱلْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾ فَإِذَا فَرَغْتَ فَٱنصَبْ ﴿٧﴾ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَٱرْغَب ﴿٨﴾

سُورَةُ التِّينِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلتِّينِ وَٱلزَّيْتُونِ ﴿١﴾ وَطُورِ سِينِينَ ﴿٢﴾ وَهَٰذَا ٱلْبَلَدِ ٱلْأَمِينِ ﴿٣﴾
لَقَدْ خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ فِىٓ أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿٤﴾ ثُمَّ رَدَدْنَٰهُ أَسْفَلَ سَٰفِلِينَ
﴿٥﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٦﴾
فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِٱلدِّينِ ﴿٧﴾ أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِأَحْكَمِ ٱلْحَٰكِمِينَ ﴿٨﴾

سُورَةُ العَلَقِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱقْرَأْ بِٱسْمِ رَبِّكَ ٱلَّذِى خَلَقَ ﴿١﴾ خَلَقَ ٱلْإِنسَٰنَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾ ٱقْرَأْ
وَرَبُّكَ ٱلْأَكْرَمُ ﴿٣﴾ ٱلَّذِى عَلَّمَ بِٱلْقَلَمِ ﴿٤﴾ عَلَّمَ ٱلْإِنسَٰنَ
مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾ كَلَّآ إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لَيَطْغَىٰٓ ﴿٦﴾ أَن رَّءَاهُ ٱسْتَغْنَىٰٓ
﴿٧﴾ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ ٱلرُّجْعَىٰٓ ﴿٨﴾ أَرَءَيْتَ ٱلَّذِى يَنْهَىٰ ﴿٩﴾ عَبْدًا
إِذَا صَلَّىٰٓ ﴿١٠﴾ أَرَءَيْتَ إِن كَانَ عَلَى ٱلْهُدَىٰٓ ﴿١١﴾ أَوْ أَمَرَ بِٱلتَّقْوَىٰٓ ﴿١٢﴾

آن بارکه پشت تورا گران کرده بود (۳). وآوازه ات رابرایت بلند ساختیم (٤). پس هرآئینه پس از هر دشواری آسانی است (۵). البته پس از دشواری آسانی است (٦). پس وقتیکه ازکاروبارفارغ شدی درعبادت خدا کوشش کن (۷). وبه سوی پروردگارخود بگرای (ودرنزداوتذلل کن) (۸).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به انجیر وزیتون (۱). وقسم بطور سِینا (۲). وقسم به این شهرِ امن (یعنی مکه) (۳). هر آئینه انسان را درنیکوترین صورت آفریدیم (٤). پس گردانیدیم آن رافروتر ازهمه فروماندگان [۱] (۵). مگر آنانکه ایمان آورده اند وکارهای شایسته کرده اند پس ایشانرا اجربی نهایت است (٦). پس ای آدمی چه چیز تورا وادار میکند بعد از این همه پند بردروغ انگاشتن درباب پاداش اعمال [۲] (۷). آیا خدااحکم الحاکمین نیست؟ (۸).
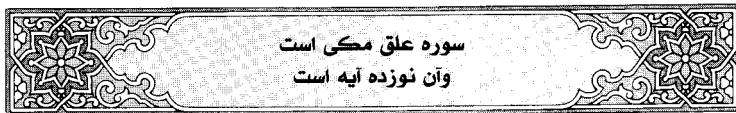
بنام خدای بخشاینده مهربان.

بخوان به نام پروردگارخود که آفرید (۱). انسان را ازخون بسته آفرید (۲). بخوان وپروردگار تو بزرگوارتراست (۳). آنکه بوسیلهٔ قلم علم آموخت (٤). انسان را آنچه نمیدانست [۱] آموخت (۵). به‌درستیکه انسان ازحد میگذرد (٦). هنگامیکه خودرا توانگرشده می بیند (۷). هرآئینه بازگشت به سوی پروردگارتوست (۸). آیادیدی شخصی را که منع میکند (۹). بنده راچون نماز می خواند (۱۰). به من بگو که ا گر براه راست می بودی (چه اتفاقی می افتاد؟) (۱۱). یا به پرهیزگاری فرمان می داد؟ (۱۲).

سوره تین

(۱) یعنی وقتیکه کافرشدفطرت سلیمه راضائع ساخت.

(۲) وشاید که معنی آیت چنین باشد پس چه چیز باعث تکذیب تو میشود یا محمد، قضیه جزای اعمال، بعد از این همه پند.

سوره علق

(۱) مترجم گوید اقرأ باسم ربك تامالم يعلم اولین آیاتی است که برآنحضرت صلی الله علیه وسلم نازل شد ومعنی اقرأ تهیؤ است برای وحی قرآن و تلاوت آن.

أَرَءَيْتَ إِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰٓ ﴿١٣﴾ أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ ٱللَّهَ يَرَىٰ ﴿١٤﴾ كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنتَهِ
لَنَسْفَعًۢا بِٱلنَّاصِيَةِ ﴿١٥﴾ نَاصِيَةٍ كَٰذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ﴿١٦﴾ فَلْيَدْعُ نَادِيَهُۥ ﴿١٧﴾
سَنَدْعُ ٱلزَّبَانِيَةَ ﴿١٨﴾ كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَٱسْجُدْ وَٱقْتَرِب ۩ ﴿١٩﴾

سَجْدَة

سُورَةُ القَدْرِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِنَّآ أَنزَلْنَٰهُ فِى لَيْلَةِ ٱلْقَدْرِ ﴿١﴾ وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا لَيْلَةُ ٱلْقَدْرِ ﴿٢﴾
لَيْلَةُ ٱلْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿٣﴾ تَنَزَّلُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ وَٱلرُّوحُ فِيهَا
بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾ سَلَٰمٌ هِىَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ ٱلْفَجْرِ ﴿٥﴾

سُورَةُ البَيِّنَةِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

لَمْ يَكُنِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ وَٱلْمُشْرِكِينَ مُنفَكِّينَ حَتَّىٰ
تَأْتِيَهُمُ ٱلْبَيِّنَةُ ﴿١﴾ رَسُولٌ مِّنَ ٱللَّهِ يَتْلُوا۟ صُحُفًا مُّطَهَّرَةً ﴿٢﴾ فِيهَا كُتُبٌ
قَيِّمَةٌ ﴿٣﴾ وَمَا تَفَرَّقَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ
ٱلْبَيِّنَةُ ﴿٤﴾ وَمَآ أُمِرُوٓا۟ إِلَّا لِيَعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ
حُنَفَآءَ وَيُقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُوا۟ ٱلزَّكَوٰةَ ۚ وَذَٰلِكَ دِينُ ٱلْقَيِّمَةِ ﴿٥﴾

آیادیدی که چه میشد ا گر (حق را) دروغ انگارد ورویگردان گشت (چه اتفاقی می افتد؟) (۱۳). آیا ندانست این روگردانده که خدا می بیند [۱] (۱٤). نه!، ا گرباز نه ایستد خواهیم اورا به موی پیشانی کشید (۱۵). به آن موی پیشانی دروغ زن خطاکار (۱٦). پس باید که هم مجلسان خودرا فریاد کند (۱۷). مانیز فرشتگان سخت کیفررا فرا خواهیم خواند [۲] (۱۸). نه! فرمان او را قبول مکن ونمازبخوان و تقرّب خدا بجوی (۱۹).
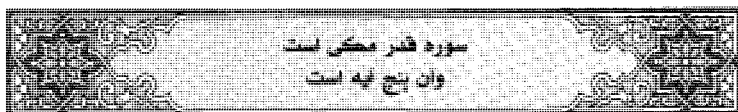
بنام خدای بخشاینده مهربان.

هرآئینه ما قرآن رادرشب قدر [۱] فرود آوردیم (۱). و توچه می دانی که شبِ قدر چیست؟ (۲). شب قدر ازهزار ماه بهتراست (۳). فرشتگان وروح (جبریل) درآن شب به فرمان پروردگار خویش برای سرانجام کردن هرکاری فرودمی آیند (٤). آن شب تاوقت طلوع فجر محض سلامتی است (۵).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

نبودند کافران [۱] ازاهل کتاب ومشرکان جدا شونده (یعنی ازآئین خود) تاوقتیکه به ایشان حجّت ظاهر بیاید [۲] (۱). پیامبری ازجانب خدا که صحیفه های پاك را (یعنی سور قرآن) میخواند (۲). درآن صحیفه ها احکامیست راست درست (۳). واهل کتاب متفرق نشدند [۳] مگر بعد ازآنکه بایشان حجت ظاهر آمد (٤). وفرمان داده نشدند جز آنکه خدا را درحالی که پرستش را برای او خالص ساخته بپاکدلی بپرستند (متدین بدین ابراهیم شده اند) ونمازرا برپادارند وزکوٰة را بدهند واین است احکام دین درست (۵).

سوره علق

(۱) یعنی بایددانست که عاقبت اهتداوهدایت بهشت است وعاقبت ضلال واضلال دوزخ است پس این مدعارا بنوعی ازبلاغت اداکرده شده. (۲) یعنی فرشتگان سخت عقوبت کننده را.

سوره قدر

(۱) یعنی یکد فعه از لوح محفوظ بآسمان دنیا.

سوره بیّنه

(۱) یعنی حال ایشان مقتضی ارسال رسول وانزال کتاب بودازین جهت رسول را فرستادیم وقرآن را فرودآوردیم.

(۲) یعنی ایشانرا تکلیف نکردیم بترك ادیان خویش مگر بعد از اقامت حجت ظاهر.

(۳) یعنی بعضی مقبول شدند وبعضی مردود.

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ وَٱلْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَآۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمْ شَرُّ ٱلْبَرِيَّةِ ﴿٦﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمْ خَيْرُ ٱلْبَرِيَّةِ ﴿٧﴾ جَزَآؤُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّٰتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًاۖ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُواْ عَنْهُۚ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُۥ ﴿٨﴾

سُورَةُ الزَّلْزَلَةِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِذَا زُلْزِلَتِ ٱلْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ﴿١﴾ وَأَخْرَجَتِ ٱلْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ﴿٢﴾ وَقَالَ ٱلْإِنسَٰنُ مَا لَهَا ﴿٣﴾ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ﴿٤﴾ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ﴿٥﴾ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ ٱلنَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْاْ أَعْمَٰلَهُمْ ﴿٦﴾ فَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُۥ ﴿٧﴾ وَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُۥ ﴿٨﴾

سُورَةُ العَادِيَاتِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلْعَٰدِيَٰتِ ضَبْحًا ﴿١﴾ فَٱلْمُورِيَٰتِ قَدْحًا ﴿٢﴾ فَٱلْمُغِيرَٰتِ صُبْحًا ﴿٣﴾ فَأَثَرْنَ بِهِۦ نَقْعًا ﴿٤﴾ فَوَسَطْنَ بِهِۦ جَمْعًا ﴿٥﴾

هرآئینه آنانکه کافرشدند از اهل کتاب ومشرکان درآتش دوزخ درآنجا جاویدان باشند آن جماعت ایشان بدترین خلق اند (٦). هرآئینه آنانکه ایمان آورده اند وکارهای شایسته کرده اند آن جماعت ایشان بهترین خلق اند (٧). پاداش ایشان نزد پروردگارایشان بوستانهای همیشه باقی ماندن است که می رود زیر آنها جویها در آنجا همیشه جاویدان، خدا ازایشان خوشنود شد وایشان (نیز) ازخدا خوشنود شدند این وعده کسی راست که ازپروردگار خود بترسد (٨).
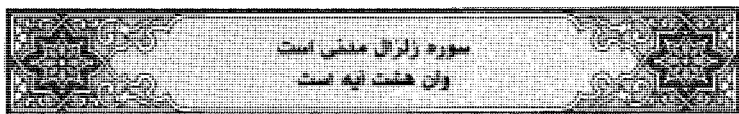
بنام خدای بخشاینده مهربان.

هنگامیکه زمین به (آن) لرزش خود لرزانده شود (١). وزمین بارهای سنگین خودش را بیرون آورد [1] (٢). وانسان گوید چه حالتست زمین را؟ (٣). آنروز زمین از خبرهای خود سخن می‌گوید (٤). چراکه پروردگارتو به آن حکم فرستاده است (٥). آنروز مردمان براحوال مختلف [2] بازگردند تانموده شود به ایشان جزای اعمال ایشان (٦). پس هرکه هم وزنِ یك ذره عمل نیك کرده باشد آن را ببیند (٧). وهرکه هم وزنِ یك ذره عمل بد کرده باشد آن را ببیند (٨).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به اسپان تیزدونده پُردم (١). پس قسم به اسپان که آتش برآرنده اند (به آنکه بنعل خود سنگ رابزنند) (٢). پس قسم به اسپان غارت کننده چون دروقت صبح درآیند (٣). پس به آنوقت غبارررا برانگیزند [1] (٤). پس به آنوقت درمیان جماعتی درآیند [2] (٥).

سوره زلزال

(١) یعنی گنجهارا.

(٢) یعنی ازجای حساب.

سوره عادیات

(١) یعنی بسبب دویدن.

(٢) یعنی ازاعداء مترجم گوید این قَسَم اشارت است بآنکه جهاد مشروع خواهد شدورضای الهی درنگاهداشت اسپان غازیان تعلق خواهد گرفت والله اعلم.

ثلاثة أرباع الحزب ٦٠

إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لِرَبِّهِۦ لَكَنُودٌ ۝٦ وَإِنَّهُۥ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ ۝٧ وَإِنَّهُۥ لِحُبِّ ٱلْخَيْرِ لَشَدِيدٌ ۝٨ ۞ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِى ٱلْقُبُورِ ۝٩ وَحُصِّلَ مَا فِى ٱلصُّدُورِ ۝١٠ إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌۢ ۝١١

سُورَةُ القَارِعَةِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱلْقَارِعَةُ ۝١ مَا ٱلْقَارِعَةُ ۝٢ وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا ٱلْقَارِعَةُ ۝٣ يَوْمَ يَكُونُ ٱلنَّاسُ كَٱلْفَرَاشِ ٱلْمَبْثُوثِ ۝٤ وَتَكُونُ ٱلْجِبَالُ كَٱلْعِهْنِ ٱلْمَنفُوشِ ۝٥ فَأَمَّا مَن ثَقُلَتْ مَوَٰزِينُهُۥ ۝٦ فَهُوَ فِى عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ ۝٧ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَٰزِينُهُۥ ۝٨ فَأُمُّهُۥ هَاوِيَةٌ ۝٩ وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا هِيَهْ ۝١٠ نَارٌ حَامِيَةٌۢ ۝١١

سُورَةُ التَّكَاثُرِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

أَلْهَىٰكُمُ ٱلتَّكَاثُرُ ۝١ حَتَّىٰ زُرْتُمُ ٱلْمَقَابِرَ ۝٢ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝٣ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝٤ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ ٱلْيَقِينِ ۝٥ لَتَرَوُنَّ ٱلْجَحِيمَ ۝٦ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ ٱلْيَقِينِ ۝٧ ثُمَّ لَتُسْـَٔلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ ٱلنَّعِيمِ ۝٨

هرآئینه انسان به نسبت پروردگارخود ناشکراست (٦). وهرآئینه انسان برناسپاسی خود مطلع است (۷). وهرآئینه آدمی دردوست داشتن مال زیاده رَو است (۸). آیا پس نمیداند که چون برانگیخته شودهرآنچه درگورهاباشد (۹). وظاهر ساخته شود هر آنچه درسینه‌ها باشد (۱۰). هرآئینه پروردگارایشان به احوال ایشان آن روز خبرداراست (۱۱).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

قیامت (۱). چیست آن قیامت؟ (۲). وتو چه می دانی که آن قیامت چیست؟ (قیامت متحقق شود) (۳). روزی که مردمان مانند پروانه های پرا کنده ساخته باشند (٤). وکوه ها مانند پشم رنگین محلوج نموده باشند (٥). پس اماهر که ترازو حسناتِ او گران شد (٦). پس آن شخص درمَعِیشتی پسندیده باشد (۷). واماهرکه میزان ترازویش سبك شد (۸). پس جای ماندن آنشخص هاویه باشد (۹). وتوچه می دانی که چیست هاویه؟ (۱۰). آتشی داغ است (۱۱).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

شمارا ازیکدیگر بسیار طلبِی مال غافل کرد (۱). تاوقتیکه بگورستانها [۱] رسیدید (۲). هرگز، خواهید دانست (۳). باز(میگوییم) نه هرگز، خواهید دانست (٤). هرگز، ا گر بدانید حقیقت کاررابعلم یقین (غافل نمی شوید) (٥). البته دوزخ را خواهید دید (٦). بازالبته دوزخ را دیدن ظاهر بی شبهه خواهید دید (۷). بازالبته آنروز ازنعمت [۲] سوال کرده خواهید شد (۸).

(۱) یعنی مدفون شدید.
(۲) یعنی درمقابله آن شکر کردید یا کفران ورزیدید.

سُورَةُ العَصۡرِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلۡعَصۡرِ ۝١ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَفِي خُسۡرٍ ۝٢ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡحَقِّ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ ۝٣

سُورَةُ الهُمَزَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَيۡلٞ لِّكُلِّ هُمَزَةٖ لُّمَزَةٍ ۝١ ٱلَّذِي جَمَعَ مَالٗا وَعَدَّدَهُۥ ۝٢ يَحۡسَبُ أَنَّ مَالَهُۥٓ أَخۡلَدَهُۥ ۝٣ كَلَّاۖ لَيُنۢبَذَنَّ فِي ٱلۡحُطَمَةِ ۝٤ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡحُطَمَةُ ۝٥ نَارُ ٱللَّهِ ٱلۡمُوقَدَةُ ۝٦ ٱلَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى ٱلۡأَفۡـِٔدَةِ ۝٧ إِنَّهَا عَلَيۡهِم مُّؤۡصَدَةٞ ۝٨ فِي عَمَدٖ مُّمَدَّدَةِۭ ۝٩

سُورَةُ الفِيلِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

أَلَمۡ تَرَ كَيۡفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصۡحَٰبِ ٱلۡفِيلِ ۝١ أَلَمۡ يَجۡعَلۡ كَيۡدَهُمۡ فِي تَضۡلِيلٖ ۝٢ وَأَرۡسَلَ عَلَيۡهِمۡ طَيۡرًا أَبَابِيلَ ۝٣ تَرۡمِيهِم بِحِجَارَةٖ مِّن سِجِّيلٖ ۝٤ فَجَعَلَهُمۡ كَعَصۡفٖ مَّأۡكُولِۭ ۝٥

بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به زمان (۱). که هرآئینه انسان در زیانکاری است (۲). مگر آنانکه ایمان آورده اند وعملهای شایسته کرده اند ویکدیگر را به دین درست وصیت کردند ویکدیگر را به شکیبایی وصیت کردند (۳).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

وای برای هر عیب کننده غیبت گوینده (۱). آنکه مال را فراهم آورد وآن را نگاهداشت (۲). می پندارد که مالش اوراجاویدان می گرداند (۳). هرگز، البته به حطمه انداخته خواهد شد (٤). وتو چه می دانی که حطمه چیست؟ (۵). آتش افروخته شدهٔ خدا است (٦). که بر دلها چیره شود (۷). هرآئینه آن آتش برایشان گماشته شده است (۸). درستون های درازدرآورده شده است (۹).
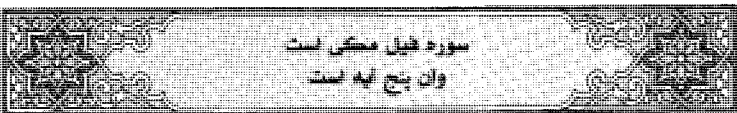
بنام خدای بخشاینده مهربان.

[1] آیا ندیدی بااهل فیل پروردگار تو چگو نه معامله کرد؟ (۱). آیا بداندیشی ایشان را درتباهی قرارنداد (۲). وبرایشان پرندگان را گروه گروه فرستاد (۳). به سوی ایشان سنگ ریزها ازسنگ گِل می انداختند (٤). پس سرانجام ایشانرا مانند باقیمانده (کاه) آخور بعد ازخوردن دَوابّ قرار داد (۵).

---

(۱) مترجم گویدابرهه پادشاه یمن عزم هدم کعبه را کرد وفیلانِ بسیار ولشکر بیشمار بهم آورد چون نزدیك کعبه رسید خدای تعالی ابابیل را حکم فرمود تا بوسیلهٔ سنگباران آنان را هلاك کند.

سُورَةُ قُرَيْشٍ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

لِإِيلَٰفِ قُرَيْشٍ ﴿١﴾ إِۦلَٰفِهِمْ رِحْلَةَ ٱلشِّتَآءِ وَٱلصَّيْفِ ﴿٢﴾ فَلْيَعْبُدُوا۟ رَبَّ هَٰذَا ٱلْبَيْتِ ﴿٣﴾ ٱلَّذِىٓ أَطْعَمَهُم مِّن جُوعٍ وَءَامَنَهُم مِّنْ خَوْفٍۭ ﴿٤﴾

سُورَةُ المَاعُونِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

أَرَءَيْتَ ٱلَّذِى يُكَذِّبُ بِٱلدِّينِ ﴿١﴾ فَذَٰلِكَ ٱلَّذِى يَدُعُّ ٱلْيَتِيمَ ﴿٢﴾ وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلْمِسْكِينِ ﴿٣﴾ فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ ﴿٤﴾ ٱلَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿٥﴾ ٱلَّذِينَ هُمْ يُرَآءُونَ ﴿٦﴾ وَيَمْنَعُونَ ٱلْمَاعُونَ ﴿٧﴾

سُورَةُ الكَوْثَرِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِنَّآ أَعْطَيْنَٰكَ ٱلْكَوْثَرَ ﴿١﴾ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَٱنْحَرْ ﴿٢﴾ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ ٱلْأَبْتَرُ ﴿٣﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

برای (شُکر) الفت دادن قریش (۱). (یعنی) الفت دادن ایشان به سفرزمستان وتابستان (۲). پس باید که پروردگار این خانه را عبادت کنند (۳). آنکه ایشانرا از گرسنگی طعام داد و ایشان را دربیمناکی أمن وامان بخشید (٤).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

آیا دیدی آن شخص را که جزای اعمال را دروغ انگاشت؟ (۱). پس آن شخص مردیست که یتیم را به اهانت میراند (۲). وبرطعام دادن فقیر بینوا ترغیب نمیدهد (۳). پس وای بر آن نماز گزاران (٤). که ایشان ازنماز خود غفلت می ورزند (٥). آنانکه ایشان خودنمایی می کنند (٦). وماعون را (عاریت) نمید هند [۱] (۷).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

(یا محمد) هرآئینه ما توراکوثر [۱] عطا کردیم (۱). پس نماز گزار برای پروردگار خود و (شتر را) نحر کن (۲). هرآئینه دشمن توهمانست دُم بریده (بیزادوفرزند) (۳).

سوره ماعون

(۱) یعنی سوزن ودیگ وپیاله ودلوومانند آن مترجم گوید نصف این سوره تصویر حال کافراست و نصف دیگر تصویر حال منافق والله اعلم.

سوره کوثر

(۱) کوثر نام حوضی است که درآخرت خواهد بود امت آنحضرت صلی الله علیه وسلم ازآن خواهند آشامید.

سُورَةُ الكَافِرُونَ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

قُلْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلْكَٰفِرُونَ ﴿١﴾ لَآ أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾
وَلَآ أَنتُمْ عَٰبِدُونَ مَآ أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَآ أَنَا۠ عَابِدٌ مَّا عَبَدتُّمْ ﴿٤﴾
وَلَآ أَنتُمْ عَٰبِدُونَ مَآ أَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِىَ دِينِ ﴿٦﴾

سُورَةُ النَّصْرِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِذَا جَآءَ نَصْرُ ٱللَّهِ وَٱلْفَتْحُ ﴿١﴾ وَرَأَيْتَ ٱلنَّاسَ
يَدْخُلُونَ فِى دِينِ ٱللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿٢﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
وَٱسْتَغْفِرْهُ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ تَوَّابًۢا ﴿٣﴾

سُورَةُ المَسَدِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

تَبَّتْ يَدَآ أَبِى لَهَبٍ وَتَبَّ ﴿١﴾ مَآ أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُۥ وَمَا كَسَبَ ﴿٢﴾
سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ﴿٣﴾ وَٱمْرَأَتُهُۥ حَمَّالَةَ ٱلْحَطَبِ ﴿٤﴾
فِى جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍۭ ﴿٥﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان.

بگو ای کافران (۱). پرستش نمی کنم آنچه راکه شمامی پرستید (۲). ونه شما پرستنده اید آنچه راکه من می پرستم (۳). ونه من پرستنده ام آنچه راکه شمامی پرستیدید (٤). ونه شما پرستنده اید آنچه را که من می پرستم (٥). برای شمادین شماست وبرای من دین من است (٦).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

وقتیکه نصرت خدا بیاید و فتح (بظهور) آید (۱). ومردمان را ببینی دردین خدا گروه گروه داخل میشوند (۲). پس بپاکی همراه ستایش پروردگار خودرا یادکن واز وی آمرزش طلب کن هرآئینه خدا (به رحمت) بسیارتوبه پذیر [۱] هست (۳).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

هلاك باد دودست [۱] ابو لهب و هلاك باد ابولهب [۲] (۱). از سرابو لهب مال او و آنچه کسب کرده بود هیچ دفع نکرد (۲). به آتش دارای شعله درخواهد آمد (۳). وزَنِ اونیز درآید (مراد) بردارنده هیزم [۳] (٤). درگردن اوریسمانی ازلیفِ خرما است [٤] (٥).

سوره نصر

(۱) یعنی این همه علامت قرب اجل تست یا محمد پس در استعداد آخرت پای بند شو.

سوره مسد

(۱) آنحضرت اقارب خود را ازآتش دوزخ تخویف فرمود پس ابو لهب سنگی بطرف آنحضرت صلی الله علیه وسلم انداخت وگفت که آیا برای این کار مارا جمع کرده بودی پس این سوره نازل شد.

(۲) دودست کنایه ازذات اوست.

(۳) یعنی سخن چینی کننده.

(٤) یعنی بخفه کردن تعذیب کرده شود.

سُورَةُ الإِخْلَاصِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ۝١ ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ ۝٢ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝٣
وَلَمْ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدٌۢ ۝٤

سُورَةُ الفَلَقِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلْفَلَقِ ۝١ مِن شَرِّ مَا خَلَقَ ۝٢ وَمِن شَرِّ
غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ۝٣ وَمِن شَرِّ ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِى ٱلْعُقَدِ ۝٤
وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ۝٥

سُورَةُ النَّاسِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ ۝١ مَلِكِ ٱلنَّاسِ ۝٢ إِلَٰهِ
ٱلنَّاسِ ۝٣ مِن شَرِّ ٱلْوَسْوَاسِ ٱلْخَنَّاسِ ۝٤ ٱلَّذِى
يُوَسْوِسُ فِى صُدُورِ ٱلنَّاسِ ۝٥
مِنَ ٱلْجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ ۝٦

بنام خدای بخشاینده مهربان.

بگو او خدای یگانه است (۱). خدای‌بی نیازاست (۲). نه (فرزند) زاده ونه زاده شده است (۳). وهیچکس همتای او (نبوده) ونیست (٤).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

بگو به پروردگار صبح پناه می برم (۱). ازشر هرچه آفریده است (۲). وازشرِّ شبِ تاریك چون تاریکیِ اومنتشر شود (۳). وازشر(زنان) سحر کننده در گرهها دم زننده (٤). و ازشر حاسد (رشکخور) چون حسد کند (٥).

بنام خدای بخشاینده مهربان.

بگو به پروردگار مردمان پناه می برم (۱). پادشاهِ مردمان (۲). معبودِ مردمان (۳). ازشر وسوسه گرِ بازپس رونده (به هنگام یادخدا) (٤). آنکه در سینه های مردمان وسوسه می افکند (٥). ازجنیّان باشد یااز مردمان (٦).

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

رِوَايَةُ هَٰذَا الْمُصْحَفِ

وَمُصْطَلَحَاتُ رَسْمِهِ وَضَبْطِهِ وَعَدِّ آيِهِ

كُتِبَ هٰذا المُصحَفُ الكريمُ ، وضُبِطَ على ما يوافِقُ رِوَايَةَ حفصِ بنِ سُليمانَ بنِ المغيرةِ الأَسَدِيِّ الكُوفِيِّ لِقراءةِ عاصِمِ بنِ أبي النَّجُودِ الكوفيِّ التَّابعيِّ عَن أَبي عبدِ الرَّحمٰن عبدِ اللهِ ابنِ حَبيبٍ السُّلَمِيِّ عن عُثمانَ بنِ عفَّانَ ، وَعليِّ بنِ أَبي طالبٍ ، وَزيدِ بنِ ثابتٍ ، وَأُبيِّ ابنِ كعبٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وسَلَّمَ .

وأُخِذَ هِجاؤُه مِمَّا رَوَاهُ عُلماءُ الرَّسمِ عَنِ المَصاحِفِ الَّتي بعثَ بها الخليفةُ الرَّاشِدُ عُثمانُ بنُ عفَّانَ «رَضِيَ اللهُ عَنهُ» إلى مكَّةَ ، والبصرةِ ، والكوفةِ ، والشَّامِ ، والمُصحَفِ الَّذي جعلَه لِأَهلِ المدينةِ ، وَالمُصحفِ الَّذي اختصَّ بِهِ نفسَهُ ، وَعنِ المَصاحِفِ المُنتَسخةِ مِنها ، وقد رُوعِيَ في ذٰلكَ ما نقلَه الشَّيخانِ : أَبو عَمرٍو الدَّانِيُّ ، وأَبو داودَ سُليمانُ بنُ نجاحٍ مَعَ ترجيحِ الثَّاني عندَ الاختِلافِ غالبًا ، وَقد يُؤخَذُ بقولِ غيرِهِما .

هٰذا ، وكلُّ حرفٍ من حُروفِ هٰذا المُصحَفِ مُوافِقٌ لِنَظيرِهِ في المَصاحِفِ العُثمانيَّةِ السَّابقِ ذكرُها .

وأُخِذَتْ طَريقةُ ضَبطِهِ مِمَّا قرَّرَه عُلماءُ الضَّبطِ على حَسَبِ ما وَرَدَ في كِتابِ «الطِّرازِ على ضَبطِ الخرَّازِ» لِلإمامِ التَّنَسِيِّ ، وَغيرِهِ مِنَ الكُتُبِ ، مَعَ الأَخذِ بعلاماتِ

الخليل بن أحمد، وأتباعه من المشارقة غالبًا بدلًا من علامات الأندلسيين والمغاربة.

واتُّبِعَت في عدِّ آياته طريقةُ الكوفيين عن أبي عبد الرحمن عبد الله بن حبيب السُّلَمِيّ عن عليّ بن أبي طالب «رضي الله عنه» وعددُ آي القرآن على طريقتهم «٦٢٣٦» آية.

وقد اعتُمِدَ في عدِّ الآي على ما ورد في كتاب «البيان» للإمام أبي عمرو الدَّانيّ و«ناظمة الزُّهْر» للإمام الشَّاطبيّ، وشرحيها للعلَّامة أبي عيد رضوان المخلّلاتي والشَّيخ عبد الفتّاح القاضي، و«تحقيق البيان» للشَّيخ محمّد المتولّي وما ورد في غيرها من الكتب المدوَّنة في علم الفواصل.

وأُخِذَ بيانُ أجزائه الثَّلاثين، وأحزابه السِّتّين، وأنصافها وأرباعها من كتاب «غيث النَّفع» للعلَّامة الصَّفاقسيّ، وغيره من الكتب.

وأُخِذَ بيانُ مكيِّه، ومدنيِّه في الجدول الملحق بآخر المصحف من كتب التَّفسير والقراءات.

ولم يُذكر المكيّ، والمدنيّ بين دفَّتي المُصحف أوّل كلّ سورة اتّباعًا لإجماع السَّلف على تجريد المُصحف ممّا سوى القرآن الكريم، حيثُ نُقل الأمرُ بتجريد المُصحف ممّا سوى القرآن عن ابن عُمر، وابن مسعود، والنَّخعيّ، وابن سيرين: كما في «المحكم» للدَّانيّ، و«كتاب المصاحف» لابن أبي داود وغيرهما، ولأنّ بعض السُّور مختلفٌ في مكيّتها ومدنيّتها، كما لم تُذكر الآياتُ المُستثناة من المكيّ والمدنيّ، لأنّ الرَّاجح أنّ ما نزل قبل الهجرة، أو في طريق الهجرة فهو مكيٌّ، وإن نزل بغير مكّة، وأنّ ما نزل بعد الهجرة فهو مدنيٌّ وإن نزل بمكّة، ولأنّ المسألة فيها خلافٌ محلّه كتب التَّفسير وعُلوم القرآن الكريم.

وَأُخِذَ بيَانُ وُقوفِهِ مِمَّا قرَّرَتْهُ اللَّجنَة المُشْرِفَة عَلىٰ مُراجعَةِ هٰذا المُصحَفِ علىٰ حَسَبِ مَا اقتضَتهُ المعَانى مُسْتَرشِدَةً فى ذٰلِكَ بأقوَال المفَسِّرينَ وعُلمَاءِ الوَقفِ وَالابتِداءِ : كالدَّانىّ فى كِتَابهِ «المُكتفى فى الوَقفِ والابتِدَا» وَأبى جعفر النَّحَّاسِ فى كِتَابهِ «القَطْعِ والائتِنَافِ» وَمَا طُبِعَ من المَصَاحِفِ سَابِقًا .

وَأُخِذَ بيَانُ السَّجدَاتِ ، وَمَواضِعِهَا مِن كُتُبِ الحَدِيثِ وَالفِقهِ علىٰ خِلَافٍ فى خَمسٍ منهَا بينَ الأَئِمَّةِ الأَربعَةِ ، ولَمْ تتعَرَّضِ اللَّجنَةُ لذِكرِ غيرِهِم وفاقًا أوخِلَافًا ، وَهىَ السَّجدَةُ الثَّانيَةُ بِسُورَةِ الحَجّ ، وَالسَّجدَاتُ الوَارِدَةُ فى السُّورِ الآتِيَةِ : صٓ ، وَالنَّجمِ ، وَالانشِقَاقِ ، وَالعَلَقِ .

وَأُخِذَ بيَانُ مَوَاضِعِ السَّكتَاتِ عِندَ حَفصٍ مِنَ «الشَّاطبيَّةِ» وَشُرُوحِهَا وَتُعرَفُ كيفِيَّتُهَا بِالتَّلَقّى مِنْ أفوَاهِ الشُّيُوخِ .

اصْطِلَاحَاتُ الضَّبْطِ

وَضْعُ دائِرَةٍ خَاليَةِ الوَسَطِ هٰكذا «ٜ» فوقَ أَحَدِ أَحْرُفِ العِلَّةِ الثَّلَاثَةِ المَزِيدَةِ رَسْمًا يَدُلُّ عَلىٰ زِيادَةِ ذٰلكَ الحَرفِ ، فَلا يُنطَقُ بهِ فِى الوَصلِ وَلا فِى الوَقفِ نَحْوُ : (ءَامَنُواْ) (يَتْلُواْ صُحُفًا) (لَأَاْذْبَحَنَّهُۥٓ) (أُوْلَٰٓئِكَ) (مِن نَّبَإِيْ ٱلْمُرْسَلِينَ) (بَنَيْنَٰهَا بِأَيْيْدٍ) .

وَوَضْعُ دائِرَةٍ قَائِمَةٍ مُسْتَطِيلَةٍ خَاليَةِ الوَسَطِ هٰكذَا «ٖ» فوقَ أَلِفٍ بعدَهَا مُتحَرِّكٌ يَدُلُّ عَلىٰ زِيَادَتِهَا وَصلًا لا وَقفًا نحوُ : (أَنَا۠ خَيْرٌ مِّنْهُ) (لَّٰكِنَّا۠ هُوَ ٱللَّهُ رَبِّى) وَأُهمِلَتِ الأَلِفُ الَّتى بعدَهَا سَاكِنٌ نَحْوُ : (أَنَا ٱلنَّذِيرُ) مِنْ وَضعِ العَلَامَةِ السَّابِقَةِ

فوقها ، وإن كان حكمها مثل التى بعدها متحرك فى أنها تسقط وصلا ، وتثبت وقفا لعدم توهم ثبوتها وصلا .

ووضع رأس خاء صغيرة بدون نقطة هكذا « ~ » فوق أي حرف يدل على سكون ذلك الحرف وعلى أنه مظهر بحيث يقرعه اللسان نحو : (مِنْ خَيْرٍ) (أَوَعَظْتَ) (قَدْ سَمِعَ) (نَضِجَتْ جُلُودُهُم) (وَإِذْ صَرَفْنَآ)

وتعرية الحرف من علامة السكون مع تشديد الحرف التالى تدل على إدغام الأول فى الثانى إدغامًا كاملًا بحيث يذهب معه ذات المدغم وصفته ، فالتشديد يدل على الإدغام ، والتعرية تدل على كماله ، نحو : (مِّن لِّينَةٍ) ، (مِّن رَّبِّكَ) (مِن نُّورٍ) (مِّن مَّآءٍ) (أُجِيبَت دَّعْوَتُكُمَا) (عَصَواْ وَّكَانُواْ) (وَقَالَت طَّآئِفَةٌ) (بَل رَّفَعَهُ ٱللَّهُ إِلَيْهِ) وكذا قوله تعالى : (أَلَمْ نَخْلُقكُّم) .

وتعريته مع عدم تشديد التالى تدل على إدغام الأول فى الثانى إدغامًا ناقصًا بحيث يذهب معه ذات المدغم مع بقاء صفته نحو : (مَن يَقُولُ) (مِن وَالٍ) ، (فَرَّطتُمْ) (بَسَطتَ) (أَحَطتُ) ، أو تدل على إخفاء الأول عند الثانى ، فلا هو مظهر حتى يقرعه اللسان ، ولا هو مدغم حتى يقلب من جنس تاليه سواء أكان هذا الإخفاء حقيقيًا نحو : (مِن تَحْتِهَا) أم شفويًا نحو : (جَآءَهُم بِٱلْحَقِّ) على ما جرى عليه أكثر أهل الأداء من إخفاء الميم عند الباء .

وتركيب الحركتين « حركة الحرف والحركة الدالة على التنوين » سواء أكانتا ضمتين ، أم فتحتين ، أم كسرتين هكذا (ٌ ً ٍ) يدل على إظهار التنوين نحو : (حَرِيصٌ عَلَيْكُم) (حَلِيمًا غَفُورًا) (وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) .

وَتَتَابُعُهمَا هٰكذَا: (ـٌٌ ـًـً ـٍـٍ) مع تَشْدِيدِ التَّالى يدُلّ على الإدْغَامِ الكَامِلِ نحو: (لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ) (مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُواْ) (يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ).

وَتَتَابُعهمَا مَعَ عدَمِ تَشْدِيدِ التَّالى يَدُلّ على الإدْغام النَّاقِص نحوُ: (رَحِيمٌ وَدُودٌ) (وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا) (فِى جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ) أَوْعَلَى الإخْفَاءِ نحوُ: (شِهَابٌ ثَاقِبٌ) (سِرَاعًا ذَٰلِكَ) (عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ).

فتركيبُ الحركتَيْنِ بمنزلةِ وَضعِ السُّكُونِ على الحرفِ، وَتَتَابُعهما بمنزلةِ تَعْرِيَتِهِ عَنهُ وَوَضْعُ مِيمٍ صَغِيرةٍ هٰكذَا: «م» بَدَلَ الحرَكةِ الثَّانيَةِ مِنَ المنُوَّنِ، أَوْ فَوقَ النُّونِ السَّاكِنَةِ بدَلَ السُّكونِ، مَعَ عدَمِ تَشْدِيدِ البَاءِ التَّالِيَةِ يَدُلّ علىٰ قَلْبِ التَّنْوِينِ أوِ النُّونِ السَّاكِنَةِ مِيمًا نحوُ: (عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ) (جَزَآءًۢ بِمَا كَانُواْ) (كِرَامٍۭ بَرَرَةٍ) (أَنۢبِئْهُم) (وَمِنۢ بَعْدُ).

وَالحرُوفُ الصَّغِيرَةُ تدُلّ علىٰ أَعْيَانِ الحرُوفِ المترُوكَةِ فى خَطِّ المصَاحِفِ العُثْمَانِيَّةِ مَعَ وُجُوبِ النُّطقِ بِهَا نحوُ: (ذَٰلِكَ ٱلْكِتَٰبُ) (دَاوُۥدَ)، (يَلْوُۥنَ أَلْسِنَتَهُم) (يُحْىِۦ وَيُمِيتُ) (إِنَّ رَبَّهُۥ كَانَ بِهِۦ بَصِيرًا) (إِنَّ وَلِۦِّىَ ٱللَّهُ) (إِۦلَٰفِهِمْ) (وَكَذَٰلِكَ نُۨجِى ٱلْمُؤْمِنِينَ).

وَكَانَ عُلَمَاءُ الضَّبْطِ يُلْحِقونَ هٰذِهِ الأَحْرُفَ حمرَاءَ بقدرِ حُرُوفِ الكِتَابَةِ الأَصْلِيَّةِ وَلكِن تعذَّرَ ذٰلكَ فى المَطَابِعِ أوَّلَ ظُهُورِهَا، فَاكْتُفِىَ بتَصْغِيرِهَا للدّلالَةِ علَى المقصُودِ لِلفَرْقِ بيْنَ الحرْفِ الملْحَقِ وَالحرْفِ الأَصْلِىّ.

وَالآنَ إلحاقُ هٰذِهِ الأَحْرُفِ بالحُمْرَةِ مُتيَسّرٌ وَلَوضُبِطَتِ المصَاحِفُ بالحُمْرَةِ والصُّفْرَةِ وَالخُضْرَةِ وفق التَّفْصِيلِ المعْرُوفِ فِى عِلْمِ الضَّبْطِ لكَانَ

لِذٰلِكَ سَلَفُ صَحِيحٌ مَقبُول، فَيَبقَى الضَّبطُ بِاللَّوْنِ الأَسوَدِ لأَنَّ المُسلِمِينَ اعتَادُوا عَلَيهِ.

وَإِذَا كَانَ الحَرْفُ المَترُوكُ لَهُ بَدَلٌ فِى الكِتَابَةِ الأَصلِيَّةِ عُوِّلَ فِى النُّطقِ عَلَى الحَرفِ المُلحَق لَا عَلَى البَدَلِ نَحوُ: (ٱلصَّلَوٰةَ) (كَمِشْكَوٰةٍ) (ٱلرِّبَوٰاْ) (وَإِذِ ٱسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِۦ).

وَوَضعُ السِّينِ فَوقَ الصَّادِ فِى قَولِهِ تَعَالَىٰ: (وَٱللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُۜطُ) (فِى ٱلْخَلْقِ بَصْۜطَةً) يَدُلُّ عَلَى قِرَاءَتِهَا بِالسِّينِ لَا بِالصَّادِ لِحَفصٍ مِن طَرِيقِ الشَّاطِبِيَّةِ.

فَإِن وُضِعَتِ السِّينُ تَحتَ الصَّادِ دَلَّ عَلَى أَنَّ النُّطقَ بِالصَّادِ أَشهَرُ، وَذٰلِكَ فِى كَلِمَةِ (ٱلْمُصَۣيْطِرُونَ). أَمَّا كَلِمَةُ (بِمُصَيْطِرٍ) بِسُورَةِ الغَاشِيَةِ فَبِالصَّادِ فَقَط لِحَفصٍ أَيضًا مِن طَرِيقِ الشَّاطِبِيَّةِ.

وَوَضعُ هٰذِهِ العَلَامَةِ «ٓ» فَوقَ الحَرفِ يَدُلُّ عَلَى لُزُومِ مَدِّهِ مَدًّا زَائِدًا عَلَى المَدِّ الطَّبِيعِيِّ الأَصلِيِّ: (الٓمٓ) (ٱلطَّآمَّةُ) (قُرُوٓءٍ) (سِيٓءَ بِهِمْ) (شُفَعَٰٓؤُاْ) (وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُۥٓ إِلَّا ٱللَّهُ) (إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَسْتَحْىِۦٓ أَن يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا) (بِمَآ أُنزِلَ عَلَى تَفصِيلٍ يُعلَمُ مِن فَنِّ التَّجوِيدِ.

وَلَا تُستَعمَلُ هٰذِهِ العَلَامَةُ لِلدَّلَالَةِ عَلَى أَلِفٍ مَحذُوفَةٍ بَعدَ أَلِفٍ مَكتُوبَةٍ مِثلَ: (آمَنُواْ) كَمَا وُضِعَ غَلَطًا فِى بَعضِ المَصَاحِفِ، بَل تُكتَبُ (ءَامَنُواْ) بِهَمزَةٍ وَأَلِفٍ بَعدَهَا.

وَوَضعُ نُقطَةٍ كَبِيرَةٍ مَطمُوسَةِ الوَسَطِ هٰكَذَا «•» تَحتَ الحَرفِ بَدَلًا مِنَ الفَتحَةِ يَدُلُّ عَلَى الإِمَالَةِ وَهِىَ المُسَمَّاةُ بِالإِمَالَةِ الكُبرَىٰ وَذٰلِكَ فِى كَلِمَةِ (مَجْرِ۪ىٰهَا) بِسُورَةِ هُود.

وَوَضعُ النُّقطَةِ المَذكُورَةِ فَوقَ آخِرِ المِيمِ قُبَيلَ النُّونِ المُشَدَّدَةِ مِن

قَولِهِ تَعالىٰ (مَالَكَ لَا تَأْمَنَّا) يدُلّ على الإشْمَام ، وهُوضَمُّ الشَّفتَيْنِ كمَن يُرِيدُ النُّطقَ بالضَّمَّة إشَارَةً إلى أنَّ الحركَةَ المحذُوفة ضَمَّةٌ ، مِن غيْرِ أن يظهَرَ لذٰلِكَ أثَرٌ في النُّطق .

فَهٰذه الكلِمَة مُكوَّنةٌ مِن فعْلٍ مُضارِعٍ مرفوعٍ آخِرُه نُونٌ مضْمُومَة ، لِأنَّ (لَا) نَافِيَة . وَمِنْ مَفعُولٍ بِهِ أوَّلُه نُونٌ فَأصْلُهَا (تَأْمَنُنَا) بِنُونَيْن ، وَقَد أجْمَعَ كُتَّابُ المصَاحِفِ علىٰ رَسْمِهَا بِنُونٍ وَاحِدَةٍ ، وَفيهَا لِلقُرَّاءِ العشَرَة مَاعَدَا أبَا جَعْفَرٍ وَجْهَانِ :

أَحَدُهُمَا : الإشْمَام - وَقَد تقَدَّم - وَالإشْمَامُ هُنَا مُقارِنٌ لِسُكُون الحَرْفِ المُدْغَم .

وَثانيهمَا : الإخْفَاءُ ، وَالمرادُ بِهِ النُّطقُ بِثُلُثَي الحرَكةِ المضْمُومَةِ ، وَعلىٰ هٰذا يذْهَبُ مِنَ النُّون الأُولىٰ عند النُّطق بهَا ثُلُثُ حَرَكتِهَا ، وَيُعرَفُ ذٰلِك كلّهُ بِالتَّلَقِّي ، وَالإخْفَاءُ مُقدَّمٌ فِي الأدَاءِ .

وَقَد ضُبِطَتْ هٰذِه الكَلِمَةُ ضَبْطًا صَالِحًا لِكُلٍّ مِنَ الوَجْهَيْنِ السَّابِقَيْن .

وَوَضْعُ النُّقْطَةِ السَّالِفَةِ الذِّكْر بدُونِ الحرَكةِ مَكانَ الهَمزَة يَدُلّ علىٰ تَسْهِيل الهَمْزَة بَيْنَ بيْن ، وَهُوهُنَا النُّطقُ بالهَمْزَة بيْنَها وبَيْنَ الألِف . وَذٰلِكَ في كلِمَةِ (ءَاعْجَمِيٌّ) بِسُورَةِ فُصِّلَت .

وَوَضْعُ رَأسِ صَادٍ صَغِيرَةٍ هٰكذَا « ص » فوقَ ألِفِ الوَصْلِ (وَتُسَمّىٰ أيضًا هَمْزَة الوَصْلِ) يدُلّ علىٰ سُقُوطِهَا وَصْلًا .

وَالدَّائِرَةُ المحُلَّاةُ الَّتِي فِي جَوْفِهَا رَقْمٌ تدُلّ بِهَيْئَتِهَا على انتِهَاءِ الآيَةِ ، وَبِرَقْمِهَا

على عدد تلك الآيةِ فى السُّورة نحو: ﴿إِنَّآ أَعْطَيْنَٰكَ ٱلْكَوْثَرَ ۝١ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَٱنْحَرْ ۝٢ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ ٱلْأَبْتَرُ ۝٣﴾ ولا يجوز وضعُها قبلَ الآيةِ ألبتّة.
فلذلك لا توجدُ فى أوائلِ السُّورِ وتوجدُ فى أواخرِها.

وتدُلّ هٰذِه العَلامة «۞» على بدايةِ الأجزاء والأحزاب وأنصافِها وأرباعِها.

ووضعُ خطٍّ أُفُقِيّ فوقَ كلمةٍ يدُلّ على مُوجِبِ السّجدة.

ووضعُ هٰذِه العَلامَة «۩» بعدَ كلمةٍ يدُلّ على موضع السّجدة نحو:
﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ مِن دَآبَّةٍ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ۝٤٩ يَخَافُونَ رَبَّهُم مِّن فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ۩ ۝٥٠﴾

ووضعُ حرفِ السّينِ فوقَ الحرفِ الأخيرِ فى بعضِ الكلماتِ يدُلّ على السّكتِ فى حالِ وَصْلِهِ بما بعدَه سكتةً يسيرةً مِنْ غيرِ تنفُّسٍ.

وورَدَ عن حفصٍ عن عاصِمٍ السّكتُ بلا خلافٍ من طريق الشّاطبيّةِ على أَلِفِ (عِوَجًاۜ) بسُورةِ الكهفِ. وأَلِفِ (مَّرْقَدِنَاۜ) بسُورة يسٓ. ونُونِ (مَنْۜ رَاقٍ) بسُورةِ القِيامَةِ. ولامِ (بَلْۜ رَانَ) بسُورةِ المطفّفِينَ.

ويجوزُ لهُ فى هاءِ (مَالِيَهْۜ) بسُورةِ الحاقّةِ وجهانِ:
أحدُهما: إظهارُها مع السّكتِ، وثانيهما: إدغامُها فى الهاءِ الّتى بعدَها فى لفظِ (هلَكَ) إدغامًا كامِلًا، وذٰلك بتجريدِ الهاءِ الأُولى من السُّكون مع وضعِ علامةِ التّشديدِ على الهاءِ الثّانيةِ.

وقد ضُبِطَ هٰذا الموضِعُ على وجهِ الإظهارِ مع السّكتِ، لأنّه هُو الّذى عليه أكثرُ أهلِ الأداءِ، وذٰلك بوضعِ علامةِ السُّكون على الهاءِ الأُولى مع تجريدِ

الهاء الثّانيةِ من علامةِ التّشديدِ ، للدّلالةِ على الإظهار .

ووضعُ حرفِ السّين على هاءِ (مَالِيَهْ) لِلدّلالةِ على السّكتِ عليها سكتةً يسيرةً بدُون تنفُّسٍ لأنّ الإظهار لا يتحقّقُ وصلًا إلّا بالسّكتِ .

وإلحاقُ واوٍ صغيرةٍ بعدَ هاءِ ضميرِ المفردِ الغائبِ إذا كانت مضمُومةً يدُلّ على صِلةِ هٰذه الهاءِ بواوٍ لفظيّةٍ فى حالِ الوصلِ ، وإلحاقُ ياءٍ صغيرةٍ مردُودةٍ إلى خلف بعدَ هاءِ الضّميرِ المذكُورِ إذا كانت مكسُورةً يدُلّ على صِلتِها بياءٍ لفظيّةٍ فى حالِ الوصلِ أيضًا .

وتكونُ هٰذه الصّلةُ بنوعيها من قبيلِ المدّ الطّبيعيّ إذا لم يكن بعدها همز فتُمدّ بمقدارِ حركتين نحو قولهِ تعالىٰ : (إِنَّ رَبَّهُۥ كَانَ بِهِۦ بَصِيرًا) .

وتكونُ من قبيلِ المدّ المنفصلِ إذا كان بعدها همز ، فتُوضع عليها علامة المدّ وتُمدّ بمقدارِ أربعِ حركاتٍ أو خمس نحوُ قولهِ تعالىٰ : (وَأَمْرُهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِ) وقوله جلّ وعلا : (وَٱلَّذِينَ يَصِلُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ) .

والقاعدة : أنّ حفصًا عن عاصمٍ يصِلُ كلّ هاءِ ضميرٍ للمفردِ الغائبِ بواوٍ لفظيّةٍ إذا كانت مضمُومةً ، وياءٍ لفظيّةٍ إذا كانت مكسُورةً بشرطِ أن يتحرّكَ ما قبلَ هٰذه الهاءِ وما بعدها ، وتلكَ الصّلةُ بنوعيها إنّما تكونُ فى حالِ الوصلِ . وقد ٱستُثنى لِحفصٍ من هٰذه القاعدةِ ما يأتى :

(١) ـ الهاءُ من لفظِ (يَرْضَهُ) فى سُورةِ الزُّمرِ فإنّ حفصًا ضمّها بدُون صِلةٍ .

(٢) ـ الهاءُ من لفظِ (أَرْجِهْ) فى سُورتي الأعرافِ والشُّعراءِ فإنّه سكّنها .

(٣) ـ الهاءُ من لفظِ (فَأَلْقِهْ) فى سُورةِ النّملِ ، فإنّه سكّنها أيضًا .

وَإِذَا سَكَنَ مَا قَبْلَ هَاءِ الضَّمِيرِ المذكورَة ، وَتحرّكَ مَا بعدَهَا فإنّه لَا يصِلُهَا إلّا فى لفظ (فِيهِۦ) فى قولِهِ تعالىٰ : (وَيَخْلُدْ فِيهِۦ مُهَانًا) فى سُورَةِ الفُرْقَان .

أَمّا إذا سكنَ مَا بعدَ هٰذِه الهاءِ سَوَاءٌ أَكَانَ مَاقبلَهَا مُتحرّكًا أم سَاكِنًا فَإِنّ الهاء لَا توصَلُ مُطلقًا ، لِئَلّا يجتَمِعَ سَاكِنَان . نحو قولِهِ تعالىٰ : (لَهُ ٱلْمُلْكُ) (وَءَاتَيْنَٰهُ ٱلْإِنجِيلَ) (فَأَنزَلْنَا بِهِ ٱلْمَآءَ) (إِلَيْهِ ٱلْمَصِيرُ) .

تَنبِيهَاتٌ :

(١)-إِذَا دَخلتْ هَمزَةُ الاستِفهامِ على هَمزَةِ الوَصلِ الدَّاخِلةِ على لَامِ التَّعرِيفِ جَازَ لِحفصٍ فى هَمزَةِ الوَصلِ وَجهَانِ :

أَحدُهُمَا : إبدالُهَا أَلِفًا مع المدِّ المُشبَعِ «أَىْ بمقدَارِ سِتِّ حَرَكَاتٍ».

وَثَانِيهِمَا : تَسهِيلُهَا بَيْنَ بَين «أَىْ بَيْنَهَا وَبَيْنَ الأَلِف» مَعَ القَصرِ وَالمرادُ بِهِ عَدَمُ المدِّ أَصلًا .

وَالوَجهُ الأَوّل مُقدّمٌ فى الأَدَاءِ وَجرَىٰ عَلَيهِ الضَّبطُ .

وَقَد وَرَدَ ذٰلِكَ فى ثَلَاثِ كَلِمَاتٍ فى سِتَّةِ مَوَاضِعَ مِن القُرآنِ الكَرِيمِ :

(١)ــ (ءَآلذَّكَرَيْنِ) فى مَوضِعَيهِ بِسُورَةِ الأَنعَامِ .

(٢)ــ (ءَآلْـَٰٔنَ) فى مَوضِعَيهِ بِسُورَةِ يُونُسَ .

(٣)ــ (ءَآللَّهُ) فى قَولِهِ تَعَالىٰ : (قُلْ ءَآللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ) بِسُورَةِ يُونُسَ .

وفى قَولِهِ جَلَّ وَعَلَا : (ءَآللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ) بِسُورَةِ النَّملِ .

كَمَا يَجُوزُ الإِبدَالُ وَالتَّسهِيلُ لِبَقِيَّةِ القُرَّاءِ فى هٰذِهِ المواضِعِ، وَاختَصَّ أَبُو عَمرو

وَأَبُو جَعْفَر بِهَٰذَيْنِ الوَجْهَين فى قَولِهِ تَعَالَى : (مَاجِئْتُم بِهِ ٱلسِّحْرُ) بِسُورَةِ يُونس.
على تَفْصِيلٍ فى كُتُبِ القِرَاءَاتِ .

(ب)ـ فى سُورَةِ الرُّوم وَرَدَت كَلِمَةُ (ضَعْفٍ) مَجْرُورَةً فى مَوْضِعَيْن
وَمَنصُوبَةً فى مَوْضِعٍ وَاحِدٍ .

وذَلِكَ فى قَولِهِ تَعَالَى : (ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَكُم مِّن ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً) .

وَيَجوزُ لِحَفْصٍ فى هَٰذِهِ المَوَاضِعِ الثَّلاثَةِ وَجْهَان :
أَحَدُهُمَا: فَتْحُ الضَّادِ . وَثَانِيهِمَا: ضَمُّهَا
وَالوَجْهَان مَقْرُوءٌ بِهِمَا ، وَالفَتْحُ مُقَدَّمٌ فى الأَدَاءِ .

(ج)ـ فى كَلِمَةِ (ءَاتَىٰنِۦ) فى سُورَةِ النَّمْل وَجْهَان وَقْفًا :
أَحَدُهُمَا: إِثْبَاتُ اليَاءِ سَاكِنَةً. وَثَانِيهِمَا: حَذْفُهَا مَعَ الوَقْفِ عَلَى النُّون سَاكِنَةً
أَمّا فى حَالِ الوَصْلِ فَتَثْبُتُ اليَاءُ مَفْتُوحَةً .

(د)ـ وَفى كَلِمَةِ (سَلَٰسِلَاْ) فى سُورَةِ الإِنسَانِ وَجْهَان وَقْفًا :
أَحَدُهُمَا: إِثْبَاتُ الأَلِفِ الأَخِيرَة. وَثَانِيهِمَا: حَذْفُهَا مَعَ الوَقْفِ عَلَى اللَّام سَاكِنَةً.
أَمّا فى حَالِ الوَصْلِ فَتُحْذَفُ الأَلِفُ .

وَهَٰذِهِ الأَوْجُه الّتِى تَقَدَّمَت لِحَفْصٍ ذَكَرَهَا الإِمَامُ الشَّاطِبِيُّ فِى نَظْمِهِ المُسَمَّىٰ : «حِرْزَ الأَمَانِى وَوَجْهَ التَّهَانِى» الشَّاطِبِيَّة .

هَٰذَا ، وَالمَوَاضِعُ الّتِى تَخْتَلِفُ فِيهَا الطُّرُق ضُبِطَت لِحَفْصٍ بِمَا يُوَافِقُ طَرِيقَ الشَّاطِبِيَّة.

عَلَامَاتُ الوَقْفِ

مـ علامة الوقف اللّازم نحو: (إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ ٱلَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَٱلْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ ٱللَّهُ) .

ج علامة الوقف الجائز جوازًا مستوى الطرفين . نحو:
(نَّحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِٱلْحَقِّ ج إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ ءَامَنُوا۟ بِرَبِّهِمْ) .

صلى علامة الوقف الجائز مع كون الوصل أولى . نحو:
(وَإِن يَمْسَسْكَ ٱللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَ صلى وَإِن يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ) .

قلى علامة الوقف الجائز مع كون الوقف أولى . نحو:
(قُل رَّبِّىٓ أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِم مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ قلى فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ) .

∴ ∴ علامة تعانق الوقف بحيث إذا وُقف على أحد الموضعين لا يصح الوقف على الآخر . نحو:
(ذَٰلِكَ ٱلْكِتَٰبُ لَا رَيْبَ ∴ فِيهِ ∴ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ) .

فهرس بأسماء السور وبيان المكي والمدني منها

فهرست سوره های قرآن کریم وبیان مکی ومدنی

فهرست سوره های قرآن کریم وبیان مکی ومدنی

إنّ وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد

في المملكة العربية السعودية

المشرفة على مجمع الملك فهد

لطباعة المصحف الشريف في المدينة المنورة

إذ يسرّها أن يصدر المجمع هذه الطبعة من القرآن الكريم

وترجمة معانيه إلى اللغة الفارسية

تسأل الله أن ينفع به الناس

وأن يجزي

خادم الحرمين الشريفين الملك فهد بن عبد العزيز آل سعود

أحسن الجزاء على جهوده العظيمة في نشر كتاب الله الكريم

والله ولي التوفيق

وزارت شئون إسلامی و أوقاف و تبليغ وارشادِ
كشورِ عربستان سعودی
و مسئول و ناظر برمجمع ملك فهد برای **چاپ** قرآن كريم درمدينه منوره
باكمال مسرّت اين **چاپ** قرآن كريم
و ترجمه معانی آنرا به زبان فارسی از مجمع منتشرمی كند
وازدرگاه خداوند مسئلت داردكه آنرا باعث منفعت عموم مردمان قرار داده
وبه خادم حرمين شريفين ملك فهد بن عبدالعزيز آل سعود
مقابل مساعی فراوان ايشان درنشر كتاب كريم خداوند بهترين **پاداش** عطا فرمايد.
والله ولي التوفيق.

ص.ب 6262 مدینه منوره
موقع الإنترنت : www.qurancomplex.org
البريد الإلكتروني : kfcphq@qurancomplex.org

ⓒ مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ١٤١٧هـ
فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية أثناء النشر

القرآن الكريم وترجمة معانيه إلى اللغة الفارسية/ ترجمة مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف ـ المدينة المنورة.

١٢٣٢ ص، ١٤ × ٢١ سم

ردمك ٢ ـ ١٩ ـ ٧٧٠ ـ ٩٩٦٠

١ ـ القرآن ـ ترجمة ـ اللغة الفارسية ٢ ـ القرآن ـ تفسير

أ ـ مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف (مترجم)

ديوي ٤٩١٥٥٥، ٢٢١ ١٧/١٠٥١

رقم الإيداع: ١٧/١٠٥١
ردمك: ٢ ـ ١٩ ـ ٧٧٠ ـ ٩٩٦٠

(٤٠٠٠/د٢٦) (٦) (٠١) ردمك: ٢ ـ ١٩ ـ ٧٧٠ ـ ٩٩٦٠